



انتشارات دانشگاه تهران  
۲۶۴۸

# تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی

با کان رهپیاو

## نام های علمی

یایسا اواچیل

جلد اول

باماء الصق الجزاج و هو شوم

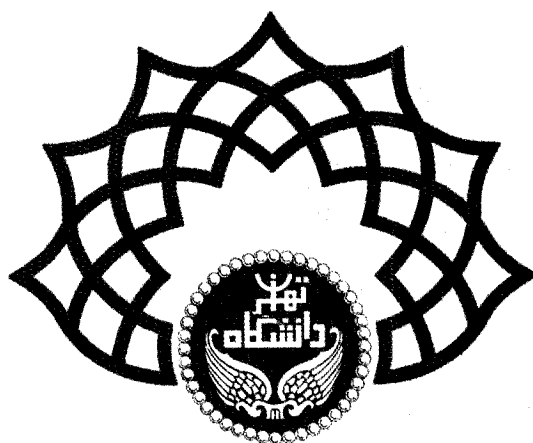
قطار السول و الرکس مع الخمر

مفتدی اقرأ الثقافی

[www.iqra.ahlamontada.com](http://www.iqra.ahlamontada.com)

تاریخ گیاهان دارویی  
روش استفاده از منابع و متون قدیمی گیاهان دارویی  
نام های کهن گیاهان دارویی  
واژگان و نام های کهن در شناخت نام های علمی گیاهان

دکتر احمد قهرمان استاد دانشگاه تهران  
احمد رضا اخوت



هفتادمین سال تاسیس دانشگاه تهران - ۱۳۸۳

۷۰ کنج از ۷۰ سال کنجینه  
دانشگاه تهران

تفصیح نام های کهن گیاهان دارویی  
بانام های علمی

جلد اول

۱۳



## پیشگفتار ناشر

گرچه دانشگاه تهران، هفتاد سال پیش پدید آمد، اما یک دهه و اندی پس از آن بود که انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵ خورشیدی از آن رویش باشکوه، جوانه زد و بر شاخسارش شکوفه‌های خرد و اندیشه شکفتند و در همان سال نیز به بار نشستند. دیری دیگر، هنگامی که دانشگاه تهران درختی تناور شد، گشن و پر شاخسار، بر سرتاسر ایرانزمین سایه گستراند. انتشارات نیز هم گام با آن رشد شتاب‌آلود، پیشروی به عمق و درون را آغاز کرد تا بتواند از فرهنگ و دانش ره‌توشه‌ها به مشتاقان ارمغان کند.

اینک، که بیش از نیم سده از عمر انتشارات دانشگاه تهران، به مثابه نخستین ناشر دانشگاهی ایران، می‌گذرد، مفتخریم اعلام داریم که در طول این سال‌ها بسیاری از متون پارسی را به همت استادان فرهیخته‌ای که از استوانه‌های علم و فرهنگ و ادب این سرزمین کهن بوده‌اند، از دهلیزهای تار تاریخ بیرون کشیدیم، به زیور چاپ آراستیم و به خوانندگان عرضه کردیم. همچنین می‌توانیم ادعا کنیم و بر این ادعا پای بفشیریم که این انتشارات دانشگاه تهران بود که سرآغازگر آشنایی مردم میهنمان با آثار فرهنگی، متون و نیز نوشتارهای دانش جهانی شد،

و در سلسله انتشارات دانشگاه تهران است که می‌توان تاریخ تطور علوم جدید را در سرزمین‌مان و در نیم قرن گذشته جستجو کرد. تا آن‌جا که امروز، شمار عناوین کتاب‌های چاپ نخست انتشارات دانشگاه تهران، فزون از دوهزار و هفتصد عنوان است.

اینک به فرخندگی هفتادمین سال پدیداری دانشگاه تهران، این اثر را به همه خواهندگان، به‌ویژه آنان که این شکوه ماندگاری، برآمدی بر تلاش سترگ آنان بود، ارمغان می‌کنیم.

باشد تا انتشار هفتادگنج از گنجینه‌های انتشارات دانشگاه تهران رهاورد پربار این سال باشد.

دکتر محمد شکرچی‌زاده

سرپرست مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

**تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی  
با نام های علمی  
جلد اول**

- تاریخ گیاهان دارویی
- روش استفاده از منابع و متون قدیمی گیاهان دارویی
- نام های کهن گیاهان دارویی
- واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان

**احمد قهرمان**

استاد گیاهشناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران

**احمد رضا اخوت**

عضو علمی گروه زیست شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲۶۴۸

شماره مسلسل ۴۸۰۸

قهرمان، احمد، ۱۳۰۷ -  
 تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی ... / احمد قهرمان، احمد رضا اخوت. -  
 تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۳ -  
 ج: جدول. - (انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۲۶۴۸)  
 ISBN 964-03-4808-2 (ج. ۱): ۸۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
 ص.ع. به انگلیسی:  
 Ahmad Ghahreman, Ahmad Reza Okhovvat.  
 Matching the Old Medicinal Plant Names With Scientific  
 Terminology.

۱. گیاهان دارویی -- نامها -- واژه‌نامه‌ها. ۲. گیاهان دارویی -- واژه‌نامه‌ها -- چندزبانه. ۳.  
 فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- چندزبانه. ۴. واژه‌نامه‌های چندزبانه. الف. اخوت، احمد رضا. ب. عنوان  
 ۱۳۸۳ ۵۸۰/۳ QK ۹۹/۱۱ ق ۹  
 کتابخانه ملی ایران  
 ۸۲-۳۵۲۷۶ م

شابک ۹۶۴-۰۳-۴۸۰۸-۲ ISBN 964-03-4808-2

عنوان: تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی

تألیف: دکتر احمد قهرمان، احمد رضا اخوت

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۳ (چاپ اول)

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

بها: ۸۵۰۰ ریال

پست الکترونیک: Press@ut.ac.ir - آدرس سایت: Press.ut.ac.ir

# فهرست

عنوان

پیش سخن

مقدمه

- ۱ ..... تاریخ شناخت گیاهان دارویی
- ۱۲ ..... روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی
- ۱۲ ۱- ضرورت برگردان متون طبّی کهن و تعیین معادل نام علمی آن ها .....
- ۱۴ ۲- روش استفاده از متون قدیم .....
- ۱- ۲- شناخت دوره های اوج طب در ادوار تاریخ کهن و تفکیک کتب  
بجای مانده از این دوره ها.....
- ۱۴ ۲- ۲- عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار.....
- ۱۵ ۲- ۳- معادل یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی .....
- ۱۵ ۲- ۴- تفکیک عناوین و روش های تجربی و استدلالی در متون قدیم.....
- ۲- ۵- لزوم تصحیح ادبی نوشتاری متون قدیمی، دسته بندی موضوعات  
مختلف آن ، برای ایجاد فرهنگ طب گذشته .....
- ۱۵ ۳- روش شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن.....
- ۱۷ ۴- نام ها، نشانه ها و واژگان گیاهان دارویی متون کهن.....
- ۱۷ ۱- ۴- تفکیک و طبقه بندی نام ها در متون گذشته.....
- ۱۹ ..... آمار نام های محلی عربی و معرب .....
- ۲۰ ..... آمار نام های محلی غیر عربی .....
- ۲۱ جدول ۱- آمار نام های کهن گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الادویه
- ۲۱ جدول ۲- آمار نام های گیاهان دارویی در کتاب جامع ابن بیطار.....
- ۲۱ جدول ۳- آمار نام های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه.....
- ۲۲ ۲- ۴- اثر برخوردها و یا تداخل فرهنگ ها در گوناگونی نام گیاهان دارویی..
- ۲۲ ۳- ۴- نگاهی بر تحول نام های کهن گیاهان دارویی در کتب فوق و نتایج آن



۲۳	..... ۴ - ۴ - نکاتی در مورد نام ها
۲۴	..... ۵ - ۴ - منابع مورد استفاده کتاب
۲۸	..... فصل اول : نام های کهن گیاهان دارویی با ترتیب الفبایی زیر
۳۴	..... حرف الف
۷۰	..... حرف ب
۹۳	..... حرف ت
۱۰۰	..... حرف ج
۱۱۰	..... حرف ح
۱۲۷	..... حرف خ
۱۴۱	..... حرف د
۱۴۹	..... حرف ذ
۱۵۲	..... حرف ر
۱۶۰	..... حرف ز
۱۶۶	..... حرف س
۱۸۳	..... حرف ش
۱۹۴	..... حرف ص
۱۹۷	..... حرف ض
۱۹۹	..... حرف ط
۲۰۰	..... حرف ظ
۲۰۰	..... حرف ع
۲۱۸	..... حرف غ
۲۲۱	..... حرف ف
۲۳۱	..... حرف ق
۲۴۸	..... حرف ک
۲۶۰	..... حرف ل
۲۷۰	..... حرف م
۲۸۷	..... حرف ن
۲۹۳	..... حرف و

۲۹۶	..... حرف ه
۲۹۹	..... حرف ی
۳۰۲	..... فصل دوم : واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی
۳۰۵	..... ۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی
۳۰۵	..... ۱ - ۱ - نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی
۳۰۵	..... ۱ - ۲ - نگارش و آوانویسی درست حروف عربی ، فارسی ، سریانی ، بربری
۳۰۵	..... الف - نگارش حروف یونانی به حروف عربی ، فارسی ، سریانی ، بربری
۳۰۶	..... ب - نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی
۳۰۷	..... ج - معرب حروف لاتینی حسب کتاب ابن بیطار
۳۰۸	..... ۱ - ۳ - فهرست نام های علمی با منشاء نام های یونانی
۳۲۲	..... ۲ - برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم
۳۵۸	ضمیمه ۱ : فهرست نام های کهن گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا.....
۴۴۴	..... ضمیمه ۲ : فهرست نام های کهن گیاهان دارویی در زبان های مختلف
۴۴۶	..... ۱ - نام های عربی و معرب
۴۸۱	..... ۲ - نام های فارسی و محلی
۴۹۳	..... ۳ - نام های یونانی ، لاتینی و رومی
۵۱۰	..... ۴ - نام های هندی ، سندی و بنگالی
۵۱۵	..... ۵ - نام های سریانی
۵۱۸	..... ۶ - نام های بربری و نبطی
۵۲۰	..... ۷ - نام های ترکی
۵۲۱	..... ۸ - نام های متفرقه
۵۳۴	..... ضمیمه ۳ : فهرست نام های علمی و انگلیسی
۵۳۶	..... ۱ - نام های علمی گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا
۵۸۹	..... ۲ - نام های گیاهان دارویی به ترتیب خانواده
۶۴۲	..... منابع



## پیش سخن

در دو دهه اخیر استفاده از گیاهان دارویی به هر دلیل بیشتر شده است و کتاب‌های گیاهان دارویی بسیاری، با ارزش‌های علمی متفاوت و غالباً کم محتوا، چه در شناخت و چه در کاربری گیاهان دارویی تالیف یا ترجمه شده است. بررسی کتاب‌های گیاهان دارویی تالیفی و یا ترجمه‌ای بازار، همه حاکی از چند گیاه دارویی شناخته شده معمولی، با محتوای یکسان و برگردان و یا برگرفته از کتاب‌های معمولی گیاهان دارویی عرضه شده در پیشخوان سوپر مارکت‌های اروپایی و آمریکایی است و فاقد اعتبار و یا منابع علمی قابل ملاحظه‌اند. در حال حاضر بازار کتاب اشباع از این قبیل کتاب‌های گیاهان دارویی است و هر از چند گاه نیز کتاب‌های دیگری با همان محتوا، با شکل و نحوه تبلیغ تازه و با شرحی از فواید و خواص اغراق آمیز و معجزه آسای درمان با گیاهان محتوای آن‌ها انتشار می‌یابد. گذشته از این دسته کتب، کتاب‌هایی نیز با عناوین گیاهان دارویی سنتی، گیاهان شفابخش طب سینیایی و از این قبیل، با ذکر نام گیاهانی که تقریباً در همه آن‌ها تکراری است و با مولفان مختلف و غالباً بدون ذکر منابع مورد استفاده، چاپ و عرضه می‌شود. انتشار این قبیل کتب، همراه با تبلیغات و ذکر شواهد درمانی گیاهان مذکور در آن‌ها و پیدایش موسسات گوناگون خصوصی، نیمه خصوصی و دولتی و همچنین نهادهای دست اندرکار گیاهان دارویی و تجارت آن، باعث ظهور خودجوش برخی تشکیلات مخفی و یا نیمه آشکار در خرید و فروش گیاهان دارویی شده است. عرضه انواع گیاهان با عناوین دارویی، در بسته بندی‌های رنگارنگ و یا بصورت عرقیات در سوپرمارکت‌ها و یا دکان‌هایی با نام‌های طب علفی همگی سبب شده‌اند تا افرادی بدون هیچ مدرک علمی خود را متخصص درمان بوسیله این گیاهان دانسته و با برپایی تابلوهای بزرگ و چراغ نئون، به تبلیغ بسیار گسترده و وسیع این دکان‌پردازند و ذهن برخی مردم بی اطلاع را با این تبلیغات غیر واقعی هدف سودجویی خود قرار دهند. متأسفانه هیچ کنترلی بر کار آن‌ها نیست و چنان بازار آشفته مخفی از کاسبی و تجارت گیاهان با عناوین دارویی (که اغلب مستقیماً از طبیعت برداشت می‌شوند) بوجود آمده است که هر سودجوی فرصت طلب و ناآشنا به طب و درمان و ناشناسای گیاهان دارویی خود را صاحب تجربه معرفی کرده و شیادانی نیز بساطی از گیاهان به عنوان دارویی و

طب سنتی گسترده، از اعتماد و باور خلق ساده و غالباً کم در آمد استفاده می‌کنند و چشم به کیسه بضاعت بیماران لاعلاج و بستگان مستاصل آن‌ها داشته باشند. ناگفته نماند موسسات علمی و پژوهشی و دانشگاهی یا غیر دانشگاهی و تحقیقاتی نیز وجود دارند که به کار تحقیق در خواص عصاره و ترکیبات و اثر گیاهان دارویی بدون هیچ تبلیغی مشغول هستند.

در حال حاضر بکارگیری تکنولوژی تهیه دارو از گیاهان و شناخت مولکول‌های موثر آن، باعث درآمدهای کلان کشورهای صاحب تحقیقات و تکنولوژی پیشرفته داروسازی شده است. این موسسات سالیانه ده‌ها میلیارد دلار فقط صرف تحقیقات این کار می‌کنند. همچنین موسسات کارتل ماندی برای تهیه دارو از گیاهان و تجارت آن در گوشه و کنار جهان وجود دارد. و هر روز مولکول‌های موثری در گیاهان کشف و برای ساخت (کپی) آن الگو برداری می‌شود و با تغییر مولکول‌های همین گیاهان گرانتین داروها را می‌سازند. مقایسه بهره‌ناچیز و روش ابتدایی و قدیمی ما از این گیاهان، نسبت به استفاده کلان اقتصادی همراه با تکنولوژی پیشرفته از گیاهان دارویی در دیگر کشورهای جهان که از نظر غنای این ثروت خدادادی در حد ما نیستند نشان از اتلاف آشکار این ثروت عظیم کشور دارد و بسیار جای تاسف است، و تاسف بیشتر برداشت غیر مسئولانه این گیاهان به طور انبوه از محیط است که باعث انهدام و انقراض آن در طبیعت می‌گردد، و خود فاجعه‌ای است نامعقول در هدر رفتن ثروت ملی و برهم خوردن شرایط تعادل زیست محیطی کشور، و این در حالی است که بهره‌گیری درست آن می‌تواند جای در آمد نفت را بگیرد. اگر مسئولان کشور از هم اکنون به نتایج این برداشت‌ها از طبیعت توجه نکنند، در آن صورت باید پاسخگوی نسل‌های آینده باشیم که بی شک فرهیخته‌تر از ما هستند.

استفاده از گیاهان دارویی در ایران سابقه چند هزار ساله دارد و گذشته از دوران کهن در دوران اسلامی آثار گرانبهایی از دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی در سرزمین ما جا مانده است. برخی از این آثار در یکی دو قرن اخیر، به زبان‌های اروپایی ترجمه گردیده است. به هر حال این حدیثی از سابقه درخشان کاربرد گیاهان دارویی و فرهنگ گذشته ایران است. و اکنون باید متناسب با پیشرفت علم و تکنولوژی از گیاهان دارویی بهره گرفت و اگر کسی ادعا کند در عصر حاضر هم باید از همان روش و شیوه بزرگان علم

طب گذشته ایران (همچون روش بوعلی سینا که به طب سینایی معروف است) از گیاهان دارویی استفاده کرد، بی شک در خواب قرون باقی مانده است. البته جای شک نیست که توجه به تجربه نسل‌ها در استفاده از گیاهان دارویی که پایه دانش این بزرگان را تشکیل می‌داد، امروزه نیز بسیار ارزشمند است. اما پرسش اینست اگر پورسینا (بنا به فرض) امروز هم می‌بود باز همان تجویز ده قرن پیش خود را داشت؟! که بسیار بعید است.

در هر صورت طرح عناوین استفاده از گیاهان دارویی با همان تجویز طبیبان و بزرگان علم پزشکی قدیم در واقع بهانه‌ای برای این مدعیان جهت برداشت گیاهان از طبیعت نیمه خشک ایران و دستبرد به این میراث طبیعی کشور و انهدام آن‌ها است. این مدعیان که حتی نام گیاهان مورد کاربرد این بزرگان را نمی‌دانند، با عنوان نمودن استفاده از روش آنها، نه تنها به ساحت علمی این مفاخر طب گذشته ما بی احترامی می‌کنند بلکه برای جامعه علمی ما در این روزگار پیشرفت سریع علم و توسعه تکنولوژی حقارت آمیز و بازگشت به قرون گذشته و تحقیر عقب ماندگی درخداشه دار کردن فرهنگ علمی حال و گذشته است. متأسفانه در این ماجرای ناخوشایند گاهی برخی با عنوان پزشک و داروساز و حتی با عناوین عضویت در دانشگاه‌های کشور به نحوی با آن‌ها مشارکت دارند.

در سال ۱۳۷۰ که تب کاربرد گیاهان دارویی با عنوان درمان با روش طب سنتی تقریباً بالا گرفته بود و انواع بسته بندی گیاهان دارویی، با تبلیغات وسیع در هر داروخانه و سوپر مارکت و حتی خواربار فروشی‌ها و بالاخره در بازارهای دارویی فروخته می‌شد. محققان و اعضای هرباریوم مرکزی دانشگاه تصمیم به بررسی محتویات این بسته‌ها و مطابقت آن با نام روی بسته‌ها گرفتند. متأسفانه در همان ابتدای بررسی معلوم شد که محتوای بسته‌ها با نام علمی آن‌ها مطابقت ندارد و خواص قید شده نیز مربوط به آن‌ها نیست و در مواردی حتی گیاهان خرد شده داخل بسته‌ها ناشناخته بود. نتیجه مقدماتی این بررسی‌ها سبب شد تا بررسی دقیق آن موضوع طرح تحقیقاتی رساله کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی گیاهان دارویی بازار و عطاری‌ها" باشد و به عهده دانشجویی که سابقه‌ای در موسسه تحقیقات گیاهان دارویی داشت قرار گیرد. مقایسه بررسی محتویات بسته بندی‌های جمع آوری شده از بازار با اقلام خریداری شده با همان نام از عطاری‌های سنتی، نه تنها یکی نبود، بلکه با نام علمی آن‌ها نیز در بیشتر موارد مطابقت

نداشت و غالباً دو چیز متفاوت بود. نتیجه آماری این بررسی‌ها بسیار هشدار دهنده و نشان از آشفتگی این بازار بود. لذا بررسی آشفتگی و هرج و مرج بازار گیاهان دارویی، موضوع رساله کارشناسی ارشد دیگری شد تا اولاً معلوم شود نام گیاهان دارویی مورد شناسایی مثلاً بوعلی سینا یا ابن بیطار و دیگران در گذشته چه بوده است و چگونه و با مراجعه به چه منابعی تهیه کنندگان این بسته بندی‌ها آن نام‌ها را روی بسته بندی‌های تهیه شده خود گذاشته‌اند و همچنین منشا نام‌هایی را که عطاری‌ها معمولاً سینه به سینه می‌شناخته و می‌شناسند چیست. پس از سه سال کار روی روش‌های تطبیق نام گیاهان دارویی که در حد یک رساله کارشناسی ارشد بود، به این نتیجه رسیدیم که برای دستیابی به روش تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی آن‌ها که حداقل ۲۳ قرن سابقه مکتوب دارد. می‌باید کاری چند ساله را شروع کرد. خوشبختانه کار پژوهشی سه ساله آقای احمد رضا اخوت برای مسائل مقدماتی این تحقیق آماده شد و با ادامه این پژوهش اکنون ایشان اصلی‌ترین همکار و شریک شایسته این تحقیق می‌باشند. ضمناً می‌باید از سرکار خانم دکتر فریده عطار که در تمام موارد تطبیق نام‌های علمی و جدا نمودن مترادف‌ها و پژوهش نظام یافته در طبقه بندی موضوع کتاب با ما همکاری مداوم داشتند و از استاد فاضل و دانشمند جناب آقای دکتر موسی ایرانشهر که همیشه راهنما و همکار و مشوق این تحقیق بودند تشکر نمایم، همچنین از عضو دیگر هرباریوم مرکزی دانشگاه آقای مهندس کاظم مهدیقلی که تجربه فراوان در کار گیاهان دارویی و شناخت بازار آن داشته‌اند و از آقای دکتر غلامرضا امین که مشاور آقای احمد رضا اخوت در تهیه رساله کارشناسی ارشد بوده‌اند و از همه عزیزانی که ما در این پژوهش همراهی نموده‌اند، صمیمانه تشکر نمایم

احمد قهرمان

## مقدمه

نام هر کس یا هر چیز معرف هویت آن است. همه چیز با نام شناخته می شود. لفظ یا کلمه «نام» در هر زبانی ریشه عمیق در پیدایش تمدن و تشکیل هر جمعیت دارد. با آنکه نام‌ها در جوامع بدوی و کهن تاریخ، مفهوم گسترده کنونی را نداشته و آواهای ساده بیش نبوده‌اند، ولی افراد خانواده های ابتدایی تاریخ و یا جمعیت‌های قبیله مانند انسان‌های اولیه، با همان «آواهای نام گونه» یکدیگر و موجودات و اوضاع اطراف را می‌شناختند و مثلاً متوجه می‌شدند هر آوا نام کدام حیوان درنده و یا بی‌آزار و پرنده یا خرنده است و یا نام، مربوط به گیاهی خوراکی، سمی، بدطعم و نامطبوع است و یا به عوامل محیطی و اوضاع اطراف مربوط می‌شود.

نامگذاری‌های اولیه به هر ضرورتی و به هر دوره‌ای که مربوط باشد، آغاز راه انتقال آگاهی‌ها و ارتباط بین افراد خانواده‌ها و قبیله‌های بدوی بوده است.

شاید آغاز تکلم و ارتباط آوایی بین انسان‌های روزگاران کهن و ما قبل تاریخ همین «آواهای نام گونه» بوده است. تاریخ پیدایش نام و نامگذاری و بررسی آن نیاز به تخصص زبان شناختی و شناخت جوامع اولیه انسانی دارد که در هر صورت خارج از تخصص ما است. اما همین آواهای نام گونه احتمالاً در جریان توسعه و پیشرفت جوامع اولیه در، مکان‌های مختلف جهان و پیدایش زبان در تمدن‌ها موثر بوده است. نام‌ها با پیشرفت فرهنگ در تمدن‌های پراکنده جهان به تدریج مفهوم عمیق و گسترده پیدا نمودند و بدیهی است در زبان‌های متفاوت، هر شئی یا هر موجودی با ماهیت واحد نامی شناخته شده در آن تمدن و فرهنگ پیدا کرد و در عین حال نسبت به تعالی تمدن و زبان آن جمعیت، نام تداعی کننده بسیاری از خصوصیات و حتی ذات اصلی صاحب آن شد. در جهان کنونی نام اصلی‌ترین معرف هر چیز و هویت هر کس و تغییر ناپذیر است. با پیشرفت سریع و همه جانبه علوم در زمینه‌های مختلف، به ویژه علوم طبیعی و تجربی، وجود نام‌های گوناگون یک گیاه یا یک حیوان در زبان‌های متفاوت جهان، انتقال آگاهی‌های علمی و نشر دانش و پیشرفت جهانی علم را مشکل می‌نمود. لذا دانشمندان علوم طبیعی (به ویژه لینه پدر نامگذاری علمی) از قرن هیجدهم به بعد با طرح قواعد علمی نامگذاری (نوموکلاتور) و اصول رده بندی موجودات و تعریف گونه



به عنوان واحد رده بندی، باعث شدند تا، نام علمی و اصول نامگذاری برای گیاهان و جانوران و دیگر واژگان به مجامع علمی ارائه گردد. در عصر ما نیز هر چند سال یک بار کنگره ای با حضور دانشمندان جهانی این علم در یکی از کشورهای جهان برای نامگذاری علمی و تعیین "کُد" های آن با عنوان مجمع جهانی (نوموکلاتور) معروف است.

اما نام های کهن گیاهان دارویی که خارج از این قواعد قرار دارد و تطبیق آن با نام های علمی و یا معادل که موضوع کتاب حاضر است در زبان های قومی و قبیله ای و تمدن ها و فرهنگ های سرزمین های مختلف سوابق چند هزار ساله دارد و در طول تاریخ با برخورد تمدن ها و بروز جنگ ها از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر وارد و در این تداخل گاه چنان دچار سایش از گویش های قومی قرار گرفت و در پوششی از خاکستر قرون و ابر زمان فرو رفت که دست یابی به واقعیت و منشاء آن اگر ناممکن نباشد بسیار مشکل است.

البته از همان آغاز مشکلات این پژوهش برای ما کاملاً محسوس و معلوم بود و ما با وقوف به آن با جمع آوری تمام منابع موجود مانند کتاب های خطی و مراجعه به کتابخانه های معتبر، مانند کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه آستان قدس رضوی و مطالعه فهرست کتاب های کتابخانه مجلس و مطالعات منابع دیگر را آغاز کردیم و رده بندی کتاب ها و منابع خارج از ایران را برای هر قرن قبل و بعد از میلاد مسیح و دوران اسلامی تا قرن حاضر آغاز نمودیم و نام گیاهان دارویی را در متون مختلف از زبانی به زبانی دیگر غربال کردیم تا بتوانیم در حد امکان به نام اصلی و اولیه گیاه نزدیک شویم و از تغییرات آن در برخورد تمدن ها و تداخل فرهنگ ها به ویژه فرهنگ شرق و غرب در هر قرن آگاه گردیم و برگردان نام ها را نیز در زبان های این دوره ها از نظر دور نداریم و به شرح گیاهان در متون مختلف که غالباً غیر علمی و نا مفهوم و عجیب با نام گیاه بوده است دقت کردیم و برای فهم آن گاه به رمزگشایی واژگان در شرح ها پردازیم و در جریان این پژوهش گاه ناچار به ترجمه بخش بزرگی از کتب قدیمی و یا تمامی آن کتب دارویی بشویم، از آنجمله برگردان تمامی متن کتاب تفسیر دیسکورید و تنقیح الجامع ابن بیطار در متن این کتاب است که جا به جا دیده می شود. فهرست بقیه منابع مورد استفاده در پایان کتاب ذکر شده است.

## تاریخ شناخت گیاهان دارویی

آغاز شناخت گیاهان دارویی تمدن یونان و رم / غرب قدیم  
اگر از دوران ماقبل تاریخ بگذریم تاریخ کهن شناخت گیاهان دارویی به عهد عتیق و به دوران ارسطو بر می‌گردد.

ارسطو (۳۳۰ ق.م) اولین کسی است که آثار و مطالبی مکتوب مربوط به شناخت گیاهان دارد. البته قبل از او در آثار کهن مصر (حدود ۲۶ قرن ق.م) در «پاپیروس»ها (*Papyrus*) و «ابرز» (*Ebers*) مطالبی از گیاهان با شرح خاصی از موارد استفاده از آنها باقی مانده است. ولی ارسطو نخستین اندیشمندی است که از رشد و نمو گیاهان، ماده سازی و از تفاوت آنها و چگونگی استفاده آنها از مواد خاک [سیاه خاک] مطالبی نوشته است. نوشته او بدون هیچ مبنای علمی تا چندین قرن بعد از او مورد قبول همه بود و حتی تدریس می شد.

«توفراست» یا «توفراستوس» شاگرد ارسطو که در سالهای ۲۵۸-۳۷۰ قبل از میلاد طیب بود [و بعدها به او پدر گیاه‌شناسی گفته‌اند]، علاوه بر آن که پیرو فلسفه استاد خود ارسطو بود تحت تأثیر نظریات «پلاتو» (*Plato*)<sup>(۱)</sup> استاد ارسطو نیز قرار داشت. او رده بندی بسیار ابتدایی از روی ریختار یا قیافه [*Habit*] گیاهان، چرخه رشد، یک ساله یا چند ساله بودن، شکل گل آذین و نحوه رشد آن و همچنین وضع گلبرگ‌های گل‌ها در کتابی به نام «هیستوریا پلانتاروم» (*Historia Plantarum*) بر مبنایی مبهم و ناشی از استنباطات خود، دارد. او بر این مبنای و تفکر ۴۸۰ گیاه را در کتاب مزبور رده بندی نمود که اساس آن کاملاً دور از حقیقت و واقعیت است. متأسفانه این نظر از ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا قرن ۱۸ ماخذ و مبنای نگارش کتاب‌ها و آثار بسیار دیگر بود. توفراست به مقتضای شغل خود از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد. [متأسفانه آثاری در این مورد از او باقی نمانده است]

بعد از توفراست باید از بقراط یا «هیپوکرات» (*Hippokrates*) بزرگ‌ترین پزشک جهان باستان و هم عصر توفراست (۱۳۱ ق.م) نام برد که ادامه مکتب او بعدها منجر به مکتب طب جالینوسی شد. از این دانشمند که از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد مطالب و آثاری از نحوه درمان با گیاهان دارویی و یا توسط مواد گیاهی باقی مانده است.

بعد از این دانشمندان عهد عتیق می‌باید در سال‌های ۷۹ تا ۲۳ بعد از میلاد مسیح از «پلینی کهن» یا از «کارینوس پلینوس سکوندوس» (*Gaius Plinius Secundus*) یاد کنیم. او مجموعه آثاری در ۳۷ جلد به نام «تاریخ طبیعی» حاوی دانش‌ها و اطلاعات عصر و زمان خود دارد. ۹ جلد از مجموعه آثار او مربوط به گیاهان دارویی است که متأسفانه همه مطالب آنها غیر واقعی و دور از حقیقت است. و جای تأسف است که تا قرن‌های بعد، یعنی تا پایان قرون وسطی آثار او سایه‌ای سنگین و تاریک بر بروز و ظهور آثار

علمی گیاه شناختی انداخته و سبب رکود این علم شده بود.

در همین عصر می‌باید از «دیوسکورید» (پدانیوس دیوسکوریدس) (*Pedanius Dioscorides*) طبیب و جراح، به ویژه جراح و طبیب ارتش روم در زمان نرون (در سال‌های ۷۵-۴۵ بعد از میلاد مسیح) اشاره کنیم که پس از تئوفراست، مشهورترین دانشمند در شناخت گیاهان دارویی دوران عتیق است. دیسکورید چون جراح ارتش امپراتوری روم بود همراه با ارتش مهاجم روم مسافرت‌های بسیاری به خارج از روم داشت. و از موقعیت این سفرها توانست از خواص گیاهان دارویی متداول در نقاط مختلف جهان آن روز اطلاعات فراوانی کسب کند و مجموعه اطلاعات و دانسته‌های خود را در کتابی معروف به نام «ماتریا مدیکا» (*Materia Medica*) که شامل شرح و خواص حدود ۶۰۰ گیاه دارویی است بنویسد. بعدها او با افزودن تصاویر جالب بر این کتاب کاربرد و معرفیت آن را بالا برد. نام ماتریا مدیکا [کتاب او] بتدریج کم رنگ و به نام خود او [دیسکورید] معروف شد. این کتاب در طول ۱۵ قرن به چنان شهرتی رسید که فقط گیاهان ذکر شده در آن اعتبار دارویی داشتند.

معروف‌ترین نسخه این کتاب پس از سال‌های طولانی از تاریخ انتشار آن، برای «جولیان» (*Juliana*) دختر امپراطور وقت روم «فلایوس اولی بریوس آئیئوس» (*Flavius Olybrius Anieius*) تهیه شد. نسخه‌های کلیشه‌ای این کتاب امروزه در کتابخانه‌های دنیا و نسخه اصلی و خطی آن در وین وجود دارد. در مورد این کتاب باید گفت با آن که خواص هر گیاه ذکر شده در آن فاقد هرگونه واقعیت علمی و پر از مطالب غیرواقعی است ولی تا یک قرن پس از هزاره میلاد مسیح همه آثار و کتب مربوط به گیاهان دارویی انتشار یافته در غرب غالباً ترجمه‌ای از دیسکورید و یا برگرفته از آن بود که ذکر همه آنها باعث اطاله مطالب ما است.

### پیشگامان و نامداران دانش شناخت گیاهان دارویی در شرق

هزاره اول میلاد مسیح دوران طلوعه دانش گیاه‌شناختی در شرق است که تاریخی جدا از غرب دارد و با جنبه‌های کاربردی در درمان و تهیه داروهای گیاهی و مواد پزشکی معمول در شرق مشخص می‌شود. اما در عین حال بخشی از آن متأثر از شیوه‌های درمان غرب آن روز به ویژه روش دیسکورید و بخش عمده آن خاص شرق است. متأسفانه همه آگاهی‌ها و آشنایی‌ها به خواص داروها و گیاهان دارویی و همه دانستنی‌ها در مورد این گیاهان در شرق به علت عدم نشر آن‌ها [نسخه‌برداری‌های مکرر یا چاپ]، در داخل قوما و قبایل دور از هم سرزمین‌های شرقی و در سینه طبیبان، به صورت بسته و محدود باقی ماند و کمتر از آن خارج شد. بشریت وقتی در پژوهش‌های خود از این تجربیات گران قیمت قومی اطلاع یافت که جنگ‌هایی بین تمدن‌های ایران و روم، ایران و یونان و ایران و مصر و هندوستان و چین و سایر تمدن‌های آن روزی پیش آمد و موجبات تبادل اطلاعات و آگاهی از خواص گیاهان دارویی در بین این تمدن‌ها فراهم شد. مؤید این نظر، ریشه‌های متفاوت اسامی گیاهان دارویی است که گاه ایرانی و حتی محلی و قومی، گاه یونانی، عربی، هندی و یا چینی و غیره است. این اسامی به مرور زمان در هر کشور و در بین هر ملتی بر حسب زبان و حتی گویش‌های آنها غالباً دچار تغییرات متفاوت کم و یا زیاد کلامی شدند و اسامی تغییر یافته به سرزمین‌های دیگر یا حتی سرزمین منشاء منتقل گردید. در سرزمین ما متأسفانه در لشکرکشی اسکندر و حمله اعراب کتابخانه‌ها دوبار دچار آتش سوزی و انهدام شدند و همچنین کتابخانه مشهور اسکندریه در آتش سوزی عمدتاً نابود شد و بیشترین منابع و آثار و کتاب‌های

جمع آوری شده در آن سوخت و خاکستر شد، بدین ترتیب سوابق گیاهشناسی شرق کهن در دو تمدن ایران و مصر بر اثر این آتش‌سوزی‌ها فاقد هرگونه مدارک دیرینه شناخت گیاهان دارویی و خواص آن‌ها گردید. متأسفانه بعدها نیز بر اثر تخریب قلاع فرقه اسماعیلیه و آتش زدن کتابخانه‌های آن به وسیلهٔ هلاکو خان مغول، بقیهٔ آثار مکتوب گیاهان دارویی که توسط این فرقه جمع آوری شده بود از میان رفت.<sup>(۱)</sup>

آغاز کاربرد وسیع گیاهان دارویی و رونق و گسترش آن در کشورهای شرقی به خصوص در دوره اسلامی به زمانی که شرق به کارها، نوشته‌ها و ترجمه‌های آثار بقراط، جالینوس و کتاب‌های دیوسکورید و پلین کهن و دیگران دسترسی پیدا نمود مربوط می‌شود. زیرا کارها و آثار این دانشمندان یونانی مستقیماً از طریق سوریه به شرق رسید و در اوایل قرن سوم میلادی در «بیت الحکمة» به عربی ترجمه شد. «بیت الحکمة» در سال ۳۳۲ هجری مطابق با ۸۴۷ میلادی، بوسیله «المأمون» خلیفه عباسی در بغداد تأسیس شده بود و به وسیلهٔ جانشینانش به خصوص «المتوکل» مورد حمایت و توجه بیشتر قرار گرفت. منابع ترجمه شده «بیت الحکمة» توسط پزشکان این دوره و پزشکان ادوار بعدی، چه به صورت نظری و چه به صورت عملی مورد استفاده قرار گرفت و بسیاری از اسامی یونانی گیاهان دارویی معرب شد. برخی اطلاعات مکتوب و ترجمهٔ این آثار، یکی از منابع اصلی و مهم مورد استفاده و استنباط پزشکان و داروسازان ایران، عرب، یهود، مسیحی و غیره را تشکیل داده است. کتاب گیاهان یا «الحشایش» یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های این منابع است که در واقع همان ترجمه «ماتریا مدیکا» دیوسکورید است و از آن زمان و حتی تا همین اواخر به عنوان طب سنتی همیشه مورد استفاده قرار می‌گرفت و هنوز هم از آن استفاده می‌گردد. ترجمه «ماتریا مدیکا» در واقع توسط «استفان بن بسیل» با کمک استادش «حُنین بن اسحاق» که پزشک و مترجم بود صورت گرفت. در کتاب الحشایش شرح حدود ۶۰۰ گیاه که عمدتاً مربوط به نواحی مدیترانه هستند مذکور است و اسامی آن‌ها به زبان‌های دیگر نیز آمده است یکی از ویژگی‌های این کتاب ذکر اختصاصات «ریخت شناختی» گیاهان دارویی است و خواص پزشکی آن‌ها نیز ذکر گردیده است.

«علی ابن سهل ربین طبری» در سال ۲۳۶ هجری برابر با ۸۵۰ میلادی کتاب «فردوس الحکمة» را به نام «المتوکل» خلیفه عباسی تدوین نمود. او در این کتاب ۲۰ گیاه جدید و مواد گیاهی را که دانشمندان یونانی نمی‌شناختند، با نام‌های فارسی و عربی ذکر می‌کند و بر آنچه دانشمندان یونانی نام برده بودند می‌افزاید.

از دیگر دانشمندان مهم عرصهٔ گیاه شناختی دارویی، می‌باید از «یوحنا بن ماسویه» پزشک و گیاه‌شناس ایرانی و یکی از آخرین استادان و پزشکان نامی دانشگاه جندی شاپور (به وسیله خسرو نوشیروان بنا شده بود) در سال ۲۴۳ هجری برابر با ۸۷۵ میلادی نام برد. کارهای علمی و کتاب «معرفی نامه داروهای گیاهی» این دانشمند و دیگر پزشکان هم عصر او مانند «عیسی بن ماسه» در سال ۲۵۷ هجری مطابق با ۸۸۸ میلادی و همچنین «ابوزید ازجانی» و برخی دیگر کاملاً از بین رفته و نابود شدند. از اهمیت کارهای ارزشمند این دانشمندان همین بس که پزشکان و دانشمندان بعد از آن‌ها در آثار خود

۱- فرقه اسماعیلیه با صدور گیاهان دارویی به نقاط مختلف ایران و کشورهای جهان آروز نوعی تجارت مخفی برای رفع نیازهای مالی پیروان خود در نواحی مختلف داشت و به همین علت به آن‌ها «حشاشیون» می‌گفتند. این نام به علت ترورهایی که افراد این فرقه مرتکب می‌شدند بعدها در غرب به اساسین یا تروریست مشهور شد.

اشاراتی بر کارهای ارزنده آن‌ها دارند و در برخی از تألیفات خود از کارها و آثار این دانشمندان با اهمیت خاصی نام می‌برند از جمله این دانشمندان «ابن بیطار» است که در کتاب خود معروف به «الجامع لمفردات الادویه والتغذیه» از کارهای «یوحنا» که یکی از قدیمی‌ترین کارهای ارزنده در ایران است و در آن بیش از ۲۹ رقم از گیاهان دارویی و مشتقات آن‌ها و برخی از گیاهان معطر که ارقام جدیدی در آن زمان بوده‌اند و در آثار یونانی‌ها و پزشکان اسلامی دیده نمی‌شود، نام می‌برد.

یکی از دانشمندان نامی ایران «محمد بن زکریای رازی» است. این دانشمند بزرگ ایرانی (سال‌های ۲۵۰ تا ۳۱۳ هجری قمری مطابق با ۹۲۵ تا ۸۶۴ میلادی) نه تنها در کارهای مربوط به گیاهان دارویی مطالعات عمیق داشته است بلکه نخستین دانشمندی است که تمام کارهای فارماکولوژی و همه واژه‌هایی که تا آن زمان چه از دانشمندان غرب و چه از دانشمندان شرق باقی مانده بود را مورد مطالعه و بحث قرار داد و دایرة المعارفی در درمان شناسی به نام کتاب «الحاوی فی الطب» و کتاب خلاصه پزشکی، به نام «المنصوری» و کتاب دیگری به نام «منافع لاغذیه و دفع مضارها» را نوشت. این کتاب‌ها و بقیه آثار او مخزن و مرجع مهم اطلاعات گیاه شناختی برای نسل‌های متمادی در شرق و غرب بوده است. آثار این دانشمند به زبان‌های دیگر به ویژه به زبان لاتینی نیز ترجمه شده و در کتابخانه‌های دانشگاه‌های غرب و حتی کتابخانه‌های کلیساهای معروف جهان باقی مانده است «محمد بن زکریای رازی» حدود ۶۳۰ گیاه را که مصرف پزشکی و دارویی دارند در بخش بیست و یکم کتاب «الحاوی» ذکر می‌کند.

«علی بن عباس مجوسی اَرْجانی» از دیگر دانشمندان عالیقدر ایرانی است که پزشک مخصوص عضدالدوله بود. او در کتاب «کامل الصناعات الطیبیه»، خود را شاگرد «ابوماهر موسی بن یوسف بن سیار مجوسی» معرفی می‌کند. جالب‌ترین بحث این کتاب آن است که «اَرْجانی» در آن از پزشکان یونانی و مقلد اسلامی آن‌ها انتقاد کرده و به نظر او بسیاری از نظرهای فارماکولوژی و به ویژه نام گیاهانی که آن‌ها در کشورهای شرقی نامبرده‌اند قابل تشخیص و شناسایی نمی‌باشد. او شیوه‌های مداوا را که خود به کار می‌برده است، در این کتاب شرح داده و از داروهایی نام می‌برد که قبلاً مکرر به وسیله پزشکان پارسی و عراقی تجربه شده و به کار می‌رفته است. «اَرْجانی» در این کتاب بسیاری از داروهای ذکر شده به وسیله پزشکان یونان قدیم را مردود می‌شناسد. او می‌گوید پزشکان فارسی و عراقی آن‌ها را مصرف نمی‌کنند. در کتاب و آثار مجوسی حدود ۳۳۳ گیاه و مشتقات گیاهی دیده می‌شود که شرح مختصر آن‌ها تقریباً همان شیوه شرح جالینوسی است. از ارزنده‌ترین آثار مجوسی نوعی رده بندی گیاهان دارویی در کارهای او است که کار شناسایی این گیاهان را عملی و آسان می‌سازد. او در واقع اولین بنیانگذار رده بندی نوع «کیمیا تاکزونومی» است. زیرا طبق خواص گیاهان، آن‌ها را به ۱۳ گروه و یا طبقه تقسیم کرده است مانند:

- ۱ - سبزیجات (بقول) نظیر بادرنجبویه، (*Melissa officinalis*)، ریحان یا «بارزوج» (*Ocimum Sp.*)، اسفناج (*Spinach*)
- ۲ - علفیها یا «حشایش» مانند «برنجاسف» یا درمنه (*Artemisia Vulgaris*)، شاهره (*Fumaria Sp.*)، بادآورد (*Volutarella divaricata*)، پرسیاوشان (*Adiantum capillus veneris*) و غیره
- ۳ - گیاهانی که بذرشان مصرف می‌شود، مانند پنجه انگشتی (*Vitex angus-castus*)، سیاهدانه (*Nigella*)

- ۴- گیاهانی که دانه‌های مصرفی دارند (حبوب)، مانند «ماش» (*Vicia*) «کاکنج» یا عروسک پشت پرده (*Physalis alkekengi*)
- ۵- سبزیهایی که میوه‌هایشان مصرف می‌شود (سماز)، مانند بادمجان (*Solanum melongena*)، بطیخ هندی یا هندوانه (*Citrulus vulgaris*) و غیره.
- ۶- درختان بلند و درختچه‌ها، که شامل درختان باغ و درختان کاشته شده با میوه‌های خوراکی هستند، (شجر) نظیر فندق «فتق» یا پسته، گردو، نارگیل، اترج و غیره
- ۷- درختان وحشی که میوه آن‌ها قابل استفاده نیست، چون «گازمارچ» یا گز (*Tamarix*)، سپستان<sup>(۱)</sup>، شاه بلوط<sup>(۲)</sup> و غیره.
- ۸- گیاهانی که گل‌هایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند: نسترن (*Rosa sp.*)، نیلوفر آبی (*Nymphaea*) و بید مشک (*Salix aegyptica*) و غیره.
- ۹- گیاهانی که برگ‌های مورد مصرف دارند، مانند آزاد درخت<sup>(۳)</sup>، سرو و زرین درخت.
- ۱۰- گیاهانی که پوست و ریشه قابل استفاده دارند، مانند «پهن» (*Centaurea behen*) نوعی گل گندم، دیودار، سورنجان (*Colchicum*) و غیره.
- ۱۱- گیاهانی که بن (ریشه، غده، پیاز و ریزوم) قابل استفاده دارند، مانند بصل یا پیاز، سلجم یا شلغم و غیره.
- ۱۲- گیاهان روغنی که از آن‌ها روغن می‌گیرند (دهن)، مانند یاس زنبقی (*Jasminum sambac*)، بالسان<sup>(۴)</sup> یا بalm و غیره.
- ۱۳- گیاهانی که انواع صمغ‌ها را از آن‌ها می‌گیرند، مانند «افیون» (*Opium*)، اندزوت (*Sarcocolla*) کهربا (عنبر زرد) و نیل و غیره.
- «کتاب النبات ابوحنیفه دینوری»، (۲۸۳ ه.ق.) از جمله آثار ارزنده آن سال‌هاست. این کتاب دارای دو بخش یا دو قسمت متمایز است، بخش اول آن واژه‌شناسی (ترمینولوژی) عربی در موضوعاتی است که کم و بیش با گیاهان ارتباط دارد. دینوری در این قسمت از کتاب برای هر یک انواع گیاهان، فصل‌هایی جداگانه تخصیص داده است. در قسمت دوم کتاب او در کاربرد گیاهان، به ترمینولوژی عربی و نام‌های مترادف گیاهان توجهی خاص دارد. در قسمت اول و همچنین در فصل‌هایی از این کتاب در مورد قارچ‌ها و گیاهانی که در رنگرزی و عطرسازی به کار می‌روند و همچنین گیاهان دارای صمغ و گیاهان قابل استفاده در دباغی و گیاهانی که از الیاف آن‌ها برای تهیهٔ ریسمان، نساجی و یا موارد دیگر در صنعت استفاده می‌کنند، نام می‌برد. فهرست الفبایی این کتاب شامل یازده حرف یعنی از حرف «الف» تا حرف «ز» و شامل ۴۸۲ باب است که ۴۴۰ باب آن مربوط به گیاهان و واژه‌های گیاهی است. بقیهٔ باب‌های این کتاب به مترادف‌ها، منابع، موضوعات اصلی، اظهارنظرها و یادداشت‌های کوتاه مربوط می‌شود.
- م. حمیدالله - در واقع ویراستاری است که با افزودن ۱۴۵ باب به کتاب النبات، مجموع باب‌های آن

۱- سپستان *Cordia myxa* L. و انبوه *Cordia dicotoma* Boiss. دارای میوه با لعاب داروئی هستند و در تهیه چسب نیز از آن استفاده می‌کنند.

۲- شاه بلوط *Casanea sativa* Mill. دارای میوه خوراکی است.

۳- میوه و دانه‌های آزاد درخت یا چریش با نام علمی دارویی *Melia azadaracha* L. هستند و خاصیت حشره‌کش دارند.

۴- بالسام به ماده رزینی از گیاه *Abies balsama* (که در کانادا می‌روید) گویند.

را به ۶۳۷ باب که ۵۰۷ باب آن به گیاهان و ۱۳۰ باب به مترادف‌ها و منابع اختصاص دارد. «کتاب النبات» عمدتاً شامل گیاهان سرزمین‌های عربی و ضمناً حاوی اطلاعاتی چند از گیاهان غیر بومی و خارج از فلات و گیاهان ایرانی و نام‌هایی معادل برای نام‌های عربی است.

ابومنصور موفق هروی، (۳۰۷ هجری مطابق با ۹۸۰ میلادی) صاحب کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» از دیگر دانشمندان هم عصر با مجوسی است. به ویژه کتاب او اولین اثر فارسی در معرفی مواد پزشکی و تغذیه به شمار می‌آید. او ۴۵۰ گیاه و مشتقات آن را در کتاب خود معرفی کرده است. هروی در تألیف این کتاب معتقد است، تمام کتاب‌های فارماکولوژی یونانی و اسلامی پیشینیان خود را همراه با کارهای برخی از پزشکان هندی به دقت مطالعه کرده است. به همین علت کتاب او حاوی بسیاری از گیاهان دارویی با نام‌های هندی است که او آن‌ها را به نام‌های فارسی و یا معرب نام می‌برد. مانند اسامی فوفل، هل بویا، کبایه، قولنجان و زردچوبه و غیره.

«ابن سینا» (سال‌های ۳۷۰ تا ۴۲۸ هجری مطابق با ۹۸۰-۱۰۳۷ میلادی)، دانشمند و پزشک نامدار ایرانی که در غرب او را به نام «آویسینا» می‌شناسند و پس از انقراض تمدن یونان او را بزرگ‌ترین دانشمند جهان و به اشتباه عرب دانسته‌اند. (چون کتاب‌های او به عربی نوشته شده است) در جلد دوم کتاب «قانون فی الطب»، بیش از ۸۰۰ نمونه گیاه طبی و غذایی را نام می‌برد که از آن میان ۵۴۱ گیاه و مشتقات آن‌ها دارای توصیف کاربردی و صفات ریخت‌شناختی هستند. او اختلاف شکل و صفات گیاهان مشابه و یا نزدیک به هم را (برای اجتناب اشتباه آن‌ها از یکدیگر) با توجه خاصی در کتاب قانون توضیح می‌دهد و در مورد چگونگی استفاده از مشتقات گیاهان دارویی و کاربرد آن‌ها، با ترتیبی خاص، معین و نظام یافته به شرح و تفصیل آن‌ها می‌پردازد.

«ابوریحان بیرونی» (۳۶۲ تا ۴۴۰ هجری مطابق با ۹۳۷ تا ۱۰۴۸ میلادی)، این دانشمند نامی هم عصر ابن سینا مؤلف کتاب معروف «صیدیه فی الطب» است. کتاب صیدیه در نوع خود کتابی جامع و کامل است و در میان تمامی کتاب‌ها و نوشته‌های دانشمندان و فرهنگ‌های دوره اسلامی به عنوان اثری بی نظیر ذکر شده است. بیرونی با اطلاعات وسیعی که در شناخت گیاهان داشته است، با بهره‌گیری از کارهای مؤلفان بزرگ گذشته، به ویژه آشنائی با «ماتریا مدیکا» دیوسکورید و دانشمندان هم عصر خود و با گلچین نمودن و اخذ چکیده‌ای از آن‌ها و افزودن اطلاعات وسیع خود، کتاب «صیدیه» را تدوین و تألیف نمود. مواد پزشکی معرفی شده در صیدیه علاوه بر تمام مواد پزشکی موجود و شناخته شده قبل از او حاوی بسیاری از مواد پزشکی دیگری است که بیرونی خود بر آن افزوده است. در صیدیه به جز برخی مترادف‌ها (سینونیم) و ارجاع‌ها (رفرنس) حدود ۷۷۰ گیاه با مشتقات و صفات درمانی شرح داده شده است. اهمیت دیگر و منحصر به فرد صیدیه، فراوانی بی‌سابقه نام‌ها و اسامی معادل گیاهان است. بیرونی در صیدیه نه تنها نام‌های معادل زبان‌های سنتی (کلاسیک) زمان مانند یونانی، لاتینی، سیریاک، عربی، ایرانی و ترکی را به کار برده است. بلکه نام‌های موسوم در نواحی مختلف را با همان لهجه‌های محلی رایج عصر خود (مانند لهجه‌های بلخی، بخارایی، گرگانی، خوارزمی، سیستانی، بخارستانی و زابلی)، ذکر کرده و نام‌های هندی، سغدی را نیز جمع‌آوری نموده است. منظور بیرونی از ذکر نام‌های محلی همراه با نام‌های سنتی رایج، شناخت بهتر گیاهان دارویی و جلوگیری از اشتباهات متداولی بود که پیوسته از ترجمه نام‌های گیاهان از یک زبان به زبان دیگر مثلاً از سیریاک به عربی و یا از یونانی به سیریاک و عربی، از عربی به ایرانی و از ایرانی به زبان‌های دیگر پیش می‌آمد و مرتباً نیز در ترجمه‌ها

تکرار می‌شد. اگر به افزایش ورود گیاهان دارویی جدید و داروهای اخذ شده از آن‌ها در زمان بیرونی توجه کنیم، آن وقت به اهمیت و ارزش کار این دانشمندان در ثبت نام‌های محلی گیاهان دارویی در صیدنه آگاه خواهیم شد. بیرونی در تنظیم اسامی گیاهان در کتاب صیدنه از کتاب‌های لغت و مترادفات گیاهان که امروزه مفقود شده بهره گرفته است.

ضیاءالدین ابومحمد ابن بیطار المالقی معروف به ابن بیطار، متولد الماقه اندلس در نیمه دوم قرن ششم هجری معروف از دانشمندان بنام در شناخت گیاهان دارویی و درمان با این گیاهان است. ابن بیطار دارای کتاب «الجامع ابن بیطار» است. از دیگر آثار او «تفسیر دیسکورید» و «تنقیح الجامع» است. ابن بیطار در کتاب الجامع به نقد دانش شناخت گیاهان دارویی دانشمندان قبل از خود پرداخته و آن‌ها را نقد نموده است. ابن بیطار در اصل مدرس علم شناخت گیاهان دارویی به ویژه تدریس کتاب ماتریامدیکا دیسکورید و کتاب جالینوس در دمشق بود. او بسیار سفر می‌کرد و به زبان‌های عربی و یونانی تسلط کامل داشت و نام‌های یونانی را با همان تلفظ به شاگردان خود می‌آموخت. او وقتی گیاهی را در کتاب تفسیر دیسکورید نام می‌برد ولی خود آن را ندیده و نمی‌شناخته این عدم اطلاع و شناخت خود از آن گیاه را با صراحت یاد می‌کند.

قاسم ابونصر هروی مؤلف «کتاب ارشاد الزراعه» (سال ۹۲۱ هجری مطابق ۱۵۱۵ میلادی)، تقریباً اولین ایرانی است که علاوه بر ذکر گیاهان دارویی در این کتاب، به گیاهان کشاورزی و زراعی و درختان میوه نیز در کتاب خود توجه کرده است. در کتاب ارشاد الزراعه ۷۹ گیاه از غلات، سبزی‌ها، میوه‌ها، درخت‌ها، درختان زینتی، گل‌ها و گیاهان دارویی ذکر و شرح داده شده است. تحولی که در کتاب ارشاد الزراعه نسبت به زمان خود دیده می‌شود، پابندی هروی به مفهومی نزدیک به گونه یا نوع گیاه است که تا آن زمان تقریباً به طور مبهم وجود داشت. او گیاهان را به اقسام و جورهای (وارته‌ها) کاشته شده تقسیم کرده، سپس به تفصیل به شرح گیاهان کاشته شده که خود می‌شناخت می‌پردازد. هروی در نگارش شرح‌ها دقت خاصی که معرف دید علمی او است مبذول می‌دارد. مثلاً برای انگور نزدیک به ۱۰۰ وارته (کلتیوار) برای خریزه ۵۸، برای زردآلو ۳۳، برای گندم و سیب ۱۹، برای کدو ۱۴، برای هندوانه ۶ جور یا وارته ذکر می‌کند. بدیهی است وارته یا جورهایی که او برای این گیاهان شرح می‌دهد همان ارزش واحدهای تاکزونومی امروز را ندارد.

«محمد مومن تنکابنی» (۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ هجری مطابق ۱۶۶۷ میلادی)، حکیم و پزشک شاه سلیمان صفوی یکی از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته تاریخ فارماکولوژی گیاهی ایران است. تنکابنی در کتاب خود به نام «تحفة المومنین» مواد پزشکی یونانی - اسلامی، را که بیشتر شامل گیاهان دارویی است، از منابع یونانی و اسلامی اخذ و بر آن مواد هندی را اضافه کرد و همه آن‌ها را با نتایج تجربیات و کشفیات خود تلفیق نمود و بر آن‌ها با نظم الفبایی شرح نوشت. این کتاب نزدیک به ۵۷۵۰ عنوان دارد و شامل ۱۵۲۰ باب اصلی است که ۹۴۰ باب آن به گیاهان دارویی و مشتقات آن‌ها تخصیص دارد. از ویژگی‌های دیگر کتاب تحفة المومنین وجود نزدیک به ۴۲۳۰ نام‌های مترادف و مشابه گیاهی از زبان‌های مختلف یونانی، عربی، عبری، سریانی و بعضی لهجه‌ها و گرایش مختلف خراسانی، اصفهانی، مازندرانی و گیلکی (خزری)، ترکی و هندی و غیره در آن است. شرح گیاهان در این کتاب گاه کوتاه و گاهی نیز نسبتاً مفصل است. به ویژه وقتی گیاه مورد شرح، شباهت نزدیک با گیاهی دیگر داشته و یا چند رقم (وارته) مختلف داشته باشد، معمولاً دارای شرح و تفصیل بیشتری است تا در شناخت آن اشتباه



پیش نیاید. تنکابنی یک محقق بود و برای دریافت و کسب اطلاعات بیشتر از گیاه مورد نظر، مبادرت به کاشت آن می‌نمود. او در شرح ریختار (مورفولوژی) گیاهان دقت خاصی داشت. به عنوان مثال او در شرح «جوز ماتل» (معادل عربی گیاه تاتوره)<sup>(۱)</sup> چنین می‌نویسد: «این گیاه هم وحشی است و هم کاشته می‌شود. ارتفاع یا قد آن به اندازه بوته بادمجان ولی برگ‌های آن کمی از بادمجان کوچک‌تر است. گل‌های آن سفید و شبیه گل نیلوفر ولی از آن کمی بزرگ‌تر است. میوه «جوز ماتل» به بزرگی گردو و مانند میوه‌های کوچک خاردار است. دانه‌های درون میوه مشابه دانه سماق و همان بخش مورد مصرف گیاه با طعم خوشمزه است». او همراه با شرح ریخت شناختی گیاه به تفصیل به شرح خواص دارویی گیاه می‌پردازد و سپس به نام‌های مترادف آن مانند جوزقائم، جوزماتا و دهاتورا (که نام هندی آن است) اشاره می‌کند.

محمد حسین عقیلی خراسانی (۱۱۸۳ هجری مطابق با ۷۰-۱۷۶۹ میلادی)، مؤلف آثاری ارزنده چون «مخزن الدویه» و «ذخایر ترکیب» است که مجموعاً به نام «قربادین کبیر» شناخته می‌شود. این دو کتاب عقیلی مجموعاً فرهنگ بزرگ و جامعی در موضوعات فارماکولوژی ایران تا آن زمان است. کتاب مخزن الدویه عقیلی تفصیلی نظام یافته (سیستماتیک) از کتاب تحفة المومنین تنکابنی است که عقیلی اطلاعات دیگری از منابع دیگر را که ظاهراً برای تنکابنی ناشناخته بود، بر آن افزوده است به طور مثال «الادویه القلبیه» ابن سینا و بعضی کارهای پس از تحریر تحفة المومنین و مواد پزشکی هندی را مانند «اکونیت» «بلادور» و «دیودار» و همچنین ذکر نظریات و مشاهدات و تجربیات شخصی نویسنده از این جمله‌اند. از ویژگی‌های کار عقیلی در تألیف این کتاب، به کارگیری نام‌های لاتینی و واژه‌های غربی است که با همان تلفظ غربی در آن آمده است. او نام‌ها و واژه‌های لاتینی و علمی را برای شناسایی و تشخیص بهتر گیاهان به کار می‌گیرد. به کارگیری نام‌های انگلیسی و علمی گیاهان دارویی توسط عقیلی توجه او را به کار دانشمندان انگلیسی که در آن زمان در هندوستان در امور فارماکولوژی و گیاه‌شناسی فعالیت داشته‌اند می‌رساند و نشانی از وجود نوعی نشر دانش در آن زمان است.

### دینسانس و آغاز تحول دانش شناخت گیاهان دارویی در غرب جدید

بعد از آثار این دانشمندان که در حقیقت دوران شکوفایی علم در شرق و عصر دوران فضای اندیشه باز اسلامی در مقابل فضای بسته تفکر قرون وسطی غرب (کلیسای اروپا) دارد. یکباره با پیدایش رنسانس و تحولات علمی در غرب، چنان جهشی در اروپا به وجود آمد که حتی کلیسا و کشیش‌ها هم به علم تجربی، به ویژه به شناخت گیاهان دارویی و به مطالعه و پژوهش خواص آن‌ها پرداختند. این گروه که عمدتاً همان حشاشین (هربالیست) غرب بودند برای درمان از گیاهان دارویی جمع‌آوری کرده از طبیعت استفاده می‌کردند و در بین همین هربالیست‌ها، دانشمندان و محققان بزرگی برخاستند که انتشار آثار آنان سبب اعتلای علمی غرب یا اروپا شد. این دوره، آغاز تجربه شناخت علمی گیاهان همراه با توصیف دقیق و همچنین آغاز شرح نویسی علمی برای انتقال بهتر آگاهی‌ها و دانسته‌ها از گیاهان بود و هر سال نیز این آگاهی‌ها فزونی می‌یافت.

در سطور زیر روند توسعه دانش شناخت گیاهان دارویی را در غرب با ذکر آغازگران تحول این دانش،

۱- نام علمی تاتوره *Datura stramonium* و به احتمال زیاد *Datura innoxia* است.

شیوه‌های آنان در بهره‌گیری از گیاهان دارویی، به ویژه نحوه معرفی علمی این گیاهان توسط آن‌ها را یادآورد می‌شویم.

«آلبرت ماگنیوس» (*Albertus Magnus*)، این کشیش که در نوشته‌ها به «آلبرت بوستادت» بیشتر معروف است. در سال‌های ۱۲۸۰-۱۱۹۳ [بعد از ابن‌سینا و بیرونی در ایران] در بحران فکری قرون وسطی اروپا، در باره طب و تاریخ طبیعی و همچنین گیاه‌شناسی کتابی به نام رستنی‌ها [دو وژتابلیس (*De vegetabilis*)] را نوشت. محتویات و نحوه نگارش این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که آلبرت کبیر نیز تحت تأثیر شدید تفوفراست و دیگر دانشمندان و قدمای رم و یونان [مورد قبول کلیسا] قرار داشت و در عین حال برخی مشاهدات خود را نیز در این کتاب آورده است.

«اتوبرونفلس» (*Otto Brunfels*) (۱۴۶۴-۱۵۳۴م) این دانشمند ابتدا کشیش بود، بعد معلم شد و دومرتبه به کلیسا روی آورد و در آخر طبابت را انتخاب کرد. او برخی از گیاهان اطراف خود را جمع آوری نمود و به شناخت آن‌ها پرداخت و با شرح و تصاویر آن‌ها را منتشر کرد. شرح گیاهان در کتاب او بسیار ساده، عاری از هرگونه دیدگاه علمی است ولی حاکی از خواص درمانی، ارزش غذایی، طبخی، صنعتی و در واقع بیان ساده جنبه‌های کاربردی و برخی خواص غیر عادی و یا دارویی گیاهان است. برونفلس را در غرب پدر حشاشین یا طیبیان علفی (*Herbalist*) و درمان‌کنندگان با گیاهان طبیعی می‌شناسند. از کارهای برجسته او نگهداری نمونه‌های خشک کرده گیاهان جمع آوری شده بود و در واقع نخستین پایه‌گذار هرباریوم در جهان است. هرباریوم برونفلس مجموعه‌ای از گیاهان خشک شده، همراه با تصاویر بود و بیشتر گیاهان معرفی شده توسط تفوفراست، پلینی و دیوسکوریت را در برداشت. او در مورد این کار، کتابی به نام «هرباریوم ویواایکونس» (*Herbarium viva eicones*) را به چاپ رساند که از برجسته‌ترین آثار منتشر شده قرن شانزدهم اروپا (آلمان) است و شامل مطالبی در دسته بندی گیاهان گیاهان بی گل و گلدار است.

«والریوس کوردوس» (*Valerius Cordus*) از اهالی آلمان از حشاشیون (هربالیست‌ها) هم عصر اتوبرونفلس است (۱۵۴۴-۱۵۱۵ میلادی) کتاب «هیستوریا پلاتاروم» او علاوه بر داشتن نام ۴۴۶ گیاه دارویی، دارای شرح علمی و سیستماتیکی گیاهان است و ۲۰ سال پس از مرگ او چاپ شد.

«لئونارد فوکس» (*Leonard Fucsia*) از اهالی آلمان، از دیگر هربالیست‌ها است و کتابی در مورد گیاهان بویژه گیاهان دارویی به نام «دو هیستوریا استیپریوم» (*De historia stiprium*) دارد که در آن علاوه بر شرح نسبتاً مبسوط گیاهان تصاویر آن‌ها نیز برای شناسایی بهتر آنها دیده می‌شود. این کتاب یکی از ارزنده‌ترین آثار دوره رنسانس است.

گذشته از او در این دوره باید از «ویلیام تورنر» (*William turner*) انگلیسی (۱۵۶۸-۱۵۱۰ میلادی) و از «رابرت دو دوئنس» (*Rambert Dodoens*) آلمانی (۱۵۱۷-۱۵۸۵ میلادی) و از «شارل دولکلوس» (*Charles de l'Eclus*) و «جان جرارد» (*John Gerard*) انگلیسی در سالهای (۱۵۴۲-۱۶۱۲ میلادی) نام برد که کار و آثار هر یک از آن‌ها موجب شکوفایی علم گیاه‌شناختی در دوران رنسانس شد. از زمان این دانشمندان به بعد معرفی گیاهان دارویی همراه با شرح آن‌ها، جنبه علمی تازه‌ای پیدا کرد و به دانش وسیع‌تر یعنی علم گیاه‌شناسی منجر شد. به تدریج که بر تعداد گیاهان جمع آوری شده افزوده می‌شد تفکیک و تمایز آن‌ها از هم دشوارتر شده و ضرورت طبقه بندی به طریق ویژه و با روش‌های علمی تازه با نام علم رده‌بندی (تاگزونومی) برای شناسایی گیاهان پیش آمد. از این پس تا زمان لینه و حتی بعد از او

نیز که گیاه‌شناسان طبیب و یا داروساز بودند، انگیزه اصلی آن‌ها شناسایی گیاهان دارویی بود. ولی از آنجا که تعداد گیاهان دارویی بسیار زیاد شده بود و مجموع گیاهان جمع آوری شده نیز به چند هزار می‌رسید. لذا پژوهش در ریختار و خصوصیات کل گیاه [جدا از دارویی بودن یا نبودن آن‌ها] برای تفکیک آن‌ها از یکدیگر، در امر رده‌بندی گیاهان مقوله‌ای جدی و الزامی شد و از آن پس گیاه‌شناسانی که قبلاً فقط با گیاهان دارویی سرکار داشتند پا را فراتر نهاده پژوهش در نحوه طبقه‌بندی گیاهان را در پیش گرفتند و این سرآغاز علمی مستقل به عنوان علم رده‌بندی گیاهان شد. از این پس برای دستیابی به یک رده‌بندی واقعی و کارآمد و شناسایی هر چه بهتر گیاهان توجه به کلیه خصوصیات رستنی‌های سطح زمین امری ضروری و الزامی گردید و پژوهشگران این مسیر، به تدریج به مرزهای جدید و تازه‌ای در علم گیاه‌شناسی رسیدند که هر یک از آن‌ها سرآغاز رشته‌ای تازه شد و دانش ساده [فقط] شناخت نام و هویت گیاه، تبدیل به علوم گیاهی گردید.

در پایان نیمه اول قرن بیستم، با رایج شدن مواد پزشکی ساخته شده (سنتتیک) و شناخت مواد مؤثر درمانی گیاهان و استخراج و تعیین فرمول آن‌ها برای استفاده به عنوان دارو، ساخت مصنوعی این مواد وارد بازار شد و سبب تغییر در آموزش پزشکی گردید از این پس با پیشرفت علم درمان و فنون جراحی و به بازار آمدن داروهای گوناگون ساخته شده با تعیین «دز» مصرف، به ویژه تأثیر سریع آن‌ها در درمان، همه سبب شد تا استفاده مستقیم از گیاهان دارویی [روشهای طب قدیم (سنتی)] به تدریج به دست فراموشی سپرده شود.

### تحولات طب در نیمه دوم قرن بیستم

هر چند تحول اساسی در نحوه درمان و علم طب با شناخت علل پاره‌ای از بیماری‌ها از زمان پاستور آغاز گردید و موضوع کشف میکرب و باسیل و نقش آن‌ها در ایجاد برخی از بیماری‌های عفونی و به ویژه اهمیت واکسن و سرم در پیشگیری و درمان برخی از این امراض کاملاً مسلم شد و علم طب مرزهای تازه‌ای پیدا کرد ولی، کشف آنتی بیوتیک‌ها و اثر قاطع و معجزه آسای آن‌ها در درمان فوری عفونت‌ها [قبلاً علاج آن‌ها اگر ممکن بود بسیار مشکل میسر می‌شد] مسیری دیگر بود و از آن پس دانش میکروبیولوژی، بیوشیمی و شناخت آنزیم‌ها و هورمون‌ها توسعه‌ای غیرقابل پیش بینی پیدا کرد و به مرزهای تازه رسید. الگوهای ساختار مولکول‌های حیاتی و عوامل ژنتیکی برخی از بیماری‌های سرشتی، قابل پیش‌بینی شد و مسئله آگاهی‌های جدید هر روزه پزشکی و درمان قطعی بیماری‌ها چنان بُعد حیرت‌آوری پیدا کرد که تا دهه‌های پیش حتی تصور آن به ذهن نمی‌آمد. با کشف داروهای تازه در هر روز و چاره‌های جدید در درمان بیماری‌هایی که قبلاً کشتار می‌کرد و همچنین پیشرفت تکنولوژی در ساخت دستگاه‌های پزشکی، چه در مورد معاینات و چه در اعمال جراحی‌های حیرت‌آور، مرزهای تازه‌ای از علم طب را در مقابل پژوهشگران قرار داد.

طب ایران نیز در راستای تحولات جهانی علم طب از زمانی که اطبای تحصیل کرده ایرانی از خارج به وطن آمدند و با خود فرهنگی از طبابت غرب (طب جدید) و آموخته‌هایی تازه آوردند. این ره آورد سبب شد تا طب سنتی ایران نیز مانند همه جای دیگر در آستانه تحول و جذب پزشکی جدید و تأثیرات سریع آن قرار گیرد. پزشکان آمده از خارج غالباً معتقد به درمان با گیاهان دارویی نبودند و یا اطلاعات لازم در باره آن‌ها را نداشتند و یا حد و حدود مقدار مصرف این داروها را نمی‌دانستند، با

تجویز داروهای جدید سریع التاثير و درمان محسوس و سریع امراض، روش‌های سنتی درمان مستقیم با گیاهان شناخته شده دارویی به طبای قدیم را کنار گذاشتند. با تأسیس دانشکده داروسازی و پزشکی و تربیت دکترهای داروساز و پزشک در این دانشکده‌ها که پس از فراغت از تحصیل در مراکز استان‌ها و شهرهای ایران مشغول به کار شدند، روش قدیمی طبای سنتی به جز در نقاط دور افتاده و در ایله‌ها [که کم و بیش باقی مانده بود]، در شهرها فراموش شد و تقریباً همه به طب جدید مایل شدند.

زندگی ماشینی و دور شدن انسان‌ها [به خصوص مردم کشورهای صنعتی] از طبیعت و گرایش بازگشت به آن و مطرح شدن اثرات جنبی و نامطلوب برخی از داروهای سنتتیک و این که مصرف داروهای گیاهی و یا گیاهان دارویی کم زیان‌تر از داروهای سنتتیک‌اند و با جای گرفتن نظر مزبور در اذهان عمومی و حتی در محافل علمی و پزشکی گوشه و کنار جهان، ناگهان مصرف گیاهان دارویی و داروهای گیاهی مجدداً با تبلیغی وسیع، مسئلهٔ روز جهان شد. در این میان فرصت طلبان و سودجویان، بازار آشفته‌ای به وجود آوردند و با برانگیختن اذهان مردم عادی با عناوین طب سنتی سینیایی، شفابخشی معجزه آسای گیاهان، جوی را باعث شدند که هر ناآگاهی خود را صاحب نظر در درمان با گیاهان دانست و متأسفانه رسانه‌های جمعی آگاهانه یا ناآگاهانه نیز با آن‌ها هم صدا شدند. معلوم نیست در این وضعیت چه باید کرد؟ و چگونه باید از گیاهان برای درمان بهره گرفت و راه درست استفاده چیست؟ در زیر فشار تبلیغات غالباً غیرواقعی که باور مردم عادی را هدف قرار داده است چه باید کرد؟ و مهم‌تر از همه، چه نباید کرد؟ تا دچار اشتباه بزرگی در سلامت جامعه نشویم و یکباره همهٔ اعتماد عامه را که به گیاهان دارویی رو آورده‌اند با سودجویی و عدم اطلاع و هزاران تبلیغ کاذب و دور از حقیقت و واقعیت، دچار آسیب جبران ناپذیر نسازیم. باید جلوی هرج و مرج و آشفستگی و بساط دروغین و پرفریب این کار در گوشه و کنار کشور گرفته شود و به وضع سواد و اطلاعات افرادی که به این کسب (که با سلامت مردم ارتباط دارد) رسیدگی گردد و از اشتغال چشم دوختگان به کیسه بیماران که علاوه بر هستی و سلامت آن‌ها با برداشت بی رویه گیاهان داروئی از طبیعت موجب انهدام آن‌ها می‌گردد، جلوگیری شود و به این هرج و مرج بازار آشفته گیاهان دارویی خاتمه داده شود. واقعاً در این غوغای تبلیغ و سودجویی چه باید کرد و یا احیاناً چه نباید کرد؟

احمد قهرمان

## روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی

تاثیر و اهمیت گیاهان دارویی در زندگی روزانه اقوام و ملت های مختلف سبب شد تا هر قوم و یا هر ملتی بر حسب توان، ادراک، تجربه و حتی حدس و گمان خود، از اثر درمانی گیاهان به روش های گوناگون استفاده کند. به تدریج انباشت دانسته ها و تجربه ها با گذشت زمان موجب پدید آمدن نظرها و مکتب هایی در ملل و اقوام جهان برای استفاده هر بیشتر از گیاهان دارویی، استخراج مواد پزشکی و یافتن اثر درمانی گوناگون آنها شد.

در مسیر طولانی تاریخ، از کتاب ها و متونی که حاکی از تجربه گذشتگان برای بهره گیری از گیاهان دارویی است بسیار به جا مانده است. استفاده از این تجربیات نسل ها می تواند رهیافتی به گنجینه پر ارزش فرهنگ درمان بشر، در گذشته باشد.

برای بهره گیری از تجربیات گذشتگان، جمع آوری و طبقه بندی متون به جا مانده، برگردان آنها و حتی دانستن اندوخته های تجربی نانوشته و مانده در سینه نسل ها نیز (که در حال حاضر در درون قوم ها و قبیله ها بکار درمان می آید) بسیار مفید و ارزشمند است. بنابراین هر چه متون قدیمی بیشتر بررسی شود و مشکلاتی که برای ادراک مطالب آنها وجود دارد بر طرف شود واقعیت موجود این متون بیشتر معلوم می گردد.

### ۱ - ضرورت برگردان متون طبّی کهن و تعیین معادل نام علمی آنها:

حکیمان و دانشمندان طب قدیم، با بهره گیری از دانش درمان و آگاهی از فلسفه و تجربیات خود و رجوع به تجربیات گذشتگان و یا دیگر حکمای هم عصر خود، فرهنگی غنی در شناخت گیاهان دارویی و درمان با آنها به وجود آوردند. توجه به نگاه عقلایی - تجربی این منابع و دانستن استدلال و چگونگی به کارگیری شیوه ها و تجربه های طبیبان گذشته در درمان بیماری های شایع عمومی و بیماری های خاص، امروزه نیز بسیار با ارزش است. برای نگاه به این منابع و مقایسه آن با پیشرفت کنونی این علم، به ویژه مقایسه تجربی - استدلالی طب قدیم در برابر بهره گیری از تکنولوژی جدید توجه به مطالب زیر سودمند است: (۱)

۱- رجوع شود به کتاب مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین نوشته دکتر مصطفوی.

- در ایران تا اواخر دوره قاجار پزشکی به همان شیوه گذشته بود. در آخر این دوره پزشکان به تدریج به طب جدید روی آورده، از داروهای ساخته شده شیمیایی [در اصطلاح قدیمی‌ها (جوهری)] استفاده کردند. این امر با همه محاسنی که در برداشت ولی به علت جایگزین شدن به جای روش درمانی گذشته، موجب قطع یکباره ارتباط طب قدیم با طب جدید گردید. در حقیقت طب جدید همان تداوم طب قدیم نبود و پزشکان رسماً از مکتب جدید پیروی نمودند و اساس تعلیم و تربیت پزشکی نیز از این پس بر این رویکرد قرار گرفت و طب قدیم آشکارا حذف شد و فقط در بازارهای دارویی ردپایی از آن کم و بیش باقی ماند. همچنین به علت عدم پشتیبانی علمی، معنوی و مالی از طب کهن این طب با همه فرهنگ کهن خود به فراموشی سپرده شد و هرگز موقعیتی برای تداوم و پیشرفت و حتی تغییرات و دگرگونی مناسب (در مقابل طب جدید که مقوله ای جدا بود) پیدا نکرد و مراجعین خود را که عامه مردم بودند از دست داد.<sup>(۱)</sup>

- متون گذشته به جا مانده از طب کهن، آن را یک طب استدلالی - تجربی نشان می‌دهد. عقل‌گرایی و منطق استدلال در این طب، با تمام محاسنی که داشته است در حل پاره‌ای مسائل از قبیل تعلیم عامه در پیشگیری یا درمان قاطع بیماری‌های شایع ناگهانی ناتوان بود، و دست آورد قابل توجهی در ابداع تکنولوژی‌های و ساخت ابزارهای معاینه و جراحی نداشت و این ناتوانی عاملی برای دوری عامه از آن گردیده است.<sup>(۲)</sup>

- در کنار مبانی استدلالی - تجربی و جنبه‌های عقلایی، که مبانی بسیاری از متون پزشکی قدیم را تشکیل می‌دهند، ذهنیت‌های واهی و خرافات نادرست نیز در این متون کم و بیش دیده می‌شود که موجب تردید مراجعه به آن‌ها می‌گردد.<sup>(۳)</sup> تفکیک موارد درست و نادرست در کتب قدیم می‌تواند موجب بهره‌گیری از بخش درست آن گردد.

- مطالب و محتوای استدلالی و تجربی متون قدیم می‌تواند با کمک تکنیک‌ها و تکنولوژی پیشرفته کنونی موجب پیدایش یک مکتب یا دیدگاه‌های دیگر در طب جدید گردد و بحثی تازه به وجود آورد و حتی در زمینه‌هایی می‌توان از شیوه و روش تشخیص بیماری و درمان بیمار، شناسایی و تعیین دارو و تشخیص اثر آن از قیاس و استدلال پزشکان قدیم بهره جست. زیرا تمام سعی پزشکان قدیم بر آن بود تا از تمام اجزای طبیعت (کانی، گیاه، جانور) برای متعادل ساختن جسم و روح بیمار و بهبود وی استفاده نمایند. و در این شیوه گاه می‌شد طبیب آن روزگار حتی نام گیاه مورد تجویز خود را نمی‌دانست<sup>(۴)</sup>

- نگاه لطف آمیز و همدلی و توجه عاطفی طبیب به بیمار در طب قدیم در بهبود حال بیمار

۱- با نقد و بررسی فرهنگ طب قدیم باید انقطاع روند تاریخی آن را جبران نموده و زمینه شکوفایی آن را فراهم آوریم.

۲- بهره‌گیری ابزار و تکنولوژی جدید در این طب می‌تواند موجب رونق و شکوفایی آن شده نواقص و کمبودهای آن را جبران کند.

۳- اگر سطح علم گذشته طب را با امروز مقایسه کنیم و ارتباط عاطفی بیمار با پزشک آن زمان را در نظر بگیریم گاه خواهیم دید خرافه‌ها معمول در طب قدیم گاه اثر روانی مهم در بهبود بیمار داشته است و به هر حال می‌توان از بخش‌های مختلف این طب امروزه نیز بخوبی بهره جست.

۴- رجوع شود به مقدمه کتاب الحاروی رازی جلد یک.

بسیار کارساز بود. توجه به این گونه ارتباط عاطفی در طب قدیم، می‌تواند مکمل شیوه‌های پیشرفته و تکنولوژی عظیم طب جدید در درمان بیماران باشد.

- معاینات بالینی پزشکان کنونی که غالباً با دستگاه‌های پیشرفته است چنانچه تا حدی همراه با پیش فرض‌های طب قدیم باشد - که باری از تجربه‌های تاریخی و قیاس‌های تجربی دارد - فواید بسیاری خواهد داشت.

- عوارض روش درمانی پزشکان جدید، روبرو بودن ناگهانی بیمار (در معاینات) با دستگاه‌های هیولایی خودکار رباتی و آزمایشگاه‌های مختلف نامأنوس، خشک و بی‌روح و گاه خشن و ترس‌آوری است که خود عاملی برای ناکارایی درمان طب حاضر است. از طرفی گرانی حق پزشک، دارو و درمان موجب رویکرد عامه به طب گیاهی و به عبارت دیگر استفاده از متون و کتب قدیمی طب است.

اگر در برنامه‌های دانشگاهی سهم کمی نیز برای آشنایی با متون دارویی قدیم وجود می‌داشت بالاخره تکلیف شناخت این طب معلوم می‌شد، محتوای آن مورد نقد قرار می‌گرفت و به این صورت یکباره کهنه و خرافه معرفی نمی‌شد.

## ۲ - روش استفاده از متون قدیم

برای بهره‌گیری از متون قدیم گیاهان دارویی، می‌باید آن را تصحیح نمود، برای تصحیح بهینه متون قدیم رعایت نکات زیر لازم است:

۱ - ۲ - شناخت دوره‌های اوج طب در ادوار تاریخ کهن و تفکیک کتب مربوط به این دوره‌ها: همه تمدن‌ها در مسیر اعصار و قرون با فراز و نشیب‌های بسیار روبرو بوده‌اند. اهمیت محتوای کتب و موضوعات متون پزشکی این تمدن‌ها نیز با دوره‌های اوج یا فرود آنها مطابقت کامل دارد این دوره‌ها عبارتند از:

- ۱ - دوران قبل از اسلام
- ۲ - دوران ظهور اسلام تا قرن سوم هجری
- ۳ - دوران شکوفایی علمی شرق
- ۴ - دوران رکود علمی غرب
- ۵ - دوران رونق علمی غرب
- ۶ - دوران رکود رونق علمی شرق
- ۷ - دوران خواب و فراموشی شرق

۲ - ۲ - عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار: همه منابع قدیمی در دسترس ما، دارای یک اعتبار، دقت و موضوعات همسان نیستند. بنابراین ابتدا می‌باید عناوین موضوعات آنها را مشخص نمود مانند:

- قوانین استدلالی طب قدیم
- روش تشخیص و درمان طب قدیم
- روش شناخت دارویی بودن گیاه، جانور، کانی و...
- شناخت ابزارهای مورد استفاده طبیب قدیمی در معاینه و درمان
- دانستن نام‌های گیاهان، جانوران و کانی‌های مورد استفاده
- چگونگی استفاده از گیاهان، جانوران و کانی‌ها در درمان

۳- ۲- معادل‌یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی: انطباق درست واژگان متون قدیم با واژه‌های علمی جدید اگر مشکل نباشد ساده هم نخواهد بود. به هر حال این کار می‌باید صورت گیرد تا این واژگان در مجامع علمی و دانشگاهی جای خود را پیدا کنند. یافتن اینگونه معادل‌ها نیاز به دقت فراوان دارد تا معانی غیر واقعی از آن به ذهن نیاید و اختلاف نظرهای بیشتر نشود و همچنین نامأنوس بودن برخی واژگان این متون که سبب عدم رجوع به آن‌ها می‌شود برطرف گردد.

۴- ۲- تفکیک عناوین و روش‌های تجربی و استدلالی در متون قدیم: گرچه در طب قدیم، دستگاه‌های مدرن و رباتیک کنونی وجود نداشت ولی طبیب آن روزگار با دانسته‌های استدلالی و تجربه‌های خود و با دانستن زیر و بم روابط عاطفی با بیمار در او ایجاد اطمینان می‌نمود که این خود برای درمان بیمار و رفع بسیاری از مسائل ظریف دیگر او تاثیر بسزا داشت (به همین علت به پزشکان قدیم حکیم می‌گفتند). متأسفانه امروز مریض به جای عاطفه طبیب با دستگاه‌های آزمایشگاهی بی‌روح در معاینات سر و کار دارد و ارتباط عاطفی بین او و پزشک کمتر برقرار می‌شود.

۵- ۲- لزوم تصحیح ادبی نوشتارهای متون قدیمی، دسته‌بندی موضوعات مختلف آن، برای ایجاد فرهنگ طب گذشته: با آنکه در حد خود در این مورد کوشش نموده‌ایم ولی از صاحب‌نظران انتظار داریم، با نقد و بررسی این زمینه و یا ویرایش ادیبانه، محتوای علمی این فرهنگ را اعتلا بخشند.

### ۳- روش‌های شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن:

ادبیات نامأنوس متون قدیمی، نارسا و ابتدایی بودن شرح گیاهان و پیچیدگی نوشتاری آن، به ویژه عدم طبقه‌بندی علمی گیاهان و نامشخص بودن شرح سیستماتیک آن‌ها، کار شناخت گیاهان مذکور در متون قدیمی را بسیار مشکل می‌کند. به ویژه که نام اغلب آن‌ها با گذشت زمان تغییر کرده و سبب شده تا مراجعه‌کنندگان به متون قدیم نتوانند نام واقعی و امروزی گیاهان این کتب را تعیین کنند و ناچار به بازار گیاهان دارویی روی آوردند و یا بیشتر به حدس و گمان متوسل شدند. در زیر به برخی نکاتی مهم و اساسی برای شناخت گیاهان دارویی متون قدیم



اشاره می‌شود:

- ۱ - در قدیم همه یا غالب پزشکان و درمانگران خود گیاه شناس بودند و گیاهان را از روی خواص آن‌ها و تقریباً بصورت عینی می‌شناختند. از اینرو از برداشت‌های شخصی این پزشکان از گیاهان دارویی و استدلال‌های آن‌ها پیرامون خواص و کاربرد آن می‌توان برای شناخت نام کنونی گیاه دارویی متون کهن بهره جست.<sup>(۱)</sup>
- ۲ - گیاهان دارویی متون قدیم را می‌توان در چهار گروه قرار داد: گروه کاملاً معروف، گروه کاملاً مجهول، گروهی نزدیک به گروه معروف و گروهی نزدیک به گروه مجهول<sup>(۲)</sup>
- ۲ - دانستن چگونگی تغییر نام گیاه از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر می‌تواند ما را در رمزگشایی نام آن‌ها و شناخت گیاهان مذکور در متون قدیم یاری دهد.
- ۳ - گرچه دانش گیاه شناسی قدیم مانند حال پیشرفته نبود ولی در حد خود دارای اصطلاحات و واژگانی برای شناخت گیاهان بود که توجه به آن‌ها ما را به دانستن نوع و اساس طبقه بندی آن زمان کمک می‌کند و بدینوسیله بهتر می‌توانیم متوجه شرح گیاهان مذکور در متون قدیم بشویم.<sup>(۳)</sup>
- ۴ - در متون گذشته علاوه بر شرح گیاه، گاهی تصاویری نیز با شرح آمده است. تصاویر مزبور می‌تواند تا حدی مکمل شرح برای شناسایی بهتر و یافتن نام علمی آن باشد.<sup>(۴)</sup>
- ۵ - همراه با نام گیاه در متون قدیم گاه مشخصات فیزیولوژیکی<sup>(۵)</sup>، اکولوژیکی، بعضاً اکوفیزیولوژیکی، جغرافیای زیستی و صفات ریختاری گیاه را هم می‌بینیم، توجه به این نکات می‌تواند در تشخیص نام علمی گیاه ما را یاری دهد.
- ۶ - نام گیاهان مذکور در متون قدیم، معمولاً منشأ در منابع قدیمی‌تر دارد یا از منابع همان عصر استخراج شده و یا مربوط به خود نویسنده و یا نام رایج در بازار دارویی در زمان خود او بوده است، مؤلفان کتب قدیمی در ذکر نام گیاه، گاه خود نیز شک و تردید نموده، نسبت به نام برخوردارهای متفاوتی داشته‌اند. از اینرو نام درست با منشأ نام و اعتبار مؤلف و دانش او ارتباط دارد. به عنوان مثال نام گیاهان مذکور در کتاب دیسکورید، در کتب مختلف دیگر نظیر کتاب جامع و مخزن و... نیز آمده است. بنابراین در مواردی بهتر است به مرجع اصلی و یا منابع تکمیل کننده کتاب دیسکورید رجوع شود. (در فصل دوم کتاب حاضر نام تعدادی از گیاهان متون قدیم به همین صورت مورد تطبیق قرار گرفته است.)

در تطبیق نام‌ها انجام بررسی‌های زیر ضروری است:

- ۱ - شناسایی منشأ نام یا نام اصلی و چگونگی انتقال آن از یک کتاب به کتاب دیگر و یا از یک زبان به زبان دیگر.

- 
- ۱- در جلد‌های بعد از نحوه استفاده شخصی پزشک و دیدگاه‌های او در مورد یک گیاه بطور مفصل صحبت خواهیم کرد.
  - ۲- در جلد دوم کتاب فهرستی از این نام‌ها آمده است.
  - ۳- در جلد دوم این کتاب اصطلاحات گیاه شناسی و همچنین نوع دسته‌بندی گیاهان موجود در متون قدیم را خواهیم دید.
  - ۴- برخی از این اشکال در جلد دوم آمده است.
  - ۵- مطالب مربوط به فیزیولوژی گیاه عمدتاً تحت عنوان «طبیعت گیاه» با اصطلاحات مخصوصی ذکر شده است.

- ۲- بررسی واژگان گیاه‌شناسی در متون قدیم و برگردان علمی آن‌ها و همچنین شناسایی انواع طبقه‌بندی گیاهان در متون قدیم.
  - ۳- برگردان علمی واژگان فیزیولوژیکی، اکولوژی و جغرافیای زیستی در متون قدیم.
  - ۴- گروه‌بندی گیاهان متون قدیم از نظر پراکنش و جغرافیای زیستی.
  - ۵- گروه‌بندی گیاهان متون قدیم از نظر مشخصات اکولوژی.
  - ۶- شناسایی گیاهان متون قدیم با توجه به شرح ریختاری، مشخصات فیزیولوژیکی، اکولوژیکی و جغرافیای زیستی آن‌ها در این کتب.
  - ۷- گمانه زنی نام اصلی گیاه از روی تفسیر تصاویر موجود از آن‌ها در متون قدیم
- ه - نام‌ها، نشانه‌ها و واژگان گیاهان دارویی در متون کهن:

نام، واژگان و نشانه‌ها در واقع مدخل هر فرهنگ علمی‌اند. مطالعه چگونگی انتقال واژگان از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر نیاز به توجه و دقت فراوان دارد زیرا همانقدر که دانستن انتقال و یا دگرگونی دقیق نام‌ها می‌تواند در یافتن نام اصلی یا ریشه‌ای بسیار موثر باشد عدم توجه به آن نیز سبب پیچیدگی در تطبیق درست نام‌ها می‌گردد.

نام و واژگان موجود در هر علم اهمیت ویژه در بیان آن داشته معرّف و نشانگر بسیاری از ویژگی‌ها هستند. هر شیئی یا هر جاننداری با نام آن شناخته می‌شود، به عبارت دیگر نام تعیین‌کننده هویت و ویژگی‌ها در شناخت هر موجود است و تغییر آن موجب حذف تمام ویژگی‌ها و هویت گذشته صاحب آن می‌شود. مثلاً نام گیاه «بادآور» بیان‌کننده بسیاری از صفات ریختاری، رویشی، خواص و اهمیت آن است. در تاکسونومی کنونی نیز نام گیاه همیشه بخش ثابت است و هیچگاه نام گیاه در جابجایی‌ها و دگرگونی‌های مرتبه‌های رده‌بندی عوض نمی‌شود. اصلیت نام گیاه در متون قدیمی نیز از همین اهمیت برخوردار است. بنابراین جستجوی نام‌های اصلی، تفکیک آن‌ها از نام‌های مترادف دیگر و یافتن ریشه آن‌ها در متون گذشته که غالباً دستخوش بسیاری از تغییرات به ویژه بر اثر تداخل یک زبان به زبان دیگر، یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و یک زمان به ادوار دیگر بوده‌اند کاری بسیار مشکل است ولی گاهی منجر به باز نمودن گره‌های کور در زمینه شناخت گیاهان می‌شود.

۱ - ۴ - تفکیک و طبقه‌بندی نام‌ها در متون گذشته: نام گیاهان دارویی متون قدیم را می‌توان به صورت مختلف رده‌بندی یا گروه‌بندی نمود:

الف - رده‌بندی آن‌ها به نام‌های «مشهور» و «غیر مشهور»:

۱ - منظور از نام مشهور نامی است که علاوه بر نام گیاه، شرح و سایر اطلاعات مربوط به آن نیز در متون ذکر شده است، این قبیل نام‌ها در واقع همان اهمیت نام‌های علمی امروزی را دارا هستند و نام‌های استاندارد زمان خود و معرّف مشخصات اصلی گیاه و در حکم نام ذاتی یا نام جنس گیاه (معمول امروزی) هستند.

۲ - نام‌های غیر مشهور نام‌هایی هستند که در زبان‌های مختلف به نام مشهور افزوده شده یا به جای آن آمده‌اند. این نام‌ها در کتب و ادوار مختلف، با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در کنار نام‌های مشهور و مترادف با آن قرار گرفته‌اند.

ب - نام‌های مشهور از دو گروه نام‌های اصلی و نام‌های مترادف و تفسیری تشکیل شده‌اند: نام‌های مشهور اصلی، معمولاً بدون مترادف‌اند و نام‌های مشهور مترادف غالباً دارای مترادف‌هایی در زبان‌های دیگر می‌باشند. بعنوان مثال در کتاب ابن بیطار که از مهم‌ترین منابع طب قدیم است ۲۳۵۳ نام مشهور دیده می‌شود که ۱۴۲۲ نام آن از گروه اول یعنی ۶۰/۴۳٪ و ۹۳۱ نام مشهور مترادف آن یعنی برابر ۳۹/۵۷٪ است.

علت وجودی نام‌های مشهور اصلی و مترادف در متون قدیمی ظاهراً مربوط است به:

- اختلاف نظر و شک مؤلفان در ذکر یک نام

- اتخاذ نام از منابع، ترجمه‌ها و زبان‌های مختلف بدون ریشه‌یابی نام درست گیاه در متن اصلی

- بکارگیری نام اندام‌ها یا بخش‌های مهم و مورد استفاده گیاه به جای نام خود گیاه در متون

۳ - نام گیاهان متون قدیم را می‌توان بر اساس زبان‌های مختلف به نام‌های: عربی، فارسی، لاتینی<sup>(۱)</sup>، یونانی<sup>(۲)</sup>، رومی<sup>(۳)</sup>، بربری<sup>(۴)</sup>، سریانی<sup>(۵)</sup>، نبطی<sup>(۶)</sup>، ترکی و هندی متمایز نمود.

۱- لاتینی: منسوب به لاتین یا در اصل مربوط به لاتیوم و لاتینی‌هاست و همچنین به کشورهایی چون فرانسه و ایتالیا و اسپانیا که زبان و فرهنگ آنها از لاتینی ناشی است بکار می‌رود. در دوران جنگ‌های صلیبی به سکنه اروپای غربی در مقابل یونانی‌ها گفته می‌شد. (لغت‌نامه دهخدا)

۲- یونانی: کشوری در جنوب غربی اروپا و در جنوب غربی شبه جزیره بالکان مشتمل بر جزایر پراکنده‌ای در دریای اژه و دریای ایونی. یونان کنونی است که از نظر جغرافیایی با یونان قدیم فرق دارد و خیلی کوچکتر و محدودتر است کلمه یونان که در السنه شرقی مشهور شده از کلمه یونیه که به قسمتی از سواحل آسیای صغیر می‌باشد گرفته شده است. (لغت‌نامه دهخدا)

۳- رومی: رُم در تداول مورخان اسلامی پایتخت ایتالیا است و در مواردی آسیای صغیر و نواحی آن است، توضیح دیگر آن که دولت‌های جمهوری و امپراطوری روم چون وسعت پیدا کردند و حتی آسیای صغیر را مسخر شدند از قرن پنجم میلادی به این طرف به غربی و شرقی منقسم شدند. بخش غربی آن همان ایتالیا به پایتختی رم و بخش شرقی آسیای صغیر به پایتختی استانبول بود. (لغت‌نامه دهخدا)

۴- بربری: منسوب به بربر و بربر مردم بین حبشه و زنگبار را گویند. و بنا به قول دیگر ممالک شمال آفریقا عبارت از مغرب، مصر، طرابلس، تونس، الجزایر و مراکش است. (لغت‌نامه دهخدا)

۵- سریانی: منسوب به سورستان (بلاد عراق) و نام قومی سامی نژاد منسوب به قوم آرامی و با لهجه‌ای به همین نام است لهجه سریانی از لهجه‌های مهم آرامی شرقی است و در ایران به خود آرامی معروف‌تر و از آن متأخرتر است، لهجه آرامی را رفته رفته از یادها زده و سریانی جانشین آن گردید. مرکز این لهجه در شمال عراق (بین النهرین) شهر ادسا یا ارها است. ارها در کتب اسلامی الرها خوانده شده و اکنون اورفا نامیده می‌شود و در قرن دوم میلادی این ناحیه از مراکز مهم عیسویان محسوب می‌شد. و در چند قرن پیش از آن یعنی زمان اسکندر و جانشینان وی سلوکس و انتیوخس شمال بین النهرین از مراکز زبان سریانی بوده و به واسطه مهاجرت گروهی از مردم مقدونیه و یونان به آن سرزمین‌ها سریانی رنگ و روی خاصی بخود گرفت و لهجه آن بر دیگر لهجه‌های آرامی برتری یافت و بسیار لغات یونانی با زبان سریانی در آمیخت و تغییری در آن پدید آمد. هنوز هم در بسیاری از سرزمین‌های عربی زبان، لهجه سریانی وجود دارد، لهجه آشوری‌ها و کلدانیهای سوریه و عراق و ترکیه و ایران سریانی است. (لغت‌نامه دهخدا)

۶- نبطی: به معنای منسوب به نبط گروهی از مردم بطایح میان عراق عرب و عراق عجم یا به سواد عراق ساکن بوده‌اند و

۴- نام‌های متون قدیم را می‌توان به نام‌های «محلی» و «غیر محلی» تقسیم کرد، نام‌های محلی نام‌هایی هستند که در یک شهر و یا مکان بکار می‌رفتند. بدیهی است نام‌های مشهور در این گروه قرار ندارند. نام شهرها و محل‌های معروف (جدول شماره ۴ این کتاب) عبارتند از: در ایران: اصفهان، شیرازی، سجزی یا سجستان<sup>(۱)</sup>، سمرقند، کرمان، همدان، یزد، زابل، سیستان، مکران، تنکابن، دیلم، گیلان، مازندران، ترمذ<sup>(۲)</sup>، بخار<sup>(۳)</sup>، طبرستان، بهر، ماوراء النهر، ری، خراسان، جرجان، نیشابور، سنجر، خوارزم<sup>(۴)</sup>، خوز<sup>(۵)</sup>، سغد<sup>(۶)</sup>، خوازنه در کشورهای دیگر: مغرب، اندلس، شام، دمشق، عراق، حجاز، موصل، عراق، بغداد، آفریقا، اسکندر، فاس<sup>(۷)</sup>

### آمار نام‌های محلی عربی و مُعَرَّب

۱	اندلس	۲۱۹	جامع ابن بیطار
۲	مغرب + آفریقا	۷۷ + ۲۶	جامع ابن بیطار
۳	مصر	۷۴	جامع ابن بیطار
۴	شام - دمشق	۷۳	جامع و مخزن
۵	فاس	۶۸	حدیقه الازهار
۶	عراق + بغداد + موصل + بصره	۱۰ + ۲ + ۲ + ۶	جامع و مخزن
۷	حجاز	۸	مخزن الادویه
۸	اسکندریه	۶	جامع

- اینان غیر عرب بوده که عربیت را برگزیدند و در بر آوردن آب ماهر و در کثرت فلاحت مشهور بوده‌اند. (لغت‌نامه دهخدا)
- ۱- منظور سیستان و اصل آن سگستان است. (کتاب صیدنه)
  - ۲- ترمذ شهری است در ساحل نهر بلخ که آن را جیحون می‌خوانند. (لغت‌نامه دهخدا)
  - ۳- بخارا شهری از ماوراء النهر و مشفق از بخارست به معنای علم بسیار است. (لغت‌نامه دهخدا)
  - ۴- خوارزم نام ناحیه‌ای است در سفلی جیحون و از ایام بسیار قدیم مهد قوم آریا بوده است لسترنج در جغرافیای تاریخی خود در مورد آن چنین می‌گوید: ایالت خوارزم در اوایل قرون وسطی دو کرسی داشت: یکی در جانب باختری یعنی جانب ایرانی رود جیحون موسوم به جرجانیه یا ارگنج و دیگری در جانب خاوری یعنی جانب ترکی آن رود موسوم به کاث و این کرسی اخیر در قرن چهارم هجری از ارگنج آبادتر شد. (لغت‌نامه دهخدا)
  - ۵- منظور از خوزی مردم خوزستان است. زیرا «اهواز» را به فارسی «هورمشیر» می‌گفتند و نام آن «اخواز» بوده که پس از مغرب شدن به آن اهواز گفتند. (زریاب در کتاب صیدنه)
  - ۶- سغد نام شهری است در ماوراءالنهر نزدیک سمرقند. گویند آب و هوای آن در نهایت لطافت باشد و آن به سغد سمرقند شهرت دارد آن را بهشت دنیا هم گویند. (برهان قاطع)
  - ۷- فاس شهر مشهور و بزرگی بر کرانه دریای مغرب و بزرگ‌ترین شهر مراکش است. (لغت‌نامه دهخدا)

## آمار نام‌های محلی غیر عربی

ردیف	نام محل	تعداد نام	منبعی که بیشترین تکرار را داشته است.
۱	شیراز	۱۴۹	اختیارات بدیعی
۲	اصفهان	۳۷	مخزن الادویه
۳	سجری + زابل + سیستان + مکران	۲ + ۵ + ۱۳ + ۴۷	صیدنه
۴	تنکابن + مازندران + دیلم + گیلان	۷ + ۱۱ + ۱۳ + ۲۲	مخزن الادویه
۵	جرجان - گرگان	۱۰	صیدنه
۶	خراسان + نیشابور	۳ + ۱۲	صیدنه
۷	بلخ	۹	صیدنه
۸	طبرستان	۸	صیدنه و مخزن
۹	کرمان	۶	مخزن و اختیارات
۱۰	بخارستان	۶	صیدنه
۱۱	خوارزم	۶	صیدنه
۱۲	سغد	۶	صیدنه
۱۳	ترمذ + ماوراء النهر	۱ + ۴	صیدنه
۱۴	سمرقند + هرات	۱ + ۳	صیدنه
۱۵	ری	۳	صیدنه
۱۶	آذربایجان + تبریز	۳ + ۲	مخزن و اختیارات
۱۷	اهواز، هرات، بستی، دامغان، یزد، سنجر، هری، خوازنه،	۱	

۵- گسترده‌گی زبان عمومی شرق (عربی) نقش موثری در پدید آمدن آثار و متون قدیم گیاهان دارویی داشته سبب فراوان اشاعه نام‌های تازی گیاهان گردید. نام‌های تازی را می‌توان به دو گروه عربی و معرب متمایز نمود. منظور از نام معرب نام‌هایی هستند که ریشه غیر عربی دارند ولی دارای اعراب این زبان هستند.

۶- توضیح آمار از نام‌های مشهور و سایر نام‌ها و درصد آن‌ها در جداول و نمودارهای شماره ۱ تا ۳ صفحات بعد می‌بینیم. جدول شماره ۱ آمار نام‌های گیاهان دارویی در کتب مختلف از دیسکورید تا مخزن الادویه در کتب مورد مطالعه است. و جدول ۲ آمار نام‌های گیاهان مربوط به

کتاب ابن بیطار، و جدول ۳ آمار نام‌های مشهور کتاب مخزن الادویه و صیدنه است. نام‌های مشهور هندی در جدول شماره ۳ عمدتاً مربوط به کتاب مخزن الادویه است که به کتاب‌های طبی قرن ۱۱ و ۱۲ افزوده شد.

جدول ۱ - آمار نام‌ها که گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الادویه

نام	تعداد	درصد	نام	تعداد	درصد
عربی	۵۵۱۹	%۴۳	فارسی	۱۲۶۸	%۱۰
یونانی	۱۹۸۴	%۱۵	محلی	۴۲۹	%۳
رومی و لاتینی	۵۹۲	%۴	هندی	۷۲۱	%۵
سریانی	۴۴۳	%۳	ترکی	۵۲	%۰/۳
بربری و نبطی	۲۳۰	%۲	متفرقه	۱۹۳۶	%۱۵

جدول ۲ - آمار نام‌های گیاهان در کتاب جامع ابن بیطار

نام	تعداد	درصد	نام	تعداد	درصد
عربی	۱۲۷۱	%۵۵	عبری	۱۱	%۰/۱ کمتر
فارسی	۴۵۴	%۲۰	هندی	۸	%۰/۱ کمتر
یونانی	۴۲۸	%۱۸	مرکب	۵	%۰/۱ کمتر
لاتینی	۶۰	%۳	مصر قدیم	۱	%۰/۱ کمتر
سریانی	۴۷	%۲	نبطی	۱	%۰/۱ کمتر
ارامیه	۲۹	%۱	سنسکریتی	۱	%۰/۱ کمتر
بربری	۲۷	%۱	مجهول	۹	%۰/۱ کمتر

جدول ۲ - آمار نام‌های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه

نام	تعداد	درصد	نام	تعداد	درصد
عربی	۳۴۴۴	%۴۶	سریانی	۳۷۴	%۴
فارسی	۱۵۳۰	%۱۸	بربری	۱۱۰	%۱
یونانی	۱۵۳۰	%۱۸	ترکی	۵۱	%۰/۱ کمتر
رومی و لاتینی	۵۴۴	%۷	نبطی	۲۵	%۰/۱ کمتر
هندی	۶۸۰	%۸	متفرقه	۱۲۲۴	%۱۵

## ۲-۴- اثر برخوردها و یا تداخل فرهنگ‌ها در گوناگونی نام گیاهان دارویی:

جابه‌جایی تاریخی نام گیاهان دارویی در زبان‌های ملل، در جریان برخورد تمدن‌ها و تداخل فرهنگ‌های متفاوت و تاثیر‌گوش‌های مختلف این ملت‌ها، گاه باعث دگرگونی‌های عمیق و استحاله آن‌ها گردید، برای ادراک این گونه تغییرات کافی است به نام‌های گیاهان دارویی از کتاب دیسکورید تا کتاب مخزن الادویه یا کتاب‌های دیگر برای مقایسه رجوع کنیم. در این مقایسه خواهیم دید:

### (۱) نام‌های یونانی:

شمار نام‌های مشهور در کتاب دیسکورید: در کتاب ربرت<sup>(۱)</sup> ۶۶۵، و در شرح ابن بیطار ۴۳۳، شمار نام‌های مشهور کتاب ابن بیطار<sup>(۲)</sup> به زبان یونانی: ۴۲۸ یعنی ۱۶٪ از کل نام‌های مشهور گیاهان دارویی این کتاب است.

شمار نام‌های مشهور در کتاب مخزن الادویه و صیدنه به زبان یونانی: ۱۱۸ یعنی ۱۴٪ از کل نام‌های مشهور در این دو کتاب است.

شمار نام‌های یونانی آمده در کتب قدیم مورد مطالعه در حدود ۱۹۸۴ یعنی معادل ۱۵٪ کل نام‌ها است.

علت فزونی نام یونانی در کتب قدیمی برای افزایش گیاهان دارویی در آن‌ها نیست بلکه تغییر نام گیاه بر اثر گویش‌ها، ترجمه‌ها و تغییر آن‌ها در زبان‌های مختلف است.<sup>(۳)</sup>

### (۲) نام‌های هندی:

شمار نام‌های هندی در کتاب ابن بیطار مجموعاً ۸

شمار نام‌های هندی در کتاب صیدنه و مخزن الادویه ۱۰۹ یعنی ۱۳٪ از نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های هندی در کتب قدیم مورد مطالعه ۷۲۱ یعنی ۵٪ کل نام‌های این کتب است. نام‌های هندی در کتاب مخزن الادویه شامل ۱۳٪ از نام‌های مشهور آن است که به خوبی نشان دهنده تداخل نام‌های هندی در این زمان است.

### (۳) نام‌های سریانی:

شمار نام‌های سریانی در کتاب ابن بیطار ۴۷ یعنی ۲٪ از کل نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های سریانی در صیدنه و مخزن الادویه ۱۸ یعنی ۲٪ از کل نام‌های مشهور این کتاب می‌باشد.

شمار نام‌های سریانی در کتب قدیم مورد مطالعه ۴۴۳ یعنی ۳٪ از کل نام‌های موجود در کتب قدیم است.

آمار فوق نشان می‌دهد که با گذشت زمان نام‌های سریانی به تدریج اعتبار خود را در این کتب از

۱- نام گیاهان کتاب دیسکورید همراه با نام علمی پیشنهادی ربرت در فصل دوم کتاب آمده است.

۲- نام گیاهان دیسکورید با ترجمه ابن بیطار در قرن هفتم به همراه نام علمی پیشنهادی توسط ابن مراد در مقایسه با نام علمی پیشنهادی ربرت فصل دوم آمده است.

۳- علت بیشتر بودن نام‌های یونانی در کتاب ابن بیطار نسبت به مخزن الادویه عمدتاً بخاطر وجود نام‌های مترادف مشهور در کتاب ابن بیطار است.

دست داده فقط شامل ۳٪ از کل نام‌ها هستند. این کاهش بیانگر کم‌اعتباری این نام‌ها در این برهه است.

(۴) نام‌های عربی:

شمار نام‌های مشهور عربی در کتاب ابن بیطار ۱۲۷۱ یعنی ۵۵٪ کل نام‌های مشهور آن است. شمار نام‌های مشهور عربی در کتاب مخزن الادویه ۵۱۱ یعنی ۵۹٪ کل نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های عربی در کتب قدیم مورد مطالعه ۵۵۱۹ یعنی ۴۳٪ از کل نام‌های موجود در این کتب است.

تحولات آماری در این مقایسه مؤید آن است که زبان عربی از دوران ظهور اسلام تا قرن ۱۳ عنوان اصلی را در کتب دارویی قدیم داشته است و با مرور زمان نه تنها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده بلکه بر اهمیت آن هر روز افزوده شد.

۳ - ۴ - نگاهی دیگر بر تحول نام‌های کهن گیاهان دارویی در کتب فوق و نتایج آن:

۱ - هر نامی در این آثار دارای بار تاریخی و سابقه‌ای مربوط به خود است و از سابقه آن‌ها می‌توان نحوه تغییر و انتقال این نام‌ها، زمان و آغاز و تغییر و اهمیت کاربرد گیاه مربوطه را در یک دوره یا یک مکان و یا محل پی برد.

۲ - افزایش یا کاهش نام‌های مختلف به نام اصلی یا تغییر در تلفظ و گویش نام‌ها، گاهی نشان از شکوفایی و یا افول کاربری گیاهان دارویی در یک زمان یا یک شهر و کشور و یا یک برهه تاریخی و تحولات اجتماعی را دارد.

۳ - شمار نام گیاهان تا حدودی تعیین کننده آن است که گیاه مربوط به آن فقط در این کتب نام برده شده بنابراین زمان تقریبی استفاده از گیاه را می‌توان تعیین کرد.

۴ - نام گیاه گاه گرفته شده از نام اندام مورد استفاده گیاه و دارویی بودن بخش خاصی از آن است مثلاً زیره نام میوه گیاه است که گیاه را به آن می‌نامند و یا هویج که نام ریشه است بر گیاه نیز اطلاق می‌شود.

۵ - نام‌های گوناگون یک گیاه غالباً حاکی از اهمیت دارویی و کاربری فراوان آن است. هرچه نام‌های گیاه متنوع و متفاوت و با گویش‌ها و زبان‌های گوناگون باشد نشان از اهمیت آن است.

۶ - تنوع نام یک گیاه گاه حاکی از انقطاع یا پیوستگی تاریخی یک روند اجتماعی است و اختلاف در نام‌ها معمولاً نشان از عدم پیوستگی روند اجتماعی در آن مقطع تاریخی دارد.

۴ - ۴ - نکاتی در مورد نام‌ها:

توجه به نکاتی در نام‌ها می‌تواند ریشه و علت برخی از ابهامات موجود در زمینه گوناگونی و اختلافات و تشبث آن‌ها را معلوم نماید:

۱ - برخی نام‌ها به صورت مشترک استفاده می‌شدند که معمولاً نام‌های غیر مشهور می‌باشند.

۲ - در تسمیه برخی از نام‌ها از دیر زمان اختلاف وجود داشته و تا امروز نیز ادامه دارد.



- ۳- برخی از نام‌های مذکور در متون تاریخی مربوط به گیاهان بازارهای دارویی است و نویسندگان خود هیچ گونه شناختی (جز خواص دارویی) از آن نداشته‌اند. بنابراین نام این گیاهان هیچ کمکی به شناخت ریختاری گیاه نمی‌کند.
- ۴- برخی از گیاهان در مناطق خاصی مورد استفاده بوده‌اند و با توجه به منابع همان مناطق رونویسی شده‌اند بنابراین نویسندگان خود از گیاه و حتی آثار تجربی آن اطلاعی نداشته‌اند.
- ۵- نام‌هایی نیز مربوط به گیاهانی از منطقه‌ای معین با مصارف دارویی معین بوده‌اند اما پس از انتقال نام گیاه به نواحی دیگر به اشتباه یا دانسته آن نام به گیاهان مشابه با همان مصارف دارویی داده شده که خود موضوعی جالب برای پژوهش است.

## ۵- منابع مورد استفاده در این کتاب

در تألیف مجموعه حاضر دو نوع منبع برای استفاده مستقیم و غیر مستقیم در دست بوده است:

منابع مستقیم مورد استفاده شامل کتابهایی هستند که در ۶ دوره زیر<sup>(۱)</sup>، با مؤلفانی دقیق و ممتاز از سایرین انتخاب شده‌اند این مولفان در زمینه انتقال نام‌های از منابع دیگر دقیق‌تر بوده‌اند. منظور از منابع غیر مستقیم منابعی هستند که مورد استناد این منابع قرار داشتند. کتاب‌های انتخابی نوع اول عبارتند از:

- ۱- کتاب دیسکورید مربوط به قرن اول میلاد [مربوط به دوران قبل از اسلام]
- ۲- کتاب رازی (۲۵۱ هجری قمری) و الابنیه<sup>(۲)</sup> (۳۵۰ هجری قمری) [مربوط به دوران ظهور اسلام تا قرن چهارم]
- ۳- کتاب صیدنه ابوریحان (۴۴۰ هجری قمری)<sup>(۳)</sup> و کتاب تنقیح الجامع ابن بیطار (۶۴۶ هجری

- ۱- به کتاب تاریخ طب اسلامی اثر ادوارد بروان و ترجمه مسعود رجب نیا رجوع شود.
- ۲- منابع مورد استفاده ابو منصور علی الهروی که معتقد است «کتاب‌های حکیمان قبلی و عالمان و طبیبان محدث همه بجستم و هر چه گفته بودند بتأمل نگه کردم». عبارتند از: جالینوس، دیسکورید، فولس، ماسرجویه، رازی، یوحنا.
- ۳- منابع مورد استناد ابوریحان در صیدنه:
  - خوز یا خوزی که همان اطبای مکتب جندی شاپور (از زمان خسرو انوشیروان تا قرن سوم هجری در ایران و عراق) هستند. از کتب مورد استفاده کتاب شوسمای یا کتاب کناش الخوز است که نظرات جمعی از پزشکان جندی‌شاپور به زبان سریانی که زبان علمی آن‌ها بوده، می‌باشد.
  - کتاب اوریباسیون از پزشکان جندی شاپور
  - کتاب العطر ابو عباس الحشکی - حشک شهری است از نواحی کابل و نزدیک تخارستان
  - و کتاب جیب العروس تیمی - احمد بن سعید تیمی مقدسی پزشکی از بیت المقدس که در سال ۳۷۰ هجری در مصر اقامت داشته است.
  - کتاب تفاسیر الادویه ابو معاذ جوانکانی (جوانکا یکی از شهرهای جرجان یا گرگان است). تقریباً هم عصر با بیرونی است.
  - کتاب کناش سجری
  - کتاب الجامع لاقوال القدماء و المحدثین من الاطباء و المتفلسفین فی ادویه المفردة از ابوبکر حامد بن ابن سمجون از اطبای اندلس در قرن چهارم هجری
  - کتاب الرسائل الطیبه از ابو سهل بشر بن یعقوب بن المتطبّب السجری، مولف از سجستان یا سیستان بوده حدود (۴۰۰

- ۴- کتاب حدیقة الازهار غسانی<sup>(۱)</sup> (۸۹۸ هجری قمری) و کتاب اختیارات بدیعی (۱۰۲۳ هجری قمری) [مربوط به دوران نزول]
- ۵- کتاب مخزن الادویه<sup>(۲)</sup> (۱۱۸۹ هجری قمری) [مربوط به دوران رکود و کمون]

سوم هجری)

ب- نام کتاب هایی که از نظر گیاهشناسی مورد توجه بوده است عبارتست از: ۱- الانتخاب لابی حاتم السجستانی ۲- العیان یا اعیان النبات ابی حنیفة الدینوری ۳- الجمهره لابن درید ۴- البارع لابی علی الفالی البغدادی ۵ و ۶- کتاب انشوطا و کتاب الاشجار از هرمس ۷- هیولی الطب فی الحشایش و السموم از دیسقوریئدس العین زری ۸ و ۹ و ۱۰- کتاب‌های تدبیر الاضحاء و حلیة البر و المیامر از جالینوس ۱۱ و ۱۲- کتابهای الاعتماد و سمائم و سموم از ابن جزّار ۱۳- فردوس الحکمة ابی الحسن علی بن سهل ربّ الطبری (۲۴۰ هـ) ۱۴- طب العرب لعبد الملک بن حبیب السلمی البیری (۲۳۸ هـ) ۱۵- التصریف لمن عجز عن التالیف لابی خلف بن عباس الزهراوی (۴۰۴ هـ) ۱۶- الفلاحة النبویة ترجمه ابی بکر احمد بن وحشیة (اواخر قرن سوم هجری)

ج- منابعی که فقط نام مؤلف آن ذکر شده است و مؤلف آن نیز در زمینه طب و گیاه‌شناسی صاحب‌نظر بوده است: ۱- ابقراط ۲- اهران القس ۳- بولش الاجانیطی ۴- ابن سرابیون یوحنا (قرن سوم هجری) ۵- ابن ماسویه ابو زکریا (۲۴۲ هـ) ۶- مسیح الدمشقی ابوالحسن عیسی بن الحکم (۱۷۰ هـ) ۷- سابور بن سهل (۲۵۵ هـ) ۸- ماسرجویه (قرن اول هجری) ۹- اسحاق بن سلیمان الاسرایلی لی (۳۲۰ هـ) ۱۰- ابوالحسن احمد بن محمد الطبری (۳۶۰ هـ) ۱۱- ابو عبدالله محمد بن سعید التیمی ۱۲- علی بن عباس المجوسی (۳۸۴ هـ) ۱۳- عیسی بن علی (قرن سوم هجری) ۱۴- محمد بن عبدون الجبلی العددی (۳۶۱ هـ) ۱۴- ابن جلجل ابو داود سلیمان بن حسان (۳۸۴ هـ) ۱۵- علی بن محمد ۱۶- ابن سمجون ابوبکر حامد (۳۹۲ هـ) علی بن سلیمان الحاسب الزهراوی ابوالحسن (قرن چهارم هجری) ۱۷- ابن الهیثم عبدالرحمن بن اسحاق القرطبی ۱۸- عمر بن ابی عمران (قرن چهارم هجری) ۱۹- السوسی عبدالله بن محمد الثقفی (۴۰۳ هـ) ۲۰- ابن الکتانی ابو عبدالله محمد بن الحسن المذحجی (۴۲۰ هـ) ۲۱- ابن البغونش ابو عثمان سعید بن محمد (۴۴۴ هـ) ۲۲- ابن وافد ابو المطرف عبدالرحمن بن محمد اللخمی (۴۶۷ هـ) ۲۳- شیخ ابی الحسن اللونقه استاد مؤلف ۲۴- اليهودی مروان بن جناح (قرن پنجم هجری قمری)

۱- ابوالقاسم بن محمد الاندلسی الغسانی مشهور به وزیر در سال ۹۵۵ هجری قمری در شهر غرناطة اندلس متولد شد و در شهرهای فاس و مراکش به آموختن علوم طب و سایر علوم اشتغال ورزید. سه کتاب از او در زمینه گیاهان دارویی به جا مانده است که عبارتند از: ۱- روض المکنون در شرح ارجوزه ابن غررون - این کتاب به نظم و به منزله الفیه ابن سینا تألیف ابو موسی هارون بن اسحق بن غررون (۴۹۴ هجری - قمری) است. غسانی گیاهان این کتاب را در روض المکنون شرح داده است. ۲- مغنی الطیب عن کتب اعداد الحیب که برگردان عربی کتابی در زمینه طب و گیاهان دارویی از یکی از زبان‌های اروپایی است. ۳- حدیقة الازهار فی شرح ماهیة العشب و العقار، وی در این کتاب نام گیاهان را با زبان روز تطبیق داده و اسامی را بر اساس حروف ابجد تنظیم نموده است در این کتاب از ۳۰ گیاه و ۷ حیوان و کانی نامبرده است از امتیازات این کتاب برخوردار آن از نظام طبقه بندی است.

۲- کتاب‌های مورد استناد مخزن الادویه:

- تذکرة شیخ انطاکی معروف به تذکرة اولی الالباب
- تذکرة شیخ یوسف بغدادی موسوم به مالایسغ اللطیب جهله معروف به جامع بغدادی
- ارشاد شیخ اسماعیل هیبة الله
- ترجمه تذکرة ابوریحان معروف به سویدی
- مفردات نواب حکیم معتمد الملوک سید علوی خان
- اختیارات قاسمی حکیم محمد قاسم ملقب به هندو شاه مشهور به فرشته
- مجربات افضل حکیم میر محمد افضل
- حواشی حکیم میر عبد الحمید بر تحفه
- قانون ابن سینا
- جامع مالقی یا جامع ابن بیطار

۶- کتاب‌های الموسوعه، تصحیح ابن مراد بر کتاب شرح دیسکورید ابن بیطار، تصحیح ربرت بر کتاب دیسکورید، تصحیح زریاب بر کتاب صیدنه، تصحیح طباطبایی بر الحاوی، دائرة المعارف گیاهان دارویی هند، دارونامه پارسا، تصحیح خطابی بر کتاب حدیقه الازهار [مربوط به دوران جدید و عصر حاضر]

در آثار این دوران حتی المقدور سعی شد تا حد امکان نام علمی رایج کنونی برای نام قدیمی گیاهان انتخاب شود. از منابع مزبور کتابهای شرح دیسکورید ابن بیطار و تنقیح الجامع تقریباً بطور کامل ترجمه شده و از کتب دیگر فقط نام‌های گیاهان استخراج شده است.

# فصل اول

## نام‌های کهن گیاهان داروئی

در کتاب‌های:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن بیطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسقوریوس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)

## نام‌های کهن گیاهان داروئی

مهمترین مطالب این فصل عبارتست از:

- ۱ - نام‌های کهن گیاهان داروئی از اوائل سال‌های میلادی تا عصر حاضر به تفکیک منبع
- ۲ - تاریخ استفاده از گیاه و میزان اهمیت آن در قرون گذشته
- ۳ - تصحیح نام‌ها با توجه به منشاء زبان و گویش آن
- ۳ - نام‌های علمی پیشنهادی در برخی از منابع جدید برای این گیاهان

برای استفاده از کتاب به نکات زیر توجه شود:

- ۱ - در این کتاب سعی شده تقریباً همه نام‌های اصلی و نام‌های منتقل شده در منابع گوناگون قدیم از کتاب دیسکورید تا مخزن الادویه جمع آوری شده و بدون پیش داوری در اختیار محققان قرار گیرد.
- ۲ - برای بالا رفتن دقت و تصحیح گویش‌ها و کامل شدن تاریخ گیاه سعی شده از هر قرن، کامل‌ترین منبع در زمینه نام‌های گیاهان انتخاب شود. بنابراین عدم استفاده از منابع دیگر بخاطر هم پوشانی مطالب آن با کتب انتخابی است.
- بعنوان مثال کتاب مخزن الادویه از نظر اسامی از کتاب تحفه حکیم مومن / با توجه تشابه‌های زیاد این دو / کامل‌تر است و بعلاوه به دلیل متاخر بودن آن از امتیاز بیشتری برخوردار است.
- ۳ - در جمع آوری مطالب از منابع مختلف درستی یا نادرستی نام یا مطلب، مورد نظر نبوده است زیرا عدم تفکیک موارد درست و یا نادرست می‌تواند زمینه بیشتر اظهار نظر پژوهشگران بعدی را فراهم و پژوهش آنان را پربارتر سازد. بعنوان مثال اگر نامی با زبان خاص از منبعی در این کتاب ذکر گردید درستی یا نادرستی آن مورد نظر نبوده است، بنابراین منسوب کردن نام به یونانی، عربی، و... فقط نقل قول از منابع است که ممکن است نادرست باشد.<sup>(۱)</sup> گاهی نیز نادرستی مطلب و واژگان در زمان خاص می‌تواند سرنخ‌های مطلوبی را در زمینه کشف قوانین دوره‌ای از تاریخ فراهم آورد.
- ۴ - در فصل حاضر کوشش بر این بوده نام‌های مشهور ذکر شده از منابع مختلف با یک شماره مشخص شوند مگر آنکه اختلافی بین نام‌ها به نظر آمده باشد. بنابر این تکرار شماره برای نام‌ها موید اختلاف آن‌ها با نام‌های مترادف است.
- ۵ - چنانچه قبلاً اشاره کردیم نام گیاهان با نام مشهور و غیر مشهور در کتاب متمایز شده‌اند و نام مشهور ممکن است مربوط به منابع یکسان یا منابع مختلف باشد. در هر صورت نام مشهور بلافاصله بعد از شماره در کتاب آمده و نام‌های بعدی آن با عنوان " سایر نام‌ها " آمده و غیر مشهور یا مترادف بشمار می‌روند.

---

۱- به همین دلیل همه مطالب و نام‌ها در کتاب با ذکر منبع آمده و برای هر منبع کلمه اختصاری انتخاب شده است.

۶- در بخش پایانی کتاب نام های گیاهان دارویی به زبان های مختلف به تفکیک با ذکر صفحه، فهرست شده اند تا با مراجعه به آن بتوان به تمام نام های موجود بویژه نام های مشهور در کتب قدیم دسترسی یافت. (۱) با استفاده از این فهرست و مراجعه به متن کتاب امکان دستیابی به گیاه مورد نظر در منابع قدیم فراهم می شود. بعنوان مثال چنانچه محقق در نظر داشته باشد در زمینه گیاه «اسفرزه» در متون قدیم اطلاعاتی را استخراج نماید با مراجعه به فهرست آخر کتاب به متن ارجاع داده شده و با عنوان «بزرقظونا» مواجه می شود بنابراین در کتبی که نام آن ها به صورت اندیس روی نام گیاه آمده است می توان اطلاعات مربوط به «اسفرزه» را تحت عنوان «بزرقظونا» جستجو نمود.

۷- نام های علمی در جداول کتاب برای حفظ امانت به همان صورت کتاب است و به معنی تایید درستی آن ها نیست، بدیهی است در ضمیمه شماره ۳ کتاب نام های اصلاح شده یا درست آن ها آمده است.

۸- البته امکان یافتن نام علمی برخی از نام های علمی به علت نبود منابع میسر نگردید.

۹- برای هر گونه اظهار نظر در مورد گیاه خاص باید حتماً به اندیس و فونت آن توجه نمود.

شایان ذکر است نشانه ها اتخاذ شده برای مشخص نمودن منابعی است که نام ها و مطالب از آن ها گرفته شده است. این نشانه ها عبارتند از:

نشانه حرف «م» مربوط به کتاب مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری) با فونت لوتوس ۱۴

نشانه حرف «ت» مربوط به کتاب اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری) با فونت ۱۰ یاقوت

نشانه حرف «غ» مربوط به کتاب حدیقه غسانی (قرن دهم هجری) با فونت بدر ۱۲

نشانه حرف «ج» مربوط به کتب ابن بیطار (قرن هفتم هجری) با فونت ۱۲ زر ایرانیک

نشانه حرف «ش» مربوط به کتاب عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری) با فونت ۱۰

نشانه حرف «ص» مربوط به کتاب صیدیه (قرن پنجم هجری) با فونت لوتوس سیاه ۱۲

نشانه حرف «ب» مربوط به کتاب الابنیه (قرن چهارم هجری) با فونت لوتوس ۱۰

نشانه حرف «ح» مربوط به کتاب الحاوی (قرن سوم هجری) با فونت میترا ۱۲

نشانه «Glo» مربوط به کتاب *GLOSSARY OF INDIAN MEDICINAL PLANTS*

نشانه «دی.» یا «د.» مربوط به تصحیح ابراهیم بن مراد بر کتاب «تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار»

نشانه «زر.» یا «ز.» مربوط به کتاب تصحیح عباس زریاب بر کتاب «صیدیه»

نشانه «الم.» یا «ال.» مربوط به کتاب «الموسوعه فی علوم الطبیعه»

نشانه «طبا.» یا «ط.» مربوط به تصحیح سید محمود طباطبائی بر کتاب «الحاوی»

نشانه «خطا.» یا «خ.» مربوط به تصحیح محمد العربی الخطابی بر کتاب «حدیقه الازهار»

نشانه «صحا.» یا «صح.» مربوط به کتاب «الصحاح فی اللغة و العلوم»

نشانه «پار.» یا «پ.» مربوط به کتاب «دارو نامه» احمد پارسا

برای روشن شدن مطالب فوق به مثال زیر اشاره می کنیم:

نام شماره ۱۸ این فصل بعنوان نمونه انتخاب می شود، که «آس» نام دارد.

۱۸- آس، آس (نامی فارسی)، هَدَس (نام دانه)، آس، آس، آس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس:

نام های دیگر آن: ریحان، - سریانی: آسای آسا، گدگدنفسی (به معنای جاء بک نفسه) و کورلنفسا، به معنای

خصومت کننده با جان خود نام های نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس، - سریانی: مرسنین،

مرسینی - حبشی: ازورا - هندی: ادھیره، نام دانه آن: بکام، قطوس، فطسا، (بنک آس را) منطر - نام گیاه

۱- بدین ترتیب پژوهشگران می توانند با مراجعه به صفحه مربوط نام مشهور گیاه را در منبع دلخواه خود پیدا و به آن مراجعه کنند مثلاً گیاه

«مورد» را باید در کتاب مخزن الادویه تحت عنوان «آس» جستجو نمایند.

در کتاب دیسکورید: مرسیس ایماروس<sup>۴</sup> - بنکه قیطس<sup>۵</sup>، غمار<sup>۶</sup>، اسماروزند<sup>۷</sup> - مورد<sup>۸</sup> (۱)

در مثال فوق:

- نام‌های مشهور گیاه عبارت است از: «آس، هَدَس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس» سایر شرح‌های گیاه و خواص آن در کتاب‌های مورد نظر در ذیل این نام‌ها آمده است.

- برای بررسی این گیاه در کتب قدیم به نام‌های زیر باید رجوع شود:

در کتاب الالبینه و جامع ابن بیطار و مخزن لادویه: آس

در کتاب صیدنه: آس، هَدَس

در کتاب اختیارات بدیعی: آس، قیطس، حب الاس، اسمار، اسفرم

- سایر نام‌ها و مطالب این گیاه در منابع مختلف در ادامه نام‌های مشهور گیاه ذکر شده است.

- اگر نام «ازورا» بعنوان نامی مجهول در اختیار ما باشد با مراجعه به فهرست پایان کتاب به صفحه مربوط به «آس»

راهنمایی می‌شویم و برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های مخزن لادویه، صیدنه، جامع، اختیارات بدیعی و الالبینه به کلمه

«آس» مراجعه خواهیم نمود.

- در این مراجعات به منشأ تاریخی نام گیاه نیز واقف خواهیم شد مثلاً این گیاه از زمان دیسکورید با نام «مرسیس

ایماروس» مورد استفاده بوده و در زمان‌ها، کشورها و فرهنگ‌های مختلف استفاده شده است، بنابراین به نظر می‌رسد

امتداد تاریخی استفاده این گیاه از زمان دیسکورید تا قرن ۱۳ ادامه داشته است (زیرا در همه منابع قرون گذشته از آن

نامبرده شده است).

- از آنجا که نام دانه گیاه بصورت مستقل آمده می‌توان نتیجه گرفت که مصرف خاص داروئی داشته است.

- نام‌های گیاه در انتقال مؤلفان و کتب آن‌ها دستخوش تغییر شده است که می‌توان بهترین گویش را انتخاب و واژه‌ها و

اصطلاحات بکار برده شده را اصلاح نمود و به منشاء نام تا حدودی بطور مستند نزدیک شد، مثلاً نام یونانی این گیاه در

کتاب مخزن «مرسا ایمارس» و در کتاب جامع «مرسیس ایمارس» است و با نام سریانی آن که مرسنین است تشابه

زیادی دارد بنابراین نام «مرسیس ایمارس» نام یونانی قابل قبول‌تری برای آن است.

- استفاده گسترده از این گیاه در کشورهای مختلف مغرب، هند، ایران و ممالک دیگر از مواردی است که می‌توان با توجه

به تعدد نام‌های مختلف گیاه در زبان‌های متفاوت به آن پی برد.

۱- مجدداً یادآور می‌شویم اندیس‌های و تغییر فونت کلمات نشان‌دهنده مرجع مورد استفاده است.





عربی)، سمقشمحون<sup>۱</sup>: آذان الفار جنسی از مرزنگوش است. نام‌های دیگر آن: حشیشه الزجاج<sup>۲</sup> - یونانی: مروش<sup>۳</sup>، مروش آقطی به معنی اذان الفار - هندی: چوهه کنی<sup>۴</sup> - اناغلس<sup>۵</sup> - سمسق<sup>۶</sup>، سمسر<sup>۷</sup>، ریحان داود<sup>۸</sup>، سمشیر<sup>۹</sup>، عیسوب<sup>۱۰</sup>، عنقر<sup>۱۱</sup>، مردوش<sup>۱۲</sup>، مرزنجوش<sup>۱۳</sup>، مرزجوش<sup>۱۴</sup>، حبق القنا<sup>۱۵</sup> - فارسی: مرزنگوش<sup>۱۶</sup> - اشبیلی<sup>۱۷</sup> می‌گوید: چهار گیاه به دلیل شباهت برگ‌هایشان به گوش موش - آذن الفار - به این نام مشهورند نام نوع اول «حشیشه الزجاج» و نوع دوم «آناغلس» و نوع سوم «مرزنجوش» و نوع چهارم «البستنی» به معنی بستانی و با نام یونانی «ماوش اوطا» است. برخی آن را به اشتباه نوعی «هیوفاریقون» و یا نوعی «آناغلس» می‌دانند در حالی که این نام به همه این گیاهان گفته می‌شود ولی به تنهایی برای آن‌ها استعمال نمی‌شود.<sup>۱۸</sup> «آذان الفار البری» در آفریقا به «عین الهدهد»<sup>۱۹</sup> معروف است. بتوقس اوطا (Muos ota): «حنین ابن اسحق» در تفسیر «بتوقس اوطا» آن را نامی برای «آذان الفار رومی» می‌داند. در آفریقا آن را «عین الهدهد» و همان «بادورد» می‌دانند. اینان در این نامگذاری دچار اشتباه شده‌اند که در فصل ۴ به «آذان الفار حقیقی» اشاره می‌شود.

آلبینی (Alsine): این نام «آذان الفار حقیقی» است و بیشتر در باغها روئیده می‌شود. [ابن بیطار (در تفسیر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۶۶ و ۴ - ۷۹]

<i>Myosotis sp.</i>	اذان الفار	الموسوعه
<i>Myosotis arvensis L.</i> <i>M.stricta Roem &amp; Schut.</i>	اذان الفار بری	الموسوعه
<i>Myosotis alpestris Schm.</i>	اذان الفار جبلی	الموسوعه
<i>Myosotis palustris Lam.</i>	اذان الفار المتقی - عین الهدهد - لاتسنی	الموسوعه
<i>Myosotis palustris Lam.</i>	اذان الفار	صحاح
<i>Myosotis palustris Lam.</i> <i>Asperugo procumbens L.</i>	اذان الفار	زریاب
<i>Myosotis palustris Lam.</i>	اذان الفار رومی	دیسکورید
<i>Parietaria cretica L.</i>	اذان الفار الحقیقی	دیسکورید
<i>Parietaria officinalis L.</i>	اذان الفار - گوش موش	پارسا
<i>Asperugo procumbens L.</i>	اذان الفار	طباطبانی
<i>Anagallis arvensis L.</i>	اذان الفار نبطی	ط. - زر.

۱۲ - آذان الفستیس: نام دیگر آن «قوطلیدون» است و نوعی از «حی العالم» است.

<i>Cotyledon umbilicus L.</i>	اذان القیس	EN.
-------------------------------	------------	-----

۱۳ - آذان الفیل<sup>۲۰</sup>: به آن «قلقاس» گفته‌اند اما «لوف الکبیر» صحیح تر است.<sup>۲۱</sup>

۱۴ - آذربو<sup>۲۲</sup> یا آذربویه<sup>۲۳</sup>، آذربوی<sup>۲۴</sup>، آذربوا<sup>۲۵</sup>، اصل العربیثا<sup>۲۶</sup>: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: بیخ عربیثا<sup>۲۷</sup> - سیطرمنون<sup>۲۸</sup> - شیرازی: یریک<sup>۲۹</sup> - تلاد<sup>۳۰</sup>، بلاد<sup>۳۱</sup>، گلیم شوی<sup>۳۲</sup>، قصب شوی<sup>۳۳</sup> - قعیلاس<sup>۳۴</sup> - بخور مریم نوعی از آنست. نام ریشه آن عربیثه است.<sup>۳۵</sup> - عربیثا پیارسی «اشبریون» است و «تورم» و «فلان» نیز به آن گویند، پشم و گلیم‌ها را با آن می‌شویند نام گیاه «آذربوی» است.<sup>۳۶</sup> - «آذربوی» نام ریشه گیاهی است که به فارسی به آن «چوه صباغان» گویند!

۱۵ - آذریون<sup>۳۷</sup>، آذریون<sup>۳۸</sup>، آذریون<sup>۳۹</sup> (معنا: آتش گون)، آذریون<sup>۴۰</sup>، آذریون<sup>۴۱</sup>، آذریون<sup>۴۲</sup>، حنوه<sup>۴۳</sup>، ادام<sup>۴۴</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: حنوه<sup>۴۵</sup>، حنوه<sup>۴۶</sup>، تاجر الاصفر<sup>۴۷</sup>، ذهبی<sup>۴۸</sup>، عرار<sup>۴۹</sup>، بهار البر<sup>۵۰</sup>، بهار الاصفر معروف به نرجس<sup>۵۱</sup>، عین العجم<sup>۵۲</sup>، کف الاسد (زیرا شکل آن در هنگام ریزش گل مشابه کف پای شیر است)<sup>۵۳</sup>، ازریول (فاس)<sup>۵۴</sup>، جمره (فاس)<sup>۵۵</sup>، تاجر (فاس)<sup>۵۶</sup> وجه تسمیه آن به تاجر بخاطر اینست که گل آن با طلوع خورشید باز و با غروب بسته می‌شود و از این جهت مشابه تاجر است.<sup>۵۷</sup> - فارسی: گل آفتاب پرست<sup>۵۸</sup>، آذرگون - هندی: سورج مکھی<sup>۵۹</sup> - اردم - به زبان عجمی: قلنیه فوله<sup>۶۰</sup> - بنابر قول صاحب جامع نوعی از «اقوانست» و این خلاف است زیرا

گل «اقحوان» زرد و سفید است، و گل آن زرد و سرخ است، و او گوید نبات آن به مقدار یک گز باشد اما نبات «آذریون» از یک وجب زیادت نباشد و برگ آن مطلقاً به برگ «اقحوان» ماند، اما گل وی بغایت سرخ رنگ باشد مانند آتش و میان گل وی سیاه رنگ است و از گل «اقحوان» کوچکتر بود اما میان گل «اقحوان» زرد بود و برگ های (گلبرگ های) کنار آن سفید، اما در «آذریون» (گلبرگ های) کنار آن سرخ با میان سیاه است، و این نوعی از «شقایق» است.<sup>۵</sup>

<i>Calendula arvensis L.</i>	آذریون البری، آذریون الحقول، قَوْحَان، كحلہ	الموسوعه
<i>Calendula officinalis L.</i>	آذریون مخزنی، آذریون الحدائق، قره‌هان، زُیِّده، حَهوان	الموسوعه
<i>Calendula arvensis L.</i> <i>Calendula officinalis L.</i>	آذریون	زریاب
<i>Heliotropium europaeum</i>	گل آفتاب پرست	پارسا
<i>Calendula officinalis L.</i>	آذریون	طبا، خطا.

۱۶ - آذریونه<sup>۶</sup>، فلار<sup>۷</sup>، آذریون<sup>۸</sup>؛ نام های دیگر آن عبارتست از: فارسی: گلیم شوی، صابون لباس و امثال آن - سریانی: عرطینینا، عقاراعرطینینا - بلال<sup>۹</sup>، فلار<sup>۱۰</sup> - طالون - نام ریشه گیاه به رومی اطروکیا و لیطفوروس است.<sup>۱۱</sup> "اسحاق بن عمران" می گوید آن نوعی «اقحوان» است.<sup>۱۲</sup>

<i>Cyclamen europaeum L.</i> <i>Leontica leontopetalum L.</i>	فلار، آذریونه	زریاب
<i>Cyclamen sp.</i>	عَرطینینا، شُکَم، بخورمریم، زَهْرالمسیح، وَكْف، نَحْبَزالمشایخ، بَقْلَامْس، رِکْفَه	الموسوعه

۱۷ - آرغیس، آرغیس<sup>۱۳</sup>؛ (نامی بربری) نام های دیگر آن: دمشق و مصر: عود الریح؛ عودرنج<sup>۱۴</sup> - فارسی: پوست بیخ زرشک<sup>۱۵</sup> - اصل امیرباریس<sup>۱۶</sup> - به پوست درخت «برباریس» گفته می شود و در مصر به آن «عود الریح» گویند.<sup>۱۷</sup>

۱۸ - آزاد درخت؛ آزاد درخت<sup>۱۸</sup>، آزاد زخت<sup>۱۹</sup>، آزاد درخت<sup>۲۰</sup>، ازاددرخت<sup>۲۱</sup>، ازاددرخت<sup>۲۲</sup>، طاحسک<sup>۲۳</sup> (نام میوه): نام های دیگر آن: فارسی: شیشبان<sup>۲۴</sup>، طاق<sup>۲۵</sup> - عربی: شجرة الحر؛ حریطه؛ فالسیسبانة، علقم، لَبِخ، عَنَاب الابيض، شجرة الفارسیة<sup>۲۶</sup> - تنکابن: داروان، زویاترس - جرجان: زهر زمین؛ یونانی: فرسیا - مازندران: سیسبان<sup>۲۷</sup> - سند: نیم<sup>۲۸</sup> - مکرگان: زمین<sup>۲۹</sup> - شهرری: درخت هلیله<sup>۳۰</sup> - طبرستان: طاحک<sup>۳۱</sup> - شیرازی: طفک<sup>۳۲</sup> - «آزاددرخت» معنای فارسی «حرالسحر» است.<sup>۳۳</sup>

<i>Melia azadarach L.</i>	إزْدَرَحْت	الموسوعه
<i>Melia azadarach L.</i>	آزاد درخت	زر-طبا.
<i>Melia azadarach L.</i> <i>Azadirachta india Juss.</i>	هندی: نیم - سندی: نیما	Glo-in
<i>Zelkova crenata Spac.</i>	درخت آزاد، تومه (شیراز)، نیل (آستارا)، آقچه داغ (گردنه چناران)، ازدار (علی آباد، حاجی آباد)	پارسا

۱۹ - آس<sup>۳۴</sup>، آس<sup>۳۵</sup>، آس<sup>۳۶</sup> (نامی فارسی)، هَدَس<sup>۳۷</sup> (نام دانه)، آس<sup>۳۸</sup>، آس<sup>۳۹</sup>، آس<sup>۴۰</sup>، اسفرم<sup>۴۱</sup>، اسمار<sup>۴۲</sup>، حب الاس<sup>۴۳</sup>، قیطس<sup>۴۴</sup>، آس، ریحان<sup>۴۵</sup>: نام های دیگر آن: ریحان<sup>۴۶</sup>، الّاس<sup>۴۷</sup> - سریانی: آسای<sup>۴۸</sup>، آسای<sup>۴۹</sup>، آسای<sup>۵۰</sup>، آسای<sup>۵۱</sup>، آسای<sup>۵۲</sup>، آسای<sup>۵۳</sup> (به معنای جاء بک نفسه) و کرلنفسا<sup>۵۴</sup> به معنای خصومت کننده با جان خود - نام های نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس<sup>۵۵</sup>، قیطس<sup>۵۶</sup> - سریانی: مرسنین<sup>۵۷</sup>، مرسنی<sup>۵۸</sup> - حبشی: ازورا - هندی: ادھیره، نام دانه آن: بکام<sup>۵۹</sup>، قطوس<sup>۶۰</sup>، قَطُسا<sup>۶۱</sup>، (بنک آس را) منظر<sup>۶۲</sup> - نام

گیاه در کتاب دیسکورید: مرسیس ایماروس<sup>۴</sup> - بنکه قیطس<sup>۵</sup>، غمار<sup>۶</sup>، اسماروزند<sup>۷</sup> - مورد<sup>۸</sup> - مزتیہ<sup>۹</sup> - مرثش<sup>۱۰</sup> - میبریان<sup>۱۱</sup> - رند<sup>۱۲</sup> - مرسینوس<sup>۱۳</sup> - آس دو جنس دارد: دشتی، و بستانی، نام دشتی آن «مورداسفرم» است.<sup>۱۴</sup> آشیلی<sup>۱۵</sup> می‌گوید: آس دارای دو نوع بستانی و سه نوع بری است که نام آن‌ها عبارت است از: ۱ - نوع بستانی هاشمی با نام ایماروس ۲ - نوع بستانی مشرقی ۳ - نوع بری مشرقی ۴ - نوع بری هاشمی ۵ - نوع بری جبلی<sup>۱۶</sup>

مرسیس ایمارس (*Mursine he hemeros*): به معنای "آس البستانی" است، زیرا مرسیس یعنی آس و ایمارس به معنی بستان است. - میوه آن به سریانی «مژدایانج» و به لاتینی عمومی «مژتان» (*Myrtinus*) و «مژته» (*Murta*) است. نام گل آن به بربری «أقام» و در اندلس «ریحان» است. دیسکورید در همین ذیل به نام "مُطِنْدَانُون" (*Murtidanon*) اشاره دارد که نام "بُنْگَه" یا مواد ترشخی از ساقه این گیاه است. [ابن بطار (در تفسیر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۱۵]

<i>Myrtus communis L.</i>	آس جوی، خَبلاس، جَبلاس، مزسین، هُدس، خُلْموش	الموسوعه
<i>Myrtus spp.</i>	آس - خَبلاس - حمبلاس - ریحان	الموسوعه
<i>Myrtus communis L.</i>	هندی و پاکستانی: ویلایتی مِهَنَدی - اردو: هیولاس	<i>Glo-in</i>
<i>Myrtus communis L.</i>	هدس - آس	ز-طب.
<i>Myrtus communis L.</i>	آس البستانی	دیسکورید
<i>Baccae murti (C)</i>	حب الّاس	پارسا
<i>Myrtus communis L.</i>	برگ مورد - مورد سبز	پارسا
<i>Ruscus aculeatus L.</i>	آس	خطابی

۲۵ - آس بری، آس بری<sup>۱۷</sup>، آس بری<sup>۱۸</sup>، مورداسفرم<sup>۱۹</sup>، مورداسفرم<sup>۲۰</sup>، نام‌های دیگر آن: آس نبطی<sup>۲۱</sup> (ایض و اسود)، فارسی: مورداسفرم<sup>۲۲</sup>، اسمار<sup>۲۳</sup>، مارمورد<sup>۲۴</sup>، ماهومورد<sup>۲۵</sup>، مورداسبرم<sup>۲۶</sup>، اس کرمانی - عربی: رند<sup>۲۷</sup>، ریحان القبور<sup>۲۸</sup>، اسمادوسفرم<sup>۲۹</sup> - یونانی: مرسیا اغریا<sup>۳۰</sup>، مرسیسا اغریا<sup>۳۱</sup> - تنکابن: جز، عمار<sup>۳۲</sup> - دمشق و شهرهای شام: قف<sup>۳۳</sup>، انظر<sup>۳۴</sup> - عامه اندلس: خیزران البلدی<sup>۳۵</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: مرسینا آغریا<sup>۳۶</sup>

<i>Ruscus aculeatus L.</i>	سَفَنْدَزَلایع	الموسوعه
<i>Ruscus aculeatus L.</i>	آس بری	زر - طب.

۲۱ - آطریلال<sup>۳۷</sup>، آطریلال<sup>۳۸</sup>، آطریلال<sup>۳۹</sup>، آطریلال<sup>۴۰</sup> نامی بربری به معنای پای پرنده و پای کلاغ، برای مشابهت شاخه‌های آن با چنگ کلاغ، حرز الشیاطین<sup>۴۱</sup>، حشیشة البرص<sup>۴۲</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: حشیشة الارض<sup>۴۳</sup>، جزرالشیاطین<sup>۴۴</sup>، رجل الطیر<sup>۴۵</sup>، رجل الغراب<sup>۴۶</sup> - ترکی: غازایاغی<sup>۴۷</sup> - هندی: کال چنگی<sup>۴۸</sup> (پای زاغ)، مسی<sup>۴۹</sup>

<i>Carum ammioides Benth.</i>	أطریلال - اطریلال - سزفل - حشیشة البرص - حشیشة البهاق - رجل الغراب - جَزْرالشیطان	الموسوعه
<i>Ptychotis verticellata Duby.</i>	حشیشة البرص (نام مشترک) - اطریلال - اطریلال	دیسکورید
<i>Cochlearia coronopus L.</i>	رجل الغراب - اطریلال - حشیشة البرص - قازایاغی	پارسا
<i>Peucedanum oreoselinum M.</i>	اطریلال	EN.

۲۲ - آفشرو<sup>۵۰</sup>: (نامی بربری) بعضی از گیاهشناسان آن را بعنوان «قنطوریون الأصفر» می‌شناسند در حالیکه "ابو عباس" نام آن را «قنطوریون» نمی‌داند.<sup>۵۱</sup>

- ۲۳ - آاکثار<sup>ع</sup>: (نامی بربری) نام دیگر آن تلغوظه است.<sup>ع</sup>  
 ۲۴ - آکل نفسه<sup>ع</sup>، اکل نفسه<sup>ع</sup>: نام دیگر آن «فریون» است.<sup>ع</sup>  
 ۲۵ - آلاء<sup>ع</sup>، آلاء<sup>ع</sup>:؟ طباقه<sup>ع</sup>، ارطی<sup>ع</sup>، غشاة<sup>ع</sup>

<i>Dalbergia volubilis Roxb.</i>	Bobay: Alai	GLO.IN
----------------------------------	-------------	--------

۲۶ - آلاء<sup>ع</sup>: بنا به گفته ای نام دیگر «دفلی» است.<sup>ع</sup>

۲۷ - آلسن<sup>ع</sup>، آلسن<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنا دور کننده سگ دیوانه<sup>ع</sup> (زهر سگ) نام های دیگر آن: شام: حشیشة السلفحفا<sup>ع</sup>، حشیشة السلفحفاة<sup>ع</sup>، حشیشة النجاة<sup>ع</sup>، حشیشة اللجاة<sup>ع</sup> - "جالینوس" می گوید: این گیاه را «آلسن» می نامد زیرا برای درمان گزیدگی سگ بسیار مفید است.<sup>ع</sup>

<i>Ramnus alatemus L.</i>	زفرین الجزد، نبق مترادف، آملیس، آملیلیس، عودالقیسة	الموسوعه
---------------------------	--	----------

۲۸ - آآملیس<sup>ع</sup>: (نامی بربری)

۲۹ - آنیس النفس<sup>ع</sup>:

۳۰ - آباؤ<sup>ع</sup>: نام دیگر «قصب» است و گویند نام «حلفاء» نیز هست و سنبل آن «مقلیل» نامیده می شود و به «بردیة» نیز «آباءة» گویند.<sup>ع</sup>

۳۱ - آبیج: نام های دیگر آن: اسفودلوس<sup>ع</sup> یا خنثی<sup>ع</sup> - فارسی: اشراس<sup>ع</sup>، اشریس<sup>ع</sup>، اشراز<sup>ع</sup> - بلوط الارض<sup>ع</sup> - ابجه<sup>ع</sup> - بروق<sup>ع</sup> - بربری: لاقلیشت<sup>ع</sup>، ابغرتی<sup>ع</sup>

۳۲ - آبرة الراعی<sup>ع</sup>: آبرة الراعی<sup>ع</sup>: نام دیگر آن شکاعی است.<sup>ع</sup> - گویند نوعی «عصاالراعی» است و گویند نام «انجیلة» است که این درست تر است و گویند نوعی «حسک» است.<sup>ع</sup> «غافقی» می گوید نام های دیگر آن «آبرة الراهب» و «جحلق» است.<sup>ع</sup> - این گیاه نوعی از «حسک» است و بعضی آن را به یونانی «لوقبوسوس» گویند و نوعی از گیاهی با نام یونانی «غارانیون» است و برخی «آبرة الراعی» را همان «شکاعی» می دانند که اشتباه است.<sup>ع</sup>

<i>Geranium columbinum L.</i>	غزنونق العیزهل - جیرانیوم یمانی - آبرة الراعی	الموسوعه
<i>Geranium sp.</i>	آبرة الراعی	صحاح

۳۳ - آبرون<sup>ع</sup> یا ایزون<sup>ع</sup>، ابرون<sup>ع</sup> (نامی یونانی)، حی العالم<sup>ع</sup>، حی العالم<sup>ع</sup>، حی العالم<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: حی العالم<sup>ع</sup> یعنی همیشه زنده - رومی: ایزویون<sup>ع</sup> - هندی: کزرج<sup>ع</sup> - فارسی: همیشه بهار<sup>ع</sup> - عربی: حی العالم<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: میشکجان<sup>ع</sup>، طلافیون<sup>ع</sup>، میشبهار<sup>ع</sup> - سیستان: میشناء<sup>ع</sup> - نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: ایزون الکبیر است و دارای سه نوع بزرگ، کوچک و نوع سوم را بعضی از مردم «بقلة حمقاء بری» می نامند. دارای سه نوع بزرگ، متوسط و کوچک است و این اسم بر همه انواع «عصاالراعی» گفته می شود زیرا این گیاه همیشه وجود دارد.<sup>ع</sup>

ایزون الکبیر (*aeizoon mega*): به معنای همیشه زنده است و نام های دیگر آن عبارتست از: حی العالم الکبیر<sup>ع</sup> - شیآن<sup>ع</sup> و مغرب در مصر رویش ندارد.

ایزون الصغیر (*aeizoon to mikron*): نام های دیگر آن عبارتست از: حی العالم الصغیر<sup>ع</sup>، عنب السقف<sup>ع</sup> - مردم اندلس به زبان لاتینی: آیله دطبباطه<sup>ع</sup> - اهالی آفریقا: بزازیل القطة<sup>ع</sup>

"دیسکورید" با همین اسامی نوع سوم حی العالم را یادآور شده است که خاصیت گرم و خشک و سوزنده ای دارد. [بن یطار] در

<i>Sempervivum arborerum L.</i>	ایزون الکبیر	دیسکورید
<i>Sedum acre L.</i>	ایزون الصغیر	دیسکورید
<i>Sedum telephilum L.</i>	نوع سوم حی العالم	دیسکورید
<i>Sempervivum spp.</i> <i>sedum spp.</i>	حی العالم	صباح
<i>Sempervivum arborerum L.*</i> <i>Sempervivum tectorum L.*</i>	ایزون	زریاب
<i>Sedum sp.</i>	حی العالم - حیون - وڈنة	الموسوعه
<i>Sempervivum tectorum</i> <i>Sempervivum arborerum</i>	حی العالم	طباطبانی
<i>Sedum telephilum</i>	حی العالم بری - طیلان	طباطبانی
<i>Sedum acre</i>	حی العالم صغیر - حی العالم رعونا - امرومن	طباطبانی
<i>Pistia stratiotes L.</i>	حی العالم الماء	طباطبانی
<i>Sempervivum arborerum L.</i>	حی العالم	خطابی

۳۴- آبزار، ابزار، انبویاریس: نام‌های دیگر آن: نزار (عوام) - فارسی: زرشک، زارج - انبویاریس - اثر - امبویاریس - درنک

۳۵- ایلیم: گیاهی در حجاز

۳۶- ابلیم:

۳۷- ابلمة: شاید «انجیلة» باشد.

۳۸- ابن، این الارض، ابن الارض:

۳۹- ابن اؤبر: نوعی کماة

۴۰- ابوخلسا، ابوخلسا (نامی یونانی)، اروسا، انجسا، شجرة الدم: نام‌های دیگر آن: عربی: شجرة الدم، حمیرا، حناء الغول، خس الحمار، اروسه، رجل الحمامه، شنجار، شیفار، سنجار، شنغار، شنغار، شنکار - زابلستان: طلخشقوق، خرجکوک، کوک یعنی خس یا کاسنی - هوفیلوس - شنقار - کحلا - اثقلیا - سریانی: حالوما - بالقس - کاهورجنه - عاقرشما

الف - آنخسا (Ankhusa): در بعضی از نسخ به آن «آنخوسا» گویند و در بعضی از ترجمه‌ها به نام‌های «ابوخلسا»، «خس الحمار»، «شنکار»، «شنقار»، «شنکال»، «شنقال» معروف است و اهالی اندلس به آن «حثیرا» و «رجل الحمامه» گویند و نزد اهالی مصر به «جنالغولة» موسوم است. دیسکورید ذیل این نام به سه نوع از این گیاه اشاره می‌کند.

ب - لوقبسون: (Lukapsos) (لوقسیون): از جنس شنجار (سنجار) است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۳ و ۲۴]

<i>Alkanna tinctoria L.</i> <i>Lithospermum fruticosum L.</i> <i>Echium diffusam L.</i>	انخسا	دیسکورید
<i>Echium italicum L.</i>	لوقبسون	دیسکورید
<i>Onosma spp.</i>	شنجار	الموسوعه
<i>Alkanna tinctoria Tausch.</i>	شنجار البر	الموسوعه
<i>Alkanna tinctoria Tausch.</i> <i>Anchusa tinctoria L.</i>	اروسا	زریاب

طبایطانی	شجره الدم	<i>Alkanna tinctoria Tausch.</i>
----------	-----------	----------------------------------

۴۱- ابوقانس (یونانی)، ابوفایس<sup>ع</sup>، ابوفایس<sup>ش</sup>، ابوفسطن<sup>ع</sup>، قللجة<sup>ع</sup>: نوعی خَض - نام های دیگر آن: ابوقاوس، اوکاس - عربی: غاسول رومی - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ابوفایس<sup>ع</sup> زیرا محل رویش آن «ابوفایس» نام دارد.<sup>ع</sup>  
 ابوفسطن<sup>ع</sup> (*Hippophaiston*): نوعی از غاسول است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۴]

دیسکورید	ابوفسطن	<i>Cirsium stellatum L.</i> <i>Euphorbia spinosa L.</i>
دیسکورید	غاسول ( <i>Hippophaes</i> )	<i>Hippophae rhamnoides L.</i>

۴۲- ابوقسطنس<sup>ع</sup>: «ابوفسطن<sup>ع</sup> نوعی «ابوفایس» است.<sup>ش</sup>  
 ۴۳- ابهل<sup>ع</sup>، ابهل<sup>ع</sup>، ابهل<sup>ع</sup>، ابهل<sup>ع</sup>، ابهل<sup>ع</sup>، ابهل<sup>ع</sup>، قطران<sup>ع</sup>، صفینه<sup>ع</sup>، صفینه<sup>ع</sup>: ثمر سرو کوهی - قسمی سرو کوهی قطران صغ «ابهل» است. نام های دیگر آن: سرو کوهی<sup>ع</sup> - عرعرا<sup>ع</sup> - عربی: عرعرا<sup>ع</sup>؛ جوز العرعرا<sup>ع</sup> - فارسی: تخم وهل، اورس، ای رس، وبرس غنچه<sup>ع</sup>، برس<sup>ع</sup>، ورس<sup>ع</sup> - ترکی: ارزوج<sup>ع</sup> - یونانی: برائی، ارقوس، یارقولس<sup>ع</sup> - رومی: برون، بروتانون<sup>ع</sup>، بروتون<sup>ع</sup>، بزوثون<sup>ع</sup>، یابزوسیون<sup>ع</sup> - هندی: اوهیر، اوهیر، هویر<sup>ع</sup> - سریانی: بزوثا، پروثا<sup>ع</sup> یا بزوسیاء<sup>ع</sup>، دانه آن: ورس غنده<sup>ع</sup> - «ابهل» بر خلاف نظر بعضی پزشکان «عرعر» نیست.<sup>ع</sup> اسحاق بن عمران<sup>ع</sup> «ابهل» را نوعی «عرعر» می داند.<sup>ع</sup>  
 برائی (*Brathu*): ابهل [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۶]

د.ط.-خ.-ع. EN.	ابهل	<i>Juniperus sabina L.</i>
پارسا	سرو کوهی	<i>Cuperessus sempervirens L.</i> <i>Cupressus horizontalis Mill.</i>
پارسا	زرین (منجیل، کوه درفک) - سور (شمال)	<i>Cuperessus sempervirens L.</i> <i>var. fastigiata</i>
Glo.in	<i>Hendia: Araar - Dakan: Abhal</i> <i>Kashmir: Betar, Pethra - Sanskrit: Vapusha</i>	<i>Juniperus communis</i>

۴۴- ابهل هندی، شجره الله<sup>ع</sup>، شجره کله<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: هندی: دیودار<sup>ع</sup> - صنوبر هندی<sup>ع</sup> - ابهل هندی<sup>ع</sup>  
 ۴۵- ایغل<sup>ع</sup>:

زریاب	ایغل	<i>Melilotus officinalis Lam.</i> <i>Trygonella hamosa L.</i> <i>Trifolium fragiferum L.</i>
-------	------	--

۴۶- ایند<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: بوراطاغونس<sup>ع</sup>  
 ۴۷- اترج<sup>ع</sup>، اترج<sup>ع</sup>، اترج<sup>ع</sup>، اترج<sup>ع</sup>، اترج<sup>ع</sup>، اترج<sup>ع</sup>، تفاع مامی<sup>ع</sup>، تفاع مائی<sup>ع</sup>، تفاع مائی<sup>ع</sup>، متک<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: عربی: «تفاع مائی»<sup>ع</sup> (منسوب به شهر «ماء»)<sup>ع</sup>، متکه<sup>ع</sup>، متک<sup>ع</sup>، ریحان الماء<sup>ع</sup> - مصر: ریحان النعنع<sup>ع</sup>، تمر الهندیه<sup>ع</sup>، تمر الذهبی<sup>ع</sup> - یونانی: مارسیسقاء<sup>ع</sup>، یامارسیقا<sup>ع</sup>، میزقیاش<sup>ع</sup> - سریانی: اطروغا<sup>ع</sup>، عاقر شمعا<sup>ع</sup>، حالوما<sup>ع</sup>، کحلا<sup>ع</sup>، کحیلا<sup>ع</sup>، هرقلو<sup>ع</sup>، هیقلوس<sup>ع</sup>، اطروکا<sup>ع</sup> - شیراز: طوس<sup>ع</sup> - هند: بکاین<sup>ع</sup> - فارسی:

هو جویه، باذرنگ، ووادرنگ (به معنای لا زال هذا اللون موجودا) و باذرنگ (یعنی لازال هذا اللون باقیا)، تُرنج (اهواز)، ترنج، قدرومیل، افرنجی، برشقیق، عجمی، جطریا، بربری، ترنج، هندی: رتن جوت - سریانی: - عوام: طرنج - فاس: ترنج - بربری: ترنج - نام‌های میوه: حب العرعر - فارسی: تخم وهل - هندی: بجوڑه - فارسی (نوع کوچک): ترنج - نام میوه نوع بزرگ: بالنگ - فرنگی: مبدکه ماله - نام میوه نوع کوچک به فرنگی: لیمونیه ماله - نام نوعی از آن: نارنج، فاس: ترنج - نام نوع دیگر آن: زنبوع - نام نوع دیگر آن: لیمون - نام نوعی از آن: لیم میدیقاییلا (Medika mela): نام دیگر آن عبارتست از: «أترج» و «تفاح الماهی»<sup>(۱)</sup> - نام عربی آن «مُثک» است. ابن بیطار (در

ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۲]

<i>Citrus medica L.</i>	اترج - تفاح ماهی - مُثک - کباد	الموسوعه
<i>Citrus medica Risso. Var. Cedrata</i>	اترج	دیسکورید
<i>Citrus medica</i>	بالنگ - بادرنگ	پارسا
<i>Citrus medica L.</i>	اترج	زر. - خط.
<i>Citrus aurantium</i>	نارنج	خطابی
<i>Citrus limonum</i>	لیمون	خطابی

۴۸ - أثاب: أثل<sup>ش</sup>

۴۹ - أثبة: س

۵۰ - أترج: بر اساس گفته‌های نوعی «ریباس» با نام «حماض الجیلی» است و بنا به گفته درست‌تر نام دیگر «انبریاریس» است.<sup>ش</sup>

۵۱ - أثل، أثل، أثل، أثل (نامی عربی)، نُضار، کزمازک، جزمارج (دانه): نوع بزرگ "گز" به هندی "جهاؤ" است. نام دیگر آن: طرفاء البستانی - نام‌های میوه: هندی: نهی مائین، اچھوتی مائین - کزمارک، کزمازق، عذبه، آقائیس (Akakallis): شجر الأثل، نام میوه به فارسی: کزمازک، کزمازق، کزمازج، نام میوه به عربی: عذبة<sup>۲</sup> ابن بیطار (در ترجمه

دیسکورید) ۱ - ۹۱]

<i>Tamarix nilotica Ehr &amp; Bung.</i>	اثل	EN.
<i>Tamarix articulata Vahl.</i>	اثل	د. ط. - سخ.
<i>Tamarix spp.</i>	اثل - عبل - طرفاء	الموسوعه
<i>Tamarix orientalis Forsk.</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i>	عبل - اثل مفصلی	الموسوعه
<i>Tamarix gallica L. var. mann</i>	حب الاثل - گز خوانسار	پارسا
<i>Tamarix orientalis Forsk.</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i>	اثل	زریاب
<i>Tamarix gallica</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i>	کزمارک	طباطبائی

۵۲ - أثلق، أثلق (نامی عربی)، اغنيس، اغنيس (نامی یونانی به معنای طاهر)، بئج ائگشت، بئجگشت، فنجنکشت،

۱- ماهی: به معنای منسوب به "ماه"، و آن منطقه‌ای است در دینور و نهاوند و همدان و نام واقعی آن "میدیا" است. - جهت اطلاعات بیشتر به کتاب "معجم البلدان" یا قوت الحموی مراجعه شود.

۲- "تفاح ماهی" در اصل "تفاح مای" بوده و صحیح آن "مادی" یا "میدی" است، ابن بیطار هر دو واژه را بکار برده و می‌گوید منسوب به "ماه" است نه به "ماه" - نقل از ابن مراد

۳- نامی مصری

بنجنگشت<sup>۴</sup> (نامی فارسی)، بنجگشت<sup>۵</sup>، بذر البنجنگشت<sup>۶</sup>، حب الفقد<sup>۷</sup>، فقد<sup>۸</sup>، فلفل الصقالیه (بذر)<sup>۹</sup>؛

نام های دیگر آن: رومی: اغنوس، لوغیوس، سقاون - سریانی: خمساطرفی، ارعاحورا، قیمولیا<sup>۱۰</sup> - فارسی: بنجگشت<sup>۱۱</sup>، فنجنگشت - بذر آن: بیدمر - عربی: ذوخمسه اوراق<sup>۱۲</sup>، ذوخمسه اجنحه<sup>۱۳</sup> - یونانی: اغنیس<sup>۱۴</sup> این نام به معنای طاهر و پاک است زیرا زهاد گمان می کردند ضعیف کننده باه و شکننده شهوتست و به همین دلیل در اعیاد در هنگام بهار آنرا در معابد فرش می کردند - فارسی: پنجنگشت<sup>۱۵</sup>، فلفل بری<sup>۱۶</sup> - هندی: سنیهالو<sup>۱۷</sup> - فرنگی: اسکی نان تو<sup>۱۸</sup> - لاتینی: ویطس<sup>۱۹</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اغنوس<sup>۲۰</sup> (اغنس)<sup>۲۱</sup>، فنطافیلن<sup>۲۲</sup>، شجره الطهر<sup>۲۳</sup> نام میوه آن: عربی: حب الفقد<sup>۲۴</sup> و حب النسل<sup>۲۵</sup> یعنی قاطع نسل - فارسی: فلفل کوهی<sup>۲۶</sup> - شیرازی: دل آشوب<sup>۲۷</sup>، تخم دل آشوب<sup>۲۸</sup> - هندی: رنیکا<sup>۲۹</sup>

ابن بیطار: «بنجنگشت» به معنای «ذوخمسه أصابع» است و معادل دانستن آن با نام «بنظفلون» اشتباه است.<sup>۳۰</sup> اغنوس (Agnos): دیسکورید: این نام به معنای طاهر (پاک کننده) است زیرا زنان زاهد با فرش نمودن این گیاه در معابد، شهوات را از خود دور می کردند. برخی آنرا «لغس» یا «لوغس» به معنای سخت شکننده و «شجره ابراهیم (علیه السلام) دانسته و می پنداشتند خوابیدن روی این گیاه شهوات جنسی از آنها رفع می شود و به همین علت آنرا «شجره المطهره» می گفتند. نام سریانی آن «أیلاقدیشا» و نام هندی آن «سرساد» و «شمیثا» و نام بربری آن «وَنقازف» (انقارف) و نام عربی آن «كَفَّ الْجَدْمَا» است و عموم اهالی مصر به آن «شجره مریم» گویند و اهالی اندلس آن را با نام «شجره الفلفل» و «فلفل الصقالیه» (نامی مشترک بین چند گیاه) می شناسند، نام دانه آن «شُرْبُئله» و در مصر «حب الشجره» است و نزد عرب و پزشکان به «فقد» معروف است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید)]

<i>Vitex agnus castus</i> L.	بنجنگشت	د، ز، ط.
<i>Vitex agnus castus</i> L.	Persia: Panjangusht - Arabia: Athlak	GLO.IN.
<i>Vitex agnus castus</i> L.	پنج انگشت - فلفل نما - فلفل	پارسا

۵۳- أجاص<sup>۱</sup>؛ اجاص<sup>۲</sup>، اجاص<sup>۳</sup>، اجاص<sup>۴</sup>، اجاص<sup>۵</sup>، اجاص<sup>۶</sup>، اجاص<sup>۷</sup>؛ مراد از مطلق آن آلوی زرد بخارانی است. نام های دیگر آن: آلو - انجاص<sup>۸</sup> - فارسی: آلو، آلو، کرک سیاه<sup>۹</sup>، آلوی سیاه<sup>۱۰</sup> - سریانی: جاسا اکاما<sup>۱۱</sup>، حاحی اکامی<sup>۱۲</sup>، حوحانیتا، سنگ بادکوکا فیلون<sup>۱۳</sup> - رومی: مسقینون<sup>۱۴</sup>، دمشقی<sup>۱۵</sup> - فاس: برقوق<sup>۱۶</sup> - اهل مغرب و اندلس ترش آن را عین البقر<sup>۱۷</sup> می دانند. - اهل اندلس: عین البقر<sup>۱۸</sup> - نام میوه زرد: یونانی: ادرک<sup>۱۹</sup> - فارسی: آلوچه<sup>۲۰</sup>، آلوچه سلطانی<sup>۲۱</sup> - عراق: شاهلوج<sup>۲۲</sup> یعنی شاه آلو، شاهلوج<sup>۲۳</sup> - نام میوه سرخ و ترش آن: کسبه<sup>۲۴</sup> - نام آلوی سیاه: عربی: قلوب الدحج یعنی دل گیاهان<sup>۲۵</sup> - نام نوع دمشقی آن: میشو<sup>۲۶</sup> - به رومی: ققومیلاس<sup>۲۷</sup>، ققومیلاس به معنای فلاح الدب<sup>۲۸</sup> - نام نوع طبری آن: نیشوق<sup>۲۹</sup>، نیشق<sup>۳۰</sup>

دو نوع است سیاه و سفید، سیاه آن را «ممنون البقر» خوانند، و سفید آن را «شاهلوج»، و سیاه به فارسی آن را «آلوی سیاه» گویند.<sup>۳۱</sup> قوقامیلا (Kokkumelea): نام های دیگر آن عبارتست از: شجره الأجاص، شاهلوج، شاهلوک - عموم اهالی مغرب: عین البقر [ابن

بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱- ۱۳۰]

<i>Prunus spinosa</i> L.	اجاص	خطابی
<i>Prunus communis</i> L.	اجاص - کمثری - انجاص	الموسوعه
<i>Prunus divaricata</i> Led.	آلوچه (جنگل های شمال)	پارسا
<i>Prunus domestica</i> L.	اجاص	ز، ط، د، ع.

۱- صیدنه فقد را دانه عرفج می داند. - فقد به معنای فاقد ساختن و از بین بردن زیرا موجب فقدان نسل می شود.

۲- در عراق به میوه بزرگ سفید گفته می شود.



<i>Prunus domestica L.</i> <i>Syn: Prunus commonis</i>	Hendia & Bengal: Alu-bokhara	GLO.IN.
---	------------------------------	---------

۵۴- أُجْرِدٌ: نام نوع دیگر آن «قصیص» است.<sup>ش</sup>

۵۵- اَحْرِیضُ، اَحْرِیضُ، اَحْرِیضُ: نام‌های دیگر آن: خربیع<sup>ش</sup> - فارسی: گل کافشه، گل خنق، رنگ زعفران، - دیلمی: کاجیره، - هندی: کسم‌کاپهول، - «ابوحنیفه» می‌گوید نام دیگر آن «عُصْفُرُ» است.<sup>ش</sup>

<i>Charthamus lanatus L.</i>	أطرقطولس - عصفر البری - مرزجون	دیسکورید
<i>Charthamus tinctorius L.</i>	عصفر	زر. - طب.
<i>Charthamus tinctorius L.</i>	گل کافیشه - تخم کاجیره - قرطم	پارسا
<i>Charthamus tinctorius L.</i>	فَرْطُم الصبَاغین، تیراض، عُصْفُرُ	الموسوعه

۵۶- اَحیرش<sup>ش</sup>:

۵۷- اَحِیون، اَحِیون، اَحِیون: نامی یونانی به معنای سرافعی است، زیرا میوه گیاه به شکل سرافعی است.<sup>ش</sup> نام دیگر آن رأس الأقی است.<sup>ش</sup>

اَحِیون (Ekhion): این نام به معنای سرافعی است زیرا گیاه دارای میوه‌ای مشابه سرافعی است. [ابن بطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۷]

<i>Echium rubrum L.</i>	اَحِیون	دیسکورید
<i>Echium sp.</i>	اَحِیون	EN.

۵۸- اَحْرَسَاجُ، اَحْرَسَاجُ: ؟

۵۹- اَحِیروس، اَحِیروس: نام دیگر آن: قمح البری<sup>ش</sup>

<i>Camoanula ramosissima Sibth.</i>	اَحِیروس	زریاب
-------------------------------------	----------	-------

۶۰- اَحلیوس<sup>ش</sup>: برخی آن را به اشتباه «شَتان» نامیده‌اند.<sup>ش</sup>

۶۱- اَدْرَکُ: (نامی عربی) نام دیگر آن به فارسی آلوچه سلطانی است.<sup>ش</sup>

۶۲- اَدْرِزَا (اَدْرِزَا): گیاهی منسوب به کوه «آیدا»<sup>ش</sup>

۶۳- اَدَارَقِی (نامی سریانی)، قاتل الکلب، نام‌های دیگر آن: فارسی: کچله، کچوله، - به زبان هندی نیز نام آن همین است - عربی: قاتل الکلب، حب الغراب، خائق الکلب،

أَفُقُونُ (Apokunon)<sup>(۱)</sup>: یعنی عَنَبُ الْکَلَابِ، گیاهی کشنده، بذر آن در میوه‌ای همانند خرنوب قرار دارد و نام دیگر آن قاتل

الذئب است. [ابن بطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۲]

<i>Marsedenia erecta L.</i> <i>Strychnos nux-vomica L.</i> <i>Barjonia racemosa Decne.</i> <i>Aconitum erectum L.</i> <i>Cynanchum erectum L.</i>	قاتل الکلب	زریاب
---	------------	-------

۱- در کتاب جامع ابن بطار نام آن معادل «افوقون»، «قاتل الکب»، «خائق الکلب» آمده است.

Apocynum erectum Vell.	افقونین	دیسکورید
------------------------	---------	----------

۶۴ - اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، طیب العرب، خلال مامونی، سجویس، طیب العرب: نام های دیگر آن: هندی: سوندهی، گتزیلا (فجاج)، عربی: نجم، اغرسطس، گورگیا، رعی العیر - جرجان: گوزن تل - سریانی: سحلیس - یونانی: سجومیس، طوفسس، نحوفس، سخینوس - کامکه، تین مکه - گربه دشتی - اذخر دو نوع است: نام های قسم مکی آن: عربی: تین مکه، خلال مامونی، طیب الغریب - رومی یا یونانی: سخیس، سخس - رومی: ادماطیوش - عجمی: جربنه - هندی: کندهیس، کندهیل، کشول، سوندهی، روس، سوریا - فارسی: گورگیا، کاه مکه، کزنه دشتی، طوسیطس - مکه: غسول - فاس: اذخر، تین مکه - بربری: تیلمست - هیروم، بیروم، بورفیا، جوز جنا، حشیشة البابی - "ابوحنیفة" می گوید: نوعی از آن معروف به «جربنه» یا همان «دیس» است که از آن دایره های جهت غربال تهیه می کنند.

سخینوس (Skhoinos): اذخر - تین مکه [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۷]

<i>Andropogon schoenanthus</i> L.	سخینوس - اذخر - تین مکه	دیسکورید
<i>Andropogon schoenanthus</i> L. <i>Andropogon lanigera</i> Desf.	اذخر	زر - خ.
<i>Andropogon schoenanthus</i> L.	اذخر - تین مکه - طیب العرب	الموسوعه
<i>Andropogon schoenanthus</i> L.	کورگیا - کاه مکه - گربه دشتی	پارسا
<i>Andropogon schoenanthus</i> L. <i>Cymbopogon schoenanthus</i> Spreng.	اذخر	طبا، EN.
<i>Cymbopogon jawarancusa</i> Sch. Syn: <i>Andropogon jawarancusa</i> Jo.	Bombay: Azkhir	GLO.IN.

۶۵ - اذن الحمار: أونوما: یعنی ساقط کننده جنین. نوعی از گیاه "خس الحمار" است، عموم اهالی اندلس آن را «رجل الحمانه» می نامند و داروئی بنام "اونوما" در اندلس وجود دارد و گیاهشناسان و پزشکان اندلسی به آن «اذن الحمار» گویند و "جالینوس" آن را با نام «انوسما» می شناسد. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۶]

<i>Onosma echinoides</i> L.	اونوما - اذن الحمار	دی. الم.
<i>Onosma echinoides</i> L. <i>Symphytum officinale</i> L.	اذن الحمار	زریاب

۶۶ - اذن الوطواط:

۶۷ - اراقق، اراقق: نام های دیگر آن: فارسی: سیهک

۶۸ - اراک، اراک، اراک، اراک، بربر: نوعی رتم نام های دیگر آن: فارسی: درخت مسواک - به زبان گرمسیری: جوج - هندی: پیلووجال - نام بذر: پیل - نام میوه رسیده به عربی: کبات، بربر - اشبیلی می گوید: برخی آن را به اشتباه «مخیطا» و عده ای «رند» و بعضی «ضرو» و «بطم» و گروهی «بنتموه» و عده ای «محلَب» می دانند در حالی که «اراک» نزد عرب گیاه مشهوری است.

<i>Salvadora persica</i> Gaertn.	اراک	ال، ط، ز، ع.
<i>Salvadora persica</i> - <i>S. indica</i>	درخت مسواک	پارسا

- ۶۹- آر بیان<sup>۴</sup>: (نام گیاه در شام) این گیاه نزد "البکری" نوعی از «بابونج» است که به یونانی به آن «فکتلمن» گویند و آن نام «بهار» است.<sup>۴</sup> و غیر از "بکری" «آر بیان» را نامی برای «جراد بحری» می‌دانند که به آن «رو بیان» هم گویند.<sup>۴</sup>
- ۷۰- أرجان<sup>۴</sup>: (نامی بربری)
- ۷۱- أرْجَنْقَة<sup>۴</sup>: رنگرزان به آن «أَرْجِیقِن» گویند.<sup>۴</sup>
- ۷۲- أرْجُوَانٌ؛ ارجوان<sup>۴</sup>، أَرْجُوَانٌ؛ ارجوان<sup>۴</sup>: نامی معرب از ارغوان<sup>۴</sup> یا أرْجُوَانٌ<sup>۴</sup> - نام‌های دیگر آن: فارسی: رغیدا، داذا روان<sup>۴</sup>، دارا روان<sup>۴</sup>

<i>Cercis spp.</i>	أرجوان - ارجوان العرب ارغوان خبزریق - سجریق - شجرة اليهود	الموسوعه
<i>Cercis siliquastrum L.</i>	ارغوان - ارجوان	زر- پا.
<i>Sophora mollis Gr.</i>	Arabia & Persia: Arghavan	GLO.IN.

۷۳- اِرْدَقٌ نَاقِیْ؛ اِرْزَا رِدْفَنَاقِی<sup>۴</sup>: (نامی یونانی)؟

- ۷۴- أرْزٌ؛ ارْزٌ؛ ارْزٌ؛ ارْزٌ معرب اورزأ واوریز؛ برنج<sup>۴</sup>، ابرنج (نام فارسی): نام‌های دیگر آن: الرز<sup>۴</sup> - سریانی: روزی، رُزَا<sup>۴</sup> - عربی: من<sup>۴</sup> - فارسی: برنج - تورانی: کرنج<sup>۴</sup> - برنق<sup>۴</sup> - برنک<sup>۴</sup> - ابرنج<sup>۴</sup> - هندی: چاول<sup>۴</sup> - رومی: اریزون<sup>۴</sup> - سری فرکوات: کُرْنج<sup>۴</sup> فاس: رُوژ<sup>۴</sup> - بربری: رُوژ<sup>۴</sup>

<i>Oryza sativa L.</i>	ارز - رز	الموسوعه
<i>Oryza sativa L.</i>	ارز	زر - خط.

- ۷۵- أرْزٌ؛ أرْزَةٌ<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: درخت صنوبر بی بار<sup>۴</sup> - رومی: اغروسطوس<sup>۴</sup>، مروسیا<sup>۴</sup> - سریانی: ییلا<sup>۴</sup>، شعیعادیما<sup>۴</sup> - فارسی: فرزدجویبار<sup>۴</sup> - عربی: حشیشه<sup>۴</sup> - نزد صاحب نظران عرب «أرز» نام «صنوبر نر» و «فرزدجویبار» نام «ثیل» است.<sup>۴</sup>
- قوفی (Peuke): به معنای دُخنه و نوعی تنوب است، نام دیگر آن «شجره الأرز» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید)]

<i>Cedrus libani Bar.</i>	ارزه	زریاب
<i>Pinus halepensis Mill.</i> کاشته شده		
<i>Picea exelsa Link.*</i> کاشته شده	قوفی - شجرة الارز	دیسکورید

- ۷۶- ارطی<sup>۴</sup>: بنا به قولی نام «طرفاء» و بنا به قول دیگر نام «رمت» است و نام هندی آن «مهت» است.<sup>۴</sup>

<i>Calligonum comosum L.</i>	ارطی	زریاب
<i>Calligonum spp.</i>	ارطی	الموسوعه

- ۷۷- أرْغَامُونِیْ؛ أرْغَامُونِیْ<sup>۴</sup>، ارغامونی<sup>۴</sup>، ماشیا<sup>۴</sup>: نام دیگر آن به فارسی «مامیشای سرخ» است.<sup>۴</sup>

<i>Argemone sp.</i>	ارغوان خشخاشیه	الموسوعه
<i>Papaver argemone L.</i>	ارغامونی	EN.

۷۸- اَرَقِطُون، اَرَقِطِيون: معرب ارقیسون یونانی، نام دیگر آن «قروسوقیون» است.<sup>۱</sup>

<i>Arctium lappa L. = Lappa major</i>	ارقیطون - ریشه بابا آدم	پارسا
<i>Arctium lappa L.</i> <i>Arctium tomentosum</i> <i>Arctium bardana Willd.</i>	ارقیطون	الموسوعه
<i>Lappa major</i>	ارقیطون	EN.

۷۹- اَرَقِطِيون، اَرَقِطِيون آخر: نام دیگر آن: ارقطون - اَرَقِطِيون (*Arktion*): به زبان عربی آن را "حربان"<sup>(۱)</sup> گویند. اَرَقِطِيون آخر: به زبان عربی آن را "حربان" گویند و دارای دو نوع بری و بستانی است. (ابن بیطار در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۴ و ۹۵]

<i>Arctium tomentosum Shk.</i>	ارقیطون	دیسکورید
<i>Arctium lappa L.</i>	ارقیطون آخر	دیسکورید

۸۰- ارماط: نام های دیگر آن: درخت کدز - کاوی<sup>۲</sup>

۸۱- اَرَمال، اَرَمالک، اَرَمالک، اَرَمالک، اَرَمالک، اَرَمالک، اَرَمالک: پوست چوبی است<sup>۳</sup>. - چوبی سمی است و خوش بو<sup>۴</sup> - نام های دیگر آن: سریانی: اَرَمالی - پوست درخت کاذی<sup>۵</sup>

<i>Pandanus sp.</i>	کاذی	الموسوعه
---------------------	------	----------

۸۲- اَرَمَنین، اَرَمَنین، اَرَمَنین: (نامی یونانی) "ابن جلجل" پنداشته این گیاه «قلقل» و «قلقلان» است ولی مشخصات این گیاه با «قلقلانی» که در عراق به این نام مشهور است، متفاوت است.<sup>۶</sup> اَرَمَنین (*Horminon*): ابن حسان معتقد است نام گیاه "حَبُّ الْقَلْقَلِ" و "قَلْقَال" و "قَلْقَالِي" است ولی صرف نظر از نام معروف آن نزد عرب، به آنچه مورد نظر [کتاب شرح دیسکورید / است نرسیدم.<sup>۷</sup> - نام این گیاه در کتاب جالیوس "فومون" است. (ابن بیطار در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۴]

<i>Salvia horminum L.</i>	ارمنین	دیسکورید
<i>Horminum pyrenaicum L.</i>	ارمنین	EN.

۸۳- اَرَمیس<sup>۸</sup>:

۸۴- اَرید برید، اَرید برید، اَرید برید، اَرید برید: پیازی که از سجستان جمع آوری می شود<sup>۹</sup>. - به نظر "غافقی" به احتمال زیاد این گیاه همان "دولبوث" است.<sup>۱۰</sup>

<i>Gladiolus communis L.</i> <i>Gladiolus segetum Ker.</i>	ارید برید	زریاب
---	-----------	-------

۸۵- اَرزود، اَرزود: (نامی بربری) نزد بربرهای آفریقا نام «حندقوقا» است.<sup>۱۱</sup>

۸۶- آژوسه<sup>۱</sup>: (نامی هندی)؟ نام‌های دیگر آن: وانسه<sup>۲</sup> و وانسه<sup>۳</sup>

۸۷- آسارون<sup>۴</sup>، آسارون<sup>۵</sup> (نامی رومی)، آسارون<sup>۶</sup>، آسارون<sup>۷</sup>، آسارون<sup>۸</sup>، آسارون<sup>۹</sup>، آسارون<sup>۱۰</sup>، آسارون<sup>۱۱</sup>: (نامی سریانی) نام‌های دیگر آن: یونانی: سرابیون<sup>۱۲</sup> - عربی: نوغان<sup>۱۳</sup> - عجمی: أشزه<sup>۱۴</sup>، افرقه دلف<sup>۱۵</sup> - بربری: قرنه<sup>۱۶</sup> - اشبیله: لوبیانیه<sup>۱۷</sup> - هندی: تکر<sup>۱۸</sup>، بنتی تکر<sup>۱۹</sup> - ناردین بری<sup>۲۰</sup>، سنبل بری<sup>۲۱</sup> - سریانی: ناردین دبرا<sup>۲۲</sup>، قرنفل جبلی<sup>۲۳</sup> - فاس: اسرون<sup>۲۴</sup> گویند «اسارون» بیخ «سنبل رومی» است و این خلاف است، زیرا «ناردین» ریشه «سنبل رومی» است.

آسارون (Asaron): گیاه معروفی است. بعضی از مردم به آن "ناردین بری" گویند. (۲) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۰]

<i>Asarum europaeum L.</i>	اسارون - اسارون شامی	زر- پا.
<i>Asarum europaeum L.</i>	ناردین بری - اسارون	الموسوعه
<i>Asarum europaeum L.</i>	اسارون	دی- طب.
<i>Valeriana hardwickii Wal.</i>	Hend & Bengal: Taggar/Kumaon: Asrun	GLO.IN.

۸۸- اسپیدمرد<sup>۲۵</sup>: نام دیگر آن: فلفل ایض<sup>۲۶</sup>

باباری (Peperi): فلفل - به درخت آن "دار فلفل" و "فلفل الأبيض" گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۲]

<i>Piper aromaticum Lam.</i>	اسپیدمرد	دیسکورید
<i>Piper nigrum L.</i>		

۸۹- استیب<sup>۲۷</sup>: (نامی عربی) نام گروه انواع مختلفی از گیاهان است<sup>۲۸</sup>: نام‌های نوع اول عبارتند از: یونانی: قستوس - رومی: شقواصة - فارسی: قستارون - بربری: تبرحله، وتورلت - عجمی: برتلاقش، برتقش - نام میوه: جُلجل - نام نوع دیگر: ورد الحمار - یونانی: ایذون - نام نوع دیگر: فارسی: شقاص - یونانی: سطوبی - نام نوع دیگر: رشال الاحمر - یونانی: قلوامانی، برطوماش - عجمی: رشاله - سریانی: قلواماش - کواکب - نام نوع دیگر: خطبه، قرغار

۹۰- استبرق<sup>۲۹</sup>

۹۱- استن: طوبه<sup>۳۰</sup>

۹۲- اسحاره<sup>۳۱</sup>، اسحاره<sup>۳۲</sup>، اسحاره<sup>۳۳</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: اوسیمون<sup>۳۴</sup>، اوسیمون<sup>۳۵</sup> - "حنین" آن را «تودری» ترجمه کرده است.

۹۳- اشخافان<sup>۳۶</sup>، اشخافان<sup>۳۷</sup>:

۹۴- اسجیل<sup>۳۸</sup> (۳):

أریقی (Ereike): از انواع "اسجیل" است و اهالی مغرب به آن "شجر الخلنج" گویند، زنبور عسل اگر از شهد آن استفاده کند عسل آن تلخ خواهد بود. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۰]

<i>Erica arborea L.</i>	أریقی - شجر الخلنج	دیسکورید
-------------------------	--------------------	----------

۹۵- اسد الارض<sup>۳۹</sup>، اسد الارض<sup>۴۰</sup>، اسد الارض<sup>۴۱</sup>، اسد الارض<sup>۴۲</sup>: نوعی از طرائیث<sup>۴۳</sup>، نام‌های دیگر آن: بززالزیتون البری<sup>۴۴</sup>، مازریون<sup>۴۵</sup> بعضی گویند «اسد الارض» نباتیست که به یونانی خامالون مالس گویند و معنی آن مازریون سیاه است. برخی از مترجمان آن را «مازریون» می‌دانند ولی آن‌ها اشتباه کرده‌اند و در حقیقت نام آن «حرباه» و به یونانی «خامالون» است و

۱- Asaro - ۲- در کتاب تنقیح ابن بیطار عین این عبارت ذکر شده است.

۳- ابوحنیفه این گیاه را درختی مشابه "فل" می‌داند که از چوب سخت آن در ساختن رحل استفاده می‌نمایند، به یکی از آن "اسحله" گویند.

«مازریون» به یونانی «خامالیون» است، و همین نزدیک بودن دو واژه منشاء ابهام و اشتباه آن بوده است. و بعضی از متأخرین نام یونانی «أسد الأرض» را «خامالان مالس» می‌دانند و «مالس» به معنای سیاه است زیرا در اطراف آن گیاه دیگری نمی‌روید به همین دلیل عموم مردم مغرب به آن «أداد الوحید» که به عربی همان «أشخیص» است می‌گویند.<sup>۴</sup>

<i>Chamaeleo vulgaris</i>	اسد الارض	زریاب
<i>Cardopatiium corymbosum</i>	اسد الارض	الموسوعه

۹۶ - اسد العدس<sup>۴</sup>: وجه تسمیه آن بخاطر اینست که هر گاه در مزرعه «عدس» روید آنها را از بین می‌برد.<sup>۴</sup> نام های دیگر آن: جحفیل<sup>۴</sup> - یونانی: أوروبنخی<sup>۴</sup>

<i>Orobanchē sp.</i>	اسدالعدس	طباطبانی
----------------------	----------	----------

۹۷ - إسراز، أسراز: (نامی مغربیی)؟  
 ۹۸ - أسطرایطیقوس<sup>۴</sup>: «ابن وافد» به اشتباه نام آن را «قرصعنه» پنداشته است.<sup>۴</sup> «دیسکورید» به نقل از «جالینوس» نام دیگر آن را «قرسیون» آورده که مشتق از نام «حالب» است.<sup>۴</sup>

<i>Aster atticus Pall.</i>	اسطیرایطیقوس	EN.
----------------------------	--------------	-----

۹۹ - أسطراغلس نام های دیگر آن: یونانی: برکیته<sup>۴</sup>، بربیره<sup>۴</sup>، أسطراغالیس<sup>۴</sup> گیاهشناسان اندلس به آن «مخلب العقارب الأیض» می‌گویند.<sup>۴</sup>

<i>Astragalus sesameus L.</i>	اسطراغالس	EN.
-------------------------------	-----------	-----

۱۰۰ - أسطوخودوس<sup>۴</sup>، اسطوخودوس<sup>۴</sup>، اسطوخودوس<sup>۴</sup>، اسطوخودوس<sup>۴</sup>، اسطوخودوس<sup>۴</sup>، اسطوخودوس<sup>۴</sup>، اسطوخودوس<sup>۴</sup>: (نامی یونانی)، مُسبک الأرواح<sup>۴</sup>، ضریم<sup>۴</sup>، ممسک الأرواح<sup>۴</sup>: اسطوخودوس به معنای حافظ الأرواح - نگهدارنده ارواح - است. و ابن جزائر<sup>۴</sup> می‌گوید به معنای موقف الأرواح - محل توقف ارواح - است.<sup>۴</sup> نام های دیگر آن: عربی: انس الأرواح، ممسک الأرواح - مکه: ضُرم فاس و مغرب: حَلحال<sup>۴</sup> - رومی: ستوخس<sup>۴</sup> (نام اصلی از این نام گرفته شده است.) - سند: دهار<sup>۴</sup>

سْتخادِس (*Stoikhas*): «اصطفن بن بسیل» این را معادل نام «اسطوخودوس» دانسته در حالیکه اینچنین نیست زیرا صفات و خصوصیات «اسطوخودوس» با خصوصیات این گیاه مطابقت ندارد و در ماهیت و خواص نیز با آن متفاوت است. از طرفی «سْتخادِس» در شهرهای اندلس و مغرب یافت می‌شود و غیر از گیاه «اسطوخودوس» است و معروف به «بُزّه فَنشوْشِک» است. اما در مورد گیاه «اسطوخودوس»، این گیاه بسیار فراوان در شهرهای اندلس و غیر آن می‌روید، و عامه مردم ما به آن «حَلحال»، «سَمْبِرَه»، «مُئِلَه»، «حائن»، «لَطَبِي أَرْشِيمِيسَة» به معنای مَوْقف الأرواح (محل توقف روح ها) گویند. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ -

[۲۷

<i>Lavandula stoechas L.</i>	اسطوخودوس	ز.ح.د.خ.
<i>Lavandula stoechas L.</i>	اسطوخودوس - خزای - شاه اسپرم رومی	الموسوعه
<i>Lavandula stoechas L.</i> <i>Lavandula dentata L.</i>	اسطوخودوس	EN. پا.

۱۰۱- اسطوماخوس<sup>۳</sup>:

<i>Lithospermum officinale</i> L.	اسطوماخوس	زریاب
-----------------------------------	-----------	-------

۱۰۲- آشفاش<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: عجمی: شامبه<sup>۵</sup> - یونانی: شالیبه<sup>۶</sup> - عربی: ثعامه<sup>۷</sup> (زیرا بسیار سفید است.)، سالمه<sup>۸</sup>، مُفصحة (زیرا معتقدند هر کس از آن بخورد زبانش فصیح می‌شود.)<sup>۹</sup>

<i>Salvia officinalis</i>	اشفاش	خطابی
---------------------------	-------	-------

۱۰۳- اسفاناخ<sup>۱۰</sup>؛ اسفاناخ<sup>۱۱</sup>، اسفاناخ<sup>۱۲</sup>، اسفاناخ<sup>۱۳</sup>، بقلة دستیه<sup>۱۴</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفناج<sup>۱۵</sup>، اسپناج<sup>۱۶</sup>، اسپاناج<sup>۱۷</sup> - یونانی: سوناخیوس<sup>۱۸</sup>، سوسان فوسوخیوس<sup>۱۹</sup>، صنجیس<sup>۲۰</sup> - رومی: ابرقیا<sup>۲۱</sup> - فرنگی: اسپنس<sup>۲۲</sup> - هندی: پالک<sup>۲۳</sup> (همان اسفناج رومی یا قطف است)

<i>Spinacia oleracea</i> L.	هندی، پاکستانی: پالک	<i>Glo-in</i>
<i>Spinacia oleracea</i> L.	اسفناج	پارسا
<i>Spinacia oleracea</i> L.	اسفناخ	EN.

۱۰۴- اسفلیاطیقوس<sup>۲۴</sup>: نام‌های دیگر آن: خرم<sup>۲۵</sup> - اسطراطیقوس، استراتیکو به معنای ستاره آتیکاست.

<i>Aster atticus</i> Pall. <i>Aster amellus</i>		زریاب
<i>Aster tripolium</i> L.	اسطراطیقوس - خزام	الموسوعه
<i>Aster atticus</i> Pall.	اسطراطیقوس	EN.

۱۰۵- اسفلیناس<sup>۲۶</sup>؛ اسفلیاس<sup>۲۷</sup>: "حنین" در مفردات "جالینوس" این نام را معادل «قنابری» گرفته که اشتباه است زیرا «قنابری» گیاهی است که همه اهالی شام آن را می‌شناسند و مشخصات آن با «اسفلیاس» همخوانی ندارد و همچنین نام «قنابری» را جالینوس و دیسکورید هم ذکر نکرده‌اند.<sup>۲۸</sup>  
اسفلیس (Asplenos): سقوفندریون - عامه اندلس: حشیشه الدودیبه، حشیشه الذهبیه، گیاه‌شناسان اندلسی: عقربان (این بیطار در ترجمه دیسکورید) ۳- ۱۱۹

<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw.	اسفلیس	دیسکورید
----------------------------------	--------	----------

۱۰۶- اسفند<sup>۲۹</sup>: (نامی فارسی) نوعی حرمل است. این نام برای «خزمل» و «خزف ابیض» بصورت مشترکی بکاررفته است. برخی آن را به اشتباه «سذاب بری» معرفی کرده‌اند.<sup>۳۰</sup> نام دیگر آن: یونانی: مولی<sup>۳۱</sup>  
۱۰۷- اسقوردیون<sup>۳۲</sup>؛ اسقوردیون<sup>۳۳</sup>، اسقوردیون<sup>۳۴</sup>، اسقوردیون<sup>۳۵</sup>، سقوردیون<sup>۳۶</sup>: نامی یونانی به معنای ثوم الحیه<sup>(۱)</sup> است. - نام‌های دیگر آن: ثوم بری<sup>۳۷</sup>، ثوم الکلب<sup>۳۸</sup>، سیر صحرائی<sup>۳۹</sup> - فارسی: موسیر<sup>۴۰</sup>، سیر مو<sup>۴۱</sup> این گیاه دارای دو نوع است: نوع بی دانه آن به نام اسقوردیون جبللی، اسقوردیون مصری، کراث بری است.<sup>۴۲</sup>

۱- در کتاب دیسکورید و ابن بیطار «ثوم الحیه» و «ثوم بری» نام گیاه دیگری است که در این کتاب به آن اشاره شده است.

اَشْقُرْدِين (Skordion): این گیاه را "ثوم" (پیاز) می نامند چون دارای بوئی چون بوی پیاز است، جالینوس آن را "ثوم بری" نامیده است، ولی نام "ثوم الحبه" برای این گیاه صحیح نیست، نام های دیگر آن "حافظ الاجساد" و "حافظ الموتی" است و عامه اندلس به آن "مطر" و گیاهشناسان اندلسی "حشیشه الثومیه" گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۶]

<i>Teucrium scordium L.</i>	اشقردین	دیسکورید
<i>Teucrium scordium L.</i>	اسقوردیون	زر. طب.

۱۰۸ - اسقولوقندریون، اسقولوفندریون<sup>(۱)</sup>، اسقولوقندریون، سقولوقندریون، سقولوقندریون، اسقولوقندریون، اسقولوقندریون، سقولوقندریون (نامی یونانی)، عقمران: نام های دیگر آن: نیاتی صخری - سقولوقندریون، به معنای مزقل الصقار، کاوی السپرز (زائل کننده و بر طرف کننده سپرز است.) و آن ریشه کبرالرومی است. - اندلس: ابرنان، عقربان - مصر: کف النسرة - شیرازی: دنبی دارو، زنگی دارو - یونانی: اسفلیس، سفلیون، المیون، فطاریقا، سقولوفندریا

<i>Scolopendrium vulgare Sw.</i>	اسقولوفندریون	ز. - ط. خ.
<i>Ceterach officinarum L.</i>		

۱۰۹ - اسقیل، اسقیل، اسقیل، اسقیل، اسقیل، اسقیل، اسقیل (نامی یونانی)، یربوع: نام های دیگر آن: اسقال - سریانی: اسقال، سقیلا، اسقال، اسقیلا، اطمیون - عربی: عَنصَل، بصل البری، بصل الفار، بصل العنصل، بصل الفار، بصل البر، عنصل، عنصلان - رومی: افلیطون، اسقنوقراطیس، اسلوقوطیس - فارسی: پیاز موش (چون کشنده موش است)، موشان پیاز، پیاز موش، پیاز دشتی - هندی: کابده، کددی - سند: قویابصل - فاس: بصل الخنزیر - نوع دیگر این گیاه در شهر فاس به «مُخبر» و «مدیکه» معروف است.  
سقیلا (Skilla): اشقیل، عنصل، عنصلان - اهالی مغرب: بصل الفار، بصل الخنزیر - بربری: اَکفیل (Agufal) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۳]

<i>Scilla maritima L.</i>	اسقیل	ز. - خ. - EN
<i>Urgenia maritima Baker.</i>		
<i>Scilla maritima L.</i>	اشقیل - سقیلا	دیسکورید
<i>Scilla maritima L.</i>	پیاز عنصل	پارسا

۱۱۰ - اسکتو، زلم: نام های دیگر آن: تنکابن: سعد - عربی: حب الزلم

<i>Cyperus esculentus L.</i>	زلم	زریساب
<i>Cyperus esculentus L.</i>	حب الزلم - حب العزیز - زلم - شغد ماکول	الموسوعه

۱۱۱ - اشکنده: (نامی هندی)

۱۱۲ - اسل، اسل، اسل، اسل، کولان: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: کولان، دیس - هندی: کسرافی، ابو حنیفه می گوید: «اسل» از همان «سمار» گرفته شده و از حصیر هاست و نباید با انواع «أذخر» اشتباه شود.

۱- در کتاب دیسکورید این نام همراه با «اسفلیاس» آمده است.



«دیسکورید» «سخیونس الأجامی» (أسل) را دو نوع می‌داند، نوعی به نام «أوکسجونس» که خود از دو نوع دارای میوه و بدون میوه است و نوع دیگر آنرا «أوکسجونوس» نام می‌برد.<sup>۴</sup>  
 سُخُونُسٌ لَيْثًا (Skhoinu heleias): نام انواع «سَمَار» است و عامه اندلس به آن «دیس» و «أسل» هم می‌گویند. [این بیطار در ترجمه دیسکورید] ۳ - ۴۶

<i>Juncus sp.</i>	أسل - سَمَار	الموسوعه
<i>Juncus acutus</i>	أسل کولانی	الموسوعه
<i>Juncus arabicus Pos.</i>	سخونس لیا - سَمَار	دیسکورید
<i>Juncus acutus</i>	أسل	خطابی
<i>Juncus sp.</i>	أسل	EN.

۱۱۳ - أسلیح<sup>۴</sup>، أسلیح<sup>۵</sup>: ابوحنیفه نام آن را «رثیث» یا «لیرون» می‌داند.<sup>۶</sup> «غافقی» می‌گوید: «لیرون» است که رنگ‌رزان از آن استفاده می‌کنند.<sup>۷</sup>

۱۱۴ - إسلنج<sup>۸</sup>: نام دیگر آن: ذنب الخیل<sup>۹</sup>

أفورس (Hippuris): به معنای ذنب الخیل، جالینوس: أیفورس [این بیطار در ترجمه دیسکورید] ۴ - ۴۶

<i>Equisetum arvense L.</i>	افورس - ذنب الخیل	دیسکورید
<i>Equisetum ramosissimum Desf.</i>	ریش بز - قنطربون - دم اسب	پارسا

۱۱۵ - أسنام<sup>۱۰</sup>: این نام به گیاهانی که دارای سنبله‌ای مشابه سنبله‌های ذرت و اذخر باشد گفته می‌شود و گویند نام گیاهی به نام «قارج» است.<sup>۱۱</sup>  
 ۱۱۶ - أسنان الذئب<sup>۱۲</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: اورغیون، هوارغون<sup>۱۳</sup> - فارسی: دندان گرگ<sup>۱۴</sup> - سریانی: سنت ذیبی<sup>۱۵</sup> - عربی: بقلة اليهود<sup>۱۶</sup>

<i>Eryngium creticum Lam.</i> <i>Eryngium campestre L.</i>	اسنان الذئب، بقلة اليهود	زریاب
<i>Sonchus oleraceus L.</i> <i>Sonchus ciliatus L.</i>	بقلة اليهود - تناف معروف - سبزنک	الموسوعه

۱۱۷ - اسنولوس<sup>۱۷</sup>: نام‌های دیگر آن: اباسیا<sup>۱۸</sup> - قفر اليهود<sup>۱۹</sup>

۱۱۸ - أسیدار<sup>۲۰</sup>: نوعی صنصاف با نام غُزَب است.<sup>۲۱</sup>

۱۱۹ - أشبرتاله<sup>۲۲</sup>(۱): نام‌های دیگر آن: سنبل الکلاب<sup>۲۳</sup> - عرفج<sup>۲۴</sup>

۱۲۰ - أشترغار، أشترغاز، أشترغاز، أشترغار، اصل الانجدان خراسانی: معرب اشترخار است، و برگردان آن به عربی شوک الجمال<sup>۲۵</sup> است. نام‌های دیگر آن: عربی: حنزاب<sup>۲۶</sup>، محروث<sup>۲۷</sup> زنجبیل العجم، زنجبیل الفارس، محروث<sup>۲۸</sup> - یونانی: فرافیون، اثاریون<sup>۲۹</sup> - مصر: لحاح<sup>۳۰</sup> - هندی: اونت کتاره<sup>۳۱</sup>، قرازی<sup>۳۲</sup> محروث را ریشه انجدان<sup>۳۳</sup> یا همان گز انگدان خوش<sup>۳۴</sup> که به سندی «هنکفار» (یا شاید اونت کتاره به معنای خار شتر) می‌داند. و حنزاب<sup>۳۵</sup> را نیز قُتیبی<sup>۳۶</sup> جزربری<sup>۳۷</sup> می‌داند.<sup>۳۸</sup>

<i>Ferula assadulcis</i> <i>Ferula assafoetida</i> L.	اشترغار	زریاب
--	---------	-------

۱۲۱ - اَشْخِیصٌ، اَشْخِیصٌ، اَشْخِیصٌ (نامی عربی)، بَشْكَرانی<sup>۳</sup> (نامی اندلسی)، شوك العلك<sup>۴</sup>، أَدَادٌ، أَدَادٌ، اَدَادٌ (نامی بربری)، خامالون لوقس<sup>۳</sup> (اشخیص سفید)، خامالان مالش<sup>۳</sup> (اشخیص اسود)، شوكة العلك<sup>۳</sup>: نوعی مازریون<sup>۳</sup> نام های دیگر آن: عربی: بَشْكَرانی<sup>۳</sup>، فسله<sup>۳</sup>، شوك العلك<sup>۴</sup>، شوكة العلك<sup>۴</sup>، غلطان (نام سرشاخه)<sup>۳</sup>، دبق (نام صمغ)<sup>۳</sup> - شیرازی: روشی مینس<sup>۴</sup>، روشنی پیش<sup>۳</sup> - نیشوف<sup>۳</sup> - فارسی: ألوجه<sup>۳</sup>، ألوجبلی<sup>۳</sup>، ألوكشته بتر<sup>۳</sup> - درخت دبق<sup>۳</sup> - خالادل لوقس<sup>۳</sup> - اقسیا<sup>۳</sup> - یونانی: خالون مالس<sup>۳</sup>، فسیالانه<sup>۳</sup>، «خامالان لوفش»<sup>۳</sup>، خامالان لوقس به معنای مختلف الالوان است زیرا به حسب مکان های گوناگون برگ آن سفید و سرخ و آبی می شود و «لوفش» و «لوقس» به معنای سفید است. نام های دیگر خامالان مالش عبارتند از: مالیون<sup>۳</sup>، کمالیون<sup>۳</sup>، خانق النمر است. - نوع دیگر اشخیص با نام یونانی «خامالان اونمالس» و «خامالان مالس» است، که «مالس» به معنای سیاه است. برخی از مردم به آن «اقسیا» گفته اند زیرا در برخی مکان ها همراه با آن «اقسوس» که همان «دبق» است می روید و به همین دلیل به آن «دبقی» گویند.<sup>۳</sup>

خامالون لوقس (*Khamaileon leucos*): به معنای سفید (لوقس) است و عموم اهالی مغرب به آن «داد الأبيض» گویند و اهالی اندلس به زبان لاتینی عامی آن را «بَشْكَرانی<sup>۱</sup>» و «شجر العلك<sup>۴</sup>» و «مُحْقِرَة» می نامند و ریشه های گیاه در بازار عطاری شهر های مصر خرید و فروش می شود و از آن در بخورات استفاده می کنند. [ابن بیطار (در ترجمه دیکورید) ۳ - ۸]

خامالون مالس (*Kh.melas*): به معنای سیاه (مالس) و نوعی از گیاه قبلی است، در مغرب به نام «داد الأسود» است و عموم اهالی اندلس به آن «بَشْكَرانی<sup>۱</sup> الاسود» گویند و اهالی آفریقا آن را با نام «داد الوحید» و «وَعْدٌ» می شناسند، علت این نامگذاری برای رویش آن گیاه در منطقه ای خالی از رویش گیاهان دیگر است. [ابن بیطار (در ترجمه دیکورید) ۳ - ۹]

<i>Atractylis gummifera</i> L.Q	خامالان لوقس - شجر العلك	دیکورید
<i>Cardopatium corymbosum</i> Pers.	خامالان مالس	دیکورید
<i>Cardopatium corymbosum</i> Pers.	خامالان	طباطبانی
<i>Cardopatium corymbosum</i>		

۱۲۲ - اَشْرَاسٌ، اَشْرَاسٌ، اَشْرَاسٌ، اَشْرَاسٌ (نامی مغربی)، غری<sup>۳</sup>: نام فارسی آن سریش<sup>۳</sup> است و آن غیر از خشتی است.<sup>۳</sup>

<i>Ornithagalum</i> sp.	اشراس - صاصل - صوَصلا	الموسعه
<i>Asphodelus damascenus</i> Boiss.	سریش	پارسا
<i>Ornithagalum umbellatum</i> L.	اشراس	EN.

۱۲۳ - اَشَّقٌ، اَشَّقٌ، اَشَّقٌ، اَشَّقٌ، اَشَّقٌ، اَشَّقٌ، اَشَّقٌ، اَشَّقٌ، اَشَّقٌ، اَشَّقٌ، اَشَّقٌ (بعضی کز را نام وچ می دانند)، واشه<sup>۳</sup>، کلپانی<sup>۳</sup>، کلیانی<sup>۳</sup> - عربی: اَشْجَعٌ، وشج<sup>۳</sup>، وسق<sup>۳</sup>، وَشَقٌ، لَزاق الذهب<sup>۴</sup>، اَشْج، الواق الذهب<sup>۴</sup> - یونانی: اثنانقون<sup>۳</sup>، امانیاقن<sup>۳</sup> - مصر: قنا<sup>۳</sup> و شق<sup>۳</sup>، کلخ<sup>۳</sup> - شیرازی: بدران<sup>۳</sup> - رومی: امونیاقون<sup>۳</sup>، امونیقون<sup>۳</sup> صاحب جامع: اشق صمغ طرتوشاست. - صاحب منهاج: صمغ طرتوت<sup>۳</sup> - صمغ «کلخ» است و گویند صمغ «طراثیث» است.<sup>۳</sup>



<i>usenea articulata</i>	اشنه	طباطبانی
<i>Muscus arboreus</i>	اشنه	خطابی
<i>Lichen</i>	اشنه	EN.
<i>Muscus sp.</i>		

۱۳۱- اصابع الصفر<sup>۱</sup>، اصابع الصفر<sup>۲</sup>، اصابع الصفر<sup>۳</sup>، اصابع الصفر<sup>۴</sup>، اصابع الصفر<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: انگشت زرد (در شرح این گیاه اختلاف نظر وجود دارد). کف العایشه<sup>۶</sup>، کف مریم<sup>۷</sup> - هندی: هنس بدی<sup>۸</sup>

<i>Vitex agnus castus L.</i> <i>Memecylon tinctorium L.</i>	اصابع الصفر	زریاب
<i>Curcuma longa Ra.</i> <i>Curcuma tinctoria Gui.</i>	اصابع الصفر - کُرْکُم صباغی - هُرد عَقید هندی - مامیران	الموسوعه
<i>Curcuma longa Ra.</i> <i>Curcuma zedoarria Rox.</i> <i>Curcuma zerumbet Rox.</i>	زردچوبه	پارسا
<i>Curcuma domestica Valet.</i>	کرکم	پارسا
<i>Curcuma zedoarria Rox.</i> <i>Curcuma zerumbet Rox.</i>	زرمباد	پارسا

۱۳۲- اصابع اللصوص<sup>۱</sup>: نام‌های دیگر آن: هندی: جورانکلی<sup>۲</sup>

۱۳۳- اصابع العذاری<sup>۱</sup>، اصابع العذری<sup>۲</sup>، اصابع العذری<sup>۳</sup>: نوعی از «عنب الطوال»<sup>۴</sup>

۱۳۴- اصابع القینات<sup>۱</sup>، اصابع القینات<sup>۲</sup>: نوعی «عنب» که در عراق می‌روید. "ابو حنیفه" می‌گوید: گیاه خوشبوئی که به فارسی به آن «فَرْنَجِمَشْک»<sup>۳</sup> گویند.

۱۳۵- اصابع هُرمَس<sup>۱</sup>، اصابع هُرمَس<sup>۲</sup>، شنبلیله<sup>۳</sup>، فقاح السورنجان<sup>۴</sup>: فقاح السورنجان<sup>۵</sup>: «صاحب جامع» می‌گوید: «شنبلید» هم فقاح (شکوفه) «سولنجان» است. «صاحب منهاج» می‌گوید: «شنبلید» ورق (برگ) «سورنجان» است.

۱۳۶- اصطرک<sup>۱</sup>، اصطرک<sup>۲</sup>، اِصْطَرک<sup>۳</sup>، اِصْطَرک<sup>۴</sup>، اصطرک<sup>۵</sup>، اصطرک<sup>۶</sup>: جنسی از «میعه» است. «بنابه قولی نامی هندی است. نام‌های دیگر آن: میعه یابسه<sup>۷</sup> - سریانی: اسطرکا یبشا<sup>۸</sup> - فارسی: قنار و خشک<sup>۹</sup>، کنار هوشه<sup>۱۰</sup> - سندی: شلها - جالینوس: غلیاوان<sup>۱۱</sup> - سطرکا<sup>۱۲</sup>

شطی رکس (*Sturax*): اِصْطَرک<sup>۱</sup>، عَسَل اللَّبْنی - سریانی: شطرکا<sup>۲</sup> - عسل رومان، لبنی رومان (منسوب به رومانی که از شهر های روم است.) - لبنی رهبان (منسوب به راهبان است که در معابد خود آن را فراوان به صورت بخور استفاده می‌کردند.) [ابن بیطار در

ترجمه دیسکورید ۱- ۵۶]

<i>Styrax officinale L.</i> <i>Liquidambar orientalis Mill.</i>	اصطرک	زر، EN.
<i>Styrax officinale L.</i>	اِصْطَرک - لَبْنی - میعه	الموسوعه
<i>Styrax officinale L.</i>	اصطرک	دی - طب.

۱۳۷- اصاص: «اشبیلی» می‌گوید: در مورد نام این نام اختلاف نظر است برخی آن را نام بربری «مثنان» می‌دانند و تلفظی از نام «آزاز» است و به

گمان من نام دیگر «مازیرون» است.<sup>ش</sup>

۱۳۸ - اصطفیلین<sup>ع</sup>: (نام گیاه در شام) نام دیگر آن: جَزَر<sup>ع</sup>

<i>Daucus carota L.</i>	اصطفیلین	EN.
-------------------------	----------	-----

۱۳۹ - اصفوزن<sup>ع</sup>: "دیسکورید" می‌گوید: برخی مردم به آن «فاسیلون» گویند زیرا گیاه آن مشابه «فاسیلس» (لویای سفید) است.<sup>ع</sup>

۱۴۰ - اصل السوسن الابيض<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: بیخ سوسن سفید<sup>ع</sup>

۱۴۱ - اضحیان: بنا به گفته‌ای نوعی «مشکطرامشیر» است و گویند نوعی «بابونج» است که درست‌تر است و همچنین گویند نام «بُلبیه الاصفر» است.<sup>ش</sup>

۱۴۲ - اضراس الکل<sup>ع</sup>، اضراس الکل<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: بسفایج<sup>ع</sup> - گفته شده نام «بسفایج» است.<sup>ع</sup>

۱۴۳ - اطراطیقوس<sup>ع</sup> (نامی یونانی)، حالی<sup>ع</sup>، حالی<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: استراطیقوس<sup>ع</sup> به معنای شبیه الکوآکب، خَرَم<sup>ع</sup> - عربی: حالی<sup>ع</sup> (جهت ورم‌های حالب مفید است). - رومی: اسقلیطاس<sup>ع</sup>، اسقلیاطیقوس<sup>ع</sup>، بنولیون<sup>ش</sup> - قیسطلیه<sup>ش</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است

<i>Aster amellus L.</i> <i>Aster atticus Pall.</i>	خَرَم - اسقلیطاس	زر. - طب.
---	------------------	-----------

۱۴۴ - اطاء<sup>ش</sup>: اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: برخی آن را به اشتباه «خلاف» می‌دانند. و اسحاق بن عمران<sup>ع</sup> آن را نوعی از «صُفیراء» گفته است.<sup>ش</sup>

۱۴۵ - اطَرَماله<sup>ع</sup>، اطرماله<sup>ع</sup>، اطرماله<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: مدبَّقه<sup>ش</sup> - مُطَبَّقه<sup>ش</sup> - حلیله<sup>ش</sup>

۱۴۶ - اطُموط<sup>ع</sup>، اطمط<sup>ع</sup>، اطماط<sup>ع</sup>، اطط<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: بندق هندی<sup>ش</sup> - فوفل<sup>ش</sup> - قلوب النعام<sup>ش</sup> - نهود القینات<sup>ش</sup> - ثمر شجر الکافور<sup>ش</sup> - "رازی" نام آن را «اطماط» نوشته، به اعتقاد وی دواى هندی است. و گویند نام باقلی هندی است.<sup>ع</sup> - «اطمط» دانه‌ای چون «بندق هندی» و قوتش بقوت «بوزیدان» ماند و «تخم نیلوفر هندی» است.<sup>ع</sup> - نام «بندق هندی» معروف به «رگه» است و برخی آن را «فوفل» نوشته‌اند که درست نیست و آن «جوز الرگه» است.<sup>ع</sup>

<i>Caesalpinia bonducella Fleming</i> <i>Areca catechu L.</i>	اطموط	زریاب
--	-------	-------

۱۴۷ - اظفار الجن<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: به هندی: کرنبات است.<sup>ع</sup>

۱۴۸ - اغالوجن<sup>ع</sup>، اغالوجن<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: عود البخور<sup>ع</sup>

<i>Agallochum sp.</i>	اغالوخن	EN.
-----------------------	---------	-----

۱۴۹ - اغافت<sup>ع</sup>، اغافت<sup>ع</sup>، ترمانان<sup>ع</sup>، حشیش الغافت<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: فطریون<sup>ع</sup> (یا بوفاطریوس) - سریانی: عَقارادبشکرا<sup>ع</sup> و تریامان<sup>ع</sup> و اغفت<sup>ع</sup> - "جالینوس" عصاره آن را «بوفاطریوس» و «صهاربخت» هیوفاطریون می‌داند.<sup>ع</sup>

<i>Agrimonia eupatoria L.</i>	اغافت	زر. - طب.
-------------------------------	-------	-----------

۱۵۰- اغیراطون<sup>ص</sup>، اغیراطین<sup>ع</sup>، اغراطن<sup>ث</sup>: به معنای لایسیخ است یعنی پیر نشدنی<sup>ص</sup> - زیرا گل آن مدت زمان طولانی با طراوت و پایا باقی می ماند به آن «اغراطین» هم می گویند. اغیراتون در یونانی به معنای پیر نشو است.<sup>ص</sup>  
 اغیراطن<sup>ث</sup> (Ageraton): به معنای "الذی لایتشخ زهره" (دارای گلی بادوام و با شکل ثابت)، نوعی از اقحوان است. [این بیطار در ترجمه دیسکورید]

<i>Achillea ageratum L.</i>	اغیراطون	زر، EN.
<i>Achillea ageratum L.</i>	اغیراطن	دیسکورید

۱۵۱- اغیرس<sup>ع</sup>، اغیرس<sup>ص</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: حور الرومی<sup>ص</sup>

۱۵۲- افثیمون<sup>ث</sup>، افثیمون<sup>ص</sup>، افثیمون<sup>ع</sup>، افثیمون<sup>ث</sup>، افثیمون<sup>ع</sup>، افثیمون<sup>ث</sup>: نامی یونانی و به احتمال ضعیف سریانی به معنای دواء الجنون است.<sup>ث</sup> - نام های دیگر آن: فارسی: شرتین<sup>ث</sup> - عربی: شجر الضبع، صعیتره<sup>ث</sup>، لعاب الحیه<sup>ث</sup>، کشوت الفارسی<sup>ث</sup> - سریانی: سور مور<sup>ث</sup> - رومی: شیون<sup>ث</sup>، بسیمون<sup>ص</sup> - هندی: کاس بیل، امل بیل<sup>ث</sup> - فاس: فیثمون<sup>ث</sup> - بربری: تازلفت<sup>ث</sup> - بربری: تازلفت<sup>ث</sup> - عجمی: ریوله<sup>ث</sup> - رومی: شرکی<sup>ث</sup> - لاتینی: شفکان<sup>ث</sup>، ایبطه<sup>ث</sup> - «افثیمون» دو جنس است کوهی و نبطی و بهترینش رومی است.<sup>ص</sup> - «ابوجریح» می گوید: بهترین نوع آن اقریطی است.<sup>ع</sup> - پرزی و زهری و قضیانی و بهترین آن اقریطی بود یا مقدسی<sup>ص</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای شش نوع است نام های نوع دوم آن عبارتست از: یونانی: افثیمون لینون - فارسی: کشوثا، کشوت - رومی: شکونیا - بربری: تازلفت الینو یعنی کتان - عجمی: طنیة - اندلسی: قزینة - خاق الذباب - عاشق النبات - حماض الارنب - روشکه  
 نام های نوع سوم عبارتست از: شعر الغزال - شعر الذیب - لعاب القتیل - نام های نوع چهارم: بربری: لویه امسون - نام های نوع پنجم: کتان الماء - طخلب - عجمی: اشیتیه - یونانی: برون البحری - نام های نوع ششم: صوف البحر<sup>ث</sup>

<i>Cuscuta epithimum Murr.</i>	افثیمون	ز، ط، خ، E.
<i>Cuscuta epithimum Murr.</i>	افثیمون - کشوت السعتر	الموسوعه
<i>Cuscuta epithimum Murr.</i> <i>Cuscuta europea</i>	افثیمون	پارسا

۱۵۳- افانی<sup>ث</sup>: نام های دیگر آن: حماط<sup>ث</sup>، حنط<sup>ث</sup>

<i>Galium aparine L.</i>	افادینی؟	EN.
--------------------------	----------	-----

۱۵۴- افزبویون<sup>ث</sup>، افزبویون<sup>ص</sup>، افزبویون<sup>ع</sup>: «افزبویون» صمغی است از انواع «مازرویون» است.<sup>ص</sup> نام های دیگر آن: فریبون، ابرفیون، ابریبون<sup>ث</sup> - رومی: افنین بدونون<sup>ث</sup> - عربی: اکل نفسه، قاتل نفسه، حافظ النحل، حافظ الاطفال، کروش الغنم<sup>ث</sup> - یونانی: لاحاس، تاکوب<sup>ث</sup> - مغربی: بستانه، لبن السودا  
 افزبویون<sup>ث</sup> (Euphorbion): فریبون - بربری: تاکوت<sup>(۱)</sup> - اهالی مصر: لوبانه<sup>ث</sup> [این بیطار در ترجمه دیسکورید] ۴ - ۷۸]

<i>Euphorbia spp.</i>	افزبویون - فریبون	دیسکورید
-----------------------	-------------------	----------

۱۵۵- افستنتین<sup>ث</sup>، افستنتین<sup>ص</sup>، افستنتین<sup>ع</sup>، افستنتین<sup>ث</sup>، افستنتین<sup>ع</sup>، افستنتین<sup>ث</sup>: (نامی یونانی) نوعی «برنجاسف کوهی» است و گفته اند نوعی «درمنه» است.<sup>ص</sup> نوعی قیصوم است. - نام های دیگر آن: عربی: خترق<sup>ث</sup>، شیب العجوز (فاس)<sup>ث</sup> -

رومی: انسیتون<sup>۱۵۴</sup>، افستینون<sup>۱۵۵</sup> - فارسی: مروه<sup>۱۵۶</sup> - مصری: (نوع زبون آن را) دسیسه<sup>۱۵۷</sup>؛ (نوع جبلی آن را) ربل<sup>۱۵۸</sup> - هندی: مجتری<sup>۱۵۹</sup>، شتاور<sup>۱۶۰</sup> - زابل: مستار<sup>۱۶۱</sup>، شیخ رومی<sup>۱۶۲</sup>، کثوث رومی<sup>۱۶۳</sup>  
 بنا به نظر "رسائل" دارای انواع نبطی، فارسی، خراسانی و سوری است.<sup>۱۶۴</sup> - «افستین» رومی و نبطی است.<sup>۱۶۵</sup>  
 اُپْشِثی (Apsinthion): اُفْستِین با نام لاتینی «شانشه»<sup>(۱)</sup> در بعضی از ترجمه‌ها نام آن "کثوث رومی" نام دارد و دارای انواع مختلفی است که بهترین آن‌ها از نظر پزشکی - نوع رومی آن است. عامه اندلس و نقاط دور مغرب به آن «افستین الساحلی» و «شِبب العَجُون» گویند و «شِبب العَجُون» نامی مشترک است و بیشتر برای گیاه "آشنه" بکار می‌رود.  
 ساریفون (Seriphon): نام دو نوع "شیخ"، "شیخ الارمنی" و "شیخ المصری" است. شیخ المصری به افستین البحرى مشهور است. و "دیسکورید" این دو نوع افستین - ساحلی و بحرئ - را با عنوان کلی افستین شرح داده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۴ و ۲۳]

<i>Artemisia absinthium L.</i>	اُریسِثی - اُفْستِین الساحلی - اُفْستِین	دیسکورید
<i>Artemisia maritima L.</i>	ساریفون - شیخ المصری - اُفْستِین البحرى	دیسکورید
<i>Artemisia absinthium L.</i>	اُبْستَن، اُفْستِین، دَمِیسه، شیخ رومی، خُتْرُق	الموسوعه
<i>Artemisia absinthium L.</i>	اُفْستِین	ز، ط، خ، ع، E.
<i>Artemisia absinthium L.</i>	عربی و فارسی: اُفْستِین	GLO.IN.
<i>Artemisia maritima L.</i>	عربی و فارسی: شیخ	GLO.IN.
<i>Artemisia siversiana Eh.&amp;Wi.</i>	عربی: اُفْستِین	GLO.IN.

۱۵۶ - اُفْلَنْجَه<sup>۱</sup>، اُفْلَنْجَه<sup>۲</sup>، فَلَنجَه<sup>۳</sup>، فَلَنجَه<sup>۴</sup>، فَلَنجَه<sup>۵</sup>، فَلَنجَه<sup>۶</sup>، فَلَنجَه<sup>۷</sup>، فَلَنجَه<sup>۸</sup>، فَلَنجَه<sup>۹</sup>، فَلَنجَه<sup>۱۰</sup>؛ ریشه نیلوفر هندی<sup>۱۱</sup> نام‌های دیگر آن: افلنجه<sup>۱۲</sup> - هندی: پل پر نک<sup>۱۳</sup> - کثوث زنجی<sup>۱۴</sup>

<i>Cuscuta epithimum Mur.</i> <i>Piper cubeba L.</i>	فلنجه	زر - طبا.
---	-------	-----------

۱۵۷ - اُفْنِیقون<sup>۱</sup>: (نامی یونانی)

۱۵۸ - اُفِیقرون<sup>۲</sup>، اُفِیقون<sup>۳</sup>: (افیقون)<sup>۴</sup> نام رومی آن یقرون به معنای تلخ است.<sup>۵</sup>  
 اُفِیقون (Hupekoon): به یونانی «اویقوان» نام دارد و بر این گمانند نوعی "جلبان البری" با خاصیت تخدیری و خواب آور است که احتمالاً درست است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۲]

<i>Hypocoum procumbens L.</i>	افیقرون	زریاب
<i>Hypocoum procumbens L.</i>	اُفِیقون	دیسکورید
<i>Hypocoum procumbens L.</i>	هَیِّقون - اُفِیقون - جَهِیره	الموسوعه
<i>Hypericum quadrangulum L.</i>	اسقیرن	EN.

۱۵۹ - اُفِیقْطُس<sup>۱</sup>، اُفِیقْطُس<sup>۲</sup>: نامی یونانی به معنای محلل

۱۶۰ - افیلون<sup>۳</sup>: نام دیگر آن: شیخ جبلی<sup>۴</sup>

۱۶۱ - اُفِیمارون<sup>۵</sup>: نوعی از سورنجان

۱- اصل آن *Acienzo* - فَلَنجَه (با معادل نام اصلی *Filix*) همراه با واژه "بطارس" و "کیلدارو" آمده است.

۱۶۲ - آپیمیدون<sup>۱</sup>، آپیمیدون<sup>۲</sup>، آپیمیدون<sup>۳</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: فافبوس<sup>۴</sup>

آپیمیدون (*Epimedium*): جالینوس نیز این گیاه به این نام ذکر کرده است ولی من - ابن بیطار - آن را نمی شناسم. [ابن بیطار] در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۹]

دیسکورید	آپیمیدون	<i>Epimedium alpinum L.</i>
----------	----------	-----------------------------

۱۶۳ - آپبوس<sup>۱</sup>، آپبوس<sup>۲</sup>: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: فافبوس الحدقی<sup>۳</sup>، چون شبیه حدقه است، خامالانس<sup>۴</sup>، فجل بری<sup>۵</sup> - "دیسکورید" می گوید: برخی مردم آن را «رابانس ازغریا» (به معنای فجل بری) نامیده اند.<sup>۶</sup>  
آپبوس (*Apios*): کُمثری البستانی [ابن بیطار] در ترجمه دیسکورید)

دیسکورید	آپبوس - کُمثری البستانی	<i>Pyrus communis L.</i>
الموسوعه	آپبوس - اشخاص - شلجم بری - زخل	<i>Euphorbia apios L.</i>

۱۶۴ - آفیبون<sup>۱</sup>، آفیبون<sup>۲</sup>، آفیبون<sup>۳</sup>: فاس: عفیبون<sup>۴</sup>  
۱۶۵ - آقاقالیس<sup>۱</sup>: آقاقالیس (*Akakallis*): شجرالائل، نام میوه آن به فارسی "کَرَمَازَک" است و در کتب طبی "کَرَمَازَج" و "کَرَمَازَق" و به زبان عربی "عَدَبَة" نامبرده شده است. [ابن بیطار] در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۱]

دی. - زر.	اقاقالیس	<i>Tamarix articulata Wahl.</i>
-----------	----------	---------------------------------

۱۶۶ - آقاقیا، آقاقیا، آقاقیا، قائل اینه<sup>۱</sup>: نام های دیگر آن: مصر: سَطَّ، ضَطَّ - فارسی: کره<sup>۲</sup>، فلفل تر<sup>۳</sup> - عربی: سینت<sup>۴</sup> - رازی<sup>۵</sup> می گوید: صمغ شبدر است و بولیس<sup>۶</sup> این واژه را برای رب شبدر بکار برده ولی من آن را به معنی صمغ زیتون یافته ام.<sup>۷</sup> - نام عصاره قرظ و قرفا و آن گیاهی مصری است.<sup>۸</sup>

خطابی	اقاقیا	<i>Acacia arabica</i>
-------	--------	-----------------------

۱۶۷ - آقحوان<sup>۱</sup>، اقحوان<sup>۲</sup>، اقحوان<sup>۳</sup>، اقحوان<sup>۴</sup>، اقحوان<sup>۵</sup>، اقحوان<sup>۶</sup>، اقحوان<sup>۷</sup>: خبز الغراب<sup>۸</sup>: (نامی عربی) نوعی بابونج - نام های دیگر آن: عربی: بابونج<sup>۹</sup>، قَرَص<sup>۱۰</sup>، احداق المرضی<sup>۱۱</sup>، قحوان<sup>۱۲</sup> - فاس: بابونج الحمیر، بابونه گاو<sup>۱۳</sup>، بابونه گاو چشم<sup>۱۴</sup> - یونانی: اوبیانس<sup>۱۵</sup>، اوبیانس<sup>۱۶</sup>، اوبیانیس<sup>۱۷</sup> - سندی: فلانج<sup>۱۸</sup> - عبرانی: فیفایفا<sup>۱۹</sup> - سریانی: فشا<sup>۲۰</sup>، فرابیون<sup>۲۱</sup>، کرکیش<sup>۲۲</sup>، کرکاش<sup>۲۳</sup>، کافوریه<sup>۲۴</sup> - دیسکورید: برتانیون<sup>۲۵</sup> - نام های نوع صغیر (کوچک) آن: یونانی: فلیمن<sup>۲۶</sup> - فارسی: بهار<sup>۲۷</sup> - مصر: کاش<sup>۲۸</sup> - عرار<sup>۲۹</sup> - میشهار<sup>۳۰</sup> - کاو چشم<sup>۳۱</sup> - خریع<sup>۳۲</sup> - عصفر<sup>۳۳</sup> - مریق<sup>۳۴</sup> - مقد<sup>۳۵</sup> - کافوری نر - مهران<sup>۳۶</sup> «اقحوان بستانی» با نام «کافوری» و «اقحوان بری» با نام «بابونج» است و «بهار» جنسی از «اقحوان» است.<sup>۳۷</sup> «دیسکورید» آن را به سه نوع تقسیم کرده است.<sup>۳۸</sup> او را به پارسی «کافوربوی» خوانند، و «بابونه» جنسی است از وی.<sup>۳۹</sup> «اقحوان» نزد عرب به «بابونج» معروف است و در مصر به «کرکاش» و دارای انواعی است به همین دلیل برخی از گیاهشناسان اندلس «اقحوان» را نوع کوچکی از انواع «کرکاش» می دانند. برخی از گیاهشناسان پنداشته اند منظور از «اقحوان» همین اسامی است در حالیکه «اقحوان» در ترجمه واژه یونانی «برتانیون» آمده و آن از انواع «کرکاش» نیست و در حقیقت رستی معرفی است که در قدیم و امروزه در اندلس به آن «شجره مریم» می گویند و در آفریقا معروف به «کافوریه» است و در شهر موصل بسیار کاشته می شود و در آنجا نیز به «شجر الکافور» مشهور است و دارای دو نوع کوهی و زرعی است.<sup>۴۰</sup> «اشبیلی» می گوید: در مورد ماهیت آن



اختلاف است برخی آن را نوعی «بابونج» می‌دانند و عده‌ای می‌گویند نام دیگر «بابونج» است و نزد بعضی همان «بُئلییه» می‌باشد نام‌های دیگر آن عبارتست از: یونانی: قربانیون، برثانیون، آمارقون، اماریقون، لوقیموس - مرقالّه و اقحوان و به نظر من «اقحوان» دارای انواعی است و «ببلیه» نوعی از آن است که خود به چهار گروه تقسیم می‌شود نام‌های نوع اول آن عبارتست از: بُئلییره - اماریقون، امارقن - سفندوقس، سندوقس - نام‌های نوع دوم عبارتست از: امارنطون - اماراقوا و نام نوع دیگر «ارجل الجراد» است و نوع آخر آن را «اریان» گویند. از انواع دیگر اقحوان «قُضْب»، و همچنین «شجرة مریم» با نام «برثانیون» است. نوع دیگر اقحوان «بابونج» است که خود دارای هفت گروه است: گروه اول «بابونج طلیطلی» است، گروه دوم دارای گلی بزرگتر از گل آن است، گروه سوم را «خبز الغراب»، «بابونج الاسود» و «بابونج الرومی» می‌نامند، گروه چهارم «بابونج الجبلی» است، گروه پنجم گلی آبی دارد و در اشبیل می‌روید و گروه ششم «بابونج الخریفی» است.<sup>ش</sup>

فِرَثَانِیُون (Parthenion): اَقْحَوَان [این بیطار(در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۴]

<i>Anthemis arvensis</i>	أقحوان	خطابی
<i>Anthemis arvensis</i>	أقحوان اصفر - عین القط - بهار حقلی	خطابی
<i>Anthemis spp.</i>	أقحوان	الموسوعه
<i>Anthemis tinctoria L.</i>	اقحوان الصباغین، بهارالصباغین، بابونج اصفر، عین القور	الموسوعه
<i>Anthemis nobilis</i>	بابونج	الموسوعه
<i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria parthenium L.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	اقحوان - بابونج - قراص	زریاب
<i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria aurea Sch.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	اقحوان - بابونه	پارسا
<i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria aurea Sch.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	اقحوان - بابونه	پارسا
<i>Chrysanthemum parthenium Per.</i>	أقحوان	دیسکورید
<i>Matricaria parthenium L.</i>	أقحوان	EN.

۱۶۸ - افسوس<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: شجرة الدب<sup>ش</sup>، جنا الاحمر<sup>ش</sup>، دبق<sup>ش</sup>  
۱۶۹ - اقسون<sup>ع</sup>، اقسون<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: افنیثون<sup>ع</sup> - رأس الشیخ<sup>ع</sup>

<i>Onopordon acanthium</i>	أقسون - رأس الشیخ - شکاعی - طوبه - فص الجمار	الموسوعه
----------------------------	--	----------

۱۷۰ - اقسیا<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: زعرور الادویه<sup>ع</sup> - گیاهشناسان اندلس: حیربول<sup>ع</sup> - این نام درخت «برباریس» که «ابن جلجل» آن را پنداشته و همچنین «فیلزهرج» نیست.<sup>ع</sup>

۱۷۱ - اقسین<sup>ع</sup>، اقسین<sup>ع</sup>: (نامی یمنی) نام‌های دیگر آن: ماش<sup>ع</sup> - اصل... ماش<sup>ع</sup>

۱۷۲ - اقسالوقی<sup>ع</sup>، اقسالوقی<sup>ع</sup>: شوکه البیضاء<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای شوکه البیضاء نام‌های دیگر آن: باذورد<sup>ع</sup> - شوکه البیضاء<sup>ع</sup> - باذورد<sup>ع</sup>

<i>Cincus acarna</i> <i>Sylibum marianum</i>	شوکه البیضاء	طباطبانی
---	--------------	----------

Crataegus oxycantha L.	افتتالوفی	EN.
------------------------	-----------	-----

۱۷۳ - اَیْمِنٌ ش: نام های دیگر آن: ابوقینوس ش، نارطیطس ش، اوقینه ش، هراس ش - عربی: عُنْفُزُ ش، مُرَارُ ش، سَمْعَرُ ش، شُوكُ الْمُفْلَلِ ش، حَسَكُ الْجَمَالِ ش، شُوكَةُ الْبِیْضَاءِ ش، شُوكَةُ الْمُتَكْرَةِ ش، قَتَادُ الصَّغِيرِ ش  
 ۱۷۴ - اَکْتَمَکِتْ ش، اَکْتَمَکِتْ ش، اَکْتَمَکِتْ ش: نام های دیگر آن: فارس: نخایه ابلیس ش - هندی: کربخور، کرنج ش - سانس کرت: ساکرکهوله ش - بعضی گویند او میوه «ام غیلان» است. ش - صاحب منهاج می گوید: چوبی هندی و نام دیگر آن «بندق هندی» است. ش

Lapis aetites	اکتمکت	زریاب
---------------	--------	-------

۱۷۵ - اکسیوس ش: ؟

۱۷۶ - اَکْرَارٌ ش: «ابو عباس نباتی» می گوید نام عربی آن نَجْد است. ش نوع بزرگ آن به نام «طرنشول» و بدون میوه است و نوع میوه دار آن آبی رنگ با نام «تنوم» است. ش  
 ۱۷۷ - اَکْرُ الْبَحْرِ ش: نام های دیگر آن: لِف الْبَحْرِ ش  
 ۱۷۸ - اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش، اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش، اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش، اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش، اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش، اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش: اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش دارای هفت جنس است. ش نام های دیگر آن: عربی: عَکْفِیَّةٌ ش، حُمَیْدِش (فاس) ش، مَکِیْدِش (فاس) ش اصابع الملک ش، ملکا ش - یونانی: هالینوطس ش، هلیسفاقوس ش (نامی که جالینوس مطرح کرده است). مالیلوطس ش (نامی که دیسکورید بر آن نهاده است). - فارسی: قیصر ش، شاه پسه ش، شاه افسر ش، اسپرک ش، کلیل الملک ش - هندی: پرنک ش - سندی: سوتن ش - سریانی: کلیل ملکا ش - اشبیلی می گوید: دارای چند نوع است نام نوع چهارم آن «عقربی» است و خود سه نوع است نام نوعی از آن به رومی «شاهسیرم» و به عجمی «قرنوله دکانبه» و به بربری «أذنه» و به عربی «قمره» یا «قمر» و «بَلِیحَاء» و به آفریقائی «شجر الحب» و در مشرق «أذان الجداء» و به هندی «سورج الملک» و «رونق الملک» و به بنگالی «فارنیا» و «قارنیا» است. ش  
 مالیلوطس (*Melilotos*): اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش چهار نوع است: نوع اول و دوم آن به زبان اندلسی «قُرْنِج» (۱) است که یک نوع آن را پزشکان مصر تجویز می کنند. نام نوع سوم «مَعْقَرَب» و نوع چهارم «مُدْرَهْمُ الْوَرَق» و نام فارسی آن «دارشاه» است که اهالی آفریقا به آن «شجره الحب» گویند. (ابن بطار) در ترجمه دیسکورید (۳ - ۳۸)

<i>Melilotus officinalis L.</i>	مالیلوطس - اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش	دی - طب.
<i>Fritillaria imperialis L.</i>	اکلیل الملک - عرار قیصری	الموسوعه
<i>Melilotus officinalis L.</i>	اکلیل الملک	زر، خطا.
<i>Astragalus hamosus</i>	اکلیل الملک	پارسا
<i>Trigonella grandiflora Bunge.</i>	ناخنک - اَکْلِیلُ الْمَلِکِ ش	پارسا
<i>Astragalus hamosus L.</i>	اصابع الملک، هندی: پورتوک، بمبئی: اخلیل الملیک	Glo.-In

۱۷۹ - اَکْلِیلُ الْجَبَلِ ش، اَکْلِیلُ الْجَبَلِ ش، اَکْلِیلُ الْجَبَلِ ش، اَکْلِیلُ الْجَبَلِ ش: از انواع «صعتر» است. نام های دیگر آن: یونانی: اوکلا اوقا، بلایه قَبْرُونَه (۲) - فاس: آزرغ ش - دارای سه نوع است و به یونانی آن را «لیباطیش» و به رومی «رومیرو رومینیو» یعنی «حشیشة الرومانیین» گویند و نام بذر آن به عربی «فَخْدَه» نام دارد نام بربری آن «أزیر» و نام سریانی آن «اَکْلِیلُ الْجَبَلِ» است. نوع اول را «عَبْبِیْثَرَةُ الْاَیْتَلِ» و «صعتر الرومی» گویند و نوع دوم را «فَخْدَاء» و «راء» نامند و نام نوع سوم «قَمَنْصَانَا» است. ش

۱- قرننج به زبان لاتینی اسپانیایی "Cornejo" و نام "قارنیا" "Cornus mas L." است. و اهالی اندلس اَکْلِیلُ الْمَلِکِ را با نام "قرنولیه" یا "قرنمله" یا "قرنلیه" ذکر کرده اند که معادل نام لاتینی "Cornilla real" است.  
 ۲- Poleyp cabruo

<i>Rosmarinus officinalis L.</i>	اکلیل الجبل - ندی البحر - قرمانا	الموسوعه
<i>Rosmarinus officinalis L.</i>	اکلیل الجبل	خطابی

۱۸۰ - اکمویزان<sup>ع</sup>، اکمویزان<sup>ت</sup>: "ماسرجویه" می‌گوید نام «رعی الحمام» است.<sup>ع</sup>  
 ۱۸۱ - الأطلی<sup>ع</sup>:

۱۸۲ - الأطلینی<sup>ع</sup>: نام دیگر آن بلاب است و "مجوسی" آن را «بلاب الأحرش» می‌داند<sup>ع</sup> و عامه اندلس به آن «شمیه»<sup>ع</sup> و «سراویل الطلول» گویند.<sup>ع</sup>

۱۸۳ - إلب، ألب، ألب<sup>ش</sup>: (نامی عربی)

۱۸۴ - الباین<sup>ش</sup>: «اشبیلی» می‌گوید: نام نوعی از آن: مفاتل الراعی - نام نوع دیگر: یونانی: قلندبرله یعنی سراجیه - نام نوع دیگر: بخترنه - یونانی: برطانیقی - نام نوع دیگر: کوكبیه - نام نوع دیگر: عربی: شقواص - نام نوع دیگر: ابالة - غرغال - قارة - نام نوعی: کما در بوس - نام نوعی: فضیه - نام نوع دیگر: فلومس مُفَزَن به معنای فلومس صغیر - عجمی: الباینه - حلیق - مفاتل الرعاة<sup>ش</sup>

۱۸۵ - السفاقن<sup>س</sup>، ألسفاقس<sup>ع</sup>: (اللسفاقن) به معنای «لسان الأبل» است و به اشتباه گفته شده نام آن «نقولا الراهب» و «رعی الأبل» است. گیاهشناسان اندلس آن را «شالییه» و «ناعمه» نامیده‌اند<sup>ع</sup>. گمان کرده‌اند «رعی الأیل» بانام «قلام» است.<sup>س</sup>  
 ألسفاقس (Eleisphakon): برگردان آن به عربی "لسان الأیل"<sup>(۱)</sup> است. عامه اندلس به آن «ناعمه» گویند و نام لاتینی آن شالییه است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۱]

<i>Salvia officinalis L.</i>	اللسفاقس	دیسکورید
<i>Salvia officinalis L.</i>	السفاقن	زریاب

۱۸۶ - الف دینار<sup>ش</sup>:

۱۸۷ - اللشی<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) "ادریسی" می‌گوید: این نام به معنای «أهلی» است. و نزد من - ابن بیطار - از انواع «جزر البری» است و غیر از این نام دیگری برای آن نمی‌شناسم.<sup>ع</sup>

۱۸۸ - ألتنج<sup>ش</sup>: نامی یونانی به معنای اهل

۱۸۹ - ألوسن<sup>س</sup>، وألوسون<sup>س</sup>، ألوسن<sup>ش</sup>، شجرة الكلب<sup>ع</sup>، مُذِيب الكلب<sup>ع</sup>: آلوسن به معنای برطرف کننده آزار گزیدگی سگ دیوانه<sup>س</sup>

ألوسن (Alusson): به معنای نافع در درمان گاز گرفتگی سگ دیوانه. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۶] "ابن بیطار" در کتاب جامع خود آن را معادل نام های عربی "حشیشه اللجاة" و "حشیشه السللحفاة" آورده است.

<i>Alyssum saxatile L.</i>	الوسن	زریاب
<i>Farsetia chypeata R.Br.</i>		طباطبائی
<i>Alyssum spp.</i>	الوسن - الیشم - ألوسن	الموسوعه
<i>Alyssum saxatile L.</i>	ألوسن	دیسکورید

۱۹۰ - ألوین<sup>ع</sup>، ألوین<sup>س</sup>: (نامی یونانی) "غافقی" می‌گوید: در ترجمه بطرق - از کتاب جالینوس - محل رویش «ألویاس» در مکان‌های رملی آمده است. و او آن را همان «ترید» می‌داند که این اشتباه است. "ابن وافد" نیز این نام را معادل نام «طریفیلون» می‌داند و گفته خود را با مطالب "دیسکورید" پیرامون «طریفیلون» همسو می‌آورد و نام دیگر آن را «أرطریفیلون» یا همان «ترید» می‌داند.<sup>ع</sup>

۱- به معنای لسان الابل یا زبان شتر

ألویی (Aloe): نام «شجره الصبر» است و این گیاه مثالی برای حروف است؟ و در خانه ها بسیار روئیده می شود و عامه مردم به آن «صبارة» و «صابرة» نیز می گویند و مکانی نیست که از این گیاه برداشت نکنند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۲]

<i>Aloe vera L.</i>	ألویی	دیسکورید
<i>Aloe aloexylon</i>	صبر زرد	پارسا
<i>Aloe scotrina</i>	صبر زرد سقوطری	پارسا

۱۹۱ - أمانة<sup>(۱)</sup>: شجرة القرمز<sup>ش</sup>

۱۹۲ - آماریطن، آمارنطن<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) گروهی از مترجمان آنرا نوعی «أقحوان» می دانند که در حقیقت اینچنین نیست بلکه نزد من - ابن بیطار - از انواع «قیصوم» است و خود آن را دیده ام<sup>ع</sup>.  
ألخیریسون (*Helikhruson*): برگردان آن به عربی «مذَهَب» (طلائی) و مشابه «قیصوم» است، و بعید نیست از انواع آن باشد. و جالینوس آن را با نام «آمارنطن»<sup>(۲)</sup> آورده است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۲]

<i>Tanacetum annum L.</i>	ألخیریسون	دیسکورید
<i>Helichrysum stoenchas DC.</i>	امازنطون - بزازالعذراء - خالدةالجُزُر	الموسوعة

۱۹۳ - آمبرباریس، امبرباریس، امبرباریس<sup>ع</sup>، امبرباریس، امبرباریس، حب الانبرباریس، اثرار<sup>(۳)</sup>، زرشک، زرشک، امبرباریس<sup>ع</sup>: نوعی از عوسج نام های دیگر آن: انبرباریس<sup>ع</sup>، برباریس<sup>ع</sup> - بربری: ابراز، آرزغنت<sup>ع</sup> - فارسی: زرشک<sup>ع</sup>، زرشک، زوک، زیرکش، زارج، زرنک<sup>ع</sup> - عربی: الإثرار<sup>ع</sup> - برباریس<sup>ع</sup>  
در الحاوی به نام «قالیورس» آمده است و نام دیگر آن «اوقاتوس» است. دیسکورید معنای آن را دارنده خارهای تیز گفته است. - نام ریشه های فرعی آن «آرغیس» است. اشبیلی<sup>ع</sup> می گوید: دارای دو نوع جبلی و بری است نام های نوع جبلی عبارتست از: امبرباریس - ریفی - اشقیطله - یونانی: افتنا آفنیس یعنی شوکه حادة - سریانی: بوفاسفوسوس - فارسی: زرشک - بربری: آرزغن - نام ریشه: آرغیس - فرنجیه: اسطنکه - نام های نوع بری: عوسج الاسود - اشقیطله - بربری: آشک بردین - عجمی: آشکوذ<sup>ش</sup>

<i>Berberis vulgaris L.</i> <i>Berberis asiatica Roxb</i>	امبرباریس - زرشک	زریاب، طباطبائی
<i>Berberis vulgaris L.</i>	بُزْبَریس، انبرباریس، اثراره، زرشک، عود الريح	الموسوعة
<i>Berberis lycii extractum</i>	حضض هندی - راس هدی	پارسا
<i>Berberis vulgaris L.</i>	زرشک	پارسا
<i>Lycium afrum</i> <i>Rhamnus infecteria</i>	حضض	طباطبائی
<i>Berberis vulgaris L.</i>	امبرباریس	خطابی

۱۹۴ - آمبروسیا، آمروسیا<sup>ع</sup>: برخی مردم به آن «بطرس» گویند و برخی «أرطاماسیا»<sup>ع</sup>. دیسکورید<sup>ع</sup> می گوید برخی آن را عنقود (بطرس) (خوشه انگور) و دیگران ارطاماسیا (ارطیسیا) می دانند.<sup>ع</sup>

<i>Ambrosia maritima L.</i>	امبروسیا	زریاب
-----------------------------	----------	-------

۱۹۵ - اَمْدُرِيَانُ، اَمْدُرِيَانٌ، اَمْدُرِيَانٌ: (نامی یونانی) محل رویش: بیت المقدس و دمشق<sup>ع</sup> - برخی به اشتباه آن را «بذرة» می‌دانند.<sup>ش</sup>

۱۹۶ - اَم دَفْرَاءُ: اشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: نوعی «قیصوم» است و شاید «فجن» باشد.<sup>ش</sup>

۱۹۷ - اَمْرُودٌ: نام‌های دیگر آن: کمثری<sup>ش</sup>، مرشدآباد: حسینی<sup>ش</sup>

<i>Psidium guajava L.</i>	<i>Hendia &amp; Panjub: Amrud</i>	GLO.IN.
---------------------------	-----------------------------------	---------

۱۹۸ - اَمْرَه: (نامی هندی)

۱۹۹ - اَمْسُوخٌ، اَمْسُوخٌ، اَمْسُوخٌ: (نامی بربری به معنای انابیت)، یحییذ<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: اَمَصِيحٌ<sup>ش</sup> - اَمْصُوخٌ<sup>ع</sup>، محلوله<sup>ش</sup> - «ابن بیطار» می‌گوید: به عجمی اندلسی به آن «شتله»<sup>(۱)</sup> گویند و دارای دو نوع است بزرگ و کوچک... گروهی آن را از انواع «ذنب الخیل» می‌دانند.<sup>ع</sup>

۲۰۰ - اَمَطِيٌّ، اَمَطِيٌّ، اَمَطِيٌّ: (امیطی)

۲۰۱ - ام عمر<sup>ش</sup>: قسمی تین به رنگ سیاه که در شام فراوان وجود دارد.<sup>ش</sup>

۲۰۲ - اَمْغِيلَانٌ، اَمْغِيلَانٌ، اَمْغِيلَانٌ، اَمْغِيلَانٌ، اَمْغِيلَانٌ، اَمْغِيلَانٌ: نوعی سنط نام‌های دیگر آن: اهل بادیه: سمر<sup>ع</sup>، سَمْرٌ، طَلْعٌ<sup>ع</sup>، شوکه مصریه<sup>ع</sup>، شوکه اعرابیه<sup>ع</sup> و سدوری<sup>ع</sup> - فارسی: مغیلان<sup>ع</sup> - هندی: کیکروبیول<sup>ع</sup> - سند: جاماها<sup>ع</sup> - اهل بفسور: حاله غوره<sup>ع</sup>

<i>Acacia arabica Willd.</i>	ام غیلان	زریاب
<i>Ilex aquifolium L.</i>	ام غیلان	EN.

۲۰۳ - اَمُّ كَلْبٍ، اَمُّ كَلْبٍ، اَمُّ كَلْبٍ: نام گیاه در کتاب دیسکورید: اناغیرس<sup>ع</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: برخی آن را «طَبَاقَةُ الْجَبَلِيَّةِ» می‌دانند و به نظر من درست است.<sup>ش</sup>

اَنَاغُرُون (Anaguros): نام عربی آن «شجرة أم كلب» و نام میوه آن «خَرْنُوبُ الْكَلْبِ» است و «خَرْنُوبُ الْكَلْبِ» نام مشترکی است که بیشتر در غیر این مورد بکار می‌رود. در غلاف میوه آن دانه‌هایی با رنگ‌های مختلف قرار دارد که اهالی مصر به آن «حب الكَلْبِي» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۵]

<i>Anagyris foetida L.</i>	ام کلب - اناغیرس	زر - دی.
----------------------------	------------------	----------

۲۰۴ - اَمُّ الْفِ وَرَقٍ:

<i>Achillea millefolium</i>	ام الف ورق	طباطبائی
-----------------------------	------------	----------

۲۰۵ - اَمَلٌ بِيْدٌ: (نامی هندی)

۲۰۶ - اَمَلٌ كِيْجَانِيٌّ: (نامی هندی)

۲۰۷ - اَمَلِجٌ، اَمَلِجٌ، اَمَلِجٌ، اَمَلِجٌ، اَمَلِجٌ، اَمَلِجٌ، اَمَلِجٌ: نام‌های دیگر آن: سریانی: اَمَلِكٌ<sup>ع</sup> - عربی: راح العرب<sup>ع</sup> - فارسی: اَمَلِه<sup>ع</sup> - مصر: سنایزه<sup>ع</sup> - هند: انوله<sup>ع</sup> - شیره پرورده آن به نام «شیر املج»<sup>ع</sup> و دارای انواعی است که بهترین آن را «شاه املج» گویند.<sup>ع</sup> - اَمَلِه دو جنس - قسم - است با استه (هسته) و بی استه.<sup>ع</sup> در مقایسه برخی از طبیبان جنسی از اَمَلِه «سیر املج» نوشته شده

وایشان مصحح - تصحیح کرده‌اند - «شیر آملج»، و پنداشتند که آن «شیر آملج»، آنست که اندر شیر آغشته است و این نادرست است، زیرا نام آن خود «سیر آملج» به سین است و این به زبان هندی گفته شده است و به معنای آملج بی استخوان است و من آنجا که آن می‌روید حاضر آمده و دیده‌ام.

<i>Phyllanthus emblica L.</i>	املج	زر-خ.
<i>Embelica officinalis Ga. Syn: Ph.em.</i>	بلوچستان: املک، امل - هند: املا، اونلا	<i>Glo-in</i>
<i>Emblca officinalis Gae.</i>	املج	الموسوعه

۲۰۸ - آملیس<sup>ش</sup>: نوعی از درخت صغیرا مشهور به عُدوة<sup>ش</sup>

۲۰۹ - اَمَّوَجَعُ الكَبِدُ، ام وجع الكلب<sup>ص</sup>: "ابوحنیفه" وجه تسمیه آنرا بخاطر درمان درد کبد و برطرف کننده صفرا دانسته است.<sup>ص</sup>

<i>Herniaria tourneforti</i>	ام وجع الكبد	زریاب
------------------------------	--------------	-------

۲۱۰ - اَنَاغَالِسُ، اَبَاغَلِسُ، اَنَاغَالِسُ، اَنَاغَالِسُ، اَنَاغَالِسُ<sup>ش</sup> (نامی یونانی) اَنَاكِيرُ<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: فاس: حشیشه العلق<sup>ع</sup> - نبطی: اناکیر<sup>ع</sup> - فرنجگی: انکالن<sup>ع</sup> - دارای دو پایه نر و ماده است، پایه ماده با گل آبی و پایه نر با گل قرمز. <sup>ع</sup> اشبیلی می‌گوید: دارای دو نوع است نام‌های نوع اول آن عبارتست از: یونانی: قیخوریون - عجمی: شِنتَلَهْ - قبطی: اناطیا - عربی: خَمْنَجِم، حشیشه العلق - اهالی شام: اذان الفار و نام‌های نوع دوم: یونانی: قیخوریون قارذنون به معنای سیاه، اناطیریا ارمالی<sup>ش</sup>  
 اَنَاغَالِسُ (*Anagallis*): دو نوع است: نوعی با گل آبی که نام لاتینی آن «قَرْدَنَالَهْ» (*Cardenella*) است و به آن «حشیشه العلق» گویند. و نوع دیگر آن با گل قرمز خونی با نام لاتینی «شِنتَالَهْ» (*Centella*) (*Scintilla*) به معنای «شَرَازَه» است. (این یطارد در ترجمه دیکرید) ۱-۲ - ۱۱۶۰

<i>Anagallis coerulea Schreb</i>	اباغالس	زریاب
<i>Anagallis arvensis L.</i>		
<i>Anagallis arvensis L.</i>	اناغالس	د.ط.خ.

۲۱۱ - اَنَاغورِسُ (نامی رومی)، اباغورس<sup>ص</sup>، اباخورس<sup>ص</sup>، اناغورون<sup>ع</sup>، صلون<sup>ص</sup>: نام‌های دیگر آن: مصر: خرنوب الخنزیر<sup>ع</sup> - هری: دُبِج<sup>ص</sup> - دُبَحَه<sup>ص</sup> - نام میوه آن: حب الکلی<sup>ع</sup>، حب الکنی<sup>ص</sup>

<i>Anagyris foetida L.</i>	اباغورس - ذبج	زریاب
----------------------------	---------------	-------

۲۱۲ - اَنَبِجُ، اَنَبِجُ، اَنَبِجُ، اَنَبِجُ<sup>ع</sup>، اَنَبِجُ<sup>ش</sup>: معرب‌انبه هندی - نام‌های دیگر آن: اَنَبُ - تورانی: نغزک<sup>ع</sup> اشبیلی می‌گوید: این نام به دو گیاه «مَصْع» و «مَشْتَهی» گفته می‌شود.<sup>ش</sup>

<i>Mangifera indica L.</i>	انج	زریاب
<i>Mangifera indica L.</i>	هندی و بلغاری: امب - ام، بلوچستانی: ام	<i>Glo-in</i>

۲۱۳ - اَنَبُطرون<sup>ع</sup>: "جالنوس" می‌گوید: شبیه بالکرات است.<sup>ع</sup>

۲۱۴ - انبوب الراعی<sup>۱</sup>، انبوب الراعی<sup>۲</sup>: گویند «مزمار الراعی» و همچنین «عصی الراعی» است، «مسیح» نیز آن را نوعی «حی» می‌داند و این نظر صحیح تر است.<sup>۳</sup> «اشبیلی» می‌گوید: نوع دوم العالم<sup>۴</sup> است.<sup>۵</sup>

۲۱۵ - انبوب الملك: نوعی حی العالم<sup>۶</sup>

زریاب	انبوب الملك	<i>Semperivium arboreum L.</i>
-------	-------------	--------------------------------

۲۱۶ - اَنْتَلَه<sup>۱</sup>، اَنْتَلَه<sup>۲</sup>: (نام عجمی اندلسی) نام‌های دیگر آن: جدوار اندلسی<sup>۳</sup>، جدوار<sup>۴</sup> - هندی: نرنسبی<sup>۵</sup>

الموسوعه	انتله - بیش - اقونینن - اکونیت	<i>Aconitum spp.</i>
----------	--------------------------------	----------------------

۲۱۷ - اَنْتَلَه بیضاء<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: عامه اندلس: فیهق<sup>۲</sup>

۲۱۸ - اَنْتَلَه سوداء<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: جدوار اندلسی<sup>۲</sup>

الموسوعه	انتله سوداء، جدوار اندلسی، طَوَّارَه	<i>Aconitum anthora L.</i>
----------	--------------------------------------	----------------------------

۲۱۹ - انثامیس<sup>۱</sup>: نوعی بابونج است.<sup>۲</sup> - نام دیگر آن: اقحوان البری<sup>۳</sup>

اَنْثِمَه<sup>(۲)</sup> س (*Anthraxis*): بابونج، بابونق، بابونک، بابونَه - یونانی: حَمَائِلُن<sup>(۱)</sup> برگردان عربی آن: تَفَّاح الأرض - لائینی: مَسْئَلَه<sup>۳</sup> ، برگردان عربی آن: تَفَّاح، زیرا بوئی مشابه بوی سیب دارد.<sup>۴</sup> [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۲]

زریاب	انثامیس	<i>Anthemis nobilis L.</i>
دیسکورید	انثامیس - بابونج - بابونه	<i>Anthemis nobilis L.</i>
پارسا	بابونه شیرازی	<i>Anthemis nobilis L.</i>

۲۲۰ - اَنْثَلِیس<sup>۱</sup>، اَنْثَلِیس<sup>۲</sup>: اَنْثَلِیس<sup>(۳)</sup>: (نامی یونانی)

اَنْثَلِیس<sup>(۴)</sup> (*Anthullis*): برای من ابن بیطار - گیاه ناشناخته‌ای است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۳۱]

دیسکورید	انثلیس	<i>Cressa cretica L.</i> <i>Ebenus cretica L.</i>
----------	--------	--

۲۲۱ - اَنْجِبَار<sup>۱</sup>، اَنْجِبَار<sup>۲</sup>: نام آن مشتق از واژه جبر است.<sup>۳</sup>

اَذَارِیْذَا (*Idaia rhiza*): به معنی روئیده در محل - اِیْذَا (اَذَا اِیْذَا یا اِیْذَا اِیْذَا) و آن مکانی است در شهرهای روم، زیرا بر این باورند این گیاه اولین بار از این مکان جمع آوری شده است. عامه اندلس به آن "اَنْجِبَار" می‌گویند و آنچه گفته شد نزد آنان مشهور است و بیشتر در کنار آب و نهرها می‌روید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۴۰]

دیسکورید	انجبار - اذاریدا	<i>Uvalaria amplexifolia L.</i>
پارسا	انجبار - انجبار رومی	<i>Polygonum bistorta L.</i> <i>Bistorta officinalis Rafin.</i>

<i>Euphorbia pilulifera L.</i>	انجبار	پارسا
<i>Polygonum viviparum L.</i>	اردو: انجبار	GLO.IN.

۲۲۲- انجبار رومی<sup>۴</sup>: نام دیگر آن: ساسلیوس<sup>۴</sup>

۲۲۳- آنجُندان، آنجندان، آنجندان، آنجندان، آنجندان<sup>۴</sup> (معرب انگدان فارسی)، عود الرقة (ریشه)<sup>۴</sup>، محروت (نام ریشه)<sup>۴</sup>، آنجندان<sup>۴</sup>، محروت<sup>۴</sup>: نوعی کلخ - نام‌های دیگر آن: یونانی (دیسکورید): سلفیون<sup>۴</sup>، سلینون<sup>۴</sup> - سریانی: انکزانا اوکاما<sup>۴</sup> - فارسی: انگدان<sup>۴</sup> - سجزیه: هینگ<sup>۴</sup> - فاس: دریاس - بربری: ادریاس<sup>۴</sup>، اوریاس<sup>۴</sup>، ادریس<sup>۴</sup> - عربی: عشبة النساء<sup>۴</sup> - نام ریشه: محروت<sup>۴</sup> - نام نوع سیاه: سرخس<sup>۴</sup> - سوریه: بادیقون<sup>۴</sup> - یونانی: ناغیطارس طوماغا<sup>۴</sup> - تازه قبرونه<sup>۴</sup> - آله قبرونه<sup>۴</sup> (۱) - عشبة التیسیه<sup>۴</sup> - به مازندرانی انجندان خوشبو را "گوله‌پر" گویند. ریشه آن به عربی «محروت» نام دارد<sup>۴</sup> و به ترکی به آن «بالدرغان» گویند و نام صمغ آن «حلتیت»<sup>۴</sup> است. <sup>۴</sup> - نام انجندان رومی: سیسالوش<sup>۴</sup> نام تخم آن: کاشم<sup>۴</sup> - ریشه انجندان خراسانی: اشترغار<sup>۴</sup> - «انگیان» دو جنس سیاه و سپید و جنسی دیگر هم دارد که رومیان آن را «سسالیون» گویند. <sup>۴</sup> - «اسحاق بن عمران» می‌گوید: «انجندان» دو نوع است یکی سفید خوشبو که به نام «سرخسی» است و ریشه آن «محروت» نام دارد و نوع دوم سیاه بدبوست.<sup>۴</sup>

سلفیون (*Silphion*) یا سلقیون: آنجُندان، شجرة الحلثیت [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

<i>Ferula asafoetida L.</i>	انجندان	ز. ط، د. خ.
<i>Ferula asafoetida L.</i>	انجُندان - شجرة الحلثیت - حثیت - حلتیث	الموسوعه
<i>Ferula asafoetida L.</i>	آنقوزه هراتی	پارسا
<i>Ferula asadulcis</i>	انجندان	پارسا
<i>Ligusticum levisticum</i>	انجندان رومی	پارسا
<i>Ferula narthex Boiss.</i>	Sanskrit: Hinguka - Hendia & Bombay & Bengal: Hing - Kashmir: Anjudan	GLO.IN.

۲۲۴- آنجُرَه (فارسی)، آنجره<sup>۴</sup>، آنجره<sup>۴</sup>، آنجره<sup>۴</sup>، آنجره<sup>۴</sup>، بنات النار<sup>۴</sup>، قریص<sup>۴</sup>، قُرِیص<sup>۴</sup>، قُرِیص<sup>۴</sup> (نام بذر)، آنجُرَه<sup>۴</sup>: نوعی از خَرِّق نام‌های دیگر آن: هندی: آتَنکن<sup>۴</sup> - عربی: قریص<sup>۴</sup>، قریص<sup>۴</sup>، حریق<sup>۴</sup>، دار المرز، آنجره<sup>۴</sup> - ترکی: کججیب<sup>۴</sup> - لاتینی: ارتیک پریم<sup>۴</sup> - گیلان: هریتکه<sup>۴</sup> - فارسی: گزنه<sup>۴</sup> - نام ذکر شده توسط اورباسیوس: اقالیفی<sup>۴</sup> - سریانی: قارو صیثو<sup>۴</sup>، انباتورا<sup>۴</sup>، سوسرخون<sup>۴</sup> - رومی: قرصیناتا<sup>۴</sup>، افلابوس<sup>۴</sup>، وافلایا<sup>۴</sup> - یونانی: قروص<sup>۴</sup> - قریص = یزر الانجره<sup>۴</sup> - اقالیفی (*Akalephe*): قُرِیص<sup>۴</sup> - آنجُرَه<sup>۴</sup>، اهل مغرب: خَرِّق<sup>۴</sup> - این گیاه دو نوع است و نام دیگر آن "بنات النار" است. [ابن بیطار (در

ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

<i>Urtica pilulifera L.</i> <i>Urtica urens L.</i>	اقالیفی - قریص - آنجره	دیسکورید
<i>Urtica spp.</i>	قُرَاص <sup>۴</sup> - قُرِیص <sup>۴</sup> - خَرِّق <sup>۴</sup> - آنجره	الموسوعه
<i>Urtica pilulifera L.</i> <i>Urtica dioica L.</i>	انجره - قریص	زر. خطا.
<i>Urtica dioica L.</i>	انجره، قریص، گزنه، بنات النار، هریتکه	پارسا
<i>Blepharis persica</i>	انجره	طباطبانی







گیاهی به نام «اوثنا» می‌دانند.<sup>ع</sup>

۲۴۶ - اودومالی<sup>ع</sup>: روغن گیاهی از سرزمین ترمذ<sup>ع</sup>

۲۴۷ - اورونخی<sup>ع</sup>، هالوک<sup>ع</sup>: «اورونخی» به معنای «أسد الأرض» است.<sup>ع</sup> نوعی از «طرائیث» به معنای «خائق الکرسه» است.<sup>ع</sup> - مصر: هالوک<sup>ع</sup>، زیرا گیاهان اطراف محل رویش خود را ازین می‌برد.<sup>ع</sup> - نام‌های دیگر آن: عراق: تراب الهالک<sup>ع</sup> - سم الفار<sup>ع</sup> - اهالی مغرب: رهب الفار<sup>ع</sup> - شکک<sup>ع</sup>

<i>Oroboanche sp.</i>	اورونخی	EN.
<i>Oroboanche aegyptiaca Pers.</i>		

۲۴۸ - اوسبید<sup>ع</sup>، اوسبید<sup>ع</sup>، اوسین<sup>ع</sup>، اوسفید<sup>ع</sup> (نامی فارسی)، نیلوفر هندی<sup>ع</sup>: نوعی نیلوفر هندی است.<sup>ع</sup> نام‌های دیگر آن: نیلوفر هندی<sup>ع</sup> - "رازی" گوید: نوعی از «نیلوفر هندی» است.<sup>ع</sup>

<i>Nelmbium speciosum L.</i> <i>Syn: N.nuciferum Gaertn.</i>	اوسبید - نیلوفر هندی	زریاب
<i>Nymphaea indica</i>	اوسبید - نیلوفر هندی	الموسوعه

۲۴۹ - اوشیرس<sup>ع</sup>:

۲۵۰ - اوفیموبنداس<sup>ع</sup>، اوفیموداس<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای مشابه بادروج<sup>ع</sup> نام‌های دیگر آن: مغرب: لسیعه<sup>ع</sup>، اخیون<sup>ع</sup>، فیلاطاریون<sup>ع</sup> - گیاهشناسان آفریقا و شهر تونس: لسعة<sup>ع</sup>

۲۵۱ - ائونما<sup>ع</sup>، ائونوما<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) به معنای «مسقط الأجنه» و از انواع «شنجار» است.<sup>ع</sup>

اونوما (*Onosma*): برگردان عربی آن را «مَسْقَطُ الْأَجْنَةِ» و نوعی از «خَسَّ الحمار» می‌داند. عامه اندلس به آن «رِجْلُ الْحَمَامَةِ» می‌گویند و گیاهشناسان اندلس آن را «أُذُنُ الْحِمَارِ» می‌نامند و جالینوس آن را با نام «اُونوسما» آورده است. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۶

<i>Onosma echinoides L.</i>	اُونوما - مسقط الاجنه - اذن الحمار	دیسکورید
<i>Onosma echinoides L.</i>	اُونوما	EN.

۲۵۲ - اُونیا<sup>ع</sup>: (نامی یونانی عصاره گیاه)

۲۵۳ - أهلال قسطا<sup>ع</sup>:

۲۵۴ - أهلیج<sup>ع</sup>، أهلیج<sup>ع</sup>، أهلیج<sup>ع</sup>، أهلیجات<sup>ع</sup>، هلیله<sup>ع</sup>، هلیج<sup>ع</sup>، هلیج<sup>ع</sup>: (معرب هلیله فارسی) نام‌های دیگر آن: رومی: هلیقون<sup>ع</sup> - سریانی: هلیلقی<sup>ع</sup> - هندی: هروره<sup>ع</sup>، هوزید<sup>ع</sup>، هرین<sup>ع</sup> - هلیله سه جنس است یکی زرد... و دوم «هلیله کابلی»... سوم «هلیله سیاه» و او نیز دو گونه است یکی استه (هسته) دارد و دیگری فاقد آن است و به آن هندی می‌گویند.<sup>ع</sup> - دارای چهار نوع است<sup>ع</sup>

- أهلیج کابلی<sup>ع</sup>، هلیله کابلی<sup>ع</sup>

- أهلیج اصفر<sup>ع</sup>، هلیله زرد<sup>ع</sup>

- أهلیج اسود<sup>ع</sup>، هلیله سیاه<sup>ع</sup> - شیرازی: هلیله مویزک<sup>ع</sup>

- أهلیج هندی<sup>ع</sup>

- أهلیج چینی<sup>ع</sup>

<i>Terminalia chebula Ret.</i>	اهلیج کابلی	زر. - خط.
--------------------------------	-------------	-----------

<i>Terminalia citrina Roxb.</i>	اهلیج اصفر	زریاب
<i>Terminalia horride Stend.</i>	اهلیج هندی	زریاب
<i>Terminalia bellerica</i>	بلیج - اهلیج بلیه	الموسوعه
<i>Myrobalanus bellerica Gaertn.</i>	هلیله	پارسا
<i>Myrobalanus chebulae Gaertn.</i>	هلیله کابلی	پارسا
<i>Myrobalanus citrinae Gaertn.</i>	هلیله زرد	پارسا
<i>Myrobalanus nigrae</i>	هلیله سیاه	پارسا
<i>Terminalia chebula Ret.</i>	اهلیج	طباطبائی

۲۵۵ - اوطمی<sup>ش</sup>:۲۵۶ - ایارانوطابی<sup>۱</sup>: (نامی یونانی)

ایرانوطابی (*Hiera botane*): نوعی رعی الحمام با نام های: حشیشه المکرمة - حشیشه المقدسة - لاتینی: یربانه [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۵]

<i>Verbena sapina L.</i>	حشیشه المکرمة - حشیشه المقدسة	دیسکورید
--------------------------	-------------------------------	----------

۲۵۷ - ایثولیس<sup>۲</sup>، ایثویس<sup>۳</sup>: (نامی یونانی)۲۵۸ - ایذامیر<sup>۴</sup>: (نامی یونانی)

۲۵۹ - ایدع<sup>۵</sup>، ایدع<sup>۶</sup>، ایدع<sup>۷</sup>: نام های دیگر آن: شتان القاطر - اشنان<sup>۸</sup> - قنط<sup>۹</sup> - دم الاخوین<sup>۱۰</sup> - برخی آن را «دم الاخوین» دانسته، «ابو حنیفه» آن را نام صمغ قرمز رنگی که از سقطری می آورند می داند که برای مداوای جراحات از آن استفاده می شود.<sup>۱۱</sup> این نام برای «حی العالم» نیز استفاده می شود.<sup>۱۲</sup>

<i>Dracaena cinnabari Balf.</i>	ایدع	زریاب
---------------------------------	------	-------

۲۶۰ - آیدآریذا<sup>(۱)</sup>، آیدایاریز<sup>(۲)</sup>: (نامی یونانی)۲۶۱ - ایذوسارون یا ایذونیارون یا ایذوصارون<sup>۳</sup>: رازی آن را اندرصارون خوانده است.<sup>۴</sup>

<i>Securigera coronilla D.C. Syn: S.securidaca (L.) Deg.&amp;Dor.</i> <i>Bonaveria securidaca Desv.</i>	ایذوسارون	زریاب
--	-----------	-------

۲۶۲ - ایرامامیز<sup>۵</sup>: (نامی فارسی)

۲۶۳ - ایردوبساناس (ایردوسیاناس)<sup>۶</sup>: نام های دیگر آن: اندرسافس<sup>۷</sup>، اندرساخس<sup>۸</sup> - رازی: اندروساماس<sup>۹</sup> - دیسکورید: نوعی هوفاریقون<sup>۱۰</sup>

آندروسامن<sup>(Androsaimon)</sup>: بزرگترین نوع هوفاریقون - جالیوس: آسقیرون [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۵۱]

<i>Hypericum ciliatum L.</i>	آندروسامن	دیسکورید
------------------------------	-----------	----------



۲۷۵- باداورد (فارسی)، باذآورد، شوكة البيضاء، بادآورد، باذاورد، بادآورد: نامی است که بر سبک بودن اجتماع شاخه ها برای بالا رفتن توسط باد از زمین دلالت دارد. - نام های دیگر آن: سپیدخار، کنگر سفید - عربی: شوكة البيضاء، شکاع - رومی: لوفینیقی، لوفیقثی، دریقاق - سریانی: ساناحور، سابا حوراراس، کباعربایا - عصفربری - هندی: جواسا - سیستان: جولاه کش - رومی: لوقاقانسی - سریانی: اقتولوقاقتادشنا - دیسکورید: اقتالوقین (اقتالوقی)

اقتالوقی (*Akantha leuke*): برگردان آن به عربی «شوكة البيضاء» است، افتا (اقتا) به یونانی به معنی خار و لوقا به معنی سفید این گیاه علی رغم نوشته های پزشکان مصر در آنجا وجود ندارد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۶]

<i>Cnicus acarna L.</i> <i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i> <i>Onopordon acanthium L.</i> <i>Silybum marianum Gaertn.</i>	بادآورد - شوكة البيضاء	زریاب
<i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i>	اقتالوقی - شوكة البيضاء	دیسکورید
<i>Carduus benedictus Auct.</i>	باداورد	پارسا
<i>Fagonia cretica L.</i>	باداورد	طباطبانی

۲۷۶- بادرنجبویه، بادرنجبویه، بادرنجبویه، بادرنجبویه، ترنجان، ترنجان، مفرح قلب المحزون، بادرنجبویه، ترنجان، حبق ترخان، ملسوفلن: نام های دیگر آن: بادرنبویه، بادرنبویه، بادرنجبویه، نامی فارسی به معنای بوی ترنج «أترجة الرائحة» - و معرب بادرنجبویه است. - عربی: مفرح القلب، بادرنبویه، باذرواکوهی، بقلة الأترجة - ترنجان - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ملسوفلن، مالیطانا - فارسی: بالنگو - بادرنگ - بادرنجبویه دارای دو نوع است نوعی با برگ کوچک که در فاس به آن «حبق القرنفلی» گویند و نوع دیگر با برگ بزرگ معروف به «حبق البربری» است و برگردان عربی این نام فارسی «رائحة الأترجة» است و به آن «مفرح قلب المحزون» گویند.

مالیسوفلن (*Melissophullon*): ریحان الترنجانی - باذرنجبویه - باذرنبویه، این گیاه را جالینوس ذکر نکرده است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۹]

<i>Melissa officinalis L.</i>	بادرنجبویه	ز.ط.خ.
<i>Melissa officinalis L.</i>	مالیسوفلن - ریحان الترنجی - باذرنجبویه	دیسکورید
<i>Asperugo procumbens</i>	بادرنجبویه	پارسا
<i>Dracocephalum moldavica L.</i>	بادرنجبویه	پارسا

۲۷۷- بادروج، بادروج، بادروج، بادروج (نامی نبطی)، صومر، صومر، صومر، حوک، حوک، صدیرا: نوعی از احباق نام های دیگر آن: بادروج - عربی: جوک، حوک - فارسی: ریحان کوهی، تره خراسانی - رومی: اوقیمون - سریانی: حوکا، اوکا (لوکا) - هندی: بابری، تلسی جنگلی، فیلاطاریون - به معنای دوست دارنده صاحب خود - «ابوحنیفه» صومران را حوک می داند.

اوقیمون (*Okimon*): بادروج - حوک - بنابه قول ضعیفی: بستان افروز [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۵]

<i>Ocimum basilicum L.</i>	اوقیمون - بادروج - حوک	دیسکورید
<i>Ocimum basilicum L.</i>	بادروج - صومر - حوک	زریاب
<i>Ocimum album L.</i>	باروج ایض - ریحان کوهی - تخم شربتی	پارسا

<i>Ocimum basilicum</i>	حبیب معروف، حبیب هندی، حبیب نبطی، حوک، باذروج	الموسوعه
-------------------------	---	----------

۲۷۸ - بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، کَهکَم، کَهلم، وِغْد، انب، بادِنجان: معرب بادنگان فارسی از جنس کفوف است نام‌های دیگر آن: عربی: مغد، مغد، غدو، معد، انب، وِغْد، نالیل الجنات - هندی: بیکن، بهانتانا، بیروچی دشینا، باذاینگان، کَهکب، حدق، کَهیرک - حیصل

<i>Solanum melongena L.</i>	بادنجان - معد - انب	زر - طب.
<i>Solanum melongena L.</i>	بادنجان - انب - مغد	الموسوعه
<i>Solanum melongena L.</i>	بادنجان	پار - خط.

۲۷۹ - بادِنجان برّی: نام‌های دیگر آن: هندی: بهکتائی و (بزرگ) بهرتا - یونانی: کفیشون  
۲۸۰ - بادیان خطائی: (نام میوه گیاه است)

<i>Illicium anisatum Lo. = I. verum H. = Anisum stellatum L.</i>	بادیان خطائی	پارسا
<i>Illicium anisatum Lo</i>	Hendia: Anasphal - Bombay: Badian Madras: Anashal	GLO.IN.
<i>Prangos pabularia L.</i>	Persian: Badian kohl	Glo.IN.

۲۸۱ - باذامک: نوعی صمصاف است. - نام دیگر آن در اندلس: ینبر  
۲۸۲ - بازرد، بازرد، بازرد: نامی صمغی به زبان فارسی نام‌های دیگر آن: عربی: قنه، یونانی: خلبانی - ترکی: قاسی - هندی: بریجا، کنده بهروزه - شیرازی: مروسرز - فارسی: پیژرد - اشبیلی می‌گوید: نام صمغ «جزز بری» است و همچنین این نام برای «قنه» نیز بکار برده می‌شود.  
خَلْبَانِي (Khalbane): - ابن بیطار - به رومی بنا بر آنچه در انطالیا شنیده‌ام: خَلْوَانِي - قَنَّة - فارسی: بازرد (ابن بیطار در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۹]

<i>Ferula galbaniflua Boiss. &amp; Bus.</i>	خلبانی - بازرد - قنه	دیسکورید
<i>Ferula communis L.</i>	قنه مبذوله - کلخ	الموسوعه
<i>Ferula galbaniflua Boiss. &amp; Bus.</i> <i>Ferula ferulago L.</i>	قنه مهجونه - بازرد قناوشق	الموسوعه
<i>Ferula rubricaulis Boiss.</i>	بازرد	طباطبانی

۲۸۳ - باذورد، باذورد: نام دیگر آن: عصفور البری اشبیلی می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «فشال»، عده‌ای «قصب البردی»، گروهی «شکاعی»، بعضی «شوکه المصریه»، برخی «اقین»، گروهی «قرذیوله» و اکثر پزشکان آن «عصفر بری» می‌دانند که همگی اشتباه است. نام دیگر آن «اقتنالوقی» یعنی «شوکه البیضاء» است و اعراب بادیه به آن «اشبینه آبه» گویند.

<i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i>	باذورد	خطابی
-----------------------------------	--------	-------

۲۸۴- بارسطاریون<sup>۲</sup>: (به معنای حمامی) نوعی رمی الحمام<sup>۳</sup> - نام های دیگر آن: فرسطاریون<sup>۴</sup>

۲۸۵- باریلوماين<sup>۵</sup>: (نام اندلسی به معنی مشابه چشم)

۲۸۶- باشان<sup>۶</sup>:

۲۸۷- باشیون<sup>۷</sup> و باخیون<sup>۸</sup>: (پسخین) نام دیگر آن: سعله، زیرا موجب تسکین بیماری سعال می باشد.

<i>Tussilago farfara L.</i> <i>Ungula caballina</i> <i>Flores tussilaginis</i>	باشیون - باخیون	زریاب
--	-----------------	-------

۲۸۸- باقلا، باقلی، باقلی، باقلی، باقلا، باقلاء، باقلا، جاسه<sup>۹</sup>، فابش یونانی<sup>۱۰</sup>، فابش یونانی، جرجر<sup>۱۱</sup>، جناح البشر<sup>۱۲</sup>، فول<sup>۱۳</sup>: نام های

دیگر آن: باقلی - قبطی و مصری: فول<sup>۱۴</sup> - عراق: جرجر<sup>۱۵</sup> معرب کرکر - سریانی: وکونی کرانيس<sup>۱۶</sup>، قواباوس<sup>۱۷</sup>،

کومی<sup>۱۸</sup> - سنجرى و سجزی: کالوسک<sup>۱۹</sup>، بیستی کوسک<sup>۲۰</sup> - رومی: کیرانس، قوامس یا (کوامس)<sup>۲۱</sup>، قویارس<sup>۲۲</sup>،

فاقا(فا)با<sup>۲۳</sup>، فاطن<sup>۲۴</sup> - بستی: کوسک<sup>۲۵</sup> - فارسی: خوشک<sup>۲۶</sup>

فابش الیونانی (*Kuamos hellenikos*): فول - باقلاء - جرجر - لاتینی: فابۀ<sup>۲۷</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۰]

<i>Vicia faba L.</i>	باقلی	ز. - خ. پ.
<i>Vicia faba L.</i>	فابش الیونانی - فول - باقلاء	دیسکورید
<i>Vicia faba L.</i>	فول - باقلی - باقلاء - جُمی	الموسعه
<i>Faba vulgaris Monch.</i>	باقلی	طباطبانی
<i>Faba faba L.</i>	<i>Hendia: Bakla</i>	<i>GLO.IN.</i>

۲۸۹- باقلای قبطی، باقلی قبطی، غالا لوطا، قاباش قبطی، فاباش قبطی، جامسه، غالا لوطا: نام دیگر آن: جامسیه<sup>۲۸</sup>

فابش القبطی (*Kuamos Aiguptios*): از گیاهان شهرهای مغرب نیست و تنها خاص مناطق مصر بویژه در مکانی به نام

"بشرماسح" است. و عامه اهالی مصر به آن "جامسه" گویند. جالینوس این گیاه را ذکر نکرده است. «جاسه» در مصر به باقلی

قبطی، گفته می شود. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۱]

<i>Nymphaea nelumbo L.</i>	فابش القبطی	زریاب
----------------------------	-------------	-------

۲۹۰- باکر: (نامی هندی)

<i>Premna latifolia Roxb.</i>	هند: باکر - بلوچستانی: گوهرامونای	<i>GLO.IN.</i>
-------------------------------	-----------------------------------	----------------

۲۹۱- بالسه: (نامی هندی)

۲۹۲- بالک جوهری: (نامی هندی)

۲۹۳- بالانکو:

<i>Lallemantia iberica F.&amp; M.</i>	بالنگو شهری	پارسا
<i>Lallemantia royleana Benth.</i>	بالنگو شیرازی	پارسا



۲۹۴ - باله<sup>ش</sup>:

<i>Hibiscus mutabilis L.</i>	کاشته شده	باله	زریاب
<i>Hibiscus tortuosus Roub.</i>			

۲۹۵ - بامیه<sup>ش</sup>:

<i>Hibiscus esculentus L.</i>		بامیه	الموسوعه
<i>Abelmoschus esculentus (L.) Moench</i>		بامیه	پارسا

۲۹۶ - بیته<sup>ش</sup>: تخم میوه‌ای است.

<i>Dalbergia lanceolaria L.</i>		هند: بیتوا ( <i>Bithua</i> )	<i>Glo-in</i>
---------------------------------	--	------------------------------	---------------

۲۹۷ - بیته<sup>ش</sup>: نام میوه‌ای به زبان هندی

<i>Dalbergia volubilis Roxb.</i>		هند: بهاتا ( <i>Bhatia</i> )	<i>Glo-in</i>
----------------------------------	--	------------------------------	---------------

۲۹۸ - یخن<sup>ش</sup>: یحنه<sup>ش</sup>۲۹۹ - یخره<sup>ش</sup>: فجن<sup>ش</sup>

۳۰۰ - بخورالاکراد<sup>ش</sup>: زیراگردان بسیار زیاد آن را در تهیه بخورات استفاده می‌کنند. نام‌های دیگر آن: اندلس: بربطوره<sup>ش</sup> - سریانی: اندراسیون<sup>ش</sup>؛ فوقاذان<sup>ش</sup> (فوقاذین): (*Peucedanon*); آندراسیون - لائینی: یزبطوره - عامه مغرب: یزبطور - در بعضی از شرح‌ها: جاهبئک - بوقاذانس [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۴]

<i>Selinum officinal</i>		بخورالاکراد - شمرالخنازیر - بزباطوره	الموسوعه
<i>Peucedanum officinale L.</i>			
<i>Peucedanum officinale L.</i>		فوقاذان - بربطوره	دیسکورید
<i>Peucedanum officinale L.</i>		بخورالاکراد	طباطبانی

۳۰۱ - بخورالسودان<sup>ش</sup>: بخورالسودان<sup>ش</sup>.

<i>Telephium imperati L.</i>		بخورالسودان - بخورالبربر - سزغند - دیندهک	الموسوعه
------------------------------	--	---	----------

۳۰۲ - بخورمریم<sup>ش</sup>: بخورمریم<sup>ش</sup>، بخورمزیم<sup>ش</sup>، بخورمریم<sup>ش</sup>، دخنه‌مریم<sup>ش</sup>، فقلامینوس<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: خراسان: گلیم شوی<sup>ش</sup> - عربینثا<sup>ش</sup> - رومی: فوفیلاطینوس<sup>ش</sup> - افریقا: جر المشایخ، بشام، شجرة المریم<sup>(۱)</sup> - فقیلاموس<sup>ش</sup>، فقلامینوس<sup>ش</sup>، فقلامینوس<sup>ش</sup> - قسیاس<sup>ش</sup>

۱- به شجرة مریم رجوع شود.

فُقْلَامینوس (*Kuklaminos*): بخور مریم - اهالی آفریقا: عَرَطینَا، رَکَف - خُبْرُ التُّرود - گیاه معروفی است.  
 فُقْلَامینوس اخر (*Kuklaminos helera*): لاتینی: ماطرُ شَالِبِه (۱) برگردان آن به عربی: اُم الشَّعْرَاء اهالی اندلس: صَریمَةُ الجَدی - گیاهشناسان: سلطان الجَبَل - رای مُت (۲)، رای به معنی سلطان و منت به معنی جبل (کوه) است. - بربری: اَفْلَدان و اَدَار (۳)، به معنی سلطان الجبل [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۷ و ۱۴۸]

<i>Cyclamen europaeum L.</i>	بخور مریم، فقلامینوس، عرطینا-خیزالقرود	دیسکورید
<i>Lonicera caprifolium L.</i>	صریمه الجدی، سلطان الجبل، فقلامینوس، بخور مریم	دیسکورید
<i>Cyclamen europaeum L.</i>	بخور مریم، دخنه مریم، عرطینا، گلیم شوی	زر- طبا.
<i>Cyclamen spp.</i>	عرطینا، سَکَع، بخور مریم، زهرالمسیح، وَکَف، خُبْرُ المَشایخ، بَنَلَامِس، رَکَفَه	الموسوعه

۳۰۳ - بَدَاشِقان، بَدَاشِغان، بَدَاشِغان، باداشقان، باداشغان: معرب بدسکان فارسی، نام های دیگر آن: بدشغان، بدکشان، قاتل ابیه، کف الکلب، بدسکان، بدکستان، بدشغان

<i>Sparilum junceum L.</i>	بَدَاشِغان	زریاب
<i>Parkinsonia spp.</i>	بَدَسْکان	الموسوعه
<i>Parkinsonia aculeata L.</i>	بَدَسْکان الشانک	الموسوعه

۳۰۴ - بدلیون: نام دیگر آن: مقل

۳۰۵ - بَزْ: (نامی هندی)

۳۰۶ - بریناقه (۴): نام دیگر آن: اهالی عجم نغر: اَبْرولِیَه (۵) - برخی آن را به اشتباه «شکاعی» گویند.

۳۰۷ - برتنقه: نوعی کمادریوس نام های دیگر آن: باطرنیقی - عجمی اندلس: طربه لبه (۶) - ذنب النمر

۳۰۸ - بردی، بردی، بردی، بردی (نامی عربی)، عُنْقَر (نام ریشه)، حَقَا، فایر: نام های دیگر آن: بابروس، بابیر، قارجی، اباء، فارسی: پیزد، لُخ - هندی: کوندل، بهته، پیزا - مصر: فاقیر، خوص (به خاطر تشابه به برگ آن به برگ درخت خرما) - سریانی: بانورس - عربی: حَقَا - نام بیخ (ریشه) آن: حُسْلُج - کرک های روی گیاه را به رومی «اقتلقا» و به فارسی «ایکور» و به عربی «بیللم» و اهل ترمذ به آن «کابور» گویند. «اشبیلی» می گوید: از گیاهان مجاور آب و از جنس «جنبه» و از انواع «سیوف» و دارای چند نوع است: یک نوع نر و نوعی ماده، نام نوعی «سوسن اصغر» و نام نوع دیگر «سوسن الاسمانجونی» است.

<i>Cyperus papyrus L.</i>	بردی - لُخ	زر - طبا.
<i>Cyperus papyrus L.</i> <i>Papyrus antiquorum Willd.</i> <i>Papyrus domesticus Poir.</i>	بردی - بابیر - بَبیر - بابیروس - بابورس	الموسوعه

۳۰۹ - بَرَسِیَاوَشان، بَرَسِیَاوَشان، برسیاوشان، برسیاوشان، برسیاوشان، بَرَسِیَاوَشان (نامی یونانی به معنای داروی سینه)، شعر الجبار، بولوطریخون، سابقه، سَبْعُ الأَرْض، سبع الارض، ضفائر الجن، ضفایر الجن، شعر الجن، لَحیة

۳- «افلدان و ادار» با هم نام گیاه است و «ادار» به بربری به معنی کوه است.

۲- *Rey Monte* رای - پادشاه - *Rey* منت - کوه - *Monte*

۱- *Mater sylvae*

۵- *Abre-ulayo-abrojo*

۲- *Berbenaca*

۶- *Torva-lupa*

الحمراء: «بولوطریخون» به معنای پر مو نام «برسیاوشان» است.<sup>۴</sup> - نام‌های دیگر آن: عربی: شعر الجبال<sup>۵</sup>، شعر الجبار<sup>۶</sup>، شعر الارض<sup>۷</sup>، شعر الجن<sup>۸</sup>، شعر الخنازیر<sup>۹</sup>، شعر الخنزیر<sup>۱۰</sup>، شعر الجان<sup>۱۱</sup>، شعر الماء<sup>۱۲</sup>، جعدة القنا<sup>۱۳</sup>، شعر الكلاب<sup>۱۴</sup>، کر بزة البئر<sup>۱۵</sup>، ساق الاسود<sup>۱۶</sup>، ساق الوصیف<sup>۱۷</sup>، ساق الاسود<sup>۱۸</sup>، شعر العیار<sup>۱۹</sup>، لحية الحمارة<sup>۲۰</sup>، وصف الاسود - یونانی: بولوطوطریخون<sup>۲۱</sup> یا بولوطونخون (به معنای پر مو)<sup>۲۲</sup>، بولیطریخوس<sup>۲۳</sup> - لاتینی: قافلا<sup>۲۴</sup> - فارسی: برسیاوشان<sup>۲۵</sup> - عوام: سنبل<sup>۲۶</sup> - هندی: کالی جهانپ<sup>۲۷</sup>، کر جاور نکوت<sup>۲۸</sup> - رومی: اذ یار طون<sup>۲۹</sup>، اطمیوس<sup>۳۰</sup>، ابن سرایون<sup>۳۱</sup> - کرمان: کور سور<sup>۳۲</sup> - زمان شرار<sup>۳۳</sup> - براکیس پری<sup>۳۴</sup>

Adiantum capillus veneris L.	برسیاوشان - شعر الجبار	ز. ط. سخ.
Adiantum capillus veneris L.	کر بزة البئر، شعر الفول، شعر الارض، وصیف، برشاوشان	الموسوعه

۳۱۰ - برسیون<sup>۳۵</sup> (برسیا)، لیخ<sup>۳۶</sup>، برسیانا<sup>۳۷</sup>: نام‌های دیگر آن: لیخ<sup>۳۸</sup>، فرسانا<sup>۳۹</sup>، لبخه<sup>۴۰</sup>، آتابه<sup>۴۱</sup>، مرسیفا<sup>۴۲</sup> - سریانی: حولانا<sup>۴۳</sup> - مصر: هواسمه<sup>۴۴</sup>  
 فُرسیا (Persia): لیخ - شجرة الفارسیة [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۸]

Mimusops schimperi Hochst. Albizia lebbek Bth.	برسیون - لیخ	زریاب
Albizia lebbek Bth.	کنج - البیزیه اللیخ - ذقن الباشا	الموسوعه
Mimusops schimperi Hochst.	فُرسیا - لیخ - شجرة الفارسیة	دیسکورید

۳۱۱ - برسیانداریو<sup>۴۵</sup>: نام‌های دیگر آن: عصی الراعی<sup>۴۶</sup> - تهلول<sup>۴۷</sup>، عمول<sup>۴۸</sup>، فوهل<sup>۴۹</sup>، قنابری<sup>۵۰</sup>، شجرة البهق<sup>۵۱</sup>  
 ۳۱۲ - برطانیقی<sup>۵۲</sup>، برطانیقی<sup>۵۳</sup> (نامی یونانی)، طروقون<sup>۵۴</sup>: نام‌های دیگر آن: هندی: سروالی<sup>۵۵</sup>، بستان افروز<sup>۵۶</sup> برطانیقی (Brettanike): نوعی "حمض حَسَکَی" است که در رمل‌ها می‌روید و بنا به گفته ضعیفی نام آن "بستان افروز" است.  
 [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱]

Amaranthus tricolor L.	بستان افروز	زریاب
Rumex brettanica L.	برطانیقی	دیسکورید

۳۱۳ - برقا مصر<sup>۵۷</sup>:

۳۱۴ - برقوق<sup>۵۸</sup>: نام‌های دیگر آن: مغرب و اندلس: مشمش<sup>۵۹</sup> - شام: نوعی اجاص کوچک<sup>۶۰</sup>

Prunus domestica L.	برقوق	EN.
---------------------	-------	-----

۳۱۵ - بزکان<sup>۶۱</sup>: نوعی حمص

۳۱۶ - بزکوس<sup>۶۲</sup>: نرجس الاصف<sup>۶۳</sup>

۳۱۷ - بزکک شیرازی<sup>۶۴</sup>: نام برگ گیاه است. ریشه آن عود پری<sup>۶۵</sup> و عود البندق<sup>۶۶</sup> است.

۳۱۸ - برنجاسف<sup>۶۷</sup>، برنجاسف<sup>۶۸</sup>، برنجاسف<sup>۶۹</sup>، برنجاسف<sup>۷۰</sup>، شویلا<sup>۷۱</sup>، شویلا<sup>۷۲</sup>، ارطاماسیا<sup>۷۳</sup>، اطمیسا<sup>۷۴</sup>، حیق الراعی<sup>۷۵</sup>: «برنج اسف» به زبان عربی به «ارز الخلیل» تعبیر می‌شود. و به نام‌های «برنجاسب»، «قیصوم»، «قیسوم»، «جسجات» معروف است. نام‌های دیگر آن: قیصوم<sup>۷۶</sup> - برنجاسف<sup>۷۷</sup> - یونانی: ارطیه ماسیا<sup>۷۸</sup>، ارطاماسیا<sup>۷۹</sup>، ارطاماسیا<sup>۸۰</sup> - عربی: سویلا<sup>۸۱</sup>

شَوْبَلَاءٌ - فارسی: بومادران، بوی ماذران، مروارِدشیر - شیرازی: برتراسک - رومی: ارطمیسا - سریانی: شواصر، شواصر - شیرازی: برتراسک - اشبیلی می گوید: برخی به اشتباه آن را «افسننتین» می دانند. - «جالینوس» یونانی ها آن را با نام «برنجاسف» می شناسند.

أرطاماسیا (Artemisia): بَلَنجاسف - بَرَنجاسف، دارای انواعی است که دو نوع آن را جالینوس ذکر کرده است.

أَمْبْرَسِیَا (Ambrosia): نوعی برنجاسف

بَطْرُس (1) (Botrus): نوعی از برنجاسف

أَبْرُوطُون (Abrotonon): نام نوع نر و ماده "قیصوم" است. و نامیدن "برنجاسف" آن اشتباه است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ -

[۲۵ و ۱۱۰ تا ۱۸]

<i>Artemisia vulgaris L.</i>	برنجاسف - ارطاماسیا - قیصوم	زر. - طب.
<i>Artemisia vulgaris L.</i>	ارطاماسیا - بلنجاسف - برنجاسف	دیسکورید
<i>Artemisia vulgaris L.</i>	شَوْبَلَاءٌ - شَوْبَلَاءٌ - عَیْثُرَان مَبْدُول - برنجاسف - بلنجاشف - حَبِیْق الراعی	الموسوعه
<i>Artemisia abrotonon L.</i>	قیصوم	دیسکورید
<i>Ambrosia maritima L.</i>	أمبروسیا	دیسکورید
<i>Chenopodium botrys L.</i> <i>Chenopodium ambrosioides L.</i>	بَطْرُس	دیسکورید
<i>Artemisia abrotanum L.</i>	قیصوم	پارسا
<i>Artemisia vulgaris L.</i>	برنجاسف - افسننتین	پارسا
<i>Achillea pubescens L.</i>	بومادران	پارسا
<i>Artemisia maritima L.</i>	برنجاسف کوهی	پارسا
<i>Artemisia sp.</i>	برنجاسف	EN.

۲۱۹ - برنج کابلی: نام های دیگر آن: ابرنج - بونق - فارسی: برنگ

۳۶۰ - برنيس: نوعی بلوط

۳۲۱ - بَرَم، بَرَم: نوعی درخت سنط، در بغداد

۳۲۲ - برمس:

<i>Verbascum thapsus L.</i>	برمس	زریاب
-----------------------------	------	-------

۳۲۳ - بَرَنُوف، بَرَنُوف: (گیاهی در مصر) نام های دیگر آن: بنا به نظر "تمیمی": شابانک، شالبج - فارسی: شابانک، معرب آن: شابانج

قُونِيزَا (Konuza): نام بربری آن «تَهْلَا» و به زبان لاتینی اندلسی: «لَبَازْدَه» و «طَبَّاق» نام دارد و «شجرة البراغیث» و «بَرَنُوف» نوعی از آنست. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۶]

<i>Inula conyzoides DC.</i>	قونیزا - برنوف	دیسکورید
-----------------------------	----------------	----------

۱- این بیطار در کتاب جامع خود نام "شواصر" و "مسک الجن" را معادل "بطرس" ذکر کرده است.

- ۳۲۴ - بزروانی، بروانیا: (نامی عجمی) نام‌های دیگر آن: سریانی: عربروس، فاشر - یونانی: اسکوانس - کرمة الیضاء<sup>ع</sup>
- ۳۲۵ - برهتا: (نامی هندی) نام دیگر آن: کتائی بزرگ<sup>ع</sup>

<i>Solanum indicum L. Syn: S. incanum L.</i>	هند: برهتا Birhatta	Glo-in
--	---------------------	--------

- ۳۲۶ - بزیمصری: (نامی مصری)
- ۳۲۷ - بزیهاله: (نامی هندی)
- ۳۲۸ - بزیزردی: نام بذر «دیس» یا «سما» است.<sup>ش</sup>
- ۳۲۹ - بزرقطونا، قطونا، بزرقطونا، بزرقطونا، بزرقطونا (نامی عربی)، حبشیش، برغوئی، برغوئی، بزرقطونا، بزرقطونا، اسفرزه، اسفیوش: نام‌های دیگر آن: بشلیون - برغوئی (به معنای مشابه برغوئ) - عراق: بزرقطونا - فاس: الزرقطونا - بحرین: حب الزرقه - یونانی: نسلیون، یافسلیون، بسلیون - فارسی: ورق بنگو، اسفیوس، اسفیدش، اسفیوش، اسفیون الشوده، اسپغول، خرغول، اسپغل - در هند نیز به این نام مشهور است. - اصفهان: اسپرزه - شیراز: بنکو، شکم دریده - ترکی: قارنی باروق - شبطه و قرون<sup>ش</sup> فسلیون (Psullion): برگردان عربی آن «بزغوئی» و نام‌های دیگر آن «بزرقطونا» و «أسفیوس» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ -

[۶۴

<i>Plantago psyllium L.</i>	فسلیون - بزرقطونا - اسفیوس	دیسکورید
<i>Plantago psyllium L.</i>	قطونا - بزرقطونا	ز. ط. خ.
<i>Plantago psyllium L.</i>	بزرقطونا - عشبة البراغیث - حبشيشة البراغیث	الموسوعه
<i>Plantago psyllium L.</i>	اسفرزه - بزرقطونا	پارسا

- ۳۳۰ - بززرالکرفس البستانی: بززرکرفس بستانی<sup>ع</sup>
- ۳۳۱ - بززرالکرفس الجبلی: نام دیگر آن: قطراسالیون<sup>ع</sup>
- ۳۳۲ - بسباس، بسباس، بسباس: نوعی از احرار البقول و از جنس هدبات - نام‌های دیگر آن: بسباسه - در مغرب و اندلس: رازیانج<sup>ع</sup> «غسانی» می‌گوید: دارای دو نوع بری وبستانی است، نوع بستانی به «رازیانج» و نوع بری به «بسباس» معروف است. اشیبلی<sup>ع</sup> می‌گوید: دارای پنج نوع است: نوع بستانی آن «رازیانج» با نام‌های مارثون - فنلیه - نافع - شمار - شومر - رازیانق است. نوع دیگر آن «بسباس رومی» یا «انیسون» است. نوع دیگر «بسباس نبلی» با نام «کحلوان» است که اکثر گیاهشناسان از آن اظهار بی اطلاعی می‌کنند. نوع آخر «بسباس حبشی» با نام «انجیله» که خود نوعی از «انیسون بری» است.<sup>ش</sup>

<i>Foeniculum vulgare</i>	بسباس	خطابی
---------------------------	-------	-------

- ۳۳۳ - بسباسه، بسباسه: نام پوست میوه خوشبونی است. نام‌های دیگر آن: فاس: بسباسه - شیرازی: بزباز<sup>ع</sup>

<i>Myristica fragrans Houff.</i>	بسباسه	خطابی
----------------------------------	--------	-------

- ۳۳۴ - بستان الجواری: بوابب الحاجب<sup>ش</sup>
- ۳۳۵ - بستان افروز، بستان افروز<sup>(۱)</sup>، بستان ابروز، بستان افروز<sup>(۲)</sup> (نامی فارسی)، حور اسفیدان: نام‌های دیگر آن:

۱- به واژه «برطانیفی» یا «حماض» و «بادروج» رجوع شود.

بستان ابروز<sup>۳</sup> - عربی: حبق بستانی؛ زینة الریاحین<sup>۴</sup>، راح (به معنای خوش منظر)<sup>۵</sup>؛ مَضیء البساتین<sup>۶</sup> - فارسی: تاج خروس؛ گل حلوا؛ گل یوسف<sup>۷</sup> - نام نوع کوچک به هندی: کوکنی، نام نوع بزرگ به هندی: حَبّارهای<sup>۸</sup>

<i>Amaranthus tricolor L.</i>	بستان افروز	زریاب
<i>Amaranthus cruentus L.</i>	گل حلوا - گل تاج خروس	پارسا
<i>Celosia argentea L.</i>	گل حلوا - گل تاج خروس	پارسا

۳۳۶ - بستیناج<sup>۹</sup>: دارای انواع فراوان است. نام های دیگر آن: مصر: حَسْكَة<sup>۱۰</sup> - أَخْلَة<sup>۱۱</sup>

۳۳۷ - بُسْد<sup>۱۲</sup>، بَسْد<sup>۱۳</sup>، بَسْدَة<sup>۱۴</sup>، بُسْدَة<sup>۱۵</sup>: نام های دیگر آن: رومی: قوالن<sup>۱۶</sup>، قولویون<sup>۱۷</sup> - به نوعی از آن خرومک گفته می شود.<sup>۱۸</sup>  
- مرجان مروارید خرد<sup>۱۹</sup> درختی است که در آب دریا رسته شود و چون غواصان آن را برکشند و هوا او را در یابد جرم او صلب شود و محکم گردد. - نام «عزول»<sup>۲۰</sup> و «مرجان»<sup>۲۱</sup> است. نام گیاه در کتاب دیسکورید «فراولیون»<sup>۲۲</sup> و «بَسْدَة»<sup>۲۳</sup> است که بعنوان گیاهی دریائی معرفی شده است.<sup>۲۴</sup>

<i>Corallium rubraum L.</i>	بسد	زریاب
<i>Isis nobilis Pall.</i>		
<i>E: Coral</i>	بسد - مرجان - نوعی جانور دریائی	خطابی

بسد دیگر: گل خیری الاحمر

<i>Matthiola incana</i>	بسد - گل خیری الاحمر	زریاب
-------------------------	----------------------	-------

۳۳۹ - بَسْفَایِج<sup>۲۵</sup>، بَسْبَایِج<sup>۲۶</sup>، بَسْفَایِج<sup>۲۷</sup>، بَسْفَایِج<sup>۲۸</sup>، بَسْفَایِج<sup>۲۹</sup>، بَسْبَایِج<sup>۳۰</sup>، بَسْبَایِج<sup>۳۱</sup>، بولوبودیون<sup>۳۲</sup>، ثاقب الحجر<sup>۳۳</sup>، کثیر الأرجل<sup>۳۴</sup>، بولوبودیون<sup>۳۵</sup>، سکی رَغْلًا<sup>۳۶</sup>، سکی رَغْلًا<sup>۳۷</sup> (نام سریانی به معنای کثیر الارجل): نام ریشه است. «بولوبودیون» به معنای دارای پای زیاد نام «بَسْفَایِج» است.<sup>۳۸</sup> - نام های دیگر آن: عربی: اضراس الکلب<sup>۳۹</sup>، ثاقب الحجر<sup>۴۰</sup>، تشمیز<sup>۴۱</sup>، تشمیر<sup>۴۲</sup>، کثیر الارجل<sup>۴۳</sup>، دود الصخر<sup>۴۴</sup>، جناح الزرزور<sup>۴۵</sup>، خسران<sup>۴۶</sup> - یونانی: بولوزیون<sup>۴۷</sup>، بولوبودیون<sup>۴۸</sup> (به معنای دارای پای زیاد یا کثیر الأرجل) - مصر: اشتوان<sup>۴۹</sup> - هندی: کهنکالی<sup>۵۰</sup>، فولوفدین<sup>۵۱</sup> - سریانی: سکی رَغْلًا<sup>۵۲</sup>، به معنای کثیر الأرجل<sup>۵۳</sup> اشبیلی می گوید: بسبایج دارای انواعی است نام نوعی از آن «قلال» یا «بطارس» است و نوع دیگر آن معروف به «سیسون» است.<sup>۵۴</sup>

بولوبودیون: به معنای کثیر الأرجل - سریانی: سَقی رَغْلًا، سَخی رَغْلًا به معنای کثیر الأرجل (دارای پای فراوان) زیرا شبیه به "ام اربعة و اربعین" (هزار پا) است. - لاتینی: بُرُودُیَه - بربری: اَشْتِیوان (تستیوان)<sup>(۱)</sup> (این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۹)

<i>Polypodium vulgare L.</i>	<i>India: Basfaij</i>	<i>GLO.IN.</i>
<i>Polypodium vulgare L.</i>	بَسْبَایِج - اضراس الکلب - قشتیوان	ال، ز، پ، د.

۳۴۰ - بسيلة<sup>۵۵</sup>: نوعی «جلبان» بزرگ دانه است.<sup>۵۶</sup>

<i>Pisum sativum L.</i>	بسيله - عثر - بسله	EN.
-------------------------	--------------------	-----

۳۴۱ - بِشَام، بِشَامٌ: (نامی عربی)

۳۴۲ - بِشَنَ: ۱- ۲

۳۴۳ - بِشَنین، بشین، پیرو، جلجلان مصری: نام‌های دیگر آن: مصر: عرایس النيل، زیرا هنگام برگشتن آب نیل (پس روی) و ماندن آن ناگهان می‌روید. - "دیسکورید" می‌گوید: نام «لوطوس» موجود در مصر است و در هنگام برگشت آب نیل در مصر در آب می‌رود. ۱ - نام «نیلوفر» است و دارای دو نوع است، نوعی به نام «جزیری» و نوع دیگر به نام «آعربی» است. ۱ - «پیرو» در مصر نام ریشه «بشین» است. ۱

<i>Nymphaea alba L.</i>	نیلوفرایض - بشین ایض - عرایس النيل - حشیشه‌السمک	الموسوعه
<i>Nymphaea lotus L.</i>	بشین عربی - نیلوفر العروس - لوطس	الموسوعه

۳۴۴ - بشوش: نام خمرل یا حرف السطوح است. ۱

۳۴۵ - بصَل، بصَلٌ، بصَلٌ، بصل، بصل، بصل، بصل، دوقص، بزر البصل: نام‌های دیگر آن: رومی: قرومیدیا، قاراماون، - سریانی: بصلا - سندی: بصلا - نام بذر آن: تخم پیاز - "رازی" گوید تلخ پیاز تیزتر است و پیاز آن را "شلاز" خوانند و حدت او کم است. و ابوریحان گوید در بلاد ما آنچه ازو تیزتر باشد آن را "زُرَنک" گویند. نوعی از انواع آن "بصل الزیز" با نام های "قنعب" و "قنفور" است. ۱ - بصل پنج نوع است: شامی و بطنی و زیزی و فار و بلبوس - ۱ - "اشبیلی" می‌گوید: بصل دارای سه جنس بستانی، بری و احمر است. نوع بستانی دارای انواع فراوانی با نام‌های ۱ - بصل الأكل ۲ - بصل الأبیض یا بیضی ۳ - بصل الزیدی، بصل المجوسی، بصل الخراسانی، بصل الفارسی است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: یونانی: قرومیدیا - عجمی: جبلة، بربری: تاصلیمت، ازالیم - نوع بستانی دارای سه صنف دیگر است: ۱- براسن ۲- کزاث الشامی، کراث ملوکی، کراث اندلسی، قلفوط ۳- کراث الریفی و کراث الجلیقی - نوع بری همان نوع شامی یا کراث الروم و کراث الجبلی است که به یونانی دراقنوسقردیون نامیده می‌شود و نوع دیگری از آن کراث الثومی با نام یونانی سفردونواس است. نام‌های نوع دیگر آن عبارتست از: بریه اواناله یعنی عشبة الخروف - یونانی: براسن و قافالوطن - سریانی: قلفوط، علفوط - عربی: کاؤل - بربری: تراست - و نام‌های دیگر آن: قطلونیه - یوزه - بُلُئس طولیل (۱) - بلاس - کراث الروم - الراسن است. نام‌های نوع احمر - قرمز - عبارتست از: ۱ - شوٹی (نوع کوچک آن) معروف به مقشلان ۲ - شرغلی (نوع بزرگ آن) معروف به شلوبینی، بصل الرومی - نام نوع دیگر بصل جبلین به معنای بصل الصغیر است و نوع دیگر بصل، کراث با شش نوع مختلف است. بلبوس نیز از انواع بصل است که در ماهیت آن اختلاف است نام یونانی یا رومی آن بُلُیسا و نام‌های دیگر آن عبارتست از: ماغره - البطن - فضل الجواری - نوع دیگر بصل که خوردن آن موجب قی می‌شود بصل القیء یا بصل الزیز است. گروه‌های دیگر بصل عبارتند از: ۱ - بصل الهمام با نام‌های: یونانی: ارنیوس - عربی: ذکَر الهَرّ - قشطنیولا یعنی قشطلّة صغیره ۲ - بصل النرجس: دارای پنج گروه اصغر، ایض، مجزَع، بُواقی، مُقَوّدس است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: به یونانی: نرکسوس، نرسیس - رومی: ونیریون - به سریانی: مریت - به عربی: نرجس - به لاتینی: نرجسینوس - به عجمی: نبقرس، قَور اورو گاهی به نرجس ایض بهار نیز گفته می‌شود نام یونانی آن نرکسوس است. و نام یونانی نرجس مَقَوّدس، ایمارو قالاس است. ۳ - بصل الزعفران ۴ - بصل الفأر با نام‌های: بصل البر، بصل الخنزیر، عنصل، اشقیل ۵ - ثوم: دارای چهار نوع بستانی با نام‌های قشطنیونی، عُقابی، سنانی، صقلی و دو نوع بری با نام اسقوزدیون یا حشیشه‌الثومیه یا ثوم الجبلی و سفردیون براسن است. ۶ - بصل نسرين المروج: دارای گل‌های واژگون است و دو نوع زرد و سفید دارد. ۷ - بصل الحُصی: انواع آن فراوان است نوعی حُصی الکلب با هشت صنف نحلی با گل سیاه، نحلی با گل بنفش، دیکی، دبیرانی، ثومی، فرفریری، کرائی است. و نوع دیگر آن حُصی الثعلب با گل سفید است و همچنین خنثی نیز از این گروه می‌باشد. ۸ - بصل اللوف ۹ - بصل السنجار ۱۰ - بصل السوسن: دارای انواع فراوان پیازی و غیر پیازی است، از انواع پیازی آن سوسن بستانی، سوسن بحری، سوسن رملی، بصل الخَزَم است. ۱۱ - سورنجان: دارای دو نوع سیاه و سفید است. ۱۲ - بصل النیلوفر: دارای انواع بسیاری است برخی دارای ریشه پیازی و گروهی فاقد آن هستند از گروه اول می‌توان به نیلوفر مجوسی یا نیلوفر فارسی یا نیلوفر ترکی با نام فارسی سفتا اشاره کرد و از انواع دیگر آن نیلوفر ایض المائی و نیلوفر ایض البری است.

قرومیان (*Kromuon*): بصل این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۵

<i>Allium cepa L.</i>	بصل	ال.خ.ز.
<i>Allium cepa L.</i>	قرومیان - بصل	دیسکورید
<i>Allium cepa L.</i>	پیاز	پارسا

۳۴۶ - بصل الذئب<sup>ع</sup>: به پیاز و بلبوس خوراکی گفته اند.

۳۴۷ - بصل القی<sup>ع</sup>:

۳۴۸ - بطره<sup>ع</sup>، بَطْرَه<sup>ع</sup>: گویند «بطره» همان «بستناج» است.

۳۴۹ - بطریون<sup>ع</sup>: گویند «شجرة الفرس» یا «شجرة الخولان» و یا «شوكة العصبية» است.

۳۵۰ - بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ: از انواع «ضرو» است<sup>ع</sup> و «ضروبستانی» است.<sup>ع</sup> نام های دیگر آن: درخت حبه الخضراء<sup>ع</sup>؛ حبه الخضراء<sup>ع</sup> فارسی و ترکی: سقز<sup>ع</sup> - رومی: اقطرمتوس<sup>ع</sup>، طرابنثوس<sup>ع</sup>، طرامنیثوس<sup>ع</sup>، اقطاطاقیس<sup>ع</sup>، اقوقوس<sup>ع</sup>، طراسانوس<sup>ع</sup> (طرابنثوس) - سریانی: بظمتا<sup>ع</sup> - فارسی: کیتنه<sup>ع</sup>، اونیره<sup>ع</sup> (ونیره)، اسفردانه<sup>ع</sup>، ونوشک<sup>ع</sup> (ون نام درخت و وشک نام دانه)، بن<sup>ع</sup> - هندی: خروک<sup>ع</sup> - نیشابور: بانفش<sup>ع</sup>، نانکش<sup>ع</sup> - خراسان: خنجک<sup>ع</sup> - سجز: کنشک<sup>ع</sup> - مکران و قزدار: کل انگور<sup>ع</sup> دو نوع است یک نوع را «شاه بن» گویند و یک نوع «بن شاه» - نام صمغ آن: علك البطم<sup>ع</sup> - فارسی: سقز، ونژد<sup>ع</sup>، خسک<sup>ع</sup> - اصفهانی: قندرون<sup>ع</sup> - سریانی: دغت<sup>ع</sup>، بظما<sup>ع</sup>، دعتادشغاری<sup>ع</sup> (سفاری) - نام صمغ خشک: قلفون<sup>ع</sup>

طرمنتس<sup>ع</sup> (۱) (*Terminthos*): شجرة البطم - صمغ: علك الأبطاط [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۷]

<i>Pistacia terebinthus L.</i>	طرمنتس - شجرة البطم	دیسکورید
<i>Pistacia terebinthus L.</i>	بطم	ز.خ.ط.
<i>Pistacia terebinthus L.</i>	سقز سفید	پارسا
<i>Pistacia khinjuk Stoc.</i>	حب الفار (اصفهان) - حب الخضرا (تهران) - حب البنه (عرب) - سبز قلنج (تهران) - برفتنز (همدان، اصفهان) - گل پسته (بمبی)	پارسا

۳۵۱ - بَطْمِخٌ، بَطْمِخٌ، بَطْمِخٌ، بَطْمِخٌ، بَطْمِخٌ، بَطْمِخٌ، بَطْمِخٌ: بطیخ<sup>ع</sup> (نامی رومی)، بزر البیطیخ<sup>ع</sup>، حب البیطیخ<sup>ع</sup>، خربزه<sup>ع</sup>، عملج<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: خربزه<sup>ع</sup> - یونانی: فافس<sup>ع</sup> - ملفون<sup>ع</sup> معرب ملیونا - «دلاع» از انواع آن است.<sup>ع</sup> عملج<sup>ع</sup>: نوعی از خربزه است که گوشت آن سرخ و سبز است و با تخم خورده می شود و آن را «خربزه زمستان» هم گویند.<sup>ع</sup> آشیلی<sup>ع</sup> می گوید: بطیخ دارای پنج نوع است: ۱ - نوع ریفی یا بطیخ حقیقی با نام های: سملا، ملونیا ۲ - نوع فلسطینی یا بطیخ هندی و سندی و شامی و شتوی با نام های: دلاع، افلسطین ۳ - حنظل ۴ - نوع شیرین به اندازه حنظل از صحرای مرابطین ۵ - بطیخ سگری و بطیخ عقابی با نام های: ملون - هوزنی<sup>ع</sup>

<i>Cucumis melo L.</i>	بطیخ	ز. - خط.
<i>Cucumis melo L.</i>	خربوزه	پارسا
<i>Cucumis melo L.</i>	<i>Sanskrit &amp; Hendia: Kharbuja - Bengal: Kharmuj - Telugu: Kharbuja</i>	GLO.IN.
<i>Cucumis vulgaris</i>	دلاع	خطابی



۳۵۲- بطیخ هندی، بطیخ الهندی، بطیخ احمدی، بطیخ هندی، بطیخ رقی، نام‌های دیگر آن: بطیخ سندی، بطیخ رقی، بطیخ اخضر، عربی: دلاع، رابوقه، فارسی: خریزه هندی، هندوانه، شیرازی: خیار کدو، تبریزی: هندوانه، هندی: تربوز، بغداد: رقی

<i>Cucumis vulgaris</i>	بطیخ احمر - بطیخ هندی - جیس - رقی - دلاع - خربز	الموسوعه
<i>Cucurbita citrullus</i> = <i>Citrullus vulgaris</i>	هندوانه	پارسا
<i>Cucumis vulgaris</i>	بطیخ هندی	زریاب

۳۵۳- بَقْشُفْرُشْ: (نامی یونانی)

۳۵۴- بَقْسْ، بَقْسْ، بَقْسْ، شَمَشَارْ، شَمَسَارْ: معرب نام یونانی بقسین و یاقسیون یونانی - نام‌های دیگر آن: یونانی: بقسیس، باکسیان، اهل شام: شمشاد، شمشار، سمسار - فارسی: شمشاد - صحرائشینان: صفیراه یعنی بقس البلدی - بَقْشْ - بَقْسْ

<i>Evonymus europaeus L.</i> <i>Evonymus verrucosa L.</i> <i>Evonymus velutina L.</i> <i>Evonymus latifolia L.</i>	قسم شمشاد - گوشوارک (شیرگاه) - سیاتوسکا	پارسا
<i>Buxus spp.</i>	بَقْسْ - شَمَشَاد	الموسوعه
<i>Buxus sp.</i> <i>Buxus sempervirens L.</i>	بَقْسْ - شَمَشَار	EN.

۳۵۵- بقلة الأترجة: به گیاهی با نام فارسی «کروان» و هم به گیاه «بازرنجویه» می‌گویند.

۳۵۶- بقلة الانصار: گویند نام «سلق» است و درست‌تر آنست که نام دیگر «کرنب الدوری» باشد.

۳۵۷- بقلة الاوجاع، افاقیا، بقلة الأوجاع: نام‌های دیگر آن: یونانی: افاقیا (نام رومی است) - مغرب: توجردره، توجده - سریانی: دعقادقرطی - عربی: قفل (قفل) - فارسی: ملبند شدک - سندی: سلغارها - اندلس: اذن الجدی - دیسکورید: قاقالیا

<i>Acacia arabica Willd. (Succus Acacia)</i>	اقاقیا - قفل - ملبند شدک	زریاب
<i>Collinsonia canadensis L.</i>	بقلة الاوجاع	الموسوعه

۳۵۸- بقلة البراری: نام دیگر آن: بقلة الرمل

۳۵۹- بقلة الحمقاء، بقلة الحمقاء، بقلة الحمقاء، بقلة الحمقاء، بیلمون (فرغ البری)، بقلة لیته (نامی عربی)، کف، بزر الخرفه، خرفه، زریرا (نام سریانی)، فرغین، فرغ، رجلة: نام‌های دیگر آن: رومی: اندرخانا، اندرخنا - سریانی: بزخینا - عربی: فرغ، فرغین، رجله، حبیب، بقلة اللینه، بقلة

۱- وجه تسمیه آن به بقلة الحمقاء (گیاه خوراکی نادان) بخاطر اینست که بدون بذر - خودرو و بدون کشت - در مسیر و راه مردم قرار می‌گیرد. (به نقل از غسانی)

۱۱- وجه تسمیه آن به رجله به معنای پا بخاطر واقعه‌ای است که از رسول خدا صلوات الله علیه و اله حکایت شده و آن واقعه عبارتست از اینکه روزی در یکی از غزوات سربازان پیامبر (ص) از شدت گرما و سوزش پاهایشان به حضرت (ص) شکایت کردند حضرت (ص) برای آنان دعا فرمود پس از آن این گیاه رویش یافت - این گیاه بر سر راه آنان قرار گرفت - و موجب تسکین سوزش پاهایشان شد. (به نقل از غسانی)

مبارکه<sup>۳۳</sup>، بقله فاطمه (سلام الله علیها)، بقله الزهرا (سلام الله علیها)<sup>۳۱</sup> - فارسی: خرفه؛ تورک<sup>۳۲</sup>، بفرخ<sup>۳۴</sup>، فرپهن<sup>۳۵</sup>، فرفینه<sup>۳۶</sup> - عبرانی: ارغیلیم<sup>۳۷</sup> - فرنگی: برغال سالی<sup>۳۸</sup> - هندی: رجه<sup>۳۹</sup>، لونه<sup>۴۰</sup>، لونک<sup>۴۱</sup> - نیشابور: بوخل<sup>۴۲</sup> - سجزی: وشفنگ<sup>۴۳</sup> - بستی: کلنکک<sup>۴۴</sup> - هری: سنجاب<sup>۴۵</sup> - بلخ و زابلستان: خفرج<sup>۴۶</sup> - لاتیسی: بزققلی<sup>۴۷</sup> - فرفه<sup>۴۸</sup>، پرپهن<sup>۴۹</sup> - اصفهانی: برپهن<sup>۵۰</sup> - کرمانی: تخم بلوک<sup>۵۱</sup> - تبریزی: تخمکان<sup>۵۲</sup> - شیرازی: تورکی<sup>۵۳</sup> - دندان ساوکف<sup>۵۴</sup> - قزقحیر<sup>۵۵</sup> - فرقین<sup>۵۶</sup> - حقوق<sup>۵۷</sup> - نام قسم کوچک به هندی: لونی<sup>۵۸</sup>

اُوبیدجی (*Andrakhne*): در بعضی از نسخه‌ها: اُندرختی به معنای یک پا و نام‌های دیگر مانند رجه، بقله الحمقاء، بقله المبارکه، فُزیر آمده است. [ابن بیطار (در ترجمه دیکورید) ۲ - ۱۰۸]

<i>Portulaca oleracea L.</i>	بقله الزهراء	زریاب
<i>Portulaca oleracea L.</i>	اوبیدجی - اُندرختی - رجه	دیسکورید
<i>Portulaca oleracea L.</i> <i>Portulaca sativa Ha.</i>	<i>Bombay: Khurfah</i>	<i>GLO.IN.</i>
<i>Portulaca oleracea L.</i>	بقله الحمقاء	خطابی

۳۶۰ - بقله حمقاء بریه<sup>۳۶۰</sup>: نام گیاه علفی نام یونانی آن «فابلص» است و نیز نام نوعی از بتوعات (گیاهان شیرابه دار) است.<sup>۳۶۱</sup>  
۳۶۱ - بقله حامضه<sup>۳۶۱</sup>، بقله حامضه<sup>۳۶۲</sup>، بقله خراسانی<sup>۳۶۳</sup>، بقله خراسانی<sup>۳۶۴</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: تره خراسانی<sup>۳۶۵</sup>، ساق ترشک<sup>۳۶۶</sup>

<i>Oxalis acetosella L.</i>	حماض العید - بقله حامضه - اقلیس صغیر	الموسوعه
<i>Oxalis acetosella L.</i>	ترشک - حماض	پارسا

۳۶۲ - بقله خراسانی: «اشبیلی» می‌گوید: نام‌های دیگر آن «حماض»، «وغد» و «رغل» است. و گروهی معتقدند نام «ترنجان» غیر معطر است و گروهی آن را از «فوذنجات» می‌دانند و درست آنست که نام مشترکی برای «ترنجان» و «حماض» است.<sup>۳۶۳</sup>

۳۶۳ - بقله دشتی<sup>۳۶۳</sup>: گیاهان علفی دشتی یا گیاهان صحرائی یا بقول بری چون «شاهترج»، «طرخون»، «یعضید»، «تفاف» است در عین حال این نام بطور اختصاصی به گیاه «تفاف» اطلاق می‌شود. برخی این نام را به «بقل ریشی» و «بقل دمشقی» تصحیح کرده‌اند.<sup>۳۶۴</sup>

۳۶۴ - بقله الرماه<sup>۳۶۴</sup>، بقله الرماة<sup>۳۶۵</sup>: شریف می‌گوید: عرب به آن بقله البراری گویند.<sup>۳۶۶</sup>  
۳۶۵ - بقله الحسینیه<sup>۳۶۷</sup>:

۳۶۶ - بقله الضب<sup>۳۶۶</sup>، بقله الضب<sup>۳۶۷</sup>: گویند نام «ریحان بری» است.<sup>۳۶۸</sup> - نام «بانرنیویه بری» است.<sup>۳۶۹</sup>

۳۶۷ - بقله العروس<sup>۳۶۷</sup>: نام دیگر آن: عروشیه<sup>۳۶۸</sup> - جنجش (یعنی لطیف و شیرین)<sup>۳۶۹</sup> - القسینی<sup>۳۷۰</sup> - میوش اوطا<sup>۳۷۱</sup>

۳۶۸ - بقله العدس<sup>۳۶۸</sup>، بقله العدس<sup>۳۶۹</sup>: نام دیگر آن: فودنج البری<sup>۳۷۰</sup>

<i>Mentha pulegium L.</i>	بقله العدس - فودنج بری	زریاب
---------------------------	------------------------	-------

۳۶۹ - بقله الفارسیه<sup>۳۶۹</sup>: نام‌های دیگر آن: تره داهان<sup>۳۷۰</sup>، تره گربه<sup>۳۷۱</sup> - عربی: بقله السنانیر<sup>۳۷۲</sup> زیرا گربه از بوی آن به ولع افتاده و آن را می‌خورد و در زیر سایه یا روی آن می‌خوابد. در نسخه فارسی نام این گیاه معادل پلنگ مشک یا فلنچمشک

۱- (و می‌منسوبه الی فاطمه ابنة رسول الله (صلی الله علیه واله) و کانت تحبها و تكثر من اکلها فسمها بنو امیه بذلك و جعلوا بدل الزهراء (س) الحمقاء (این گیاه منسوب به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیهاست که بسیار از آن تناول می‌فرمود و آن را دوست داشت و بنی امیه لعنهم الله بجای آن به این گیاه بقله الحمقاء گفتند. (صیدنه)

آمده است.

پارسا	بلنگ مشک (مازندران) - علف ماست (شمیران)	<i>Dracocephalum kotschy Boiss.</i>
-------	---	-------------------------------------

۳۷۰ - بقلة المباركة<sup>ع</sup>: گویند نام «هندباء» است و همچنین گفته شده نام «رجلة» است که این نظر صحیح‌تر است.<sup>ع</sup>

۳۷۱ - بقلة یمانیه<sup>ع</sup>، بقلة یمانیه<sup>س</sup>، بقلة الیمانیة<sup>س</sup>، بقلة الیمانیة<sup>ع</sup>، بقلة یمانیه<sup>ش</sup>، جربوز<sup>ع</sup>، صدح<sup>ع</sup>، قُسطانیقی<sup>ع</sup> (اهالی سواد): از انواع «قطف» است. نام‌های دیگر آن: فاس: یربوز<sup>ع</sup> - بقلة عربیه<sup>ع</sup>، بقلة ماٲیه<sup>ع</sup>، یربوز<sup>ع</sup>، جربوز<sup>ع</sup> - اندلس: بلیطس<sup>ع</sup> - فارسی: سفید مرز<sup>ع</sup> - اهل بلخ: منج<sup>ع</sup>، اهل بخارا و جرجان: بورمنی<sup>ع</sup> - سندی: فانتھاری<sup>ع</sup> - هندی: چونلائی<sup>ع</sup>، چاولائی<sup>ع</sup> - سندی: فانتھاری<sup>ع</sup> - جالینوس: بلطاون<sup>ع</sup> - جرجان: بورمندی<sup>ع</sup> یا بورمنی<sup>ع</sup> - بلخیان: مخنخ<sup>ع</sup> - بخارا: دخنخ<sup>ع</sup> - آشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: یربوز دارای پنج نوع است ۱ - نوع بستانی که همان نوع معروف است ۲ - نوع احمر ۳ - بادروج ۴ - نوع بری با نام لسان الطیر ۵ - نوع غیر افراشته با نام‌های: یربوز - قزحی - بلیطش - بلیطن - جرموز - بشتانیکا - اهالی شام: یمور - اهالی حجاز: بقلة یمانیه - زرنبودی - ربوذی - صدح - کسج<sup>ع</sup>

بلیطی (*Blitum*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: بقلة الیمانیة - اهالی مغرب: یربوز<sup>(۱)</sup> - اهالی شام: جربوز - اهالی سواد: کسج<sup>ع</sup>، صدح، قُسطانیقی [این بطار (در ترجمه دیکورید) ۲ - ۱۰۲]

<i>Albersia blitum</i> Kunth. <i>Chenopodium capitatum</i> L. <i>Amaranthos blitum</i> L.	بقلة یمانیه - بلطاون	زریاب
<i>Blitum virgatum</i> L.	بقلة یمانیه	خطابی
<i>Amaranthus blitum</i> L. Syn: <i>A. graecizas</i> L. Var. <i>Sylvestris</i> (Vil.) Asch.	بلیطی - بقلة یمانیه - یربوز - جربوز - کسج - قُسطانیقی	دیکورید
<i>Amaranthus blitum</i> L.	بقلة یمانیه	EN.

۳۷۲ - بقلة اليهودیه<sup>(۲)</sup>، بقلة اليهودیه<sup>ع</sup>، بقلة یهودیه<sup>ع</sup>، بقلة یهودیه<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: ملوخیا<sup>ش</sup> - اخراطن<sup>ش</sup> - اخروطن<sup>ش</sup> - ابروخیون<sup>ش</sup> - سریانی: شُناذییا<sup>س</sup>، به معنای اسنان الذئب یا دندان گرگ. <sup>س</sup> - به گیاه «تفاف» که نوعی «هندباء بری» است و این نام برای «قرصنه» درست‌تر است.<sup>ع</sup>

<i>Sonchus oleraceus</i> L. <i>Sonchus ciliatus</i> L.	تفاف معروف - بقلة یهودیه - شبیریک	الموسوعه
<i>Sonchus oleraceus</i> L.	صنخیس - تفاف - هرقلوس - خس الحمار	دیکورید
<i>Eryngium creticum</i> L. <i>Eryngium campestre</i> L. <i>Malva rotundifolia</i> Diss.	بقلة یهودیه - اسنان الذئب	زریاب
<i>Hibiscus esculentus</i> L.	بقلة یهودیه	خطابی

۳۷۳ - بقم<sup>ع</sup>، بقم<sup>ع</sup>، بقم<sup>ع</sup>، بقم<sup>ع</sup>، بقم<sup>ع</sup>، بقم<sup>ع</sup>: داربرنیا: معرب بکم یعنی «درخت برنیکان» است. نام‌های دیگر آن: فارسی: داربرنیا<sup>ع</sup> - خوارزم: بنحک<sup>ع</sup> - قنجان<sup>ع</sup> - اقراص الملک<sup>ع</sup> آشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: بقم دارای سه نوع است: ۱ - اقراص الملک ۲ - شجر العناب ۳ - نوعی از جناء الاحمر و گویند ضرو نوع چهارم بقم است. برخی نام صمغ آن را «شیان القاطره» می‌دانند.

۱- در اصل «یربوز»

۲- به تفاف رجوع شود.

زریاب	بم - برنیکان - داربرنیا	<i>Caesalpinia sappan L.</i>
-------	-------------------------	------------------------------

۳۷۴ - بقنقومن<sup>ع</sup>:۳۷۵ - بکا، بگا<sup>ه</sup>:۳۷۶ - بکچی<sup>۱</sup> (بابچی): (نامی هندی)۳۷۷ - بکن<sup>۱</sup> (بابکم): (نامی هندی)۳۷۸ - بکمون<sup>۱</sup> (نامی فارسی)، عرفج: (عربی) عرفج<sup>۱</sup>

زریاب	عرفج	<i>Astragalus gummifera Lab.</i>
الموسوعه	عرفج	<i>Cotoneaster spp.</i>

۳۷۹ - بکهرینده<sup>۱</sup>: (نام هندی)۳۸۰ - بیل<sup>۱</sup>، قنآ البری الهندی<sup>۱</sup>:

زریاب	بیل - قنآ البری الهندی	کلته شده در بلوچستان. <i>Aegle marmelos Corr.</i>
-------	------------------------	---

۳۸۱ - بیل<sup>ع</sup>، بیل<sup>ش</sup>: نام دیگر آن بنا به نظر رازی نزد خواننده «قنا هندی» است.<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>۱</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف استبرخی شل و بیل را «شبوک» و «یدقه» می دانند که درست تر از بقیه نظر هاست و «بل» همان «أقطی» یا «شبوک» است.<sup>ش</sup>۳۸۲ - بلاذر<sup>۱</sup> (یا بلاذر، بلاذر<sup>س</sup>، بلاذر<sup>ر</sup>، بلاذر<sup>ز</sup>، بلاذر<sup>ش</sup>): نام فارسی برگرفته از نام بهلاوه هندی به معنای مشابه قلب<sup>ع</sup>است. - نام های دیگر آن: عربی: حب الفهم، حب القلب<sup>۱</sup> (به خاطر شباهت آن به قلب حیوان) - رومی: انقردیا<sup>۱</sup>

زر - پار.	بلاذر	<i>Semecarpus anacardium L.</i>
-----------	-------	---------------------------------

۳۸۳ - بلاس<sup>۱</sup>: (نامی هندی) نام های دیگر آن: دهاک، تیسو<sup>۱</sup>۳۸۴ - بلاس بایره<sup>۱</sup>: (نامی هندی)۳۸۵ - بلاسنطور<sup>۱</sup>: نامی فرنگی به معنای شجره النبی (صلوات الله علیه و اله) نام های دیگر آن:دسنطو<sup>۱</sup>، لینوسنطو<sup>۱</sup> نام اول شجره النبی و نام دوم یعنی شجره مبارکه)۳۸۶ - بلان<sup>ع</sup>: نام دیگر آن نزد اعراب «شیرق» است.<sup>ع</sup>۳۸۷ - بلبوس<sup>۱</sup>، بلبوس<sup>س</sup>، بلبوس<sup>ع</sup>، بلبوس<sup>ز</sup>، بلبوس<sup>ر</sup> (نامی یونانی)، بصل الزیر<sup>۱</sup>: نام های دیگر آن: عربی: بصل الذئب<sup>۱</sup>، بصلالزئر<sup>ع</sup>، فصل ماکول<sup>۱</sup> - فارسی: زیر، تلخه پیاز<sup>۱</sup> - شیرازی: پیاز تلک<sup>۱</sup> - تبریزی: رزی<sup>۱</sup> - ترکی: داغ سوغائی<sup>۱</sup> - لرستان:طرم<sup>۱</sup> - سریانی: بلابس<sup>۱</sup>بلبوس (Bolbos): بصل الزاز<sup>(۱)</sup>

مولی اخر (Molu): نام مشترک گیاه "حرمل" یعنی نوعی از بلبوس است. من - ابن بیطار - آن را می شناسم و نام دیگری غیر از این

نام برای آن نمی دانم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۳/۱۵۲ - ۴۴]

زریاب	بلبوس	<i>Muscari comosum Mill.</i>
-------	-------	------------------------------

<i>Muscari comosum</i> Mill.	بلیوس - بصل الزاز	دیسکورید
<i>Muscari spp.</i>	بلیوس - جلجل	الموسوعه
<i>Allium moty</i> L.	نوعی بلیوس - مولی	دیسکورید
<i>Allium magicium</i> L.		

## ۳۸۸ - بِلِخْتَهْ، بِلِخْتَهْ: (نامی مغربی)

<i>Periploca spp.</i>	بلخیه	الموسوعه
-----------------------	-------	----------

## ۳۸۹ - بِلِخْتَهْ:

۳۹۰ - بِلِسْ، بِلَسْ: نام دیگر آن: تین ابیض - «آشبیلی» آن را نام همه انواع «تین» می‌داند.<sup>ش</sup>  
 ۳۹۱ - بِلَسَانْ، بِلَسَانْ، بِلَسَانْ، بِلَسَانْ، بِلَسَانْ، بِلَسَانْ، بِلَسَانْ، حب البلسان، سعند (نام چوب)، عود البلسان: نام‌های دیگر آن: بنا به نظر جالینوس: سمون - بنا به نظر اورباسیوس: سامون - اسامی چوب آن: رومی: اسفوخوس، بوبلسمون - سریانی: قیس دافورسما، قیسادافورسما - فارسی: دارا فرسام - این گیاه بغیر از مصر در جای دیگر رویش ندارد و صاحب منهاج به سهو آن را «هیوفاریقون» گفته است.<sup>ش</sup>

<i>Commiphora opobalsamum</i> Engl.	بلسان - حب بلسان	زر - پار.
<i>Amyris gileadensis</i> L.		
<i>Semcarpus anacardium</i>	بلسان	خطابی
<i>Balsamodendron</i> DC.	بلسان	EN.
<i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.	بلسم	EN.

۳۹۲ - بِلَسْکِیْ، بِلَسْکِیْ: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: گیاهشناسان اندلس و مغرب: مصفی الرعاة، دود، حب الصیان، فوة البرانیه - صیدلانیه: قوت البریه - دیسکورید: آفرینی  
 ۳۹۳ - بَلَوَطْ، بَلَوَطْ، بَلَوَطْ، بَلَوَطْ، بَلَوَطْ، بَلَوَطْ، جفت البلوط (نام پوست)، لُزاق الرخام (نام صمغ): نام میوه است. نام‌های دیگر آن: طبرستان: دارمازی - فارسی: بالوط - انطاکیه: دوام - عراق: عفضیج - مصر: ثمر الفواد - رومی: زَبان لِباسا - نام میوه: دارمازو - «شاهبلوط» از انواع آنست که به آن «قسطل» گویند.<sup>ش</sup>  
 دَرَسْ (*Drus*): با توجه به اختلاف نظرهای موجود این نام معادل «بلوط» است. و دیسکورید همراه با این واژه «شاه بلوط»<sup>(۱)</sup> را نیز ذکر کرده است و آن را «قسطانیا» که همان «قسطل» است نامیده است. [این بيطار(در ترجمه دیسکورید) ۱-۱۰۸/۲-۴/۹۲ - ۱۱۰]

<i>Quercus coccifera</i> L.	درس - بلوط	دیسکورید
<i>Quercus ilex</i> L.	بلوط	زر - خط.
<i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp.	بلوط	پارسا
<i>Quercus robur</i> L.		

۳۹۴ - بَلَوَطْ الارضْ، بَلَوَطْ الارضْ، بَلَوَطْ الارضْ، بَلَوَطْ الارضْ، خامادریوس: نام مشترک بین کمادریوس و گیاه دیگر است. - نام دیگر آن به یونانی: کمادریوس است.<sup>ش</sup> - «آشبیلی» می‌گوید: گاهی این نام را برای ریشه‌های «خنثی» بخاطر شباهت

آن به بلوط بکار می‌برند.<sup>ش</sup>

خامادزیون (*Khamaidaruos*): برگردان عربی «کَمَادَرِيوس» «بلوط الارض» است زیرا «خاما» به معنای «أرض» (زمین) و «درس» به معنای «بلوط» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۳]

دیسکورید	خامادریوس - کامادریوس - بلوط الارض	<i>Teucrium chamaedrys L.</i>
----------	------------------------------------	-------------------------------

۳۹۵ - بلوط الملک<sup>ص</sup>، بلوط الملک<sup>ح</sup>، شاهبلوط<sup>ع</sup>، شاهبلوط<sup>ب</sup>: نام های دیگر آن: شاهبلوط<sup>ص</sup> - سریانی: بلوطا ملکا<sup>ص</sup> - رومی: قسطنه<sup>ص</sup>، قسطل<sup>ع</sup>، قسطل<sup>ب</sup>

زریاب	شاه بلوط	<i>Castanea sativa Mill.</i> <i>Castanea vesca Gaertn.</i> <i>Castanea vulgaris Lam.</i>
طباطبائی	شاه بلوط	<i>Castanea sativa Mill.</i> <i>Castanea vulgaris Lam.</i>
طباطبائی	شاه بلوط هندی	<i>Aesculus hippocastanum L.</i>

۳۹۶ - بلوطی<sup>ا</sup>، بلوطی<sup>ب</sup>: نام های دیگر آن: هندی: کجی<sup>ا</sup>، کهجور<sup>ا</sup>، عامه اندلس به لاتینی به آن «مرویه یلبوسه» گویند و نباید با گیاهان شیرابه دار اشتباه شود.<sup>ع</sup>

بلوطی (*Ballote*): نوعی از فراسیون با رنگ سیاه و با نام لاتینی «مرویه بتوشه» است. در ترجمه کتاب جالینوس نام این گیاه با «لاعیه» اشتباه شده است زیرا «لاعیه» از گیاهان صمغ دار است و «بلوطی» فاقد آن است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۸]

دیسکورید	بلوطی	<i>Ballota nigra L.</i>
----------	-------	-------------------------

۳۹۷ - بلوغناطن<sup>ش</sup>: گروهی آن را به اشتباه «غوذیوله» می‌دانند.<sup>ش</sup>

۳۹۸ - بلول<sup>ا</sup>: (نامی هندی)

۳۹۹ - بلیان<sup>ص</sup>: (نام درخت مصری)

۴۰۰ - بلیحاء<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: مغرب: لیرون<sup>ع</sup> - اسلیح<sup>ع</sup>

۴۰۱ - بلیلیج<sup>ا</sup>، بلیلیج<sup>ب</sup>، بلیلیج<sup>ص</sup>، بلیلیج<sup>ح</sup>: نام های دیگر آن: هندی: بهیره<sup>ا</sup> - هلیله<sup>ب</sup>

زریاب	بلیلیج	<i>Terminalia bellerica Roxb.</i>
-------	--------	-----------------------------------

۴۰۲ - بلیطن<sup>ش</sup>: برخی پنداشته‌اند «عشبه الطحال» است و نام های دیگر آن «فلیطش» و «بیلیطش» است.<sup>ش</sup>

۴۰۳ - بِنْتَرْنَقَه<sup>ش(۱)</sup>: برخی آن را به اشتباه «باطرنیقی» می‌دانند.<sup>ش</sup> نام های دیگر آن: خامادریوس<sup>ش</sup> - بلطاله<sup>ش</sup> - بلوط الارض<sup>ش</sup>

۴۰۴ - بِنْتَقَه<sup>ش</sup>: بنا به نظری نوع دوم کامادریوس با نام «طربه اُبه» است و بنا به نظر دیگر نوع سوم «کَمَادَرِيوس» است. نام های دیگر آن عبارتست از: قسطن، قسطنیون، قسطوریون، باطرنیقی، رُسْمَارینا، ذنب الِهَر<sup>ش</sup>

۴۰۵ - بنتومه<sup>ع</sup>، بنتومه<sup>ب</sup>، بنتومه<sup>ص</sup>: (نام گیاهی در اندلس) نام های دیگر آن: شام و اندلس: رقعة الفارسیة<sup>ع</sup>، ذَرَق الطیر<sup>ع</sup> - اهالی شوبک شام: عَنَم<sup>ع</sup> - فاس: انجبار<sup>ع</sup>







<i>Orchis spp.</i>	بوزیدان، سَحَلَب، خصی الثعلب، قاتل اخیه، سطوریون	الموسوعه
<i>Opuntia hircina</i>	بوزیدان، خصی الثعلب	خطابی
<i>Orchis morio L.</i>	بوزیدان	EN.

۴۲۳- بوش دریندی، بوش، بوش دریندی: نام قرص هائی است که از برگ های گیاه آن می گیرند.

۴۲۴- بوشیاد: نزد "دُونَس بن تمیم" نام «سلجم» است.

۴۲۵- بوصیر، بوصیر، سیکران الحوت، فلوس: نام های دیگر آن: جوزناق - عامه اندلس: برشکه - بربری: اُفتن - دیسکورید: فلوس، یونانی: فلوس - پزشکان شام و عراق: ماهی زهرج - وجه تسمیه آن به «سیکران الحوت» برای کاربرد آن است زیرا نرم شده و کوییده شده آن بر صخره اگر در آب راکدی ریخته شود و با حرکت دادن آن، با آب مخلوط گردد سبب می شود تا ماهی ها بی حس و در حال برگشته روی آب بیایند.

فلومس (*Phlomos*): بوصیر - انواع فلومس بسیار و دارای گل زرداند. گیاه در مصر یافت می شود. (ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۳)

<i>Verbascum thapsus L.</i>	بوصیر	زر - طب.
<i>Verbascum spp.</i>	فلومس - بوصیر	دیسکورید
<i>Verbascum spp.</i>	بوصیر، بوصیرا، اذان الدب، مُسکران الحوت	الموسوعه
<i>Verbascum thapsus L.</i>	بوصیر ابیض	الموسوعه
<i>Verbascum nigrum L.</i>	بوصیر اسود، لیبذه سوداء	الموسوعه

۴۲۶- بوطنیه: نام دیگر آن به عجمی اندلس «کرمة السوداء» است. ابن واد آن را «کرمة البیضاء» می داند که اشتباه مسلم است زیرا این به سریانی داروئی با نام «فاشرشتین» است.

۴۲۷- بوطاماخیطس:

۴۲۸- بولامونیون، بولامنیون، بولامنیون: (نامی یونانی)

<i>Polemonium Spp.</i>	قبس - بولمونیوم	الموسوعه
------------------------	-----------------	----------

۴۲۹- بولسری: (نامی هندی) نام های دیگر آن: بهولسری - بنگاله: بول، مولسری

۴۳۰- بولوغن: نامی یونانی به معنای «مُکَثِّر اللَّبن» یا زیاد کننده شیر

۴۳۱- بولوغانظن: نامی یونانی به معنای «کثیر العقد» یا پر گره

۴۳۲- بولوقیمن: نامی یونانی به معنای «کثیر الرؤوس» یا دارای سرشاخه بسیار

۴۳۳- بوینون، بویون، بویون: (نامی یونانی) نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: اُقیون

۴۳۴- بوئی: (نامی هندی)

۴۳۵- بهار، بهار، بهار، بهار، کاو چشم: نام های دیگر آن: بنا به نظر اورباسیوس: بوئالمون، بوئالمون - سریانی:

عینی ثورا - فارسی: گاوچشم - عربی: عرار، عین الثور، عین البقر - اُقحوان زرد - اندلس: مقارجه - بربری:

املال - عامه اندلس: خبز الغراب - بنا به نظر "ابن سینا": فارسی: کاو چشم - بنا به نظر "تمیمی": نام نوع کوچک آن در شام:

عین العجل - اشبیلی می گوید: برخی آن را نام نوعی «بصل» و عده ای آن را نوعی «اقاحی» و گروهی آن را نوعی «اغافت» می دانند. احمد بن

داود: «بهار البر» را «عرار» معرفی کرده و «سیح بهار را «عین العجل» و «بولش» و «بصری» آن را «عین الثور» می داند و آنچه در باغ های ما می روید

گیاهی است که با نوع بری بسیار متفاوت است و نام های آن عبارتست: بقثلمن - فجلن - طیلاله - زنبوش - بهار ابیض - بهار الریاض - قلیمونه

همچنین «بهار» نام «عین الثور» و «عین البقر» و «عبهر» نیز هست.

بُقْتَلْمُنْ (*Bupthalmion*): برگردان عربی آن «عین البقر» است و نام دیگر آن در ترجمه کتاب جالینوس «بهار» ذکر شده و از انواع «بابونج» و از آن بزرگتر است. نام بربری آن اَمَلال و به لاتینی بیلبو (*Bolicho*) است. - برخی از انواع آن زرد و برخی سفید رنگ است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۴]

<i>Anthemis arvensis L.</i>	بققلمن - بهار	دیسکورید
<i>Anthemis arvensis L.</i> <i>Chrysanthemum coronarium L.</i> <i>Chrysanthemum segetum L.</i> <i>Anacyclus radiatus L.</i> <i>Anacyclus valentina</i>	بهار	ز. - ط. ع.
<i>Anthemis tinctoria L.</i>	عین الثور	طباطبانی

۴۳۶ - بهش<sup>ع</sup>: نوعی بلوط - نام های دیگر آن: عجمی اندلس: جرکه<sup>ع</sup>، شوبر<sup>ع</sup>

۴۳۷ - بهفانج<sup>ع</sup>: گویند نام «مرو» است و در کتاب مجوسی دو نوع از آن نامبرده شده، نوع خوشبوی آن «مرماحور» نام دارد.<sup>ع</sup>

۴۳۸ - بهمن<sup>ع</sup>، بهمن<sup>س</sup>، بهمن<sup>ب</sup>، بهمن<sup>ج</sup>، بهمن<sup>د</sup>، بهمن<sup>ه</sup>، بهمن<sup>و</sup>، بهمن<sup>ز</sup> (نامی فارسی) بهمن دارای دو نوع قرمز و سفید است. نام های دیگر آن: فاس: جیز<sup>ع</sup> - نوع قرمز: بهمن ایض<sup>ع</sup> - نوع سفید: بهمن سفید<sup>ع</sup>، کف الجذماء<sup>ع</sup>، کرمة البیضاء<sup>ع</sup>

<i>Statice limonium L.</i>	بهمن سرخ	زریاب
<i>Centaurea behen L.</i>	بهمن سفید	زر. - الم.
<i>Centaurea behen L.</i>	بهمن	خطابی

۴۳۹ - بهمی<sup>ا</sup>، بهمی<sup>ب</sup>، بهمی<sup>ج</sup>، بهمی<sup>د</sup>:

فونُقس (فونقس) (*Phoenix*): نام عربی آن «بهمی» است. ابوحنیفه گیاه تازه و خشک «بهمی» را از بهترین گیاهان یکساله خوراکی می داند. عرب به گیاه خشک آن «عزب» (غرب) و «صفار» (صقار) گوید. "بگری" نام واحد آن را «بهماه» گوید و عامه مردم به آن «بهماه» گویند. این گیاهی مشابه «خرطال» ولی از آن باریکتر و دارای سنبله ای قرمز رنگ است. وقتی خشک آن در فضا پراکنده شود و به لباس می چسبد. در منابع دیگر گیاه دارای سفس؟ ذکر شده است اجزای خشک شده گیاه در هوا معلق مانده و با وزش باد در چشم و گوش رفته و در مواقعی ممکن است منجر به کوری شود. ذوالرمة نیز در مورد این گیاه و اسامی مختلف آن این شعر را سروده است:

رَعَتْ بِأَرْضِ الْبُهْمِيِّ جَمِيماً وَبُسْرَةَ وَصَمْعَاءَ حَتَّى آفَتْهَا نِصَالُهَا

واژه «بارض» مربوط به موقعی است که گیاه از زمین رویش می یابد. واژه «بُسْرَةَ» هنگامی که برگ های گیاه روئیده می شود. واژه «صَمْعَاء» در موقع رشد سنبله گل گیاه است. واژه «جَمِيم» مربوط به زمانی است که گل باز شده آن حالت چتر پیدا می کند. واژه «آفَتْهَا» دَخَلَتْ فِي أُنُوفِهَا؟ و این گیاه نزد عرب معروف است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۹]

<i>Lolium perenne L.</i>	بهمی	زریاب
<i>Lolium perenne L.</i> <i>Avena fatua L.</i>	فونقس - بهمی	دیسکورید
<i>Avena fatua L.</i>	بهمی	خطابی

۴۴۰ - بهنکره<sup>ا</sup>: (نامی هندی)

- ۴۴۱- بُهوتی انوله: نامی هندی به معنای امله زمینی  
 ۴۴۲- بیارانکا: (نامی هندی)  
 ۴۴۳- بیبل: (نامی هندی)  
 ۴۴۴- بیخ زرین گیاه: نام‌های دیگر آن: فرنگی: جیسو  
 ۴۴۵- بیزه: نام دیگر آن: آذربایجان: بیه زا

<i>Eryngium campestre L.</i>	بیزه	زریاب
------------------------------	------	-------

- ۴۴۶- بیسیم: نام میوه‌ای است.  
 ۴۴۷- بیس، بیس، بیس، بیس، بیس: (نامی هندی) "عیسی بن علی" می‌گوید: بیس دارای سه نوع است... نام نوع سوم آن «نبال» است. بیس زهری است و بدان که زهرها اگر چه بسیارند اصل آن‌ها سه است، یکی زهر جانوران است که با دندان چون دد و دام... بگزند. دیگری سمی است که چون بخورند صدمه ببینند مانند زهر نبات یا آن زهر هائی که از سنگ‌های معدنی حاصل شوند... دیستوریدوس که بیش پنج گونه است یکی را «حددی» گویند و آن سست است بر دورنگ زرد و سپید و دوم «شده» خوانند به «مارچوبه» ماند و سستی است میانه، و سیم را «برهن» گویند، درونش سپید بود یا زرد و سستی است این نیز میانه و چهارم «کلاکون» است، رنگش به «هلل» زند و وصفش همانند اوست و پنجم «هلل» است...

<i>Aconitum ferox Wall.</i>	بیش	زر- طب.
<i>Aconitum spp.</i>	اتله - بیش - اقونین - اکونیت	الموسوعه
<i>Aconitum ferox Wall.</i> <i>Aconitum luridum Hook.</i>	<i>Hindia &amp; Bengal: Bish</i> <i>Hindia: Bish</i>	<i>GLO.IN.</i>

- ۴۴۸- بیش موش بیش:  
 ۴۴۹- بیض الاوز: نوعی فطر، نام‌های دیگر آن: فواش، غوره الارض، ذکر الارض  
 ۴۵۰- بیقیه، بیقه:  
 أفاقی (*Aphake*): نوعی از «رطبه» که در ابتدا رویش آن مشابه «حدقوقی» است. (ابن بیطار در کتاب جامع این نام را معادل بیقیه دانسته است.) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکوریوس) ۱۳۲ - ۲]

<i>Vicia cracca L.</i> <i>Vicia sativa L.</i>	بیقه	دی - زریاب
--	------	------------

- ۴۵۱- بینب: نام دیگر آن: فینقس  
 ۴۵۲- بیبل: نام هندی میوه‌ای است.

### حرف «ت»

- ۴۵۳- تار: (نامی هندی)  
 ۴۵۴- تاجر: نام دیگر آن: آذریون - وجه تسمیه آن به تاجر بخاطر اینست که گل آن در روز باز و شب بسته است بنابراین به هر گیاه دیگر که دارای این خصوصیت باشد چون نیلوفر نیز گفته می‌شود.  
 ۴۵۵- تازرت: برخی آن را «کرمة البيضاء» می‌دانند.

۴۵۶ - تاكُوت<sup>ع</sup>، تاكُوت<sup>ث</sup>: (نامی بربری) این نام برای «فریون» و هم برای «حب الأثل» یا «کرمازک» است.<sup>ج</sup>

۴۵۷ - تالب<sup>ث</sup>: «اشبیلی» می‌گوید: از جنس درختان بزرگ است و برخی آن را به اشتباه «کتَم» معرفی کرده‌اند.<sup>ث</sup>

۴۵۸ - تال مکههارا<sup>ا</sup>: (نامی هندی) تال مکهانانبول<sup>ا</sup>

۴۵۹ - تامسورت<sup>ع</sup>: (نامی بربری) نام‌های دیگر آن: مو<sup>ع</sup> - گیاهشناسان اشبیلی: بُسینسه<sup>ع</sup> - بعضی از بربرها: کمون الجبل<sup>ع</sup>

۴۶۰ - تانبول<sup>ا</sup>، تامول<sup>ص</sup>، تامول<sup>ث</sup>، تنبول<sup>ث</sup>، تانبول<sup>ع</sup>، تانبول<sup>ث</sup>: (نامی هندی) ابوحنیفه می‌گوید: نوعی یقطین است.<sup>ع</sup> نام‌های دیگر آن: تنبول<sup>ص</sup> - تنبل<sup>ع</sup>

<i>Piper betle L.</i>	تامول - تنبل - شاه صینی	الموسوعه
<i>Piper betle L.</i>	تامول	ز.، EN.
<i>Piper betle L.</i>	برگ تاملوك - برگ تانبوك	پارسا

۴۶۱ - تانقیث<sup>ع</sup>: (نامی بربری)

۴۶۲ - تریه<sup>ث</sup>:

۴۶۳ - تُرُتد<sup>ا</sup>، تُرید<sup>ص</sup>، تُرید<sup>ث</sup>، تُرید<sup>ع</sup>، تُرید<sup>ج</sup>، تُرید<sup>د</sup>، تُرید<sup>س</sup>، تُرید<sup>ث</sup>: (نامی فارسی) نام‌های دیگر آن: هندی: تسوت<sup>ا</sup>، تاک

پترویداره<sup>ا</sup> - بنگال: پتوهری<sup>ا</sup> - رومی: یشون<sup>ص</sup>، طریون<sup>ص</sup>، سندویون<sup>ص</sup> - سریانی: طرید<sup>ص</sup>، طریید<sup>ص</sup> - هندی: تریج<sup>ص</sup>،

نایزه<sup>ص</sup> (نوع سفید)، نوع دیگر: جبلهنک<sup>ص</sup> اشبیلی می‌گوید: نظرهای متفاوتی در مورد ماهیت آن ذکر شده که همگی اشتباه است این

نظرها عبارتند از: ۱ - نوعی انجدان ۲ - ریشه نوعی خار ۳ - ریشه‌های درخت توت و انجیر<sup>ث</sup> - نام‌های دیگر آن عبارتست از: طریفولیون -

حارسوافی - الویاس - سوفی نام «ترید ابیض» «اسطاری» است.<sup>ث</sup>

طریفولیون (Tripolion): بنا به نظر "ابن واد" نام «ترید» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۱]

<i>Ipomea turpethum R.Br.</i> <i>Convolvulus turpethum L.</i>	ترید	ز، خ، ط.
<i>Ipomea turpethum R.Br.</i>	تُرُتد	الموسوعه
<i>Aster tripolium L.</i>	طریفولیون - تُرُتد	دیسکورید

۴۶۴ - ترسی<sup>ث</sup>: نوعی نیلوفر نام دیگر آن: به یونانی: باطاسیطس<sup>ث</sup>

۴۶۵ - تُرمِس<sup>ا</sup>، ترمس<sup>ص</sup>، ترمس<sup>ث</sup>، ترمس<sup>ع</sup>، ترمس<sup>ج</sup>، ترمس<sup>د</sup>، ترمس<sup>س</sup>، جرجر المصری<sup>ث</sup>، قیطاقون<sup>ث</sup>، باقلاء مصری<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن:

فارسی: باقلا مصری<sup>ا</sup>، خوشک امحری<sup>ص</sup>، کرکر امحری<sup>ص</sup> - سریانی: ترمسا<sup>ص</sup>، اوثرمسوا<sup>ص</sup> اشبیلی می‌گوید: ترمس از انواع

کفوف و از جنس بقل و دارای انواع زراعی و غیر زراعی است: نوع زراعی آن سه نوع است و نام‌های آن عبارتست از: ایمارس - ایفغسه - چزچر -

بسيله - فیاقه و نوع بری پنج نوع دارد ۱ - ترمس الخنزیر با نام‌های: مسد، فآبه بورکه (نام میوه)، بسيله ۲ - ترمس الثعلب با نام‌های: كَفّ العذری،

فسوة الضبع، خانق الكلاب ۳ و ۴ - ترمس الحجل با نام: كَفّ الضبع ۵ - كَفّ القطابه<sup>ث</sup>

تُرْمی ایماروس (Thermos hemeros): تُرْمُس - ابوحنیفه می‌گوید: بَسَلَة نام دارد زیرا تلخ و بدمزه است. [ابن بیطار (در ترجمه

دیسکورید) ۲۱ - ۱۹۴]

<i>Lupinus spp.</i>	تُرْمُس	الم.، EN.
<i>Lupinus termis forsk.</i>	ترمی ایماروس - ترمس - بسله	دیسکورید
<i>Lupinus angustifolius L.</i> <i>Lupinus termis forsk.</i>	ترمس	زریاب
<i>Lupinus albus L.</i>	باقلاى مصری - ترمس	پارسا

<i>Lupinus angustifolius L.</i>	ترمس	طباطبائی
---------------------------------	------	----------

۴۶۶ - تزلیت<sup>ش</sup>:۴۶۷ - تَنْضَبُ<sup>ش</sup>: از جنس درختان بزرگ۴۶۸ - تَنْعِیْمَه<sup>ش</sup>: به عقیده برخی «قُلْقاص» و به نظر عده‌ای نوعی «جوزه» است.<sup>ش</sup>۴۶۹ - تریامان<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: اغافت<sup>ش</sup>

<i>Agrimonia eupatoria L.</i> <i>Eupatorium cannabinum L.</i>	تریامان - اغافت	زریاب
--	-----------------	-------

۴۷۰ - تَشْمِيزَجْ، چشمیزج<sup>ش</sup>، چَشْمِيزَجْ، تشمیرج<sup>ش</sup>، کحل السودان<sup>ش</sup>، کحل السودان<sup>ش</sup>، تشمیرخ<sup>ش</sup>، جاکسو<sup>ش</sup>: نام دانه و معرب «چشمیزج» فارسی است.<sup>ش</sup> - نام‌های دیگر آن: فارسی: چشمک<sup>ش</sup>، چشم<sup>ش</sup>، چاکشو<sup>ش</sup>، جاکشو<sup>ش</sup>، چشمیز<sup>ش</sup>، چشمیزه<sup>ش</sup>، پشم<sup>ش</sup>، چشم<sup>ش</sup>، چشمیزج<sup>ش</sup>، جاسو<sup>ش</sup> - عربی: حبة السودان<sup>ش</sup> - اهل حجاز: بَشْمَه<sup>ش</sup>، یشمه<sup>ش</sup> - هندی: چاکسو<sup>ش</sup> - رومی: انفیلامی<sup>ش</sup> - هندی: جاکله<sup>ش</sup> - اهل هری: جَخِجْن<sup>ش</sup> - سیستان: تشن<sup>ش</sup> - خوارزم: جاکج<sup>ش</sup>، جاکجو<sup>ش</sup>، جمسینج<sup>ش</sup> - جَمَشْک<sup>ش</sup>، حبة السودان<sup>ش</sup> - شیرازی: چشمک<sup>ش</sup> - اطرابلس<sup>ش</sup>

<i>Nigella sativa L.</i> <i>Cassia absus L.</i>	چشمیزج	زریاب
<i>Pimpinella anisum L.</i>	تشمیزج	EN.

۴۷۱ - تُفَاحْ، تفاح<sup>ش</sup>، تفاح<sup>ش</sup>، تفاح<sup>ش</sup>، تفاح<sup>ش</sup>، تفاح<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: سیب<sup>ش</sup>، می سیب<sup>ش</sup> - رومی: ادرومیلن<sup>ش</sup>، میلا<sup>ش</sup> - سریانی: حمرا دحزوری<sup>ش</sup> (حزوزی) - یونانی: منسانیا<sup>ش</sup> - بربری: آتفاح<sup>ش</sup> - عجمی: مُنْسَانَه<sup>ش</sup> - تفاح بری: جالینوس: هیمیلیون<sup>ش</sup>

میلا<sup>ش</sup> (Meleas): تُفَاحْ [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۸]

<i>Pyrus malus L.</i>	تفاح - می سیب	زریاب
<i>Pyrus malus L.</i>	میلا <sup>ش</sup> - تفاح	دیسکورید
<i>Malus orientalis Ugli.</i>	تفاح	طباطبائی

۴۷۲ - تفاح الدب<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: رومی: فقو میلا<sup>ش</sup>

<i>Crataegus azarolus L.</i> <i>Crataegus sinaica Boiss.</i>	تفاح الدب	زریاب
---	-----------	-------

۴۷۳ - تَفَاف<sup>ش</sup>: (نامی بربری) نام‌های دیگر آن: بقلة اليهودیه<sup>ش</sup> - خس الحمار<sup>ش</sup> - "دیسکورید" می گوید دارای دو نوع بری و بستانی است.<sup>ش</sup>

۴۷۴ - تَمْر، تمر<sup>ش</sup>، نخل<sup>ش</sup>، تمر<sup>ش</sup>، تمر<sup>ش</sup>، بلج<sup>ش</sup>، بلج<sup>ش</sup>، بسر<sup>ش</sup>، بسر (غوره خرما)، طلع (اول ثمر نخل)، بَرشون (نخل تازه)<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: خرما<sup>ش</sup>، سریانی: تمر<sup>ش</sup>، بلوطی صقلیا<sup>ش</sup> - هندی: کهجور<sup>ش</sup>، چهارا<sup>ش</sup> - بُسْر: غوره خرما<sup>ش</sup> - شیرازی: خرک<sup>ش</sup> - بلج<sup>ش</sup>: فارسی: غوره خرما<sup>ش</sup> - بلج<sup>ش</sup>: هر گاه «ولیم» (آنچه در درون خوشه‌های خرما است) سبز شود و مدور

گردد به آن بلج گویند. <sup>۴</sup>- قَسَب: میوه خرماي خشک شده و نیم رس <sup>۵</sup>- اهل مغرب: مقلقل <sup>۶</sup>- نجد: عرق، بزشوم <sup>۷</sup>- فارسی: خرماي سنگ اشکن <sup>۸</sup>- شیرازی: قسبک <sup>۹</sup>- طَلْع: شکوفه خرما <sup>۱۰</sup>- فارسی: بهار خرما <sup>۱۱</sup> کَفْرَي: کَفْرَي نامی عربی و به معنی غلاف رزیم خرما قبل از شگفتن آن است. <sup>۱۲</sup>- یونانی: قیفر <sup>۱۳</sup>- فارسی: غنچه خرما، کاردوالی <sup>۱۴</sup>- شیرازی: نارونه خرما <sup>۱۵</sup>- جَمَار: قلب النخل، لب النخل، شحم النخل <sup>۱۶</sup>- فارسی: پنیر نخل <sup>۱۷</sup>- بهترین خرما «ماهیرون» است. <sup>۱۸</sup>- بزشون <sup>۱۹</sup>: نخل تازه <sup>۲۰</sup>- نامهای دیگر آن: شَقَمَة <sup>۲۱</sup>- اهالی نجد: غُزف <sup>۲۲</sup> دَقْسِيْطُس یا فَيْئِكْس: (Phoenix) نخل [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۱]

ز، د، پ.	نخل	<i>Phoenix dactylifera L.</i>
----------	-----	-------------------------------

۴۷۵- تمر هیرونی، قسب: نام دیگر آن: خرما هیرون <sup>۱</sup>  
 ۴۷۶- تمر هندی، تمر هندی، صبار، صبار، حمر: نامهای دیگر آن: عربی: صبار، حمار و حوش، خومر <sup>۲</sup>- هندی: انبلی <sup>۳</sup>- فارسی: جنجه <sup>۴</sup>- زنجیه: مکجوا <sup>۵</sup>

زر. - طبا.	تمر هندی	<i>Tamarindus indica L.</i>
پارسا	تخم تمر - دانه تمر هندی	<i>Tamarindus indica L.</i>
الموسوعه	تمر، هندی - حَوْمَر - حَمَر	<i>Tamarindus indica L.</i>

۴۷۷- تنعیمه <sup>۱</sup>: (گیاه آبی)

۴۷۸- تنوم <sup>۲</sup>، تنوم <sup>۳</sup>، تنوم <sup>۴</sup>، تنوم <sup>۵</sup>: شجرة الیمام <sup>۶</sup>: (تم) (نامی معروف نزد اعراب بقیع و اهالی حجاز) نام دیگر آن: طورته شول <sup>۷</sup> (۱) نوع کوچک آن گیاهی است به نام «طُرْسُول»، نام دیگر آن «تنوم» و به سریانی «صامریوما» است. <sup>۸</sup> *Heliotropion to miktron*: گیاهی مشابه «فراسیون» با بذر سه گوش است که از آن مداد درست می کنند. نامهای دیگر آن عبارتست از: مغرب: حشیشه السواقی - عربی: تنوم - لاتینی: یربه (شُد) یره (*Hirba soldera*) به معنای عَشْبَة اللحام [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۴]

زریاب	تنوم	<i>Cannabis sativa L.</i>
دیسکورید	ایلیوپتوریون طومفرن - تنوم	<i>Croton tinctorium L.</i>

۴۷۹- توت <sup>۱</sup> (نامی عربی)، توت <sup>۲</sup> (نامی فارسی)، توت <sup>۳</sup>، توت <sup>۴</sup>، توت <sup>۵</sup>، توت <sup>۶</sup>، توت <sup>۷</sup>، توت <sup>۸</sup>، توت <sup>۹</sup>، توت <sup>۱۰</sup>، توت <sup>۱۱</sup>، توت <sup>۱۲</sup>، توت <sup>۱۳</sup>، توت <sup>۱۴</sup>، توت <sup>۱۵</sup>، توت <sup>۱۶</sup>، توت <sup>۱۷</sup>، توت <sup>۱۸</sup>، توت <sup>۱۹</sup>، توت <sup>۲۰</sup>، توت <sup>۲۱</sup>، توت <sup>۲۲</sup>، توت <sup>۲۳</sup>، توت <sup>۲۴</sup>، توت <sup>۲۵</sup>، توت <sup>۲۶</sup>، توت <sup>۲۷</sup>، توت <sup>۲۸</sup>، توت <sup>۲۹</sup>، توت <sup>۳۰</sup>، توت <sup>۳۱</sup>، توت <sup>۳۲</sup>، توت <sup>۳۳</sup>، توت <sup>۳۴</sup>، توت <sup>۳۵</sup>، توت <sup>۳۶</sup>، توت <sup>۳۷</sup>، توت <sup>۳۸</sup>، توت <sup>۳۹</sup>، توت <sup>۴۰</sup>، توت <sup>۴۱</sup>، توت <sup>۴۲</sup>، توت <sup>۴۳</sup>، توت <sup>۴۴</sup>، توت <sup>۴۵</sup>، توت <sup>۴۶</sup>، توت <sup>۴۷</sup>، توت <sup>۴۸</sup>، توت <sup>۴۹</sup>، توت <sup>۵۰</sup>، توت <sup>۵۱</sup>، توت <sup>۵۲</sup>، توت <sup>۵۳</sup>، توت <sup>۵۴</sup>، توت <sup>۵۵</sup>، توت <sup>۵۶</sup>، توت <sup>۵۷</sup>، توت <sup>۵۸</sup>، توت <sup>۵۹</sup>، توت <sup>۶۰</sup>، توت <sup>۶۱</sup>، توت <sup>۶۲</sup>، توت <sup>۶۳</sup>، توت <sup>۶۴</sup>، توت <sup>۶۵</sup>، توت <sup>۶۶</sup>، توت <sup>۶۷</sup>، توت <sup>۶۸</sup>، توت <sup>۶۹</sup>، توت <sup>۷۰</sup>، توت <sup>۷۱</sup>، توت <sup>۷۲</sup>، توت <sup>۷۳</sup>، توت <sup>۷۴</sup>، توت <sup>۷۵</sup>، توت <sup>۷۶</sup>، توت <sup>۷۷</sup>، توت <sup>۷۸</sup>، توت <sup>۷۹</sup>، توت <sup>۸۰</sup>، توت <sup>۸۱</sup>، توت <sup>۸۲</sup>، توت <sup>۸۳</sup>، توت <sup>۸۴</sup>، توت <sup>۸۵</sup>، توت <sup>۸۶</sup>، توت <sup>۸۷</sup>، توت <sup>۸۸</sup>، توت <sup>۸۹</sup>، توت <sup>۹۰</sup>، توت <sup>۹۱</sup>، توت <sup>۹۲</sup>، توت <sup>۹۳</sup>، توت <sup>۹۴</sup>، توت <sup>۹۵</sup>، توت <sup>۹۶</sup>، توت <sup>۹۷</sup>، توت <sup>۹۸</sup>، توت <sup>۹۹</sup>، توت <sup>۱۰۰</sup>

مَوْزَا (*Morea*): توت - عربی: فرصاد نام شیره آن: دیامیرون (*Dia moron*) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۴۷]

زر، خط.	توت - فرصاد	<i>Morus nigra L.</i>
		<i>Morus alba L.</i>
دیسکورید	مورا - توت - فرصاد	<i>Morus alba L.</i>
الموسوعه	توت - فرصاد - توت	<i>Morus sp.</i>



<i>Ficus carica L.</i>	تین	طباطبانی
<i>Ficus carica L.</i>	<i>Hendia &amp; Bengal: Anjir - Punjab: Fagari</i> <i>Sanskrit &amp; Bobay: Anjira</i>	GLO.IN.

۴۸۵- تیواج:؟

### حرف «ث»

۴۸۶- ثافسیا، ثافسیا، ثافسیا، ثافسیا، تفسیا، تفسیا، تفسیا، تافسیا، تافسیا (نامی مغربی)، آدریس<sup>ع</sup> (نامی بربری)، یفتون: نام صمغ گیاه است. ثافیس نام جزیره ای است که اولین بار گیاه از آن ذکر شده است.<sup>ع</sup> در مورد ماهیت آن اختلاف است.<sup>ش</sup> آن را صمغ نوعی «کلخ» یا صمغ «سذاب بری» یا صمغ «مثنان» یا صمغ «دمیثا» می دانند و برخی آن «سذاب» گفته اند.<sup>ع</sup> نام های دیگر آن: یونانی: مراس<sup>ع</sup> - بربری: اورباس<sup>ع</sup>، آدریاس<sup>ع</sup> - مغرب: دریاس<sup>ع</sup> - صمغ «سذاب» دانستن آن اشتباه است.<sup>ع</sup>

<i>Thapsia garganica</i>	دریاس - دروس - دزست - اذریاس - ثافسیا	زریاب
<i>Thapsia garganica</i> <i>Vicia sativa L.</i>	تافسیا	خطابی
<i>Gum of Anethum graveolens L.</i>	تافسیا	EN.

۴۸۷- ثایطرون: نام های دیگر آن: کُزْبَرَةُ الحِشَّة<sup>ع</sup> - برخی نام ورقه اللطینیه، به آن داده اند.<sup>ع</sup>

<i>Thalictrum aquilegifolium L.</i>	ثایطرون	EN.
-------------------------------------	---------	-----

۴۸۸- ثُداء<sup>ش</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است. ابونصر<sup>ع</sup> آن را نوعی خُمَاض با نام «ثُزف» معرفی کرده و «ابو خَرشَن» خشک آن را «مُصاص» گفته است.<sup>ش</sup>

۴۸۹- ثرمان<sup>ش</sup>: نوعی جنبه از جنس خُمض است.<sup>ش</sup>

۴۹۰- ثریا<sup>ش</sup>:

۴۹۱- ثُغَب<sup>ش</sup>: درخت بزرگی است که در قله های کوه رویش دارد.<sup>ش</sup>

۴۹۲- ثُغام<sup>ع</sup>، ثُغام<sup>ش</sup>: نام های دیگر آن: عربی: حَلی<sup>ع</sup>، ازراری<sup>ش</sup> - فارسی: سپید گیاه<sup>ع</sup> (درمنه اسپید)

<i>Atractylis gummifera L.</i>	ثُغام - سپید گیاه	زریاب
--------------------------------	-------------------	-------

۴۹۳- ثَلَب<sup>ع</sup>: (نامی عربی)

۴۹۴- ثُمَام<sup>ع</sup>، ثُمَام<sup>ش</sup>: نام های دیگر آن: غَزَب<sup>ش</sup> - تنکابین: زرواش<sup>ع</sup> - مازندران: میل<sup>ع</sup>

<i>Pennisetum sp.</i>	ثُمَام	زریاب
-----------------------	--------	-------

۴۹۵- ثوع<sup>ش</sup>:

۴۹۶- ثُوم<sup>ش</sup>: درخت بزرگی است که در شهرهای عربی رویش دارد.<sup>ش</sup>



۴۹۷- «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»: نام‌های دیگر آن: فارسی: «سیر» - هندی: «لہسن» - سریانی: «توما» - رومی: «اسکردا» - نام‌های نوع دشتی آن: رومی: «اسکردیون» - سریانی: «ثومادیرا» - فارسی: «سیردشتی» - مولینلس (هوفیوسقردن) - نام‌های ثوم بری: یونانی: «اسقوردیون» - عربی: «ثوم الحیه»، «دراقونسقردیون» نام‌های ثوم جبلی: فارسی: «موسیر» - نوع دیگر «ثوم ذی الأسنان» به نام «أغلیس» است. <sup>۴</sup> - «اشیبلی» می‌گوید: ثوم برگ‌یاهان مختلفی گفته می‌شود که عبارتند از: ۱- ثوم معروف (نوعی بصل) ۲- نوع بستانی با نام‌های: سقردین، لوفو سقردین، الیش، تیشرت، تسکرت ۳- نوع بری با نام‌های: اسقردیون، ثوم الحیه ۴- ثوم جبلی با نام اسقردیون <sup>۵</sup>

شُقْرُذِین (Skordon): ثوم البستانی

أَوْفِیُوشُقْرُذِین (Ophiooskordon): ثوم الحیة

بُرَاسِنُوشُقْرُذِین (Skordoprason): ثوم کُرَائی

أَشُقْرُذِین (Skordion): این گیاه را بخاطر مشابهت در بو «ثوم» نامیده‌اند و جالینوس آن را بعنوان «ثوم بری» معرفی کرده و آن غیر از «ثوم الحیة» است. نام‌های دیگر آن «حافظ الأجساد» و «حافظ الموتی» است و اهالی اندلس به آن «مَطْرَقَال» (Matricalis) و گیاهشناسان اندلسی نیز به آن «حشیشه الثومیة» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیکرید) ۳- ۱۳۶ و ۱۳۷]

<i>Allium sativum L.</i>	ثوم	ز، خ، ط.
<i>Allium sativum L.</i>	شقرذین - ثوم بستانی	دیسکوریذ
<i>Allium scorodoprasum L.</i>	براسنوشقرذین - ثوم کرائی	دیسکوریذ
<i>Teucrium scordium L.</i>	اشقرذین - ثوم بری - حافظ الاجساد	دیسکوریذ
<i>Allium carinatum L.</i>	ثوم جبلی	الموسوعه
<i>Allium sativum</i>	ثوم زراعی	الموسوعه
<i>Teucrium scordium L.</i>	ثوم الحیه	الموسوعه
<i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i>	ثوم بری - شقردیون	الموسوعه
<i>Allium sativum L.</i>	سیر	پارسا
<i>Allium scorodoprasum L.</i>	پیاز کوهی	پارسا
<i>Teucrium scordium L.</i>	ثوم کرائی	طباطبائی

۴۹۸- ثوم بری <sup>۴</sup>: چنانچه ذکر شد دیسکوریذ نام آن را «ثوم الحیه» نهاده ولی جالینوس آن را به گیاه دیگری به نام «أسقردین» که گیاهشناسان اندلسی به آن «حشیشه الثومیة» گویند اطلاق می‌کند. و به نام‌های «مطرقال»، «حافظ الأجساد» و «حافظ الموتی» نیز نامگذاری شده است. و بسیاری از مترجمان به اشتباه این گیاه را همان «ثوم الحیه» می‌دانند و آن را ذیل ترجمه «ثوم» ذکر می‌کنند. <sup>۴</sup>

<i>Alliaria officinalis L.</i> <i>Sysambrium alliaria Scop.</i>	حشیشه الثومیة - ألباریا	الموسوعه
<i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i>	ثوم بری - شقردیون	الموسوعه
<i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i>	ثوم بری	خطابی

۴۹۹- ثومیة <sup>۵</sup>: حشیشه الثومیة نام‌های نوع دیگر آن عبارتست از: حشیشه الثومیة، ثوم الضفادع - مطرقال، مطرقان - ملجاله - بلزبانه یعنی



۵۰۵ - جاشوش<sup>ص</sup> (جاسوس)، جاسوس<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: خشخاش الزبیدی<sup>ع</sup> - کاشوش<sup>ص</sup> - سریانی: کشوش<sup>ص</sup> - دیسکورید نام آن را «میفن افردس» می‌داند که این نام معادل «جاشوش» یا «جاسوس» و «خشخاش زبیدی» ذکر شده است.<sup>ص</sup>

<i>Silene infelata</i> Sm.	جاشوش	زریاب
<i>Silene cucubalus</i> Willd		
<i>Gratiola officinalis</i> L.		

۵۰۶ - جام بهل<sup>!</sup>: (نام میوه هندی) نام دیگر آن به بنگالی «سفری» است.<sup>!</sup>

۵۰۷ - چامرکھاس<sup>!</sup>: (نامی هندی و بنگالی)

۵۰۸ - جامون<sup>!</sup>: (نام میوه هندی)

۵۰۹ - جاوژس<sup>!</sup>، جاووس<sup>ص</sup>، جاورس<sup>ع</sup>، جاورس<sup>ث</sup>، جاورس<sup>ج</sup> (معرب گاورس)، کنخروس<sup>ع</sup>، کیموس<sup>ص</sup>: نام‌های دیگر آن: کاورس<sup>!</sup>، گاورس<sup>ص</sup> - رومی: کنخرن<sup>ص</sup> - عربی: دخن<sup>ص</sup> - هندی: باجرا<sup>!</sup> - سه نوع است: نام‌های نوع اول: فارسی: ارزن<sup>ث</sup> - شیرازی: آلم<sup>!</sup> - نام‌های نوع دوم: فارسی: ذرت<sup>!</sup> - هندی: جوار<sup>!</sup> - نام‌های نوع سوم: جاورس که همان معرب گاورس<sup>ث</sup> است. - شیرازی: کال<sup>ث</sup> - هندی: کنکنی<sup>!</sup> - یک نوع دیگر: جاورس هندی<sup>ص</sup> - فارسی: ذره<sup>ص</sup> - گاورس بر سه گونه است یکی (از گونه‌های آن) «دخن» است.<sup>ص</sup> آشیلی<sup>!</sup> می‌گوید: دارای سه نوع ۱- ذره ۲- شینه ۳- دخن بری<sup>ث</sup> است که دانه‌های آن‌ها به ترتیب کوچک می‌شود. نام‌های دیگر دخن بری عبارتست از: کنجروس، قمح السودان، بنجاین<sup>!</sup> غسانی<sup>!</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گروهی آن را نام «دخن» دانسته و گروهی آن را نامی برای «ذره» می‌دانند و مشهور آنست که همان «دخن» است.<sup>ث</sup> ابن وافد<sup>!</sup> می‌گوید: این گیاه نزد همه پزشکان نوع کوچک «دخن» است و دانه‌ای محکم و خاکستری رنگ دارد، ولی نزد غالب مترجمان نام خود «دخن» است، به خلاف دیگران «ابوحنیفه» برای «دخن» دو قسم ذکر می‌کند و معتقد است «جاوروس» نام فارسی و «دخن» نامی عربی است.<sup>ع</sup>

کیخروس<sup>!</sup> (Kenkhros): نوعی از «ذره» که اطباء آن را «جاووس» می‌نامند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۲]

<i>Panicum miliaceum</i> L.	کیخروس - جاووس	دیسکورید
<i>Opopanax chironium</i> Koch		
<i>Panicum miliaceum</i> L.	جاورس - دخن	زر - خط.
<i>Opopanax chironium</i> Koch		
<i>Holcus sorgum</i>	قسم ارزن - ذرت دانه ریزه - دیمیله (بانه)	پارسا
<i>Panicum miliaceum</i> L.	ارزن	پارسا
<i>Zea mais</i>	ذرت	پارسا
<i>Milium indicum</i>	جاورس	EN.

۵۱۰ - جاوشیر<sup>!</sup> (نام صمغ)، جاوشیر<sup>ص</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، جاوشیر<sup>ج</sup>، جاوشیر<sup>ع</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، فاناقس ایراقلیوس<sup>ع</sup>، جاوشیر<sup>ع</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، فاناقس ایراقلیون<sup>ص</sup>: از جنس کفوف و نوعی جنبه است.<sup>ث</sup> نام‌های دیگر آن: جاوشیر<sup>ث</sup>، جاوشیر<sup>ع</sup>، فارسی: گاوشیر<sup>ص</sup>، لاورشیر<sup>ص</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، کوشیر<sup>!</sup>، کاهل<sup>ص</sup>، این گیاه از اصفهان جمع آوری می‌شود.<sup>ص</sup> - شیرازی: جاحوشی<sup>ث</sup> - سریانی: ذفارا<sup>ص</sup>، حلباتورا<sup>ص</sup> - یونانی: ابویناقس<sup>ص</sup> (ابوپاناقس نام صمغ و پاناقس نام گیاه است.) - رومی: باناقس<sup>ص</sup> - عسالیج - ابراوی<sup>ث</sup> - ابرقلیون<sup>ث</sup> - ابرقینون<sup>ث</sup> - برورا<sup>ث</sup> - جلوکا<sup>ث</sup>

فاناقس ایزقلیون<sup>!</sup> (*Panakes herakleion*): برگردان آن به عربی «فاناقس کبیر» و نام درخت - گیاه - «جاوشیر» و نام ریشه آن به

سریانی «برورا» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۴۵]

<i>Opopanax sp.</i>	کاوشر - جاوشر - بیسارون بری	الموسوعه
<i>Opopanax chironium Koch.</i>	فاناقس ابرقلیون - جاوشر	دیسکورید
<i>Opopanax chironium Koch.</i>	جاوشر	طباً... EN.
<i>Ferula galbaniflua Boiss. &amp; Buhse</i>	India: Jawashir	GLO.IN.

## ۵۱۱ - چاؤل مُنکری: (نام درخت هندی)

۵۱۲ - جامع اللحم: به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی «فول الحمام» و دیگری نوعی از «یتوع» است.<sup>ش</sup>

۵۱۳ - جَبْرَة، جَبْرَة: (نام مغربی مشتق از جبر)، اولسطیون: نام های دیگر آن: گیاهشناسان اندلس: جبرَة - یونانی: اولسطیون<sup>ش</sup> (به معنای جمع کننده پوست)

أولسطیون (*Holosteon*): برگردان عربی آن «جامع البضع»<sup>(۱)</sup> یعنی جمع کننده گوشت است و آن را نمی شناسم. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱]

<i>Holosteum umbellatum L.</i>	اولسطیون - جامع البضع	دیسکورید
--------------------------------	-----------------------	----------

۵۱۴ - جَبْلَاهَنگ، جَبْلَاهَنگ، جَبْلَاهَنگ، جَبْلَاهَنگ، جَبْلَاهَنگ، جَبْلَاهَنگ: معرب جبل هنج که نام فارسی دانه ای است. - نام های دیگر آن: جَلَهَنگ، جَبْلَاهَنگ، جَبْلَاهَنگ، جَبْلَاهَنگ، جَبْلَاهَنگ - نام گیاه در کتاب دیسکورید: سیسامویداس الکبیر، به معنای مشابه «سسم»<sup>ع</sup>

<i>Reseda alba L.</i>	خزام ایض - ذیل ایض - ذیل الخروف - جَبْلَاهَنگ	الموسوعه
<i>Reseda alba L.</i>	جَبْلَاهَنگ	زر. - طباً.

## ۵۱۵ - جَبَه:

<i>Hibiscus rosa-sinensis L.</i>	جبه	الموسوعه
----------------------------------	-----	----------

۵۱۶ - جَبْجَاث، جَبْجَاث، جَبْجَاث: (نامی عربی) نام های دیگر آن: یونانی: بردیسیون - ریحان بری<sup>س</sup> - مصر: شاور<sup>ع</sup>

<i>Pulicaria crispa Cass.</i>	جَبْجَاث - ریحان بری	زریاب
-------------------------------	----------------------	-------

۵۱۷ - جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار: (نام ریشه) معرب زوار نام های دیگر آن: عربی: انتله<sup>ش</sup> - یونانی: ساطر یوس<sup>ع</sup> - مغربی: ماه فرین، ماه فروین - هندی: نربسی ('نر' به معنای دافع و خالص کننده و بسی به معنای زهر است).

<i>Curcuma zedoaria Rosc.</i>	جدوار	زر. - خط.
<i>Curcuma zedoaria Rosc.</i>	جدوار عقید، کرکم زوار، زدوار، سَطْوَال	الموسوعه
<i>Curcuma caesia Roxb.</i>	جدوار اسود، کرکم اسود	الموسوعه

۱- ابن جلجل بجای این واژه در برگردان نام جامع اللحم را آورده است.



۵۲۲ - جرمامة: نوعی بقل نام های دیگر آن: دُبَج - باربه دلابر یعنی لحيه الارنب - باربه قُنْليَة یعنی لحيه القنليه<sup>ش</sup>

۵۲۳ - جَرْمِيلِك: نام های دیگر آن: کوهستان و لرستان: وجائلق<sup>۱</sup> - ترکان: نبات ازاد<sup>۲</sup>

۵۲۴ - جرنوب<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: حُرْبِق الأملس<sup>۴</sup> - جلبوب<sup>۵</sup>

۵۲۵ - جَرُونَجِي: (نامی هندی)

۵۲۶ - جریال<sup>۶</sup>: معرب گرد هیار و گریال<sup>۷</sup> - نام های دیگر آن: در اصطلاح رنگرزان: عروس آب<sup>۸</sup>، جریال بقم<sup>۹</sup> - عربی:

جریال<sup>۱۰</sup>، جریله خمر<sup>۱۱</sup> (به رنگ خمر جریال گویند.)

۵۲۷ - جَزْر: جَزْر<sup>۱۲</sup>، جَزْر<sup>۱۳</sup>، جَزْر<sup>۱۴</sup>، جَزْر<sup>۱۵</sup>، نهشل<sup>۱۶</sup>، نهشل<sup>۱۷</sup> (نام نوع بری) بزر الجزر البستانی<sup>۱۸</sup>، بزر الجزر البری<sup>۱۹</sup>:

معرب کرد فارسی از جنس هدیبات است. - نام های دیگر آن: فارسی: زردک<sup>۲۰</sup>، گزر<sup>۲۱</sup> - هندی: کاجر<sup>۲۲</sup> - سریانی:

اصطفیلن<sup>۲۳</sup> - یونانی: دقفوس<sup>۲۴</sup>، دقیقه<sup>۲۵</sup>، دقفینی<sup>۲۶</sup> - رومی: دقفین<sup>۲۷</sup>، کشور<sup>۲۸</sup>، کرز<sup>۲۹</sup> - فاس: سفناریه<sup>۳۰</sup> - مراکش: خیزو<sup>۳۱</sup>،

اقلیشا<sup>۳۲</sup> - بزر الجزر البستانی - تخم گزر<sup>۳۳</sup> - بزر الجزر البری - دوقو<sup>۳۴</sup> - نام نوعی از آن: زوفس<sup>۳۵</sup> (شاید همان دوقس باشد)

- نام های نوع دشتی: در کتاب دیسکورید: اصطفالینوس<sup>۳۶</sup> - رومی: نافوس<sup>۳۷</sup> - بنا به نقل اهوازی: شقاقل<sup>۳۸</sup>، شقاقل<sup>۳۹</sup>

نام های نوع بری: اسطافالیوس<sup>۴۰</sup>، اسطافالیقوس<sup>۴۱</sup> اغریوس<sup>۴۲</sup>، نام نوعی: دوقو<sup>۴۳</sup> - نام نوعی: دوقو القراذی<sup>۴۴</sup> - دشتی آن «شقاقل»

باشد. <sup>۴۵</sup> اشبیلی می گوید: دارای انواع بسیار است که برخی عبارتند از: ۱ - نوع بری با نام های: اسطافالینوس اغریوس، دوقو الاحرش، اصطفیلن،

مازش، جهنک، بشتاقه ۲ - نوعی با نام دوقو القراذی ۳ - نوعی با نام لباله و صناحیه ۴ - نوعی با نام دوقو الرومی ۵ - نوعی با نام بهنک و جهنک

۶ - نوعی با نام قمح جبلی و بسطیقون<sup>۴۶</sup>

اسطافالینوس اغریوس (Staphulinos agrios): جَزْر بری - دوقو - جزر بستانی

جَنجیدِیون (Gingidium): اصطفن ابن بسیل آن را «شاهترج» می داند در صورتیکه نه تنها با مشخصات «شاهترج» همخوانی

ندارد بلکه با آن مغایر است و صحیح آن است که این گیاه را نوعی «جزر بری» بدانیم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲/۴۹ - ۲/۱۶۱]

<i>Daucus carota L.</i>	جزر	ز - خ - ط.
<i>Daucus carota L.</i>	اسطافالینوس اغریوس، جزر بری، جزر بستانی	دیسکورید
<i>Daucus gingidium L.</i>	نوعی جزر بری	دیسکورید
<i>Daucus carota L.</i>	جزر - اصطفیلن	الموسوعه
<i>Daucus carota L.</i>	جزر بری	الموسوعه
<i>Athamanta cretensis</i>	جزر الرعاة - دوقس	الموسوعه
<i>Pastinaca sativa L.</i>	گزر دشتی	پارسا
<i>Pastinaca secacul Russ.</i>	گزر صحرائی - شقاقل مصری	پارسا

۵۲۸ - جَعْدَه، جَعْدَه<sup>۱</sup>، جَعْدَه<sup>۲</sup>، جَعْدَه<sup>۳</sup>، جَعْدَه<sup>۴</sup>، جَعْدَه<sup>۵</sup>، جَعْدَه<sup>۶</sup>: از جنس شیحات است نام های دیگر آن: یونانی: فولیون<sup>۷</sup> -

کیسرگونه<sup>۸</sup> - کیسومر<sup>۹</sup> نوع صغیر جبلی به شیرازی: گل اریه<sup>۱۰</sup> - نوع کبیر، نوع بستانی: جَعْدَه کبیر<sup>۱۱</sup> - فارسی: عنبر

بید<sup>۱۲</sup> اشبیلی می گوید: نام جَعْدَه در کنار نام های مشابهی چون «جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه حزان» قرار می گیرد ولی هیچ یک با هم شباهتی

ندارند و در ماهیت آن اختلاف است و از آن چهار نوع ذکر شده است: ۱ - کوهی سفید معروف به بذلیره ۲ - نوعی معروف به مسک الجن ۳ - نوع

حرانیه با نام های: الیون، الیاله - بولیون، فولیون، کفلیون، قرشیون، یربه قرشته، شنشنتوره، کموتان، قلوبن ۴ - نوع بحری معروف به جَعْدَه

بحری - اما سایر گیاهانی که فقط شباهت اسمی به جَعْدَه دارند عبارتند از: الف - جَعْدَه الجدران که همان هندباء الاجعد است. ب - جَعْدَه با

نام یزبه بذلیره یعنی از بین برنده قمل که خود دارای دو نوع است و نام های آن عبارتست از: ۱ - مسک الجن، مسک الارض ۲ - تافیزان، فنقین،

میوس، فرلیون ج - جَعْدَه که همان قرة العین است. د - جَعْدَه ه - جَعْدَه یله که نوعی اسطوخودوس است. <sup>۱۳</sup> - «دیسکورید» نوع جبلی را

«فولیون» می نامند.

پُلُون (Polion): نوع سیاه و سفید «جَعْدَه» را گویند که نام رومی آن «فولیون» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۵]

<i>Teucrium polium L.</i>	بلوین - جعده	دیسکورید
<i>Teucrium polium L.</i>	جعده	زر، EN.
<i>Ajuga iva</i>	جعده	طبا. - خط.

۵۲۹ - جعدة الفناء: نام‌های دیگر آن: دمشق: کُزبرة البیر<sup>ع</sup>

۵۳۰ - جُفت آفرید، جُفت آفرید<sup>س</sup>، جُفت آفرید<sup>ب</sup>، جُفت آفرید<sup>د</sup>: نامی فارسی به معنای زوج آفریده شده<sup>ع</sup>

<i>Androsace Tourn.</i>	جفت افرید	زریاب
-------------------------	-----------	-------

۵۳۱ - جُفن<sup>ش</sup>:

۵۳۲ - چَکَی<sup>ف</sup>: (نامی هندی) نام دیگر آن به بنگالی «کتهل» است.<sup>ف</sup>

۵۳۳ - چَکَوْتَرَه<sup>ف</sup>: (نامی هندی) نوعی لیمو<sup>ف</sup> - نام دیگر آن به هندی «تاوه» است.<sup>ف</sup>

۵۳۴ - چَکَوْنَد<sup>ف</sup>: (نامی هندی) نام دیگر آن به هندی «پنواز» است.<sup>ف</sup>

۵۳۵ - چَلاپا<sup>ف</sup>: (در شهر چلاپا وجود دارد) نام دیگر آن به انگلیسی «جلب» است.<sup>ف</sup>

۵۳۶ - جَلْبَان<sup>ب</sup>، جَلْبَان<sup>س</sup>، جَلْبَان<sup>ع</sup>، جَلْبَان<sup>ش</sup>: از انواع «قطنیه» است<sup>ش</sup> و دارای سه جنس است، یکی - از آن سه - «کرسنه»... و «جلبان» را در قزوین «خُتر» و در آذربایجان «کلول» و در خراسان گروهی - آن را - «مُلک» گویند.<sup>ب</sup> «اشبیلی» می‌گویند: دارای انواع زراعی و غیر زراعی است، گروه زراعی در چهار نوع با نام‌های ۱ - بسیل ۲ - براج، خَلَر، خَزَفی ۳ - شسترن ۴ - جلبان است نام‌های نوع غیر زراعی در پنج نوع عبارتست از: ۱ - بقیه، اباقی ۲ - ... ۳ - اقبینی یعنی مکنتر اللین، بولوغالی، غلوکش ۴ - جلبان، خَلَر، اربلیش، تنیفن، الخرفا، جلدان، جاجر ۵ - حبشه، اقروم<sup>ش</sup> «غافقی» می‌گویند: نوع بزرگ «جلبان» که تنها پخته آن خوراکی است به نام «بسيلة» معروف است و نوع دیگر آن بری است.<sup>ع</sup>

<i>Pisum sativum L.</i>	جلبان	خطابی
<i>Lathyrus sativus</i>	جلبان	طباطبانی
<i>Lathyrus sp.</i>	جلبان	EN.

۵۳۷ - جَلجلان الحبشة<sup>ع</sup>: ابن جلیجل آن را «بزر خشخاش الأسود» می‌شناسد.<sup>ع</sup>

۵۳۸ - جُلنار<sup>ب</sup>، جُلنار<sup>س</sup>، جُلنار<sup>ع</sup>، جُلنار<sup>ش</sup>، جُلنار<sup>د</sup>، جُلنار<sup>ف</sup>، جُلنار<sup>ب</sup>، جُلنار<sup>س</sup>، جُلنار<sup>ع</sup>، جُلنار<sup>ش</sup>، جُلنار<sup>د</sup>، جُلنار<sup>ف</sup>: (زیرا گل آن بسیار بزرگ و پر برگ می‌باشد). - رومی: لائتوریدس<sup>س</sup>، اوتنات<sup>ب</sup> (به معنای بهترین گل هاست) - سریانی: وردادرمانا<sup>س</sup>، رمانامصرینا<sup>س</sup> - مصری: خنداقل<sup>س</sup> - نام‌های نوع دشتی: رومی: فلوسطیون<sup>س</sup> - یونانی: کنطینوس<sup>س</sup> - سریانی: رمانادبرا<sup>س</sup> - فارسی: گلنار دشتی<sup>س</sup> - مصری: خنداقل<sup>س</sup> - عربی: مظ<sup>س</sup> - نام‌های نوع مصری: اورابالاسطون<sup>س</sup> - میوه درخت «نار» است و به بار «رمان» می‌گویند.<sup>س</sup> - دیسکورید می‌گوید: نام

«جُلنار بری» «بالسطیون» است<sup>ع</sup> «جالینوس» می‌گوید: «جُلنار» گل «رمان بری» است و «جُنْبَد» گل «رمان بستانی»<sup>ع</sup> بالسطیون (*Balaustion*): «جُلنار» نام گل «رمان بری» و «جُنْبَد» گل «انار بستانی» است که به آن «جُلنار» نیز گویند. نام دیگر جُلنار «رَعَث» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۴]

<i>Punica granatum L.</i>	بالسطیون - جُلنار	دیسکورید
<i>Punica granatum L.</i>	جُلنار	ز. - ط. - خ.
<i>Punica granatum L.</i>	درخت انار	پارسا

۵۳۹ - جلنجمون<sup>س</sup>، جلنجویه<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: صعتر الفرس<sup>ع</sup> - فونج البری<sup>ع</sup> - یونانی: غلجن<sup>ع</sup> - فلائیه<sup>ع</sup> - نام دیگر آن صعتر العدس<sup>س</sup> است و شاید همان «صعتر الفرس» باشد که همان «بودنه صحرائی» و صعتر فارسی است.

زریاب	جلنجمون - صعترالعدس	<i>Mentha pulegium L.</i>
-------	---------------------	---------------------------

۵۴۰ - جُنْسَرین<sup>ع</sup>: نوعی از «نسرین» پر خار که در شهرهای ما به «ورد الذکر» معروف است.<sup>ع</sup>

۵۴۱ - جُلُوْزُ یا جِلُوْزُ، جِلُوْزُ، جِلُوْزُ، جِلُوْزُ، جِلُوْزُ (نامی عربی) نام های دیگر آن: بندق<sup>س</sup> - جیلغوز یعنی جوز الجیل<sup>س</sup>، جلفوزه مصری<sup>س</sup> - آوزه<sup>س</sup> - فارسی: فندق<sup>س</sup> - اهل مغرب: ارجان<sup>س</sup>، ارقان<sup>س</sup>، بادام کوهی<sup>س</sup> - شیرازی: بخرک<sup>س</sup> - لوز البربر<sup>س</sup> - ابیلانس<sup>س</sup> - بسطیقیا<sup>س</sup>

قاربانیطقا (*Karua pontika*): شجره البُنْدُق - اهالی مغرب: جِلُوْزُ [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۴]

زریاب	جلوز - بندق - ارزه	<i>Corylus avelana L.</i>
دیسکورید	قاربانیطقا - شجره البندق - جلوز	<i>Corylus avelana L.</i>

۵۴۲ - جُلْهَم<sup>ع</sup>: گویند نام «عوسج أسود» است.<sup>ع</sup>

۵۴۳ - جلیف<sup>ع</sup>: «غافقی» می گویند: بذر معروف به عجمی اندلس به «بشت» و نام دیگر آن «زوان» است.<sup>ع</sup>

۵۴۴ - جلیط<sup>س</sup>: نوعی ابهل

۵۴۵ - جِمْمِجُمُ، جِمْمِجُمُ، جم جم<sup>س</sup>: برخی آن را «بهمن ایض» می دانند.<sup>ع</sup>

۵۴۶ - جمسفرم<sup>ع</sup>، جمسفرم<sup>س</sup>: گویند به معنای «ریحان سلیمان» است.<sup>ع</sup> - نام دیگر آن: جماهو سلیمان<sup>س</sup>

الموسوعه	حبق الرهبان - ریحان سلیمانی	<i>Ocimum filamentosum Forsk.</i>
طباطبائی	جمسفرم	<i>Ocimum gratissimum L.</i>

۵۴۷ - جمرة الارض<sup>س</sup>: نام مشترک برای گیاه «قُرْنَبی» و «شمال» است. علت نامگذاری به جمرة الارض بخاطر رنگ قرمز آتشین آن در مراحل اولیه رویشش می باشد.<sup>س</sup>

۵۴۸ - جُمْمِيزُ، جُمْمِيزُ، جُمْمِيزُ، جُمْمِيزُ، جُمْمِيزُ، جُمْمِيزُ: نوعی انجیر نام های دیگر آن: عربی و یمن: زَقْع<sup>س</sup> - یونانی:

شیقوموری، اسفومغری، ایعاسوفسین<sup>س</sup> یعنی تین الاحمق<sup>س</sup>، سیقوموروس<sup>س</sup> - هندی: کولر، ثمر پشه<sup>س</sup> به دلیل آنکه

درون میوه آن پشه جمع می شود.<sup>س</sup> - دیسکورید: سیقوموری<sup>ع</sup> - سوقاسینس<sup>ع</sup>، به معنای «تین احمق» - سوفامینوس<sup>س</sup> - فیقوس<sup>س</sup>

- فیقوموراس<sup>س</sup> - فیهه منتیره یعنی تین جبلی<sup>س</sup>

سیقاموری (*Sukomoron*): تین احمق - جُمْمِيزُ - این گیاه در مغرب نمی روید. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید)]

د.خ - EN	جمیز	<i>Ficus sycomorus L.</i>
----------	------	---------------------------

۵۴۹ - جنت قابطه<sup>(۱)</sup>: از جنس گیاهان خاردار و از نوع جنبه است و «ابن جزار» آن را به اشتباه «فو» معرفی کرده است. دارای چهار نوع با نام های

زیر است: ۱ - کامیونین، ابارس، اسطراطیقوس به معنا شوک المفلل، ایرنجی یعنی مفید برای ورم حالب، جنت قابطه یعنی دارای صد سر،

قرصنه - شام: مجنون، ام یحیی، شوکه العقرب شوکه الزرقاء، کوبیه ۲ - اسطراطیقوس الصغری، ارنتاله، زریقاه ۳ - زریقاه، ارنتاله ۴ - اروناردش،

بولایبٹس، اورمش<sup>س</sup>



۵۵۰ - جناح التیس<sup>ع</sup>، جناح التیس<sup>ث</sup>: نام «حرف» است و «جناح» نزد عامه اندلس «راسن» نام دارد.<sup>ع</sup>

۵۵۱ - چَنیَا: (نامی هندی)

۵۵۲ - جَنْجَانَسَه: اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: نام دو گیاه است: ۱ - عُقْرَبَان ۲ - هَذیلِیه، که برخی آن را نوعی «خولنجان» با نام اندمولیا و الطردونه می‌دانند.<sup>ث</sup>

۵۵۳ - جنجل<sup>ع</sup>، جنجل<sup>ث</sup>، جَنْجَل<sup>ث</sup>: در دمشق بسیار است.

۵۵۴ - جنجیدون<sup>ع</sup>: هر چند «اصطف بن یسیل» آن را گیاه «شاهترج» معرفی کرده ولی این درست نیست زیرا من - ابن بیطار -

این گیاه را در شهرهای ایتالیا مشاهده کرده‌ام و مشخصات آن را با گیاه «شاهترج» متفاوت دیده‌ام و آن نوعی «جزر» است.<sup>ع</sup>

۵۵۵ - جَنْطِیَانَا، جَنْطِیَانَا، جَنْطِیَانَا، جَنْطِیَانَا، جَنْطِیَانَا (نامی یونانی یا رومی)، بشل<sup>ع</sup>، شکه<sup>ع</sup> (نامی

اندلسی)، دواء الحیه<sup>ع</sup>، دواء الحیه<sup>ث</sup>، کوشاد<sup>ع</sup>: نوعی جنبه ریشه «حنظل رومی» است.<sup>ث</sup> اسم آن از نام پادشاهی به نام جنطین که

از آن خواص اطلاع یافت و یا به وسیله آن شفا یافت گرفته شده است. نام‌های دیگر آن: داء الحیه<sup>ث</sup>، جنطیان<sup>ث</sup>

رومی: اسلیسقان<sup>ث</sup>، قنطیانی<sup>ث</sup>، غنطیانی<sup>ث</sup> - فارسی: کوشاد<sup>ث</sup> - اندلس: یش کشکه<sup>ث</sup> - هندی: یکهان بید<sup>ث</sup>، فاه<sup>ث</sup>

"ابن بیطار" می‌گوید: دارای سه نوع است: نوعی در کوه‌ها و مکان‌های سردسیر و یخی می‌روید که نوع رومی است و نوع دیگر

«جرمقانی» و در مکان‌های مرطوب می‌روید.<sup>ع</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: دارای دو نوع است: ۱ - نوعی جنطیان الرومی با نام‌های:

شلسفین، جنطیانا، بشلشه<sup>ث</sup>، ثوم الحیه، دواء الحیه<sup>ث</sup>، شجر الحیه<sup>ث</sup>، لوف الکبیر، نام ریشه: کرشاد، کرنیا ۲ - نوع دوم جنطیانا الجرمقانی<sup>ث</sup>

جَنْطِیَانَا (Gentiana): این گیاه منسوب به پادشاهی به نام «جنطس» است که اولین مرتبه خواص آن را کشف کرده است. نام

های دیگر آن «دواء الحیه<sup>ث</sup>»، «کُوشاد<sup>ث</sup>» و به لاتینی «بَشَلْشَکَه» است و دارای رومی و جَرْمَقَانِی است. نوع رومی که زرد بسیار تلخ

است بهتر از نوع دیگر بوده و نوع جرمقانی سیاه رنگ و نامرغوبتر است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳]

Gentiana lutea L.	جنطیانا	ز-خ-ط-ع
Gentiana lutea L.	جنطیانا - دواء الحیه - کوشاد	دیسکورید

۵۵۶ - جَنی<sup>ع</sup>، جنی<sup>ث</sup>، جناء<sup>ث</sup>، أچ<sup>ث</sup>: نوعی از نَسَم است. نام‌های دیگر آن: در قیروان: شُماری<sup>ع</sup> - نزد عرب: برقة<sup>ع</sup> - اهل قدس:

قیقبان<sup>ع</sup>، یَقَب<sup>ع</sup> - فاس: ساسنوا<sup>ث</sup> - بربری: بوخنوا<sup>ث</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: جنا الاحمر از جنس درخت خشبی و از نوع ورق الاسی است و

دارای دو نوع است نام‌های نوع اول آن عبارتست از: اباریقون، اماریقون، قامارون، ازیریا، مطرونیه، بدلوزن، ثومارس، ماماقولا، قومارقوس،

اساسنوا، جَنی، جَمَجَوا، قاتل ابیه، یزبطه - و نوع دوم نوع نر و دارای نوع کوچک و بزرگ است.<sup>ث</sup>

Arbutus unedo	جنا	خطابی
---------------	-----	-------

۵۵۷ - جَوْدَر<sup>ع</sup>:

۵۵۸ - جُوان سَهَرَم<sup>ث</sup>: جنسی است از «یاسمین»<sup>ث</sup>

۵۵۹ - چوب چینی<sup>ث</sup>: خشب الصینی<sup>ث</sup> و بیخ چینی<sup>ث</sup>

Smilax L.	چوب چینی	پارسا
Smilax glabra Roxb		

۵۶۰ - چوب چینی خطائی<sup>ث</sup>:

۵۶۱ - جوز<sup>ث</sup>، جوز<sup>ث</sup>، جوز<sup>ث</sup>، جوز<sup>ث</sup>، جوز<sup>ث</sup>، جوز<sup>ث</sup>، جوز<sup>ث</sup>، جوز<sup>ث</sup>: خسف<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: گردکان<sup>ث</sup>، چهار مغز<sup>ث</sup> - هندی: اخروی<sup>ث</sup> -

جالینوس: قاریا<sup>ث</sup> - رازی: جوزالعدس<sup>ث</sup> - رومی: فریدی<sup>ث</sup> - اوریاسیس: قاریاسلقا<sup>ث</sup> (قاروا باسلیقا) - باسلیقا، قرشقا<sup>ث</sup> -

قاروذبیا ش - نوجی ش - اتسویک ش - برشیقآ ش - الموش

قارَباسِيلِقا (Karua basilika): جَوْز این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۴۶ / ۱۳۵:

<i>Juglans regia L.</i>	جوز	زر- طبا.
<i>Juglans regia L.</i>	قاربابسیلقا - جوز	دیسکورید

۵۶۲ - جَوْز أَرْقَمٌ، جوز أَرْقَمٌ: نام های دیگر آن: بربری: اکتار<sup>ع</sup>

<i>Bunium bulbocastanum L.</i>	آاکتار اجرد - تلفوطه - جوزارقم	الموسوعه
--------------------------------	--------------------------------	----------

۵۶۳ - جوز أَرْمَانِيُوسٌ: بنا به نظر این بیطار نامی برای «مُخَلَّصَه» است.<sup>ع</sup>

۵۶۴ - جوز الأَنْهَارِ، جوز الارض<sup>ش</sup>: نام های دیگر آن: کاکنج المرجی<sup>ش</sup> - در کتاب دیسکورید: قفآ<sup>ع</sup> - نام گیاه از نظر ابن جلجل و ابن بیطار: جوز القَطَا<sup>ع</sup>

۵۶۵ - جوز الاكل<sup>ع</sup>: از جنس درختان بزرگ است و گویند «جوز السواک» است و در مغرب بطور فراوان یافت شده و مشهور و معروف می باشد.<sup>ع</sup>

<i>Jualans regia</i>	جوز الاكل	خطابی
----------------------	-----------	-------

۵۶۶ - جَوْزَبَوَا، جوزبوا<sup>ع</sup>، جوزبوا<sup>ع</sup>، جوزبوا<sup>ع</sup>، جوزبوا<sup>ع</sup>، جوزبوا<sup>ع</sup>، جوارکون<sup>ع</sup>، جوزبوا<sup>ع</sup>، بسباسه<sup>ع</sup> (پوست جوزبوا)، جوزبوا<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: جوز الطیب<sup>ع</sup> - جوزبوا مغرب جوزبویای فارسی - یونانی: طریفولین<sup>ع</sup>، طریفولیا<sup>ع</sup> - هندی: جای پهل<sup>ع</sup>، جای بل<sup>ع</sup>، جادیفیل<sup>ع</sup>، ابرسناروا<sup>ع</sup>، جادوبوی<sup>ع</sup>، جای بل<sup>ع</sup>، جاونری<sup>ع</sup> - سریانی: کوزی دبسما<sup>ع</sup>، کوزی بویا<sup>ع</sup> - شام: دارکیسه<sup>ع</sup> - عربی: بَسْبَاسَه<sup>ع</sup> - فارسی: بزباز، سیزبار<sup>ع</sup>، کوزبویا<sup>ع</sup> - جالینوس: بالانوس<sup>ع</sup> - جوز الطیب<sup>ع</sup>، جوز الملک<sup>ع</sup> - نام ریشه آن «قَرْقَه» و نام میوه آن «جوز الطیب» و نام پوست خارجی میوه اش «بَسْبَاسَه» است.<sup>ع</sup> "اسحاق بن عمران" می گوید: پوست بخش زیرین چوبی شده «جوزبوا» است که بر بالای پوست صدفی آن پیچیده شده است.<sup>ع</sup> - "رازی" می گوید: «جوارکون» نام بسباسه است.<sup>ع</sup>

<i>Myristica fragrans Houtt.</i>	جوزبوا - جوزالطیب - بسبيلةالطیب - صَبْر	الموسوعه
<i>Myristica fragrans Houtt.</i>	جوزبوا - بسباس - دارکیسه	زریاب
<i>Myristica fragrans Houtt.</i>	جوزبویا	پارسا
<i>Myristica aromatica Lam.</i>	جوزبوا	خطابی

۵۶۷ - جَوْز جَنْدَمٌ، جَوْز جَنْدَمٌ، جوز جندم<sup>ع</sup> (مغرب گوز گندم فارسی)، کوز جندم<sup>ع</sup>، گوزگندم<sup>ع</sup>، کوزگندم<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: گوزگندک<sup>ع</sup> - گل گندم<sup>ع</sup> - عربی: نعيج الحبشه، شحم الارض<sup>ع</sup> - اهل رقه: خرؤ الحمام<sup>ع</sup> - اهل اندلس: تربة العسل<sup>ع</sup> - فرو الحمام<sup>ع</sup> - شیرازی: گل گندم<sup>ع</sup> - رومی: کرکسن<sup>ع</sup> - سریانی: حزازینا دخیفا<sup>ع</sup> - جوز جندم<sup>ع</sup> - جوز جندم جنسی است از گل و طعمش از طعم گل با طعم گندم دهد.<sup>ع</sup>

<i>Lecanora esculenta Ev.</i>	گوز گندم	زریاب
<i>Lecanora affini Ev.</i>		
<i>Garicina mangostana L.</i>		

<i>Garicina mangostana L.</i>	کوز گندم	طباطبائی
<i>Garcinia mangostana</i>	چندم مُنُستَن - جوز چَندَم کُوز کَندَم - زهره الحجر	الموسوعه
<i>Centaurea cyanus L.</i>	گل فیروزه - گل گندم	پارسا

۵۶۸ - جوز الخَمَسُ، جوز الخمس<sup>ع</sup>: (میوه‌ای هندی)

۵۶۹ - جوز الرُّقَع<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: اهل السراة: رقعة<sup>ع</sup>

"ابن هیثم" آن را «جوز القیء» می‌داند و در آن تردید است زیرا رازی «رقع الیمانی» و «جوز القیء» را یک جا در کتاب «تقاسیم العلل» شرح داده و کیفیت قیء را به هر دو نسبت داده است و از طرف دیگر ابو حنیفه طعم «رقع» را شیرین ذکر می‌کند و حال آنکه «جوز القیء» شیرین نیست.<sup>ع</sup>

۵۷۰ - جوز داود<sup>ث</sup>: دانه‌ای که از هند و چین آورده می‌شود.

۵۷۱ - جوز رومی<sup>ص</sup>، جوز رومی<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: اکبروس، اکروفس<sup>ص</sup> - نام صمغ آن: اَشْحَنُ<sup>ص</sup>

<i>Populus nigra L.</i>	جوز رومی	زریاب
-------------------------	----------	-------

۵۷۲ - جوز الریح<sup>ع</sup>، جوز الریح<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: لقم القاضی<sup>ث</sup>، بندق البربر<sup>ث</sup> - اشبیلی<sup>ث</sup> می‌گوید: نام میوه نوع دیگر آن «ثمر الغالبه» است و در ناحیه غرطانه به آن «بلیار» گویند.<sup>ث</sup>

۵۷۳ - جوز الزنج<sup>ع</sup>، جوز الزنج<sup>ث</sup>، جوز الزنج<sup>ث</sup>:

<i>Sterculia acuminata</i>	جوز الزنج - کولا - کوله	الموسوعه
<i>Amomum granum-paradisi L.</i>	جوز الزنج	خطابی

۵۷۴ - جوز الشِرْک<sup>ع</sup>، جوز الشِرْک<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: تین الفیل<sup>ث</sup>، جوز الحبشه<sup>ث</sup>

۵۷۵ - جوز العَبْهَر<sup>ع</sup>، جوز العَبْهَر<sup>ث</sup>:

۵۷۶ - جوز القِطَاة<sup>ع</sup>، جوز القِطَاة<sup>ث</sup>: «قطاة» به فارسی یعنی پرنده سنگ خوار، و چون این پرنده بسیار از آن می‌خورد به همین نام مشهور است.<sup>ث</sup>

قیماً (*Kepaia*): گیاه‌شناسان اندلس به آن «جَوْز القَطَا» گویند زیرا پرنده «قطا» بر خوردن این گیاه بسیار حریص است و در طعم آن حالت گسی چون گردوست. "ابن حَسَّان" آن را «شجر حب الأسیر» معرفی کرده است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۴۶]

<i>Sedum cepaea L.</i>	جوز القطا - شجر حب الاسیر	دیسکورید
------------------------	---------------------------	----------

۵۷۷ - جوز القی<sup>ع</sup>، جوز القی<sup>ص</sup>، جوز القی<sup>ث</sup>، جوز القی<sup>ع</sup>، جوز القی<sup>ث</sup>، جوز القی<sup>ع</sup>، جوز القی<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: جوز الدفع<sup>ع</sup> زیرا

بوسیله آن قی و اسهال دفع می‌شود. - هندی: معین پهل<sup>ع</sup>، مین بل<sup>ص</sup> - سندی: منبهل<sup>ص</sup> - فرنگی: نور مطلیه<sup>ع</sup> - رومی: بلاپیوس<sup>ص</sup> - سریانی: کوزی دهفاختا<sup>ص</sup> اشبیلی<sup>ث</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و درست آنست که دو نوع دارد: ۱ - سورنجان

قتال با نام‌های: قلیخین، جردیونه، افیمارون ۲ - نوعی از نقاخ با نام‌های: رجلة الشتاء و الصیف<sup>ث</sup>

<i>Euphorbia curcas = Jatropha curcas</i>	جوز القی	پارسا
<i>Trichilia enetica Vahl</i>	جوز القی <sup>ع</sup>	زریاب
<i>Elcaya jemenensis Forsk.</i>		

<i>Strychnos nux-vomica L.</i>		
<i>Trichilia enetica Vahl.</i> <i>Strychnos nux-vomica L.</i>	جوزالقیء	طباطبائی
<i>Strychnos nux-vomica L.</i>	جوزالقیء - ستریکنوس القیء	الموسوعه
<i>Strychnos nux-vomica L.</i>	جوزالقیء، جوزالمقی	خطا، EN.

۵۷۸ - جوز الكَوْتَلُ؛ جوز الكَوْتَلُ<sup>ع</sup>، جوز الكَوْتَلُ<sup>ح</sup>: (میوه ای هندی) جوز القی<sup>ح</sup>

<i>Randia dumetorrmm L.</i>	جوزکوتل	پارسا
-----------------------------	---------	-------

۵۷۹ - جوز المائل؛ جوز مائل<sup>ح</sup>، جوز مائل<sup>ح</sup>، جوز مائل<sup>ع</sup>، جوز مائل<sup>ع</sup>، جوز مائل<sup>ح</sup>، جوز مائل<sup>ح</sup> معرب کوز مائل فارسی؛ جوز روت<sup>ح</sup>: نام های دیگر آن: جوز ماثم؛ جوز ماثا؛ جوز ماث؛ مرقد<sup>ح</sup> - فارسی: تاتوله<sup>ح</sup> - هندی: دهتوره؛ ته توره<sup>ح</sup> - به لغتی: استرمونیه<sup>ح</sup> - ابن بطریق می گوید: همان جوز القیء است.<sup>ع</sup>

<i>Datura metel L.</i>	جوز مائل - بقم	الموسوعه
<i>Datura metel L.</i> <i>Datura stramonium L.</i>	جوز مائل	زریاب
<i>Datura stramonium L.</i>	تاتوره - جوز مائل	پارسا
<i>Datura metel L.</i>	<i>Bengal: Dhatura - Bombay: Dhutura - Hendia: Sadah dhatura</i> <i>Sanskrit: Dhustura - Tamil: Vellum mattai</i>	GLO.IN.

۵۸۰ - جوز المرَج، جوز المرَج<sup>ح</sup>: نام های دیگر آن: حب الكاکنج الجبلی<sup>ع</sup> - حب کاکنج کوهی<sup>ح</sup>

۵۸۱ - جوز النعاس<sup>ح</sup>: فارس العود<sup>ح</sup>

۵۸۲ - جوز الهند<sup>ح</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را میوه «حور الرومی» و عده ای «نخل المقل» و گروهی «شجر الفوقل» می دانند و در ست آنست که نام دیگر «نارجیل» است. نام های دیگر آن عبارتست از: اغیرس، بارنج، رانج، تافندوت<sup>ح</sup>

۵۸۳ - جوز الیسرو یا جوز النسر<sup>ح</sup>: نام دیگر آن: کوز کلاغ<sup>ح</sup>

۵۸۴ - جولق<sup>ع</sup>، جولق<sup>ح</sup>: نامی نزد عجم اندلس، که نام لاتینی آن «بلاقه»<sup>ع</sup> است و «دارشیشعان» دانستن آن اشتباه است.<sup>ع</sup> «آشبیلی» می گوید: از جنس تمنش و نوعی شوک است. دارای پنج نوع است، نام های نوع پنجم آن عبارتست از: اسبالاقوس، دارشیشعان، بلاقه، وارونه، شوکه رهاویه، قندول<sup>ح</sup>

۵۸۵ - جوشیصا<sup>ع</sup>: (نامی فارسی) نام دیگر آن نزد اهالی جزیره «حوسالی» است.<sup>ع</sup>

۵۸۶ - چولائی<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

۵۸۷ - جینت<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

۵۸۸ - جیدار، جیدار<sup>ع</sup>: (نامی فارسی)

۵۸۹ - جیرش<sup>ع</sup>: نام دیگر آن از نظر «قسطابن لوقا» «فستق المصری» است.<sup>ع</sup>

۵۹۰ - جیش: نام دیگر آن: فارسی: شلمیز

۵۹۱ - جیکلک<sup>ع</sup>: (نامی ترکی)

۵۹۲ - جینه: نام دیگر آن: ینبوته، جمع آن: ینبوت - «آشبیلی» می گوید: دارای دو نوع است نوعی کوچک و نوع بزرگ که معروف به «شوکه الشهباء» است و برخی آن را به اشتباه «خزوب النبطی» می دانند.<sup>ح</sup>

حرف «ح»

۵۹۳- حاقول: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: یوس اقطی، شبوقه<sup>۱</sup>

۵۹۴- حاج، حاج، حاج، ترنجبین<sup>۲</sup>، ترنجبین<sup>۳</sup>، ترنجبین<sup>۴</sup>، ترنجبین<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: خارشتر<sup>۶</sup> خراسان: تر<sup>۷</sup> - فارسی: ارود<sup>۸</sup> - اصفهان: اشتر<sup>۹</sup> - ترکی: دویتکانی<sup>۱۰</sup> - هندی: جواسا<sup>۱۱</sup> - عاقول<sup>۱۲</sup>  
 در خراسان ترنجبین روی آن تشکیل می‌شود.<sup>۱۳</sup> - نام‌های دیگر ترنجبین: جواساسکر یعنی سُکرالحاج<sup>۱۴</sup> - اصفهان: اشترانگبین<sup>۱۵</sup> - در کتاب الحاوی این نام معادل نامی که دیسکورید از آن بعنوان «أرتقی» یاد می‌کند، آمده و «أرتقی» به زبان اندلس همان «خلنج» است و درخت «حاج» نمی‌تواند حتی نوعی از آن بشمار آید و /درست همین است / زیرا حاج درخت خارداری است که در شهرهای مصر و شام و عراق به «عاقول» معروف است.<sup>۱۶</sup> ترنجبین، شبنمی است عسل مانند که از آسمان بر روی برخی گیاهان چون «حاج» می‌نشیند و برگردان عربی آن «عسل النّدى» است. (بر اثر نیش حشره از گیاه ترشح می‌شود).<sup>(۱)</sup>

<i>Alhagi maurorum Tourn.</i> <i>Alhagi mannifera Desv.</i>	عاقول، حاج، زنجبیل العجم، اشترغار	الموسوعه
<i>Centaurea benedicta L.</i>	خارشتر	پارسا
<i>Alhagi camelorum Fisch.</i> <i>Alhagi maurorum Tourn.</i>	ترنجبین	پارسا
<i>Alhagi camelorum Fisch.</i> <i>Alhagi maurorum Tourn.</i>	حاج - ترنجبین	زریاب
<i>Alhagi mauronum</i> <i>Alhagi maurorum Tourn.</i>	حاج	طباطبائی

۵۹۵- حاد<sup>۱۷</sup>: نوعی از خمض<sup>۱۸</sup>

۵۹۶- حارز الاتهار<sup>۱۹</sup>: وجه تسمیه: بر روی آب‌های راکد رویش دارد.<sup>۲۰</sup> نام دیگر آن: سلق الماء<sup>۲۱</sup>، طاموغیطن<sup>۲۲</sup>

۵۹۷- حارز الماء<sup>۲۳</sup>: دارای دو نوع است: نوع اول آن را «مریافلن» و نوع دیگر آن را «حارس» می‌نامند. نام‌های دیگر آن عبارتست از: بوطاموغیطس، سطرابطیوس ماریوس یعنی بحری زیرا گیاه بر روی آب می‌روید.<sup>۲۴</sup> برخی آن را به اشتباه «امیره» و عده‌ای نوعی «عصاالرأعی» با نام «الف ورق» می‌دانند و نام صحیح آن «صنوبر الماء» و معروف به «فَرِیص» است.<sup>۲۵</sup>

۵۹۸- حاشا<sup>۲۶</sup>، حاشا<sup>۲۷</sup>، حاشا<sup>۲۸</sup>، حاشا<sup>۲۹</sup>، حاشا<sup>۳۰</sup>، حاشا<sup>۳۱</sup>، مامور<sup>۳۲</sup>: نوعی فوتنج<sup>۳۳</sup>، نوعی پودنه کوهی<sup>۳۴</sup> - نام‌های دیگر آن: مامون<sup>۳۵</sup> - یونانی: تومس<sup>۳۶</sup>، تومس<sup>۳۷</sup> - گیاهشناسان اندلس و اهالی مغرب: صعتر الحمیر<sup>۳۸</sup>، صعتر الحمیر<sup>۳۹</sup> - روفس<sup>۴۰</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: تومش<sup>۴۱</sup> - تومس<sup>۴۲</sup> - دارای دونوع حجازی و اندلسی است.<sup>۴۳</sup>

تومش (Thumos): "اصطفن" آن را معادل نام «حاشا» میدانند ولی مشخصات این دو با هم یکی نیست. (ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۴]

<i>Thymus capitatus Lk. &amp; Hoffm.</i>	تومس	دیسکورید
<i>Thymus capitatus Lk. &amp; Hoffm.</i>	صعتر العیس - حاشا - صعتر فارسی	الموسوعه
<i>Thymus capitatus Lk. &amp; Hoffm.</i>	حاشا	زر - خط
<i>Thymus vulgaris L.</i>	حاشا	EN.

۱- بر اثر نیش حشره‌ای یا کرم آن بر برگ از گیاه ترشح می‌شود.

۵۹۹- حاشیش؛ حاسیس<sup>ع</sup>: نام دیگر آن به فارسی «حسن یوسف» است.<sup>۱</sup>

۶۰۰- حاماقسیس<sup>ش</sup>: حماقسیس<sup>ش</sup>

۶۰۱- حاماسوقی<sup>۱</sup>:

۶۰۲- حَبْحَو<sup>۱</sup>: (نامی عمانی و شحری)

۶۰۳- حَبّ البان<sup>۱</sup>؛ حب البان<sup>۲</sup>، بان<sup>۳</sup>، شوع<sup>۴</sup>، شوع<sup>۵</sup>، فسق الهاویه<sup>۶</sup>: نام های دیگر آن: شجر البان<sup>۷</sup> - سریانی: فسستی<sup>۸</sup> - هندی: بکاین<sup>۹</sup> - فرنگی: توزانکون ناریه<sup>۱۰</sup> - دانه: فسق البادیه<sup>۱۱</sup> - درخت: شوع<sup>۱۲</sup>

<i>Moringa aptera Gaertn.</i>	بان - یسر - یسار - شوع - سیاع	الموسوعه
<i>Moringa arabica Pers.</i> <i>Moringa pterygosperma Gaertn.</i> <i>Moringa aptera Gaertn.</i>	بان - شوع - فسق البادیه	زریاب
<i>Moringa arabica Pers.</i> <i>Moringa pterygosperma Gaertn.</i>	حب البان	طباطبانی
<i>Salix aegyptiaca Forsk.</i>	حب البان	EN.

۶۰۴- حَبّ بَلَسَان<sup>۱</sup>:

۶۰۵- حَبّة الخضراء<sup>۱</sup>؛ حبة الخضراء<sup>۲</sup>: نام های دیگر آن: میوه درخت بطم<sup>۳</sup> - فارسی: خنجک<sup>۴</sup> - سجزی: کنشک<sup>۵</sup> - سندی: کلنکور<sup>۶</sup>

<i>Pistacia khinjuk Stoc.</i>	حب الغار (اصفهان) - حب الخضرا (تهران) - حب البنه (عرب) - سبز قلنج (تهران) - بزقنز (همدان، اصفهان) - کل پسته (بمبئی)	پارسا
<i>Pictacia terebinthus L.</i>	حبة الخضراء - بطم - خنجک	زریاب
<i>Laurus camphora L.</i>	حبة الخضراء	EN.

۶۰۶- حَبّ الراسن<sup>۱</sup>؛ زیب الجبل<sup>۲</sup>، امباشا<sup>۳</sup>، حب الراسن<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: حب الراس<sup>۵</sup> - زیب الجبل<sup>۶</sup>؛ زیب بری<sup>۷</sup> - اسطافندماغریا<sup>۸</sup> - دیسکورید: اسطافاندا یا آغریا<sup>۹</sup> صاحب مفرده گوید آن «مویزج» است و این سهو است و صاحب منهاج ماهیت آن را درست گفته است که آن زرد رنگ و طعم وی تلخ بود و گرد شکل است مانند تخم مخلصه، و در کوهستان فارس خیزد و از کردستان حد آن و آن را «رانج ویر» خوانند و «راسن» دو نوع است: جبلی و بستانی و منظور تخم جبلی است. صاحب جامع گوید «زیب الجبل» «حب الراسن» است و این سهو است.

۶۰۷- حب الریاس<sup>۱</sup>: نام دیگر آن به فارسی «تخم ریاس» است.<sup>۲</sup>

۶۰۸- حب الزلم<sup>۱</sup>؛ حب الزلم<sup>۲</sup>، حب الزلم<sup>۳</sup>، حب الزلم<sup>۴</sup>، حب الزلم<sup>۵</sup>: نام های دیگر آن: حب دیم<sup>۶</sup>، فلفل السودان<sup>۷</sup> اشیلی<sup>۸</sup> می گوید: برخی آن را به اشتباه «حب النشم» و «حب الدسم» و «فلفل السودان» می دانند.

<i>Cyperus esculentus L.</i>	حب الزلم	زر. - خط.
<i>Cyperus esculentus L.</i>	حب العزیز، زلم، شعدماکول، حب الزلم	الموسوعه

۶۰۹- حب السمنه<sup>۱</sup>؛ حب السمنه<sup>۲</sup>، حب السمنه<sup>۳</sup>، شاهدائق<sup>۴</sup>، حب السمنه<sup>۵</sup>، حب السمنه<sup>۶</sup>، حب السمنه<sup>۷</sup>، حب السمنه<sup>۸</sup>، حب السمنه<sup>۹</sup>، حب السمنه<sup>۱۰</sup>، حب السمنه<sup>۱۱</sup>، حب السمنه<sup>۱۲</sup>، حب السمنه<sup>۱۳</sup>، حب السمنه<sup>۱۴</sup>، حب السمنه<sup>۱۵</sup>، حب السمنه<sup>۱۶</sup>، حب السمنه<sup>۱۷</sup>، حب السمنه<sup>۱۸</sup>، حب السمنه<sup>۱۹</sup>، حب السمنه<sup>۲۰</sup>، حب السمنه<sup>۲۱</sup>، حب السمنه<sup>۲۲</sup>، حب السمنه<sup>۲۳</sup>، حب السمنه<sup>۲۴</sup>، حب السمنه<sup>۲۵</sup>، حب السمنه<sup>۲۶</sup>، حب السمنه<sup>۲۷</sup>، حب السمنه<sup>۲۸</sup>، حب السمنه<sup>۲۹</sup>، حب السمنه<sup>۳۰</sup>، حب السمنه<sup>۳۱</sup>، حب السمنه<sup>۳۲</sup>، حب السمنه<sup>۳۳</sup>، حب السمنه<sup>۳۴</sup>، حب السمنه<sup>۳۵</sup>، حب السمنه<sup>۳۶</sup>، حب السمنه<sup>۳۷</sup>، حب السمنه<sup>۳۸</sup>، حب السمنه<sup>۳۹</sup>، حب السمنه<sup>۴۰</sup>، حب السمنه<sup>۴۱</sup>، حب السمنه<sup>۴۲</sup>، حب السمنه<sup>۴۳</sup>، حب السمنه<sup>۴۴</sup>، حب السمنه<sup>۴۵</sup>، حب السمنه<sup>۴۶</sup>، حب السمنه<sup>۴۷</sup>، حب السمنه<sup>۴۸</sup>، حب السمنه<sup>۴۹</sup>، حب السمنه<sup>۵۰</sup>، حب السمنه<sup>۵۱</sup>، حب السمنه<sup>۵۲</sup>، حب السمنه<sup>۵۳</sup>، حب السمنه<sup>۵۴</sup>، حب السمنه<sup>۵۵</sup>، حب السمنه<sup>۵۶</sup>، حب السمنه<sup>۵۷</sup>، حب السمنه<sup>۵۸</sup>، حب السمنه<sup>۵۹</sup>، حب السمنه<sup>۶۰</sup>، حب السمنه<sup>۶۱</sup>، حب السمنه<sup>۶۲</sup>، حب السمنه<sup>۶۳</sup>، حب السمنه<sup>۶۴</sup>، حب السمنه<sup>۶۵</sup>، حب السمنه<sup>۶۶</sup>، حب السمنه<sup>۶۷</sup>، حب السمنه<sup>۶۸</sup>، حب السمنه<sup>۶۹</sup>، حب السمنه<sup>۷۰</sup>، حب السمنه<sup>۷۱</sup>، حب السمنه<sup>۷۲</sup>، حب السمنه<sup>۷۳</sup>، حب السمنه<sup>۷۴</sup>، حب السمنه<sup>۷۵</sup>، حب السمنه<sup>۷۶</sup>، حب السمنه<sup>۷۷</sup>، حب السمنه<sup>۷۸</sup>، حب السمنه<sup>۷۹</sup>، حب السمنه<sup>۸۰</sup>، حب السمنه<sup>۸۱</sup>، حب السمنه<sup>۸۲</sup>، حب السمنه<sup>۸۳</sup>، حب السمنه<sup>۸۴</sup>، حب السمنه<sup>۸۵</sup>، حب السمنه<sup>۸۶</sup>، حب السمنه<sup>۸۷</sup>، حب السمنه<sup>۸۸</sup>، حب السمنه<sup>۸۹</sup>، حب السمنه<sup>۹۰</sup>، حب السمنه<sup>۹۱</sup>، حب السمنه<sup>۹۲</sup>، حب السمنه<sup>۹۳</sup>، حب السمنه<sup>۹۴</sup>، حب السمنه<sup>۹۵</sup>، حب السمنه<sup>۹۶</sup>، حب السمنه<sup>۹۷</sup>، حب السمنه<sup>۹۸</sup>، حب السمنه<sup>۹۹</sup>، حب السمنه<sup>۱۰۰</sup>

قَنَابَش (Kannabis): قَنَب - شَهْدَانَج، شَاهِدَانِق  
 قَنَابَش أَغْرِیون (K. agria): قَنَب بَری - اِهَالِی شَهْرَه‌ای مَآ بَه آن «قَنَبِیَه» - اِسْم تَصغِیر «قَنَب» - گَوِیَنْد کِه هِمَان «شَهْدَانَج بَری»  
 است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۳ و ۱۴۴]

<i>Cannabis sativa var. indica</i>	قَنَابَش - قَنَب - شَهْدَانَج - شَاهِدَانِق	دیسکورید
<i>Althaea cannabina L.</i>	قَنَابَش أَغْرِیون - قَنَب بَری - شَهْدَانَج بَری	دیسکورید
<i>Cannabis sativa L.</i>	حَب السَّمْنَه	زَر - طَبَا.
<i>Cannabis indica L.</i>	شَاهِدَانَه هِنْدِی	پَارِسَا

۶۱۰ - حَب الصَّنَوِیر الصَّغَار: نَام دِیْگَر آن بَه فَارَسِی «تَخْم کَآج» اِسْت.  
 ۶۱۱ - حَب الصَّنَوِیر الْکِبَار: مَحَل رَوِیْش: سِیِسْتَان - نَام دِیْگَر آن: جَلْفُوْزَه - نَام دَرخْت: سَوَسَن  
 ۶۱۲ - حَب الْعَزِیز؛ حَب الزَّلْم:

<i>Cyperus esculentus L.</i>	حَب الْعَزِیز، زَّلْم، سَعْدَمَا کَوْل، حَب الزَّلْم	الموسوعه
<i>Cyperus esculentus L.</i>	حَب الْعَزِیز	EN.

۶۱۳ - حَب الْفَار: ۶۱۴ - حَب الْقَلْت؛ حَب الْقَلْت، حَب الْقَلْت، قَلْت، قَلْت، کَآسِر الْحَجْر، مَآش هِنْدِی قَلْت؛ قَلْت، مَعْرَب از کَلْتَهه هِنْدِی اِسْت. نَام‌هَای دِیْگَر آن: سَرِیَانِی: قَلْتَا - یُونَانِی: آقُونِیَا - رُومِی: تَوَانِیْقِی - نَزْد اِهَالِی عِرَاق: مَآش هِنْدِی - هِنْدِی: کَلْتَهِی؛ کَلْتَه - نَام‌هَای نَوْعِی از آن: رَابِج - عَرَبِی: کَآسِر الْحَجْر

<i>Dolichos biflorus L.</i>	قَلْت	زَرِیَاب
<i>Dolichos uniflorus L.</i>		

۶۱۵ - حَب الْقَلْقَل: بَرخِی آن رَا بَه اِسْتِبَاه «فَلْفَل الْاَبِیْض» مِی‌دَانَنْد و بَرخِی آن رَا نَوْعِی «رَمَان بَری» بَه نَام «آرْمَنِین» مَعْرِفِی کَرْدَه‌اَنْد و عِدَه‌ای نِیْز آن رَا مِیوه لُوبِیَانِی شَکْلِ بَه نَام «قَلْقَل»، «فَلْقَلان» و «قَلْقَل» مِی‌دَانَنْد.

<i>Dolichos sp.</i>	حَب الْقَلْقَل	EN.
---------------------	----------------	-----

۶۱۶ - حَب الْمَحَلْب؛ مَحَلْب، مَحَلْب، حَب الْمَحَلْب: نَام‌هَای دِیْگَر آن: فَارَسِی: پِیَوَنْد مَرِیْم<sup>۱</sup> - هِنْدِی: کِهِنِیونِی فِیلُورَا (*Philura*): "ابن وَافِد" آن رَا «شَجَرَة مَحَلْب» مِی‌دَانْد و ابْن حَسَّان آن رَا بَه نَام «شَجَرَة الْعَمَم» دَانَسْتَه و دَانَه آن رَا بَه نَام «رَعْنَج»<sup>(۱)</sup> مِی‌شَنَاسْد و لِی بَه هَر دُو نَظَر اَشْکَال وَارِد اِسْت و مَن - ابْن بَیْطَار - اِبْن گِیَاه رَانِمِی شَنَاسَم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۸]

<i>Phillyrea latifolia L.</i>	فِیلُورَا - شَجَرَة الْمَحَلْب؟ - شَجَرَة الْعَمَم؟	دیسکورید
<i>Prunus mahaleb L.</i>	مَحَلْب	زَرِیَاب
<i>Cerasus mahaleb Mill.</i>		

۱- رَعْنَج یا زَعْبِج یا زَبُوج و زَبُوج و اِزْمَامِی بَرَبَرِی گِرْفْتَه شُدَه از «رَعْنَج» (*Tazabbugt*) و بَه مَعْنَا «زَبُوتون بَری و زَبُوتون جَبَلِی اِسْت. اِبْن مَرَاد

<i>Cerasus mahaleb Mill.</i>	محلَب	طباطبائی
------------------------------	-------	----------

۶۱۷- حب المُنَسَم، حب المِيسَم<sup>۴</sup>: (نامی عربی)

<i>Aspidium lonchitis</i>	مَنَسَم	الموسوعه
---------------------------	---------	----------

۶۱۸- حب الملوك<sup>۳</sup>، حب الملوك<sup>۴</sup>، حبة الملوك<sup>۵</sup>، حب الملوك<sup>۶</sup>، طارطقه<sup>۷</sup>(۱): نام های دیگر آن: ماهودانه<sup>۸</sup>، اهالی مغرب و اندلس «ماهودانه» را نام «قراضیا» می دانند و برخی از مردم نیز آن را نام دانه «صنوبر الكبير» می دانند.<sup>۹</sup> - اشبیلی<sup>۱۰</sup> می گوید این نام به سه گیاه گفته می شود: ۱- میوه فستق ۲- میوه صنوبر ۳- فراسیا

<i>Croton tiglium L.</i>	حب السلاطين، حب الملوك، كرجك هندی، دند، بيدانجیرخطائی	پارسا
--------------------------	---	-------

۶۱۹- حب النيل<sup>۱</sup>، حب النيل<sup>۲</sup>، حب النيل<sup>۳</sup>، حب النيل<sup>۴</sup>، حب النيل<sup>۵</sup>، حب النيل<sup>۶</sup>، حب النيل<sup>۷</sup>: نام های دیگر آن: قرطم<sup>۸</sup> - سرپانی: نیلن<sup>۹</sup>، نیل فلفل<sup>۱۰</sup>، قرطم هندی<sup>۱۱</sup> - فارسی: تخم نیلوفر<sup>۱۲</sup> - هندی: مرچائی<sup>۱۳</sup>، زیرکی<sup>۱۴</sup> - بنگالی: جهاز قرچه<sup>۱۵</sup>، اپراچنا<sup>۱۶</sup>  
 أساطيس (Isatis): نیل - نیلج - طین الأخضر - عین الخضراء  
 أساطيس أغریا (L. agria): نیل بری [ابن یطال (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۵]

<i>Isatis tinctoria L.</i>	أساطيس، نیل، نیلج، طین الأخضر، عین الخضراء	دیسکورید
<i>Isatis tinctoria L.</i>	نیل بری	دیسکورید
<i>Ipomoea hederacea Jack.</i>	حب النيل	ز-خ - ط.
<i>Ipomoea hederacea Jack.</i>	تخم نیلوفر	پارسا

۶۲۰- حیربان<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: ورق الحنا<sup>۲</sup> (گاهی بجای حنا از آن استفاده می شود). نوع کوچک: ارقطس<sup>۳</sup>

۶۲۱- حَبَق<sup>۴</sup>: نام جنسی است که گیاهان بسیاری را در بر می گیرد و گاهی منظور «فودنج النهري» است و به گیاهان معطر و خوش منظر با ساقه های چهارگوش گفته می شود که برخی از انواع آن عبارتست از: الف - بستانی با ده نوع با نام های: ۱ - نام، حبق مصری، باسلیقی، منشی، ایدراسیمون، مانته ۲ - مقلوب ۳ - حبق الصلقی، حبق الخَز، برثماز، هیتمازه ۴ - حبق الصعتری، حبق الکرمانی، حبق الحاحی، ریحانة الملك، شاهشُبرم، مارن، ایصورین ۵ - حبق القَزَنفلی، اصابع القینات، ریحانة الرومیه، کمادریون، افرنجمشک، ارفلن، ابنیس ۶ - حبق الترنجانی ۷ - حوک، بادروج، حبق العریض الورق، طرطور الحاجب ۸ - ترنجان، بادرنجویه، برجارش، تقزین، ترنجاش، سیسنه، مفرح قلب المحزون، دافع الغم ۸ - نعنن، ایدیااسمن، یوسیمون، ابریا منتی، میوره، بوریا، هشرار، هازان، هازوما، هرتما ۹ - سیسنبر، شیشنبر، شنبز، ایدیااسمین، منده ۱۰ - مرزنجوش، صمسخن، شرخره، عنقر، مرددوش، حبق المُرْد، حبق الفتی، ریحانة المَرود، مرداودوش، سمسقون، سمسخون - ب - بری که نوعی مشکطرامشیع است. - ج - جبلی: با نام حوک و همچنین فودنج جبلی - د - نهري با نام فودنج نهري<sup>۵</sup>  
 ۶۲۲- حبق المنتن<sup>۶</sup>:

۶۲۳- حبل المساکین<sup>۷</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «قسوس» و عده ای «لبلاب المجوس» و گروهی «عصا الراعی» و بعضی «بذره» - که درست تر نیز هست - می نامند در قرطبه به آن «حبل المساکین» و «غالبه» می گویند.<sup>۸</sup>

<i>Hedera sp.</i>	حبل المساکین	EN.
-------------------	--------------	-----



۶۲۴ - حشیل<sup>ش</sup>:

۶۲۵ - حَدَقُ<sup>(۱)</sup>، حَدَقُ<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: بادنجان<sup>ش</sup>، بادنجان دشتی<sup>ع</sup>، اهل حجاز: شوكة العقرّب<sup>ع</sup>، اهل قدس: بادنجان بری<sup>ع</sup> - هندی: بهتکنیه، کتبیکن<sup>ع</sup>

۶۲۶ - حدیدی<sup>ع</sup>: یونانی: سندریطس<sup>ع</sup>

۶۲۷ - حربث، حُرْبِثُ، حُرْبِثُ، حُرْبِثُ<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: پیژه، تمک، انیسون البری

الموسعه	حربث	<i>Astragalus annulaire</i>
---------	------	-----------------------------

۶۲۸ - حربه<sup>س</sup>: (نامی عربی)

زریاب	حربه	<i>Aspidium lonchitis</i>
-------	------	---------------------------

۶۲۹ - حرشاء: آشپیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: به چهار نوع گیاه گفته می‌شود: ۱ - نوع مشهورتر آن خردل بری است. ۲ - گیاهی به نام رضایف و ردایف ۳ - گیاهی به نام مُصاصه و خربشه ۴ - گیاهی با نام قرادیة و قرذالیوم<sup>ش</sup>

۶۳۰ - حَرْشَفُ، حَرْشَفُ، حَرْشَفُ، حَرْشَفُ، حَرْشَفُ<sup>ش</sup> (نامی نبطی)، کَنکَرُ، کَنکَرُ، کَنکَرُ، کَنکَرُ، کَنکَرُ (نام صمغ)، تراب القی، تراب القی، عَكُوبُ، عَكُوبُ، عَكُوبُ، عَكُوبُ<sup>ع</sup>: شوک الدَّمَنُ، شوکة الدهن: نام‌های دیگر آن: عربی: عکوب<sup>س</sup>، سلبین<sup>ع</sup>، خربع<sup>ع</sup> - فارسی: کنگر<sup>ش</sup>، دروکی کنگر<sup>س</sup> - سریانی: دعالفنا<sup>ع</sup> - رومی: کنکریس<sup>س</sup> - یونانی:

سقولوموا<sup>س</sup> - کبر<sup>س</sup> - نام نوع بستانی: کناروس<sup>س</sup> - صمغ آن: کنکرزد<sup>س</sup> - نام نوع بری: فارسی: کنگرزد<sup>س</sup> - نام صمغ آن: فارسی: کنکرزد<sup>س</sup> - کنگری<sup>ع</sup> - تراب القی<sup>ع</sup> - حَرْشَفُ و کَنکَرُ باشد و او دو جنس است دشتی و بستانی<sup>ع</sup> - تراب القی<sup>ع</sup> به

فارسی «کنکرزرد» نام دارد و آن صمغ «حَرْشَفُ» است. ۵ - «حَرْشَفُ» دارای انواع بسیاری است ولی مشهور آن نزد پزشکان نوع بستانی و بری آنست، نوع بستانی آن «کنکر» و به عجمی اندلس «قناریه» نام دارد و نام نوع بری به یونانی «سقولوس» است و

عامه اندلس به آن «لَصَف» گویند. ۶ - «ابن بیطار» می‌گوید: کنکر = حَرْشَفُ بستانی و کنکر زد = صمغ الحَرْشَفُ، تراب القی<sup>ع</sup>

«حامد بن سمجون» می‌گوید: «کنکر بری» نوعی از خار با نام یونانی «آفتس» و با نام عربی «هیشر» است. ۷ - «غسانی» می‌گوید:

دارای انواع بستانی و بری با انواع فراوان است، نام بستانی آن «قناریه» است. بری آن با انواع فراوان بوده نام نوعی از آن «حَرْشَفُ» است که گیاه معروفی است و پس از پختن سر شاخه‌های آن مورد استفاده غذایی می‌شود و نام نوع دیگر آن «بادورد» و نوع دیگر

«افزان» و نوعی «تافغیت» و در شهر فاس معروف به «تاففا» است. ۸ «اشپیلی» می‌گوید: دارای انواع بری و بستانی با نام‌های زیر است:

۱ - نوع بستانی معروف: کنکر، قناریه، سقولوس، قشلومن، کنجر، خنجر، قنار، عَکْر - اهل شام: عَكُوب ۲ - قناریه بری با نام طوب و قوبع ۳ -

تمیط ۴ - الداد، شوک الفلک، بشکراتیة ۵ - شوک الدراجین، عطشان ۶ - بادورد ۷ - لصف، ایقذ، کنکر الکبیر، سیلونس، عَكُوبُ الفارسی، شوک

الجمال ۵ - لصف، شیبیه<sup>ش</sup>

سَقُولُومُس (*Skolumos*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَفُ البری - عامه اندلس: لَصَف

أَفْتَس (*Acanthos*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَفُ البُستانی - کنکر - عامه اهالی مغرب: قناریه (*Cynara*) [ابن بیطار (در ترجمه

دیسکورید) ۳ - ۱۴ و ۱۷]

دیسکورید	سقولوس - حَرْشَفُ بری - لصف	کاشته شده	<i>Cynara scolymus L.</i>
دیسکورید	آفتس - حَرْشَفُ بستانی - کنکر - قناریه		<i>Scolymus hispanicus L.</i>
زر - طبا	کنکر	کاشته شده	<i>Cynara scolymus L.</i>
پارسا	کنکر دهری - کنکر فرنگی	کاشته شده	<i>Cynara scolymus L.</i>



۶۳۴- حرف السطوح، حرف السطوح<sup>ع</sup>، حرف السطوح<sup>ث</sup>، ظفرة الفروج<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: تلسفی<sup>ث</sup>، تلسفین<sup>ث</sup> - عوام اندلس: اشیرون، أسیرون<sup>ص</sup>، اشترینه میاطش<sup>ث</sup> - پزشکیان: حرف بابلی<sup>ع</sup> - نام نوع دیگر: بَجْلین<sup>ث</sup>، باذبلین یعنی رجل الفروج<sup>ث</sup> - ظفرة الفروج<sup>ث</sup>

<i>Lepidium campestris R.BR.</i>	حرف السطوح، خردل فارسی، صواب بری	الموسوعه
<i>Lepidium campestris R.BR.</i>	حرف السطوح	طباطبائی

۶۳۵- حرف الماء، حرف الماء<sup>ع</sup>، حرف الماء<sup>ث</sup>، حرف الماء<sup>ص</sup>: نام‌های دیگر آن: جرجیر الماء<sup>ث</sup> نام گیاه در کتاب دیسکورید: سنبریون<sup>ع</sup> - قرادامون<sup>ع</sup> - سیسنبرون<sup>ص</sup> - قرادسینی<sup>ص</sup> - سیسنبرینی اقوانته، قردامینن

<i>Seneblera coronopus Poir.</i> <i>Cochlearia coronopus L.</i>	حرف الماء - رشاد بری	الموسوعه
<i>Nasturtium officinale R.Br.</i>	حرف الماء	طباطبائی

۶۳۶- حرف المشرقی، حرف مشرقی<sup>ع</sup>:

درابی (*Drabe*): بنا به نظری نام «حرف المشرقی» است و صقاله آن را به نام «أحران» می‌شناسند. ولی من - ابن بیطار - نسبت به آن شناختی ندارم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۰]

<i>Lepidium draba L.</i>	درابی - حرف مشرقی	دیسکورید
--------------------------	-------------------	----------

۶۳۷- حُرْمَل، حرمَل<sup>ص</sup>، حُرْمَل<sup>ث</sup>، حرمَل<sup>ع</sup>، حرمَل<sup>ث</sup>، حرمَل<sup>ع</sup>، حُرْمَل (نامی سریانی)، مولی<sup>ص</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفند، سپند<sup>ص</sup> - سریانی: زرع بشاشا<sup>ص</sup> - سندی: هملو<sup>ص</sup> - سجری: سبری تهلك<sup>ص</sup> - سداب البری<sup>ص</sup> - نوع دیگر آن: اسفند<sup>ص</sup> - دیسکورید: مولی<sup>ص</sup> - دو نوع است سفید و قرمز<sup>ص</sup> نوع سفید آن نوع عربی است در مورد ماهیت آن اختلاف نظر است. برخی گویند نام «سداب البری» است و گویند نام «خردل» است<sup>ع</sup> - نام‌های نوع سفید: حرمَل عربی<sup>ص</sup> - یونانی: مولی<sup>ص</sup> - فارسی: ضدل دانج<sup>ص</sup> - سریانی: بسباسا<sup>ص</sup> - نام‌های نوع قرمز: حرمَل عامی<sup>ص</sup> - فارسی: اسفید<sup>ص</sup> - شیرازی: ننوند<sup>ص</sup>، هزار سفید<sup>ص</sup> - اشبیلی می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «سداب بری» و «مولی» می‌گویند و عده‌ای نام فارسی آن را «اسفند» و نام یونانی آن را «مولی» می‌دانند. نام‌های دیگر آن عبارتست از: حُرْمَل، حُرْمَلَة - دارای سه نوع ۱- حُرْمَل الاحمر ۲- نوع دیگر آن نوعی از «خردل بری» با نام «بقارن» است. ۳- نوعی که «ابوحنیفه» آن را با عنوان «حرملة» معرفی کرده است و سایر نام‌های آن عبارتست از: اسفند، اسفندار، اولایی بوشاشا، حرمَل<sup>ث</sup> فیغانن (*Peganon*): واژه صحیح آن با توجه به تلفظ یونانی آن «بیغانن» است و آن نام «سداب بری» و «سداب بستانی» است، دیسکورید تحت همین نام گیاه «حُرْمَل» را که نام فارسی آن «اسفند» است، یادآور می‌شود. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۳]

<i>Peganum harmala L.</i>	حرمَل	ز. - ط. - خ.
<i>Peganum harmala L.</i>	فیغانن - بیغانن - اسفند - مولی	دیسکورید
<i>Peganum harmala L.</i>	اسپند - اوزاریج (ترکی) - سداب کوهی - حرمَل	پارسا
<i>Peganum harmala L.</i>	حرمَل - غَلَّة الذنب	الموسوعه

۶۳۸- حُرْمَلَة، حرملة<sup>ع</sup>: نام عربی آن قضبانا است.<sup>ص</sup>





EN.	حشیشة الداحس	<i>Paronchia sp.</i>
-----	--------------	----------------------

۶۵۴ - حشیشة دودیه<sup>۶</sup>، حشیشة دودیه<sup>۷</sup>: نام های دیگر آن: سقوفندریون<sup>۸</sup>، وجه تسمیه: «سقوفندرو» برای شباهت آن کرم هزار پاست و به همین دلیل به آن «حشیشة دودیه» (کرم مانند) می گویند.<sup>۹</sup> آشبیلی<sup>۱۰</sup> می گوید: این نام به گیاهانی از قبیل: «ننعم، دخن البری، ورد، اسارون» گفته می شود زیرا ریشه آن ها مانند کرم در زمین بیج می خورند.<sup>۱۱</sup>

الموسوعه	حشیشة الدرد، حشیشة الشفاء، حشیشة الملوك	<i>Tanacetum vulgare L.</i>
----------	---	-----------------------------

۶۵۵ - حشیشة الدم: منظور گیاهانی است که موجب بند آمدن خون می شوند از قبیل: فضیة، لسان الحمل، اذن الارنب، رجل الحمامه، انواع عصا الراعی و بویژه گیاهی به نام قاب طیره<sup>۱۲</sup>

۶۵۶ - حشیشة الرثة<sup>۱۳</sup>: به معنی مفید برای ذات الریه نام دیگر آن: آئیه دغاته<sup>۱۴</sup> (۱)

۶۵۷ - حشیشة الزجاج<sup>۱۵</sup>، حشیشة الزجاج<sup>۱۶</sup>، حشیشة الزجاج<sup>۱۷</sup>، حشیشة الزجاج<sup>۱۸</sup>، حشیشة الزجاج<sup>۱۹</sup>، عوقیه<sup>۲۰</sup>: نام های دیگر آن: رومی: کسنین<sup>۲۱</sup> - اهل اندلس: حبیقه<sup>۲۲</sup>، حَبَّالَة<sup>۲۳</sup>، حَبَّاء<sup>۲۴</sup> - فارسی: گیاه آبگینه<sup>۲۵</sup>، گیاهی آبگینه<sup>۲۶</sup> - نام گیاه در کتاب اوریباسیوس: اِکسینی<sup>۲۷</sup> - نام گیاه در کتاب بولس: بردی قیاس<sup>۲۸</sup> - «غسانی» می گوید: این گیاه بر دو نوع است از نوعی «قلی» ساخته می شود که در ساختن آینه از آن استفاده می شود و معروف به «شبّ ارماس» و نوعی از «قطف» است و نوع دوم که در شستشوی آینه و جلا دادن آن استفاده می شود معروف به «عشبة البرطال» است و مردم به آن «حبیقه» گویند.<sup>۲۹</sup> آشبیلی<sup>۳۰</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و بر سه قسم گیاه گفته شده است: ۱- گیاهی مشابه القسینی با نام های: القسینی، انفسینی، انکسینی، بطریره، بطرقیره، ابی رستم، مؤش اوطیش، ارقلیا ۲ - اذان الفار ۳ - رفاید<sup>۳۱</sup>

اَلْقَسینی (*Helxine*): حشیشة الرُّجَّاج - به این نام مشهور است زیرا تمیز کننده شیشه و آینه است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۸]

زر، EN.	حشیشة الزجاج	<i>Parietaria officinalis L.</i>
دیسکورید	القسینی - حشیشة الزجاج	<i>Parietaria diffusa L.</i>
الم. - خط.	حشیشة الزجاج	<i>Parietaria cretica</i>

۶۵۸ - حشیشة السعال<sup>۳۲</sup>، حشیشة السعال<sup>۳۳</sup>: نام دیگر آن: یونانی: فیخون<sup>۳۴</sup>، آشبیلی<sup>۳۵</sup> می گوید: این نام به گیاهان مختلفی از قبیل: کُزْبُرَة البیر، اسطوخودوس گفته می شود ولی درست تر آنست که نام «جعدة الجدران» یا «هندباء الاجعد» است.<sup>۳۶</sup>

الموسوعه	حشیشة السعال - فزفارة	<i>Tussilago farfara</i>
EN.	حشیشة السعال	<i>Tussilago farfara</i>

۶۵۹ - حشیشة الطحال<sup>۳۷</sup>، حشیشة الطحال<sup>۳۸</sup>، حشیشة الطحال<sup>۳۹</sup>: نام دیگر آن: یونانی: سقوفندریون<sup>۴۰</sup> به گیاه دیگری با نام یونانی «طوقوریوس» و به گیاهی به نام «أمیونیطس» هم می گویند.<sup>۴۱</sup> آشبیلی<sup>۴۲</sup> می گوید: این نام به گیاهانی که برای درد طحال مفیدند گفته می شود یکی از این گیاهان به نام «رئیس الجبل» و دیگری به نام «بیلطس» معروف به «عشبة الطحال» و «تیلت اینرطف» است.<sup>۴۳</sup>

زریاب	چترک - حشیه الادویه - حشیشة الطحال	<i>Cetrach officinarum</i>
-------	------------------------------------	----------------------------



گیلان: خلبه<sup>۱</sup> - اصفهان: شنبليله<sup>۲</sup> - شیراز: شملیز<sup>۳</sup> - هندی: میتھی<sup>۴</sup> - از انواع آن می توان به «نفل»، «خندوقا»، «بصصة» و «رجل الغراب» اشاره کرد که همگی مشهورند.<sup>۵</sup>

<i>Trigonella foenum-graecum L.</i>	خلبه - شمیت	ز. - خ. ط.
<i>Trigonella grandiflora Bunge.</i>	شنبليله - اکلیل الملک - ناخنک	پارسا
<i>Trigonella sp.</i>	خلبه	الموسوعه

۶۶۹ - حَلْبَلَاب<sup>۶</sup>، حَلْبَلَاب<sup>۷</sup>، حَلْبَلَاب<sup>۸</sup>، حَلْبَلَاب<sup>۹</sup>: نام های دیگر آن: لبلاب<sup>۱۰</sup> - سجزیه: اشبرک<sup>۱۱</sup> - حَلْبُوب<sup>۱۲</sup> غیر منقط<sup>۱۳</sup> - قرداسات الذوائب<sup>۱۴</sup> گویند نام «لبلاب» پهن برگ بنام «قنوس» است و بعضی نیز آن را «لاعیة» می نامند.<sup>۱۵</sup>

<i>Bupleurum sp.</i>	حَلْبَلَاب - ضِلْع البقره	الموسوعه
<i>Bupleurum fruticosum L.</i>	حَلْبَلَاب مُشَوَّب - أذن الأرنب	الموسوعه
<i>Bupleurum rotundifolium Schous.</i>	حَلْبَلَاب مستدیر الورق - ثاقب الورق	الموسوعه

۶۷۰ - حَلْبِيب<sup>۱۶</sup>، حَلِيب<sup>۱۷</sup>: نام های دیگر آن: سورنجان هندی<sup>۱۸</sup>

۶۷۱ - حَلِيبَة<sup>۱۹</sup>: برخی نام آن را «بقلة الحمقاء البرية» می دانند ولی بقراط به آن «بیلیون» گفته است.<sup>۲۰</sup>

۶۷۲ - حَلْبُوب<sup>۲۱</sup> (نامی نبطی)، حَلْبُوب<sup>۲۲</sup>، حَلْبُوب<sup>۲۳</sup>: نام های دیگر آن: لبلاب<sup>۲۴</sup> - جبل المساکین<sup>۲۵</sup> - عشقه<sup>۲۶</sup> اندلس: حریف الاملس<sup>۲۷</sup>، حَرَبِق الأملس<sup>۲۸</sup>، عصا هرمس<sup>۲۹</sup>، خصی هرمس<sup>۳۰</sup> - یونانی: لیثورسطس<sup>۳۱</sup>، برسانیون<sup>۳۲</sup>، اربوطانون<sup>۳۳</sup> لیوزسطیس (*Linostotis*): نام «عصا هرمس» است، مؤلفی نام آن را برگرفته از «خصی هرمس» دانسته است. نام های دیگر به لائینی «یَزَبَه نَقِيشَه» است و گیاهشناسان اندلسی به آن «حَلْبُوب» و «حَرَبِق الأملس» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۱]

<i>Euphorbia dendroides L.</i>	حَلْبَلَاب - حَلْبُوب غیر منقط	زریاب
<i>Mercurialis annua L.</i>	لینوزسطس، عصا هرمس، حَلْبُوب، حَرَبِق أملس	دیسکورید
<i>Mercurialis sp.</i>	حَرَبِق، عصا هرمس، حَلْبُوب، حَشِيشَة الرثیق	دیسکورید

۶۷۳ - حَلْتِيت<sup>۳۴</sup>، حَلْتِيت<sup>۳۵</sup>، حَلْتِيت<sup>۳۶</sup>، حَلْتِيت<sup>۳۷</sup>: حَلْتِيت<sup>۳۸</sup>، محروث<sup>۳۹</sup>: ب انجدان رجوع شود، صمغ محروث<sup>۴۰</sup> یا صمغ انجدان<sup>۴۱</sup> - نام های دیگر آن: سریانی: حَلْتِيتا<sup>۴۲</sup>، دعثاقوویتنا<sup>۴۳</sup> - سندی: هین<sup>۴۴</sup> (هینگ) - فارسی: انکزرا<sup>۴۵</sup>، انگزد<sup>۴۶</sup> انجدان زد<sup>۴۷</sup>، انگزد<sup>۴۸</sup>، انگزه<sup>۴۹</sup> اغوزه<sup>۵۰</sup> - اصفهانی: انگشت کنده<sup>۵۱</sup> - هندی: هینک<sup>۵۲</sup>، هیک<sup>۵۳</sup> - دو نوع است: خوشبو و بدبو؛ نام های نوع خوشبو: کولرپر<sup>۵۴</sup>، نوکانی<sup>۵۵</sup> - نام نوع بدبو: فارسی: کمات<sup>۵۶</sup> - «محروث»، «ساق انجدان» یا ریشه انجدان خوشبو<sup>۵۷</sup> است و به فارسی به آن «گز انجدان خوش<sup>۵۸</sup>» گویند و نام سندی آن «متن هنگ فار» است.<sup>۵۹</sup>

<i>Ferula scordosma Benth &amp; Hook.</i>	حَلْتِيت - محروث - گز انجدان	زریاب
<i>Ferula assafoetida L.</i>		
<i>Ferula assafoetida L.</i>	حَلْتِيت	ز. خ. ط. E.
<i>Ferula assafoetida L.</i>	صمغ انجدان - حَلْتِيت - حَلْتِيت	الموسوعه

۶۷۴ - حَلْفَا<sup>۶۰</sup>، حَلْفَاء<sup>۶۱</sup>، حَلْفَاء<sup>۶۲</sup>: نوعی بردی و از اغلات است. - نام های دیگر آن: قرز<sup>۶۳</sup> - فارسی: پیزرا<sup>۶۴</sup>، (غیشه) - سجزیه: کرت<sup>۶۵</sup> - اغوری<sup>۶۶</sup>





<i>Rumex actosa L.</i>	حماض - ثامر	ز. ط.، E.
<i>Rumex conglomeratus L.</i> <i>Rumex obtusifolius L.</i> <i>Rumex elbursensis Boiss.</i> <i>Rumex patientia L.</i>	تخم حماز - استا	پارسا
<i>Oxalis sp.</i> <i>Rumex obtusifolius L.</i> <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia L.</i>	حُمَاض	الموسوعه

۶۸۲ - حماض الارض<sup>ت</sup>: نام دیگر آن: خراطین<sup>ت</sup>

۶۸۳ - حماض الاترج<sup>ت</sup>: دارای نوع بری و بستانی است: نام بری، «سلق بری» است و آن بیشتر از جبلی است و در خاک نرم و زمین سبب می‌روید و آن را به یونانی «طوطاق غریون» گویند و به شیرازی بیخ - ریشه - آن را «خلیمو» خوانند... و بستانی را به شیرازی «ترسسک» خوانند.<sup>ت</sup>

۶۸۴ - حماض الأرنب<sup>ع</sup>، حماض الارنب<sup>ت</sup>: کشوث<sup>ع</sup>

<i>Cuscuta epithimum</i> <i>Rumex obtusifolius L.</i> <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia L.</i>	حُمَاض	طباطبائی
--	--------	----------

۶۸۵ - حماض البقر<sup>ع</sup>، حماض البقر<sup>ت</sup>: نام دیگر آن: حماض البری<sup>ع</sup>

<i>Rumex patientia</i> <i>Rumex obtusifolius L.</i> <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia L.</i>	حُمَاض البقر	طباطبائی
--	--------------	----------

۶۸۶ - حماض السواقی<sup>ع</sup>، حماض السواقی<sup>ت</sup>: نام دیگر آن: حماض الاجامی<sup>ع</sup> اشبیلی می‌گوید: همه انواع حماض خود نوعی «حمض» هستند و برخی از انواع «حمض» عبارتند از: ۱ - حُرْض: اشنان القصارین، شبناله، طردجه ۲ - ثیل ۳ - باذی بلاله یعنی رجل الفروج ۴ - اشنان الفارسی: طردجه، قلی ۵ - غاسول: شویلاء ۶ - مَلَّاح: کشملخ، کشمخه، غسلین، ابروطان، حمض الابل ۷ - افانی: شورش لاطه ۸ - تَزْمَد ۹ - الحاذ ۱۰ - اخريط ۱۱ - قَضام و جذرفات ۱۲ - الحاج: عاقول ۱۳ - رُغْل: قَمیلین ۱۴ - شعران ۱۵ - تَزْمَان ۱۶ - قَلَّام: (نوعی کرفس) اقرنوش ۱۷ - قَطْلَب: طردج ۱۸ - خُوشان: ذیره ۱۹ - قَزْمَل ۲۰ - حَزْنَبَل ۲۱ - حَيَّهَل ۲۲ - عُولان: عقاد ۲۳ - ابوقانس ۲۴ - ابرقطس<sup>ش</sup>

۶۸۷ - حماض الماء<sup>ع</sup>، حماض الماء<sup>ت</sup>:

<i>Lapathum aquaticum Scop.</i>	لَبْث، حماض الماء	الموسوعه
---------------------------------	-------------------	----------

۶۸۸ - حماض نیبری<sup>ت</sup>: نام دیگر آن: حماض بستانی<sup>ت</sup>

۶۸۹ - حَمَاط<sup>ع</sup>، حَمَاط<sup>ت</sup>، حَمَاط<sup>ش</sup>: نوعی «جُمبَر»<sup>ع</sup> - نوعی از آن درختی و قسمی از «تین» است و نوعی علفی که به گیاه خشک «افانی» یا «حَخلَه» گویند.<sup>ش</sup>



<i>Oxalis corniculata L.</i>		
<i>Oxalis corniculata L.</i> <i>Rumex vesicarius L.</i>	حماض أصفر، حماض قزنی، حمضیض	الموسوعه

۶۹۵ - حُمَيْرَاءٌ، حُمَيْرَاءٌ ش، بساط الامیر ش: نوعی بقل نام های دیگر آن: اهل اندلس: رَجُلُ الحَمَامَةِ ش - شنجار ش - اشبیلی ش می گوید: این نام را برای گیاهان «رَجُلُ الحَمَامَةِ»، «مَسْکِيَّة»، «أرجالَة» و ریشه «بَنطافلون» بکار می برند.

<i>Adonsonia sp.</i> <i>Rumex vesicarius L.</i> <i>Oxalis corniculata L.</i>	بُؤَاب، بؤَاب، بؤَاب، حَبَّاب، عَمَارَة تَبَلْدَى، حُمَيْرَاء، شجرة خبز القروذ	الموسوعه
--	---	----------

۶۹۶ - حِنَاءٌ، حِنَاءٌ، حِنَاءٌ، حِنَاءٌ (نامی عربی)، فَفْوَسٌ، فَاغِيَّةٌ، يُرْنَاءٌ: نام های دیگر آن: فَاغِيَّةٌ ش - یونانی ارقان ش، فقولیون ش - هندی: مهندي ش اشبیلی ش می گوید: دارای انواع بستانی، بری، و جبلی با نام های زیر است: ۱ - بستانی علفی ۲ - بستانی درختی با نام های: قیفرس، فیغروا، فوفارون، اساسنه، یزنا، رفون، غلام ۳ - نوع بری با نام حناء المجنونه یا مجنون، حناء المروج، حناء الرعاة - نوعی جنبه است ۴ - نوع بری با نام: ابی یموت ۵ - نوع جبلی با نام: حناء الجبلیه، خَطْر ش

قیفروس (*Kupros*): شجرة الحِنَاء - اهل شام: یَرْنَاء - عربی: رِقَان، رَقُون [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۷]

<i>Lawsonia alba Lam.</i>	قیفروس - شجرة الحنا - رقان	دیسکورید
<i>Lawsonia alba Lam.</i>	فغو - فَاغِيَّة	زر - خط
<i>Lawsonia sp.</i> <i>Lawsonia alba Lam.</i>	حِنَاء - قَطَب - فَاغِيَّة	الموسوعه
<i>Lawsonia inermis L.</i> <i>Lawsonia alba Lam.</i>	حناء	پا - طب
<i>Lawsonia inermis</i> <i>Lawsonia alba Lam.</i>	Sanskrit: Mendika - Hendia: Hena, Mehndi Bombay: Mendi	GLO.IN.

۶۹۷ - حِنَاءُ الغَوْلَةِ ش، حِنَاءُ الغَوْلَةِ ش: عامه مصر این نام را برای «شنجار» استفاده می کنند.

<i>Onosma sp.</i>	شِنْجَار	الموسوعه
<i>Anchusa tinctoria L.</i>	حناء الغول	EN.

۶۹۸ - حَنْدَقَوْقِي ش، حَنْدَقَوْقِي ش، حَنْدَقَوْقِي ش (نامی نبطی)، کَرکَمَان ش، حَنْدَقَوْقِي ش، بزر حَنْدَقَوْقِي ش، حَبَاقَا ش، دیواسپست ش: نام های دیگر آن: حَنْدَقَوْقِ ش - رومی: طریفولون ش - سریانی: کرکرینا ش - فارسی: دیواسپست ش - سجزی: سوک ش، عرقصاء ش، عریقصاء ش - شیرازی: انده قوقو ش - درق ش - خیاط ش - دیواسپست ش - نام های نوع بری: عربی: حَبَاقَا ش، جَبَاقِي ش، ذَرَق ش، ذَرَق ش - یونانی: لوطوس اغریوس ش، به معنای حندقوقی بری - فارسی: دیواسپست صحرائی ش - شیرازی: اندقوقو ش - لاتینی: لوطوس سکرار ش - هندی: بسکهره، کده پرته ش - نام های نوع بستانی: عربی: ذرق ش - یونانی: لوطوس ش - به لغتی: طریفلن ش - لاتینی: طریفلم اورانم، بوکسطلان طربول رماکه ش - هندی: همان نام بری است - اصفهان: شبدر ش - مازندران: شرویه ش - برخی از پزشکان بی جهت «حندقوقی» و «طریفلن» را یکی دانسته اند.



<i>Citrullus colocynthis</i> Schrad.	حظنل	ز،خ،ط،...E.
--------------------------------------	------	-------------

۷۰۲ - جَفُول: نام درختی همانند درخت انار  
۷۰۳ - حَوْدَان:

<i>Ranunculus</i> sp.	حودان	الموسوعه
-----------------------	-------	----------

۷۰۴ - حُور؛ حور؛ حور رومی؛ نام های دیگر آن: حوز؛ کروفس؛ - فارسی: توز؛ - دیسکورید: کَهْرَباء<sup>ع</sup> - لوقا: حَوْر و مَنَس ۲ - (*Leuke*) آن دارای انواعی است. آشیلوی می گوید: از جنس درختان بزرگ و دارای انواع بسیار است برخی از آن عبارتند از: ۱ - نَشْم الاسود ۳ - شجر الصفاف ۴ - حور الرومی: اغیرس<sup>ش</sup>  
اغیرس (*Aigeiros*): شجر الحورالرومی - نام پوست آن «توز» است که با آن تیر و کمان را می بندند... دیسکورید نام صمغ آن را «کَهْرَباء» می داند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱/۶۹ - ۸۴]

<i>Populus alba</i> L.	لوقا - حور	دیسکورید
<i>Populus nigra</i> L.	اغیرس - حور رومی - توز	دیسکورید
<i>Populus</i> sp.	حَوْر - حَوْر	الموسوعه

### حرف «خ»

۷۰۵ - خافور<sup>ع</sup>، خافور<sup>ش</sup>: گروهی پنداشته اند نام «مرو» است و همچنین آن را اهالی مصر «خرطال» موجود در «شعیر» گویند.<sup>ع</sup> آشیلوی می گوید: برخی آن را «مرو» و عده ای آن را نوعی «حَبَق» معروف به «طرطور الحاجب» و «قبسطاله» می دانند و هر دو را «خافور» می نامند.<sup>ش</sup>

<i>Danthonia</i> sp.	خافور	الموسوعه
----------------------	-------	----------

۷۰۶ - خالیدونیون<sup>ع</sup>، خالیدونیون<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: فشرأ<sup>ش</sup> - به یونانی به معنای «خطافی» یعنی منسوب به «خطاف» است و پزشکان به آن «عروق الصفر» گویند.<sup>ع</sup> دو نوع است: بزرگ آن «عروق الصفر» و کوچک آن «مامیران» نام دارد و معنی «خالیدونیون نو الخطافی» بوده بدان سبب که پرستوک چون بچه وی در آشیان نابینا گردد بفرمان حضرت عزت شانه برود و شاخ «مامیران» در آشیانه بیاورد و در آنجا نهد، بچه نابینا بینا گردد و این از خواص آن است فتبارک الله احسن الخالقین<sup>ش</sup>

<i>Scrophularia aquatica</i>	خالیدونیوم صغیر	EN.
<i>Chelidonium majus</i>	خالیدونیوم کبیر	EN.

۷۰۷ - خاماسوقی<sup>ع</sup>، خاماسوقی<sup>ش</sup>: نامی یونانی به معنای «انجیر زمینی» است.<sup>ع</sup> - «خاما» به معنای زمین و «سوقی» به معنای انجیر است.<sup>ع</sup> - «حنین» در ترجمه مفردات جالینوس این گیاه را «تین جبلی» معرفی کرده که نظر درستی به نظر نمی رسد زیرا دیسکورید «تین جبلی» را در مقاله اول کتاب خود همراه درختان بزرگ یاد کرده است.<sup>ع</sup>

<i>Euphorbia chamaesyce</i> L.	خاماسوقی - تین الأرض	الموسوعه
--------------------------------	----------------------	----------

۷۰۸ - خامالوقی<sup>ع</sup>:

الموسوعه	خامابوقی	<i>Chamaepeuce diacantha DC.</i> <i>Cirsium diacantha DC.</i>
----------	----------	--

۷۰۹ - خاماقسیس<sup>ع</sup>:

الموسوعه	سَیْمِمْ أُصْرِبِنَه - خاماقسیس	<i>Antirrhinum asarina L.</i>
----------	---------------------------------	-------------------------------

۷۱۰ - خامالاء<sup>ع</sup>، خامالاون<sup>ع</sup>: "صاحب جامع" می گوید: «حربا» نوعی «مازریون سیاه» است و نام های دیگر آن «خامالیون»<sup>ت</sup> و «کمالیون» است.<sup>ت</sup> و «اسد الارض» را «مازریون» نامیدن سهو است زیرا «اسد الارض»، «جربا» است و گویند «خامالا» اسم «مازریون» است و این سهو بخاطر اشتراک اسم آن هاست، و هم صاحب جامع از قول برخی متأخرین «اسد الارض» را «خامالاون مالس» می داند که آن «مازریون سیاه» است بنابراین قول صاحب منهاج معتبرتر است.<sup>ت</sup> - برگردان آن به عربی «زیتون الأرض» است و آن گیاه «مازریون» است. بسیاری از مترجمان «مازریون» را به اشتباه همان «أسد الأرض» می دانند در حالیکه «أسد الأرض» برگردان «خامالاون الأسود» است و «مازریون» برگردان «خامالاء»، و این اشتباه مترجمان برای نزدیک بودن این دو لفظ با هم است. و من - ابن بیطار - برخی از این اشتباهات را در کتاب «الأبانة والأعلام بما فی المنهاج من الخلل والأوهام» ذکر کرده ام.<sup>ع</sup>

۷۱۱ - خامامیلن<sup>ع</sup>: برگردان عربی آن «تفاح الأرض» و همان «بابونج» است.<sup>ع</sup>۷۱۲ - خامشة<sup>ع</sup>، خامشه<sup>ع</sup>: نام دیگر آن نزد اهالی بیت المقدس و شام «شیطرنج شامی» است.<sup>ع</sup>

۷۱۳ - خائق الذئب<sup>ع</sup>، خائق الذئب<sup>ع</sup>، قاتل الذئب<sup>ع</sup>، خائق الذئب<sup>ع</sup>: نام دیگر آن «قاتل الذئب» است.<sup>ع</sup>  
أفوقونن<sup>ع</sup> (*Apocynon*): برگردان آن به عربی «عنب الكلاب» یا «انگور سگان» است و گیاه سمی کشنده ای با دانه هائی درون نیامی طویل است و نام دیگر آن «قاتل الذئب» یا «کشنده روباه» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۳]

دیسکورید	افوقونن - قاتل الذئب - عنب الكلاب	<i>Aconitum erectum L.</i>
زر، EN.	خائق الذئب - قاتل الذئب	<i>Aconitum napellus L.</i>
پارسا	قاتل الذئب	<i>Aconitum lycoctonum L.</i>
طباطبائی	قاتل الذئب	<i>Aconitum napellus L.</i> <i>Aconitum lycoctonum L.</i>

۷۱۴ - خائق الكلب<sup>ع</sup>، خائق الكلب<sup>ع</sup>، خائق الكلب<sup>ع</sup>: خائق الكلب<sup>ع</sup>، ترمس البری<sup>ع</sup>، فسوة الضبع، قاتل الكلب<sup>ع</sup> - هندی: کلهازی<sup>ع</sup> "ابن بیطار" در کتاب جامع این گیاه را معادل قاتل الكلب، می داند. - جالینوس وجه تسمیه آن را «کشنده سگ» می داند.<sup>ع</sup> برخی آن را «فول الخنزیر» با نام «افوقونس» معرفی می کنند.<sup>ع</sup>

الموسوعه	خوشان - خائق الكلب	<i>Apocynum sp.</i>
طباطبائی	قاتل الكلب	<i>Strychnos nux-vomica L.</i>

۷۱۵ - خائق النمر<sup>ع</sup>، خائق النمر<sup>ع</sup>، خائق النمر<sup>ع</sup>، خائق النمر<sup>ع</sup>: نوعی از مازریون نام های دیگر آن: قاتل النمر<sup>ع</sup> - یونانی: افونیطن<sup>ع</sup> - قاتل الذئب<sup>ع</sup> - «خائق النمر» یا «قاتل الذئب» را بتازی و پیارسی «گرگ مرگ» گویند.<sup>ع</sup>  
أفونیطن: نام های دیگر آن عبارتست از: قاتل النمر - عامه اندلس: نبال (نبال) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۰]





<i>Sisymbrium sophia</i>	خاکشیر	پارسا
<i>Erysimum barbarea L.</i> <i>Erysimum cheiranthoides L.</i>	حشیشة الحَفر، اریسیموم طیبی، خَبه	الموسوعه

- ۷۱۸ - خبز رومی<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: قسماط<sup>ع</sup> - عامه مغرب: بَسماط<sup>ع</sup>  
 ۷۱۹ - خبز القروء<sup>ع</sup>، خبز القروء<sup>ع</sup>، خبز القروء<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: لوف<sup>ع</sup> - بعضی از گیاهشناسان اندلس: نوع بزرگ لوف<sup>ع</sup>  
 ۷۲۰ - خبز المشایخ<sup>ع</sup>، خبزالمشایخ<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: عامه آفریقا: بخور مریم<sup>ع</sup>

<i>Cyclamen sp.</i>	خبز المشایخ - سَکَع	الموسوعه
---------------------	---------------------	----------

- ۷۲۱ - خِتْرَف<sup>ع</sup>، خِتْرَف<sup>ع</sup>: نام دیگر آن در بعضی از ترجمه‌ها: اُفستین<sup>ع</sup>

<i>Artemisia absinthium</i>	خِتْرَف، اَبسنت، اُفستین، شیخ رومی، دمسیة	الم.
-----------------------------	---	------

- ۷۲۲ - خُرْء الحَمَام<sup>ع</sup>، خرو الحمام<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: ابن جلیجل: اهالی رِقَه: جوز جندم<sup>ع</sup>  
 ۷۲۳ - خَرَامِقَان<sup>ع</sup>، خَرَامِقَان<sup>ع</sup>:  
 ۷۲۴ - خَرَبِق<sup>ع</sup>، خَرَبِق<sup>ع</sup>، خَرَبِق<sup>ع</sup>، خَرَبِق<sup>ع</sup>، خَرَبِق<sup>ع</sup>، خَرَبِق<sup>ع</sup>، خَرَبِق<sup>ع</sup>، خَرَبِق<sup>ع</sup>، خَرَبِق<sup>ع</sup>، خَرَبِق<sup>ع</sup>: «خربق» دو جنس است سیاه و سفید.<sup>ع</sup> نام‌های دیگر آن: رومی: برون<sup>ع</sup> - سریانی: حوربخانا<sup>ع</sup>، فقوشا<sup>ع</sup>، اقونطیاون<sup>ع</sup> - اوریباسیس: البروس<sup>ع</sup> - فارسی: داری<sup>ع</sup> - جالینوس: به سریانی: هلابوروس<sup>ع</sup> - اهالی دمشق: خردل فارسی<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه «سَمِزَاء» و عده‌ای «حرشاء» گویند نام‌های آن عبارتست از: البوزش لوقس، هیلورس، ساله<sup>ع</sup>

<i>Helleborus alba L.</i> <i>Veratrum album L.</i>	خربق	زریاب
<i>Veratrum album L.</i>	خربق ابیض	طبا. - خط.
<i>Helleborus sp.</i>	خربق	الموسوعه
<i>Helleborus sp.</i>	خربق ابیض	EN.

- ۷۲۵ - خَرَبِق اَسود<sup>ع</sup>، خربق اَسود<sup>ع</sup>، خربق اَسود<sup>ع</sup>، خربق اَسود<sup>ع</sup>: نوعی کفوف از جنس جنبه است نام‌های دیگر آن: هندی: کتکی<sup>ع</sup> - مالیبذیون - الابورس مالش - الباشه - سافاریعون - مَلْبَالَه (اهالی ثغر) یعنی خَبْتِزَة صغیره - سیسامویداس - هیطومون - نام نوع دیگر آن: خروسوقومی - اهالی ثغر: طَرْنَه ماطر - ضابطه الجبلیة - رافعه زیرا رحم را به محل خود بر می‌گرداند - راس الذهب<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: مالینودیون<sup>ع</sup>

<i>Helleborus niger L.</i>	خربق اسود	ز،ال،خ،ط.
<i>Helleborus niger L.</i>	خربق سیاه	پارسا
<i>Veratrum nigrum L.</i>	خربق اسود	EN.

- ۷۲۶ - خَرْدَل<sup>ع</sup>، خَرْدَل<sup>ع</sup>، خَرْدَل<sup>ع</sup>، خَرْدَل<sup>ع</sup>، خَرْدَل<sup>ع</sup>، خَرْدَل<sup>ع</sup>، خَرْدَل<sup>ع</sup>، خَرْدَل<sup>ع</sup>: نوعی بقل یکساله نام‌های دیگر آن: سینبی - صناب - اسفیندار - سریانی: خردلا<sup>ع</sup> - فارسی: اسبندان خوش<sup>ع</sup> - هندی: وائی<sup>ع</sup>، وائی<sup>ع</sup>، وائی<sup>ع</sup> (وای)، بمولتان اهری<sup>ع</sup>، تَرِیزَه<sup>ع</sup> - خردل البر<sup>ع</sup> - نام‌های نوع بری: عربی: حرشا<sup>ع</sup> - ترکی: فجی<sup>ع</sup> - نام‌های نوع سفید: حرف ابیض<sup>ع</sup> -

فارسی: سپندان، اسپند<sup>۱</sup> - «خردل» «سپندان» است ... و جنسی از آن «سپید اسفند» و آن را «خردل بابلی» گویند.<sup>۲</sup>

<i>Brassica nigra</i> Koch. <i>Sinapis nigra</i> L.	خردل - مشمع خردل	پارسا
<i>Sinapis</i> sp.	خردل	الموسوعه
<i>Sinapis arvensis</i> L. <i>Sinapis nigra</i> L. <i>Brassica nigra</i> Koch.	حرشاء - خردل	زریاب
<i>Sinapis alba</i> L. <i>Sinapis nigra</i> L. <i>Sinapis arvensis</i> L.	خردل ایض خردل اسود خردل بری	خطابی
<i>Sinapis arvensis</i> L.	خردل بری	طباطبانی
<i>Sinapis arvensis</i> L.	خردل	EN.

۷۲۷ - خردل بری<sup>۳</sup>، خردل البر<sup>۴</sup>، حراشا<sup>۵</sup>، خنج<sup>۶</sup>: نوعی احرار است. گروهی پنداشته اند نام «لَبسان» است.<sup>۷</sup> و برخی آن را نوعی «لفت» می دانند.<sup>۸</sup>

<i>Sinapis arvensis</i> L. <i>Brassica sinapistrum</i> Boiss.	خردل بری، خردل حَقَلی، حَرشاء، لَبسان	الموسوعه
--	---------------------------------------	----------

۷۲۸ - خَرَزَة<sup>۹</sup>:

۷۲۹ - خَزَزَل: نام های دیگر آن: یونانی: البانونس

۷۳۰ - خردل فارسی<sup>۱۰</sup>، خردل فارسی<sup>۱۱</sup>، خرفق<sup>۱۲</sup>: نوعی «حرف» که آن را «اسفند اسفید» خوانند و «خردل سفید» گویند.<sup>۱۳</sup> نام های دیگر آن: تلسفی<sup>۱۴</sup> - گیاهشناسان و اهالی غرب اندلس: ضباب البری<sup>۱۵</sup> - مصر: حشیشه السلطان<sup>۱۶</sup>

<i>Lepidium campestre</i> R.Br. <i>Thalaspia campestre</i> L.	خردل فارسی، خَرَف السطوح، صباب بری	الموسوعه
--	------------------------------------	----------

۷۳۱ - خرطال<sup>۱۷</sup>، خرطال<sup>۱۸</sup>: به گیاهی از جنس «راء» و همچنین به گیاهی از نوع «شعیر» گفته می شود.<sup>۱۹</sup> نام دیگر آن: فارسی: قرطمان<sup>۲۰</sup>

<i>Avena</i> sp.	خَرطال، شوقان	الموسوعه
------------------	---------------	----------

۷۳۲ - خَرَف<sup>۲۱</sup>، خَرَف<sup>۲۲</sup>: نام های دیگر آن: جنی العُشر<sup>۲۳</sup>، عَشْر<sup>۲۴</sup> - برخی مواقع به «قُطن» نیز «خرفع» گویند.<sup>۲۵</sup>

۷۳۳ - خرکوش<sup>۲۶</sup>: در بعضی از تفاسیر آن را «لسان الحمل» می دانند.<sup>۲۷</sup>

۷۳۴ - خَرَقُطان<sup>۲۸</sup>: نام هندی آن «بندا» است.<sup>۲۹</sup>

<i>Loranthus globiferus</i> A.Rich.	خرقطان	الموسوعه
-------------------------------------	--------	----------

۷۳۵ - خَرَم<sup>۳۰</sup>: «رازی» این نام را گیاهی با نام یونانی «اسطراطیقوس» به معنای «حالبی» پنداشته و برخی نیز آن را با نام یونانی

«لخنس» و عده‌ای هم آن را با نام یونانی «لنخیطس» ذکر کرده‌اند و این همان گیاهی است که ابن جلیجل از آن به «سراج القطرب» یاد کرده است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	خرم - سراج القطرب	<i>Agrostemma sp.</i>
----------	-------------------	-----------------------

۷۳۶ - خرنوب، خرنوب، خرنوب، خرنوب، خرنوب، خرنوب<sup>ع</sup>، خرنوب<sup>د</sup>؛ خرنوب (در دو نوع) نبطی و شامی است. - نام‌های دیگر آن: خرنوب، خرنوب، خرنوب - شجرة سلیمان<sup>ع</sup> - میوه ینبوت<sup>س</sup> - سریانی: حروب<sup>س</sup>، حجتا<sup>س</sup>، فیزیدجاغی<sup>س</sup> - فارسی: زنک فلیج<sup>س</sup> - بلخ: جنکک<sup>س</sup> - سجزیه: شمرك<sup>س</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: قاراطیا<sup>س</sup> - فاس: تاسلقوا - نام‌های ریشه آن: سریانی: زریات<sup>س</sup> - سجزی: سم<sup>س</sup> - نام خرنوب نبطی: ینبوت زنکورج<sup>س</sup> "تمیمی" می‌گوید: «خرنوب شامی» دارای سه نوع است و بهترین آن نوعی به نام «صیدلانی» است.<sup>س</sup>

ز،خ،ط،ع	خرنوب	<i>Ceratonia siliqua L.</i>
الموسوعه	خرنوب - خرنوب	<i>Ceratonia siliqua</i>
GLO.IN.	Punjab: Khamub	<i>Ceratonia siliqua</i>

۷۳۷ - خرنوب السودان: نام میوه‌ای در مغرب که عوام به آن «کورو» گویند و در مناطق سودان رویش دارد.<sup>ع</sup>

خطابی	خرنوب السودان	<i>Cola acuminata Scho.</i>
-------	---------------	-----------------------------

۷۳۸ - خرنوب نبطی<sup>ع</sup>، خرنوب نبطی<sup>د</sup>، خرنوب النبطی<sup>س</sup>: نام‌های دیگر آن: خرنوب<sup>س</sup> - اهالی شام: خرنوب الشوک<sup>ع</sup>، خرنوب المعزی<sup>ع</sup>، مغربی<sup>س</sup> - عربی: ینبوت<sup>س</sup> - قضم قدیش<sup>س</sup> - فارسی: کووارا<sup>س</sup> - شیرازی: کیر کارونی<sup>س</sup>

۷۳۹ - خرنوب الخنزیر<sup>ع</sup>، خرنوب الخنزیر<sup>س</sup>: نام‌های دیگر آن: عود الیسر<sup>س</sup> - یونانی: أناغورس<sup>ع</sup> - در بازار مصر: حب الکلی<sup>ع</sup>

۷۴۰ - خرنوب الشامی: نام‌های دیگر آن: قراطیا - تیکفلا - سلقوا - خرنوب - دارای انواعی است: ۱ - نوعی با نیامی بلند با نام نارجین ۲ - نوع دیگر با نیامی بلند و یهن معروف به صندلی ۳ - نوعی با نیامی کوتاه و یهن معروف به صینی<sup>س</sup>

۷۴۱ - خرنوب الشوک<sup>س</sup>: گویند «قرظ» است و گویند «ینبوت» است که درست‌تر است.<sup>س</sup>

۷۴۲ - خرنوب مصری<sup>ع</sup>، خرنوب مصری<sup>س</sup>: نام‌های دیگر آن: خرنوب نبطی<sup>س</sup> - قرط<sup>ت</sup>

خرنوب (غلاف) درخت «سنط» است.<sup>ع</sup> از این خرنوب در شهرهای مصر عصاره «أقاقیا» استخراج می‌شود که به آن «رب القرظ» می‌گویند.<sup>ع</sup>

طباطبائی	خرنوب مصری	<i>Acacia arabica</i>
----------	------------	-----------------------

۷۴۳ - خرسوقومی<sup>ع</sup>: برگردان عربی آن «رأس الذهب» است.<sup>ع</sup>

EN.	خرسوقومی	<i>Aster alpinus L.</i>
-----	----------	-------------------------

۱ - در مورد وجه تسمیه این گیاه به «خرنوب» و «شجرة سلیمان» «غسانی» در کتاب خود می‌گوید: بر اساس آنچه آورده شده حضرت سلیمان علیه السلام در محراب خود گیاه بزرگ خودروئی را مشاهده کرد از گیاه پرسید اسم تو چیست و چه فواید و ضررهائی داری؟ گیاه به قدرت خداوند به سخن آمد و در حالی که حضرت سلیمان (ع) آماده نوشتن بود گفت: نام من «خرنوب» است. حضرت سلیمان (ع) فرمود: «خرنوب» همان «خراب» است پس با این نشان فهمید که حکومت او بزودی از بین می‌رود و دیر زمانی نگذشت که چنین شد و به همین دلیل به این گیاه «شجرة سلیمان» گویند.

۷۴۴ - خروسوموغالی<sup>ع</sup>: نام گیاه در کتاب دیسکورید: دسقس<sup>ع</sup>

۷۴۵ - خِروَع<sup>ع</sup>، خِروَع<sup>س</sup>، خِروَع<sup>ث</sup>، خِروَع<sup>ط</sup>، خِروَع<sup>ق</sup>، خِروَع<sup>ج</sup>، طمره<sup>ع</sup>، خِروَع<sup>س</sup>، حب الخِروَع<sup>س</sup>: از جنس کفوف و از درختان خَوار است. نام های دیگر آن: فارسی: بیدانجیر<sup>ث</sup>، بیدانجیر<sup>س</sup>، انجیر<sup>س</sup> - شیرازی: کنتو<sup>ث</sup> - ترکی: کرچک<sup>ث</sup> - هندی: ازنید<sup>ث</sup> - رومی: قفروس<sup>س</sup> (قیفوس) - سریانی: طمری<sup>س</sup>، قردی<sup>س</sup> - جالینوس: قیفاوس<sup>س</sup> - نام دانه به شیرازی «کنتور» است. آشبیلی<sup>ث</sup> می گوید: دارای چهار نوع بزرگ، کوچک، متوسط و نوعی روئیده در کنار نهرها است: ۱ - نام های نوع بزرگ: قیقی - شیشاسینی - شیشم - قبرس: قروطن - رجنه - اریقنه - نام دانه: اسفنگار ۲ - نام های نوع متوسط: کسینتیون - قصفا - خولادولیون - اماری - صیصاموغریون ۳ - نام نوع کوچک: اسپینار ۴ - نام نوع چهارم: حبریان<sup>ث</sup>

<i>Ricinus communis L.</i>	خروع	ز،خ،ط،ع.
<i>Ricinus communis L.</i>	کرچک	پارسا
<i>Ricinus communis L.</i>	خروع	الموسوعه

۷۴۶ - خَرِيع<sup>ع</sup>، خَرِيع<sup>ث</sup>: نام دیگر آن: غُضْر<sup>ث</sup> - آفریقا و تونس به زبان بربری به آن «تاغفیت» گویند و نوعی «حرفش» غیر خاری است.<sup>ع</sup>

۷۴۷ - خَزَامِي<sup>ع</sup>، خَزَامِي<sup>س</sup>، خَزَامِي<sup>ث</sup>: نام های دیگر آن: خیری البر<sup>س</sup> - سجزیه: گل نرمه<sup>س</sup> - فارسی: شب انبوی<sup>ث</sup>، ارونه<sup>س</sup>، شب بو<sup>ث</sup>؟ - آشبیلی<sup>ث</sup> می گوید: این نام برای دو گیاه بکار برده شده است و هر دو نوعی «شیخ» هستند: ۱ - اسطوخودوس ۲ - خَزَامِي<sup>ث</sup>

لوقاس الجلبیه (*Leukas*): نام «خیری جبلی» است زیرا «لوقاس» به معنای «خیری» بوده و آن نوعی از «خزّامی» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۴]

<i>Lamium maculatum L.</i> <i>Lavandula vera DC.</i>	نوعی از خزّامی - لوقاس الجلبیه - خیری جبلی	دیسکورید
<i>Lavandula spica Cav.</i> <i>Lavandula vera DC.</i>	خزّامی	زر، EN.
<i>Lavandula sp.</i> <i>Lavandula vera DC.</i>	خزّامی - لاژنّه	الموسوعه
<i>Lavandula vera DC.</i>	خزّامی	طباطبائی

۷۴۸ - خَزَم<sup>ث</sup>:

۷۴۹ - خَسَس<sup>ث</sup>: (نام ریشه ای هندی)

۷۵۰ - خَسَس<sup>ع</sup>، خَسَس<sup>س</sup>، خَسَس<sup>ث</sup>، خَسَس<sup>ط</sup>، خَسَس<sup>ج</sup>، خَسَس<sup>ق</sup>، بزر الخَسَس<sup>س</sup>، خَس بری: نام های دیگر آن: فارسی: کاهو<sup>ث</sup> - ترکی: خاس<sup>ث</sup> - نام «خَس بری» در شهر فاس «خَس الحمار» است. آشبیلی<sup>ث</sup> می گوید: نوعی السُن و از جنس نقل با نام های بلودقش، لیتوقش و مرولیه است و دارای انواع فراوانی است که بستانی آن عبارت است از: ۱ - مأمونی و صقلی ۲ - خَس الاسود ۳ - الحاحی ۴ - قسطنطنینی یا مصری ۵ - بجانّی و عراقی ۶ - ربیعی - بری آن عبارتست از: ۱ - یعضید بری با نام های: ثرودوقس ایمارس، لیتوقه کنبانه، خَس الفدان ۲ - خَس الارنب ۳ - شوال الحمار، خَزْشاء، خَس الحمار ۴ - بیروح ۵ - غطشان، دیساقوس - می توان از «سِلَق» و انواع آن را از انواع خَس دانست. ثرثوقس ایماروس (*Thridax hemeros*): نام «خَس بستانی» و «خَس بری» است. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۰:

<i>Lactuca sativa L.</i>	ثرثوقس ایماروس - خَس بستانی - خَس بری	دیسکورید
<i>Lactuca sp.</i>	خَس	الموسوعه

<i>Lactuca sativa L.</i>	تخم کاهو	پارسا
<i>Lactuca sativa L.</i>	خس	طبا، EN.
<i>Lactuca sativa L.</i>	خس بستانی	خطابی
<i>Taraxacum officinale</i>	خس بری	

۷۵۱ - خس الحمار<sup>۱</sup>، خس الحمار<sup>۲</sup>، خس الحمار<sup>۳</sup>، هوفیلوس<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: قابضه، ضابطه، مصاصه، عشبۃ الفتوق، شنجار<sup>۵</sup> - هوفیلوس<sup>۶</sup> - ابوخلسا<sup>۷</sup> گویند نام نوع بزرگ «شنجار» است.<sup>۸</sup>

<i>Alkanna sp.</i>	الموسوعه	کتھان صباغی، شنجار البر، خس الحمار، رَجُل الحمار
--------------------	----------	--

۷۵۲ - خشخاش<sup>۱</sup>، خشخاش<sup>۲</sup>، خشخاش<sup>۳</sup>، شیرابه<sup>۴</sup>: نام دیگر آن: هندی: پوست<sup>۵</sup> نوعی از آن بستانی است که از بذر آن نانی که در وقت المَحَل آن را می‌خورند و گاهی نیز آن را بجای «سسم» با عسل استفاده می‌نمایند و این نوع را «بولاقیطس» گویند. و نوعی بری با سرشاخه‌های مشابه آن و بذرهای سیاه است که به آن «سفرطس» گویند و برخی مردم آن را «رواس» می‌گویند زیرا این کلمه به معنای سائل (روان) بوده و از آن مایع یا شیرهای خارج می‌شود. و نوع سوم خشخاش بری کوچکتر است.<sup>۶</sup>

میقن (*Mekon*): نام «خشخاش آبیض» است و همچنین «خشخاش آسود» و «أفیون» با همین نام ذکر شده است. میقن رُواس (*Mekon rhoias*): برگردان عربی آن «خَشخاش سائل» است وجه تسمیه آن بخاطر گل زودافت آن است و مشابه «شقایق» است و در کشتزارها می‌روید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۸ و ۵۹]

<i>Papaver roeas L.</i>	میقن رواس - خشخاش سائل	دیسکورید
<i>Papaver somniferum L.</i>	میقن، خشخاش آبیض، خشخاش آسود، آفیون	دیسکورید
<i>Papaver sp.</i>	خشخاش	الموسوعه
<i>Papaver somniferum L.</i>	کونثار - خشخاش	پارسا
<i>Papaver somniferum L.</i>	خشخاش	طبا، EN.

۷۵۳ - خشخاش سفید<sup>۱</sup>، خشخاش آبیض<sup>۲</sup>: از انواع آن «خشخاش احمر» است که به آن «شقایق النعمان» گویند.<sup>۳</sup> نام دیگر آن: خشخاش بستانی<sup>۴</sup>

<i>Papaver somniferum L.</i>	خشخاش آبیض	خطابی
<i>Papaver roeas L.</i>	خشخاش احمر	خطابی
<i>Anemone sp.</i>		

۷۵۴ - خشخاش بری<sup>۱</sup>، خشخاش سیاه<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: خشخاش آسود<sup>۳</sup>، خشخاش الیهودی<sup>۴</sup> قاراطیطس<sup>۵</sup> که (*Mekon keratitis*): برگردان آن به عربی «خشخاش المُقَرَّن» (خشخاش شاخ دار) است. بعضی به آن «فارالیون» (*Paralium*) برگردان آن به عربی «خشخاش الساطی» است، می‌گویند زیرا این گیاه بیشتر در سواحل می‌روید. نام دیگر آن «خشخاش البری» است. و برای نیام بلند چون نیام «لویبا» به آن «مُقَرَّن» گویند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۰

<i>Papaver somniferum</i>	خشخاش آسود، خشخاش احمر، خشخاش مُنوم، ابوالنوم	الموسوعه
<i>Papaver somniferum L.</i>	خشخاش آسود	خطابی

<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	قاراطیطس، خشخاش المقرن، خشخاش ساحلی، خشخاش بری	دیسکورید
<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	خشخاش بری	EN.

۷۵۵- خشخاش منثور، خشخاش منثور<sup>۴</sup>: "جالینوس" می گوید: از آن جهت منثور گویند که گلبرگهای آن زود می ریزد.<sup>۴</sup>

<i>Papaver rhoeas</i>	خشخاش منثور، خشخاش اعمی، عمی الدجاج، شقائق خمر، شقائق النعمان	الموسوعه
-----------------------	---	----------

۷۵۶- خشخاش زبیدی، خشخاش زبیدی<sup>۴</sup>، خشخاش زبیدی<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: میقن افرویس<sup>۴</sup> - قلیا<sup>۴</sup> میقن افرویس (*Mekon aphrodes*): برگردان آن به عربی «خشخاش زبیدی» است (زبد به معنای شیر یا کف روی آب) زیرا گل آن مانند کف روی آب بسیار سفید رنگ است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۱]

<i>Silene inflatal</i> L.	خشخاش زبیدی	دی.، EN.
---------------------------	-------------	----------

۷۵۷- خشخاش مقرن، خشخاش مقرن<sup>(۱)</sup>، خشخاش مقرن<sup>۴</sup>، خشخاش مقرن<sup>۴</sup>: نام دیگر آن: مامیثا<sup>۴</sup> خشخاش بحری<sup>۴</sup>، زیرا اکثراً کنار دریا و مکان های ناهموار می روید.

<i>Glaucium flavum</i> Crantz.	خشخاش مقرن، مامیثا صفراء	الموسوعه
--------------------------------	--------------------------	----------

۷۵۸- خُصی الثعلب، خصی الثعلب<sup>۴</sup>، خصی الثعلب<sup>۴</sup>، خصی الثعلب<sup>۴</sup>، خصی الثعلب<sup>۴</sup>، خصی الثعلب<sup>۴</sup>، سوطیون<sup>۴</sup>، طریفلن<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: ساطریه، ساطریون، ساطوریون، ساطوریون، ساطوریون، ساطوریون (به معنای سه برگ) (در دو نوع) خرد و بزرگ است.<sup>۴</sup> - برای برگ های سه تایی و مایل به سمت زمین آن برخی آن را «طریفلن» می دانند... و نوع دیگر آن را گاهی «أریقون ساطوریون» گفته اند.<sup>۴</sup> "غافقی" می گوید: «خصی الثعلب» معروف نزد ما در اندلس با آنچه دیسکورید معرفی کرده متفاوت است.<sup>۴</sup> "اشبیلی" می گوید: دارای دو نوع است، نوع اول را ساطوریون، اشتنکه و طریفلن و نوع دوم بذرهائی بزرگتر از بذرهائی: کتان دارد.<sup>۴</sup> - ساطوریون (*Saturion*) نام «خصی الثعلب» بوده و دو نوع دارد. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۴

<i>Orchis anthropophora</i> L.	ساطوریون - خصی الثعلب	دیسکورید
<i>Orchis</i> sp.	سُخلب، خصی الثعلب، خصی الکلب، قاتل اخیه، سَطوریون	الموسوعه
<i>Aceras anthropophora</i> St.	خصی الثعلب	طباطبائی
<i>Tulipa gesneriana</i> L.		
<i>Orchis hircina</i> Griseb.	خصی الثعلب	خطابی

۷۵۹- خصی الدیك، خصی الدیك<sup>۴</sup>؟

۷۶۰- خصی القط<sup>۴</sup>: نوعی بقل معروف به ذکر رئیس - اهالی نغر: قلیون دیغاته<sup>۴</sup>

۷۶۱- خصی الکلب<sup>۴</sup>، خصی الکلب<sup>۴</sup>، خصی الکلب<sup>۴</sup>، خصی الکلب<sup>۴</sup>، قاتل اخیه<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: رومی: اشماقوس<sup>۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أرحس<sup>۴</sup> - این اسم - قاتل اخیه (برادر کش) - به این سبب بر آن نهاده اند که دارای دو بیخ مانند دو زیتون است که در سالی یکی از آن ها فربه شود و در سال دیگر آن فربه لاغر گردد و لاغر آن فربه گردد.<sup>۴</sup> "اشبیلی" می گوید: نوعی بصل با نام های:

«ارخس، قاتل اخیه، قلیون، دقان» و دارای ده نوع با نام‌های زیر است: ۱- نوع ثومی با نام‌های ارخس و ارخیس ۲- نوع دیکمی با نام‌های ارخس طولماغن یعنی بزرگ، ساراقیاس و خصی السمور ۳- نوع نحلی ۴- نوع دوبرانی یا زنبوری که در دو نوع است. ۵- نوع کرائی ۶- نوع کرائی ۷- نوع بصلی ۸- نوع خُطافی ۹- نوع زُندی ۱۰- نوع ثعلبی<sup>ع</sup>

Orchis hircina Griseb.	خصی الکلب	طباطبانی
------------------------	-----------	----------

۷۶۲- خصی هرمس<sup>ع</sup>، خصی هرمس<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: حلیوب<sup>ع</sup> - یونانی: لسورسطس<sup>ع</sup> - گویند نام «عصا هرمس» است و به نظر صحیح تر از بقیه نظرها است و نام یونانی آن «لینوزسطس» و نام دیگر آن «حلیوب» است.<sup>ع</sup>  
۷۶۳- خُطَر<sup>ع</sup>، خُطَر<sup>ع</sup>: برگ «نیل رومی» است.<sup>ع</sup> - گویند نام «وسمة» است.<sup>ع</sup>

Cladrastis sp. Virgilia sp.	خُطَر	الموسوعه
--------------------------------	-------	----------

۷۶۴- خُطَرَة<sup>ع</sup>:

۷۶۵- خُطَمی<sup>ع</sup> (نامی یونانی)، خُطَمی<sup>ع</sup>، خُطَمی<sup>ع</sup>، خُطَمی<sup>ع</sup>، خُطَمی<sup>ع</sup>، خُطَمی<sup>ع</sup>، خُطَمی<sup>ع</sup>، شحم المَرَج<sup>ع</sup>، غسل<sup>ع</sup>، بزر الخُطَمی<sup>ع</sup>، صمغ الخُطَمی<sup>ع</sup>: مشتق از کثیرالمنافع<sup>ع</sup> - نام‌های دیگر آن: رومی: لاثوس<sup>ع</sup>، انونکسا<sup>ع</sup> - سریانی: حلمنا<sup>ع</sup>، نطفنا<sup>ع</sup> - فارسی: خیروج<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: ایسقوس<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: الٹا<sup>ع</sup> - فارسی: هشت دهان<sup>ع</sup>، الٹال<sup>ع</sup> فاس: ورد الزوان<sup>ع</sup> نام‌های نوع بری: شحم المَرَج<sup>ع</sup> - یونانی: الیا<sup>ع</sup> - نام گل: کثیرالمنفعة<sup>ع</sup> - بهترین آن کوهی است که گل آن به رنگ سفید است و بستانی آن به نام «الزوانی» است.<sup>ع</sup> نوعی از آن بستانی و در اندلس معروف به «ورد الزوانی» است و نوع دیگر آن را عامه مردم به نام «شحم المَرَج<sup>ع</sup>» می‌شناسند و «دیسکورید» نام آن را به یونانی «الٹا<sup>ع</sup>» گفته است. و دیسکورید همچنین آن را نوعی از «ملوخیه بری» معرفی می‌کند.<sup>ع</sup>

الٹا<sup>ع</sup> (Althaea): خُطَمی<sup>ع</sup> - ملوخیا الشجر - عامه اهل اندلس: وُرد الزوانی

الٹا<sup>ع</sup> آخر (Alkea): نوعی از «خُطَمی بری» معروف به «شحم المَرَج<sup>ع</sup>» است. قسمت مورد استفاده ریشه‌های گیاه است و برای نرم کردن صلابات بسیار موثر است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۱ و ۱۴۲]

Althaea rosea	خُطَمی بری	خطابی
Althaea officinalis L.	خُطَمی	ز. - خ. - ط.
Althaea officinalis L. Althaea ficifolia R.Br.	خُطَمی	EN.

۷۶۶- خِلاَف<sup>ع</sup>؛ خِلاَف<sup>ع</sup>، خِلاَف<sup>ع</sup>، خِلاَف<sup>ع</sup>، خِلاَف<sup>ع</sup>، خِلاَف<sup>ع</sup>، خِلاَف<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: صفصاف<sup>ع</sup> - فارسی: بید<sup>ع</sup> - جالینوس: بطاس<sup>ع</sup>، غرب<sup>ع</sup>، شاه بید<sup>ع</sup> - شام: خِلاَف<sup>ع</sup> - دارای انواع متعددی است نوعی از آن را «صفصاف» گویند که خود دارای نوع سفید و قرمز است و نوع دیگر آن «بادامک» نام دارد که نزد اهالی اندلس به «نصی» مشهور است.<sup>ع</sup> «خِلاَف<sup>ع</sup>» شامل «بید مشک»، «بید بری»، «بید موله» است و از هر گاه بدون قیدی نامبرده شود منظور «بید بری» یا «صفصاف» که به فارسی «بید ساده» است، می‌باشد.<sup>ع</sup> - «خِلاَف<sup>ع</sup>»، «بید» است و از او «خِلاَف<sup>ع</sup>» است و «صفصاف» و «شاه بید» - «خِلاَف<sup>ع</sup>» نوعی «صفصاف» است و صمغ آن از برگ بیرون می‌آید.<sup>ع</sup>

أطأ<sup>ع</sup> (Itea): شجر الصَّفصاف - خِلاَف<sup>ع</sup> ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۶

Salix aegyptiaca Forsk.	بید	EN.
-------------------------	-----	-----

<i>Salix babylonica L.</i> <i>Salix babilonia L.</i>	أطا - شجر الصفصاف - خلاف	دیسکورید
<i>Salix safsaf Forsk.</i> <i>Salix babilonia L.</i>	صفصاف	زر. - طب.
<i>Salix alba L.</i>	بید	پارسا
<i>Salix australior Forbes</i>	بید سیاه	پارسا
<i>Salix babylonica L.</i>	بید مجنون	پارسا
<i>Salix fragilis L.</i>	بید خشت	پارسا
<i>Salix babilonia L.</i> <i>Salix aegyptiaca</i>	خلاف	خطابی
<i>Salix acmophylla Boiss.</i>	<i>Hendia: Bada - Punjab: Bed</i>	GLO.IN.
<i>Salix acmophylla Boiss.</i>	<i>Punjab: Bedi</i>	GLO.IN.

۷۶۷ - خلاف بلخی، بهرامج، بهرامج: نام های دیگر آن: فارسی: بید مشک - شام: شاهبید - روم: بهرامج، رنف، بورکر - سندی: سریس (سرس) - بهرامه - خلاف بلخی

<i>Salix caprea L.</i> <i>Salix balchia</i> <i>Salix rosmarinifolia L.</i>	بهرامج	زریاب
<i>Salix aegyptiaca Forsk.</i>	بید مشک	پارسا

۷۶۸ - خلجی، خَلْجان: گویند «گرنب بری» یا «شهدانج بری» است.

۷۶۹ - خَلص: شاید «کاکنج النهری» باشد.

۷۷۰ - خُلر، جَلبان، خَلر: نام های دیگر آن: عربی: خَلر، مُلک، جَلبان، به واحد آن «جلبانه» گویند. - هندی: متر کابلی - «قصاص» نوعی خلر با غلاف نازک است. - عرب «ماش» را «میخ» و «خَلر» را «زَن» گوید.

<i>Lathyrus sativus L.</i>	جلبان - ملک - خلر	زریاب
<i>Pisum sativum L.</i>	کرکرو (خرقان) - خلر	پارسا
<i>Lathyrus sp.</i>	جلبان - خلر	الموسوعه

۷۷۱ - خَله: نام بوته خاردار با نام «شبرق»

۷۷۲ - خَلنج، خَلنج، خَلنج: (نام فارسی معرب) نام های دیگر آن: یونانی: اریقی - جرحه - عود الشرح - نام نوع دیگر: غنب الذیب

اریقی (*Ereike*): اهالی مغرب به آن «شجر الخَلنج» گویند و از انواع «أشجل» است و هنگامی که زنبور عسل از شهد آن استفاده کند عسلی تلخ بوجود می آید. (ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۰)

<i>Erica arborea L.</i>	اریقی - شجر الخَلنج - نوعی أشجل	دیسکورید
<i>Erica sp.</i>	خَلنج - شَنْطَف	الموسوعه
<i>Erica cinerea L.</i>	خَلنج	EN.



۷۷۳- خَمَان؛ خَمَانٌ (نامی نبطی)، خَمَانٌ، شَبْوَقَةٌ (خَمَانُ الْكَبِيرِ)، يَدْقَةٌ، يَنْقَةٌ (خَامَا أَقْطَى)، أَقْطَى، أَقْطَى، خَامَا أَقْطَى، خَامَا أَقْطَى: نام‌های دیگر آن: عربی: رَقْعَا - یونانی: أَقْطَى - خَمَانٌ - درخت معروفی است، بزرگ آن به عجمیت اندلس «شَبْوَقَةٌ» و کوچک آن «يَدْقَةٌ» نام دارد. «خَامَا أَقْطَى» به یونانی به معنای «خَمَانُ الْأَرْضِ» و همان «خَمَانُ الصَّغِيرِ» است. دارای دو نوع بزرگ و کوچک است: خَمَانُ بَزرگ را «شَبْوَقَةٌ» گویند و کوچک آن را «خَامَى أَقْطَى» و به ثمر آن «بَل» گویند. - دارای دو نوع است یکی بزرگ که گروهی به آن «خَابُور» گویند و به لاتینی «يَدْقَةٌ» و به یونانی «أَقْطَى» نام دارد و نوعی کوچک که گروهی به آن «رَقْعَا» گویند و به لاتینی «شَبْوَقَةٌ» نامیده می‌شود و دادن نام لاتینی به نوع کوچک «شَبْوَقَةٌ» اشتباه است و همچنین دانستن «خَامَا أَقْطَى» که درختی هندی با میوه هائی با نام‌های «بَل» و «فَل» است اشتباه آشکاری می‌باشد.<sup>۴</sup>

أَقْطَى (Akte): دو نوع دارد و نام هر دو آن‌ها «عُود الْكَلْبِ» و «شَجَرُ الْخَابُورِ» است.

نوع دوم به نام «خَامَا أَقْطَى» است. ابن بیطار در کتاب جامع خود نوع اول را «خَمَانُ كَبِيرِ» و نوع دوم را «خَمَانُ صَغِيرِ» نامیده است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۶]

<i>Sambucus nigra L.</i>	أَقْطَى - عود الكلب - شجر الخابور	دیسکورید
<i>Sambucus ebulus L.</i>	غلبون، پلم، پلیم، پلاخون، بل خون، شون	پارسا
<i>Actaea sp.</i>	خمان - أقتی - أَقْطَى	الموسوعه
<i>Sambucus ebelus</i>	خمان صغیر	طباطبانی
<i>Sambucus nigra L.</i>	خمان کبیر	طباطبانی
<i>Sambucus nigra L.</i>	خمان - بیلسان	EN.

۷۷۴- خَمْمَخٌ، خَمْمَخٌ، خَمْمَخٌ: "خَمْمَخٌ" نام این گیاه را «أَرغَامُونِي» ذکر کرده است ولی من آن را صحیح نمی‌دانم - ابن بیطار - زیرا «خَمْمَخٌ» نامی عربی است و مشخصات آن با «أَرغَامُونِي» متفاوت است.<sup>۴</sup> برخی از مترجمان «خَمْمَخٌ» را «لسان الثور» ذکر کرده‌اند که صحیح نیست و این توهّم بخاطر شباهت لفظی «خَمْمَخٌ» با «حَمْمَخٌ» است زیرا «حَمْمَخٌ» در شهرهای بکر و شرق نام «لسان الثور» است.<sup>۴</sup>

<i>Matthiola livida DC.</i>	خَمْمَخٌ، مَشُورِ بَرِي، شَمِشَمِ	الموسوعه
-----------------------------	-----------------------------------	----------

۷۷۵- خَمْمَخٌ، خَمْمَخٌ، خَمْمَخٌ، خَمْمَخٌ، خَمْمَخٌ، خَمْمَخٌ (نامی سریانی)، برواق، اصل الخَمْمَخِ: از جنس بصل و از نوع جنبه و دارای دو نوع نر و ماده است. نام‌های دیگر آن: اسفودولوس (اسفودالوس): اهل مغرب: بزواق، بروق، خَمْمَخٌ، غَرِي الاساكفه - عجمیت اندلس: أْبْجَه - اسراش - برواق - نام ریشه آن: سراش - خَمْمَخٌ «سَرِش» است. نام نوع کوچک: خَمْمَخِ الصَّخْرِيَه - نام برگ: اینار هر<sup>۴</sup>

اسفودولوس (*Asphodelos*): سفودولوس - عربی: خَمْمَخِ در حاشیه کتاب دیسکورید تصحیح ابن مراد ۲ - ۱۵۲

<i>Asphodelus microcarpus (L.) Swartz</i>	خَمْمَخِ	خطابی
<i>Ornithogalum stachyoides</i>	صاصل، صوصلا، اشراس، لبن الطیر، خَمْمَخِ	خطابی
<i>Asphodelus ramosus L.</i>	خَمْمَخِ	زر - طبایا.
<i>Asphodelus sp.</i>	خَمْمَخِ	EN.

۷۷۶ - خندروس، خندروس، خندروس، خندروس، خندوس، خندروس، حنطه رومی، حنطه رومی، خالون، شعیر رومی: نوعی از «راء» است و دارای دو دانه است. نوعی اشقالیه است. نام های دیگر آن: خندروس، خندروش - خالون - فارسی: ذره مکه، کاکل - عربی: حنطه رومی، شعیر رومی - تنکابن: گندم مکه - هندی: جوار - گندم رومی - لوفقطوش، شوخط، طخش

خندروس (Khondros): نام «حنطه الرمیة» و نوعی «شعیر العربی» است و عامه اندلس به آن «شعیر النبی (صلی الله علیه و اله)» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۱]

<i>Triticum romanum L.</i>	خندروس - حنطه الرومیة - شعیر النبی	دیسکورید
<i>Triticum spelte L.</i>	خندروس	طبا، EN.

۷۷۷ - خندریلی، خندریل: نوعی «هندباء بری» تلخ است و گویند نام «یعضید» است. نوعی «کاسنی بری» اما به غایت تلخ است و آن را «یعضید» خوانند.

<i>Chondrilla sp.</i>	خندویل - مژزیره	الموسوعه
<i>Chondrilla juncea L.</i>	خندریلی	EN.

۷۷۸ - خووخ، خووخ، خووخ، خووخ، خووخ، خووخ، خووخ، دراقن، دراقن، دراقن (لغتی شامی): نام های دیگر آن: فارسی: شفتالو - هندی: ارو، فرسک - «دراقرن» و «دراقینی» کلمه یونانی به معنی «هلو» است. شبیلی می گویند: از جنس درختان چوبی است دارای انواع بسیاری است: ۱ - بنوش، مفلق، ازغب ۲ - اقرع، اجرد، املس ۳ - برقوق، ذرقون، تفاح الفارسی، دراقن، فزبک، کورش، برشیقا میلا، دراجن، قربان ۴ - خووخ الماء، درچکان، سنقینه بزبسیقا (*Persika mela*): نام «خووخ» است و دارای انواع فراوانی است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۰]

<i>Persica vulgaris Mill.</i>	خوخ - دراقن	زر - طبا.
<i>Prunus persica Sieb.</i>	خوخ	دی - خ.
<i>Prunus domestica</i>	خوخ	الموسوعه
<i>Amygdalus persica L.</i>	خوخ	EN.

۷۷۹ - خووشان: قسمس قطف بری و از انواع جمض - نام دیگر آن: زغل  
 ۷۸۰ - خولنجان، خولنجان، خولنجان، خولنجان، خولنجان، خولنجان، خولنجان، خسرو دارو: نام های دیگر آن: جوز سودار، جشروق، خسرو دارو - ترکی: غرغات - هندی: کلیجن، کلاجن - نام نوع دیگر: جنجبانسه

<i>Alpinia galanga (L.) Will.</i>	خولنجان مصری - ریشه جوز	پارسا
<i>Alpinia galanga (L.) Will.</i>	خولنجان	خطابی
<i>Alpinia sp.</i>	خولنجان	الموسوعه
<i>Alpinia officinarum Hance</i>	خولنجان	طبا، EN.
<i>Alpinia khulanjan = A. galanga</i>	Vernacular: Khulanjan	GLO.IN.
<i>Alpinia officinarum Hance</i>	Hendia: Kulanjan - Bengal: Sugandha	GLO.IN.

۷۸۱ - خوم و خب: نام‌های دیگر آن: حزاقه<sup>ش</sup>، اشکه<sup>ش</sup>، ایشکه<sup>ش</sup>، گویند «اسحاره» است و گویند «شیح» است.<sup>ش</sup>

۷۸۲ - خیار: نامی مشترک برای میوه «خزوب الهندی» و نوعی «قثاء»<sup>ش</sup>

<i>Cucumis sativus</i>	خیار	EN.
------------------------	------	-----

۷۸۳ - خیار شنبّر، خیار شنبّر، خیار شنبّر، خیار شنبّر، خیار شنبّر، خیار شنبّر، خرنوب هندی، خرنوب هندی، قثاء الهندی، خیار شنبّر، خیار شنبّر: معرب خیار چنبّر فارسی<sup>۱</sup> - نوعی خزوب و از جنس درختان بزرگ<sup>ش</sup> و دارای نوع هندی، کابلی و مصری است. نام‌های دیگر آن: یونانی: قارطیا هندی<sup>ش</sup> - فارسی: بلیذا<sup>ش</sup> - خروب الهندی<sup>ش</sup> - خیار صنبّر<sup>ش</sup> - هندی: املناس، بکبّر<sup>ش</sup>، کینار<sup>ش</sup>، فلو سه گد<sup>ش</sup> - سجزیه: نی هندو<sup>ش</sup>، کر ماله، کرواله، سیاک لاتی<sup>۱</sup> - فارسی و هندی: خیار چنبّر<sup>ش</sup>

<i>Cassia fistula L.</i>	خیار شنبّر	ز، خ، ط.
<i>Cassia fistula L.</i>	فلوس	پارسا
<i>Cassia fistula L.</i>	خیار شنبّر - خرنوب هندی	الموسوعه

۷۸۴ - خَیْرِي، خَیْرِي، خَیْرِي، خَیْرِي، خَیْرِي، خَیْرِي (نامی یونانی)، ابو عیسی، منثور: معرب هیری<sup>ش</sup> - نام‌های دیگر آن: هیری ارشق<sup>ش</sup> - فارسی: شب بو، گل خیری - عراق: عرب منشور<sup>۱</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: لوکرون<sup>ش</sup> - خیری سیاه را به شیرازی «خطای» گویند.<sup>ش</sup> - «بولس» می گوید: خیری با گل های قرمز را «بسد» گوید.<sup>ش</sup> اشیلی<sup>۱</sup> می گوید: دارای هفت نوع بستانی و بری است، بستانی آن عبارتست از: ۱ - خیری الاصفر: لوقیبیان، لاقوره، لوقابیس، لوقابا، لخنیس، سراج القطرب ۲ - لخنیس الاکلیه: ملول ۳ - مَجْرَع: مَرِئِش ۴ - نوعی با گل سفید - نام انواع بری آن عبارتست از: ۱ - خیری البز: خزومی ۲ - خیری الماء<sup>ش</sup> لوقاین (*Leukoion*): به هر سه نوع «خیری» اطلاق می شود و اهالی مصر به آن «منثور» گویند.

<i>Cheiranthus cheiri L.</i>	لوقاین - خیری - منثور	دیسکورید
<i>Cheiranthus cheiri L.</i>	خیری	ز، ط، E.
<i>Cheiranthus cheiri L.</i>	شب بو	پارسا
<i>Vesicaria gnaphaloides Boiss.</i>	خیری	پارسا
<i>Cheiranthus sp.</i>	خیری، منثور	الموسوعه

۷۸۵ - خَیْرَان، خَیْرَان، خَیْرَان: نوعی تمنش - نام‌های دیگر آن: فارسی: خزران<sup>۱</sup> - هندی: بیت، عسطوس<sup>ش</sup> اشیلی<sup>۱</sup> می گوید: دارای دو نوع نهري یا هندی و جبلی یا بلدی است.<sup>ش</sup>

<i>Bambusa sp.</i>	خیزران	الموسوعه
--------------------	--------	----------

۷۸۶ - خیزران بلدی<sup>۱</sup>: نام دیگر آن نزد گیاهشناسان اندلس: آس بری<sup>ش</sup>

<i>Bambusa arundinacea Willd.</i>	خیزران - عسطوس	زریاب
-----------------------------------	----------------	-------

## حرف «د»

۷۸۷- داذی، داذی، داذی، دانی، دادی، داذی: نام درختی بزرگ نام های دیگر آن: فارسی: جوجادو<sup>ع</sup> - قلنبیل<sup>ش</sup>، انوئیرا<sup>ش</sup>، مونس الوحش<sup>ش</sup>

<i>Cercis siliquastrum L.</i>	دادی	خطابی
<i>Hypericum sp.</i>	داذی - هیوفاریقون - اوفاریقون	الموسوعه
<i>Hypericum perfrotum L.</i>	دادی	EN.

۷۸۸- داذی رومی<sup>ع</sup>، داذی رومی<sup>ش</sup>، دادی رومی<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: حنین: هوفاریقون<sup>ع</sup>

<i>Hypericum perforatum L.</i>	داذی، هیوفاریقون معروف، حشیشه القلب، عَضْبَةُ القلب، مُنْبِيَه	الم.
--------------------------------	--	------

۷۸۹- دارشیشعان<sup>ف</sup>، دارشیشغان<sup>ص</sup>، دارشیشعان<sup>ب</sup>، دارشیشعان<sup>ج</sup>، دارشیشعان<sup>د</sup>، دارشیشعان<sup>ه</sup>، دارشیشعان<sup>ز</sup> (فارسی)، قلنسند ناردین: نام های دیگر آن: قندول<sup>ع</sup> - عود البرق<sup>ف</sup> - جهت آنکه چون قوس و قزح به برسد خوشبو تر از عود هندی شود. - هندی: کای پهل، کاپنهل<sup>ف</sup> - بنا به نظر جالینوس: اسپالانوس<sup>ص</sup> - حشیشه السنبل الرومی<sup>ص</sup> - بربری: آزوری<sup>ع</sup>، ازدری<sup>ب</sup> - اشلابوس<sup>ب</sup> - اصبالانوس<sup>ب</sup> - دیاکلمن<sup>ش</sup> - قشقابن فلسدیار<sup>ش</sup> - جَوْلَق<sup>ش</sup> "غسانی" می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف نظر است بعضی از پزشکان آن را شاخه های «سنبل» می دانند و گویند «سنبل هندی» است و بنا به نظری «رمان هندی» است که داخل میوه آن را «البل» گویند<sup>ع</sup>.

<i>Calycotome spinosa L.</i>	دارشیشغان	زر. - خط.
<i>Myrica sapida</i>	دارشیشعان - عود البرق	پارسا
<i>Spartium spinosum L.</i> <i>Cytisus spinosus Lam.</i> <i>Calycotome spinosa Lk.</i>	قندول، دارشیشعان، عود البرق	الموسوعه

۷۹۰- دارصینی<sup>ف</sup>، دارصینی<sup>ص</sup>، دارصینی<sup>ب</sup>، دارصینی<sup>ج</sup>، دارصینی<sup>د</sup>، دارصینی<sup>ه</sup>، دارصینی<sup>ز</sup>، دارچینی<sup>ع</sup>، دارچینی<sup>ش</sup>: نام آن به فارسی دار به معنای درخت و چوب است. نام های دیگر آن: سریانی: مرسلون<sup>ف</sup> - یونانی: افتمون<sup>ف</sup>، موسولون<sup>ش</sup>، قنامومن<sup>ش</sup> یعنی قصب الصین<sup>ش</sup> - "اسحاق بن سلیمان" می گوید: «دار صینی» دارای انواعی است نوعی از آن در سرزمین چین به «دار صینی حقیقی» معروف است، و نوع دیگری در شهر صوص معروف به «دار صینی الدون» است. <sup>ع</sup> - اشبیلی<sup>ف</sup> می گوید: دارای چهار قسم است: ۱- قرفه، قرفه القرنفل، موسولون، سلیخه - زیرا بین آن و سلیخه مشابهت زیادی هست. ۲- دارصینی زور یعنی ضعیف ۲- دارصینی حبشی ۴- دارصینی تازه قرمز رنگ خوشبو<sup>ش</sup>

قنامومن (Kinnamomon): به انواع «دارصینی» گویند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۴

<i>Cinnamomum cassia Boiss.</i> <i>Cinnamomum spp.</i>	دارصینی	زریاب
<i>Cinnamomum zeilanicum Nees.</i>	دارصینی	دی. - طب.
<i>Cinnamomum zeilanicum Nees.</i>	قرفه سرنُدیب، قرفه سیلان، دارصینی	الموسوعه

۷۹۱- دارفلفل<sup>۱</sup>، دارفلفل<sup>۲</sup>، دارفلفل<sup>۳</sup>، دارفلفل<sup>۴</sup>، دارفلفل<sup>۵</sup>، دارفلفل<sup>۶</sup>، دارفلفل<sup>۷</sup>، دارفلفل<sup>۸</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: فلفل دراز<sup>۹</sup> - هندی: پیپلی<sup>۱۰</sup>، پیپلی<sup>۱۱</sup> - "جالینوس" گوید «بهار»، «فلفل سفید» است و گویند درخت آن غیر از «درخت فلفل» است.<sup>۱۲</sup>  
باباری (Peperi): فُلْفُل - به درخت آن «دار فُلْفُل» گویند. - فُلْفُل الأبیض ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۲

<i>Capsicum frutescens L.</i> <i>Piper nigrum L.</i>	دارفلفل	الموسوعه
<i>Cucurbita sp.</i> <i>Piper nigrum L.</i>	قَرَع، یقطین	الموسوعه
<i>Piper aromaticum Lamk.</i> <i>Piper nigrum L.</i>	باباری - دارفلفل - فلفل آبیض	دیسکورید
<i>Piper longum L.</i>	دارفلفل	طبا.، EN.

۷۹۲- دارقفوطون<sup>۱۳</sup>:

<i>Arum italicum L.</i> <i>Dracunculus vulgaris Schott.</i>	دارقفوطون	زریاب
--	-----------	-------

۷۹۳- دارکیسه<sup>۱۴</sup>، دارکیسه<sup>۱۵</sup>: نام دیگر آن: بسباسه<sup>۱۶</sup> - نام درخت: مافر<sup>۱۷</sup> - گویند نام «طالیسفر» است و همچنین نام آن را «بسباسه» گفته‌اند.<sup>۱۸</sup>

<i>Myristica fragrans Houff.</i>	دارکیسه - درس	طباطبائی
----------------------------------	---------------	----------

۷۹۴- دارم<sup>۱۹</sup>، دارم<sup>۲۰</sup>:

۷۹۵- دارمک: نوعی از مرو<sup>۲۱</sup>

۷۹۶- دارمیران<sup>۲۲</sup>: نام‌های دیگر آن: مامیران - شاید نوع کوچک «اسارون» باشد و گویند چوب هائی هندی است که در سرمه از آن استفاده می‌شود.<sup>۲۳</sup>

۷۹۷- دارهلد<sup>۲۴</sup>: (نام درختی هندی) نام‌های دیگر آن: دارچوبه<sup>۲۵</sup> - هندی: ابنی هلدی<sup>۲۶</sup>

۷۹۸- دانج ابروج<sup>۲۷</sup>، دانج ابرونج<sup>۲۸</sup>، دانج ابروج<sup>۲۹</sup>: از کوه کیلویه که از ولایت پارس است برخیزد و در هیچ موضع دیگر نباشد.<sup>۳۰</sup>  
نام‌های دیگر آن: دانک افرونک<sup>۳۱</sup> - شیرازی: انچلک<sup>۳۲</sup>، تخم امروز جنگلی است. صیادله عراق آن را بعنوان «فلفل آبیض» و بعضی از ایشان آن را «قُرْطَم» می‌دانند.<sup>۳۳</sup>

۷۹۹- دانک<sup>۳۴</sup>؟

۸۰۰- دُبا<sup>۳۵</sup>، دبا<sup>۳۶</sup>، دُبا<sup>۳۷</sup>، دُبا<sup>۳۸</sup>: نام‌های دیگر آن: قرع<sup>۳۹</sup> - فارسی: کدوی رومی<sup>۴۰</sup>، قرع الیابس<sup>۴۱</sup> - "ابوحنیفه" آن را «قرع» می‌داند نه «قرع یابس»<sup>۴۲</sup>

<i>Lagenaria vulgaris Ser.</i>	دبا	زریاب
<i>Lagenaria vulgaris Ser.</i>	کدوی قلبانی	پارسا
<i>Cucurbita pepo L.</i>	دبا	خطابی

۸۰۱- دِیق<sup>۴۳</sup>، دیق<sup>۴۴</sup>، دیق<sup>۴۵</sup>، شجرة الدیق<sup>۴۶</sup>، شجرة اللیق<sup>۴۷</sup>، دبقت<sup>۴۸</sup>: نام‌های دیگر آن: درخت سیستان<sup>۴۹</sup> - غَلْتان<sup>۵۰</sup> - مخاطه<sup>۵۱</sup> -

رومی: اکتیفوس<sup>۳۳</sup>، هذوغورون<sup>۳۴</sup> - سریانی: دبوقا<sup>۳۵</sup>، قسوس<sup>۳۶</sup> - فارسی: مویزک عسلی<sup>۳۷</sup>، کشمش کاولیا<sup>۳۸</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اقسوس<sup>۳۹</sup> - عطاران شیراز: مویزج عسلی<sup>۴۰</sup>  
اُقسوس: دق - صمغی که از درخت «کُمُتری» و غیر آن است. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید)

<i>Loranthus europaeus L.</i>	دبق	دیسکورید
<i>Viscum album L.</i> <i>Loranthus europaeus L.</i>	دبق - اکتیفوس	زریاب
<i>Cordia myxa L.</i> <i>Viscum album L.</i>	دبق - فور - عداس	طباطبانی

۸۰۲ - دیداریا، دیداریا<sup>۴۱</sup>: (لغت نبطی مشتق از فارسی)

۸۰۳ - دبیراز<sup>۴۲</sup>: نوعی ابله<sup>۴۳</sup>

۸۰۴ - دحداح<sup>۴۴</sup>، داح<sup>۴۵</sup>: سرخ مرد<sup>۴۶</sup>، (لاک ساک)

<i>Crinum sp.</i>	دخداح - زُئبقیة	الموسوعه
<i>Amaranthus paniculatus L.</i> <i>Amaranthus gangeticus L.</i>	دحداح	زریاب
<i>Amaranthus tricolor</i>	داح	طباطبانی

۸۰۵ - دخسیسا<sup>۴۷</sup>: نامی مشترک برای «بُنک» و روغن «بلسان» است.<sup>۴۸</sup>

۸۰۶ - دُخن<sup>۴۹</sup>، دخن<sup>۵۰</sup>، دخن<sup>۵۱</sup>، دخن<sup>۵۲</sup>، دخن<sup>۵۳</sup>: نوعی جاورس<sup>۵۴</sup> نام های دیگر آن: فارسی: ارزن<sup>۵۵</sup> - شیرازی: الم<sup>۵۶</sup> -

هندی: کنکنی<sup>۵۷</sup> - جالینوس: قنخروس<sup>۵۸</sup>، جاوروس<sup>۵۹</sup> - برخی آن را به اشتباه «جاورس» می دانند. دارای هفت قسم زراعی و غیر

زراعی است، غیر زراعی آن عبارتست از: ۱ - بنجاین: قلفورا، قفورا ۲ - حشیشة الحوت: قمرون، دخن النملی، مَلاجه اقوانته، مَلاجه بطره ۳ - اَبید

۴ - بَشَط: شَبَلَم ۵ - خافور: قبساطه، دخن العصافیر، بَزَمَس<sup>۶۰</sup>

اُلومُس (*Elumos*): دخن ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۴

<i>Andropogon sorghum Brot.</i>	اُلومس - دخن	دیسکورید
<i>Panicum italicum L.</i> <i>Panicum miliaceum L.</i> <i>Sqtaria italica Beauv.</i> <i>Holcus dochna Forscal</i> <i>Sorghum vulgare L.</i>	دخن	زریاب
<i>Panicum sp.</i> <i>Panicum miliaceum L.</i> <i>Sqtaria italica Beauv.</i> <i>Holcus dochna Forscal</i> <i>Sorghum vulgare L.</i>	دخن	الموسوعه

۸۰۷ - دراقیل<sup>۶۱</sup>: نوعی «قرصعنه» که اهالی کوهستانی بیروت و لبنان به آن «شنداب» گویند.<sup>۶۲</sup>

۸۰۸ - درامج<sup>۶۳</sup>، درانیج<sup>۶۴</sup>: گفته شده نام «بعضید» است و همچنین گفته شده نوعی «بلاب» کوچک است.<sup>۶۵</sup>

۸۰۹ - دُرُحَوْلَة<sup>ع</sup>: نوعی از «سوسن بری» با نام یونانی «کسفیون» یا به نام «دَلْبُوث» است.<sup>ع</sup>

۸۱۰ - دَرْدَاب، دستنبویه<sup>ع</sup>، شمام<sup>ع</sup>: نام نوعی بطیخ کوچک<sup>ع</sup> - نام‌های دیگر آن: فارسی: دستنبویه<sup>ع</sup>، دستنبو<sup>ع</sup> - هندی: کچری<sup>ع</sup> - بنگالی: کژمین<sup>ع</sup>، سیندنی<sup>ع</sup> - شام: شمام<sup>ع</sup>

۸۱۱ - دَرْدَار، دَرْدَار، دَرْدَار، دَرْدَار، دَرْدَار<sup>ع</sup> (نامی فارسی)، شجرة البق<sup>ع</sup>، بوقیصا<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: شجرة دردار<sup>ع</sup> - شام و عراق: شجرة البق<sup>ع</sup> - خوش سایه<sup>ع</sup> - دارون<sup>ع</sup>، سسفیدار<sup>ع</sup>، درخت پشه<sup>ع</sup>، گویند در میوه آن پشه جمع می‌شود.<sup>ع</sup> - «بولس» می‌گوید: نام «شجرة البق» است.<sup>ع</sup> بیشتر پزشکان آن را «لسان العصفور» می‌دانند.<sup>ع</sup> «اشبیلی» می‌گوید: درختی بزرگ با نام‌های: «باطالا، بنجکسروان، قیلورا، فراشنه، براخشنه، مالیا، وزق، شجرة البق» با انواع افرنجی، چلیقی و بلدی است.<sup>ع</sup>

بطالایا (Ptelea): شجرة الدردار - اهل عراق: شجرة البق - اهل اندلس: نَشْم الأَسْوَد - جالینوس: بنطادانقا به «ابدیصارون» هم مراجعه شود. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۵ و ۲ - ۱۲۵

<i>Ulmus spp.</i>	دردار	دیسکورید
<i>Ulmus spp.</i>	بطالایا - شجرة الدردار - شجرة البق	خطابی
<i>Ulmus campestris L.</i>	دردار	ز، ط، E.
<i>Ulmus campestris L.</i> <i>Ulmus montana With.</i> <i>Ulmus effusa Sibth.</i>	درخت نارون - شجرة البق - دردار - دارون - قرانحاج - درخت صمت (آستارا) - لی (لاهیجان) - قلیج (شمال) - شل در (حاجیلر) - اوجا (شمال)	پارسا
<i>Ulmus sp.</i> <i>Ulmus montana With.</i> <i>Ulmus effusa Sibth.</i>	بوقیصا - دردار - شجرة البق - اُم	الموسوعه

۸۱۲ - درماء<sup>ع</sup>: نوعی حمض یا نوعی از ذکور البقل

۸۱۳ - درمامة<sup>ع</sup>:

۸۱۴ - دَرُوبَطَارِس، دروبطارس<sup>ع</sup>، دروبطارس<sup>ع</sup>: به یونانی به معنای فرزند بلوط<sup>ع</sup>، «بلوطی» و «سرخس البلوط» است.<sup>ع</sup> زیرا گیاه آن بریدن کهنه بلوط می‌روید.<sup>ع</sup> نام دیگر آن «دودسپاروس» است.<sup>ع</sup> - در جزیره الخضراء اندلس به «دیک» و نزد برخی از گیاهشناسان اندلسی «غلالة» معروف است و آن نوعی «بسفایج» است.<sup>ع</sup> دَرُوبَطَارِس (*Droopteris*): یعنی «بلوطی» و نام دیگر آن «سرخس البلوط» است زیرا بر روی درخت بلوط رویش می‌یابد و سمی و کشنده است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۰]

<i>Asplenium adiantum nigrum L.</i>	دروبطاروس - سرخس البلوط	دیسکورید
-------------------------------------	-------------------------	----------

۸۱۵ - دَرُوفِینُوس، دروفینون<sup>ع</sup>، دروقینون<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: عربی: زیتونیه<sup>ع</sup>، زیرا برگ‌های آن مشابه برگ زیتون است.

دَرُوقِیُون (*Doruknion*): گیاهی است که در ابتدای رویش برگ‌های مشابه برگ «زیتون» دارد و مخدر و خواب‌آور است و من - ابن بیطار آن را می‌شناسم. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۸

<i>Dorycnium spp.</i>	دروقیون	دیسکورید
-----------------------	---------	----------

۸۱۶ - دَرُونِج، درونج<sup>ع</sup>، درونج<sup>ع</sup>، درونج<sup>ع</sup>: (نامی فارسی) نام‌های دیگر آن: درونک<sup>ع</sup> - هندی: سنکهاوت<sup>ع</sup>، سنکهاورت<sup>ع</sup> - لبنان: عَقْبِرَة<sup>ع</sup> - حارکوش - جذوار<sup>ع</sup> - سیسدار<sup>ع</sup> - یزبه غَلِشکه<sup>ع</sup>

<i>Doronicum pardalianches L.</i> <i>Doronicum scorpioides Lam.</i>	درونک	زریاب
<i>Doronicum scorpioides Lam.</i>	درونج	خطا، EN.
<i>Doronicum pardalianches L.</i>	درونج عقربی	پارسا
<i>Doronicum sp.</i>	دُرُونق - دُرُونک - درونج	الموسوعه
<i>Doronicum hookeri Hook.</i> <i>Doronicum roylei DC.</i>	Punjab: Darunj-akrabi	GLO.IN.
<i>Doronicum pardalianches L.</i>	India: Darunj-akrabi	GLO.IN.

۸۱۷ - دُرَیاس<sup>۱</sup>: معرب دورس فارسی<sup>۲</sup>

<i>Thapsia garganica</i>	دُرَیاس، دَرَس، دُرَسْت، اُدَیاس، ثافسِیا	الم.
--------------------------	---	------

۸۱۸ - دُرَیَان<sup>۱</sup>: میوه ای مخصوص زیرباد<sup>۲</sup>

۸۱۹ - دستنویه<sup>۳</sup>: نوعی «بطیخ» کوچک که در شام به آن «شمامات» و «لقاح» گویند.<sup>۴</sup>

۸۲۰ - دُعاع<sup>۵</sup>: نام دیگر آن: شونیز القمح<sup>۶</sup>

۸۲۱ - دُضُوب<sup>۷</sup>:

۸۲۲ - دُغُلُول<sup>۸</sup>: نام دیگر آن: فسق الارض<sup>۹</sup> - قَشَطْنَوَلَه<sup>۱۰</sup>

۸۲۳ - دِفْلَی<sup>۱۱</sup>، دِفْلَی<sup>۱۲</sup>، دِفْلَی<sup>۱۳</sup>، دِفْلَی<sup>۱۴</sup>، دِفْلَی<sup>۱۵</sup>، دِفْلَی<sup>۱۶</sup>، دِفْلَی<sup>۱۷</sup>، خورزهرج<sup>۱۸</sup>، خرزهرج<sup>۱۹</sup> (نوعی دفل)، سَمِّ الحمار<sup>۲۰</sup>، سم الحمار<sup>۲۱</sup>،

حسین یا حنین (دانه): نام های دیگر آن: یونانی: شیریون<sup>۲۲</sup>، نیریون<sup>۲۳</sup> - سریانی: رودیون<sup>۲۴</sup> - عربی: جبین جبن<sup>۲۵</sup>، سم

الحمار<sup>۲۶</sup>، جبن<sup>۲۷</sup>، قاتل الحمیر<sup>۲۸</sup>، سم البهائم<sup>۲۹</sup>، عقَر<sup>۳۰</sup>، حَمَط<sup>۳۱</sup>، شجر الخبیثه<sup>۳۲</sup> - فارسی: خرزهره<sup>۳۳</sup> - هندی: کین<sup>۳۴</sup>، کنیر<sup>۳۵</sup> -

جالینوس: دافنی<sup>۳۶</sup> - سندی: قنوبر<sup>۳۷</sup> - سم الحمار<sup>۳۸</sup> - ارنوله<sup>۳۹</sup> - رود دقنی<sup>۴۰</sup> - الیلی<sup>۴۱</sup> - زودوذا<sup>۴۲</sup> - جوجهج<sup>۴۳</sup> - خرزون<sup>۴۴</sup> - دؤدر<sup>۴۵</sup>

«غسانی» می گوید: دارای سه نوع است نوعی نهری و دو نوع دیگر آن جلی است که نوع بزرگ آن به نام «دفلی البیضاء» و نوع کوچک

آن به نام «دفلی الخضراء» است.<sup>۴۶</sup>

پیرون (*Nerion*): دِفْلَی - خَرَزْهَرَج برگردان عربی آن از زبان فارسی «سَمِّ الحمار» و نام عربی «جَبْن»<sup>(۱)</sup> است. [ابن بطار (در ترجمه

دیسکورید) ۴ - ۷۶]

<i>Nerium oleander L.</i>	نیرون - دِفْلَی - حبن	دیسکورید
<i>Nerium oleander L.</i>	خرزهره	پارسا
<i>Nerium oleander L.</i>	دفلی	ز، ط، خ، ع، E.
<i>Nerium sp.</i>	دفلی - سم الحمار	الموسوعه

۸۲۴ - دَفْتَرَانَشَش<sup>(۲)</sup>: نام های دیگر آن: انطالین - بائلن - خامادفنی - رند - یزبه اوناله<sup>۳</sup>

۸۲۵ - دُذْب<sup>۴</sup>، دُذْب<sup>۵</sup>، دُذْب<sup>۶</sup>، دُذْب<sup>۷</sup>، دُذْب<sup>۸</sup>، دُذْب<sup>۹</sup>، دُذْب<sup>۱۰</sup>، دُذْب<sup>۱۱</sup>، دُذْب<sup>۱۲</sup>، دُذْب<sup>۱۳</sup>، دُذْب<sup>۱۴</sup>، دُذْب<sup>۱۵</sup>، دُذْب<sup>۱۶</sup>، دُذْب<sup>۱۷</sup>، دُذْب<sup>۱۸</sup>، دُذْب<sup>۱۹</sup>، دُذْب<sup>۲۰</sup>، دُذْب<sup>۲۱</sup>، دُذْب<sup>۲۲</sup>، دُذْب<sup>۲۳</sup>، دُذْب<sup>۲۴</sup>، دُذْب<sup>۲۵</sup>، دُذْب<sup>۲۶</sup>، دُذْب<sup>۲۷</sup>، دُذْب<sup>۲۸</sup>، دُذْب<sup>۲۹</sup>، دُذْب<sup>۳۰</sup>، دُذْب<sup>۳۱</sup>، دُذْب<sup>۳۲</sup>، دُذْب<sup>۳۳</sup>، دُذْب<sup>۳۴</sup>، دُذْب<sup>۳۵</sup>، دُذْب<sup>۳۶</sup>، دُذْب<sup>۳۷</sup>، دُذْب<sup>۳۸</sup>، دُذْب<sup>۳۹</sup>، دُذْب<sup>۴۰</sup>، دُذْب<sup>۴۱</sup>، دُذْب<sup>۴۲</sup>، دُذْب<sup>۴۳</sup>، دُذْب<sup>۴۴</sup>، دُذْب<sup>۴۵</sup>، دُذْب<sup>۴۶</sup>، دُذْب<sup>۴۷</sup>، دُذْب<sup>۴۸</sup>، دُذْب<sup>۴۹</sup>، دُذْب<sup>۵۰</sup>، دُذْب<sup>۵۱</sup>، دُذْب<sup>۵۲</sup>، دُذْب<sup>۵۳</sup>، دُذْب<sup>۵۴</sup>، دُذْب<sup>۵۵</sup>، دُذْب<sup>۵۶</sup>، دُذْب<sup>۵۷</sup>، دُذْب<sup>۵۸</sup>، دُذْب<sup>۵۹</sup>، دُذْب<sup>۶۰</sup>، دُذْب<sup>۶۱</sup>، دُذْب<sup>۶۲</sup>، دُذْب<sup>۶۳</sup>، دُذْب<sup>۶۴</sup>، دُذْب<sup>۶۵</sup>، دُذْب<sup>۶۶</sup>، دُذْب<sup>۶۷</sup>، دُذْب<sup>۶۸</sup>، دُذْب<sup>۶۹</sup>، دُذْب<sup>۷۰</sup>، دُذْب<sup>۷۱</sup>، دُذْب<sup>۷۲</sup>، دُذْب<sup>۷۳</sup>، دُذْب<sup>۷۴</sup>، دُذْب<sup>۷۵</sup>، دُذْب<sup>۷۶</sup>، دُذْب<sup>۷۷</sup>، دُذْب<sup>۷۸</sup>، دُذْب<sup>۷۹</sup>، دُذْب<sup>۸۰</sup>، دُذْب<sup>۸۱</sup>، دُذْب<sup>۸۲</sup>، دُذْب<sup>۸۳</sup>، دُذْب<sup>۸۴</sup>، دُذْب<sup>۸۵</sup>، دُذْب<sup>۸۶</sup>، دُذْب<sup>۸۷</sup>، دُذْب<sup>۸۸</sup>، دُذْب<sup>۸۹</sup>، دُذْب<sup>۹۰</sup>، دُذْب<sup>۹۱</sup>، دُذْب<sup>۹۲</sup>، دُذْب<sup>۹۳</sup>، دُذْب<sup>۹۴</sup>، دُذْب<sup>۹۵</sup>، دُذْب<sup>۹۶</sup>، دُذْب<sup>۹۷</sup>، دُذْب<sup>۹۸</sup>، دُذْب<sup>۹۹</sup>، دُذْب<sup>۱۰۰</sup>

فارسی: چنار<sup>۴</sup>، صنار<sup>۵</sup> - فرنگی: بلطانس<sup>۶</sup> - ابلاتنوس<sup>۷</sup> - عینام<sup>۸</sup>، صنار<sup>۹</sup>، شجرة العینام<sup>۱۰</sup>، جوزالدُذْب<sup>۱۱</sup>، حُصْوَة<sup>۱۲</sup> -

شیرازی: چنار<sup>۱۳</sup> - فاس: دُذْم<sup>۱۴</sup> - «ابوحنیفه» «چنار» را به معنای درخت بی بار معنی کرده و شاید به تعبیر مخفف «چیز نیار»

بوده است.<sup>۱۵</sup>



أفلاطینس (Platanos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: شجرالدُّلب - صَنار - جَنار این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۰

<i>Platanus orientalis L.</i>	دلب	ز، ط، خ، د.
<i>Platanus orientalis L.</i>	درخت چنار	پارسا
<i>Platanus sp.</i>	دلب	الموسعه

۸۲۶- دَلْبُوْثُ، دَلْبُوْثُ، دَلْبُوْثُ، دَلْبُوْثُ، دَلْبُوْثُ، دَلْبُوْثُ، سیف الغراب<sup>۱</sup>، سیف الغراب<sup>۲</sup>، نافوخ<sup>۳</sup>: نام‌های دیگر آن: سوسن الاحمر<sup>۴</sup>، سنجار<sup>۵</sup> - ریشه سوسن سرخ صحرائی معروف به «سیف الغراب» است، زیرا برگ آن مشابه شمشیر است.<sup>۶</sup> - نوعی «سوسن بری» است و آن معروف به «سیف الغراب» است و به آن سبب این اسم بوی نهاده‌اند که ورق آن مانند سیف (شمشیر) است و به شکل ورق «ایرسا» بود اما ورق «ایرسا» باریکتر و کوچکتر بود و ساق وی بمقدار یک کز بود و گل آن سرخ بود و وی را «سقرآغانیون» و بعضی «باخاریون» خوانند و «کسفیون» نیز گویند.<sup>۷</sup> «ابن بیطار» می‌گوید: نام نوع قرمز «سوسن البری» است و بنا به نقل غافقی معروف به «سیف الغراب» است و نام ریشه آن به گفته «ابوعباس» در بغداد به نام «نافوخ» است.<sup>۸</sup> کَسْفِیُوْن (Xiphion): با نام‌های «سوسن بری»، «سیف الغراب»، «سیف القراب»، «دورحولی» و «فَسْغَانِیُوْن» (Phasganion) بیشتر در مزارع گندم می‌روید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۰]

<i>Gladiolus communis L.</i>	کَسْفِیُوْن، سوسن بری، سیف القراب، سیف القراب، دورحولی، فَسْغَانِیُوْن	دیسکورید
<i>Gladiolus sp.</i>	دلبوث - سیف الغراب - غلدیون	الموسعه

۸۲۷- دلدغ<sup>۹</sup>: «ابو عباس» نباتی می‌گوید: «دلدغ» نام گیاهی در شهر بیت المقدس از نوع «کلخی» معروف به «غرناطه» است که در شهرهای اندلس آن را «کلخ دلی» و در سرزمین بربر به آن «ثایفرا» گویند.<sup>۱۰</sup>  
۸۲۸- دَلِیْکُ، دَلِیْکُ، دَلِیْکُ، دَلِیْکُ: نام‌های دیگر آن: میوه گل سرخ صحرائی<sup>۱۱</sup> - تنکابن: کلیک<sup>۱۲</sup> - ترکی: اینبروثی<sup>۱۳</sup> - شام: سرسر الدیک<sup>۱۴</sup>، صرم الدیک<sup>۱۵</sup>

<i>Rosa gallica L.</i>	دلیک	زریاب
<i>Rosa centifolia L.</i>		
<i>Rosa centifolia L.</i>	گل سرخ	پارسا
<i>Rosa damascena Mill.</i>		
<i>Rosa anserinaefolia Boiss.</i>	ایت یورنی - کلیک	پارسا

۸۲۹- دَمُّ الْأَخْوِیْنِ، دَمُّ الْأَخْوِیْنِ، دَمُّ الْأَخْوِیْنِ، دَمُّ الْأَخْوِیْنِ، دَمُّ الْأَخْوِیْنِ، دَمُّ الْأَخْوِیْنِ، خون سیاوشان<sup>۱۶</sup>، خون سیاوشان<sup>۱۷</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: خون سیاوشان<sup>۱۸</sup> - عربی: عَنْدَمُ، شِیَانُ، ایدع<sup>۱۹</sup> - سندی: پاندروت<sup>۲۰</sup> - صیادله: قاطر<sup>۲۱</sup> - سریانی: ورداد صیادی<sup>۲۲</sup> - جالینوس: آرون<sup>۲۳</sup>، درقنطیون<sup>۲۴</sup> - شجره دم الاخوین<sup>۲۵</sup> - هندی: پاندورت یعنی دم پاندو - «دم الاخوین»، «خون سیاوشان» باشد و او را «قاطر» گویند.<sup>۲۶</sup> - در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی گویند صمغ درخت «شیان» است و گویند عصاره آن است.<sup>۲۷</sup> أَخْلِیُوس سَنْدَرِیْطِیس: برگردان عربی آن «النافع من أخلیوس» است و «أخلیوس» نام بیماری «عُزْب» است. و این گیاه را نه دیده‌ام و نه هیچ شناختی نسبت به آن دارم. ابن وافد نام گیاه را «دَمُّ الْأَخْوِیْنِ» ذکر میکند. و من در این مورد بی اطلاعم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۲]

<i>Achillea tomentosa L.</i>	أخلیوس سندریتس - دم الاخوین	دیسکورید
------------------------------	-----------------------------	----------

<i>Calamus draco Willd.</i> <i>Dracaena cinnabari Balf.</i> <i>Dracaena draco L.</i>	دم الاخوین - عدم - درقنطیون	زریاب
<i>Daemonorops draco Blume</i>	دم الاخوین	طباطبانی
<i>Dracaena cinnabari Balf.</i>	خون سیاوش	پارسا
<i>Dracaena cinnabari Balf.</i>	دم الاخوین	خطابی

۸۳۰ - دم الأمير: نامی است که در شهرهای بکر و اطراف آن به گیاهی با نام فارسی «بستان افروز» گفته می شود.<sup>۴</sup>  
 ۸۳۱ - دم الغزال: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را قسمی حمض معروف به «ثرف» و عده ای آن را نوعی «بقل» مشابه «طرخشقون» و بعضی هم آن را «طرخون» می دانند.<sup>۵</sup>

<i>Gnaphalium sanguineum Spr.</i> <i>Helichrysum sanguineum Cost.</i>	دم الغزال	زریاب
<i>Gnaphalium leontopodium</i>	کَرْشَفِيَّة حمرء، غُثْثَال أَحمر، دم الغزال	الموسوعه

۸۳۲ - دَمَادِم، دَمَادِم: نوعی لوبیای هندی  
 ۸۳۳ - دَمَادِم:

۸۳۴ - دند، دند، دند، دند، دند: نوعی يتوع دارای سه نوع است. <sup>۶</sup> حبشی، سجزی، هندی نام های دیگر آن: تارتقه <sup>۷</sup> - هندی: چپال - شیرازی: باتو - حب قطامی - حب سلاطین - نام «خروع صینی» که نام <sup>۸</sup> «ماهودانه» است، برای آن اشتباه است. <sup>۹</sup> - بعضی گویند «حب الملوك» «دند» است و این خطاست و «حب الملوك»، «ماهودانه» است. <sup>۱۰</sup> - «ابوجریح» می گوید: سه گونه است: گونه چینی که دارای دانه هائی بزرگ همانند پسته دارد، گونه دیگرش همچون دانه کرچک است ولی کوچکتر و دارای خال های سیاه است و از سگستان می آورند و گونه سوم که اندازه اش بین گونه چینی و گونه شجری است رنگ آن تیره متمایل به زرد و از هندوستان بدست می آید.<sup>۱۱</sup>

<i>Croton tiglium L.</i>	دند	زریاب
--------------------------	-----	-------

۸۳۵ - دوادم: دوادم، دوادم: چیزی همانند صمغ است که از درون تنه چوب درخت «عرعر» بیرون می آید.<sup>۱۲</sup> - لثی الشمر <sup>۱۳</sup>  
 ۸۳۶ - دَوَايَا غَرِيَاء، دَوَاغَرِيَاء: (نامی یونانی) به معنای قصب جبلی یا قصب بری <sup>۱۴</sup>  
 ۸۳۷ - دورقنی: نوعی کاکنج نام های دیگر آن: قراطوس - دروقینون یعنی جن القتال <sup>۱۵</sup>  
 ۸۳۸ - دُوسِر، دُوسِر، دُوسِر، دُوسِر، دُوسِر: نام های دیگر آن: دوشر - اغیلفس - زن <sup>۱۶</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أجلیس <sup>۱۷</sup> - نام تخم آن به شیرازی: کرکاس - اشیلی می گوید: دارای سه نوع است: ۱ - نوع اول معروف به بجه بانام های: اغلبس، اغلبس - اولیذا - دنقه - ازقون - اوواق - وازنیر - زوان - زن - عبری: سالم - سعیع - سعسع - قَبَاة ۲ - نوع جبلی با نام: طردقیره منتریه یعنی حنطة جبلیه ۳ - نوع معروف به شتین <sup>۱۸</sup>

<i>Triticum ovatum L.</i> <i>Aegilops ovata L.</i>	دوسر - زن	زر - طبأ.
<i>Secale corutum</i>	سککاله - دوسر گندم زنگرده	پارسا
<i>Avena elatior L.</i>	خَرْطَال رفیع - دُوسِر	الموسوعه

۸۳۹- دُوْقُسْ، دوقس، دوقس ایمارس<sup>ش</sup>: (نامی یونانی) اشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: دارای سه قسم است: ۱- رجل الغراب ۲- رازیانج القرد ۳- بخور عایشه<sup>ش</sup> - قریطقوس ارمانی<sup>ش</sup>، برخی آن را به اشتباه شحمیله<sup>ش</sup> گویند.

"دیسکورید" می‌گوید: نوعی از آن به نام «قریطقوس» است و دارای سه نوع است. ۴- "سفیان اندلسی" می‌گوید: نوعی از آن در شام به نام «قَمِیْلَة» و در بیت المقدس به نام «حشیشه البراغیث» است. ۵.

دوقس (Daukos): گیاهی است که خود آن را می‌شناسم و سه نوع دارد. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۹]

<i>Athamanta cretensis</i>	جَزْر الرعاة - دوقس	الموسوعه
<i>Athamanta cretensis L.</i> <i>Peucedanum cervaria L.</i> <i>Seseli ammoides L.</i>	دوقس	دیسکورید

۸۴۰- دُوْقو، دوقو، دوقو، دوقو، دوقو<sup>ش</sup> (نامی یونانی)، قوقابس<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: تخم گزر دشتی<sup>ش</sup> - ری: نهنمک<sup>ش</sup>، دوقو اغریا<sup>ش</sup>، دوقو بری<sup>ش</sup>، تخم جزر بری<sup>ش</sup> - نام ریشه آن: مستساققل<sup>ف</sup> - نام گیاه: خرس گیاه<sup>ف</sup>، - نام نوع زیرا خرس آن را بسیار دوست دارد. - شیرازی: بدوان<sup>ش</sup>، ترخر<sup>ش</sup> دو گیاه جبلی: دوا یا اغریا<sup>ش</sup> اشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: دوقو به «کاشم کبیر» و «اذخر» گفته می‌شود و منظور از «دوقو الاحرش» انواع «جَزْر البری» یا نام «سفال» است و منظور از «دوقو املس»، «بَسْناج» است که خود در دو نوع بدو و غیر آن می‌باشد، نام‌های نوع اول «طقاره»، «مقارجه» و «قیعرن» و نام‌های نوع دیگر «غراء» و «غَزْزَاء» است. ۶.

اسطافالینوس اُغْرِیوس (*Staphulinos agrios*): جَزْر البری - جزر البستانی - دوقو ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۹:

<i>Daucus carota L.</i> <i>Athamanta cretensis L.</i>	دوقو - تخم گزر دشتی	زر - طباء.
<i>Daucus carota L.</i> <i>Athamanta cretensis L.</i>	اسطافالینوس اُغْرِیوس - جزربری - جزرستانی - دوقو	دیسکورید

۸۴۱- ده‌هاهیج<sup>ف</sup>:

۸۴۲- ده‌ماسا (نامی هندی)، دَهْمَسْت<sup>ش</sup>، دَهْمَسْت<sup>ش</sup>، دَهْمَسْت<sup>ش</sup> (نامی فارسی)، شجرة الغار<sup>ش</sup>، غار<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: غار<sup>ش</sup> - رومی: اذفونیدیس<sup>ش</sup>، اذفیوس<sup>ش</sup> - دَهْمَسْت<sup>ش</sup>

<i>Laurus nobilis L.</i>	دهمست - غار	زر - طباء.
<i>Laurus nobilis L.</i>	درخت غار	پارسا
<i>Laurus nobilis L.</i>	رند، غار	الموسوعه

۸۴۳- دیس<sup>ش</sup>: اشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: دارای انواع بسیاری برخی از آن عبارتست از: ۱- سَمَار: دارای دو نوع نر و ماده است: نر آن را «اسل» گویند و هر دو نوعی «اغلاث» با نام‌های غانافلیان، سخیونس الیا، ازلاف، ترهیلیه، ترهلیان، سومر، سمار است. ۲- سامان ۳- خَلْفاء ۴- مَلْجی: طرح ۵- طریاج: نوعی سَعْدی ۶- بوطة: نوعی سَعْدی، رَغی البَط ۷- مَزْطنه ۸- فَنال ۹- اذخر ۱۰- قارح: قَزح، قمسیل، اسنام ۱۱- قَصبة: قلامُترسطنس ۱۲- جَزینه: نوعی اذخر<sup>ش</sup>

۸۴۴- دینارویه<sup>ف</sup>، دینارویه<sup>ف</sup>: نام‌های دیگر آن: عراق: حزاء<sup>ف</sup>، زوفراء<sup>ف</sup>

پزشکان مغرب بر خلاف پزشکان بغداد «زوفراء» را غیر از «حزاء» می‌دانند.

۸۴۵- دِیْنَساقوس<sup>ف</sup>، دِیْساقوس<sup>ف</sup>، دِیْساقوس<sup>ش</sup> (نامی یونانی)، دِیْناقوس<sup>ش</sup>، شوک الدراجین<sup>ف</sup>، شوک الدراجین<sup>ش</sup>، عطشان<sup>ف</sup>، عطشان<sup>ش</sup>، مشط الراعی<sup>ش</sup>، ملطاه<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: دِیْساقوس<sup>ف</sup> یعنی دائم العطش یا همیشه تشنه<sup>ف</sup> جِرامغه<sup>ف</sup>؛

جرامقه<sup>۲۱</sup>، خالینوس<sup>۲۲</sup> - مشط الراعی<sup>۲۳</sup>، عطشان<sup>۲۴</sup> - شیرازی: طوسک<sup>۲۵</sup> - شوک الدرچین<sup>۲۶</sup> - مغرب: مشط الراعی - خس الکلب<sup>۲۷</sup> - تیمشطان و انتلی<sup>۲۸</sup>  
 ڊيساقوس (Dipsakos): برگردان عربی واژه یونانی «عَطْشان» است. نام های دیگر آن «شوک الدرچین» و «مَشَط الراعی» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱]

Dipsacus fullonum L.	دیساقوس - شوک الدرچین - مشط الراعی	دیسکورید
----------------------	------------------------------------	----------

۸۴۶ - دیودار<sup>۲۹</sup>، دیودار<sup>۳۰</sup> (نامی فارسی)، تفاح الجن<sup>(۱)</sup>، دیودار<sup>۳۱</sup>، دیودار<sup>۳۲</sup>، دیندار<sup>۳۳</sup>، دیودار<sup>۳۴</sup>: به معنای شجر الجن<sup>۳۵</sup> شاید اسمی مرکب از فارسی و هندی است. «دیو» به هندی یعنی «بزرگ» و «دار» به فارسی یعنی درخت - چوب - است و آن را به هندی «چیر» نامند. نام های دیگر آن: بیدار<sup>۳۶</sup> - عربی: شجرة البق<sup>۳۷</sup>، شجرة الجن<sup>۳۸</sup> - فارسی: دیودر<sup>۳۹</sup>، اسپیدار<sup>۴۰</sup> «ابن سینا» می گوید: «دیودار» از جنس «أبهل» است و به آن «صنوبر الهندی» گویند.<sup>۴۱</sup> «ابوماسویه» می گوید: گونه ای است از «أبهل» و همانند «سرو» است.<sup>۴۲</sup>

Mandrgora officinarum L.	تفاح الجن	زریاب
Cedrus deodara Loud.	دیودار	طباطبائی
Cedrus libani Loud.		

### حرف «ذ»

۸۴۷ - ذات الریش<sup>۴۳</sup>: «شبیلی» می گوید: این نام به سه گیاه گفته می شود: ۱ - قسمی عصا الراعی<sup>۴۴</sup> ۲ - نوعی قیاصم و قسمی ریحان الثعلب با نام فورینه یا فلورینه ۳ - عشبة الطيور<sup>۴۵</sup>  
 ۸۴۸ - ذاقینی الاسکندری<sup>۴۶</sup>، ذافنی الاسکندری<sup>۴۷</sup>، ذاقنی<sup>(۲)</sup> (نامی یونانی)، خاماذنی<sup>۴۸</sup>: به معنای غار الاسکندری<sup>۴۹</sup> و برگردان عربی آن «ذافنی الاسکندری» است.<sup>۵۰</sup> «ابوعباس نباتی» می گوید: نوعی از «شفاقل» است.<sup>۵۱</sup>  
 ذافنی (Daphne): شجر الغار - شجر الرند - دارای دو نوع نر و ماده است. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۸:

Laurus nobbilis L.	ذافنی - شجر الغار - شجر الرند	دیسکورید
--------------------	-------------------------------	----------

۸۴۹ - ذاقنیویداس<sup>۵۲</sup>، ذافنیدس<sup>۵۳</sup>، ذاقنویداس<sup>۵۴</sup>: (نامی یونانی) نوعی مازریون<sup>۵۵</sup> - نام های دیگر آن: ذاقنویداس<sup>۵۶</sup> به معنای «مشابه غار» است.<sup>۵۷</sup> - مغربی: مازرو<sup>۵۸</sup> - شام: بقله<sup>۵۹</sup> - «دیسکورید» می گوید: برخی مردم آن را «خاماذافی» می دانند.<sup>۶۰</sup>  
 نام دانه گیاه غار است که اسامی آن در «ذاقنی الاسکندری» ذکر آن آمده است.<sup>۶۱</sup>  
 ذافنیدس (Daphnides): نام های دیگر آن عبارتست از: حب الغار - حب الرند - حب الدهمشت (Dahmast) - لاتینی: آرْباقه (Orbaco) - لوره (Laurus) - بربری: بسلیت [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۹]

Daphne mezereum	ذافنیداس، دَفْنَة سَامَة، اَثَم، مازریون	الموسوعه
-----------------	--	----------

۸۵۰ - ذَرَّة<sup>۶۲</sup>، ذَرَّة<sup>(۲)</sup>، ذَرَّة<sup>۶۳</sup>، ذَرَّة<sup>۶۴</sup>: نام های دیگر آن: جاورس الهندی فارسی: ارزن<sup>۶۵</sup> - هندی: جنیه<sup>۶۶</sup>، جوار<sup>۶۷</sup> - جاوروس هندی<sup>۶۸</sup> - شیرازی: زره<sup>۶۹</sup> - دو نوع است سیاه و سفید، نوعی از آن «جواری» که به نام «ارزن هندی» است.<sup>۷۰</sup>

۱- به تفاح الجن رجوع شود. ۲- به «جاوروس» رجوع شود.

نام پوست ارزن به عربی «طَهْف» است. <sup>س</sup> نیبذ «ارزن» را به عربی «مرز» گویند و چون شیرین است آن را «جمه» گویند. <sup>س</sup> اشبیلی می‌گوید: دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نام‌های نوع بزرگ آن عبارتست از: کنخروس - بنیشه - انلی - نام سنبله آن: مَطَر - نام کاه آن: حَمَاط - نام‌های نوع کوچک آن: بنجّه - آمزقور - جاورس <sup>ش</sup>

<i>Andropogon sorghum</i> <i>Sorghum vulgare Pers.</i>	ذره	الموسوعه
<i>Holcus sorghum L.</i> <i>Sorghum vulgare Pers.</i>	ذره - ارزن	زریاب
<i>Holcus sorghum L.</i> <i>Zea mays</i>	ذره	طباطبائی
<i>Sorghum vulgare Pers.</i>	ذرة رفیعه	EN.
<i>Zea mays</i>	ذرة شامی	EN.

۸۵۱ - ذرفی: نوعی سداب <sup>س</sup>

۸۵۲ - ذرق، ذرق، ذرق، ذرق، ذرق <sup>ش</sup>: (نامی فارسی) نوعی بصل بری نام دیگر آن در بغداد: حَندقوقی <sup>س</sup> - نام نوعی از آن «عَرَقُصَان» است. <sup>ع</sup> - نوع دیگر آن: حَندقوقا - اهالی حیره: حباقا  
لوطوس اَغرِیوس (*Lotos agrios*): حباقا - ذرق ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۶

<i>Trigonella laciniata L.</i> <i>Trigonella corniculata L.</i>	ذرق	زر. - طبأ.
<i>Trigonella corniculata L.</i>	لوطوس اَغرِیوس - حباقا - ذرق	دیسکورید
<i>Trigonella corniculata L.</i>	حلبه قرنیّه، ذرق	الموسوعه

۸۵۳ - ذرق الحَمَام: نوعی شاهترج معروف به قَلْنَبِیْئَه <sup>ش</sup>

۸۵۴ - ذرق الطَّیْر: نام آن به یونانی: بتومه <sup>ع</sup>

۸۵۵ - ذروفینون <sup>ش</sup>:

۸۵۶ - ذریزه <sup>س</sup>:

<i>Arum italicum Mill.</i>	أروم اِیطالی - لوف جمعد - ذَرِیْرَة	الموسوعه
<i>Acorus calamus L.</i>	ذَرِیْرَة	EN.

۸۵۷ - ذُغْلوق <sup>ش</sup>:

۸۵۸ - ذَفْراء، ذَفْراء <sup>ش</sup>: "رازی" می‌گوید: گویند نام «سداب البر» است. <sup>ع</sup> برخی آن را «فجن» و عده‌ای آن را «عجمی» می‌دانند.

<i>Ruta montana</i>	ذَفْراء - سداب البر - حَزْمَل الجَبَل	الموسوعه
---------------------	---------------------------------------	----------

۸۵۹ - ذَکَر الدِیک: نوعی بصل بری معروف به ماغره الاسود <sup>ش</sup>

۸۶۰ - ذَکَر الرئیس: نام‌های دیگر آن: قلیونش دغاته یعنی خصی الهَرّ - عجمی اندلس: شوله دی رای

۸۶۱ - ذَکَر الکلب: نوعی بصل بری نام دیگر آن: رَبّ زَباح <sup>ش</sup>

۸۶۲ - ذکر الہز: نوعی بصل بری

۸۶۳ - ذنبان<sup>ش</sup>:

۸۶۴ - ذنب الخروف<sup>۱</sup>؛ ذنب الخروف<sup>۲</sup>: "ابو عباس نباتی" این نام را مربوط به دو نوع گیاه دانسته است.<sup>۳</sup>

۸۶۵ - ذنب الخیل<sup>۱</sup>؛ ذنب الخیل<sup>۲</sup>؛ ذنب الخیل<sup>۳</sup>؛ ذنب الخیل<sup>۴</sup>؛ ذنب الخیل<sup>۵</sup>؛ ذنب الخیل<sup>۶</sup>؛ ذنب الخیل<sup>۷</sup>؛ ذنب الخیل<sup>۸</sup>؛ ذنب الخیل<sup>۹</sup>؛ ذنب الخیل<sup>۱۰</sup>: «ذنب الخیل» جنسی است از «شنگ» و برخی به اشتباه آن را نوعی از «طرائث» می‌دانند و گویند نوعی «عصی الراعی» است. نام‌های دیگر آن: سحیر<sup>ش</sup>، ثمام<sup>ش</sup> - شام: ذنب الفرس<sup>۱</sup> - سریانی: لحيۃ التیس<sup>۲</sup>، طوررا<sup>۳</sup> - کرفس کوهی<sup>۴</sup> - لحيۃ العنز<sup>۵</sup> - رومی: ایفورس<sup>۶</sup> - یونانی: فباواریس<sup>۷</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أفورس<sup>۸</sup> - آماسیرنیون<sup>۹</sup> - ینشنتاله<sup>۱۰</sup> - قوله دقتاله<sup>۱۱</sup> - اشبیلی<sup>۱۲</sup> می‌گوید: دارای دو نوع کوچک و بزرگ است، نوع بزرگ آن را «أذنب البقر» گویند. «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «عصا الراعی» و گروهی آن را «رتم» می‌دانند و آن از جنس «هدبات» - سوزنی برگان - است و در شهر فاس معروف و مشهور می‌باشد.<sup>۱۳</sup> اشبیلی<sup>۱۴</sup> می‌گوید: ذنب الخیل نام مشترکی برای نوعی «عصا الراعی» و نوعی «رتم» است.<sup>۱۵</sup>

أفورس: برگردان عربی آن «ذنب الخیل» است و به همین نام نیز معروف است و جالینوس آن را «ایفورس» نامد. (ابن بطار در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۴۶]

<i>Equisetum hyemale L.</i>	أمسوخ، ذنب الخیل، کُنْبَات الشتاء، حشيشة الطوخ، ذنب الفرس	الموسوعه
<i>Equisetum arvense L.</i>	لحيۃ التیس - ذنب الخیل - کرفس کوهی - ایفورس	زریاب
<i>Equisetum arvense L.</i> <i>Tragopogon pratensis L.</i>	ذنب الخیل	طباطبانی

۸۶۶ - ذنب السبع<sup>۱</sup>؛ ذنب السبع<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: ذنب اللبوء<sup>۳</sup> - عجمی اندلس: قذلبه<sup>۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: قرسیون<sup>۵</sup>

<i>Cirsium rhizocephalum C.A.Mey.</i>	ذنب السبع	الموسوعه
---------------------------------------	-----------	----------

۸۶۷ - ذنب العقرب<sup>۱</sup>؛ ذنب العقرب<sup>۲</sup>، سقرايويداس<sup>۳</sup>:؟ نام‌های دیگر آن: صامریوما<sup>۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: سقرايويداس<sup>۵</sup>

<i>Scorpiurus sp.</i>	ذنب العقرب، عقربية	الموسوعه
<i>Heliotropium europaeum L.</i>	ذنب العقرب	طباطبانی

۸۶۸ - ذنب القط<sup>۱</sup>؛ ذنب القط<sup>۲</sup>: (نامی نزد گیاهشناسان اندلس) نام آن به یونانی: خروسوقومی<sup>۳</sup>

<i>Chrysocoma sp.</i>	ذنب القَط - کریزوکومه	الموسوعه
-----------------------	-----------------------	----------

۸۶۹ - ذنب اللبوء: به دو گیاه گفته شده: ۱ - قُذْلَبَه یعنی ذنب اللبوء ۲ - الباین: مقاتل المرعی - طربه لبه یعنی فرع اللبوء<sup>ش</sup>  
۸۷۰ - ذُنْبَاء<sup>ش</sup>: دانه‌ای است که در «حنطه» است. گروهی آن را «زوان» می‌دانند.<sup>ش</sup>

۸۷۱ - ذو ألف ورقة<sup>۱</sup>، کثیر الورق<sup>۲</sup>: مرافلن - گاهی نام «أسطراطيوس» را نیز «ذو ألف ورقة» گفته‌اند.<sup>۳</sup>

<i>Achillea millefolium</i>	کثیر الورق	طباطبانی
-----------------------------	------------	----------

- ۸۷۲ - ذهبیه: نوعی شاهترج با نام جنشاله و همچنین معروف به ذنّب العقرب است.<sup>ش</sup>
- ۸۷۳ - ذو ثلاثة ألوان<sup>ع</sup>، ذو ثلاث ألوان<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: ذو ثلاث اوراق<sup>ع</sup> - گیاهی به نام «طریفولیون»<sup>ع</sup> و همچنین ابن وafd آن را با گیاه دیگری به نام «تُرد» اشتباه کرده است.<sup>ع</sup>
- ۸۷۴ - ذو ثلاث شوکات<sup>ع</sup>، ذو ثلاث شوکات<sup>ع</sup>: گویند نام «شکاعی» است.<sup>ع</sup>
- ۸۷۵ - ذو ثلاث ورقات<sup>ع</sup>، ذو ثلاث ورقات<sup>ع</sup>: این اسم بر چند چیز واقع شده<sup>ع</sup> و گویند نام نوعی «حندقوقی» و نام «حَومانة» و «فصفصة» و همچنین نام نوعی «خصی الثعلب» است.<sup>ع</sup>
- ۸۷۶ - ذو خمسة اوراق<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: ذو خمسة اصابع<sup>ع</sup> - فنجنگشت<sup>ع</sup> - ذو خمسة اقسام<sup>ع</sup> - ذو خمسة اجنحة<sup>ع</sup> - صاحب جامع<sup>ع</sup> سهواً «فطافلون» را «فنجنگشت» گفته است و در این باب قول صاحب منهاج معتبر است.<sup>ع</sup>
- ۸۷۷ - ذو خمسة أجنحة و ذو خمسة أقسام<sup>ع</sup>: بَطَافُلُن<sup>ع</sup>
- ۸۷۸ - ذو خمسة أصابع<sup>ع</sup>: فارسی: بِنَجَكُنْت<sup>ع</sup>
- ۸۷۹ - ذو شُوَيْكَة و ذو مائة رأس<sup>ع</sup>: قَرَصَعْنَة<sup>ع</sup>
- ۸۸۰ - دُونُون<sup>ش</sup>:

### حرف «ر»

۸۸۱ - راء<sup>ش</sup>: نام درختی در کوه‌های نجد

۸۸۲ - راء: به گیاهان مشابه گندم با دو سنبله گویند.<sup>ش</sup>

۸۸۳ - راتینج<sup>ع</sup>، راتینج<sup>ع</sup>، راتینج<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: زفت<sup>ع</sup> - راتیناج<sup>ع</sup>، تیناج<sup>ع</sup>، رخینه<sup>ع</sup>، رشینه<sup>ع</sup>، راتیناج<sup>ع</sup> - اندلس: رجینه<sup>ع</sup>، رشینه<sup>ع</sup> - نام صمغ «صنوبر» است و برخی از مردم این نام را برای همه انواع «علک» بکار می‌برند غیر از «حنین» که این نام را تنها برای «قلفونیا» بکار برده و بقیه را با همان نام «علک» معرفی می‌کند.<sup>ع</sup> و آن سه نوع است یک نوع سایل است که منعقد نشود، و یک نوع صلب ساده و نوع سوم صلب پخته با آتش است و آن را «قلقونیا» می‌گویند و به شیرازی «رنکبار» خوانند و از بهترین آن است.<sup>ع</sup>

خطا، EN.	راتینج	Resin
----------	--------	-------

۸۸۴ - راحة الكلب<sup>ش</sup>: نوعی کف السبع

۸۸۵ - رازقی<sup>ع</sup>، رازقی<sup>ع</sup>، رازقی<sup>ع</sup>: رازقی<sup>ش</sup>? نام‌های دیگر آن: گل رای بیل<sup>ع</sup> - عنب العذری<sup>ش</sup> - صاحب جامع<sup>ع</sup> گوید «رازقی» «سوسن سفید» است و بر خلاف آن «رازقی» را «قطن» می‌دانند و دیگری «رازقی» را «کتان» دانسته و روغن «سوسن سفید» را روغن «رازقی» می‌داند و صاحب جامع گوید «زنیق» «یاسمین سفید» است و این هر دو خلافتست، زیرا «زنیق» نوعی از «سوسن سفید» است.<sup>ع</sup> «امین الدولة ابن تلمیذ» آن را «سوسن أبيض» می‌داند در حالیکه «ابو سهل مسیحی» صاحب کتاب مائة و «عبدالله بن یحیی» صاحب کتاب «اختصارات الأربعمین» و همچنین صاحب کتاب «بلغة» این نظر را تأیید کرده‌اند ولی برخی «قطن» را «رازقی» می‌دانند و «سگری» آن را «کتان» می‌دانند.<sup>ع</sup>

۸۸۶ - رازیانج<sup>ع</sup>، رازیانج<sup>ع</sup>، رازیانج<sup>ع</sup>، رازیانج<sup>ع</sup>، رازیانج<sup>ع</sup>، رازیانج<sup>ع</sup>، رازیانج<sup>ع</sup>: شمار<sup>ع</sup>، شمار<sup>ع</sup> (نامی نزد اهالی مصر و شام)، برهلیا<sup>ع</sup> (بزر): معرب رازیانه فارسی است.<sup>ع</sup> از جنس هدمات و نوعی جنبه نام‌های دیگر آن: فارسی: بادیان<sup>ع</sup> - رومی: شمار<sup>ع</sup>، مالثرون<sup>ع</sup> (ماترون)، انانوس<sup>ع</sup> - هندی: سونف<sup>ع</sup>، دالان بزرگ<sup>ع</sup>، سوب<sup>ع</sup>، سوی<sup>ع</sup> - یونانی: فیاقیدنوس<sup>ع</sup>، سیستان: بادتخم<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ابومارثون<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: رازیانج بری: أفومارثون<sup>ع</sup> - نام نوع بری: بسباس<sup>ع</sup> - دارای دو نوع بری و بستانی است بری را «قوتارشوق» و به شیرازی «خوللو» گویند و بستانی را «مارثون» و گویند بهترین آن بستانی است.<sup>ع</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: نام نوع بستانی آن «عریض» و معروف به «رازیانج فارسی» است و بری آن با سه نوع است، نوعی قبطی آن معروف به «نافع» است. «انیسون» نوعی از «رازیانج» است و دارای سه نوع بری، بستانی و صخری است.<sup>ش</sup>

ماژتون (*Marathon*): رازیانج البستانی - شمار - شمور - بزَهلیا [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۶]  
 اُفومارثُن (*Hippomarathon*): به معنای «شمار العریض» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۸]

<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.	رازیانج	ز.خ، ط.ب.
<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.	ماژتون، رازیانج البستانی، شمار، شمور، بزَهلیا	دیسکورید
<i>Hippomarathrum libanotis</i> Koch.	اُفومارثُن - شمار العریض	دیسکورید
<i>Feniculum</i> sp.	شمار، شُمرة، ش ومار، رازیانج	الموسوعه

۸۸۷ - رازیانج حبشی: نوعی انیسون و قسمی کحلوان است.<sup>ش</sup>

۸۸۸ - رازیانج رومی و رازیانج شامی<sup>ع</sup>: اُنیسون<sup>ع</sup>

۸۸۹ - رازیانه بری<sup>ا</sup>:

ماژتون اُغریون (*Marathon*): به معنای «رازیانج بری» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۸]

۸۹۰ - رازیانج القرود: نام دیگر آن: نُیْفَع<sup>ش</sup>

۸۹۱ - رأس الذهب: نامی است که به گیاهان بسیاری گفته می‌شود برخی از این گیاهان عبارتند از: خردل، بابونج الاسود، ذهبیه، خربق الاسود، اقحوان العربی نام نوع دیگر آن: بُلْبُلِیة الاسود: اماریطون، شنثمن، اقند، حودان، اخرسون<sup>ش</sup>

۸۹۲ - رأس الزرور: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه نام «قبسطاله» و یا نام «شُخْمَة الدجاجة» می‌دانند و درست آنست که «عُضْفَر بری» معروف به «شُنْقِنیره» است.<sup>ش</sup>

۸۹۳ - رأس العصفور: نام‌های دیگر آن: قولومینس - قولوقیمین - نَبَسِیْروله<sup>ش</sup>

۸۹۴ - رأس الشیخ: نام‌های دیگر آن: قاذازش - قَباسه - رأس القنفذ<sup>ش</sup>

۸۹۵ - راسن<sup>ا</sup>، راسن<sup>ب</sup>، راسن<sup>ج</sup>، راسن<sup>د</sup>، راسن<sup>ه</sup>، راسن<sup>و</sup> (نامی در اندلس)، کلموج<sup>ص</sup>، قسط شامی<sup>ع</sup>، قسط شامی<sup>س</sup>، زنجبیل شامی<sup>ع</sup>، زنجبیل بلدی<sup>ع</sup>، زنجبیل شامی<sup>س</sup>، اَلانِیون<sup>ع</sup>، اَلانِیون<sup>س</sup>، اصل الراسن<sup>س</sup>، جناح<sup>س</sup>: نوعی جنبه نام‌های دیگر آن: قُسط الرومی<sup>ع</sup>، کرات الروم<sup>ع</sup>، زنجبیل شامی<sup>ع</sup>، زنجبیل بلدی<sup>س</sup> - یونانی: انیون<sup>س</sup> - اندلس: جناح<sup>ش</sup>، کلموج<sup>ا</sup> - رومی: قعالا<sup>س</sup>، النیسون<sup>س</sup>، الیون<sup>س</sup>، الفوثویا<sup>س</sup>، انفولوفاس<sup>ا</sup>، اورافلون<sup>س</sup>، ایروفلون<sup>س</sup> - سریانی: ریسنا<sup>س</sup>، اسفلغین<sup>س</sup>، طماخنا<sup>س</sup>، عکارشا<sup>س</sup>، زرقوتبا<sup>س</sup>، فشقل<sup>س</sup>، تملح<sup>س</sup>، کراعی قمصی<sup>س</sup>، شنکوسا<sup>س</sup>، قلفوح<sup>س</sup> - ارسطیون<sup>ش</sup> - بناطش ابدا<sup>ش</sup> - آله<sup>ش</sup>(۱) - بنور<sup>ش</sup> - قسط رومی<sup>ش</sup> - میدیفی<sup>ش</sup> - فلومس اداوش<sup>ش</sup> - علییه و برشقی<sup>ش</sup> - آتلیه کمبانه<sup>ش</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: هیلانیون<sup>س</sup> - ترکی: اَنْدَر<sup>س</sup> - رازی نام دیگر این گیاه را «عِکْرش» می‌داند.<sup>س</sup>

اَلانِیون (*Helenion*): نام دیگر آن: جناح - راسن - زنجبیل الشامی - ترکی: عُنْطولز [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۶۷]

<i>Inula helenium</i> L.	الاتیون - جناح - راسن - زنجبیل شامی	دیسکورید
<i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held.		
<i>Inula helenium</i> L.	رأس هندی - زنجبیل شامی	پارسا
<i>Inula helenium</i> L.	<i>Pers &amp; Arab: Rasan</i>	<i>GLO.IN.</i>
<i>Inula helenium</i> L.	<i>Arab: Rasan - Kash: Poshkar</i>	<i>GLO.IN.</i>
<i>Inula helenium</i> L.	راسن	زر - طبیا.
<i>Calamintha incana</i> Bois & Held.		
<i>Inula helenium</i> L.	راسن	خطا، EN.



۸۹۶- رافعة<sup>ش</sup>: نوعی بقل۸۹۷- رامک<sup>ب</sup>: عطری است که از «مازو» گیرند.

Preparation containing gallum Pomegrante bark	رامک	EN.
--	------	-----

۸۹۸- راوند<sup>د</sup>، ریوند<sup>ص</sup>، ریوند<sup>ب</sup>، راوند<sup>ع</sup>، راوند<sup>ج</sup>، راوند<sup>ت</sup>، راوند<sup>ث</sup>، راوند<sup>ذ</sup>، راوند<sup>ر</sup>، راوند<sup>ز</sup>، راوند<sup>س</sup>، راوند<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: ریوند<sup>د</sup>، بیخ جگری<sup>د</sup>، ریشه ریباس<sup>د</sup>، بیخ چکری<sup>ص</sup>، ریون<sup>ش</sup> - عربی: راوند<sup>ش</sup> - راون<sup>ش</sup> - «ریوند» صینی باشد و خراسانی<sup>ب</sup> - دارای انواعی چون شامی و زنجی است.<sup>ع</sup> - «غسانی» گوید برخی به اشتباه آن را نوعی «غافت» یا «ریباس» دانسته‌اند.<sup>د</sup> «اشبیلی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه ریشه «قرع» و عده‌ای «اغافت» و گروهی ریشه «فاشرا» و برخی «ریباس» می‌دانند.<sup>ش</sup>

رآء: راوند [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲]

<i>Rheum sp.</i>	راوند - رَوَد	الموسوعه
<i>Rheum palmatum L.</i>	ریوند چینی	پارسا
<i>Rheum palmatum L.</i> <i>Rheum Rhubarbes (rhaponticum)</i> <i>Rhubarbes ribes</i> <i>Rhubarbes officinale Baillon.</i>	راوند راوند ذکر ریواس ریوند چینی	طباطبائی.
<i>Rheum officinale Baill.</i> <i>Rheum palmatum L.</i>	رآء - راوند	دی، EN.
<i>Rheum officinale Baill.</i>	راوند صینی	خطابی

۸۹۹- راوند شامی<sup>د</sup>، راوند شامی<sup>ش</sup>: از جنس «کلخ» است.<sup>د</sup> نام‌های دیگر آن: بنطیق<sup>ش</sup> - سامری<sup>ش</sup>

<i>Rheum rhaponticum</i>	راوند شامی	خطابی
--------------------------	------------	-------

۹۰۰- رای بیل<sup>د</sup>: (نامی هندی) سه نوع است با نام‌های «رای بیل»، «موتیه»، «موکره»<sup>د</sup>  
۹۰۱- ربرق<sup>ع</sup>، ربرق<sup>ش</sup> (یعنی): نام دیگر عنب الثعلب<sup>ش</sup>

<i>Solanum nigrum</i>	زَبْرَق، أَفَانِيَة، مَغْدَ أُسُود، عَنَبُ الذَّب	الموسوعه
-----------------------	---	----------

۹۰۲- رَپَل<sup>ع</sup>، رپل<sup>ص</sup>، زَبَل<sup>ش</sup>: نوعی افسنتین کوهی است.<sup>ب</sup>

<i>Randia sp.</i>	رَبَل - قُرُص الغراب	الموسوعه
-------------------	----------------------	----------

۹۰۳- رَتم<sup>د</sup>، رتم<sup>ع</sup>، رتم: (نامی عربی) از جنس هديات نام‌های دیگر آن: شبرطیون - تالْقَبَت - یناشه - «اشبیلی» می‌گوید: سیاه آن سه نوع است نام‌های دو نوع آن عبارتست از: ۱- رتم الظباء ۲- رتم الخنزیر - برکینه - یناشته دَبُورکه - نام نوع دیگر آن: ینشتاله: کوچک آن: اذنان البقر، بزرگ آن: اذنان الخیل<sup>ش</sup> - غافقی می‌گوید: دارای دونوع سیاه و سفید است.<sup>ش</sup>

<i>Retama sp.</i>	رَتم	الموسوعه
<i>Cytisus scoparius Br.</i>	رَتم	EN.

۹۰۴ - رَتهٔ ص، رَتهٔ ج، رَتهٔ ع، رَتهٔ ح، رَتهٔ د: نام دیگر بندق هندی <sup>صیح</sup>

<i>Caesalpinia bonducella Flem.</i> <i>Guilandina boneculla Flem.</i>	رته	زر. - طبيا.
--	-----	-------------

۹۰۵ - رجهٔ ص:

۹۰۶ - رجل البازي: نام های دیگر آن: کاشم الكبير - طرفلون - سسالیوس ایتونیقون <sup>ش</sup>

۹۰۷ - رجل الجراد، رجل الجراد، رجل الجراد، نام های دیگر آن: زرنب <sup>ش</sup> - روبیان <sup>ش</sup> - شیخ الرئیس - گوید بقله است که قائم مقام «بقله یمانی» است... و مسیح گوید «زرنب» است و مولف دیگری گوید همچنین نام «زرنب» است و آن را «سرو ترکستانی» خوانند. <sup>ش</sup> این نام به گیاه دیگری از انواع «اقاحی» معروف به «اریبان» نیز گفته می شود.

<i>Taxus baccata</i>	رجل الجراد	طباطبانی
----------------------	------------	----------

۹۰۸ - رجل الحداء: نام های دیگر آن: باطانیقی - فوروفش - لختیره <sup>ش</sup>

۹۰۹ - رجل الحمامه: اسم جنس و نوعی انجسا و دارای سه نوع: ۱ - انجسا الساحلی: لوقیدس - ارجیولیه - تاینس - حَمیر ۲ - نحلیه: عیبادیوس - انوخیلوس - ارطی صغیر ۳ - انجسا الرملی: لوقیمو بداس - سن نوذه - فیلاطاریون <sup>ش</sup>

۹۱۰ - رجل الزرزور: نام دیگر آن: عنب السقف <sup>ش</sup>

۹۱۱ - رجل العقاب، رجل العقاب، رجل العقاب: نام های دیگر آن: حَمیراء <sup>ش</sup> - مسکیه <sup>ش</sup> - رجل العقق <sup>ش</sup>، رجل الزرزور <sup>ش</sup> -

رجل الغراب <sup>ش</sup> اهالی مصر گیاه دیگری با نام بربری «آطریلال» را به این نام که /معروف به «رجل الغراب» است / می شناسند. <sup>ع</sup>

۹۱۲ - رَجُلُ الْغُرَابِ، رجل الغراب، رجل الغراب، رجل الغراب، زرقوری <sup>ع</sup>، زرقوری <sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: شام: رجل

الزراغ <sup>ع</sup> - پهلوی: پای کلاغ؛ کلاغ پا؛ - ترکی: غاز یاغی؛ - فرنگی: کروتویس؛ - فاس: آطریلان <sup>ع</sup> - قلبیه <sup>ش</sup> همچنین

می گویند «اٹریلال» است، ولی بیشتر آن را غیر آن می دانند. <sup>ع</sup> غسانی <sup>ع</sup> گوید برخی به اشتباه آن را «زرنب» می دانند. <sup>ع</sup>

- اشبیلی <sup>ع</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است

قورونفس (*Krethmon*): نام های دیگر آن عبارتست از: رَجُلُ الْغُرَابِ - رَجُلُ الزَّارِغِ [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۴]

<i>Crithmum maritimum L.</i>	قورونفس، رَجُلُ الْغُرَابِ، رَجُلُ الزَّارِغِ	دیسکورید
<i>Carum ammioides Benth.</i>	رَجُلُ الْغُرَابِ	خطابی

۹۱۳ - رجل الفروج، رجل الفروج: نوعی حَمَض نام های دیگر آن: رجل الدجاجة <sup>ش</sup> - رجل القلوس <sup>ش</sup> - قاقلی <sup>ش</sup>

نام «رجل القلوس» و هم نام اندلسی گیاه دیگری در بغداد با نام «قاقلی» می باشد و آن نوعی «حَمَض» است. <sup>ع</sup>

۹۱۴ - رجل الحرشاء: نام های دیگر آن: شیخ مال - اذن الحمار - شهیدیه <sup>ش</sup>

۹۱۵ - رخامی <sup>ش</sup>:

۹۱۶ - رُدُونْتی: (نامی هندی)

۹۱۷ - رَطْبُهُ، رَطْبُهُ، رَطْبُهُ، رَطْبُهُ، فصفصه <sup>ع</sup>، فصفصه <sup>ع</sup>، فصفصه <sup>ع</sup>، بزر الرطبه <sup>ع</sup>، علف <sup>ع</sup>، قداح <sup>ع</sup>، قصب <sup>ع</sup> (فصفصه): نام های

دیگر آن: فارسی: اسپست باغ تازه، اسپست <sup>ص</sup>، اسپست <sup>ج</sup>، اسپست <sup>د</sup> - ترکی: یونجه نام های نوع خشک آن:

عربی: قَتّ<sup>۱</sup> - هندی: هفت<sup>۲</sup> - رومی: میدیکی<sup>۳</sup> - فِصْفِصَة = رطب القَتّ<sup>۴</sup>، فارسی: اَسبَسْت<sup>۵</sup> - نام‌های بذر: بزر القداح<sup>۶</sup>، بزر الفصفصه<sup>۷</sup>، بزر القَتّ<sup>۸</sup>، بزر القَتْد<sup>۹</sup>، بزر القصب<sup>۱۰</sup>، بزر العلق<sup>۱۱</sup> - تخم اسبست<sup>۱۲</sup>  
 میدیقی: رَطْبَة - فِصْفِصَة - خشک آن: قَتّ - فارسی: اَسْفَسْت - عربی: قَضْب - عجمیت اندلس: یُرْبَه موله به معنای «عشبه البغلة» ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۱ و ۱۳۲

<i>Medicago sativa L.</i>	فصفصه - رطبه - اسفست - قضب	دیسکورید
<i>Medicago sativa L.</i>	یونجه - قت - اسبوست - اسپسته (افغانها)	پارسا
<i>Trifolium pratense L.</i>	رطبه، نفل المروج، نفل بنفسجی، بزسیم أحمر	الموسوعه
<i>Medicago sativa L.</i>	رطبه	ز. ط.، E.
<i>Medicago sativa L.</i> <i>Trifolium alexandrinum L.</i>	فصفصه	خطابی

۹۱۸ - رَعْنَى الإِبِلِ، رعى الإبل، رَعْنَى الإِبِلِ، رَعْنَى الأَيْلِ: نام‌های دیگر آن: سنانی، سفانی<sup>۱</sup> - مصر: شوک الجمل<sup>۲</sup> - سریانی: رعاریلا<sup>۳</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: هیلابسقون<sup>۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: آلفوسقن<sup>۵</sup> - سریانی: رعادیلا<sup>۶</sup>

آلفوبُشْقُن: نام آن «رَعْنَى الأَيْلِ» و به سریانی «رَعْنَادِيلا» است و آن گیاه معروفی است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۵]

<i>Salvia officinalis L.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رعى الايل - رعى الابل	دی - زر.
<i>Echinops sphaerocephalus</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رعى الايل	الم. - طبا.

۹۱۹ - رعى الحمار، رعى الحمار: گویند رعى الايل است.

۹۲۰ - رعى الحَمَامِ، رَعْنَى الحَمَامِ، رعى الحَمَامِ، رعى الحَمَامِ، رعى الحَمَامِ، فسطاریون<sup>۱</sup>، فرسطالیون<sup>۲</sup>، قارسطاریون<sup>۳</sup>، فارس ناریون<sup>۴</sup>: نوعی کرسنه نام‌های دیگر آن: در کتاب دیسکورید با نام یونانی: فارسطاریون<sup>۵</sup>، یعنی «حمامی» و یا به معنای «مظلل الحمام»؛ قوسطاریون<sup>۶</sup>، فارسطازیون<sup>۷</sup> - فارسی: گاو مشنگ<sup>۸</sup>، دیو مشنگ<sup>۹</sup>، چینه کبوتران<sup>۱۰</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: فارستاریون<sup>۱۱</sup>، باریسطاریون<sup>۱۲</sup> -

فارسطازیون به (*Peristerion*): برگردان آن «حمامی» است و نام‌های دیگر آن «رعى الحمام» و «حشیش الأعظم» است. و "جالینوس" آن را نوعی از «میامیر» می‌داند و به لاتینی «قُلْبَارِش» (*Columbaris*) معنای «حمامی» است. نام یونانی و لاتینی این گیاه یکی است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۴ و ۵۵]

<i>Verbena officinalis L.</i>	فارسطاریون، رعى الحمام، حشیش الأعظم	دیسکورید
<i>Verbena sp.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رعى الحمام	الموسوعه
<i>Verbena officinalis L.</i>	رعى الحمام	زریاب
<i>Verbena officinalis L.</i>	فارسطاریون	خطابی

۹۲۱ - رَعْنَى، رَعْنَى: در بعضی از ترجمه‌ها: جَلنار<sup>۱</sup>

۹۲۲ - رعى الايل: نام دو گیاه است ۱ - لسیف و کنکر بری ۲ - سواک العباس



شامل انواع شیرین، تلخ و ترش می‌باشد که هر یک خود اقسام مختلفی دارند، اقسام نوع ترش عبارتست از: ۱- فطیسی: داوری ۲- برجین ۳- بلدی - اقسام نوع تلخ عبارتست از: ۱- کبیر(بزرگ): رومی ۲- صغیر (کوچک): اقسام نوع شیرین عبارتست از: ۱- فطیسی ۲- مقدسی ۳- قمحی - رمان بری نرو معروف به جلنار است نام‌های دیگر آن عبارتست از: زَغْت - نارِ مِشک - تاغیشت - لوسطیون<sup>۳</sup> انار بسیار آبدار را که تخم کم داشته باشد به لغت عرب «مرمار» گویند.<sup>۴</sup> «جالینوس» می‌گوید: «نالاسطون» نام شکوفه انار دشتی است.<sup>۵</sup> - نام دانه آن: انار دانه<sup>۶</sup> «غسانی» می‌گوید: رمان دارای دو نوع نرو ماده است نام نوع نر «جُلنار» است و ماده آن دارای انواع فراوانی از قبیل شیرین، ترش، تلخ، آبی، و... می‌باشد که هر یک از این انواع در شهر فاس دارای اسامی خاصی است بعنوان مثال: منظور از درخت «سلطان» بلندترین و نیکوترین درخت انار است و به ترتیب نوع «سفری» و «کلخی» قرار دارد و هر گاه درختی دارای انارهای بزرگ باشد به آن «میمونه» و اگر دارای انارهای ریز باشد به آن درخت «عظمی» گویند.<sup>۷</sup>

رُوداًأیداً (Rhoa): رمان [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۳]

<i>Punica granatum L.</i>	رمان	ز، خ، پ، ال، ط.
<i>Punica granatum L.</i>	روداًأیداً - رمان	دیسکورید

۹۴۲- رمان الأنهار<sup>۸</sup>، رمان الانهار<sup>۹</sup>: در دمشق نام نوع بزرگ «هوفاریقون» با نام «أندروسا» یا «اندروسامس» است.<sup>۱۰</sup>

۹۴۳- رمان السعال<sup>۱۱</sup>، رمان السعال<sup>۱۲</sup>، رمان السعال<sup>۱۳</sup>: نام دیگر آن: خشخاش<sup>۱۴</sup>، خشخاش الابيض<sup>۱۵</sup> برای بسیاری از پزشکان این نام نوعی «خشخاش سفید» است و درست تر آنست که نوعی «خشخاش» معروف به «متور» است که مشابه «شقایق النعمان» است ولی شقایق مزبور نیست.<sup>۱۶</sup>

<i>Papaver somniferum album</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رمان السعال - خشخاش أبيض	الموسوعه
---	--------------------------	----------

۹۴۴- رمان بری<sup>۱۷</sup>، رمان البری<sup>۱۸</sup>، حب القلقل<sup>۱۹</sup>، حب القلقل<sup>۲۰</sup>، بزالمط<sup>۲۱</sup>: مض<sup>۲۲</sup> - رمان بری<sup>۲۳</sup> - نام‌های میوه: حب القلقل<sup>۲۴</sup>، رمان البری<sup>۲۵</sup>، شاهدانج<sup>۲۶</sup>، نار دانه دشتی<sup>۲۷</sup> - نام ریشه: مغاث<sup>۲۸</sup>

<i>Crotalaria retusa L.</i>	رمان البری	زریاب
<i>Cassia tora L.</i>		
<i>Cassia tora L.</i>	حب القلقل	پارسا
<i>Balaustion sp.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رمان بری - مَطَّ	الموسوعه

۹۴۵- رمث<sup>۲۹</sup>، رمث<sup>۳۰</sup>، رمث<sup>۳۱</sup>: نوعی «حمض»<sup>۳۲</sup> نام دیگر آن: طردج - نام شیره سفید رنگ بر روی گیاه: مغفور الرمث<sup>۳۳</sup> - نام نوع دیگر آن: شعران<sup>۳۴</sup>

<i>Caroxylon articulatum Moq.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رمث	الموسوعه
---	-----	----------

۹۴۶- رمّرام<sup>۳۵</sup>، رمّرام<sup>۳۶</sup>، رمّرام<sup>۳۷</sup>: نام دیگر آن: قرصنه<sup>۳۸</sup> - ابرجئون<sup>۳۹</sup> نام «قرطم بری» است و گویند نام «قرصنه» است.<sup>۴۰</sup>



- ریحانة الملك ش: نوعی حَبَق ش - افرنجَمِشک ش  
- ریحانة الفتی ش: مرزنجوش ش

<i>Ocimum basilicum L.</i>	ریحان	ز، ط، E.
<i>Ocimum basilicum L.</i>	ریحان سبز - شاهسفرم	پارسا

۹۵۵ - ریحان السلیمان، ریحان السلیمان، ریحان سلیمان، جم اسپرم: نام‌های دیگر آن: عربی: فُشاع ش - فارسی: ریحان سلیمان، جمسفرم، جماهو سلیمان<sup>۱</sup> نبات آن در کوهستان فارس و اصفهان بود.

<i>Ocimum filamentosum Forsk.</i>	ریحان سلیمان - حبق الرهبان	الموسوعه
<i>Ocimum filamentosum Forsk.</i> <i>Ocimum gratissimum L.</i>	فُشاع - ریحان سلیمان	زریاب
<i>Ocimum gratissimum L.</i>	ریحان سلیمان	طباطبائی

۹۵۶ - ریحان الکافور، ریحان الکافور: نام‌های دیگر آن: کافور یهودی، شجر الکافور، ریحان الیهود، شجر الکافور - فارسی: سوسن گویند: گیاه «سوس» است. - نوعی درخت است و نبات وی بیشتر در خراسان باشد.

<i>Camphorosma sp.</i>	ریحان الکافور	الموسوعه
------------------------	---------------	----------

۹۵۷ - رئیس الجبل ش، طرفیوس ش: نام‌های دیگر آن: رائی مَتت - فارقولمانن - اطرس - ماطرشَلْبَة - الف دینار - حشیشه الطحال - صریمه الجدی ش

## حرف «ز»

۹۵۸ - زان، زان ش: نام‌های دیگر آن: مران ش - قرانیا ش - مایا ش - برخی آن را به اشتباه «شُوَحط» می‌دانند. ش  
مایا (*Melia*): نام عربی آن «مران» و نام بربری آن «زان» است. اما «مران» ذکر شده در کتاب جالینوس با آن متفاوت بلکه منظور گیاه «قرانیا» است.

۹۵۹ - زَبَدای ش: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «بزرقطونا» و عده‌ای «صَغْبْتَرَه» و گروهی آن را نوعی «هوفاریقون» می‌دانند. ش

۹۶۰ - زراوند خراسانی ش: نوعی کمادریوس نام‌های دیگر آن: ریشه بنترقه ش

۹۶۱ - زراوند، زراوند، زراوند، زراوند، زراوند، زراوند (نامی فارسی)، مسمقوره، مسمقوره (نام بربری)، ارسطولوخیا، ارسطولوخیا (نامی یونانی زراوند طویل) ش: زراوند دو جنس است طویل و مدور. نام‌های دیگر آن: عجمی اندلس: مسمقوره و معرب آن مسمقاره، مسمقران - اهل مغرب: شجر رستم - یونانی: ارسطولوخیا «ارسطو» به معنای «فاضل» و «لوخیا» به معنای «نفسا» است زیرا موجب تسهیل زایمان می‌گردد. - ارسطالوخیا ش، ارسطالوخیا - سریانی: سفولاس - ابن ماسویه می‌گوید: دارای سه گونه است: دراز و گرد و گونه‌هایی چون «بقش الکرم» است. ارسطولوخیا از دو نام «ارسطو» و «لوخیا» گرفته شده است منظور از «ارسطو» دانشمند فاضل معروف است و منظور از «لوخیا» زن نفساء است بنابراین معنای کلی واژه «الفاضل بالمنفعة للنفساء» یا داروی برتر برای سود بخشیدن زن نفساء است. ع - غسانی می‌گوید: دارای دو نوع نر و ماده است نوع نر طویل (کشیده) و نوع ماده آن مدحرج (پیچ خورده) می‌باشد و در فاس به آن «بُرْشُم» گویند. ع





۹۶۶ - زرنوری<sup>۴</sup>: بقلة الیمانیة<sup>۴</sup> - یربوز<sup>۴</sup> - گویند نام «رجل الغراب» نیز هست.<sup>۴</sup>  
 ۹۶۷ - زریر، زریر<sup>۴</sup>، زریرا<sup>۴</sup>: گیاهی از کوه های جوزجان<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: شیرازی: اسفرک<sup>۴</sup> - یونانی: ارجیقن<sup>۴</sup> - به نظر "رازی" نام «کشج» است و همچنین نام «بقلة اللیثة» است و «زریرا» نام سربانی آن است.<sup>۴</sup>

<i>Delphinium zalil Ait.</i> <i>Delphinium semibarbatum Bie.</i>	زریر	زریاب
<i>Bulbocodium vernum L.</i> <i>Delphinium semibarbatum Bie.</i>	زریره - زعفران الجبل - زعفران ال مزج	الموسوعه

۹۶۸ - زَرین گیاه، زوین درخت<sup>۴</sup>، زرین درخت<sup>۴</sup>، زرین دیگر آن در خراسان: گل عاشقان - گویند درخت «اترج» است و مولف گوید درختی است ککه در ولایت کازرون بسیار باشد خاصه در بشاور<sup>۴</sup>.

۹۶۹ - زُعرور، زعرور، زعرور<sup>۴</sup>، زعرور<sup>۴</sup>، زعرور<sup>۴</sup>، زعرور<sup>۴</sup>، اجاص شتوی<sup>۴</sup>، ذو ثلاث حبات<sup>۴</sup>، ذو ثلاث حبات<sup>۴</sup>، تفاح بری<sup>۴</sup>، شجرة الدب<sup>۴</sup>، کیل<sup>۴</sup> (نام میوه)، نلک<sup>۴</sup>: زعرور به معنای «ذو ثلاث حبات» است.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: ذات ثلاث حبات<sup>۴</sup>، عوسج الاحمر<sup>۴</sup> - کوهج<sup>۴</sup> - فارسی: کیل<sup>۴</sup>، اژد<sup>۴</sup> - اصفهانی: کویج<sup>۴</sup> - ترکی: یمیشاز<sup>۴</sup> - تنکابن: کرجیل<sup>۴</sup> - زابل: ویژک<sup>۴</sup> - نلک<sup>۴</sup> - شجرة الدب<sup>۴</sup> - اسکرسول<sup>۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید نام های نوع زرد آن: «کوهج»، «سَرزک»، «ازدک»<sup>۴</sup> "دیسکورید" می گوید: درخت خارداری است با میوه‌ای با سه دانه و بهمین دلیل به آن «طریقن» یا «ذو ثلاث حبات» گویند.<sup>۴</sup> اشبیلی<sup>۴</sup> می‌گوید: دارای انواعی است: نام نوعی از آن «مشتهی» و نوع دیگر، بری با نام «غَلیق الکلب» و نوعی نیز با نام‌های: شجرة الدب، شربش، اقسوس، اقسیس و مشتهی است.<sup>۴</sup>

مَشْبِلِین (Mespilun): نام «شجرة الزعرور» یا همان «طریقن» (Tri kokkon) به معنای «ذو ثلاث حبات» (دارای سه دانه) است. و طعمی لذیذ و ترش دارد. و ابو حنیفه نام درخت زعرور را «نلک» گوید.

اَپِمِلِیس (Epimelis): گویند نام نوعی «زعرور» است ولی من - ابن بیطار - نسبت به آن اطلاعی ندارم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱

- ۱۲۶ و ۱۲۷]

<i>Crataegus azarolus L.</i>	مشبیلین - شجرة زعرور - طریقن	دیسکورید
<i>Pyrus germanica L.</i>	ایلیمیس - نوعی شجرة زعرور	دیسکورید
<i>Crataegus azarolus L.</i>	زعرور	زر - طب.
<i>Crataegus melanocarpa</i>	ذالذالک - کیالک - کویج (اصفهان) - ریش والک (گیلان) - یمیشان (آذربایجان)	پارسا
<i>Crataegus orientalis Bieb.</i>	کیک و اش - قسم ازگیل	پارسا
<i>Crataegus monogyna Jack.</i> <i>Crataegus lagenaria Fisch.</i> <i>Crataegus pentaggynga Eng.</i>	خفجه - عوسج - ملاولیک - موم بری (طالاش) - گتو (کوه درفک) - کمار (لاهیجان) - کرج (دره کرج) - بلک - ولیک - ولک (شمال) - قوچک (تفرش)	پارسا
<i>Crataegus sp.</i>	زعرور	الموسوعه
<i>Pyrus germanica Hook.</i> <i>Mandragora officinarum</i> <i>Crataegus azarolus L.</i> <i>Crataegus oxycantha</i>	زعرور البستانی زعرور الجبل زعرور (تفاح بری) زعرور الادویه	خطابی
<i>Crataegus azarolus L.</i>	زعرور	EN.

۹۷۱- زعفران بستانی<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: شیرازی: کیل سرخ<sup>۳</sup> - مثلث حجم<sup>۳</sup>  
 ۹۷۲- زعفران<sup>۱</sup>، زعفران<sup>۳</sup>، زعفران<sup>۴</sup>، زعفران<sup>۵</sup>، زعفران<sup>۶</sup>، زعفران<sup>۷</sup>، زعفران<sup>۸</sup>، زعفران<sup>۹</sup>، جساد<sup>۱۰</sup>، هرد<sup>۱۱</sup>، جادی<sup>۱۲</sup>، جادی<sup>۱۳</sup>: نام های دیگر آن:  
 رومی: اینخوس<sup>۱۴</sup>، قروقواس<sup>۱۵</sup> - سریانی: کرکم<sup>۱۶</sup>، کرکما<sup>۱۷</sup> - فارسی: لرکیماس<sup>۱۸</sup> - هندی: کیسر<sup>۱۹</sup>، کنکون<sup>۲۰</sup> -  
 جادی<sup>۲۱</sup> - جساد<sup>۲۲</sup> - ریبهقان<sup>۲۳</sup> - قوقو<sup>۲۴</sup> - خلوق<sup>۲۵</sup> - سعفورالصفالیه<sup>۲۶</sup> - جالینوس: قوروقوس<sup>۲۷</sup> - نام گیاه در کتاب  
 دیسکورید: قُوقُس<sup>۲۸</sup> - ابلر<sup>۲۹</sup> - خلوق<sup>۳۰</sup> تازه آن بهترین و بغایت سرخ رنگ و تیز بوی است و از ولایت فارس از کوه کیلویه خیزد، آن  
 نوع بهترین انواع زعفران است، بعد خراسانی که معروف است به «میلکندی» و بعد از آن رود آوردی. انواع آن عبارتست از: زعفران  
 بری، زعفران حبشی: قرطم - زعفران شرکی: ریشه های بربریس - زعفران هندی: کرکم، عروق الصفرا، اصابع الملک، جادی، جساد، جسد<sup>۳۱</sup>  
 قُوقُس (*Krokos*): منسوبه به مکانی از روم به همین نام است و نام آن «زعفران» با نام های «جادی»، «جساد»، «ریبهقان» و  
 «کرکم» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۲۵]

<i>Crocus sativus L.</i>	زعفران	ز.پ.ط.خ.
<i>Crocus sativus L.</i>	قروقس - زعفران	دیسکورید
<i>Crocus sp.</i>	جادی، جساد، جیهقان، ذلهقان، رادن، زیهقان، صفران، کرکیماس، زغبل	الموسوعه
<i>Crocus sativus</i>	زعفران مخزنی - زعفران معروف - زیهقان	الموسوعه
<i>Crocus sativus</i>	Sanskrit: Keshara; Kunkuma - Hindia: Kesar; Zafaran Bombay: Kessar - Bengal: Jafran	GLO.IN.

۹۷۳- زَعْفِرَاء<sup>۳۲</sup>: نام های دیگر آن: صنوبر الارض<sup>۳۳</sup> - خَلْمَة<sup>۳۴</sup>  
 ۹۷۴- زغیر<sup>۳۵</sup>، زغیر<sup>۳۶</sup>: نام «مرو» است و گویند «مرو دقیق» است. - نام های دیگر آن: مرو سفید<sup>۳۷</sup>  
 ۹۷۵- زُقَال<sup>۳۸</sup>، زوقال<sup>۳۹</sup>، زوقال<sup>۴۰</sup>: (نامی فارسی) جنسی است از آلوی سرخ رنگ<sup>۴۱</sup> - نام دیگر آن: قرانیا<sup>۴۲</sup>  
 مَالِیَا: (*Melia*): نام عربی آن «مُران» و نام بربری آن «زان» است. اما «مران» ذکر شده در کتاب جالینوس با آن متفاوت است و  
 در آنجا منظور گیاه «قرانیا» است. قرانیا (*Krania*) درخت معروف کوهی است که در کوه های لبنان و غیره... می روید. دارای  
 میوه ای مشابه «سیب» کوچک دارد و هنگام رسیدن قرمز و زرد می شود و طعم آن ترش است و درون آن هسته ای به سختی و  
 جنس «زغور» است و من - ابن بطار - نام دیگری برای آن نمی شناسم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۱ و ۱۲۸]

<i>Cornus mas L.</i>	زوقال	زریاب
<i>Cornus mas L.</i>	قرانیا	دیسکورید

۹۷۶- زُقُشْتَه<sup>۴۳</sup>:  
 ۹۷۷- زَقُوم<sup>۴۴</sup>، زَقُوم<sup>۴۵</sup>، زَقُوم<sup>۴۶</sup>: نام های دیگر آن: افریبون<sup>۴۷</sup> هندی: تهور<sup>۴۸</sup>، سیهنده<sup>۴۹</sup>، سیج<sup>۵۰</sup> - نام مایع لرح آن: ضرع  
 الکلب، غلبی<sup>۵۱</sup>

<i>Balanites aegyptiaca L.</i>	زقوم	زریاب
<i>Elaeagnus angustifolius L.</i>		
<i>Elaeagnus sp.</i>	خلاف - زقوم	الموسوعه

۹۷۸- زقوم آخر<sup>۵۲</sup>، زقوم آخر<sup>۵۳</sup>: نام های دیگر آن: افریبون<sup>۵۴</sup>، تاگوت<sup>۵۵</sup> - برخی آن را به اشتباه نام گیاه «خززع» می دانند.<sup>۵۶</sup>  
 ۹۷۹- زلایة<sup>۵۷</sup>:  
 ۹۸۰- زلم<sup>۵۸</sup>: نام های دیگر آن: حب الزلم<sup>۵۹</sup> - اندلس و مغرب: فلفل السودان<sup>۶۰</sup>

<i>Cyperus esculentus</i>	حب الزُّم، حب العزیز، زُّم، سُغد مأکول	الموسوعه
---------------------------	--	----------

۹۸۱- زُنْبَا، زُنْبَا: (نامی فارسی)

۹۸۲- زُنْبُق، زُنْبُق، زُنْبُق، زُنْبُق: نام‌های دیگر آن: یاسمین<sup>۱۱</sup> - فارسی: سوسن آزاد<sup>۱۲</sup> به روغن «حَلّ» پرورش یافته در «یاسمین» گویند.<sup>۱۳</sup>

ایمازوقالس (*Hemerokallis*): ابن حَسَّان می‌گوید: سَوَسَن أَصْفَر - دمشق: زُنْبُق [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۷]

<i>Hemerocallis flava L.</i>	ایمازوقالس - سوسن آصفر - زنبق	دیسکورید
<i>Iris germanica L.</i>	زنبق	پارسا
<i>Lilium sp.</i>	زنبق	الموسوعه

۹۸۳- زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل: نام‌های دیگر آن: زَنْبَارِی - هندی: (تازه آن) اذْرک<sup>۱۴</sup>، (خشک آن) سونته<sup>۱۵</sup>، سندهی<sup>۱۶</sup>، سنده<sup>۱۷</sup> - فارسی: شنگویر<sup>۱۸</sup>، زنگیر<sup>۱۹</sup>، شنگلیل<sup>۲۰</sup> - سریانی: زَنْکِیل<sup>۲۱</sup> - طخاری: شنگر فیر<sup>۲۲</sup>

زَنْبَارِی (*Zingiberi*): زَنْجَبِيل [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۳]

<i>Zingiber officinale Rosc.</i>	زَنْجَبِيل	ز، پ، ط، خ
<i>Zingiber officinale Rosc.</i>	زَنْجَبِيل	دیسکورید
<i>Zingiber sp.</i>	زَنْجَبِيل	الموسوعه
<i>Zingiber officinale Ros.</i>	<i>Sanskrit &amp; Kanara: Ardraka - Hendia &amp; Punjab: Adrak - Telugu: Ardrakamu</i>	<i>GLO.IN.</i>

۹۸۴- زَنْجَبِيل الافرنجی<sup>۲۳</sup>: نام‌های دیگر آن: زَنْبَارِی، ماپرونه<sup>۲۴</sup>

۹۸۵- زَنْجَبِيل العجم<sup>۲۵</sup>، زَنْجَبِيل العجم<sup>۲۶</sup>: نام دیگر آن: اَشْتَرَاغ<sup>۲۷</sup>

۹۸۶- زَنْجَبِيل الکلاب<sup>۲۸</sup>، زَنْجَبِيل الکلاب<sup>۲۹</sup>، زَنْجَبِيل الکلاب<sup>۳۰</sup>: (کشنده سگ) نام‌های دیگر آن: رِی، تَزْم<sup>۳۱</sup> - طبرستان: فلفلک<sup>۳۲</sup> - بهران<sup>۳۳</sup>

<i>Polygonum hydropiper L.</i>	زَنْجَبِيل الکلاب	زریاب
--------------------------------	-------------------	-------

۹۸۷- زَوَان، جُوز زَوَان<sup>۳۴</sup>، زَوَان<sup>۳۵</sup>، زَوَان<sup>۳۶</sup>، زَوَان<sup>۳۷</sup>، زَوَان<sup>۳۸</sup>، دَقَقَه<sup>۳۹</sup>، دَقَقَه<sup>۴۰</sup>: نام‌های دیگر آن: زَوَان<sup>۴۱</sup> - فارسی: تویوش<sup>۴۲</sup> - شیلیم<sup>۴۳</sup> - حر<sup>۴۴</sup>

آرآ (*Aira*): «شیلیم» موجود بین «قمح» و «زَوَان» - نام‌های دیگر آن عبارتست از: دَقَقَه - زَعْبَدَاء - زَعْبَدَاء - مُرْبُورَاء

گویند به زبان عرب «خَضِر» نام دارد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۵]

<i>Lolium temulentum L.</i>	زَوَان	زریاب
<i>Lolium temulentum L.</i>	آرآ - زَوَان - شیلیم - دَقَقَه - رَعْبَدَاء	دیسکورید
<i>Lolium sp.</i>	زَوَان	الموسوعه

۹۸۸ - زوفای یابس<sup>۱</sup>، زوفا یابس<sup>۲</sup>، زوفاس<sup>۳</sup>، زوفان<sup>۴</sup>، زوفای یابس<sup>۵</sup>، زوفای یابس<sup>۶</sup>: «زوفان» دو جنس خشک و تر دارد، خشک آن جنسی از «سَعْتَر» است. جبلی و بستانی بود و بهترین آن بود که از بیت المقدس خیزد و آن مشهور بود به زوفای مصری. - نام های زوفای یابس: صعتر رومی<sup>۷</sup> - رومی: اوسفول<sup>۸</sup>، هوسفون<sup>۹</sup> - سریانی: زوفاییشا<sup>۱۰</sup> - اسوفس<sup>۱۱</sup> - سیوس<sup>۱۲</sup> نام های زوفای رطب: رومی: اوسفون، و سیطون - سریانی: زوفارطیبا<sup>۱۳</sup> - «زوفای رطب» بیخی است که به دنیهای میش ارمن جمع می شود زیرا گیاهی شیرابه دار است و از «بتوعات» می باشد و چون میش آن را بخورد سبب حدت و قوت شیر و جمع شدن آن بر دنبه آنان شود.<sup>۱۴</sup>

اُسُوْفُون (Hussopon): زوفا الیابس [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۲۶]

اُیْسِفُس (Oisupos): «زوفا الرطب» را از «دسم الصوف الودج» است (وذح قسمت های زائد پشم گوسفند است). [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۲]

<i>Hyssopus officinalis L.</i> <i>Origanum aegyptiacum L.</i>	زوفا یابس	دیسکورید
<i>Hyssopus officinalis L.</i> <i>Origanum aegyptiacum L.</i>	زوفا	ز. - پ. - ال. - ط. - خ.
<i>Nepeta micrantha Bu.</i> <i>Nepeta mispahanica Bo.</i>	زوفا	پارسا
<i>Hyssopus officinalis L.</i> <i>Origanum aegyptiacum L.</i>	Hendia: Zufah-yabeis - Urdu: Zufh	GLO.IN.

۹۸۹ - زوفر<sup>۱۵</sup>، زوفران<sup>۱۶</sup>، سسطیعون<sup>۱۷</sup>: نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: فاناقس اسقلیبوس<sup>۱۸</sup>

<i>Echinophora tenuifolia L.</i> <i>Laserpitium silver L.</i>	زوفران	طباطبائی
--	--------	----------

۹۹۰ - زهرة<sup>۱۹</sup>، زهرة<sup>۲۰</sup>، زهرة<sup>۲۱</sup>: نام های گیاه از نظر ابن بیطار: انیس، نقخارس<sup>۲۲</sup> - به گیاه «وج» گویند و همچنین به گیاهی که در اندلس مشهور به «قرنقلیه» است. <sup>۲۳</sup> نام «الوج» است و برخی گویند نام به «سوسن اصفر» است. <sup>۲۴</sup>  
آفورون (Akoron): به «وج» و در بعضی از ترجمه ها به «زهرة» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۲]

<i>Cyclamen hederacifolium Ait.</i> <i>Cressa cretica Willd.</i>	زهرة	زر. - طباطبائی
<i>Acorus calamus L.</i>	آفورون - وج - زهرة	دیسکورید

۹۹۱ - زهرة الحجر<sup>۲۵</sup>، زهر الحجر<sup>۲۶</sup>: نام های دیگر آن: حزاز الصخر<sup>۲۷</sup> - گویند نام «جوز جندم» و همچنین نام «حزاز الصخر» است.<sup>۲۸</sup>

۹۹۲ - زهر الملح<sup>۲۹</sup>: نباتیست که در نیل مصر، در آبهای ایستاده، نهرها و در زمینهای شور می روید.<sup>۳۰</sup>  
۹۹۳ - زیتون<sup>۳۱</sup>، زیتون<sup>۳۲</sup>، زیتون<sup>۳۳</sup>، زیتون<sup>۳۴</sup>، زیتون<sup>۳۵</sup>، زیتون<sup>۳۶</sup>، زیتون<sup>۳۷</sup>، زیتون<sup>۳۸</sup>، زیتون<sup>۳۹</sup>، زیتون<sup>۴۰</sup>، زیتون<sup>۴۱</sup>: نام دیگر آن: غم<sup>۴۲</sup> - زنبوج<sup>۴۳</sup> - زیتونی که نزدیک آب باشد، «زیتون الماء» نام دارد. <sup>۴۴</sup> غسانی می گوید: درخت «زیتون» را بخاطر آیه شریفه قرآن «یوقد من شجرة مباركة زیتونة لا شرقية ولا غربية» «شجرة لا ولا» گویند. <sup>۴۵</sup> اشبیلی می گوید: دارای اقسامی است، برخی از آن عبارتست از: ۱ - ملیان ۲ - احمر ۳ - اللجن ۴ - طرل ۵ - مرقیر ۶ - وركط

الأغریا (*Agrielaia*): برگردان آن به عربی «زیتون بری» است و نام‌های دیگر آن «عتم» و «زعیج» و به بربری «أزمون» و نزد عامه اندلس «زبوج» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۷]

<i>Olea europaea L.</i>	زیتون	ز. پ. ال. ط. خ.
<i>Olea oleaster L.</i>	الأغریا، زیتون بری، زبوج، عتم، زعیج	دیسکورید

۹۹۴ - زیتون البحر<sup>ش</sup>:

۹۹۵ - زیتون صخری: نام‌های دیگر آن: قطلم - عقاب الجبل - زیتون الطحال - زیتون المعز - جرجس - ارجان<sup>ش</sup>

۹۹۶ - زیتون الحبش<sup>ع</sup>، زیتون الحبش<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: زیتون الکلبه<sup>ع</sup>، زیتون البری<sup>ع</sup>

<i>Daphne oleoides</i>	دَفْنَةُ الزیتونیه - زیتون البر	الموسوعه
<i>Olea oleaster L.</i> <i>Phillyrea latifolia</i>	زیتون بری	طباطبائی

۹۹۷ - زیت السودان<sup>ا</sup>، زیت السودان<sup>ع</sup>، زیت المهرجان<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: زیت الهرجان<sup>ا</sup> - اهل مغرب: ارجان<sup>ت</sup>، ارقان<sup>ت</sup>

۹۹۸ - زیزفون<sup>ع</sup>، زیزفون<sup>ت</sup>: نام دمشقی نوع بدون میوه درخت «غیراء» است.<sup>ع</sup>

<i>Tilia rubra De. &amp; T.</i> <i>Tilia sylvestris Desf.</i>	کیو - پالادیا - پالاس - برگ تیول - زیزفون - کف - نمدار (شمال)	پارسا
<i>Tilia sp.</i>	زیزفون	الموسوعه
<i>Tilia silvestris Desf.</i>	زیزفون	EN.

### حرف «س»

۹۹۹ - ساج<sup>ص</sup>، ساج<sup>ع</sup>، ساج<sup>ت</sup>: (نام درختی در هندوستان)

<i>Tectonia grandis L.</i>	ساج	زریاب
<i>Tectonia sp.</i>	ساج	الموسوعه

۱۰۰۰ - ساداوران<sup>ا</sup>: (نام گیاهی در هند) معرب سیاه‌داران (فارسی) به معنای سیاهی درختان<sup>ا</sup> نام‌های دیگر آن: عربی: سواد الحکام<sup>ا</sup>، سواد القضاة<sup>ا</sup>

<i>Orseille tinctoria</i>	أشنة الصباغین - سادوران	الموسوعه
---------------------------	-------------------------	----------

۱۰۰۱ - ساذج<sup>ا</sup>، ساذج<sup>ب</sup>، ساذج<sup>ج</sup>، ساذج<sup>د</sup>، ساذج<sup>ه</sup> (نام گیاهی در هند)، خوخ اقرع<sup>ع</sup>، مامهستا<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: هندی: پترو تیزپاپ<sup>ا</sup>، کندبتر<sup>ت</sup>، مامهستان<sup>ت</sup> - مالایترون<sup>ت</sup>، مالاثرون<sup>ت</sup> "دیسکورید" می‌گوید: «مالاثرون» یا همان «ساذج» را برخی می‌پندارند برگ «فردین» است در حالیکه چنین نیست و علت اشتباه آنها برای تشابه بوی هر دو آنهاست.<sup>ع</sup>

مالابثرون (Malabathron): ساذج هندی [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲]

<i>Cinnamomum citriadorum</i> Th.	مالابثرون - ساذج هندی	دیسکورید
<i>Melastoma</i> sp.	مَلْشْتُمَة، ساذج هندی	الموسوعه
<i>Cinnamomum tamala</i> Nees.	ساذج	طباطبائی
<i>Cinnamomum malabathrum</i> Burm.	ساذج هندی	EN.

- ۱۰۰۲ - ساذرون<sup>۴</sup>، سادوران<sup>۵</sup>: نامی فارسی و برگردان عربی آن «سواد العصاره» است.<sup>۶</sup> نام های دیگر آن: ساداوران قنطار<sup>۷</sup> - عربی: ختم الملك<sup>۸</sup> - شیرازی: سهک داوران<sup>۹</sup>  
 ۱۰۰۳ - ساطریون<sup>۱۰</sup>: نام دیگر آن: سوفطیون<sup>۱۱</sup>  
 ۱۰۰۴ - سالی<sup>۱۲</sup>، ساسالیوس<sup>۱۳</sup>، سیسالیوس<sup>۱۴</sup>: نام های دیگر آن: ساسلیوس<sup>۱۵</sup> - طرنیلون<sup>۱۶</sup> - انجدان رومی<sup>۱۷</sup> - کاشم رومی<sup>۱۸</sup>

<i>Seseli tortuosum</i> L.	ساسالی	EN.
----------------------------	--------	-----

- ۱۰۰۵ - سامان<sup>۱۹</sup>: نوعی بردی نام دیگر آن به فارسی: پیبرز<sup>۲۰</sup>  
 ۱۰۰۶ - سَبْعُ الْكَنْانِ<sup>۲۱</sup>: یعنی با مجاورت این گیاه با «کنان» موجب از بین رفتن آن می شود /وجه تسمیه آن/ و نزد پزشکان اندلس و مصر و مغرب و آفریقا به «کَشُوْث» معروف است و در اندلس به آن «قُرْبَعَة الْکَنْان» گویند و اهالی اندلس آن را «جامول الکان» می نامند و این با «کشوثی» که در عراق است متفاوت است و آن به نام «کشوث» بیشتر معروف است.<sup>۲۲</sup>  
 ۱۰۰۷ - سَبْعُ الشَّعْرَاءِ<sup>۲۳</sup>، سبع الشعراء<sup>۲۴</sup>: گویند نام «أَثِیْمُون» است.<sup>۲۵</sup>  
 ۱۰۰۸ - سَبْسَبِستان<sup>۲۶</sup> (نامی فارسی)، سَبْسَبِستان<sup>۲۷</sup>، أطباء الکلبه<sup>۲۸</sup>، مخاطه<sup>۲۹</sup>، مخاطه<sup>۳۰</sup>، مخیطا<sup>۳۱</sup>: نام های دیگر آن: سَبْسَبِستان<sup>۳۲</sup> - سَبْسَبِستان<sup>(۱)</sup> - عربی: دبق<sup>۳۳</sup> - هندی: لسوده<sup>۳۴</sup>، به معنای اطباء الکلبه<sup>۳۵</sup>، مخیطا<sup>۳۶</sup> - [به «دبق» یا «اقسوس» رجوع شود. (۳ - ۸۴)]

<i>Loranthus europaeus</i> L.	اقسوس - دبق	دیسکورید
<i>Cordia myxa</i> L.	سبستان	پارسا
<i>Cordia sebestena</i> L.	سبستان	EN.

- ۱۰۰۹ - سجا<sup>۳۷</sup>:  
 ۱۰۱۰ - سَحْسُونَه<sup>۳۸</sup>: نام دیگر آن به نظر تذره عبدوس<sup>۳۹</sup>: دانه سبستان<sup>۴۰</sup>  
 ۱۰۱۱ - سَخَار<sup>۴۱</sup>:  
 ۱۰۱۲ - سُخَّر<sup>۴۲</sup>:  
 ۱۰۱۳ - سَدَاب<sup>۴۳</sup>، سَدَاب<sup>۴۴</sup>، سَدَاب<sup>۴۵</sup>، سَدَاب<sup>۴۶</sup>، سَدَاب<sup>۴۷</sup> (نامی عربی)، تافسیا<sup>۴۸</sup>، تافسیا<sup>۴۹</sup>، تافسیا<sup>۵۰</sup> (نام صمغ)، فیجن<sup>۵۱</sup>، تافسیا<sup>۵۲</sup> (نام صمغ سَدَاب دشتی)، تافسیا<sup>۵۳</sup>، بذر السداب<sup>۵۴</sup>: برای انوشیروان خضائع فیجن را بردند او امر می کرد که آن ها را آبیاری کنند تا سبز شوند پس آن ها را در صد محل قرار دادند تا سبز شد و بدین ترتیب به نام سَدَاب موسوم گردید.<sup>۵۵</sup> - نام های دیگر آن: فیجن<sup>۵۶</sup> - دیلم و تنکابن: بیم<sup>۵۷</sup> - هندی: سانول<sup>۵۸</sup>، ساتری<sup>۵۹</sup> - در لغتی: زنجی<sup>۶۰</sup> - بنگالی: تتلی<sup>۶۱</sup> - رومی: ففوس<sup>۶۲</sup>، طریفوس<sup>۶۳</sup> - سریانی: فیفتنا<sup>۶۴</sup>، حَفْت<sup>۶۵</sup>، فَبَجَل<sup>۶۶</sup> - فارسی: سَدَاب<sup>۶۷</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: «فیغان»<sup>۶۸</sup> و نام بری آن «فیغانن اغریون»<sup>۶۹</sup> - نام های صمغ سَدَاب بری و جبلی: تافسیا<sup>۷۰</sup>، تافسیا<sup>۷۱</sup> (تایسوس)، یتون<sup>۷۲</sup> - فاس: روطه<sup>۷۳</sup>

۱- در اصل سگ پستان بوده است و دارای میوه ای شبیه عناب است - بهمنیار



<i>Cheiranthus incanus L.</i> <i>Mathiola incana R.Br.</i>	خیری ازرق - سراج القطرب	خطابی
<i>Cheiranthus cheiri L.</i>	خیری اصفر - سراج القطرب	خطابی
<i>Lychnis githago L.</i> <i>Coronaria L.</i> <i>Agrostemma githago L.</i>	سراج القطرب	زریاب

۱۰۱۷ - سراج القطرب: 'صاحب منهاج' نام آن را «خرم» می داند.  
 ۱۰۱۸ - سُرَّة الأرض: نام دیگر آن به یونانی «قوطلیدون» است.<sup>۴</sup>

<i>Cotyledon umbelicus L.</i>	سُرَّة الأرض - اشران الأرض - خُخیز القاف	الموسوعه
-------------------------------	--	----------

۱۰۱۹ - سَرَح:

<i>Cadaba farinosa Forsk.</i>	سرح	زریاب
<i>Cadaba sp.</i>	قَضْبَة، سَرَح، طَرِیح	الموسوعه

۱۰۲۰ - سَرَحْس (نامی فارسی)، سَرَحْس، سَرَحْس، سَرَحْس، سَرَحْس، بشعیرا، بطارس، بطارس، رقعاء، رقعاء، کیلدارو، کیل دارو، کیلدارو، جمان: «سرخس نر» گیاهی است با برگ هائی شبیه «بطارس». امروزه در کوههای لبنان و بیروت به نام «شرد» است.<sup>۴</sup> نام های دیگر آن: جیلدارو - سعبر - کیلدار - فلهون - یونانی: بطارس - تنکابن و دیلم: جماز، هندی: کیل دارو، بسوره - بنگال: پنکهراج - سریانی: نشرا - فارسی: گیل دارو - اصل التهل

<i>Dryopteris filix max L.</i> <i>Athyrium filix-mas L.</i>	کرف - بیخ جماز - سرخس مذکر	پارسا
<i>Asplenium adianthum-nigrum L.</i>	سرخس البلوط	الموسوعه
<i>Dryopteris robertiana (Hof.) Chr.</i>	سرخس جَصْناص	الموسوعه
<i>Dryopteris filix mas</i>	سرخس ذَکَر	الموسوعه
<i>Asplenium ruta muraria L.</i>	سرخس سَبَع الأجررض	الموسوعه
<i>Osmunda cinnamomea L.</i>	سرخس قاتن	الموسوعه
<i>Asplenium trichomanes L.</i>	سرخس إحاء الغول	الموسوعه
<i>Phyllitis scolopendrium L.</i>	سرخس مخزنی - سرخس عَش التر - کف النسر	الموسوعه
<i>Dryopteris aculeata (L.) Kuntze</i>	سرخس مُسْتَن - سرخس شوکی	الموسوعه
<i>Osmunda regalis L.</i>	سرخس مَلْکی	الموسوعه
<i>Dryopteris filix-max L.</i> <i>Aspidium filix-mas L.</i>	سرخس	زر. - طبأ.
<i>Athyrium filix-mas L.</i> <i>Dryopteris filix max L.</i>	سرخس ماده سرخس نر	خطابی

۱۰۲۱ - سیرس: (نامی هندی) نام های دیگر آن: سلطان الاشجار - فارسی: درخت زکریا



۱۰۲۲ - سرشاد<sup>ع</sup>: در بعضی از ترجمه‌ها با نام «بنجنکشت» آمده است.<sup>ع</sup>

<i>Vitex agnus castus</i>	سرشاد - آرشد - بنجنکشت - فنجنکشت - شجرة ابراهيم - کف مریم	الموسوعه
---------------------------	---	----------

۱۰۲۳ - سرغنت<sup>ع</sup>، سرغنت<sup>ع</sup>: نام بربری گیاهی به نام «بخور البربر»<sup>ع</sup> - نام دیگر آن: «سرغنت<sup>ع</sup> - غسانی<sup>ع</sup>» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «بخور مریم» و عده‌ای «بخور السودان» و گروهی «بخور البربر» می‌دانند و این نظر صحیح است.<sup>ع</sup>

<i>Telephium imperati L.</i>	سرغینه - سرغنت	خطابی
------------------------------	----------------	-------

۱۰۲۴ - سرقسانه<sup>ع</sup>:

۱۰۲۵ - سرما<sup>ع</sup>: گیاهی با نام یونانی «مریق» که ابن بطریق آن را «طرفاء» می‌داند.<sup>ع</sup>

۱۰۲۶ - سرْمَقْ<sup>ص</sup>، سرْمَقْ<sup>س</sup>، سرْمَقْ<sup>ع</sup>، سرْمَقْ<sup>ث</sup>، سرْمَقْ<sup>ط</sup>، بقله ذهبیه<sup>ع</sup>، بقله ذهبیه<sup>ث</sup>، قطف<sup>ع</sup>، بزر السرمق<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: سرْمَح<sup>ص</sup> - مغرب: قَطْف<sup>ص</sup> - صحرائشینان: کَطْف<sup>ع</sup> - رومی: اَطْرَقَسوس<sup>ص</sup> - سریانی: قَطْفَا<sup>ص</sup> - فارسی: سَرْمَه<sup>ص</sup>، بستولاک<sup>ص</sup> - هندی: باتو<sup>ص</sup> - بربری: تاسلقا<sup>ث</sup> - ارموش<sup>ث</sup> - کرساخسن<sup>ث</sup> - سرمس<sup>ث</sup> - رُغْل<sup>ص</sup> - سرْمِج اطرافاکیسیس<sup>ص</sup> - اشبیلی<sup>ص</sup> می‌گوید: قطف دارای پنج نوع است نوعی از آن را «عشبه الکلب» و نوع دیگر آن را «جملج» و «غالیبوس» می‌نامند.<sup>ث</sup>

اَنْدَرَوَاقْسُس (*Andrappaxus*) نام‌های آن عبارتند از: السَّرْمَقْ - السَّرْمِج - قَطْف - بَقْل الرُّوم - بَقْل الذَّهَبی (این بیطار در ترجمه

دیسکورید) ۲ - ۱۰۴]

<i>Atriplex hortensis L.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>	سرمق	ز، د، خ، ع.
<i>Atriplex sp.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>	قَطْف - سرمق	الموسوعه

۱۰۲۷ - سَرْمَنْجی<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

<i>Philadelphus sp.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>	فیلادلفس - سَرْمَنْجی	الموسوعه
---	-----------------------	----------

۱۰۲۸ - سَرُو<sup>ع</sup>، سَرُو<sup>ث</sup>، سَرُو<sup>ص</sup>، سَرُو<sup>ط</sup> (نامی فارسی)، شجرة الحیات<sup>ع</sup>، شجرة الحیات<sup>ث</sup>: جبلی یا بری آن را «درخت عرعر»<sup>ص</sup> می‌نامند. اجوز السرو نام میوه درخت سرو است.<sup>ع</sup> غسانی<sup>ع</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را درخت «اثل» و بعضی «عرعر» و عده‌ای «ارز» می‌دانند.<sup>ع</sup>

از آن جهت شجرة الحیات را درخت مارها گویند که جایگاه مار است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۴]

<i>Cuperessus sempervirens L.</i>	درخت عرعر	ز، خ، ط.
<i>Cuperessus sp.</i> <i>Cuperessus sempervirens L.</i>	سرو	EN.

۱۰۲۹ - سَرْمَنْجی<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

۱۰۳۰ - سره پهنکه: (نامی هندی)

۱۰۳۱ - سطاخینس، سطاخیس: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: اندلس: قارة<sup>ع</sup> - عجمی اندلس: بتوشه<sup>ع</sup>  
سطاخیس (Stachus) در اندلس به آن «قارة» گویند زیرا نوشیدن آن در هنگام تنگی نفس و خفقان قلب را «قرار» می دهد و در  
لاتینی به «اوشه» (Hianusa) معروف است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۱]

<i>Stachys sp.</i>	سطاقس - سطاخیس	الموسوعه
<i>Stachys germanica L.</i>	سطاخیس	دیسکورید
<i>Stachys hirta L.</i>	سطاخیس	EN.

۱۰۳۲ - سطارِیون، سطرابطوس<sup>ع</sup>، قرسطارِیون: (نامی یونانی) گیاهی است که روی آب می روید.<sup>ع</sup> «سراطیوس»  
معروف به «ذو آلف ورقة» و دارای هزار برگ است و آن درختچه ای کوچک است.<sup>ع</sup> نام های دیگر آن: سطارِیون -  
شیرازی: کماه کوهی<sup>ع</sup>  
۱۰۳۳ - سطرابطیوطس<sup>ع</sup>، سطرابطوس<sup>ع</sup>، سطرابطیوطس: نام یونانی گیاهی آبی - نام های دیگر آن: خبوخیر<sup>ع</sup>  
(خیرخیر) - فارس الماء<sup>ع</sup>

<i>Achillea millefolium L.</i> <i>Pistia stratiotes L.</i>	فارس الماء - سطرانیون	زر. - طب.
<i>Stratiotes aloides L.</i>	سراطیوس	EN.

۱۰۳۴ - سطرکا: نام های دیگر آن: قرسطارِیون - فارسی: مران<sup>ع</sup>  
۱۰۳۵ - سطرونیون، سطرومیون<sup>ع</sup>، سطروثیون<sup>ع</sup>، سطرونیون: (نامی یونانی) گویند «کنده» است و مولف گوید نوعی  
«کنده» است و آن را «آزربو» گویند.<sup>ع</sup> «حنین» در ترجمه کتاب جالینوس این نام را معادل «کنده» می داند و درست بودن آن  
بعید است زیرا «کنده» مشهور است و «ابو عباس» نام اندلسی آن را «قولیة» و نام بربری آن را «تاغیغشت» می داند.<sup>ع</sup>

<i>Saponaria officinalis L.</i> <i>Gypsophila stratum L.</i>	سטרومیون	زریاب
<i>Lysimachia vulgaris</i>	سטרوثیون	EN.

۱۰۳۶ - سطوبی<sup>ع</sup>: «ابن بطار» می گوید: اگر کسی این نام را برای گیاه «خلاف» بداند اشتباه می کند.<sup>ع</sup>

<i>Trichera arvensis Schrad.</i>	سطوی؟	EN.
----------------------------------	-------	-----

۱۰۳۷ - سعالی<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: فنجون<sup>ع</sup>، حشیشه السعال<sup>ع</sup>  
۱۰۳۸ - سعُد، سعَد، سعَد، سعَد، سعَد، سعَد، سعَد، سعَد: برخی این نام را مربوط به «دارشیشان» می دانند.<sup>ع</sup> نام های دیگر  
آن: فارسی: مشک زمین - تنکابن: استکو - ترکی: یتلاق قرقرن، توبالغ - هندی: موفه، مشکک، مت -  
رومی: قیوفارروس - سریانی: سعَدی - زابلی: مُست - سجزی: خویبو - ترکیه: طبرقاق<sup>ع</sup>، سعادی<sup>ع</sup> دیسکورید:  
قیباس<sup>ع</sup>، اروسیتیقون<sup>ع</sup> - غسانی می گوید: دارای انواع فراوانی است نوعی به نام «سعَدی المَضْفرة» است.  
کیباس (Kuperos): در بعضی از نسخه ها «قیفارس» آمده و نام «سعَد» است و دارای انواعی است بهترین آن نوع کوفی آن  
است و دیسکورید نوع دیگری از «سعَد» را یاد آور شده که در هند وجود دارد و رنگ آن مشابه «زنجبیل» است و هر گاه



دیگر آن: عربی: محموده<sup>۴۷</sup> - «سقمونیا» سه جنس است، هندی و جرمنگانی<sup>(۱)</sup> و انطاکی و انطاکی آن بهتر است و هندوی میانه تر و جرمنگانی از دو تای دیگر بتر (بدتر). انطاکی «طل» یا مایعی است که برگیه می نشیند چون شکر «عشر» و بعضی گویند که «صمغ لبلاب» است. و هندوی صمغ «ثربد» است. و انطاکی را از کوه «لکام» آرند.<sup>۴۸</sup>

<i>Convolvulus scammonia L.</i>	سقمونیا	ز،خ،ط.
<i>Convolvulus scammonia L.</i> <i>Convolvulus syriacus</i>	محموده - سقمونیا	الموسوعه

۱۰۴۷ - شکات: جنسی است از اجناس «فطر» و اندر آبسال (سال پر آب) بر سر کورها بایند.<sup>۴۹</sup>

۱۰۴۸ - سَکْمُونِجْ، سکینج، سکینج، سکینج، سکینج، سکینج، سکینج: معرب از سکبینه فارسی صمغ درختی با نام «مَنفوخه» با نام بربری «ساغانیتن» و «ساغین» (*Sagapenum*) است و گویند صمغ «زوفا» است. نام های دیگر آن: یونانی: ساغافیون<sup>۵۰</sup> - هندی: کندل، سک هنو<sup>۵۱</sup> - رومی: افطریون<sup>۵۲</sup> - سریانی: حلبادشغفینون<sup>۵۳</sup>، سفین<sup>۵۴</sup>، گنده انگرزد<sup>۵۵</sup>، سکبینه<sup>۵۶</sup> - دیسکورید: سفاینون<sup>۵۷</sup>

صاغانین (*Sagapenum*): سَکْمُونِجْ - لاتینی: شاکهبانته به معنای «مخرج الريح» [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۷]

<i>Ferula scowitziana DC.</i>	سکینج	دی. - خط.
<i>Ferula scowitziana DC.</i>	أنجدان العجم - حلیث عجمی - سکینج	الموسوعه
<i>Ferula persica Willd.</i>	سکینج	پارسا
<i>Ferula saapenum Polack</i> <i>Ferula persica Willd.</i>	سکینج	طباطبائی
<i>Kandelia rheedii W. &amp; A.</i>	Bengal: Guria - Tamil: Kandal - Kannarese:Kandale Telugu: Kandigala - Maalyalam: Kantal	GLO.IN.

۱۰۴۹ - سَکْرُ العُشْر، سَکْر، سَکْر، سَکْر العُشْر، سَکْر العُشْر، سَکْر العُشْر: نام های دیگر آن: فارسی: حرک<sup>۵۸</sup> - هندی: آک<sup>۵۹</sup> - عشر<sup>۶۰</sup> - نام میوه: خرّقع<sup>۶۱</sup> - رومی: اوذمون<sup>۶۲</sup> - صاحب منهاج<sup>۶۳</sup> گوید صمغی است که از درخت «عشر» بیرون می آید و در موضع گل وی که خشک گردد و جمع می شود آنرا «سکر العشر» خوانند و هم گوید طللیست - شبنم - که بر درخت «عشر» می افتد در خراسان جمع آوری می شود.

سَخَوْرِيُون (*Sakkaron*): سَکْر [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۷]

<i>Saccharum officinarum L.</i>	سکر	زریاب
---------------------------------	-----	-------

۱۰۵۰ - سَکْرَجَه:

۱۰۵۱ - سَکَنْبُوِيَه: دو نوع است یک نوع را به فارسی «سَلِق» و مشهور به «اسود» است نوع دیگر آن را به فارسی «چغندر» خوانند.<sup>۶۴</sup>

۱۰۵۲ - سَکْوَهِ: (نامی هندی)

۱۰۵۳ - سَئِلْت، سَئِلْت، سَئِلْت، سَئِلْت: نام های دیگر آن: شعیر الفاری<sup>۶۵</sup>، حنطه الفارسی<sup>۶۶</sup> - فارسی: جو برهنه<sup>۶۷</sup> - زابلی: جو گندم زابل<sup>۶۸</sup> - هندی: آت جو<sup>۶۹</sup> - واره<sup>۷۰</sup> - جو برهنه سپید<sup>۷۱</sup> - زابل: جو گندم<sup>۷۲</sup> - سجزی: رونک<sup>۷۳</sup> - شعیر الحامض<sup>۷۴</sup>، بیجه<sup>۷۵</sup> (شعیر العاری) - جالینوس: طبق<sup>۷۶</sup> - حنطه صغیره<sup>۷۷</sup> - دیسکورید: طراخیس<sup>۷۸</sup>

۱- منسوب به جرمنگان که معربش جرمنان است و ظاهرا نام محلی در حوالی موصل است که طایفه ای از عجم موسوم به جرمنه در آنجا ساکن بوده اند. - بهمنیار

طراغیس (*Tragos*): سُلْت - گیاه معروفی است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۸]

<i>Gymnorrithon tragus L.</i>	طراغیس - سلت	دیسکورید
<i>Triticum spelta L.</i>	سلت	زر. - خط.
<i>Avena sativa</i>	سلت - جو برهنه	پارسا

۱۰۵۴ - سَلْدَانِیون: (نامی نبطی) نام دیگر آن در مصر: سدایان<sup>۱</sup>

۱۰۵۵ - سَلْع: نام‌های دیگر آن: شجر تها<sup>۲</sup> - مَطَّ - صاب<sup>۳</sup> - سَلْع<sup>۴</sup> - مَرخ<sup>۵</sup> - عَفار<sup>۶</sup> - سَلَب<sup>۷</sup> - حُضْض<sup>۸</sup> - هَلْتی<sup>۹</sup> - جَدَف<sup>۱۰</sup>

<i>Saelanthus quadragonum Forsk.</i>	سلع - صاب	زریاب
<i>Cissus sp.</i>	سَلْع - خلوق	الموسوعه

۱۰۵۶ - سِلْق: سلق<sup>۱</sup>، سلق<sup>۲</sup>، سلق<sup>۳</sup>، سلق<sup>۴</sup>، بزر السلق: دارای سه نوع است. نام‌های دیگر آن: فارسی: چغندر<sup>۵</sup>، چگندر<sup>۶</sup>، صربه<sup>۷</sup> - رومی: ایروقولیون<sup>۸</sup>، طوطلون<sup>۹</sup> - سریانی: سلقا<sup>۱۰</sup>، شیلوما<sup>۱۱</sup>، شیلوم<sup>۱۲</sup> طوطُن (*Teutlon*) (*Seutlon*): نام «سَلْق بستانی» است و به نوع بری نیز گویند. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۰۷]

<i>Beta vulgaris L.</i>	سلق	ال، ز، خ، E.
<i>Beta vulgaris L.</i>	طوطلان - سلق بستانی	دیسکورید
<i>Beta vulgaris L.</i>	چغندر	پار. - طب.

۱۰۵۷ - سلق بری<sup>۱</sup>، سلق بری<sup>۲</sup>: نوعی حماض<sup>۳</sup>

<i>Rumex hydrolapathum</i>	سَلْق بری - حَمِیض المناق	الموسوعه
----------------------------	---------------------------	----------

۱۰۵۸ - سَلْم: <sup>۱</sup>

<i>Acacia ehrenbergiana Hayne.</i> <i>Acacia arabica W.</i> <i>Acacia flava Forsk.</i>	سلم	زریاب
<i>Acacia flava</i> <i>Acacia arabica W.</i> <i>Acacia flava Forsk.</i>	سلام - سلم	الموسوعه

۱۰۵۹ - سلمه: نام‌های دیگر آن: شوکه قبطیه<sup>۱</sup>

۱۰۶۰ - سَلِیْخَه: سلیخه<sup>۱</sup>، سلیخه<sup>۲</sup>، سلیخه<sup>۳</sup>، سلیخه<sup>۴</sup>، نَجَب<sup>۵</sup> (نام پوست)، سلیخه<sup>۶</sup>، قشا<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: اسلیوس<sup>۸</sup> - هندی: تج<sup>۹</sup> - تجار اسکندریه: دافنطس<sup>۱۰</sup>

قَسِیَا (*Kassias*): نام «سلیخه» است و دارای انواع فراوانی است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۲]



۱۰۶۵ - سَمْرٌ:

<i>Acacia mellifera</i> Bth.	سمر	زریاب
<i>Acacia spirocarpa</i> Hook.		
<i>Acacia spirocarpa</i> Hook.	سمره - سمر	EN.

۱۰۶۶ - سمرنیون<sup>ع</sup>، سمورنیون<sup>ب</sup>: نام‌های دیگر آن: کرفس بری<sup>ع</sup> - سمونیون<sup>ب</sup>

<i>Smyrniium</i> sp.	سمرنیون	EN.
----------------------	---------	-----

۱۰۶۷ - سَمْسِمٌ، سَمْسَمٌ، سِنْسِمٌ، سَمْسَمٌ، جَلْجَلَانٌ، جَلْجَلَانٌ، جَلْجَلَانٌ: نام‌های دیگر آن: حبشه: جَلْجَلَانٌ<sup>ب</sup> - فارسی: کنجد<sup>ع</sup> - هندی: تِلٌ<sup>ب</sup> - رومی: سیسامون<sup>ب</sup>، اوروسیمون<sup>ب</sup> - "ابوریحان" از قول "خلیل بن احمد" نقل می‌کند «جَلْجَلَانٌ» از انواع تره‌ها است که پارسیان او را «گشنیز» می‌نامند. و عرب تخم آن را «جَلْجَلَانٌ» گوید. <sup>ب</sup> - روغن آن به عربی: سلیط<sup>ع</sup>

سِسَامُونٌ (*Sesamon*): نام‌های آن عبارتست از: سَمْسِمٌ - جَلْجَلَانٌ - روغن آن: حَلٌّ - شَیْرَجٌ [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۸۴]

<i>Sesamum orientale</i> L.	جَلْجَلَانٌ	زر. - خط.
<i>Sesamum indicum</i> L.	سیسامن - سَمْسَمٌ - جَلْجَلَانٌ	دیسکورید
<i>Sesamum oleiferum</i> Moench	جَلْجَلَانٌ، جَلْجَلَانٌ، سَمْسَمٌ، سَمْسَمٌ	الموسوعه
<i>Sesamum indicum</i> L.	کنجد - سَمْسَمٌ	پارسا
<i>Sesamum indicum</i> L.	سَمْسَمٌ	طبا، EN.

۱۰۶۸ - سَمْسَمٌ بری<sup>ع</sup>، سَمْسَمٌ بری<sup>ب</sup>: نام دیگر آن: جلیهنگ<sup>ب</sup>

۱۰۶۹ - سَمْسَمُوطُنٌ، سَمْسَمُوطُنٌ: (نامی یونانی)؟

سَمْسَمُوطُنٌ بَطْرَاوُنٌ (*Sumphuton petraion*): برگردان عربی «بطراون» «صخری» است. و عامه گیاهشناسان اندلس به «شَاغَة صخریه» گویند.

سَمْسَمُوطُنٌ آخَرٌ (*Sumphuton allo*): گیاهشناسان اندلسی به آن «شَاغَة البستانیه» و عامه شهرهای ما به زبان لاتینی به آن «شَیْبَطَه»<sup>(۱)</sup> (*Sinfito*) گویند و جالینوس هر دو نوع را در فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰]

<i>Symphytum petraeum</i>	سَمْسَمُوطُنٌ بطراون - شَاغَة الصخریه	دیسکورید
<i>Symphytum bulbosum</i> Schi.	سَمْسَمُوطُنٌ - شَاغَة البستانیه - شَیْبَطَه	دیسکورید
<i>Symphytum</i> sp.	سَمْسَمُوطُنٌ، سَمْسَمُوطُنٌ، کُنْسُودَه	الموسوعه
<i>Symphytum officinale</i> L.	سَمْسَمُوطُنٌ مخزنی، کُنْسُودَه مخزنی	الموسوعه

۱۰۷۰ - سَمْسَمُوطُنٌ آخَرٌ: نام دیگر آن نزد عجم اندلس: شَیْبَطَه<sup>ع</sup>۱۰۷۱ - سَمْسَمُوطُنٌ<sup>ع</sup>:۱۰۷۲ - سَمْسَمُوطُنٌ، سَمْسَمُوطُنٌ، سَمْسَمُوطُنٌ، سَمْسَمُوطُنٌ، سَمْسَمُوطُنٌ: نام‌های دیگر آن: هندی: مهار، کوالهریها<sup>ب</sup> - حَرَمِی<sup>ب</sup>، سَمْسَمُوطُنٌ

<i>Cassia angustifolia Vahl.</i> <i>Cassia acutifolia Del.</i>	سنا مکی	زر. - طب.
<i>Cassia lanceolata Forsk.</i>	سنا مکی	پارسا
<i>Cassia angustifolia Vahl</i>	<i>Hendia: Hindisana ; Bengal: Sanna makki</i>	GLO.IN.
<i>Crotalaria juncea L.</i>	<i>Sanskrit: Sana - Hendia: Sunn</i>	GLO.IN.
<i>Cassia acutifolia Deli.</i>	سنا مکی، سنا حجازی، سنا حرمی	الموسوعه
<i>Cassia angustifolia Vahl</i>	سنا مکی	خطابی
<i>Cassia acutifolia Deli.</i>	سنا هندی	خطابی

۱۰۷۳ - سنپراس<sup>(۱)</sup>: دانه‌ای چون «بزرگقونا» سپید لیکن مدور<sup>۳</sup>

۱۰۷۴ - سنجسفویه<sup>(۲)</sup>: دانه‌ای است کناره‌اش مختلف<sup>۳</sup>

۱۰۷۵ - سنبل<sup>۴</sup>، سنبل<sup>۵</sup>، سنبل<sup>۶</sup>، سنبل<sup>۷</sup>، سنبل<sup>۸</sup>، عصاره‌السنبل<sup>۹</sup>: منظور «سنبل الطیب»، «سنبل العصافیر»، «سنبل رومی»، «سنبل جبلی» است و از مطلق آن «سنبل هندی» است. نام‌های دیگر آن: ناردین اقلیطی<sup>۱۰</sup> - هندی: بال چهر<sup>۱۱</sup>، غنغیطس اشقاقا<sup>۱۲</sup>، غنغس الجاری<sup>۱۳</sup>، جناماسی<sup>۱۴</sup> - یونانی: ناردین<sup>۱۵</sup> - لاتینی: نارود<sup>۱۶</sup> - سوری<sup>۱۷</sup> - نوع دوم آن را «ناردوایتالیون» گویند. «شریف آدرسی» می‌گوید: دارای سه نوع هندی، رومی و جبلی است که به نوع هندی آن «سنبل الطیب» و همچنین «سنبل العصافیر» گویند<sup>۱۸</sup> و نوع رومی آن «ناردین اقلیطی» نام دارد. «دیسکورید» می‌گوید: نام «سنبل هندی» «ناردین» است و دارای دو جنس است، جنسی هندی و جنس سوری.<sup>۱۹</sup>

ناردس (*Nardos*): در بعضی نسخه‌ها با نام «ناردین» آمده و آن نام هر دو نوع «سنبل هندی» است.

ناردس سنفاریطیقی (*N. sampharitique*): جالینوس «سنبل هندی» و انواع آن را در ابتدای فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۶ و ۷]

<i>Nardostachys jatamansi D.C.</i>	ناردس سنفاریطیقی	دیسکورید
<i>Valeriana celtica L.</i> <i>Valeriana jatamansi Jones</i> <i>Nardostachys jatamansi D.C.</i>	عصافیر السنبل	زریاب
<i>Valeriana sp.</i>	سنبل، ناردین	الموسوعه
<i>Valeriana officinalis L.</i>	سنبل الطیب	پا - طب.
<i>Adropogon nardus</i>	سنبل	EN.

۱۰۷۶ - سنبل جبلی<sup>۲۰</sup>: ریشه والا؟

ناردین اورنی (*N. oreine*): نام دیگر آن «سنبل جبلی» است و هم اکنون در شهرهای مصر بجای سنبل رومی مصرف می‌شود و دارای خاصیتی نزدیک با آن است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۹]

<i>Valeriana tubereuse Sprun.</i>	ناردین اورنی - سنبل جبلی	دیسکورید
-----------------------------------	--------------------------	----------

۱- در بحر جواهر آمده دوائی است هندیسکورید

۲- مغرب سنگ سیوه و دانه‌ای سخت و املس شبیه به سنگهای مربعی شکل و به رنگ ماش است و نیامی دراز چون نیام لوبیا دارد. - بهمنیار



پارسا	سنبل کوهی - فو - سنبل جبلی	<i>Valeriana dioscorides Sibt.</i>
-------	----------------------------	------------------------------------

۱۰۷۷ - سنبل رومی؛ عطارد<sup>د</sup>، عطارد<sup>د</sup>، منتجوشه<sup>ع</sup>، منتجوشه<sup>د</sup>: نام‌های دیگر آن: سنبل رومی<sup>ع</sup>، سنبل اقلیطی<sup>ع</sup>، ناردین اقلیطی<sup>ع</sup> - فرنگی: ناردین ناروس<sup>ع</sup>، گیاکو<sup>ع</sup>  
 ناردس اقلیطی (*N. keltike*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: سنبل الرومی، اقلیطی، منتجوشه<sup>(۱)</sup>، شرائط [سن بطار] در شرح کتاب دیسکورید (۱ - ۸)

دیسکورید	ناردس اقلیطی - سنبل رومی - میبخوشه	<i>Valeriana celtica L.</i>
----------	------------------------------------	-----------------------------

۱۰۷۸ - سنبل فارسی: «پرسیاوشان» را نیز شامل می شود.  
 ۱۰۷۹ - سنبل الکل<sup>ع</sup>، سنبل الکل<sup>د</sup>: میوه «درخت دردان» معروف به «السنة العصافیر» است.<sup>ع</sup> صاحب جامع گوید ثمر «شجر دردان» معروف به «السنة العصافیر» است و سهو کرده است، زیرا «دردان» نام پارسی «اسفیدار» است و بعربی «شجرة البق» و «السنة العصافیر» ثمر درختی است که به پارسی به آن «اهر» گویند.<sup>د</sup>  
 ۱۰۸۰ - سنبل هندی<sup>د</sup>، سنبل هندی<sup>ع</sup>: «سنبل الطیب» است.<sup>ع</sup> و گفته شده «دارشیشعان» نیز هست و این خلافتست.<sup>د</sup> نام‌های دیگر آن: ناردین<sup>ع</sup> - سنبل العصافیر<sup>ع</sup>

پا - طبأ.	سنبل الطیب	<i>Valeriana officinalis L.</i>
پارسا	سنبل هندی	<i>Nardus indica L.</i>
دیسکورید	ناردس - ناردین - سنبل هندی	<i>Nardostachys jatamansi DC.</i>
خطابی	سنبل هندی	<i>Nardostachys jatamansi</i>

۱۰۸۱ - سندروس<sup>د</sup>، سندروس<sup>ع</sup>، سندروس<sup>د</sup>، سندروس<sup>ع</sup>: صمغ درخت «جوز الهند» است.<sup>ع</sup> نام‌های دیگر آن: هندی: رال<sup>د</sup>، مَرَمِدَهون<sup>د</sup>، میمو<sup>د</sup>  
 قِئَمَن (*Kankamon*)<sup>(۲)</sup>: در بعضی از نسخ «قِئَمِن» آمده و ابن وافد نام آن را «لُكَّ» می داند و دانشمندان قبل از او این نام را برای «سندروس»<sup>(۳)</sup> که صحیح تر نیز هست، ذکر کرده‌اند. [ابن بطار] در شرح کتاب دیسکورید (۱ - ۲۳)

دیسکورید	قیقمن - سندروس	<i>Amryris kataf Forsk.</i>
الموسوعه	سندروس	<i>Callitris sp.</i>
طبأ - خطأ.	سندروس	<i>Callitris quadrivalvis Vent.</i> <i>Thuya articulatta Vahl.</i>
EN.	سندروس	<i>Rhus vermicifera DC.</i>

۱۰۸۲ - سَنَدَرِیطُس<sup>د</sup>، سیدریطس<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای شبیه به آهن یا حیددی - سریانی: سمیقا<sup>ع</sup>  
 سَنَدَرِیطُس (*Sideritis*): گیاهی است که عامه اهالی اندلس و مغرب به زبان لاتینی به آن «غَالَه قُرَشْتَه» (*Gallocresta*) گویند. [ابن

۱- در کتاب مستدرک دوزی بنا به نقل ابن مراد صحیح این کلمه «میبخوشه» برگرفته از «می» (شراب) و «بخوشه» (سنبل) به معنی «شراب السنبل» ذکر شده است.

۲- در اصل «قیقمن» است که صحیح آن «قیقمن» می باشد و در رسم الخط این کلمه اختلاف زیادی است و بصورت‌های مختلفی تلفظ شده چون «قیقهن»، «قیقهن»

۳- ابن بطار در کتاب جامع خود از این نظر برگشته و چنین گوید: برخی «قیقمن» را نامی برای «سندروس» دانند و عدمای نیز نامی برای «لک» در حالیکه هیچیک نمی تواند صحیح باشد چراکه این صمغ بخلاف دو گیاه دیگر بابوست.

بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۹ ]

سندریطس آخر (*Alle sideritis*): این گیاه را گیاهشناسان اندلسی به «توت الثعلب» و «توتیته» می شناسند و عوام به آن «خیر من ألف» گویند و اهالی آفریقا آن را «عشبة كل بلا» نامند. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۰]

سندریطس آخر: عوام ما به آن «کزبرة الثعلب» گویند و در سقف خانه ها و لبه های دیوار می روید و بواسطه شیرابه ای که دارد معروف است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۱]

أخلیوس سندریطس (*Akhilleios*): یعنی سندریطسی که برای بیماری «أخلیوس» نافع است و این همان بیماری «عرب» (یک نوع بیماری مربوط به چشم) است. این گیاه را ندیده و نمی شناسم. "ابن وافد" این گیاه را همان گیاه «دم الأخویین» می داند و من - این بیطار - از صحت آن اطلاعی ندارم. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۲]

<i>Stachys recta L.</i>	سندریطس - غاله قرشته	دیسکورید
<i>Poterium sanguisorba L.</i>	سندریطس - توت الثعلب - توتیه - خیر من ألف - عشبه كل بلا	دیسکورید
<i>Scrophularia chrysanthemifolia L.</i>	سندریطس - کزبرة الثعلب	دیسکورید
<i>Achillea tomentosa L.</i>	أخلیوس سندریطس	دیسکورید

۱۰۸۳ - سیدریطس آخر: نام های دیگر آن: عامه اندلس: خیر من ألف درهم، توت الثعلب، اهالی مغرب: عشبة كل بلاء

۱۰۸۴ - سندیان، سندیان: نام دیگر آن در شام: درخت بلوط

<i>Quercus sp.</i> <i>Thuya articulata Vahl.</i>	بلوط - سندیان	الموسوعه
---	---------------	----------

۱۰۸۵ - سندیان الأرض، سندیان الارض: نام دیگر فراسیون، برخی آن را «فراسیون» می دانند اما دیسکورید از آن با نام «بلوطی» یاد کرده است که صحیح به نظر می رسد.

بلوطی (*Ballote*): نوعی از فراسیون با رنگ سیاه با نام لاتینی «مرویه بتوشه» است. در ترجمه کتاب جالینوس این گیاه بر اثر مترجمان «لاعیه» دانسته شد اما «لاعیه» از گیاهان صمغ داراست و «بلوطی» اینگونه نیست. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۸]

<i>Ballota nigra L.</i>	بلوطی	دیسکورید
-------------------------	-------	----------

۱۰۸۶ - سندهان، یلنجوح: نام دیگر آن: عود هندی

۱۰۸۷ - سنک سبویه، سنکسبویه: (نامی فارسی) معرب آن «سنج سبویه» است. نام های دیگر آن: سریانی: مشحونه - هندی: تخم چکوند، تخم پنوار

۱۰۸۸ - سنکهارا: (نامی هندی) نام های دیگر آن: گیلانی: جیلان، جیلام

۱۰۸۹ - سنکها: (نامی هندی)

۱۰۹۰ - سواد القضا: نام دیگر آن: عقص

۱۰۹۱ - سواد الهند: نوعی از سلیخه - نام دیگر آن: سلیخ اسود

۱۰۹۲ - سورنجان، سورنجان، سورنجان، سورنجان (گل)، سورنجان، سورنجان، سورنجان (نامی هندی و بربری)، اصابع هرمس، حافر المهر، حافر المهر، خمل، سنبلید، عکنه: نام های دیگر آن: فارسی: لعبت بربری، سورنگان - سندی: لایحل مول - رومی: ارمزدقپولوس - سریانی: حمصی لیتا، دتبلیغ، سنبلید - مصر: عکبة، عکنه - عراق: لعبة البربرية - یونانی: ملحتفن، بلبوسا، افیمارون - نام ریشه: جغزیه - قسمی را «یستهارمک»

نامند. ۱- گویند «اصابع هرمس» نام گل «سورنجان» است. نام‌های دیگر آن «چغزب» و «چغرب» است. و آن گلی است که در اول بهار پس از آب شدن یخ ظاهر می‌شود و به رنگ‌های زرد، سفید و اکهب بوده و دونوع بری و بستانی دارد. قَلْخِيقُنْ به (Kolkhikon): نام «سورنجان» است و آن گیاه معروفی است و نام‌های دیگر آن عبارتست از: «فَرْج الأَرْض» و «قَلْب الأَرْض». گل آن «اصابع هرمس» نام دارد که به لاتینی به آن «قَشْتَبِيُولَه» (Castanuela) معنای «قَسْطَلَّة صَغِيرَه» گویند. کتاب منهاج نام گل این گیاه را «شَبْنِيلِد» می‌داند و در شهرهای مصر به آن «عُكْنَه» گویند. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۶]

<i>Colchicum autumnale L.</i>	قلخیقن - سورنجان - اصابع هرمس	دیسکورید
<i>Colchicum autumnale L.</i>	سوزنجان مصری - گل حسرت	پارسا
<i>Colchicum luteum Bak.</i> <i>Colchicum speciosum Ste.</i>	سوزنجان کرمانی	پارسا
<i>Colchicum persicum Bak.</i> <i>Colchicum violaceum Par.</i>	گل حضرتی - پیاز حضرتی - گل حسرت (تفرش) - پیاز سگ (طالش)	پارسا
<i>Merendera persica Boiss</i>	سورنجان شیرین	پارسا
<i>Colchicum sp.</i>	سراج الغولة - سورنجان	الموسوعه
<i>Colchicum autumnale L.</i> <i>Colchicum variegatum L.</i>	سورنجان	زر. - طب.
<i>Colchicum autumnale L.</i>	سورنجان	خطابی
<i>Colchicum variegatum L.</i>	سورنجان	EN.

۱۰۹۳ - سوس، سوس، سوس، سوس، سوس، عروق دار هرم، عروق دارموم، غلوقریزا، غلوقریزا، غلوقریزا، اصل السوس: نام‌های دیگر آن: شیرازی: مهک - اصفهانی: مژو، اند - ترکی: شیرین‌بان - مری - فرنگی: گلیسریزه - هندی: مهلت، ملهتی حیتهی مد - سجزی: موژ - سجستان: بوی هیریدان - زابل: مَلْخِج - نام ریشه: کلوکورون - سریانی: عقارشوشا - هندی: بشرسون - سندی: مهلتی، میلی - فارسی: منزه و شک، دارورهرام، دار شیرین، بیخ مهک - حشیشه الحلوه - خوردیپلان یعنی طعام فیل - عربی: مدهوق - جالینوس: جلوقریزون، غلوقریزا، به معنای شیرین - اصل المتک

<i>Glycyrrhiza glabra L.</i>	سوس	زر. - خط.
<i>Glycyrrhiza glabra L.</i>	شیرین بیان - ریشه اصل سوس - رب سوس	پارسا
<i>Glycyrrhiza sp.</i>	سوس، عِرْقَسوس، شجرة السوس، ریکلیس	الموسوعه
<i>Glycyrrhiza sp.</i>	سوس	EN.

۱۰۹۷ - سوسن یا سوسن، سوسن، سوسن، سوسن، سوسن، مشک: معرب از «سوسانی» سریانی است. نام‌های دیگر آن: رومی: قرینوس، سوسنین - سریانی: شوشینا - فارسی: سوسن - نام روغن آن: رومی: ایریمورون - سریانی: مشحادیرسا  
نام سوسن سفید: عبقر - آزاد سوسن - سوسن ادرا - نام سوسن آسمانجونی: افامیرون - نام سوسن الارجوانی: دلال - نام ریشه سیاه آن: رومی: اخینوس، ایرنیوقرینوس - سریانی: ادم، حزا اوکامی - دارای سه نوع سفید و بستانی و بری است، نوع سفید را «سوسن آزاد» گویند. چهار نوع است یکی سفید و آن را «سوسن آزاد» خوانند و یکی ازرق که آن را «سوسن کبود» خوانند. یکی صحرائی و آن الوان رنگ است که به ازرق و زرد و «سوسن آسمان‌گون» موسوم است و بیخ وی را «ایرسا» گویند که زرد است و آنرا «سوسن خطاهی» گویند. «غسانی» می‌گوید: سوسن نامی غیر عربی و معروف است که دارای

انواع فراوانی می باشد به نوع آبی (گل) آن «ایرسا» یا «سوسن الاسمانجونی» گویند و نوع سفید آن دارای دو نوع بری و بستانی است و نوع قرمز آن نیز دو نوع دارد که به نوعی «مسیخا» و به نوع دیگر «ذنب الثعلب» گویند. و نوع زرد آن نوعی از «نرجس» است. ایریس (*Iris*): ایرسا - نام «سوسن الاسمانجونی» است. و «ایرسا» به معنای قوس و قزح است.

لیرنون (*Leirion*): روغن ایرسا [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱ و ۴۴]

قرینو صوا سینن (*Krionon-susinin*): گل «سوسن الأبيض» است و به آن «رازقی» گویند. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۹۷] ایما روقالس (*Hemerokallis*): این حسان آن را «سوسن أصفر» می داند و در دمشق به نام «زنبق» معروف است. [این بیطار (در شرح

کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۷]

کسیفون (*Xiphion*): نام سوسن بری است و سایر نام های آن عبارتست از: «سیف الغراب»، «سیف القراب»، «دورحولی»، «فسغانیون»

سفرغانیون (*Sparganion*): نوعی سوسن است - سوسن بری - و جالینوس آن را «سقارطغانیون» نامیده است.

اکسورس (*Xuris*): نوعی سوسن [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۰ و ۲۱ و ۲۲]

افیمارون (*Ephemeron*): نوعی «سوسن بری» با نام لاتینی «أشبطانه» (*Espadana*) [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۷]

<i>Iris florentina L.</i>	ایریس - سوسن آسمانجونی	دیسکورید
<i>Lilium candidum L.</i>	قراینو صوا سینن - سوسن أبيض - رازقی	دیسکورید
<i>Hemerocallis flava L.</i>	ایما روقالس - سوسن أصفر - زنبق	دیسکورید
<i>Glaodialis communis L.</i>	کسیفون - سوسن بری - سیف الغراب	دیسکورید
<i>Sparganium ramosum Huds.</i>	سفرغانیون - سوسن بری	دیسکورید
<i>Iris florentina L.</i>	اکسورس - سوسن بری	دیسکورید
<i>Convallaria rusticellata L.</i>	افیمارون - نوعی سوسن بری - أشبطانه	دیسکورید
<i>Lilium candidum L.</i>	سوسن	پارسا
<i>Iris sp.</i>	سوسن	الموسوعه
<i>Lilium candidum L.</i>	سوسن	زر - طبا.
<i>Iris florentina L.</i>		
<i>Lilium sp.</i>	سوسن	خطابی
<i>Iris florentina L.</i>	سوسن	EN.

۱۰۹۵ - سوفال؟

۱۰۹۶ - سولان؛ سولان یا شولان؛ سولان؛ سولان؛ دواء رومی؛ (نامی یونانی) شیخ الرئیس گوید دوائی رومی است.

۱۰۹۷ - سهجه؛ (نامی هندی) نام های دیگر آن: سرکوه، سی کوه

۱۰۹۸ - سیساریون؛ سیسارون؛ سیساریون؛ (نامی یونانی) نام دیگر آن: خشب سومر؛ برخی آن را «قلقاس» می دانند که اینچنین نیست. «رازی» می گوید: «حنین بن اسحاق» آن را چوب «شونیز» می داند و این درست نیست.

<i>Sium sisarum</i>	سیسارون	الموسوعه
<i>Peucedanum sativum Benth.</i>	سیسارون کبیر	الموسوعه
<i>Pastinaca sativa L.</i>		
<i>Pastinaca sativa L.</i>	سیسارون	EN.

۱۰۹۹ - سیسالیون؛ ساسلیون؛ (نامی یونانی) نام دیگر آن به فارسی: کاشم رومی؟ - دیسکورید: ساسالی

ساسالیوس (*Seseli*): این گیاه دارای سه نوع است که همه آن‌ها را دیده‌ام - ابن بیطار - و می‌شناسم.  
 طُرْدِيلِن (*Tordilon*): نوع چهارم گیاه «ساسالیون» است و نام دیگر آن افریطی است و در اندلس به آن «بقول الشعاع» گویند زیرا در سوخت آتش استفاده می‌شود. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۵۰ و ۵۱]

<i>Seseli tortuosum L.</i> <i>Tordylion officinale L.</i>	ساسالی	زر - طب.
<i>Seseli tortuosum L.</i> <i>Bupleurum fruticosum L.</i> <i>Lophotenia aurea L.</i>	ساسالیون	دیسکورید
<i>Tordilium officinale L.</i>	طرذیلن، نوعی ساسالیون، افریطی، بقول الشعاع	دیسکورید

۱۱۰۰ - سَبَّابان (نامی عربی)، سبببان<sup>ع</sup>: (نام گیاهی در مصر) نام دیگر آن: هندی: گل انول؟ دارای دو نوع بری و بستانی است و بسیار در فلسطین می‌روید.<sup>ع</sup> "ابن بیطار" می‌گوید: «سببانی» که رازی در حاوی ذکر کرده ممکن است «درخت اثل» باشد، نه غیر آن.<sup>ع</sup>

<i>Sesbania sp.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	سبببان	الموسوعه
<i>Sesbania aegyptiaca Poir.</i>	سبببان	EN.

۱۱۰۱ - سیسبر<sup>ع</sup>:

۱۱۰۲ - سیسنبریون<sup>ع</sup>، سیسنبریون<sup>ت</sup>: نام دیگر آن: حرف الماء<sup>ت</sup>

۱۱۰۳ - سَبَّابِل: (نامی هندی)

۱۱۰۴ - سیو: (نامی فرنگی)

۱۱۰۵ - سَبَّابِنْبَر، سیسنبر (نامی فارسی)، نام<sup>ت</sup>، نام<sup>ت</sup>، اقط<sup>ت</sup>، بزر النمام<sup>ت</sup>، دباب<sup>ت</sup>، هرقلیون<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: سوسنبر<sup>ت</sup> - سندی: سیسنبر<sup>ت</sup> - فارسی: سه سنبل<sup>ت</sup>، سی سنبل<sup>ت</sup>، سُسْرَم<sup>ت</sup> - لاتینی: وسربیلیم<sup>ت</sup> - عربی: نام<sup>ت</sup>، نام<sup>ت</sup>، قلس<sup>ت</sup> (وجه تسمیه آن به نام به خاطر بوی تند آن است). - نيقولاوس<sup>ت</sup> - اطه<sup>ت</sup> - قرادامنی<sup>ت</sup> - عیس<sup>ت</sup> - دیسکورید: ارفلس<sup>ت</sup> - هرقلیون<sup>ت</sup> - نام‌های نوع بری: الالط<sup>ت</sup> - زیفس<sup>ت</sup>

سیسنبریون (*Sisumbrium*): نوعی از «نام بری» به نام «سَبَّابِنْبَر» است که به زبان لاتینی به آن «مائه» (*Menha*) گویند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۹]

<i>Thymus glaber Mill.</i> <i>Thymus serpyllum Fries.</i>	نام - سیسنبر	زریاب
<i>Thymus glaber Mill.</i>	سیسنبریون - نام بری - سیسنبر	دیسکورید
<i>Thymus nummularius Benth.</i>	سیسنبر - ککلیک اودی - اسبویه (گیلان)	پارسا

۱۱۰۶ - سین<sup>ت</sup>، سین<sup>ت</sup>، قره‌العین<sup>ت</sup>، جرجیر الماء<sup>ت</sup>، جرجیر الماء<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: قره‌العین<sup>ت</sup> - بقره‌العین<sup>ت</sup> (قره‌العین)، کرفس الماء<sup>ت</sup>، جرجیر الماء<sup>ت</sup>

سین (*Sion*): نام دیگر آن «قره‌العین» و «کرفس الماء» است و «قلم» دانستن آن اشتباه است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۱]

<i>Sium latifolium L.</i>	سین - قره العین	زریاب
<i>Sium latifolium L.</i>	سین - قره العین - کرفس الماء	دیسکورید

## حرف «ش»

۱۱۰۷ - شارف: (نامی هندی)

۱۱۰۸ - شاض: نام دیگر آن به هندی: اره تورا

۱۱۰۹ - شاهبانک، شاهبانک، شاهبانک و شایانج، جوانسفرم، شه بانو: نام های دیگر آن: جوانسپریم، شاهبانک، شاهبابک، شاماک، عربی: عبس، قسوة الکلابتکت، شابانک، شاهبانج، بنفسج الکلاب، صاحب جامع می گوید: «برنوف» است هم گوید «شجره ابراهیم» کوچک است و هم از قول غافقی گوید نوعی از «قیصوم» است و از قول صاحب حاوی گویند «حب سرم بری» است مولف گوید این اقوال خلاف است آنچه محقق است «بنفسج الکلاب» را به شیرازی «افس سک» خوانند. "غافقی" می گوید: گویند نام نوعی «قیصوم» است و گویند «شاهبانج» است و در حاوی آن را «حب الشبرم البری» ذکر کرده است و در بعضی از کتب آن را «شاهبانک» و «شجره ابراهیم» کوچک دیده ام که در نقاط دور دست می روید و بعضی مردم آن را «شحیره مریم» می نامند و درست تر آنست که آن نوعی «قیصوم» به نام «برنوف» است. - برهان قاطع نام های دیگر آن را «ریحان الشیاطین»، «بنفسج الکلاب»، «شابانج» می داند.

<i>Inula conyzoides L.</i>	جوانسفرم - عبس	زریاب
<i>Inula conyzoides L.</i> <i>Pulicaria odora Reichb.</i>	بزنوف، شاهبانج، طباق البراغیث، راسن البراغیث	الموسوعه

۱۱۱۰ - شاهتره، شاهترج، شاهترج، شاهترج، شاهترج (نامی فارسی)، بقلة الملك، فرنه، هلیانسه: معرب آن: شاه ترج به معنای سلطان البقول - نام های دیگر آن: عربی: بقلة الملك، کربزه الحمام، - یونانی: وقتص - هندی: پت پایره (به معنای گیاه مفید برای صفرا) و کت پایره، پاپله، پاپره - نام آن در کتب طب قدیم: فلاخان - شام: شجرة الدم (چون صاف کننده خون است). - رومی: طابلیدیون - نام گیاه در کتاب دیسکورید: غینغیدیون، فقیص - زابلی: تشیک (نشنگ) - نام گیاه در کتاب جالینوس: فالینوس - یونانی: قانیوس به معنای دخانی - شیرازی: شاه تره - فاس: بقول الصیبة - حنین در کتاب خود آن را «بسقما» خوانده است و وی «کمون بری» بوده به آن «کربزه الحمام» و «بقلة الملك» گویند. - دارای دو نوع است گروهی نام نوع اول را «شاهترج» و نام نوع دوم را «فقیص» پنداشته اند که درست نیست.<sup>۶</sup>

<i>Fumaria parviflora Lam.</i>	شاه تره	پارسا
<i>Fumaria sp.</i>	شاهتره	الموسوعه
<i>Fumaria officinalis L.</i>	شاهتره	زر، EN.
<i>Fumaria parviflora</i>	شاهترج	طباطبائی
<i>Fumaria parviflora</i> <i>Fumaria officinalis</i>	شاهترج	خطابی

۱۱۱۱ - شاهسفرم، شاهسپریم، شاهسفرم، شاهسپریم، شاهسپریم، شاهسپریم، حبق کرمانی، حبق کرمانی: معرب شاهسپریم فارسی به معنای «سلطان الریاحین» است. نام های دیگر آن: حبق کرمانی، حبق الصعتری، شاهسفرم - فارسی: نازبو

معروف به «ریحان مطلق»<sup>۱</sup> - فرنگی: اسمیم<sup>۲</sup> - تازی: ضمیران، ریحان<sup>۳</sup>، حماحم<sup>۴</sup> - فاس: حَبَقُ الْقَرْنَفَلِيِّ<sup>۵</sup> - نام نوع بزرگ برگ: اسمیم ماکنوم<sup>۶</sup> - نام نوع کوچک برگ: اسمیم باروم<sup>۷</sup> - هندی: تلسی<sup>۸</sup>؟ عرب «حماحم» را شکوفه گیاه یا «شاهسپرم سرخ» را گویند.<sup>۹</sup>

<i>Ocimum basilicum L.</i> <i>Ocimum minimum L.</i>	شاهسپرم - حماحم	زریاب
<i>Ocimum minimum</i>	حبیق صغیر - حبیق کرمانی - شاهسفرم	الموسوعه
<i>Ocimum minimum</i> <i>Ocimum pilosum</i>	شاهسپرم حبیق قرنفل	خطابی

۱۱۱۲ - شاه صینی<sup>۱۰</sup>، شاه چینی<sup>۱۱</sup>:

<i>Piper betel</i>	تامول، تئیل، شاه صینی	الموسوعه
--------------------	-----------------------	----------

۱۱۱۳ - شاهلوک<sup>۱۲</sup>، شاهلوج<sup>۱۳</sup>: نوعی اجاص<sup>۱۴</sup> - أجاص الأیض<sup>۱۵</sup>، اجاص اصفر<sup>۱۶</sup> - فارسی: آلو<sup>۱۷</sup>

۱۱۱۴ - شاهنجیر<sup>۱۸</sup>، شاهنجیر<sup>۱۹</sup>: نوعی از «انجیر» و نیکوترین «انجیر» است به فارسی «انجیر وریری» و «درهن» گویند. گروهی پنداشته‌اند آن «تین الفح» است و دیگران گفته‌اند «شاهنجیر» بهترین انواع «تین» است.<sup>۲۰</sup>

۱۱۱۵ - شَبْت<sup>۲۱</sup>، شَبْت<sup>۲۲</sup>، شَبْت<sup>۲۳</sup>، شَبْت<sup>۲۴</sup>، شَبْت<sup>۲۵</sup>، شَبْت<sup>۲۶</sup>، شَبْت<sup>۲۷</sup>، شَبْت<sup>۲۸</sup>، شَبْت<sup>۲۹</sup>، شَبْت<sup>۳۰</sup>، شَبْت<sup>۳۱</sup>، شَبْت<sup>۳۲</sup>، شَبْت<sup>۳۳</sup>، شَبْت<sup>۳۴</sup>، شَبْت<sup>۳۵</sup>، شَبْت<sup>۳۶</sup>، شَبْت<sup>۳۷</sup>، شَبْت<sup>۳۸</sup>، شَبْت<sup>۳۹</sup>، شَبْت<sup>۴۰</sup>، شَبْت<sup>۴۱</sup>، شَبْت<sup>۴۲</sup>، شَبْت<sup>۴۳</sup>، شَبْت<sup>۴۴</sup>، شَبْت<sup>۴۵</sup>، شَبْت<sup>۴۶</sup>، شَبْت<sup>۴۷</sup>، شَبْت<sup>۴۸</sup>، شَبْت<sup>۴۹</sup>، شَبْت<sup>۵۰</sup>، شَبْت<sup>۵۱</sup>، شَبْت<sup>۵۲</sup>، شَبْت<sup>۵۳</sup>، شَبْت<sup>۵۴</sup>، شَبْت<sup>۵۵</sup>، شَبْت<sup>۵۶</sup>، شَبْت<sup>۵۷</sup>، شَبْت<sup>۵۸</sup>، شَبْت<sup>۵۹</sup>، شَبْت<sup>۶۰</sup>، شَبْت<sup>۶۱</sup>، شَبْت<sup>۶۲</sup>، شَبْت<sup>۶۳</sup>، شَبْت<sup>۶۴</sup>، شَبْت<sup>۶۵</sup>، شَبْت<sup>۶۶</sup>، شَبْت<sup>۶۷</sup>، شَبْت<sup>۶۸</sup>، شَبْت<sup>۶۹</sup>، شَبْت<sup>۷۰</sup>، شَبْت<sup>۷۱</sup>، شَبْت<sup>۷۲</sup>، شَبْت<sup>۷۳</sup>، شَبْت<sup>۷۴</sup>، شَبْت<sup>۷۵</sup>، شَبْت<sup>۷۶</sup>، شَبْت<sup>۷۷</sup>، شَبْت<sup>۷۸</sup>، شَبْت<sup>۷۹</sup>، شَبْت<sup>۸۰</sup>، شَبْت<sup>۸۱</sup>، شَبْت<sup>۸۲</sup>، شَبْت<sup>۸۳</sup>، شَبْت<sup>۸۴</sup>، شَبْت<sup>۸۵</sup>، شَبْت<sup>۸۶</sup>، شَبْت<sup>۸۷</sup>، شَبْت<sup>۸۸</sup>، شَبْت<sup>۸۹</sup>، شَبْت<sup>۹۰</sup>، شَبْت<sup>۹۱</sup>، شَبْت<sup>۹۲</sup>، شَبْت<sup>۹۳</sup>، شَبْت<sup>۹۴</sup>، شَبْت<sup>۹۵</sup>، شَبْت<sup>۹۶</sup>، شَبْت<sup>۹۷</sup>، شَبْت<sup>۹۸</sup>، شَبْت<sup>۹۹</sup>، شَبْت<sup>۱۰۰</sup>

آنیون<sup>۱۰۱</sup> (Anethon): نام‌های دیگر آن عبارتست از: شَبْت - لاتینی: آنیط (Aneto)(Anethum) بربری: اسلیلی [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۰ و ۵۵]

<i>Anethum graveolens L.</i>	شَبْت - شوذ	ز.خ.پ.ط.
<i>Anethum graveolens L.</i>	آنیون - شَبْت - انیط - اسلیلی	دیسکورید
<i>Anethum graveolens L.</i>	شَبْت، شَبْت، شَبْت	الموسوعه

۱۱۱۶ - شَبْرَق<sup>۱۰۲</sup>، شَبْرَق<sup>۱۰۳</sup>: نام خشک شده آن: ضریع<sup>۱۰۴</sup> - عربی: حِلَّة<sup>۱۰۵</sup>

<i>Convolvulus hystrix v.</i> <i>Ononis antiquorum L.</i>	شَبْرَق	زریاب
<i>Ononis antiquorum</i>	شَبْرَق، شَبْرَق، لَتین القدمات	الموسوعه

۱۱۱۷ - شَبْرَم<sup>۱۰۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۰۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۰۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۰۹</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۰</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۱</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۲</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۳</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۴</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۵</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۱۹</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۰</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۱</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۲</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۳</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۴</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۵</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۲۹</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۰</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۱</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۲</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۳</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۴</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۵</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۳۹</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۰</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۱</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۲</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۳</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۴</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۵</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۴۹</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۰</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۱</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۲</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۳</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۴</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۵</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۵۹</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۰</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۱</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۲</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۳</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۴</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۵</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۶۹</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۰</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۱</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۲</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۳</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۴</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۵</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۷۹</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۰</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۱</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۲</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۳</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۴</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۵</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۸۹</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۰</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۱</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۲</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۳</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۴</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۵</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۶</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۷</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۸</sup>، شَبْرَم<sup>۱۹۹</sup>، شَبْرَم<sup>۲۰۰</sup>

<i>Euphorbia pithyusa L.</i> <i>Tithymalus cotinifolius Haw.</i>	شَبْرَم، شَبْرَم، بُوْش ریح	الموسوعه
---	-----------------------------	----------

<i>Euphorbia pithyusa L.</i>	شبرم	ز، خ، ط.
------------------------------	------	----------

۱۱۱۸ - شَبْطاط<sup>ع</sup>، شَبْطاط<sup>ط</sup>: نام «عصا الراعی» است و تفسیر آن به سریانی «عَصِيَّة» است.<sup>ع</sup>

<i>Polygonum tinctorium Hort.</i>	بَطْباط نیلی، شَبْطاط، نیلَة صِنْتِيَّة	الموسوعه
-----------------------------------	---	----------

۱۱۱۹ - شبیه<sup>ع</sup>، شَبْهان<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: شبهان<sup>ع</sup> - سریانی: شاباهی<sup>ع</sup> - یونانی: فالیورس<sup>ع</sup>

<i>Paliurus sp.</i>	شَبْهان، صامور	الموسوعه
---------------------	----------------	----------

۱۱۲۰ - شت<sup>ع</sup>؛؟

۱۱۲۱ - شجره ابی مالک<sup>ع</sup>، شجره ابی مالک<sup>ع</sup>، شجره ابی مالک<sup>ع</sup>، صابون القلی<sup>ع</sup> (نامی در دمشق)، صابون القاق<sup>ع</sup>، قلو مانن<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: فلو ماین<sup>ع</sup> - شام: صابون القاق<sup>ع</sup> - در اندلس به لاتینی: سبیره<sup>ع</sup> - مغرب: ابی مالک<sup>ع</sup> دارای نوع بری و نهری است، نام بری «أباغساله» و نام نهری آن «أبامالک» است.<sup>ع</sup> نباتی است که در مکان های نمناک روید و در میان نهرا، بیخ آن مانند صابون برای پاک کردن جامه بکار می رود.

قلومانن<sup>ع</sup> (*Klumenon*): ابن حسان نام لاتینی آن را اونیاغاته<sup>ع</sup> (*una de gato*) دانسته که برگردان عربی آن «أظفار القُط» است. این گیاه را خود می شناسم و نامی غیر از این نام ها برای آن نمی دانم. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۳]

<i>Leonicera perichymon L.</i>	قلومانن - اونیاغاته	دیسکورید
--------------------------------	---------------------	----------

۱۱۲۲ - شجره الراهب<sup>ع</sup>؛

۱۱۲۳ - شجره ابراهیم<sup>ع</sup>، شجره ابراهیم<sup>ع</sup>، شجره ابراهیم<sup>ع</sup>، شجره ابراهیم<sup>ع</sup>: «صاحب فلاحه» گوید نام «درخت یرم» است.<sup>ع</sup> "غافقی" می گوید: به گیاه «بنجکشت» و همچنین به زعم گروهی به گیاه «شاهدانج» گویند.<sup>ع</sup> آغنس<sup>ع</sup> (*Agnos*): دیسکورید این واژه را به معنای ظاهر دانسته نام دیگر گیاه «شجره ابراهیم» است... [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۵ (به آغنس رجوع شود).]

<i>Vitex agnus castus L.</i>	شجره ابراهیم	زریاب
<i>Vitex agnus castus L.</i>	آغنیس - لیفس - عسرة الرض - شجره ابراهیم	دیسکورید
<i>Vitex agnus castus</i>	سرساد - آرئد - بنجکشت - فنجنکشت - شجره ابراهیم - کف مریم	الموسوعه

۱۱۲۴ - شجره بارده<sup>ع</sup>، بقلة البارده<sup>ع</sup>، شجره بارده<sup>ع</sup>: نام دیگری برای «لباب الصغیر<sup>ع</sup>» و «لباب» است.<sup>ع</sup>

۱۱۲۵ - شجره البق<sup>ع</sup>، شجره البق<sup>ع</sup>، شجره البق<sup>ع</sup>: (نامی نزد اهالی شام) نام های دیگر آن: سجزی و سمرقندی: کُزَم<sup>ع</sup> - زابلی: عَزْبَه<sup>ع</sup> - شجره الدردار<sup>ع</sup> [به درداره و آیدیسارون، رجوع شود. ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۵ و ۱۲۵]

<i>Ulmus sp.</i> <i>Ulmus montana With.</i> <i>Ulmus effusa Sibth.</i>	یوقصیا، دردار، شجره البق، اُلْم	الموسوعه
<i>Ulmus spp.</i>	بطالایا، شجر الدردار، شجره البق، نشم الأسود	دیسکورید



<i>Ulmus campestris L.</i> <i>Ulmus glabra L.</i>	شجره البق	زر - طبيا.
--	-----------	------------

۱۱۲۶ - شجره التنين<sup>ع</sup>: نام «لوف الكبير» معروف به «لوف الحية» است.<sup>ع</sup>

<i>Draconitium sp.</i>	حشيشة التنين	الموسوعه
------------------------	--------------	----------

۱۱۲۷ - شجره التيس<sup>ع</sup>، شجره التيس<sup>ع</sup>: نام ديگر آن: يوناني: طراغيون<sup>ع</sup>

<i>Hypericum hircinum</i>	داذى المتن، هيوفاريقون المتن، شجره التيس، دُموع التستين	ال.
---------------------------	---	-----

۱۱۲۸ - شجره الدب<sup>ع</sup>: گویند نام «زعرور» است و گویند نام «علیق الكلب» است و همچنین ممکن است «قُطَلَب» باشد.<sup>ع</sup>

"ابن جزار" در کتاب سمائم «أفسوس» را «شجره الدب» ذکر کرده است.<sup>ع</sup>

۱۱۲۹ - شجره رستم<sup>ع</sup>، شجره رستم<sup>ع</sup>: نام ديگر آن: آفریقا: زراوند الطویل<sup>ع</sup>

۱۱۳۰ - شجره الشين<sup>ع</sup>: نام ديگر آن: لوف الكبير<sup>ع</sup>

۱۱۳۱ - شجره الضفادع<sup>ع</sup>، شجره الضفادع<sup>ع</sup>: نام ديگر آن: كيكج<sup>ع</sup>

۱۱۳۲ - شجره الطلق<sup>ع</sup>، شجره الطلق<sup>ع</sup>: وجه تسمیه آن به طلق بخاطر اینست که هرگاه زن حامله در حال زایمان از حل شده آن بخورد

بلافاصله فرزند از او جدا (طلق) می‌شود.

<i>Anastatica hierochuntica</i>	شجره الطلق	خطابی
---------------------------------	------------	-------

۱۱۳۳ - شجره الكف<sup>ع</sup>، شجره الكف<sup>ع</sup>: نام ديگر آن: الصانع الصفر<sup>ع</sup> - "سليمان بن حسان" می گوید: درختی است باریشه‌ای

مشابه پنجه دست انسان و به «كفّ مريم» نیز مشهور است.<sup>ع</sup> - "ابن يطار" می گوید: نام «أصابع الصفر» است و برخی از

مترجمين آن را «كفّ عائشة» خوانده‌اند.<sup>ع</sup>

۱۱۳۴ - شجره مريم<sup>ع</sup>، شجره مريم<sup>ع</sup>، شجره مريم<sup>ع</sup>، شجره مريم<sup>ع</sup>: نام‌های ديگر آن: تازی: عبوتران<sup>ع</sup>، عبيران<sup>ع</sup>

صاحب جامع اقوال مخالف يکديگر بسيار آورده و محقق نکرده است و صاحب منهاج به تحقيق می‌گوید آن «بخور مريم» است و

آن سه نوع است يک نوع بر [میوه] نمی‌دهد و دو نوع بر می‌دهد و بيخ آن «عرطینتا» است.<sup>ع</sup> - "ابن يطار" می گوید: نامی مشترک

که در شهرهای ما اندلس به نوعی رستنی بنام «أقحوان» با نام مغربی «كافورية» گویند و همچنین نام گیاه دیگری با نام یونانی

«لینوتس» است و همچنین به گیاه «بخور مريم» و درخت «بنجنکشت» و درخت دیگری در شام و شهرهای روم که مشابه

درخت «سفرجل» است گفته می‌شود و در سرزمین مصر به «حب الفول» معروف است و در شهر شام آن را به «عَهر» و «شجره

اللیثی» و «اصطرك» می‌شناسند و پزشکان ما این اسامی را به «میعة»<sup>(۱)</sup> اطلاق می‌کنند.<sup>ع</sup> [ابن يطار (در شرح کتاب دیسکورید) به «شجره ابراهیم،

و داغس، رجوع شود.]

<i>Cyclamen europaeum L.</i> <i>Anastatica hierochuntica L.</i> <i>Pyrethrum partheim Sm.</i>	شجره مريم - عبوتران	زریاب
<i>Chrysanthemum parthenium</i>	قُوقَحان مَئیات، کزکاش، شجره مريم	الموسوعه

<i>Chrysanthemum parthenium</i> <i>Matricaria chmomilla</i>	شجره مریم	خطابی
--	-----------	-------

- ۱۱۳۵ - شحم الحنظل: نام های دیگر آن: خطمی بری<sup>ص</sup> - گویند «شنجار» و «شجره قلی» است.<sup>ص</sup>  
۱۱۳۶ - شربین، شربین، قَطْران<sup>ع</sup>: دیسکورید می گوید: درخت بزرگی است که «قَطْران» نوعی از آن است.<sup>ع</sup>

<i>Chamacyparis sp.</i>	شربین، سرو رشیق، سرو فضی	الموسوعه
-------------------------	--------------------------	----------

- ۱۱۳۷ - شِرس<sup>ع</sup>: نام «شوکه مغیلة» است و «مغیلة» شهری از شهرهای مغرب است. برخی آن را به نام «زریعة ابلیس» می شناسند زیرا در مسیرها و راهها بطور پراکنده می روید.<sup>ع</sup>  
۱۱۳۸ - شرم<sup>ص</sup>: گیاهی است که در کنار بستانها و کنار جوی ها و در صحراها می روید، به شیرازی «گاو مطوسک» نام دارد زیرا اگر گاو از آن بخورد می میرد و گوسفند هر چند بخورد هیچ مضرت بوی نرسد.<sup>ص</sup>  
۱۱۳۹ - شری<sup>ع</sup>: «حنظل» است و گویند نام «عَلَم» است.<sup>ع</sup>  
۱۱۴۰ - شریفه<sup>ع</sup>: (نامی هندی) نام دیگر آن: سیناپهل<sup>ع</sup>  
۱۱۴۱ - ششتره<sup>ع</sup>، ششتره: نوعی سعترا<sup>ص</sup> نام های دیگر آن: شطریه<sup>ص</sup> - فارسی: مرزه<sup>ص</sup> - نام «مرقیة» و «مرقیة» به معنای «محسنة» نیکو شده است.<sup>ع</sup>  
۱۱۴۲ - شِشْرِیث<sup>ع</sup> (نام گیاه مصری)، شِشْرُنْب<sup>ع</sup>: (نام گیاهی در مصر و قاهره)  
۱۱۴۳ - شَطْرِيَّة<sup>ع</sup> (نام گیاهی در اندلس) نام «صعتر البستانی» بابرگ های بلند است و در مصر و اندلس کشت می شود.<sup>ع</sup>  
۱۱۴۴ - شَطْبِيَّة<sup>ع</sup>، شَطْبِيَّة<sup>ع</sup>: (نام مغربی) نام دیگر آن: اندلس: سسترنه<sup>ع</sup>  
۱۱۴۵ - شِعْر الجیاد، شعر الجبار<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: برشیاوشان<sup>ع</sup> - کُزْبَرَة البیر<sup>ع</sup>

<i>Adiantum capillus-veneris L.</i>	شعر الجبار	طباطبائی
-------------------------------------	------------	----------

- ۱۱۴۶ - شعر العُوقُل، شعر العُوقُل<sup>ص</sup>، شعر العُوقُل<sup>ع</sup>، شعر العُوقُل<sup>ع</sup>: نام دیگر آن «لحاء العُوقُل» است<sup>ع</sup> و بنا بر قولی پرسیاوشان است.<sup>ص</sup> گویند نام «پرسیاوشان» است ولی صحیح نیست، این گیاه را دیسکورید در کتاب خود بعد از «پرسیاوشان» با نام یونانی «طریخومانس» یاد آور شده است.<sup>ع</sup>

<i>Asplenium trichomanes L.</i> <i>Adiantum capillus-veneris L.</i>	شعر العُوقُل	ز، خ، ط.
<i>Adiantum capillus-veneris L.</i>	کزبرة البئر، شعر الجن، شعر الأرض، وصیف، بزشاوشان، شعر العُوقُل	الموسوعه

- ۱۱۴۷ - شعیر<sup>ع</sup>، شعیر<sup>ص</sup>، شعیر<sup>ص</sup>، شعیر<sup>ص</sup>، شعیر<sup>ع</sup>، شعیر<sup>ع</sup>، شعیر<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: جو<sup>ع</sup> - هندی: سِج<sup>ع</sup> - رومی: قرناون<sup>ص</sup> - سریانی: صعاری<sup>ص</sup>

قرئی (Krithe): شعیر [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۴ و ۷۹]

<i>Hordeum vulgare L.</i>	شعیر	ز، خ، ط، ع.
<i>Hordeum spp.</i>	قرئی - شعیر	دیسکورید
<i>Hordeum spp.</i>	شعیر، شیتنور، شیتنور	الموسوعه





<i>Brassica rapa L.</i> <i>Brassica napus L.</i>	غقیلی - سلجم - لفت الأحمر المدور	دیسکورید
<i>Brassica rapa L.</i> <i>Brassica napus L.</i>	شلجم	ز.ط.خ.
<i>Brassica campestris L. var. napus Bal.</i>	شلجم	پارسا
<i>Brassica campestris L.</i>	سلجم، شلجم	الموسوعه

۱۱۵۶ - شلیل: نام‌های دیگر آن: خراسانی: شقرنگ، شیرهو - گویند درختی حاصل از پیوند درخت «زردآلو» و «شفتالو» است.<sup>۴</sup>

۱۱۵۷ - شمام: نام نوعی «بطیخ» کوچک - شام: لَفَّاح<sup>۴</sup> برخی عقیده دارند «لَفَّاح» غیر از آن است.<sup>۴</sup>

<i>Cucumis melo L.</i>	شمام	ال.، EN.
------------------------	------	----------

۱۱۵۸ - شنجار، شنجار، شنقار، رجل الحمامة (نامی در اندلس)، رجل الحمامة، عاقر شمعاً، عود الفالوج: دارای چهار نوع است.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: شنجار، کَحِيلَاء<sup>۴</sup>، حُمَيْرَاء<sup>۴</sup>، رجل الحمامة<sup>۴</sup> - سریانی: حالوما<sup>۴</sup>

<i>Onosma sp.</i>	شِنجَار	الموسوعه
<i>Lithospermum tinctorium L.</i>	شِنجَار - ابو حلما - خس الحمار	EN.

۱۱۵۹ - شُدَّةَلَة: نام‌های دیگر آن: بنا به نظر بکری: [سجارة<sup>۴</sup> - یونانی: أروسیم<sup>۴</sup> - تودری<sup>۴</sup>

۱۱۶۰ - شَوَاصِرَا، شَوَاصِرَه، شَوَاصِرَا، شَوَاصِرَا: (نامی یونانی) نوعی برنجاسف<sup>۴</sup> «رازی» آن را از انواع «بلنجاسف» به نام «برنجاسف» می‌داند. نام‌های دیگر آن: مشک الجن، مسک الجن<sup>۴</sup> - بلاد شبانکاره فارس: مشک چوپان - تنکابن: مشک داش<sup>۴</sup> یونانی: بطوس<sup>۴</sup> - «ابن بیطار» می‌گوید: «شواصرا» و «مسک الجن» معادل نام «بطرس» است.

بُطْرُس (*Botrus*): از انواع «بَرَنجاسف» است [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۰]

<i>Artemisia vulgaris L.</i> <i>Artemisia abrotanum L.</i> <i>Chenopodium ambrosioides L.</i>	شواصره	زریاب
<i>Chenopodium botrys L.</i> <i>Chenopodium ambrosioides L.</i>	بطرس، از انواع برنجاسف، شواصرا، مسک الجن	دیسکورید

۱۱۶۱ - شَوَحَط، شوخط: (نام عربی)؟ نام دیگر آن: خوشه ارزن<sup>۴</sup>

سمیلکس (*Smilax*): درخت بزرگی در سرزمین روم و مغرب با نام لاتینی «طَخَش» (*Taxus*) است که از آن «قسی» می‌سازند. «غافقی» با توجه به اختلاف نظر هائی که وجود دارد این نام را معادل نام «شوحط» می‌داند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴/۷۲۱]

<i>Taxus baccata L.</i>	سمیلکس - طخش - (شوحط)	دیسکورید
-------------------------	-----------------------	----------

۱۱۶۲ - شَوْزَة<sup>۴۰</sup>: (نامی حجازی)

۱۱۶۳ - شوکران<sup>۴۱</sup>، شوکران<sup>۴۲</sup>، شوکران<sup>۴۳</sup>، شوکران<sup>۴۴</sup>، شوکران<sup>۴۵</sup>، صرو<sup>۴۶</sup>، طحما<sup>۴۷</sup>: ؟ (نام عربی) نام های دیگر آن: نزد عجم اندلس: حفوظه<sup>۴۸</sup> - یونانی: قونیون<sup>۴۹</sup>، سقونیون<sup>۵۰</sup>، بارقیون<sup>۵۱</sup>، طفنیقوس<sup>۵۲</sup>، متقوسیون<sup>۵۳</sup>، طفسقویون<sup>۵۴</sup>، ماریقون<sup>۵۵</sup>، قتیون<sup>۵۶</sup> - فرنگی: شبکنه<sup>۵۷</sup> - فارسی: بیخ تفت<sup>۵۸</sup> - حفوظ<sup>۵۹</sup> - تخم بیخ رومی<sup>۶۰</sup>

شَبیبی: ریشه «شوکران» و «بیخ تفت» (چون در کوه تفت بسیار می روید).

قونیون (Koneion): نام های دیگر آن عبارتست از: شوکران - لاتینی: جقوطة (Cicuta) - اهالی آفریقا: حَزَمَل البَلَدی [ابن بطار (در شرح

کتاب دیسکورید) ۴ - ۶۳ و ۷۱]

<i>Conium maculatum L.</i> <i>Hyoscyamus niger L.</i>	قونیون - شوکران - جقوطة	دیسکورید
<i>Conium maculatum L.</i> <i>Hyoscyamus niger L.</i>	شوکران	زر. - طب.
<i>Conium maculatum L.</i> <i>Hyoscyamus niger L.</i>	بیخ تفت - شوکران	پارسا
<i>Cicuta virosa L.</i>	شوکران سام، شوکران متن، قاتل البقر	الموسوعه
<i>Aethusa cynapium L.</i>	شوکران صغیر، شوکران البساتین، بقدونس کاذب	الموسوعه
<i>Conium maculatum L.</i>	شوکران، طخماء بنیس	الموسوعه
<i>Conium maculatum L.</i>	شوکران	EN.

۱۱۶۴ - شوكة المصریه<sup>۶۱</sup>، شوكة المصریه<sup>۶۲</sup>، شوكة مصریه<sup>۶۳</sup>، ام غیلان<sup>۶۴</sup>، انفیطینا (نام میوه شوک مصری): نام های دیگر آن: ام

غیلان<sup>۶۵</sup> - شوکه اعرابی<sup>۶۶</sup> - قبیطه<sup>۶۷</sup> - نام میوه: بلوسیپون<sup>۶۸</sup>، سیتوس<sup>۶۹</sup>، عنم<sup>۷۰</sup>، حد<sup>۷۱</sup>

أقاقیا (Akakia): به عصاره «قرظ» گویند و نام گیاه آن «خَرُوب السَّنَط» و «شوكة المصریه» است و به نوع بری آن «أُمُّ غِيلَان»

گویند و صمغ آن به «صمغ العربی» معروف است. [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۳]

<i>Acacia arabica W.</i> <i>Acacia nilotica D.</i> <i>Acacia vera Willd.</i> <i>Mimosa niltica L.</i>	شوكة المصریه - ام غیلان - شوكة اعرابی	زریاب
<i>Acacia arabica W.</i>	أقاقیا - قرظ - خروب السنط	دیسکورید
<i>Acacia vera Willd.</i>	ام غیلان - صمغ عربی	دیسکورید
<i>Acacia arabica Willd.</i>	ام غیلان	زریاب
<i>Acacia arabica Willd.</i> <i>Acacia nilotica</i>	شوكة المصریه	طباطبائی

۱۱۶۵ - شوكة اليهودیه<sup>۷۲</sup>، شوكة یهودیه<sup>۷۳</sup>: نام های دیگر آن: قرصنة الزرقاء<sup>۷۴</sup> - عربی: سوداء الورق<sup>۷۵</sup> (سیاه برگ)،

عُضْر الصبیان<sup>۷۶</sup>

أیرنجی (Erunge): گیاه «شوكة» (خار دار) است و نام سریانی آن «قَرَصَعَنَة» (Qersa anna) است. در بعضی از ترجمه ها نام آن

را «شوكة السوداء»، «شوكة اليهودیه» و «شوكة الزرقاء» ذکر کرده اند و دارای دو نوع سفید و آبی رنگ است. در کتب پزشکان با

نام «جنت قابضة»<sup>(۱)</sup> (*Centumcantha*) آمده است و دو نوع آن ذکر گردید. نام لاتینی آن «پیراٹه» (*Piperito*) به معنای «شوکت المُفْلَل» است و گویند این گیاه در زمین اسکندریه می‌روید، جالیئوس آن را «ایرِنجان» نامیده است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۱]

<i>Eryngium campestre L.</i>	ایرنجی، قرصنه، شوکة یهودیه، شوکة الزرقاء	دیسکورید
<i>Eryngium campestre L.</i> <i>Eryngium creticum</i>	شوکة یهودیه	طباطبائی

۱۱۶۶ - شومر، شینر، شومر

۱۱۶۷ - شوئندر؟

<i>Beta vulgaris L.</i>	شوئندر، شَمَنْدَر، بَنَجَر، صَوَطَلَة	الموسوعه
-------------------------	---------------------------------------	----------

۱۱۶۸ - شوئیز، شوئیز (نامی فارسی)، شوئیز، شوئیز، شوئیز، شوئیز، شوئیز (نامی حجازی)، حبة السوداء، حبة السوداء: نام‌های دیگر آن: فارسی: شوئوز، سیاه دانه، عربی: حبة السوداء، یونانی: سنو، سنون، هندی: کلونجی، سویداء، یونانی: میلانثیون، لاتینی: نیلی، رومی: میروقوقین، سریانی: شبوبانا، هندی: قالنجی، کالنجی، قالیر - اهل هری: غنج، غسانی می‌گوید: «شوئیز» دارای دو نوع بری و بستانی است نوع بری را «حبة السوداء» گویند و منظور روایت نقل شده از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و اله «حبة السوداء شفاء من کل داء» همین گیاه است و در شهر فاس به «سانوج» معروف است.

مالیثیون (*Melanthion*): دارای نام‌های «شوئیز»، «کَمُون الأسود» و به عربی «حبة السوداء» است که نامی مشترکی می‌باشد و به لاتینی به آن «شَمِیت مورس» به معنای «زریعة السوداء» گویند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۵]

<i>Nigella sativa L.</i>	مالیثیون، شوئیز، کمون الأسود، حبة السوداء	دیسکورید
<i>Nigella sativa L.</i> <i>Agrostemma githago</i>	شوئیز	ز، خ، ط.
<i>Nigella sativa L.</i>	سیاه تخمه - شوئیز - سیاه دانه	پارسا
<i>Nigella sp.</i>	شوئیز، شینیز	الموسوعه
<i>Nigella sativa</i>	شوئیز زراعی	الموسوعه

۱۱۶۹ - شیان، شیان: نام دیگر آن: دم‌الاحوین صمغی است که از جزیره سقطری می‌آورند و معروف به «دم‌الاحوین» است و همچنین عوام اندلس این نام را برای نوع بزرگ «حی العالم» می‌دانند.

۱۱۷۰ - شَیْبَه، شَیْبَه، شَیْبَة العجوز: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: اشنه - بعضی افراد: اشنه بستانی، بزیون (*Bruon*): نام «أشنة» است و آن نام «شَیْب العجوز» است و به آن «سواک الفُرد» نیز گویند زیرا هنگام مسواک دهان را رنگی می‌کند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۰ و ۳ - ۲۳]

<i>Usnea barbata Ach.</i>	بریون، اشنه، شیب العجوز، سواک الفُرد	دیسکورید
<i>Artemisia arborescens L.</i>	شَیْبَه، دَقْن الشیخ، ریحان أبيض	الموسوعه

۱۱۷۱ - شیخ، شیخ، شیخ، شیخ، شیخ، شیخ، شیخ: نام های دیگر آن: افسنتین بحری<sup>۴</sup> - فارسی: درمنه<sup>۵</sup> - یونانی: ساریقون<sup>۶</sup>، اقدینا، شجر اوسیتا<sup>۷</sup> - زابل: ابرو طبقون<sup>۸</sup> - سریانی: ابروتاس<sup>۹</sup> - تخم «درمنه ترکی» را «بستیاج» گویند. - دارای انواع شیخ خراسانی، شیخ ترکی<sup>۱۰</sup> است و گلی قرمز رنگ دارد. نام نوعی از آن «سریقون ارمنی» و «افسنتین البحر» است. بهترین آن ارمنی آن است و آن را «درمنه ترکی» خوانند و «شیخ جبلی» را «افیلون» خوانند. - دارای انواع فراوانی از قبیل «اسطوخودوس»، «اکلیل الجبل»، «خزامی» و «شیخ ارمنی» است و در اینجا منظور «شیخ ارمنی» است. ساریفون (*Seriphon*): نام هر دو نوع «شیخ» است، نوع اول آن «شیخ المصری» یا معروف به «افسنتین» است و نوع دوم «شیخ الأرمنی» نام دارد. [این قطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۴]

<i>Artemisia maritima L.</i>	ساریفون - شیخ مصری - افسنتین	دیسکورید
<i>Artemisia sp.</i>	شیخ، ارطماسیا	الموسوعه
<i>Artemisia judaica L.</i>	شیخ	زر. - طب.
<i>Artemisia pontica L.</i>	شیخ ارمنی	دی. - خط.
<i>Artemisia pontica L.</i>	شیخ	EN.
<i>Artemisia santonica Lam.</i>	شیخ خراسانی	EN.

۱۱۷۲ - شیخ الربیع<sup>۱۱</sup>: نام دیگر آن: اریقارون<sup>۱۲</sup>

<i>Erigeron sp.</i>	شیخ الربیع	الموسوعه
---------------------	------------	----------

۱۱۷۳ - شیر انجیر<sup>۱۳</sup>:

۱۱۷۴ - شیرخشت<sup>۱۴</sup>، شیر خشک<sup>۱۵</sup>: نام دیگر آن: فارسی: شیرخشک<sup>۱۶</sup>

بعضی از دانشمندان ما معتقدند شبنمی است که از آسمان روی درخت «خلاف» به نام «بهرآه» در سرزمین عجم قرار می گیرد و شیرین است و از «ترنجبین» قویتر می باشد. - «خشت» در لغت اهل نواحی خراسان به معنای صمغ است.<sup>۱۷</sup>

<i>Cotoneaster nummularia Fich &amp; Mey</i>	شیر خشت	پارسا
<i>Cotoneaster nigra Wahl.</i>		
<i>Cotoneaster vulgaris L.</i>		

۱۱۷۵ - شیطرچ<sup>۱۸</sup>، شیطرنج<sup>۱۹</sup>، شیطرچ<sup>۲۰</sup>، شیطرچ<sup>۲۱</sup>، شیطرچ<sup>۲۲</sup>، شیطرچ<sup>۲۳</sup>، شیطرچ<sup>۲۴</sup>، شیطرچ<sup>۲۵</sup>، شیطرچ<sup>۲۶</sup>، شیطرچ<sup>۲۷</sup>، شیطرچ<sup>۲۸</sup>: نام های دیگر آن: جوز الراعی<sup>۲۹</sup> - أعصاب<sup>۳۰</sup> - هندی: چتره<sup>۳۱</sup> - سریانی: جطرخ<sup>۳۲</sup> - رومی: لوبادون<sup>۳۳</sup>، لیبیدون<sup>۳۴</sup> - دیسکورید: شاطرچ<sup>۳۵</sup> - شام: قالیقیا<sup>۳۶</sup>، سرقوقینا<sup>۳۷</sup> - عربی: مسواک الراعی<sup>۳۸</sup>، خینوس<sup>۳۹</sup>، فاغوس<sup>۴۰</sup> یا فاغوش<sup>۴۱</sup>، حنامشه<sup>۴۲</sup> - یونانی: لیبدیون<sup>۴۳</sup>، لفیدیون<sup>۴۴</sup> - بربری: عضات<sup>۴۵</sup> - فارسی: بیخ برنده<sup>۴۶</sup> - فاس: عصاب<sup>۴۷</sup> - دارای انواعی است صاحب منهاج<sup>۴۸</sup> گوید بهترین آن هندی است تا بحری، مولف گوید چندانکه امتحان کرده شد بهتر از پارسا نیست. [این قطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۵۶: به حرف و لیبیدون، رجوع شود.]

<i>Plumbago rosea L.</i>	ریشه طمش (تهران)، شیطراج، شیتراک (هندی)، شیطرا (بمبئی)	پارسا
<i>Lepidium sp.</i>	عصاب، مسواک الراعی، شیطرنج	الموسوعه



<i>Lepidium latifolium L.</i> <i>Plumbago zeylanica L.</i>	شیطرنج	ز، ط، EN.
<i>Lepidium iberis L.</i> <i>Lepidium latifolium L.</i> <i>Lepidium sativum L.</i>	شیطرنج اندلسی شیطرنج هندی عصاب	خطابی

۱۱۷۶ - شیلیم، شیلیم، شیلیم، شیلیم: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: شالم<sup>۱۰</sup> - سیاه دانوس<sup>۱۱</sup>، زوان<sup>۱۲</sup>، زیاس<sup>۱۳</sup> - عربی: حنطه السوداء<sup>۱۴</sup>، زوان<sup>۱۵</sup> (مغرب) - فارسی: گندم دیوانه<sup>۱۶</sup>، زغیر<sup>۱۷</sup> - اصفهان: کاکلک<sup>۱۸</sup> - شیرازی: مشکک<sup>۱۹</sup> - رومی: لیخون<sup>۲۰</sup> - زوان گندم<sup>۲۱</sup> - دوسر<sup>۲۲</sup>  
(Aria): نام «زوان» است و آن «شیلیم» موجود بین «قَمَح» است. نام‌های دیگر آن «دَنَقَّة»، «رُغَیْدَاء»، «رُغَیْدَاء» و «مُرَبْرَاء» است و گویند نام عربی آن «خَضِر» است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۸۵] آرآ

<i>Lolium temulentum L.</i>	شیلیم - زوان -	ز، خ، ط.
<i>Lolium temulentum L.</i>	آرآ - زوان - شیلیم - مربراء - رغیذا:	دیسکورید
<i>Secale cereale L.</i>	شیلیم، سَلْت، شَوْلَم	الموسوعه

### حرف «ص»

۱۱۷۷ - صاب<sup>۲۳</sup>، صاب<sup>۲۴</sup>، صاب<sup>۲۵</sup>: گویند «قسا الحمار» است و گویند نوعی از بتوعات است.<sup>۲۶</sup> گویند نام «قِثَاء الحمار» است که درست نیست و بعضی از دانشمندان ما بر این گمانند که از «بتوع» است.<sup>۲۷</sup>

<i>Ecballium elaterium Rich.</i>	صاب	زریاب
<i>Hippomane manchinella L.</i>	صابه، مَسْنِیْلَا	الموسوعه

۱۱۷۸ - صاصلی<sup>۲۸</sup>، صاصل<sup>۲۹</sup>: نام‌های دیگر آن: صوصلا<sup>۳۰</sup>، ساصلی<sup>۳۱</sup> - یونانی: ارتینوس<sup>۳۲</sup>، آرتینوس<sup>۳۳</sup>، آرتینوس<sup>۳۴</sup>، آرتینوس<sup>۳۵</sup>

<i>Ornithogalum sp.</i>	صاصل، اشراس، صَوْصَلَاء	الموسوعه
-------------------------	-------------------------	----------

۱۱۷۹ - صالییة<sup>۳۶</sup>: (نامی عجمی) نام دیگر آن نزد اهالی صقلیة: نوع نازک شالییة<sup>۳۷</sup>

۱۱۸۰ - صامریوما<sup>۳۸</sup>، صامر یوما<sup>۳۹</sup>: (نامی سریانی) نام‌های دیگر آن: عربی: غبرا<sup>۴۰</sup>، چون رنگ آن اغبر یا خاکستری است. - لاجوردیه<sup>۴۱</sup>، زیرا رنگ عصاره گل آن لاجوردی است. - عجمی اندلس: طُرْشُول<sup>۴۲</sup> - مصر: گیاه عقرب<sup>۴۳</sup>، حشیشه العقرب<sup>۴۴</sup>، غبیراء<sup>۴۵</sup> - اهل اندلس: ترانشول<sup>۴۶</sup> - دیسکورید: علت نامگذاری این گیاه به «أیلو طرویون» بخاطر اینست که برگ خود را به سمت آفتاب می‌گرداند.<sup>۴۷</sup>

<i>Heliotropium europaeum L.</i>	صامر یوما	طباطبائی
----------------------------------	-----------	----------

۱۱۸۱ - صبار<sup>۴۸</sup>: نام‌های دیگر آن: تمر هندی ترش<sup>۴۹</sup> - صباری<sup>۵۰</sup>



<i>Thymus kotchyanus</i> Boiss.	صعتر، کوشان شیرازی، ادشان، اشمه کوهی (تفرش)	پارسا
<i>Origanum vulgare</i> L.	آویشن شیرازی	پارسا
<i>Origanum</i> sp.	صعتر، صعتر	الموسوعه
<i>Thymus serpyllum</i> L.	صعتر	طباطبائی
<i>Thymus vulgaris</i> L.	صعتر	خطا، EN.

۱۱۸۶ - صعتر الفرس<sup>۳</sup>: [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۵: به «صعتر» رجوع شود.]

<i>Mentha pulegium</i> L.	صعتر الفرس	زریاب
---------------------------	------------	-------

۱۱۸۷ - صغد<sup>۴</sup>:

۱۱۸۸ - صفراء<sup>۵</sup>:

۱۱۸۹ - صفیراء<sup>۶</sup>، صفیراء<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: صفیرا - اهالی مصر: عود القسینة<sup>۸</sup>

<i>Sophora</i> sp.	صفیراء	الموسوعه
<i>Rhamnus tinctoria</i> Waldst.	صفیراء	خطابی

۱۱۹۰ - صلیان<sup>۹</sup>:

۱۱۹۱ - صلوان<sup>۱۰</sup>: (نامی موصلی) نام‌های دیگر آن: خرّوب الخنزیر<sup>۱۱</sup> - نام میوه در مصر: حب الکلی<sup>۱۲</sup>

۱۱۹۲ - صمغ الدمیثا، صمغ دمیثا<sup>۱۳</sup>:

۱۱۹۳ - صندل<sup>۱۴</sup>، صندل<sup>۱۵</sup>، صندل<sup>۱۶</sup>، صندل<sup>۱۷</sup>، صندل ایبض<sup>۱۸</sup>، صندل احمر<sup>۱۹</sup>: صندل سرخ و سفید بود. نام‌های دیگر آن: رومی:

گلوسطقا<sup>۲۰</sup>، قلودیقی<sup>۲۱</sup> - صندل<sup>۲۲</sup> (فارسی یا سریانی) - یونانی: حلوسطقاقیل<sup>۲۳</sup> - رومی: فلوریکا<sup>۲۴</sup> - هندی: چندن<sup>۲۵</sup>

<i>Petrocarpus santalinus</i> L. <i>Santalum album</i> L.	صندل	زریاب
<i>Santalum</i> sp. <i>Santalum album</i> L.	صندل	الموسوعه
<i>Santalum album</i> <i>Santalum album</i> L.	صندل ایبض	الم. - طب.
<i>Pterocarpus santalinus</i> L.	صندل احمر	طباطبائی

۱۱۹۴ - صنوبر<sup>۲۶</sup>، صنوبر<sup>۲۷</sup>، صنوبر<sup>۲۸</sup>، صنوبر<sup>۲۹</sup> (عربی)، حب الصنوبر<sup>۳۰</sup>، قضم قریش<sup>۳۱</sup>، راتیانج<sup>۳۲</sup>، تنوب<sup>۳۳</sup>، صنوبر<sup>۳۴</sup>، قضم قریش<sup>۳۵</sup>

(دانه)، تنوب (صنوبر کوچک)، کرکر<sup>۳۶</sup>، کرکر<sup>۳۷</sup> (صنوبر صغیر معروف به «قضم قریش»): نام‌های دیگر آن: عربی: ارزه<sup>۳۸</sup>، آرز<sup>۳۹</sup> -

سریانی: ارزند<sup>۴۰</sup> - رومی: بقطانیون<sup>۴۱</sup>، اسطرویلیا<sup>۴۲</sup>، قونوس<sup>۴۳</sup>، فایوقی<sup>۴۴</sup> - یونانی: قلوغیطون<sup>۴۵</sup> - سریانی: ارزا<sup>۴۶</sup> -

فارسی و شیرازی: کاج<sup>۴۷</sup> - فارسی: بادام نشک<sup>۴۸</sup>، جلغوزه<sup>۴۹</sup>، چنار<sup>۵۰</sup>، جن آر<sup>۵۱</sup>

دارای انواعی است: نام نوع بستانی: فارسی: ناز، ناجو<sup>۵۲</sup> - شیرازی: کاج<sup>۵۳</sup> - نام میوه آن به شیرازی: پرکاج<sup>۵۴</sup> - نام

نوع جبلی: سریانی: ارزند<sup>۵۵</sup> - نام میوه نوع انثی کبیر: چلغوزه<sup>۵۶</sup> - در شیروان و آذربایجان و نقاطی از روم و

کشمیر می روید<sup>۵۷</sup> - نام نوع انثی صغیر: تنوب<sup>۵۸</sup> - نام میوه آن: قضم قریش<sup>۵۹</sup> - عامه اهل شیراز: فستق<sup>۶۰</sup> - «غسانی»

می گوید: از انواع صنوبر «بَقْم قَریش» است که در شام به آن «قَطواندس» گویند و از انواع دیگر آن «رجینة» و «سرو» است. نام های صمغ صنوبر: راتیناج، راتینج، رتیانج، رحبینه، دشینه، آنچه در شیراز به نام «چلغوزه» معروف است از اقسام «بادام» است. ۱- «توب» نام «صنوبر کوچکی» است که میوه آن «قَصْم قَریش» است. ۲- این بیطار: دیسکورید: بیطویداس یا «قَصْم قَریش» میوه «توب» و «أز» است. ۳ بیطویداس (Pituides): نام «صنوبر الصغار» است و میوه آن را «قَصْم قَریش»، «فم قَریش» و «فمل قَریش» گویند. سَطْرُو بیلو (Stroobilo) نام «شجر الصنوبر الکبار» است. اسامی صمغ هر دو نوع «راتینج»، «راتیناج»، «راتینا»، «راطینا» نام دارد. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۶۴ و ۶۵]

<i>Pinus orientalis Link.</i>	صنوبر	زریاب
<i>Pinus pinea L.</i> <i>Picea excelsa Link.</i>	قضم قریش	زریاب
<i>Pinus pinea L.</i> <i>Pinus cembra L.</i>	حب الصنوبر: جلوز	زر - طبأ.
<i>Pinus pinea L.</i>	بیطویداس (نوع کوچک) سَطْرُو بیلو (نوع بزرگ)	دیسکورید
<i>Pinus eldarica Medew.</i>	کاج	پارسا
<i>Pinus sp.</i>	صنوبر	الموسوعه
<i>Pinus pinea L.</i> <i>Pinus excelsa L.</i>	قضم قریش	طباطبائی
<i>Pinus pinea L.</i>	صنوبر	خطابی
<i>Pinus halepensis Mill.</i>	صنوبر الحلبي	خطابی
<i>Pinus nigra L.</i>	صنوبر الاسود	خطابی
<i>Pinus maritima Lam.</i>	صنوبر البحری	خطابی
<i>Pinus sylvestris L.</i>	صنوبر الفضى	خطابی
<i>Pinus pinea L.</i>	صنوبر	EN.

۱۱۹۵ - صنین<sup>ع</sup>:۱۱۹۶ - صوصلة<sup>ع</sup>، صوظله<sup>ع</sup>: نوعی «سلق»<sup>ع</sup>

<i>Beta vulgaris L.</i>	سَوْنَدْر، سَمَنْدَر، بَنْجَر، صَوَطْلَة	الموسوعه
-------------------------	--	----------

## حرف «ض»

۱۱۹۷ - ضجاج<sup>ع</sup>، ضجاج<sup>ع</sup>: (نام صمغ گیاهی در کوه های عمان)۱۱۹۸ - ضرم<sup>ع</sup>: گویند نام «أسطوخودوس» است.<sup>ع</sup>

<i>Quereillet (F)</i>	ضرم	الموسوعه
-----------------------	-----	----------

۱۱۹۹ - ضِرْوُ، ضِرْوُ، ضِرْوُ، ضِرْوُ، ضِرْوُ (نامی عربی)، کَمکام، کَمکام: گریند جنسی است از «لادن» - «ضرو» صمغ درختی به نام «کَمکام» است. و از سرزمین یمن آورده می‌شود. - نام‌های دیگر آن: حبة الخضراء - یونانی: فوضوفش - سریانی: ضروا - رومی: فشاشیش - فارسی: درحسحک، اریسه، درخت کلنورا - نام‌های صمغ: فارسی: حسن لبه - هندی: لیان (در هند، حجاز، یمن، و... می‌روید) - دَرَوَازِد، کم کام - نام آن گیاه در کتاب دیسکورید: بطم نام برگ یا نی پوست [چوب] «کَمکام» است. - گویند «کَمکام» صمغ «ضرو» است و گویند آنست.

<i>Pistacia lentiscus L.</i> <i>Pistacia terebinthus L.</i>	کَمکام - بطم	زریاب
<i>Pistacia lentiscus L.</i> <i>Pistacia terebinthus L.</i>	بطم شرقی، بطم مستکی، ضرو، مُصطَکاء	الموسوعه

۱۲۰۰ - ضِرْوَع الکلبه، ضرع الکلبه: نامی یمنی که با نام «زقوم» معروف است.  
 ۱۲۰۱ - ضَرِیع، ضَرِیع، ضَرِیع: نام‌های دیگر آن: شیرق - حجاز: شِیرِق - نباتی دریائی که آن را در ساحل دریا یابند.

<i>Convolvulus hystirix Vahl.</i> <i>Ononis antiquorum L.</i>	ضریع - شیرق	زریاب
<i>Fucus sp.</i>	ضریع - فَرَقَس	الموسوعه

۱۲۰۲ - ضَمَو:

<i>Anastatica hierochuntica L.</i>	ضمو	زریاب
------------------------------------	-----	-------

۱۲۰۳ - ضُغْبُوس، ضَغاییس، ضَغاییس: نام‌های دیگر آن: ضَغاییس (نامی عربی) - فارسی: سُفچه - خیارزه کوچک نباتی که ساق آن مانند «هلون» است و آن را نیز «صغاییس» خوانند. - به واحد آن «ضغوس» گویند. همچنین به «قناء کوچک» نیز «ضغاییس» گفته می‌شود.

<i>Asparagus officinalis</i> <i>Ononis antiquorum L.</i>	هلون معروف، ضُغْبُوس، یَزَمَع	الموسوعه
---	-------------------------------	----------

۱۲۰۴ - ضَمِران، ضَمیران، ضَمیران، ضومران، ضومران، ضومران، حبق الماء، عطل: نام‌های دیگر آن: حشیشه القویا - شاهسفرم شیرازی - ضمران - ضمیران - ضربوان، ضروان، ضومران؟ - شاهسفرم، ریحان‌الملک - شاذاسبرم - حوک ابن بیطار می‌گوید: «ضومران» نزد ما در اندلس نوعی از «حبق الماء» است و آن «فودنج نهري» است. صاحب جامع گوید «فودنج جوهی» است و سهو کرده است.

قالمتی (*Kalaminthe*): نام «فودنج» است و سه نوع دارد: نوع اول آن نهري و اهالی مغرب به آن «صومران» گویند، نام نوع دوم «حبق التمشاح» است و نوع سوم جبلی و نام آن نزد اهالی اندلس «نابطه» (*Nepeta*) است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۴۲]

<i>Mentha aquatica L.</i>	یک نوع از قالمتی: صومران، فودنج نهري	دیسکورید
<i>Moschosma sp.</i>	ضومر، ضومران	الموسوعه

<i>Mentha aquatica L.</i>	ضمیران	زریاب
<i>Ocimum minimum L.</i>		
<i>Mentha aquatica L.</i>	ضومران	خطابی

## حرف «ط»

۱۲۰۵ - طالیسفر، طالیسفت<sup>ص</sup>، طالیسفر<sup>ع</sup> (نامی هندی)، طالیسفر<sup>ب</sup>، طالیسفر<sup>ع</sup>، طالیسفر<sup>ع</sup>، طالیسفر<sup>ص</sup>، طالیسفر<sup>ب</sup>؛ نام های دیگر آن: بسباسه - کندیتر<sup>ص</sup> - یونانی: دارکیسه<sup>ص</sup> با آنکه اکثر مردم آن را «بسباسه» می دانند ولی آن نیست. و «ابن جلجل» به اشتباه آن را «لسان العصافیر» می داند. - و گویند ریشه درختی هندی است که نام یونانی آن «دارکیسه» است، دیسکورید نیز آن را به نام «ماقر» معرفی کرده و آن را پوست درختی می داند که از یونان آورده می شود.<sup>ع</sup> صاحب منهای گوید ورق «رسون هندی» است و آن قشوری هندی بود، صاحب جامع اقوال بسیار آورده است اول گفته «بسباسه» است و دیگر قول «ابن جلجل» را آورده است که «لسان العصافیر» است و دیگری گفته که «عرق<sup>(۱)</sup> شجره هندی» است و یا گویند «عرق درخت توت» که کرم ابریشم برگ آن را می خورد، و همه خلافت و قول مجوسی را آورده است که «ورق زیتون هندی» است و این موافق با منهای است و صاحب منهای «صاحب جامع» بیان نکرده اند که آن چیست. مولف گوید: «پوست بیخ زیتون هندی» است و همه این قول ها خلافت<sup>ص</sup>.  
ماقر (*Makir*): نام «بسباسه» است و اهل شام به آن «دارکیسه» گویند.<sup>ع</sup> ابن بیطار در کتاب جامع خود بیان می کند این نامگذاری ها سبب اختلاف زیادی بین دانشمندان قدیم شده است، برخی آن را معادل «بسباسه» و عده ای نیز آن را همان گیاه «طالیسفر» می دانند.<sup>ع</sup> [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۳]

<i>Taxus Baccata L.</i>	طالیسفر	دیسکورید
<i>Flacourita cataphracta Willd.</i>	طالیسفر	زر - طبا.
<i>Taxus Baccata L.</i>		
<i>Myristica fragrans Houff.</i>	طالیسفر	خطابی

۱۲۰۶ - طباشیر، طباشیر<sup>ص</sup>، طباشیر<sup>ب</sup>، طباشیر<sup>ع</sup>، طباشیر<sup>ع</sup>، طباشیر<sup>ب</sup>، طباشیر<sup>ص</sup>؛ مواد مشابه گره که از نوعی «نی» به نام هندی «توله بانس» خارج می شود. نام های دیگر آن: هندی: بنس لوجن، بنس روجن<sup>ص</sup>، توشیر<sup>ص</sup>، تباکیر نام های طباشیر هندی به سریانی «قمحادرزی»<sup>ص</sup>، «طبشیر»<sup>ص</sup> و «طواخشیر» است.<sup>ص</sup>

<i>Bambusa arundinacea willd.</i>	طباشیر	زر - طبا.
<i>Arundo bambos L.</i>	طباشیر	پارسا

۱۲۰۷ - طباق، طباق<sup>ع</sup>، طباق<sup>ص</sup>، طباق<sup>ب</sup>، شوکه مئینه<sup>ع</sup>، شوکه منفته<sup>ص</sup>، شجرة البراغیث<sup>ع</sup>، شجرة البراغیث<sup>ص</sup>، ترهلان<sup>ع</sup> (نامی بربری): نام های دیگر آن: یونانی: قونیزا<sup>ع</sup>، قوثیرا<sup>ع</sup> - عربی: طباق<sup>ع</sup> - عامه مردم اندلس: طباقه<sup>ع</sup> - بربری: ترهلان<sup>ع</sup>، ترهلا<sup>ع</sup> - فارسی: اسپرغم بیابانی - چند نوع است: نوع بزرگ آن «طباشیر متن»<sup>ع</sup>، یا «شجر البراغیث»<sup>ع</sup> است زیرا گستراندن برگ های آن حشرات موزی و براغیث را دور می کند. اکثر پزشکان ما آن را بعنوان «غاف» مورد استفاده قرار می دهند بدلیل اینکه «غاف» واقعی را نمی شناسند.<sup>ع</sup> بعضی گویند غیر «غاف» است اما قول بیشتر آنست که «غاف» است.<sup>ص</sup> دیسکورید<sup>ص</sup> می گوید: نوعی از این گیاه را «قونیزا الأصغر» می نامند.<sup>ع</sup> [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۶: به شجر البراغیث، و قونیزا رجوع شود.]

<i>Inula conyzoides</i> DC.	قونیزا، ترهلا - مشکینه - لبارزه طباق - شجرة البراغیث - برنوف	دیسکوریڈ
<i>Inula viscosa</i> Ait.	طَبَّاق، طَبَّاق، راسن دَبِّق طباق - شجرة البراغیث - برنوف	الموسوعه

۱۲۰۸ - طَبْرُزْدٌ: (نامی فارسی) نام دیگر آن: تَبْرُزْدٌ

۱۲۰۹ - طَبِقٌ: نوعی گندم

۱۲۱۰ - طَحْلَبٌ، طَحْلِبٌ، طَخْلَبٌ، طَخْلِبٌ، طَحْلِبٌ، طَخْلِبٌ، طَحْلِبٌ، طَخْلِبٌ، خرو الضفادع، کتان البحر، کتان الماء: نام گیاهی آبزی - نام‌های دیگر آن: عدس الماء - نام گیاه در کتاب جالینوس: برواوتلاسسیون - فارسی: جامه خواب دارای چند نوع است: نام نوعی: خراز الماء، طحلِب لیفی<sup>۱</sup> - نوع گرد و جدا از هم - نام نوعی: غزل الماء، نوع چسبیده به هم و ریشه مانند - نام نوعی: خروع الضفادع، نوع متراکم "دیسکورید" "طحلب" را در دو نوع «طحلب نهري» و «طحلب بحری» نامبرده است<sup>۲</sup>. - دارای سه نوع نهري و بحری و صخری است، به نوع صخری آن «حزاز»<sup>(۱)</sup> (گلستگ) گویند<sup>۳</sup>. اشبیلی می‌گوید: دارای انواع بسیاری است: ۱ - صوف البحر: اشبته، عکرشه ۲ - بحری: برون ۳ - ضریع ۴ - عدس الماء معروف به نور ۵ - ارجالة<sup>۴</sup>

بَروَن ثالاسیون (*Bruon thalassion*): نام «طَحْلِبُ البحرى» است و دارای انواع فراوانی است.

فُوقَسُ البحرى (*Phukos thalassion*): نوعی «طحلب» است. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۹۰]

<i>Lemna minor</i> L.	طحلب - عدس الماء	ز، خ، EN. ط.
<i>Corallina officinalis</i> L.	برون تالاسیون - طحلِب بحری	دیسکورید
<i>Gnaphallium leontopodium</i> L.	فوقس البحرى - نوعی طحلِب	دیسکورید
<i>Moss</i> (E)	طَحْلِبٌ، طَخْلِبٌ، طَحْلِبٌ	الموسوعه

۱۲۱۱ - طَئِبِهٌ:

۱۲۱۲ - طَخْمَاءٌ، طَخْمَاءٌ: نام دیگر آن به سجزی: روى - در بعضی تفسیرها: نجیل - ابو عمرو: هُم ش

<i>Cynodon dactylon</i> Pers.	طحماء	زریاب
<i>Conium maculatum</i> L.	شوکران، طَخْمَاءٌ، بِشْبِسْ	الموسوعه

۱۲۱۳ - طَخْشٌ: چوبی است که در اندلس از «قسى» گرفته می‌شود. و گروهی نام آن را «سمیلقس» پنداشته اند که درست نیست و گروهی آن را «مِزان» می‌دانند و گویند نام «شَوْحَط» است<sup>۵</sup>.

۱۲۱۴ - طَخْشِيقُونٌ، طَخْشِيقُونٌ، طَحْسِيقُونٌ، طَحْسِيقُونٌ: نام‌های دیگر آن: طَفْسِيقُونٌ - طَفْشِيقُونٌ، به معنای قوسی<sup>۶</sup> زیرا اهل ارمن پیکان را به وی زهر آلود می‌کنند و در جنگ‌ها به کار می‌برند.<sup>۷</sup>

<i>Taraxacum dens-leonis</i> DC. <i>Taraxacum officinalis</i> Will. <i>Taraxacum vulgare</i> Shramk <i>Leontodon taraxacum</i> L.	هِنْدَب، طَرَخْشَقُوْق	الموسوعه
--	------------------------	----------

۱- وازه صحیح آن «حزاز» است و به معنای خزر الصخور از گیاهانی است که امروزه به آن «گلستگ» گویند.

طباطبائی	طَرَحْشَقُوق	<i>Taraxacum officinalis Will.</i>
----------	--------------	------------------------------------

۱۲۱۵ - طرائیث<sup>ص</sup>، طرائیث<sup>ج</sup>، طرائیث<sup>ع</sup>، طرائیث<sup>س</sup>، طرائیث<sup>ط</sup>، طرائیث<sup>ث</sup>؛ از جنس کَمَاة و فُطْر - بنا به نظر عده‌ای عصاره گیاهان دیگر است.<sup>ص</sup> -- «طرائیث» اسم جمع و «طرتوث» مفرد آن است و جنسی از «کماة» و «فُطْر» است که بدون ریشه و بذر می‌روید.<sup>ع</sup> - نام‌های دیگر آن: سجستان: زُطْط<sup>ص</sup> - اصحاب السوائم: هیوز<sup>ص</sup>، خیوز<sup>ص</sup> - شیراز: یل شیرین<sup>ص</sup> - طرتوث<sup>ص</sup> - قیسارون<sup>ص</sup> «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع مختلف است: ۱ - طرتوث: زَب رباح، فُشال، لَحیة التیس ۲ - طرتوث ابیض: دُونون ۳ - قسطیس: قسطیدس، جَمرة الارض، جَلنار بری ۴ - فشاله: تومرنا، قسطیدس، زَب رباح<sup>ص</sup>  
 اُوروبَنجی (*Orobankhe*): نوعی «طرائیث» با برگردان عربی «خائق الکرسته» است و در بعضی از ترجمه به آن «جَعفیل» گویند و اهالی مصر آن را بعنوان «هالوک» می‌شناسند چراکه هر گاه بین گیاهان مزرعه روئیده شود موجب از بین رفتن آنها می‌شود. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۶۶]

ز. - خ. - ط.	طرائیث	<i>Cynomorium coccineum L.</i>
دیسکورید	نوعی طرائیث، خائق الکرسته، جَعفیل، هالوک	<i>Orobanche caryophyllacea SM.</i>
الموسوعه	طرتوث، مَصرور، زَب الارض، اَبَر الخَبِش، اَبَر الذنب	<i>Cynomorium coccineum L.</i>
الموسوعه	طرتوث أحمر، هالوک شرقی	<i>Phehyphaea coccinea Poir.</i>
الموسوعه	طرتوث مصری، هالوک ریخی	<i>Phehyphaea egyptiaca Walp.</i>

۱۲۱۶ - طَرَاشَنَه<sup>ع</sup>، طَرَاشَنَه<sup>س</sup>، طَرَاشَنَه<sup>ص</sup>: نام‌های دیگر آن: جعفریه<sup>ص</sup>، عَشبة العجول<sup>ع</sup>، یعنی بهبود دهنده سفیدی چشم

پارسا	گل جعفری	<i>Tagetes erecta L.</i>
-------	----------	--------------------------

۱۲۱۷ - طَرَاغُثون<sup>ع</sup>: به معنای قوسی و نام دیگر آن «قوسی» است.<sup>ع</sup>  
 ۱۲۱۸ - طَرَاغوبوغن<sup>ع</sup>، طَرَاغونث<sup>ص</sup>: نام‌های دیگر آن: «رازی» می‌گوید: نام‌های دیگر آن «قومسی» و «مَثَلث» است.<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>ص</sup> می‌گوید: برخی آن را به اشتباه «لحیة التیس» و برخی آن را «ذکر الهر» می‌دانند.<sup>ص</sup>  
 ۱۲۱۹ - طَرَاغوس<sup>ص</sup>: نوعی از حبوب - برخی آن را «طرامیش» و عده‌ای «سلت» و گروهی «خندروس» و بعضی «دوسر» می‌دانند که صحیح است.<sup>ص</sup>  
 ۱۲۲۰ - طَرَاغون سقریبون<sup>ص</sup>:  
 ۱۲۲۱ - طَرَاغین<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: طَرَاغین<sup>ص</sup>، سقونیوس<sup>ع</sup>  
 طَرَاغین (*Tragion*): برگردان عربی آن «تیس» است و بنا به نقل «ابن جَلجل» نوعی درخت «مصطکی» است ولی من - ابن بیطار - از آن اطلاعی ندارم.  
 طَرَاغین آخر: نوعی از گیاه قلبی است که در جزیره افریطش می‌روید.  
 طَرَاغین آخر: گویند «حُمَاص بحری» است ولی من - ابن بیطار - از آن اطلاعی ندارم. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۴۴ و ۴۵ و ۴۶]

دیسکورید	طَرَاغین - تیس	<i>Hypericum hircinum L.</i>
دیسکورید	طَرَاغین	<i>Tragium columnae Spreng.</i>
دیسکورید	طَرَاغین	<i>Ephedra distachya L.</i>

۱۲۲۲ - طَرَاغِیون<sup>ع</sup>، طَرَاغِیون<sup>ص</sup>، طَرَاغِیون<sup>ج</sup>: نامی یونانی به معنای مشابه «بیش»<sup>ع</sup> و دارای دو نوع است.<sup>ص</sup>





۱۲۲۹ - طَرْفُولُسْ؛ (نامی یونانی)

۱۲۳۰ - طَرْنَة؛ نام دیگر آن به عربی: بساط الغول<sup>ع</sup>

<i>Polygonum avicularee L.</i>	بَطْبَاط، جُنْجُر، طَرْنَة، شَبَط الغول	الموسوعه
--------------------------------	---	----------

۱۲۳۱ - طَرِيخومانِسْ؛ همراه کربزه البئر می‌روید و دارای همان خواص است.

۱۲۳۲ - طَرِيْفُلْن، طَرِيْفُلْن، طَرِيْفُلْن، طَرِيْفُلْن، طَرِيْفُلْن (نامی یونانی)، حرمانه: به معنای ذو ثلاثة اوراق<sup>ع</sup> نام‌های دیگر آن: سریانی: طَرِيْفُلْن - اسواس - اسفلیطس - اکسوفیلن - جعدة حزان<sup>ش</sup> - "ابن بیطار" می‌گوید: نام مشترکی بین چند گیاه است که به «حندقوقا» و یکی از انواع «خُصَى الثعلب» و «حومانه» گفته می‌شود.<sup>ع</sup> "اشبیلی" می‌گوید این نام به انواع گیاهان یکساله و بیشتر انواع «خُصَى الثعلب» و نوعی «الطورته شول»<sup>(۱)</sup> گفته می‌شود. و همچنین گیاهانی را که دارای سه برگ از یک رگبرگ اصلی هستند نیز شامل می‌شود.<sup>ش</sup>

طَرِيْفُلْن (*Tiphullon*): عامه گیاهشناسان اندلس به آن «طریفل» گویند و اهالی آفریقا آن را «حشیشه الحُمَى» و «حومانه» می‌نامند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۰۴]

<i>Psoralea bituminosa L.</i>	طریفلان	زر. - طبایا.
<i>Psoralea bituminosa L.</i>	طریفلان - طریفل - حشیشه الحمی	دیسکورید
<i>Trifolium sp.</i>	طریفلان	EN.

۱۲۳۳ - طَرِيْقُولِيُون، طَرِيْقُولِيُون؛ نامی یونانی به معنای «ذو ثلاثة عنقاید» (سه خوشه ای)؛ برخی آن را «ترید» دانسته‌اند که چنین نیست.<sup>ع</sup>

طَرِيْقُولِيُون (*Tripolion*): ابن وافد آن را نامی برای «تَرْد» می‌داند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰۱]

<i>Aster tripolium L.</i>	طریفولیون	زریاب
<i>Plumbago europaea L.</i>	طریفولیون	EN.

۱۲۳۴ - طَلَاء؛ گویند نوعی «قطران» است.<sup>ع</sup>

۱۲۳۵ - طَلْح، طَلْح، طَلْح، طَلْح؛ ؟ برخی آن را «موز» و برخی «ام غیلان» دانسته‌اند.<sup>ع</sup> - "خلیل بن احمد" می‌گوید: منظور از «طلح» در قرآن «موز» است.<sup>ع</sup>

<i>Musa sepintum</i> <i>Musa paradisiaca</i>	موز	طباطبائی
---	-----	----------

۱۲۳۶ - طَمْرَة؛ نام دیگر آن در کتاب رازی: خروع<sup>ع</sup>

<i>Ricinus communis L.</i>	خروع	الموسوعه
----------------------------	------	----------

۱۲۳۷ - طَهْطَف؛ می‌گویند نام «دُرّه» است و گویند نام غذایی است که از آن تهیه می‌شود.<sup>ع</sup>

الموسوعه	طَهْف	<i>Milium nigricans Ruis.</i>
----------	-------	-------------------------------

۱۲۳۸ - طواره<sup>ع</sup>: گویند نوعی «بیش» است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	اتله سوداء، جدوار اندلسی، طواره	<i>Aconitum anthora L.</i>
----------	---------------------------------	----------------------------

۱۲۳۹ - طوبه<sup>ع</sup>: (نامی عجمی) نام دیگر آن: نزد عرب: آشتر<sup>ع</sup>

الموسوعه	أقسون، رأس الشيخ، شکاعی، طوبه، فص الحمار	<i>Onopordon acanthium</i>
----------	--	----------------------------

۱۲۴۰ - طورنه شول<sup>(۱)</sup>: به گیاهانی گفته می‌شود که حرکت خورشید موجب چرخش آن‌ها می‌شود که سه نوع از این گیاهان عبارتند از: ۱ - ایلوپورویون با نام‌های: ایلوپورویون طومقرون، شحیره، تنوم، بروقیا (یعنی مفید برای دانه‌ها یا ثالیلی به نام بروقه)، عشبۃ الثالیل، عابده الشمس، مائله، ترتلی، رعی الشواہین، کوب الارض ۲ - نوع نر آن با نام‌های: ایلوپورویون طوماغا، سقریون یعنی ذنب العقرب ۲ - نوع دیگر از نر آن با نام‌های: سقرابیداس، سقریون یعنی مشابه دم عقرب ۴ - گیاهی معروف به ابی ان یموت ۵ - گیاهی آبری با نام: طرافلون ۶ - گیاهی به نام قلنبارس یا قلنبره که گاهی به آن رعی الحمام نیز می‌گویند. (هرچند این نام گیاه دیگری از انواع طراشنه است).<sup>ش</sup>

۱۲۴۱ - طورنه لیته<sup>(۲)</sup>: دامداران بخور این گیاه را برای زیاد شدن شیر گوسفندان خود استفاده می‌کنند از اینرو به آن «ابیره» یعنی شیر گویند.<sup>ش</sup>

۱۲۴۲ - طورنه مریطه<sup>(۳)</sup>، طَفَیْرَه<sup>ش</sup>: گیاهی است که به نظر عوام در سحر از آن استفاده می‌شود و به آن «نبات سحری» گفته می‌شود و زنان می‌بندارند با استفاده این گیاه هنگام ترک شوهرنشان موجب مراجعت آنان می‌شود. (شاید موجب مهر شوهرنشان شود). و دارای دو نوع است: ۱ - نوعی «لفت بری» معروف به «اشبرون» - که از گیاهان مربوط به سحر و جادو است. ۲ - نوعی خزاز الصخر (گل‌سنگ یا خزه) که بر روی سنگ‌ها موجود می‌آید.<sup>ش</sup>

۱۲۴۳ - طوره: نام دیگر آن: طیثومالس<sup>ش</sup>، الطانه - نام نوع دیگر آن: درغل - بودافان<sup>ش</sup>

۱۲۴۴ - طوقریوس<sup>ع</sup>، طوقریوس<sup>ش</sup>، طوقریوس<sup>ش</sup>: نوعی حی العالم<sup>ش</sup> نام دیگر آن یزبه اشبیلی است.<sup>ش</sup> - نام نوعی «کمداریوس النعنی» است که اهالی اندلس به آن «شویعه» گویند و به لاتینی «یزبه آسلی» به معنای «عشبۃ الطحال» است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	طوقریون، طیوقریون	<i>Teucrium sp.</i>
----------	-------------------	---------------------

۱۲۴۵ - طوله<sup>ع</sup>، طوله<sup>ش</sup>: نوعی کلخ و از ذوات الجُجم است. نام‌های دیگر آن: سفندولیون - قریطیقوس - انثار - بقصران - ترتیق - کاشم - یغفر - فیطل - ارتکا - الطفرا - طفیر - بعضی از مترجمان: کتوم الابيض<sup>ش</sup> گویند نام «فیطل» است و بنا به گفته برخی مترجمان نام «طی» با نام یونانی «سفندولیون» است.<sup>ع</sup>

۱۲۴۶ - طیرانه<sup>ش</sup>، طیرنه<sup>(۴)</sup>: نام‌های دیگر آن: طشیر<sup>ش</sup>، طشور<sup>ش</sup> - اللقامن<sup>ش</sup>

۱۲۴۷ - طیطان<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: کراث بری<sup>ش</sup>

۱۲۴۸ - طیفی<sup>ع</sup>: دادی<sup>ع</sup>

طیفی (*Tuphe*): نوعی «حلفاء» معروف [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۲]

دیسکورید	طیفی	<i>Typha latifolia L.</i>
----------	------	---------------------------

۱۲۴۹ - طیلائیون<sup>ع</sup>:



<i>Anacyclus pyrethrum DC.</i> <i>Anthemis pyrethrum L.</i>	عاقوقرچا	ز، پ، خ، ط.
<i>Anacyclus pyrethrum DC.</i>	عاقوقرچا، عود القرح	الموسوعه
<i>Anacyclus pyrethrum DC.</i>	Sanskrit: Akara-karava - Hendia & Bengal & Bombay: Akarakara - Madras: Akkirakaram	GLO.IN.

۱۲۶۰ - عاقول؛ نام دیگر آن: شوکه الجمال'

<i>Alhagi mannifera Desv.</i> <i>Alhagi maurorum</i>	عاقول، حاج، زنجبیل العجم، اُشترخار	الموسوعه
---	------------------------------------	----------

۱۲۶۱ - عیب<sup>۱</sup>، عیب<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: قاهره: کاکنج<sup>۳</sup> - حب اللہو<sup>(۱)</sup> - میوه کاکنج<sup>۴</sup>  
 ۱۲۶۲ - عِبْهَر، عِبْهَر، عِبْهَر، نرجس<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: نرجس<sup>۶</sup> - عِبْهَر<sup>۷</sup> - اھالی شام: شجر اللبئی<sup>۸</sup> - شجر الأصرک<sup>۹</sup> -  
 شجرة النبی (ص)، اصرک؟

<i>Narcissus tazetta L.</i> <i>Narcissus poeticus L.</i>	نرجس - عیبر	زریاب
<i>Leucoium sp.</i>	عیبر	الموسوعه

۱۲۶۳ - عِبْثَرَان، عِبْثَرَان، عِبْثَرَان<sup>۱۰</sup>: نام‌های دیگر آن: عبوثران<sup>۱۱</sup> - هندی: دانه، داونه مروا، شجره مریم، بخور مریم<sup>۱۲</sup>

<i>Artemisia judaica</i> <i>Alhagi maurorum</i>	شیخ اليهودیه، شیخان، عِبْثَرَان، عبوثران، بختران	الموسوعه
--	--	----------

۱۲۶۴ - عُمَم<sup>۱۳</sup>، عُمَم<sup>(۲)</sup>، عُمَم<sup>۱۴</sup>، زَعْبِج<sup>۱۵</sup>: نام‌های دیگر آن: زیتون الجبلی<sup>۱۶</sup>، زیتون کوهی<sup>۱۷</sup> - میوه: زَبُوج<sup>۱۸</sup> - یونانی: فیلورا<sup>۱۹</sup>  
 فیلورا (*Philura*): ابن وافد - رحمه الله - بر این گمان است که آن نام «شجر المتخلب» است و ابن حسان آن را «شجرة العثم»  
 که دانه ای به نام «زَعْبِج» دارد می داند ولی هر دو نظر خالی از اشکال نیست. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورد) ۱ - ۹۸ و ۱۰۷]

<i>Olea oleaster L.</i> <i>Phillyrea latifolia L.</i>	عثم	زریاب
<i>Phillyrea latifolia L.</i>	فیلورا	دیسکورید
<i>Olea oleaster L.</i>	الأغریا - زیتون بری - عثم - زعج	دیسکورید

۱۲۶۵ - عَثْرَب<sup>(۳)</sup>: گروهی به آنرا نام «سَمَان» دانسته‌اند.  
 ۱۲۶۶ - عَثَق<sup>۲۰</sup>، عَثَق<sup>۲۱</sup>، عَثَق<sup>۲۲</sup>: نام‌های دیگر آن: عثر<sup>۲۳</sup>

۱- الموسوعه: «عیب» در کتاب لسان به دانه «کاکنج» و «عنب التلب» و «شجرة الرء» گفته شده و از نظر ابوحنیفه نام درختی از انواع «افلاک» است.

۲- به زیتون رجوع شود.

۳- الموسوعه: ابوحنیفه: درختی در اندازه مشابه درخت «نار» و با برگی قرمز مشابه «ترشک» ابتدا بر روی آن ترق علیه بطون الماشیه؟ و سپس گوشتی بر آن بسته می‌شود و دارای خوشه‌های قرمز رنگ است و دانه‌ای چون دانه «ترشک» دارد.





<i>Chelidonium majus L.</i>	خالیدونیون - زرجوبک	زریاب
<i>Curcuma longa</i>	عروق الصفر	طباطبانی

۱۲۸۴ - عریز الکبیر یا عزیز الکبیر: نام های دیگر آن: قنطوریون غلیظ<sup>۳</sup>  
 ۱۲۸۵ - عریز الصغیر یا عزیز الصغیر: نام های دیگر آن: قنطوریون دقیق<sup>۳</sup>  
 ۱۲۸۶ - عَشْبَةُ السَّبَاعِ<sup>۴</sup>:

<i>Daphne tartonrarira L.</i> <i>Thymelaea tartonraira Endl.</i>	کَزْد، عَشْبَةُ السَّبْع، دَفْنَةُ قَاتِلَة	الموسوعه
---	---	----------

۱۲۸۷ - عَشْبَةُ مغربیه<sup>۴</sup>: نامی برگرفته از وجه تسمیه آن زیرا ابتدا اهل مغرب از آن اطلاع یافتند و سپس در سایر شهر ها شناخته شد. - نام های دیگر آن: مغرب: عشبۃ النار (زیرا تند است) - هندی: رس - رومی: سرینه - فرنگی: اسفرینه<sup>۴</sup>

<i>Smilax sarsaparilla L.</i>	عشبه	پارسا
-------------------------------	------	-------

۱۲۸۸ - عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ: درختی اعرابی - یمانی - و از یتوعاستت. و ثمر وی را «خریج» خوانند. نام های دیگر آن: عربی: عشار - یونانی: حجاجیوس<sup>۴</sup> - فارسی: خرل، درخت زهرناک - هندی: آک، اکون، مدارا - جالینوس: تی سمیل<sup>۳</sup> - دیودار<sup>۳</sup> - احمد بن داود<sup>۳</sup> می گوید: «عشر» از انواع «عصاه» است.<sup>۴</sup>

<i>Calotropis sp.</i> <i>Calotropis procera R.Br.</i>	عُشْر	الموسوعه
<i>Asclepias gigantea R.Br.</i> <i>Calotropis procera R.Br.</i>	عُشْر	زریاب
<i>Asclepias cynanchoides Humb.</i>	عُشْر	EN.

۱۲۸۹ - عَشْرُق، عَشْرُق، عَشْرُق، عَشْرُق: نام های دیگر آن: یونانی: قرحا، مرفوران - اهل حجاز: سنای عریض الورق، سنامکی<sup>۳</sup> - سندی: قشوقی<sup>۳</sup>، قوال سریسی<sup>۳</sup> - بزر المرو<sup>۳</sup>  
 قزقا (*Kirkaia*): ابن حسان آن را با نام لاتینی «یُنکَه» معرفی می کند و من - ابن بیطار - خود آن را دیده ام ولی به غیر از این نام، نام دیگری برای آن نمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۴]

<i>Circaea spp.</i>	قرقا - ینکه	دیسکورید
<i>Circaea lutetiana</i>	أبوسلام، عَشْرُق	الموسوعه
<i>Cassia obeovata Coll.</i> <i>Cassia sophera L.</i> <i>Circaea lutetiana L.</i>	عشوق - سنای مکی	زریاب
<i>Cassia tora L.</i> <i>Cassia sophera L.</i> <i>Circaea lutetiana L.</i>	عشوق	طباطبانی



۱۲۹۰ - عشق الصبیان<sup>۴</sup>، عشر الصبیان<sup>۴</sup>:

<i>Eryngium coeruleum</i> <i>Eryngium creticum L.</i>	عشر الصبیان	طباطبائی
--	-------------	----------

۱۲۹۱ - عَشَقَه: نام‌های دیگر آن: فارسی: اخفاک، تال شال<sup>۵</sup> - هندی: چاندریل<sup>۶</sup>

<i>Hedera sp.</i>	عَشَقَه	الموسوعه
-------------------	---------	----------

۱۲۹۲ - عَصْفَرٌ، عَصْفَرٌ، عَصْفَرٌ، عَصْفَرٌ، بهرم، مَرِيقٌ، بهرمان، حب العصفَر، خریع، مَرِيقٌ، نقد: نام‌های دیگر آن: فارسی: خسق<sup>۷</sup> - اصفهانی: گل کاوشه، رنگ زعفران<sup>۸</sup> - ابوحنیفه: عَصْفَرٌ<sup>۹</sup> - هندی: کُسْبٌ، بهرمان<sup>۱۰</sup>، ثوب مَبْهَرَمٌ<sup>۱۱</sup> - خریع<sup>۱۲</sup>، بهرامج<sup>۱۳</sup> - همدان: کاجیره<sup>۱۴</sup> - سجزی: یَلْمٌ، شَورَانٌ، سَیونکٌ<sup>۱۵</sup> - احریض<sup>۱۶</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: اطراقتولیس<sup>۱۷</sup> - بنا به قول حمزه: «بهرامه» نام گل آن و «هَسک» نام گیاه آن است و «قرطم هسک» و «هسک توم» نام دانه و نام دیگر آن «کافیشه» است<sup>۱۸</sup> - نام دانه: قرطم<sup>۱۹</sup> - دارای دو نوع بری و بستانی است<sup>۲۰</sup>.

«عصفر» معرب «هَسْکَفَر» است و آب آن «هسک آه» که همان «عندم» است<sup>۲۱</sup>. صاحب مفرده گوید نوعی «حشرف» است که به زبان بربری به آن «بانقیب» گویند<sup>۲۲</sup>.

أَطْرَقُولُس (Atraktulis): نام «عَصْفَرُ البری» است و به لاتینی به آن «مَرْزُجون» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۸۸]

<i>Charthamus lanatus L.</i>	أَطْرَقُولُس - عَصْفَرُ البری - مرزجون	دیسکورید
<i>Charthamus tinctorius L.</i>	عصفر	زر. - طب.
<i>Charthamus tinctorius L.</i>	گل کافیشه - تخم کاجیره - قرطم	پارسا
<i>Charthamus tinctorius L.</i>	قُرْطُمُ الصَّبَاغین، تریاض، عَصْفَرُ	الموسوعه

۱۲۹۳ - عَصَى الرَّاعِی، عَصَا الرَّاعِی، عَصَا الرَّاعِی (نامی عربی)، بَطْبَاطٌ، برشیان دار<sup>۲۳</sup>؟ دارای دو نوع نر و ماده است<sup>۲۴</sup>. - نام‌های دیگر آن: لاتینی: بسباث بلی کوئیم<sup>۲۵</sup> - بربری: رستنی نودیه، کوری زوله<sup>۲۶</sup> - عربی: عَصَا الرَّاعِی<sup>۲۷</sup> - یونانی: طباط<sup>۲۸</sup>، بلغوثیون برمندار<sup>۲۹</sup> - سریانی: شطبانی فلوعرین<sup>۳۰</sup>، باقریقی خنجر<sup>۳۱</sup>، حطری راعیا<sup>۳۲</sup> - فارسی: برشیان دارو<sup>۳۳</sup>، برسیاج دارو<sup>۳۴</sup>، برسیان دارو<sup>۳۵</sup>، هزار بندک<sup>۳۶</sup>، صدپیوند<sup>۳۷</sup>، وئی ایزه<sup>۳۸</sup> - شیرازی: کسته<sup>۳۹</sup>، سرخ فرد<sup>۴۰</sup> - یزدی: سلم سرخ<sup>۴۱</sup> - هندی: لال ساک<sup>۴۲</sup>، راج کیری<sup>۴۳</sup>، عصای موسی<sup>۴۴</sup> - بستیه: دیوزوان<sup>۴۵</sup> - بَطْبَاطٌ - غسانی<sup>۴۶</sup> می‌گوید: دارای چهار نوع با شکل‌های مختلف و خواص مشابه است نام نوعی از آن در فاس «بوعقاد» است. نام نوع دوم آن - که نوع ماده آنست - «مزمار الراعی» و نوع سوم آن «اذناب الخیل» و نوع چهارم آن «اذن الوطاط» است<sup>۴۷</sup>.

بُلُوغُونُ (*Polugonon arren*) hyu: برگردان «اَزَن» به عربی «ذَکَر» (نر) است. نام گیاه «عصا الراعی» است و گویند به سریانی به آن «شَبَطَاط»، «خطری دَعِیَا» و «بَطْبَاط» گویند.

بُلُوغُونُ (*Polugonon thelu*): نوع دوم «عصا الراعی» با گره‌های بسیار «کثیر العُقَد» است.

فلوغوناتُن (*Polugonaton*): نامی است که جالینوس در مقاله هشتم به آن اشاره کرده است و ابن حسان نام لاتینی آن را «عَوْدِیَالَه» (*Corrigiola*) می‌داند ولی من - ابن بیطار - آن را نمی‌شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۴ و ۵ و ۶]

<i>Polygonum aviculare L.</i> <i>Cephalaria pilosa Schr.</i>	بلوغانن - عصا الراعی - بَطْبَاط	دیسکورید
<i>Equisetum pallidum L.</i>	بلوغانن - عصا الراعی	دیسکورید

<i>Polygonatum officinale L.</i>	فلوغاناطن - غوذیاله	دیسکورید
<i>Polygoum sp.</i>	قَرْدَب، عَصَا الرَّاعِي	الموسوعه
<i>Polygonum aviculare L.</i>	عصا الراعی - بطاط - صذپیوند	زریاب
<i>Polygonum aviculare L.</i> <i>Polygonum amphibium L.</i>	عصا الراعی	طباطبانی
<i>Polygonum aviculare L.</i>	عصا الراعی	خطابی
<i>Equisetum arvensi</i> <i>Polygonum amphibium</i>	عصا الراعی - ذنب الخیل	خطابی
<i>Polygonum equiestiforme Sibth.</i>	عصا الراعی	EN.

۱۲۹۴ - عَصِيفَرَةٌ<sup>۱</sup>، عَصِيفَرَه<sup>۲</sup>: نام دیگر آن: در بغداد و موصل: خیری با گل زرد<sup>۳</sup>

<i>Impatiens balsamina L.</i> <i>Balsamina hortensis L.</i>	بَها، عَصِيفِيرَة، مِخْرَاعَة	الموسوعه
--	-------------------------------	----------

۱۲۹۵ - عَضْرَس<sup>(۱)</sup>: می گویند نام «ختمی بری» معروف به «شَحْم المَرْج» است.<sup>۲</sup>  
 ۱۲۹۶ - عِظْلَم<sup>۳</sup>، عِظْلَم<sup>۴</sup>، عِظْلَم<sup>۵</sup>: نام های دیگر آن: نیل<sup>۶</sup>، وَسْمَة الذَّكْر<sup>۷</sup> - نام عصاره خشک شده آن «نیلج» و «سُدوس» است.<sup>۸</sup> گیاهی است که از آن «نیلج» گرفته می شود و بعضی دانشمندان ما آن را «وَسْمَة» نامیده اند.<sup>۹</sup>  
 أساطيس أغربا (*Isatis agria*): نام «نیل البری» است و نزد گیاهشناسان معروف و شناخته شده است.  
 أساطيس (*Isatis*): نام های دیگر آن عبارتست از: نیل - نیلج - طین الأخضر - عین الأخضر [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۶۵]

<i>Isatis tinctoria L.</i> <i>Indigofera tinctoria L.</i>	عظلم	زر-طبا.
<i>Isatis tinctoria L.</i>	أساطيس، نیل، نیلج، طین الأخضر، عین الأخضر	دیسکورید
<i>Isatis sp.</i>	وَسْمَة، وَسْمَة، عِظْلَم	الموسوعه

۱۲۹۷ - عَفَار<sup>۱</sup>، عَفَار<sup>(۲)</sup>: گروهی آن را میوه «قاتل ایبه» دانسته اند ولی مشخصات «عفار» با «قاتل ایبه» متفاوت است. نام دیگر آن بنا به گفته ابو حنیفه «جَنَاء الأَحْمَر» است و گویند نام «مَرخ» است.<sup>۳</sup>

<i>Arbutus unedo L.</i>	عفار	زریاب
-------------------------	------	-------

۱۲۹۸ - عَفْص<sup>۱</sup>، عَفْص<sup>۲</sup>، عَفْص<sup>۳</sup>، عَفْص<sup>۴</sup>، عَفْص<sup>۵</sup>، عَفْص<sup>۶</sup>: نام های دیگر آن: قیقیدیس<sup>۷</sup> - رومی: قیسوس<sup>۸</sup> - یونانی: ققیس<sup>۹</sup> - سریانی: افصی<sup>۱۰</sup>، میشی<sup>۱۱</sup> - جالینوس: ققیس<sup>۱۲</sup> - فارسی: مازو<sup>۱۳</sup> - ترمذی: سکفس<sup>۱۴</sup> - بخاریه: سکوک<sup>۱۵</sup>، مازن شیر<sup>۱۶</sup> - شیره آن «بسباس» نام دارد.<sup>۱۷</sup> سبز آن بهترین است و بی سوراخ است و آن را «نعاقلیس» خوانند و آن غوره بود.<sup>۱۸</sup> ققیس (*Kekis*): نام «عَفْص» و بنا به بعضی از تفاسیر نام «قُشْف» است که به لاتینی به آن «جُولَه» (*Galla*) گویند. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۹]

۱- الموسوعه: نام «ختمی مخزنی» (ختمی داروئی) است که گل آن قرمز رنگ است و پوزه حیواناتی را که از آن می خورند به رنگ سیاه می شود.  
 ۲- الموسوعه: ابوحنیفة: بعضی از اعراب مرا مطلع ساخته اند که گیاهی است مشابه «غیبراء» با گلی مشابه با گل آن و آن درختی است خار دار و لذلك جاد للزناد؟

<i>Quercus lustanica</i> Lam.	قیس - عقص - قشف - جوله	دیسکورید
<i>Quercus infectpria</i> Olivier	مازو - انار - مایفلا (هند)	پارسا
<i>Quercus lustanica</i> var. <i>tauricola</i>	مازوی بصره	پارسا
<i>Quercus</i> sp.	مازوی تیغ دار - زیاش ماشی	پارسا
<i>Quercus lustanica</i> Lam. <i>Cynips gallaeturciae</i> Hart.	عقص - قیس - مازو - قیسوس	زریاب
<i>Quercus lustanica</i> Lam. <i>Thuja orientalis</i>	عقص	زر. - طبای
<i>Quercus ilex</i> L.	عقص	خطایی

۱۲۹۹ - عَقَار<sup>(۱)</sup> س:

<i>Urtica pilulifera</i> L.	عقار	زریاب
-----------------------------	------	-------

۱۳۰۰ - عَقِیْفَاءُ<sup>س</sup>:

۱۳۰۱ - عَكْرَب: نوعی حرشف بری<sup>۱</sup>

۱۳۰۲ - عكْرش<sup>س</sup>، عكْرش<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: شجرالکلب<sup>س</sup>، حسک الفراخ<sup>س</sup> - سجزی: بُنُو<sup>س</sup> - ثیل<sup>س</sup>، نجمه<sup>س</sup> - حجاز: بکْرش<sup>ع</sup> گروهی آن را همان «ثیل» دانسته‌اند و برخی گفته‌اند «قصبی» نوعی از آنست و برخی دیگر آن را نوعی «عکرش» دانسته‌اند.<sup>ع</sup> [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۷: به ثیل رجوع شود]

<i>Agropyrum repens</i> Be.	أغرسطس، نجم، نجیل، نجیر، عكْرش، ثیل	دیسکورید
<i>Festuca</i> sp.	عكْرش	الموسوعه
<i>Agropyrum repens</i> Be. <i>Aeluropus littoralis</i> Ga. <i>Aeluropus repens</i> De.	عكْرش - ثیل - نجمه	زریاب
<i>Agropyrum repens</i> Be. <i>Festuca altissima</i> Boiss.	عكْرش	طباطبائی

۱۳۰۳ - عَكْنَه، عَكْنَه<sup>ع</sup>: (نامی بربری) نوع دقیق - نازک - «سورنجان» است.<sup>۱</sup> نام‌های دیگر آن: لعبة البربرية<sup>ع</sup> - سورنجان<sup>ع</sup> - مصر: عكْنَه<sup>ع</sup> - اندلس: سورنجان الدقیق<sup>ع</sup>

<i>Colchicum montanum</i>	سورنجان الجبل، فَوْج الأَرْض، عَكْنَه	الموسوعه
---------------------------	---------------------------------------	----------

۱۳۰۴ - عَكْت<sup>(۲)</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: خندربلی<sup>ع</sup>

۱۳۰۵ - عَلْجَان<sup>ع</sup>: (نام عربی در آفریقا) نام‌های دیگر آن: قَوَّاح<sup>ع</sup>

۱- الموسوعة: اللسان: گیاهی علفی است که به اندازه نصف قامت رشد پیدا می‌کند و میوه آن چون فندق است و مزه‌ای بسیار تلخ (مضّ) دارد و آن را هیچ موجودی نمی‌خورد حتی سگ و هرگاه به آن لب زند عوعو می‌کند و عقار را «ناعمه» نیز نامیده‌اند و ناعمه زنی است که آن را پخته و با خوردن آن گشته شده است.

۲- الموسوعة: اللسان: «طرفاء» و «حاج» و «ینوت» و «عکرش» همگی نوعی «عکْت» هستند. ح: أعلات



چهارم «برجین» و نوع آخر آن «سدر» با نام یونانی «فلپورش» و نام عجمی «شفلیش» و نام عربی «عُتاب» است. نام دیگر آن مربوط به نوع بری یعنی «زفیزف» و «نبق» است که معروف به «خرز الملوک» می‌باشد. در کتاب صیدنه «عُتاب» با نام یونانی «زیزوفی» آمده است.<sup>۴</sup> [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۹۴: به «سدر» رجوع شود.]

<i>Zizyphus vulgaris L.</i>		عُتاب	پارسا
<i>Zizyphus jujuba Lam.</i>		عُتاب	طباطبانی
<i>Zizyphus sativa G. Syn: Z. vulgaris L.</i>	Bombay: Unnab		GLO.IN.
<i>Zizyphus sativus Gae.</i> <i>Rhamnus zizyphus L.</i>		عُتاب	زریاب
<i>Zizyphus sativus Gae.</i>		عُتاب	خطابی
<i>Zizyphus sativa Gae.</i> <i>Zizyphus vulgaris L.</i> <i>Rhamnus zizyphus</i>		عُتاب	الموسوعه
<i>Zizyphus vulgaris L.</i>		عُتاب	EN.

۱۳۱۱ - عُتاب: (گیاهی هندی)

<i>Mangifera indica L.</i>		أنج، مُنْغا، مُنْجا، مُنْغو، مُنْجو، عُتْبا	الموسوعه
<i>Mangifera indica L.</i>	Hendia & Bombay: Am, Amb		GLO.IN.

۱۳۱۲ - عُتَب؛ عُنب خمیری<sup>۵</sup>، عُنب<sup>۶</sup>، عُنب<sup>۷</sup>، عُنب<sup>۸</sup>، عُنب<sup>۹</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: انگور<sup>۱۰</sup> - ترکی: اوزم<sup>۱۱</sup> - هندی: داک<sup>۱۲</sup> - رومی: اصطفیذه<sup>۱۳</sup>  
زرجون<sup>۱۴</sup>: نام «کرم» است و گویند نام چوب آنست و همچنین گفته شده نام باران ریخته بر (مستنقع) بر روی صخره هاست.<sup>۱۵</sup>

<i>Vitis vinifera L.</i>		عُنب خمیری	ز. - خ. - ط.
<i>Vitis vinifera L.</i>		كُرْمَة العُنب، كَرْمَة عُنْبِيَّة	الموسوعه
<i>Vitis vinifera L.</i>	Hendia & Punjab & Bengal: Angur		GLO.IN.

۱۳۱۳ - عُنب الثعلب<sup>۱۶</sup>، عُنب الثعلب<sup>۱۷</sup>، عُنب الثعلب<sup>۱۸</sup>، عُنب الثعلب<sup>۱۹</sup>، عُنب الثعلب<sup>۲۰</sup>، رُوباه رُوك<sup>۲۱</sup>، ثلثان<sup>۲۲</sup>، حب الفنا<sup>۲۳</sup>، لما<sup>۲۴</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: رُوباه تربک<sup>۲۵</sup>، رُوباه تورک<sup>۲۶</sup> (به معنای انگور رُوباه)، شکر انگور رُوباه<sup>۲۷</sup>، رُوبارزج<sup>۲۸</sup>، کلنکُر<sup>۲۹</sup>، سگ انگور<sup>۳۰</sup> - ترکی: قوش اوزی<sup>۳۱</sup> - دیسکورید: اطزوخیوس<sup>۳۲</sup> - سندی: قواد<sup>۳۳</sup> - عُنب الثعلب<sup>۳۴</sup> - زابلی: سگ انگور<sup>۳۵</sup> - سجزی: کتکُرُوزی<sup>۳۶</sup> - عربی: فنا<sup>۳۷</sup> - اصفهانی: تاج ریزی<sup>۳۸</sup> - هندی: مکوی و مکوی، کاک ماجهی<sup>۳۹</sup> - بنگالی: کال ماجهی<sup>۴۰</sup>، کُستی<sup>۴۱</sup> - لاتینی: سلاطم<sup>۴۲</sup> - بربری: مزابله<sup>۴۳</sup>، بکسیتلان از مور<sup>۴۴</sup> - طولیدون<sup>۴۵</sup> - دربِق<sup>۴۶</sup> - ثلثان<sup>۴۷</sup> - فاس: عُنب الذیب<sup>۴۸</sup>، ابی مقینة<sup>۴۹</sup> - دارای پایه های نر و ماده و دارای انواع بستانی، جبلی و بری است: نام‌های نوع نر بستانی آن: کاکنج<sup>۵۰</sup> - اهل مغرب: حب اللهو<sup>۵۱</sup> - نام‌های نوع ماده آن: عُنب الثعلب<sup>۵۲</sup> - اهل مغرب: قناد<sup>۵۳</sup> - نام‌های نوع جبلی نر آن نزد اهل مغرب: کاکنج غالبه<sup>۵۴</sup>، کاکنج منوم<sup>۵۵</sup> - نام نوع ماده بری: عُنب الثعلب مخین<sup>۵۶</sup> - نوع بستانی به عربی به نام «فنا» و «برنوف» و «بلبان» است و عامه اندلس به آن «عُنب الذیب» گویند. و نوع نر به نام «کاکنج» با دو نوع بستانی و بری جبلی است، که بستانی آن در اندلس به «حب اللهو» معروف و دیگری به «عُنب» مشهور است و مردم اندلس آن را به نام «غالبه» می‌شناسند.<sup>۵۷</sup>

سُطْرُوخْنُ البِستَانِي (*Strukhnon kepaion*): گیاه معروف به «عَنْبُ الثَّعْلَبِ» است که به عربی به آن «فَنَا» گویند و همان «ثُلثَان» است و از اعراب خود شنیدم به این گیاه «ثُلثَان» هم می گویند و به فارسی به آن «زَرَوَانُ زَنْجِج» و «زَوَازِج» گفته است. می شود و در زبان رومی «اسْطْرَخْلُو» دیسکورید (*Strychnus*) نام دارد و نام لاتینی آن «أُوْبَه قَيْنِيَّة» (*Uva canina*) و همراه با این ترجمه «کاکنج» را یاد آور می شود که نام لاتینی آن «غَالِيَّة» است و اهالی اندلس و مغرب به آن «حَب اللُّهُو» گویند و به رومی «أَلْيَقَاتُون» (*Halikakkabon*) نام دارد و عامه مصر به آن «عُجْب» گویند و جالینوس انواع «عنب الثعلب» را در فصل هشتم از کتاب خود ذکر کرده است. [این بيطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۶۵]

<i>Solanum nigrum L.</i>	عنب الثعلب	زر. - طبيا.
<i>Solanum nigrum L.</i>	سُطْرُوخْنُ البِستَانِي، فَنَا، ثُلثَان، عنب الثعلب	دیسکورید
<i>Physalis alkekengi L.</i>	نوع دوم عنب الثعلب، کاکنج، حب اللهُو	دیسکورید
<i>Physalis glkekengi L.</i>	کاکنج - عروسک پس پرده	پارسا
<i>Physalis alkekengi L.</i>	حبوة کاکنجية، کاکنج، کَرَز القُدس، شاش القاضی	الموسوعه
<i>Paris incompleta Bieb.</i>	فَنَا، عَنْبُ الثَّعْلَبِ	الموسوعه
<i>Solanum nigrum L.</i>	عنب الثعلب بری	خطابی
<i>Physalis alkekengi L.</i>	عنب الثعلب بستانی	خطابی

۱۳۱۴ - عنب الحية<sup>۱</sup>، عنب الحية<sup>۲</sup>: به میوه آن «هزار جَسَان» گویند و آن «کرمة البیضاء» است و گاهی منظور یونانیان از این نام میوه «کَبَر» است.<sup>۳</sup>

<i>Bryonia dioica Jacq.</i>	فاشرا سَوْدَاء، عنب الحية، خبيطة	الموسوعه
-----------------------------	----------------------------------	----------

۱۳۱۵ - عنب الدُّب<sup>۱</sup>، عنب الدب<sup>۲</sup>، عنب الدب<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: ترکی: مردار اِغاجی<sup>۴</sup> - درخت غایش<sup>۵</sup>

<i>Arctostaphylos uva-ursi Spreng.</i>	عَسْرَان عنب الدب، عنب الدب	الموسوعه
--	-----------------------------	----------

۱۳۱۶ - عَنْدَم<sup>۱</sup>، عَنْدَم<sup>۲</sup>، عَنْدَم<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: به گفته ابو حنیفه: بَقْم<sup>۴</sup> - دیگر مترجمان: دم الأخوين<sup>۵</sup> - نام صنع: شیآن<sup>۶</sup>

<i>Caesalpinia sp.</i>	عَنْدَم	الموسوعه
<i>Caesalpinia echinata L.</i>	عَنْدَم	خطابی

۱۳۱۷ - عُنْضَل<sup>۱</sup>، عُنْضَل<sup>۲</sup>، عُنْضَل<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: اسقیل<sup>۴</sup> - به گفته ابو حنیفه: بَصَل البری<sup>۵</sup> - عموم مردم: بصل الفأر<sup>۶</sup> - عُنْضَلان<sup>۷</sup> - پزشکان: أشقیل<sup>۸</sup>

<i>Scilla sp.</i>	أشقیل، عُنْضَل	الموسوعه
<i>Scilla sp.</i>	عُنْضَل	EN.

۱۳۱۸ - عُنْفُود<sup>۱</sup>:

۱۳۱۹ - عَنَم<sup>۱</sup>، عَنَم<sup>۲</sup>، عَنَم<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: دیلم و تنکابن: دارواش<sup>۴</sup> - هندی: شکر داری<sup>۵</sup>

بر درختان «أم غیلان» و بلندیها و... می‌روید... و صحرائشینان به آن «أکباب» گویند.<sup>ع</sup>

<i>Loranthus curopeus Jack.</i> <i>Viscum album L.</i>	عنم	زریاب
<i>Loranthus sp.</i> <i>Viscum album L.</i>	حَصَال، عنم	الموسوعه

۱۳۲۰ - عود، عود، عود، عود، عود رطب: نام‌های دیگر آن: هندی: اکرا، اگر، رومی: الواس - «کیاء» نام نوعی «عود» است. - «غسانی» می‌گوید: از جنس درختان بزرگ و دارای انواع بسیاری است، نوعی «قماری» منسوب به قماری، جزیره‌ای از سرزمین هند است و نوع دیگر «مندی» منسوب به مندل جزیره‌ای دیگر از سرزمین هند که بین آن و جزیره قماری پنج روز فاصله است و نوع دیگر «قیومی» منسوب به جزیره قیومه که فاصله آن و جزیره قماری پنج روز فاصله می‌باشد. «ابن سینا» می‌گوید: بهترین نوع عود نوع «مندی» است که از سرزمین هند آورده می‌شود سپس نوع «هندی» که همان نوع «جلی» است، و از برترین نوع عود نوع «سمندوری» سپس «قماری» و بعد از آن به ترتیب «قافلی»، «بری»، «قطفی»، «صینی» با نام «قشمی» است.<sup>ع</sup>

<i>Aquilaria malaccensis Lam.</i> <i>Aloexylon agallocha Roxb.</i>	عود	زریاب
<i>Aloexylon agallocha Roxb.</i>	عود رطب	خطابی

۱۳۲۱ - عود انجوح: نام دیگر آن: عود پنجوح - نیکوترین «عود هندی» است که از وسط بلاد هند می‌آورند، بعد از آن نوع جبلی است که بهتر از هندی آن است.<sup>ع</sup>

۱۳۲۲ - عود الحیه، عود الحیه، عود الحیه: شریف می‌گوید: نبات آن در شهر سودان باشد و در آنجا مشهور است.<sup>ع</sup>

<i>Ophioxylon serpentium L.</i> <i>Viscum album L.</i>	عود الحیه	الموسوعه
---	-----------	----------

۱۳۲۳ - عود الریح، عود الریح: نام مشترکی است که در شام به گیاه «فاوانیا» داده‌اند. در مصر به نوع کوچک آن «عروق الصفر» یا «مامیران» می‌گویند، همچنین «عود الوج» نیز با همین نام آمده است.<sup>ع</sup>

۱۳۲۴ - عود العُطاس، عود العُطاس: نام‌های دیگر آن: کندر - کندش  
*بطریمی* (*Ptarmike*): به معنای «مُعَطَس» و مشتق از «بطرموس» (*Ptarmos*) و نام دیگر آن «عُطاس» است و با استفاده از ریشه‌های این گیاه دامپزشکان حیوانات را به عطسه در می‌آورند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۵]

<i>Achillea ptarmica L.</i>	بطریمی - عطاس	دیسکورید
-----------------------------	---------------	----------

۱۳۲۵ - عود القروح:

<i>Anthemis pyrethrum L.</i>	عود القروح	EN.
------------------------------	------------	-----

۱۳۲۶ - عود الیسر، عود النسر: شریف آن را نام گیاهی با نام یونانی «أناغورس» می‌داند و دیگران آن را نامی برای چوب «خطمی» یا چوب «مخلب» یا «أراک» می‌دانند.<sup>ع</sup>





<i>Abrus pectorius</i>	عین الدیک، ششم، عُصبة السوس	الموسوعه
------------------------	-----------------------------	----------

۱۳۳۲ - عین الهدهد<sup>ع</sup>، عین الهدهد<sup>د</sup>: (نامی در آفریقا) نام دیگر آن: آذان الفار الرومی<sup>ع</sup>

<i>Myosotis palustris</i>	عین الهدهد - لاتسنی	الموسوعه
---------------------------	---------------------	----------

۱۳۳۳ - عینون<sup>ع</sup>، عینون<sup>د</sup>، غسلة<sup>ع</sup>، سنا اندلسی<sup>ع</sup>: دارای پایه نر و ماده است که یکی را «کحلا» و «کحدان» و «سایس» می نامند. «غافتی» می گوید: نزد ما این نام مربوط به دو نوع گیاه است یکی با نام «کُحیلاء» و «کُحلوان» و «سلیس» و نزد پزشکان ما در اندلس به «سنا البلدی» معروف است.<sup>ع</sup>

خامالوقی (*Khamaipeuke*): نام بربری آن «تاسلغا» (*Taselga*) است و همان گیاه «عینون» است و نام‌های دیگر آن به لاتینی «شلباش» (*Sivaticus*) و «شرباتش» است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۹۹]

<i>Stachelina chamepeuce L.</i> <i>Serrattula chamepeuce L.</i>	خامالوقی - تاسلغا - عینون - شلباش شرباتش	دیسکورید
<i>Globularia sp.</i> <i>Serrattula chamepeuce L.</i>	عینون شرباتش	الموسوعه

### حرف «غ»

۱۳۳۴ - غار<sup>ع</sup>، غار<sup>د</sup>، غار<sup>س</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: ارقونیذوس<sup>س</sup> - یونانی: انیموروسقلمیوس<sup>ع</sup> - اهل شام: زند<sup>د</sup>، رند<sup>ع</sup> - فارسی: باهستان<sup>ع</sup> - فرنگی: لاورس<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ذافنی<sup>ع</sup> - نام میوه: فارسی: دهمشت<sup>ع</sup>، دهمست<sup>س</sup> - یونانی: ذافنی<sup>ع</sup> - سندی: شنکر<sup>س</sup>، رند<sup>س</sup> [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۸: به ذافنی، رجوع شود.]

<i>Laurus nobilis L.</i>	حب الغار	زریاب
<i>Laurus nobilis L.</i>	ذافنی - شجر الغار شجر الرند	دیسکورید
<i>Laurus nobilis L.</i>	غار، رند	الموسوعه

۱۳۳۵ - غارنیون<sup>ع</sup>: نوع اول از این گیاه در ثغر اسکندریه با نام «یمان» و «یُمین» معروف است و نام آن را از اعراب «رقه» شنیده‌ام.<sup>ع</sup>

<i>Geranium sp.</i>	غارنیون	EN.
---------------------	---------	-----

۱۳۳۶ - غاریقون<sup>ع</sup>، غاریقون<sup>د</sup>، غاریقون<sup>س</sup>، غاریقون<sup>ع</sup>، غاریقون<sup>د</sup>، غاریقون<sup>س</sup>، غاریقون<sup>ع</sup>: احتمالاً نوعی «فارچ» است. دو نوع دارد نر و ماده.<sup>ع</sup> - نوعی از «فطر» است و دو نوع سفید و سیاه دارد که نوع سفید آن دارای دو نوع نر و ماده است.<sup>ع</sup> اغاریقون (*Agarikon*): گیاه معروفی است که وجه تسمیه آن از شهر «أغارِقه» روم که در آنجا یافت شده گرفته شده است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱]

<i>Polyporus officinalis Fr.</i>	غاریقون	ز.ط.سخ.
<i>Polyporus officinalis Fr.</i>	اغاریقون	دیسکورید

الموسوعه	غاريقون	<i>Agaricus sp.</i>
----------	---------	---------------------

۱۳۳۷ - غاغالس؛ نام‌های دیگر آن: غالبير - این نام لغتی یونانی و به معنای «متن الرائحه» یا بدبوست. غالونيس؛ - اهل مصر: قس الكلاب؛ - طبرستان؛ پليهم<sup>۴</sup>

۱۳۳۸ - غاَفْتْ، غاَفْتْ، غاَفْتْ، غاَفْتْ، غاَفْتْ، غاَفْتْ؛ نام‌های دیگر آن: لاتینی: اوبيطوری؛ - بربری: اکرمیوسنه؛ ترهلا؛ - عربی: حشيشة الغاَفْتْ، شجرة البراغيث؛ شوكة منتنه؛ - فاس: غاَفْتْ؛ - بهترین آن فارسی بود که از کوهستان حوالی شیراز آوردند. "ابن بطار" می‌گوید: در مورد این گیاه اختلاف نظر بین پزشکان مغرب و مشرق بسیار است تا جایی که نزد هیچ یک حقیقت این گیاه مشخص نشده، پزشکان مغرب و آفریقا بجای آن از گیاه «ترهلان» یا «طباق» استفاده می‌کنند و آن را به "اسحاق بن عمران" و "احمد بن خالد" استناد می‌کنند و حال آنکه این اشتباه آشکاری است زیرا «ترهلان» را دیسکورید در فصل سوم کتاب خود معادل «قونیزا» با نام عربی «طباق» آورده است. اما بعضی از پزشکان اندلس گیاهی را که دیسکورید شرح داده را تجویز می‌کنند و پزشکان شرق اندلس آن را معادل با نام عجمی اندلسی «ریمنده» می‌دانند. و اما پزشکان عراق و شام و مصر بطور کلی این گیاه را نمی‌شناسند و بجای آن گیاه دیگری را مصرف می‌کنند.<sup>۵</sup>

اوباطوریوس (*eupatorios*): «غاَفْت» و «غاَفْت الشاهدانجی» را گویند و غاَفْتی که امروزه در مصر تجویز می‌شود حقیقی نیست و غاَفْت حقیقی در اندلس به «الرّمینده» مشهور است. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۷]

الموسوعه	غاَفْت	<i>Agrimonia sp.</i>
دیسکورید	اوباطوریوس، غاَفْت، غاَفْت الشاهدانجی، رمنده	<i>Agrimonia eupatoria L.</i>
طب. - خط.	غاَفْت	<i>Agrimonia eupatoria L.</i>

۱۳۳۹ - غالیسس؛ نام‌های دیگر آن: عامه اندلس: جملج<sup>۶</sup> - اهالی مصر: مُشْتَنَة<sup>۷</sup>

۱۳۴۰ - غالیون؛ غالیون<sup>۸</sup> و غلاتون<sup>۹</sup>: «غالیون» نامی یونانی به معنای «عاقد اللبن» یا منجمد کننده شیر است.<sup>۱۰</sup>

غالیون (*Galion*): به لاتینی به آن «لختیرواله» (*Lactariola*) گویند و موجب بستن شیر می‌شود. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۸۶]

دیسکورید	غالیون - لختیرواله	<i>Galium verum L.</i>
دیسکورید	غالیون حقیقی، غالیون أصفر، بَقْلَة اللَّبْن	<i>Galium verum L.</i>
الموسوعه	غالیون	<i>Galium sp.</i>
EN.	غالیون	<i>Lamium album L.</i>

۱۳۴۱ - غباریه<sup>۱۱</sup>، غباریه<sup>۱۲</sup>: نام‌های دیگر آن: اهالی کوهستان: تفوریه<sup>۱۳</sup> - دیسکورید: سلطانین<sup>۱۴</sup> - عنب الدب<sup>۱۵</sup>

الموسوعه	غباریه	<i>Mespilus pycnoloba C.Koch.</i>
----------	--------	-----------------------------------

۱۳۴۲ - غَبْیِرَا، غَبْیِرَا، غَبْیِرَا، غَبْیِرَا، غَبْیِرَا، غَبْیِرَا، غَبْیِرَا، غَبْیِرَا، غَبْیِرَا، غَبْیِرَا؛ نام‌های دیگر آن: فارسی: سنجد<sup>۱۶</sup> - ترکی: ایکده<sup>۱۷</sup> - فارسی: سلیسک<sup>۱۸</sup>، سیس یوان<sup>۱۹</sup>، سلس<sup>۲۰</sup> - - فاس: تیرغأ<sup>۲۱</sup> - نام درخت میوه دار: زیزفون<sup>۲۲</sup>

أَوَا (*Oua*): نام «شجر الغبیراء» است و در عراق درخت معروفی است. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۹]

دیسکورید	أوا - غبیرا	<i>Pyrus sorbus Ga.</i>
پارسا	سنجد - غبیرا - عبیدا بادام	<i>Elaegnus angustifolius L.</i>



۱۳۴۸ - عَسَلَجٌ<sup>(۱)</sup>، عسلج: نام دیگر آن: عربیثا<sup>۱</sup>

<i>Geranium arabicum</i> Forsk.	عسلج	زریاب
---------------------------------	------	-------

۱۳۴۹ - عَصْفٌ<sup>(۲)</sup>: نام های دیگر آن: سندی: قلیخ<sup>۲</sup>، سمّام<sup>۳</sup>

۱۳۵۰ - غَلْقَةٌ<sup>۳</sup>، غَلْقَى<sup>۳</sup>، غلقا<sup>۳</sup>: نوعی از يتوعات<sup>۳</sup>

<i>Daemia cordata</i> R.Br. <i>Pergularia tomentosa</i> L. <i>Vincetoxicum officinale</i> Monch.	علقه	زریاب
<i>Pergularia tomentosa</i> L. <i>Vincetoxicum officinale</i> Monch.	غَلْقَةٌ، غَلْقَى، صُغْلَاب مخزنی	الموسوعه

۱۳۵۱ - غلوكس<sup>۴</sup>:

<i>Gloxinia</i> sp. <i>Pergularia tomentosa</i> L. <i>Vincetoxicum officinale</i> Monch.	غلوكسینیة، سلطان	الموسوعه
--	------------------	----------

۱۳۵۲ - غلیجن آغریا<sup>۴</sup>، غلیجن اغریا<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: مشکطرامشیر<sup>۴</sup> - فودنج البستانی<sup>۴</sup>

<i>Mentha pulegium</i> L.	غلیخن	EN.
---------------------------	-------	-----

۱۳۵۳ - غُوشَنَه، غُوشَنَه<sup>۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۵</sup>، غُوشَه و غُوشَه<sup>۵</sup>: نوعی «قارچ» است. «ابن سینا» می گوید: غُوشَنَه جنسی از /نوعی/ «کماه» و «فطر» است. نام های دیگر آن: فارسی: غُوشَه<sup>۵</sup>، روشنک<sup>۵</sup> - بیت المقدس: عرشَنَه<sup>۵</sup>، کریشَه<sup>۵</sup>

<i>Morchella esculenta</i> Pers.	غُوشَنَه	زریاب
<i>Morchella esculenta</i> Pers. <i>Helvella phalloides</i>	غُوشَنَه	الموسوعه

حرف «ف»

۱۳۵۴ - فاخور<sup>(۳)</sup>: نام دیگر آن: مرو العراض<sup>۶</sup>

<i>Origanum maru</i> L.	فاخور - مرو العراض	زریاب
-------------------------	--------------------	-------

۱- الموسوعه: اللسان: گیاهی است چون «قعقاع» به ارتفاع یک وجب با برگهایی لرح و گلی مشابه گل «مرو جبلی».

۲- الموسوعه: گفته شده گیاهی است در هند مشابه «نخل» با این تفاوت که میوه آن بدون پوست است و از باین تا بالا دارای برگ سبز است.

۳- الموسوعه: گیاهی است خوشبو. ابوحنیفه آن را «مرو بهن برگ» می داند. و گویند در وسط آن گل آذینی مشابه دم رویا با گل قرمز خوشبونی دارد.

۱۳۵۵- فاسی: نام دیگر آن: یونانی: اندرو صارون  
 ۱۳۵۶- فاشرا، فاشرا، فاشرا، فاشرا، فاشرا، حلق الشعر، کرمة بیضاء، کرمة البیضاء، ورحالور (نامی بربری)، براوانیا: فاشرا معرب از «فاشار» سریانی است.<sup>۲</sup> - نام‌های دیگر آن: عربی: کرمة البیضاء، کرمة البری الایض - فارسی: ماردارو، کرم دشتی، خسرو دارو، هزار فشان، هزار جشان، هزار کشان و معرب آن: هزار جشان، هزار جشان و برگردان عربی آن: الف عسالیج (هزارشاخه) - شیرازی: نخوشی (زیرا در زمستان خشک نمی شود). سریانی: کتبنا - رومی: حلیوطن - یونانی: اغلیطوس، انبالس لوقی، به معنای کرم البیضاء - بربری: ارجالون - تنکابن و طبرستان: الاملک - جالینوس: براونیا - حلق الشعر - ابزراله یعنی قرنفة - طنبیة - نازرت - نام ریشه آن: عود الحیه، بیخ سیاه تاک

<i>Bryonia sp.</i>	فاشرا، فاشرا، فاسری، فش	الموسوعه
<i>Bryonia alba L.</i>	فاشرا	زریاب
<i>Bryonia alba L.</i> <i>Tamus dioica</i>	فاشرا	طباطبانی

۱۳۵۷- فاشرشتین، فاشرشتین، فاشرشتین، فاشرشتین، ششبدان، ششبدان، ششبدان، کرمة سوداء، کرمة السوداء، کرمة الحمراء: فاشرشتین (به معنای بر طرف کننده شصت بیماری) یا فاشرشتین (سریانی) نام‌های دیگر آن: عربی: کرمة السوداء - فارسی: شش بندان سیاه، ششبدار، ششبدار، سیاه وارو - شیرازی: شش بندان - یونانی: انبالس مالیا (به معنای کرمة السوداء) - بربری: همون، سمون - اندلس: بوطنیه - هندی: پیر - رومی: لثوهر مرطیس - ششپاز - فانیرستینست - عجمی اندلس: بوطنیه - بربری: میمون - نام ریشه: بیخ سپید تاک  
 انبالس مالیا (*Ampelios melaina*): به معنای «کرم الأسود» است و بعضی آن را «انبالس مالیس» گفته‌اند. با توجه به اختلاف این دو واژه - مالیس و مالیا - آیا هر دو به یک معنی است یا «مالیس» را به معنای سیاه و «مالیا» را به معنای بدون دانه باید گرفت؟ به نظر می‌رسد هر دو به یک معنا بوده و سین آخر «مالیس» حرف اصلی نیست زیرا سین در زبان یونانی در حکم تنوین عربی است و همچنین یاء در آخر کلمه در حکم تنوین می‌باشد بهمین دلیل گفته می‌شود سوریا، انطالیا و ماقدونیا... و بنا بر این معنای «مالیا» را بعضی از مترجمان «أسود» (سیاه) معنی کرده‌اند. نام‌های دیگری این گیاه به زبان اندلسی «فاشرشتین» و «بوطنیه» است و اهالی مغرب به آن «میمون» گویند. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰۷]

<i>Bryonia dioica Jacq.</i> <i>Bryonica alba L.</i> <i>Tamus communis L.</i>	فاشرشتین	زریاب
<i>Tamus communis L.</i>	انبالس مالیا، فاشرشتین، بوطنیه، میمون	دیسکورید
<i>Tamus sp.</i>	فاشرشتین، ششبدار، هزارجشان	الموسوعه
<i>Bryonia diocica Jacq</i> <i>Tamus communis L.</i>	فاشرا ستین	طباطبانی

۱۳۵۸- فاطه:

۱۳۵۹- فاغره، فاغره، فاغره، فاغره، فاغره (نام ریشه): نام‌های دیگر آن: فارغه - فارسی: کبابه دهن گشاد، کبابه دهن شکافته در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را ریشه «نیلوفر هندی» می‌دانند و عده‌ای می‌گویند دانه‌ای است به اندازه نخود و شبیه به پسته کوچک و در شهرهای مغرب بسیار یافت می‌شود.

<i>Fagara sp.</i> <i>Fragra avicennae Lam.</i>	فاغره	الموسوعه
<i>Xanthoxylon avicenne D.C.</i> <i>Fragra avicennae Lam.</i>	فاغره	زریاب
<i>Xanthoxylon avicenne D.C.</i>	فاغره	خطابی

۱۳۶۰ - فالنجیقن، فالنجیقن: نامی یونانی به معنای رتیلاست. نام های دیگر آن: فالنجیطس<sup>۴</sup>، نوقاقیس<sup>۵</sup> فالنجین (*Phalangion*): به معنای «النافع من الریثلاء» نافع برای نیش رتیل است. و من این گیاه را نمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورد) ۳ - ۱۰۳]

<i>Phalangium ramosum Lam.</i> <i>Anthericum ramosum L.</i>	فالنجین	دیسکورد
--	---------	---------

۱۳۶۱ - فالبرئیس، فالبریس: نام های دیگر آن: فالبرس، فالی بورس، فالبریس (*Phaleris*): این گیاه را نمی شناسم. جالینوس آن را «فالپورس» می نامد. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورد) ۳ - ۱۳۷]

<i>Phalaris tuberosa L.</i>	فالبریس	دیسکورد
-----------------------------	---------	---------

۱۳۶۲ - فاناقس اسقلیوس<sup>۶</sup>، فاناقس اسفینوس<sup>۷</sup>: نوع بزرگ «زوفرا»<sup>۸</sup>  
 ۱۳۶۳ - فاناقس خیرونیون<sup>۹</sup>، فاناقس خمرونیون<sup>۱۰</sup>: نوع کوچک «زوفرا»<sup>۸</sup>  
 ۱۳۶۴ - فاوانیا، فاوانیا، فاوانیا، فاوانیا، عود الصلیب<sup>۱۱</sup>، کهنابا<sup>۱۲</sup> (نام چوب)، عود الصلیب، عود الصلیب<sup>۱۳</sup>: عود الصلب<sup>۱۴</sup>? نام های دیگر آن: عود الصلیب<sup>۱۵</sup> - جالینوس: جالیقیسدس<sup>۱۶</sup> - عود الریح<sup>۱۷</sup> - سریانی: کهنابا، کهنابا - مغرب: عود الحمیر<sup>۱۸</sup>? دارای دو نوع نر و ماده است نام نوع ماده آن نزد عوام «ورد الحمیر» است.<sup>۱۹</sup>  
 غلیقیسیدی (*Glukuside*): همان «فاوانیا»، «کهنابا» و «عود الصلیب» است و دارای پایه های نر و ماده است.  
 نام پایه نر را گیاهشناسان اندلسی «وَرْدُ الْحَمِيرِ» گویند و این نامی مشترک است و این نوع در بازار عطاری مصر هم اکنون وجود دارد. پایه ماده آن برای بیماری «صرع» مفید است. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورد) ۳ - ۱۳۵]

<i>Paeonia officinalis Retz.</i>	فاوانیا	ز.خ.ط.
<i>Sedum telphium</i>	فاوانیا - عود الصلیب - ناز	پارسا
<i>Sedum telphium</i>	فاوانیا - عود الصلیب - ناز	پارسا
<i>Paeonia corallina L.</i> <i>Paeonia officinalis L.</i>	غلیقیسیدی، فاوانیا، عود الصلیب، کهنابا، ورد الحمیر	دیسکورد
<i>Paeonia corallina L.</i>	فاوانیا	EN.

۱۳۶۵ - فتائل الرهبان، فتائل الرهبان: نام دیگر آن در اسکندریه: زنجبیله<sup>۲۰</sup>  
 ۱۳۶۶ - فُجُل، فُجُل، فُجُل، فُجُل، فُجُل، فُجُل، هیضمان<sup>۲۱</sup>، هیضمان (فجل بری)<sup>۲۲</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: ترب<sup>۲۳</sup>، تربیزه<sup>۲۴</sup> - شیرازی: تربزه، تربیزک<sup>۲۵</sup> - سریانی: فعالا<sup>۲۶</sup>، فوغلی<sup>۲۷</sup> - رومی: دفیون<sup>۲۸</sup>، رفینون<sup>۲۹</sup>، رفانی<sup>۳۰</sup> - یونانی: افاتیس<sup>۳۱</sup>، ابابوس<sup>۳۲</sup> - هندی: مولی<sup>۳۳</sup> - فرنگی: رفالس<sup>۳۴</sup>، غسانی<sup>۳۵</sup> می گوید: دارای نوع بستانی و بری است و بستانی به دو نوع کوچک و بزرگ تقسیم می شود، نام نوع بزرگ «فجل رخامی» و نام نوع بری «اقرنون» است و عوام شهر فاس به آن «کرونونش» گویند و

معروف به «فجل بری» است.

رافانوس (*Rhaphanis*): فُجَل (ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۹۷]

<i>Raphanus sp.</i>	فجل	الموسوعه
<i>Cochlearia armoracia L.</i>	فجل بری	طباطبائی
<i>Raphanus sativus L.</i>	فجل	ز،خ،ط،د.
<i>Nasturtium officinale R.Br.</i>	اقرنون	خطابی
<i>Raphanus niger Mill.</i>	فجل الاسود	خطابی - EN.
<i>Raphanus raphanistrum L.</i>	فجل بری	خطابی

۱۳۶۷- فجل باعشقی؛ نام دیگر آن: فجل شامی

۱۳۶۸- فراسیون، فراسیون، فراسیون، فراسیون، فراسیون، فراسیون، شرب، شربت، شارب، انجیده، صنوبر الارض، کراث جبلی؛ نام «فراسیون» از یکی از شهرهای روم به نام «فرانسه» گرفته شده است. نام‌های دیگر آن: اذن الحمار، اذن الثور، فاس: مریوت، مروء - اورمینون - طوریدخ - یونانی: فراسین، برسون - لاتینی: مادر و پتیم - عربی: علقما (زیرا تلخ است و عرب هر چه تلخ باشد را «علقم» گوید)، حشیشه الکلب، صوف الارض - فارسی: گندناهی کوهی، افنان سر، کورار، به معنای کراث جبلی که گندنا کوهی است و لفظ کرویا شاید از کورار گرفته باشد. پراسین (*Prasion*): نام «فراسیون الأیض» و «مروءة الأیض» است و «سنار» یا «شجرة الکلاب» نام دارد زیرا سگ‌ها بیشتر روی آن بول می‌کنند، نام دیگر آن «شجرة سندیان الارض» است.

بلوطی (*Ballota*): به لاتینی «مروءة بئوشه» نام دارد و نوعی فراسیون سیاه رنگ است. جالینوس آن را «لاعیه» معرفی کرده در حالیکه لایعه از «یتوعات» (گیاهان شیرابه دار) است و «بلوطی» شیرابه ندارد. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۹۸ و ۴ - ۱۱۳]

<i>Marrubium vulgare L.</i>	براسین، فراسیون الأیض، مروءة الأیض سنار، شجرة الکلاب	دیسکورید
<i>Ballota nigra L.</i>	بلوطی - نوعی فراسیون سیاه	دیسکورید
<i>Marrubium sp.</i>	فراسیون، باذارد	الموسوعه
<i>Marrubium vulgare L.</i>	فراسیون	ز،خ،ط،د. EN.

۱۳۶۹- فریون، فریون، فریون، فریبون، فریبون، فریبون، تاکوب، حافظ الطفل، حافظ الاطفال؛؟ مغرب او برنیون فارسی است. نام‌های دیگر آن: رومی: فریبون، هیومافطون، افریبون، ابریبون - اکل نفسه، حافظ اطفال، قاتل ایبه - بربری: تاکسوت - رومی: فوطینوس - یونانی: کمالیون - اهل مصر و شام: لبانه مغریه - مغرب: تکوت

أفریبون (*Euphorbion*): نام دیگر آن «فریبون» است و به بربری «تاکوت» نام دارد و در مصر به آن «لوبانة المغریه» گویند. ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۸]

<i>Euphorbia L.</i>	أفریبون، فریبون، تاکوت، لوبانة المغریه	دیسکورید
<i>Euphorbia L.</i> <i>Euphorbia lathyris L.</i>	فریبون	پارسا
<i>Euphorbia L.</i> <i>Euphorbia lathyris L.</i>	فریبون، یتوع، تاکوت، عنجد	الموسوعه

<i>Euphorbia resinifera</i> Berg.	فربیون	زریاب
<i>Euphorbia resinifera</i> Berg. <i>Euphorbia helioscopia</i> L.	فربیون	زر - طبا.
<i>Euphorbia officinarum</i> L.	فربیون	خطا، EN.
<i>Euphorbia pithyusa</i> L.	تاکوت	خطابی

۱۳۷۰ - فَرَبیوس؛ نام دیگر آن: برنفس<sup>۱</sup>

۱۳۷۱ - فَرَبَجَمَشْک، فلنجمشک، فرنجمشک، فَرَبَجَمَشْک، فَرَبَجَمَشْک، برنجمشک، فرنجمشک، افرنجمشک، برشک، بلنجمشک، حبیق قرنفل<sup>۲</sup> (فرنجمشک بستانی)، فلنجمشک، قرنفل بستانی، قرنفل بستانی؛ فرنجمشک<sup>۳</sup> - معرب پلنگمشک فارسی است. نام‌های دیگر آن: فلنجمشک، ابرنجمشک، برگ فرنجمشک - هندی؛ انبل، رام تلسی - ابن ماسویه: حبیق قرنفل<sup>۴</sup> - سریانی: فلنمنکا - رومی: امیولوفراس - سریانی: اتبلیس - ریحان قرنفل<sup>۵</sup> - فرنجمشک، پلنگ مشک - نام گیاه در کتاب دیسکورید: آفینس<sup>۶</sup> - شیرازی: پوبهکل<sup>۷</sup> - ابن بیطار<sup>۸</sup> می گوید: بعضی از دانشمندان ما «فرنجمشک» را دو نوع می دانند یکی بستانی معروف به هندی و دیگری بری معروف به صینی، و نوع اول به یونانی به «آفینس» معروف است.<sup>۹</sup> - «ابوحنیفة» نام دیگر «فرنجمشک» را «أصابع الفتیات» می داند.<sup>۱۰</sup>

آفینس (Akinos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: فرنجمشک - برنجمشک - حبیق قرنفل - اصابع الفتیات - قلنمان (ابن بیطار در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۴۱]

<i>Ocimum pilosum</i> W.	دیسکورید	آفینس - فرنجمشک - برنجمشک - حبیق قرنفل - اصابع الفتیات - قلنمان
<i>Calamintha acinos</i> Man. <i>Ocimum pilosum</i> W. <i>Ocimum basilicum</i> L.	زریاب	فلنجمشک
<i>Calamintha graveolens</i> Benth.	پارسا	ترنج مسک - فرنجمشک
<i>Melissa calamintha</i> Benth. <i>Melissa officinalis</i> L.	پارسا	فرنجمشک
<i>Ocimum pilosum</i> Willd.	الموسوعه	فرنجمشک، حبیق قرنفل، حبیق وبر، حماحم

۱۳۷۲ - فَرَزخار؛

۱۳۷۳ - فرودوهامان<sup>۱۱</sup>؛

۱۳۷۴ - فرفار: نام درختی بزرگ<sup>۱۲</sup>

۱۳۷۵ - فرودیدلاون<sup>۱۳</sup>، تیمط<sup>۱۴</sup>: نام‌های دیگر آن: اندلس و مغرب: تیمق<sup>۱۵</sup>، تیمط<sup>۱۶</sup> - برخی از شهرهای اندلس: رعی الحمیر<sup>۱۷</sup> - خاملاون مالس<sup>۱۸</sup> - تاسکرا<sup>۱۹</sup> - وابله<sup>۲۰</sup> - شوک الحمیر<sup>۲۱</sup>، شوک الفراء<sup>۲۲</sup>

۱۳۷۶ - فُسْتُق، فستق، فستق، فستق، فستق، فستق؛ معرب پسته فارسی - نام «پسته» مشهور است و یک سال نمی بندد که به این نام موسوم می باشد.<sup>۲۳</sup> - نام‌های دیگر آن: سریانی: بستقی<sup>۲۴</sup> - یونانی: بسطاقیا<sup>۲۵</sup> - فرنگی: بسباکه<sup>۲۶</sup> - «بَرزَعْنَج» و «بِرزَعْنَد» به فارسی نام میوه «درخت پسته» است و گویند نام میوه پسته ای است که یک سال مغز می بندد.<sup>۲۷</sup>

بِسطاقیا (Pistacia): نام «فُسْتُق» است و ابن جزار صمغ آن را «عَلْک الأنباط» نامد. (ابن بیطار در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۳۴]

<i>Pistacia vera</i> L.	بسطاقیا - فستق - علک الانباط (صمغ)	دیسکورید
-------------------------	------------------------------------	----------



<i>Pistacia vera L.</i>	فستق	ز. - خ. - ط. - ال.
<i>Pistacia vera L.</i>	پسته - شهن (بلرچستان)	پارسا

۱۳۷۷ - فَسَوَة الصَّبِغِ، فوه الصبغ: نوعی کماة - نام دیگر آن: قَعْبَلٌ

<i>Tuber brumale Vittad.</i> <i>Bovista plumbea Pers.</i>	فوه الصبغ - قعبل - نوعی کماة	زریاب
<i>Pancharatium maritimum</i>	فسوه الصبغ	خطابی

۱۳۷۸ - فُشَاغٌ، فُشَاغٌ، فُشَاغٌ، فُشَاغٌ، کَرْمَة شَانِکَة، کَرْمَة شَانِکَة: نام‌های دیگر آن: فُشَاغٌ - فارسی: سرم - بخاریه: افزغنج - سفیدی: فزغند - ترمذیه: قوج - بلخیه و طخاریه: جُدْرِي، عَکَّاش - عجمی اندلس: ریولَة - دیسکورید: میلقص طراخیا - نام میوه آن نزد عامه اندلس و مغرب «حَب النعام» است.

<i>Smilax aspera L.</i>	فُشَاغٌ	زریاب
<i>Smilax sp.</i>	فُشَاغٌ، فُشَاغٌ	الموسوعه

۱۳۷۹ - فُضِيَّة، غُنافَالِيُون، غُنافَالِيُون، غُنافَالِيُون: نام‌های دیگر آن: در کتاب دیسکورید: غُنافَالِيَان - در کتاب جالینوس: نام این گیاه «غالبون» مشتق از «فطن» است زیرا مردم بخاطر برگ‌های نرم و فربه آن جهت زیر انداز آن استفاده می‌کنند. غُنافَالِيَان (*Gnaphallion*) نام گیاه «فضیه» و به معنای «حشوی» است. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۱۲]

<i>Gnaphalium dioicum L.</i> <i>Santolina maritima Smith.</i>	غُنافَالِيُون	زریاب
<i>Gnaphalium L.</i> <i>Santolina maritima Smith.</i>	غُنافَالِيَان	دیسکورید
<i>Protea sp.</i>	فُضِيَّة	الموسوعه

۱۳۸۰ - فُطْرٌ، کَوکَب الارض، فُطْرٌ، فُطْرٌ، فُطْرٌ: نام‌های دیگر آن: فُطْرٌ - فارسی: سماروغ، شما - سریانی: فُطْرِيَاثَا - رومی: موکوپیس - هندی: پهبین چهرت - یونانی: اونطریثا، قنطس، موکوپس - دارای انواعی است: نام‌های نوعی از آن: فُقع - فارسی: هیکل - نام نوعی دیگر: فوشنه - نام نوعی دیگر: فقیل - نام فُطْر خوراکی به هندی: کبهنی بخفای - نام فُطْر غیر خوراکی به هندی «پدیهر» و نام نوعی دیگر آن «چهربخفای‌ها» و نوع دیگر آن «ککن دهول» است. موکوپس (*Muketos*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: فُطْر - فُقع [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۵]

<i>Tuber album Sow.</i>	کوکب الارض	ز. - خط.
<i>Funji spp.</i>	فُطْر	دی. - خط.
<i>Funus - Mushroom (E)</i>	فُطْر	الموسوعه
<i>Mushroom (E)</i>	فُطْر	EN.

۱۳۸۱ - فُطْر اسَالِيُون، فُطْر اسَالِيُون، بطراسالیون، بطراسالیون (نامی یونانی)، نفکر: نام‌های دیگر آن: فُطْر اسَالِيُون -

فرنگی: بطرسالی<sup>۱</sup> - بزر کرفس رومی<sup>۲</sup>، کرفس کوهی<sup>۳</sup>، کرفس صخری<sup>۴</sup>، کرفس ماقدونی<sup>۵</sup> - رومی: اردواس<sup>۶</sup> - سریانی: زوع کرفساد طوراس<sup>۷</sup>، زوع بطراسلینون<sup>۸</sup> - فارسی: تخم کرسب کوهی<sup>۹</sup>  
 بطراسلینون (Petroselinon): به معنای «کرفس صخری» است زیرا «بطر» به زبان یونانی به معنای صخره و «سالیئن» به معنای «کرفس» است. پزشکان مصر از این گیاه کم اطلاع دارند و آن را بخوبی نمی شناسند. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۶۲]

Carum petroselinum Benth. & Hook.	فطراسالیون - بزر کرفس کوهی	زریاب
Carum petroselinum Benth. & Hook.	بطراسالیون - کرفس صخری	دیسکورید
Apium petroselinum L.	فطراسلینون	EN.

۱۳۸۲ - فقع<sup>۱</sup>، فقع<sup>۲</sup>، فقع<sup>۳</sup>: نوعی از کماه<sup>۴</sup> - نام دیگر آن به فارسی: هیگل<sup>۵</sup> - در لب چاهها و اندرون چاه و کنار آبهای روید و از «فطر» سالمتر است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۵: به فطر، رجوع شود.]

Lycoperdon sp.	فقع	الموسوعه
----------------	-----	----------

۱۳۸۳ - فقلامینوس<sup>۱</sup>، فقلامینس<sup>۲</sup>، فقلامینوس<sup>۳</sup>: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: بخور مریم<sup>۴</sup> - فقلاسینوس<sup>۵</sup>  
 ۱۳۸۴ - فقلامینوس آخر<sup>۱</sup>، فقلامینوس آخر<sup>۲</sup>: نام دیگر آن: گیاهشناسان اندلس: صریمة الجدی<sup>۳</sup>  
 ۱۳۸۵ - فققوس<sup>۱</sup>:

Cucumis sativus L.	فققوس، فقاء، مقتی، قتی، فشق	الموسوعه
--------------------	-----------------------------	----------

۱۳۸۶ - فقل<sup>۱</sup>، فقل<sup>۲</sup>، فقل<sup>۳</sup>، فقل<sup>۴</sup>، فقل<sup>۵</sup>، فقل<sup>۶</sup>: اصل نیلوفر هندی<sup>۷</sup>: ؟ در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را ریشه «بروق» و عده ای «رمان بری» و برخی «عقار هندی» می دانند. نام های دیگر آن: فقل<sup>۸</sup>، فاغیه<sup>۹</sup> - در کتاب رازی: ریشه نیلوفر هندی<sup>۱۰</sup>

Jasminum sambac (L.) Ait.	فل - ریشه نیلوفر هندی	زریاب
Jatropha gossipifolia L.	فل	خطابی
Jasminum sambac (L.) Ait. Mogorium sambac Lam.	فل - یاسمین زینقی	الموسوعه
Jasminum sambac (L.) Ait. Mogorium sambac Lam.	فل	EN.

۱۳۸۷ - فقل<sup>۱</sup>، فقل<sup>۲</sup>، فقل<sup>۳</sup>، فقل<sup>۴</sup>، فقل<sup>۵</sup>، فقل<sup>۶</sup>، فقل<sup>۷</sup>، فقل<sup>۸</sup>، فقل<sup>۹</sup>، فقل<sup>۱۰</sup>: (نامی هندی)، کوم<sup>۱۱</sup>، فقل ایض<sup>۱۲</sup>، فقل اسود<sup>۱۳</sup>: «فقل» (فقل) «پلپل» فارسی است. - «عسانی» می گوید: این نام به گیاهان مختلفی از قبیل «فقل ایض» و «فقل اسود» گفته می شود ولی بیشتر اوقات منظور «فقل اسود» است و آن درخت معروفی در هند است که خوشه هائی مشابه خوشه های «انگور» دارد بدین ترتیب هرگاه خوشه ها بر درخت روئیده شود به آن «دار فقل» گویند و زمانی که کمی رسید آن را «فقل ایض» نامند و در هنگام رسیدن کامل، به آن «فقل اسود» گویند. نام های دیگر آن: سریانی: پلپلی<sup>۱۴</sup> - یونانی: بشور یقون<sup>۱۵</sup>، ارینفس<sup>۱۶</sup> - هندی: مرج<sup>۱۷</sup>، کلمرچ<sup>۱۸</sup> (یعنی فقل گرد) نام فقل ایض به هندی: سوهنجه<sup>۱۹</sup> - نام های فقل الاسود: هندی: مرج<sup>۲۰</sup> - سریانی: اوکامائاس<sup>۲۱</sup> - سغدیه: مرج<sup>۲۲</sup> - یونانی: باباری

باباری (Peperi): به آن «فقل» گویند و درخت آن «دار فقل» نام دارد و نام دیگر آن «فقل الأیض» است. [این بیطار در ترجمه کتاب دیسکورید] ۲ - ۱۴۲]

<i>Piper nigrum L.</i>	فلفل آسود - فلفل ابيض	زر. - خط.
<i>Piper nigrum L.</i> <i>Piper aromaticum Lamk.</i>	باباری - فلفل - دار فلفل - فلفل ابيض	دیسکورید
<i>Piper nigrum L.</i>	فلفل سیاه	پا. - طبا.
<i>Piper sp.</i>	فلفل	الموسوعه

۱۳۸۸ - فلفل السودان، فلفل السودان، فلفل السودان: نام دیگر آن: بربری: حرفی

۱۳۸۹ - فلفل الصقالبة<sup>(۱)</sup>، فلفل الصقالبة: نام دیگر آن: بزر فنجنگشت

گاهی منظور از این نام میوه «بنجنگشت» است و گاهی نیز «بزر حُرْف مشرقی» است.

۱۳۹۰ - فلفل الماء، فلفل الماء، فلفل الماء: نام دیگر آن در کتاب جالینوس: اوردپاری<sup>ص</sup> - نباتیست که در آبهای راکد و آبهای روان و آرام می‌روید.

اُودُرُباباری (*Hudropeperi*): به معنای «فلفل الماء» است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۴]

<i>Polygonum hydropiper L.</i>	فلفل الماء - اوردپاری	زر. - طبا.
<i>Polygonum hydropiper L.</i>	اُودُرُباباری - فلفل الماء	دیسکورید
<i>Polygonum hydropiper L.</i>	زنجبیل الکلاب - فلفل الماء	الموسوعه

۱۳۹۱ - فلفلُمون: نوعی پودنه - نام‌های دیگر آن: حبق جبلی - فارسی: نه کوهی

۱۳۹۲ - فلفل مُویه، فلفل مویه، فلفلُمول، فلفل مُوی، فلفلُمویه، فلفلُمویه، فلفل مویه، اصل الفلفل: یعنی شبیه به فافل نام‌های دیگر آن: فلفلُموی، فلفلُمون، فلفل مویه - هندی: پی پل مول، پیپلامول بلام، پیپلا مور، «مور» و «مول» به معنای ریشه و «پیپل» نام درخت «فلفل» است. بنا بر گفته‌ای معنای «فلفل مویه»، «ریشه دار فلفل» است. «ابن ماسه» و دیگران آن را ریشه درخت «فلفل» می‌دانند. «رازی» «فلفل مویه» را شاخه «فلفل» می‌داند. «اسحاق بن عمران» می‌گوید: ریشه‌های نازکی است... - «صهاربخت» آن را ریشه «فلفل» می‌داند.

<i>Piper longum L.</i>	فلفلُمون	زریاب
<i>Piper betle L.</i>		
<i>Capsicum frutescens L.</i>	فلفل مویه - فلفل سرخ - فلفل احمر	پارسا

۱۳۹۳ - فلفلُمه، فلفلُمه: نام «هرونه» است و عامه اندلس آن را نام «نانخواه» می‌دانند و بعضی آن را بعنوان میوه «بنجنگشت» می‌شناسند.

<i>Capsicum sp.</i>	فلفلُمه	الموسوعه
---------------------	---------	----------

۱۳۹۴ - فنجیون: نام دیگر آن: فنجریون

۱۳۹۵ - فو، فو، فو، فو، فو (نامی یونانی)، عروق حُرْم: نام‌های دیگر آن: فوه - فارسی: شیبستره، بیخ سنبل - یونانی: ثبوریدوس، فوله - اهل خوارزم: زوله - هندی: چهار کری، جالکری، قرین مو - دو قوس - نارین بری، ناردوس بری - سریانی: رعنادملا - حنین: کرفس عظیم

۱- الموسوعه: نام «آزنده» و «سرساده» و «کف مریم» و... است.

دارای دو نوع است: نام های نوع بزرگ آن: فرنگی: فوباکینوم<sup>۱</sup> - نام کوچک آن: فرنگی: فوباروم<sup>۲</sup> - غسانی<sup>۳</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است عده ای آن را «سنبل بری» و گروهی «قُرْصَعَنَة» و برخی «شَقَاقِل» می دانند و بعضی آن را نامی برای ریشه های «جَزَر بری» و گروهی هم نام ریشه «غَيْطَل» می گویند. برخی هم می گویند نوعی «قرصعنه» است و این نظر را برخی از دانشمندان جدید بر سایر نظرات ترجیح داده اند.<sup>۴</sup>

فو (Phu): غیر از این نام دیگری برای آن نمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۱]

Valeriana dioscorides Sibt.	فو	دی. - خط.
Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana phu L.	ناردین الحدائق، سنبل الحدائق، فُو	الموسوعه
Valeriana Phu L. Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana officinalis L.	فو - ناردوس بری	زریاب
Valeriana officinalis L.	فو	طباطبائی
Valeriana sp.	فو	EN.

۱۳۹۶ - فودنج<sup>۱</sup>، فوتنج<sup>۲</sup>، فوتنج<sup>۳</sup>، فودنج<sup>۴</sup>، فودنج<sup>۵</sup>، غلیجن<sup>۶</sup> (نوع بری)، حبق<sup>۷</sup>، حبق الماء (فوتنج نهری)<sup>۸</sup>، فودنج<sup>۹</sup>: فوتنج<sup>۱۰</sup> معرب از «پودنه»<sup>۱۱</sup> یا «پودنک» فارسی است.<sup>۱۲</sup> - نام های دیگر آن: سریانی: هیزارنا، فونیاثا، فیلا<sup>۱۳</sup> - رومی: اربقانون<sup>۱۴</sup> - عربی: حبق<sup>۱۵</sup> - فاس: مشیشتر و<sup>۱۶</sup> - مراکش: تیمجت<sup>۱۷</sup> - بربری: تیمرساط<sup>۱۸</sup> - اندلس: ضومران<sup>۱۹</sup> - بلایه<sup>۲۰</sup> (۱) - دارای سه نوع است: نام های نوع بری: یونانی: علیجن<sup>۲۱</sup> - اهل اندلس: بلاثه<sup>۲۲</sup> - مصر: قلیه<sup>۲۳</sup> - شام: صعتر<sup>۲۴</sup> - غبیره<sup>۲۵</sup> - نام های نوع جبلی: رومی: اریقانون<sup>۲۶</sup> - اوریاسیوس: غلیشن<sup>۲۷</sup> - سریانی: قورینشادطوری<sup>۲۸</sup> - سندی: فودنوس<sup>۲۹</sup> - فارسی: پودنه کوهی<sup>۳۰</sup> - نام های نوع بستانی: حبق بستانی - فریشا<sup>۳۱</sup>، قرینشا<sup>۳۲</sup> - نام های نوع دیگر: رومی: طراغوریفاس<sup>۳۳</sup> - فودنج التیس<sup>۳۴</sup> - نام های نوع نهری: حبق الماء<sup>۳۵</sup> - حبق التمساح<sup>۳۶</sup> - فوتنج نهری<sup>۳۷</sup> - ضومران<sup>۳۸</sup> - «فوتنج»، «پودنه» است... سه جنس است کوهی و جویباری و بستانی، کوهی را «فوتنج جبلی» گویند، و جویباری را «هیرازمای» خوانند، و بستانی را «ننع» گویند.<sup>۳۹</sup> «فودنج» سه نوع باشد جبلی و بری و نهری، مولف گوید جبلی دو نوع است یک نوع را «حاشا» خوانند، به یک نوع «فلفمون» و «فم» گفته اند. بری آن دو نوع دارد یکی را «مسک طرامسیع» گویند و نوع دیگری مانند «پودنه» است. و نهری آن یک نوع بیش ندارد، بهترین آن جبلی است تازه سبز آن خوشبو است و برگ های کوچک دارد.<sup>۴۰</sup> «ابن بیطار» می گوید: دارای سه جنس است: بری، جبلی و نهری. نوع بری گیاهی معروف است. عجم اندلس به آن «بلایه» و عامه مصر «قلیه» و به یونانی «غلیخن» گویند، اصطغان این گیاه را در روم با همین نام مشاهده کرده و می گوید اهالی شام به آن «صعتر» گویند.<sup>۴۱</sup> اما گیاه «غلیخن آغریا» یا «مشکطرامشیع» در جزیره آفریقای می روید، و «قلامتی» نام «فودنج نهری» است.<sup>۴۲</sup>

قلامتی (Kalaminthe): نام «فودنج» است.... [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۴۳: به وضومران، و وضومران، رجوع شود.]

Thymus barrelieri Spreng. Thymus nepeta Sm. Thymus calamintha Scop.	قلامتی - فودنج	دیسکورید
Mentha aquatica L.	فودنج نهری	دیسکورید
Origanum vulgare L. Mentha sylvestris L. Mentha officinalis Hull. = M.piperita L.	فودنج شائع، فودنج	الموسوعه

<i>Mentha pulegium</i> L. <i>Origanum dictamnus</i> L.	فوتنج	زریاب
<i>Mentha pulegium</i> L.	فوتنج	خطابی
<i>Mentha aquatica</i> L.	فوتنج مانی	خطابی
<i>Mentha pulegium</i> L. <i>Mentha sylvestris</i> L. <i>Mentha officinalis</i> Hull. = <i>M.piperita</i> L.	پودنه - پونه	پارسا
<i>Mentha pulegium</i> L. <i>Marrubium</i> sp. <i>Mentha sylvestris</i> L. <i>Mentha officinalis</i> Hull. = <i>M.piperita</i> L.	فودنج	EN.

۱۳۹۷ - فوعین: نام مشترک برای نو خمسه اوراق و ذو خمسه اصابع  
 ۱۴۹۸ - فُوْفَل، فُوْفَل، فوفل، فوفل، فوفل، فوفل، فوفل: فوفل معرب «کوبل» هندی است. و آن درخت «کافور» است.  
 نام‌های دیگر آن: سریانی: فوفلا - رومی: اورسیمون - یونانی: ضیموطوس - هندی: سپاری

<i>Nauclea</i> sp.	فُوْفَل	الموسوعه
<i>Areca catechu</i> L.	فوفل	زر-پا.
<i>Areca catechu</i> L. <i>Uncaria gambier</i>	فوفل	طباطبائی
<i>Areca faufel</i> Gaertn.	فوفل	خطابی

۱۳۹۹ - فولیون: نام «جعده» است و گویند نام «غوشنه» است و آن نوعی «کماه» و «فطر» است. و گویند بیخ‌بست [ریشه‌ای است] که ورق نبات آن /برگ گیاه آن / مانند ورق «کرفس» است ولی بزرگتر از آن و گل آن مانند «نرگس» ولی بزرگتر است...  
 ۱۴۰۰ - فُوْفَه، فُوْفَه، فُوْفَه، فُوْفَه، فوه الصباغین، فوه، فوه: (نام ریشه) نام‌های دیگر آن: هندی: مینت - فارسی: روین، روناس، رودک، جرجان، روغناز - رومی: اوریزوژینوس، اورودیس - سریانی: فوناس - عربی: عروق الصباغین، فوه الصبغ، فوه الصباغان - یونانی: دودزولوس - هندی: مجتهه - فرنگی: روپیه - نام‌های نوع فوه صغیر: لاتینی: البیسیم - بربری: رویه منور - جرجان: روغناز  
 آرژذان: «فوه الصبغ» را گویند و به بربری «نارویا» نام دارد. (این بطار در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۳۸

<i>Rubia tinctorium</i> L.	الرژذانن - فوه الصبغ - نارویا	دیسکورید
<i>Rubia tinctorium</i> L.	فوه	ز. - خ. - ط.
<i>Rubia tinctorium</i> L. <i>Rubia cordifolia</i> L.	روناس	پارسا
<i>Rubia tinctorium</i> L.	فُوْفَه، فُوْفَه الصباغین	الموسوعه

۱۴۰۱ - فیلجوش، فیلجوش، فیلجوش، فیلجوش، اذان الفیل، اصل اللوف: «فیلجوش» معرب «فیلگوش» فارسی و برگردان عربی آن «اذان الفیل» است. - می‌گویند نام‌های دیگر آن «لوف العقد»، «لوف الجعد»، «لوف الحیه» است. نام‌های دیگر آن: فارسی: پیل گوش - لوف - دلوباخوسطس - بیخ فیلجوش - دراقیون نام‌های عصاره: حضض هندی، پیل گوشک - عربی: غدر، بزر ریاس - رومی: دورقینتون - سریانی: لوفعسقیاس

دِرَاقَطِیُون (*Drakontion*): به معنای «لوف الحیّه» و نام آن «فیلجوش» و «لوف الجعد» است و در مغرب به آن «صاره» و در اندلس «صَرَاخَة» و به زبان لاتینی عمومی «عَرَعَنَیْتَه» گویند. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۹]

<i>Colocasia antiquorum</i> Shott. <i>Arum colocasia</i> L.	فیلجوش	زر. - طبیا.
<i>Arum dracunculus</i> L.	دراقتیون، فیلجوش، لوف الجعد	دیسکورید
<i>Arum</i> sp.	فیلجوش، تریاق ابيض	الموسوعه

۱۴۰۲ - فیلزهرج، فیلزهرج، فیلزهرج، فیلزهرج (نامی فارسی)، لوقیون: نام های دیگر آن: حُضْض هندی، درخت حُضْض - لوقیون - مرارة الفیل - نام عصاره: حُضْض - رازی می گوید: دارای سه نوع، هندی است و از زرشک گرفته می شود و نام عربی آن «حُضْض» و «لوقیون» است.

<i>Lycium afrum</i> L. <i>Rhamnus infectoria</i> L.	فیلزهرج - لوقیون	زر. - طبیا.
--	------------------	-------------

۱۴۰۳ - فیلون:

۱۴۰۴ - فیلطس: نام دیگر آن: نزد گیاهشناسان اندلس: ذنب الجِداة

### حرف «ق»

۱۴۰۵ - قاتل ایبه، قاتل ایبه، قاتل ایبه: نام های دیگر آن: قوماروس - اطيوس - قطلب - وجه تسمیه آن: برای ماندن آن روی درخت تا پیدایش جوانه های تازه است.  
قوماروس: به معنای «طُعْمَة الحَمراء» است و نام میوه آن «جَنَى الاحمر» و «قاتل ایبه» است و به درخت آن «شجر القَطَلَب» گویند، نام رومی آن «قاماریون» است و اهالی اندلس آن را «عصیر الدب» و عامه مغرب «آسانشوا» نامند و به زبان لاتینی عمومی «مَطْرُونِه» (*Matromus*) نام دارد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۲۱ - ۱]

<i>Arbutus</i> sp.	قاتل ایبه، قَطَلَب، قَطَلَب، بَج	الموسوعه
<i>Arbutus unedo</i> L.	قاتل ایبه	زر. - طبیا.
<i>Arbutus unedo</i> L.	قومارس - قاتل ایبه	دیسکورید

۱۴۰۶ - قاتل الدب: نام های دیگر آن: بارویشا - بارونوخیا، از اسم داحس گرفته شده چون موجب بهبودی آن است.

<i>Paronychia serpyllifolia</i> D.C.	قاتل الدب - باروخیا	زریاب
--------------------------------------	---------------------	-------

۱۴۰۷ - قاتل العلق: نوع ماده «أناغلس» با گل آبی است.

۱۴۰۸ - قاتل الكلب، قاتل الكلب: نام های دیگر آن: خائق الكلب، کرنب الكلب - سطاخیس [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۳: به «خائق الذئب» و «خائق الكلب» رجوع شود.]

<i>Apocynum erectum Vell.</i>	افوقونن - عنب الکلاب - قاتل الذئب	دیسکورید
<i>Colchicum autumnale</i>	قاتل الکلب، سورنجان الخریف، حَمَل	الموسوعه

- ۱۴۰۹ - قاتل النحل<sup>ع</sup>، قاتل النحل<sup>ب</sup>: گویند نام «نیلوفر» است.<sup>ع</sup>  
 ۱۴۱۰ - قاتل نفسه<sup>ع</sup>، خائق نفسه<sup>ب</sup>: نوعی از «أشَق» است.<sup>ع</sup>  
 ۱۴۱۱ - قارة<sup>ع</sup>: نام دیگر آن به یونانی: سطاخیس<sup>ع</sup>

<i>Carya sp.</i>	فار	الموسوعه
------------------	-----	----------

- ۱۴۱۲ - قاطانیقی<sup>ا</sup>، قاطانقی<sup>ب</sup>: قابانیقی واژه‌ای یونانی و به معنای «کف العقاب»<sup>ع</sup> است.<sup>ا</sup>  
 ۱۴۱۳ - قاقالیا<sup>ع</sup>:

<i>Cacalia sp.</i>	قاتل، قاقالیا	الموسوعه
--------------------	---------------	----------

- ۱۴۱۴ - قاقله<sup>ا</sup>، قاقله<sup>ب</sup>، قاقله<sup>ج</sup>، قاقله<sup>د</sup>، قاقله<sup>هـ</sup>، قاقله<sup>و</sup>، قاقله<sup>ز</sup>، قاقله<sup>ح</sup>، قاقله<sup>ط</sup>، قاقله<sup>ث</sup>، قاقله<sup>ج</sup>، قاقله<sup>د</sup>، قاقله<sup>هـ</sup>، قاقله<sup>و</sup>، قاقله<sup>ز</sup>، قاقله<sup>ح</sup>، قاقله<sup>ط</sup>، قاقله<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: شوشمیر<sup>ب</sup> - یونانی: قطییداوس<sup>ا</sup> - سریانی: شررفیون<sup>ا</sup>، شوشما<sup>ا</sup> - عربی: هال<sup>ا</sup> - فرنگی: کردموم<sup>ا</sup> - فارسی: هیل<sup>ا</sup> - هندی: لایچی<sup>ا</sup>، کوکولوتلا<sup>ب</sup> - کوچک آن را «ایل» و در صورت داشتن غلاف «ایلنجی» گویند نام عربی آن «ملیح» است.<sup>ب</sup> نوع بزرگ آن را عوام «قاع قُلا» گویند.<sup>ب</sup> نام‌های دیگر آن «شمشیر» و «قاقله صغیر» است.<sup>ع</sup>

قردامون: نام‌های دیگر آن: قردمانا - کرویا جلیه - قرنباد - قرنفاد - عرب به آن «قاقله» گوید. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۵]

<i>Elletaria cardamomum White &amp; mat.</i> <i>Amomum melegueta Ros.</i>	نوع کوچک نوع بزرگ	قردامون - قردمانا - قرنباد کرویا جلیه - قرنفاد - قاقله	دیسکورید
<i>Chaerophyllum sp.</i>		قردمانا	پارسا
<i>Amomum sp.</i>		هال، هیل، هیلوا، قاقله، شوشمه، شوشمیر	الموسوعه
<i>Eletaria cardamomum White &amp; mat.</i> <i>Amomum granum-paradisi L.</i>		قاقله قاقله ذکر	طباطبائی
<i>Eletaria cardamomum White &amp; mat.</i> <i>Amomum repens Son</i>		قاقله - ایل - ملیح	زریاب
<i>Eletaria cardamomum</i> <i>Amomum melegueta Ros.</i>		قاقله صغیره قاقله کبیره	خطابی

- ۱۴۱۵ - قاقلی<sup>ا</sup>، قاقلی<sup>ب</sup>، قاقلی<sup>ج</sup>، قاقلی<sup>د</sup>، قاقلی<sup>هـ</sup>، قاقلی<sup>و</sup>، قاقلی<sup>ز</sup>، قاقلی<sup>ح</sup>، قاقلی<sup>ط</sup>، قاقلی<sup>ث</sup>: (نامی قبطی) نام‌های دیگر آن: عربی: قلام کرمان<sup>ا</sup>، فلاح<sup>ا</sup>، رجل الفروج<sup>ا</sup> - فارسی: کاکل<sup>ب</sup>، کاکسر<sup>ب</sup>، شابانک<sup>ب</sup> - فارسی و ترکی: شوردا<sup>ب</sup> - یونانی: مروسیون<sup>ب</sup> - رومی: اوردقیون<sup>ب</sup>

<i>Cacalia verbascifolia Sib.</i> <i>Rumias kakile L.</i> <i>Cakile maritima Sco.</i>	قاقلی - کاکل	زر - طب.
---	--------------	----------





<i>Momordica elaterium L.</i> = <i>Cucumis asininus Willd.</i>	قثاء الحمار - اصفهان: کوزسگی، کموزکمل، خرخیار	پارسا
<i>Momordica elaterium L.</i> <i>Ecballium elaterium</i> <i>Elaterium officinale</i> <i>Elaterium agreste</i>	قثاء بری، قفوس الحمیر، عوزور، اطرِبون	الموسوعه
<i>Ecballium elaterium Rich.</i> <i>Momordica elaterium L.</i>	قثاء الحمار	زریاب
<i>Ecballium elaterium Rich.</i>	قثاء الحمار	خزایی

۱۴۲۱ - قثاء الحیة<sup>۱</sup>، قثاء الحیه<sup>۲</sup>: نام دیگر آن: زراوند الطویل<sup>۳</sup>  
 ۱۴۲۲ - قثد<sup>۴</sup> (نامی عربی) قثل<sup>۵</sup>، خیارس<sup>۶</sup>، جلجمانا<sup>۷</sup>، قثد<sup>۸</sup>، بزر القثد<sup>۹</sup>، جلمات<sup>۱۰</sup>، قثد<sup>۱۱</sup>، خیارس<sup>۱۲</sup>:  
 نام‌های دیگر آن: عربی: قثد<sup>۱۳</sup> - فارسی: خیارس خوراکی<sup>۱۴</sup>، خیارس باذرنگ<sup>۱۵</sup> - شیرازی: خیارس دراز<sup>۱۶</sup>، خیارس بالنگ<sup>۱۷</sup> -  
 خراسانی: خیارس باذرنگ<sup>۱۸</sup> - هندی: کھپرا<sup>۱۹</sup> - فرنگی: ککو ابرس<sup>۲۰</sup> - رومی: تیطرا انگورن (*Tetrageuron*)<sup>۲۱</sup>،  
 کیطروناکوس<sup>۲۲</sup> - عراق: خیارس<sup>۲۳</sup> - حجاز: قثد<sup>۲۴</sup> - خراسان: خیارس باذرنگ<sup>۲۵</sup> - نام‌های بذر آن: تخم خیارس<sup>۲۶</sup> - شیرازی: خیارس  
 بالنگ<sup>۲۷</sup> - "رازی" می‌گوید: «جلجمانا» نام «خیارس» است.<sup>۲۸</sup> - در الانبیه آمده: «قثد» را «خیارس» گویند.<sup>۲۹</sup>

<i>Cucumis sativus L.</i>	قثد - خیارس	زر - الم - طباء
---------------------------	-------------	-----------------

۱۴۲۳ - قذروس<sup>۳۰</sup>: نام دیگر آن: شجر القطران<sup>۳۱</sup>

<i>Cedrus libani Bar.</i> <i>Juniperus oxycedrus L.</i>	قذروس - شجر القطران	زریاب
--	---------------------	-------

۱۴۲۴ - قثی<sup>۳۲</sup>: (نام دانه)

۱۴۲۵ - قدح مریم<sup>۳۳</sup>، قدح مریم<sup>۳۴</sup>: نام دیگر آن: یونانی: قوطولون<sup>۳۵</sup>

۱۴۲۶ - قراض<sup>۳۶</sup>، قراض<sup>۳۷</sup>، قراض<sup>۳۸</sup>: «ابوقتیبة» آن را «بابونج» می‌داند و غیر او آن را نامی برای «أقحوان»<sup>۳۹</sup>.

<i>Utrica pillulifera L.</i> <i>Anthemis nobilie L.</i> <i>Matricaria chamomilla L.</i>	قراض	زریاب
<i>Utrica sp.</i>	قراض، قریص، حریق، أنجزة	الموسوعه

۱۴۲۷ - قراضیا<sup>۴۰</sup>، قراضیا<sup>۴۱</sup>، قراضیا<sup>۴۲</sup>، قراضیا<sup>۴۳</sup>: نام‌های دیگر آن: اهالی صقلیه: قراضیا البعلبکیة<sup>۴۴</sup> - جراسیا<sup>۴۵</sup> - رومی:  
 کراسیا<sup>۴۶</sup>، قراضیا<sup>۴۷</sup>، قراضیا<sup>۴۸</sup> - اهل صقلیه: چراسیا<sup>۴۹</sup> - اهل مغرب و اندلس و فاس: حب الملوک<sup>۵۰</sup> - اهل دمشق:  
 قراضیا<sup>۵۱</sup>، قراضیا بعلبکی<sup>۵۲</sup> - فارسی: گنار (گیله نار)<sup>۵۳</sup> - شیرازی: آلی باقلی<sup>۵۴</sup> - به فارسی شیرین آن را «گیلاس» و ترش  
 آن را «آلبوعلی» و عوام آن را «آلبالو»، «آلبولی» و «آلی بالی» گویند.<sup>۵۵</sup> - سه نوع بود شیرین، ترش و عفس<sup>۵۶</sup>

<i>Cerasus avium L.</i>	آلبالو	پارسا
<i>Prunus avium L.</i>	گیلاس - خلار - علی کک - آلو کک	پارسا



<i>Lagoecia cuminoides L.</i>		قردمانا - قرطمانا - قردامومون	زریاب
<i>Elletaria cardamomum Wh.&amp;ma.</i>	نوع کوچک	قردامومون - قردمانا - کرویا جبلیه	دیسکوریڈ
<i>Amomum melegueta Ros.</i>	نوع بزرگ	قربناد - قرفناد - (قالقه)	
<i>Cardamina amara L.</i>		خَسَاة، قُرْدَمَانَا، قَرْبِنَاد، قَرْفَنَاد، (قالقه)	الموسوعه
<i>Cardamina sp.</i>		قُرْدَمَانَا	EN.

۱۴۳۵ - قَرَضَعَنَه (نامی عربی)، شوکه زرقاء، شوکه یهودیه، قرصعنه، قرصونه: نام‌های دیگر آن: حافظ النحل - اهل شام: شوکه ابراهیم، شجره ابراهیم - فرنگی: اریزجیم - عامه اندلس: شوکه ابراهیم - بقله یهودیه - نوعی از آن: نفاع الحمل - دیسکورید: ایرنجی - چند قسم است: نام نوعی از آن: فارسی: بیوه‌زا - نام نوعی: قرصعنه جبلی - نام‌های نوعی دیگر: قرصعنه مسدس - مازندرانی و لنگ و تنکابن: ششکاک (مخفف شش شاخ) نوعی از خار و دارای انواع بسیار است و در سنگستانها و زمینهای خشن و در ریگ بومها روید... بیخ آن به درازی سه گزیل یا زیاده است و مؤلف گوید به زبان قومی که زنبور عسل می‌دارند آن را «خارخسک» گویند و به شیرازی «سزه» و در صحراهای شیراز بسیار بود و زنبور عسل گل وی را دوست دارد.

ایرنجی (*Erunge*) گیاه خاردار با نام سریانی «قَرَضَعَنَه» (*Qersa anna*) و نام‌های «شوکه السوداء» و «شوکه اليهودیه» و «شوکه الزرقاء» است و دارای دو نوع سفید و آبی است و در برخی از کتاب‌های پزشکان با نام «جَنْبِ قَابِظَه» (*Centumcapita*) آمده که آنها نیز دو نوع سفید و آبی آن را تأیید کرده‌اند و به لاتینی به آن «پِرَاطَه» (*Piperito*) یعنی «شوکه المُقْلَقَل» گویند و آن گیاهی از شهرهای اسکندریه است و جالینوس آن را «ایرنجان» نامیده است. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۲۱]

<i>Eryngium creticum</i>	قَرَضَعَنَه، قَرَضَعَنِي، شوک عَرَبِي، شِنْدَاب اَكْرِي
--------------------------	---

۱۴۳۶ - قُرْطُ، قُرْطٌ، قُرْطٌ، قُرْطٌ: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: شیدر، شیدار - اصفهانی: شوذر - نام میوه آن: رسین - نوعی در مصر به نام «ذراع» و میوه آن به نام «رسیم» است.

<i>Trifolium alexandrium L.</i>	قرط	زریاب
<i>Melilotus parviflora</i>	خندقوق صغير الزهر، قُرْط، مَحْيَلِيَه	الموسوعه

۱۴۳۷ - قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم: نام‌های دیگر آن: سریانی: خریما، کشنی - فارسی: کاکیان، کاهیان، کارجله - جالینوس: قنیقوس - عربی: احریضه، قِرْطُم، حب العصفرة، بردالحریض - فارسی: خسک دانه، تخم کافشه - گیلانی: تخم کاجره، تخم کازیره - هندی: کروکسینه، کابیچ - رومی: قنطادوس - یونانی: اطرقطوس، فنیفس - نام نوع بری: فنیفس اغریون (یعنی اصفر بری) - فاس: عَصْفَرَه

<i>Carthamus tinctorius L.</i>	قرطم	ز. - خ. - ط.
<i>Carthamus sp.</i>	قُرْطُم، قِرْطُم، اَحْرِیض، بَهْرَم، بَهْرَمَان، مَرْتَق	الموسوعه
<i>Carthamus sp.</i>	قُرْطُم	EN.

۱۴۳۹ - قُرْطُم بری، قُرْطُم بری، قرطم بری، طریفا: نام‌های دیگر آن: سجزی: سونک - در کتاب دیسکورید: اطرقطولس - یونانی: انطرقطولس، فیفن اغریون - شیرازی: انکر، نکریز

<i>Carthamus lanatus L.</i>	قرطم بری	زر. - طب.
<i>Carthamus lanatus L.</i> <i>Kentrophyllum lanatum</i>	قرطم صوفی، شوارب، عتتر، قرطم بری	الموسوعه

۱۴۴۰ - قرطم هندی<sup>۴</sup>، قرطم هندی<sup>۵</sup>: گویند نام «حب النيل» است<sup>۶</sup> و می گویند دانه ای است که از هند می آورند.<sup>۷</sup>  
 ۱۴۴۱ - قُرطمان، قُرطمان، قُرطمان، قُرطمانا، هرطمان، هرطمان، هرطمان: ؟ معرب «هرطمان» فارسی است.<sup>۸</sup> نام دیگر آن: فاس: خرطال<sup>۹</sup> - گویند همان «جلبان» است.<sup>۱۰</sup>

<i>Avena sativa L.</i>	خزطال زراعی، شوفان زراعی، قُرطمان	الموسوعه
<i>Avena sativa L.</i> <i>Avena fatua L.</i>	قُرطمان مزروعی قرطمان بری	خطابی

۱۴۴۲ - قُرط، قُرط، قُرط، قُرط، قُرط، قُرط، سبت<sup>۱۱</sup>: قرظ معرب «کرت» فارسی است.<sup>۱۲</sup> - نام های دیگر آن: فارسی: بزغند<sup>۱۳</sup> - عربی: سبت<sup>۱۴</sup> - سریانی: خفجر و میثا<sup>۱۵</sup> - یونانی: عرصمودون<sup>۱۶</sup> - هندی: کیکر<sup>۱۷</sup> - مصری: سنط، صنط، نام های میوه: سنط<sup>۱۸</sup> - قرظ - هندی: کیکر کارس<sup>۱۹</sup> - میوه «شوکه مصریه» معروف به «سنط» است. نام عصاره میوه: اقاقیا<sup>۲۰</sup> - هندی: کیکر<sup>۲۱</sup> - فرنگی: اکاکیا<sup>۲۲</sup> - «صمغ عربی» از این گیاه است.<sup>۲۳</sup> خار مصریست که آن را «سنط» گویند و از ثمره آن عصاره می گیرند و آن را «اقاقیا» گویند.<sup>۲۴</sup>

<i>Acacia arabica W.</i> <i>Mimosa arabica Lam.</i> <i>Mimosa nilotica L.</i>	سنط عربی، قُرظ، شوکه قیطیه	الموسوعه
<i>Acacia arabica W.</i> <i>Mimosa arabica Lam.</i> <i>Mimosa nilotica L.</i>	قرظ	زریاب
<i>Acacia arabica W.</i> <i>Mimosa nilotica L.</i>	قرظ	خطابی
<i>Mimosa nilotica L.</i>	قرظ	EN.

۱۴۴۳ - قرظ: نوعی «رطبه» است که در مصر می کارند و برگ آن بزرگتر از «رطبه» است و چهارپایان آن را می خورند و فربه می شوند.<sup>۲۵</sup>

۱۴۴۴ - قرع، قرع، قرع، قرع، قرع، قرع، یقطین<sup>۲۶</sup>، حب القرع: نام های دیگر آن: عربی: قرع<sup>۲۷</sup> - فارسی: کدو<sup>۲۸</sup> - هندی: کدو، قیرع<sup>۲۹</sup> - ترکی: قباق<sup>۳۰</sup> - سریانی: قرا، قرا<sup>۳۱</sup> - رومی: فلوقرنیا، قولوقونتا<sup>۳۲</sup> - یونانی: قروفای، قلوبیا، قولوقونطس<sup>۳۳</sup> - گیاه به عربی «یقطین» و میوه آن «دبا» نام دارد. دارای انواعی است: نام های نوعی: فارسی: کدوی تلخ<sup>۳۴</sup> - هندی: تونبری<sup>۳۵</sup> - عربی: قرع المر<sup>۳۶</sup> - نام های نوعی به هندی: دیسندس<sup>۳۷</sup> - نام های نوع دیگر به هندی: پیتفه<sup>۳۸</sup> - بنگالی: کونده<sup>۳۹</sup> - نام های نوعی: مزوبه<sup>۴۰</sup> - فارسی: کدو مکه<sup>۴۱</sup> - هندی: کدیمه<sup>۴۲</sup>

<i>Cucumis colocynthis L.</i> = <i>Citrullus colocynthis Schrad.</i>	کدو بیابانی	پارسا
<i>Cucurbita pepo L.</i> <i>Cucurbita langeneria</i>	کدو کدو سراجی	پارسا
<i>Cucurbita sp.</i>	قرع، یقطین	الموسوعه

<i>Cucurbita maxima Duch.</i>	قرع	زریاب
<i>Cucurbita maxima Duch.</i> <i>Cucurbita pepo L.</i>	قرع	زر. - طبا.

۱۴۴۵ - قِرفه<sup>۱</sup>، قرفه<sup>۲</sup>، قرفه<sup>۳</sup>: نوعی دارصینی<sup>۴</sup> - نام‌های دیگر آن: هندی: طج<sup>۵</sup>، تج<sup>۶</sup> - سندی: حادطج<sup>۷</sup>

<i>Cinnamomum zeylanicum N.</i>	قرقه	زر. - طبا.
---------------------------------	------	------------

۱۴۴۶ - قرقسیون<sup>۸</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: کُبابه<sup>۹</sup> - گروهی تصور می‌کنند نام «بسباسة» است ولی اینچنین نیست.<sup>۱۰</sup>  
۱۴۴۷ - قِرْقِمَان<sup>۱۱</sup>، قرفمان<sup>۱۲</sup>: ؟ در درون تنه درخت مقل حجازی و صعیدی و خرما بوجود می‌آید.<sup>۱۳</sup>  
۱۴۴۸ - قَرْم<sup>۱۴</sup>، قَرْم<sup>۱۵</sup>: (۱)<sup>۱۶</sup>.

<i>Avicennia officinalis L.</i> <i>Seura marina Fo.</i>	قرم	زریاب
--	-----	-------

۱۴۴۹ - قَرْنَقْل<sup>۱۷</sup>، قرنفل<sup>۱۸</sup>، قرنفل<sup>۱۹</sup>، قرنفل<sup>۲۰</sup>، قرنفل<sup>۲۱</sup>: ؟ دو جنس است نر و ماده<sup>۲۲</sup> - نام‌های دیگر آن: هندی: لَوْنِگ<sup>۲۳</sup>، لونکهل<sup>۲۴</sup>، لونک<sup>۲۵</sup>، بانکریزی کلوف<sup>۲۶</sup> - قرنفل<sup>۲۷</sup> - یونانی: غرنیواس<sup>۲۸</sup> - رومی: قرفلون<sup>۲۹</sup> - فارسی: میخک<sup>۳۰</sup>

<i>Clinopodium montanum (L.) Kuntz.</i>	حب القرنفل	پارسا
<i>Eugenia aromatica Baill.</i> <i>Eupatoria cannabinum L.</i>	قرنفل	پارسا
<i>Caryophyllus aromaticus L.</i> <i>Eugenia caryophyllata Thunb.</i>	قرنفل	زر.، EN.
<i>Syzygium aromaticus (L.) Merr.</i>	قرنفل	طباطبانی
<i>Dianthus sp.</i> <i>Eupatoria cannabinum L.</i>	قرنفل	الموسوعه
<i>Dianthus caryophyllus L.</i> <i>Eugenia caryophyllata</i>	قرنفل	خطابی

۱۴۵۰ - قرنفل شامی<sup>۳۱</sup>: نام دیگر آن: قرنفلیه<sup>۳۲</sup> (نامی مغربی)

۱۴۵۱ - قَرْنَوَه<sup>۳۳</sup>: گروهی گفته‌اند نام «هَرْنَوَه» است.<sup>۳۴</sup>

۱۴۵۲ - قرون السنبل<sup>۳۵</sup>، قرون السنبل<sup>۳۶</sup>: ؟ برخی گویند نوعی «سنبل سفید» است کشته شده است و در میان «سنبل» یابند و گویند بیخ «خانق النمر» است و صاحب منهاج گوید دواء کشته شده است.<sup>۳۷</sup> [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید): به «سنبل» رجوع شود.]

<i>Nardostachys sampharitke</i>	ناردس سنفاریطیمی - سنبل - قرون السنبل	دیسکورید
---------------------------------	---------------------------------------	----------

۱۴۵۳ - قَرَّاح<sup>۳۸</sup>، قَرَّاح<sup>۳۹</sup>: (نامی مغربی) نوعی «رازیانج» که مورد چرای شتر قرار می‌گیرد.<sup>۴۰</sup> نام دیگر آن: اعراب افریقا: علجان<sup>۴۱</sup> - شیراز: کهه<sup>۴۲</sup>، کهه<sup>۴۳</sup> - قرون<sup>۴۴</sup>

۱۴۵۴ - قَس: نام لبلاب بی ثمر<sup>۱</sup>۱۴۵۵ - قَسا: نام دیگر سلیخه<sup>۲</sup>

قَسِیا (Kassias): نام «سلیخه» است و دارای انواع مختلفی است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳]

<i>Cinnamomum zeylanicum</i> Var.	قَسا - سلیخه	زریاب
<i>Cinnamomum cassia</i> Boiss.		
<i>Cinnamomum cassia</i> Boiss.	قَسِیا - سلیخه	دیسکورید

۱۴۵۶ - قَسب<sup>۳</sup>: نوعی «تمر» (خرما) در عراق<sup>۴</sup>

۱۴۵۷ - قُسْط<sup>۵</sup>، نَسْط<sup>۶</sup>، قَسْط<sup>۷</sup>، قَسْط<sup>۸</sup>، قَسْط<sup>۹</sup>، قَسْط<sup>۱۰</sup>، قَسْط<sup>۱۱</sup>، قَسْط<sup>۱۲</sup>، قوشیا<sup>۱۳</sup>: معرب «قسطس» یونانی یا «کتهه» هندی است. <sup>۱۴</sup> - نام های دیگر آن: یونانی: قسطس<sup>۱۵</sup> - قسط<sup>۱۶</sup> - کسط<sup>۱۷</sup> - کست<sup>۱۸</sup> - سریانی: قوشنا<sup>۱۹</sup>، قشنا<sup>۲۰</sup> - فارسی: کوشنه<sup>۲۱</sup> - فرنگی: کست<sup>۲۲</sup> - هندی: کتهه<sup>۲۳</sup>، کت<sup>۲۴</sup> - رومی: قسطوس<sup>۲۵</sup>، الکن<sup>۲۶</sup> - نام نوعی از آن: زَیْلَمَی<sup>۲۷</sup> - دارای سه قسم است: «قسط هندی»، «قسط بحری» یا «قسط عربی» و نوعی از آن سمی است. <sup>۲۸</sup> «غسانی» می گوید: قسط دارای دو نوع شیرین و تلخ است نوع شیرین نوعی «کَلْخ» و دارای گل آذین چتر است و نوع تلخ معروف به نوع هندی یا نوع سیاه با گل هایی به رنگ زرد و بوی تند و با طعمی تلخ است. و برخی گویند منظور از این نوع ریشه های «حنظل» است. <sup>۲۹</sup> «اسحاق بن عمران» گوید: «قسط» دو نوع است یکی سفید به نام بحری و دیگری نوع هندی است. <sup>۳۰</sup> و آن دارای انواع مختلفی است که همگی بیخ هستند (ریشه های آن ها مورد استفاده است) یک نوع عربی بود و آن را «قسط بحری» خوانند و آن سفید رنگ است و یک نوع هندی و سیاه رنگ است و آن را «قسط مر» خوانند و به پارسی «قسط تلخ» گویند و بغایت تلخ است و سنگ وزن باشد و صاحب جامع گوید «قسط هندی» سیاه شیرین است و «قسط بحری» سفید و تلخ است و این اشتباه و خطا است. «قسط سفید» شیرین است و آن نوع رومی می باشد و «قسط سیاه» تلخ و هندی است و یک نوع دیگر مایل به سیاه و دارای بوی «صبر» است. <sup>۳۱</sup>

قُسْطُس (Kostos): نام «قُسْط» و «كُشْط» و «كُشْت» است و در سه نوع عربی، هندی و شامی است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱۶-۱۷]

<i>Aucklandia costus</i> Fal.	قسط - کسط - کست	زریاب
<i>Saussurea lappa</i> Clarke		
<i>Costus albus</i> A. Chev.	قسط شیرین	پارسا
<i>Costus amarum</i> Rad.	قسط کشمیری - قسط تلخ	پارسا
<i>Cistus ladaniferus</i>	قسط	طباطبائی
<i>Costus speciosus</i> Sm.	قسطس - قسط - کسط - کست	دیسکورید
<i>Costus arabicus</i> L.	قسط	خطبائی

۱۴۵۸ - قَسْطَرُون<sup>۳۲</sup>، طروفون<sup>۳۳</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: قسنخروطون<sup>۳۴</sup>، یعنی متعددی به آتش، زیرا در مکان های سرد می روید. رومی: برطانیقی<sup>۳۵</sup>، رسماریتا<sup>۳۶</sup> - لاتینی: بِنْتَرَقَه<sup>(۱)</sup> - برطانیقی

قَسْطَرُون (Kestron): این گیاه را اهالی اندلس و مغرب به این نام می شناسند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۸]

<i>Stachys betonica</i> Benth.	قسطرون	دیسکورید
<i>Betonica officinalis</i> L.	قسطرون	EN.

۱۴۵۹ - قسوس<sup>۴</sup>، قسوس<sup>۵</sup>، یذره<sup>۶</sup>، یذره<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: جَبَل المساکین<sup>۸</sup> - لبلاب الکبیر<sup>۹</sup> - یذره از انواع «قسوس» و از جنس «لبلاب» است.<sup>۱۰</sup>

<i>Hedera helix</i>	قسط	طباطبائی
<i>Hedera helix</i>	یذره	خطابی

۱۴۶۰ - قشبة<sup>۱۱</sup>: (نامی حجازی)

<i>Ashbia gossypii</i> <i>Nematospora corylii</i> <i>Spermophthora gossypii</i> <i>Eramothecium ashybii</i>	قشبة، قشبة	الموسوعه
--	------------	----------

۱۴۶۱ - قشر ترجمه<sup>۱۲</sup>: (نامی فارسی)

۱۴۶۲ - قصاص<sup>۱۳</sup>: نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: قوطس<sup>۱۴</sup>

<i>Medicago arborea Mill.</i>	فضة مُشجَّرة، قصاص	الموسوعه
-------------------------------	--------------------	----------

۱۴۶۳ - قَصَب<sup>۱۵</sup>، قَصَب<sup>۱۶</sup>، قَصَب<sup>۱۷</sup>، قَصَب<sup>۱۸</sup>، قَصَب<sup>۱۹</sup>، قَصَب<sup>۲۰</sup>، قَصَب<sup>۲۱</sup>، قَصَب<sup>۲۲</sup>: اصل القصب<sup>۲۳</sup> (نامی عربی)، یَرَاع<sup>۲۴</sup>، یَرَاع<sup>۲۵</sup>: نام‌های دیگر آن: بیخ نی<sup>۲۶</sup> - سریانی: قنا<sup>۲۷</sup> - یونانی: اثونبون<sup>۲۸</sup>، قالاظ<sup>۲۹</sup> - رومی: فلاوس<sup>۳۰</sup> - فارسی: نی<sup>۳۱</sup> - ترکی: قابیش<sup>۳۲</sup> - هندی: سرکنده<sup>۳۳</sup>، نل<sup>۳۴</sup> - فرنگی: برونده<sup>۳۵</sup> - نوع بسیار بزرگ آن به هندی «بانس» و متوسط آن «ترله بانس» است.<sup>۳۶</sup> «غسانی» می‌گوید: دارای انواع مختلفی است نوع توپر و سخت آن را «قَش» می‌نامند و در ساختن تیر و قلم از آن استفاده می‌شود و نوعی توخالی و زود شکننده است و عوام فاس به آن «قصب الریح» گویند و برای حصیر بافی از آن استفاده می‌کنند.<sup>۳۷</sup> «دیسکورید» می‌گوید: نام نوعی از آن «نسطوس» و نوعی دیگر «نلس» است و آن پایه ماده می‌باشد.<sup>۳۸</sup>

<i>Arundo phragmites L.</i> <i>Arundo donax L.</i> <i>Phragmites communis Trin</i>	بوص، قصب	الموسوعه
<i>Arundo phragmites L.</i> <i>Arundo donax L.</i> <i>Phragmites communis Trin</i>	قصب	زریاب
<i>Arundo donax</i>	قصب الهند	خطابی
<i>Phragmites communis</i>	قصب السیاح	خطابی
<i>Acorus calamus</i>	قصب	EN.

۱۴۶۴ - قصب الدزیره<sup>۳۹</sup>، قصب الدزیره<sup>۴۰</sup>، قصب الدزیره<sup>۴۱</sup>، قصب الدزیره<sup>۴۲</sup>، قصب الدزیره<sup>۴۳</sup>، ذریره<sup>۴۴</sup>، قَمَّحَة<sup>۴۵</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: نی نهانندی<sup>۴۶</sup>، برکینبه<sup>۴۷</sup> - عربی: قصب بوا<sup>۴۸</sup> - سریانی: قساریسما<sup>۴۹</sup> - یونانی: ارمنیقون<sup>۵۰</sup>، قالاس<sup>۵۱</sup> - رومی: اقیاقیلونی<sup>۵۲</sup> - هندی: چرایتا<sup>۵۳</sup>، چرایته<sup>۵۴</sup> - فرنگی: کالدوم ارمانک<sup>۵۵</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: قالاموس اروماتیقوس<sup>۵۶</sup> - قصب الدزیره<sup>۵۷</sup> - قمحه<sup>۵۸</sup> - نام نوع دیگر آن به هندی نیپال<sup>۵۹</sup> است.

فلاُمس اُروماتیکس (*Kalamos aromatikos*): قصب الزریرة - قلماس - قُمَحَة [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۸]

<i>Acorus calams L.</i> <i>Andropogona martini</i>	قصب الذریره	طب. - خط.
<i>Swertia chirata Ham.</i> <i>Acorus calams L.</i> <i>Andropogona martini Roxb.</i>	قصب الزریره	زریاب
<i>Acorus calams L.</i>	فلاُمس اُروماتیکس، قصب الزریره	دیسکورید
<i>Acorus calams L.</i> <i>Acorus aromaticus Gilib.</i>	عود الوَج، عَزَق اُكُور، وَج، اُیکر، قصب الزریره	الموسوعه
<i>Calamus aromaticus</i>	قصب الزریره	EN.

۱۴۶۵ - قَصَب السُّكَّر، قَصَب السُّكَّر، قَصَب السُّكَّر، قصب السكر<sup>۴</sup>، قصب السكر<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: نیشکر<sup>۴</sup> - هندی: اوکھے، کاندہ، کنه، پوندا<sup>۴</sup> - نام عصاره: عسل القصب<sup>۴</sup>

<i>Saccharum officinarum L.</i>	قصب السكر	ز. - خ. - ط.
<i>Saccharum officinarum L.</i>	قصب السُّكَّر، مُصَان، بَزُوم	الموسوعه

۱۴۶۶ - قُضَاب مِصری<sup>۴</sup>، قُضَاب مِصری<sup>۴</sup>: در مصر نام عربی نوع بزرگ آن «عصی الراعی» است.<sup>۴</sup> «ابن بیطار» می گوید: «قُضَاب» تنها در شهرهای مصر وجود دارد و آنگونه که عده می پندارند «عصا الراعی» نیست، بلکه گیاهی است که دیسکورید در مقاله چهارم خود آن را به یونانی «قَلِمَاصِیس» نامیده است.<sup>۴</sup>

<i>Vinca minor</i>	قُضَاب صغیر، قُضَاب مِصری	الموسوعه
--------------------	---------------------------	----------

۱۴۶۷ - قُضَب<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: رطبة و فصفصة<sup>۴</sup>

<i>Medicago sp.</i>	قُضَب، فِصَّة، رَطْبَة، فِصْفَصَة	الموسوعه
---------------------	-----------------------------------	----------

۱۴۶۸ - قُضَم قَریش<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن قَم قَریش<sup>۴</sup> است که به «بزر تنوب» می گویند و به «خرنوب» نیز می گویند و «صاحب جامع» گوید آن «حب صنوبر صغار» است و در این مورد جای بحث است و گویند «حب صنوبر کبار» است.<sup>۴</sup>

۱۴۶۹ - قَطرات کوئی<sup>۴</sup>: (نامی فارسی)

۱۴۷۰ - قَطْف، قَطْف، قَطْف: (نامی عربی) نام های دیگر آن: در کتاب جالینوس: اطفکسوس<sup>۴</sup> - سریانی: قَطْبَا، قَرطَف<sup>۴</sup> - عربی: سَرْمَق<sup>۴</sup>، معرب از «سلمه» یا نام «سرمک» فارسی است.<sup>۴</sup> - سریانی: قَفْطَا - یونانی: افلیوکیبون، افکرکسیس، اندرافکسیس، اطرافعس<sup>۴</sup> - فارسی: اسفناج رومی<sup>۴</sup> - شیرازی: اسفناج رومی<sup>۴</sup> - هندی: پالک، ککروهن، تبهو<sup>۴</sup>

اُنْدَرَوَافَقْسُس: سَرْمَق - سَرْمَق - بَقَل الرُّوم - بَقَل الذهبی ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۴:

<i>Atriplex hortensis L.</i>	اُنْدَرَوَافَقْسُس، سَرْمَق، قَطْف، بَقَل الرُّوم، بَقَل الذهبی	دیسکورید
<i>Atriplex sp.</i>	سَرْمَق، قَطْف	الموسوعه



<i>Atriplex hortensis L.</i>	قطف ابيض، سمرق ابيض	الموسوعه
<i>Commiphora kataf En.</i> <i>Balsamodendron kataf</i>	قُطْف	الموسوعه
<i>Atriplex hortensis L.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>	قطف - اطفكسوس - قرطف	زرياب
<i>Atriplex hortensis L.</i> <i>Atriplex hastata L.</i>	قطف	طبا.، EN.

۱۴۷۱ - قُطْف بحری، قُطْف بحری<sup>۴</sup>، قُطْف بحری<sup>۵</sup>، تلیش<sup>۶</sup>: نام‌های دیگر آن: مَلُوخ<sup>۷</sup> - شام: ملوح<sup>۸</sup> - یونانی: ملح، لیمون<sup>۹</sup> - ارماس - ملاح  
 اَلیمون (*Halimon*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: مَلُوخ - قُطْف بحری - نام گیاه در کتاب جالینوس: مَلِیْخ [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱-۲]

<i>Atriplex halimus L.</i>	اَلیمون - مَلُوخ - قُطْف بحری - مَلِیْخ	دیسکورید
<i>Atriplex halimus L.</i>	سمرق بحری، قُطْف بحری، حلیم	الموسوعه

۱۴۷۲ - قُطْلَب<sup>۱۰</sup> (نامی شامی)، عصیر الدب<sup>۱۱</sup> (میوه)، قُطْلَب<sup>۱۲</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: قاتل ایبه<sup>۱۳</sup> - به لغت عجمیت اندلس: مطردیه، مطرونیة<sup>۱۴</sup> - اندلس: عصى الدب، عصیر الدب<sup>۱۵</sup> - یونانی: قوماریس، قوماورس<sup>۱۶</sup> - نام‌های میوه آن: جنی الاحمر، جناء الاحمر - قدس: نقیب<sup>۱۷</sup> - یونانی: باقولاً<sup>۱۸</sup>  
 قوماروس (*Komaros*): تفسیر آن «طُعْمَة حَمْرَاء» است و نام دیگر آن «جَنَى الْأَحْمَر» و نوعی از گیاه «قاتل ایبه» است و به آن «شجر القُطْلَب» و به رومی «قاماریون» و به زبان اندلسی به آن «عصیر الدب» و اهالی مغرب به آن «أساستوا» و به لاتینی عمومی «مَطْرُونِيَة» گویند. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱- ۱۳۱]

<i>Arbutus unedo L.</i>	قوماروس، طعمه حمراء، شجر القُطْلَب، قاماریون عصیر الدب، اساسنوا، مطرونیه، قاماریون	دیسکورید
<i>Arbutus sp.</i>	قُطْلَب، قُطْلَب بیخ، قاتل ایبه عصیر الدب، اساسنوا، مطرونیه، قاماریون	الموسوعه

۱۴۷۳ - قُطْن<sup>۱۹</sup> قُطْن<sup>۲۰</sup>، قُطْن<sup>۲۱</sup>، قُطْن<sup>۲۲</sup>، قُطْن<sup>۲۳</sup>، قُطْن<sup>۲۴</sup>، قُطْن<sup>۲۵</sup>، قُطْن<sup>۲۶</sup> (دانه)، طوط<sup>۲۷</sup>، عُطْب<sup>۲۸</sup>، قُضْم<sup>۲۹</sup>، قُطْن<sup>۳۰</sup> (نامی عربی)، کُرْسُف<sup>۳۱</sup>، برس<sup>۳۲</sup>، بَزَس (نوع بری)<sup>۳۳</sup>، حب القطن<sup>۳۴</sup>، عَطْب<sup>۳۵</sup>، قَصْم (نوع کهنه)<sup>۳۶</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: کرسف<sup>۳۷</sup>، برشف، طوط<sup>۳۸</sup>، عصب الحرفع<sup>۳۹</sup>، شحم الارض - نام نوع تازه آن: قوز<sup>۴۰</sup> - نام‌های نوع کهنه آن: قسیم<sup>۴۱</sup> - فارسی: پنبه<sup>۴۲</sup> - ترکی: ماقوق<sup>۴۳</sup>، بینوق<sup>۴۴</sup> - هندی: دوئی<sup>۴۵</sup> - نام گیاه آن: کپاس<sup>۴۶</sup> - نام شکوفه آن: کپاس کاپهول<sup>۴۷</sup> - نام دانه آن: بنوله<sup>۴۸</sup> - خِيسْفُوج<sup>۴۹</sup>، جنس سفوح<sup>۵۰</sup> - فارسی: پنبه دانه

<i>Gossypium herbaceum</i>	قطن	زر - طبا.
<i>Gossypium spp.</i>	پنبه	پارسا
<i>Gossypium sp.</i>	قُطْن، بَزَس، طُوط، عَطُطْب، کُرْسُف	الموسوعه

۱۴۷۴ - قُطیفه<sup>۵۱</sup>: نام دیگر آن: غساقالس<sup>۵۲</sup>

طباطبانی	فَطِيفَه، عصیرالذب، اساسنوا، مطرونيه، قاماریون	<i>Tagetes erecta</i>
----------	--	-----------------------

۱۴۷۵ - قَعْبَلٌ، قَعْبَلٌ، قَعْبَلٌ؟ نام های دیگر آن: یونانی: سقراطیون، سفلاریقون - در کتاب دیسکورید: فنقراطیون<sup>ع</sup> بنقراطیون (*Pankration*): نوعی پیاز «عنصل» است با این تفاوت که کوچکتر از آن است و این گیاه بجای «عنصل» مورد استفاده قرار می گیرد و آن را «فانقراطیون» می نامند. - ابن بیطار در کتاب جامع خود آن را معادل «قعبل» می داند. - [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۴]

دیسکورید	بنقراطیون - فانقراطیون (قعبل)	<i>Panocratium maritimum L.</i>
----------	-------------------------------	---------------------------------

۱۴۷۶ - قَعْنَبٌ، قَعْنَبٌ، قَعْنَبٌ: نام های دیگر آن: عجم اندلس: طرنیه<sup>ع</sup> - اهالی بادیه: لعاس<sup>ع</sup> - نام مشترک با «شیر» و «روپاه نر»<sup>ع</sup> و «ناخن بازو» و گیاهی است که به عجمیت اندلس «طرسه» یا «طرنه» نام دارد.<sup>ع</sup>  
۱۴۷۷ - قفلوط<sup>ع</sup>، قفلوط<sup>ع</sup>: نوعی کزاث شامی<sup>ع</sup>

الموسوعه	كُزَاث عَمَقْلُون، كُزَاث اندلسی، كُزَاث أبوشوشة، قُفلوط	<i>Allium ascalonicum</i>
----------	--	---------------------------

۱۴۷۸ - قَقْوَرٌ، قَقْوَرٌ، قَقْوَرٌ: نباتی است که «قطا» بر آن چرا کند.<sup>ع</sup>  
۱۴۷۹ - قَلَانُشٌ، قَلَانُشٌ، قَلَانُشٌ: نام دیگر آن: خوخ المروج<sup>ع</sup>  
۱۴۸۰ - قَلَامٌ، قَلَامٌ، قَلَامٌ: ملاح<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: عربی: شجرة الفسلین<sup>ع</sup>، مَلَّاحٌ<sup>ع</sup> - كُشْمَلْنَجٌ<sup>ع</sup> - قاقلا<sup>ع</sup>

الموسوعه	قَلَامٌ	<i>Conandron sp.</i>
زریاب	قلام - قاقلا	<i>Cakile maritima Scop.</i>
خطابی	قلام - ملاح	<i>Androsaces sp.</i> <i>Androsaces lactea L.</i>

۱۴۸۱ - قَلْبٌ، قَلْبٌ، قَلْبٌ، قَلْبٌ: نام های دیگر آن: یونانی: لیلیس فرسن<sup>ع</sup> یعنی بذر حجری - عجمیت اندلس: سجس افراغیه<sup>ع</sup> (به معنای «کاسر الحجر») - فارسی: سنگ سبویه<sup>ع</sup> - کلب<sup>ع</sup> - لسواسومر<sup>ع</sup> «ابن ماسویه» می گوید: دانه ای است هندی همانند دانه «کتان» ولی اندکی بزرگتر و تیره رنگ.<sup>ع</sup>  
لیتسفرمن (*Lithospermon*): برگردان عربی این نام یونانی «بزر الحجر» است و به عربی به آن «قَلْب» گویند. زیرا بسیار سخت و سفید است به لاتینی آن را «شخفراغنه» به معنای «کاسر الحجر» شکننده سنگ یا «مَشْطِیه» گویند و این گیاه نهایت اثر را در شکستن سنگ دارد و بذر آن مدور، سخت و براق است و در شهرهای اندلس بسیار یافت می شود و در بازار داروئی خرید و فروش می شود. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۶]

دیسکورید	لیتسفرمن، بزرالحجری، کاسرالحجر، قلب	<i>Lithospermum officinale L.</i>
----------	-------------------------------------	-----------------------------------

۱۴۸۲ - قَلْجُونَةٌ<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن نزد اهالی آفریقا و بعضی از عرب ها: قیروان<sup>ع</sup> - کرنجونه<sup>ع</sup>  
۱۴۸۳ - قَلْسُوْفُوْدِيُونٌ، قَلْسُوْفُوْدِيُونٌ، قَلْسُوْفُوْدِيُونٌ: (نامی یونانی)  
۱۴۸۴ - قَلْقَاسٌ، قَلْقَاسٌ، قَلْقَاسٌ، قَلْقَاسٌ: قَلْقَاسٌ، قَلْقَاسٌ: (نامی عربی) نام های دیگر آن: رومی: قَلْقَاسٌ، اوذی تغس<sup>ع</sup> - سریانی: قَلْقَاسی<sup>ع</sup> - هندی: اروی<sup>ع</sup> - دکهنی: چمکدلا<sup>ع</sup> - بنگالی: کچو<sup>ع</sup> - فاس: قرقاز<sup>ع</sup>



نَرْتَقَس (Narthechos): گیاهی است که در اندلس به نام «کَلَخ الکبیر» معروف است و به آن «شجر القنا» گویند و جالینوس به آن «نارتکس» گوید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۳]

<i>Canna sp.</i>	قنا	الموسوعه
<i>Ferula communis L.</i>	نرتقس - کلخ کبیر - قنا	دیسکورید
<i>Ferula communis L.</i>	قنا	EN.

۱۴۹۳ - قُنَابَری، قُنَابَری، قُنَابَری، قُنَابَری، قُنَابَری (نامی عربی یا نبطی)، برغشت، تملول، شجرة البهق، شجرة البهق، غُمْلول، تمیم، غُمْلول: نام های دیگر آن: نبطی: قُنَابَری - عربی: عملول، قملول، نملول، تملول، غُمْلول، تملول، تملول - فوهق، فوهل، شجرة اللبهق - یونانی: قیهیمالون - سیستان: بچند - ری: هنجمک، کنکران - رومی: قبارومبدوس - خراسانی: برغشت - فارسی: بزندوبخند، برغشت، برغشت - شیرازی: شُبزه، سوده، سوره - اصفهانی: موجه - ژرد - گوزغست<sup>(۱)</sup>

سَقْلِیَاس (Asklepias): جالینوس به آن «قُنَابَری» گوید و در شام نیز به همین نام مشهور است ولی مشخصات آن با «سقلیاس» متفاوت است و من - ابن بیطار - این گیاه را نمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۷]

<i>Lepidium draba L.</i>	قنابری	زر. - طب.
<i>Plumbago europaea L.</i>		
<i>Asclepias vincetoxicum L.</i>	سقلیاس - قنابری	دیسکورید

۱۴۹۴ - قُنْب، قُنْب، قُنْب، شاهدانق، بزر القنّب، شهدانج، شهدانج (بزر)، شهدانج قُنْب (نامی عربی یا معرب کنب فارسی) نام های دیگر آن: ابق - یونانی: ودیفرونس، قنابس، قنابوس - سریانی: قنیرا - رومی: کتانی - فارسی: کنب، بَنک، - هندی: بهنک - ورق الخیار، جزو اعظم، حشیش، حشیشة الفقرا - نشاط افزا، فلک تاز، عرش نما - حبة المساکین - شهوت انگیز - مونس الهموم - پتر اخضر - زمرد رنگ - برگک - مغرب: قنّب - "ابن بیطار" می گوید: نوع سوم «قنّب» را «قنّب هندی» گویند و من غیر از مصر در جای دیگری آن را ندیده ام. - سه نوع بری، بستانی و هندی است. «قنّب هندی» را به شیرازی «بنک» و «سر» و به پارسی «حشیش» و بعضی وی را «حز و اعظم» گویند.

قُنَابَش (Kannabis): نام های دیگر آن عبارتست: قُنْب - شهدانج - شاذانق [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۷]

<i>Cannabis sativa L.</i>	قُنَابَش - قُنْب - شهدانج - شاذانق	دیسکورید
<i>Cannabis sativa L.</i>	قُنْب	EN. ، ال.
<i>Cannabis sylvestris</i>	قُنْب البری	EN.

۱۴۹۵ - قُنْبِیْط، قُنْبِیْط: نام های دیگر آن: فارسی: کلم رومی، کلم کرد - شام و بغداد: بیض العیار

<i>Brassica oleracea var. botrytis</i>	قُنْبِیْط، قُنْبِیْط	الموسوعه
--	----------------------	----------

۱۴۹۶ - قُنْطُورِیون، قُنْطُورِیون، قُنْطُورِیون، قُنْطُورِیون، جتوریة، قنطوریون کبیر، قنطوریون کبیر، قنطوریون صغیر،



۱۴۹۸ - قوطامه<sup>۴</sup>:

۱۴۹۹ - قوطلیدون<sup>۴</sup>، قوطلیدون<sup>۴</sup>، قوطولیدون<sup>۴</sup>: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: یونانی: قومالیون<sup>۴</sup> - مغرب: زلیف الملوک<sup>۴</sup>، بشانق<sup>۴</sup>، اذان القسیس<sup>۴</sup> (زیرا برگ آن شبیه به تراژوئی است که به زبان یونانی «قطولی» نام دارد.)، سفاقیق<sup>۴</sup> - عربی: کاسات<sup>۴</sup> (زیرا برگ آن شبیه به کاسه است).

قوطلیدون (*Kotuledon*): نام دیگر آن «کأس» است زیرا مشابه ظروف کوچکی به نام «سکارج» می باشد و عوام شهرهای ما به آن «المصافق» گویند زیرا برگی پهن دارد و به «اذان القسیس» و «زلائف الملوک» نیز مشهور است.

این گیاه در بام ها و دیوار خانه ها و صخره کوه ها می روید و دو نوع دارد و نوع دوم آن را اهالی مصر «اذنة» (یا ادنه) نامند. [ابن بیطار

[در ترجمه دیسکورید] ۴ - ۸۲]

دیسکورید	قوطلیدون، کأس، اذان القسیس، زلائف الملوک،	<i>Cotyledon lusitanicus Lam.</i>
----------	---	-----------------------------------

۱۵۰۰ - قوفی<sup>۴</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: بخور<sup>۴</sup> - همچنین به درخت «أرز» نیز گفته می شود.

۱۵۰۱ - قوقالس<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: عجمی اندلس: أقبالة<sup>۴</sup>

۱۵۰۲ - قونیزا<sup>۴</sup>، قونیزا<sup>۴</sup>: نام «طباق» است ولی بطریق نام آن را «تنبوت» می داند که اشتباه است.

۱۵۰۳ - قولانی<sup>۴</sup>: «جوی» است که از هندوستان آرند.

۱۵۰۴ - قومن<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: مرز<sup>۴</sup> - رازی: مثلث<sup>۴</sup>

۱۵۰۵ - قیصوم<sup>۴</sup>، قیصوم<sup>۴</sup>، قیصوم<sup>۴</sup>، قیصوم<sup>۴</sup>، قیسوم<sup>۴</sup> (نامی عربی)، اژطمیس<sup>۴</sup>، اژطماس<sup>۴</sup>: نوعی برنجاسف<sup>۴</sup> - نام های

دیگر آن: عربی: قیصوم<sup>۴</sup>، قیسوم<sup>۴</sup>، جنجات<sup>۴</sup>، رطاس<sup>۴</sup> قیسوم<sup>۴</sup> - یونانی: شوصر<sup>۴</sup> - رومی: ارطاماسیا<sup>۴</sup>، اطمینا<sup>۴</sup> -

فارسی: برنجاسف<sup>۴</sup>، بلنجاسف<sup>۴</sup>، برنجاسب<sup>۴</sup>، فلسب<sup>۴</sup>، فریرسب<sup>۴</sup>، بوی ماذران<sup>۴</sup> بوی مادران<sup>۴</sup>، برتراسک<sup>۴</sup> -

شیراز: سرزردک<sup>۴</sup> - سجزستان: بزیر<sup>۴</sup> - هندی: کندنا<sup>۴</sup>، کندمار<sup>۴</sup> - غسانی<sup>۴</sup> می گوید قیسوم دارای انواع فراوانی است در

عین حال در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «شیخ ارمنی» می دانند و عده ای بر این اعتقادند که «افستین» است.

أبروطون (*Abrotonon*): نام «قیصوم» است و دارای دو پایه نر و ماده است و کسی که آن را «برنجاسف» نامیده دچار اشتباه

شده است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۵]

<i>Artemisia vulgaris L.</i>	ارطمیس <sup>۴</sup> - قیسوم - جنجات	زریاب
<i>Achillea fragrantissima Sch.</i> <i>Artemisia abrotonon L.</i>	ابروتون - قیصوم (نوع اول) (نوع دوم)	دیسکورید
<i>Artemisia abrotonon L.</i>	قیصوم، ابروطون، ریحان الأرض، مشک الجن	الموسوعه
<i>Artemisia abrotonon L.</i>	قیصوم	طبایبانی
<i>Artemisia abrotonon L.</i>	قیصوم (ذکر)	خطابی
<i>Achillea fragrantissima Sch.</i>	قیصوم (انثی)	

۱۵۰۶ - قیقهر<sup>۴</sup>، قیقهر<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: قیقهن<sup>۴</sup>، قنقهر<sup>۴</sup>، قیقهر<sup>۴</sup> - عربی: شجر<sup>۴</sup> - فارسی: لعل معبری<sup>۴</sup>

هندی: رال<sup>۴</sup>، دهونه<sup>۴</sup>؟

۱۵۰۷ - قیص<sup>۴</sup>:

۱۵۰۸ - قینا<sup>۴</sup>: نوعی بقلة الحمقاء<sup>۴</sup>



۱۵۱۳ - کافوربویه<sup>ص</sup>: نام دیگر آن: کافور یهودی<sup>ص</sup>

زریاب	کافور بویه	<i>Camphorosma glabrum L.</i>
-------	------------	-------------------------------

۱۵۱۴ - کاکراسینکی<sup>ف</sup>: (نامی هندی)

۱۵۱۵ - کاکنج<sup>ج</sup>، کاکنج<sup>ب</sup>، کاکنج<sup>ا</sup>، کاکنج<sup>د</sup>، کاکنج<sup>ه</sup>، کاکنج<sup>و</sup>، کاکنج<sup>ز</sup>، کاکنج<sup>ح</sup>، حب اللهق<sup>ح</sup>، حب الکاکنج<sup>ح</sup>، قسطولیدون<sup>ح</sup>: معرب «کاکنه» فارسی است. نوعی از اغلاط است.<sup>ث</sup> - نوعی عروس در پرده است.<sup>ث</sup> - نام های دیگر آن: اهالی فارس: عروسک پس پرده<sup>ف</sup> - شیراز: کچومن<sup>ف</sup> - یونانی: اوسفدنون<sup>ف</sup>، بقغاین - سریانی: خمیری مرجا<sup>ف</sup> - رومی: اسقیدولیون<sup>ف</sup> - عربی: جوزالمزج<sup>ج</sup>، حب اللهو<sup>ج</sup>، عیب<sup>ج</sup> - هندی: راجپونکه<sup>ج</sup>، بن پوتکه<sup>ج</sup>، بیر<sup>ج</sup> - لاتینی: هلیله کایم<sup>ف</sup> - مرو: عروس در قبه<sup>ص</sup> - ماوراءالنهر: عروس رزانی<sup>ص</sup>، عروس در پرده<sup>ص</sup> - مغرب: حب اللهو<sup>ب</sup> - حب الثعلب<sup>ب</sup> میفالا فالون<sup>ث</sup> - نام میوه آن: فسولیدس<sup>س</sup> - فاس: حب الثعلب<sup>ب</sup>، حب الذیب<sup>ب</sup> "خوزی" می گوید: دو گونه است: یکی را از ماه و اصفهان و شهرهای سردسیر می آورند.<sup>ج</sup> قاطاجانس<sup>ج</sup> گوید: کاکنج نوعی «حب الثعلب» است که میوه اش سرخ است.<sup>ج</sup> دو نوع است یک نوع به شیرازی «عروس در پرده» خوانند و یک نوع دیگر «کچومن» گویند و بهترین آن بزرگ سرخ کوهی است.<sup>ث</sup> اشبیلی<sup>ث</sup> می گوید: دارای انواعی است

۱ - بستانی با نام های: حب الثعلب البستانی - القیابن - سطررخنس - أبالش - فسولیدوس ۲ - نوع جیلی با نام های: سطررخنس فنجوش - بلیار - مودیان - غالبه ۳ - شوطنی: سلطان الجبل - سطررخنس و قفالیایا ۴ - بری با نام های: أوبه قنینه - سطررخنس - زئرق - فنا - روبادوج - ثعالة - ثلثان - دریقنون - مَجَنَن (دیوانه کننده) ۴ - مَنوم با نام های: فارسون - قراسیون - برون - وربوعن<sup>ث</sup> ۵ - مروج با نام های: کاکنج المروج - جوز القطة - دروقنی - مراطولس<sup>ث</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۵ به حب الثعلب، رجوع شود.]

ز.خ.ط.	کاکنج	<i>Physalis alkekengi L.</i>
الموسوعه	حبوة کاکنجیه، کاکنج، کززالقدس، شاش القاضی	<i>Physalis alkekenge L.</i>
GLO.IN.	India: Kaknaj	<i>Physalis alkekengi L.</i>
GLO.IN.	Bombay: Kaknaj - Hendia: Akri - Bengal: Ashvaganda	<i>Withania coagulans Dunal</i>

۱۵۱۶ - کالاکوت<sup>ف</sup>: (نامی هندی به معنای سیاه گل)۱۵۱۷ - کالی زیری<sup>ف</sup>: (نامی هندی) نام دیگر آن: سوراج<sup>ف</sup>

۱۵۱۸ - کبابه<sup>ب</sup>، کبابه<sup>ص</sup>، کبابه<sup>ج</sup>، کبابه<sup>د</sup>، کبابه<sup>ه</sup>، کبابه<sup>و</sup>، کبابه<sup>ز</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: حب العروس<sup>ث</sup> - یونانی: مهیلیون<sup>ف</sup> - رومی: فریغلیون<sup>ف</sup> - هندی: کباب چینی<sup>ف</sup> نوع بزرگ: حب العروس<sup>ث</sup> - نوع کوچک: فلنجه<sup>ث</sup> "غسانی" می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «حب العروس» می دانند و گروهی می گویند «أس البری» است و آن دانه ای همانند دانه «ریحان» است و در کوه های شام بسیار رویش یافته و بهمین دلیل با بهای اندکی خرید و فروش می شود و نزد ایشان به «دارکسته» معروف است و در عراق به آن «دارکسته» و «کبابه» گویند و از داروهای خوشبوست که نزد ما در فاس به «کبابه هندی» معروف است.<sup>ج</sup>

ز، خ، پ، ط.	کبابه	<i>Piper cubeba L.</i>
الموسوعه	فلغل کبابه، حب العروس، کبابه	<i>Piper cubeba L.</i>

۱۵۱۹ - کبات<sup>ب</sup>، کبات<sup>ص</sup>: گویند نام میوه «آراک» است و گویند نوعی از میوه «آراک» است.<sup>ب</sup>



الموسوعه	کباب، شجر السواک، اراک	<i>Salvadora persica Gaertn.</i>
----------	------------------------	----------------------------------

۱۵۲۰- کَبَّ: جمع: کَبَّة - نوعی حَمُضٌ

۱۵۲۱- کَبْر، کَبْر، کَبْر، کَبْر، کَبْر (عربی یا معرب از فارسی)، شَفَلَجٌ، شَفَلَجٌ (میوه)، أَصْفٌ، أَصْفٌ، أَصْفٌ، أَصْفٌ، أَصْفٌ، أَصْفٌ، اصل کَبْر، اصل صَفٌ: نوعی جنبه و گیاهی کوهی و صخره‌ای نام‌های دیگر آن: اصفٌ، ثمره الکبَر، عروق الاصف، لَصْفٌ، عکرٌ، کرمة السوداء - یونانی: اثونیطس، قبارس، قرفسیون - سریانی: قبار - رومی: قباریش - شیرازی: کورک - حب العروس - نام گیاه نزد برخی پزشکان: راوند الجبلی - جبرش - فیغس باطس - ابونیطس - تلیوت - کتار - قَبَارٌ - کلنبار - کلنکار - راوند الجبلی - نام میوه آن: عربی: شَفَلَجٌ - رومی: بلباسی «بلناس» یا «بالانوس» نام میوه‌های مشابه «بلوط» است، «ایفلوفوس» (ایولوبوس و شاید افیوسطافیلن) - سریانی: دهنون دودى، قوترى (به هندی وسندی) «ابن هیثم» می‌گوید: «کبابه» دارای دو نوع کوچک و بزرگ است، کوچک آن «حب العروس» و بزرگ آن «فلنج» نام دارد.

قبارس (*Kapparis*) نام «کَبْر» است و «أصْف» نام چیزی است که در ریشه آن وجود دارد و به میوه آن «شَفَلَج» گویند. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۵]

<i>Capparis spinosa L.</i>	کبر - اصف	ز. - خ. - ط.
<i>Capparis spinosa L.</i>	قبارس - کبر - اصف - شفلج	زریاب
<i>Capparis spinosa L.</i>	خيار شنگ - مارگیر - کوله کمر	پارسا
<i>Capparis sp.</i>	کبار، کبر	الموسوعه
<i>Capparis spinosa L.</i>	<i>Bombay: Kabar - Hindia &amp; punnjab: Kabra</i>	GLO.IN.

۱۵۲۲- کَبْوَة: نام‌های دیگر آن: لبن الحماره - قطنه - انفة - غالبون

۱۵۲۳- کَبْسُون، کَفْسُون، کَبْسُون: گیاهی از حبشه نام آن را «کَبُوْث» گفته‌اند که صحیح نیست.

۱۵۲۴- کَبْبِيكَج، كَبْبِيكَج، كَبْبِيكَج، كَبْبِيكَج، بطراخيون (نامی یونانی به معنای ضدعی)، ورد الحب: کبیج معرب کبیکه فارسی و نوعی کرفس بری است. نام‌های دیگر آن: کف الضبع، کف السبع - یونانی: بطراخيون، سالتین اغریون، شالین اغریون، سالس اغریون - اصفهان: موشک - ترکی: مااستواچچکی - هندی: جل نیل، لستوپری - فرنگی: زتنکل - انواع بسیار دارد نوع اول برگ آن مانند... است و نزدیک آبهای روان می‌روید و نوع دیگر که تیره رنگ است بغایت حریف و نوع سوم کوچک و گل آن دهی رنگ و آن را به شیرازی «کس ویران» - یا «کس ویران» - خوانند و به اصفهانی «موشک» و نوع چهارم همانند نوع سوم ولی گل آن مانند شیر سفید رنگ است.

بطراخيون: برگردان عربی آن «ضفدعی» است و به سریانی به آن «کَبْبِيكَج» گویند و چهار نوع است و نزد اهل مغرب به «كف الضبع» و «كف الكلب» معروف است و اهالی مصر به آن «تازغلَّت» (نامی بربری) گویند. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۷]

<i>Ranunculus asiaticus L.</i>	کبیکج	زریاب
<i>Ranunculus asiaticus L.</i>	بطراخيون، کبیکج، کف الضبع، کف الكلب (نوع اول)	دیسکورید
<i>R.lanuginosus L.</i>	(کبیکج نوع دوم)	
<i>R.muricolus L.</i>	(کبیکج نوع سوم)	
<i>R.aquatitis L.</i>	(کبیکج نوع چهارم)	
<i>Ranunculus asiaticus</i>	خوذان اسبوی، شقائق النعمان، کبیکج، کف السبع، کف الضبع، لاله	الموسوعه

۱۵۲۵- كَتَّان، كَتَّان، كَتَّان، كَتَّان، كَتَّان، بزرالکتان، بزرالکتان، بزر الکتان، نام‌های دیگر آن: عربی: كَتَّان - هندی:

السی<sup>۳</sup>، تیسسی<sup>۴</sup> - نام های تخم آن: عربی «بَزْرُکْتَان» یا «بِزْرُکْتَان»<sup>۱</sup> - فارسی: تخم کتان<sup>۵</sup>، کشدانک<sup>۶</sup>، گوشک دانک<sup>۷</sup> - شیرازی: یرزک - هندی: السی کابیچ<sup>۸</sup>، تیسسی<sup>۹</sup> - سغد و سمرقند و فرغانه: زغیر<sup>۱۰</sup>، زغیره<sup>۱۱</sup> اشبیلی<sup>۱۲</sup> می گوید: دارای چهار نوع زراعی و غیر زراعی است. نام های زراعی آن عبارتست از: یونانی: لیئس فرمون - رومانی: لیناری - فارسی: قرمون و دارای دو نوع است: ۱- خلخل ۲- ابارتل یعنی باز شده زیرا بعد از رسیدن میوه پس از باز شدن، بذرها از آن خارج می شود. غیر زراعی آن در دو نوع است نام های آن عبارتست از: ۱- قنباله ۲- کتین - بربری: تیفتست ازوزغار<sup>۱۳</sup>

لیئس فرمون (*Linis permon*): به «بزر کتان» گویند و جالینوس آن را «الینو» می نامد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲- ۸۸ و ۹۷]

<i>Linum usitatissimum L.</i>	کتان	زریاب
<i>Linum usitatissimum L.</i>	لینس فرمون - کتان	دیسکورید
<i>Linum sp.</i>	کتان	الموسوعه

۱۵۲۶ - کتم<sup>۱۴</sup>، کتم<sup>۱۵</sup>، کتم<sup>۱۶</sup>، کتم<sup>۱۷</sup>، کتم<sup>۱۸</sup> (نامی عربی)، خطر<sup>۱۹</sup>، فلفل القروء<sup>۲۰</sup> (دانه)، فلفل القروء (دانه): نام های دیگر آن: فارسی: وسمه<sup>۲۱</sup> - مازندران و تنکابن: شال حنی<sup>۲۲</sup> (به معنای حنای شغال) - خطار<sup>۲۳</sup> - نام نوعی به زبان بربری: زنجو<sup>۲۴</sup> نام های نوع دیگر: زغنج - غشمر - فیلورا - اطیرنه - ازبوج - لطرنه<sup>۲۵</sup>

<i>Isatis tinctoria L.</i>	کت - خطر	زریاب
<i>Buxus dioica For.</i>		
<i>Buxus dioica For.</i>	کت	خطابی

۱۵۲۷ - کتینه<sup>۲۶</sup>، کتینه<sup>۲۷</sup>:

۱۵۲۸ - کتیه<sup>۲۸</sup>، کتیه<sup>۲۹</sup>:

۱۵۲۹ - کثیرا<sup>۳۰</sup>، کثیرا<sup>۳۱</sup>، کثیرا<sup>۳۲</sup>، کثیرا<sup>۳۳</sup>، کثیرا<sup>۳۴</sup>، کثیرا<sup>۳۵</sup>: صمغ گیاه خاردراری در خراسان است و گویند صمغ «قتاد» است. نام های دیگر آن: صمغ القتاد<sup>۳۶</sup> - فارسی: گون<sup>۳۷</sup> - هندی: کتیرا<sup>۳۸</sup>، جیر<sup>۳۹</sup>، قادی<sup>۴۰</sup> - یونانی: طراغافینا<sup>۴۱</sup>، طراغافیا<sup>۴۲</sup>، طراغاقاشی<sup>۴۳</sup>، دراقنتی<sup>۴۴</sup> - سریانی: انقت ال<sup>۴۵</sup> - زول زده<sup>۴۶</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: طراغاقنتا<sup>۴۷</sup> - اهالی یمن ریشه آن را «وجد» گویند.<sup>۴۸</sup>

طراغاقنتا (*Traagakantha*): نام «شوگ القتاد» است و به صمغ آن «کثیرا» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۰]

<i>Astragalus gummifera Lb.</i>	طراغاقاشی - کثیرا	زر - طبا.
<i>Astragalus tragacantha L.</i>		
<i>Astragalus gummifera Lb.</i>	کثیرا	پارسا
<i>Astragalus tragacantha L.</i>		
<i>Astragalus gummifera Lb.</i>	أسطراغالوس دَبَق، کثیرا بیضاء، قَتَاد الصمغ	الموسوعه
<i>Astragalus tragacantha L.</i>		
<i>Astragalus tragacantha L.</i>	طراغاقنتا - شوگ القتاد - کثیرا	دیسکورید
<i>Astragalus tragacantha L.</i>	کثیرا	خطابی

۱- الموسوعه: گیاهی است کوهستانی با برگهایی مشابه برگ «آس» که نرم شده آن را برای حصاب استفاده می کنند و میوه ای مانند میوه «فلفل» دارد که هنگام رسیدن سیاه رنگ می شود و گاهی از آن روغن می گیرند.

۲- الموسوعه: الکبلة هی النخلة فاتت الید.

۱۵۳۰ - کثیر الرؤس<sup>ع</sup>، کثیر الرؤس<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: یونانی: بولوقتین<sup>ع</sup> - بعضی «قرصنة» را نیز به این نام ذکر کرده‌اند.<sup>ع</sup>  
 ۱۵۳۱ - کثیر الزکب<sup>ع</sup>، کثیر الزکب<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: غودبوله<sup>ع</sup> - یونانی: بولوغانط<sup>ع</sup>  
 ۱۵۳۲ - کَحْلَاء<sup>ع</sup>، کَحْلَاء<sup>ع</sup>: نوعی از ذکور اغلات است.<sup>ع</sup> - نام‌های دیگر آن: فدلقم<sup>ع</sup> - بلغیس<sup>ع</sup> - لسان الثور<sup>ع</sup> - سیسارون<sup>ع</sup> - نام نوع دیگر آن: شلبش<sup>ع</sup> به گیاه «لسان الثور» و همچنین به گیاه دیگری که شبیه به آنست، و به «لسان» نامیده می‌شود و همچنین به انواع «سَنجَار» و گاهی نیز به «عینون» می‌گویند.<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: گیاهان زیر از انواع کحلأ هستند: ۱ - رجل الحمامة ۲ - اذن غزال: لصیاء - لَضِق ۲ - قَفْعَاء: اخيون - مقامح ابلیس ۳ - اذن الحمامار: فرسیون ۴ - لسان الفرس: شَطَاح ۵ - کحلأ الجبلی<sup>ع</sup>

<i>Onosma echinoides L.</i>	سَنجَار صباغی، اَنشورَة صباغیَّة، بوغلصن الصباغین،	الموسوعه
<i>Onosma tinctoria Bieb.</i>	جِنَّة الغول، کَحْلَاء	

۱۵۳۳ - کَحْلَاء<sup>ع</sup>، کَحْلَاء<sup>ع</sup>، کَحْلَاء<sup>ع</sup>: اذن الثور<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: اندلس و مغرب: لسان الثور<sup>ع</sup> - بوغلصن، بلغیس - حاوزوان - جنجم - لِنْفُوْدَبُو ی یعنی لسان الثور<sup>ع</sup>

۱۵۳۴ - کَجُومَن<sup>ع</sup>: "چو من که دید" او را باین نام خوانند زیرا میوه او از برگ بیرون می‌آید؟ این درخت را عرب "مَن رَای مِنلی" گوید.<sup>ع</sup>

۱۵۳۵ - کَجَنَار: (نامی هندی)

۱۵۳۶ - کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>: نوم کرائی<sup>ع</sup>، کاول<sup>ع</sup>، کاول<sup>ع</sup>، بزر الکراث<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: سریانی: کرائاتا<sup>ع</sup>، حطارا<sup>ع</sup> - فارسی: گندنا<sup>ع</sup> - کُرَاث<sup>ع</sup> (عربی) - فارسی و هندی: گندنا<sup>ع</sup> - اصفهان: تره<sup>ع</sup> - دیلم: کوار<sup>ع</sup> - لاتینی: کوپرکیسو<sup>ع</sup> - یونانی: فراسینا<sup>ع</sup> - رومی: قفلوطا<sup>ع</sup>، مروس<sup>ع</sup> - فلسطین: کراث شامی<sup>ع</sup> - قفالوط<sup>ع</sup>، قبلوط<sup>ع</sup> - طیطان<sup>ع</sup>، رَکَل<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: دارای انواعی است: ۱ - کُرَاث بری ۲ - کُرَاث رومی: راسن ۳ - کُرَاث الکرم: کراث الشامی - اولیه ۴ - کُرَاث نبطی: کراث الجبل ۵ - کُرَاث الصخر: ابجه ۶ - کُرَاث شامی: اندلسی، قفلوط

بستانی آن را نبطی و جبلی آن را «فراسیون» نامند.<sup>ع</sup> - ابن سمجون می‌گوید: نام «کُرَاث نبطی» «کراث المائدة» است.<sup>ع</sup> نام‌های نوع بری: رومی: امفلویراسیون<sup>ع</sup> - سریانی: کرائادبرا<sup>ع</sup>، گندنا<sup>ع</sup> دشتی<sup>ع</sup> - «کاول» معادل نام «کُرَاث الکرم» است.<sup>ع</sup> "رازی" و "غافقی" نام دیگر «کُرَاث الشامی» را «قفلوط» می‌دانند<sup>ع</sup>

"غافقی" می‌گوید «کُرَاث» دارای چهار نوع است: نوعی «کراث نبطی» و نوع دیگر «کوهیان» که در خراسان می‌روید و نوع سوم «کُلکان» که در ری و خراسان رویش دارد و نوع چهارم «لابس» که دارای بزری سیاه و غیر مدور است و در بابل می‌روید.<sup>ع</sup> فراسن قفالوطن (*Parson kephalaton*): کراث شامی

ابن‌الفراسن (*Ampeloprason*) به معنای «کراث الکرمی» و «کُرَاث بری» [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۴]

<i>Allium porrum L.</i>	کراث	زر - طب.
<i>Allium ascalonicum L.</i>	کراث الشامی	دیسکورید
<i>Allium ampeloperassum L.</i>	کراث الکرمی - کراث بری	دیسکورید
<i>Allium porrum L.</i>	گندنا - تره	پارسا
<i>Allium porrum L.</i>	کُرَاث معروف، کُرَاث رومی	الموسوعه
<i>Allium vineale L.</i>	کُرَاث البر، طَیْطَان	الموسوعه
<i>Allium ursinum L.</i>	کُرَاث الدَّب	الموسوعه
<i>Allium scorodoprasum L.</i>	کُرَاث الصخر، کراث آسبانا	الموسوعه
<i>Allium ascalonicum L.</i>	کُرَاث اَنْدَلَسی، کراث عَقْلون، کراث اَبو شوشة، قُفْلوط	الموسوعه
<i>Allium ampeloparassum L.</i>	کُرَاث نبطی، بصل العَفْرِیت، ثوم الشرق	الموسوعه



بری» با نام یونانی «سمرنیون» است.<sup>۴</sup> اشیبیلی می‌گوید: کرفس دارای انواع بسیاری است دو نوع آن بستانی و نوعی جبلی، صخری و مائی است و در یکی بودن «بطرسالیئوس»، «اورسالیئون» و «کرفس العظیم» اختلاف است. برخی «بطرسالیئوس» را نوعی «کرفس العظیم» می‌دانند، نام‌های دیگر آن عبارتست از: ابوسمس - بطرساموه، بعضی «اورسالیئون» را «کرفس الجبلی» می‌دانند، نام دیگر آن «سمرنیون» است. نام‌های دیگر «بطرسالیئون» نیز عبارتست از: اغلیس، سواک العباس. نوع دیگر کرفس، «کرفس الصخری» با نام «انیولیون» است. «کرفس بستانی» دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نام‌های نوع بزرگ آن عبارتست از: سیلن، سالیئون ریفان یعنی کرفس ریفی. نام نوع کوچک آن «سالیئون ایماش» است. نوع دیگر کرفس «کرفس مائی» است نام‌های آن عبارتست از: افریون، افوسالیئن، رواش، شنفیل، افریوش، قریون، قلام، علام، جغدها، جغده الماء، مانده. نوع دیگر کرفس «کرفس المرّ» است نام‌های آن عبارتست از: فلفل الماء، سمرنیون، سمربیا، سیسارون، سیستبرون، جرجیر الماء. نوع دیگر کرفس «بوطل» است و شش قسم است: ۱ - بوطولون: بوطلی، رعی الضفادع، شجرة الضفادع، سالین، ورد الحبت، کبیکج، بطراخیون ۲ - کرفس المجوسی ۳ - قبتوریه ۴ - جبلی کشنده ۵ - کف الهه، راحة الکلب<sup>۵</sup>

سالیئوس قیفاون (*Selinon kepaion*): نام «کرفس البستانی» است که دیسکورید در ترجمه آن را «الاولشالین» که همان «کرفس الماء» است، ذکر می‌کند. و همه پزشکان مغرب به آن «کرفس الاجامی» گویند، جالیئوس نیز آن را «کرفس بستانی» نامد. افسوسالیئون (*Hipposelinon*): به معنای «کرفس العظیم» و از انواع بزرگ «کرفس» است و به بربری به آن «یخصص» گویند و اهالی اسکندریه آن را «اجبرنی» گویند و به بذر آن در مصر «بطراسالیئون» گویند که این نام برای آن اشتباه است. سمرنیون (*Smurnion*): نام «کرفس بری» است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۱ و ۶۲ و ۶۳]

<i>Apium petroselinum L.</i> <i>Apium graveolens L.</i>	کرفس	زر. - طب.
<i>Petroselinum sativum Hoffm.</i>	کرفس رومی یا مقدونیس	زریاب
<i>Sium latifolium L.</i> <i>Apium Gr.</i>	کرفس الماء کرفس بستانی	دیسکورید
<i>Smyrniium perfoliatum L.</i>	افوسالیئون - کرفس العظیم	دیسکورید
<i>Smyrniium olusatrum L.</i>	سپرونیون - کرفس بری	دیسکورید
<i>Ferula sumbul Hook.</i>	ریشه کلفس (به لهجه افغانی) - کرفس	پارسا
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس نبطی، کرفس	الموسوعه
<i>Sium latifolium L.</i>	کرفس الماء، کرفس بستانی، کرفس الاجامی	الموسوعه
<i>Smyrniium olusatrum L.</i>	سمرنیوم، کرفس بری	الموسوعه
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس لفتی	الموسوعه
<i>Petroselinum sativum Hoff.</i> <i>Carum petroselinum Benth. &amp; Hook.</i> <i>Apium petroselinum</i> <i>Apium vulgare L.</i>	کرفس رومی، بقدونس، مقدونس	الموسوعه
<i>Athamanta oreoselinum L.</i> <i>Petroselinum oreoselinum</i>	کرفس الجبل	الموسوعه
<i>Levisticum officinale</i>	کرفس الجبل	طباطبانی
<i>Prangos pablaria L.</i>	کرفس کوهی	طباطبانی
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس الماء	طباطبانی
<i>Apium graveolens L.</i>	تخم کرفس - گل کرفس	پارسا
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس	خطابی

۱۵۴۳ - کَرَكْرَهَنْ، کرکروهان: (نامی بربری) گویند نام «عاقِر قرحا» است.<sup>۷</sup>

زر - طبا.	کرکروهان	<i>Anacyclus pyrethrum D.C.</i>
-----------	----------	---------------------------------

۱۵۴۴ - کَرَكْرَم، کرکم، کرکون: "غسانی" می گوید: نام دیگر آن «زعفران هندی» است و دارای دو نوع بزرگ و کوچک است، کوچک آن با نام «مامیران» و بزرگ آن با نام «کرکم» معروف است.<sup>۸</sup> "صاحب منہاج" گوید «زعفران» است و "صاحب جامع" می گوید نام ریشه گیاهی است. "دیسکورید" به آن «خالیدونیون طوماغا» گوید و نوع بزرگ آن «عروق الصباغین» یا «عروق الصُفر» نام دارد و گیاه آن را «بقلة الخطاطیف» گویند و به «کرکم» معروف است نزد ما ریشه هائی است که از هند می آورند و نام فارسی آن «قرمد» است.<sup>۹</sup> و هم او گوید اصول [ریشه های] «ورس» است.<sup>۱۰</sup>

الموسوعه	کَرَكْرَم	<i>Curcuma sp.</i>
الموسوعه	کَرَكْرَم أسود، جذوار أندلسی	<i>Curcuma caesia</i>
الموسوعه	کَرَكْرَم زردوار، زذوار، جذوار عقید، سطوال	<i>Curcuma zedoaria</i>
الموسوعه	کَرَكْرَم صباغی، هُرَد، عقیده هندی، مامیران، أصابع صُفر	<i>Curcuma longa</i>
خطابی	کَرَكْرَم	<i>Curcuma longa</i>

۱۵۴۵ - کرکی: نوعی خیار - نام های دیگر آن: فارسی: کلک یا کلنک

۱۵۴۶ - کَرَم، کَرَم، کَرَم، کَرَم، کَرَم بری، کَرَم بستانی، فقاخ الکرَم: (نامی عربی) نام های دیگر آن: درخت تاک - یونانی: اولیاطیوم - سریانی: کبیشاحمرا - رومی: دیدرون آسیایا، انفلوس - فارسی: تاک، زر - هندی: داکهه جهاز - نام شکوفه انگور: فقاخ الکرَم - فارسی: ول - وجه تسمیه آن به «کرَم» بخاطر کَرَم گیاه است بگونه ای که میوه هایش در دسترس کوچک و بزرگ قرار می گیرد.<sup>۱۱</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۷: به عنب، رجوع شود.]

ز. - خ. - ط.	کرَم	<i>Vitis vinifera L.</i>
--------------	------	--------------------------

۱۵۴۷ - کَرَمَدانه، کَرَمَدانه، کَرَمَدانه، کَرَمَدانه (نامی فارسی)، مثنان: نوعی از قُرَيْص برگردان عربی آن: حب الدود نام های دیگر آن: رومی: اقلفوس، اقلفی - سریانی: نبات نورا - کرویان - خرمدانق - غافقی می گوید: میوه درخت «مثنان» است.<sup>۱۲</sup> زین الدین عطار می گوید: بعضی آن را «انجره» گفته اند که اشتباه است و مؤلف می گوید به تحقیق نام تخم نوعی «مازیرون» است.<sup>۱۳</sup>

الموسوعه	کَرَمَدان، مَثان	<i>Nartheicum sp.</i>
الموسوعه	کَرَمَدان مَثعی، خُثی کَذاب	<i>Nartheicum ossifragum Huds.</i>
طباطبانی	کَرَمَدانه	<i>Daphne gnidium L.</i> <i>Urtica urens</i>

۱۵۴۸ - کَرَنْب، کَرَنْب، کَرَنْب، کَرَنْب، بقله الأنصار، کَرَنْب، بذر الکرَنْب: کَرَنْب، کَرَنْب (معرب از کرَم فارسی) نام های دیگر آن: فارسی: کلم - اصفهانی: قمریت - یونانی: قرنبا، قرنبو - سریانی: کرنبا، کرانبی، کَرابا - رومی: عاریسا، اغریا، اغرسود و طوس، اغرسطورون، بدیلئون - عربی: بقله الانصار - نام بند: تخم کَرَنْب - شیرازی: تخم کلم - دو نوع نبطی و خوری است. - دارای انواع مختلفی است: نوعی از آن «گل کلم» و نوعی



به آن «قَصْبور» گویند.<sup>۴</sup> نام های دیگر آن: سریانی: کسبر تا<sup>۵</sup>، جلجلان<sup>۶</sup> به خشک آن گفته می شود - یونانی: بردنمانمون<sup>۷</sup>، فورویون<sup>۸</sup> - نبطی: فاتره<sup>۹</sup> - فارسی: گشنیز<sup>۱۰</sup> - هندی: دهنیه<sup>۱۱</sup>، کوتهمیر<sup>۱۲</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: قوریانون<sup>۱۳</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای انواعی است: ۱ - نوع بستانی با نام های: قوریون، یقده، قلاتره، خلجا، خلجلا ۲ - قلاتره کمبائنه یعنی بری، کزبر الصخری، کزبر السحری ۳ - کزبره البیر: ادیانطن، برشتاوشان، کامن قزبان، برشتاوشان داوران، ارجقیل، شعر الجان، شعر الخنازیر، قُرش قَبَلَه یعنی انیت الشعر، شعر الغول، شعر الماء، فغلون، یزبه بانکه، قَبَلَه موره یعنی شعر کبیر ۳ - رقعة الصخریه: طریخومانس، سقام الجن، شعر الجن، شعر الغول، یخِیة الجَمَل، ظفائر الجن، ضابطه<sup>۱۴</sup>

قوریون (Korion): نام های دیگر آن عبارتست از: کُزْبُرَه - دانه: تَقْدَه [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۹]

Coriandrum sativum L.	قوریون - کزبره - تقده	دیسکورید
Coriandrum sativum L.	کزبره	زر - خط.
Coriandrum sativum L.	گشنیز	پارسا
Coriandrum sp.	کُزْبُرَه، کُزْبُرَه، کُشْبِرَه	الموسوعه
Coriandrum sp.	کُزْبُرَه	طباطبائی

۱۵۵۴ - کُزْبُرَه التَّغَلَب<sup>۱۵</sup>، کزبره التعلب<sup>۱۶</sup>، کسبره التعلب<sup>۱۷</sup>، کزبره التعلب<sup>۱۸</sup> (نامی اندلسی): نوعی بقل نام های دیگر آن: سیدریطس<sup>۱۹</sup> - الف ورق

سندریطس اخر (Hetera sidritis): نام «کُزْبُرَه التَّغَلَب» است و در بام ها و دیوار خانه ها می روید. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۱]

Achillea tomentosa L.	سندریطس - کزبره التعلب	دیسکورید
Poterium sanguisorba L.	کُزْبُرَه التَّغَلَب، بَلَّان میخجام	الموسوعه

۱۵۵۵ - کُزوان<sup>۲۰</sup>، کُزوان<sup>۲۱</sup>: نام های دیگر آن: بقله اترجیه<sup>۲۲</sup>، بقله فلفلیه<sup>۲۳</sup> (به دلیل بوی آن) «غافقی» می گوید: گویند نام «بادرنجویه» است و همچنین گویند نام «بادرنویه» است.<sup>۲۴</sup> فلاحه می گوید: نام «بقله الأترجیه» معروف به «بادرنجویه» است و همچنین به خاطر تند بودن آن به نام «فلفله» نیز مشهور است.<sup>۲۵</sup>

۱۵۰۸ - کسبره الحمام<sup>۲۶</sup>: نوعی «شاهترج»<sup>۲۷</sup>

۱۵۵۶ - کُشْمَوْقَا، کُشْمَوْقَا<sup>۲۸</sup>.

۱۵۵۷ - کُشُول<sup>۲۹</sup>: (نام گیاهی رومی)

۱۵۵۸ - کُشُونْدِی<sup>۳۰</sup>: کسونجی<sup>۳۱</sup> (نامی هندی)

۱۵۵۹ - کُشِیرو<sup>۳۲</sup>: (نامی هندی)

۱۵۶۰ - کسیفیون<sup>۳۳</sup>: نوعی از «سوسن بری» معروف به «دُکُوث» و «سَیْف الغراب» که «دور حولی» نیز نامیده می شود.<sup>۳۴</sup>

Gladious communis L.	کسیفون	EN.
----------------------	--------	-----

۱۵۶۱ - کُشِیلی<sup>۳۵</sup>، کُشِیلا<sup>۳۶</sup>، کُشِیلا<sup>۳۷</sup>: (نامی نبطی)

۱۵۶۲ - کُشْت بَر کُشْت<sup>۳۸</sup>، کُشْت بَر کُشْت<sup>۳۹</sup>، کُشْت بَر کُشْت<sup>۴۰</sup>، کُشْت بَر کُشْت<sup>۴۱</sup>، کُشْت بَر کُشْت<sup>۴۲</sup> (نامی فارسی)، سوراهند<sup>۴۳</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: کُشْت بَر کُشْت<sup>۴۴</sup> - عربی: التواء بر التواء<sup>۴۵</sup> (به معنای زرع علی زرع)، سواد السند<sup>۴۶</sup>، سواد الهند<sup>۴۷</sup>، سواد الاکراد<sup>۴۸</sup> - فارسی و شیراز: پیچک<sup>۴۹</sup> - اهل شبانکاره فارس: بچو<sup>۵۰</sup> - عربی و یونانی: که از هند فناغیوس<sup>۵۱</sup> - رومی: بروطوس<sup>۵۲</sup> - هندی: پهیلی<sup>۵۳</sup> - بعضی نام دیگر آن را «برکشان» خوانده اند.<sup>۵۴</sup> - می آورند.<sup>۵۵</sup>



<i>Helicteris isora L.</i>	گشت برگشت	زر - طبای.
----------------------------	-----------	------------

۱۵۶۳ - کُشْتِجٌ، کُشْتِجٌ، کُشْتِجٌ، کُستِجٌ: ابن ماسه می‌گوید: نوعی از جنس «فطر» است. سس<sup>۱</sup> «ابن سینا» می‌گوید: نوعی از جنس «کَمَاة» است. ع<sup>۲</sup> به «بقلة الیمانی» نیز گفته می‌شود. ش<sup>۳</sup>

<i>Tuber melanosporum</i>	کَمء أسود، کُشْتِج	الموسوعه
---------------------------	--------------------	----------

۱۵۶۴ - کُسینا<sup>۱</sup>:

۱۵۶۵ - کُشْمَلِخٌ: برخی آن را «مَلّاح» و عده‌ای «قَلّام» می‌دانند و نزد ما به «طُرْدِج» معروف است. ش<sup>۲</sup>

۱۵۶۶ - کُشوث<sup>۱</sup>، کُشوث<sup>۲</sup>، کُشوث<sup>۳</sup>، کُشوث<sup>۴</sup>، کُشوث<sup>۵</sup>، کُشوث<sup>۶</sup>، کُشوث<sup>۷</sup>، کُشوث<sup>۸</sup>، کُشوث<sup>۹</sup>، کُشوث<sup>۱۰</sup>، کُشوث<sup>۱۱</sup>، کُشوث<sup>۱۲</sup>: نام‌های دیگر آن: اکثوث<sup>۱</sup> (نامی عربی) (گفته اند معرب کُشوثا است). - یونانی: بشروطوس<sup>۱</sup> - سریانی: ونا<sup>۱</sup>، رغبا<sup>۱</sup> - رومی: کشمورین<sup>۱</sup> - فارسی: برش<sup>۱</sup> - هندی: امل بیل<sup>۱</sup>، اکاس بیل<sup>۱</sup>، امرتیه<sup>۱</sup> - برخی در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند و گویند «شیخ الارمنی» است و همچنین گویند نوعی از «قیاصم» است ولی هیچ یک از این دو صحیح نیست. ش<sup>۲</sup> و این نام به گیاهان متعددی گفته می‌شود از جمله: ۱ - أفیمون ۲ - قُرْبعة: گیاه بدون ریشه‌ای که در بهار همراه با «کُتّان» می‌روید و آن را از بین می‌برد. ۳ - کُشوث<sup>۱</sup> الرومی: افسنتین ۴ - کُشوث الجبلی ۵ - کُشوث المجوسی: فشر<sup>۱</sup> - گویند به فارسی «رَجْمول» نام دارد و گویند نام تخم آنست. نام‌های بذری: زجمول<sup>۱</sup> - تخم کُشوث<sup>۱</sup> - سریانی: دینار<sup>۱</sup>، شکوث<sup>۱</sup> - «کُشوث» حقیقی در شام و عراق می‌روید و نزد پزشکان ما مورد استفاده است، اما آنچه در مغرب و آفریقا و مصر بنام «اُکُشوث» معروف است با آن متفاوت است و آن گیاهی که روی گیاه «کُتّان» پدید می‌آید (انگل) و در مصر به «جامول الکُتّان» و در اندلس به «قُرْبعة الکُتّان» معروف است. ع<sup>۲</sup> کُشوث فارسی «همان «افتمون» است. ش<sup>۳</sup>

<i>Cuscuta epithymum Mur.</i> <i>Cuscuta europaea L.</i>	کُشوث	زر - طبای.
<i>Cuscuta monogyra Vahl.</i>	کُشوث - تفرش: شن	پارسا
<i>Cuscuta planifolia Ten.</i> <i>Cuscuta hyalina Roth.</i>	تخم کُشوث - سس	پارسا
<i>Cuscuta sp.</i>	کُشوث، کُشوث، اُکُشوث، لُفلاف	الموسوعه
<i>Cuscuta epilinum Mur.</i>	کُشوثا	خطابی

۱۵۶۷ - کصتیون<sup>۱</sup>، کصنتیون<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: کستیون<sup>۱</sup> - عامه اندلس: باذنجان البری<sup>۱</sup>

۱۵۶۸ - کف أجذم<sup>۱</sup>، کف الجذماء<sup>۲</sup>، کف الجذماء<sup>۳</sup>: نام دیگر آن: بهمن البیض<sup>۱</sup> - برخی می‌گویند «بنجنکشت» است و برخی آن را ریشه «سنبل» و برخی نیز آن را گیاهی باریشه هائی چون شلجم... می‌دانند. ع<sup>۲</sup> برخی آن را «شَحیماله» و عده‌ای آن را «بنطافلون» می‌دانند و نام اول صحیح است. ش<sup>۳</sup>

۱۵۶۹ - کف ادم<sup>۱</sup>، کف ادم<sup>۲</sup> (۱)، کف ادم<sup>۳</sup>: (نامی عربی) نام دیگر آن: بهمن الاحمر<sup>۱</sup>

۱۵۷۰ - کف الأسد<sup>۱</sup>، کف الأسد<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: آذریون - یونانی: لاونطوباطن<sup>۱</sup> - عربیتنا<sup>۱</sup>

۱۵۷۱ - کف الذئب<sup>۱</sup>: بنا به نظر مترجمان نام «جنطیانا» است. ع<sup>۲</sup>

۱۵۷۲ - کف السبع: نام دیگر آن: بادلیبته و بادلیته - انواع آن عبارتست از: ۱ - قُزة العین: بادلیبته، فورس، بورنسون، لاقنون، قبتوریة، بالکی

۱-الموسوعة: تذکره: گیاهی است به ارتفاع یک زراع با برگ‌های بیضی و زیر با رنگ حدواسط سیاه و زرد که در داخل آن قرمز است و دارای بذری مشابه «قرطم» ولی نازکتر و کمی تلخ

البارد ۲ - راحة الكف: نوعی «بوطل»

۱۵۷۳ - كُفُّ الضَّبْعِ، كَف الضَّبْعِ: (نامی عربی) غافقی: گاهی با این نام منظور «کیکج» است و «كف الضبع» نوعی از «کیکج» است. <sup>ع</sup> [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۷: به «کیکج، رجوع شود.]  
۱۵۷۴ - كَف عایشه <sup>ش</sup>:

۱۵۷۵ - كَف القرد <sup>ش</sup>: نوعی خربق الاسود <sup>ش</sup>

۱۵۷۶ - كَف الكلب <sup>ع</sup>: «صاحب منهای» می گوید: بدشکان <sup>ع</sup> - ابو عباس نباتی می گوید: كف مریم حجازی <sup>ع</sup>

۱۵۷۷ - كُفُّ الهَرِّ، كَف الهَرِّ <sup>ش</sup>: (نامی عربی) نوعی از «كف الضبع» <sup>ش</sup> نام های دیگر آن: مدلوك <sup>ش</sup> - خُونَان <sup>ش</sup> - صفیراء <sup>ش</sup> - اسنان الفار <sup>ش</sup>

<i>Ranunculus arvensis L.</i>	كف الهَرِّ، خُونَان حَقْلِي، شَقِيق حَقْلِي	الموسوعه
-------------------------------	---	----------

۱۵۷۸ - كَف المریم، كَف مریم <sup>ع</sup>: (نامی عربی) كف عایشه <sup>ع</sup> - هندی: کتھاجوری 'گویند نام «أصابع الصفر» است اما اهالی غرب اندلس این نام را برای «بنطافن» و بعضی نیز برای «بنجنگشت» بکار می برند و اما در شهرهای مصر این نام را برای گیاه دیگری می گویند. <sup>ع</sup> [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۸: به «بنطافن، رجوع شود.]

<i>Vitex agnus castus</i>	سرساد - أرند - بنجنگشت - فنجنکشت - شجرة ابراهيم - كف مریم	الموسوعه
---------------------------	---	----------

۱۵۷۹ - كُفْر <sup>ش</sup>: نام دیگر آن: قردب الاسود <sup>ش</sup>

۱۵۸۰ - كُلت <sup>ص</sup>: نام دیگر آن: ماش هندی <sup>ص</sup>

<i>Dolichos biflorus L.</i> <i>Lithospermum officinale L.</i>	كلت	زریاب
--	-----	-------

۱۵۸۱ - كُكْرول <sup>ف</sup>: (نامی هندی)

۱۵۸۲ - كُكْرُوْنْدَه <sup>ف</sup>: (نامی هندی) گویند نام «کماذریوس» است. <sup>ف</sup>

۱۵۸۳ - كَلْخ، كَلْخ <sup>ع</sup>: کَلْخ <sup>ش</sup>: (نامی سریانی) نام کَلْخ معروف «قنا» است نام های دیگر آن: عامه اندلس: قنّه <sup>ع</sup> - اهالی مصر: أشق <sup>ع</sup> - اهالی ثغر: قانش <sup>ش</sup> - نرتقس <sup>ش</sup> - اوفال <sup>ش</sup> - مزخ <sup>ش</sup>

سَفْدُوليون (*Sphondulion*): كَلْخ الدَّلبی - بربری: تافیرا

نَرْتَقُوس (*Narthechos*): نام های دیگر آن: اندلس: كَلْخ الكبير - شجر القنا - نارتکس [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۲ و ۷۳]

<i>Heracleum spondylium L.</i> <i>Ferula communis L.</i>	سَفْدُوليون، كَلْخ الدَّلبی، تافیرا نَرْتَقُوس، كَلْخ الكبير، شجر القنا، نارتکس	دیسکورید
<i>Ferula communis L.</i>	قنّه مبذوله، كَلْخ نَرْتَقُوس، كَلْخ الكبير، شجر القنا، نارتکس	الموسوعه

۱۵۸۴ - كُج داودی <sup>ف</sup> (گل داودی): نام دیگر آن به لاتینی: «برطینی» <sup>ف</sup>

۱۵۸۵ - كل مِهْندي <sup>ف</sup>: (نامی هندی)

۱۵۸۶ - كِلز <sup>ف</sup>: (نامی هندی)

- ۱۵۸۷ - کلن<sup>۴</sup>: نامی چوبی هندی "ابن بیطار" می‌گوید: غافقی آن را چوب «کاذی» می‌داند ولی درست نیست.<sup>۴</sup>
- ۱۵۸۸ - کلنج<sup>۵</sup>: نوعی «کماه» است و «کلکیان» و «سحر» نیز خوانند و آن در رمل می‌روید و اکثر در ماوراء النهر و خراسان و در طرف فارس نیز یافت می‌شود و مؤلف می‌گوید به شیرازی آن را «کل کنده» خوانند.<sup>۵</sup>
- ۱۵۸۹ - کلنکرد<sup>۶</sup>: نام‌های دیگر آن: ترمذیه: ویوذ<sup>۶</sup> - بخاریه: ویوذ<sup>۶</sup>
- ۱۵۹۰ - کلوی<sup>۷</sup>: (نامی هندی)
- ۱۵۹۱ - کلهار<sup>۸</sup>: نام دیگر آن: کل کنول<sup>۸</sup> (نامی هندی)
- ۱۵۹۲ - کلیان کانه<sup>۹</sup>: (نامی بنگالی)
- ۱۵۹۳ - کماه<sup>۱۰</sup>، کماه<sup>۱۱</sup>، کناه<sup>۱۲</sup>، کماه<sup>۱۳</sup>، کناه<sup>۱۴</sup>، کناه<sup>۱۵</sup>، کناه<sup>۱۶</sup>، بنات الرعد<sup>۱۷</sup>، ترفس<sup>۱۸</sup>، ترفاس<sup>۱۹</sup> (نامی بربری)، نبات الرعد<sup>۲۰</sup>: یک نوع از آن به نام «غوشنه» است. گیاهی بدون ساقه، برگ، گل و میوه است. نام‌های دیگر آن: کماه<sup>۲۱</sup> - بی زمی یعنی شحمة الارض<sup>۲۲</sup> - عربی: بیضة الارض<sup>۲۳</sup>، بیضة البلد<sup>۲۴</sup>، بیضة النعام<sup>۲۵</sup>، نبات الرعد<sup>۲۶</sup>، بنات اوبر<sup>۲۷</sup> - ترکی: قارچ<sup>۲۸</sup> - فارسی: سمالو<sup>۲۹</sup>، سماروخ<sup>۳۰</sup>، هوره<sup>۳۱</sup>، سماروخ<sup>۳۲</sup> - شیرازی: دهکلو<sup>۳۳</sup> - یونانی: اوزونا<sup>۳۴</sup>، ادی دولی<sup>۳۵</sup>، ردین<sup>۳۶</sup> - سریانی: ارزمی<sup>۳۷</sup> - رومی: هودیای<sup>۳۸</sup>، عرذی اکهر<sup>۳۹</sup> - هندی: کهنه<sup>۴۰</sup>، بدآه<sup>۴۱</sup> - مغرب: ترفاس<sup>۴۲</sup> - الودین<sup>۴۳</sup> - ترفاس<sup>۴۴</sup> - طبرش<sup>۴۵</sup> - نوع کوچک: غُزْد<sup>۴۶</sup>، گردان<sup>۴۷</sup>، غلغلون<sup>۴۸</sup>، طلبطه<sup>۴۹</sup> - کماه حمراء: جبا<sup>۵۰</sup>، جبا<sup>۵۱</sup>، اشبیلی<sup>۵۲</sup> می‌گوید: از انواع کماه «جبا<sup>۵۳</sup>، بذا<sup>۵۴</sup>، عراجین، کسنج، افاتیخ، دکاکیل، ضغایس، عساقیل، دمالمیق، مغاریز، طرائث، قلب، ققع» است و از انواع ققع «فطر، قعبل، قسوة الضبع، بنات اوپر و عرشنه» است.<sup>۵۵</sup>
- وَدْن (Hudnon): نام‌های دیگر آن عبارتست از: کماه<sup>۵۶</sup> - نبات الرعد [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۹]

دیسکورید	وزن - کماه - نبات الرعد	
<i>Tuber michell</i> <i>Terfezia claveriji</i>		
پارسا	فارچ	<i>Polyporus officinalis Fr.</i>
زر - طب	کماه	<i>Tuber melanosporum Vitt.</i> <i>Tuber album Sow.</i>
خطابی	کماه	<i>Tuber magnatum</i>
EN.	کماه	<i>Tuber cibarium</i>

- ۱۵۹۴ - کامادزیوس<sup>۱</sup>، کامادزیوس<sup>۲</sup>، کامادزیوس<sup>۳</sup>، کامادزیوس<sup>۴</sup>، کامادزیوس<sup>۵</sup>، کامادزیوس<sup>۶</sup>، کامادزیوس<sup>۷</sup>، کامادزیوس<sup>۸</sup>، کامادزیوس<sup>۹</sup>، اصل آن به یونانی «خامادزیوس» معرب «مادزیوس» یونانی یا رومی است و به معنای «بلوط الارض» می‌باشد.<sup>۱۰</sup> و بعضی آن را «طوقوریوس» می‌خوانند و آن در محل‌های خشن و سنگستانها می‌روید. نام‌های دیگر آن: بلوط الارض<sup>۱۱</sup> - یونانی: مقیفرون<sup>۱۲</sup>، طوفوریوس<sup>۱۳</sup>، خامادزیوس<sup>۱۴</sup>، کامادیون<sup>۱۵</sup> - فارسی: رانداروی تلخ<sup>۱۶</sup> - شیرازی: مانداروی تلخ<sup>۱۷</sup> - فرنگی: کمیداس<sup>۱۸</sup> - سریانی: بلوط ارعا<sup>۱۹</sup>
- خامادزیون (*Khamaidruos*): نام «کامادزیوس» و به معنای «بلوط الارض» است زیرا «خاما» به یونانی به معنای «ارض» (زمین) و «درس» به معنای «بلوط» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۳]

ز،خ،ط،ع،B.	کامادزیوس	
دیسکورید	خامادزیون - کامادزیوس - بلوط الارض	<i>Teucrium chamaedrys L.</i>
الموسوعه	طوقریون مخزنی، خامادزیوس، کامادزیوس	<i>Teucrium chamaedrys L.</i>
GLO.IN.	<i>Arabia: Kamzariyus</i>	<i>Teucrium chamaedrys L.</i>

- ۱۵۹۵ - کاماشیر<sup>۱</sup>، کاماشیر<sup>۲</sup>، کاماشیر<sup>۳</sup>، کاماشیر<sup>۴</sup>، کاماشیر<sup>۵</sup>، کاماشیر<sup>۶</sup>، کاماشیر<sup>۷</sup>: (نامی فارسی صمغی) معرب آن «قماشیر» است.<sup>۸</sup> نام‌های دیگر آن: یونانی: لوفطیون<sup>۹</sup> - صمغی است مانند «جاوشیر». و گویند طلی - شبندی است که بر گیاه می‌نشیند. و گویند



۱۶۰۱ - کُمُکوت: (نامی فرنگی به معنای صمغ «درخت کوت» است.) نام‌های دیگر آن: کوتا کبنا، غوتاغبنا، - انگلیسی: کمبوس<sup>۱</sup> - پرتغالی: برون<sup>۱</sup> - نزد عوام مشهور به «عصاره ریوند» است.<sup>۱</sup>

۱۶۰۲ - کَمون<sup>۱</sup>، کَمون<sup>۲</sup>، کَمون<sup>۳</sup>، کَمون<sup>۴</sup>، کَمون<sup>۵</sup>، سنوت<sup>۶</sup>: نامی عربی معرب «خامون» یونانی یا «کمون» سریانی نام‌های دیگر آن: فارسی: زیره<sup>۷</sup>، قومینون<sup>۸</sup> - هندی: زیره<sup>۹</sup>، بیره<sup>۱۰</sup>، جیره<sup>۱۱</sup> - عربی: سنوت<sup>۱۲</sup> - رومی: اسفیقوس<sup>۱۳</sup>، قومینون<sup>۱۴</sup> - یونانی: کرمینون<sup>۱۵</sup>، کومینون<sup>۱۶</sup> - سریانی: کمونا<sup>۱۷</sup> - قُمینش، کمینش<sup>۱۸</sup> - نام‌های نوع بری: رومی: قافنیس<sup>۱۹</sup>، قافتون<sup>۲۰</sup> - سریانی: کمونادبرا<sup>۲۱</sup>، کومنون اغریون<sup>۲۲</sup> - نام‌های نوع هندی: رومی: اسطبخیس<sup>۲۳</sup>، اصطفیقوس<sup>۲۴</sup> - سریانی: کموناهندو<sup>۲۵</sup> - فارسی: زیره هندو سیاه<sup>۲۶</sup> - هندی: اجاجی<sup>۲۷</sup> - سندی: جیروا<sup>۲۸</sup> - جالینوس: امراطیون<sup>۲۹</sup> - «ابن سینا» می‌گوید: کمون دارای انواع، کرمانی، فارسی، شامی، و ببطی است.<sup>۳۰</sup> اشبیلی می‌گوید: دارای انواعی است برخی عبارتند از: ۱ - کمون کرمانی: فانقوس ۲ - کمون البری: قیمین اغریون ۳ - کمون حبشی: نانخه، نینیا ۴ - کمون الحلو: انیسون ۵ - کمون الرومی: اندراسیون، بربطوره ۶ - کمون الملوکی: ششتره ۷ - کمون صخری ۸ - کمون هندی: شونیز بری کومینون (*Kuminon to hemeron*): کَمون الایض - کمون الکرمانی - دیسکورید: کمون الملوکی کسی که نوع کرمانی را غیر از این می‌داند دچار اشتباه شده است.

قیمینون اَغرِیون (*Kuminon agrion*): به معنای «کَمون البری» و دو نوع است و اسمی غیر آن نمی‌شناسم.

أَمّی (*Ami*): کَمون الحَبشی - سریانی: التینیا - نانخواه [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۶]

<i>Cuminum cyminum L.</i>	کمون، کومینون، کمون‌الایض، کمون‌الکرمانی	دیسکورید
<i>Lagoecia cuminoides L.</i>	قیمینون اَغرِیون، کمون البری	دیسکورید
<i>Carum copticum Benth.</i>	کمون الحَبشی، التینیا - نانخواه	دیسکورید
<i>Carum bulbocastanum Koch.</i> <i>Carum carvi</i>	زیره سیاه کرمانی	پارسا
<i>Cuminum cyminum L.</i>	زیره سبز - زیره سفید	پارسا
<i>Cuminum cyminum L.</i>	کَمون، سَنوت، سِنوت	الموسوعه
<i>Cuminum cyminum L.</i>	کمون	ط، خ، ع.

۱۶۰۳ - کَمون الأسود<sup>۳۱</sup>: این نام هم به «کمون» سیاه رنگ و هم به «حبه السوداء» گفته می‌شود.<sup>۳۲</sup>

۱۶۰۴ - کمون حبشی<sup>۳۳</sup>: نام دیگر آن: کمون بری<sup>۳۴</sup>

۱۶۰۵ - کناوس<sup>۳۵</sup>:

<i>Cynara scolymus L.</i>	کناوس	زریاب
---------------------------	-------	-------

۱۶۰۶ - کنبات<sup>۳۶</sup>:

<i>Equisetum arvense L.</i>	امسوخ، کُنْبات الحَقْل، ذَنب الخَیْلِ، سَیْالة	الموسوعه
<i>Equisetum hyemale</i>	امسوخ شتوی، کُنْبات الشتاء، حَشِیْشة الطوْخ، ذَنب الفرس	الموسوعه

۱۶۰۷ - کنب<sup>۳۷</sup>:

<i>Eleusine coracana Gaer.</i>	کنب	زریاب
--------------------------------	-----	-------

۱۶۰۸ - کُنْدُرْ، کُنْدُرْ (لغت فارسی یا عربی)، کُنْدُرْ، کُنْدُرْ (نامی فارسی)، کُنْدُرْ، کُنْدُرْ، لُبَانْ، عود العطاس<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: قیوطیسرون<sup>۱</sup> - سریانی: لیانون<sup>۲</sup>؛ لبونا<sup>۳</sup>، لبنا<sup>۳</sup> - رومی: سیفروس<sup>۱</sup> - کُنْدُرْ دریایی<sup>۱</sup> - عربی: لُبَانْ، لُبَانْ<sup>۳</sup> - اصمعی<sup>۳</sup> گوید سه چیز است که از یمن برخیزد و در هیچ جای دیگر نبود: «لبان» و «ورشن» و «عصب» یعنی برد یمنی و ابوحنیفه گوید «لبان» نبود مگر بر درختهای عمان و درخت آن خارناک بود و قد آن دو گز زیاده بود و نرئید مگر در کوه و ورق و ثمر آن مانند «مورد» بود و علك وی را «کزر» و «نسج» گویند و به یونانی «لبیانوا» خوانند<sup>۳</sup>.

<i>Boswellia serrata Roxb.</i>	لُبَانْ هندی، لُبَانْ ذَكَرْ بَشَنجْ هندی، کُنْدُرْ	الموسوعه
<i>Boswellia carterii Bird W.</i> <i>Boswellia serrata Roxb.</i>	کُنْدُرْ - لبان	ز. خ. ط.
<i>Boswellia sp.</i>	کُنْدُرْ	EN.

۱۶۰۹ - کُنْدُرْی<sup>۱</sup>:

۱۶۱۰ - کُنْدُشْ، کُنْدُشْ، کُنْدُشْ، کُنْدُشْ، کُنْدُشْ، کُنْدُشْ، کُنْدُشْ، عود العطاس<sup>۳</sup>: نوعی جنبه نام های دیگر آن: فارسی: بیخ کازران<sup>۳</sup>، کُنْدُشْ، کُنْدُشْ - رومی: اسطروئیون<sup>۳</sup>، دریولطاس<sup>۳</sup> - قُنْدَسْ - سطرئیون - بربله - اسطرس - سراج القطرب<sup>۳</sup> نام نوع دیگر آن: بطرمیقی تاغیغشت - نام گیاه نزد رازی: عطشان - قولاق<sup>۳</sup> اشیبلی<sup>۳</sup> می گوید: عوام به آن «بقلة» گویند و ریشه هائی را که از آن جدا می کنند «کُنْدَسْ» می نامند و از آنجا که این گیاه در شب می درخشد معروف به «سراج الظلام» است و از داروهای کُشَنده می باشد. نوع دیگر آن مشابه «کنکر» با نام «سعوط الدواب» است که اهالی فاس در مغرب به آن «تغیغشت» گویند و از ریشه های آن در شستشوی لباس استفاده می کنند<sup>۳</sup>.

<i>Gypsophila struthium L.</i>	کُنْدُشْ	زر. - خطا.
<i>Veratum album L.</i>	کُنْدُشْ - بیخ کازران	پارسا
<i>Gypsophila sp.</i>	کُنْدُشْ	الموسوعه
<i>Schoenocaulon officinale A. Gray</i>	کُنْدُشْ	EN.

۱۶۱۱ - کُنْدَلَاء<sup>۳</sup>: (گیاهی آبی) نام های دیگر آن: نام پوست: ایدع<sup>۳</sup> - حجاز: شوره<sup>۳</sup>

۱۶۱۲ - کُنْکَهْی<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: کُنْکَهْی<sup>۳</sup> (نامی هندی) - فارسی: درخت شان<sup>۳</sup> (زیرا میوه آن مشابه شان<sup>۳</sup> است.)؟

۱۶۱۳ - کُنْهَانْ، کُنْهَانْ، کُنْهَانْ: نام های دیگر آن: کونهان<sup>۳</sup> (مغرب از «کوهان» فارسی است.)

<i>Alkanna orientalis (L.) Boiss.</i>	لُبْنَبْ، کُنْهَانْ	الموسوعه
---------------------------------------	---------------------	----------

۱۶۱۴ - کُنْهَنْبَلَهْ<sup>۳</sup>: جنسی طلع نام دیگر آن: نزد عرب: عَلْفَهْ<sup>۳</sup>

۱۶۱۵ - کُنْیَبْ، کُنْیَبْ، کُنْیَبْ (نامی یمنی): نوعی علس<sup>۳</sup> یا نوعی قرطمان است. بنا به نظری علس و بنابه نظر دیگر جُلْبَان است. نام گیاه در کتاب «رازی» «هرطمان» است. در کتاب دیسکورید با نام «اولیرا» دانه ای از جنس «راء» است<sup>۳</sup>. نام دیگر آن: دُزَه

[این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۵ و ۷۷: به دزاه و اولیرا رجوع شود.]

<i>Triticum monococcum L.</i> <i>Triticum dicoccum Schr.</i>	کُنْیَبْ - اولیرا زآ	دیسکورید
---	-------------------------	----------

<i>Triticum monococcum L.</i> <i>Triticum spelta L.</i> <i>Triticum zea Host.</i>	کتیب	زریاب
<i>Triticum monococcum L.</i> <i>Triticum spelta L.</i>	کتیب	طباطبانی

۱۶۱۶ - کور<sup>۱</sup>، کور<sup>۲</sup>، : نام دیگر آن: مقل اليهود<sup>۳</sup>

<i>Balsamodendron mukul Hook.</i>	کور	زریاب
-----------------------------------	-----	-------

۱۶۱۷ - کوشنبل<sup>۴</sup>: (نامی از تنکابن و دیلم) نام‌های دیگر آن: طبرستانی: دیودار<sup>۵</sup> - مازندران و دامغان: گوزن گیاه<sup>۶</sup>، کومرثل<sup>۷</sup>

۱۶۱۸ - کوکب الأرض<sup>۸</sup>، کوکب الارض<sup>۹</sup>، کوکب<sup>۱۰</sup>: کوکب<sup>۱۱</sup>: گویند کوکب، «قیمولیا» است و رازی گوید آن را «طلق» می‌خوانند.<sup>۱۲</sup> ابوحنیفه<sup>۱۳</sup> آن را نام گل «شکاص» که نوعی «استب» است و همچنین گل «رُشالة الابيض» می‌داند.<sup>۱۴</sup>

۱۶۱۹ - کونله<sup>۱۵</sup>: (نامی هندی)

۱۶۲۰ - کویت<sup>۱۶</sup>: نام‌های دیگر آن: کبیت<sup>۱۷</sup> (نامی هندی) - بنگالی: کتیبیل<sup>۱۸</sup>

۱۶۲۱ - کهربا<sup>۱۹</sup>، کهربا<sup>۲۰</sup>، کهربا<sup>۲۱</sup>، کهربا<sup>۲۲</sup>، کهربا<sup>۲۳</sup>، کهربا<sup>۲۴</sup>، کهربا<sup>۲۵</sup>، مصباح الروم<sup>۲۶</sup>، مصباح الروم<sup>۲۷</sup>: لغت فارسی یا معرب از «کاهربای» فارسی است.<sup>۲۸</sup> نام صمغ درختی بزرگ از بلاد مغرب به نام «اروس بلغار» است.<sup>۲۹</sup> نام صمغ «جوز رومی» است.<sup>۳۰</sup> نام‌های دیگر آن: کاربا - ایلقپران<sup>۳۱</sup> - یونانی: دیامنطیس<sup>۳۲</sup> - سریانی: حمرما<sup>۳۳</sup> - رومی: هیغیرس<sup>۳۴</sup>، القطرون<sup>۳۵</sup>، ادمنطوس<sup>۳۶</sup>، القطرون<sup>۳۷</sup>، ادمنطوس<sup>۳۸</sup> - سریانی: دقتا<sup>۳۹</sup>، حیاثوا<sup>۴۰</sup>، السری<sup>۴۱</sup> - هندی: کپور<sup>۴۲</sup> - عربی: قرن البحر<sup>۴۳</sup>، مصباح الروم<sup>۴۴</sup> مترجمان کتاب‌های جالینوس و دیسکورید پنداشته‌اند «کهربا» صمغ گیاه «جوز رومی» است، ولی اینچنین نیست.<sup>۴۵</sup> ابن سینا<sup>۴۶</sup> می‌گوید: «کهربا» صمغ «کالسندروس» است.<sup>۴۷</sup>

اغیرس (*Aigeiros*): نام «شجرالجوزالرومی» است و به پوست آن «توز» گویند و دیسکورید نام صمغ آن را «کهربا» می‌داند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۴

<i>Pinites succinifer Goppe. &amp; Bern.</i> <i>Pinites stroboides (Conw.) Sch.</i>	ایلیقپرون - کاربا	زر - طبای
<i>Populus nigra L.</i>	شجرالجوزالرومی، کهربا، توز	دیسکورید

۱۶۲۳ - کهرنی<sup>۴۸</sup>: (نامی هندی)

۱۶۲۴ - کهورات<sup>۴۹</sup>:

۱۶۲۵ - کیک‌واشه<sup>۵۰</sup>:

۱۶۲۶ - کیلکان<sup>۵۱</sup>، کلیکان<sup>۵۲</sup>: از انواع «کرات»<sup>۵۳</sup>

۱۶۲۷ - کینتی<sup>۵۴</sup>: (نامی بنگالی)

۱۶۲۸ - گوزن گیاه<sup>۵۵</sup>: نام‌های دیگر آن: خرس گیاه، گوزنیک<sup>۵۶</sup>

<i>Eryngium maritimum L.</i>	گوزن گیاه	زریاب
------------------------------	-----------	-------

## حرف «ل»

۱۶۲۹- لاذن، لاذن، لاذن، لاذن، لادن، لاذینون: نام های دیگر آن: رومی: لاذیون، قیستوس - عربی: لادن - فارسی: لادنه - لادن - فرنگی: لدان، دیسکورید: می گوید: نوعی «قسوس» که بعضی از مردم به آن «لیدون» گویند. رطوبتی است که به پشم بز در هنگام چرا از گیاه «اسل» می چسبد این رطوبت از برگ های این گیاه ترشح می شود. در مغازه های عطاری شهر فاس آن را به «لاذن العنبری» می شناسند.

قستوس (Kisthos): نزد اهالی اندلس گیاه معروفی است و به آن «شقواص» (Xaguarza) گویند و عامه مغرب آن را «ورد جلی» نامند و نام دیگر آن «ورد الفحصی» است و دارای سه نوع است: نوع اول با گل سفید و نوع دوم دارای گل قرمز و در پای ریشه های آن گیاه «هیوقسطیداس» می روید و نوع سوم به نام «قستوس» با صمغی به نام «لاذن» است و این همان نوعی است که اهالی اندلس (به لاتینی) به آن «استب» (Estepa - Stipa) گویند و اسامی دیگر آن «حطب الفتح» و «شجر اللاذن» و به لاتینی «ارتقش» به معنای «کثیر العصی» است. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۱:

<i>Cistus villosus L.</i>	قستوس، شقواص، ورد جلی، ورد فحسی (نوع اول)	دیسکورید
<i>Cytinus hypocistis L.</i>	نوع دوم	
<i>Cistus ladaniferus L.</i>	نوع سوم - قستوس - لاذن - استب - حطب الفتح	
<i>Cistus creticus L.</i>		
<i>Cistus sp.</i>	لاذن، قستوس، قسطوس، قیسوس، انایه	الموسوعه
<i>Cistus ladaniferus L.</i>	لاذن اسپانی، قستوس لاذنی، شقواص، قستوس	الموسوعه
<i>Cistus creticus</i>	لاذن اکریتی، قسطوس افریطشی، عیدم	الموسوعه
<i>Cistus villosus</i>	لاذن طوطی، بزوعون	الموسوعه
<i>Cistus ladaniferus L.</i>	لاذن	زریاب
<i>Tropaenum majus L.</i>	لاذن	طباطبائی

۱۶۳۰- لاعرین، رجل الارنب، رجل الأرنب: نام های دیگر آن: لاعون، ارنبی (زیرا گیاه مشابه پای خرگوش است). - عربی: رجل الارنب، ذبیح - لاتینی: لکونس - بربری: طرمیطس - جرمامه - باددلبینه - گویند رجل الأرنب نام همان گیاهی است که "دیسکورید" به آن «لاغون» گفته است.  
لاغون (Lagopun): به معنای «ارنبی» است زیرا برای ورم ارنب مفید است و بعضی آن را «حشرف» می دانند ولی صحت آن بعید است زیرا «حشرف» گیاهی خاردار است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۷]

<i>Trifolium arvense L.</i>	رجل الأرنب، نفل البر	الموسوعه
<i>Trifolium arvense L.</i>	لاغون - ارنبی	زریاب

۱۶۳۱- لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه: به فارسی «جمشیزک» است و او جنسی است از اجناس «یتوع»<sup>۳۵</sup> ابو جریح می گوید: محل رویش گیاه در کوهپایه هاست.

<i>Euphorbia triaculeata For.</i>	لاغیه	زر - طباطبائی
<i>Euphorbia esula L.</i>	لاغیه	خطابی

۱۶۳۲- لالا، لالا، لالا، لالا: نام دیگر آن: سمسمه - گیاهی که از طرف مکه می آورند.



الم.	خَوْذَانِ اسپیوی، شقائق النعمان، کیکج، کَفّ السَّنَج، کَفّ الضَّیْع، لالا	<i>Ranunculus asiaticus</i>
------	---	-----------------------------

۱۶۳۳ - لاله سرنگون؛

۱۶۳۴ - لاله نُعمانی؛

۱۶۳۵ - لامی؛ (نامی هندی)

الموسوعه	لامی، آمرید	<i>Amyris elemifera L.</i>
----------	-------------	----------------------------

۱۶۳۶ - لانتوفودیون؛

۱۶۳۷ - لیاب القراطم، لیاب؛ صمغی که از طرف مغرب می‌آورند. در جای دیگر آمده: مغز خسکدانه است.

۱۶۳۸ - لَباشتر<sup>۱</sup>؛ این نام را عرب برای «قتم» بکار می‌برد و نام گیاه یکساله خوراکی دیگر در ناحیه غرناطه و مریه است و همچنین برخی آن را قسمی از «فَجَل» می‌دانند و به آن «بشتر» گویند.

۱۶۳۹ - لیان، لیان، لیان، بخور النبی؛ نام صمغ درختچه خاردار و یا تره‌های از حماض است. نام‌های دیگر آن: ترکی: قجی - بطینه؛ احنینه - لیانس - شانسه - لذار - نام نر آن: سطاغونس - نام نرم آن: لیانوفیلس

۱۶۴۰ - لَبخ، لَبخ، لَبخ، لَبخ؛ (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فراسیا، برسیا، برخی آن را به اشتباه «زادراخت» می‌دانند.

فَرسیسآ (*Persia*): نام‌های دیگر آن: لَبخ - شجرة الفارسیة [بن یطار (در ترجمه دیسکورد) ۱ - ۱۴۹]

زریاب	فرسیا - لَبخ - شجرة الفارسیه	<i>Mimusops schumperi Hochst.</i>
الموسوعه	اللبیزیه لَبخ، لَبخ، دَقْن الباشا	<i>Albizzia lebbek Bth.</i>
طبا - خط.	لَبخ	<i>Albizzia lebbek Bth.</i>

۱۶۴۱ - لَبزال؛ به معنای قَصعة معروف به قَصعة الحمیر

۱۶۴۲ - لَبسان، لَبسان؛ نوعی لفت بری برخی از پزشکان پنداشته‌اند «خردل بری» است.

۱۶۴۳ - لَبلاب، لَبلاب، لَبلاب، لَبلاب، لَبلاب، لَبلاب؛ بقلة الباردة، عَصِیة، نوح، واجد (اهل یمن)،

قَسوس؛ نوعی قَسوس این نام مربوط به گیاهانی است که به درختان می‌پیچد و از آن بالامی رود و نام دیگری که برای این منظور

استفاده می‌شود «قربوله» یا «لَبلاب الغنم» است. پزشکان به آن «شجرة الباردة» نیز می‌گویند. دارای سه نوع سفید و سیاه و قرمز

است. نام‌های دیگر آن: عربی: عاشق الشجر، جبل المساکین، عشقه، حلوب، لوی، عَصَبَة، عَطْفَة، شجرة

بارده؛ لَبلاب اعنم، لَبلاب الشجر، لَبلاب الغنم، عشبَة المُسلَّحة، زیرا بند آورنده اسهال است. - بربری: آست - یونانی:

تنبایس، قَسوس، قسنانس؛ لاتینی: قسینی؛ شیرازی: هر سه، هر سه، سرشو - عجمی اندلس: قَرَبوله، مطخشاله -

رومی: الکسینا، ایدنطوس - سریانی: جبلی - فارسی: تویج - سجزی: نُزک، اَلْقِیس، اَلْقِیوس - فریوله،

قربوله - سرقسطه بطاله مرکبینه - بعضی اطباء: فرغخ - دارای اصناف مختلفی است: نام‌های نوع بزرگ: هندی:

چاندلی بیل - تنکابن: لکونا - نام نوع کوچک: هندی: «عشق پیچان» - نام نوع سفید آن: فرنگی: مدرآلبه،

نام نوع سیاه آن: فرنگی: هیده نیگره - نوعی از آن «قسس» است. - تخم آن را «جبل المساکین» گویند. اَنشَبیلی

می‌گوید: دارای انواعی است که عبارتند از: ۱ - مجوسی: نوعی القسینی با نام‌های: لَبلاب الجَد، شخمآله یعنی گوشتی، رومی: اقسینی، اقسینی

۲ - القسینی الکبیر: الاطینی - یزنه دی فَوْقه یعنی عشبَة النار - یونانی: القیس، ارقالیا ۳ - جقلال: قسیناد ۴ - مطرقال

اَلْقِیسی (*Helbine*): نام آن «لَبلاب الحقیقی» است و گیاه کوچکی است که برای لِبنت مزاج از آن استفاده می‌شود و به لاتینیبه آن «قَرَبوله» یا «قربوله» (*Corriolla*) گویند.

الاطینی (Elatine): نام «لَبْلَابِ المَجْرُوسِ» و «لَبْلَابِ الأَحْرَشِ» است و عامه اندلس به آن «سراویل الكُكَّة» (Cuco - Cucus) و «شَحِيمَه» یا «سَحِيمَه» گویند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۵ و ۳۶]

<i>Convolvulus arvensis L.</i>	القسینی - لبْلَابِ الحقیقی	دیسکورید
<i>Linaria elatine Mill.</i>	الاطینی، لبْلَابِ المَجْرُوسِ، لبْلَابِ الأَحْرَشِ، شحیمه	دیسکورید
<i>Convolvulus sp.</i>	لَبْلَابِ	الموسوعه
<i>Convolvulus arvensis L.</i>	لَبْلَابِ الخُقولِ، لَبْلَابِ صغیرِ، طُربُوشِ الغرابِ	دیسکورید
<i>Veronica officinalis L.</i>	فیرونیکا مَخزَنِیة، لبْلَابِ المَجْرُوسِ	دیسکورید
<i>Convolvulus arvensis L.</i> <i>Dolichos lablab</i>	لَبْلَابِ	طباطبائی
<i>Hedera helix L.</i>	لَبْلَابِ - پیچکِ دَرْدَسِ (أَسْتَارَا)، پَلکِ (نور)، لَو، بَلو، بَلوَه (گِرگَن)، پاپیتال (تِهْران)	پارسا
<i>Hedera helix L.</i>	Bohar: Lablab - Kumaon: Bana	GLO.IN.
<i>Dolichos lablab</i>	لَبْلَابِ	خطابی
<i>Convolvulus arvensis L.</i>	قربوله	خطابی

۱۶۴۴ - لبن الحماره: نوعی بتوع

۱۶۴۵ - لَبْنِی، لَبْنِی، لَبْنِی: نوعی «میعه» که از «اصطُرک» درست می شود. دارای شیره ای چون عسل به نام «عسل لبنی» است.<sup>ع</sup> آنچه سایله - روان - بود آن را «عسل لبنی» خوانند و «میعه سایله» گویند و در آن حلاوت نبود و آن صمغ درخت رومی است.<sup>ع</sup>

<i>Styrax officinale L.</i>	أَصطُرک، لَبْنِی، مِیَعَه	دیسکورید
<i>Liquidambar sp.</i> <i>Styrax officinale</i>	لَبْنِی	طباطبائی

۱۶۴۶ - لَبْنِکُو: (نام گیاهی در بنگالی)

۱۶۴۷ - لَبْجَالُو: (نامی هندی)

۱۶۴۸ - لِحَاءِ الغُولِ: نام های دیگر آن: فارسی: آردمانه<sup>ع</sup> - بربری: تامرت<sup>ع</sup>

۱۶۴۹ - لِحْیَانِی: نام های دیگر آن: رازی: حَرْشُف<sup>ع</sup> - فلاحه می گوید: نوعی خار به نام «خبز الکلب»<sup>ع</sup>

۱۶۵۰ - لِحْیَةُ التیس، لِحْیَةُ التیس، لِحْیَةُ التیس، لِحْیَةُ التیس، لِحْیَةُ التیس:؟ (نامی عربی) نام های دیگر آن: رومی: هیوفقسطیداس<sup>ع</sup>، هرفقسطیاس<sup>ع</sup>، هوفقسطیداس<sup>ع</sup>، هوف طیداس<sup>ع</sup> - سریانی: دقنادعزی<sup>ع</sup> - جالینوس: قستوس<sup>ع</sup> - عامه اندلس: بسقواس<sup>ع</sup> - فارسی: اسلیخ<sup>ع</sup>، اسبلنج - شنکی<sup>ع</sup> - اصفهانی: شنگ<sup>ع</sup>، الاشنگ<sup>ع</sup> - یونانی: قسوس<sup>ع</sup>، قسادق<sup>ع</sup>، قسارت<sup>ع</sup> - اهل شام و شرق: اذنان الخیل<sup>ع</sup> - ذنب الخیل<sup>ع</sup> - ابن بیطار<sup>ع</sup> می گوید: این گیاه نزد اهالی شام و غرب و شرق و سرزمین مصر معروف است و نوعی از آن در شهر فیوم مصر می روید. اما آن گیاهی که "حنین" در ترجمه کتاب جالینوس و دیسکورید به نام «لِحْیَةُ التیس» نامیده با آنچه شرح داده شد متفاوت است و آن گیاهی است که به یونانی به آن «قسوس» گویند.<sup>ع</sup>

<i>Tragopogon pratensis L.</i>	سَلْسَفِیلِ المَرَجِ، لِحْیَةُ التیس	الموسوعه
<i>Tragopogon pratense L.</i> <i>Cytisus hypocistis L.</i>	لِحْیَةُ التیس	زرباب

<i>Tragopogon pratense</i> L. <i>Filipendula ulmaria</i> Maxim.	لحیة التیس	طباطبانی
<i>Tragopogon</i> sp. <i>Podospermum jacquinianum</i> Koch.	شنگ	پارسا
<i>Tragopogon</i> sp.	لحیة التیس	EN.

۱۶۵۱ - لُخْنِیس<sup>۱</sup> (نامی یونانی)، لخنس الأکلییة<sup>۲</sup>، لحنس الاکلیه<sup>۳</sup>؛ نوعی از «خیری جبلی» و آن خرامی است.<sup>۴</sup> «ابو عباس نباتی» می‌گوید: نام گیاه «اکلیلی» نامیده شده زیرا آن را بر روی تاج‌ها قرار می‌دهند و نزد من نوع جبلی «خیری» با گل بنفش است.<sup>۵</sup> «دیسکورید» می‌گوید: «لخنس آگریا» در همه حالت‌ها مشابه «لخنس بستانی» است.<sup>۶</sup>

لُخْنِیس الاکلییة (*Lukhnis stepha nomatike*): نوعی «لوقاس» با رنگ بنفش است و چون از نظر طبقه بندی آن را جزء گیاهان چتر دار می‌دانند به آن «اکلیلی» گویند.

لُخْنِیس آگریا (*Lukhnis agria*): نام آن «خرامی» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۶]

<i>Lychnis coronaria</i> Desf.	لخنس الاکلیه	دی.، EN.
<i>Agrostemma githago</i> L.	لخنس آگریا - خرامی	دیسکورید
<i>Lychnis</i> sp.	لُخْنِیس	الموسوعه
<i>Lychnis chalconica</i> L.	لخنس آگریا	EN.

۱۶۵۲ - لِسَانِ الْاِبِلِ؟: (نامی عربی)؟ الالسفاس (Eelisphakon): به معنای «لسان الأیل» است و در اندلس به آن «ناعمة» گویند و به لاتینی «شالییه» نام دارد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۱]

<i>Salvia officinalis</i> L.	الالسفاس - لسان الابل، ناعمة، شالییه	دیسکورید
------------------------------	--------------------------------------	----------

۱۶۵۳ - لِسَانِ الثُّورِ، لِسَانِ الثُّورِ، لِسَانِ الثُّورِ، لِسَانِ الثُّورِ، لِسَانِ الثُّورِ (نامی عربی)، بوغْلَصْنِ (نامی یونانی)، کاوزاون<sup>۱</sup> (نامی فارسی)، مَفْرَحْ، مَفْرَحْ، حُمْحُمْ (اهالی شام و شرق و دیار بکر)، کاوزان<sup>۲</sup>: گویند نوعی «مرو» است.<sup>۳</sup> نام‌های دیگر آن: فارسی: گاوزبان<sup>۴</sup>، گاوزوان<sup>۵</sup> - یونانی: نو<sup>۶</sup> - لاتینی: بکلورم<sup>۷</sup>، پراجم<sup>۸</sup> - هندی: سنکاهولی<sup>۹</sup> - رومی: بوغْلوسن<sup>۱۰</sup> - سریانی: لشان ثورا<sup>۱۱</sup>، رقبه<sup>۱۲</sup> - ابن سینا: کاوزان<sup>۱۳</sup>

<i>Echium amoenum</i> Fis.& Mey. <i>Caccinia glauca</i> Savi. <i>Trichodesma molle</i> DC. <i>Trichodesma zeylanicum</i> R.Br. <i>Trichodesma indicum</i> DC. <i>Anchusa italica</i> Retz. <i>Anchusa hybrida</i> Ten.	گل کاوزان	پارسا
<i>Echium sericeum</i> Vahl.	برگ کاوزان	پارسا
<i>Pulmonaria officinalis</i> L.	قسمی کاوزان	پارسا
<i>Anchusa italica</i> Retz. <i>Borago officinalis</i> L.	لسان الثور	زر - طبای.
<i>Anchusa officinalis</i> L.	أنشوزة مخزنیة، بوغْلَصْنِ مخزنی، دبون، لسان الثور المخزنی	الموسوعه

Borrago officinalis L.	لسان الثور	EN.
------------------------	------------	-----

۱۶۵۴ - لسان الحمل<sup>ع</sup>: "غافقی" می گوید: برخی پنداشته اند «لسان الثور» است ولی چنین نیست بلکه آن گیاهی است که به آن «أذن الثور» و «كحلأ» گویند... و به عجمی اندلس «أدادی» نام دارد.<sup>ع</sup> "ابن بیطار" می گوید نام گیاه در آفریقا «أوسانی» است.<sup>ع</sup> ۱۶۵۵ - لسان الحمل<sup>ع</sup>، لسان الحمل<sup>ع</sup>، لسان الحمل<sup>ع</sup>، لسان الحمل<sup>ع</sup>، لسان الحمل<sup>ع</sup>، لسان الحمل<sup>ع</sup>، لسان الحمل<sup>ع</sup> (نامی عربی)، هفت پهلو<sup>ع</sup>، كثير الأضلاع<sup>ع</sup>، كثير الأضلاع<sup>ع</sup>، برد و سلام<sup>ع</sup>، برد و سلام<sup>ع</sup>، بزر لسان الحمل<sup>ع</sup>، ذنب الفاره<sup>ع</sup>، أذن الأرنب<sup>ع</sup>: از جنس السن است. نام های دیگر آن: رومی: ارنغلیسون<sup>ع</sup>، ارطوس<sup>ع</sup>، ملطیرغون<sup>ع</sup> - سریانی: لحکا<sup>ع</sup>، شبعالعين<sup>ع</sup>، لسانامرا<sup>ع</sup> - فارسی: خرگوشک<sup>ع</sup> - ترکی: باغ پر باغ<sup>ع</sup> - شیرازی: ورق بارتنگ<sup>ع</sup> - عربی: ذنب الفار<sup>ع</sup> - لسان الحمل<sup>ع</sup> (زیرا خوشه آن مشابه دم موش است)، كثيرة الأضلاع<sup>ع</sup>، ذو سبعة أضلاع<sup>ع</sup> - یونانی: أرنقالس<sup>ع</sup> - نام های تخم: فارسی: بارشک<sup>ع</sup> - تبریزی: تخم بزوشه<sup>ع</sup> - فاس: مصاصه<sup>ع</sup> - نام های لسان الحمل کبیر<sup>ع</sup>: فرنگی: بیشاک میسور<sup>ع</sup> - نام های لسان الحمل صغیر<sup>ع</sup>: فرنگی: بیشاک مینور<sup>ع</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می گوید: دارای انواعی است که نام های برخی عبارتست از: ۱ - ارنقالس، بلنتاین ۲ - قناله ۳ - ظفر الفرس: ینمه، قُطَیْطین، اذن الارنب، خرافة العجوز، اولیه دلیپیر ۴ - ظفرة الفرس

أرنوغلسن (Aronoglosson): نام آن «لسان الحمل» و «برد و سلام» و به لاتینی «بلنتاین» (Plantain) و در اندلس «مصاصة» و «ذنب الفار» است. و دارای دو نوع کوچک و بزرگ است کوچک آن را اهالی اندلس «أذن الشاة» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۰]

Plantago major L.	ارنوغلس، لسان الحمل، بلنتاین، مصاصه	دیسکورید
Plantago major L.	لسان الحمل	ز،خ،ط،ع،E.
Plantago major L.	بارهنک، تخم سفید، قارنی یاروغ، تخم بیروشا (تبریز)	پارسا

۱۶۵۶ - لسان الذیب: نام های دیگر آن: سطرابطوس - امیره - امیریا - عشب الطحال - نام نوع دیگر: افمیدیون

۱۶۵۷ - لسان السبع<sup>ع</sup>، لسان السبع<sup>ع</sup>:

۱۶۵۸ - لسان العصافیر<sup>ع</sup>، لسان العصافیر<sup>ع</sup>، لسان العصافیر<sup>ع</sup>، لسان العصافیر<sup>ع</sup>، السنة العصافیر<sup>ع</sup>، لسان العصافیر<sup>ع</sup>، لسان العصافیر<sup>ع</sup>، لسان العصفور<sup>ع</sup>، حب السود<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: مرغ زفانک<sup>ع</sup>، بنجشک زبان<sup>ع</sup>، زبان گنجشک<sup>ع</sup>، سُرو<sup>ع</sup>، اهر<sup>ع</sup>، گنجشک ازوان<sup>ع</sup> - هندی: اندرجو<sup>ع</sup> - سندی: اندرجو<sup>ع</sup> - شیرازی: تخم اهر<sup>ع</sup> - سریانی: لشان صفرا<sup>ع</sup> - سجزی: سُرو<sup>ع</sup> - زابلی: سُنک<sup>ع</sup> - درختی مشابه درخت «دردار» است و گویند نام درخت دردار است. "ابن بیطار" می گوید: میوه درخت «دردار» است نه درخت «بنق»<sup>ع</sup>. اشبیلی<sup>ع</sup> می گوید: «لسان العصفور» نام مشترک نوعی «سنبل رومی» و «السنة العصافیر» است و در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «شجرة الدردار» با نام «بنجسکروان» و «فراخشته» می دانند و درست آنست که درختی مشابه درخت دردار است نام های دیگر آن عبارتست از: ایدوصارون، بلائیس، اسکروان، السنة العصافیر<sup>ع</sup>.

Fraxinus excesior L.	لسان العصافیر	ز،خ،ط،ع،E.
Fraxinus excesior L.	زبان گنجشک - ون - ونل - ونو - سیر - سر (شمال)	پارسا

۱۶۵۹ - لسان الکلب<sup>ع</sup>، لسان الکلب<sup>ع</sup>، لسان الکلب<sup>ع</sup>، لسان الکلب<sup>ع</sup>: نام های بستانی آن: سطاربون، شبیطه، سمفوطن ارتارون نام های نوع بری آن: مورجون، لثقوه دلیته یعنی لسان السبع، شبیطه کنبیهانه، مسجدوان، توکردوز، سمفوطن<sup>ع</sup> - به «لسان الحمل» و همچنین «حماض» گفته می شود ولی در اینجا منظور گیاه دیگری است.<sup>ع</sup>

۱- الموسوعة: (لسان العصفور) نام شایعی است که بر گیاهان متعددی اطلاق می شود از اینرو سعی توان آن را به یک گیاه خاصی نسبت داد.

<i>Cynoglossum sp.</i>	لسان الکلب، آذان الأرنب، أذن الغزال	الموسوعه
<i>Cynoglossum officinale L.</i> <i>Rumex acetosa</i>	لسان الکلب	طبیب، EN.

۱۶۶۰ - لصف<sup>ش</sup>: نوعی کنکر البری است. <sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: شوک الجمال<sup>ش</sup> - شوکه الشهباء<sup>ش</sup>  
 ۱۶۶۱ - لصفیق<sup>ش</sup>، لصفیق<sup>ع</sup>، لصفیق<sup>ب</sup>، لصفیق<sup>ب</sup>: نوع کوچک لسان الحمل<sup>ش</sup> از آن جهت که گیاه خاردار است و به لباس می چسبد به آن «لصفیق» گویند.<sup>ا</sup> و ممکن است به گیاهان دیگر که دارای این خصوصیت هستند نیز گفته شود. <sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: آذان الدب<sup>ا</sup> - تنکابن: کاش<sup>ا</sup> - «ابن بیطار» می‌گوید: گیاهی است که به آن «أذن الأرنب» گویند و گروهی نیز آن را «أذن الغزال» نام داده‌اند<sup>ش</sup> و گاهی نیز به گیاه دیگری به نام «بلسکی» گفته می‌شود.<sup>ع</sup>

<i>Galium aparine L.</i>	غالیون أبيض، لصفیق، حَشِيشَة الأفاعی، بُلْسُک، أزمَن	الموسوعه
--------------------------	--	----------

۱۶۶۲ - لُعبَة بَرَبَری<sup>ا</sup>، لعبه بربریه<sup>ع</sup>، لعبت بربری<sup>ب</sup>، لعبه<sup>ب</sup>، لعبه<sup>ع</sup>: بنا به گفته‌ای «سورنجان» است. <sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: سورنجان<sup>ع</sup> - مصر: عَکَنَة<sup>ع</sup> آنچه محقق است «سورنجان» است و بعضی گویند نوعی «بیروح» است و این خلافتست.<sup>ب</sup>

<i>Hermodactylus tuberosis Salisb.</i>	لعبه	زریاب
--	------	-------

۱۶۶۳ - لعبه مطلقه<sup>ع</sup>، لعبت مطلقه<sup>ب</sup>، لُغَبَة: نام دیگر آن: عَرُوسَة - مصر: ریشه بیروح<sup>ع</sup>  
 ۱۶۶۴ - لُفَاح<sup>ا</sup>، لُفَاح<sup>ب</sup>، لُفَاح<sup>ع</sup>، لُفَاح<sup>ب</sup>، لُفَاح<sup>ب</sup> (نامی عربی)، اصل اللُفَاح<sup>ب</sup>، تَفَاح الجن<sup>ب</sup>، سَابِيزَج<sup>ب</sup>، سَابِيزَج<sup>ب</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: شاییزک<sup>ب</sup>، سَابِيزَك<sup>ب</sup> (به معنای سیب کوچک)، مَغْدَان<sup>ب</sup> - لُفَاح: نام میوه آن «بیروح بری» است.<sup>ب</sup> - نام میوه «بیروح» است.<sup>ش</sup> - ریشه آن به نام «بیروح سریانی» است.<sup>ا</sup> - فارسی: سَابِيزَه<sup>ب</sup> - سندی: سَابِيزَو<sup>ب</sup>، سَابِيشِک<sup>ب</sup> - نام‌های نوع ماده: لُفَاح الجن<sup>ا</sup> «ابن بیطار» می‌گوید: «لُفَاح» در مصر به نوعی «بطیخ» کوچک گفته می‌شود.<sup>ع</sup>  
 مَندَرَاغُوس (mandragas): نام‌های دیگر آن عبارتست: بیروح - میوه: لُفَاح - فارسی: سَابِيزِک، شَابِيزِج - تَفَاح الجن<sup>ب</sup> - لاتینی: آرْجَبِلِطَه (Archobellitho) بربری: تَارِیل، عَرُوسَه [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۹]

<i>Mandragora officinarum L.</i>	لُفَاح	زر - طبیب
<i>Mandragora officinarum L.</i>	مندراغوس - بیروح - لُفَاح - تَفَاح الجن	دیسکورید
<i>Mandragora sp.</i>	لُفَاح، بیروح، مندراجورا، مَندَرَاک، تَفَاح المجانین، تَفَاح الجن	الموسوعه

۱۶۶۵ - لُفَاح الهندی<sup>ش</sup>:

۱۶۶۶ - لُفَش<sup>ا</sup>: (نام گیاهی در نواحی شام)

۱۶۶۷ - لُک<sup>ا</sup>، لُک<sup>ب</sup>، لُک<sup>ع</sup>، لُک<sup>ب</sup>، لُک<sup>ب</sup>: «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند کرمی است که در شاخه‌های نازک درختی در سرزمین هند و آرامنه وجود می‌آید و برخی گویند رطوبتی است که بر درخت «عنبر» می‌نشیند و عده‌ای بر این اعتقادند که صمغ درخت «بَقَم» است. <sup>ش</sup> لُک صمغ درختی هندی است.<sup>ا</sup>

۱- «لُک» صمغ یا شینم درختی است شبیه به درخت کنار یا سدر که در هند و بنگاله بهم می‌رسد. این صمغ سرخ رنگ است چون توت و حب هایش به اندازه لیمو و نارنج هم می‌رسد، آن را در آب می‌پزند و انواع رنگ‌های سرخ از آن بعمل می‌آید. لُک را به فارسی «لاک» گویند.



قسمی از لوز بری با نام لوز البربر است.<sup>۱</sup>  
 اِمْقَدال بیقرا (*Amugdal picra*): اهالی انطالیا: لوز المر - در بعضی از ترجمه‌ها: مَعْقَلوس  
 اِمْقَدال غَلُوقیا (*Am. glukeia*): به معنای «لوز الحلو» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۲]

<i>Amygdalus communis L.</i> <i>Prunus amygdalus Stokes.</i>	لوز - بادام	زر - طب.
<i>Prunus amygdalus Stokes.</i> <i>Amygdalus communis L.</i>	امقدال بیقرا - لوز المر امقدال غلوقیا	دیسکورید
<i>Prunus amygdalus Stokes.</i>	لوز	الم - خط.
<i>Prunus amygdalus communis L.</i> <i>Amygdalus communis L.</i> <i>Amygdalus dulcis Mill.</i>	لوز الحلوز	الموسوعه
<i>Prunus amygdalus var. amara Fock.</i> <i>Amygdalus amara Hayne</i>	لوز المر	الموسوعه
<i>Amygdalus amara Syn: P. communis</i>	Hendi & Panjub & Bambah: Badam Sanskrit: Badama	GLO.IN.

۱۶۷۵ - لوسیماکھیوس<sup>۲</sup>، لوسیماکھیوس<sup>۳</sup>، لوسیماکھیوس<sup>۴</sup>: نامی یونانی به معنای «شبیبه الذهب» یا مشابه طلا است.<sup>۱</sup>  
 نام‌های دیگر آن: اهل اندلس: قصب الذهبی<sup>۲</sup>، خویصه مصغر<sup>۳</sup>، خوصه<sup>۴</sup>، لخوخ الماء<sup>۵</sup>، خوخ الماء<sup>۶</sup>، عود الريح<sup>۷</sup>،  
 خویخه<sup>۸</sup> - هندی: جوراوراج ناکهه<sup>۹</sup> - «اشبیلی» می‌گوید: برخی آن را «انجبار النهری» و گروهی «سراج القطرب» و عده‌ای «خیری الماء»  
 می‌دانند.<sup>۱۰</sup>

لوسیماکھیوس (*Lusimakheios*): گیاهی که اهالی اندلس به آن «عود الريح» و «قصب الريح» گویند و هر دو نام مشترک بین  
 چند گیاه است نام دیگر آن در اندلس «قصب الذهبی» است و بعضی از گیاهشناسان به آن «خوخ الماء» گویند و عامه نیز نام آن  
 را «خویخه» نامند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳]

<i>Lysimachia vulgaris L.</i>	لوسیماکھیوس - قصب الذهبی - خوخ الماء	زریاب
-------------------------------	--------------------------------------	-------

۱۶۷۶ - لوطوس<sup>۱</sup>، لوطوس<sup>۲</sup>، لوطوس<sup>۳</sup>: به نوعی «حندقوقی» گفته می‌شود و همچنین نام «بشنین» است و «بشنین» نوعی از  
 «نیلوفر» است که در مصر وی را «خنزیری» خوانند و آن «نیلوفر» دیگر را «اعرابی» گویند. و همچنین دیسکورید در مقاله اول  
 خود «لوطوس» را به گیاه دیگری گفته و «حنین» آن را به «سدر» ترجمه کرده ولی صحیح نیست<sup>۴</sup> و غیر «حنین» آن را به نام  
 «میس» تفسیر کرده‌اند و این صحیح‌تر است.<sup>۵</sup>

لوطوس (*Lotos to dendron*): گویند معادل نام «شجر النبق المصری» است ولی صحیح آنست که گیاه معروفی است که اهالی  
 اندلس به آن «نشم الاسود» (بشم الاسود) گویند و این نام مشترکی بین چند گیاه است. نام دیگر این گیاه «شجر المیس» است. این  
 بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۵]

<i>Nymphaea lotus L.</i>	لوطوس	زریاب
<i>Celtis australis L.</i>	لوطوس - نشم الاسود - شجر المیس	دیسکورید
<i>Lotus sp.</i>	لُوطوس، لُوتوس	الموسوعه

۱۶۷۷ - لوَعَجِيدِ يَطُوسُ؛

۱۶۷۸ - لوف، لوف، لوف، لوف، لوف، لوف (نامی عربی)، دیوفونیطس (اصل اللوف)، طرقتیه (ریشه لوف کبیر): نام های دیگر آن: دراقونطیون - فارسی: گوش فیل - فرنگی: کونکلوس، سرین طین به معنای مشابه مار دارای سه نوع می باشد: نام های نوع اول: لوف کبیر، لوف الارقط، لوف الحیة (زیرا ساقه آن مشابه پای مار است). - یونانی: درافیون، دراقیطن - نام ریشه: طرقتیه و اغرقتیه یعنی مفید برای ورم اغرقون - نام های نوع دوم: لوف الجعد، فیل جوش - یونانی: ارب، لادن - بربری: الونی - اهل اندلس: صیاره - فرنگی: اریسارم نام های نوع سوم: لوف الصغیر - یونانی: اریسارن، دراقیطن - اهل مصر: دوبر، ابن بیطار می گوید: لوف دارای سه نوع است، نوعی که با نام یونانی «دراقیطن» است - یعنی لوف الحیة - نوع بزرگ لوف با نام اندلسی «غرغتیته» و «صراخه» و نام «لوف السبط» است و نوع دوم با نام یونانی «أرن» و نام بربری «آرنی» است که نام عجمی اندلسی آن «صارة» بوده و همان «لوف الجعد» یا نوع کوچک لوف - لوف الصغیر - است. و نام یونانی نوع سوم «أریسارون» یا «صریس» است و اهالی مصر به آن «ذریرة» «دویره» گویند و آن «لوف الجعد اسخن» است. - اشیلی می گوید: از جنس کفوف و نوعی بصل است و خود نام جنس گیاهان دیگری می باشد و دارای انواع بستانی، بری، جبلی، سهلی، بزرگ و کوچک است، نام های آن عبارتست از: ۱ - بستانی: شجرة الخنش، دراقنطیون یعنی تنین، ادرفین، فلنجوس، خنشی، طرقتیه، صازه، جین القرد، الريح، جین الثعبان، قلیزله، عنق الحیة، غریطیره - نام ریشه: لفت الجن - نام ساقه: شریلیون ۲ - نوع سهلی: آرن، لوف البط، لوف الجعد، آیرنی، صازه ۳ - نوع بطی: سبط، اسبط، ایرصا، ذی الورقة الواحدة ۳ - نوع بصلی: آرن صازن، صرین عنصلی ۴ - فباله، قویله، فول المجوسی ۵ - حودان، مدلوکه، کف الهز ۶ - کف السبع

دراقنطیون (Darkontion): به معنای «لوف الحیة» و «لوف الجعد» و «فیلجوش» است و اهالی مغرب به آن «صاره» (Sarillo) و اهالی اندلس «صراخه» گویند و به زبان لاتینی عمومی «غرغتیته» نامیده می شود.

أرژون (Aron): لوف السبط - عامه اندلس: صارة الانثی - بربری: ایرن

أریسارن (Arisaron): کوچکترین نوع «لوف» است و در مصر به آن «ذریرة الشحم» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۰ -

و ۱۵۰ و ۱۵۱]

<i>Dracunculus vulgaris</i> Scho.	لوف - دراقنطیون	زریاب
<i>Arum dracunculus</i> L.		
<i>Arum italicum</i> L.		
<i>Arum dracunculus</i> L.	دراقنطیون، لوف الحیة، لوف الجعد، فیلجوش، صازه، صراخه، غرغتیته	دیسکورید
<i>Arum vulgare</i>	أرژون، لوف السبط، صارة الانثی، ایرن	دیسکورید
<i>Arum arisarum</i> L.	أریسارون - ذریرة الشحم	دیسکورید
<i>Luffa</i> sp.	لوف، لیف، فیلجوش	الموسوعه
<i>Arum maculatum</i>	أروم، لوف متبع، تیاق ابيض	الموسوعه
<i>Arum italicum</i>	أروم ايطالی، لوف جعد، ذریرة	الموسوعه
<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot.	لوف الحیة، أذن الراهب	الموسوعه
<i>Arum dracunculus</i>		
<i>Luffa cylindrica</i> M.Roe.	لوف أسطوانی، لوف مصری	الموسوعه
<i>Luffa aegyptiaca</i> Mill.		
<i>Poppia fabiana</i> Koch.		
<i>Luffa aegyptiaca</i> Mill.	لوف	طباطبائی
<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot.	لوف الحیة	طباطبائی



۱۶۷۹ - لوفاق<sup>۳</sup>، لوفاق<sup>۴</sup>: "صاحب منهای" گوید «قنطوریون باریک» است و صاحب جامع گوید نوعی از «حی العالم» است که آن را «اذان القسیس» خوانند.

۱۶۸۰ - لوقاس<sup>۳</sup>، لوقاین<sup>۳</sup>: "بطریق" آن را «حرف أبيض» می‌داند و "حنین" آن را به نام «سفند أسفید» نامگذاری کرده<sup>۳</sup> و "رازی" به آن «سفند اسفندو» گوید و گویند نام نوعی «مرو» است.<sup>۳</sup>

الموسوعه	لامیون أرقط، لوقاس، حَزَف أبيض	<i>Lamium maculatum</i>
----------	--------------------------------	-------------------------

۱۶۸۱ - لوقاقانثا<sup>۳</sup>:

۱۶۸۲ - لِهولوقوغزاتیس<sup>۳</sup>: (نام گیاهی مصری)

۱۶۸۳ - لیثانوس<sup>۳</sup>، لیبانوس<sup>۳</sup>: دارای انواع مختلف است و به معنای «کندریا» یا «کندریات» است زیرا بوی «کندر» می‌دهد و نام یونانی آن نیز از «لیبانس» که همان «کندر» است گرفته شده است.<sup>۳</sup> نوعی را اهل اندلس «بربطور» و بعضی را «استر» و بعضی را «عسالیج» دانند. انواع «لیبانوس» از انواع «کلوخ» است، نوعی از آن را گیاهشناسان اندلس به نام «یزبطور الساحلی» می‌شناسند و نوع دیگر آن را اهالی غرب اندلس «یربطور الشعراوی» می‌نامند و نوعی «أشتر»، «عسالیج» و «قلیقل» نامیده می‌شود و ریشه‌های این گیاه بوئی چون بوی «کندر» دارد.<sup>۳</sup> «ابن جلیجل» پنداشته است نام «أکلیل الجبلی» است که در اندلس به «أکلیل النُفساء» معروف است و این کاملاً اشتباه است و نظر او منشأ اشتباه بقیه نیز شده است.<sup>۳</sup> لیبانو (*Libanos*): نام «کندر» و «لبان» است و محل رویش آن فقط در شحر عمان است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۸]

دیسکورید	لیبانو - کندر - لبان	<i>Baswellia Roxb.</i>
----------	----------------------	------------------------

۱۶۸۴ - لیرون: نوعی بقل یکساله نام‌های نوع جبلی آن: ربناله یعنی فجل الصغیر، النینا نام‌های نوع سهلی آن: لورونیا، اسلیج، لیرون، خربث، تمک<sup>۳</sup>

۱۶۸۵ - لیفة: نام‌های دیگر آن: شغالة، لیفة، سمفوطن بطرا یعنی شاعة الصخریة<sup>۳</sup>

۱۶۸۶ - لیف البحر<sup>۳</sup>، لیف<sup>۳</sup>:

۱۶۸۷ - لیفیه<sup>۳</sup>، لیفیه<sup>۳</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: لیقیة<sup>۳</sup> - حجاز: عَلم<sup>۳</sup>

۱۶۸۸ - لیمو<sup>۳</sup>، لیمو<sup>۳</sup>، لیمون<sup>۳</sup>، لامون<sup>۳</sup>: صاحب منهای گوید مانند «اترج» بود.<sup>۳</sup>

دیسکورید	لیمو	<i>Citrus medica Risso</i> <i>Citrus limonum Risso</i>
پارسا	لیمو	<i>Citrus aurantifolia Sw.</i>
الموسوعه	لیمون	<i>Citrus sp.</i>
المؤسوعه	لیمون حامض	<i>Citrus medica L.</i>
الموسوعه	لیمون حلو	<i>Citrus aurantifolia Sw.</i>

۱۶۸۹ - لیمونیون<sup>۳</sup>، لیمونیون<sup>۳</sup>: نوعی «حماض بزرگ» است و در باغ‌ها و بیشه‌ها روید. معنای این واژه یونانی «سبخی» است.<sup>۳</sup>

## حرف «م»

۱۶۹۰- مارگیاه: (نامی فارسی)

۱۶۹۱- مازکیوا، مازیون، انارکیوا، نارکیوا: نام دیگر آن به فارسی «نارکیوا» و نام دیگر آن «رمان السعال» است. گویند «خشخاش» است.

۱۶۹۲- مارون<sup>۱</sup>، مارون<sup>۲</sup>: نام های دیگر آن: حنین: مرماخور<sup>۳</sup> برخی آن را «نابطه» می دانند.

الموسوعه	طوقزبون کوزبی، ماروم، مارون، صعترالهز، مرماخور	<i>Teucrium marum</i> L.
EN.	مارن	<i>Teucrium marum</i> L.

۱۶۹۳- ماریون (مادیون): نام دیگر آن: افیمنیون<sup>۴</sup>

۱۶۹۴- مازریون<sup>۱</sup>، مازریون<sup>۲</sup>، مازریون<sup>۳</sup>، مازریون<sup>۴</sup>، مازریون<sup>۵</sup>، مازریون<sup>۶</sup>، مازریون<sup>۷</sup>، مازریون<sup>۸</sup>، مازریون<sup>۹</sup>، مازریون<sup>۱۰</sup>: نام های دیگر آن: خامالون ایض<sup>۱۱</sup> - رومی: کمالیاس<sup>۱۲</sup>، کمالون<sup>۱۳</sup>، ایثوسیس<sup>۱۴</sup>، اوئومیس<sup>۱۵</sup> - یونانی: خامالاس<sup>۱۶</sup> - سریانی: زیتاوعاس<sup>۱۷</sup>، حملایاس<sup>۱۸</sup> - دیسکورید: خامالاس<sup>۱۹</sup> - فاس: غنوب<sup>۲۰</sup> - دارای سه قسم است: نام های قسم اول: اشخیص<sup>۲۱</sup> - مازریون سفید<sup>۲۲</sup> - نام های قسم دوم: فارسی: هفت برگ<sup>۲۳</sup> - شیرازی: مشت رو<sup>۲۴</sup>، مست رو - اشبیلی<sup>۲۵</sup> می گوید: نام های انواع مازریون عبارتست از: ۱- خامالاس، فورش ابجی، بیسطن، قنتوله، لیوکا، تومالی ۲- مازر، خامالاون، هفت بزج، منتوله میوره، اموره، خضیراء، فوقش یعنی یلذع النار، المعین، بودی، اسد الارض، دانه: بکیر ۳- طربشکه ۴- مثنان ۵- خمادفنی، ماما<sup>۲۶</sup>

پارسا	مازریون، گل ماهور، دم گاه ماهی زهره	<i>Verbascum thapsus</i> L.
پارسا	مازریون (جنگل کلاردشت، البرز، رضایه)	<i>Daphne mezereum</i> L. <i>Daphne angustifolium</i> C.Koch
الموسوعه	مازریون، ذفنه سامة، اُثم	<i>Daphne mezereum</i> L. <i>Thymelaea mezereum</i> Scop. <i>Mezereum officinal</i> C.A.Mey.
الموسوعه	مازریون هندی، هرّج، بطریه تیران	<i>Clitoria ternatea</i> L. <i>Daphne angustifolium</i> C.Koch
زر - خط.	مازریون	<i>Daphne mezereum</i> L. <i>Daphne oleoides</i> Schr.
طباطبائی	مازریون	<i>Daphne mezereum</i> L.
EN.	مازریون	<i>Daphne oleoides</i> Schreb

۱۶۹۵- ماسفرم<sup>۲۷</sup>:۱۶۹۶- ماسقدون: دوانی هندی - نام دیگر آن: ماسقد<sup>۲۸</sup>

۱۶۹۷- ماش<sup>۱</sup>، ماش<sup>۲</sup>، ماش<sup>۳</sup>، ماش<sup>۴</sup>، ماش<sup>۵</sup>، ماش<sup>۶</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: مج<sup>۲۹</sup>، مجاج<sup>۳۰</sup> - فارسی: ماش<sup>۱</sup> - هندی: مونک<sup>۱</sup> - یمن: اقطن<sup>۳۱</sup> - شام: اقطف<sup>۳۲</sup> - شیرازی: بنوماش، بنو سیاه<sup>۳۳</sup>

الموسوعه	ماش	<i>Phaseolus mungo</i> <i>Phaseolus radiatus</i> L.
----------	-----	--

<i>Phaseolus max. L.</i> <i>Phaseolus mungo L.</i>	ماش	زریاب
<i>Vicia sativa</i> <i>Phaseolus mungo L.</i>	ماش	طباطبائی
<i>Phaseolus mrabiatius L.</i> <i>Vicia ervillia</i>	ماش	پارسا
<i>Phaseolus mungo L.</i> <i>Vigna sinensis Endl.</i>	ماش	خطابی

۱۶۹۸ - مالککنینی؛ (نامی هندی)

۱۶۹۹ - مالیا، مالیا؛؟ نام‌های دیگر آن: مزان

۱۷۰۰ - مامیثا، مامیثا، مامیثا، مامیثا، مامیثا، مامیثا؛ (نامی نبطی) نوعی بقل نام‌های دیگر آن: شام؛ منبج - جالینوس؛ غلوقیون، غلوقی، حشیشه الخمره، خشخاش المقرن، شقائق الفرس، همینا؛ غلوقیون (*Glaukion*): مامیثا [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۸]

<i>Glaucium corniculatum Curt.</i> <i>Chelidonium carniculatum L.</i>	مامیثا	زر - طبا.
<i>Glaucium corniculatum Curt.</i>	غلوقیون - مامیثا	دیسکورید
<i>Glaucium sp.</i>	مامیثا، مَمِیثا	الموسوعه

۱۷۰۱ - مامیران، مامیران، مامیران، مامیران، مامیران؛ (نامی فارسی و سریانی) نوعی زردچوبه نام‌های دیگر آن: رومی؛ بالیدونیقی، کلدونیا، کیلادونیا - زابلستان: سمرقندیا - نوع کوچک عروق الصفر - فاس: حشیشه الخطاطیف خالیدونیون طومقرون (*Khelidonium mikron*): بنا به قول ضعیفی نام «مامیران» است. خالیدونیون طوماغا: بنا به قول ضعیفی نام «کرکم» است و «طوماغا» به معنای کبیر است و برگردان عربی آن «دواء الخطاطیف» است. [بن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۳]

<i>Chelidonium majus L.</i> <i>Coptis teeta Wall.</i>	مامیران	ز، د، پ، خ، ط.
<i>Curcuma longa</i> <i>Curcuma tinctoria</i>	اصابع الصفر - کزکم صباغی - هژد - عقید هندی - مامیران	الموسوعه

۱۷۰۲ - ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه؛ (نامی فارسی)، ماهودانه، ماهودانه، حب الملوک، طارطلقه (لاتینی)، فلفل الأخوص، فلفل الخواص، شباب: «ماهودانه» به معنای قائم بذات است، زیرا در درمان اسهال به تنهایی استفاده می‌شود. نام‌های دیگر آن: ماهودانه - اهل مشرق: حب الملوک - هندی: جیبالگوت، ماهوی دانه، دند هندی - عامه اندلس: طارطقه، سیسیان - فارسی: حبه الملوک - ابوجریح می‌گوید: دوگونه است. صاحب جامع در ماهیت اسم وی و تفسیر آن سهو کرده است از بهر آنکه وی تفسیر «ما هو بذاته» کرده و گفته «أی قائم ینتسبه أی أنه یقوم بذاته فی الإسهال» و حال آنکه آن را «ماهودانه» خوانند نه «ما هو بذاته» و بعضی «دند» را «حب الملوک» خوانند و «دند» غیر از «حب الملوک» است.

<i>Croton tiglium</i> L.	حب الملوك	زریاب
<i>Euphorbia lathyris</i> L.	ماهوذانه	زریاب
<i>Euphorbia lathyris</i> L. <i>Croton tiglium</i>	ماهوذانه	طباطبانی

۱۷۰۳ - ماهیزهرج، ماهیزهرج، ماهی زهرة، ماهیزهرج، سیکران الحوت، مکنسه الاندر، سم السمک: معرب از ماهی زهره فارسی است، زیرا کشنده ماهی می باشد. نام های دیگر آن: سریانی: جغتاریختانا - جالینوس: بیورس قاتل الحیتان - نوعی از «فلوس» است و به نام «سقوبردی» می باشد.

آن را «سیکران الحوت» خوانند و سه نوع بود دو نوع کوهی و یک نوع صحرائی و کوهی بقوت تر بود و آن را «بوصیر» خوانند و «فلوس» گویند و نوع سوم معروف بود به «ماهیزهره». ابن بیطار می گوید: برای شناخت حقیقت این گیاه در مشرق و مغرب بررسی کردم و نهایت آنچه دیدم این بود که اهالی مشرق و شام بجای این گیاه پوست ریشه «بوصیر» را استفاده می کردند و اهالی مغرب و اندلس آن را بعنوان «شوکران الحوت» می شناسند و دارای سه نوع است، که دو نوع آن جبلی و نوع دیگر بستانی است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۳: به عینون، رجوع شود.]

<i>Anamirta paniculata</i> Colebr. <i>Menispermum cocculus</i> L.	ماهیزهرج	زریاب
--	----------	-------

۱۷۰۴ - مثنان، مثنان، مثنان: (نامی عربی) از جنس تمنس است. نام های دیگر آن: ثومالا، جامالا، قیسطون، طرشکه، الازار، لیش یعنی شبیه به کتان - «مازریون» و قسم های مختلف «شبارم» نوعی از آن است. ثومالا (*Thumelaia*): نام «مثنان» است و رنگرزان مغربی برای رنگ کردن از آن استفاده می کنند و به بربری نام آن «أصاص» و «أزان» است و به دانه آن «أززم» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۵]

<i>Daphne chidium</i>	ثومالا، مثنان، أصاص، ازاز	دیسکورید
<i>Daphne gnidium</i> L. <i>Thymelaea hirsuta</i> Endl.	مثنان، کزمدانه، دقنه لاحقه	الموسوعه

۱۷۰۵ - مثنان آخر:

۱۷۰۶ - مُجَنِّح، مجنح: (نامی عربی) نام های دیگر آن: گل خوش نظر

۱۷۰۷ - مُخَلَّصَه، مخلصه، محاجم، محاجم، محاجم (نامی اندلسی)، الوج، مکنسه قرشیه: وجه تسمیه آن: زیرا خوردن آن فرد را از سم افعی و سائر گزندگان خلاص می کند. نام های دیگر آن: شیرازی: کازریسک - فارسی: بلبل شامی - قنطوریون موریون یک نوع دیگر: گشنیز کوهی - یک نوع از آن «تریاق کوهی» نام دارد. نوع سوم در اسکندریه می روید و به «رأس الهدهد» معروف است.

<i>Linaria vulgaris</i> Mill.	لیناریه عادی، حجاج مبدول، جوز آرمانیوس، مخلصه	الموسوعه
<i>Linaria vulgaris</i> Mill.	مخلصه	EN.

۱۷۰۸ - مُرّ، مرّ، مرّ، مرّ، مرّ: نامی عربی صمغ گیاهی که در روم و بلاد مغرب و جزیره سقطره می روید. نام های دیگر آن: رومی: اعروعلیطوس - سریانی: مرادکبار - یونانی: سمرونا - هندی: بول شمرنا (*Smurna*): مرّ [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۵]

<i>Commiphora myrrha</i> Engl.	مَرّ	دی.الم.خط.
--------------------------------	------	------------

۱۷۰۹ - مَرّار، مَرّار، مَرّار، مَرّار: (نامی عربی) نوعی شکاعا است و بادآورد نام‌های دیگر آن: مصر: مَرّزیر - سرزمین بکر: دردردیه

<i>Centaurea aegpitiaca</i> Del. <i>Centaurea alexandrina</i> D. <i>Centaurea calcitrapa</i> L. <i>Centaurea pallescens</i> Del. <i>Triptaris vaillantii</i> L.	مَرّار	زریاب
<i>Centaurea calcitrapa</i> L. <i>Centaurea stellata</i>	قنطریون نَجْمی، مَرّار	الموسوعه

۱۷۱۰ - مَرّان، مَرّان، مَرّان: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: شجرة الرمح - مالیا

مالیا (*Melia*): نام «شجر المَرّان» است ولی منظور از «مَرّان» در کتاب جالینوس این گیاه نیست بلکه گیاهی است که "دیسکورید" از آن بعنوان «قرانیا» یاد کرده است. جالینوس از «مالیا» در کتاب خود نامی نبرده است. "دیسکورید" «قرانیا» را گیاهی کوهستانی معرفی کرده که در لبنان و مکان‌های دیگر رویش دارد و دارای میوه‌ای کوچک چون سیب کوچک است و هنگام رسیدن زرد و قرمز می‌شود و کمی ترش مزه است و درون آن دانه‌ای از جنس «زعرور» قرار دارد. برای این گیاه غیر از نام «قرانیا» نام دیگری نمی‌شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۱]

<i>Fraxinus excelsior</i> L.	مالیا - مَرّان - زان	دیسکورید
<i>Cornus mascula</i> L.	قرانیا	دیسکورید
<i>Fraxinus</i> sp.	مَرّان، لسان العصفور	الموسوعه
<i>Fraxinus excelsior</i> L.	مَرّان شامخ	دیسکورید
<i>Cornus mascula</i> L.	مَرّان	زریاب
<i>Cornus mascula</i> L. <i>Fraxinus excelsior</i>	مَرّان	طباطبائی
<i>Fraxinus excelsior</i> L.	مَرّان	EN.

۱۷۱۱ - مَرّخ، مَرّخ: گیاهی است بیابانی که با وزش تند بادهای کهنه شده و از آن برای درست کردن آتش استفاده می‌شود و عرب این نام را همچنین به هر گیاه خاردار مورد استفاده در آتش چون عفار، شبرق و کلخ بکار می‌برد.

<i>Cynanchum pyrotechnicum</i> L.	مَرّخ	زریاب
-----------------------------------	-------	-------

۱۷۱۲ - مَرّذکی: نام‌های دیگر آن: رومی: طرغولیطوس - سریانی: مَرّاذخیا، مَرّافروط، اسمرنا، سمرنایو طبقاً

<i>Commiphora abyssinica</i> Engl. <i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.	مَرّذکی	زریاب
--	---------	-------

۱۷۱۳ - مَرزَنْجُوشٌ<sup>۱</sup>، مرزنجوش<sup>۲</sup>، مرزنجوش<sup>۳</sup>، مَرزَنْجُوشٌ<sup>۴</sup>، مرزنجوش<sup>۵</sup>، سَمْسُقٌ<sup>۶</sup>، سَمْسُقٌ<sup>۷</sup>، عَنقَرٌ<sup>۸</sup> و عَنقَرٌ<sup>۹</sup>، عَنقَرٌ<sup>۱۰</sup>، اَنجَرَكٌ<sup>۱۱</sup>، حَب القَتَا<sup>۱۲</sup>، حَبِق الفیل<sup>۱۳</sup>، شَمشِرَا<sup>۱۴</sup>، عیسوب<sup>۱۵</sup>، مَرَدَقُوش<sup>۱۶</sup>، مَعْرَب مرزنگوش فارسی - نام های دیگر آن: عربی: سرمق<sup>۱۷</sup>، عَنقَر<sup>۱۸</sup>، عَبقر<sup>۱۹</sup>، حَبِق المرء<sup>۲۰</sup>، حَبِق الفتی<sup>۲۱</sup> ریحان الامروء<sup>۲۲</sup> - هندی: رونا<sup>۲۳</sup>، مروانسا<sup>۲۴</sup>، مَرَدَقُوش<sup>۲۵</sup>، مَرَقُوش<sup>۲۶</sup> - دیسکورید: سَمسخون<sup>۲۷</sup> - رومی: امراقون<sup>۲۸</sup>، سَمسق<sup>۲۹</sup> - مَرَدَقُوش<sup>۳۰</sup> - مَرَدَدُوش<sup>۳۱</sup>

مَصْصُوخُنْ «مکول» (Samsukhon): نام «مرزنجوش» به معنای گوش موش است و از نام های دیگر آن: «سَمسق»<sup>۳۲</sup>، «مَرَدَقُوش»<sup>۳۳</sup>، «عَنقَر»<sup>۳۴</sup>، «اَنجَرَك»<sup>۳۵</sup> است و بعضی آن را «اُذُن الفار» نامیده اند در صورتیکه «اُذُن الفار» نام مشترکی است که به بقیه گیاهان تناسب بیشتری دارد. اهالی اندلس به این گیاه «مَرَدَدُوش»<sup>۳۶</sup> گویند. [ابن بطار(در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۷]

<i>Origanum majorana L.</i>	مرزنجوش - سمسق - مصسخون	دیسکورید
<i>Origanum majorana L.</i>	مرزنجوش	ز - خ - ط.
<i>Origanum majorana L.</i> <i>Stachys lavandulaefolia Vahl.</i>	مرزنگوش	پارسا
<i>Majorana sp.</i>	مَرَدَقُوش، مَرَدَقُوش، مَرزَنْجُوش، ریحان داوود، سَمسق	الموسوعه
<i>Majorana hortensis Moench.</i> <i>Origanum majorana L.</i>	مَرَدَقُوش بستانى	الموسوعه
<i>Majorana hortensis Moench.</i> <i>Origanum majorana L.</i>	مَرزَنْجُوش	EN.

۱۷۱۴ - مَرَس<sup>۳۷</sup>:

۱۷۱۵ - مَرَسَطُسٌ<sup>۳۸</sup>: (نامی نبطی)

۱۷۱۶ - مَرطولست<sup>۳۹</sup>:

۱۷۱۷ - مَرقد<sup>۴۰</sup>، مَرقد<sup>۴۱</sup>: به «أفیون» و همچنین به «جوز مائل» گفته می شود.

۱۷۱۸ - مَرْمَاحُورٌ<sup>۴۲</sup>، مَرْمَاحُوزٌ<sup>۴۳</sup>، مَرْمَاحُوزٌ<sup>۴۴</sup>، مَرْمَاحُوزٌ<sup>۴۵</sup>، مارون<sup>۴۶</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: مرو خوش<sup>۴۷</sup>، مرو جبلی<sup>۴۸</sup> - رومی: هیوفسیطیوس<sup>۴۹</sup> - فارسی: مرماهوز<sup>۵۰</sup>، مرو همیشه بهار<sup>۵۱</sup>

ماژون: نوعی از «نعام» و نوع بری آن است و دارای کرک های سفید نرم و مشخصی با گلتهائی چون گل «صعتر» بصورت سه تائی است. من - ابن بطار - غیر نام یونانی آن نام دیگری برای آن نمی شناسم ولی در عین حال گویند همان گیاه «مرماحور» است. [ابن

بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۰]

<i>Origanum maru L.</i>	مرماحور	زر، دی.
<i>Origanum maru L.</i> <i>Origanum amaracus Gledi.</i>	مَرزُو، حَبِق الشیوخ، خَرْتَبَاش، مَرْمَاحُوز، مَرَدَقُوش مُعَقَّد، زَعْبَر	الموسوعه

۱۷۱۹ - مِزْمَلَطٌ<sup>۵۲</sup>: در دو نوع سفید و سیاه است، نام سفید آن «شَب رَدجَه» یعنی «سبعة اصول» یا هفت ریشه می باشد.

۱۷۲۰ - مَرْمِخَا<sup>۵۳</sup>: (نامی سفدی) نام دیگر آن به جرجانی «قمش» است.

<i>Rubus fruticosus L.</i>	مرمیخا	زریاب
----------------------------	--------	-------

۱۷۲۱ - مَرْمَازاد<sup>۵۴</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: مروازاد<sup>۵۵</sup> - فرنگی: اسطاکیس<sup>۵۶</sup>

۱۷۲۲ - مرماطوس<sup>۱</sup>: نام‌های دیگر آن: مرو بری<sup>۲</sup> - فارسی: درنک<sup>۳</sup>  
 ۱۷۲۳ - مرماهوس<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: مرو سفید<sup>۵</sup>، مرو تلخ<sup>۶</sup>

۱۷۲۴ - مرناغر<sup>۷</sup>: نام دیگر آن: سماق بری، اطریشیه

۱۷۲۵ - مَرُو، مَرُو، مرو<sup>۸</sup>، مرو<sup>۹</sup> (لغت نبطی یا فارسی)، بزرالمرو<sup>۱۰</sup>، حیق الشیوخ<sup>۱۱</sup>: نوعی جنبه نام‌های دیگر آن: ریحان الشیوخ<sup>۱۲</sup> - فارسی: مروزشک<sup>۱۳</sup> - شیرازی: مرورشک<sup>۱۴</sup> - هندی: کنوچه<sup>۱۵</sup> (دارای چهار نوع می باشد). عربی: زَعْبَر<sup>۱۶</sup>، زَبْعَر<sup>۱۷</sup> - "رازی" می‌گوید: نام آن «قهلمان» و چهار نوع است: اردشیران و میردارون و دارمک و مرماهویه و نوعی به نام «میشبهار» است. انواعی است نوع خوشبوی وی را مرماحوز خوانند، به شیرازی به آن «مرخوش» گویند و نوع دیگر آن را که بوی کمتر دارد «شموسا» خوانند و آن «مرو سفید» بود و تخم آن را به شیرازی «مرورشک» خوانند و نوع دیگر آن را «دارما» و «دارمک» خوانند. و آن «مرو سفید» بود... و گویند بدرستی که «لسان الثور» است و یک نوع دیگر را «خراما» گویند و یک نوع دیگر را «اردشیر دارو» و «وارد شیران» گویند و آن را به شیرازی «مرو تلخ» خوانند و به لفظ دیگر «مرماهان» و «مرماهوس» گویند... مؤلف گوید: انواع «مرو» هیچ کدام حب سفید نیست الا «مرو تلخ» که خود و حب او هر دو سفیدند و این مشهور بود به «مرو سفید» پس بدین تقدیر «مرو سفید» غیر «لسان الثور» است و نوعی دیگر هست که آن را «میشبهار» گویند و آن «گاو چشم» است. "خافقی" می‌گوید: "صاحب فلاحه" برای «مَرُو» هفت نوع ذکر کرده است نوعی به نام «مرماحوز» است. "اشبیلی" می‌گوید: دارای پنج قسم است که نام‌های آن‌ها عبارتست از: ۱ - نوع اول بستانی: مالیسوقلن، مرو، شبريله، مرماخور، زغبر، مالیطا ۲ - نوع دوم بستانی: رائحة البستان، حبق الشیوخ، شاهشیرم، تاجیقطن، مندبونه، ازدشیر زاد، خَشْبِزْم، نام برگ: خَزَق ۳ - انیولیس یا انیویس، خافور ۴ - مرو اسود: افریقیه منتهونه یعنی رجل صالح، میرادون، یعنی مرو الاسود ۵ - ممونون، اردمیردا<sup>۱۸</sup>

<i>Origanum maru L.</i> <i>Teucrium marmu L.</i>	مرو	زر. - طبیا.
<i>Origanum maru L.</i> <i>Origanum amaracus</i>	مَرُو، حَبَقِ الشیوخ، خَرَبَاش، مَرْمَاحوز، بَزْدَقوش مُعَقَّد، زَعْبَر	الموسوعه

۱۷۲۶ - مروی مشتقی<sup>۱۹</sup>: این گیاه بصورت درختی و علفی است درختی آن در دو نوع جبلی و بستانی است. نام‌های علفی آن عبارتست از: بَشَج مانی یعنی مَص العسل، لسان الفرس نام‌های نوع جبلی آن عبارتست از: سطالیون، ابمیلس، اسملیس، بَروله، ثمره الدب، انبجه نوع دیگری از آن نیز طیلاقیون نامیده می‌شود.<sup>۲۰</sup>

۱۷۲۷ - مروریه<sup>۲۱</sup>، مروریه<sup>۲۲</sup>: نام‌های دیگر آن: یعضید<sup>۲۳</sup>، نوعی هندباء<sup>۲۴</sup> "رازی" می‌گوید: «مروریه» نوعی «حَس» است.<sup>۲۵</sup>  
 ۱۷۲۸ - مریافلون<sup>۲۶</sup>، مریافلون<sup>۲۷</sup>، مریافلن<sup>۲۸</sup>: به معنای ذو ألف ورقة<sup>۲۹</sup> نام‌های دیگر آن: موزق<sup>۳۰</sup>، قانطیره<sup>۳۱</sup>، شَعْر العجل<sup>۳۲</sup> - جامع گوید «حزنبل» است و طریقان آن را «حدمانه» خوانند.<sup>۳۳</sup>

<i>Myriophyllum sp.</i>	مریافلن	طباطبانی
-------------------------	---------	----------

۱۷۲۹ - مریافلون آخر<sup>۳۴</sup>، مریافلون بحری<sup>۳۵</sup>: نام‌های دیگر آن: ماریون یعنی بحری - سطرابطوس شاید نیلوفر الیزک باشد.<sup>۳۶</sup>

۱۷۳۰ - مریخ<sup>۳۷</sup>، مریخ<sup>۳۸</sup>: نام دیگر جوز هندی

۱۷۳۱ - مَرَّه<sup>(۱)</sup>: از جنس جنبه و نوعی فودنج و دارای سه نوع است: ۱ - سهلی با نام‌های: فرسیون، فراسیون، اسفیدارا راغیا، شنار، حشیشه الکلاب، شریث، اشکریه، مَرَّه الابيض ۲ - صخری با نام‌های: فراسیون، فلوقاریش یعنی شعری، غَرَب، مَرَّه الاسود ۳ - جبلی با نام‌های: قارة یعنی مفید برای خفقان سودائی، سطاخیس یعنی بیضاء، آلوسن، مرته ابیض، السمته، نسمة زیرا برای درمان بیماری نسمة بکار می‌رود، هانجه، حشیشه الکلب زیرا برای گاز گرفتگی سگ مفید است، قنیره یعنی کلبیه، ساکنه، مُسکنه، آلوسن یعنی خواب (گیاه سحری است).<sup>۳۹</sup>

۱۷۳۲ - میزماز الراعی، زمارة الراعی، مزمار الراعی، مزمار الراعی، مزمار الراعی: عصى الراعی - زمارة الراعی  
 الیسا (*Alisma*): نام های دیگر آن عبارتست از: میزمار الراعی - اذن الارنب - سنبل الملوك - جالینوس: دماسونون [ابن بیطار (در  
 ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۷]

<i>Alisma plantago L.</i>	میزمار الراعی	زر - طب.
<i>Alisma plantago L.</i>	الیسا، میزمار الراعی، اذن الارنب	دیسکورید
<i>Alisma sp.</i>	میزمار الراعی، مساس	الموسوعه

۱۷۳۳ - مسافق: نوعی حی العالم است. - نام نوع رملی: ظفرة - نام نوع صخری: اذن القسیس

۱۷۳۴ - مُسْتَعَجَلَه، مستعجله، بَهَج، عروق بیض: ؟ غافقی: مستعجله

۱۷۳۵ - مسک الارض: نام های دیگر آن: مسک جده، اغرانیون

۱۷۳۶ - مسک الجن<sup>(۱)</sup>، مسک الجن، مسک الجن: (نامی اندلسی) نوع کوچک جعدة است. - «شواصرا» را نیز به این نام خوانند.

۱۷۳۷ - مسک البز: نام دیگر آن: مسک جده

۱۷۳۸ - مس غات: قسمی جلیبان است.

۱۷۳۹ - مسواک الراعی، مسواک الراعی: گویند «زوف» یا «زوفرا» و «شیطرح» است و این صحیح تر است.

<i>Lepidium sp.</i>	مسواک الراعی، عُصاب، شَیْرَج	الموسوعه
---------------------	------------------------------	----------

۱۷۴۰ - مسواک العباس، مسواک العباس: گویند نام «رعی الأبل» است و همچنین به گیاه معروفی با نام یونانی «بوارس» یا «بولدین» گفته می شود.

۱۷۴۱ - مشا: نام دیگر آن: لباه

۱۷۴۲ - مشتان: قسمی قیصوم است. نام دیگر آن انبرسول به معنای حتمص است. زیرا سرشاخه هائی مشابه حتمص دارد.

۱۷۴۳ - مَشَطُ الْغُول، ملطاة: نام های دیگر آن: دیشار - هندی: کنکهی - مشط الغول

۱۷۴۴ - مشکرامشیر، مشکرامشیر، تر مشیر، مشکرامشیر، مشکرامشیر، مشکرامشیر (نامی نبطی)، دقطابانون:

قسمی «پودنه جبلی» است. - نام های دیگر آن: فودنج بستانی، فودنج بری - طرامشیر - رومی: دیقطمینون،

دقطامیون، دقطمن - جالینوس: فسودودقطنین، مشکرامشیر زور، تالیسیس - شیرازی: ونک، رتک

دقطنن (*Diktamnon*): نام «مشکرامشیر» و «فودنج التیسی» و به لاتینی «بلائیة جزبونه»<sup>(۲)</sup> (*Polecervuno*) به معنای «غیبرة

الأبل» است و در سه نوع ذکر شده است: نوع اول در فوق ذکر شد، نوع دوم به نام «فسودودقطنن» (*Pseudodiktamon*) به

معنی «مشکرامشیر کاذب» است و جالینوس به آن «فسودودقطنن» گوید که برگردان عربی آن «مشکرامشیر زور» است.

نوع سوم مشهور به «اقریطی» و گیاهی بزرگتر از دو نوع قبل با برگ هائی بزرگتر است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۰]

<i>Origanum dictamnus L.</i> <i>Amaracus dictamnus Ben.</i>	طرامشیر	زر - طب.
<i>Origanum dictamnus L.</i> <i>Origanum creticum L.</i> <i>Origanum hirtum Lk.</i>	مشکرامشیر - مشکرامشیر (نوع اول) فسودودقطنن، مشکرامشیر کاذب، نوع دوم اقریطی (نوع سوم)	دیسکورید



<i>Mentha aquatica L.</i>	نعنع الماء، حَبَق الماء، فوتنج الماء، فودنج الماء، صَمیران، مشکطرا، مشکطرا مشیزور	الموسوعه
---------------------------	---	----------

۱۷۴۵ - مَشْمِشْ، مَشْمِشْ، مَشْمِشْ، مَشْمِشْ، مَشْمِشْ، تفاح ارمنی<sup>ع</sup>، تفاح ارمنی<sup>ب</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: برقوقویه<sup>ب</sup> - رومی: ارمیناقون<sup>ب</sup>، اغلقندریا<sup>ب</sup> - سریانی: رومانی دبرقویا<sup>ب</sup> - یونانی: ارمینیافن<sup>ا</sup>، ارمیناقن - رومی: اصاقو<sup>ا</sup> - فارسی: زردآلو<sup>ا</sup>، قیصی<sup>ب</sup> - ترکی: اردک<sup>ا</sup> - مغرب: مَشْمِشْ<sup>ع</sup> - فاس: نِشْ<sup>ع</sup> - به خشک کرده آن «قیسی» و «خوبانی» گویند.<sup>ا</sup>

ارمانیا (Armenika mela): مَشْمِشْ - تفاح الارمنی [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۱]

<i>Prunus armeniaca L.</i>	ارمانیا - مَشْمِشْ - تفاح الارمنی	دیسکورید
<i>Prunus armeniaca L.</i>	زرد آلو مَشْمِشْ	پارسا
<i>Prunus armeniaca L.</i>	مِشْمِشْ	ال.، EN.
<i>Armeniaca vulgaris</i>	مَشْمِشْ	طباطبائی
<i>Prunus armeniaca L.</i>	مَشْمِشْ	زر. - خط.
<i>Prunus armeniaca L.</i>	<i>Hendia: Khobani, Zardalu - Panjub: Gurdiu</i>	GLO.IN.

۱۷۴۶ - مَصْطَکِی، مَصْطَکِی، مَصْطَکِی، مَصْطَکِی، مَصْطَکِی، مَصْطَکِی، مَصْطَکِی، کِیَّة، اراه: نام‌های دیگر آن: مُصْطَکِی، مَصْطَکَاء (مغرب از «مصطخای» یونانی یا «مصطخی» رومی است.) عربی: علك رومی<sup>ب</sup>، علك الروم<sup>ع</sup> - سریانی: کیا<sup>ب</sup> - رومی: وسندی کیه، مصطخی<sup>ب</sup> - یونانی: سخینوس<sup>ب</sup> - سندی: کِیَّة، ریاس<sup>ب</sup>، ریاس<sup>ب</sup> - خلال<sup>ب</sup> - کِیَّة - اشبیلی<sup>ا</sup> می‌گوید: دارای دو نوع انطاکی و نیطی است، نوع انطاکی، نوع رومی و سفید و صمغ «ضرو» است و نام‌های آن عبارتست از: مشتجی، غرابه، علك الروم، مصطنجی و نوع نیطی سیاه رنگ و معروف به علك است.<sup>ش</sup>

سخینس (Skhinos): شجرة المصطکی

طراغین (Tragion): «ابن جليل» آن را نوعی «شجرة المصطکی» می‌داند ولی من - ابن بیطار - آن را نمی‌شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۶۶ و ۴ - ۴۴]

<i>Pistacia lentiscus L.</i>	سخینس - شجرة مصطکی	دیسکورید
<i>Hypericum hircinum L.</i>	طراغین	دیسکورید
<i>Pistacia lentiscus L.</i>	بُطم شرقی، بطم مستکی، ضرو، مَصْطَکَاء	الموسوعه
<i>Pistacia chia DC.</i> <i>Pistacia lentiscus L.</i>	مصطکی - الکیا	زریاب
<i>Pistacia lentiscus L.</i>	مصطکی	طباطبائی
<i>Pistacia lentiscus L.</i>	مصطکی	EN.

۱۷۴۷ - مَصْع، مَصْع: از جنس شوک و قسمی زَعْرور است.<sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: مُشْتَلِیش - غبانستر - انبج - نیاشبرش ابوحنیفة می‌گوید: میوه درخت «عوسج»<sup>ع</sup> است. "غافقی" می‌گوید: نزد ما در اندلس درای دو نوع جبلی و بستانی است و آن میوه‌ای از نوع خار چون «عوسج» است.<sup>ع</sup>

۱۷۴۸ - مطرقال<sup>(۱)</sup>: این نام به معنای «عشبة الحر» است و به دو نوع گیاه گفته می‌شود: ۱ - «قیصوم الصغیر» ۲ - گیاهی با برگ‌های مشابه فودنج



<i>Cammiphora mukul</i> Engl.	بدلیون - راحة الاسد - مقل أزرق	دیسکورید
<i>Cammiphora mukul</i> <i>Bdellium</i> Engl.	مقل أزرق	پارسا
<i>Cammiphora mulomol</i> Engel.	خاک مقل	پارسا
<i>Balsamodendron africanum</i> <i>Hendelotia africanum</i>	مقل	الم.، EN.
<i>Bdellium indicum</i>	مقل اليهود	الموسوعه
<i>Hyphaene thebaica</i> Mart. <i>Cammiphora africanum</i> Engl. <i>Balsamodendron africanum</i> Arn. <i>Balsamodendron mukul</i> Hook.	دوم - وقل - مقل	زریاب
<i>Hyphaene thebaica</i> Mart. <i>Balsamodendron africanum</i> Arn.	مقل	طباطبانی
<i>Cammiphora mukul</i> <i>Bdellium</i> Engl.	مقل یهودی	EN.

۱۷۵۸ - مقل مکی<sup>۱</sup>، مقل مکی<sup>۲</sup>، مقل مکی<sup>۳</sup>، خِضلاف<sup>۴</sup>، مقل مکی<sup>۵</sup>: نام دیگر آن: میوه دوم<sup>۶</sup>

<i>Hyphaene thebaica</i> Mart.	خِضلاف - مقل مکی	خطابی
--------------------------------	------------------	-------

۱۷۵۹ - مقلیانا<sup>۷</sup>، مقلیانا<sup>۸</sup>: (نامی سریانی) بنا به نظر عده‌ای نام «حرف» است.<sup>۹</sup>

<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.	مقلیانا - حب الرشاد	EN.
------------------------------------	---------------------	-----

۱۷۶۰ - مکهاره<sup>۱۰</sup>: (نامی هندی) ریشه گیاهی که به هندی «بتال مکهانه» نامیده می شود.<sup>۱۱</sup>

۱۷۶۱ - ملاح<sup>۱۲</sup>: نوعی حَمَض<sup>۱۳</sup>

۱۷۶۲ - ملوخ<sup>۱۴</sup>، ملوخ<sup>۱۵</sup>، ملوخ<sup>۱۶</sup>: (شام) نوعی قطف بحری نام‌های دیگر آن: نبطی: قاقلی<sup>۱۷</sup> - بصره: ملاح<sup>۱۸</sup> - اهالی شام: سامر<sup>۱۹</sup> - الیمون<sup>۲۰</sup> - ملوخ البطریق<sup>۲۱</sup> - تلیش<sup>۲۲</sup> - قرنبا<sup>۲۳</sup> - شقواص البحر<sup>۲۴</sup> - قطف بحری<sup>۲۵</sup> - [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۳: به «قطف» رجوع شود.]

<i>Atriplex halimus</i> L.	ملوخ	زریاب
----------------------------	------	-------

۱۷۶۳ - ملوکیه<sup>۲۶</sup>، ملوخیه<sup>۲۷</sup>، ملوخیا<sup>۲۸</sup>، ملوخیا<sup>۲۹</sup>: «ملوخیه» جنسی است از «خبازی»<sup>۳۰</sup> - نوعی «خبازی» است و آن بستانی بود. نام‌های

دیگر آن: شیرازی: خطمی کوچک<sup>۳۱</sup> - رومی: ایسفسوس<sup>۳۲</sup> - سریانی: ملوخیا<sup>۳۳</sup> - سجزی قدیم: ملک<sup>۳۴</sup> - سجزی جدید: پنیرک<sup>۳۵</sup>، کُشیماء<sup>۳۶</sup> - بلخ: دبوکی<sup>۳۷</sup>، ملوخیه<sup>۳۸</sup> - ملوکیه<sup>۳۹</sup>، خبازی<sup>۴۰</sup>، خباز<sup>۴۱</sup>

ملوخی (Molokhe): نام‌های دیگر آن عبارتست از: خبازی - ملوکیه [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۳]

<i>Malva rotundifolia</i> Desf.	ملوخی - ملوکیه - خبازی	زریاب
<i>Corchorus olitorius</i>	ملوخیه	الموسوعه
<i>Malva silvestris</i> L. <i>Corchorus olitorius</i> L.	ملوکیه - پنیرک - خبازی	زریاب

<i>Corchorus olitorius L.</i>	ملوخیه	طبا... EN.
-------------------------------	--------	------------

۱۷۶۴ - ملونیه<sup>ع</sup>، ملونیا<sup>ب</sup>: نام های دیگر آن: بطیخ الطویل<sup>ع</sup> - مقلونیا<sup>ب</sup> - خربزه دراز<sup>ب</sup> - شیرازی: خیار دراز<sup>ب</sup>  
 ۱۷۶۵ - مثور<sup>ع</sup>: به «خیری» گفته می شود و همچنین به نوعی «خشخاش» با نام یونانی «میقن زواس»<sup>ع</sup>.

<i>Matthiola livida DC.</i>	مثور بری، ششمیم، خمنجم	الموسوعه
<i>Cheiranthus sp.</i>	خیری، مثور	الموسوعه
<i>Cheiranthus cheiri L.</i>	خیری، مثور	EN.

۱۷۶۶ - منج زراوشان؛ منج زراوشان (تخم خیری): (نامی فارسی) نام های دیگر آن: عربی: منج<sup>ب</sup> - فارسی: کونک<sup>ب</sup>

<i>Datura metel L.</i>	منج	زریاب
------------------------	-----	-------

۱۷۶۷ - منسیه<sup>ب</sup>: نوعی هیوفاریقون - وجه تسمیه: با نوشیدن شربتی از آن عشق زیاد فرد را با ایجاد فراموشی متعادل می کند.<sup>ب</sup>  
 ۱۷۶۸ - منشم<sup>ب</sup>: حب المنشم<sup>ب</sup>: دانه ای به اندازه فلفل و به رنگ میان زردی و سرخی و بغایت ملس و خوش بوی و زود شکن بود و مغز آن بغایت سفید و معطر است.<sup>ب</sup>

<i>Commiphora opobalsamum Engl.</i> <i>Amyris opobalsamum</i>	منشم	زریاب
--	------	-------

۱۷۶۹ - منیره<sup>ب</sup>، منیره<sup>ب</sup>: نام دیگر آن: أرجونیه<sup>ع</sup> - ارجمونه<sup>ب</sup>  
 ۱۷۷۰ - موس<sup>ب</sup>، مین<sup>ب</sup>، مو<sup>ب</sup>، مو<sup>ب</sup>، مو<sup>ب</sup>: نام دیگر آن: هندی: مون<sup>ب</sup>  
 میتون (Meon): مو [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۳]

<i>Meum athamanticum Jack.</i>	مو	ز، ط، E.
<i>Meum athamanticum Jack.</i>	میتون - مو	دیسکورید
<i>Meum athamanticum Jack.</i>	شبت بری، موم، مو	الموسوعه

۱۷۷۱ - مواتزن<sup>ب</sup>: به معنای عسلی - نام های دیگر آن: هزجان<sup>ب</sup>  
 ۱۷۷۲ - مورقا<sup>ب</sup>، مورقا<sup>ب</sup>: (نامی اندلسی) نام های دیگر آن: سرزمین بربر: آسمان<sup>ب</sup> - بعضی از مردم: سنبل بری<sup>ع</sup>  
 برخی گمان می کنند نام «مو» است ولی اینچنین نیست.<sup>ع</sup>  
 ۱۷۷۳ - مؤوز<sup>ب</sup>، مؤوز<sup>ب</sup>، مؤوز<sup>ب</sup>، مؤوز<sup>ب</sup>، مؤوز<sup>ب</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: طلح<sup>ب</sup> - هندی: کیله<sup>ب</sup>

<i>Musa sp.</i> <i>Musa sepientum L.</i>	موز	الموسوعه
<i>Musa paradisiaca L.</i> <i>Musa sepientum L.</i>	موز	زر - خط.
<i>Musa sepientum L.</i>	موز	EN.

۱۷۷۴ - مُوسلی<sup>۱</sup>: (نامی هندی)۱۷۷۵ - مُول سَری<sup>۲</sup>: (نامی هندی)۱۷۷۶ - مولی<sup>۳</sup>، مولی<sup>۴</sup>: گویند «حَرْمَل بری» است.<sup>۵</sup>

<i>Arum dracuncululus L.</i>	مولی	EN.
------------------------------	------	-----

۱۷۷۷ - مونج<sup>۶</sup>: پوست نی تو خالی به نام سرکنده است.<sup>۷</sup>۱۷۷۸ - مونذی<sup>۸</sup>: (نامی هندی)۱۷۷۹ - موؤس<sup>۹</sup>: نام‌های دیگر آن: هَزوآ<sup>۱۰</sup> - قونیون<sup>۱۱</sup>۱۷۸۰ - مَهْدُ، مَهْدُ<sup>۱۲</sup>: (نام کشمیری) نوعی «عرطینا» معروف به «راحة الأسد» که اهالی شام به آن «قیلعی» گویند.<sup>۱۳</sup>۱۷۸۱ - میبه<sup>۱۴</sup>:

<i>Pteris radiofa Mett.</i> <i>Acrostichum dichototum Forsk.</i>	میبه	زریاب
---	------	-------

۱۷۸۲ - مِیسَن<sup>۱۵</sup>، مِیسَن<sup>۱۶</sup>، مِیسَن<sup>۱۷</sup>، مِیسَن<sup>۱۸</sup>: (نامی عربی) نوعی قِیْقَب است.<sup>۱۹</sup> نام‌های دیگر آن: مُلبونه<sup>۲۰</sup> - یونانی:لوسوس<sup>۲۱</sup>، لَطُوس<sup>۲۲</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۵: به «لَطُوس» رجوع شود.]

<i>Trigonella elatior Sybth.</i> <i>Nymphaea lotus L.</i> <i>Trigonella caerulea Ser.</i>	میسن	زریاب
<i>Nymphaea lotus L.</i>	میسن	طباطبانی
<i>Celtis sp.</i> <i>Nymphaea lotus L.</i> <i>Trigonella caerulea Ser.</i>	مِیسَن، نَسَم	الموسوعه
<i>Sorbus torminalis (L.) Crantz</i>	مِیسَن	EN.

۱۷۸۳ - میسنای<sup>۲۳</sup>: نام‌های دیگر آن: زابلستان: شیرگیاس<sup>۲۴</sup> - بلخ و طخارستان: خیارک بی بر<sup>۲۵</sup> - خوارزم: ویدویک<sup>۲۶</sup>۱۷۸۴ - میعه<sup>۲۷</sup> سائله<sup>۲۸</sup>، میعه<sup>۲۹</sup>، میعه<sup>۳۰</sup>، میعه<sup>۳۱</sup>: میعه<sup>۳۲</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: عربی: لبنی<sup>۳۳</sup> - هندی: سلارس<sup>۳۴</sup>درخت آن را به فرنگی «اسطراکه‌لیکه» (یعنی نرم) گویند. دارای دو نوع میعه سائله و میعه یابسه<sup>۳۵</sup> است. «ابوجریح»

می‌گوید: میعه صمغی است روان، از گیاهی که در شهرهای روم می‌روید بدست می‌آید. میعه دو نوع است: سائله با نام‌های:

عسل اللبئی<sup>۳۶</sup> - هندی: سلهارس<sup>۳۷</sup>، اصطفی<sup>۳۸</sup>، عسل لبنی<sup>۳۹</sup> - یابسه با نام‌های: هندی: سلَهه<sup>۴۰</sup>، سلَهه<sup>۴۱</sup>، شیرازی: لحوز<sup>۴۲</sup> میعهسه جنس است، «میعه‌تر» و «میعه خشک» و «اصطرك» و «أصطرك» نوعی از «میعه» است.<sup>۴۳</sup>

صَطَقَطی (Stakte): میعه سائله - حنین: دَسَم الشجر المرّ [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۱]

<i>Commiphora myrrha Engl.</i> <i>Styrax officinale L.</i>	صطفی - میعه سائله میعه یابسه	دیسکورید
<i>Rosa maialis Desf.</i>	میاه سائله	پارسا
<i>Strax officinale</i>	اصطرك - لبنی - میعه	الموسوعه

<i>Liquidambar orientalis L.</i> <i>Styrax officinale L.</i>	میعه سائله میعه یابسه	زریاب
<i>Liquidambar orientalis L.</i> <i>Styrax officinale L.</i>	میعه میعه یابسه	طبا، EN.

۱۷۸۵ - میکلس<sup>ص</sup>:

<i>Convolvulus sepium L.</i> <i>Smilax aspera L.</i>	میکلس	زریاب
---	-------	-------

۱۷۸۶ - میلقص لیا<sup>ش</sup>:۱۷۸۷ - مین: نام های دیگر آن: اثامطیقون - مین - میون - بیزه - مو - سنبل الاقلیطی - مورانه - موران<sup>ش</sup>۱۷۸۸ - میواقتوس<sup>ص</sup>: نام دیگر آن: شوک الفأرة<sup>ص</sup>

<i>Asparagus officinalis L.</i> <i>Asparagus acutifolius L.</i>	میواقتوس - شوک الفأرة	زریاب
--	-----------------------	-------

۱۷۸۹ - میودیون<sup>ص</sup>: نام دیگر آن: مادیون<sup>ص</sup> - برگردان عربی آن «ذنب الأیل» است.<sup>ص</sup>

۱۷۹۰ - میویزج<sup>ص</sup>، میویزج<sup>ص</sup>، میویزج<sup>ص</sup>، میویزج<sup>ص</sup>، میویزج<sup>ص</sup> (نامی فارسی)، زیبب الجبل<sup>ص</sup>: نام های دیگر آن: اسطافیدوس اغریا<sup>ش</sup> - حب الراس<sup>ش</sup> - صیبب<sup>ش</sup> - خروع الاسود<sup>ش</sup> - شیرازی: مویزک<sup>ص</sup> - فاس: حب الراس<sup>ص</sup> - برگردان عربی آن زیبب الجبلی<sup>ص</sup> و زیبب الریفی<sup>ص</sup> است و نام دیگر آن «حب الراسن» است.<sup>ص</sup> صاحب جامع<sup>ص</sup> گوید «حب الراسن» است و این سهو است.<sup>ص</sup>

<i>Delphinium staphisagria L.</i>	میویزج	ز، خ، ط.
-----------------------------------	--------	----------

## حرف «ن»

۱۷۹۱ - نارجیل<sup>ف</sup>، نارجیل<sup>ص</sup>، نارجیل<sup>ص</sup>، نارجیل<sup>ص</sup>، نارجیل<sup>ص</sup>، جوز هندی<sup>ص</sup>، جوز هندی<sup>ص</sup>، رانج<sup>ص</sup>، نارجیل<sup>ص</sup>: معرب ناریل هندی است.<sup>ف</sup> نام های دیگر آن: هندی: نالیر<sup>ص</sup> - عربی: جوز هندی<sup>ص</sup>، الزنج<sup>ش</sup>، فرنگی: کوکرس اندیکریس<sup>ف</sup> - رانج<sup>ص</sup> - جوز الهند<sup>ص</sup> - شیرازی: گردو هندی<sup>ص</sup> - به هندی تازه آن را «ناریل» و خشک آن را «کھوپره» گویند.<sup>ف</sup>

<i>Cocos nucifera L.</i>	نارجیل	ز، ط، E.
<i>Cocos nucifera L.</i>	نارجیل - نارکیل	پارسا
<i>Cocos nucifera L.</i>	نارجیل معروف، جوز الهند، رانج، شمعور، جشرج	الموسوعه

۱۷۹۲ - نارجیل بحری<sup>ف</sup>: نام دیگر آن: فارسی: نارجیل دریائی<sup>ف</sup>

<i>Lodoicea sechellarum Lab.</i>	نارجیل دریائی - کشکول	پارسا
----------------------------------	-----------------------	-------

۱۷۹۳ - ناردین<sup>ف</sup>، ناردین<sup>ص</sup>، ناردین<sup>ص</sup>، ناردین<sup>ص</sup>، ناردین<sup>ص</sup>: سنبل رومی<sup>ص</sup>؟ «ابن بیطار» می گوید: هر گاه «ناردین» به تنهایی

ذکر شود منظور «سنبل هندی» است و هر گاه «ناردین اقلیطی» گفته شود منظور «سنبل اقلیطی» و همان نوع رومی است، و «ناردین آوری» «سنبل جبلی» است و «ناردین آغریا» به معنای «سنبل بری» بوده و به «سنبل جبلی» «آسارون» نیز گفته می‌شود.<sup>۴</sup> آشپیلی می‌گوید: نام انواع آن عبارتست از: ۱- ناردین اقلیطی: سنبل الرومی ۲- ناردین جبلی: ششتره، فو ۳- ناردین نهري: ساذج ۴- ناردین صینی: آسارون<sup>۵</sup> [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱- ۶ و ۷: به سنبل، رجوع شود.]

<i>Valeriana sp.</i>	سنبل، ناردین	الموسوعه
<i>Valeriana celtica L.</i>	سنبل رومی، ناردین اقلیطی، عطارد	الموسوعه
<i>Valeriana phu L.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i>	سنبل الحدائق، سنبل الحدائق، فو	الموسوعه
<i>Valeriana montana L.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i>	سنبل ناردین الجبل	الموسوعه
<i>Valeriana wallichii DC.</i> <i>Valeriana discordis Sibth.</i>	ناردین آرزق، سنبل آرزق	الموسوعه
<i>Valeriana spica Vahl.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i>	ناردین الطیب، ناردین هندی	الموسوعه
<i>Valeriana officinalis L.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i>	ناردین مخزنی، حشیشه القط، بقلة الهز	الموسوعه
<i>Asarum europaeum L.</i>	ناردین بری - آسارون	الموسوعه
<i>Valeriana celtica L.</i> <i>Valeriana jatamansi DC.</i> <i>Nardostachus jatamansi DC.</i>	ناردین	زریاب
<i>Valeriana celtica L.</i> <i>Valeriana officinalis</i>	ناردین	طباطباتی
<i>Valeriana jatamansi DC.</i>	ناردین	EN.

۱۷۹۴- نار فارس؟؛

۱۷۹۵- نار قیصر؟؛

۱۷۹۶- نارکیوا، نارکیوغ<sup>۶</sup>، نارکیو<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: مارکیوا<sup>۸</sup>؟، خشخاش الاحمر<sup>۹</sup> «ابن بیطار» می‌گوید: به «رمان السعالی» که نوعی «خشخاش» است گفته می‌شود و گویند منظور از «نارکیو» همه انواع «خشخاش» است و همچنین گویند فقط نوع سیاه «خشخاش» مورد نظر است.<sup>۱۰</sup> - گویند «بزر مرزنجوش» است.<sup>۱۱</sup>

<i>Papaver rhoeas L.</i>	نارکیوا	زر - طبا.
--------------------------	---------	-----------

۱۷۹۷- نارمشک<sup>۱۲</sup>، نارمشک<sup>۱۳</sup>، نارمشک<sup>۱۴</sup>، نارمشک<sup>۱۵</sup>، نارمشک<sup>۱۶</sup>، انارمشک<sup>۱۷</sup>، نارمشک<sup>۱۸</sup>، نارمشک<sup>۱۹</sup>؟ لغت فارسی و به معنای مسک الرمان، مشک الرمان است.<sup>۲۰</sup> و در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند «جلنار» است و برخی آن را شکوفه و پوست و گل‌های درختی مشابه «بسباسه» می‌دانند و در هند رویش دارد.<sup>۲۱</sup> نام‌های دیگر آن: اقماع رمان هندی - سنندی: نارغفف<sup>۲۲</sup>، نارغیست<sup>۲۳</sup>، نارغیث<sup>۲۴</sup>، ناغیست<sup>۲۵</sup>، سوربارو<sup>۲۶</sup> - هندی: ناکیسر<sup>۲۷</sup>، ناکمتر<sup>۲۸</sup>، ناکفف<sup>۲۹</sup>، ناکیس<sup>۳۰</sup> - «ابن ماسویه» می‌گوید: شکوفه گیاهی که آن را «نارماسیس» می‌نامند.<sup>۳۱</sup> - «رازی» می‌گوید: گل درختی به نام «نارماسیس» است.<sup>۳۲</sup>

<i>Mesua ferrea L.</i>	نارمشک	خطابی
------------------------	--------	-------

<i>Punica granatum L.</i> <i>Mesua ferrea L.</i> <i>Cinnamomum cassia Boiss.</i>	نارمشک	زر، EN.
--	--------	---------

۱۷۹۸ - نارنج، نارنج، نارنج، نارنج، نارنج، نارنج. معرب نارک فارسی نام دیگر آن به هندی «کرنا» است.

<i>Citrus vulgaris Riss.</i> <i>Citrus amara Link.</i>	نقاش، أبو صْفیر، نارنج	الموسوعه
<i>Citrus aurantium Lou.&amp; Auc.</i> <i>Citrus amara Link.</i>	نارنج	زر، EN.
<i>Citrus bigaradia Lois.</i>	نارنج	طباطبانی

۱۷۹۹ - ناطف، ناطف، ناطف. نام های دیگر آن: قبیطه، قبیطاء، قبیط

۱۸۰۰ - ناغیشت. نام های دیگر آن: بربری: حسومی، اغرومی - بعضی از مردم: فلفل السودان

۱۸۰۱ - ناکسیر. نام دیگر آن: به هندی: ناککسیر

۱۸۰۲ - نانخواه، نانخواه، نانخواه، نانخواه، نانخواه، نانخواه، نانخواه، نانخواه. نام های دیگر آن: فارسی: زینیان، نغن خوالان، نانخواه، نانخواه - عربی: کمون ملوکی - هندی: اجواین - رومی: امی - سریانی: نتوا، نینیا - سندی: حوان - اندلس: نانخه - ناوخیه - دیسکورید: امیانی، آمی، قومون باسیلقون - شیرازی: زینان - قومینون انتونیقون یعنی کمون حبشی، کمون الکرمانی، کتون الرطالی - باسیلقون یعنی ملوکی [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۸: به کمون، رجوع شود]

<i>Sison ammi Jac.</i>	زینان - کمون ملوکی - نانخواه	پارسا
<i>Carum copticum Ben.</i> <i>Ammi copticum Boiss.</i> <i>Sison ammi Jac.</i> <i>Trachyspermum copticum Link.</i>	نانخواه	ز. - خ. - ط.
<i>Ammi copticum Boiss.</i> <i>Ammi visnaga Lam.</i>	نانخواه	EN.

۱۸۰۳ - نبق. در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند «زهرور» است و عده ای آن را میوه درخت «سدر» می دانند و همین نظر در بین دانشمندان مشهور است.

<i>Zizyphus spina-chyristi Geor.</i> <i>Zizyphus lotus Lam.</i> <i>Rhamnus divaricata Forsk.</i>	نبق	EN.
--	-----	-----

۱۸۰۴ - نبع، نبع، نبع. نام دیگر آن به سجزی «کنار» است.

<i>Grewia populifolia L.</i>	نبع - کنار	زریاب
------------------------------	------------	-------





<i>Mentha piperita</i> Smith. <i>Mentha sativa</i> L.	نعنع	ز.ط.، E.
<i>Mentha piperita</i> Smith.	ابدیاسمن - نعنec	دیسکورید
<i>Mentha</i> sp.	نعنع، نُنعنع، نُنعناع	الموسوعه
<i>Mentha</i> sp.	نعنع	خطابی
<i>Mentha piperita</i> Smith.	نعنع فلفل	خطابی
<i>Mentha sativa</i> L.	نمام	خطابی
<i>Mentha aquatica</i> L.	نعنع البری - نعنec المانی	خطابی

۱۸۱۴ - نُفَل، نُفَل، نُفَل، نفل، نفل، نفل: نام های دیگر آن: قَت البر، بارزدا - فارسی: شَقْتَل، غسانی می گوید: از انواع آن «جَمَصی»، «حَنْدَقَوْقا»، «بساط الملک» و «انجبار» است. اشبیلی می گوید: نفل دارای انواع بسیاری است و همگی از گیاهان یکساله مرتعی هستند که عبارتند از: ۱ - جَمَصی ۲ - جَمری و نحلی ۳ - رطبه - قَت: لوطس اغریوس، یربه بطره یعنی عشبة البقلة ۴ - قَضب: لوطس، یربه بطیره، قَت ۵ - حندقوقا: لوطس طوماغا، لوطس اغریوس، طریفیلن، طریفله، حندقوقا، خاقی، دُزق، آزود، کرکمان، قرنفل الارض ۶ - حندقوقا مصری: ذرق ۷ - فِصْفَصَة ۸ - بساط الملک ۹ - ازراز: نغام، اِرْزَة الارض ۱۰ - بلوز الريح ۱۱ - کرسنی ۱۲ - میدیقی ۱۳ - عروق السوس ۱۴ - انجبار النهری ۱۵ - رقعة النهریة<sup>ش</sup>

<i>Trifolium</i> sp.	نفل، شبدر	الموسوعه
<i>Trifolium melilotus-indica</i> L.	نفل	طباطبانی
<i>Medicago ciliaris</i> Hook. <i>Medicago intertexta</i> L. <i>Trifolium melilotus indica</i> L.	نفل	زریاب
<i>Medicago ciliaris</i> Hook. <i>Medicago hispida</i> Gaertn. <i>Medicago littoralis</i> Rhod. <i>Medicago sativa</i> L.	نفل	خطابی

۱۸۱۵ - نیکاچونی: (نامی هندی)

۱۸۱۶ - نلک، نلک، نلک: به درخت «زعرور» و همچنین به درخت «دب» گویند.<sup>ع</sup>

<i>Prunus divaricata</i> Led.	نلک	زریاب
<i>Crataegus azarolus</i> L.	نلک، زعرور عادی	الموسوعه

۱۸۱۷ - نمام<sup>ع</sup>:

<i>Thymus glaber</i>	سَعْتَر أَمْرَط، سَبْسَبْتِر، نَمَام، نَمَام المَلْک، زُبْبِزْبَة	الموسوعه
<i>Thymus glaber</i> <i>Thymus serpyllum</i> L.	نمام	طباطبانی

۱۸۱۸ - نوارس، نوارس، نوارس: (نامی یونانی)، عصب: نام های دیگر آن: عربی: شجرة القدس، مسواک

العباس<sup>۳</sup>، مسواک المسيح<sup>۴</sup> - دیسکورید: بطریون<sup>۵</sup> "غافقی" می‌گوید: نوع بزرگ «فتاد» را گویند و برخی از مردم آن را به نام «شجره العرس» و برخی «سواک عباس» و «سواک عباسی» نامیده‌اند و در روم «سواک المسيح» نام دارد<sup>۶</sup> - "رازی" می‌گوید: نام دیگر آن «شجره العصب» است<sup>۷</sup>.

الم.	أسطراغالوس نوارس، نوارس، شجرة القدس، عَضْب	<i>Astragalus arnacantha</i>
------	--	------------------------------

۱۸۱۹ - نُؤْبِع: نام‌های دیگر آن: دوقس، امستخسر یعنی باطل کننده سحر<sup>۸</sup>

۱۸۲۰ - نَهْمَا، نَهْمَا: (نامی نبطی)

۱۸۲۱ - نَيْطَافَلِي:

۱۸۲۲ - نَيْفَاطُوس:

۱۸۲۳ - نَيْلَجْ، حَب النیل، نَيْلَجْ، لَيْلَجْ، لَيْلَجْ، نَيْل، نَيْل، نَيْل، وَسْمَه، وَسْمَه، حناء معجون<sup>۹</sup>، عَجَب، عَجَب (دانه)، وَسْمَه (نام برگ): نام‌های دیگر آن: نَيْل - اساطوس - عَظْلَم، عَظْلَم (نام درخت) - خَطْرَه - اندلس: سمائی - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اساطیس<sup>۱۰</sup> - "غسانی" می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گویند نام «نیل» است و گویند «عَظْلَم» است. ابوحنیفه به نقل از بعضی اعراب «عَظْلَم» و «توم» و «وسمه» را نامی برای یک گیاه می‌داند<sup>۱۱</sup> «اشبیلی» می‌گوید: به دو گیاه «عجب» و «وسمه» با سه قسم می‌گویند سایر نام‌های وسمه عبارتست از: سدوس، ایساطس، تنطریه، طیلسات<sup>۱۲</sup> - نام‌های دانه آن: قرطم هندی، نیلنج، لیلنج - عصاره گیاه هر گاه خشک شود «سدوس» نام دارد<sup>۱۳</sup> - «وسمه» به برگ آن گفته می‌شود<sup>۱۴</sup>.

اساطیس (Isatis): نیل نیلج - طین الاخضر - عین الاخضر

اساطیس اغریبا: نیل بری (ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۵ و ۱۶۶)

<i>Isatis tinctoria L.</i>	نیل	خطابی
<i>Isatis tinctoria L.</i>	نیل - نیلج - طین الاخضر - عین الاخضر	دیسکورید
<i>Indigofera sp.</i>	نیل - نیلنج - حِلَّة	الموسوعه
<i>Indigofera tinctoria L.</i>	نیل - وسمه	زریاب
<i>Indigofera tinctoria L.</i>	نیل	طباطبائی
<i>Syringa sp.</i>	لَيْلَك، لَيْلَج، نَيْلَج	الموسوعه
<i>Ipomoea hedracea Ja.</i>	حَب النیل - قرطم هندی	زریاب

۱۸۲۴ - نیلوفر، نیلوفر، نیلوفر، نیلوفر، نیلوفر، کرنب الماء (سریانی)، عروس: معرب «نیلوپهل» هندی است و «نیل» به زبان هندی به معنای آب و پهل به معنای میوه است<sup>۱۵</sup> - نام‌های دیگر آن: سریانی: نیروفل - نام‌های دیگر آن: فارسی: بن لیلوفر، نیلوپرک - خُرپرسته - یونانی: نیمفا<sup>۱۶</sup> - عربی: کرنب الماء، خیری، وردالشمس، وردالمجوس، سارق الخاتم - دیسکورید: نیمفا<sup>۱۷</sup> - بنگالی: سیلا، کوهن، دانه آن به نام «حَب العروس» است<sup>۱۸</sup> نام بری آن را در مصر «عرایس النیل» گویند<sup>۱۹</sup> «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع بسیار بستانی، بری و نهری است برخی با گل سفید، زرد، قرمز و آبی است. نوعی نیلوفر بری با گل زرد و نهری و معروف به ذهبی است نام‌های دیگر آن عبارتست از: نیمفا یعنی عروسة المجلیة، سفتک، بلاطر، بشنین، نیلوفر ذهبی، قاتل النحل، سارق الخاتم، التاجر، عروس، نام برگ: تَزَس الماء، مراوح الجن، بوقی، نیفور - نوع دیگر نیلوفر معروف به نیلوفر البرک است و نام‌های دیگر آن عبارتست از: نیلوفر القمری، ورد الانهار، نیلوفر المجوسی - نوع دیگر نیلوفر به صقلی و شمسی معروف است و به آن نیلوفر الصینی گویند<sup>۲۰</sup>

نیمفا (Numphaia): نیلوفر - نیلوفر - عروس الماء - قاتل النحل (ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۹۷)

<i>Nymphaea lotus L.</i> <i>Nuphar luteum L.</i> <i>Nymphaea lutea L.</i> <i>Nymphaea alba L.</i>		نیلوفر	زر. - طب.
<i>Nymphaea lutea L.</i> <i>Nuphar alba L.</i> <i>Nymphaea coerulea L.</i> <i>Nymphaea alba L.</i>	زرد سفید ازرق	نیمفا - لینوفر - نوفر - عروس الماء - قاتل النحل	دیسکوریڈ
<i>Nymphaea sp.</i>		نیلوفر، نینوفر، بشنین	الموسوعه
<i>Nymphaea alba</i>		نیلوفر ابيض، بشنين ابيض، عرايس النيل، حشيشة السمك	الموسوعه
<i>Nymphaea coerulea L.</i>		نیلوفر أزرق، بشنين أزرق، كزنب الماء	الموسوعه
<i>Nymphaea flava Leitner</i>		نیلوفر أصفر	الموسوعه
<i>Nymphaea lotus L.</i>		نیلوفر العروس، بشنين عربی، لوطس	الموسوعه
<i>Nymphaea indica</i>		نیلوفر هندی، اوسید	الموسوعه
<i>Nymphaea sp.</i>		نیلوفر	خطابی

حرف «و»

۱۸۲۵- وُج، وُج، وُج، وُج، وُج، وُج، عود الودج، وُج، قوث: نام های دیگر آن: الودج - یونانی: اقورون، اقارون، اقارون - فارسی: اگیر ترکی، وُژ، وریژک، افریژ - هندی: بچه - رومی: اقیرون - سریانی: وُض - دارای سه نوع است نوعی هندی و دو نوع اندلسی و آن ریشه درخت «اقارون» است و گویند ریشه درخت «سوسن ازرق» است.<sup>۱</sup>

<i>Calamus aromaticus</i>	اگیر ترکی	پارسا
<i>Calamus asiaticus</i>	وج	پارسا
<i>Acorus calamus L.</i> <i>Acorus aromaticus Gilib.</i>	وج، قصب الذريرة، عرق اکور، عود وج، ایاگر	الموسوعه
<i>Ulmus minor Mill.</i> <i>Iris pseudacorus L.</i>	وج	طب. - خطا.
<i>Acorus calamus L.</i> <i>Iris pseudacorus L.</i>	وج	زریاب
<i>Acorus calamus L.</i>	Hendia & bengal: Bach - Bombay: Vaj - Telgu: Vadaja	GLO.IN.

۱۸۲۶- وُخشیزق، وُخشیزج: نام گیاه از نظر غاقتی: حشيشة الخراسانية  
۱۸۲۷- وُذع: نام های دیگر آن: هندی: کوری، کفرجک، کج - سجزی: دندان جانان

<i>Cypraea moneta L.</i>	ودع	زر. - طب.
--------------------------	-----	-----------

۱۸۲۸- وُزْد، وُرد، وُرد، وُرد، وُرد، بزر الورد، حرجم (ورد احمر): نام های دیگر آن: رومی: انثوس - سریانی: وُردا - دارای انواعی است: احمر، ابيض، اصفر، موجه، احمر المضاعف الكثير الورد، ذو خمسة اوراق به نام طیار

بهترین نوع آنست که از گل فارسی گیرند. - دارای انواع مختلفی است: ورد احمر بستانی - ورد ابیض بری - نام ورد احمر بری: گل درخت دلیک - نام ورد احمر بستانی: گل سرخ  
 نام ورد اصفر بری: نسرين زرد بری - نام ورد اصفر بستانی: نسرين زرد بستانی - نام ورد الحماق: ورد العجار - فارسی: گل رعناى زيبا - شیرازی: گل قحبه - نام‌های ورد موجه: رومی: ططریوغنون - سریانی: ورد الصیاری - فارسی: گل روسیجه  
 قونُس باطُس (Kunosbatos): برگردان عربی آن «عَلِيقُ الْكَلْبِ» است زیرا «فانس» به یونانی یعنی «کلب» (سگ) و «باطس» یعنی «علیق» و اهالی مغرب به آن «نسرین» گویند و به «ورد بری» مشهور است و نام بربری آن «اڈمام» و نام لاتینی آن «سنلتجی» است و جالینوس نام آن را در مقاله هفتم خود یادآور شده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۶]  
 رُوذا (Rhoda): در بعضی از نسخه‌ها «جُرُوذا» گفته شده و آن نام - یونانی - «وُرد» یا همان «جُل» که ریشه واژه معرب شده آن فارسی است می باشد و به نوع سرخ آن «حَوَجَم» و به نوع سفید آن «وُتیرا» گویند و جالینوس آن را در مقاله هشتم خود یادآور شده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۱]

<i>Rosa sp.</i> <i>Rosa damascena L.</i>	جُل، ورد	الموسوعه
<i>Rosa sp.</i>	ورد	خطابی
<i>Rosa canina L.</i>	قونس باطس - ورد بری - نسرین	دیسکورید
<i>Rosa Tourn.</i> <i>Rosa gallica L.</i> <i>Rosa alba L.</i>	روذا حوجم - ورد احمر وتیر - ورد ابیض	دیسکورید
<i>Rosa centifolia L.</i> <i>Rosa damascena L.</i>	ورد	زریاب
<i>Rosa gallica</i> <i>Rosa damascena L.</i>	ورد	طباطبانی
<i>Rosa alba L.</i>	Hendia: Gulab - Bengal: Swet glub Bombay: Gul - Panjub: Gulseoti	GLO.IN.
<i>Rosa centifolia L.</i>	Hendia: Gulab - Bengal: Glub Phul Bombay: Gul - Telugu: Gulab	GLO.IN.
<i>Rosa damascena Mill.</i>	Hendia: Gulab Ūe phul - Bengal: Glub Phul Telugu: Gulab	GLO.IN.
<i>Rosa gallica L.</i>	Hendia & Bengal: Glub	GLO.IN.
<i>Rosa cinensis Jac. Syn: R. indica L.</i>	Bengal: Kat glub - Panjub: Sada gulab	GLO.IN.

## ۱۸۲۹ - ورد الحب:

<i>Ranunculus asiaticus L.</i>	ورد الحب	زر - طب.
--------------------------------	----------	----------

۱۸۳۰ - ورد الحمار، ورد الحمار، ورد الحمار: نام‌های دیگر آن: رازی: بهار - ابن ماسویه: ورد الفجار - گل قحبه [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۵: به فاونایا و عودالصلیب، رجوع شود.]

<i>Nerium oleander L.</i>	ورد الحمار	طباطبانی
---------------------------	------------	----------

<i>Bupthalmum speciosissimum</i> Ard. <i>Telekia speciosissimum</i> DC.	زَندِ تَین، ورد الحمار	الموسوعه
<i>Paeonia officinalis</i> L. <i>Paeonia corallina</i> Ret. <i>Paeonia wittmanniana</i> Hart. <i>Althaea rosea</i> Cavan. <i>Anthemis arvensis</i> L.	ورد الحمار	زریاب

۱۸۳۱ - ورد الحمیر<sup>ع</sup>: عامه اندلس نوع نر آن را «فاونیا» گویند.<sup>ع</sup>

۱۸۳۲ - ورد الحمه<sup>ع</sup>: نوع گل سرخ آن «القون» است.<sup>ع</sup>

۱۸۳۳ - ورد منتن<sup>ع</sup>: نوعی عود الصلیب<sup>ع</sup>

۱۸۳۴ - ورس<sup>ع</sup>، ورس<sup>ع</sup>، ورس<sup>ع</sup>، ورس<sup>ع</sup>، ورس<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: بادره، ندی<sup>ع</sup> - سریانی: ورش<sup>ع</sup>، حص<sup>ع</sup>، قندیز<sup>ع</sup> - حجر البقر<sup>ع</sup> - ابن ماسویه<sup>ع</sup> می گوید: از شهرهای یمن آورده می شود و به رنگ سرخ سیر است، بر روی پوست گیاهی که در یمن می روید، پدیدار گشته گرد آوری می شود. همانند زعفران نرم و سائیده شده است.<sup>ع</sup>

<i>Flemmigia rhodocarpo</i> Bak. <i>Mallotus philippinensis</i> Mill. <i>Rottlera tinctoria</i> Rox. <i>Memecylon tinctoria</i> Wil. <i>Memecylon edule</i> Rox.	ورس	زریاب
<i>Reseda luteola</i> L.	ورث	پارسا
<i>Memecylon tinctorium</i> L.	ورس	الموسوعه

۱۸۳۵ - ورطوری<sup>ع</sup>، ورطوری<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: یونانی: سطاخیس<sup>ع</sup>

<i>Stachys germanica</i> L.	سطاquis جرمانی، قازة، وُزطوره	الموسوعه
<i>Stachys</i> sp.	سطاquis، سطاخیس	الموسوعه

۱۸۳۶ - وشیج<sup>ع</sup>، وسیج<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: فارسی: لیمودار<sup>ع</sup>

امونیاکن (Ammoniakon): اشق<sup>ع</sup> - وشنق<sup>ع</sup> - اشج<sup>ع</sup> - وشنج<sup>ع</sup>: لاتینی: العنثه (Guta) لُراق الذهب - نام مشترکی است. - [این بطار (در ترجمه دیسکورد) ۲ - ۲۷]

<i>Dorema ammoniacum</i> Don.	امونیاکن - اشق - وشیج	دیسکورید
<i>Heliconia</i> sp.	وشیج، هلیکونیا	الموسوعه

۱۸۳۷ - وطم<sup>ع</sup>: نام ریشه به بربری: اوطمو<sup>ع</sup>

۱۸۳۸ - ولب<sup>ع</sup>، ولب<sup>ع</sup>: (نامی عربی) نوعی از بتوعات است.<sup>ع</sup> - نام های دیگر آن: یونانی: نابلس<sup>ع</sup>، بابلس<sup>ع</sup> - گروهی پنداشته اند نوع معروف و عرفج بری، با نام یونانی «فلیس» است و «بقراط» نام آن را «بلیون» گذاشته و نام آن در بعضی از ترجمه ها «حلتیت» آمده است.<sup>ع</sup>

۱۸۳۹ - وقواق<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

۱۸۴۰ - ونجهک: نام‌های دیگر آن: شریف ادریسی: بربری: عشبۀ قبری

### حرف «ه»

۱۸۴۱ - هازسُنکهار: (نامی هندی) هار به معنای گردن بندی از گل و سنکهار زینت و آرایش را گویند.

۱۸۴۲ - هاسیمونا، هاسیمونیا: (نامی نبطی)

۱۸۴۳ - هال بوا، هال، هال، هید بوا، هیل بوا، خیر بوا، خیر بوا، شمین، هال: نام‌های دیگر آن: خیر بوا - هیل بوا، هیل وهال - سریانی: شوشمانیا - هندی: شمشیر، شوقشیر، هیل، شسمیرون - قاقلة صغیرة - قاقلة صغار

<i>Elettaria cardamomum Whi. &amp; Mat.</i> <i>Amomun melegueta Ros.</i>	هال بوا	زر - طبيا.
<i>Elettaria cardamomum Whi. &amp; Mat.</i>	هال صغیر، قاقلة صغیرة، حَنهان	زریاب
<i>Amomun sp.</i>	هال، هیل، هیلبوا، قاقلة، شوشمة، شوشمیر	الموسوعه
<i>Amomun granum-paradisi L.</i>	هال، هیل، هیلبوا، قاقلة، شوشمة، شوشمیر	طبباطبانی

۱۸۴۴ - هُذیلة: (نامی اندلسی)

۱۸۴۵ - هرانیه، هرنوه: نام‌های دیگر آن: فارسی: هره، هرنوه - قرنوه - میوه درخت عود

<i>Apera spica-venti L.</i>	هرزئوی، هرزئوة	الموسوعه
-----------------------------	----------------	----------

۱۸۴۶ - هرطمان، هرطمان: نوعی از حبوب - نام‌های دیگر آن: بطیقی، بلوراس - شام: بهاسلواواکراس - شام و مصر: حشیش الدواب [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۹: به هرطمان، رجوع شود.]

<i>Avena sativa L.</i>	هرطمان	زر - طبيا.
<i>Avena sativa</i>	خزطال زراعی، شوفان زراعی، قُرطمان	الموسوعه

۱۸۴۷ - هرقلوس، هرقلوس، هرقلوس: نوعی هندباء بری - نام‌های دیگر آن: بقلة اليهودیه - خَس الحمار، (هرقلوه) بعضی گویند نوعی از سنجار و بقلة اليهودیه است، و شریف گوید قرصعنه است و آنچه مسلم است هرقلوه است. ابن بیطار می‌گوید: برخی آن را «بقلة اليهودیه» نامیده‌اند و بعضی آن را نامی برای «خَس الحمار» می‌دانند و آن نوعی «هندباء بری» است و برخلاف پندار برخی از مترجمان از انواع «سنجار» نیست و آن را به یونانی «صنخیس» و به بربری «تفاف» می‌نامند. اسحاق بن عمران می‌گوید: از آنجا که به شکل فلفل کوچک است به آن «فلفلة» گویند. صنخیس (Sonkhos): نوعی «هندباء بری» با برگ‌های خار دارست و به بربری به آن «هرقلوس» گویند و عوام آن را «خس الحمار» نامند. «ابو عباس اشیلی» آن را «اسفناج» دانسته در صورتیکه صحیح نیست. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۵]

<i>Taraxacum officinale Wigg.</i> <i>Lithospermum officinale L.</i>	هرقلوس - خس الحمار	زریاب
<i>Sonchus oleraceus L.</i> <i>Lithospermum officinale L.</i>	صنخیس - هرقلوس - خس الحمار	دیسکورید

۱۸۴۸ - هرنوه، هرنوه، هرنوه: نام‌های دیگر آن: هندی: تَمَر - فاغرة الهندیه - شجرة العود - فلیفلة

<i>Capsicum minimum</i> Rox. <i>Aloexylon agallochum</i> Lour. <i>Vitex agnus castus</i> L.	هرنوه	زریاب
<i>Aloexylon agallochum</i> Lour.	هرنوه	خطابی

۱۸۴۹ - هَرْتُونْد: دانه ای است از «پلبل» کمتر، بویش بوی «عود» است.

۱۸۵۰ - هزارگشان: هزار جشان، هزار جشان، هزار جشان، هزار جشان: (نامی فارسی) به معنای آلف ذراع - نام های دیگر آن: هزارجشان - رومی: کلیلوپین - به سریانی «الفشرا»، «فاشرا» و «فاشرستین» را گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۹]

<i>Bryonia dioica</i> Jac. <i>Bryonia alba</i> L.	هزارگشان - هزارجشان	زریاب
<i>Tamus</i> sp.	فاشرشین، ششیدار، هزارجشان	الموسوعه
<i>Bryonia alba</i> L.	فاشرا - هزارجشان	پارسا
<i>Bryonia alba</i> L.	هزارجشان	طباطبائی

۱۸۵۱ - هشت دهان: هشت دهان: ویشه خيرو

<i>Althaea officinalis</i> L.	هشت دهان	زریاب
-------------------------------	----------	-------

۱۸۵۲ - هلیون: هلیون، هلیون، هلیون (نامی رومی)، یرامع، بزر الهلیون، مارچوبه، مارچوبه: نام های دیگر آن: مارچوبه، مارچوبه، مارکیا - هلیوس - سریانی: اذوس - عربی: خشب الحیه - فارسی: مارچوبه - اهل مغرب و اندلس: اسفراج - فرنگی: سپارک - هندی: ناکرون - عجمی اندلس: آسفراس - فاس: سکوم - هلیون دشتی: لسباراغوس، اسپاراغوس  
اسفاراغش بطراوس (*Asparagus petraios*): به معنای صخری است و نام دیگر آن «هلیون» است و اهالی مغرب به آن «اسفراج» گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۹]

<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون	ز،خ،ط...E.
<i>Asparagus officinalis</i> L.	اسفاراغش بطراوس - اسفراج - هلیون	دیسکورید
<i>Asparagus adscendens</i> Roub.	مارچوبه	پارسا
<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون	پارسا
<i>Asparagus</i> sp.	هلیون، هلیون	الموسوعه
<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون معروف، ضنبوس، یرمع	الموسوعه

۱۸۵۳ - هندبا، هندبا، هندبا، هندبا، هندبا، هندبا، تیفا، اصل الهندبا (نامی عربی)، انطویا (کاسنی شامی): نام های دیگر آن: فارسی: کاسنی - رومی: بکریدیا، انطویا، انطویا، ترکسمی - سریانی: حدبی - فارسی: کسناج، ملک طلخه، گسنی، کسنی، کدی - عربی: خس - یونانی: ثقولس، فتحوریون - فاس: تیفلت، هندبا، بستانی: یونانی: اندیقا - نام نوع بری: طرحشقوق - فارسی: وتلخ - نوعی: خندریل - نام نوع شامی: انطویا - "دیسکورید"



می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است، نوع بری را «بقریس» و «قیخوریون» گویند. «حامد بن سمجون» می‌گوید: نوع بستانی خود دارای دو نوع است، نوعی را «امیرون» می‌نامیم و نوع دیگر با نام رومی «أنطویا» و معروف به «هندباء شامی» و «هندباء هاشمی» است و به عجمی «سراییه» نام دارد و پنداشته‌اند «طرخشقون» است. «خافقی» می‌گوید: «طرخشقون» نوع اول از انواع بری «هندباء» است و دو نوع دیگر آن با نام «بعضید» و نام یونانی «خندریلی» است.<sup>۲</sup>  
 سارس (Seris): نام‌های دیگر آن عبارتست از: هندباء البستانی - عامه اندلس به لاتینی: سرالیه (Sarralia)، انطویا (Intubos) [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۵ و ۱۱۶]

<i>Cichorium endivia L.</i> <i>Cichorium intybus L.</i>	هندباء	ز.، خ.، ط.
<i>Cichorium endivia L.</i> <i>Cichorium intybus L.</i>	هندباء	الموسوعه
<i>Cichorium endivia L.</i>	Bengal: Kassini - Bombay & Hendia: Kasini - Tamil: Kashini	GLO.IN.

۱۸۵۴ - هندبای بری، طلخشقوق: نام‌های دیگر آن: طرخشوق<sup>۱</sup> - بقلة اليهود<sup>۲</sup> - طرخشقوق<sup>۳</sup> - حواء البقر<sup>۴</sup> - خاروه<sup>۵</sup> - گاوردر<sup>۶</sup> - فارسی: تالکن<sup>۷</sup> - هندی: کلی قیسوس<sup>۸</sup>، بهطل کطی<sup>۹</sup> ابومعاذ «طرخشقوق»، «امروسیا»، «مرار» را جزء «هندباء بری» می‌داند.<sup>۱۰</sup>  
 خندریلی (Khondrile): هندباء بری - عجمیت اندلس: امیرون (Amarus) - لاتینی عامه: سرالیه الحمار - مصر: بعضید [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۶]

<i>Taraxacum officinale Will.</i>	طلخشقوق	زریاب
<i>Chondrilla juncea L.</i>	خندریلی - هندباء بری	دیسکورید
<i>Chichorium intybus L.</i>	هندباء بریه، هندباء مژه، شیکوریه	الموسوعه
<i>Chichorium intybus L.</i>	Hendia & Bengal: Kasni - Tamil: Kashni Telugu: Kasini	GLO.IN.

۱۸۵۵ - هوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، افساریقون، اوفاریقون<sup>۱</sup>: معرب اوفاریقون یونانی<sup>۲</sup> - نام‌های دیگر آن: سریانی: فرما<sup>۳</sup> - فارسی: مردوشی<sup>۴</sup> - داذی الرومی<sup>۵</sup> - هیوفاریقون، اندروسامن<sup>۶</sup>، قوریون<sup>۷</sup>، امامانیطس<sup>۸</sup> - داذی کوهی<sup>۹</sup> - گویند «هوفاریقون» لغت یونانی است.<sup>۱۰</sup> - در ماهیت آن اختلاف است گویند «داذی الرومی» است و گویند نام «زرشک» است و گویند «بزر الخشخاش الاسود» است و گویند میوه «عنب الحیه» است. - دمشقی آن را «مازریون» می‌داند.<sup>۱۱</sup>  
 اوفاریقون (Hyperikon): هیوفاریقون - نام گیاه در کتاب حنین: داذی الرومی - به عجمیت اندلس «یُرْبَه قَرَجِیْرَه» (Yerba corazonera) به معنای «عشبه القلب» است زیرا دارای دانه صئوری شکل مشابه قلب است و عامه بلاد ما به آن «مُشِیَه» گویند. اسکیرن (Askuron): نوع دوم افاریقون. اندروسامن (Androsaimon): بزرگترین نوع هوفاریقون. قورس (Koris): نوع چهارم هوفاریقون - جالینوس: اندروساقس [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۹ و ۱۵۱ و ۱۵۲]

<i>Hypericum barbatum L.</i>	اوفاریقون، هیوفاریقون، داذی الرومی	دیسکورید
<i>Hypericum perforatum L.</i>	اسقیرن - نوع دوم افاریقون	دیسکورید
<i>Hypericum ciliatum L.</i>	اندروسامن بزرگترین نوع هوفاریقون	دیسکورید
<i>Hypericum coris L.</i>	قورس، نوع چهارم هوفاریقون، اندروساقس	دیسکورید

<i>Hypericum sp.</i>	دازی - هیوفاریقون - آوفاریقون	الموسوعه
<i>Hypericum perforatum L.</i>	علف چای - هوفاریقون	پارسا
<i>Hypericum perforatum L.</i>	هوفاریقون	طبا - خطا.

۱۸۵۶ - هوم<sup>۱</sup>: (نامی ترکی)

۱۸۵۷ - هوم المَجوس<sup>۲</sup>؛ هوم المَجوس<sup>۳</sup>، هوم المَجوس<sup>۴</sup> (نامی عربی)، مرانیه<sup>۵</sup>: نام های دیگر آن: هوم الهرایده<sup>۶</sup> - مراتیا<sup>۷</sup>؟ - سفدی: خوم<sup>۸</sup> - سریانی: عززاد مغوشی<sup>۹</sup> - افتاب پرست<sup>۱۰</sup> - هویغون<sup>۱۱</sup>  
گویند درختی است که در حوالی فارس می روید مانند درخت «یاسمین» و مجوس ویرا در وقت زمزمه استعمال می کنند و شکوفه آن به «مشکطرا مشیع» ماند<sup>۱۲</sup>.

<i>Morettia conescens Bois.</i> <i>Ephedra vulgaris Rich.</i>	هوم المَجوس	زریاب
--	-------------	-------

۱۸۵۸ - هیشر<sup>۱۳</sup>، هیشر<sup>۱۴</sup>، هیشر<sup>۱۵</sup>: (نامی عربی) نام دیگر آن: کنکر بری<sup>۱۶</sup>

<i>Cynara cardunculus L.</i> <i>Cynara syriacus Gaer.</i>	هیشر	زریاب
<i>Cynara sp.</i> <i>Cynara syriacus Gaer.</i>	هیشر، خَرشَف، فَرَدون	الموسوعه

۱۸۵۹ - هیوقسطیداس<sup>۱۷</sup>، هوفسطیداس<sup>۱۸</sup>، هیوقسطیداس<sup>۱۹</sup>: نام دیگر آن: عصی الراعی<sup>۲۰</sup> - برخی پنداشته اند نام عصاره «لحیه التیس» است<sup>۲۱</sup>. - نام عصاره «طرائث» است و گویند نام خود «طرائث» است<sup>۲۲</sup>.

<i>Cytisus hypocistis L.</i> <i>Cynara syriacus Gaer.</i>	هوفسطیداس	طبا - خطا.
--	-----------	------------

### حرف «ی»

۱۸۶۰ - یاسمین<sup>۲۳</sup>، یاسمین<sup>۲۴</sup>، یاسمین<sup>۲۵</sup>، یاسمین<sup>۲۶</sup>، یاسمین<sup>۲۷</sup>، یاسمین<sup>۲۸</sup>، یاسمین<sup>۲۹</sup>، یاسمین<sup>۳۰</sup>، یاسمین<sup>۳۱</sup>، یاسمین<sup>۳۲</sup>، یاسمین<sup>۳۳</sup>، یاسمین<sup>۳۴</sup>، یاسمین<sup>۳۵</sup>، یاسمین<sup>۳۶</sup>، یاسمین<sup>۳۷</sup>، یاسمین<sup>۳۸</sup>، یاسمین<sup>۳۹</sup>، یاسمین<sup>۴۰</sup>، یاسمین<sup>۴۱</sup>، یاسمین<sup>۴۲</sup>، یاسمین<sup>۴۳</sup>، یاسمین<sup>۴۴</sup>، یاسمین<sup>۴۵</sup>، یاسمین<sup>۴۶</sup>، یاسمین<sup>۴۷</sup>، یاسمین<sup>۴۸</sup>، یاسمین<sup>۴۹</sup>، یاسمین<sup>۵۰</sup>، یاسمین<sup>۵۱</sup>، یاسمین<sup>۵۲</sup>، یاسمین<sup>۵۳</sup>، یاسمین<sup>۵۴</sup>، یاسمین<sup>۵۵</sup>، یاسمین<sup>۵۶</sup>، یاسمین<sup>۵۷</sup>، یاسمین<sup>۵۸</sup>، یاسمین<sup>۵۹</sup>، یاسمین<sup>۶۰</sup>، یاسمین<sup>۶۱</sup>، یاسمین<sup>۶۲</sup>، یاسمین<sup>۶۳</sup>، یاسمین<sup>۶۴</sup>، یاسمین<sup>۶۵</sup>، یاسمین<sup>۶۶</sup>، یاسمین<sup>۶۷</sup>، یاسمین<sup>۶۸</sup>، یاسمین<sup>۶۹</sup>، یاسمین<sup>۷۰</sup>، یاسمین<sup>۷۱</sup>، یاسمین<sup>۷۲</sup>، یاسمین<sup>۷۳</sup>، یاسمین<sup>۷۴</sup>، یاسمین<sup>۷۵</sup>، یاسمین<sup>۷۶</sup>، یاسمین<sup>۷۷</sup>، یاسمین<sup>۷۸</sup>، یاسمین<sup>۷۹</sup>، یاسمین<sup>۸۰</sup>، یاسمین<sup>۸۱</sup>، یاسمین<sup>۸۲</sup>، یاسمین<sup>۸۳</sup>، یاسمین<sup>۸۴</sup>، یاسمین<sup>۸۵</sup>، یاسمین<sup>۸۶</sup>، یاسمین<sup>۸۷</sup>، یاسمین<sup>۸۸</sup>، یاسمین<sup>۸۹</sup>، یاسمین<sup>۹۰</sup>، یاسمین<sup>۹۱</sup>، یاسمین<sup>۹۲</sup>، یاسمین<sup>۹۳</sup>، یاسمین<sup>۹۴</sup>، یاسمین<sup>۹۵</sup>، یاسمین<sup>۹۶</sup>، یاسمین<sup>۹۷</sup>، یاسمین<sup>۹۸</sup>، یاسمین<sup>۹۹</sup>، یاسمین<sup>۱۰۰</sup>

<i>Jasminum officinale L.</i>	یاسمین	پارسا
<i>Jasminum sp.</i>	یاسمون، یاسمین	الموسوعه
<i>Jasminum officinale L.</i>	یاسمین أبيض، یاسمین مخزنی، یاسمین معروف یاسمین	الموسوعه
<i>Jasminum officinale L.</i> <i>Jasminum sambac Ait.</i>	یاسمین	زریاب
<i>Jasminum gradiflorum officinal</i>	یاسمین	خطابی

۱۸۶۱ - *یَبْرُوح الصَّنَم*، *یَبْرُوح*، *یَبْرُوح*، *یَبْرُوح*، *یَبْرُوح*، *تَفَاح الجن*، *مَدْعُورَة*، *مَدْعُورَة*: ریشه لفاح بری است<sup>۱</sup> - نام‌های دیگر آن: مهر گیاه، سککن<sup>۲</sup> - *یَبْرُوح* = *مَدْعُورَة* «تفاح الجن» نام «لفاح» یا نام میوه «یَبْرُوح» است.<sup>۳</sup> - این گیاه را بخاطر شباهتش به گیاه «خس» «خسی» گویند و نزد عوام به «لفاح» مشهور است و ریشه آن «یَبْرُوح» و میوه‌اش «لفاح» نام دارد.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: سریانی: *یَبْرُوحی* - فارسی: سایزک<sup>۵</sup> - یونانی: *افطیمس*، *موقولن*، *درقیانا* - نوع نر آن: *موریون* به ریشه لفاح «یَبْرُوح» گویند و به معنای «دارای دو صورت» است زیرا هنگامی که ریشه به دو نیمه می‌شود دو صورت مشابه صورت زن و مرد در آن آشکار می‌شود، «یم» به معنای هر چیز زوج و «رو» به معنای صورت است.<sup>۶</sup> - نام ریشه *یَبْرُوح* را «منداغورس» گویند.<sup>۷</sup> دو نوع است: یک نوع «بیخ لفاح» خوانند و یکی «یَبْرُوح الصنم» گویند و آن بیخ «لفاح بری» است و مؤلف گوید در حدود گرمسیر شیراز نزدیک قلعه شهریاری می‌باشد.<sup>۸</sup> «یَبْرُوح» دو جنس است، هندی و نبطی، هندی را «یَبْرُوح الصنم» گویند و نبطی را «اصل السرح».<sup>۹</sup> «یَبْرُوح» دارای دو نوع است نوعی ماده با رنگ سیاه معروف به «خسی» زیرا برگ هائی مشابه گیاه «خس» (کاهو) دارد... نام آن «لفاح» است. نوع دیگر معروف به نر و سفید رنگ با نام «موریون» است.<sup>۱۰</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۹: به لفاح، رجوع شود.]

<i>Mandragora officinarum</i> L.	یَبْرُوح مخزنی	دیسکورید
<i>Mandragora officinarum</i> = <i>Atropa mandragora</i>	مهر گیاه - یَبْرُوح الصنم	پارسا
<i>Mandragora officinarum</i> L.	یَبْرُوح	ط.خ.، EN.

۱۸۶۲ - *یَبْرِیقَة*:

۱۸۶۳ - *یَبْرِیقَة*، *یَبْرِیقَة*، *یَبْرِیقَة*، *یَبْرِیقَة*، *یَبْرِیقَة*، *یَبْرِیقَة*: نام‌های دیگر آن: رومی: *توتاملون* - فارسی: *اسفیدکشیر* - یونانی: *خارقیاس* - انثی: *مرسیلیس* (به معنای مشابه اس) اسم جنس گیاهان شیربه دار است.<sup>۱</sup> - دارای انواعی است: نام نوعی: *نواصیر* - نام نوعی: *جوری* - نام نوعی: *مشمش* (یعنی دایر با شمس) نام نوعی: *سروی* نام نوعی به یونانی: *فودیاسایس* - نوعی: *بارلیوس* چنین گفتند که هفت گونه است و او «مازریون» است و «عُشَر» و «دیودار» و «لاغیه» و «شَبِزَم» و «شیرانجیر» و «ترباق نبطی» و ذکر «ماهودانه» گویند نام دیگر آن «یَبْرِیقَة» است و این نامگذاری مناسبی است زیرا هنگامی که شاخه‌ای از آن قطع می‌شود شیرابه‌ای از آن خارج می‌شود «تَبَعَ مِنْهَا لَبَنٌ».<sup>۲</sup>

<i>Euphorbia</i> sp.	یَبْرِیقَة	ز.ط.خ.، E.
<i>Euphorbia sibthorpii</i> Boiss.	خارقیاس	زریاب
<i>Euphorbia myrsinites</i> L.	مرسیلیس	زریاب
<i>Euphorbia paralias</i> L.	سروی و قوفارسیاس	زریاب
<i>Euphorbia helioscopia</i> L.	ایلقونیوس	زریاب
<i>Euphorbia</i> sp.	فریبون، یَبْرِیقَة، تاکوت، عُشَجَد	الموسوعه

۱۸۶۴ - *یَبْرِیقَة*، *یَبْرِیقَة*: (نامی لاتینی) از انواع «کلخ» و از جنس «هدبات» و دارای گل آذین چتر است.<sup>۱</sup> نام دیگر آن «کلخ الصغیر»<sup>۲</sup> و به یونانی *فوقادان* است.<sup>۳</sup>

<i>Peucedanum ammoniacum</i>	یَبْرِیقَة	خطابی
------------------------------	------------	-------

۱۸۶۵ - بره شانه<sup>۱</sup>: نامی به عجمی اندلسی به معنای «عشبه الصحیحة»<sup>۲</sup>

۱۸۶۶ - *یَبْرِیقَة*، *یَبْرِیقَة*، *یَبْرِیقَة*، *یَبْرِیقَة*: نوعی جنبه و قسمی هندبای بری نام‌های دیگر آن: یونانی: *خندریلی*<sup>۱</sup> امیرون -

طرخشقون - بلحشکوک - لحنیس - شزالیه آشنش - بعضید<sup>ش</sup>

[این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۷: به «هندباه» رجوع شود.]

<i>Chondrilla juncea L.</i>	یعضید	زریاب
<i>Leontodon sp.</i>	یعضیض، بعضید	الموسوعه

۱۸۶۷ -- ینبوت<sup>۱</sup>، ینبوت<sup>۲</sup>، ینبوت<sup>۳</sup>، شوکه شهباء<sup>۴</sup>، ینبوت<sup>۵</sup>، ینبوت<sup>۶</sup>:

نام «خرنوب نبطی» است.<sup>۱</sup> - نام های دیگر آن: شجرالخرنوب<sup>۲</sup> - فارسی: زنگورج<sup>۳</sup> - اهالی شام: خرنوب المعزی<sup>۴</sup> - دانه: حب الکلی<sup>۵</sup> "ابو حنیفه" می گوید: دارای دو نوع است، نوعی با خارهای کوچک به نام «خرنوب نبطی» - میوه آن را «فش» گویند.<sup>۶</sup> "غسانی" می گوید: این نام به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی از این دو بزرگ و دیگری کوچک است در مورد ماهیت نوع بزرگ اختلاف است برخی آن را «سرو» و بعضی «خروب العریض» و برخی «شجر الارز» می دانند و همگی اشتباه است... در مورد نوع کوچک نیز اختلاف نظر است برخی آن را «عوسج» و بعضی «شوک القتاد» و عده ای «خروب النبطی» و همچنین اسامی دیگری ذکر کرده اند.<sup>۷</sup>

<i>Anagyris foetida</i>	ینبوت تنن، أناغورس طُبی، خروب الخنزیر، جزود	الموسوعه
<i>Anagyris foetida</i>	ینبوت	خطابی
<i>Inula viscosa</i> <i>Ceratonia siliqua L.</i> <i>Anagyris foetida L.</i>	ینبوت	زریاب
<i>Anagyris sp.</i>	ینبوت، أناغورس	الموسوعه
<i>Anagyris sp.</i>	ینبوت	EN.



## **فصل دوم**

### **واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان داروئی**

۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

۲ - برگردان عربی نام های لاتینی گیاهان در قرن هفتم به توسط ابن بیطار

## واژگان و نام های کهن در شناخت نام های علمی گیاهان داروئی

نام گیاهان داروئی متون قدیم مجموعه ای است از فرهنگ ها و زبان ها و گاه برگردان های چند باره یک نام به نام ها و زبان های دیگر است و با کمک زبان اصلی این متون، می توان هویت گیاهان کهن را تا حدی شناسائی و نام معادل علمی دقیق تری را برای آن ها پیشنهاد نمود.

در فصل پیش زبان های لاتینی، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی و تعیین کننده نام بردیم در این فصل نام های علمی دارای ریشه لاتینی و همچنین برگردان نام های لاتینی به عربی را جهت شناخت گیاهان بویژه رفع برخی ابهامات نام آن ها یاد آور می شویم.

### ۱ - نام علمی گیاهان برگرفته از نام لاتینی قدیم آن ها

تشابه نام علمی گیاهان با نام داروئی قدیم آنها - با تلفظ صحیح - احياناً پایه نامگذاری جنس یا گونه گیاهان قرار گرفته است. تاریخ نامگذاری علمی - جنس و گونه - غالباً در زمان لینه صورت گرفت، برخی از نام های جنس و تیره و گونه نیز کم و بیش ارتباط با نام گیاهان در متون داروئی قدیم بویژه کتب یونانی که منشا اسامی نام های عربی نیز هست می باشد نام های مشهور دارای ریشه لاتینی معمولاً معبر نام غیر علمی گیاهان و نام علمی آن است و با گذشت زمان کم و بیش در متون علمی نیز وارد شده اند.

با توجه و استفاده از نام های مشابه می توان تا حدی نام های علمی برخی از گیاهان داروئی موجود در متون قدیم را معلوم نمود.

برای نیل به این هدف لازم است ابتدا چگونگی تلفظ لغات یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربی را بدانیم که در جداول زیر به این موضوع اشاره شده است.

در آغاز این فصل ابتدا فهرستی از نام های کهن گیاهان که ریشه یونانی دارند را خواهیم دید. سپس فهرستی از برگردان نام های یونانی به عربی یا معرب شده آن ها را مشاهده می کنیم. هر دو مورد فوق می تواند ما را در تعیین نام علمی گیاهان یاری دهد.

## ۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

### ۱-۱ - نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی

نام گیاهان داروئی در متون قدیم مجموعه ای از فرهنگ ها، زبان ها و گاه نیز برگردان چند باره آن ها از یک نام به نام و یا از یک زبان به زبان دیگر است. شناخت زبان اصلی این متون، هویت و نام گیاهان کهن را تا حدی شناخت و تعیین نام معادل علمی آن ها مؤثر باشد. چنانچه در فصل پیش نیز برخی از زبان های را مانند: لاتینی، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی نام بردیم، در این فصل نیز نام های علمی دارای ریشه لاتینی و برگردان نام های لاتینی به عربی را برای شناخت نام کهن گیاهان داروئی یاد آور می شویم.

وجود تشابه نام علمی گیاهان با نام قدیمی آن ها [ با تلفظ صحیح ] احياناً همان منشاء نام جنس یا گونه آن ها است. با آنکه تاریخ نامگذاری علمی جنس و گونه به زمان لینه مربوط می شود، نام برخی از جنس ها، تیره ها و گونه های امروزی با نام کهن آن ها در متون قدیمی بویژه در کتب یونانی ارتباط نزدیک دارد.

نام های مشهور با منشاء لاتینی و یونانی معمولاً معبر نام علمی و نام های دیگر معرب شده آن هاست. رعایت دقت در نام های مشابه تا حدی نام علمی برخی از گیاهان متون قدیم را معلوم می نماید.

### ۱-۲ - نگارش و آوانویسی درست حروف یونانی به لاتینی و عربی

تلفظ و نگارش درست حروف و کلمات در زبان یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربی، فارسی، سریانی، بربری در یافتن نام های علمی گیاهان قدیم مورد توصیه ماست که در زیر بصورت جدول به تلفظ حروف در زبان های فوق اشاره شده است.

#### الف - نگارش حروف یونانی به حروف عربی، فارسی، سریانی، بربری:

ه - ' -	ب - b	ج - ğ	ح - h	خ - h
د - d	ذ - d	ر - r	ز - z	س - s
ش - Š	ص - Š	ط - ṭ	ع - ' -	غ - g
ف - f	ق - q	ک - k	ل - l	م - m
ن - n	ه - h	و - w	ی - y	



## ب- نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی:

نگارش حروف یونانی		نگارش حروف لاتینی	نام در لاتینی	نام در عربی	
A	α	A	Alpa	الفا	۱
B	β	B	Beta	بیتا	۲
Γ	γ	G	Gama	گما	۳
Δ	δ	D	Delta	دلتا	۴
E	ε	E (courte)	Epsilon	اپسلون	۵
Z	ζ	Z	Dzeta	دزیتا	۶
H	η	E(longue)	Eta	ایتا	۷
Θ	θ	TH	Theta	ثیتا	۸
I	ι	I	Iota	یوتا	۹
K	κ	K	Kappa	کپا	۱۰
Λ	λ	L	Lambda	لمدا	۱۱
M	μ	M	Mu	مو	۱۲
N	ν	N	Nu	نو	۱۳
Ξ	ξ	X	Ksi	کسی	۱۴
O	ο	O(courte)	Omicron	اومکرون	۱۵
Π	π	P	Pi	پی	۱۶
P	ρ	R	Rho	رو	۱۷
Σ	ςσ	S	Sigma	سیقما	۱۸
T	τ	T	Tau	تو	۱۹
Υ	υ	Y	Upsilon	اوپسلون	۲۰
Φ	φ	PH	Phi	فی	۲۱
X	χ	KH	Khi	خی	۲۲
Ψ	ψ	PS	Psi	پسی	۲۳
Ω	Ω	O(longue)	Omega	اومفا	۲۴

## ج - معرّب حروف لاتینی حسب کتاب ابن بیطار:

حرف لاتینی	معادل حرف عربی	مثال هائی از کتاب ابن بیطار
A	آ - ا	Akoron آقورون - Asarum اسارون
B	ب	Balaustion بالاسطیون
C		
D	د	Drabe درابی
	ذ	Hudropeperi اُوذروباباری
E	-	-
F	-	-
G	غ	Lagopun لاغوبن - Glukurriza غلوقیریزا
	ج	Gentiane جنطیانا
H	ا	Helxine القسینی - Helitropion ایلپوٹروپیون
I	ای	Iris ایریس
J	-	-
K	ک	Kardamomon قرادامومن
L	ل	Linospermon لیس برمون
M	م	Meon مینون
N	ن	Nardos ناردس
O	او	Akoron
P	ب - ف	کیارس (kuperus) - Polugonon بلوغونن - Peperi باباری Polugonaton فلوگوناطن
Q	-	-
R	ر	Bruon بریون
S	ص - س - ش	Aspalathos اصبالاتوس Tribolos طروبیلش
T	ط	Kostos قسطس
U	او	
V	-	-
W	-	-
Y	-	-
Z	ز	Zingiberi زنگباری
Ph	ف	Sampharitike سفاریطیقی
Kh	خ	Skhoinos سخنیوس
Th	ث	La pathon لاباثون

### ۳- ۱ - فهرست نام های علمی دارای منشاء نام های کهن یونانی

نام های جداول زیر برای آسانی تطبیق نام علمی با نام داروئی کهن و دارای ریشه یونانی انتخاب شده است. منابع مورد استفاده این نام ها عبارتند از:

- ۱ - کتاب دیسکورید (اول میلادی) - حاوی نام های لاتینی بسیاری از گیاهان داروئی قدیم
- ۲ - "شرح دیسکوریدوس" ابن بیطار (۶۴۶ هـ - ق / ۱۲۴۸ م) - فرهنگی معتبر و غنی با واژگان عربی و لاتینی برای تطبیق نام های لاتین به عربی
- ۳ - ترجمه کتاب دیسکورید به زبان انگلیسی حاوی تصحیح و تطبیق نام لاتینی به نام علمی به توسط R. T. GUNTHER (۱۹۳۴ میلادی) - از ویژگی های این ترجمه که در واقع افراد دیگری نیز با او همراهی کرده اند توجه مترجمین آن به تصاویر کتاب دیسکورید است که از نظر واقعیت یا خیالی بودن تصاویر ارزیابی شده است.
- ۴ - تحقیق ابراهیم بن مراد بر تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار که در آن نام علمی مناسب برای هر گیاه ذکر شده است.

#### راهنمای جداول:

نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید است که به توسط ابن بیطار معرب یا عربی شده است.

- در ستون دوم نام های علمی پیشنهادی ابراهیم بن مراد است .
- در ستون سوم نام های دارای منشاء عربی از ابن بیطار است.
- در ستون چهارم نام های غیر مشهور به منشاء غربی و غیر عربی از ابن بیطار است.

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
کیبارس یا قیفارس kuperos	Cyperus longus L.	سعد	
آفورون Akoron	Acorus calamus L.	وَجُّ - زهره	
ایریس Iris	Iris florentina L.	سوسن آسمانجونی	فوس و فزح
قرادامومن Kardamomon	Eletteria Cardamomum sp. White & Mat.	کرویا جبلیه - قرنباد - قرنفاذ	قردمانا
میئون Meon	Meum athamanticum J.	مَر	
ناردس Nardos	Nardostaachys jatamansi D.C.	سنبل هندی	ناردین
اسارون Asaron	Asarum europaeum L		
کسیا Kassias	Cinnamomum cassia BL.	سلیخه	
قنا مومن Kinnamomon	Cinnamomum zeilanicum Nees.	دارصینی	
أمومن Amomon	Amomum racemosum Lam.	حماما	
کُسطس Kostos	Costus speciosus Sm.	قُسط - کُشط - کُشت	
سُخینوس Skhoinos	Andropogon schoentus L.	اذخر - تین مکه	
فلامس اروماتیکس Kalamos aromatikos	Acorus calamus L.	قصب الذریره - قلماس - قمحه	
کروکوس Krokos	Crocus sativus L.	زعفران - کُرکُم - جادی	جساد - ربهقان
هلیون Helenion	Inula helenium L.	جناح - سراسن - زنجبیل شامی	عظوز (ترکی)
شطی رکس Sturax	Styrax officinalis L.	اصطُرک - عسل اللبئی - لبئی رهبان - میعه	شطرکا (سربانی) عسل رومان
بیطس - بنطس Pitus	Pinus pinea L.	تَنوب	صمغ آن: قَلْفُونیا
قوفی یا فوقی Peuke	Picea excelsa Link.	شجر الأرز	نوعی از تنوب است به معنای دخته
کافاریسس Kuparissos	Cupressus sempervirens L.	شجرالسرو	
کادرُس Kedros	Cedrus libani Barrel .	شجرالشربین	
أفلاطینس Platanos	Platanus orientalis L.	شجرالذب - صنار - جنار	
پاپورُس Papuros	Cyperus papyrus Trin.	فانیر - بردی	
أریقی Ereike	Erica arborea L.	شجرالخلنج (مغرب)	از انواع أسحل
ألیمون Halimon	Atriplex halimus L.	ملوخ - قَطَف بحری - ملیخ	
فالیورُس Paliuros	Paliurus aculeatus Lam.	سدر - شجره القناب؟ - فالیورون	دو نوع: عثری و ظلا

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
فسیاقنتش Oxuakantha	<i>Crataegus oxyacantha</i> L.	زرور الادویه (اندلس)	به معنای شوک الحاد - جتیزول (لاتینی) - تاغفرت (بربری)
فیلورا Philura	<i>Phillyrea latifolia</i> L.	شجره المحلب ؟ - شجره العتم	دانه آن : زنج ؟
فتوس Kisthos	<i>Cistus ladanifolius</i> L. <i>C. villosus</i> L. <i>C. hypocistis</i> L.	شفاوص (اندلس) - وردالجلی (مغرب) - وردالفحسی	دارای سه نوع است : دو نوع آن لجه التیس نام دارد و نام نوع سوم آن از لادن گرفته شده و سه نامهای آستب ، حطب الفتح ، شجراللان و ارتقش (لاتینی به معنای کثیر المعصی) است .
آبابئس Ebenos	<i>Ebenus</i> L.	آبئوس	
رودا Rhoda	<i>Rosa Tourn .</i> <i>R. gallica</i> L. <i>R. alba</i> L.	ورد	قرمز آن : حوجم سفید آن : وئیر جل (فارسی)
اکاقیا Akakia	<i>Acacia arabica</i> Willd.	عصاره القرض - خزوب السیط - شوکه المصریه	بری آن : أم غیلان صمغ:صمغ العربی
آغنوس Agnos	<i>Vitex agnus castus</i> L.	شجره ابراهیم - شجره مطهره - کف الجذماء - نام دانه آن : حب الققد - مصر : شجره مریم	به معنای طاهر - سریانی : ایلاقدیشا - هندی : سرساده و شمیثا - بربری : وئزاروف اندلس : شجره القفل و قفل الصقالیه
رؤوس یا آطا اوئسا Rhos Epi ta opsa	<i>Rhus coriaria</i> L.	سماق - تتم	سریانی : سَمَاقِل - عربی - عربی
فئیکس - دقسیطس Phoinix	<i>Phoenix dactylifera</i> L.	نخل	
فارسیا Kerasia	<i>Prunus cerasia</i> Br.		
میلاس Meleas	<i>Pyrus malus</i> L.	تفاح	
قودونیا میلا Kudonia mela	<i>Cydonia vulgaris</i> Pers.	سفرجل	
برسیقا Persika mela	<i>Prunus persica</i> Sieb.	خوخ	
آرمانیانا Armeenika mela	<i>Prunus armenica</i> L.	شمش - تفاح الارمنی	
میدیقا میلا Medika mela	<i>Citrus medica</i> Ris. var. <i>cerata</i>	آترج - تفاح المامی	عربی : مَنک

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بطار)	سایر نام ها
أخراس Akhras	<i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i>	کُمثری البری	اندلس : برجون
أمقدال بیفرا Amugdala pikra	<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Fock.	لوزالمر	
أمقدال غلوقیا Amugdala ukeia	<i>Prunus amygdalus</i> Stock.	لوزالحلو	
بسطانیا Pistakia	<i>Pistacia vera</i> L.	فُسْتَق	صمغ : علك الانباط
مورا Morea	<i>Morus alba</i> L.	توت - قرصاد	رب آن : دیامیرون
سیقاموری Sukomoron	<i>Ficus sycomorus</i> L.	تین الاحمق - جمیز	
طراغیس Tragos	<i>Gymnorithon ragus</i> L.	سنت	
أوریزا Oruza	<i>oryza sativa</i> L.	أرز	
سیسامن Sesamon	<i>Sesamum indicum</i> L.	سمسم - جَلْجَلان	روغن : حل - سیرج
ترمی ایماروس - ترمس Thermos hemeros	<i>Lupinus termis</i> Forsk.	بسله (یعنی تلخ و بد مزه)	
رافانوس Raphanis	<i>Rhaphanus sativus</i> L.	فُجَل	
سیسارون؟ Sisaron	<i>Sium sisarum</i> L.		
بلیطی Bliton	<i>Amarantus blitum</i> L.	بقله الیمانیه	یرسوز (مغرب) - جربوز (شام) - کَنج - صَدَح - قسطانیقی (سواد)
أسفاراغش بطراوس Petraios Asparagos	<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون	أسفراخ (مغرب)
سین Sion	<i>Sium latifolium</i> L.	قُرُه العین	کرفس الماء
قرثمن Krethemon	<i>Crithmum maritimum</i> L.	قَرْن الأیئل (اندلس)	زبل النواتیه (آفریقا)
قورونفس Koronopus	<i>Plantago coronopus</i> L.	رِجَل القُرَاب - رِجَل الواغ	
صنخیس Sonkhos	<i>Sonchus oleraceus</i> L.	هندباء البری - خَس الحمار	
خندریلی Khondrile	<i>Chondrilla juncea</i> L.	هندباء البری - بعضید (مصر)	أمیرون (اندلس) شرالیه الحمار (لاتینی)
جنجید یون Gingidion	<i>Daucus gingidion</i> L.		نوعی از جزر بری
سقندقس Skandix	<i>Scandix pecten veneris</i> L.		سقاندقس
قوالیس Kaukalis	<i>Caucalis maritima</i> L.	أبره الراعی - أمشاط العجوز	تامشطت (بربری) أشجاله (لاتینی)
أقیمین Okimon	<i>Ocimum basilicum</i> L.	بادروج - حوک	گفته شده به فارسی بستان افروز است ؟
اوروبنخی Orobankhe	<i>Orobanche caryophyllacea</i> Sm.	طراثیث - خائق الكرسته	هالوک (مصر) - جعفیل - اوروناک جی

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
طرار اُغوبوُغُن <b>Tragopogon</b>	<i>Tragopogon orientalis</i> L.	؟	
میدیقی <b>Medike</b>	<i>Medicago sativa</i> L.	رَطْبَه - فَنَّصَه قَضْب (عربی) خشک : قَتَّ فارسی : اَسْفَسْت	بِزْبَه مَوَلَه (اندلس) (به معنای عشبهِ الْبَقْلَه - فارسی : اَسْفَسْت
اُنْبَالْفِرَاسِن <b>Ampeloprason</b>	<i>Allium ampeloprasum</i> L.	كُرَاث الْكِرْمَى - كِرَاث بَرَى	
سمیلقس - لوبیا <b>Samilax kepaia</b>	<i>Dolichos lubia</i> Forsk	لوبیا	دُجْر - نَاقِرَا
شقرذین براسنو <b>Skordoprason</b>	<i>Allium scordoprasum</i> L.	ثوم کرائی - ثوم البستانی	
تلسفی <b>Thalaspi</b>		نوعی از حرف	اَشْبِرُون (اندلس)
دارابی <b>Drabe</b>	<i>Lepidium draba</i> L.	حرف المشرقی	أَحْرَاز (صقالیه)؟
باباری <b>Peperi</b>	<i>Piper aromaticum</i> Lamk. <i>Piper nigrum</i> L.	فُلْفُل	
اودروباباری <b>Hudropeperi</b>	<i>Polygonum hydropiper</i> L.	فُلْفُل المَاء	
بطرمیقی <b>Ptarmike</b>	<i>Achillea ptarmica</i> L.		به معنای مَعَطَس بَر گرفته از بَطْرْمُوس به معنای بسیار عطسه کننده
فُقْلَامِنُوس <b>Kuklaminos</b>	<i>Cyclamen europaeum</i> L.	بخور مریم - رَكْف	عَرَطَشَا - خُنْزِرُ الْقُرُود (آفریقا)
دراکُنْطِیُون <b>Drakontion</b>	<i>Arum dracunculus</i> L.	لوف الجعد - فیلمجوش	به معنای لوف الحِیَه است - صاره (مغرب) ( - صَرَاخَه (اندلس) - غَرغَنیَه (لاتینی)
اُارِن <b>Aron</b>	<i>Arum vulgare</i>	لوف السبَط	صاره - اَبِرِنی
اُارِیْصَارُون <b>Arisaron</b>	<i>Arum arisarum</i> L.	لوف	از انواع سه گانه لوف دُرْیَرَه
سقیلا <b>Skilla</b>	<i>Scilla maritima</i> L.	اَشْقِیل - عَنَصَل - عَنَصَلَان	بَصَل الفار - بصل الفار بصل الخَنْزِیر (مغرب) اَشْقِیل (بربری)
بَنْفَرَاطِیُون <b>Pankration</b>	<i>Pannkratium maritimum</i> L.		نوعی از بصل المنصل
قَبَارِس <b>Kapparis</b>	<i>Capparis spinosa</i> L.	کَبَر - میوه : شَفْلَح	اصف (چیزهائی که در ریشه آن )
لِیْیِدِیُون <b>Lepidion</b>	<i>Lepidium sativum</i> L.	عَشْبَه السُلْطَان (مصر)	صَلَص
اُنْاَمُونِی <b>Anemone</b>	<i>Anemone coronaria</i> L.	شَقَائِقُ النُّعْمَان - شَقْر	اُرْجَامُونِی (جالینوس)

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
خالدونیون طوماغا Khelidonium to maga	Chelidonium majus L.		طوماغا به معنای بزرگ - به معنای دواء الخطاطیف است.
بنتوقس أوطا Muos ota	Myosotis palustris Lam	أذان الفارارومی	عين الهدهد و باذرود (آفریقا)
أساطیس Isatis	Isatis titictoria L.	نیل - نیلج	طین الاخضر - عین الاخضر
جنتیانا Gentiane	Gentiana lutea L.	دواء الحیه - کوشاد	بشَلْسَکَه (لاتینی)
أرسطولوخیا Aristolokheia	Aristolochia Sp.	زراوند	دارای سه نوع است . مُسْتَمَقَر و مُسْتَمَقُور و مسقران (بربری) بَرَسْتَم (افریقا)
غلوکیریزا Glukurrisa	Glycyrriza glabra L.	عودالسوس - مَنک	عصاره آن به لاتینی مُتَدَبِّه به معنای پاک کننده سینه است .
قَنطوریون طوماغا Kentaureion to mega	Centaurea centaurium L.	قَنطوریون الکبیر	
دِپساقوس Dipsakos	Dipsacus fullonum L.	شوک الدراجین - مَشْط الراعی	به معنای عطشان است .
سقولومس Skolumos	Scolymus hispanicus L.	حَرْشَف البری	لَصَف (اندلس)
بطریون Potirriion	Astragalus poterium L.	؟	
آنونش Anonis	Anonis antiquorum L.	زریره الأبلیس (مغرب)	مرر (مصر)
طراغاتنا Tragkantha	Astragalus tragacantha L.	شوک القَتَاد	صمغ کثیرا
أیرنجی Erunge	Eryngium campestre L.	فَرَصَعَنَه (سریانی) - شوکه الزرقا شوکه السوداء - شوکه اليهودیه	جنت قابظه - به لاتینی : بیراطه به معنای شوک المَقْلَقَل
ألوی Aloe	Aloe vera L.	شجره الصبر	صابره - صابره
أوبشثنی Apsinthion	Artemisia absinthium L	افستین	نَشَانَسَه (لاتینی) - کشوث الرومی - افستین ساحلی = شیب العُجُوز
أسوفون Hussopon	Hyossopus officinalis L.	زوفای یابس	
سُتخادس Stoikhas	Lavandula stoechas L	اسطوخودوس	
أوریفانُس أیرفلاوُطیقی Origanos Herakleotike	Origanum sp.	صعتر	دارای انواع ابيض و اسود و ملوکی و صعتر الشوفا که همان خوزی است - جالیئوس: فودنج جبلی



نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
دقطنن Diktamnon	Origanum dictamnus L.	مشکطراشع - فودنج التیسی	دارای سه نوع است : ۱ - بلایه جزبوئه ۲ - فسودردقطنن ، فسودردیقطنن ۳ - الاقریطی
قالامنتی Kalaminthe	Thymus calamintha Scop. T. barrelieri Spreng.	فودنج	دارای سه نوع است : ۱ - نهری به نام صومران (مغرب) ۲ - حبق التمساح ۳ - جیلی به نام نابطه (اندلس)
ثومش Thumos	Thymus capitatus L.	صعتر جبلی (آفریقا)	صعتر الحمیر (اندلس)
مالیلوطس Melilotos	Melilotus officinalis Lam	اکلیل الملک	دارای چهار نوع است : ۱ - و ۲ - قُرْتَسَج (اندلس) ۳ - معقرب ۴ - مدْرَمُ السورق - دارشاه (فارسی) - شجره الخب (آفریقا)
بشخارِس Bakcharis	Baccharis sp.	قرنغلیه (اندلس)	
فیغانن Peganon	Peganum harmala L. Ruta montana L. بری R. graveolens L. بستانی		دو نام متفاوت برای این گیاه ذکر شده یکی سداب بری و بستانی و دیگری اسفند یا حرمَل
مولی Molu	Allium moly L.		نوعی بلبوس
لیسُطیقون Ligustikon	Levisticum officinale Koch.	کاشم	رَزُغْد (انطالیا)
ساسالیوس Seseli	Seseli tortuosum L.		دارای سه نوع است .
طُرزیلن Tordilon	Tordilium officinale L.		نوع چهارم ساسالیوس به نام اقریطی . بقول الشعأل (اندلس) زیرا برای درست کردن آتش از آن استفاده می شود.
سینون Sinon	Sison amomum L.	؟	
آنپسن Anesson	Pimpinella anisum L.	انیسون - رازیانج رومی - کمون الحلو	جبه الحلو (اندلس)
فاروا Karo	Carum carvi L.	کرویا بستانی - کمون الارمنی	
أنثیون Anethon	Anethum graveolens L.	شبت	أنیسط (لاتینی) - أسلیلی (بربری)

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
کومینون Kuminon	Cuminum cyminum L.	کمون الابيض - کمون الکرمانی	کمون الملوکی (دیسکورید)
اوراسالینون Oreoselinon	Peucedanum oreoselinum Mo.	کرفس الجبلی	(اورا) به یونانی به معنای کوه و (سالین) به معنای کرفس است.
بطراسالینون Petroselinon	Carum petroselinum Benth & Hook.	کرفس الصخر	(بطرا) به یونانی به معنای صخره است.
سمرنیون Smurniun	Smyrniun olusatrum L.	کرفس بری	
أفومارثن Hippomarathon	Hippomarathrum libantis Koch.		به معنای شمار العریض است.
فُرثرون Purithros	Anacyclus pyrethrum DC.		
لیبانوتس Libanotis	Cachrys libnotis Ferula nodiflora	کندریات	سه نوع است
سفنذولین Sphondulion	Heracleum spondylium L.	کَلْح الدلی	ناقیرا (بربری)
فوقاذن Peukedanon	Peucedanum officinale L.	أَنْذَرِاسیون	بربطوره (لاتینی) بربطور (مغرب)- جاهنک
أفْرِیبون Euphorbion	Euphorbia L.	فُریون	تاکوت (بربری) لوبانه مغربیه (مصر)
أمونیائُن Ammoniakon	Dorema ammoniacum Don.	أَشَقُّ - وَشَقُّ - أُشُج - وَشُج	غته (لاتینی) - لُزاق الذَّهَب
صرفوقًا Sarkokolla	Astragalus sarcocolla L.	عَنْزَرُوت - أَنْزَرُوت - كُحَل فارس	سرفقلین (رومی)
أفارینی Aparine	Galium aparine L.	مُصْفَى الرَّعَاه (اندلس) - حشیشه الافعی	به معنای دوست دارنده صاحب خود بيض العنكبوت
ألوسن Alusson	Alyssum saxatile L.		یعنی مفید برای گزیدگی سگ
سقلیبیاس Asklepias	Asclepias vincetoxicum L.	؟ قُنابری	
کلینوفودیون Klinopodion	Clinopodium vulgare L.		یعنی پایه های تخت. قلیتی به معنای تخت و فودیون به معنای پا است
لاونطوباطائن Leontopetalon	Leontice leontopetalum L.	عرطینتا (اسم مشترک)	مهد (ساحل غزه) غسلج (اهل مشرق)
طوقریوس Teukrion	Teucrium flavum L.	کَمادریوس التنععی	زیره اَشبیلیتی (لاتینی) ( به معنای گیاه طلحا
خامادریوس Khamaidruos	Teucrium chamaedrys L.	کَمادریوس	به معنای بلوطی است.

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
لُخْنِیسِ الاکْلِیلیه Lukhnis stephanomatike	Lychnis coronaria Desf.		
بَلُوْطِی Ballote	Ballota nigra L.	مَرْوِیَه بَنْتَوْشَه (لاتینی)	نوعی از فراسیون سیا
مَالِیسُوفُلُنْ Melissophullon	Melissa officinalis L.	بادرنجبویه - باذرتبویه	ریحان الترنجی
سُطَاخِیسِ Stakhus	Stachys germanica L.	قَارَه (اندلس) زیرا نوشیدن آن فرد را از خفقان نجات می دهد.	اَنُوشَه (لاتینی)
فُلْیِطِشِ Phyllitis	Phyllitis scolopendrium L.	دَبَّ الحداه	اکثرا در دهانه های چاه ها می روید.
فَالْتَجِینِ Phalangion	Phalangion ramosum Lam		به معنای مفید برای نیش رتیل
بَلُوْیِینِ Polion	Teucrium polium L.	جعده	دو نوع سفید و سیاه دارد فولیون (رومی)
اَشْقَرِ دِینِ Skordion	Teucrium scordium L.	حافظ الأجساد - حافظ الارواح	ثوم (ذیرا بوی بیاز می دهد) - ثوم ببری (جالبینوس) - مطرقل حشیشه الثومیه (اندلس)
اَرطاماسیا Artemisia	Artemisia vulgaris L.	بَلَنْجاسف - برنجاسف	دارای انواعی است.
اَمْبِرُوسِیا Ambrosia	Ambrosia maritima L.	نوعی برنجاسف	
بَطْرُسِ Botrus	Chenopodium botrys L.	نوعی برنجاسف	
غارائین Geranion	Geranium rotundifolium L.	تَمَار - جاپره	نوعی از رقعات
غنافلیان Gnaphallon	Gnaphalium L.	فضیه	
طیفی Tuphe	Typha latifolia L.	نوعی حلفاء	
قَرَا Kirkaia	Circaea Tourn.	بِنْکَه (لاتینی)	
قُونِیزَا Konuza	Inula conyzoides DC.	شجره البراغیث	تَرهَلا (بربری) - مَشْکِیَنَه (لاتینی) لِبَارْدَه - طَبَّاق (اندلس)
ایماروقالس Hemerokallis	Hemerocallis flava L.	سوسن اصغر	زنبق (دمشق)
اَرْحَسِ Orkhis	Orchis morio L.	خُصِی الکلب	
اَرْحَسِ اَخر Orkhis heteros	Orchis undulatifolia L.	نوعی خصی الکلب - قاتل اخبه زیرا ریشه آن دو تانی بوده یکی پر از مواد و دیگری چروکیده، ولی پس از گذشت زمان موقعیت آن ها عوض می شود	ساراقیاس (ابن اسم از نام خدائی از قبسط مشتق شده است و به معنای بسیار پسر منفعت می باشد)

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
آرمینین <b>Horminon</b>	<i>Salvia horminum L.</i>	حب القلقل - قلقال - قلاقلی	قومبون (جالینوس)
ایذیسارون <b>Hedusaron</b>	<i>Hedysarum L.</i>		به معنای فأسی یعنی بزر آن دارای دو سر تیز چسبون فأس است. - فلاقینس (به معنای زبان )
آنوسما <b>Onosma</b>	<i>Onosma echinoides L.</i>	خَس الحمار -	رجل الحمامه (اندلس) انوسما (جالینوس)
نیمفا <b>Numphaia</b>	<i>Nymphaea alba L.</i>	لینوفر - نوفر - عروس الماء - قاتل النحل	
آندرساقاس <b>Androsakes</b>	<i>Androsace lactea L.</i>	کشمخ - کُشمخه	ملاح - به خاطر شباهت آن به رنگ نمک نه طعم آن به این نام مشهور است - از انواع حمض
ایمیونیتس <b>Hemiontis</b>	<i>Hemionitis L.</i>	ایمیونیتس ؟	
آنتمس <b>Anthemis</b>	<i>Anthemis nobilis L.</i>	بابونج - بابونق - بابونک - بابونه	خمامیلن (یونانی) به معنای تفاح الارض است) - مسناله (لاتینی) به معنای سیب زیرا بونی شبیه به بوی سیب دارد.
فرتانیون <b>Parthenion</b>	<i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	أقحوان	
لیتسفرمن <b>Lithospermon</b>	<i>Lithospermum officinale L.</i>	قَلب (زیرا بسیار سخت و سفید است)	به معنای بزر الحجری شخفراغته (لاتینی) برگردان عربی آن: کاسر الحجر یا مشطیه
فالریس <b>Phaleris</b>	<i>Phalaris tuberosa L.</i>	؟	فالیورس (جالینوس)
لنخیطس آخر <b>Lonkhitis hetera</b>	<i>Aspidium lonchitis L.</i>	رَقعه الصخریه (اندلس)	
آلتا <b>Althaea</b>	<i>Althaea officinalis L.</i>	خطمی - ملوخی الشجر	ورد الزوانی
آلتا آخر <b>Alkea</b>	<i>Althaea rosea Cau.</i>	خطمی البری - شحم المرج	
قنابش <b>Kannabis</b>	<i>Cannabis sativa L. var. indica</i>	قُب - شَهْدَانج - شادانق	

نام عربی لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
قَنَابَشِ اَغْرِیون Kannabis agria اَنَاغُرُون Anaguros	Althaea cannabina L.	قَنَبُ البری - شهدانج البری	قَنَبَه (مصغر قَنَب است)
قَبْأُ Kεpaia	Anagyris foetida L.	أُم كَلب - حَب الكَلبی	میوه : خرنوب الكلب (اسم مشترک)
اَلِیْسَمَا Alisma	Sedum cepaea L.	جوز القَطَا (اندلس) (زیرا پرنده قطا بر خوردن آن حریص است .)	شجر حب الاسیر (ابن حسان)
اَنُوْبْرَاخِیس Onobrukhis	Alisma plantaga L.	مِزْمَار الرَاعِی - اُذُن الِارْتَب - سَنَبِل المَلُوك	دَمَان - وُئیون (جالینوس)
اَوْفَارِیْقُون Huperikon	Onobrychis viciaefolia Scop.	عنب الحیه (برگردان نام یونانی به عربی)	
خَامَاپِطُس Khamaipitus	Hypericum barbatum L.	هیوفاریقون - ذاذی الرومی	یْرِیسه قَرَجَنبیره (عجمیت اندلس) به معنای عشب القلب یعنی دارای دانه ای قلبی شکل است . - مَشْتَبَه - دارای چهار نوع است .
بِرطَانِیْقِی Brettanike	Ajuga chamaepitys L.	خماض حسکی	دارای سه نوع است . صنوبری کلیلسی / فرفری
لُوسِیْمَاخِیوس Lusimakheios	Rumex brettanica L.	عود الريح (اسم مشترک) (اندلس) قَصَبُ الريح (اسم مشترک) (اندلس)	گفته شده بستان افروز است.
بَلُوغُونُن Polugonon arren	Lysimachia vulgaris L.	عصا الراعی	به معنای ذکر است شَبَطَاط - خطری دَغْبَا بَطْبَاط (سریانی)
فُلُوغُونَاطِن Polugonaton	Polygonum aviculare L.	؟	غوذیاله (لاتینی)
فُولَامُونِیون Polemonion	Polygonatum officinale L.	؟	
سَمْفُوطُن بَطْرَاوُن Sumphuton petraion	Polemonium caruleum L.	شَاغَه الصخریه (اندلس)	
سَمْفُوطُن آخِر Sumphuton petraion	Symphytum petraeum	شَاغَه البِستَانِی	شَبِیطَه (لاتینی)
اَوَلُسْطِیون Holosteon	Symphytum bulbosum	؟ جَامِع البِضَع (برگردان نام یونانی به عربی)	
فَارَقْلُومَانُن Periklumenon	Holosteum umbellatum L.	صَرِیمَه الجُدِی	نوع دوم قَلَامِینُوس است .
	Leonicea periclymenon L.		

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
طربولس Tribolos	Tribulus terrestris L.	حسک - شکو هج	أبرویدیا (رومی) غاله جاقه (لاتینی) حمص الامیر (مغرب)
لیمونین Leimonion	Statice limonium L.	سبخی (برگردان نام یونانی به عربی)	نوع ششم حماض طوبل السورق و عسالیج است . - سلق الماء
سفرغانیون Sparganion	Sparganium ramosum Huds.	نوعی از سوسن پری	سقا رطاغانیون (جالینوس)
أخیون Ekhion	Echium rumum L.	ذکر الاقمی (به خاطر اینکه دارای میوه ای در رأس است که به شکل سر افعی می باشد .)	
أخلیوس Akhilleios	Achillea tomentosa L.		یعنی مفید برای بیماری اخلیوس که همان غرب است .
الأطینی Elatine	Linaria elatine Mill.	لباب المجوی - لبلاب الاحرش	سراویل الكکة سحیمة
أوباطور یوس Eupatorios	Agrimonia eupatoria L.	غانت الشاهدانجی	
طراغین آخر Tragion allo	Tragium colomnae		گیاه آن در جزیره اقریطش است .
فارنوخیآ Paronukhia	Paronychia serpyllifolia DC.		یعنی النافع من الداحس
خروسوقومی Khrusokome	Chrysocoma L.		برگردان عربی آن راس الذهب و نوعی از بابونه جبلی است .
ألیخرسون Helikhruson	Helichrysum sp. ?		برگردان عربی آن مذهب است . امارتطن (جالینوس) شاید نوعی قيصوم باشد
أسطراغالوس Astragalos	Astragalus Tourn.	كعب الخنزیر (برگردان نام یونانی به عربی)	مخلب العقاب الابيض (اندلس) - برطبره (لاتینی)
أواقتس Huakinthos	Hyacinthus orientalis	حافر البغل - قسطل الارض	بلبوسی (تاویل آن به عربی)
أیسقوامس Huoskuamos	Hyoscyamus Sp.	بنج - سیکران (اندلس)	ملمندر - یضمون
فسلیون Psullion	Plantago psyllium L.	بزر قطنونا - استقیوس	برغوث (برگردان عربی آن)
دروقتیون Doruknion	Dorycnium L.		

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
مندراغورس Mandragoras	Mandragora officinarum L.	بیروح - سابیژک - شابیژج - نُفَاح الجِن	میوه: نُفَاح - أرجلبطه (لاتینی) - تاریسال (بربری) - عروسه
أقونیطون Akoniton	Aconitum nepellus L.	قاتل النمر	نبال (اندلس)
قونیون Koneion	Conium masculatum L.	شوکران	جقوطه (لاتینی) حرمل البلدی (آفریقا)
أفوقونن Apokunon	Apocynum erectum Vell.	قاتل الذئب	عنب الکسلاّب (برگردان عربی آن)
نیریون Nerion	Nerium oleander L.	ذَفلی - خَرَزَه رَج - حَبِن	سم الحمار (برگرفته از لغت فارسی آن است.)
قُلخیقُن Kolkhikon	Colchicum automnale L.	سورَنجان - فَرَج الارض - قَلب الارض - عَكَنه (مصر)	نام گل: اصابع هرمس و شتیلید - قُشتنیوله (لاتینی) (به معنای قسطله کوچک است.)
قوتولیدیون Kotuledon	Cotyledon lusitanicus Lam.	کأس - آذان القسیس - زلائف الملوک - مصافق	دو نوع است، نوع دیگر آن در مصر اذنه خوانده می شود. این گیاه در شکافها و سقف ها و کوه هارونیده می شود.
غالیون Galion	Galium verum L.	لُختیروآله (لاتینی)	موجب بسته شدن شیر می شود.
ثالیترن Thaliatron	Thalictrum flavum L.	کُزْبَره حبشه	
بوتوماغیطن Potamogeiton	Potamogeton natans L.	جار الانهار (برگردان نام یونانی به عربی)	
سظراطیوطس Stratiotes	Pistia stratiotes L.	فَارِس الماء (برگردان نام یونانی به عربی)	
أرقطیون Arktion	Arctium tomentosum Shkuhr.		گفته شده نرد عرب به جریان (بدون نقطه در محل یا) مشهور است.
أرقطیون آخر Arktion	Arctium lappa L.		دارای دو نوع ببری و بستانی است.
لوطوس أغریوس Lotos agrios	Lotus sp. ?	حَباقا	لوتوسی که دو مصر است به نام پشین می باشد.
مریافُلن Muriphullon	Myriophyllum spicatum L.		به معنای هزار برگ است.
أنطرین Antirrhinon	Antirrhinum majus L.	أَنف العجل - شحم الطعام	

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
بولوبودیون <b>Polupodion</b>	<i>Polypodium vulgare L.</i>		به معنای دارای پای زیاد است. (کثیر الارجل) - سقی رَغْلا - سخی رَغْلا سکی - رَغْلا (سریانی) (به معنای کثیر الارجل) - بَرْتُوذَیْه (لاتینی) - اَشْتِیوان (بربری)
ایلو طرو بیون طوماغا <b>Heliotropion to mega</b>	<i>Heliotropium europaeum L.</i>	حشیشه العقرب (مصر) زیرا انتهای آن شبیه به دم عقرب است.	به معنای آفتاب گردان است طرنه سُوکی (اندلس)



## ۲ - برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم

محتوای متون پزشکی قدیمی به زبان عربی و ایرانی معمولاً متناخدا از کتب لاتینی و یونانی است و حاکی از آن است که منشاء نام های کهن گیاهان و همچنین برخی از نام های جدید لاتینی است. ریشه یابی نام ها، چه قدیمی و چه جدید، چه شرقی و چه غربی امکان تطبیق این نام ها را به یکدیگر فراهم می آورد و با این انطباق زمینه پیشنهاد مناسب ترین نام علمی را امکان پذیر می سازد.

با تعیین نام لاتینی گیاهان و سپس یافتن نام های معرب دارای ریشه لاتینی، ارتباط آن ها با نام های مشهور در متون قدیم [عربی و غیر عربی] میسر می شود. از سوی دیگر بررسی های صورت گرفته نشان می دهد برخی از نام ها چه در شرق و چه در غرب مستقل از هم بوده و متناخدا از هم نیستند. این نام ها نیز می توانند نام شناخت گیاه باشند.

از اینرو در نام یابی های کهن گیاهان دارونی دانستن ارتباط نام رایج گیاه با نام لاتینی آن می تواند معیاری برای یافتن نام علمی آن و همچنین دستیابی به سرچشمه نام های مشهور و چگونگی انتقال نام در زبان های دیگر باشد. برای دست یابی به این منظور شرح هر گیاه کتاب دیسکورید با دو منبع غربی و شرقی که هر یک ویژگی خود را دارند مقایسه گردید. مهمترین ویژگی های آن ها عبارتند از:

**الف - کتاب دیسکورید:** تا قرون اخیر به عنوان مهمترین منبع مورد استفاده اغلب محققان علوم پزشکی و گیاهان دارویی بوده است، و نام های لاتین آن به زبان های دیگر بویژه عربی برگردانده شده است. اولین کسی که به ترجمه این کتاب اهتمام ورزید حنین بن اسحق (۲۶۰ هـ - ق / ۸۷۳ م) بود که آن را از زبان یونانی به زبان سریانی برای بختیشوع بن جبریل برگرداند و همچنین یکی از شاگردان خود را به نام اصطفن بن بسیل تشویق به ترجمه این کتاب به زبان عربی نمود. اما این دو نتوانستند همه لغات لاتینی را به عربی برگردانند و تنها به معرب کردن لغات بسنده نمودند.

پس از آن نیز ترجمه هائی از کتاب دیسکورید به توسط ابوالفرج، مهران بن منصور، ابی سالم المطلی نگاشته شد که در مجموع کار مهران بن منصور از همگی قویتر است.

دانشمندان مهمی که به شرح کتاب دیسکورید پرداختند چهار نفر و همگی از اهالی اندلس هستند این چهار نفر عبارتند از:

۱ - ابو داود سلیمان بن حسان بن جُلجل (۳۸۴ هـ - ق / ۹۹۴ م)

۲ - ابوالعباس احمد بن محمد النبائی ابن الرومیه (۶۳۷ هـ - ق / ۱۲۳۹ م)

۳ - ابی محمد عبدالله بن احمد بن محمد بن ابن بیطار المالیقی (۶۴۶ هـ - ق / ۱۲۴۸ م)

۴ - ابوالحسن علی بن عبدالله الاشیبلی (احتمالاً قرن هفتم هجری قمری)

**ب - تفسیر کتاب دیسکوریدوس به توسط ابن بیطار:** نام های لاتین در این کتاب معرب شده و یا به عربی برگردانده شده و نام های رایج دیگر نیز [فارسی، سریانی و ...] در این کتاب دیده می شود. از ویژگی های این کتاب و همچنین مؤلف آن می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱ - از آنجا که مؤلف به زبانهای لاتینی و عربی به خوبی مسلط بوده، انتقال نام ها و ترجمه مطالب کتاب و معرب نمودن نام ها دقیق صورت گرفته است.
  - ۲ - همراه بودن نام های معرب با نام های مشهور عربی و غیر عربی این کتاب را عامل مهمی در ارتباط فرهنگ های گیاهشناسی و پزشکی تمدن های گذشته است.
  - ۳ - مؤلف چون خود گیاهشناس بود سعی نمود تا شرح گیاهان را در این تالیف با نمونه های عینی در دست تطبیق داده درستی یا مجهول بودن آن را اعلام نماید.
  - ۴ - اشرف مؤلف به تالیفات قبلی، و تالیفات عصر خود و تالیفات متنوعی که خود داشت موجب شده، کتاب های او بعنوان تالیف شاخص برای قرن های بعدی در گستره ای جغرافیائی وسیع مطرح باشد.
  - ۵ - پرهیز مؤلف از ذکر خواص و حتی شرح های سیستماتیکی در این کتاب و بیان آن در کتاب جامع اهمیت وی را به تطبیق و تصحیح واژه ها و نام ها معلوم می نماید.
- با توجه به ویژگی های فوق می توان کتاب ابن بیطار را برگردان علمی - مطابق با زمان خود - از کتاب دیسکورید دانست که گذشته از ذکر نام ها گیاهان بطور دقیق، ضمن اشاره به اطلاعات به مربوط پیرامون محل رویش و جغرافیای گیاه، اختلاف نظرها موجود در مورد هویت گیاه را نیز به نقد و بررسی کند.
- در جداول زیر نام های لاتینی معرب شده همراه با اسامی لاتینی آنها آمده است. دقت در این نام ها می تواند در برگردان صحیح نام ها ما را یاری رساند.

#### راهنمای جداول:

- نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید که به توسط ابن بیطار معرب شده است.
- در ستون دوم نام های پیشنهادی ابراهیم بن مراد آمده است.
- در ستون سوم نام های پیشنهادی ROBERT T. GUNTHER آمده که با نام های لاتینی معرب ابن بیطار مقایسه شده است.
- در ستون چهارم شماره تصاویر مربوط به هر گیاه از کتاب دیسکورید ROBERT T. GUNTHER است، این تصاویر در جلد دو کتاب آمده است.
- در ستون پنجم نام های دارای منشاء عربی و از ابن بیطار است.
- در ستون ششم نام های عربی و غیر عربی مشهور و از ابن بیطار است.

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
کیارس یا قیفارس <b>kuperos</b>	Cyperos longus L.	C. rotundus	۴/ ۱	سعد	
آقورون <b>Akoron</b>	Acorus calamus L.	Iris pseudacorus	۲/ ۱	وَجُّ - زهره	
ایریس <b>Iris</b>	Iris florentina L.	I. florentina L. I. germanica	۱/ ۱	سوسن آسمانجونی	قوس و فرح
قرادامون <b>Kardamomon</b>	Eletteria cardamomum White & Maton	E. cardamomum		کرویا جبلیه قرنباد - قرنفاد	قرمانا
میتون <b>Meon</b>	Meum athamanticum J.	M. athamanticum J.		مو	
ناردسستفاریطیقی <b>Sampharitike</b>	Valeriana celtica L.				
ناردس اقلیطیقی <b>N. keltike</b>	Valeriana celtica L.	V. celtica L.		سنبل الرومی	سنبل الاقلیطیقی متنجوشه - شرانط
ناردس اورنی <b>N. oreine</b>	Valeriana tubereuse Spr.	V. tubereuse Mountain Nard		سنبل الجبلی	
ناردس <b>Nardos</b>	Nardostaachys jatamansi DC.	N. jatamansi		سنبل هندی	ناردین
اسارون <b>Asaron</b>	Asarum europaeum L.	A. europaeum	۹/ ۱		
فو <b>Phu</b>	Valeriana dioscorides Sibth.	V. dioscorides			
مالابثرن <b>Malabathron</b>	Cinnamomum citriodorum Twhwait.			ساذج الهندی	
کسیا <b>Kassias</b>	Cinnamomum cassia BL.	Cinnamomum iners		سلیخه	
قنّا مومن <b>Kinnamomon</b>	Cinnamomum zeilanicum Nees.	C. cassia		دارصینی	
أمومن <b>Amomon</b>	Amomum racemosum La.	A. sublatum or cissus vitiginea		حماما	
قُسْطُس <b>Kostos</b>	Costus speciosus Sm.			قُسْط - کُشْط	کُشْت
سکینوس <b>Skhoinos</b>	Andropogon schoentus L.	Cymbopogon schoenanthus		أذخر	تبن مکه
قلامس اروماتیقس <b>Kalamos aromatikos</b>	Acorus calamus L.	A. calamus L.		قصب الذریره	
أصبالاتوس <b>Aspalathos</b>	Calycotom spinosa Lk.	Cytisus lanigerus DC. Genista acathoclada DC.		دارشیشغان	قندولی (مغرب)
بریون <b>Bruon</b>	Usenea barbata Ach.	Usenea sp.		أشْنه - شَبب العجوز	سواک القرود (زیرا دهان هنگام استفاده از آن رنگ می گیرد).
نَشَقْشَقْ	؟	؟		بَنَک	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أغالوخن Agalokhon	Aloexylon agallochum Lou.	A. agallochum		عود هندی	آلنجج
قیمن Kankamon	Amyris kataf Forsk.	Amyris sp.		سندروس - لک	قیمن
قروفس Krokos	Crocus sativus L.	C.sativus	۲۵/۱	زعفران	کُرکم - جادی - جساد - ربهقان
انیون Helenion	Inula helenium L.	I.helenium	۲۷/۱	جناح - راسن زنجبیل شامی	عظوز (ترکی)
شمرنا Smurna	Commiphora myrrha Engl.	Amyris myrrh Hafal.		مر	
شطی رکس Sturax	Styrax officinalis L.	S. officinalis		أصطری عسل اللبئی	شطرکا (سریانی) عسل رومان -
بذلیون Bdellion	Commiphora mukul Engl.	Hyphaene thebaica		مقل الأزرق	دارای انواع متعدد است.
لیبانو Libanos	Baswellia Roxb.	Baswellia cartera		کندر - لیان	تنها در شحر عمان رویش دارد.
بیطس - بنطس Pitus	Pinus pinea L.	P.halepensis P. cemmra P. maritima		تنوب	صمغ آذ: قُفوثیا
قوفی یا فوقی Peuke	Picea excelsa Link			شجر الأرز	نوعی تنوب
بیطویداس Pituides		Pine-seeds		قَصَم قریش	میوه صنوبر الصغار
سطرویلو Strobiloi		Pine-cones		شجرالصنوبر الکبار	صمغ هر دو صنوبر راتباج - راتبج
سخینس Skhinos	Pistacia lentiscus L.	P. lentiscus		شجره المصطکی	
طرمنثس Terminthos	Pistacia terebinthus L.	P.terebinthus.		شجره البطم	صمغ: علك الابياط
أرقوئس Arkeuthos	Juniperus communis L.				
Arkeuthos Megale Arkeuthos Mikra		J.macrocarpa J. phoenicea J.co.- J. Drupacea	- ۱ ۱۰۳	عرعر	
برائی Brathu	Juniperus sabina L.	J. sabina var. cupressifolia var. tamariscifolia		أبهل	
ذافنی Daphne	Laurus nobilis L.	L.nobilis		شجر الغار شجرالرند	دونوع نر و ماده دانه: ذافنیدس
قنارسیس Kuparissos	Cupressus sempervirens L.	C.sempervirens		شجرالسرو	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
قادرُس Kedros	Cedrus libani Barrel .	C. libani		شجر الشریب	
أفلاطینس Platanos	Platanus orientalis L.	P.orientalis		شجر الدب صنار - جنار	
مالیا Melia	Fraxinus excelsior L.	F.ornus Manna Ash		شجر المران	زان (بربری)
لوتا Leuke	Populus alba L.	P.alba		حور	دارای انواعی است.
ماقر Makir	Myrsica fragans Hoult.			بسبسه	دارکبسه (شام)
أغیرس Aigeiros	Populus nigra L.	P.nigra		حورالرومی	نوز - کهربا
بطالایا Ptelea	Ulmus L.	Ulmus campestris		شجر الدردار	شجره البق - شم الاسود
تالامن Kalamon	Phragmites communis Trin			قَصَب الفارسی	
Kalamos Nastos		Cenchrus frutescens Sieb.			
Ka.Suriggios		Erianthus ravennas			
Ka.Donax		Arundo donax			
K.Phragmites		Phragmites communis			
فانورس Papuros	Cyperus papyrus Trin.			فافر - بردی	
موریقی Murike	Tamarix gallica L.	T.gallica	۱ ۱۱۶	شجره الرفا	
Murris		Myrrhis odorata L.			
أریقی Ereike	Erica arborea L.	E.arborea -E.herbacea		شجر الخلیج	از انواع أسحل
أفقالیس Akakalis	Tamarix articulata Vahl.	T.orientalis		شجر الاثل عذبه (عربی)	میوه : کزمازک کزمازق - کزمازج
رامنس Rhamnos	Lycium afrum L.	Paliurus aculeatus	۱ ۱۱۹	عوسج - عرقد	
ألیمون Halimon	Atriplex halimus L.			ملوخ	قطف بحری - ملیخ
فالورس Paliuros	Paliurus aculeatus Lam.	Zizyphus vulgaris L.		سدر - شجره العناب	دونوع عبری و ضال.
اقسیا آقتنش Oxuakantha	Crataegus oxyacantha L.	Crataegus pyracantha Medic.		زعرور الادویه به معنای شوک الحاد	جبرئیل تاغفرت (بربری)
Papuros		Papyrus antiquorum Wild.			
قونس باطس Kunosbatos	Rosa canina L.	Rosa sempervirens L.		علیق الکلب ورد بری	نسرین - اذممام - فانس به یونانی به معنای کلب و باطس به معنای علیق است .
قیفروس Kupros	Lawsonia alba Lam.	L.alba		شجره الحنا	یرناه - رفان

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فیلورا <b>Philura</b>	<i>Phillyrea latifolia</i> L.	<i>P. latifolia</i> .		شجره المحلب شجره العتم ؟	دانه آن : زنجیح ؟
قستوس <b>Kisthos</b>	<i>Cistus ladanifolius</i> L. <i>C. villosus</i> L. <i>C. hypocistis</i> L.			شَقَوَاص (اندلس) وردالجلی (مغرب) ب) وردالفحصی	سه نوع: دو نوع آن به نام لحيه التيس و نوع سوم گرفته شده از لادن با نام های اَسْتَب، حطب الفتح ، شجراللاذن، ارتقش (یعنی کثیر المصی) است.
<b>Kustos Arren</b>		<i>Cistus villosus</i>			
<b>Kustos Thelus</b>		<i>Cistus salviaefolius</i>			
<b>Ladanon</b>		<i>Cistus creticus</i>			
آبائس <b>Ebenos</b>	<i>Ebenus</i> L.	<i>Diospyrus melanoxylon</i> <i>Ebenoxylon verum</i>		أبنوس	
لوقیون <b>Lukion</b>	<i>Rhamnus infectoria</i> L.	<i>R. infectoria</i>		شجره الحضض	عصاره : فیلزهرج كحل خولان
رودا <b>Rhoda</b>	<i>Rosa Tourn</i> <i>R. gallica</i> L. <i>R. alba</i> L.	<i>Rosa lutea</i> Bort.	۱ ۱۳۰	ورد	قرمز آن : حوجم سفید آن : وتیر جل (فارسی)
اکاکیا <b>Akacia</b>	<i>Acacia arabica</i> Willd.	<i>Acacia vera</i>		عصاره القَرظ خَرَوَب السِنَط شوکه المصریه	بری آن : اُم غیلان صمغ : صمغ العربی
اِطَا <b>Itea</b>	<i>Salix babylonica</i> L.	<i>Salix</i> sp.		شجرالصفصاف خلاف	
اَغْنَس <b>Agnos</b>	<i>Vitex agnus castus</i> L.	<i>V. agnus castus</i>	۱ ۱۳۵	شجره ابراهیم شجره مطهره حب القَد شجره مریم	یعنی طاهر- ایلادیشا (سریانی)- سرساده و شَمِیثا (هندسی) وَتَقَارِف (بربری) شجره القُلُقُل و قُلُقُل الصقالیه (اندلس)
الْأَغْرِيَا <b>Agrielaia</b>	<i>Olea oleaster</i> Lk.	<i>O. oleaster</i>		زیتون بری عتم - زنجیح	آزمود (بربری) زَبُوج (اندلس)
دَرَس <b>Drus</b>	<i>Quercus coccifera</i> L.	<i>Quercus aegilops</i> L.		شجر البلوط	شاه بلوط - قُسطانیا - قُسطل
ققیس <b>Kekis Phegos</b>	<i>Quercus lusitanica</i> Lam.	<i>Quercus aesculus</i> Boiss.		عفص - قُشف	جوله (لاتینی)
رُؤُوس یا اَطَا <b>Rhous</b> أویسا <b>Epi ta opsa</b>	<i>Rhus coriaria</i> L.			سَمَاق - تَمْتَم	سریانی : سَمَاقیل عربرب - عربرب

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فُنیکس دَقِیْبُطُس Phoinix	Phoenix dactylifera L.	P.dactylifera.		نخل	
رُوْدَاؤُذَا Rhoa	Punica granatum L.	P.granatum		رمان	جلنار ، گل انار - بی جینبده : گل انار بستانی - رَعَث
مُرسینس اُمیراُس Mursine he hemeros	Myrtus communis L.	M.communis Gardan Myrtle		آس بستانی ریحان	میوه: مردابیانج (سریانی) مژگان و مژته (لاتینی) گل : اقمام (بربری)
کِراسیا Kerasia	Prunus cerasia Br.	P. cerasia.			
قاراطیا Keratia	Cerantonia siliqua L.	C.siliqua		خرنوب شامی	
میلاَس Meleas	Pyrus malus L.	P.malus Appel		تَفَاح	
قُوْدُونیا میلا Kudonia mela	Cydonia vulgaris Pers.	C.vulgaris Quince		سَفَرَجِل	
برسیقا Persika mela	Prunus persica Sieb..	Pyrus malus Crab Appel		خوخ	
اَرْمَانِیَا Armeenika mela	Prunus armenica L.			تفاح الارمنی	مشمش
میدیکا میلا Medika mela	Citrus medica Risso var.cerata			اَثْرَج	مَنک - تفاح الماهی
اَپِیوس Apios	Pyrus communis L.	P. communis		کُمثری البستانی	
اَکْهْرَاس Akhras	Pyrus communis var. akhras	Pyrus amygdaliformis		کُمثری البری	برجون (اندلس)
لوطوس Lotos to dendron	Celtis australis L.	C.australis		شجر المیس	نَشْم الاسود (نام مشترک)
مَشْبِلِین Mespilon	Crataegus azarolus L.	C.azarolus C.tanacetifolius		شجره الزعرور	طریقن (یعنی دارای سه دانه) - نلک
اَپِمِلیس Epimelis	Pyrus germanica L.				شاید نوعی از زعرور
قَرانیا Krania	Cornus mas L.	Cornus mascula			از جنس زعرور
اَوَا Oua	Pyrus sorbus Gaertn.	Sorbus domestic		شجره الغبیرا	
قو قامیلا Kokkumelea	Prunus domestica L.	P. domestica		شجره الاخصاص	عین البقر (مغرب) شاهلوج - شاهلوی
قوماروس Komaros	Arbutus unedo L.	Arbutus andrachne L.		شجره القطلب شجره قاتل ابیه میوه: جَنی الاحمر	معنای نام یونانی: طعمه قرمز - قاماریون (رومی) عصیر الدب (اندلس) - آساشنوا (مغرب) - مطرونیه

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Amugdale		Amygdalus communis			
أمقدال بیثرا Amugdala pikra	Prunus amygdalus var. amara Fock.			لوزالمَر	
أمقدال غُلُوقیا Amugdala glukeia	Prunus amygdalus Stock.			لوزالحلو	
بسطاقیا Pistakia	Pistacia vera L.	Pistacia lentiscus		فُسْتَقُ	صمغ: علك الانباط
قاربانیطیقا Karupontik a	Corylus avellana L.	C. avellana		بندق	جَلُوز (مغرب)
قارباسیلیقا Karubasilik a	Juglans regia L.	J. regia		جوز	
مورا Morea	Morus alba L.	Morus nigra		توت	عربی: قَرصاد رب آن: دیامیرون
سیقاموری Sukomoron	Ficus sycomorus L.	F. sycomorus		تین الاحمق	جویز
أَمینون سیفون Olunthoi	Caprificus	Unripe Fig		توت الفحج	ذکار- توت نارس
سیقا Suka	Ficus carica L.	F. carica		تین - بلس	
فَرسیا Persaia	Mimusops schimperi Hot.	M. schimperi		لَبِخ	شجره فارسیه
زَأْأ أولیرا Zea Olura	Triticum monococcum L. Triticum dicoccum	T. dicoccum T. Monococcum T. dicoccivarietas		عَلَس (اندلس) کَنب	أولیرا (از جنس زَأْأ) أشکلیه (لاتینی)
طَراغیس Tragos	Gymnorrithon ragus L.	Ephedra distachya Br.		سَلت	
أوریزا Oruza	oryza sativa L.	O. sativa		أرز	
سیسامن Sesamon	Sesamum indicum L.	S. indicum		سَمسم، جَلَجَلَا	روغن: حل - شبرج
خَندرُوس Khondros	Triticum romanum L.	Hordeum sp.	۲ ۱۱۸/	خَنطَه الرومیه	نوعی شعیر العربی شعیر النبی (ص) (اندلس)
کَیخَروس Kenkhros	Panicum milliaceum L.	P. milliaceum	۲ ۱۱۹/	جاووس	نوعی از ذره
ألومس Elumos	Andropogon sorghum Brot.	Setaria italicum Beauv.	۲ ۱۲۰/	دخن	
أرأ Aira	Lolium temulentum L.	L. temulentum	۲ ۱۲۲/	زَوَان - شَیلم	دَنَقَه - رَعیندا - رَعیدا - مَریرا - خَضِر
طیلِس Telis	Trigonella foenum graecum L.	T. foenum graecum	۲ ۱۲۴/	حلبه	فَریقَه
لِنُس برمون Linospemon	linum usitatissimum L.	L. usitatissimum		بزرکتان - آلینو	



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أربثش ایمارس <b>Erebinthos hemeros</b>	Cicer arietinum L.	C.arietinum	۲ ۱۳۶/	حمص	دارای دو نوع بری و بستانی است.
فابش الیونانی <b>Kuamos Hellenikos</b>	Vicia faba L.	V.faba	۲ ۱۳۷/	فول - باقلآ	فابه (لاتینی)
فابش القبطی <b>Kuamos Aiguptios</b>	Nymphaea nelumbo L.	Nelumbium speciosum Wild.		جامسه (مصر)	در سرزمین مصر روئیده می شود.
فاقوس <b>Phakos</b>	Lens esculenta Monch.	Ervum lens L.	۲ ۱۳۹/	عدس - بلسن	
أوروبس <b>Orobos</b>	Vicia ervillia Willd.	Ervum ervillia L.	۲ ۱۳۱/	کرسنه	کشنی (شام) - کشن (فارسی)
ترمس ایماروس <b>Thermos hemeros</b>	Lupinus termis Forsk.	Lupinus pilosus Murr.	۲ ۱۳۲/	بسله	به علت تلخی و بد طعمی ابوحنیفه آن را بسله نامیده است.
<b>Termos Agrios</b>		Lupinus Angustifolius DC. Lupinus alba L.	۲ ۱۳۳/		
غنقیلی <b>Gongule</b>	Brassica rapa L.	B.rapa	۲ ۱۳۴/	سلجم - سلجم	لفت الاحمر المدور
بونیا س <b>Bunias</b>	Brassica napus L.	Bunias erucago Brassica bunias		لفت طویل	لفت طلیطلی (مغرب)
رافانوس <b>Raphanis</b>	Rhaphanus sativus L.	R.sa. - Radish	۲ ۱۳۷/	فجل	
<b>Raphanos Agria</b>		Raphanus raphanistrum L.	۲ ۱۳۸/		
سیسارون <b>Sisaron</b>	Sium sisarum L.	Pastinaca sativa	؟		
لاباثون <b>Lapathon</b>	Rumex acutus L. Rumex scutatus L. Rumex patientia L. Rumex acetosa L.	Rumex patientia L.	۲ ۱۴۰/	حماض	دارای انواع مختلف است.
أفولاباثون <b>Hippolapatho n</b>	Rumex hydrolapathum L.	Rumex aquaticus L.	۲ ۱۴۱/		نوع پنجم حماض کبیر
المسانی <b>Lampsane</b>	Raphanus raphanistrum L.	Sinapis arvensis	۲ ۱۴۲/	؟	
بلیطی <b>Bliton</b>	Amarantus blitum L.	A.blitum	۲ ۱۴۳/	بقله الیمانیه	بربوز (مغرب) - جربوز (شام) - کشنج - صده قشطنیقی (سواد)
ملوخی <b>Molokhe</b>	Malva rotundifolia Desf.			خبازی	
<b>Malache Agria</b>		Malva silvestris	۲ ۱۴۴/		

نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بطار)	سایر نام ها (از ابن بطار)
Malache Kepaia		Alcea rosea L.	۲ ۱۴۴/		
أندروآفئس Andrphaxus Atraphaxis	Atriplex hortensis L.	Atriplex rosea L.	۲ ۱۴۵/	سرمق - سرمج - قَطْف	بقل الروم - بقل الذهبی
قولى أيماروس Krambe hemeros	Brassica oleracea L.	B.oleracea	۲ ۱۴۶/	كرنب البستاني	قربنا
قولى أغريا Krambe agria	Brassica incana L.	Brassica cretica	۲ ۱۴۷/	كرنب البری	نوع دریائی را با همین نام ذکر کرده است.
Krambe Thalassia		Crithmum maritimum	۲ ۱۴۸/		
طوطن Teutlon	Beta vulgaris L.	B.vulgaris	۲ ۱۴۹/	سلق البستاني	سلق بری را نیز با این اسم می شناسند.
أوبيذجى يا أندرخنى Andrakhne	Portulaca oleracea L.	P.oleacea - Purslane	۲ ۱۵۱/	رجله، بقله الحمقاء، بقله المباركه، فرفير	أندراخته (به معنای يك پا است. رجله)
أسفاراغش بطراوس Asparagos Petraios	Asparagus officinalis L.	Asparagus acutifolius L.		هلينون	أسفراخ (مغرب)
أرنوغلسن Arnoglosson	Plantago major L.	P. major	۲ ۱۵۳/	لسان الحمل برد وسلام ذنب الفأ	بنتشان (لاتینی)- مصاضه دارای دو نوع بزرگ و کوچک . نوع کوچک آذن الشاه (اندلس)
سین Sion	Sium latifolium L.	Sium nodiflorum L.	۲ ۱۵۴/	قره العين	كرفس الماء
سيسمبريون Sisumberion	Nasturtium officinalis L.		۲ ۱۵۵/	حرف الماء	قرونوش (اندلس)- فجل الماء - جرجير الماء
Sisumberion Eteron		Sisymbrium nasturtium Muhl.	۲ ۱۵۶/		
قرنمن Krethmon	Crithmum maritimum L.	C.maritimum		قرن الأيل	زبل النواتيه (أفريقيا)
قورونئس Koronopus	Plantago coronopus L.	Lotus ornithopodioides L.	۲ ۱۵۸/	رجل القراب	رجل الزاغ
صنخيس Sonkhos	Sonchus oleraceus L.			هندباء البری	خس الحمار
Sonkhos Akanthodesteros		Helminthia echiodes Gaert.			
Sonkhos Trachos		Sonchus arvensis L.	۲ ۱۵۹/		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Sonchos Trupheros		Sonchus oleraceus L.	۲ ۱۵۹/		
Saris	Cichorium endivia L.	C.en. – Endive		هندیاء البستانی یعضید(مصر)	شرایه (اندلس) أنطوبیا
خندریلی Khondrile	Chondrilla juncea L.	C. Juncea or chondrilla ramosissima	۲ ۱۶۱/	هندیاء البری یعضید (مصر)	أمیرون (اندلس) شرایه الحمار(لاتینی)
Khondrile Etera		Thrinsia tuberosa or apargia			
قُلوقتی Kolokuntha edodimos	Cucurbita lagenaria L.	Cucumis sativus L. Cucumber		قُرْع - یَطْطین - دبا	
سیسُس اَیماروس Sikus hemeros	Cucumis sativus L.	Cucumis Melo L. Melon		قثاء البستانی	فُقوس (مغرب)
Pepon		Cucumis pepo Dum. Pmpion			
ثُرثوقس اَیماروس Thridax hemeros	Lactuca sativa L.	L. Sativa	۲ ۱۶۵/	خس	دارای دو نوع بری و بستانی است.
Thridax Agria		Lactuca scariola	۲ ۱۶۶/		
جَنجیدِیون Gingidion	Daucus gingidion L.		۲ ۱۶۷/		نوعی از جزر بری
سَفندِیس Skandix	Scandix pecten veneris L.	S.pecten veneris	۲ ۱۶۸/		سَفاندِیس
قوَقالیس Kaukalis	Caucalis maritima L.	Handquistia aegyptiaca	۲ ۱۶۹/	أبره الراعی - أمشاط العجوز	تَامَشَطَت (بربری) أكجاله (لاتینی)
أوزیمن Euzomon	Eruca sativa Mill.	E.sativa Brassica erucastrum L.	۲ ۱۷۰/	جَرَجیر - كَناه	بری : اَیَهقان
أقِیمن Okimon	Ocimum basilicum L.	O.basilicum	۲ ۱۷۱/	بَادِرُوج - حوك	گفته شده به فارسی بستان افروز است .
اوروبَنخی Orobankhe	Orobanche caryophyllacea	Cuscuta europaea		طرائث - خانق الكَرسَه	هالوك (مصر) اوروناكجی - جعفیل
طرار اَغوَبوغُن Tragopogon	Tragopogon orientalis L.	Tragopogon villosum L.	۲ ۱۷۳/	؟	
أرنیثوس غالا Ornithos gala	Ornithogalum umbellatum L.	O. umbellatum			
وَدُنن Hudnon	Tuber michell - Terfezia claveriji	Tuber cibarium		كَناه	بنات الرعد
میدِیقی Medike	Medicago sativa L.	M.sativa		رَطَبه ، فَنصَفَه قَضَب	خشک : قَت وبه فارسی : اَسفست بربه موله (اندلس)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
انبیالفراسن <b>Ampeloprason</b>	Allium ampeloprasum L.			کُراث الکریمی	کراث بری
أفافی <b>Aphake</b>	Vicia cracca L.	Lathyrus Aphaca	۲ ۱۷۸/		نوعی از رطبه
سمیلئس لوبیا <b>Samilax kepaia</b>	Dolichos lubia Forsk	Smilax aspera		لوبیا	دجر- نامرا
فراآسن قافالوطن <b>Prason kephaloton</b>	Allium ascalonicum L.	Allium porrum L.	۲ ۱۷۹/	کُراث الشامی	
انبیالفراسن <b>Ampeloprason</b>	Allium Ampeloprasum L.			کراث بری	به معنای کراث الکریمی است.
قرومیان <b>Kromuon</b>	Allium cepa L.	A. cepa	۲ ۱۸۱/	بصل	
شُقرْذین <b>Skordon</b>	Allium sativum L.	A. sativum	۲ ۱۸۲/	نوم البستانی	
<b>Leukoskorodo n</b>		Allium ampeloprasum L.	۲ ۱۸۲/		
<b>Ophioskorodon</b>		Allium scorodoprasum L.	۲ ۱۸۲/		
<b>Elaphoskorodo n</b>		Allium subhirsutum L.	۲ ۱۸۲/		
براستونوشقرذین <b>Skordoprason</b>	Allium scorodoprasum L.	Allium descendens L.	۲ ۱۸۳/	نوم کراثی	نوم البستانی
<b>Sinepi</b>		Brassica alba	۲ ۱۸۴/		
قردامن <b>Kardamon</b>	Lepidium sativum L.	L. sativum	۲ ۱۸۵/	حرف الاحمر	حب الرشاد- نقا
تلسفی <b>Thalaspī</b>	Lepidium campestris R.Br.	Thlaspi bursa- pastoris L.	۲ ۱۸۶/	نوعی از حرف	اشبیرون (اندلس)
دارابی <b>Drabe</b>	Lepidium draba L.	L. draba		حرف المشرقی	أحراز (صقالیه)؟
أروسیمن <b>Erusimon</b>	Sisymbrium officinale Scop.	Sisymbrium polyceratium L.	۲ ۱۸۸/	نُوذری توذرنج	صسوب - شسندله (اندلس) - أوروسیمو
باباری <b>Peperi</b>	Piper aromaticum Lamk.	Piper nigrum L.		فُلْفُل	
أوذروباباری <b>Hudropeperi</b>	Polygonum hydropeperi L.	P. hydropeperi		فُلْفُل الماء	
زنجباری <b>Zingiberi</b>	Zingiber officinale Rosc.	Z. officinale		زنجبیل	
بطرمیقی <b>Ptarmike</b>	Achillea ptarmica L.	Beranthemum Annum			به معنای معطس بر گرفته از بطرموس
سپروئیون <b>Struthion</b>	Saponaria officinalis L.	S. officinalis	۲ ۱۹۳/		تاغیغیت (بربری) - قوللیه - کندش
فُقلامینوس <b>Kuklaminos</b>	Cyclamen europaeum L.	Cyclamen graecum Greek cyclamen	۲ ۱۹۴/	بخور مریم	عروطننا- رکف - حبرالقرود (افریقا)

سایر نام ها (از ابن بیطار)	نام عربی (از ابن بیطار)	شماره تصویر	نام علمی (از Roberthz)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)
ماطرشالیبه (لاتینی) برگردان عربی: امالشعراء - اقلندان و آدار (نامی بربری به معنای سلطان الجبل) رای منست (لاتینی) (رای به معنای سلطان و منست به معنای کوه)	صَریمه الجدی (اندلس) سلطان الجبل	۲ ۱۹۵/	Cyclamen Hederifolium	Lonicera caprifolium L.	فقلامینوس اخر <b>Kuklaminos helera</b>
به معنای لوف الحیه اصاره (مغرب) (صراخه اندلس) غرغیتیه (لاتینی)	لوف الجعد - فیلجوش	۲ ۱۹۶/	A.dracunculus	Arum dracunculus L.	درانطیون <b>Drakontion</b>
		۲ ۱۹۶/	Arum maculatum		<b>Drakontion Mikron</b>
صاره - ابرنی	لوف السبط		Arum dioscoridis L. Cuckoo-Pint	Arum vulgare L.	أرون <b>Aron</b>
از انواع سه گانه لوف ذریه (مصر)	لوف		A. arisarum	Arum arisarum L.	آریصارون <b>Arisaron</b>
		۲ ۱۹۹/	Asphodelus ramosus Asphodel		<b>Asphodelus</b>
	بصل الزأز			Muscari comosum Mill.	بلبوس <b>Bolbos</b>
		۲ ۲۰۰/	Hyacinthus comosus		<b>Bolbos Edodimos</b>
			Ornithogalum Stachyoides Bulbus vomitorium		<b>Bolbos Emetikos</b>
بصل الفار - بصل الفار بصل الخنزیر (مغرب) اقلیل (بربری)	أشقیل - عَنصل - عَنصلان	۲ ۲۰۲/	S. maritima	Scilla maritima L.	سقیلا <b>Skilla</b>
نوعی بصل المنصل		۲ ۲۰۳/	P.maritimum Scilla pancration Nym.	Pannkratium maritimum L.	بَنقراطیون <b>Pankration</b>
چیزهایی که در ریشه آن یافت می شود را أصَف گویند. میوه: شَفَلح	کبر	۲ ۲۰۴/	C. spinosa	Capparis spinosa L.	قبارس <b>Kapparis</b>
صَلص	عشبه السلطان (مصر)		Lepidium latifolium L.	Lepidium sativum L.	لبیدون <b>Lepidion</b>
دارای چهار نوع - برگردان عربی آن عَنقَدُعی - کبیکج (سریانی)	كَف الكلب و كف الضبع (مغرب)	۲ ۲۰۶/	Ranunculus acris L.	Ranunculus asiaticus L.	بطراخیون <b>Batrakhion</b>

نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
<b>Batrakhion Eterin</b>		Ranunculus lanuginosum L.	۲ ۲۰۶/		
<b>Batrakhion Triton</b>		Ranunculus muricatus L.			
<b>Batrakhion Tetarton</b>		Ranunculus aquatilis L.			
آناتامونی <b>Anemone</b>	Anemone coronaria L.	A.coronaria	۲ ۲۰۷/	شقائق النعمان شقر	أرجامونی (جالینوس)
أرجامونی أغریا <b>Argemone</b>	Anemona hortensis L.	Thalictrum flavium Agrimonia eupatorium	۲ ۲۰۸/ ۲ ۲۰۸/	أرجامونی	نوع دوم شقائق النعمان
أناعلس <b>Anagallis</b>	Anagallis arvensis L.	A.arvensis	۲ ۲۰۹/		
<b>Korkoros</b>		Anagallis coerulea	۲ ۲۰۹/		
قسوس <b>Kissos</b>	Hedera helix L.	H.helix	۲ ۲۱۰/	لیلاب الکبیر حبل المساکین	بنگه - بعضی از انواع آن به نام أحمل یا عصبه - یذره
خالدونیون طوماغا <b>Khelidonion to maga</b>	Chelidonium majus L.	C.majus			طوماغا به معنای بزرگ به معنای دواء الخطاطیف
خالدونیون طومقرن <b>Khelidonion to mikron</b>		Ranunculus ficaria L. Lesser celandine		نوع دوم طوماغا است.	
بتوقس أوطا <b>Muos ota</b>	Myosotis palustris Lam.	Lithospermum purpurea-coeruleum	۲ ۲۱۴/	أذان الفار الرومی	عين الهدد و باذرد (أفريقا)
أساطیس <b>Isatis</b>	Isatis titictoria L.	I. titictoria	۲ ۲۱۵/	نیل - نیلج	طین الاخضر - عين الاخضر
أساطیس أغریا <b>Isatis agria</b>		Isatis lusitanica	۲ ۲۱۶/	نیل بری	
طیلاقیون <b>Telephonion</b>	Cerinth minor L.	C.minor.	۲ ۲۱۷/	حشیشة البرص	
جنطیانا <b>Gentiane</b>	Gentiana lutea L.	G.lutea .	۳/ ۳	دواء الحیه کوشاد	بششکگه (لاتینی)
أغاریقون <b>Agarikon</b>	Polyporus officinalis Fr.				این نام یکی از شهر های روم به نام أغارِقَه است.
أرسطولوخیا <b>Aristolokheia</b>	Aristolochia Sp.	Aristolochia pallida Round Aristolochia	۴/ ۳	زراوند	دارای سه نوع است. مسمقار (بربری) بیرستم (افریقا)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
<b>Aristolochia Makra</b>		Aristolochia Parvifolia Sm. Aristolochia Sempervirens L.	۵/۳		
<b>Aristolochia Klematitis</b>		Aristolochia boetica			
غلوقریزا <b>Glukurrizza</b>	Glycyrriza glabra L.	G.glabra	۷/۳ تصویر گویا نیست	عودالسوس	عصاره آن به لاتینی مُدبِله به معنای پاک کننده سینه است. مَثک
قَنطوریون طوماغا <b>Kentaureion to mega</b>	Centaurea centaurium L.	C.centaurium		قَنطوریون الکبیر	
قَنطوریون طُو لبطون <b>entaureion to lepton</b>	Erythraea centaurium Pers.	E. centaurium	۹/۳	قَنطوریون الدقیق قَنطوریون طومقرون (طومقرون به معنای کوچک است.)	جَنتوریه (لاتینی) - قَصَه الحَیَه (مغرب) - مَکینَسَه (اندلس) - طَریطر(ماتیرقا) - أجیلیه (رومی) - عزیرا
خامالون لوئس <b>Kamaileon leukos</b>	Atractylis gummifera L.	A. gummifera			داد الابيض (مغرب) بشكرانیه و شجرالملک و محقره (اندلس)
خامالان مالس <b>Kh.melas</b>	Cardoptium corymbosum pers.	C.corymbosum		داد الاسود (مغرب)	بشكراین الاسود(اندلس) داد الوحید و وَغَد (آفریقا) زیرا با رویش آن گیاهان اطراف آن از بین می رود.
فروفوذیلان <b>Krokodeileon</b>	Carduus pycnocephalus L.	Echinops sphaerocephalus	۱۲/۳	رعی الحمیر(اندلس)	تَبَط و تَبَمَق (اندلس) فروفوذیلان (جالینوس)
دبسانوس <b>Dipsakos</b>	Dipsacus fullonum L.	Dipsacus sylvestris Mill.	۱۳/۳	شوک الدراجین مَشَط الراعی	به معنای عطشان است.
أَنثالوقی <b>Akantha leuke</b>	Picnomon acarna Coss.	Echinops lanuginosus Acacia albida Cnicus acarna	۱۴/۳	بادآورد	شوکه البیضاء (برگردان عربی آن)
أَنثا أرابیقی <b>Akantha Arabike</b>	Onopordon acanthium L.	Onopordon Arbicum L.	۱۵/۳	شکاعا	شوکه العربی (برگردان عربی آن)
سقولومس <b>Skolumos</b>	Scolymus hispanicus L.	S.hispanicus.	۱۶/۳	حَرَشَف البری	لَصَف (اندلس)
بطریون <b>Potirrion</b>	Astragalus poterium L.	Astragalus creticus Lam.	؟		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
آقثیون Akanthion		Onopordon iliricum L.	۱۸/۳	رأس الشَّيخ نوعی شکامی	وجه تسمیه به رأس الشیخ: روئیدن گل های سفید در وسط گل آذین آن می باشد.
آفثس Akanthos	Cynara scolymus L.			حرفشَف البستانی کَنَکَر	قناریه (مغرب)
Akantha Erpekantha		Acanthus spinosus Acanthus mollis	۱۹/۳		
Akantha Agria		Silybum syriacum	۲۰/۳		
آنونش Anonis	Anonis antiquorum L.	Ononis antiquorum Ononis arvensis L.		زریعه الایلیس	مرمر (مصر)
لوقانتا Leukakantha	Cnicus tuberosus L.	Cirsium tuberosum	۲۲/۳	؟	گیاهی خاردار
طراغاتنا Tragkantha	Astragalus tragacantha L.	Astragalus aristatus L.		شوگ القَتَاد	صمغ: کثیرا
آیرنجی Erunge	Eryngium campestre L.	Eryngium planum L.	۳ / ۲۴	شوکه السوداء شوکه اليهودیه شوکه الزرقا	جنت قابطه، بیراطه به معنای شوگ المَقْلُفَل - قرصنَه (سریانی)
آوی Aloe	Aloe vera L.	Aloe vulgaris Lam.	۲۵/۳	شجره الصبر	صابره - صابره
آویشنی Apsinthion	Artemisia absinthium L.	Ar. absinthium Artemisia pontica		افستین کشوث الرومی	نشائنه (لاتینی) افستین ساحلی = شیب العُجُوز
Apsinthion Thalassion		Artemisia maritima	۲۷/۳		
Apsinthion Triton Santonion		Artemisia palmata			
ساریفون Seriphon	Artemisia maritima L.			شیخ	۱- شیخ الارمنی ۲- شیخ البحری
آبروتون Abrotonon	Achillea fragrantissima Sch. Artemisia abrotonon L.	A. abrotonon	۲۹/۳	قبصوم	دارای دو نوع نرو ماده
أسوفون Hussopon	Hyossopus officinalis L.	Thymbra stricata Hor. تصویر مربوط است به Origanum Lirium	۳۰/۳	زوفای یابس	
ستخادس Stoikhas	Lavandula stoechas L.	L. stoechas	۳۱/۳	اسطوخودوس	ابن بیطار دو نقدی این گیاه را اسطوخودوس نمانسته و آن را معادل نام لاتینی برسه قنوشکه می داند و می گوید: رویشگاه این گیاه در اندلس و شهرهای مغرب بوده و گیاهی که در مناطق محل زندگی او می روید حلحال - سمیره -



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth zi)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أوریناؤس أیرقلاؤطیقی Origanos Herakleotike	Origanum sp.	Origanum vulgare var. megastachyum	۳۲/۳	صعتر	دارای انواع ابيض و اسود وملوکی و صعتر الشوفا که همان خوزی است فودنج جبلی
Origanos onitis		Origanum onitis L. Origanum sipyleum L.	۳۳/۳		
Agrioriganos		Origanum vulgare			
Tragoriganos		Thymus graveolens Bieb. Origanum majorana L.	۳۵/۳		
Origanos Erakleotike		Origanum vulgare L. var. megastachyum			
غلیجن Glekhon	Mentha pulegium L.	Mentha pulegium var. erecta	۳۶/۳	فودنج بری	بلايه (اندلس)(مصر)
دقطنن Diktamnon	Origanum dictamnus L.	O. dictamnus	۳۷/۳	مشکطرامشیع فودنج التیسی	دارای سه نوع است : ۱ - بلايه جزبوئنه (لاتینی) به عربی به معنای عُبیره الأیل ۲ - فُسودودقطنن به معنای مشکطرامشیع کاذب. نام دیگر آن: فُسودودقطنن به معنای مشکطرامشیع زوری ۳ - الاقربطی
Pseudodiktamnos		Marrubium pseudodictamnus	۳۸/۳		تصویر مشابه Salvia officinalis
Diktamnos Allo		Ballota pseudodictamnus Be.			
ألسفاؤس Elelisphakon	Salvia officinalis L.	S.officinalis Salvia cyanescens	۴۰/۳	لسان الأیل (برگردان عربی آن)	ناعمه (اندلس) شالیبه (لاتینی)
أیدياسمن Heduosmon	Mentha piperita Smith.			نعنع	
Eduosmon Emeros		Mentha sativa L.	۴۱/۳	مشکوک	
Eduosmon Agrios		Mentha aquatica L.	۴۲/۳		
قالامنتی Kalaminthe	Thymus calamintha Scop. Thymus barrelieri Spreng. Thymus nepeta Sm.	Mentha sylvestris	۴۳/۳	فودنج	دارای سه نوع است: نهری به نام صومران (مفسرب)، حبیق التمساح ، جبلی به نام نابطه (اندلس)
ثومش Thumos	Thymus capitatus L.	T.capitatus	۴۴/۳	صعتر جبلی	صعتر الحمیر(اندلس)

نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از این بیطار)	سایر نام ها (از این بیطار)
Thumbra ثمبرا	Satureia hortensis L.	Satureia thymbera Micromeria juliana Bent.	۴۵/۳	صعتر الفارسی	شطریه (اندلس)
أرفلس Erpullos	Thymus vulgaris L. Thymus serpyllum L.	Thymus sibthorpii Benth.	۴۶/۳	نعام	برگرفته از نام لاتینی أرفی که همان دبیب ونعام است
صمصوخن Sampsukhon	Orgianum majorana L.	O.majorana	۴۷/۳ نامشخ ص	مرزنجوش سمسق	أتجرک- مرددوش (اندلس)- ملول- عققر
مالیلوطس Melilotos	Melilotus officinalis Lam.	Trifolium officinalis Willd. Trifolium italicum Boiss. Trigonella graeca Boiss.		أکلیل الملک	دارای چهار نوع است : ۱- و ۲- قرنج (اندلس) ۳- معقزب ۴- مدرهم الورق دارشاه (فارسی) شجره الحب (آفریقا)
سینبرون Sisumbrion	Thymus glaber Mill.			نعام بری	المائنه (لاتینی)- سینبر
مارون Maron	Origanum marum L.	Trifolium sipyleum	۴۹/۳	مرماحوز	تصویر مربوط به Hypericum sp.
أقیس Akinos	Ocium pilosum	O.pilosum	۵۰/۳	قرنجمشک	حیق القرنفلی - أصابع القتیات - قلتمان
بخخارس Bakkharis	Baccharis sp.	Conyza squarrosa Gnaphalium sanguineum Sp.		قرنغله(اندلس)	
فیغانن Peganon	Peganum harmala L. Ruta montana L. Ruta graveolens L.				دو نام متفاوت برای این گیاه ذکر شده یکی سداب بری و بستانی و دیگری اسفند یا حرمل
Peganon To Kepaion		Ruta graveolens	۵۲/۳		
Peganon To oreinon		Ruta montana	۵۲/۳		
Peganon Agrion		Peganum harmala	۵۳/۳		
مولی Molu	Allium moly L.	Allium dioscorides Si.	۵۴/۳		نوعی بلبوس
فاناقس ایرقلیون Panakes Herakleion	Opopanax chironium Koch.	Opopanax hispidus Gr. Ferula opopanax Spreng.	۵۵/۳	جاوشیر	ریشه: پرورا - برگردان نام لاتینی آن به عربی)
فاناقس أسقلیبیون Panakes Asklepion	Echinophora tenuifolia L.	E.tenuifolia Ferula nodosa Benth.		زوافرا	نام اولین شخصی است که آن را شناسایی کرده است.
فاناقس خیرونیون Panakes Kheironion					نام اولین شخصی است که آن را شناسایی کرده است.

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
لیقسطیقون <b>Ligustikon</b>	Levisticum officinale Koch.	Liserpitium siler L.		کاشم	زرغد (انطالیا)
اسطافالینوس أغریوس <b>Staphulinos agrios</b>	Daucus carota L.	Daucus guttatus Sibth.	۵۹/۳	جزر البری دوقوا	جزر البستانی
<b>Staphulinos Kepaios</b>		Daucus carota L.	۵۹/۳		
ساسالیوس <b>Seseli</b>	Seseli tortuosum L.				دارای سه نوع است.
<b>Seseli Massaleotikon</b>		Echinophora tenuifolia L.	۶۰/۳		
<b>Seseli aithiopikon</b>		Bupleurum fruticosum L.	۶۱/۳		
<b>Seseli Peloponnesiakon</b>		Angelica sylvestris L. Myrrhis odorata Scop.	۳ ۶۲/		
طرزین <b>Tordilon</b>	Tordilium officinale L.	T. officinale		نوع چهارم اسالیوس به نام اقریطی است.	بقول الشعال (اندلس) (زیرا برای درست کردن آتش از آن استفاده می شود.
سینون <b>Sinon</b>	Sison amomum L.	S. amomum		؟	
آنسین <b>Anesson</b>	Pimpinella anisum L.	P. anisum - Anise	۶۵/۳	آنسین رازیانج رومی کمون الحلو	حبّه الحلوّه (اندلس)
قاروا <b>Karo</b>	Carum carvi L.	C. carvi		کرویا بستانیّه کمون الارمنی	تصویر ممکن است مربوط به: <b>Ammi majus</b> باشد
أنثیون <b>Anethon</b>	Anethum graveolens L.	A. graveolens		شبت	أنبث (لاتینی) - أسلیلی (بربری)
کومینون <b>Kuminon Emeron</b>	Cuminum cyminum L.	C. cyminum	۶۹/۳	کمون الابيض کمون الکرمانی	کمون الملوکی (دباسقوریدس)
قیمینون أغریون <b>Kuminon agrion</b>	Lagoecia cuminoides L.	L. cuminoides	۶۸/۳	کمون البری (برگردان نام لاتینی)	تصویر از <b>Centaurea sp.</b>
أمی <b>Ami</b>	Carum copticum Benth	Ammi visnaga	۷۰/۳	نانخواه	کمون الحبشی التیبیا (سریانی)
قوریون <b>Korion Koriannon</b>	Coriandrum sativum L.	C. sativum	۷۱/۳	کُزیره	دانه : نَقْدَه
<b>Ierakion Mega</b>		Arnopogon picroides	۷۲/۳		
<b>Ierakion Mikron</b>		Scorzonera elongata	۷۳/۳		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
سالینوس قیفاون <b>Selinon kepaion</b>	Apium graveolens L.	A. graveolens L.	۷۴/۳	کرفس البستانی	اوشالین - کرفس المبائی - کرفس الاجامی (مغرب)
<b>Selinon Agrion</b>		Ranunculus repens L.			
<b>Eleioselinon</b>		Apium graveolens Marsh Celery	۷۵/۳		
أوراسالینون <b>Oreoselinon</b>	Peucedanum oreoselinum	Petroselinum sativum تصویر ممکن است مربوط باشد به: Poterium sp.	۷۶/۳	کرفس الجبلی	اورا به یونانی به معنای کوه و سالین به معنای کرفس است
بطراسالینون <b>Petroselinon</b>	Carum petroselinum Benth & hook.	Athamanta macedonica Spreng.		کرفس الصخر	بطرا به یونانی به معنای صخره می باشد.
أفوسالینون <b>Hipposelinon</b>	Smyrnium perfoliatum L.	Smyrnium olusatrum Alexanders		کرفس العظیم	یخخص (بربری) أجبرنی
سمرنیون <b>Smurniun</b>	Smyrnium olusatrum L.	Smyrnium dioscoridis	۷۹/۳	کرفس بری	
ألافوبسکن <b>Elaphobosko n</b>	Echinops spharocephalus L.	Pastinaca graeca	۸۰/۳	رعی الأیل	راعیاذیلا (سریانی)
مارثون <b>Marathon</b>	Foeniculum vulgare Mill.	F.vulgare	۸۱/۳	رازیانج البستانی	برهلیا- شمار - شمار
أفومارثون <b>Hippomarathon</b>	Hippomarathrum libanotis Koch.	Prangos ferulacea L.	۸۲/۳		به معنای شمار العریض است.
مارثون أغریون				رازیانج بری	
دوکس <b>Daukos</b>	Athamanta L. Peucedanum cervaria L. Seseli ammoides L.	Atcretensis Daucus carota S.ammoides L.			دارای سه نوع است.
<b>Delphinion</b>		Delphinium peregrinum	۸۴/۳		
<b>Delphinion Eteron</b>		Delphinium consolida			
فرترون <b>Purithros</b>	Anacyclus pyrethrum DC.	Anthemis pyrethrum تصویر مربوط به Oenanthe:	۸۶/۳		
لیبانوتس <b>Libanotis</b>	Cachrys libnotis Ferula nodiflora L.	C. libnotis F.nodiflora Prenanthes purpurea		کندریات	سه نوع است
سفندولینون <b>Sphondulion</b>	Heracleum spondylium L.	H.spondylium	۹۰/۳	کَلخ الدلی	نافیغرا (بربری)
نرثکس <b>Narthekos</b>	Ferula communis L.	F.communis	۹۱/۳	کَلخ الكبير	نارثکس - شجر القنا
فوقاذن <b>Peukedanon</b>	Peucedanum officinale L.	P. officinale	۹۲/۳	آندراسیون	بربطوره (لاتینی) بربطور (مغرب)- جاهینک

نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
مالیشیون <b>Melanthion</b>	<i>Nigella sativa</i> L.	N.sativa	۹۳/۳	شونیز کَمُونِ الاسود	شمیت مورس (لاتینی) زربعه السوداء - حبه الاسود
سلفیون <b>Silphion</b>	<i>Ferula assafoetida</i> L.	<i>Ferula tingitana</i> L.		أَنْجَدَان	شجره الحلیت
صاعائین <b>Sagapenon</b>	<i>Ferula scowitziana</i> DC.	<i>Ferula persica</i> Willd.		سکینج	شاکه بانته ( نامی لاتینی به معنای خارج کننده باد.)
أُفْرِیون <b>Euphorbia</b>	<i>Euphorbia</i> L.	<i>Euphorbia</i> L.		فریون	تاکوت (بربری) لوبانه مغریبه (مصر)
خَلْبَانِی <b>Khalbane</b>	<i>Ferula galbaniflua</i> Boiss. & Bush.	<i>Ferula ferulago</i> L. <i>Selinum galbanum</i>		قنه	خَلْوَانِی (انطانی) بَارَزْدَ (فارسی)
أَمُونِیَاتِن <b>Ammoniakon</b>	<i>Dorema ammoniacum</i> Don.	<i>Ferula orientalis</i> L. <i>Ferula tingitana</i> L.	۹۸/۳	أَشَقْ - وَشَقْ أَشَجْ - وَشَجْ	عُتَه (لاتینی) لِزاق الذهب
صَرَ قَوْلَا <b>Sarkokolla</b>	<i>Astragalus sarcocolla</i> L.	<i>Penaea</i> sp.		عَنْزَرُوت أَنْزَرُوت	سرفعلین (رومی) كُحَلِ فَاَرَس
<b>Glaukion</b>		<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.			
<b>Ixos</b>		<i>Viscum album</i> L.or <i>Loranthus europaeus</i>			
أَفَارِینِی <b>Aparine</b>	<i>Galium aparine</i> L.	<i>G.aparine</i> or <i>Galium verrucosum</i> Sm.	۳ ۱۰۴/	مصفی الرُعاه (اندلس) - حشیشه الافعی	به معنای دوست دارنده صاحب خود بیض العنکبوت
أَلُوسِن <b>Alusson</b>	<i>Alyssum saxatile</i> L.	<i>Alyssum clypeatum</i>	۳ ۱۰۵/		به معنای مفید برای گزیدگی سگ
سَقْلِیَاس <b>Asklepias</b>	<i>Asclepias vincetoxicum</i> L.	<i>Cynanchum vincetoxicum</i> Pers.	۳ ۱۰۶/	? قَنَابَرِی	
أَطْرَقُولِس <b>Atraktulis</b>	<i>Carthamus lanatus</i> L.	<i>C.lanatus</i> <i>Atriplex hortensis</i> L.	۳ ۱۰۷/	عَصْفَرِ البرِی	مرزجون (لاتینی)
قَلِینُ فُودُیون <b>Klinopodion</b>	<i>Clinopodium vulgare</i> L.	<i>C.vulgare</i> L. <i>Melissa clinopodium</i>	۳ ۱۰۹/		به معنای پایه های تخت
فُولُ قَنَمِن <b>Poluknemon</b>	<i>Zizyphora capitata</i> L.	<i>Mentha arvensis</i> L.	۳ ۱۰۸/	أَمْرِیَه و شَجِیرَه وَمَشْكَرُون	شاید تصویر مربوط باشد به: <i>Stachys</i> sp.
لَاوَنطُوبَا طَالِن <b>Leontopetalon</b>	<i>Leontice leontopetalum</i> L.	<i>Leontice chrysonum</i> L.	۳ ۱۱۰/	عَرَطِنِثَا (اسم مشترک)	مهد (ساحل غزه) عَسَلِج (اهل مشرق)
طُوقْرِیوس <b>Teukrion</b>	<i>Teucrium flavum</i> L.	<i>T.flavum</i> or <i>Veronica teucrium</i>	۳ ۱۱۱/ تصویر همانند نوع نیست با	کَمَادْرِیوس التَمَعْمِی	یربه اشمیلینی به معنای گیاه طحال است

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
لوقاس الجلبیه <b>Leukas</b>	Lamium maculatum L.	L.maculatum		نوعی خُزّامی	به معنای خیری جبلی است زیرا برگردان لوقاس ، خیری است .
خامادریوس <b>Khamaidruos</b>	Teucrium chamaedrys L.	T.chamaedrys	۳ ۱۱۲/	کَمادریوس	به معنای بلوطی است زیرا خاما به معنای زمین و درس به معنای بلوط می باشد
لُخْنیس الاکلیبه <b>Lukhnis stephanomatik e</b>	Lychnis coronaria Desf.	L.coronaria	۳ ۱۱۴/		
لُخْنیس اُغریا <b>Lukhnis agria</b>	grostemma githago L.	A.githago	۳ ۱۱۵/	خُزّامی	
قَرینُوصواسینُن <b>Krinonsusino n</b>	Lilium candidum L.	L.candidum	۳ ۱۱۶/	گل سوسن سفید و رازقی	
بَلوطی <b>Ballote</b>	Ballota nigra L.	B.nigra Lamium striatum Sib.		نوعی فراسیون سیاه رنگ	مروبه بَنْتوشه (لاتینی)
مالیسوفُلُن <b>Melissophullon</b>	Mellissa officinalis L.	M.officinalis	۳ ۱۱۸/	ریحان الترنجی	بادرنجبویه- باذر تَبویه
پراسین <b>Prasion</b>	Marrubium vulgare L.	M.vulgare	۳ ۱۱۹/	فَراسیون الابيض مروبه الابيض سنار	شجره الکلاب (سگ) ها بسیار پای آن بول می کنند. شجره سَنَدیان الارض
سطاخیس <b>Stakhus</b>	Stachys germanica L.	Stachys palaestina L.	۳ ۱۲۰/ نامشده ص	قارَه (اندلس)زیرا نوشیدن آن فرد را از خفقان نجات می دهد .	أَنوشَه (لاتینی)
فلیطش <b>Phullitis</b>	Phyllitis scolopendrium L.	Scolopendrium vulgare	۳ ۱۲۱/	ذَنب الحداه	اکثرا در دهانه های چاه ها می روید.
فالنجین <b>Phalangion</b>	Phalangion ramosum Lam.	Anthericum graecum L.	۳ ۱۲۳/		به معنای مفید برای نیش رتیل می باشد.
طریفلن <b>Triphullon</b>	Psoralea bituminosa L.	P.bituminosa	۳ ۱۲۳/		طریفل (اندلس) - حشیشه الحمی (آفریقا) - حومانه
پلوین <b>Polion</b>	Teucrium polium L.	T.polium	۳ ۱۲۴/	جعده	دونوع سفید و سیاه دارد فولیون (رومی)
أشقرذین <b>Skordion</b>	Teucrium scordium L.	T.scordium	۳ ۱۲۵/	حافظ الأجساد حافظ الارواح	ثوم (زیرا بوی پیاز می دهد) ثوم بری - مطرقال - حشیشه التومیه (اندلس)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Bekhion	Tussilago vulgaris L.	Tussilago farfara L.		حشیشه السُّعال	دستوریه (اندلس)
أرطاماسیا Artemisia	Artemisia vulgaris L.	A.vulgaris		بَنَجاسف برنجاسف	دارای انواعی است .
Artemisia monoklonos		Artemisia campestris	۳ ۱۲۷/		
Artemisia monoklonos Etera		A.vulgaris	۳ ۱۲۷/		
Artemisia leptophullos		Artemisia arborescens			
أمبروسیا Ambrosia	Ambrosia maritima L.	Artemisia campestris	۳ ۱۲۹/	نوعی برنجاسف	
بطرس Botrus	Chenopodium botrys L. Ch. Ambrosioides L.	Chenopodium botrys		نوعی برنجاسف	
غارائین Geranion	Geranium rotundifolium L.	Geranium Tuberosum	۳ ۱۳۱/	تَمَار - جابره	نوعی رقعات
Geranion Eteron		Erodium malachoides Willd.	۳ ۱۳۱/		
غنافلیان Gnaphallon	Gnaphalium L.	Santolina maritima	۳ ۱۳۲/	فضیه	
طیفی Tuphe	Typha latifolia L.	Ty.latifolia Typha angustata L.	۳ ۱۳۳/	نوعی حلفاء	
قرقا Kirkaia	Circaea Tourn.	Cynanchum nigrum Pers.			بَنکِه (لاتینی)
أَلتتی Oinante	Spiraea filipendula L.	Pedicularis tuberosa Vill.	۳ ۱۳۵/		
فُونِزَا Konuz	Inula conyzoides DC.	Inula viscosa Ait.Hor. Inula saxatilis Lam. Inula britannica L.	۳ ۱۳۶/	شجره البراغیث	تَرهلا (بربری) - مَشکِبَه (لاتینی) - لَبَارْدَه - طَبَاق (اندلس)
ایمارو قالس Hemerokallis	Hemerocallis flava L.	Lilium chalcedonicum	۳ ۱۳۷/	سوسن اصغر	زنبق (دمشق)
لُوقایین Leukoion	Cheiranthus flava L.	Cheiranthus cheiri Matthiola incana	۳ ۱۳۸/	خیری مَنثور	سه نوع است
Leukoion Thalassion		Cheiranthus tricuspidatus L.	۳ ۱۳۸/		
فُرَااطَاوْغُونون Krataiogonon	Polygonum persicaria L.	P.persicaria Polygonum hydropiper	۳ ۱۳۹/	حنطه البریه ؟	
فیلون Phullon	Mercurialis annua L.	M.annua	۳ ۱۴۰/	تَافُورَا ؟	
أُرْخِس Orkhis	Orchis morio L.	Orchis rubra Jacq. Orchis papilionacea		خُصی الکلب	قاتل اخیه (ابرا ریشه آن دو تانی بوده یکی پر از سواد و دیگری چروکیده می باشد ولی پس از گذشت زمانی موقعیت آن ها عوض می شود

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أرخس آخر <b>Orkhis heteros</b>	<i>Orchis undulatifolia</i> L.	<i>Ophrys apifera</i> ?		نوعی خاصی الکلب	ساراقیاس (این اسم از نام خدائی از قبسط مشتق شده است و به معنای بسیار پسر منفعت می باشد)
ساطور یون <b>Saturion</b>	<i>Orchis anthropophora</i> L.	<i>Ophrys</i> sp.		خُصی الثَّعَلَب	دارای دو نوع است.
أرمنین <b>Horminon</b>	<i>Salvia horminum</i> L.	<i>Sa.horminum</i>	۳ ۱۴۵/ نامشده ص	حب القلقل	قوشون (جالینوس) قلقال - قُلَاقَلَى
أیدبصارون <b>Hedusaron</b>	<i>Hedysarum</i> L.	<i>Securigera coronilla</i> DC.			به معنای فأسی یعنی بزر آن دارای دو سر تیز چون فأس می باشد. فلاقیس (به معنای زیان)
أنوما <b>Onosma</b>	<i>Onosma echinoides</i> L.	<i>Onosma</i> sp.	۳ ۱۴۷/	خَس الحمار	رَجَل الحَمَامَه (اندلس) انوسما (جالینوس)
نیمفا <b>Numphaia</b>	<i>Nymphaea alba</i> L.	<i>N.alba</i>	۳ ۱۴۸/	عروس الماء قاتل النحل	لینوفر - نوفر
<b>Numphaia Alle</b>		<i>Nuphar luteum</i> Sibth			
أندر صاقاس <b>Androsakes</b>	<i>Androsace lactea</i> L.			ملاح (به خاطر شباهت آن به رنگ نمک نه طعم آن به این نام مشهور است).	از انواع حمض - کشملخ - كُشْمَلَخَه
أسفلیئس <b>Asplenos</b>	<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw.	<i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre.		السقُولوفْتَدْرِيون عَقْرَبان	حشيشه الدَرْدِيه و حشيشه الذهبية (اندلس)
ایمونیئس <b>Hemiontis</b>	<i>Hemionitis</i> L.	<i>Scolopendrium hemionitis</i> L.		ایمونیئس ؟	
أنتلیس <b>Anthullis</b>	<i>Cressa cretica</i> L. <i>Ebenus cretica</i> L.	<i>C.cretica</i> <i>Ajuga iva</i>	؟		
أنثمس <b>Anthemis</b>	<i>Anthemis nobilis</i> L.	<i>Anthemis chia</i> L.		بابونج - بابونج بابونک - بابونه	خَمَامِلان (یونانی) (به معنای تَفْاح الارض است) مستأله (لاتینی) (به معنای سیب می باشد زیرا بونی شبیه به بوی سیب دارد.)



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
<b>Anthemis Porphuranthes</b>		Anthemis rosea Sibth.			
<b>Anthemis Melananthes</b>		Anthemis tinctoria L.			
فَرثانیون <b>Parthenion</b>	chrysanthemum parthenium Pers.	Pyrethrum parthenium	۳ ۱۵۵/	أَثْحوان	
بَقْتَلْمَن <b>Buphthalmion</b>	Anthemis arvensis L.	Anthemis valentina L.	۳ ۱۵۶/	بهار - عین البقر (برگردان نام لاتینی)	نوعی بابونج - أملاک (بربری) - بیلپو (لاتینی)
غلیقسیدی <b>Glukuside Paionia Arren</b>	Paeonia corallina L.	P. corallina		فاوینا عود الصلیب	کهنایا - ورد الحمیر (اندلس) (اسم مشترک) دارای دو نوع نر و ماده است.
<b>Paionia Theleia</b>		Paeonia officinalis			
لیتسفرمن <b>Lithospermon</b>	Lithospermum officinale L.	L.officinale تصویر مربوطه: Lathyrus aphaca Tourn. & L.	۳ ۱۵۸/	قَلْب (زیرا بسیار سخت و سفید است)	به معنای بزر الحجری است. شَخْفَرَاغْتَه (لاتینی) برگردان عربی آن: کاسر الحجر یا مشظیه
فالریس <b>Phaleris</b>	Phalaris tuberosa L.	Phalaris canariensis Nutt.	۳ ۱۵۹/	؟	فالیورس (جالینوس)
أَرُثْرَدَانُون <b>Eruthrodanon</b>	Rubia tinctorium L.	R.tinctorium	۳ ۱۶۰/	فَوْه الصَّبِغ	ثارویبا (بربری)
لَنْخِيطِس <b>Lonkhitis</b>	Serapias lingua L.	S.lingua.			
لَنْخِيطِس آخِر <b>Lonkhitis hetera</b>	Aspidium lonchitis L.	A.lonchitis	۳ ۱۶۲/	رَقْعَه الصَّخْرِيه (اندلس)	
أَلثَا <b>Althaea</b>	Althaea officinalis L.	A.officinalis	۳ ۱۶۳/	خَطْمِي مَلُوخِيَا الشَّجَر	ورد الزوانی
أَلثَا آخِر <b>Alkea</b>	Althaea rosea Cau.	Malva alcea L.		خَطْمِي البري	شحم المروج
قَنَابِش <b>Kannabis</b>	Cannabis sativa L.var. indica	Cannabis sativa	۳ ۱۶۵/	قُنْب - شَهْدَانِج	شادانق
قَنَابِش أَغْرِيُون <b>Kannabis agria</b>	Althaea cannabina L.	A.cannabina	۳ ۱۶۶/	قُنْب البري شاهدانج البري	قَنِيَه (مصفر قُنْب)
أَنَاغْرُون <b>Anaguros</b>	Anagyris foetida L.	A.foetida	۳ ۱۶۷/	أُم كَلْب	میوه: خرنوب الکلب (اسم مشترک) حب الکلی
قَبَا <b>Kepaia</b>	Sedum cepaea L.	S.cepaea		جوز القَطَا (اندلس)	شجر حب الاسیر (ابن حسان)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Alisma	Alisma plantaga L.	A.plantaga	۳ ۱۶۹/	مزمار الراعی	دماسونیون (جالینوس) سنبل الملوک-أذن الأرتب
Onobrukkhis	Onobrychis viciaefolia Scop.	Vicia onobrachioides Sanfoin	۳ ۱۷۰/ مشکوی	عنب الحبه (برگردان آن به عربی)	
Huperikon	Hypericum barbatum L.	H. barbatum Hypericum crispium L.	۳ ۱۷۱/	هیوفاریقون ذاذی الرومی دارای چهار نوع	یزبه فرجتره ) اندلس(به معنای عشبه القلب است یعنی دارای دانه ای قلبی شکل است . - منسبه
Askuron	Hypericum perforatum L.	H.perforatum L.		نوع دوم هوفاریقون	
Androsaimon	Hypericum ciliatum L.	H.ciliatum		نوع سوم هوفاریقون	بزرگترین نوع آن
Koris	Hypericum coris L.	H.coris		نوع چهارم هوفاریقون	آندروساقاس (جالینوس)
Khamaipitus	Ajuga chamaepitys L.	A.chamaepitys		صنوبر الارض (برگردان آن به عربی)	دارای سه نوع است . صنوبری - اکلیلی - فرفری - کمافیطوس
Khamaipitus Etera		Aiuga chamaepitys			
Khamaipitus Trite		Passeina hirsuta L.			
Kestron	Stachys betonica Benth.	Betonica alopecuos Ros.	۱/ ۴ نامشده ص		
Brettanike	Rumex brettanica L.	Lythrum salicaria L.		خماض حسکی	گفته شده بستان افروز است.
Lusimakheios	Lysimachia vulgaris L.	L.vulgaris	۳/ ۴	عود الريح (اسم مشترک)(اندلس)	قصب الذهبی (اندلس) خوخ الماء - خویخته قصب الريح (اسم مشترک) (اندلس)
Polugonon arren	Polygonum aviculare L.	P.aviculare	۴/ ۴	عصا الراعی	به معنای ذکر(نر) است. شبطباط -خطری دعیا بطباط (سریانی)
Polugonon thelu	Equisetum pallidum L.	Hippuris vulgaris		نوع دوم عصا الراعی	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فلوغوناطن <b>Polugonaton</b>	Polygonatum officinale L.	Convallaria polygonatum	۶/ ۴	؟	غُودِیَالَه (لاتینی)
فَلِیْمَاطِیس <b>Klematis</b>	Vinca minor L.	V.minor	۷/ ۴	نوع بزرگ عصا الرأعی	قَضَاب (مصر)
فُولامونیون <b>Polemonion</b>	Polemonium caruleum L.	Polemonium coeruleum	۸/ ۴	؟	
سَمْفُوْطُنْ بَطْرَاوُنْ <b>Sumphuton Petraion</b>	Symphytum petraeum	Symphytum sp.		شاغَه الصخریه (اندلس)	
سَمْفُوْطُنْ آخِر	Symphytum bulbosum Sch.	Symphytum sp.		شاغَه البستانی	شَبِیْطَه (لاتینی)
أولسٹیون <b>Holosteon</b>	Holosteum umbellatum L.	Holosteum sp.		جامع البضع (برگردان آن به عربی)	
سَطْوِی سَطْوِی <b>Stoibe</b>	Poterium spinosum L.	P.spinosum	۱۲/ ۴	؟ شجره اللاذن	
فَارِقْلُوْمَانِن <b>Periklumeno n</b>	Leonicea periclymenon L.	Convolvulus arvensis L.	۱۴/ ۴	صَرِیْمَه الجدی	نوع دوم قُفْلَامِیْنُوس .
قُلُوْمَانِن <b>Klumenon</b>	Leonicea periclymenon L.	Convolvulus sepium L.	۱۳/ ۴	أَطْفَار القَط	أَوْنِیَاغَاتَه (لاتینی)
طرویش <b>Tribolos</b>	Tribulus terrestris L.	T.terrestris	۱۵/ ۴	حسک - شکوهج	أَبْرُوْدُیَا (رومی) غاله جاقه (لاتینی) حَمَصُ الامیر(مغرب)
لیمونین <b>Leimonion</b>	Statice limonium L.	S.limonium	۱۶/ ۴	سَبْخِی (برگردان آن به عربی)	نوع ششم حماض طویل الورق و عسالیج ، سَلَقِ الماء
لَاغُوْبِن <b>Lagopun</b>	Trifolium arvense L.	T.arvense	۱۷/ ۴	أَرْنِی (برگردان نام لاتینی)	
میدون <b>Medion</b>	Campanula lacinata L.	Astragalus sesameus L.	۱۸/ ۴	دَبَبِ أیل	
أَفِیْمَدِیُون <b>Epimedium</b>	Epimedium alpinum L.	E.alpinum	۱۹/ ۴	؟	
کسیفون <b>Xiphion</b>	Gladiolus communis L.	G.communis	۲۰/ ۴	سوسن بری سیف الثُّرَاب	سیف القراب - دورحولی - فَنَسْفَاتِیُون
سَفْرَاغَانِیُون <b>Sparganion</b>	Sparganium ramosum Huds.	S.ramosum	۲۱/ ۴	نوعی سوسن بری	سَقَارَطَاغَانِیُون (جالینوس)
اَکْسُوْرَس <b>Xuris</b>	Iris foetidissima L.	I.foetidissima	۲۲/ ۴	نوعی سوسن	
اَنْحُصَا <b>Ankhusa</b>	Alkanna tinctoria Tausch. chium diffusum L. Lithospermum fruticosum L.	Anchusa tinctoria L. Echium creticum L. L.fruticosum	۲۳/ ۴ ۲۴/ ۴ ۲۵/ ۴	خَسْنُ الحمار شَنْجَار - حمیرا رِجْلِ الحمامه	اَنْحُوسَا - اَبُوْحَلْسَا خَنَاءُ الغولَه (مصر) دارای سه نوع است .

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
لوقبوسوس <b>Lukapsos</b>	Echium italicum L.	E.italicum	۳۶/ ۴	از جنس شنجار	
آخيون <b>Ekhion</b>	Echium rurum L.	Echium vulgare	۲۷/ ۴	ذکر الاعمی	(به خاطر اینکه دارای میوه ای در رأس است که به شکل سر افمی می باشد.)
اقیمویداس <b>Okimoeides</b>	Silene gallica L.	Cerastium aquaticum ?	۲۸/ ۴	کسیعه (برای نیش عقرب مفید است.)	
آغرسطس <b>Agrostis</b>	Agropyrum repens Beauv.	Cynodon dactylon	۳۰/ ۴	نجم - ثیل عکرش	آفار (بربری) - نجیل و نجیر (لاتینی)
<b>Agrostis en Parnasso</b>		Parnassia palustris L.			
تالامغرسطس <b>Kalamagrostis</b>	Dactylis repens L.	Cynosurus aegyptiaca L.	۳۱/ ۴	ثیل القصبی برگردان نام یونانی	
سندریطس <b>Sinderitis</b>	Stachys recta L.	Sideritis remota Urv.	۳۳/ ۴		غاله قرشته (لاتینی)
سندریطس آخر <b>Alle sinderitis</b>	Potenium sanguisorba L.	Sanguisorba Officinalis		توت الثعلب	توبته
سندریطس آخر <b>Hetera sinderitis</b>	Scrophularia chrysanthemifolia L.	Scrophularia lucida L.		کزبره الثعلب	
آخلیوس <b>Akhilleeios</b>	Achillea tomentosa L.	Achillea sp.	۳۶/ ۴		به معنی مفید برای اخیلوس (غرب) است.
<b>Batos</b>		Rubus fruticosus L. Rubus ulmifolius Sco.			
<b>Batos Idaia</b>		Rubus idaeus L.			
<b>Elxine kussampelos</b>		Convolvulus arvensis Digitalis aegyptiaca	۳۹/ ۴		
الاطینی <b>Elatine</b>	Linaria elatine Mill.	Linaria spuria Mill.	۴۰/ ۴	لباب الممجوسی لباب الاحرش	سراویل الكکة - شحیمه
أوباطوریوس <b>Eupatorios</b>	Agrimonia eupatoria L.	Eupatorium cannabinum	۴۱/ ۴	غافق الشاهدانجی	
بَطَافِلُن <b>Pentaphullon</b>	Potentilla reptans L.	P.reptans	۴۲/ ۴	ذوخسمه أوراق کف مریم (اندلس)(نام مشترک)	بَطَاطُومُن (به معنای تقسیم شده به پنج قسم است.) - بَطَاطِیُوس (به معنای دارای پنج بال است.) بَطَاطُفُولُن (به معنای پنج انگشت است.)

نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فونفس Phoineix	Avena fatua L. Lolium perenne L.	Hordeum murinum L.	۴۳/ ۴	بهمی	از احرار البقول — بهمه (یک گیاه بهمی )
آذاریذا Idaia rhiza	Uvularia amplexifolia L.			آنچبار	الثابت فی ایذا (برگردان نام یونانی) ایذا شهری در روم) ... در کناره های نهر ها می روید.
روذباریدا Rhodia rhiza	Sedum roseum Scop.	S.roseum	۴۵/ ۴	؟	به معنای دارای بوی گل سرخ
أفورس Hippuris	Equisetum arvense L.	Equisetum sylvaticum Equisetum fluviatile	۴۶/ ۴	ذنب الخیل	(برگردان نام یونانی)
Hippuris Etera		Equisetum arvense L. Equisetum limosum	۴۷/ ۴		
قیفس بافیکی Kokkos baphike	Quercus coccifera L.	Q.coccifera		شجره القرمز	قرمز(جالینوس) در شهرهای اندلس می روید.
طراغین Tragion	Hypericum hircinum L.	H.hircinum		تیسسی (برگردان نام یونانی)	نوعی درخت مصطکی
طراغین آخر Tragion	Ephedra distachya L.		۵۱/ ۴	؟	
طراغین آخر Tragion allo	Tragium colomnae Spreng.	Tragium columnae	۵۰/ ۴		گیاه آن در جزیره اقریطش است.
سختونس لیا Skhoinu heleias	Juncus arabicus Post.	Juncus acutus		سمار - دیس اسل	انواع سمار را شامل می شود.
لیخن ho epi ton petron	Usnea barbata var. florida			حزاز الصخر	أزجیله (اندلس)
فارنوخیا Paronukhia	Paronychia serpyllifolia D.C.	Illecebrum Paronychia	۵۴/ ۴		برگردان عربی آن: النافع من الداحس
خروسوقومی Khrusokome	Chrysocoma L.	Chrysocoma linosyris	۵۵/ ۴		برگردان عربی آن: راس الذهب- نوعی از بابونه جبلی
Chrusogonon		Leontice leontopetalum L.	۵۶/ ۴		
ألخیرسون Helikhruson	Helichrysum sp. ?	Helichrysum siculum (Spr.) Boiss.	۵۷/ ۴		برگردان عربی آن: مذهب — امارنطن (جالینوس) شاید نوعی فیصوم باشد
Chrusanthemo n		Chrysanthemum cornarium	۵۸/ ۴		
أغیراطن Ageraton	Achillea ageratum L.	Achillea viscosa Lam.	۵۹/ ۴	نوعی اقحوان	به معنای الذی لا بتشنج زهره

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فارِسْطاریون Peristerion	Verbena officinalis L.		۶۰/ ۴	رعی الحمام	به معنای حمامی است قَلْبَارِش (نامی لاتینی به معنای حمامی)
Peristereon Uptios or Ierobotane		Verbena supina L. Vervain	۶۱/ ۴		
Peristereon Orthos		Verbena sp.	۶۰/ ۴		
آیارابوطانی Hiera botane	Verbena sapina L.		۶۱/ ۴	مکرمه - مقدسه	یربانه (لاتینی) نوعی رعی الحمام
أسطراغالوس Astragalos	Astragalus Tourn.	Astragalus baeticus L.	۶۲/ ۴	کعب الخنزیر (برگردان عربی آن).	مَحَلَّب العقاب الابيض (اندلس) - برطیره (لاتینی)
أواقشس Huakinthos	Hyacinthus orientalis	Scilla bifolia L.	۶۳/ ۴	حافر البغل قسطل الارض	بلیوسی (برگردان عربی آن).
میثَن رُواس Mekon rhois	Papaver rhoeas L.	P.rhoeas	۶۴/ ۴	خشخاش سائل (برگردان عربی آن)	وجه تسمیه : به سرعت گل آن می ریزد در کشتزارها می روید.
میثَن Mekon	Papaver somniferum L.	P. somniferum.	۶۵/ ۴	خشخاش سفید	خشخاش سیاه و افیون نیز با این نام می آید
قاراطیطس Mekon keratitis	Glaucium corniculatum Curt .	Glaucium luteum Scop.	۶۶/ ۴	خشخاش المقرن (زیرا غلاف بزرگی چون لوبیا دارد).	خشخاش الساحلی (زیرا غالباً در سواحل می روید). خشخاش البری
میثَن اُفروُدِس Megon aphrodes	Silene inflata Sm.	S.inflata	۶۷/ ۴	خشخاش الزیدی (برگردان عربی آن).	وجه تسمیه : بسیار سفید چون زید
أفیقون Hupekoon	Hypericum procumbens L.	H.procumbens L.	۶۸/ ۴	نوعی جلبان بی	مخدر ومنوم است . الوبيقواون (جالینوس)
أیسقوامس Huoskuamos	Hyoscyamus sp.			بَنج - سیکران (اندلس)	مَلْمَمْدَر - بیضمون
Huoskuamos Melas		Hyoscyamus niger L.			
Huoskuamos Leukos		Hyoscyamus albus L.			
Huoskuamos Meloides		Hyoscyamus aureus L.			
نُسلیون Psullion	Plantago psyllium L.	P.psyllium.	۷۰/ ۴	بزرَقَطُونَا أسقیوس	برغوث (برگردان عربی آن)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
سطروخُن البستانی Strukhnon kepaion	Solanum nigrum L.	S.nigrum	۷۱/ ۴	عنب الثعلب فَنَا ثَلْثَان - ثَلْثَان	زَرَوَانُ رَنْج (فارسی) - روزَبَارِج - اسطرخلو (رومی) - أوبه قنینه (لاتینی)
سطروخُن البستانی Strukhnon kepaion	Physalis alkekengi L.	P.alkekengi	۷۲/ ۴	کاکنج عَب (مصر)	حَب النَّهْرِ (لاتینی) - البِقَاقِلِین (رومی) - عنب الثعلب
سطروخُن المنوم Strukhnon hupnotikon	Physalis somnifera L.	P.somnifera	۷۳/ ۴	نوعی کاکنج	
سطروخُن المَجْنَن Strukhnon manikon	Solanum sodomum L.	Datura stramonium		جناح الرعاه	از انواع کاکنج
دُرُوقِنِیُون Doruknion	Dorycnium L.		۷۵/ ۴		
مَنْدِرَاغُورَس Mandragoras	Mandragora officinarum L.	Atropa Mandragora L. Mandrake		بیروح - سابیژک شابیژج - تُفَاح الجن	میوه : لَفَاح - أرجلیطه (لاتینی) - تاریال (بربری) عروسه
أَقُونِیْتَن Akoniton	Aconitum nepellus L.	Doronicum pardalianches	۷۷/ ۴	قاتل الثَّمر	نبال (اندلس)
Akoniton Eteron		Aconitum lyconitum Aconitum napellus	۷۸/ ۴		
قُونِیُون Koneion	Conium masculatum L.	C. masculatum	۷۹/ ۴	شوکران	جقوطة (لاتینی) حرمَل البَلدی (آفریقا)
سَمِیْلَس Smilax	Taxus baccata L.	Quercus ilex L.		عَب الكلاب (برگردان عربی آن)	
أَفُوقُون Apokunon	Apocynum erectum Vell.	Cynanche erectum L.	۸۱/ ۴	قاتل الثَّیب	عَب الكلاب (برگردان عربی آن)
نِریُون Nerion	Nerium oleander L.	N.oleander	۸۲/ ۴	ذِفلی - خَزَهْرَج حَبِن	سَم الحِمَار (برگرفته از لغت فارسی)
Muketes		Fungi sp.			
قَلْحِیْتَن Kolkhikon	Colchicum automnale L.	C.automnale		سورَنجان فَرَج الارض قَلْب الارض	نام گل: اصابع هرمس و شَنبِلِید - قَشْتَنبُوله (نام لاتینی به معنای قسطله کوچک - عَکَنه (مصر)
قَوطُولِیدِیُون Kotuledon	Cotyledon lusitanicus Lam.			أَذَان القَسِیس - زَلانف الملوک کَأَس - مصافق	دو نوع است ، به نوع دیگر آن در مصر اَنَه روئیده درشکافها و سقفها و کوه ها

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أفیمارون <b>Ephemeron</b>	Convallaria rusticellata L.	Colchicum parnassicum Sart.	۸۵/ ۴	نوعی از سوسن بری	أشبطانه (لاتینی)
ألقسینی <b>Helxine</b>	Parietaria cretica L.	Parietaria sp.	۸۶/ ۴	حشیشة الزجاج (زیرا آینه را جلا می دهد.)	
ألسینی <b>Alsine</b>	Parietaria cretica L.	P.cretica		آذان الفار	روئیده در باغ ها
فاقوس <b>Phakos</b>	Lemna minor L.	Lemna sp.	۸۸/ ۴	عدس الماء	
أیزون الكبير <b>Aeizoon mega</b>	Sempervivum arboreum L.	S.arboreum	۸۹/ ۴	حی العالم الكبير	به معنای همیشه زنده
أیزون الصغير <b>Aeizoon to mikron</b>	Sedum acre L.	Sedum ochroleucum Vill.	۹۰/ ۴	حی العالم الصغير عنب السقف	أبیله دلباطه (لاتینی) بزازیل القطه (آفریقا)۰
أیزون الصغير <b>Aeizoon to leptophullon</b>	Sedum telephium L.	Sedum stellatum L.	۹۱/ ۴	نوع سوم حی العالم	
<b>Kotuledon</b>		Cotyledon umbelicus	۹۲/ ۴		
<b>Kotuledon Eteron</b>		Cotyledon serrata	۹۳/ ۴		
أقالینی <b>Akalephe</b>	Urtica pillulifera L.	U.pillulifera Urtica urens	۹۴/ ۴	قُرِیص - أُنجره	خزوق (مغرب) - بنات النار دارای دو نوع است.
غالبیس <b>Galeopsis</b>	Lamium purpureum L.	Scrophularia peregrina L.	۹۵/ ۴	شجره الکلب	متننه (مصر) - جملج (لاتینی)
غالیون <b>Galion</b>	Galium verum L.	G.verum	۹۶/ ۴		لختیروآله (لاتینی) موجب بسته شدن شیر می شود.
<b>Erigeron</b>		Sencio vulgaris L.	۹۷/ ۴		
ثالیطرن <b>Thalietron</b>	Thalictrum flavum L.	Thalictrum minus L.		كُزْبُرَه حیشه	
برون (فالاسیون) <b>Bruon thalassion</b>	Corallina officinalis L.	Uva lactuca	۹۹/ ۴	طحلب البحری	دارای انواع مختلف است
فوقس البحری <b>Phukos thalassion</b>	Gnaphalium leontopodium L.	Fucoidearum sp. Variae. Posidonia or laminaria		نوعی طحلب	
بو طوماغیطن <b>Potamogeton</b>	Potamogeton natans L.	P.natans		جار الانهار	
سطر اطيوطس <b>Stratiotes</b>	Pistia stratiotes L.	Stratites aloides	۴ ۱۰۲/ ۴ ۱۰۳/	فارس الماء (برگردان عربی آن)	



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فلومس Phlomos	Verbascum sp.	Verbascum sp. Verbascum sinuatum Desc.	۴ ۱۰۴/	بوصیر	
Phlomos Leuke Theleia		Verbascum thapsus L.			
Phlomos Leuke Arren		Verbascum plicatum Sibth.			
Phlomos Leuke Melaina		Verbascum nigrum L.			
Aithiopis		Salvia aethiopis			
أرقطيون Arktion	Arctium tomentosum Shkuhr.	Conyza candida	۴ ۱۰۶/		گفته شده نزد عرب به حریان (بدون نقطه در محل با ) مشهور است
أرقطيون آخر Arktion	Arctium lappa L.				دارای دو نوع بری و بستانی است.
Kutisos		Laburnum vulgare	۴ ۱۱۳/		
لوطوس أغریوس Lotos agrios	Lotus sp. ?			حَبَاقَا	لوتوسی که در مصر است به نام بَشْتِین می باشد.
لوطوس الذی یکون بمصر Lotos ho en Aigupto	Nymphaea lotus L. Nymphaea coerulea L.	Nymphaea stellata Wild.	۴ ۱۱۴/	بَشْتِین (مصر)	دو نوع است .
Murris		Myrrhis odorata Scop.			
Muagros		Camelina sativa Cran.			
Onagrra		Oenothera biennis L.			
Kirsion		Cirsium tenuiflorum			
Aster astikos		Aster amellus	۴ ۱۲۰/		
Isopuron		Corydalis claviculata (L.) DC.	۴ ۱۲۱/		
Ion		Viola odorata	۴ ۱۲۲/		
Kakalia		Inula candida Cass.			
Bounion		Pimpinella dissecta Pollini	۴ ۱۲۴/		
Pseudobounion		Pimpinella dioica L.	۴ ۱۲۵/		
Bouglosson		Anchusa paniculata Aiton.	۴ ۱۲۸/		
Kunoglosson		Cynoglossum officinale L.	۴ ۱۲۹/		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
<b>Phuteuma</b>		Silene sp.	۴ ۱۳۰/		
<b>Leontopodion</b>		Micropus erectus L.			
<b>Ippoglosson</b>		Ruscus hypoglossum			
<b>Adianton</b>		Adiantum capillusveneris Asplenium trichomanes L.	۳ ۱۳۶/		
<b>Trichomanes</b>		Asplenium trichmanes L.			
<b>Xanthion</b>		Xanthium strumarium	۴ ۱۳۸/		
<b>Aigilops</b>		Aegilops ovata L.	۴ ۱۳۹/		
<b>Bromos</b>		Avena fatua Avena sativa	۴ ۱۴۰/		
<b>Glaux</b>		Astragalus glaux L.			
<b>Polugalus</b>		Astragalus sp.	۴ ۱۴۲/		
<b>Osuros</b>		Osyris alba			
<b>Smilax tracheia</b>		Smilax aspera	۴ ۱۴۴/		
<b>Smilax leia</b>		Convolvulus sepium L.	۴ ۱۴۵/		
<b>Mursine agria</b>		Ruscus aculeatus			
<b>Daphne alexandrina</b>		Ruscus hypophyllum	۴ ۱۴۷/		
<b>Daphnoides</b>		Daphne mezeron			
<b>Elleboros</b>		Veratrum album	۴ ۱۵۰/		
<b>Elleboros Melas</b>		Helleborus officinalis Salis.	۴ ۱۵۱/		
<b>Sesamoeides</b>		Helleborus cyclophyllus Boiss.			
<b>Sesamoeides Mikron</b>		Reseda canescens L.	۴ ۱۵۳/		
<b>Sikus agrios</b>		Momordica elaterium	۴ ۱۵۴/		
<b>Elaterion</b>		Momordica elaterium			
<b>Staphisagria</b>		Delphinium staphisagia			
<b>Thapsia</b>		Thapsia garganica	۴ ۱۵۶/		
<b>Spartion</b>		Spartium junceum	۴ ۱۵۸/		
<b>Silubon</b>		Silybum marianum Gaer.	۴ ۱۵۹/		

سایر نام ها (از ابن بیطار)	نام عربی (از ابن بیطار)	شماره تصویر	نام علمی (Roberthz)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)
			Narcissus poeticus		Narkisson
		۴ ۱۶۲/	Hippophae rhamnoides L.		Ippophaes
		۴ ۱۶۴/	Ricinus communis		Kroton ekiki
		۴ ۱۶۵/	Euphorbia characias L.		Tithumalos Charachias
		۴ ۱۶۵/	Euphorbia aleppica L.		Tithumalos Kuparissios
		۴ ۱۶۵/	Euphorbia myrsinites L.		Tithumalos Mursinites
		۴ ۱۶۵/	Euphorbia helioscopia L.		Tithumalos Elioskopios
		۴ ۱۶۵/	Euphorbia paralias L.		Tithumalos Paralios
		۱۶/۴ ۵	Euphorbia dendroidea L.		Tithumalos Dendrites
		۴ ۱۶۵/	Euphorbia pilosa L.		Tithumalos Platuphullos
		۴ ۱۶۶/	Pinus halepensis		Pituouosa
		۴ ۱۶۷/	Euphorbia lathyris L.		Lathuros
			Euphorbia falcata L.		Peplos
		۴ ۱۶۹/	Euphorbia pepelis L.		Peplion
		۴ ۱۷۰/	Euphorbia chamaesyce L.		Chamaisuke
		۴ ۱۷۱/	Convolvulus farinosus Convolvulus scammonia		Skammonia
					Chamelaia
		۴ ۱۷۵/	Sambucus ebulus L.		Chamaiaakte
			Euphorbia apios L.		Apios
		۴ ۱۷۸	Cucumis colocynthis L.		Kolokunthis
		۴ ۱۷۹/	Cuscuta epithimum Mur.		Epithumon
			Sedum anopetalum DC.		Empetron
			Clematis cirhosa		Clematitis
		۴ ۱۸۴/			Ampelos Leuke
		۴ ۱۸۵/	Tamus communis L.		Ampelos Melaina
به معنای هزار برگ		۴ ۱۱۵/	Achillea millefolium L.	Myriophyllum spicatum L.	مریافلن Muriphullon

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
خامالوقی <b>Khamaipeuke</b>	Stachelina chamepeuce L. Serratula chamepeuce L.			عینون	تاسلفا (بربری)- شرباتش (لاتینی)
آنطریئن <b>Antirrinon</b>	Antirrhinum majus L.	Antirrhinum orontium	۴ ۱۳۳/	آف العجل	شحم الطعام
طریفولیون <b>Tripolion</b>	Asterattikos tripolium L.	A.tripolium	۴ ۱۳۵/	تَرید	
قمیص <b>Kemos</b>	Leontopodium de Dioscorides			آف العجل	
خاماذافی <b>Khamaidaphne</b>	Ruscus racemosus L.	Ruscus hypophyllum	۴ ۱۴۹/	رند اراضی برگردان عربی	
أبو سطن <b>Hippophaiston</b>	Circium stellatum L. Euphorbia spinosa L.	C.stellatum	۴ ۱۶۳/	نوعی غاسول	
ثومالا <b>Thumalaia</b>	Daphne cnidium L.	D.cnidium	۴ ۱۷۳/	مثنان	أصطن - آزاز - أرزام
أقطی <b>Akte</b>	Sambucus nigra L.	S. nigra	۴ ۱۷۴/	عود الکلب	شجرالخاویر
أنبالس مالیا <b>Ampelos melaina</b>	Tamus communis L.			کرم الاسود	فاشرفشتین و بوطنیه (اندلس) یمون (مغرب)
بطارس <b>Pteris</b>	Dryopteris filix mas L.	Aspidium aculeatum Nephrodium	۴ ۱۸۶/	کیلدارو (فارسی)	قلجه (لاتینی)
<b>Thelupteris</b>		Pteris aquilina	۴ ۱۸۷/		
بولوبودیون <b>Polupodion</b>	Polypodium vulgare L.	P.vulgare Ceterach	۴ ۱۸۸/	تصویر از:	به معنای دارای پای زیاد است.
دروبطارس <b>Druopteris</b>	Aspelenium adiantum nigrum L.	A. adiantum nigrum	۴ ۱۸۹/	سرخس البلوط	به معنای بلوطی است (روئیده بر بلوط)
<b>Knikos</b>		Cincus sp. or carthamus tinctorius	۴ ۱۹۰/		
لینوزسطیس <b>Linozostis</b>	Mercurialis annua L.	M.annua	۴ ۱۹۱/	عصا هرمس	یره نقیسه (لاتینی)- حریق الاملس
<b>Kunokrambe</b>		Thelygonum cynocrambe L.	۴ ۱۹۲/		
أیلوطرویون طومقرون <b>Heliotropion to mikron</b>	Coroton tinctorium L.	Heliotropium villosum	۴ ۱۹۴/	تَوم	حشیشه لیواقی - بربه شلدیره (نام لاتینی به معنای عشبه اللحم)
أیلوطرویون طوماغا <b>Heliotropion to mega</b>	Heliotropium europaeum L.	H.europaeum	۴ ۱۹۳/	حشیشه العقرب	به معنای آفتاب گردان است . طونه شولی (اندلس)
<b>Skorpioides</b>		Calendula officinalis	۴ ۱۹۵/		



## ضمیمه (۱)

فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

در کتاب‌های:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن بیطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسقوریدس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)

## فهرست نام‌های کهن گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا

حرف «الف»		
آذریونه، ۳۵	آلوجبلی، ۵۱	اَبَّالَة، ۶۰
آرغیس، ۳۵، ۶۱	آلوجه، ۵۱	ابانس، ۳۳
آرمنیس، ۴۵	آلوچه، ۴۱	ابانون، ۳۳
آزاددرخت، ۳۵	آلوچه سلطانی، ۴۱، ۴۲	اباء، ۷۵
آزادِرخت، ۳۵	آلوسن، ۲۸۰	ابجه، ۳۷
آزاد سوسن، ۱۸۰	آلوکشته بتر، ۵۱	ابجَه، ۲۵۲
آزرغنت، ۶۱	آلوی زرد بخارانی، ۴۱	ابراز، ۶۱
آزر (فاس)، ۵۹	آلوی سیاه، ۴۱	ابراوی، ۱۰۰
آزرد، ۲۹۱	آله، ۱۵۳	ابریون، ۵۵، ۲۲۴
آس، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹	آله قَبْرُونه، ۶۵	ابردیون، ۵۲
آسا، ۳۱، ۳۵	آله دَبْقتر، ۱۵۷	ابرسناروا، ۱۰۷
آس البری، ۲۴۹	آلی باقلی (شیرازی)، ۲۳۴	ابرفیون، ۵۵
آس البستانی، ۳۶	آلی بالی، ۲۳۴	ابرقان، ۸۱
آسای، ۳۱، ۳۵	آلیلی، ۱۴۵	ابرقطس، ۱۲۳
آس بری، ۳۶، ۲۸۳	آمارقون، ۵۸	ابرقلیون، ۱۰۰
آس بری (اندلس)، ۱۴۰	آمزقور، ۱۵۰	ابرقیا، ۴۸
آس بستانی، ۱۵۹	آمله، ۶۲	ابرقینون، ۱۰۰
آست، ۲۶۶	آمله، ۶۲	ابران (اندلس)، ۴۹
آس نبطی، ۳۶	آمی، ۲۸۹	ابرنج، ۷۷
آشک بردین، ۶۱	آنِیس النفس، ۳۷	ابرنجمشک، ۲۲۵
آطرس، ۱۶۰	آنقَها، ۹۱	ابرو، ۸۹
آطریلال، ۳۶، ۱۱۸، ۱۵۵	آویشن، ۱۹۵	ابروتا، ۱۹۳
آطریلان (فاس)، ۱۵۵	آیزنی، ۲۷۳	ابروخیون، ۸۴
آطء، ۲۲۰	آء، ۳۳	ابروطانن، ۱۲۳
آغئس، ۱۸۵	آرژُذائِن، ۲۳۰	ابروطنیون، ۱۹۳
آفواه، ۵۲	الویقوانون، ۵۶	ابروکیه، ۱۲۲
آقطی، ۱۳۸	ابابوس، ۳۳، ۲۲۳	آبروکیه (ثغری)، ۷۵
آک، ۱۷۳، ۲۰۹	اباخورس، ۶۳	آبرون، ۳۷
آکل نفسه، ۳۷	ابارتل، ۲۵۱	ابرویون، ۵۲
آلالاء، ۳۷	ابارس، ۱۰۵	ابریامتی، ۱۱۳
آلاء، ۳۷	اباریقون، ۱۰۶	ابریجون، ۱۵۸
آلسن، ۳۷	اباسیا، ۵۰	ابریمون، ۷۰
آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	اباغلِس، ۶۳	آبزار، ۳۸
آلوبالو، ۲۳۴	اباغورس، ۶۳	ابزراله، ۲۲۲
آلوبوعلی، ۲۳۴	اباقی، ۱۰۴	ابزیر، ۲۰۵
آلوبولی، ۲۳۴	آبالش، ۲۴۹	ابق، ۲۴۵
اغوری، ۱۲۱		
آقُورُون، ۱۶۵		
آکُتار، ۳۷		
آاملیس، ۳۷		
آبنوس، ۳۳		
آبیل، ۳۳		
آبیوس، ۲۶۱		
آت جو، ۱۷۳		
آتفاح، ۹۴		
آچین، ۳۳		
آدریس، ۳۳		
آذان الأرنَب، ۳۳		
آذان التیس (اندلس)، ۳۳		
آذان الجداء، ۵۹		
آذان الجدی (دمشق و شام)، ۳۳		
آذان الدب، ۳۳		
آذان الشاة، ۳۳		
آذان الشاة (اندلس)، ۳۳		
آذان العنز، ۳۳		
آذان الغزال، ۳۳		
آذان الفار، ۳۳، ۶۳		
آذان الفار البری، ۳۳، ۳۴		
آذان الفار البستانی، ۳۳		
آذان الفارالرومی، ۳۴		
آذان الفارالرومی، ۲۱۸		
آذان الفستیس، ۳۴		
آذان الفیل، ۳۴		
آذربو، ۳۴، ۱۷۱		
آذربوا، ۳۴		
آذربوی، ۳۴		
آذربویه، ۳۴		
آذرگون، ۳۴		
آذریون، ۳۴، ۲۵۸		

اذفونیدیس، ۱۴۸	اخراطن، ۸۴	ایبلانس، ۱۰۵	ابلاطوس، ۱۴۵
اذفیوس، ۱۴۸	اخردس، ۲۹۰	ابی مقینیه (فاس)، ۲۱۴	ابلر، ۱۶۳
اذذاب البقر، ۱۵۴	أخْرَساج، ۴۲	ابی یموت، ۱۲۵	ابمکماجی، ۱۲۹
اذذاب الخیل، ۱۵۴، ۲۱۰	اخرسون، ۱۵۳	اپراچنا، ۱۱۳	ابمیلُس، ۲۸۰
اذذاب الخیل (شام و شرق)، ۲۶۷	اخروطن، ۸۴	اپوپاقس، ۱۰۰	ابن، ۳۸
أذْنُ الاَزْتَب، ۱۱۹، ۲۶۹	اخروی، ۱۰۶	اتبلیس، ۲۲۵	إِبْنُ الارض، ۳۸
۲۸۱	اخریط، ۱۲۳	أَتْرُج، ۳۹، ۱۶۲، ۲۷۴	ابن اُوْبِر، ۳۸
اذن الثور، ۲۲۴	اخشنه، ۱۰۲	اتسویک، ۱۰۷	ابن سرابیون، ۷۶
أذْنُ الْجِمَار، ۴۳، ۱۵۵، ۲۲۴	اخفاک، ۲۱۰	أَتْنَكْن، ۶۵	ابنیس، ۱۱۳
۲۵۲	اخله الارض، ۱۲۹	اثاب، ۲۰۲	ابنی هلدی، ۱۴۲
أذْنُ الشاة (اندلس)، ۲۶۹	آخیروس، ۴۲	آتابه، ۷۶	ابویناقس، ۱۰۰
اذن الفار، ۲۷۹	اخینوس، ۱۸۰	اثاریون، ۵۰	ابوپاناقس، ۱۰۰
اذن القسیس، ۲۸۱	اخیون، ۶۸، ۲۵۲	اثامنیقون، ۲۸۷	ابوخلسا، ۳۸، ۱۳۴
اذن الوطواط، ۲۱۰	آذار، ۷۵	اثانقون، ۵۱	ابوسمس، ۲۵۴
أذن غزال، ۲۵۲	أذْرک، ۴۱، ۴۲	اثرا، ۳۸	ابوعیس، ۱۴۰
اذوس، ۲۹۷	اذرک، ۱۶۴	اثقلیا، ۳۸	ابوغلصن، ۶۷
اذیارتون، ۷۶	ادرومیلن، ۹۴	أَثْل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲	ابوفاطریوس، ۵۴
ارابتش، ۱۲۴	ادریاس، ۶۵	أَثْلَق، ۴۰	ابوفایس، ۳۹
ارابتشوس، ۱۲۴	ادریس، ۳۳	اثونبون، ۲۴۰	ابوفسطن، ۳۹
ارابتشس ایمارس، ۱۲۴	ادریفن، ۲۷۳	اثونیطس، ۲۵۰	ابوقانس، ۳۹، ۱۲۳
أْرَاقُ، ۴۳	ادقام الغرائق، ۱۲۹	اثیوس، ۲۸۰	ابوقاوس، ۳۹
اراقوا، ۴۳	ادم، ۱۸۰	اجاجی، ۲۶۲	ابوقسطنس، ۳۹
أْرَاک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۳۳	ادمام، ۲۹۴	أْجاص، ۴۱، ۱۸۴	ابوقینوس، ۵۹
ارامانیا، ۲۸۲	ادمنطوس، ۲۶۴	اجاص اصفر، ۱۸۴	ابومارس، ۱۲۰
ارامونی، ۱۸۸	ادهیره، ۳۱، ۳۵	اجبُرْزَنی (اسکندریه)، ۲۵۴	ابونس، ۳۳
ارانتموس، ۷۰	ادیانطن، ۲۵۷	اجرد، ۱۳۹	ابونیطش، ۲۵۰
اراه، ۲۸۲	ادی دولی، ۲۶۰	اجطاله، ۱۲۲	ابهل، ۳۹، ۱۰۵، ۱۴۳
ارب، ۲۷۳	أَذْرَقی، ۴۲	اجواین، ۲۸۹	ابهل هندی، ۳۹
اریاقه، ۱۵۹	اذان الدب، ۲۴۴، ۲۷۰	اجواین خراسانی، ۸۸	ابی، ۱۷۲
اریانسش، ۱۲۴	اذان الفار، ۱۱۹	اجود، ۲۵۳	ابی الولید، ۱۲۹
اریسارم (فرنگی)، ۲۷۳	اذان الفار حقیقی، ۳۴	اجیلیه، ۲۴۶	ابی ان یموت، ۲۰۴
اریصارن، ۲۷۳	اذان الفیل، ۲۳۰	احباق، ۷۱	أَبید، ۱۴۳
اریقانن، ۲۲۹	اذان القسیس، ۲۴۷، ۲۷۴	احداق المرصی، ۵۷	ایید، ۲۶۱
اریلیش، ۱۰۴	اذان القسیس، ۲۴۷	إحْرِیض، ۴۲، ۲۱۰	ابی دالس، ۲۴۸
اریوطانن، ۱۲۱	إذْخِر، ۴۳، ۱۴۸	احریضه، ۲۳۶	اییدی، ۲۶۱
ارییان، ۵۸، ۱۵۵	اذخر (فاس)، ۴۳	احنینه، ۲۶۶	ابی رستم، ۱۱۹
ارییانس، ۱۲۴	اذررقوس، ۵۲	آخیون، ۴۲	ایبغل، ۳۹
	اذرقیس، ۵۲	اخرادس، ۲۶۱	ایبکه (لاتین)، ۲۶۱



ارید برید، ۴۵	ارمارینون، ۱۲۴	ارزوج، ۳۹	اریثوس، ۱۲۴
اریدبرید، ۴۵	ارماس، ۲۴۲	ارزه، ۱۹۶	ارتارون، ۲۶۹
اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶	ارماط، ۴۵	آرژة، ۴۴	ارتقش (لاتینی)، ۲۶۵
اریزون، ۴۴	آزمال، ۴۵	ارسطالاحیا، ۱۶۰	ارتکا، ۲۰۴
اریسه، ۱۹۸	آزمالک، ۴۵	ارسطالوخیاء، ۱۶۰	ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵
اریغانون، ۱۹۵، ۲۲۹	ارمالک، ۴۵	ارسطولوخیاء، ۱۶۰	ارتینوس، ۱۹۴
اریقابوشا، ۲۰۲	ارمالی، ۴۵	ارسطیون، ۱۵۳	ارثیوس، ۸۰
اریقنه، ۱۳۳	ارمزدقطولوس، ۱۷۹	ارطاماسیا، ۶۱، ۷۶، ۲۴۷	ارجالون، ۲۲۲
اریفس، ۲۲۷	ارمنیافن، ۲۸۲	آرطاماسا، ۲۴۷	ارجاله، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰
ازاددرخت، ۲۱۳	ارمنیقون، ۲۴۰	ارطمیسا، ۷۷	ارجان، ۱۶۶
ازاددرخت، ۲۱۳، ۲۶۶	آزمنین، ۴۵	آرطمیسا، ۲۴۷	ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶
آزاز، ۲۷۷	ارموش، ۱۷۰	ارطوس، ۲۶۹	ارجقیل، ۲۵۷
ازالیم، ۸۰	ارموکی، ۲۷۱	ارطی، ۳۷، ۴۴	ارجل الجراد، ۵۸، ۱۶۱
ازبوج، ۲۵۱	ارمیس، ۴۵	ارطیسیا، ۶۱	ارجمونیه، ۲۸۵
ازحمیون، ۲۵۶	ارمیناقن، ۲۸۲	ارطی صغیر، ۱۵۵	آرژوان، ۴۴
ازدری، ۱۴۱	ارمیناقون، ۲۸۲	ارطیه ماسیا، ۷۶	ارجیقن، ۱۶۲
ازدشیر زاد، ۲۸۰	آزن، ۲۷۳	ارعاحوزا، ۴۱	ارجیولیه، ۱۵۵
ازرار، ۲۹۱	ارنی، ۲۶۵	آزغامونی، ۴۴	ارخس، ۱۳۶
ازرود، ۴۵	ارنتاله، ۱۰۵	ارغوان، ۴۴	ارخس طوماغن، ۱۳۶
ازروی، ۶۶	آزن صاژن، ۲۷۳	ارغیلم (عبرانی)، ۸۳	ارخیس، ۱۳۶
ازرة الارض، ۲۹۱	ارنغلیسون، ۲۶۹	ارفامسیس اریثوس، ۱۲۴	اردشیران، ۲۸۰
ازریول (فاس)، ۳۴	ارنقالس، ۲۶۹	ارفلس، ۱۸۲	اردشیر دارو، ۲۸۰
ازغب، ۹۶، ۱۳۹	آزنوغلسن، ۲۶۹	ارفلن، ۱۱۳	ازدق ناقی، ۴۴
ازقون، ۱۴۷	ارنوله، ۱۴۵	ارفظوس، ۱۲۴	اردک، ۲۸۲
ازلاف، ۱۴۸	ارنیوقرینوس، ۷۰	ارقالیا، ۲۶۶	اردم، ۳۴
ازمایلوس، ۸۸	ارو، ۱۳۹	ارقان، ۱۰۵، ۱۲۵	اردمیردا، ۲۸۰
ازنید، ۱۳۳	ارویموس، ۲۵۳	ارقان (مغرب)، ۱۶۶	آرز، ۴۴
ازورا (حبشی)، ۳۱، ۳۵	ارود (فارس)، ۱۱۰	ارقطس، ۱۱۳	آرز، ۴۴
ازیریا، ۱۰۶	اروس، ۲۰۸	ارقطون، ۴۵	آرز، ۱۲۶
آزوسه، ۴۶	اروسا، ۳۸	آزقطیون، ۴۵	آرز، ۱۷۰
اسارون، ۴۶، ۱۱۹، ۱۴۲، ۲۸۸	اروس بلغار، ۲۶۴	ارقلیا، ۱۱۹	ارزا، ۱۹۶
اساستوا، ۱۰۶	اروسه، ۳۸	ارقوس، ۳۹	ارزا اردفناقی، ۴۴
آساستوا (مغرب)، ۲۳۱	اروسیمن، ۹۶	ارقولس، ۳۹	آرز الخلیل، ۷۶
آساستوا (مغرب)، ۲۴۲	اروسیمون، ۱۸۹	ارقویندوس، ۲۱۸	آرزَم، ۲۷۷
اساسنه، ۱۲۵	آرون، ۱۴۶	ارقیسون، ۴۵	ارزمی، ۲۶۰
اساطوس، ۲۹۲	اروناردش، ۱۰۵	آزقیطون، ۴۵	ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹
آساطیس، ۲۹۲	اروی، ۲۴۳	ارکه، ۱۲۶	ارزند، ۱۹۶
	ارهرتور، ۱۸۳	آزگوان، ۴۴	ارزن هندی، ۱۴۹

اسطیون الشوذه، ۷۸	۲۹۷	اسرون (فاس)، ۴۶	اسطیس اغریا، ۲۹۲
اسقال، ۴۹	اسفردانه، ۸۱	اسطاری، ۹۳	اسبالاقوس، ۱۰۹
اسقردین، ۲۸۳	اسفرک (شیراز)، ۱۶۲	اسطافالیقوس اغریوس، ۱۰۳	اسباناج، ۴۸
اسقروامس، ۸۸	اسفرم، ۳۱، ۳۵	اسطافالینوس اغریوس، ۱۰۳	اسبرک، ۵۹
اسقلیاطیقوس، ۵۴	اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹	اسطافالینوس اغریوس، ۱۰۳	اسبریون، ۳۴
اسقلیطاس، ۵۴	اسفکوخوس، ۸۶	اسطافالینوس اغریوس، ۱۴۸	اسبط، ۲۷۳
اسقندریون، ۹۸	اسقلیاطیقوس، ۴۸	اسطافالیوس، ۱۰۳	اسبلنج، ۲۶۷
اسقنوقراطیس، ۴۹	اسقلیس، ۴۹	اسطافیدوس اغریا، ۲۸۷	اسبندان خوش، ۱۳۰
اسقوانس، ۷۸	اسقلیطس، ۲۰۳	اسطاقندماغریا، ۱۱۱	اسبیدار، ۱۳۳، ۱۴۹
اسقوردیون، ۴۸	اسقلیغین، ۱۵۳	اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹	اسبیدمرد، ۴۶
اسقوردیون، ۸۰، ۹۸، ۱۸۹	اسقلیناس، ۴۸	اسطبخیس، ۲۶۲	اسپاراغوس، ۲۹۷
اسقوردیون جبلی، ۴۸	اسفناج، ۴۸، ۲۹۶	اسطخودوس، ۴۷	اسپالانوس، ۱۴۱
اسقوردیون مصری، ۴۸	اسفناج رومی، ۲۴۱	اسطراطیقوس، ۴۸، ۱۰۵	اسپرزه (اصفهان)، ۷۸
اسقورولوس، ۱۳۸	اسفناج رومی (شیرازی)، ۲۴۱	اسطراطیقوس، ۱۳۱	اسپرغم بیابانی، ۱۹۹
اسقولس، ۸۸	اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶	اسطراطیقوس الصغری، ۱۰۵	اسپست باغ تازه، ۱۵۵
اسقولوقندریون، ۴۹	اسفندار، ۱۱۶	اسطراطیقوس الصغری، ۱۰۵	اسپغل، ۷۸
اسقون، ۱۲۶	اسفند اسفید، ۱۱۵، ۱۳۱	اسطراکه لیکه (فرنگی)، ۲۸۶	اسپناج، ۴۸
اسقیدولیون، ۲۴۹	اسفندان سفید، ۱۱۵	اسطرخلو، ۲۱۵	اسپند، ۱۳۱
اسقیراسن، ۸۸	اسفندسفا، ۱۱۵	اسطرس، ۲۶۳	اسپنس (فرنگی)، ۴۸
اسقیرن، ۲۹۸	اسفند سفید، ۱۱۵	اسطروکایشا، ۵۳	اسیب، ۴۶
اسسقیل، ۴۹	اسفندسناه، ۱۱۵	اسطروبیلیا، ۱۹۶	اسنتب (اندلس - لاتینی)، ۲۶۵
اسسقیل، ۲۱۵	اسفندشغان، ۱۱۵	اسطروثیون، ۲۶۳	استبرق، ۴۶
اسسقیلا، ۴۹	اسفندغار، ۱۳۳	اسطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹	استراتیکو، ۴۸
اسکتو، ۴۹	اسفودالوس، ۱۳۸	اسطوخودوس، ۱۹۵، ۱۹۳، ۱۳۳	استراطیقوس، ۵۴
اسکردا، ۹۸	اسفودولوس، ۳۷	اسطوخودوس، ۱۰۳	استر (اندلس)، ۲۷۴
اسکردیون، ۹۸	اسفودولوس، ۱۳۸	اسطورا، ۱۱۵	استرمونیه، ۱۰۹
اسکرسول، ۱۶۲	اسفومغری، ۱۰۵	اسطوریقون، ۲۴۴	استکو (تنکابن)، ۱۷۱
اس کرمانی، ۳۶	اسفیدار، ۱۷۸	اسطوماخوس، ۴۸	اسحاره، ۴۶
اسکروان (نبطی)، ۲۶۹	اسفیداراغیا، ۲۸۰	اسغان امثانن، ۳۳	اسحاره، ۱۴۰، ۱۸۹
اسشکنده، ۴۹	اسفیدش، ۷۸	اسغان یزان، ۳۳	اسنجل، ۴۶
اسکیغیلا، ۲۴۶	اسفیدکشیر، ۳۰۰	اسفاراغش بطراؤس، ۲۹۷	اسخرون، ۹۶
اسکیلیم چشم (سجزی)، ۲۱۷	اسفی دیون، ۱۸۹	اسفارج الصینی، ۲۵۶	اسخن، ۱۰۸
اسکی نان تو (فرنگی)، ۴۱	اسفیراداغویوس، ۲۳۳	اسفاناج، ۴۸	اسد الارض، ۴۶، ۱۲۸
اسئل، ۴۹	اسفیقوس، ۲۶۲	اسفید، ۱۱۶	اسد العدس، ۴۷
اسل، ۱۴۸	اسفیدار، ۱۳۰	اسفراج (مغرب)، ۲۹۷	اسرار (مغرب)، ۴۷
اسلنج، ۵۰	اسفیوس، ۷۸	اسفراج (مغرب و اندلس)، ۱۳۸	اسراش، ۱۳۸
اسلوقوطیس، ۴۹	اسفیوش، ۷۸		

اسلیخ، ۲۷۴	اشج، ۵۱	اصابع الفتیات، ۲۲۵	اطراققولیس، ۲۱۰
اسلیخ، ۲۶۷	أشج، ۲۹۵	اصابع القینات، ۱۱۳	اطرایلس، ۹۴
اسلیوس، ۱۷۴	إشخیص، ۵۱	اصابع اللّصوص، ۵۳	أطرقفسوس، ۱۷۰
اسمادوسفرم، ۳۶	اشخیص، ۲۷۵	اصابع الملك، ۱۶۳، ۵۹	اطرقطوس، ۲۳۶
اسمار، ۳۶، ۳۱، ۳۵	اشخیص اسود، ۵۱	اصابع هرمس، ۱۷۹، ۱۸۰	اطرقطولس، ۲۳۶
اسماروزند، ۳۶، ۳۱	اشخیص سفید، ۵۱	أصاص، ۲۷۷	أطرماله، ۵۴
أسماقوس، ۱۳۵	اشراز، ۳۷	اصاقو، ۲۸۲	اطروغا، ۳۹
اسمرنا، ۲۷۸	اشراس، ۳۷	اصبالاثوس، ۱۴۱	اطروکا، ۳۹
اسملیس، ۲۸۰	إشراس، ۵۱	اصطرک، ۲۰۶، ۲۸۶	اطروکیا، ۳۵
اسمورنین، ۲۵۳	أشراس (مغرب)، ۵۱	اصطرک (شام)، ۱۸۶	اطریشیة، ۲۸۰
اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴	اشریس، ۳۷	اصطفالینوس، ۱۰۳	اطریفیلن، ۱۲۲
اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴	أشفاقیش، ۴۸	اصطفی، ۲۸۶	اطریلال، ۱۵۵
اسمیم ماکنوم (فرنگی)، ۱۸۴	أشقی، ۵۱	اصطفیذہ، ۲۱۴	اطریون، ۲۳۳
اسنام، ۱۴۸	اشقی، ۲۳۳	اصطفیقوس، ۲۶۲	اطزوخیوس، ۲۱۴
أشنان الذئب، ۸۴، ۵۰	اشقیطله، ۶۱	اصطفیلن، ۱۰۳	اطفکسوس، ۲۴۱
اشنان الفار، ۲۵۹	اشقیل، ۸۰	اصف، ۲۵۰	اطماط، ۸۸
اسنولوس، ۵۰	اشکریة، ۲۸۰	اصل الانجدان خراسانی، ۵۰	أطمط، ۵۴
اسواس، ۲۰۳	اشکة، ۱۴۰	اصل التهل، ۱۶۹	أطموط، ۵۴
اسود، ۱۷۳	اشکیل، ۲۱۷	اصل الخثنی، ۱۳۸	اطموط، ۸۸
اسوفس، ۱۶۵	اشلابوس، ۱۴۱	اصل الراسن، ۱۵۳	اطمیثا، ۲۴۷
اسیلیسکان، ۱۰۶	اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲	اصل السرح، ۳۰۰	اطمیسا، ۷۶
اشبته، ۲۰۰	اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲	اصل السوس، ۱۸۰	اطه، ۱۸۲
اشبرک (سجزی)، ۱۲۱	اشموسا، ۵۲	اصل السوسن الابيض، ۵۴	اطیا، ۲۲۰
اشبرون، ۲۰۴، ۱۸۹	أشنان، ۶۹، ۵۲	اصل الفلفل، ۲۲۸	اطیرنه، ۲۵۱
أشبرون (اندلس)، ۱۱۵	اشنان العربی، ۵۲	اصل القصب، ۲۴۰	اطیطون، ۴۹
اشبطله، ۱۲۶	اشنان الفارسی، ۱۲۳	اصل اللفاح، ۲۷۰	اطیوس، ۷۶، ۲۳۱
أشبنة آبه، ۷۲	اشنان القصارین، ۱۲۳	اصل اللوف، ۲۳۰	اظا، ۲۲۰
أشیتة، ۵۵	اشنان گازران، ۵۲	اصل المتک، ۱۸۰	أظفار الجن، ۵۴
اشتر (اصفهان)، ۱۱۰	أشنة، ۵۲	اصل النیلوفر هندی، ۲۲۷	اعرابی، ۲۷۲
اشترانگیین (اصفهان)، ۱۱۰	أشنة، ۱۱۸	اصل الوردی، ۱۵۹	اعروعلیطوس، ۲۷۷
اشترخاراست، ۵۰	اشنه، ۱۹۲	اصل امیرباریس، ۳۵	اعتاب السراة، ۲۱۷
أشترغار، ۶۵، ۵۰	اشنه بستانی، ۱۹۲	اصوفورون، ۲۷۱	اغاریقون، ۲۱۸
اشترغاز، ۵۰	اشود، ۱۸۴	اصوفورون، ۲۷۱	اغافت، ۹۰، ۹۴، ۱۵۴
اشترینه میاطشن، ۱۱۸، ۱۱۶	أشه، ۵۱	اضراس الکلب، ۷۹	اغافت، ۵۴
اشتنکه، ۱۳۵	اشبرون (اندلس)، ۱۱۶	اطا، ۲۲۰	اغرانبون، ۲۸۱
اشتوان (مصر)، ۷۹	اصابع الصفرة، ۵۳	أطراطیقوس، ۵۴	اغرسطورون، ۲۵۵
اشج، ۵۱	اصابع العذاری، ۵۳	اطرافعس، ۲۴۱	اغرسطس، ۴۳، ۹۹
			اغرسطیس، ۹۹

اگرسودوطوس، ۲۵۵	افرقه دلف، ۴۶	افیقون، ۸۸	اقریون، ۲۵۴
اغرقتیه، ۲۷۳	افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵	افیلون، ۵۶، ۱۹۳	اقسوس، ۱۴۳، ۱۶۲
اغرقونیه، ۲۰۵	افرنجَمَشک، ۱۶۰	افیمارن، ۷۰	اَفَسون، ۵۸
اغروسطوس، ۴۴	افریر، ۲۹۳	افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹	اقسیس، ۱۶۲
اغر و سوقومیس، ۲۳۳	افریقیه متهونه، ۲۸۰	افیمدیون، ۲۶۹	اقسینی، ۲۶۶
اغر و غن، ۱۲۶	افرغنج (بخاریه)، ۲۲۶	افیمدیون، ۲۷۵	اقسیوس، ۱۶۱
اگریا، ۲۵۵	افس سک (شیرازی)، ۱۸۳	افیمدیون، ۵۷	اقط، ۱۸۲
اگریزی، ۲۵۶	اَفَسْتین، ۵۵	افیوس، ۱۶۸	اقطاطاقیس، ۸۱
اگریمون، ۱۰۲	افستین، ۷۷، ۱۲۰، ۱۵۴	افیوس، ۵۷	اقططرمتوس، ۸۱
اگریوس، ۱۲۴، ۱۲۶	۲۵۸	افیوسطافیلن، ۲۵۰	اقطفیت، ۸۸
اغر و اطس، ۹۹	افستین البحر، ۱۹۳	افیون، ۵۷	اقطن (یمن)، ۲۷۵
اغفت، ۵۴	افستئون، ۵۶	اقاحی، ۹۰، ۱۵۵	اقط (یمن)، ۵۸
اغفورقیون، ۲۳۳	افصی، ۲۱۱	اقاروا، ۲۵۶	اقفوس، ۲۵۵
اغلث، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۴۹	افطریون، ۱۷۳	اقارون، ۲۹۳	اقلفی، ۲۵۵
اغلبس، ۱۴۷	افطمیس، ۳۰۰	اقاقالیس، ۵۷	اقلوش، ۱۲۹
اغلبص، ۱۴۷	افکرکسیس، ۲۴۱	اقاقلیس، ۲۰۲	اقلیشا، ۱۰۳
اغلقندریا، ۲۸۲	افلایوس، ۶۵	اقاقیا، ۵۷، ۸۲، ۲۳۷	اقلیطی، ۱۷۸
اغلیس، ۲۵۴	اَفَلْدان، ۷۵	اقالیفی، ۶۵	اقلیولش، ۶۷
اغلیطوس، ۲۲۲	افلسطین، ۸۱	اقتلقا، ۷۵	اقتالوقی، ۷۱
اغنس، ۴۱	اَفَلْنَجَه، ۵۶	اقحوان، ۳۵، ۵۸	اقتالوقین، ۷۱
اغنوس، ۴۱	افلیطون، ۴۹	اَقْحوان، ۵۷	اقتتولوقاقیثادشتا، ۷۱
اغنیس، ۴۰، ۴۱	افلیوکیبون، ۲۴۱	اقحوان البری، ۶۴	اقتالوقی، ۷۲
اغیراطون، ۵۵	افتان سر، ۲۲۴	اقحوان العربی، ۱۵۳	اقتد، ۱۵۳
اگیرس، ۱۰۹، ۱۲۷	افنیثون، ۵۸	اقحوان بری، ۵۷	اقورون، ۲۹۳
اگیرس، ۲۶۴	اَفَنیقون، ۵۶	اقحوان بستانی، ۵۷	اقوقوس، ۸۱
اگیلفس، ۱۴۷	افنین بدونون، ۵۵	اقحوان زرد، ۷۰	اقولاقائن، ۱۲۲
افاتیس، ۲۲۳	افودوس، ۱۲۶	اقدینا، ۱۹۳	اقونطیاون، ۱۳۰
افادملس، ۱۲۴	افوروس، ۱۲۶	اقدی، ۱۷۲	اقونیا، ۱۱۲
افار، ۹۹	اَفوسالین، ۲۵۴	اقراص الملک، ۸۴	اقونیطن، ۱۲۸
افاریقون، ۲۹۸	اَفوسالینون، ۲۵۴	اقرانقی، ۱۸۹	اقریقلونی، ۲۴۰
افامیرون، ۷۰، ۱۸۰	افوسالیون، ۲۳۵	اقرسینی، ۲۶۶	اقریثالوقی، ۵۸
افانی، ۱۲۳	افوقونس، ۱۲۸	اقرع، ۱۳۹	اقریون، ۲۹۳
افتاب پرست، ۲۹۹	اَفیثمون، ۵۵	اقرنون، ۲۲۳، ۲۳۵	اقرین، ۷۲
اقتیمون، ۵۵، ۱۴۱	اقتیمون، ۱۹۵	اقرنوش، ۱۲۳	اقرینی، ۱۰۴
اَقْتیمون، ۵۵	اقتیمون لینون، ۵۵	اقروم، ۱۰۴	اکاس بیل، ۲۵۸
اَقْرَبیون، ۵۵	اقریغون، ۵۶	اقریطون، ۲۴۸	اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷
اقریبون، ۱۶۳، ۲۲۴	اقریرون، ۵۶	اقریطی، ۲۸۱	اکتر، ۹۶
اقرسیر، ۱۵۷	اَقْرِیْقُطس، ۵۶	اقریوش، ۲۵۴	اگت مکت، ۵۹

اَکِثْمِکِت، ٥٩	اللاط، ١٨٢	الرَّمِثَہُ (اندلس)، ٢١٩	إلْقِیس (سجزی)، ٢٦٦
اکثار، ١٠٧	الاملاک (طبرستان و	الزنج، ٢٨٧	إلْقِیوس (سجزی)، ٢٦٦
اکثوث، ٢٥٨	تنکابن)، ٢٢٢	الریح، ٢٧٣	الکس، ١٢٦
اکثیفوس، ١٤٣	إلب، ٦٠	الزرقطونا (فاس)، ٧٨	الکسینا، ٢٦٦
اکر، ٢١٦	الباشه، ١٣٠	الزوانی، ١٣٦	إلکسینی، ١١٩
اکرفس، ٢٥٣	البانونس، ١٣١	السَّرْمَج، ١٧٠	الکن، ٢٣٩
اکرکره، ٢٠٥	البابین، ١٥١	السَّرْمَق، ١٧٠	الکور (یمنی)، ٢٨٣
اکرمیوسنه، ٢١٩	البروس، ١٣٠	السری، ٢٦٤	الکیا، ٢٨٢
أکرنب البحرى، ١٢٢	البيستی، ٣٤	السفاقن، ٦٠	اللقامن، ٢٠٤
اکرنب الدورى، ٢٥٦	الطن، ٨٠	السمته، ٢٨٠	اللشی، ٦٠
اکرنب الرومى، ٢٥٦	الْبَل، ١٤١	السن، ١٢٢	ألم (شیراز)، ١٠٠
اکرنب الشامى، ٢٥٦	البوزش لوقس، ١٣٠	السن، ١٣٣	الم (شیراز)، ١٤٣
اکرنب الکرمانى، ٢٥٦	البوقاله، ١٥٧	السنة، ١٢٩	المصافق، ٢٤٧
اکرنب الهاشمى، ٢٥٦	البهار، ٢١٧	السنة العصافیر، ١٧٨، ٢٦٩	المعین، ٢٧٥
اکروفس، ١٠٨	البیسم (لاتین)، ٢٣٠	السى، ٢٥٠	ألمو (لاتینی)، ١٠٧
اکرى (بنگال)، ٢٠٧	التاجر، ٢٩٢	السى کابیح، ٢٥١	المیس، ٢٩٠
اکسوفیلن، ٢٠٣	التاره، ٣٣	الصانع الصفر، ١٨٦	المیون، ٤٩
اکسیر، ٥٢	التواء بر التواء، ٢٥٧	الصینی، ١٢٩	النافع من الرتبیلاء، ٢٢٣
اکسیوس، ٥٩	التوبل، ٢٤٨	الطانه، ٢٠٤	النافع من أخلیوس، ١٤٦
اکل نفسه، ٢٢٤، ٥٥	ألتینیا، ٢٦٢	الطردونه، ١٠٦	ألتج، ٦٠
إکلیل الجبل، ٥٩	ألتیه، ١٢٩	الطفراء، ٢٠٤	النسون، ١٥٣
اکلیل الجبل، ١٩٣	الثاء، ١٢٩	الطورثه شول، ٢٠٣	النینا، ٢٧٤
إکلیل الملیک، ٥٩	الثاء، ١٣٦	الطیرون، ٢٣٣	الوای، ١٩٥
اکول، ٦٧	الثال، ١٣٦	الغته (لاتینی)، ٢٩٥	الواس، ٢١٦
اکون، ٢٠٩	الثفاء، ١١٥	الغسل، ١٢٩	الویباس، ٩٣
اکیروس، ١٠٨	الحاج، ١٢٣	الف، ٢٢٢	الوج، ٢٧٧، ٢٩٣
اگر، ٢١٦	الحاحی، ١٢٩، ١٣٣، ٢٥٦	الفاضل لثفساء، ١٦١	الوخن، ٢٨٣
اگیراتون، ٥٥	الحاذ، ١٢٣	الف دینار، ١٦٠	الودین، ٢٦٠
اگیرترکی، ٢٩٣	الخرفا، ١٠٤	الفشرا، ٢٩٧	ألوسن، ٦٠
الأس، ٣٥	الداد، ١١٤	الفلیس، ١٢٢	ألوسن، ٦٠
الابورش مألش، ١٣٠	الداس واش، ١٢٩	الفوثویا، ١٥٣	ألوسون، ٦٠
الایثار، ٦١	ألدیر، ٢١٣	القباين، ٢٤٩	الونى، ٢٧٣
الازاز، ٢٧٧	الدوم، ٢٨٣	القسینی، ٨٣، ١١٩، ٢٦٦	الویا، ٢٧١
الاشنگ (اصفهان)، ٢٦٧	الراسن، ٨٠	ألقسینی، ٢٦٦	ألوین، ٦٠
الاطینی، ٦٠، ٢٦٦	الرز، ٤٤	القسینی الکبیر، ٢٦٦	الهدایه، ١٥٧
ألاطینی، ٢٦٧	الرقعة الصخریه (اندلس)،	القطرون، ٢٦٤	الیاء، ١٣٦
الالسفاقس، ٢٦٨	٢٧١	القون، ٢٩٥	الیاله، ١٠٣
الالسفاقن، ٦٠	الرمث، ١٢٢	القیس، ٢٦٦	الیسما، ٢٨١

الیس، ۹۸	آنسوخ، ۶۲	آناس، ۶۷	آنَجَرَك، ۲۷۹
إلیشکه، ۱۴۰	أنطی، ۶۲	أناغالس، ۳۴، ۶۳	آنَجَرِه، ۶۵، ۶۵، ۲۵۵
الیکا، ۲۲۰	ام عمر، ۶۲، ۹۶	أناغورس، ۶۳	انجسا، ۳۸
الیلاون، ۲۸۳	أم غیلان، ۵۹، ۲۱۷	اناغیرس، ۶۲	انجسا الرملی، ۱۵۵
الیمون، ۲۸۴	أم غیلان، ۶۲	اناکیر (نبطی)، ۶۳	انجسا الساحلی، ۱۵۵
ألینو، ۲۵۱	أمنغیلان، ۶۲	انانوس، ۱۵۲	انجیده، ۲۲۴
الیون، ۱۰۳	ام غیلان، ۱۹۱، ۲۰۳	انب، ۷۲	انجیر، ۹۶، ۱۰۵، ۱۸۴
الیوون، ۱۵۳	امفلوراسیون، ۲۵۲	انبآتورا، ۶۵	انجیر آدم، ۶۶
اماراقوا، ۵۸	إمقدال یقرا، ۲۷۲	انبالس مالیا، ۲۲۲	انجیر حلوانی، ۹۶
ام اربعة و اربعین، ۷۹	إمقدال غلوقیا، ۲۷۲	انبالفراسن، ۲۵۲	انجیر دشتی، ۹۶
امارنطون، ۵۸	أم کلب، ۶۲	أنجج، ۶۳	انجیر زمینی، ۱۲۷
اماری، ۱۳۳	أمل بید، ۶۲	انجج، ۲۸۲	انجیر وربری، ۱۸۴
آماریطن، ۶۱	امل بیل، ۵۵، ۲۵۸	انججه، ۲۸۰	انجیله، ۷۸
اماریطون، ۱۵۳	أمنجج، ۶۲	انیریاریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱	انجیله، ۳۷
اماریقون، ۵۸، ۱۰۶	املس، ۱۳۹	انیرسول، ۲۸۱	انچلک (شیراز)، ۱۴۲
أم الف ورق، ۶۲	املک، ۶۲	انیرود، ۲۶۱	اندراسیون، ۷۴، ۲۶۲
امامانیطس، ۲۹۸	أمل کجانی، ۶۲	انبل، ۲۲۵	اندرافکسیس، ۲۴۱
اماموس مانیوس، ۲۸۹	املناس، ۱۴۰	انبلی، ۹۵	اندراین کاپهل، ۱۲۶
امامون، ۱۲۴	أم و جع الکبد، ۶۳	انبوباریس، ۳۸	اندرجو، ۲۶۹
امانیقن، ۵۱	اموره، ۲۷۵	انبوب الراعی، ۶۴	اندرجو (سندی)، ۲۶۹
امباشا، ۱۱۱	امونیاقن، ۲۹۵	انبوب الملک، ۶۴	اندرخانا، ۸۲
آمبیزاریس، ۶۱	امونیاقون، ۵۱	انبه، ۶۳	اندرخنا، ۸۲
آمبروسیا، ۶۱	امونیقون، ۵۱	انتله، ۱۰۱	اندرساخس، ۶۹
امبلوراسون (لاتینی)، ۲۵۳	امی، ۲۸۹	أنثله (عجمی اندلس)، ۶۴	اندرسافس، ۶۹
امبویادیس، ۳۸	امیانی، ۲۸۹	انتلی، ۱۴۹	اندرسامس، ۱۵۸
امجلیه، ۶۷	ام یحیی (شام)، ۱۰۵	انثار، ۲۰۴	آنَدْرُصارون، ۶۶، ۶۹
أمَدْرَیان، ۶۲	امیرباریس، ۶۱، ۲۷۱	انثامیس، ۶۴	آنَدْرُواقُفسس، ۱۷۰
امراطیون، ۲۶۲	امیرون، ۷۰، ۳۰۰	أنثلیس، ۶۴	اندروت، ۶۶
امراقون، ۲۷۹	امیرون (اندلس)، ۲۹۸	انثوس، ۲۹۳	اندروساقس، ۲۹۸
امرباطون، ۱۱۸	امیره، ۱۱۰، ۲۶۹	انثون، ۱۸۴	اندروساماس، ۶۹
امرتیه، ۲۵۸	امیریا، ۲۶۹	انجاص، ۴۱	اندروسامن، ۲۹۸
امرقون، ۷۰	امیطی، ۶۲	انجاص (فاس)، ۲۶۱	اندروسامن، ۲۹۸
امرو، ۲۶۱	امیغدالی، ۲۷۱	آنَجِبَار، ۶۴، ۸۷، ۱۵۷، ۲۹۱	اندروسارون، ۲۲۲
أمروود، ۶۲	امیولوفراس، ۲۲۵	انجبار النهری، ۲۷۲، ۲۹۱	آنَدْرُوطالیس، ۶۶
امرود، ۲۶۱	امؤمن، ۱۲۴	انجدان، ۵۰، ۶۵، ۹۳، ۱۲۱	آنَدْرُوطون، ۶۶
امروسیا، ۲۹۸	انار، ۱۵۷	انجدان رومی، ۶۵، ۱۶۷	اندقوقو (شیراز)، ۱۲۵
آمژه، ۶۲	انار دانه، ۱۵۸	انجرک، ۲۴۸	اندمولیا، ۱۰۶
امسخر، ۲۹۲	اناریچه (مازندران)، ۱۱۷	انجرک، ۲۷۹	اندمیان، ۲۵۶

اُوروپس، ۲۵۳	انیلِس، ۱۶۵	انکسینِس، ۳۳	اندوا (ماوراء النهر)، ۱۰۲
اوروذیس، ۲۳۰	انیولیس، ۲۸۰	انکسینی، ۱۱۹	انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵
اوروسیمون، ۱۷۶	انیولیون، ۲۵۴	اَنکول، ۶۷	اندیقا، ۲۹۷
اوریز، ۴۴	انیون، ۱۵۳	انکولس، ۱۲۲	اَنذَر، ۱۵۳
اوریزا، ۱۲۶	اُنَّیه دی غائَه، ۲۰۵	اَنکیز، ۶۷	انروله، ۱۲۲
اوریزوذینوس، ۲۳۰	اُنَّیه دغائَه، ۱۱۹	انگدان، ۶۵	اَنزروت، ۶۶
اوریغاسن، ۱۹۵	اُوافیوس، ۶۷	انگدان زد، ۱۲۱	انزروتا، ۶۶
اوزم، ۲۱۴	اوبانیس، ۵۷	انگداله (فرنگی)، ۲۷۱	انس الارواح، ۴۷
اوزمون، ۱۰۲	اوبرنیون، ۲۲۴	انگدان، ۶۵	انسون، ۶۷
اوزنس، ۲۵۳	اویزر، ۲۴۶	انگزد، ۱۲۱	انسیتون، ۵۶
اوزونا، ۲۶۰	اویطوری (لاتین)، ۲۱۹	انگزه، ۱۲۱	انشعی، ۱۲۹
اوسید، ۶۸	اویلس و فلوپین، ۱۲۰	انگشت، ۵۳	انطاین، ۱۴۵
اوسید، ۶۸	اُویه قتیته، ۲۴۹	انگشت کنده (اصفهان)، ۱۲۱	انطبده، ۲۴۸
اوسفدنون، ۲۴۹	اوبیانس، ۵۷	انگور، ۲۱۴، ۲۱۷	انطرقولس، ۲۳۶
اوسفول، ۱۶۵	اوبیانیس، ۵۷	انگور سگان، ۱۲۸	انطریون، ۶۶
اوسفون، ۱۶۵	اوترمسوا، ۹۳	انگیان، ۶۵	انطولیا (شام)، ۲۹۷
اوسفید، ۶۸	اوئنا، ۱۰۴	انلی، ۸۸، ۱۵۰	انطویا، ۲۹۷
اوسیرس، ۱۲۲	اوئومیس، ۲۷۵	اَنلیه کمبیانه، ۱۵۳	انطوینا (لاتینی)، ۲۹۸
اوسیمون، ۴۶	اوجا (تنکابن و دیلم)، ۲۲۰	اننوس، ۲۶۱	انطینس، ۱۲۲
اوشن، ۱۹۵	اوحی (مازندران)، ۱۲۰	انوئیرا، ۱۴۱	انظر (دمشق و شام)، ۳۶
اوشه (شیرازی)، ۱۹۵	اودومالی، ۶۸	انوخیلوس، ۱۵۵	اَنزِرا، ۶۶
اوفاریقن، ۲۹۸	اودمون، ۱۷۳	انوسما، ۴۳	انغوزه، ۱۲۱
اوفاریقون، ۲۹۸	اودزی تغس، ۲۴۳	اَنوشَه (لاتینی)، ۱۷۱	اَنف العِجل، ۶۶
اوفال، ۲۵۹	اورابالاوسطون، ۱۰۴	اَنطویلون، ۶۷	انفالیوس، ۷۰
اوقیموئداس، ۶۸	اوراسالیون، ۲۵۳	انوله، ۶۲	انفحه، ۲۵۰
اوقاس، ۳۹	اوراسیمون، ۲۹۰	اَنوما، ۶۸	انفسینی، ۱۱۹
اوقانتوس، ۶۱	اورافلون، ۱۵۳	انومیا، ۱۸۸	انفلوس، ۲۵۵
اوقلاوقا، ۵۹	اوراهیا سلیون، ۲۵۳	انونکسا، ۱۳۶	انقولوفا، ۱۵۳
اوقیمون، ۷۱	اورباس، ۹۷	انیت الشعر، ۲۵۷	انقیطینا، ۱۹۱
اوقیموئداس، ۶۸	اوردپاپاری، ۲۲۸	انیراتا، ۶۷	انقت الا، ۲۵۱
اوقینه، ۵۹	اوردقیون، ۲۳۲	انینسن، ۶۷	انقردیا، ۸۵
اوکا، ۷۱	اورزأ، ۴۴	انیسوم، ۶۷	انقوس، ۲۶۱
اوکامانا، ۲۲۷	اورسالیون، ۲۵۴	اَنسیسون، ۶۷، ۷۸، ۱۵۲	انقیلامی، ۹۴
اوککه، ۲۴۱	اورسیمون، ۲۳۰	۱۵۳، ۲۶۲	انقیون، ۱۸۴
اولایی بوشاشا، ۱۱۶	اورغیون، ۵۰	انیسون البری، ۱۱۴	انکالن (فرنگی)، ۶۳
اولسطیون، ۱۰۱	اورمش، ۱۰۵	انیسون بری، ۷۸	انکر (شیرازی)، ۲۳۶
اولیاطیوم، ۲۵۵	اورمون، ۱۰۲	انیطوا (لاتینی)، ۱۸۴	انکرانا اوکاما، ۶۵
اولیذا، ۱۴۷	اورمینون، ۲۲۴		انکزر، ۱۲۱

أبیجَه (اندلس)، ۱۳۸	ایل، ۷۰، ۲۳۲	ایدو صارون، ۶۹	اولیه، ۲۵۲
أبرس، ۲۰۸	ایلانجی، ۲۳۲	ایدون، ۴۶	اولیه دَلْبِیْر، ۲۶۹
أبرنج، ۴۴	ایلر سیا، ۸۸	ایدونیارون، ۶۹	اومادا، ۲۳۳
أَبْرُوذِیَا، ۱۱۸	ایلیقس، ۱۲۶	ایدو سسون، ۲۹۰	اومومون، ۱۲۴
أَبْرُوَطْنُون، ۷۷	ایلیقتران، ۲۶۴	ایدی صارون، ۱۴۴	اومیطرون، ۲۴۶
أَبْرُوَطْنُون، ۲۴۷	ایلیو طرویون، ۲۰۴	ایرامامیز، ۶۹	اونت کناره، ۵۰
أبرة الراعی، ۳۷	ایلیو طرویون طوماغا، ۲۰۴	ایردو بساناس، ۶۹	اونت کناره، ۱۸۹
أبرة الراهب، ۳۷	ایلیو طرویون طومقرون، ۲۰۴	ایردو سیاناس، ۶۹	اونظریشا، ۲۲۶
أبلم، ۳۸		ایرس، ۳۹	اونودیاء، ۲۳۳
أبلم، ۳۸	ایمارانوطولی، ۷۰	ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱	اُونِیَا، ۶۸
أبلم، ۲۸۳	ایمارس، ۹۳	ایر صا، ۲۷۳	اونیاغائه (لاتینی)، ۲۴۴
أبلمة، ۳۸	ایمارو قالاس، ۸۰	ایزن، ۲۷۳	اونیره، ۸۱
أبوحنسا، ۳۸	اینارهر، ۱۳۸	ایرنجان، ۲۳۶	اوهیر، ۳۹
أبوشاد، ۱۸۹	اینبروئی، ۱۴۶	ایرنجی، ۱۰۵	اوهیر، ۳۹
أبوفایس، ۳۹	اینه، ۱۲۶	ایرنجی، ۲۳۶	اویشم (اصفهان)، ۱۹۵
أبوفایس، ۳۹	ایورش، ۲۸۳	آیرنی، ۲۷۳	اهالوا، ۱۱۵
أبوفسطن، ۳۹	ایو سقوامس، ۸۸	ایرنیوقرینوس، ۱۸۰	اهر، ۱۷۸، ۲۶۹
أبوفسطن، ۳۹	ایهقان، ۱۰۲	ایروفلون، ۱۵۳	اهلیج، ۶۸
أبومارثون، ۱۵۲	آآقتس، ۱۱۴	ایروقولیون، ۱۷۴	اهلیج اسود، ۶۸
أبهل، ۱۴۹	أأرون، ۲۷۳	ایریس، ۷۰	اهلیج اصفر، ۶۸
أبید، ۳۹	أأفشرو، ۳۶	ایریفارون، ۷۰	اهلیج چینی، ۶۸
أبیلَه دِطَلْبَاطَه (اندلس)، ۳۷	أأقونیطن، ۱۲۸	ایریمورون، ۱۸۰	اهلیج کابلی، ۶۸
أبی مالک (مغرب)، ۱۸۵	أأقیس، ۲۲۵	ایرینون، ۷۰	اهلیج هندی، ۶۸
أترجی الرائحة، ۷۱	أألیمون، ۲۴۲	ایزون، ۳۷	ایارانوطابی، ۶۹
أتم، ۱۶۵	أأمومن، ۱۲۴	ایزیویون، ۳۷	ایسقسوس، ۲۸۴
أثاب، ۴۰	أأمی، ۲۶۲	ایزیفازن، ۷۰	ایبولوبوس، ۲۵۰
أثبة، ۴۰	أأنیسن، ۶۷	ایساطس، ۲۹۲	ایثوسیس، ۲۷۵
أثرار، ۴۰	أأبائس، ۳۳	ایسقسوس، ۱۳۶	ایثولیس، ۶۹
أثرار، ۶۱	أأذاریذا، ۶۴	ایشن، ۱۹۵	ایدراسیمون، ۱۱۳
أثل، ۲۹۰، ۲۰۷، ۴۰	أأرن، ۲۷۳	ایصورین، ۱۱۳	ایدع، ۶۹، ۱۴۶
أج، ۱۰۶	أأریصارن، ۲۷۳	ایعاسوفسین، ۱۰۵	ایدمامیر، ۶۹
أجاص، ۲۱۷	أأطا، ۱۳۶	ایغرتی، ۳۷	ایدو صارون، ۲۶۹
أجاص الأبیض، ۱۸۴	أأنامونی، ۱۸۸	ایغسه، ۹۳	ایدیاسمن، ۱۱۳
أجاص شتوی، ۱۶۲	أباغساله، ۱۸۵	ایفلوفوس، ۲۵۰	ایدیاسمن، ۲۹۰
أجاص کوچک، ۷۶	أبامالک، ۱۸۵	ایفوریس، ۱۵۱	ایدیاسمین، ۱۱۳
أجرد، ۴۲	أباءه، ۳۷	ایقذ، ۱۱۴	اینداآریذا، ۶۹
أجیلبس، ۱۴۷	أباز، ۳۷	ایکده، ۲۱۹	ایدنطوس، ۲۶۶
أحراز (صقالبه)، ۱۱۶	أبجاله، ۶۷	ایکور، ۷۵	ایدو سارون، ۶۹



أحریص، ۴۲	أرجه (لاتین)، ۲۱۳	أزوری، ۱۴۱	أسنام، ۵۰
أحیرش، ۴۲	أرجیقن، ۴۴	أزیر، ۵۹	أسوفون، ۱۶۵
أخلة، ۷۹	أرخس، ۱۳۵	أسارون، ۲۸۸، ۴۶	أسیدار، ۵۰
أخلیوس، ۴۲	أردمانه، ۲۶۷	أساطیس، ۲۱۱، ۱۱۳	أسیرون (اندلس)، ۱۱۶
أخلیوس سندریطس، ۱۴۶	أز، ۱۹۷	أساطیس، ۲۹۲	أشبرتاله، ۵۰
أخلیوس سندریطس، ۱۷۹	أز، ۲۴۷	أساطیس أغریا، ۲۱۱، ۱۱۳	أشبطانه (لاتینی)، ۱۸۱
أخیون، ۴۲	أرسلووخیا، ۱۶۱	أسبست، ۱۵۶	أشتر، ۲۷۴، ۲۰۴
أداد، ۵۱	أرسطولوخیا، ۱۶۰	أستن، ۴۶	أشترغاز، ۱۶۴
أداد الوحید (مغرب)، ۴۷	أرطاماسیا، ۶۱	أشجاره، ۴۶	أشتیوان، ۷۹
أدادی (اندلس)، ۲۶۹	أرطاماسیا، ۷۷	أسحاره، ۹۶، ۱۹۰	أشخیص، ۴۷
أدریاس، ۹۷	أرطریفیون، ۶۰	أشحفان، ۴۶	أشیره، ۴۶
أدریس، ۹۷	أرغامونی، ۱۸۸، ۱۳۸	أسجل، ۴۶	أشق، ۲۳۲
أذیرزا، ۴۲	أزغامونی أغریا، ۱۸۸	أسجل، ۱۳۷	أشق الابله، ۵۲
أذخیر، ۴۳	أزغیس (اندلس)، ۱۲۰	أسد الأرض، ۶۸	أشقالیه (اندلس)، ۲۱۳
أذریون، ۳۵	أرقطیون، ۴۵	أسرغنت، ۱۷۰	أشقرذین، ۴۹، ۹۸
أذئاب البقر، ۱۵۱	أرقطیون آخر، ۴۵	أسطافالینوس أغریوس، ۱۰۳	أشق (مصر)، ۲۵۹
أذن الأرنب، ۲۶۹، ۲۷۰	أرقوئس، ۲۰۸	أسطافاندا اغریا، ۱۱۱	أشقیطله، ۶۱
أذن الثور، ۲۶۹، ۲۵۲	أرماک، ۴۵	أسطراطیقوس، ۴۷	أشقیل، ۴۹
أذن الجدی (اندلس)، ۸۲	أزمینن، ۴۵	أسطراطیوس، ۱۵۱	أشقیل، ۲۱۵
أذن الحمار، ۴۳	أرنبی، ۲۶۵	أسطراغلس، ۴۸	أشکائییه (لاتینی - اندلس)، ۲۱۳
أذن الحمار (اندلس)، ۶۸	أرنقالس، ۲۶۹	أسطنکه (فرنچی)، ۶۱	أشکل، ۲۱۳
أذن الغزال، ۳۳، ۲۷۰	أرنیئوس غالا، ۱۹۴	أسطوخودوس، ۱۹۷	أشکوذ، ۶۱
أذن الوطواط، ۴۳	أروسیطیقون، ۱۷۱	أسطوخودوس، ۴۷	أشکیطله (لاتینی)، ۱۲۰
أذنه، ۵۹	أروسیتمن، ۹۶	أسفراغس، ۲۹۷	أشنان القصارین، ۵۲
أرأا، ۱۶۴، ۱۹۴	أروسیمن، ۱۹۰	أسفست، ۱۵۶	أشنان داود، ۵۲
أراک، ۲۱۶، ۲۴۹	أروسیمون، ۹۶	أسفلیئس، ۴۸	أشنان فارسی، ۵۲
أزباقه (لاتینی)، ۱۴۹	أریصارون، ۲۷۳	أسفند، ۴۸	أشنه، ۵۶
أزبئشس آیمازس، ۱۲۴	أریقارون، ۱۹۳	أسفیوس، ۷۸	أصابع الصفر، ۱۸۶، ۲۵۹
أریبان، ۴۴	أریقون شاطوریون، ۱۳۵	أسقردین، ۹۸	أصابع العذری، ۵۳
أریبان (شام)، ۴۴	أریققی، ۴۶	أسقلیاس، ۴۸	أصابع الفتیات، ۲۲۵
أرتدبرید، ۴۵	أریققی، ۱۳۷	أسقیون، ۶۹	أصابع القینات، ۵۳
أرتقی، ۱۱۰	أزاددرخت، ۳۵	أسکاطامن، ۶۶	أصابع هرمس، ۵۳
أرتقی (اندلس)، ۱۱۰	أزاز، ۵۳	أشل، ۱۷۵	أصاص، ۵۳
أرجان، ۴۴	أزذف، ۱۶۲	أشل (اندلس)، ۵۰	أصطرک، ۵۳
أرجل الجراد (لبنان، عراق، شام)، ۱۶۱	أزراری، ۹۷	أسلیح، ۵۰، ۸۷	أصطرک، ۲۸۶
أزجقه، ۴۴	أزرغن، ۶۱	أسلیلی، ۱۸۴	أصطقلین (شام)، ۵۴
أرجونیه، ۲۸۵	أزرد، ۴۵	أسمانن، ۲۸۵	أصفوزن، ۵۴
	أزمر، ۱۶۶		

أضحیان، ۵۴	أفوسالینون، ۲۵۳	أقنن، ۹۰	ألویی، ۶۱
أضراس الکلب، ۵۴	أفوقوئن، ۴۲	أقیثا، ۷۱	ألویی، ۱۹۵
أطاء، ۵۴	أفوقوئن، ۱۲۸	أقیمن، ۵۹	ألیخریسون، ۶۱
أطاء، ۲۲۰	أفولابائثن، ۱۲۲	أقینس، ۲۲۵	أمارنطن، ۶۱
أطباء الکلبه، ۱۶۷	أفومارثن، ۱۵۳	أقینس، ۲۲۵	أمارنطن، ۶۱
أطرَقطولس، ۲۱۰	أفومارثون، ۱۵۲	أکباب، ۲۱۶	أماره، ۶۱
أطرماله، ۵۴	أفیغون، ۵۶	أکرار، ۵۹	أماسیرنیون، ۱۵۱
أطماط، ۵۴	أفیفقطس، ۵۶	أکر البحر، ۵۹	أم الشغراء، ۷۵
أظفار القیط، ۱۸۵	أفیونی، ۵۶	أکسورس، ۱۸۱	أمبرشیا، ۷۷
أعرابی، ۸۰	أفیمارون، ۵۶، ۱۸۱	أکشوث (مغرب، مصر،	أم دفراء، ۶۲
أعصاب، ۱۹۳	أفیمیذیون، ۵۷	أفریقا)، ۲۵۸	أمذریان، ۶۲
أغافث، ۱۸۸	أفیمیذیون، ۵۷	أکفیل، ۴۹	أمروسیا، ۶۱
أغالوجن، ۵۴	أفیوس، ۵۷	أکلیل الجبلی، ۲۷۴	أمصوخ، ۶۲
أغرسطس، ۹۹	أفیون، ۱۳۴، ۲۷۹	أکلیل الجیل، ۵۹	أم غیلان، ۲۱۶
أغرسطس، ۹۹	أفالیس، ۴۰، ۵۷	أکلیل النفساء، ۲۷۴	أملال، ۹۰
أغرومی، ۲۸۹	أفاقیا، ۱۳۲، ۱۹۱	أکلیلی، ۲۶۸	أمثال، ۹۱
أغلیس، ۹۸	أفالیقی، ۶۵	أکموزان، ۶۰	أمثال، ۲۱۷
أغئس، ۴۱	أقجاله (اندلس)، ۲۴۷	ألاغزیا، ۱۶۶	أملیس، ۶۳
أغیراطن، ۵۵	أقحوان، ۳۵	ألاطی، ۶۰	أملیسی، ۲۱۳
أغیراطین، ۵۵	أقحوان، ۱۸۶، ۲۳۴	ألافوسقن، ۱۵۶	أمیرباریس، ۱۲۰
أغیرس، ۵۵، ۱۲۷	أقحوان زرد، ۹۰	ألافویثقن، ۱۵۶	أمیرون، ۲۹۸
أغیلان، ۶۲	أقسوس، ۵۱، ۵۸، ۱۸۶	ألانیون، ۱۵۳	أمیونیطس، ۱۱۹
أفار، ۹۹	أقسوس، ۱۴۳	ألانیون، ۱۵۳	أناطیا(قبطی)، ۶۳
أفارینی، ۸۶، ۱۱۸	أقسیا، ۵۱، ۵۸	ألأسفاقس، ۶۰	أناطیریا أرمالی، ۶۳
أفافی، ۹۲	أقطف (شام)، ۲۷۵	ألباین، ۶۰	أناغلیس، ۳۴
أفانی، ۵۵	أقطن (یمن)، ۵۸	ألباینه، ۶۰	أناغرن، ۶۲
أفثیمون، ۱۶۷، ۲۵۸	أقطنی، ۸۵، ۱۳۸	ألتاآ، ۱۳۶	أناغلس، ۲۳۱
أفزیون، ۵۵	أقطنی، ۱۳۸	ألسفاقس، ۶۰	أناغورس، ۱۳۲، ۲۱۶
أفستین، ۱۳۰	أقظیون، ۹۰	ألسنه العصافیر، ۱۷۸	أنبالس لوقی، ۲۲۲
أفستین، ۱۹۳	أقمام، ۳۶	ألسینی، ۳۴	أنبالس مالیس، ۲۲۲
أفستین البحری، ۵۶	أقتا، ۷۱	ألف دینار، ۶۰	أنبطرون، ۶۳
أفستین الساحلی (اندلس و	أقتا أرابیقا، ۱۸۹	ألف ذراع، ۲۹۷	أنتله بیضاء، ۶۴
مغرب)، ۵۶	أقتا أرابیقی، ۱۸۹	ألف ورق، ۱۱۰	أنتله سوداء، ۶۴
أفستین بحری، ۱۹۳	أقتا أقیس، ۶۱	ألئسینی، ۱۱۹	أنئلیش، ۶۴
أفلاطینس، ۱۴۶	أقتالوقی، ۵۸	أللیقاقابن، ۲۱۵	أنتامیس، ۷۰
أفملیس، ۱۶۲	أقتالوقی، ۷۱	ألوبن، ۶۰	أنئلیس، ۶۴
أفورس، ۵۰، ۱۵۱	أقتس، ۱۱۴	ألوسن، ۶۰	أنئیمس، ۶۴
أفورس، ۱۵۱	أقتون، ۵۸	ألومس، ۱۴۳	أنئیمس، ۷۰

بایبر، ۷۵	ایفورس، ۵۰	اورسیمون، ۴۶	آنثیون، ۱۸۴
باتو، ۱۷۰	ایفورس، ۱۵۱	اورونجی، ۲۰۱	آنجبار، ۱۵۷
باتو (شیراز)، ۱۴۷	ایلاقدیشا، ۴۱	اوروبنخی، ۴۷، ۶۸، ۱۱۸	آنجبار (اندلس)، ۶۴
باجرا، ۱۰۰	ایلیوپتروبیون، ۹۵، ۱۹۴	اوریغانتش، ۱۹۵	آنجبار رومی، ۶۵
باجروجی، ۷۰	ایمارو قالس، ۷۰	اوزیمن، ۱۰۲	آنجشا، ۶۶
باخاریون، ۱۴۶	ایمازوقالس، ۱۶۴، ۱۸۱	اوسانی (آفریقا)، ۲۶۹	آنجوک، ۶۶
باخیون، ۷۳	ایمونیطس، ۷۰	اوسین، ۶۸	آنجیله، ۳۸
بادآورد، ۲۷۸	ایهقان، ۷۰	اوشیرس، ۶۸	آنخسا، ۳۸
بادام، ۱۹۷، ۲۷۱	ایهقان، ۱۰۲	اوظمو، ۲۹۵	آنخوسا، ۳۸
بادام تلخ، ۲۷۱		اوظمی، ۶۹	آندراسیون (لاتینی)، ۶۶
بادام شیرین، ۲۷۱		اوفیوشقرزین، ۹۸	آندرختی، ۸۳
بادامک، ۱۳۶		اوقیمن، ۷۱	آندروافقسس، ۲۴۱
بادام کوهی، ۱۰۵	بایدونیقی، ۲۷۶	اوکسجونس، ۵۰	آندروسا، ۱۵۸
بادام نشک، ۱۹۶	باباری، ۴۶، ۷۰، ۱۴۲، ۲۲۷	اوکسجونوس، ۵۰	آندروساژن، ۶۹
باداورد، ۷۱	بابجی، ۸۵	اولسطیون، ۱۰۱	آندروصاقس، ۶۶
بادنخم (سیستان)، ۱۵۲	بابروس، ۷۵	اولیرا، ۲۱۳	آندراشیون، ۷۴
باد دقلنبه، ۱۲۴	بابری، ۷۱	اولیرا، ۲۶۳	آنس النفس، ۶۶
باددلبزین، ۲۶۵	بابلایانا، ۱۱۵	اونوسما، ۶۸	آنطریژن، ۶۷
باددلبه، ۲۵۸	بابلس، ۳۳	اونوما، ۴۳، ۶۸	آنطویا، ۶۶
بادرُج، ۷۱	بابلص، ۷۰، ۲۹۵	اونیگاهته (لاتینی)، ۱۸۵	آنطویا، ۲۹۸
بادرنویه، ۷۱	بائُلن، ۱۴۵	اهلال قسطا، ۶۸	آنغرا، ۶۶
بادرنجوبیه، ۷۱	بابونج، ۴۴، ۵۴، ۵۷، ۵۸	اهلیلجات، ۶۸	آنف العجل، ۶۷
بادرنجوبیه، ۱۱۳	۶۴، ۷۰، ۹۱، ۱۲۸، ۲۱۷	ایارابوطانی، ۶۹	آنف العجل، ۶۷
بادرنگ، ۷۱	۲۳۴	ایارابوطانی، ۷۰	آنقردیا، ۶۷
بادرنگبویه، ۷۱	بابونج الاسود، ۵۸، ۱۵۳	ایویسیس، ۶۹	آنقردیا (رومی)، ۶۷
بادروج، ۶۸، ۸۴، ۱۱۳	بابونج الجلی، ۵۸	ایدایاریزا، ۶۹	آنیسون، ۱۵۳
بادروج (نبطی)، ۷۱	بابونج الحمیر (فاس)، ۵۷	ایدع، ۲۶۳	آنیط (لاتینی)، ۱۸۴
بادره، ۲۹۵	بابونج الخریفی، ۵۸	ایدوصارون، ۶۶	اوا، ۲۱۹
بادکبینه، ۲۵۸	بابونج الرومی، ۵۸	ایدیصارون، ۶۶	اواقثوس، ۶۷
بادلیون، ۲۸۳	بابونج الطلیطلی، ۵۸	ایرنجان، ۱۹۲	اوبشٹی، ۵۶
بادنجان، ۷۲	بابوتق، ۶۴	ایرنجی، ۱۹۱	اوبقلصن، ۶۷
بادنجان، ۱۱۴	بابوتق (مغرب)، ۷۰	ایرنجی، ۲۳۶	اوبوطیلون، ۶۷
بادنجان بری، ۷۲	بابونک، ۷۰	ایریس، ۷۰، ۱۸۱	اوبه قینینه (لاتینی)، ۲۱۵
بادنجان بری (قدس)، ۱۱۴	بابونه، ۵۷، ۷۰	ایریغارن، ۷۰	اوبیبذجی، ۸۳
بادنجان دشتی، ۱۱۴	بابونه گاو، ۵۷	ایزون الصغیر، ۳۷	اوثنآ، ۶۷
بادنگان، ۷۲	بابونه گاو چشم، ۵۷	ایزون الکبیر، ۳۷	اوثنآ، ۶۸
بادیان، ۱۵۲	بابوته، ۶۴	ایسفسس، ۱۶۵	اوذرباری، ۲۲۸
بادیان خطائی، ۷۲	بابونی، ۷۰	ایسقوامس، ۸۸	اوراسالینون، ۲۵۳

### حرف «ب»

بادیان رومی، ۶۷	باریلوماین (اندلس)، ۷۳	بامیه، ۷۴	بَخور الأكراد، ۷۴
بادیقون (سوریه)، ۶۵	باسلیقا، ۱۰۶	بان، ۱۱۱	بخور البربر، ۱۷۰
بازام طلخ، ۲۷۱	باسلیقون، ۲۸۹	باناقس، ۱۰۰	بخور البربر، ۱۷۰
بازامک، ۷۲	باسلیقی، ۱۱۳	بانس، ۲۴۰	بَخور السُودان، ۷۴
بازاڭگان، ۷۲	باشان، ۷۳	بانسه، ۴۶	بخور النتی، ۲۶۶
بازبیلین، ۱۱۶	باشیون، ۷۳	بانفیج، ۲۱۰	بخور عایشه، ۱۴۸
بازرنبویه، ۷۱، ۲۵۷	باطاسیطس، ۹۳	بانقش (نیشابور)، ۸۱	بخور عایشه، ۲۵۶
بازرنبویه بری، ۸۳	باطالا، ۱۴۴	بانکریزی کلوف، ۲۳۸	بخور مریم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶،
بازرنجبویه، ۸۲	باطانیقی، ۱۵۵	بانوج، ۲۶۱	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷
بازرنجویه، ۲۵۷	باطراخیون، ۲۵۳	بانورس، ۷۵	بَخور مریم، ۷۴
بازرنگ، ۴۰	باطرنیقی، ۷۵، ۸۷	باهستان، ۲۱۸	بخور مریم (آفریقا)، ۱۳۰
بازرواکوهی، ۷۱	باطس، ۲۱۳	بَیْراطَه (لاتینی)، ۱۹۲، ۲۳۶	بَدَاشِقان، ۷۵
بازروج، ۷۱	باطَس، ۲۱۳	بَیْزَه، ۱۱۴	بدالیون، ۲۸۳
بازرود، ۵۸	باغ پر باغ، ۲۶۹	بیسطین، ۲۷۵	بداوان (شیراز)، ۱۴۸
بازنجان، ۷۲، ۲۸۳	باقریقوی خنجر، ۲۱۰	بیلجش، ۱۵۷	بُدَاة، ۲۶۰
بازنجان البری (اندلس)، ۲۵۸	باقلاً، ۷۳	بیلیون، ۲۹۵	بدران (شیراز)، ۵۱
بازنجان بری، ۲۰۷	باقلامصری، ۹۳	بَیْلَه، ۵۸	بدسکان، ۷۵
بازدَوَزْد، ۳۴، ۷۲	باقَلای قبطی (مصر)، ۷۳	بَیْلَه الاصفَر، ۵۴	بدشغان، ۷۵
بازدورد، ۱۱۴	باقلی، ۷۳	بَیْلیرَه، ۵۸	بدشکان، ۲۵۹
بازورد، ۱۱۴	باقلی هندی، ۵۴	بَیْیْتَه، ۷۴	بدکستان، ۷۵
بازی بلاله، ۱۲۳	باقولا، ۲۴۲	بَیْیَه، ۷۴	بدکشان، ۷۵
باربه دلایر، ۱۰۳	باکر، ۷۳	بتال مکهان، ۲۸۴	بدلیون، ۷۵
باربه قُتلیه، ۱۰۳	باکسیان، ۸۲	بترج، ۱۶۱	بدلیون، ۲۸۳
بازرَد، ۷۲، ۲۴۶	بالانوس، ۱۰۷، ۲۵۰	بشروطوس، ۲۵۸	بدیلثون، ۲۵۵
بازرد، ۲۹۱	بال چهر، ۱۷۷	بجبلین، ۱۱۶	بداشغان، ۷۵
بازرَد، ۷۲	بالدرغان، ۶۵	بجوژه، ۴۰	بدالیون، ۲۸۳
بارسطاریون، ۷۰، ۷۳	بالسطیون، ۱۰۴	بجُه، ۱۴۷	بذر، ۱۲۶
بارسطوان، ۱۲۴	بالسطیون، ۱۰۴	بچند (سیستان)، ۲۴۵	بذر السداب، ۱۶۷
بارشک، ۲۶۹	بالسه، ۷۳	بجو (فارس)، ۲۵۷	بذلوزن، ۱۰۶
بارض، ۹۱	بالش عاشقان (شیراز)، ۲۳۳	بچه، ۲۹۳	بدلیره، ۱۰۳
بارقیون، ۱۹۱	بالقس، ۳۸	بحتریه، ۶۷	بذلیون، ۲۸۳
بارلیوس، ۳۰۰	بالک جوهی، ۷۳	بَحْن، ۷۴	بذَه، ۲۲۰
بارنج، ۱۰۹	بالکی البار، ۲۵۹	بحنه، ۷۴	بر، ۱۲۶
بارون، ۲۰۵	بالنکو، ۷۳	بُخْتَرَنَه، ۶۰	بُر، ۱۲۶
بارونوخیا، ۲۳۱	بالنگ، ۴۰	بخرک (شیراز)، ۱۰۵	برائی، ۳۹
بارویشا، ۲۳۱	بالنگو، ۷۱	بخره، ۷۴	برائی، ۳۹
باریسطاریون، ۱۵۶	بالوط، ۸۶	بُخْشْش، ۲۹۰	براجیل، ۲۵۳
	باله، ۷۴	بَخور، ۲۴۷	براخشنه، ۱۴۴

براذج، ۱۶۱	بردقیاس، ۱۱۹	برغست، ۲۴۵	برنیکان، ۸۴
براسن، ۸۰	بردیه، ۳۷	برغشت، ۲۴۵	برواق (مغرب)، ۱۳۸
بُرَاسِنُوشُقَرُذَین، ۹۸	برس، ۳۹، ۲۴۲	بِرْغُوئی، ۷۸	بِرْوَانی، ۷۸
براسن وقفالوطن، ۸۰	برسانبون، ۱۲۱	بر (فرنگی)، ۲۵۳	بروانیا، ۷۸
بُرَاسِین، ۲۲۴	بُرُسْتَم (آفریقا)، ۱۶۱	برقا مصر، ۷۶	برواونثلاسیون، ۲۰۰
براکیس یری، ۷۶	بُرُسْتَم (فاس)، ۱۶۰	بِرْقَلِی (لاتینی)، ۸۳	برواه، ۵۲، ۲۰۲
برانیا، ۶۷	برس غنچه، ۳۹	برقوق، ۷۶، ۱۳۹	بروئا، ۳۹
براونیا، ۲۲۲	برسون، ۲۲۴	برقوق (فاس)، ۴۱	برورا، ۱۰۰
براونیا، ۲۲۲	برسیا، ۷۶، ۸۸، ۲۶۶	برقوقیه، ۲۸۲	بروطوس، ۲۵۷
براهمی، ۱۶۱	برسیاج دارو، ۲۱۰	برقه، ۱۰۶	بروق، ۳۷، ۱۳۸
برباریس، ۳۵، ۵۸، ۶۱، ۱۶۳	برسیانا، ۷۶	پزکان، ۷۶	بروقیا، ۲۰۴
بِرْیَخینا، ۸۲	برسیاندارو، ۷۶	بِرْکسوس، ۷۶	بُروله، ۲۸۰
بریشکة (اندلس)، ۹۰	برسیان دارو، ۲۱۰	برکشان، ۲۵۷	برومس، ۱۲۶
بریطور (اندلس)، ۲۷۴	بِرْسیاؤشان، ۷۵	بِرْکک شیرازی، ۷۶	برون، ۳۹، ۱۳۰، ۲۰۰، ۲۴۹
بربله، ۲۶۳	برسیاوشان، ۱۸۷، ۲۰۷	برکیره، ۴۷	بُرُون، ۵۵
بربنافقه، ۷۵	بِرْسیقا، ۱۳۹	برکینه، ۲۴۰	بُرُون البخری، ۵۵
بربنافقه، ۱۲۲	برسیون، ۷۶	برکینه، ۴۷، ۱۵۴	برون (پرتغال)، ۲۶۲
بربوث، ۵۲	برش، ۲۵۸	برگ فرنجمشک، ۲۲۵	بُرُون نالاشیون، ۲۰۰
بربوذا، ۵۲	برشاد، ۱۸۹	برگک (شیرازی)، ۲۴۵	بروند (فرنگی)، ۲۴۰
بُرْیُوذِیَه (لاتینی)، ۷۹	برشف، ۲۴۲	بِرْم، ۷۷	بِرْهَنتا، ۷۸
بربهن (اصفهان)، ۸۳	برشک، ۲۲۵	برم، ۲۱۷	برهلایا، ۱۵۲
برتراسک، ۲۴۷	بُرْشون، ۹۴	برمس، ۷۷	برهمن، ۹۲
برتراسک (شیراز)، ۷۷	برشیان دار، ۲۱۰	برنبهی، ۱۶۱	برهمی، ۱۶۱
برتفش، ۴۶	برشیان دارو، ۲۱۰	برنج، ۴۴، ۲۴۸	بِرْزِیاله، ۷۸
برتلاقش، ۴۶	برشیاوشان، ۱۸۷	برنجاسب، ۲۴۷	بِرْزِیا مصری (مصر)، ۷۸
برثانیون، ۵۷، ۵۸	برشیاوشان، ۲۵۷	بِرْنجاسف، ۷۶	بربجا، ۷۲
برثماز، ۱۱۳	برشیاوشان داوران، ۲۵۷	برنج اسف، ۷۶	بریدفوقه (اندلس)، ۲۰۵
برجارش، ۱۱۳	برشیقا، ۱۰۷	برنجاسف، ۷۷، ۱۹۰، ۲۴۷	بریر، ۴۳
برجی، ۹۶	برشیقا (افرنجی)، ۴۰	برنجاسف کوهی، ۵۵	بِریر، ۲۳۳
برجین، ۹۶	برشیقا میلا، ۱۳۹	برنجان، ۹۶	بری مائی، ۲۰۲
بُرْجین، ۲۱۴	برطانیقی، ۶۰، ۲۳۹	برنج کابلی، ۷۷	بِرْیون، ۵۲، ۱۹۲
برد الحریض، ۲۳۶	بِرْطانیقی، ۷۶	بِرْنجمشک، ۲۲۵	بزاج، ۱۰۴
بردبلاسقیس، ۱۱۵	برطانیقی (لاتینی)، ۲۳۹	برنفیس، ۲۲۵	بِرْزِیل القَطَه (آفریقا)، ۳۷
بردرده، ۲۰۸	برطره، ۲۰۵	برنق، ۴۴	بزبار (شیرازی)، ۷۸
بردنمانمون، ۲۵۷	برطوماش، ۴۶	برنک، ۴۴	بزبان، ۱۰۷
برد و سلام، ۲۶۹	برطینی (لاتین)، ۲۵۹	برنگ، ۷۷	بز اسفناج البری، ۱۱۸
بردی، ۷۵، ۱۶۷	برغال سالی (فرنگی)، ۸۳	بِرْنوف، ۷۷، ۱۸۳، ۲۱۴	بزر الانجره، ۶۵
بردیسیون، ۱۰۱	برغث (خراسان)، ۲۴۵	برنیس، ۷۷	بزر البصل، ۸۰

بُسام (آفریقا)، ۷۴	بُسباسة، ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۹۹،	بزر النمام، ۱۸۲	بزر البطیخ، ۸۱
بشائق، ۲۴۷	۲۳۸	بزر الورد، ۲۹۳	بزر البنج، ۸۸
بُشْبُش، ۱۲۶	بسباکه (فرنگی)، ۲۲۵	بزر الهلیون، ۲۹۷	بزر البنجنکشت، ۴۱
بشیش، ۱۲۶	بستان ابروز، ۷۸	بزر الهوه، ۹۶	بزر الجرجیر، ۱۰۲
بشبوقة (اندلس)، ۱۳۸	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۷۸،	بُزُر بُردی، ۷۸	بزر الجزر البری، ۱۰۳
بِشت، ۱۰۵	۱۴۷، ۱۲۲	بزر بیلاستیس، ۱۱۵	بزر الجزر البستانی، ۱۰۳
بشتر، ۲۶۶	بستان الجواری، ۷۸	بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴	بزر الحجری، ۲۴۳
بشتاقه، ۱۰۳	بستانه، ۵۵	بُزُر قَطونا، ۷۸	بزر الخبازی، ۱۲۹
بُشْج مائی، ۲۸۰	بستقی، ۲۲۵	بزر قطونا، ۱۶۰	بزر الخُبة، ۱۲۹
بشررسون، ۱۸۰	بستناج، ۸۱	بزر قطونا، ۱۷۷	بزر الخرفه، ۸۲
بشرمساح (مصر)، ۷۳	بستولاک، ۱۷۰	بزر قطونا (عراق)، ۷۸	بزر الخس، ۱۳۳
بِشَط، ۱۴۳	بستیناج، ۷۹	بُزُرکتان، ۲۵۱	بزر الخشخاش الاسود،
بشطانیقا، ۸۴	بسد، ۷۹	بُزُرکتان، ۲۵۱	۲۹۸
بشعیرا، ۱۶۹	بُسُد، ۷۹، ۱۴۰	بزر لسان الحمل، ۲۶۹	بزر الخطمی، ۱۳۶
بشکرانی (اندلس)، ۵۱	بُسُد، ۷۹	بزشوم (نجد)، ۹۵	بزر الخمخم، ۹۶
بشکرانیه (اندلس)، ۵۱	بُسُر، ۹۴	بُزُعُجج، ۲۲۵	بزر الرازیانج الرومی، ۶۷
بشکرانیه، ۵۱، ۱۱۴	بُسُرَة، ۹۱	بزغد، ۲۲۵، ۲۳۷	بزر الرطبه، ۱۵۵
بشکراین الاسود، ۵۱	بسطاقیا، ۲۲۵	بزندیخند، ۲۴۵	بزر الریحان، ۱۵۹
بشکل (حجاز)، ۹۵	بِسطاقیا، ۲۲۵	بزواق (مغرب)، ۱۳۸	بزر الزيتون البری، ۴۶
بشل (اندلس)، ۱۰۶	بسطیقون، ۱۰۳	بزوثا، ۳۹	بزر السرمق، ۱۷۰
بشَلْشَکَ (لاتینی)، ۱۰۶	بسطیقیا، ۱۰۵	بزوثون، ۳۹	بزر السلق، ۱۷۴
بشلش، ۱۰۶	بسفایج، ۵۴، ۱۴۴	بزوسیاء، ۳۹	بزر الشبت، ۱۸۴
بشم الاسود، ۲۷۲	بِسفایج، ۷۹	بُزُ، ۷۵	بزر العلق، ۱۵۶
بشمه (حجاز)، ۹۴	بسقما، ۱۸۳	بُزیر (سجستان)، ۲۴۷	بزر الفصفصه، ۱۵۶
بشمه (حجازی)، ۱۹۲	بسقواس (اندلس)، ۲۶۷	بساسة، ۱۶۱	بزر الفت، ۱۵۶
بشنه، ۸۰	بسکهره، ۱۲۵	بساط الغول، ۲۰۳	بزر القئا، ۲۳۳
بشنین، ۸۰	بَسِلَة، ۹۳	بساط الملک، ۲۹۱	بزر القند، ۱۵۶، ۲۳۴
بشنین، ۲۷۲، ۲۹۲	بَسَلِیت، ۱۴۹	بسبات بلی کوئیم (لاتینی)،	بزر القداح، ۱۵۶
بشنین (مصر)، ۸۰	بسلیون، ۷۸	۲۱۰	بزر القصب، ۱۵۶
بشوریقون، ۲۲۷	بَسَماط، ۱۳۰	بسباس، ۷۸، ۱۰۷، ۲۱۱،	بزر القُنب، ۲۴۵
بشوش، ۸۰	بَسَناج، ۱۴۸	۲۲۰	بزر الکُنان، ۲۵۰
بشیوما، ۹۶	بسوره، ۱۶۹	بَسباس، ۱۵۲	بزر الکراث، ۲۵۲
بصل، ۸۰، ۹۰، ۱۳۸، ۲۷۳	بَسَیْسَة، ۹۳	بسباسا، ۱۱۶	بزر الکرفس البستانی، ۷۸
بصلا، ۸۰	بسیل، ۱۰۴	بسباس حبشی، ۷۸	بزر الکرفس الجبلی، ۷۸
بصلا (سندی)، ۸۰	بسيله، ۹۳	بسباس رومی، ۷۸	بزر الکرنب، ۲۵۵
بصل الأیض، ۸۰	بسيلة، ۷۹، ۱۰۴	بسباس نبطی، ۷۸	بزر الکشوث، ۲۵۸
بصل الأکل، ۸۰	بُشاش، ۷۰	بسباسه، ۷۸	بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰
بصل البر، ۴۹، ۸۰	بُشام، ۸۰	بَسباسة، ۱۰۷	بزر المط، ۱۵۸

بَقْلَةُ الْحَمَقَاءِ، ٨٢، ٨٣	بطیقای، ٢٩٦	بطراخيون، ٢٥٠، ٢٥٤	بَصَلُ الْبَرِّ، ٢١٥
بقلة الحمقاء، ٢٤٧	بَغْصْرَان، ٢٠٤	بَطْرَاحِيُون، ٢٥٠	بصل البری، ٤٩
بَقْلَةُ الْحَمَقَاءِ الْبَرِيَّةِ، ١٢١	بغلیس، ٢٥٢	بطراسالئون، ٢٥٣	بصل الخراسانی، ٨٠
بقلة الخطاطيف، ٢٥٥، ٢٠٨	بفرخ، ٨٣	بطراسالئون، ٢٢٦، ٢٢٧	بصل الخُرْم، ٨٠
بقلة الرُّمَاهِ، ٨٣	بقتلمن، ٩٠	بَطْرَاسَالِيُون (مصر)، ٢٥٤	بصل الخُصِي، ٨٠
بقلة الرمل، ٨٢	بَقْتَلْمَن، ٩١، ٢١٧	بطراساليون، ٢٢٦	بصل الخنزير، ٨٠
بقلة الزهراء، ٨٣	بَقْتَوْفِرُوثُن، ٨٢	بطرس، ٦١	بصل الخنزير (فاس)، ٤٩
بقلة السنانير، ٨٣	بقره العين، ١٨٢	بَطْرُس، ٧٧	بصل الخنزير (مغرب)، ٤٩
بقلة الضَّبِّ، ٨٣	بقریس، ٢٩٨	بَطْرُس، ١٩٠	بصل الذئب، ٨١، ٨٥
بقلة العدس، ٨٣	بَقْس، ٨٢	بطرسالی (فرنگی)، ٢٢٧	بصل الرومی، ٨٠
بقلة العروس، ٨٣	بقس البلدی، ٨٢	بطرسالینوس، ٢٥٤	بصل الزئر، ٨٥
بقلة الفارسیه، ٨٣	بقسيس، ٨٢	بطرساليون، ٢٥٣	بَصَلُ الزَّازِ، ٨٥
بقلة اللينه، ٨٢، ١٦٢	بقسین، ٨٢	بطرساموه، ٢٥٤	بصل الزیدی، ٨٠
بَقْلَةُ الْمَبَارَكَةِ، ٨٣، ٨٤	بقسون، ٨٢	بطرسلئون، ٢٥٤	بصل الزعفران، ٨٠
بقلة الملك، ١٨٣	بَقْس، ٨٢	بطرقيره، ١١٩، ١٥٩	بصل الزير، ٨٥
بقلة اليماني، ٢٥٨	بقس الكرم، ١٦٠	بطرميقي، ١٧٢	بصل الزيز، ٨٠
بقلة اليمانية، ١٦٢	بقتانيون، ١٩٦	بَطْرَمِيْقِي، ٢١٦	بصل السنجار، ٨٠
بقلة اليهود، ٥٠، ١٢٩، ٢٩٨	بقتاين، ٢٤٩	بطرميقي تاغيغشت، ٢٦٣	بصل السوسن، ٨٠
بقلة اليهوديه، ٨٤، ٩٤، ٢٩٦	بقل، ٩٣، ١٠٣، ١٣٣، ١٣٥	بطره، ٨١	بصل الصغير، ٨٠
بقلة حاضه، ٨٣	١٤٧، ١٥٤، ٢٠٥، ٢٧٤	بطريه، ١١٩، ١٥٩	بصل العصل، ٤٩
بقلة حمقاء بری، ٣٧	بَقْلُ الْحَمَقَاءِ، ٨٢	بطريون، ٨١، ٢٩٢، ٢٣٣	بصل الفار، ٤٩
بقلة حمقاء برية، ٨٣	بَقْلُ الذَّهْبِي، ١٧٠	بَطْم، ٤٣، ٨١، ١١١، ١٩٨	بصل الفارسی، ٨٠
بقلة خراسانی، ٨٣	بقل الذهبی، ٢٤١	بطما، ٨١	بصل الفأر، ٨٠، ٢١٥
بقلة خراسانيه، ٨٣	بَقْلُ الزَّوْمِ، ١٧٠	بطمتا، ٨١	بَصَلُ الْفَأْرِ (مغرب)، ٤٩
بقلة دستيه، ٤٨	بَقْلُ الزَّوْمِ، ٢٤١	بطورنه ماطرش، ٩٩	بصل القی، ٨٠، ٨١
بقلة دشتي، ٨٣	بقل دمشقی، ٨٣	بطوس، ١٩٠	بصل اللوف، ٨٠
بقلة ذهبية، ١٧٠	بقل ريشی، ٨٣	بطيالایا، ٢٩٠	بصل المجوسی، ٨٠
بقلة عائشة (اسكندريه)، ١٠٢	بقله (شام)، ١٤٩	بَطِيْخ، ٨١، ١٤٤، ١٩٠، ٢٧٠	بصل الترجس، ٨٠، ٢٩٠
بقلة عربيه، ٨٤	بقله يمانی، ١٥٥	بطيخ اخضر، ٨٢	بصل النيلوفر، ٨٠
بقلة فاطمه، ٨٣	بقلة، ٢٦٣	بَطِيْخ الصَّخْرِي، ١٢٦	بصل ألهام، ٨٠
بقلة فلفليه، ٢٥٧	بقلة اترجيه، ٢٥٧	بطيخ الطويل، ٢٨٥	بصل بری، ١٥٠
بقلة لينة، ٨٢	بقلة الانصار، ٨٢، ٢٥٥	بطيخ الفلسطيني، ١٢٦	بصل جبئلين، ٨٠
بقلة مانيه، ٨٤	بقلة الاوجاع، ٨٢	بطيخ ألهندي، ٨٢	بصل نسرين المروج، ٨٠
بقلة مباركه، ٨٢	بقلة الأترجية، ٨٢	بطيخ رقی، ٨٢	بطارس، ١٦٩
بَقْلَةُ يَمَانِيه، ٨٤	بقلة الأنصار، ٢٥٥	بطيخ سكری، ٨١	بَطَالَايَا، ١٤٤
بقلة يمانيه، ٨٤	بقلة الباردة، ١٨٥	بطيخ سندی، ٨٢	بَطَالِش، ١١٨
بقلة يمانيه، ٨٤	بقلة البراری، ٨٢، ٨٣	بطيخ عقابی، ٨١	بَطْبَاط، ٢١٠
بقلة يهودية (اندلس)، ٢٣٦	بقلة الحسينيه، ٨٣	بَطِيْخ هندي، ٨٢	بَطْبَاط، ٢١٠

بقل یمانی، ۲۰۲	بلاسفین، ۱۱۵	بلغوثیون برمندار، ۲۱۰	بلیطن، ۸۴، ۸۷
بقم، ۸۴، ۲۱۷	بلاسنطور (فرنگی)، ۸۵	بلغیس، ۲۵۲	بلیطی، ۸۴
بقم، ۲۱۵، ۲۷۰	بلاطر، ۲۹۲	بلقیره، ۱۱۸	بلیلیج، ۸۷
بقنوقومن، ۸۵	بلاقه، ۱۰۹	بناس، ۲۵۰	بمولتان اهری، ۱۳۰
بقول الشعال، ۱۸۲	بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹	بنتائین، ۲۶۹	بن، ۸۱
بقول الصبیه، ۱۸۳	بلال، ۳۵	بنتائین (لاتینی)، ۲۶۹	بن، ۸۹
بقول المائده (مصر)،	بلان، ۸۵	بننجاسف، ۷۷	بنات الرعد، ۲۶۰
اسکندریه، صقلیه، ۲۳۵	بلایه، ۲۲۹	بننجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷	بنات النار، ۶۵
بکا، ۸۵	بلایه جزیره (لاتینی)، ۲۸۱	بلودقش، ۱۳۳	بنات اوزیر، ۲۶۰
بکام، ۳۱، ۳۵	بلایه قبرونه، ۵۹	بلورا، ۲۹۶	بنات مریرا، ۱۲۶
بکاین، ۳۹، ۱۱۱	بلایه (اندلس)، ۲۲۹	بلوز الريح، ۲۹۱	بنادق البریر، ۱۰۸
بکتر، ۱۴۰	بلباسی، ۲۵۰	بلوس، ۲۰۲	بناطش ابذا، ۱۵۳
بکچی، ۸۵	بلیان، ۲۱۴	بلوسیطن، ۱۰۴، ۱۹۱	بن پوتکه، ۲۴۹
بکرش (حجاز)، ۲۱۲	بلبراله، ۲۴۸	بلوط، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۱	بشترقه (رومی)، ۲۳۹
بکریدیا، ۲۹۷	بلنسا، ۸۰	۱۴۴، ۱۶۸، ۲۵۰، ۲۶۰	بشترقه، ۱۶۰
بکریر، ۲۷۵	بلنسس طولیل، ۸۰	بلوط، ۸۶	بشترنقه، ۸۷
بکسیتلان از مور، ۲۱۴	بلبل شامی، ۲۷۷	بلوط ارعا، ۲۶۰	بشترقه، ۸۷
بکسس، ۸۲	بلبلیه الاسود، ۱۵۳	بلوط الارض، ۳۷، ۸۶، ۸۷	بتوشه (اندلس)، ۱۷۱
بکلورم (لاتینی)، ۲۶۸	بلبوس، ۸۰، ۸۱	۲۶۰	بشوقس اوظا، ۳۴
بکم، ۸۴	بلبوس، ۸۵	بلوط الملک، ۸۷	بتومه، ۱۵۷
بکم، ۸۵	بلبوسا، ۱۷۹	بلوطا ملکا، ۸۷	بتومه (اندلس)، ۸۷
بکمون، ۸۵	بلنج، ۹۴	بلوط (شام)، ۱۷۹	بتومه، ۴۳، ۵۲، ۱۵۰، ۱۵۷
بکنز، ۸۵	بلنج، ۹۴	بلوطی، ۸۷، ۱۴۴، ۲۲۴	بشج، ۸۸
بکوزتیکان، ۲۱۳	بلحشکوک، ۳۰۱	بلوطی، ۸۷، ۱۷۹	بشج اسود، ۸۸
بکهرینده، ۸۵	بلخته (مغرب)، ۸۶	بلوطی صقلا، ۹۴	بشج انگشت، ۴۰
بیل، ۸۵	بلخیه، ۸۶	بلوغوناطن، ۸۷	بنجانی، ۹۶
بیل، ۸۵	بلیزیه، ۹۸	بلوغونن، ۲۱۰	بنجاین، ۱۰۰، ۱۴۳
بل، ۱۳۸	بلس، ۸۶، ۹۶	بلول، ۸۷	بنجسکروان، ۲۶۹
بلابس، ۸۰، ۸۵	بلسان، ۸۶	بلوین، ۱۰۳	بنجسکروان، ۸۸
بلابقس، ۲۶۹	بلسان، ۱۴۳	بله بانته، ۲۴۸	بنجشک زیان، ۲۶۹
بلایبوس، ۱۰۸	بلسنکی، ۸۶	بلیار، ۱۰۸	بنجسکروان، ۱۴۴
بلاثه (اندلس)، ۲۲۹	بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰	بلیار، ۲۴۹	بنجکشت، ۱۵۲
بلاد، ۳۴	بلسن، ۲۰۷	بلیان (مصر)، ۸۷	بنجکست، ۱۷۰
بلادز، ۸۵	بلسن (سجزی)، ۲۰۷	بلیحاء، ۵۹	بنجکشت، ۴۰، ۱۸۵، ۱۸۶
بلادز، ۸۵، ۶۷	بلسن (مکه)، ۲۰۷	بلیحاء، ۸۷	۲۲۸، ۲۵۸
بلارجه، ۱۲۹	بلطاله، ۸۷	بلیذا، ۱۴۰	بنجه، ۱۲۶
بلاس، ۸۵	بلطانس (فرنگی)، ۱۴۵	بلیطس (اندلس)، ۸۴	بنجه، ۱۵۰
بلاس بابره، ۸۵	بلطاون، ۸۴	بلیطس، ۸۴	بنجین، ۸۸



بنک‌آس‌را، ۳۱، ۳۵	۸۴	بول (بنگال)، ۹۰
بنک (شیرازی)، ۲۴۵	بورمنی (جرجان)، ۸۴	بولجاق، ۱۲۴
بَنک مُخیر، ۸۹	بورنسون، ۲۵۸	بولدین، ۲۸۱
بنکو (شیراز)، ۷۸	بوزه، ۸۰	بولسری، ۹۰
بَنگَه، ۳۶	بوریحا، ۱۱۳	بولو، ۱۹۵
بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶	بوریداس، ۱۲۲	بولوبودیون، ۷۹
بنگ، ۸۸	بوزیدان، ۵۴	بولوبودیون، ۷۹
بن لیلوفر، ۲۹۲	بُوزیدان، ۸۹	بولوذیون، ۱۵۷
بنور، ۱۵۳	بوست، ۱۲۴	بولوزیون، ۷۹
بَنو (سجزی)، ۲۱۲	بوسیر، ۸۸، ۲۴۴	بولوطریخون، ۷۵
بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵	بوسینی، ۲۳۳	بولوطوطریخون، ۷۶
بنوش، ۱۳۹	بوش، ۹۰	بولوطونخون، ۷۶
بنولیون، ۵۴	بوش‌دریندی، ۹۰	بولوغالی، ۱۰۴
بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵	بوشیاد، ۹۰	بولوغاناظن، ۲۵۲
بَنیاله، ۸۹	بوصیر، ۳۳، ۹۰، ۲۷۷	بولوغانظن، ۹۰
بنیشه، ۱۵۰	بوطاماخیطس، ۹۰	بولوغخن، ۹۰
بوئی، ۹۰	بوطاموغیطس، ۱۱۰	بولوقنیمن، ۹۰، ۲۵۲
بواب‌الحاجب، ۷۸	بوطاموغیطن، ۹۹	بولیطریخو، ۷۶
بوراس، ۲۸۱	بوطانیه (اندلس)، ۲۲۲	بولیون، ۱۰۳
بوئالمیوس، ۲۱۷	بوطانیة، ۹۰، ۲۲۲	بومادران، ۷۷
بوئلسمون، ۸۶	بوطل، ۲۵۴، ۲۵۹	بوتق، ۷۷
بوونیاون، ۱۸۹	بوطولون، ۲۵۴	بونیاس، ۱۸۹
بوئلمون، ۹۰	بوطة، ۱۴۸	بونیاون، ۱۸۹
بوخل (نیشابور)، ۸۳	بوَعقَاد (فاس)، ۲۱۰	بونیکا، ۱۵۷
بوخَنو، ۱۰۶	بوغلصن، ۲۵۲، ۲۶۸	بونیون، ۹۰
بودال، ۹۶	بوغلوسن، ۲۶۸	بوی جهودان، ۲۸۳
بودی، ۲۷۵	بوقتالمون، ۹۰	بوی مادران، ۲۴۷
بودافانن، ۲۰۴	بوفسافسوس، ۶۱	بوی مادران، ۲۴۷
بودریج، ۸۹	بُوقاذائس، ۷۴	بوینون، ۹۰
بودنه، ۲۹۰	بوقی، ۲۴۶، ۲۹۲	بوی هیریدان (سجستان)، ۱۸۰
بوراطاغزین، ۱۲۶	بوقیصا، ۱۴۴	به، ۱۷۲
بوراطاغونس، ۳۹	بوکسطیلان طربول رماکه (لاتینی)، ۱۲۵	بهار، ۴۴، ۵۷، ۸۰، ۹۰
بورشاد، ۱۸۹	بول، ۲۷۷	۱۴۲، ۲۱۷، ۲۹۴
بورفیا، ۴۳	بولابیطس، ۱۰۵	بهار ایبض، ۹۰
بورقداس، ۱۲۲	بولاقیطس، ۱۳۴	بهار الاصفر، ۳۴
بورکر، ۱۳۷	بولامنیون، ۹۰	بهار البر، ۳۴، ۹۰
بورمندی (جرجان)، ۸۴	بولامونیون، ۹۰	بهار الریاض، ۹۰
بورمنی (بخارا و جرجان)،		
بن چهتکی، ۸۹		
بنحنک (خوارزم)، ۸۴		
بندا، ۸۸		
بندا، ۱۳۱		
بندال، ۸۸		
بندُق، ۸۸		
بندق، ۱۰۵		
بندُق هندی، ۵۴، ۵۹، ۸۸		
۱۵۵		
بَنسِیکِی، ۸۹		
بنس روجن، ۱۹۹		
بنس لوجن، ۱۹۹		
بن شاه، ۸۱		
بنطاباطس، ۸۸		
بَنطابیطوس، ۸۹		
بنطادانیقا، ۱۴۴		
بنطادَقطوُلُن، ۸۸		
بَنطادَقطوُلُن، ۸۹		
بنطاطوس، ۸۸		
بنطافلن، ۸۸		
بَنطافلُن، ۸۸		
بَنطافلُن، ۸۸		
بَنطافلُن، ۱۵۲		
بنطافلن، ۲۵۹		
بنطافلون، ۱۲۵، ۲۵۸		
بَنطاموئُن، ۸۸		
بنطاناتی، ۸۸		
بنطفلون، ۴۱		
بنطیقا، ۱۵۴		
بَنفَسَج، ۸۹، ۱۲۹		
بنفسج الکلاب، ۱۸۳		
بنفسج اللیل، ۱۶۸		
بنفشه، ۸۹		
بَنقراطیون، ۲۴۳		
بَنقَه، ۸۹		
بنک، ۸۸، ۲۴۵		
بَنک، ۸۹		
بَنک، ۱۴۳		

پاندروت (سند)، ۱۴۶	۲۶۹	بیئل، ۹۲	بهار خرما، ۹۵
پاندورت، ۱۴۶	بیشاک مینور (فرنگی)، ۲۶۹	بیوریس، ۲۷۷	بهار (فاس)، ۲۹۰
پای کلاغ (پهلوی)، ۱۵۵	بیش موش بیشا، ۹۲	بیت، ۱۴۰	بهاری، ۲۹۰
پت پایره، ۱۸۳	بیض الاوز، ۹۲	بیجه، ۱۷۳	بهاسلووااکرا، ۲۹۶
پتروتیزپاپ، ۱۶۶	بیض العیار (شام و بغداد)، ۲۴۵	بیخ آسمان گون، ۷۰	بهانتانا، ۷۲
پتوهری (بنگال)، ۹۳	بیتضمون، ۸۸	بیخ برنده، ۱۹۳	بهنکتیه، ۱۱۴
پدیهره، ۲۲۶	بیضة الارض، ۲۶۰	بیخ بنفشه، ۷۰	بَهَج، ۲۸۱
پرپی، ۱۶۱	بیضة البلد، ۲۶۰	بیخ نفت، ۱۹۱	به دانه، ۱۷۲
پرپهن، ۸۳	بیضة النعامة، ۲۶۰	بیخ جگری، ۱۵۴	بهرامج، ۱۳۷، ۲۱۰
پرسیاوشان، ۷۵	بیضی، ۸۰	بیخ چگری، ۱۵۴	بهرامج البر، ۱۵۹، ۲۰۵
پرسیاوشان، ۷۶، ۱۷۸، ۱۸۷	بیطویداس، ۱۹۷	بیخ چینی، ۱۰۶	بهرامه، ۲۱۰
پرکاج (شیراز)، ۱۹۶	بیطوئیداس، ۱۹۷	بیخ سنبل، ۲۲۸	بهرامه، ۱۳۷
پرنگ، ۵۹	بیغانس، ۱۶۸	بیخ سوسن سفید، ۵۴	بهران، ۱۶۴
پسته، ۲۲۵	بیغانن، ۱۱۶	بیخ عرطیثا، ۳۴	بِهْرَة، ۱۹۳
پشم، ۹۴	بیقرون، ۵۶	بیخ کازران، ۲۶۳	بهرینه، ۱۲۶
پل پرنگ، ۵۶	بیتفور، ۲۹۲	بیخ لفاح، ۳۰۰	بهرتا، ۷۲
پلپل، ۲۲۷	بیقه، ۹۲	بیخ مهک، ۱۸۰	بهرم، ۲۱۰
پلپلی، ۲۲۷	بیقیه، ۹۲، ۱۰۴	بیخین، ۷۳	بهرمان، ۲۱۰
پلنگ مشک، ۸۳	بیکن، ۷۲	بید، ۱۳۶	بَهَش، ۹۱، ۲۸۳
پلنگمشک، ۲۲۵	بیبل، ۹۲	بیدار، ۱۴۹	بهطل کطی، ۲۹۸
پلیهیم (طبرستان)، ۲۱۹	بیبلطس، ۱۱۹	بیدانجیر، ۱۳۳	بهفانج، ۹۱
پُم (فرنگی)، ۱۸۹	بیتلم، ۷۵	بید بری، ۱۳۶	بهقان، ۱۰۲
پنبه، ۲۴۲	بیتلمون، ۸۲	بید گیاه، ۹۹	بهکتانی، ۷۲
پنبه دانه، ۲۴۲	بیلیطش، ۸۷	بیدمر، ۴۱	بهلاوه، ۸۵
پنجنگشت، ۴۱	بیلئو (لاتینی)، ۹۱	بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷	بِهْمَاه، ۹۱
پنکهراج (بنگال)، ۱۶۹	بیلیون، ۱۲۱	بید موله، ۱۳۶	بهمن، ۹۱
پنواز، ۱۰۴	بیلئو (لاتینی)، ۲۱۷	بیدانجیر، ۱۳۳	بهمن الأحمر، ۲۵۸
پنیرک، ۱۲۹	بیم (دیلیم و تنکابن)، ۱۶۷	بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹	بهمن ابیض، ۱۰۵
پنیرک خطمی (کرمانی)، ۱۲۹	بیتشب، ۹۲	بیرزد، ۲۴۶	بُهْمی، ۹۱
پنیرک (سجزی جدید)، ۲۸۴	بیتنوق، ۲۴۲	بیرور، ۸۰	بهنک، ۱۰۳، ۲۴۵
پنیر نخل، ۹۵	بیوهزا، ۲۳۶	بیروم، ۴۳	بُهَنْكِرَه، ۹۱
پویهکل (شیرازی)، ۲۲۵	بیوه زا (آذربایجان)، ۹۲	پیرون، ۱۴۵	بُهُونی انوله، ۹۲
پودنک، ۲۲۹		بیره، ۲۶۲	بهولسری، ۹۰
پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹		بیزه، ۹۲، ۲۸۷	بهی، ۱۷۲
پودنه جلی، ۲۸۱		بیستی کوسک، ۷۳	بهیره، ۸۷
پودنه صحرائی، ۱۰۵		بیسیم، ۹۲	بهی (سجزی)، ۱۲۶
		بیش، ۹۲، ۲۰۴	بیارانکا، ۹۲
		بیشاک میسور (فرنگی)، ۱۸۸	بیای درازاتیم (لاتینی)، ۱۸۸

### حرف «پ»

تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹	تاک پتروبداره، ۹۳	تاتوله، ۱۰۹	پودنه کوهی، ۱۱۰، ۲۲۹
تخم بلوک (کرمان)، ۸۳	تاکسوت، ۲۲۴	تاج خروس، ۷۹	پوروس، ۱۲۶
تخم بیخ رومی، ۱۹۱	تاکوب، ۵۵، ۲۲۴	تاجر الاصر، ۳۴	پوست، ۱۳۴
تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵	تاکوت، ۹۳، ۱۶۳	تاجر (فاس)، ۳۴	پوست بیخ زرشک، ۳۵
تخم پنوار، ۱۷۹	تالاسفیس، ۱۰۲	تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴	پوست درخت کاذی، ۴۵
تخم پیاز، ۸۰	تال شال، ۲۱۰	تاجیقطن، ۲۸۰	پوندا، ۲۴۱
تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵	تالکن، ۲۹۸	تار، ۹۲	پهته، ۷۵
تخم ترشه، ۱۲۲	تال مکهارا، ۹۳	تارنقه، ۱۴۷	پهیلی، ۲۵۷
تخم ترشیشک (شیرازی)، ۱۲۲	تال مکهانابول، ۹۳	تازَه قبرونه، ۶۵	پهین چهر، ۲۲۶
تخم تره‌تیزک، ۱۱۵	تالیس، ۱۶۱	تازیل، ۲۷۰	پیاز تلکه (شیرازی)، ۸۵
تخم توخره، ۲۳۵	تالیسپتر، ۱۶۱	تازرت، ۹۲، ۹۶	پیاز دشتی، ۴۹
تخم جزربری، ۱۴۸	تالیسفیس، ۲۸۱	تازرت، ۲۲۲	پیاز موش، ۴۹
تخم چکوند، ۱۷۹	تامرت، ۲۶۷	تازغَلَّت (بربری - مصر)، ۲۵۰	پیاز نرگس، ۲۹۰
تخم خرد، ۱۲۹	تامسورت، ۹۳	تازلفت، ۵۵	پیپل، ۱۴۲، ۲۲۸
تخم خیار، ۲۳۴	تاممشت، ۲۰۲	تازلفت الینو، ۵۵	پیپلامور، ۲۲۸
تخم دل آشوب (شیرازی)، ۴۱	تاموک، ۶۷	تاسکرا، ۲۲۵	پیپلامول بلام، ۲۲۸
تخم ریاس، ۱۱۱	تامول، ۹۳	تاسلت، ۱۵۹	پی پل مول، ۲۲۸
تخم زرداب، ۹۹	تانبول، ۹۳	تاسلغا، ۲۱۸	پیپلی، ۱۴۲
تخم سپندان، ۱۱۵	تانقیت، ۹۳	تاسلفی، ۱۱۵	پیتهه، ۲۳۷
تخم قاوند، ۲۳۳	تاوه، ۱۰۴	تاسلقا، ۱۷۰	پیچک، ۲۵۷
تخم کاج، ۱۱۲	تاینس، ۱۵۵	تاسلقوا (فاس)، ۱۳۲	پیچک (شیرازی)، ۲۵۷
تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶	تآلب، ۹۳	تاسمُت، ۱۲۲	پیر در بهار، ۷۰
تخم کازیره (گیلان)، ۲۳۶	تباکیر، ۱۹۹	تاسمُت، ۱۲۲	پیرز، ۱۶۷
تخم کافشه، ۲۳۶	تبرنه، ۲۷۱	تاشمصت، ۱۲۲	پیرز، ۷۲
تخمکان (تبریز)، ۸۳	تبرزد، ۲۰۰	تاصالیمت، ۸۰	پیزا، ۷۵
تخم کرفس رومی، ۲۶۱	تبن مکه (فاس)، ۴۳	تاغغیت (آفریقا و تونس)، ۱۳۳	پیزد، ۷۵
تخم کشوث، ۲۵۸	تبهو، ۲۴۱	تاغغندشت، ۲۰۵	پیزرا، ۱۲۱
تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵	تترک، ۱۷۵	تاغغیشت، ۱۵۸	پی زمی، ۲۶۰
تخم کنب، ۱۱۱	تتل، ۱۷۵	تاغغیشت، ۱۷۱، ۲۰۷	پیپل، ۴۳
تخم گزر، ۱۰۳	تتلی (بنگال)، ۱۶۷	تافرزیرت، ۱۲۶	پیلان فردی، ۹۹
تخم نیلوفر، ۱۱۳	تیج، ۱۷۴، ۲۳۸	تافسیا، ۹۷، ۱۶۷	پیل زهره، ۱۲۰
تخم نیلوفر هندی، ۵۴	تحلی، ۱۱۵	تافندوت، ۱۰۹	پیل گوش، ۲۳۰
تخم وهل، ۴۰، ۳۹	تخصیص، ۲۵۳	تافیزان، ۱۰۳	پیل گوشک، ۲۳۰
تخمه، ۹۹	تخم اسبست، ۱۵۶	تافیقرا، ۲۵۹	پیلووجال، ۴۳
تذری (شیراز)، ۹۶	تخم امرود جنگلی، ۱۴۲	تافیقرا، ۱۷۲	پیوند مریم، ۱۱۲
تراب القیء، ۱۱۴	تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹	تاک، ۲۲۲، ۲۵۵	

## حرف «ت»

تِلْبُوت، ۲۵۰	تِفَاحِ الأَرْمَنِ، ۲۸۲	تَرْمَسَا، ۹۳	تَرَابِ الهَالِكِ (عراق)، ۶۸
تَمْتَم، ۱۷۵	تُفَاحِ الأَرْضِ، ۶۴، ۷۰، ۱۲۸	تَرْمَسِ الثَّلَبِ، ۹۳	تَرَاست، ۸۰
تَمْرٌ، ۹۴	تِفَاحِ الجَمَلِ، ۲۳۶	تَرْمَسِ الحَجَلِ، ۹۳	تَرَانشُولِ (اندلس)، ۱۹۴
تَمْرٌ، ۲۳۹	تِفَاحِ الجَنْ، ۱۴۹، ۲۷۰	تُرْمَسِ الخَنْزِيرِ، ۱۵۷، ۹۳	تَرَب، ۲۲۳
تَمْرٌ، ۲۹۶	۳۰۰	تَرْمَشِيرِ (نبطی)، ۲۸۱	تَرِیح، ۹۳
تَمْرًا، ۹۴	تِفَاحِ الدُّبِ، ۴۱، ۹۴	تَرْمِزِ أَيْمَارُوسِ، ۹۳	تَرْمِزِ، ۶۰، ۹۳، ۱۵۲، ۱۷۳
تَمْرِ الجَوذْرِ، ۲۰۵	تِفَاحِ الفَارَسِی، ۱۳۹	تَرَنْجِ، ۴۰	۲۴۵، ۲۰۳
تَمْرِ الذَّهَبِی، ۳۹	تِفَاحِ أَرْمَنِی، ۲۸۲	تَرَنْجاشِ، ۱۱۳	تَرِبْدِ ابیضِ، ۹۳
تَمْرِ الهِنْدِیةِ، ۳۹	تِفَاحِ بَرِی، ۹۴، ۱۶۲	تَرَنْجَانِ، ۷۱، ۸۳، ۱۱۳، ۲۸۳	تَرِبْزِه (شیراز)، ۲۲۳
تَمْرِ هِنْدِی، ۹۵، ۱۲۴	تِفَاحِ فَارَسِی، ۱۳۹	تَرَنْجَانِ الثَّلَبِ، ۱۱۷	تَرِبْرُوزِ، ۸۲
تَمْرِ هِنْدِی تَرَشِ، ۱۹۴	تِفَاحِ مَانِی، ۳۹	تَرَنْجَبِینِ، ۱۱۰، ۱۹۳	تَرِبْه، ۹۳
تَمْرِ هِیْرُونِی، ۹۵	تِفَاحِ مَاهِی، ۳۹	تُرَنْجِ (فاس)، ۴۰	تَرِبْه العَسَلِ (اندلس)، ۱۰۷
تَمَشِ (جرجان)، ۲۱۳	تِفَاحِ، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۲۹۶	تُرَنْگِ (اهواز)، ۴۰	تَرِبِیزِکِ (شیرازی)، ۲۲۳
تَمْکِ، ۶۷، ۲۷۴	تِفَاحِ، ۱۱۵	تَرِه (اصفهان)، ۲۵۲	تَرِبِیزِه، ۱۳۰، ۲۲۳
تَمْکِ، ۱۱۴	تِفَدِه، ۲۵۶	تَرِه تَبِیزِکِ، ۱۰۲	تَرْتَلِی، ۲۰۴
تَمْلَمَحِ، ۱۵۳	تِفَسِیَا، ۹۷، ۱۶۷	تَرِه خَراسَانِی، ۷۱، ۸۳	تَرْتِیقِ، ۲۰۴
تَمْلُولِ، ۱۷۵، ۲۴۵	تِفُورِیةِ، ۲۱۹	تَرِه دَاهَانِ، ۸۳	تَرِخَانِی، ۲۰۲
تَمْنَسِ، ۲۷۷	تِفَدِه، ۲۵۶	تَرِه گَرِبِه، ۸۳	تَرِخَرِ، ۱۴۸
تَمُوشِ (دیلیم)، ۲۱۳	تِفَدِه، ۲۵۷	تَرِه هَلَا، ۷۷، ۲۱۹	تَرِ (خراسان)، ۱۱۰
تَمُولِ، ۲۴۵	تِفَدِه، ۲۵۷	تَرِه لَانِ، ۱۹۹	تَرِخُونِی (شیرازی)، ۲۰۲
تَمِیْطِ، ۱۱۴	تِفَدَه، ۲۵۶	تَرِه لَانِ (آفریقا)، ۲۱۹	تُرْمَسِ المَاءِ، ۲۹۲
تَمِیمِ، ۲۴۵	تِقْرَدِ، ۲۵۶	تَرِه لِیَانِ (نبطی)، ۱۴۸	تَرَسِکِ (شیرازی)، ۱۲۳
تَمَالِیشِ، ۱۱۵	تِقْرَدِ، ۲۵۶	تَرِه مِیرِه (سیستان)، ۱۰۲	تَرَسِی، ۹۳
تَمَنایِیسِ، ۲۶۶	تِقْرِیزِینِ، ۱۱۳	تَرِه مِیلِیِه (نبطی)، ۱۴۸	تَرَشِجِ، ۱۲۲
تَمْبَلِ، ۹۳	تِکْرِ، ۴۶	تَرِیَاقِ کُوهِی، ۲۷۷	تَرَشِکِ، ۱۲۲
تَمْبُولِ، ۹۳	تِکَنْطِیْسْتِ، ۲۰۵	تَرِیَاقِ نَبْطِی، ۳۰۰	تَرَشِه، ۱۲۲
تَمْزِیکِ، ۱۷۵	تِکُوتِ (مغرب)، ۲۲۴	تَرِیَامَانِ، ۵۴، ۹۴	تَرَشِه (شیراز)، ۱۲۲
تَمْضَبِ، ۹۴	تِیلِ، ۱۷۶	تَرِزِلیتِ، ۹۴	تَرَشِینِکِ، ۱۲۲
تَمْطَرِیِه، ۲۹۲	تِیلَادِ، ۳۴	تَسْتَرِ، ۲۰۵	تُرْفِ، ۹۷، ۱۴۷
تَمْعِیمِه، ۹۴، ۹۵	تِیلَاسْفِینِ، ۱۱۶	تَسْتَرِیةِ، ۲۰۵	تَرَفَاسِ، ۲۶۰
تَمْکَرِ، ۲۱۷	تِیلَاشْفِینِ، ۱۱۵	تَسْکَرِتِ، ۹۸	تَرَفَاسِ (مغرب)، ۲۶۰
تَمُوبِ، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱	تِیلَخِه پِیَازِ، ۸۵	تَسُوتِ، ۹۳	تَرَفِ (خراسان)، ۱۲۴
تَمُوبِ، ۱۹۶، ۱۹۷	تِیلَسْفِی، ۱۱۵، ۱۱۶	تَسْمِیزِ، ۷۹	تَرَفَسِ، ۲۶۰
تَمُومِ، ۵۹، ۱۱۲، ۲۹۲	تِیلَسِی، ۱۸۴	تَسْمِیزِجِ، ۹۴	تَرَلِه بَانَسِ، ۲۴۰
تَمُومِ، ۹۵	تِیلَسِی جَنْگَلِی، ۷۱	تَشَنِ (سیستان)، ۹۴	تَرَمَانَانِ، ۵۴
تَمُومِ، ۲۰۴	تِیلْغُوطَه، ۳۷	تَشِیکِ (زابل)، ۱۸۳	تَرَمْرًا، ۱۰۲
تَمِیفَنْ، ۱۰۴	تِیلْکَنْتِ، ۶۷	تَشِیغِشْتِ (فاس)، ۲۶۳	تَرْمِ (ری)، ۱۶۴
تَمِینِ، ۲۷۳	تِیلِشِ، ۲۴۲، ۲۸۴	تُفَاحِ، ۶۴، ۹۴	تَرْمِیسِ، ۹۳، ۱۰۲

توانیقی، ۱۱۲	تونیا (هندی و سندی)، ۱۶۱	تین الرحانی، ۹۶	ثغامة، ۴۸
توبالاغ، ۱۷۱	تُوَیْتَه، ۱۷۹	تین الفُجّ، ۱۸۴	ثُفَاء، ۱۱۵
توبج، ۲۶۶	تویوش، ۱۶۴	تین الفیل، ۱۰۸	ثغاة، ۱۱۵
توت، ۹۵	توئمان، ۹۶	تین أحمق، ۱۰۵	ثقولس، ۲۹۷
توت الثُّغَلْب، ۱۷۹	ته توره، ۱۰۹	تین بری، ۹۶	ثلاسی، ۱۱۵
توت الثعلب، ۱۷۹	تَهْکَار، ۹۶	تین جبلی، ۹۶، ۱۰۵، ۱۲۷	ثَلْب، ۹۷
توت الحریر، ۹۵	تهلول، ۷۶	تین مکه، ۴۳	ثلاثان، ۲۱۴
توت العلیق، ۲۱۳	تهور، ۱۶۳	تیواج، ۹۷	ثلاثان، ۲۱۵، ۲۴۹
توتاملون، ۳۰۰	تیاج، ۱۵۲	تیونی، ۲۹۰	ثَلْثَان، ۲۱۵
توت حامض، ۹۵	تیبی ان وامان، ۱۲۹		ثَلْس، ۲۴۰
توت حلو، ۹۵	تیرحله، ۴۶		ثلسفی، ۱۳۱
توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳	تیزغا (فاس)، ۲۱۹		ثمارون، ۲۰۸
توت شامی، ۹۵	تیزمارت، ۷۰		ثَمَام، ۹۷
توت لَحن، ۹۵	تی سملیل، ۲۰۹		ثَمَام، ۱۵۱
توت نبطی، ۹۵	تیسو، ۸۵		ثمبیرا، ۱۹۵
توت وحشی، ۹۵، ۲۱۳	تیسسی، ۲۰۱، ۲۵۱		ثمر الغالبه، ۱۰۸
توجده (مغرب)، ۸۲	تیشرت، ۹۸		ثمر الفؤاد (مصر)، ۸۶
توجرده (مغرب)، ۸۲	تیطرانگورن، ۲۳۴		ثمر پشه، ۱۰۵
تودری، ۴۶، ۱۹۰	تیطمست، ۴۳		ثمر شجر الکافور، ۵۴
تودری، ۹۶	تِیغَلَل، ۱۲۶		ثمره الدب، ۲۸۰
توذریج، ۹۶	تيفرست، ۲۶۱		ثمره الکبیر، ۲۵۰
تُوَزْنِي، ۹۶	تيفست ازوزغار، ۲۵۱		ثملول، ۲۴۵
تورک، ۸۳	تيفلت (فاس)، ۲۹۷		ثُمَّيْلَه (اندلس)، ۴۷
تورکی (شیراز)، ۸۳	تیکظا، ۱۳۲		ثوب مَبْهَرَم، ۲۱۰
تورم، ۳۴	تيلت اینرقت، ۱۱۹		ثور، ۲۰۰
توز، ۱۲۷، ۲۶۴	تیمجا (مراکش)، ۲۲۹		ثوس، ۱۱۰
توزانکون ناریه (فرنگی)، ۱۱۱	تیمرساط، ۲۲۹		ثوع، ۹۷
توشیر، ۱۹۹	تیمزین، ۱۲۶		ثوم، ۴۹، ۸۰، ۹۸، ۱۵۷
توفنه، ۵۲	تیمشطان، ۱۴۹		ثُوم، ۹۷
توله بانس، ۱۹۹	تیمط (اندلس و مغرب)، ۲۲۵		ثومادیرا، ۹۸
توما، ۹۸	تیمق (اندلس و مغرب)، ۲۲۵		ثومارس، ۱۰۶
تومالی، ۲۷۵	تسین، ۶۲، ۹۶، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۸۴		ثومالا، ۲۷۷
تومرنا، ۲۰۱	تین آدم، ۶۶		ثومالا، ۲۷۷
تومس، ۱۱۰	تین ایض، ۸۶		ثوم البستانی، ۹۸
تومین (لبنان)، ۲۷۱	تین الاحمق، ۱۰۵		ثوم الجبلی، ۸۰
تونبری، ۲۳۷			ثوم الحیه، ۴۸
تُون تَرَه، ۱۱۵			ثوم الحیه، ۴۹، ۹۸
			ثوم الحیّه، ۹۸، ۱۰۶، ۱۸۹

### حرف «ث»

ثابقا، ۲۱۳

ثاروبیا، ۲۳۰

ثافیشیا (مغرب)، ۹۷

ثافیقرا، ۱۴۶

ثاقب الحجر، ۷۹

ثالاسطون، ۱۵۸

ثالاسفیس، ۱۱۵

ثالیطرن، ۹۷

ثالیل الجنات، ۷۲

ثامر، ۱۲۲

ثامرا، ۲۷۱

ثامروان، ۲۷۱

ثبوریدوس، ۲۲۸

ثُداء، ۹۷

ثُرثوقس ایماروس، ۱۳۳

ثرمان، ۹۷

ثُرْمَان، ۱۲۳

ثُرْمَد، ۱۲۳

ثرودوقس ایمارس، ۱۳۳

ثریا، ۹۷

ثریا (اندلس)، ۷۰

ثعاله، ۲۴۹

ثُعْب، ۹۷

ثعره، ۲۵۶

ثَغَام، ۹۷

ثغام، ۲۹۱

جرجیر الماء، ۱۰۲، ۱۵۹،	جُبَلین، ۱۱۷	جام نَهَل، ۱۰۰	ثوم الضفادع، ۹۸
۱۸۲، ۲۳۵، ۲۵۴	جبن، ۱۴۵	جامسه، ۷۳	ثوم الکلب، ۴۸
جَزْجیر الماء (مغرب)، ۲۳۵	جُبْن الثعبان، ۲۷۳	جامسیه (مصر)، ۷۳	ثوم بری، ۹۸، ۴۹، ۹۸
جرجیر الهَر، ۱۰۲	جبن القروء، ۲۷۳	جامع البَضْع، ۱۰۱	ثوم جبلی، ۹۸
جرجیر بری، ۷۰	جَبه، ۱۰۱	جامع البَضْع، ۱۵۷	ثوم ذی الأستان، ۹۸
جرجیر بیابانی، ۷۰	جبین جبن، ۱۴۵	جامع اللحم، ۱۰۱	ثومس، ۱۱۰
جَرذیونَة، ۱۰۸	جشجات، ۷۶، ۱۰۱، ۲۴۷	جامول الکتان، ۲۵۸	ثومش، ۹۹
جرز الشیاطین، ۳۶	جَثْم، ۱۲۶	جامول الکتان (اندلس)، ۱۶۷	ثومش، ۱۱۰
جرمامه، ۲۶۵	جحفیل، ۴۷	جامون، ۱۰۰	ثوم کُرائی، ۹۸
جرمامة، ۱۰۳	جحلق، ۳۷، ۶۷	جامه خواب، ۲۰۰	ثومون، ۹۹
جرمان، ۲۰۲	جحلیق، ۶۷	جاوردشیر، ۱۰۰	ثومیة، ۹۸
چرموز، ۸۴	جَخِجَن (اهل هری)، ۹۴	جاوزس، ۱۰۰	ثیل، ۴۴، ۹۹، ۲۱۲
جَزْمیلک، ۱۰۳	جُذری (بلخ و طخاری)، ۲۲۶	جاورس، ۱۴۳، ۱۵۰	ثیل، ۱۲۳
جرنوب، ۱۰۳	جَدَف، ۱۷۴	جاورس هندی، ۱۰۰	ثیلوطارس، ۱۵۷
جَرُوذ، ۲۹۴	جَدوار، ۱۰۱، ۱۴۴	جاوروس، ۱۰۰، ۱۴۳	
جریال، ۱۰۳	جدوار اندلسی، ۶۴	جاوروس هندی، ۱۴۹	
جریال بقم، ۱۰۳	جراد بحری، ۴۴	جاوشیر، ۱۰۰	جابور، ۹۹
جریله خمر، ۱۰۳	جراشیا، ۲۳۴	جاونری، ۱۰۷	جاجر، ۱۰۴
جز (تکنابن)، ۳۶	جراطه، ۱۰۲	جاهبَنک، ۷۴	جاجوشی (شیراز)، ۱۰۰
جَزْر، ۵۴، ۱۰۳	جراطه، ۱۲۲	جاهی، ۲۰۵	جاجوبوی، ۱۰۷
جزر البری، ۶۰، ۱۴۸	جر المشایخ (آفریقا)، ۷۴	جای بل، ۱۰۷	جاجدی، ۱۶۳
جزر البستانی، ۱۴۸	جرامغه، ۱۴۸	جای پهل، ۱۰۷	جاجدیفل، ۱۰۷
جزر بری، ۵۰، ۲۲۹، ۲۹۰	جرامقه، ۱۴۹	جَبَأ، ۲۶۰	جار النهر، ۹۹
جزمارج، ۲۰۲	جَزینَه، ۱۴۸	جَبَأَة، ۲۶۰	جارکون، ۱۰۷
جزو اعظم، ۲۴۵	جربنه، ۴۳	جبراهنگ، ۱۰۱	جاساآکاما، ۴۱
جزیری، ۸۰	جربوز، ۸۴ (شام)	جبرش، ۲۵۰	جاسوس، ۱۰۰
جَساد، ۱۶۳	جُربونَه، ۲۵۳	جبروان، ۶۷	جاسه، ۷۳
جسد، ۱۶۳	جرجار، ۱۰۲	جَبَزَة (مغرب)، ۱۰۱	جاشوش، ۱۰۰
جسمی، ۱۱۸	جَزْجِر، ۹۳	جبل المساکین، ۱۲۱	جافر (هرات)، ۱۱۷
جَطْرغ، ۱۹۳	جرجر المصری، ۹۳	جبل اهتق، ۱۰۱	جاجک (خوارزم)، ۹۴
جَطْره، ۱۲۲	جرجر (عراق)، ۷۳	جَبَلاهنگ، ۱۰۱	جاججو (خوارزم)، ۹۴
جَطریا، ۴۰	جرجس، ۱۶۶	جبل هنج، ۱۰۱	جاجکسو، ۹۴
جَطیره، ۱۲۲	جرجمه، ۱۳۷	جبلهنج، ۱۰۱	جاجکله، ۹۴
جَعْد، ۲۵۶	جرجیر، ۱۰۲	جَبَلَهَنج، ۱۰۱	جاجکری، ۲۲۸
جَعْداء، ۱۰۳، ۲۵۴	جرجیر، ۱۰۲	جبلهنک، ۹۳	جاجلیقیدس، ۲۲۳
جَعْدَه، ۱۰۳	جرجیر البری، ۷۰	جبلهنک، ۱۰۱	جانالاء، ۲۷۷
جَعْدَه، ۱۲۰، ۲۸۱	جرجیر الکلاب، ۱۱۵، ۱۰۲	جَبَلَه، ۸۰	جاماها (سند)، ۶۲
جعدہ، ۲۳۰			

## حرف «ج»

جعدہ کبیر، ۱۰۳	جلجلان (حبشه)، ۱۷۶	جُمَلَج، ۶۶	جنجر، ۶۶
جَعْدَةُ الجَدْران، ۱۰۳	جلجلان مصری، ۸۰	جُمَلَج، ۱۷۰	جنجقش، ۸۳
جعدة الجُدْران، ۱۱۹	جلجمانا، ۲۳۴	جملج (اندلس)، ۲۱۹	جنجل، ۱۰۶
جعدة القَنَا، ۱۰۴، ۷۶	جلدان، ۱۰۴	جُمَيز، ۹۶	جنجه، ۹۵
جَعْدَةُ الماء، ۲۵۴	جلغوزه، ۱۱۲، ۱۹۶	جُمَيز، ۹۶	جَنجیدِیون، ۱۰۳
جعدة بحری، ۱۰۳	جلغوزه مصری، ۱۰۵	جَمَيز، ۱۰۵	جنجیدون، ۱۰۶
جعدة حِرّان، ۲۰۳	جلمات، ۲۳۴	جَمَيز، ۱۰۵	جنخلیدس، ۱۸۹
جعفری، ۹۶	جُلنار، ۱۰۴	جُمَيز، ۱۲۳	جنسفسوح، ۲۴۲
جعفریه، ۲۰۱	جلنار، ۱۵۶	جُمَيز، ۱۵۷	جنشاله، ۱۵۲
جعفریه (جرجان)، ۱۱۷	جُلنار بری، ۲۰۱	جَمیم، ۹۱	جنطیان، ۱۰۶
جَعْفیل، ۱۱۸، ۲۰۱	جلنجمون، ۱۰۵	جن آر، ۱۹۶	جَنطیانا، ۱۰۶
جَعه، ۱۵۰	جلنجویه، ۱۰۵	جنا الاحمر، ۵۸	جَنطیانا، ۱۰۶
جَعیداء، ۱۰۳	جُلنسرین، ۱۰۵	جناح، ۱۵۳	جنطیانا، ۲۵۸
جَعیدة، ۱۰۳	جل نیل، ۲۵۰	جناح البشر، ۷۳	جنطیانا الجرّمقانی، ۱۰۶
جعثار یحشانا، ۲۷۷	جُلوز، ۸۸، ۱۰۵	جناح التیس، ۱۰۶	جنطیان الرومی، ۱۰۶
جعزیه، ۱۷۹	جُلُوز (مغرب)، ۱۰۵	جناح الزرزور، ۷۹	جنطیانه، ۱۲۶
جعش (هرات)، ۱۱۷	جلوقوریزون، ۱۸۰	جناح النسر، ۱۵۷	جنکک (بلخ)، ۱۳۲
جَعْت آفرید، ۱۰۴	جلوگا، ۱۰۰	جناح (اندلس)، ۱۵۳	جنکهارمول، ۱۱۸
جفت البلوط، ۸۶	جُلهم، ۱۰۵	جَنار، ۱۴۶	جنکی چنبیلی، ۲۰۵
جفت آفرید، ۱۵۷	جلهنک، ۱۰۱	جَن القَتال، ۱۴۷	جنکلا، ۱۱۲
جَعْفَری، ۲۴۸	جلیط، ۱۰۵	جناماسی، ۱۷۷	جَنی، ۱۰۶
جَعْفَن، ۱۰۴	جلیف، ۱۰۵	جنا، ۱۰۶	جَنی، ۱۰۶
جَقّال، ۲۶۶	جلیقی، ۹۶	جنا، الاحمر، ۸۴	جَنی الاحمر، ۲۳۱
جَعْقوطه (لاتینی)، ۱۹۱	جُمّار، ۹۵	جَناء الاحمر، ۲۱۱	جَنی الاحمر، ۲۴۲
جُکری، ۱۵۹	جماز (تنکابن و دیلم)، ۱۶۹	جَناء الاحمر، ۲۴۲	جَنی العُشر، ۱۳۱
جگری، ۱۵۹	جم اسپرم، ۱۶۰	جَنید، ۱۰۴	جنیه، ۱۴۹
جُل، ۲۹۴	جمان، ۱۶۹	جنیه، ۷۵، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰	جو، ۱۸۷
جلبان، ۷۹، ۱۳۷، ۲۱۳	جماهو سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰	۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۲۵	جوار، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۴۹
۲۳۷	جم جم، ۱۰۵	۱۳۸، ۱۵۳، ۲۴۸، ۲۶۳	جواری، ۱۴۹
جُلبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱	جَمجم، ۱۰۵	۲۸۰، ۳۰۰	جواسا، ۷۱، ۱۱۰
جُلبان البری، ۵۶	جَمجَم، ۱۰۶	جنید، ۱۹۵	جواشیر، ۱۰۰
جلب (انگلیسی)، ۱۰۴	جَمجَوا، ۱۰۶	جَنّت قابطه، ۱۰۵	جُوان سَبَرَم، ۱۰۶
جلبانه، ۱۳۷	جمرة الارض، ۱۰۵	جَنّت قابطه، ۱۹۲	جوانسپرّم، ۱۸۳
جلبوب، ۱۰۳	جَمرة الارض، ۲۰۱	جَنّت قابطه (لاتینی)، ۲۳۶	جوانسفرّم، ۱۸۳
جَلْبَنَهَنک، ۱۰۱	جَمرة (فاس)، ۳۴	جنتوری، ۲۴۵	جو برهنه، ۱۷۳
جُلجل، ۴۶	جمسفرّم، ۱۰۵	جَنجَبانَسَة، ۱۰۶	جوج، ۴۳
جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷	جمسینج (خوارزم)، ۹۴	جنجبانسه، ۱۳۹	جوجادو، ۱۴۱
جلجلان الحبشه، ۱۰۴	جَمشک، ۹۴	جنجبنیه، ۱۲۲	جوجهرج، ۱۴۵





حب المنشم، ۲۸۵	حب العزیز، ۱۱۲	حباقی، ۱۲۵	حافطی، ۱۰
حب المَیْسَم، ۱۱۳	حب العصفر، ۲۱۰، ۲۳۶	حب الاثل، ۲۰۲	حاج، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۲
حب النسل، ۴۱	حب الغار، ۱۴۹	حب الاسب، ۳۱، ۳۵	حاحی اکامی، ۴۱
حب النشم، ۱۱۱	حب الغراب، ۴۲	حب الانبیربارس، ۶۱	حادطیح (سندی)، ۲۳۸
حَب النَّعَام (مغرب و اندلس)، ۲۲۶	حب الفار، ۱۱۲	حب الأثل، ۹۳	حاذ، ۱۱۰
حب النیل، ۱۱۳، ۲۳۷، ۲۹۲	حب الفنا، ۲۱۴	حَبِّ البان، ۱۱۱	حاراسوافی، ۹۳
حب بلسان، ۱۱۱	حب الفول (مصر)، ۱۸۶	حب البطیخ، ۸۱	حارز الانهار، ۱۱۰
حب جنکلا، ۱۱۱	حب الفهم، ۸۵	حب البقر، ۲۵۳	حارز الماء، ۱۱۰
حَبَّوْ (عمان و شحر)، ۱۱۱	حب القثا، ۲۷۹	حب البلسان، ۸۶	حارس، ۱۱۰
حبربان، ۱۱۳، ۱۳۳	حب القرع، ۲۳۷	حب الحلو، ۶۷	حارسوهک (شیراز)، ۱۱۸
حب سجستانی، ۲۳۲	حب القطن، ۲۴۲	حب الخروع، ۱۳۳	حارکو، ۱۴۴
حب سرم بری، ۱۸۳	حب القلب، ۸۵	حب الخضرا، ۸۱	حاسیس، ۱۱۱
حب سلاطین، ۱۴۷	حب القلت، ۱۱۲	حب الدم، ۱۱۱	حاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹
حبشة، ۱۰۴	حَبُّ الْقَلْقَل، ۴۵، ۱۱۲	حب الدود، ۲۵۵	حاشیش، ۱۱۱
حب صنوبر صغار، ۲۴۱	۱۵۸، ۲۸۳	حب الدهمست، ۱۴۹	حافِر المَهر، ۱۷۹
حب صنوبر کبار، ۲۴۱	حب القلقل، ۲۴۴	حب الراس، ۱۱۱، ۲۸۷	حافظ اطفال، ۲۲۴
حَبِّق، ۱۱۳، ۱۶۰	حب القوقایا، ۱۵۹	حَبِّ الراسن، ۱۱۱، ۲۸۷	حافظ الاجساد، ۴۹
حَبِّق، ۱۲۷	حب الكاکنج، ۲۴۹	حب الرشاء، ۱۲۲	حافظ الارواح، ۴۷
حبِق، ۲۲۹	حب الكاکنج الجبلی، ۱۰۹	حب الرشاد، ۱۰۲، ۱۱۵	حافظ الاطفال، ۲۲۴، ۵۵
حبقا (اندلس)، ۱۱۹	حب الكلّی، ۶۳	حب الرشیا، ۱۲۲	حافظ الأجساد، ۹۸، ۱۸۹
حَبِّق البربری، ۷۱	حب الكلّی، ۳۰۱	حب الرمان، ۱۵۷	حافظ الطفل، ۲۲۴
حبِق البقر، ۷۰	حب الكلّی (مصر)، ۶۲	حب الرند، ۱۴۹	حافظ الموتی، ۴۹، ۹۸
حبِق الترنجانی، ۱۱۳	۱۳۲، ۱۹۶	حب الریاس، ۱۱۱	۱۸۹
حَبِّق التَّمساح، ۱۹۸	حب الكمثری، ۲۶۱	حب الزرقه (بحرین)، ۷۸	حافظ النحل، ۵۵، ۲۳۶
حبِق التَّمساح، ۲۲۹	حب الكنی، ۶۳	حب الزلم، ۴۹، ۱۱۲، ۱۶۳	حاقی، ۲۹۱
حبِق الحاحی، ۱۱۳	حب اللهق، ۲۴۹	حب الزلم، ۱۱۱	حالب، ۴۷
حبِق الحَرّ، ۱۱۳	حب اللهو، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۴۹	حب السیفنه، ۱۱۱	حالبی، ۵۴، ۱۳۱
حبِق الحمامی، ۲۰۲	حب اللهو (مغرب)، ۲۱۴	حب السود، ۲۶۹	حائق الشعر، ۲۲۲
حبِق الراعی، ۷۶	۲۴۹	حب الشیرم البری، ۱۸۳	حالوما، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰
حبِق الشیوخ، ۲۸۰	حب اللّهُو (مغرب و اندلس)، ۲۱۵	حب الشجره (مصر)، ۴۱	حاله غوره، ۶۲
حبِق الصعتری، ۱۱۳، ۱۸۳	حب المَحَلَب، ۱۱۲	حب الصبیان، ۸۶	حاماقسیس، ۱۱۱
حبِق الصلقلی، ۱۱۳	حب الملوک، ۱۱۳، ۱۴۷	حب الصراط، ۲۷۵	حاماسوقی، ۱۱۱
حبِق العریض الورق، ۱۱۳	۲۷۶	حب الصنوبر، ۱۹۶	حامافیطوس، ۲۶۱
حبِق الفتی، ۱۱۳، ۲۷۹	حب الملوک (مغرب و اندلس و فاس)، ۲۳۴	حب الصنوبر الصغار، ۱۱۲	حاوزوان، ۲۵۲
حبِق الفیل، ۲۷۹	حب المِشَم، ۱۱۳	حب الصنوبر الکبار، ۱۱۲	حبّارهاری، ۷۹
حَبِّق القَرْنفلی، ۷۱		حب العرعر، ۴۰، ۲۰۸	حباقا، ۱۲۵
حبِق القَرْنفلی، ۱۱۳		حب العروس، ۲۴۹، ۲۵۰	حَباقا، ۱۲۶، ۱۵۰
		۲۹۲	حباقا (اهالی حیره)، ۱۵۰

حرمَل البلدی، ۱۹۱	حَرْشَفُ الْبُرَى، ۱۱۴	حبیقه (اندلس)، ۱۱۹	حَبِقُ الْقَرْنُقُلَى (فاس)، ۱۸۴
حرمَل عامی، ۱۱۶	حَرْشَفُ الْبُسْتَانِ، ۱۱۴	حبیقه، ۱۱۹	حَبِقُ الْقَنَا، ۳۴
حرمَل عربی، ۱۱۶	حَرْشَفُ بَرَى، ۲۱۲	حَتَّى، ۲۸۳	حَبِقُ الْکَرْمَانِ، ۱۱۳، ۱۲۲
حَرْمَلَه، ۱۱۶	حَرْشَفُ بَسْتَانِ، ۱۱۴	حِثًا، ۹۶	حَبِقُ الْمَاءِ، ۱۹۸، ۲۲۹
حَرْمَلَه، ۱۱۶	حَرْشَفُ (نَبْطِی)، ۱۱۴	حِثِیل، ۱۱۴	حَبِقُ الْمُرْدِ، ۱۱۳
حَرْمِی، ۱۷۶	حُرْضُ، ۵۲، ۱۲۳	حِجَاکِیوس، ۲۰۹	حَبِقُ الْمَرَّةِ، ۲۷۹
حَرْو اعظم، ۲۴۵	حُرْضُ صِیْنِی، ۵۲	حُجْبَا، ۱۳۲	حَبِقُ الْمَغْزِ، ۷۰
حَرْوِی، ۱۳۲	حُرْفُ، ۱۱۵	حَجَرُ الْبِقْرِ، ۲۹۵	حَبِقُ الْمَتْنِ، ۱۱۳
حَرْشَاء، ۱۵۷	حُرْفُ، ۱۳۱، ۲۸۴	حَد، ۱۹۱	حَبَقَالَه (اندلس)، ۱۱۹
حَرْشَه، ۱۱۴	حُرْفُ ابِیض، ۴۸	حَدِی، ۲۹۷	حَبِقُ بَسْتَانِ، ۷۹، ۱۲۲
حَرْشَه، ۱۵۹	حُرْفُ ابِیض، ۱۱۵، ۱۳۰	حَدِج، ۱۲۶	۲۲۹
حَرْشَه، ۱۵۷	حُرْفُ احْمَر، ۱۱۵	حَدِی، ۹۲	حَبِقُ تَرَنْخَانِ، ۷۱
حَرْطَه، ۳۵	حُرْفُ الْبَابِلِی، ۱۱۵	حَدِق، ۷۲	حَبِقُ جَبَلِی، ۲۲۸
حَرْیْفُ الْاَمْلَسِ (اندلس)،	حُرْفُ الْبَرِی، ۱۱۵	حَدَقُ، ۱۱۴، ۲۰۷	حَبِ قَطَاهِی، ۱۴۷
۱۲۱	حُرْفُ السُّطُوحِ، ۸۰، ۱۱۵	حَدَقِی، ۶۷	حَبِقُ قَرْنَفَلِ، ۲۲۵
حَرْیْق، ۶۵	حُرْفُ السُّطُوحِ، ۱۱۵	حَدْمَانَه، ۲۸۰	حَبِقُ قَرْنَفُلِی، ۲۲۵
حَرْیْق، ۶۵	حُرْفُ السُّطُوحِ، ۱۱۶	حَدِیدِی، ۱۱۴	حَبِقُ کَرْمَانِ، ۱۸۳
حَرْیْقُ الْاَمْلَسِ، ۱۰۳	حُرْفُ الشَّامِی، ۱۱۵	حَر، ۱۶۴	حَبِقُ مِصْرِی، ۱۱۳
حَرْیْقُ الْاَمْلَسِ (اندلس)،	حُرْفُ الْمَائِی، ۱۱۵	حَرَاشًا، ۱۳۱	حَبِقُ نَبْطِی، ۱۲۲
۱۲۱	حُرْفُ الْمَاءِ، ۱۱۶، ۱۸۲	حَرَاقَه، ۱۴۰	حَبِقُ نَبْطِی (شام)، ۱۲۲
حَرْیْقُ (مغرب)، ۶۵	حُرْفُ الْمَاءِ (مغرب)، ۲۳۵	حَرَاالسَّحْرِ، ۳۵	حَبِ کَاکَنْجِ کُوهِی، ۱۰۹
حَرْیْمَلَه، ۱۱۷	حُرْفُ الْمَشْرِقِی، ۱۱۵، ۱۱۶	حَرَانِیَه، ۱۰۳	حَبِلُ الْمَسَاکِیْنِ، ۱۱۳، ۲۴۰
حَرْیْمَلَه، ۱۱۶	حُرْفُ ابِیض، ۱۱۵، ۲۷۴	حَرِیَا، ۱۲۸	۲۶۶
حَزَا، ۱۲۷	حُرْفُ بَابِلِی، ۱۰۲، ۱۱۵	حَرِیَان، ۴۵	حَبِلُ الْمَسَاکِیْنِ،
حَزَا، ۱۱۷	۱۱۶	حَرِیَا، ۴۶	حَبِلُ الْمَسَاکِیْنِ (قَرْطَبَه)،
حَزَا اوکامی، ۱۸۰	حُرْفُ بَرِی، ۱۱۷	حَرْزِیْت، ۱۱۴	۱۱۳
حَزَا، ۲۰۰	حُرْفُ سَفِیدِ، ۱۱۵	حَرْزِیْت، ۱۱۴، ۲۷۴	حَبِلِی، ۲۶۶
حَزَا الْجَبَلِ، ۱۱۷	حُرْفَلَه (صَقْلَه)، ۶۷	حَرِیَه، ۱۱۴	حَبْنِ، ۱۴۵
حَزَا الصَّخْرِ، ۱۱۷	حُرْفُ مَشْرِقِی، ۲۲۸	حَرِیَه، ۲۷۱	حَبُوبِ، ۲۰۱، ۲۹۶
حَزَا الصَّخْرِ، ۱۶۵	حُرْفُ (نَبْطِی)، ۱۱۵	حَرِحْمِ، ۲۹۳	حَبَه الْخُلُوه (اندلس)، ۶۷
حَزَا الصَّخْرِ، ۲۰۴	حُرْفُ (نَبْطِی)، ۱۱۵	حَرِزُ الشَّیْطَانِ، ۳۶	حَبَه الْخَضْرَاءِ، ۸۱، ۱۱۱
حَزَا الصَّخُورِ، ۱۱۷	حُرْفِی، ۲۲۸	حَرْشَا، ۱۳۰	۱۹۸
حَزَا یثَا دَخِیْفَا، ۱۰۷	حِرْکَه (اندلس)، ۹۱	حَرْشَاء، ۱۱۴، ۱۳۰	حَبَه السَّفَرِجَلِ، ۱۷۲
حَزَا، ۱۱۷	حَرْمَانَه، ۲۰۳	حَرْشَاء، ۱۳۰	حَبَه السُّودَاءِ، ۹۴، ۱۹۲
حَزَا، ۱۱۷	حَرْمَلِ، ۴۸	حَرْشَاء، ۱۳۳	۲۶۲
حَزَا، ۱۴۸	حَرْمَلِ، ۸۰	حَرْشَفِ، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۱۰	حَبَه الْمَسَاکِیْنِ، ۲۴۵
حَزَا بَرِی، ۱۱۷	حَرْمَلِ، ۸۵، ۱۱۶، ۲۸۶	۲۶۵	حَبَه الْمَلُوکِ، ۱۱۳
حَزَا، ۱۱۷	حَرْمَلِ، ۱۱۶	حَرْشَفِ، ۲۶۷	حَبَه حَلَاوَه، ۶۷

حزاة أخرى، ۱۱۷	حشيشة الأسد، ۱۱۸	حشيشة السُّلْحَفَاة، ۶۰	حفوظ (لاتینی)، ۱۹۱
حُزْبِل، ۱۱۷	حشيشة الأفعى، ۱۱۸	حشيشة السنبِل الرومى، ۱۴۱	حفوظه (عجمیت اندلس)، ۱۹۱
حُزْبِل، ۱۱۷	حشيشة البابلی، ۴۳	حشيشة السُّواقى (مغرب)، ۹۵	حِفُول، ۱۲۷
حُزْبِل، ۱۲۳	حشيشة البراغیث، ۱۱۸	حشيشة الشرى، ۸۸	حَقْل، ۱۲۶
حزنبیل، ۲۸۰	حشيشة البراغیث (شام)، ۱۱۸	حشيشة الصفراء، ۲۰۸	حقوق، ۸۳
حزوزی، ۹۴	حشيشة البرص، ۳۶، ۱۱۸	حشيشة الطحال، ۱۱۹، ۱۶۰	حَل، ۱۷۶
حسار، ۱۱۷	حشيشة الثومی، ۱۸۹	حشيشة الطلق، ۱۲۰	حَلاب، ۱۲۰
حَسَك، ۳۷، ۱۱۸، ۱۲۴	حشيشة الثومیه، ۸۰	حشيشة العقرَب، ۱۹۴	حلا دقاصری، ۵۲
حَسَك، ۳۷	حشيشة الثومیه، ۹۸	حشيشة العَلَق، ۶۳، ۱۲۰	حلا لات، ۱۲۶
حسك البری، ۱۱۸	حشيشة الثومیه (اندلس)، ۴۹	حشيشة الغافث، ۲۱۹	حُلاوی، ۶۷
حسك الجمال، ۵۹	حشيشة الثومیه، ۹۸، ۱۲۲	حشيشة الفَرَج، ۱۲۰	حُلْب، ۱۲۲
حسك الفِراخ، ۲۱۲	حشيشة الثومیه (اندلس)، ۲۷۱	حشيشة الفقراء، ۲۴۵	حِلْبَاب، ۱۲۲
حسك كوهی، ۱۱۸	حشيشة الثومیه (اندلس)، ۹۸	حشيشة القمل، ۱۲۰	حلبادشغینون، ۱۷۳
حسكَة (مصر)، ۷۹	حشيشة الحلو، ۱۸۰	حشيشة الكبَد، ۱۲۰	حُلْب التیسی، ۱۲۲
حَسَل، ۱۱۸	حشيشة الحُمرة، ۲۷۶	حشيشة الكلاب، ۲۸۰	حلبانینا، ۲۴۶
حسم عوسج، ۲۱۷	حشيشة الحُمى (آفريقا)، ۲۰۳	حشيشة الكلب، ۲۲۴، ۲۸۰	حِلْبَاب، ۱۲۱، ۱۲۲
حسمی، ۱۱۸	حشيشة الحوت، ۱۴۳	حشيشة اللجأة، ۶۰	حلبوب، ۱۳۶، ۲۶۶
حسن لبه، ۱۹۸	حشيشة الخراسانية، ۲۹۳	حشيشة اللجأة (شام)، ۳۷	حَلْبُوب (اندلس)، ۱۲۱
حسن یوسف، ۱۱۱	حشيشة الداخس، ۱۱۸	حشيشة المَعْدِن، ۱۲۰	حلبوب غیر منقط، ۱۲۱
حسومی، ۲۸۹	حشيشة الدم، ۱۱۹	حشيشة المُقَدَّسَة، ۶۹	حَلْبُوب (نبطی)، ۱۲۱
حسیب، ۸۲	حشيشة الدودیة (اندلس)، ۴۸	حشيشة المُكْرَمَة، ۶۹	حَلْبَة، ۱۲۰
حسین، ۱۴۵	حشيشة الذهبیة (اندلس)، ۴۸	حشيشة النجاة (شام)، ۳۷	حَلِیب، ۱۲۱
حسینی، ۲۶۱	حشيشة الرثة، ۱۱۹، ۲۰۵	حشيشة دودیة، ۱۱۹	حلبیثا، ۱۲۱
حسینی (مرشدآباد)، ۶۲	حشيشة الرجاج، ۳۴	حَض، ۲۹۵	حلتیت، ۱۲۱، ۱۲۱، ۲۹۵
حَشْرِق، ۱۳۹	حشيشة الرومانین، ۵۹	حَضْر، ۱۷۴، ۱۲۰	حلتیتا، ۱۲۱
حشرما، ۲۹۰	حشيشة الزجاج، ۳۴، ۱۱۹	حَضْر، ۲۳۱	حَلِیث، ۱۲۱
حَشْف، ۲۸۳	حشيشة السعال، ۱۱۹، ۱۷۱	حَضْر هندی، ۲۳۰، ۲۳۱	حَلْحال (اندلس)، ۴۷
حشفنفل، ۱۸۸	حشيشة السلحفا (شام)، ۳۷	حَضْر یمانى، ۱۲۰	حَلْحال (مغرب و فاس)، ۴۷
حشوی، ۲۲۶	حشيشة السلحفاة (شام)، ۳۷	حَطاراء، ۲۵۲	حَلْحَل، ۲۵۱
حشیش، ۷۸، ۲۴۵	حشيشة الراعی، ۲۱۰	حَطَب، ۱۸۸	حَلْفَا، ۱۲۱
حشیش الأعظم، ۱۵۶	حفا، ۷۵	حَطَب السودان، ۳۳	حَلْفَاء، ۳۷، ۱۴۸، ۲۰۴
حشیش الدَوَاب (مصر و شام)، ۲۹۶	حَفَا، ۷۵	حَطَب الفَتَح، ۲۶۵	حَلْق، ۱۲۲
حشیش الغافث، ۵۴	حَفَا، ۷۵	حَطَبَة، ۴۶	حلمثا، ۱۳۶
حشیشة، ۴۴	حَفَا، ۷۵	حَطَبَة، ۲۱۰	حَلْمَة، ۱۲۲، ۱۶۳
حشيشة الارض، ۳۶	حَفَا، ۷۵	حَطَبَة، ۲۱۰	حُلوانه، ۶۷
حشيشة الافعی، ۱۱۸	حَفَا، ۷۵	حَفَا، ۷۵	حلو سطاقیل، ۱۹۶

حلوه، ۶۷	حماض نیری، ۱۲۳	حُمیر، ۳۸، ۱۵۵	حنطة صغيرة، ۱۷۳
جِلَّة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱	حَمَاط، ۵۵، ۱۲۳، ۱۵۰	حُمَيْرَاء، ۳۸، ۱۲۵، ۱۵۵	حَنْظَل، ۸۱، ۱۲۶، ۱۸۷، ۲۱۳
حَلَى، ۹۷	حَمَامَا، ۱۲۴	۱۹۰	حَنْظَل، ۱۲۶
حَلَى، ۱۲۲	حَمَامَا (نبطی)، ۱۲۴	حُمَيْط (فاس)، ۱۲۲	حَنْظَل رومی، ۱۰۶
حَلِیق، ۶۰	حَمَامَى، ۷۳	حَمَّاء، ۱۲۵	حَنْظَل زرد، ۱۲۶
حَلیلوطن، ۲۲۲	حَمَامَى، ۱۵۶	حَمَّاءُ الْغَوْلَة (مصر)، ۳۸	حَنَوَه، ۳۴
حَلِیة، ۵۴	حَمِجَم، ۲۵۲	حَنَامَشَه، ۱۹۳	حَنَوَه، ۱۵۹
حَلِیمو، ۱۲۲	حُمُحَم (شام و شرق)، ۲۶۸	حَنَاءُ الْجَبَلِیة، ۱۲۵	حَنَوَة، ۳۴
حَمَالْقِیس، ۱۱۱	حَمَر، ۱۲۴، ۹۵	حَنَاءُ الرُّعَاة، ۱۲۵	حَنَوَة، ۱۵۹
حَمَاجِم، ۱۲۲	حَمَرَاد حَزْرَوِی، ۹۴	حَنَاءُ الْغَوْل، ۳۸	حَنِیق زَنْبِق، ۲۹۰
حَمَاحِم، ۱۲۹، ۱۵۹، ۱۸۴	حَمَرَمَا، ۲۶۴	حَمَّاءُ الْغَوْلَة، ۱۲۵	حَنِین، ۱۴۵
حَمَارو حَوْش، ۹۵	حَمَرِی مَرکَبی، ۱۲۹	حَنَاءُ الْقَرِیش (مصر)، ۱۱۷	حَوَان (سندی)، ۲۸۹
حَمَاضُ بَحْرِی، ۲۰۱	حَمَص، ۷۶	حَنَاءُ الْمَجْنُونَه، ۱۲۵	حَوَاءُ الْبَقْر، ۲۹۸
حَمَاض، ۸۳، ۲۶۶، ۲۶۹	حَمِص، ۱۲۴	حَنَاءُ الْمَرْوَج، ۱۲۵	حَوَجَم، ۲۹۴
حَمَاض، ۹۷	حَمِصُ الْأَمِیر، ۱۱۸	حَنَاءُ قَرِیش، ۱۱۷	حَوَانِیثَا، ۴۱
حَمَاض، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۷۴	حَمِصُ الْأَمِیر، ۱۱۸، ۱۲۴	حَنَاءُ مَعْجُون، ۲۹۲	حَوَذَان، ۱۲۷، ۲۵۹
حَمَاض الْاِتْرَاج، ۱۲۳	حَمَصُ الْأَمِیر (مغرب)، ۱۱۸	حَنَدَقُوق، ۱۲۵	حَوَذَان، ۱۵۳، ۲۷۳
حَمَاض الْاِجَامِی، ۱۲۲، ۱۲۳	حَمِصُ الْأَمِیر (مغرب)، ۱۱۸	حَنَدَقُوقَا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱	حَوْر، ۱۲۷
حَمَاض الْاَرِض، ۱۲۳	حَمَصُ الْبَرِی، ۱۱۸	حَنَدَقُوقَا مِصْرِی، ۲۹۱	حَوْر، ۱۲۷
حَمَاض الْاَرَنْب، ۵۵	حَمِصُ بَرِی، ۱۲۴	حَنَدَقُوقِی، ۹۲، ۱۵۲، ۲۰۸	حَوْر اَسْفِیدَان، ۷۸
حَمَاض الْاَرَنْب، ۱۲۳	حَمَصُ بَسْتَانِی، ۱۲۴	حَنَدَقُوقِی (بِغْدَاد)، ۱۵۰	حَوْر الرُّومِی، ۵۵
حَمَاض الْبَرِی، ۱۲۳	حَمَصِیثَا، ۱۲۰	حَنَدَقُوقِی (نَبَطِی)، ۱۲۵	حَوْر الرُّومِی، ۱۰۹، ۱۲۷
حَمَاض الْبَقْر، ۱۲۳	حَمِصِی، ۱۲۴، ۲۹۱	حَنْزَاب، ۵۰	حَوْرِیخَانَا، ۱۳۰
حَمَاض الْجَبَلِی، ۴۰، ۱۵۹	حَمَصِی دَبْرَا، ۱۲۴	حَنْسِی، ۲۷۳	حَوْر رومی، ۱۲۷
حَمَاض الْحَسْکِی، ۱۲۲	حَمَصِیص، ۱۲۴	حَنْطَه، ۱۲۶	حَوْر، ۱۲۷
حَمَاض السَّبْخِی، ۱۲۲	حَمَصِیصُ التَّرْف، ۱۲۲	حَنْطَه السُّودَاء، ۱۹۴	حَوَسَالِی (اهالی جزیره)، ۱۰۹
حَمَاض السُّوَاقِی، ۱۲۲، ۱۲۳	حَمَصِی لِیثَا، ۱۷۹	حَنْطَه رُومِیة، ۱۳۹	حَوک، ۷۱
حَمَاض الشَّامِی، ۱۲۲	حَمِص، ۵۲، ۱۴۴، ۱۴۷	حَنْطَه، ۱۵۱، ۱۵۷	حَوک، ۱۱۳
حَمَاض الْمَاء، ۱۲۲، ۱۲۳	حَمِصُ، ۵۲	حَنْطَه الْبَرِیة، ۱۲۶	حَوک، ۱۹۸
حَمَاض اَمَلِی، ۱۲۲	حَمِصُ، ۶۶، ۹۷، ۱۱۰، ۲۸۴، ۲۵۰، ۱۵۵	حَنْطَه الْحَبْشِیة، ۱۲۶	حَوکَا، ۷۱
حَمَاض یَزْرَگ، ۲۷۴	حَمِص، ۱۳۹، ۱۵۸	حَنْطَه الرِّمِیة، ۱۳۹	حَوْلَانَا، ۷۶
حَمَاض بَسْتَانِی، ۱۲۳	حَمِصُ الْاَبِل، ۱۲۳	حَنْطَه الرُّومِیة، ۱۲۶	حَوْمَانَة، ۱۵۲
حَمَاض جَبَلِی، ۱۵۹	حَمَلَايَا، ۲۷۵	حَنْطَه السَّدَاب، ۱۲۶	حَوْمَانَة، ۲۰۳
حَمَاض حَسْکِی، ۱۵۹، ۷۶	حَمَلَة، ۱۲۳	حَنْطَه الْفَارَسِی، ۱۷۳	حَوْمَانَة (آفریقا)، ۲۰۳
حَمَاض سَه بَرِگ، ۱۲۲	حَمُوعِیَاثَا، ۱۲۲	حَنْطَه الْفَارَسِیة، ۱۲۶	حَوْمَر، ۱۲۴
حَمَاض کَبِیر، ۱۲۲	حَمُوعِیَاثَا، ۱۲۲	حَنْطَه جَبَلِیة، ۱۴۷	حَی، ۳۷
	حَمُوعِیَاثَا (فاس)، ۵۹	حَنْطَه رُومِیة، ۱۳۹	

خیزرفات، ۱۲۳	۲۳۱	خامادزیون، ۸۷، ۲۶۰	حیاتوا، ۲۶۴
خراز الماء، ۲۰۰	خائق النمر، ۵۱، ۱۲۸، ۲۳۸	خامادفنی، ۱۴۵، ۱۵۹	حسی العالم، ۳۴، ۳۷، ۶۴
خراطین، ۱۲۳	خائق النمر، ۱۲۸	خاماذفنی، ۱۴۹	۶۹، ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۷۴، ۲۸۱
خرافه العجوز، ۲۶۹	خائق نفسه، ۲۳۲	خامادفنی، ۱۴۹	حیربول (اندلس)، ۵۸
خرامبا، ۲۸۰	خاوانی (صقالبه)، ۶۷	خاماسوقی، ۱۲۷	حیصل، ۷۲
خرامقان، ۱۳۰	خاولنجان، ۱۳۹	خامافیطس، ۲۶۱	حی عالم، ۱۶۱
خرآه، ۱۱۷	خایه ابلیس (فارس)، ۵۹	خامافیطس، ۲۶۱	حیلت، ۲۵۳
خرآه النواتیه، ۲۴۸	خب، ۱۴۰	خاماقسیس، ۱۲۸	حیوا، ۱۷۲
خریزه، ۸۱	خَبَاز، ۲۸۴	خامالا، ۲۷۵	حَيَهْل، ۱۲۳
خریزه دراز، ۲۸۵	خَبَازِی، ۱۲۹، ۲۸۴	خامالآ، ۲۷۵	
خریزه روباه، ۱۲۶	خَبَازِی الاسود، ۱۲۹	خامالان اونمالس، ۵۱	
خریزه زمستان، ۸۱	خَبَازِی الجبلی، ۱۲۹	خامالانس، ۵۷	
خریزه طلخک (زابل)، ۱۲۶	خَبَازِی السبخی، ۱۲۹	خامالان لوفش، ۵۱	خابور، ۱۳۸
خریزه هندی، ۸۲	خَبَازِی الصقلی، ۱۲۹	خامالان مالس، ۴۷	خارین، ۲۱۷
خریج، ۱۱۴	خَبَازِی الفارسی، ۱۲۹	خامالان مالش، ۵۱	خار خسک، ۱۱۸، ۲۳۶
خَرَبِیق، ۱۳۰	خَبَازِی الماکول، ۱۲۹	خامالان مالیس، ۵۱	خارسوهک، ۱۱۸
خَرَبِیق اسود، ۱۳۰	خَبَازِی المجوسی، ۱۲۹	خامالاون، ۴۶، ۱۲۸	خارشتر، ۱۱۰
خربق الاسود، ۱۲۹، ۱۵۳	خَبَازِی الهندی، ۱۲۹	خامالاون ابیض، ۲۷۵	خارقیاس، ۳۰۰
۲۵۹	خَبَازِی حَمَقاء، ۱۲۹	خامالاون الأسود، ۱۲۸	خاروه، ۲۹۸
خربق ابیض، ۱۳۰	خَبَازِی شقایقی، ۱۲۹	خامالاون لوقس، ۵۱	خاس، ۱۳۳
خَرَبِزَسْتَه، ۲۹۲	خَبَازِی قُرطی، ۱۲۹	خامالاون مالس، ۴۶، ۵۱	خاص تره (تنکابن)، ۱۰۲
خرجکوک (زابلستان)، ۳۸	خبز الغراب، ۵۷	۱۲۸	خافور، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۴۳، ۲۸۰
خَرْدَل، ۱۳۰	خبز الغراب، ۵۸	خامالآ، ۱۲۸، ۲۷۵	
خردل، ۱۵۳، ۱۸۹	خبز الغراب (اندلس)، ۹۰	خامالوقی، ۱۲۸	خاکشی (اصفهان)، ۱۲۹
خردلا، ۱۳۰	خَبَزِ القُرود، ۷۵	خامالوقی، ۲۱۸	خالادل، ۵۱
خردل الابیض، ۱۱۵	خبز القُرود، ۱۳۰	خامالیون، ۴۷، ۱۲۸	خالاون، ۱۳۹
خردل البر، ۱۳۰	خبز الکلب، ۲۶۷	خامامیلن، ۱۲۸	خالاون مالس، ۵۱
خردل الفارسی، ۱۱۵	خبز المشایخ، ۱۳۰	خامانیطس، ۲۶۱	خالدونیون، ۲۰۸
خردل بابلی، ۱۳۱	خبز رومی، ۱۳۰	خامانیل، ۷۰	خالیدونیون، ۱۲۷، ۲۰۸
خردل بری، ۱۰۲، ۱۱۴	خَبَیْه، ۱۲۹	خامشه، ۱۲۸	خالیدونیون ذو الخطافی، ۱۲۷
۲۶۶، ۱۱۶، ۱۳۱	خَبَبِزَة صغیره، ۱۳۰	خامشه، ۱۲۸	
خردل سفید، ۱۱۵، ۱۳۱	خبه، ۱۲۴	خاملاون مالس، ۲۲۵	خالیدونیون طوماغا، ۲۰۸
خردل فارسی، ۱۳۱	خَبْرِف، ۱۳۰	خامون، ۲۶۲	۲۷۶، ۲۵۵
خردل فارسی (دمشق)، ۱۳۰	خَبْرِق، ۵۵	خائق الذنب، ۱۲۸	خالیدونیون طومقرن، ۲۰۸
خرز الملوک، ۲۱۴	ختم الملک، ۱۶۷	خائق الذباب، ۵۵	خالیدونیون طومقرن، ۲۷۶
خِرْزَع، ۱۶۳	ختمی بری، ۲۱۱	خائق الکرسنه، ۶۸، ۲۰۱	خاماقطی، ۱۳۸، ۱۵۷
خَرَزَل، ۱۳۱	خداع الرجال، ۸۸	خائق الکلاب، ۹۳، ۱۲۸	خاماقطی، ۱۳۸
خرزون، ۱۴۵	خِذْرَاف، ۹۹	خائق الکلب، ۴۲، ۱۲۸	خامادریوس، ۸۶، ۸۷، ۲۶۰

## حرف «خ»

خزهرج، ۱۴۵	خزروب الخنزیر، ۱۳۲	خربع، ۴۲	خشخاش، ۷۰، ۱۳۴، ۱۵۸
خزهره، ۱۴۵	خزروب الخنزیر (مصر)، ۶۳	خربع، ۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰	۲۸۸، ۲۸۵، ۲۷۵، ۱۸۸
خزهره (کرمان)، ۱۲۶	خزروب الشوک (شام)، ۱۳۲	خربع، ۱۳۳	خشخاش احمر، ۱۳۴
خَزْرَة، ۱۳۱	خزروب الکلب، ۶۲	خربعا، ۲۳۶	خشخاش اسود، ۱۳۴
خرس گیا، ۲۶۴	خزروب المعزی، ۱۳۲	خزء الحمام، ۱۳۰	خشخاش البری، ۱۳۴
خرس گیا، ۱۴۸	خزروب المعزی (شام)، ۳۰۱	خزء الحمام (رقه)، ۱۰۷	خشخاش الزبیدی، ۱۰۰
خرسیطس، ۱۰۲	خزروب شامی، ۱۳۲	خزامی، ۱۳۳	خشخاش الساحلی، ۱۳۴
خزطال، ۹۱	خزروب مصری، ۱۳۲	خزانی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸	خشخاش المقرن، ۱۳۴
خزطال، ۱۲۶	خزروب نبطی، ۱۳۲، ۳۰۱	خززان، ۱۴۰	خشخاش المقرن، ۲۷۶
خزطال، ۱۳۱	خزروب نبطی، ۳۰۱	خززم، ۱۳۳	خشخاش اليهودی، ۱۳۴
خزطال (فاس)، ۲۳۷	خزروب هندی، ۱۴۰	خس، ۱۳۳	خشخاش ابيض، ۱۳۴
خزطال (مصر)، ۱۲۷	خرو، ۱۲۹	خس، ۱۳۳	خشخاش اسود، ۱۳۴
خرطان، ۸۸	خرو الحمام، ۱۳۰	خس، ۲۸۰	خشخاش بحری، ۱۳۵
خرغول، ۷۸	خرو الضفادع، ۲۰۰	خس، ۲۹۷	خشخاش بری، ۱۳۴
خزفع، ۱۳۱	خزوب، ۱۳۲	خسا، ۱۰۲	خشخاش بستانی، ۱۳۴
خزفقی، ۱۳۱	خروب، ۱۳۲	خس الارنب، ۱۳۳	خشخاش زبیدی، ۱۳۵
خزفه، ۸۳	خزوب الخنزیر، ۲۷۱، ۱۹۶	خس الاسود، ۱۳۳	خشخاش زبیدی، ۱۳۵
خزفی، ۱۰۴	خزوب السنط، ۱۹۱	خس الحمار، ۳۸، ۹۴، ۱۳۴	خشخاش سائل، ۱۳۴
خزقی، ۲۸۰	خروب السودان، ۱۳۲	خس الحمار، ۳۸	خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸
خزقطان، ۱۳۱	خزوب الشامی، ۱۳۲	خس الحمار، ۴۳	خشخاش سیاه، ۱۳۴
خزقع، ۱۷۳	خروب الشوک، ۱۳۲	خس الحمار، ۶۸	خشخاش شاخ دار، ۱۳۴
خزک، ۱۷۳	خروب العریض، ۳۰۱	خس الحمار، ۱۳۳، ۲۹۶	خشخاش مقرن، ۱۳۵
خزک (شیرازی)، ۹۴	خزوب النبطی، ۱۰۹	خس الحمار (فاس)، ۱۳۳	خشخاش مشور، ۱۳۵
خزکوش، ۱۳۱	خزوب النبطی، ۳۰۱	خس القدان، ۱۳۳	خشخاش قافل، ۱۸۸
خزگوشک، ۲۶۹	خزوب الهندی، ۱۴۰	خس الکلب، ۱۴۹	خشل، ۲۸۳
خزل، ۲۰۹	خروب الهندی، ۱۴۰	خس بری، ۱۳۳	خشل، ۲۸۳
خززم، ۴۸	خروس لوج، ۱۱۸	خس بستانی، ۱۳۳	خصى الثعلب، ۸۰، ۸۹
خززم، ۵۴	خروسوقولی، ۷۰	خسران، ۷۹	۱۵۲، ۱۳۵
خززم، ۱۳۱	خروسوقومی، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۵۱	خسرودارو، ۱۳۹، ۲۲۲	خصى الثعلب، ۱۳۵
خزرم، ۱۶۹	خروسوموغالی، ۱۳۳	خسف، ۱۰۶	خصى الثعلب، ۱۳۵
خزما، ۹۴، ۲۳۸	خزوع، ۱۳۳، ۲۰۳	خسوق، ۲۱۰	خصى الثعلب، ۲۰۳
خزمازق، ۲۰۲	خزوع الاسود، ۲۸۷	خسک دانه، ۲۳۶	خصى الثعلب، ۲۰۳
خزما هیرون، ۹۵	خزوع الصفادع، ۲۰۰	خسکدانه، ۲۶۶	خصى الثعلب، ۲۴۶
خزماى سنگ اشکن، ۹۵	خزوع صینی، ۱۴۷	خسنى، ۳۰۰	خصى الثعلب، ۱۳۵
خزمدائق، ۲۵۵	خزوک، ۸۱	خشب الحیه، ۲۹۷	خصى السمور، ۱۳۶
خزروب، ۱۳۲	خزوهک، ۷۹	خشب الصینی، ۱۰۶	خصى القط، ۱۳۵
خزروب، ۱۳۲		خشبزم، ۲۸۰	خصى الکلب، ۸۰
خزروب، ۲۴۱، ۱۳۲		خشب سومر، ۱۸۱	خصى الکلب، ۱۳۵

خومی، ۱۴۰	خنج، ۱۳۱	خُلجان، ۱۳۷	خصی الهَر، ۱۵۰
خومان، ۲۰۲	خنجر، ۱۱۴	خلجلا، ۲۵۷	خصی هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶
خومر، ۹۵	خنجک، ۱۱۱	خُلجی، ۱۳۷	خُصی هرمس، ۱۲۱
خوم (سغدی)، ۲۹۹	خنجک (خراسان)، ۸۱	خلدانیون، ۲۰۸	خَضیر، ۱۶۴، ۱۹۴
خومه، ۹۹	خنداقل (مصر)، ۱۰۴	خَلر، ۱۰۴	خِضلاف، ۱۵۷، ۲۸۳
خونسیاوشان، ۱۴۶	خندروس، ۱۲۶، ۱۳۹، ۲۰۱	خَلر، ۱۳۷	خُضیراء، ۱۵۹
خون سیاوشان، ۱۴۶	خندروس، ۱۳۹	خَلر (قزوین)، ۱۰۴	خُضیراء، ۲۷۵
خویبو (سجزی)، ۱۷۱	خندروش، ۱۳۹	خَلص، ۱۳۷	خَطار، ۲۵۱
خویصه مصغر (اندلس)، ۲۷۲	خندریل، ۲۹۷	خلنج، ۱۱۰	خَطافی، ۱۲۷
خیار، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۵۵	خندریلی، ۱۳۹، ۲۱۲	خَلنج، ۱۳۷	خطای (شیرازی)، ۱۴۰
خیار باذرنگ (خراسان)، ۲۳۴	خندوس، ۱۳۹	خَلوانی، ۷۲	خِطَر، ۱۲۵، ۲۹۲
خیار باذرنگ، ۲۳۴	خنزیری (مصر)، ۲۷۲	خَلوانی (اندلس)، ۲۴۶	خَطَر، ۱۳۶
خیار باذرنگ (خراسان)، ۲۳۴	خنس (گیلان)، ۱۲۰	خلوق، ۱۶۳	خَطَر، ۲۵۱
خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴	خوب کلان، ۱۲۹	خَلوق، ۱۶۳	خَطَرَة، ۱۳۶
خیار تلخ، ۱۲۶	خوخ، ۱۳۹	خَلوقه، ۲۶۱	خطری دَعیا، ۲۱۰
خیار چنبر، ۱۴۰	خوخ الماء، ۱۱۵، ۱۳۹	خَلقة، ۱۳۷	خطمی، ۱۲۹، ۱۳۶، ۲۱۶
خیار خر، ۲۳۳	خوخ المروج، ۲۴۳	خَلیمو (شیرازی)، ۱۲۳	خِطْمی، ۱۳۶
خیار (خراسان)، ۲۳۳	خوخ قلیق استه، ۲۳۲	خمادریوس، ۲۶۰	خطمی الازغب، ۱۲۹
خیار خوراک، ۲۳۴	خوردیپلان، ۱۸۰	خمادفتی، ۲۷۵	خطمی الرومی، ۱۲۹
خیار دراز، ۲۳۳	خورزهرج، ۱۴۵	خمالازن، ۲۷۵	خطمی المروج، ۱۲۹
خیار دراز (شیراز)، ۲۳۴	خوز، ۶۷	خَمایلن، ۶۴	خطمی النهری، ۱۲۹
خیار درزده، ۲۳۳	خوشان، ۱۲۳، ۱۳۹	خمان الأرض، ۱۳۸	خطمی بری، ۱۳۶، ۱۸۷
خیار دشتی، ۱۲۶	خوش سایه، ۱۴۴	خمان الصغیر، ۱۳۸	خطمی کوچک (شیراز)، ۲۸۴، ۱۲۹
خیارزره سفید، ۲۳۳	خوشک، ۷۳	خمان الکبیر، ۱۳۸	خطمی البیضاء، ۱۲۹
خیارزه، ۲۳۳	خوشک امحری، ۹۳	خمان (نبطی)، ۱۳۸	خُفت، ۱۶۷
خیارزه اسپند، ۲۳۳	خوشه ارزن، ۱۹۰	خمایملن، ۷۰	خفجرومیثا، ۲۳۷
خیارزه کوچک، ۱۹۸	خوص (مصر)، ۷۵	خَمخَم، ۶۳	خفرج (بلخ و زابلستان)، ۸۳
خیار شنبر، ۱۴۰	خوص (مغرب)، ۲۰۸	خَمخَم، ۱۳۸	
خیار صنبر، ۱۴۰	خوصه (اندلس)، ۲۷۲	خَمَر، ۲۰۲	
خیار طلخ، ۱۲۶	خوفان، ۲۰۲	خمیری مرجا، ۲۴۹	خلاف، ۵۴، ۱۷۱
خیار (عراق)، ۲۳۴	خولادولیون، ۱۳۳	خمساطرفی، ۴۱	خلاف، ۱۳۶
خیارک بی بر (بلخ و طبرستان)، ۲۸۶	خولان، ۱۲۰	خَمْضیض، ۱۲۲	خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹
خیاط، ۱۲۵	خولع، ۱۲۶	خَمَط، ۵۵، ۱۴۵	خلاف (شام)، ۱۳۶
	خوللو (شیرازی)، ۱۵۲	خَمَل، ۱۷۹	خلال، ۲۸۲
	خولنجان، ۱۰۶، ۱۳۹	خَشی، ۳۷، ۵۱، ۸۰، ۸۶	خلال مامونی، ۴۳
		خَشی، ۱۳۸	خلبانی، ۷۲، ۲۴۶
		خَشی، ۱۳۸	خلبه (گیلان)، ۱۲۱
		خشی الصخریه، ۱۳۸	خلجا، ۲۵۷

دُخْن، ۱۴۳	دارهَلْد، ۱۴۲	داذی، ۱۴۱	خیر بوا، ۲۹۶
دُخْن البری، ۱۱۹	داری، ۱۳۰	داذی الرومی، ۲۹۸	خیر خیر، ۱۷۱
دخن العصافیر، ۱۴۳	داغ سوغائی، ۸۵	داذی رومی، ۱۴۱	خیر مِنْ أَلْف، ۱۷۹
دخن النملی، ۱۴۳	دافع الغم، ۱۱۳	داذی کوهی، ۲۹۸	خیر من أَلْف درهم، ۱۷۹
دخن بری، ۱۰۰	دافنطس (اسکندریه)، ۱۷۴	دارارون، ۴۴	خیرو، ۱۲۹
دخنخ (بخارا)، ۸۴	دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹	دارافرسام، ۸۶	خیروج، ۱۲۹، ۱۳۶
دُخْنَه، ۴۴	داک، ۲۱۴	دار المرز، ۶۵	خیری، ۱۲۹، ۱۴۰، ۲۸۵
دُخْنَه مریم، ۷۴	داکِهه جهاز، ۲۵۵	دار برنیا، ۸۴	۲۹۲
در، ۲۱۳	دالان بزرگ، ۱۵۲	دارچوبه، ۱۴۲	خیری ازرق، ۱۶۸
درابی، ۱۱۵، ۱۱۶	دانج ابروج، ۱۴۲	دارچینی، ۱۴۱	خیری اصفر، ۱۶۸
دراجن، ۱۳۹	دانک، ۱۴۲	دارشاه، ۵۹	خیری الاحمر، ۷۹
دراز (شیرازی)، ۱۱۷	دانک افرونک، ۱۴۲	دار شیرین، ۱۸۰	خیری الاصفر، ۱۴۰
دراشتا، ۲۶۱	دانه، ۲۰۶	دارشیشعان، ۱۰۹، ۱۴۱	خیری البر، ۱۳۳
درافس، ۱۳۹	دانه سجستان، ۱۶۷	۱۷۸، ۱۷۱	خیری البر، ۱۴۰
درافیون، ۲۷۳	داونه مروا، ۲۰۶	دارصینی، ۱۴۱، ۲۳۸	خیری الماء، ۱۴۰، ۲۷۲
دراقتطی، ۲۵۱	داه الحیه، ۱۰۶	دار صینی الدون، ۱۴۱	خیری (بغداد و موصل)،
دُرَاقِن، ۱۳۹	دَب، ۲۹۱	دارصینی حبشی، ۱۴۱	۲۱۱
دراقن (شام)، ۱۳۹	دُبَا، ۱۴۲	دارصینی زور، ۱۴۱	خیری جبلی، ۱۳۳، ۲۶۸
دُرَاقَنْطِیون، ۲۳۱	دبا، ۲۳۷	دارفلفل، ۴۶، ۱۴۲، ۲۲۷	خیری سیاه، ۱۴۰
دراقتطیون، ۲۷۳	دباب، ۱۸۲	دارقفوطون، ۱۴۲	خیزران، ۱۴۰
دراقتطیون، ۲۷۳	دبسا قوس، ۱۴۸	دارکسنه (عراق)، ۲۴۹	خیزران البلدی (اندلس)،
دراقتوسقردیون، ۸۰، ۹۸	دبسا قوس، ۱۴۹	دارکیسه، ۱۹۹	۳۶
دراقونطیون، ۲۷۳	دبق، ۵۱، ۵۸، ۱۶۷	دارکیسه (شام)، ۱۰۷	خیزران بلدی، ۱۴۰
دراقیطن، ۲۷۳	دبِق، ۱۴۲	دارکیسه، ۱۴۲	خیزو (مراکش)، ۱۰۳
دراقیطون، ۲۳۰، ۲۷۳	دبِقست، ۱۴۲	دارکیسه (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹	خیسفوج، ۲۴۲
دراقیل، ۱۴۳	دبِقی، ۵۱	دارم، ۱۴۲	خینوس، ۱۹۳
دراقینی، ۱۳۹	دبندار، ۱۴۹	دارم، ۱۵۷	خیو خیر، ۱۷۱
درامج، ۱۴۳	دبوقا، ۱۴۳	دارما، ۲۸۰	خیوز (سوانم)، ۲۰۱
درامک، ۲۸۰	دبوکی (بلخ)، ۲۸۴	دارمازو، ۸۶	
درانیج، ۱۴۳	دبی، ۹۶	دارمازی (طبرستان)، ۸۶	
دربرق، ۲۱۴	دبیداریا (نبطی)، ۱۴۳	دارمک، ۱۴۲	
درببقا، ۷۱	دبیراز، ۱۴۳	دارمون، ۱۵۷	دائم العطش، ۱۴۸
درجکان، ۱۳۹	دتبلیغ، ۱۷۹	دارمیران، ۱۴۲	داح، ۱۴۳
درحسختک، ۱۹۸	دُجْر، ۲۷۱	دارواش (دیلم و تنکابن)،	داد الأبیض (اندلس)، ۵۱
دُرْحوْلَه، ۱۴۴	دجر، ۲۷۱	۲۱۵	داد الأسود، ۵۱
درخت أثل، ۱۸۲	دحداح، ۱۴۳	داروان (تنکابن)، ۳۵	داد الوحید (آفریقا)، ۵۱
درخت پشه، ۱۴۴	دخسیسا، ۱۴۳	دارورهرام، ۱۸۰	دادی، ۲۰۴
درخت دبق، ۵۱	دخن، ۱۰۰	دارون، ۱۴۴	داذاروان، ۴۴

## حرف «د»



درخت دردار، ۱۷۸	دروقیونون، ۱۴۴، ۱۴۷	درفلی الخضراء، ۱۴۵	دمیثا، ۹۷
درخت دلپک، ۲۹۴	دروقیونون، ۱۴۴	درفنوداس، ۱۵۹	دنبی دارو (شیرازی)، ۴۹
درخت زکریا، ۱۶۹	دروکی کنکر، ۱۱۴	درفیقه، ۱۰۳	دند، ۱۴۷، ۲۷۶
درخت زهرناک، ۲۰۹	دُرُونَج، ۱۴۴	درفیون، ۲۲۳	دندان جانان (سجزی)، ۲۹۳
درخت سال، ۲۰۲	درونک، ۱۴۴	دِق، ۱۴۳	دندان ساوکف، ۸۳
درخت سیستان، ۱۴۲	درویطارس، ۵۲	دِقان، ۱۳۶	دندان گرگ، ۸۴، ۵۰
درخت شانه، ۲۶۳	درهن، ۱۸۴	دِقنا، ۲۶۴	دند هندی، ۲۷۶
درخت عرعر، ۱۷۰	دُرِیاس، ۱۴۵	دُقْتَرانْش، ۱۴۵	دنقه، ۱۴۷
درخت عود، ۲۹۶	دریاس (فاس)، ۶۵	دِقْتوریه، ۹۹	دنقه، ۱۶۴
درخت غایش، ۲۱۵	دریاس (مغرب)، ۹۷	دُقْسِنِطُس، ۹۵	دَنقَه، ۱۹۴
درخت فلفل، ۱۴۲	دُرِیان، ۱۴۵	دِقْطابانون، ۲۸۱	دوئی، ۲۴۲
درخت کدز، ۴۵	دریقونون، ۲۴۹	دِقْطامیون، ۲۸۱	دوادم، ۱۴۷
درخت کلنورا، ۱۹۸	درینه (تبریز)، ۹۶	دِقْطمنن، ۲۸۱	دواغریا، ۱۴۷
درخت کوت، ۲۶۲	دریولطاس، ۲۶۳	دِقْطَمْنَن، ۲۸۱	دوالک، ۵۲
درخت مسواک، ۴۳	دستنبو، ۱۴۴	دِقلیوس، ۶۷	دواله، ۵۲
درخت هلیله (شهری)، ۳۵	دستنبویه، ۱۴۴	دِقنادعزی، ۲۶۷	دوالی، ۵۲
دَرْداب، ۱۴۴	دستنبویه، ۱۴۵	دل اشوب (شیرازی)، ۴۱	دوام (انطاکیه)، ۸۶
دَرْدار، ۱۴۴	دسقس، ۱۳۳	دَلْاع، ۸۱	دَوایاغریا، ۱۴۷، ۱۴۸
دردار، ۲۶۹، ۲۹۰	دَسْم الشجر المر، ۲۸۶	دِلاع، ۸۲	دواء الجنون، ۵۵
دردریه (بکر)، ۲۷۸	دسم الصوف الؤزج، ۱۶۵	دِلاع البری، ۱۲۶	دواء الحیه، ۱۰۶
دَرَس، ۸۶	دسظو، ۸۵	دلال، ۱۸۰	دواء النَخاطیف، ۲۰۸، ۲۷۶
درغل، ۲۰۴	دسیسه (مصر)، ۵۶	دَلْب، ۱۴۵	دویر (مصر)، ۲۷۳
درق، ۱۲۵	دشینه، ۱۹۷	دلب، ۲۱۷، ۲۹۰	دود الصخر، ۷۹
درقطنیون، ۱۴۶	دُعاع، ۱۴۵	دَلبوث، ۴۵	دَوْدِر، ۱۴۵
درقیانا، ۳۰۰	دُعُوب، ۱۴۵	دَلبوث، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۵۷	دودزلوس، ۲۳۰
درمامه، ۱۴۴	دُعْنا، ۸۱	دلپوس، ۱۴۶	دودسپاروس، ۱۴۴
درمنه، ۱۹۳، ۵۵	دعنادشغاری، ۸۱	دلذغ، ۱۴۶	دَوْدِم، ۱۴۷
درمنه اسپید، ۹۷	دعنادقرطی، ۸۲	دَلْم (فاس)، ۱۴۵	دودهالی، ۱۸۸
درمنه ترکی، ۱۹۳	دعناقورینتا، ۱۲۱	دلوباخوسطس، ۲۳۰	دَوْران، ۱۱۷
درنک، ۲۸۰، ۳۸	دعناالغنا، ۱۱۴	دَلِیک، ۱۴۶	دوراو، ۱۱۷
دَرَوازْدَ، ۱۹۸	دعقیلا، ۱۱۸	دَمادم، ۱۴۷	دورخولی، ۱۴۶
دَرَوِیْطارس، ۱۴۴	دُعْلول، ۱۴۵	دماسونیون، ۲۸۱	دورحولی، ۱۸۱، ۲۵۷
دَرَوِیْطارس، ۱۴۴	دِفْقوس، ۱۰۳	دَم الاخوین، ۶۹، ۱۴۶	دورس، ۱۴۵
دَرَوِیْنوس، ۱۴۴	دِفْقین، ۱۰۳	دم ال۱۷۹، ۱۹۲، ۲۱۵	دورقتی، ۱۴۷
دروقتی، ۲۴۹	دِفْقینی، ۱۰۳	دم ال۱۴۷	دورقینتون، ۲۳۰
دُرُوْقینون، ۱۴۴	دِفلی، ۳۷	دم الغزال، ۱۴۷	دوسر، ۱۴۷
	دِفلی، ۱۴۵	دَمْدام، ۱۴۷	دَوَسْر، ۱۹۴
	دِفلی البیضاء، ۱۴۵	دمسقینی، ۴۱	دوسر، ۲۰۱

دوشر، ۱۴۷	دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸	ذنب الجداة (اندلس)، ۲۳۱	ذاقنیویداس، ۱۴۹
دوقس، ۱۱۸	دیس (اندلس)، ۱۷۵، ۵۰	ذَنبُ الحُرُوف، ۱۵۱	ذُبُح، ۶۳، ۱۰۳، ۲۶۵
دوقس، ۱۴۸	دیسندس، ۲۳۷	ذنب الخیل، ۲۶۷، ۵۰، ۵۰	ذُبْحَة، ۶۳
دوقس، ۲۹۲	دیشار، ۲۸۱	ذَنبُ الخَیْلِ، ۵۰	ذراعہ (مصر)، ۲۳۶
دوقس (شام)، ۱۱۸	دیقطنینون، ۲۸۱	ذَنبُ الخَیْلِ، ۱۵۱	ذربون، ۱۸۸
دوقص، ۸۰	دیقورس، ۲۳۵	ذنب السُّعْب، ۱۵۱	ذرت، ۱۰۰
دوقسو، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۸	دیک الاعمی، ۱۱۸	ذنب العقرب، ۱۵۱، ۲۰۴	ذرعاً، ۲۶۱
۱۸۸، ۲۵۶، ۲۲۸	دیک الاعور، ۱۱۸	ذَنبُ العقرب، ۱۵۲	ذرفی، ۱۵۰
ذوقو، ۱۴۸	دیک (اندلس)، ۱۴۴	ذنب الفار، ۲۶۹	ذرق، ۱۲۵، ۱۵۰
دوقواغریا، ۱۴۸	دیک اَعْوَر، ۱۱۸	ذَنبُ الفار (اندلس)، ۲۶۹	ذُرُق، ۲۹۱
دوقوالاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸	دیله، ۱۲۲	ذنب الفاره، ۲۶۹	ذُرُق الحَمَام، ۱۵۰
دوقو الرومی، ۱۰۳	دینار، ۲۵۸	ذنب الفرس (شام)، ۱۵۱	ذُرُق الطیر، ۸۷
دوقوالقرادی، ۱۰۳	دینارو، ۱۱۷	ذنب القَط (اندلس)، ۱۵۱	ذُرُق الطَّیْرِ، ۱۵۰
دوقوالقرادی، ۱۰۳	دینارویه، ۱۱۷، ۱۴۸	ذنب اللبوءة، ۱۵۱	ذرقونن، ۱۳۹
دوقواملس، ۱۴۸	دینساقوس، ۱۴۸	ذنب اللوءة، ۱۵۱	ذروفینون، ۱۵۰
دوقوبری، ۱۴۸	دیواسپست، ۱۲۵	ذنب النمر، ۷۵	ذره، ۱۰۰
دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۸۳، ۲۸۴	دیواسپست صحرائی، ۱۲۵	ذنب الیهر، ۸۷	ذُرَّة، ۲۰۳
دوم (مغرب)، ۲۰۸	دیودار، ۳۹، ۱۴۹، ۲۰۹	ذنبان، ۱۵۱	ذُرَّة، ۲۶۳
دومه، ۲۸۳	۳۰۰	ذُنْبِیاء، ۱۵۱	ذُرَّة مکة، ۱۳۹
دویتکانی، ۱۱۰	دیودار (طبرستان)، ۲۶۴	ذوات الجُجم، ۲۰۴	ذُرَّة، ۱۴۹
دویره، ۲۷۳	دیودر، ۱۴۹	ذوات جُجم، ۲۵۶	ذُرَّیْرَة الشَّخْم (مصر)، ۲۷۳
ذهار (سند)، ۴۷	دیوزوان (بستی)، ۲۱۰	ذو ألف ورقة، ۱۵۱، ۱۷۱	ذریرة (مصر)، ۲۷۳
ذهاک، ۸۵	دیوسبست، ۱۲۵	ذو ثلاث الوان، ۱۵۲	ذریزه، ۱۵۰
ذهاهاهیج، ۱۴۸	دیوفونیطس، ۲۷۳	ذو ثلاث حیات، ۱۶۲	ذفارا، ۱۰۰
ذهوره، ۱۰۹	دیو مشنگ، ۱۵۶	ذو ثلاث شوکات، ۱۵۲	ذفراء، ۱۵۰
ذهکلو (شیراز)، ۲۶۰		ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲	ذفکر، ۲۲۶
ذھماسا، ۱۴۸		ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳	ذِفلی، ۱۴۵
ذَهْمَسْت، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸		ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲	ذُکار، ۹۶
ذھمشت، ۲۱۸	ذات الریش، ۱۴۹	ذو ثلاثة شعب، ۱۱۸	ذکر الارض، ۹۲
ذھنون دودی، ۲۵۰	ذات ثلاث حیات، ۱۶۲	ذو ثلاثة عناقید، ۲۰۳	ذَکَر الدیک، ۱۵۰
ذھنیه، ۲۵۷	ذافنی، ۱۴۹	ذو خمسة أجنحه، ۸۹	ذکر الرئیس، ۱۳۵، ۱۵۰
ذھونه، ۲۴۷	ذافنی، ۲۱۸	ذو خمسة اجنحه، ۴۱، ۸۸	ذکر الکلب، ۱۵۰
ذیاکلمن، ۱۴۱	ذافنی الاسکندری، ۱۴۹	۱۵۲	ذَکَر الیهر، ۸۰
ذیامنطیس، ۲۶۴	ذافنیدس، ۱۴۹	ذو خمسة اصابع، ۱۵۲	ذَکَر الیهر، ۲۰۱
ذیامیرون، ۹۵	ذاقنیویداس، ۱۴۹	۲۳۰	ذکور البقل، ۱۴۴
ذییساقوس، ۱۳۳، ۱۴۸	ذاقنی، ۱۴۹، ۲۱۸	ذو خمسة اقسام، ۸۸، ۱۵۲	ذَنبُ الأئیل، ۲۸۷
ذییناقوس، ۱۴۸	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	ذو خمسة اوراق، ۴۱، ۸۸	ذنب الثعلب، ۱۸۱
ذیدرون اسایا، ۲۵۵	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	۱۵۲، ۲۳۰	ذَنبُ الجَمَل، ۱۲۶

## حرف «ذ»

رتّه (نبطی)، ۸۸	رانج ویر (فارس)، ۱۱۱	راحة الكف، ۲۵۹	ذو خمسة أجنحة، ۱۵۲
رتیانج، ۱۹۷	رانداروی تلخ، ۲۶۰	راحة الكلب، ۱۵۲	ذو خمسة أصابع، ۴۱، ۸۸
رثیث، ۵۰	راون، ۱۵۴	راحة الكلب، ۲۵۴	۱۵۲
رجبه، ۱۵۵	راوند، ۱۵۴	رازقی، ۱۵۲	ذو خمسة أقسام، ۱۵۲
رجل الارنب، ۲۶۵	راوند الجبلی، ۲۵۰	رازقی، ۱۸۱	ذو سبعة اضلاع، ۲۶۹
رجل الأرنب، ۲۶۵	راوند الفارسی، ۱۲۲، ۱۵۹	رازیانج، ۷۸، ۱۵۲، ۲۳۸	ذو شونكة، ۱۵۲
رجل البازی، ۱۵۵	راوند شامی، ۱۵۴	رازیانج البستانی، ۱۵۳	ذو مائة رأس، ۱۵۲
رجل البازی، ۲۴۸	رای، ۱۳۰	رازیانج الرومی، ۶۷	ذهبی، ۳۴
رجل الجراد، ۱۵۵، ۱۶۱	رای بیل، ۱۵۴	رازیانج الشامی، ۶۷	ذهبیه، ۱۵۳
رجل الحدأة، ۱۵۵	رای مُنت، ۷۵	رازیانج القروء، ۱۴۸، ۱۵۳	ذهیبة، ۱۵۲
رجل الحرشاء، ۱۵۵	رای مُنت، ۱۶۰	رازیانج بری، ۱۵۲، ۱۵۳	ذی الورقة الواحدة، ۲۷۳
رجل الحمام (اندلس)، ۱۲۵	راء، ۱۵۲	رازیانج حبشی، ۱۵۳	ذیره، ۱۲۳
رجل الحمامه، ۳۸، ۱۱۹	راء، ۱۵۲	رازیانج رومی، ۱۵۳	ذُونون، ۱۵۲، ۲۰۱
رجل الحمامه، ۳۸، ۴۳، ۲۵۲	راء، ۵۹، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۹	رازیانج شامی، ۱۵۳	
رجل الحَمَامَة (اندلس)، ۶۸	راء، ۲۶۳	رازیانج فارسی، ۱۵۲	<b>حرف «ر»</b>
۱۹۰	رأس الأفعی، ۴۲	رازیانج (مغرب و اندلس)، ۷۸	رئیس الجبَل، ۱۱۹
رجل الدجاجة، ۱۵۵	رأس الذهب، ۱۳۲، ۱۵۳	رازیانج، ۷۸	رئیس الجبل، ۱۲۰، ۱۶۰
رجل الدجاجة (آفریقا)، ۷۰	رأس الزرور، ۱۵۳	رازیانه، ۱۵۲، ۲۱۳	راء، ۱۵۴
رجل الزاغ (شام)، ۱۵۵	رأس الشيخ، ۵۸، ۱۵۳	رازیانه بری، ۱۵۳	رائحة الأثرج، ۷۱
رجل الزرور، ۱۵۵	رأس العجل الكبير، ۶۷	رازیانه رومی، ۶۷	رائحة البستان، ۲۸۰
رجل الطير، ۳۶	رأس العصفور، ۱۵۳	رازیانه شامی، ۶۷	رائی، ۱۳۰
رجل العقاب، ۱۵۵	رأس القنفذ، ۱۵۳	راژموک (ترمذی)، ۲۷۱	رابانس ازغریا، ۵۷
رجل العقق، ۱۵۵	رأس الهدهد (اسکندریه)، ۲۷۷	راس الذهب، ۱۳۰	رایج، ۱۱۲
رجل الغراب، ۳۶، ۱۴۸	رب القَرظ، ۱۳۲	راسن، ۱۵۹، ۲۵۲	رابستیاج، ۱۹۳
۱۵۵، ۱۶۲، ۲۵۶	زَبَرَق، ۲۴۹	راسن (اندلس)، ۱۰۶	رابوقه، ۸۲
رجل الغراب، ۱۵۵	ربرق (یمن)، ۱۵۴	راسن (اندلس)، ۱۵۳	راتیانج، ۱۹۶
رجل الفروج، ۵۲، ۱۲۳	زَبَل، ۱۵۴	راطینا، ۱۹۷	راتیانج، ۱۹۷
۲۳۲	زَبَل (مصر)، ۵۶	رافانوس، ۲۲۴	راتینا، ۱۹۷
رجل الفَرُوج، ۱۱۶	زَبَنَاله، ۲۷۴	رافعه، ۱۳۰	راتیانج، ۱۵۲
رجل الفروج (اندلس)، ۱۵۵	زَبودی، ۸۴	رافعة، ۱۵۴	راتینج، ۱۵۲، ۱۹۷، ۲۴۴
رجل القلوس، ۱۵۵	زَتک (شیرازی)، ۲۸۱	راقوته (شیراز)، ۲۹۰	راتینج، ۱۹۷
رجل القلوس، ۱۵۵	زَتَم، ۱۵۱، ۱۵۴	رال، ۱۷۸، ۲۴۷	راجپونکه، ۲۴۹
رجل صالح، ۲۸۰	زَتَم الخنزیر، ۱۵۴	رام تلسی، ۲۲۵	راج کیری، ۲۱۰
رجله، ۸۲، ۸۳، ۸۴	زَتَم الطباء، ۱۵۴	رامک، ۱۵۴	راج، ۷۹
رجلة الشتاء و الصيف، ۱۰۸	زَتَن جوت، ۴۰	رامشس، ۲۱۷	راج العرب، ۶۲
زَجْمول، ۲۵۸	زُتَه، ۵۴، ۵۲	رانج، ۱۰۹	راحة الاسد، ۲۸۳
زرجنه، ۱۳۳	زُتَه، ۱۵۵	رانج، ۲۸۷	راحة الأسد، ۲۸۶

رجینة، ۱۹۷	رعى الأیل، ۶۰	رقعة الصخرية (اندلس)،	رمانامصرینا، ۱۰۴
رجینة (اندلس)، ۱۵۲	رعى الأیل، ۲۸۱	۲۷۱	رمان بری، ۱۰۴، ۱۱۲،
رحبینه، ۱۹۷	رعى الأیل، ۱۵۶	رقعة الصنوبریه، ۱۵۷	۲۸۳، ۱۵۸
رخامی، ۱۵۵	رعى الأیل، ۱۵۶	رقعة الفارسیة (اندلس)، ۸۷	رمان بستانی، ۱۰۴
رخون (بغداد)، ۲۶۱	رعى البَطّ، ۱۴۸	رقعة اللطینیة، ۹۷	رمان حامض، ۱۵۷
رخینه، ۱۵۲	رعى الحمام، ۶۰، ۷۳، ۱۵۶،	رقعة النهرية، ۲۹۱	رمان حلو، ۱۵۷
ردایف، ۱۱۴	۲۰۴	رقعة (اهل سراه)، ۱۰۸	رمان هندی، ۱۴۱، ۲۸۸،
رُدُونْتی، ۱۵۵	رعى الحَمَام، ۶۹	رقعة بریة، ۱۵۷	رمت، ۴۴
ردین، ۲۶۰	رعى الحَمَام، ۱۵۶	رقعة جبلیة، ۱۵۷	رِمْت، ۱۵۸
رُزّا، ۴۴	رعى الحمیر، ۲۲۵	رقعة خضفیة، ۱۵۷	رُمح صغیر، ۲۷۱
رزى (تبریز)، ۸۵	رعى الشواھین، ۲۰۴	رقعة شہلیة، ۱۵۷	رمرام، ۱۵۸
رس، ۲۰۹	رعى الضفادع، ۲۵۴	رقعة شعریة، ۱۵۷	رَمَرَام، ۱۵۸
رستنی نودیہ، ۲۱۰	رعى العیر، ۴۳	رقعة طلیبیة، ۱۵۷	رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱،
رسماریتا، ۲۳۹	رَعَيْدَاء، ۱۶۴	رقعة ظلیبہ، ۱۵۷	رَند، ۱۵۹
رُسَمَارینا، ۸۷	رَعَيْدَاء، ۱۹۴	رقعة فارسیة، ۱۵۷	رند اسکندرانى، ۱۵۹
رسوت، ۱۲۰	رغبا، ۲۵۸	رقعة قَرْتَلْبِیة، ۱۵۷	رند (سندی)، ۲۱۸
رسون هندی، ۱۹۹	رَغَبْ، ۱۰۴	رقعة لطینیة، ۱۵۷	رندلی، ۶۷
رسیم (مصر)، ۲۳۶	رغل، ۸۳	رقعة مَرَجِیة، ۱۵۷	رَنف، ۱۳۷، ۱۵۹
رسین (اصفهان)، ۲۳۶	رُغَل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰	رقعة نهرية، ۱۵۷	رنکبار (شیرازی)، ۱۵۲
رشاد، ۱۰۲، ۱۱۵	رغیدا، ۴۴، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴	رقون، ۲۹۰	رنگ زعفران، ۴۲
رشال الاحمر، ۴۶	رفالس (فرنگی)، ۲۲۳	رَقُون، ۱۲۵	رنگ زعفران (اصفهان)،
رَشَاله، ۴۶	رفانی، ۲۲۳	رَقُون، ۱۲۵	۲۱۰
رُشَالَة الابيض، ۲۶۴	رفاید، ۱۱۹	رقه، ۲۱۸	رنیکا، ۴۱
رشینہ، ۱۵۲	رفینون، ۲۲۳	رقیب الشمس، ۱۵۷	رواس، ۱۳۴، ۱۵۹، ۱۸۸،
رشینة (اندلس)، ۱۵۲	رقاع، ۱۵۷	رَقِي (بغداد)، ۸۲	رواش، ۲۵۴
رضایف، ۱۱۴، ۱۵۹	رُقَاع الیمانی، ۱۵۷	رَكَف (آفریقا)، ۷۵	روبادوج، ۲۴۹
رطا، ۲۴۷	رقاقس، ۱۵۷	رَکَل، ۲۵۲	رویارزج، ۲۱۴
رطب القَتّ، ۱۵۶	رِقَان، ۱۲۵	رَمَان، ۱۰۴	روباہ تریک، ۲۱۴
رَطْبُه، ۱۵۵	رقبہ، ۲۶۸	رُمان، ۱۵۷	روباہ تورک، ۲۱۴
رطبہ، ۲۳۷، ۲۹۱	رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷	رُمانا، ۱۵۷	روباہ زَرک، ۲۱۴
رطبہ، ۹۲، ۲۴۱	رقعا، ۱۳۸	رمانادبرا، ۱۰۴	روبیاس، ۱۸۹
رعاولیا، ۱۵۶	رقع الیمانی، ۱۰۸	رمان الأنهار، ۱۵۸	روبیان، ۴۴، ۱۵۵
رَغَبْ، ۱۵۸، ۱۵۶	رقعاء، ۱۶۹	رمان البر، ۱۵۸	روبیہ منور، ۲۳۰
رعنادملا، ۲۲۸	رَقَعَه، ۱۵۷	رمان السُعال، ۱۵۸	روبیہ (فرنگی)، ۲۳۰
رعیادیلہ، ۱۵۶	رقعة الرومیة، ۱۵۷	رمان السعال، ۲۷۵	رودا ایدا، ۱۵۷
رَعِيَاذِيلًا، ۱۵۶	رُقَعَة الصخری (اندلس)،	رمان السعالی، ۲۸۸	رودک، ۲۳۰
رَعِي الأیل، ۱۵۶	۱۵۷	رمان الهند، ۱۸۹	رودیاریزا، ۱۵۹
رعى الابل، ۱۵۶، ۶۰	رقعة الصخریة، ۲۵۷	رمان الهندی، ۱۸۹	رودیون، ۱۴۵

زراوند گرد، ۱۶۱	ریون، ۱۵۴	ریحان الامرود، ۲۷۹	رُودَا، ۲۹۴
زراوند مَدَخْرَج، ۱۶۱	ریوند، ۱۵۴، ۲۶۲	ریحان الترنجانی، ۷۱	رُودَا آریدَا، ۱۵۹
زراوند مدور، ۱۶۱	ریهقان، ۱۶۳	ریحان الثعلب، ۱۴۹، ۱۵۹	رُودَا اَیْذَا، ۱۵۸
زرجویک، ۲۰۸	رُؤُوسُ أُو (أبی) أطا اُؤبسا،	ریحان الجز، ۱۵۹	روز دقنی، ۱۴۵
زرجون، ۲۱۴	۱۷۵	ریحان السلیمان، ۱۶۰	روزوس، ۱۵۷
زرچویه، ۲۰۸		ریحان السواقی، ۱۵۹	رُوز، ۴۴
زردآلو، ۱۹۰، ۲۸۲		ریحان الشیاطین، ۱۸۳	رُوزبَارِج، ۲۱۵
زردچویه، ۲۰۸		ریحان الشیوخ، ۲۸۰	رُوز (فاس)، ۴۴
زردچویه، ۲۷۶	زآ، ۲۱۳	ریحان القبور، ۳۶	روزی، ۴۴
زردک، ۱۰۳	زآء، ۲۱۳	ریحان الکافور، ۱۶۰	روس، ۴۳، ۲۱۳
زردلان، ۱۶۱	زابر، ۱۶۱	ریحان الماء، ۳۹	روشکه، ۵۵
زرشک، ۳۸، ۶۱، ۱۲۰	زانا، ۵۲	ریحان المُرْد، ۱۵۹	روشنک، ۲۲۱
۲۳۱، ۲۷۱، ۲۹۸	زارج، ۳۸، ۶۱	ریحان الملک، ۱۹۸	روشی مینس (شیراز)، ۵۱
زرشگ، ۶۱	زان، ۱۶۰، ۱۶۳	ریحان النعنع (مصر)، ۳۹	روطة (فاس)، ۱۶۷
زرع، ۱۲۶	زُبَادی، ۱۶۰	ریحان اليهود، ۱۶۰	روغناز (جرجان)، ۲۳۰
زَرَع، ۱۲۶	زبان گنجشک، ۲۶۹	ریحان (اندلس)، ۳۶	روفس، ۱۱۰
زرع آدم، ۱۱۲	زُبَان لِبَاسَا، ۸۶	ریحان بری، ۸۳	رومانی دبرقویا، ۲۸۲
زرع بشاشا، ۱۱۶	زُب رِیَاح، ۱۵۰	ریحان داود، ۳۴	رومیرو رومینیو (رومی)،
زرع بطراسلینون، ۲۲۷	زُب رِیَاح، ۲۰۱	ریحان سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰	۵۹
زرعشامر، ۶۷	زُب رِیَاح، ۲۰۱	ریحان قرنفلی، ۲۲۵	رونا، ۲۷۹
زرع شخرونیا، ۸۸	زُبَعْر، ۲۸۰	ریحان کوهی، ۷۱	روناس، ۲۳۰
زرع علی زرع، ۲۵۷	زُبُوج، ۲۰۶	ریحان مطلق، ۱۸۴	رونق الملک، ۵۹
زرع کرفساد طورا، ۲۲۷	زُبُوج (اندلس)، ۱۶۶	ریحانة الرومیه، ۱۱۳	رونک (سجزی)، ۱۷۳
زرق الطیر، ۱۵۷	زیب الجبل، ۱۱۱، ۲۸۷	ریحانة الفتی، ۱۶۰	رویذون، ۱۵۷
زرقفت، ۱۶۱	زیب الجبلی، ۲۸۷	ریحانة المرود، ۱۱۳	رویذین، ۱۵۷
زرقوتبا، ۱۵۳	زیب الریفی، ۲۸۷	ریحانة الملک، ۱۱۳، ۱۶۰	روی (سجزی)، ۲۰۰
زرقوری، ۱۵۵	زیب بری، ۱۱۱	ریسم، ۱۲۲	روین، ۲۳۰
زِرک، ۶۱	زَتَنکَل (فرنگی)، ۲۵۰	ریسنا، ۱۵۳	رُهَج الفَار (مغرب)، ۶۸
زرنب، ۱۵۵، ۱۶۱	زجمول، ۲۵۸	ریش سمندر، ۱۲۰	رهلیا، ۶۷
زَرْنَب، ۱۶۱	زحموک، ۲۵۸	ریشه انجدان خراسانی، ۶۵	ریسباس، ۴۰، ۱۵۴، ۱۵۹
زرنیاد، ۱۶۱	زدار، ۱۰۱	ریشه خیرو، ۲۹۷	۲۸۲، ۲۳۰
زَرْنَبَاد، ۱۶۱	زر، ۲۵۵	ریشه ریاس، ۱۵۴	ریباس الجبلی، ۱۲۲
زرنبودی، ۸۴	زراوند، ۱۶۰	ریشه والا، ۱۷۷	ریباس الخراسانی، ۱۲۲
زرنبوری، ۱۶۲	زراوند، ۱۶۱	ریفی، ۶۱، ۸۱	ریباس الشامی، ۱۲۲
زرنک، ۶۱	زراوند الطویل، ۲۳۴	ریمنده (اندلس)، ۲۱۹	ریباس الفارسی، ۱۲۲
زرنک، ۸۰	زراوند الطویل (آفریقا)،	ریواج، ۱۵۹	ریتیه، ۸۸
زرنیلج، ۱۵۹	۱۸۶	ریواس، ۱۵۹	ریحان، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹
زرواش (تنکابن)، ۹۷	زراوند خراسانی، ۱۶۰	ریولة (اندلس)، ۲۲۶	۲۴۹، ۱۸۴

## حرف «ز»

زیت المهرجان، ۱۶۶	زنجی، ۱۶۷	زقوم، ۱۹۸	زَرَوَان زَنْج، ۲۱۵
زیت الهرجان، ۱۶۶	زند (شام)، ۲۱۸	زقوم آخر، ۱۶۳	زره (شیرازی)، ۱۴۹
زیتون، ۱۶۵، ۵۷	زنجباری، ۱۶۴	زلائف الملوک، ۲۴۷	زریات، ۱۳۲
زیتون الأرض، ۱۲۸، ۲۷۵	زنجباری، ۱۶۴	زلاییه، ۱۶۳	زَریر، ۱۶۲
زیتون البحر، ۱۶۶	زنقال، ۹۶	زلایف الملوک (مغرب)، ۲۴۷	زریرا، ۸۲، ۱۶۲
زیتون البری، ۱۶۶	زنکییل، ۱۶۴	زَلَم، ۴۹	زریعة السُوداء، ۱۹۲
زیتون الجبلی، ۲۰۶	زنک فلج، ۱۳۲	زلم، ۱۶۳	زریعة ابلیس، ۱۸۷
زیتون الحَبَش، ۱۶۶	زنکورج، ۳۰۱	زمارة الراعی، ۲۸۱	زریقاء، ۱۰۵
زیتون الطحال، ۱۶۶	زنگباری (شیرازی)، ۲۴۴	زَم البول، ۱۱۸	زَرین گیاه، ۹۲
زیتون الکَلْبَة، ۱۶۶	زنگبیر، ۱۶۴	زَمَان شرار، ۷۶	زَرین گیاه، ۱۶۲
زیتون الماء، ۱۶۵	زوار، ۱۰۱	زمردرنگ، ۲۴۵	زُرْغُد (انطالیا)، ۲۴۸
زیتون المعز، ۱۶۶	زوان، ۱۰۵، ۱۴۷، ۱۵۱	زمین قند، ۱۸۹	زُط (سجستان)، ۲۰۱
زیتون بری، ۱۶۶	زوان گندم، ۱۹۴	زمین (گرگان)، ۳۵	زُغور، ۱۶۲
زیتون صخری، ۱۶۶	زوان (مغرب)، ۱۹۴	زَن، ۱۳۷	زعرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۸۲
زیتون کوهی، ۲۰۶	زویاترس (تنکابن)، ۳۵	زَن، ۱۴۷	۲۹۱
زیتون هندی، ۱۹۹	زَوَیرِی، ۱۲۶	زَنابیر، ۹۶	زعرور الأدویة، ۵۸
زیتونیه، ۱۴۴	زوذودا، ۱۴۵	زَنبَا، ۱۶۴	زعرور پستانی، ۱۶۳
زیره (مصر)، ۷۰	زوفاء، ۱۶۵، ۱۹۵، ۲۸۱	زَنبَارَه، ۹۶	زعرور جبلی، ۱۶۲
زیر، ۸۵	زوفارطیبا، ۱۶۵	زَنبِق، ۱۵۲	زَعفران، ۱۶۳، ۲۵۵
زیر خار (سجزی)، ۲۱۷	زوفایشا، ۱۶۵	زَنبِق، ۱۶۴	زَعفران بری، ۱۶۳
زیرکش، ۶۱	زوفای رطب، ۱۶۵	زَنبِق (دمشق)، ۱۶۴، ۱۸۱	زَعفران حبشی، ۱۶۳
زیرکی، ۱۱۳	زوفای یابس، ۱۶۵، ۵۲	زَنبُوج، ۱۶۵، ۲۵۱	زَعفران شرکی، ۱۶۳
زیره، ۲۶۲	زوفرا، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۴۸	زَنبُورَه، ۹۶	زَعفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵
زیره رومی، ۶۷، ۲۵۶	زوفراء، ۱۶۵، ۲۲۳، ۲۴۸، ۲۸۱	زَنبُوش، ۹۰	زُعَیْفَرَاء، ۱۶۳
زیره هندو سیاه، ۲۶۲	زوففس، ۱۰۳	زَنبُوع، ۴۰	زَعْبِج، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۵۱
زیزفون، ۲۱۹	زول زده، ۲۵۱	زَنبُوقَه، ۱۲۲	زَعْبِج، ۲۰۶
زیزفون (دمشق)، ۱۶۶	زوله (خوارزم)، ۲۲۸	زَنبیرَه، ۹۶	زَعْبَر، ۲۸۰
زیزوفی، ۲۱۳، ۲۱۴	زهر الملع، ۱۶۵	زَنجَبیل، ۱۶۴	زَعْبَر، ۲۸۰
زیفس، ۱۸۲	زهر زمین (جرجان)، ۳۵	زنجبیل، ۱۷۱	زَعْبِر، ۱۶۳، ۱۹۴
زَیْلَعی، ۲۳۹	زهرو، ۲۸۹	زنجبیل الافرنجی، ۱۶۴	زَعْبِر (سغد، سمرقند)، ۲۵۱
زینان (شیرازی)، ۲۸۹	زَهرة، ۱۶۵	زنجبیل العجم، ۱۶۴، ۵۰	زَعْبِرَه (سغد، سمرقند)، ۲۵۱
زینة الریاحین، ۷۹	زهرة الحجر، ۱۶۵	زنجبیل الفارس، ۵۰	۲۵۱
زینیان، ۲۸۹	زهم، ۱۶۱	زنجبیل الکلاب، ۱۶۴	زَفزوف (فاس)، ۲۱۳
ژالکه (سجزی)، ۵۲	زیا، ۱۹۴	زنجبیل بلدی، ۱۵۳	زَفیزف (اندلس)، ۲۱۳
	زیتارعا، ۲۷۵	زنجبیل شامی، ۱۵۳	زَفیزف ونبق، ۲۱۴
	زیت السودان، ۱۶۶	زنجبیل (اسکندریه)، ۲۲۳	زَقال، ۱۶۳
		زَنجُرو (سجزی)، ۶۶	زُقُشْتَه، ۱۶۳
			زَقوم، ۱۶۳

## حرف «س»

سَخار، ۱۶۷	سَبْع الكَثان، ۱۶۷	سافاریعون، ۱۳۰	
سُخْر، ۱۶۷	سبعة اصول، ۲۷۹	ساق الاسود، ۷۶	
سَخَس، ۴۳	سببيرة (اندلس - لاتین)،	ساق الوصيف، ۷۶	سابا حورارا، ۷۱
سَخوزيون، ۱۷۳	۱۸۵	ساق ترشک، ۸۳	سابقه، ۷۵
سُخُوْس لَيَا، ۱۷۵	سببذخار (سجزی)، ۲۱۷	ساکته، ۲۸۰	سایبج، ۲۷۰
سَخِي زَغلا، ۷۹	سپارک (فرنگی)، ۲۹۷	ساکرکهوله (سانس کرت)،	سایبک، ۲۷۰، ۳۰۰
سَخيس، ۴۳	سپاری، ۲۳۰	۵۹	سایبشک (سندی)، ۲۷۰
سَخينس، ۲۸۲	سپر، ۱۵۹	سالتین اغریون، ۲۵۰	ساتر، ۱۹۵
سَخِيُوْس، ۴۳	سپستان، ۱۶۷	سالس اغریون، ۲۵۰	ساتری، ۱۶۷
سَخينوس، ۲۸۲	سپست تر، ۱۵۵	سالم (عبری)، ۱۴۷	ساج، ۱۶۶
سَخينوس، ۴۳	سپندان، ۱۳۱	سالمة، ۴۸	ساجی، ۲۴۴
سَخينوس الأجامی، ۵۰	سپندانک، ۱۱۵	ساله، ۱۳۰	ساداوران، ۱۶۶
سَخينوس اليا، ۱۴۸	سپند، ۱۱۶	سالی، ۱۶۷	ساداوران قطار، ۱۶۷
سَداب، ۱۲۴، ۱۵۰	سپنی، ۱۶۱	سالین، ۲۵۴	ساذج، ۱۶۶، ۲۸۸
سَداب، ۱۶۷	سپید اسفند، ۱۳۱	سالیوس قیفاون، ۲۵۴	ساذج هندی، ۱۶۷
سَداب البر، ۱۱۶	سپید گیاه، ۹۷	سالیون ایمارش، ۲۵۴	ساذرون، ۱۶۷
سَداب بری، ۱۱۶، ۱۶۸	ستاره ائیکا، ۴۸	سالیون ریفان، ۲۵۴	ساراقیاس، ۱۳۶
سَداب بستانی، ۱۱۶، ۱۶۸	ستالی، ۱۸۸	سالیون قیفون، ۲۵۳	سارس، ۲۹۸
سَدایان (مصر)، ۱۷۴	ستاور، ۱۸۸	سالیون، ۲۵۳	سارق الخاتم، ۲۹۲
سَدْر، ۱۱۸، ۲۱۴، ۲۷۲،	سَتْخادِس، ۴۷	سامان، ۱۴۸، ۱۶۷	ساریفون، ۵۶، ۱۹۳
۲۸۹	ستوخس، ۴۷	سامر (شام)، ۲۸۴	ساریفون، ۱۹۳
سَدْر، ۱۶۸	سج، ۱۸۷	سامری، ۱۵۴	ساز ساهوره، ۲۱۳
سَدْر بری، ۶۲	سجا، ۱۶۷	سامون، ۸۶	سامالی، ۱۸۱
سَدْرَوان، ۱۶۸	سَجستان، ۱۶۷	ساناحور، ۷۱	ساسالیوس، ۱۶۷
سَدْرَة، ۱۶۸	سجس افراغیه (اندلس)،	سانوج (فاس)، ۱۹۲	ساسالیوس، ۱۸۲
سَدوس، ۲۱۱	۲۴۳	سانول، ۱۶۷	ساسالیون، ۱۸۲
سَدوس، ۲۹۲	سجالات، ۲۹۹	سایر، ۲۱۳	ساسلیوس، ۶۵، ۲۵۳
سَداب، ۹۷، ۱۶۷	سَجَلَط، ۲۹۹	سایس، ۲۱۸	ساسلیوس، ۱۶۷
سَداب، ۱۶۷	سجومیس، ۴۳	سبیت، ۵۷	ساسلیون، ۱۸۱
سَداب البر، ۱۵۰	سجی، ۲۴۴	سبیت، ۲۳۷	ساسم، ۳۳
سَداب بری، ۴۸، ۹۷	سجیوس، ۴۳	سببری تهلک (سجزی)،	ساستوا (فاس)، ۱۰۶
سَرابیون، ۴۶	سحار، ۹۶	۱۱۶	ساصلی، ۱۹۴
سَرَج البری، ۱۶۸	سحارة، ۱۸۹	سبزیار، ۱۰۷	ساطریوس، ۱۰۱
سَرَج الظلام، ۲۶۳	سَحبر، ۱۵۱	سبزه (شیراز)، ۲۴۵	ساطریون، ۱۳۵، ۱۶۷
سَرَج القَطرب، ۱۳۲، ۱۴۰،	سحر، ۲۶۰	سبسرین، ۱۱۵	ساطریه، ۱۳۵
۲۶۳، ۲۷۲	سحسونه، ۱۶۷	سبسط، ۲۷۳، ۲۵۶	ساطوریون، ۱۳۵
سَرَج القَطْرَب، ۱۶۸	سحیلِس، ۴۳	سَبْع الأَرْض، ۷۵	ساطوریون، ۱۳۵
سَرَج القَطْرَب، ۱۶۹	سحیمه (اندلس)، ۲۶۷	سبع الشَّعراء، ۱۶۷	ساغافیون، ۱۷۳

سراج متوج، ۱۶۸	سرم، ۲۲۶	سَطاریون، ۱۷۱	سعدی المَضْفَرَة، ۱۷۱
سراجیه، ۶۰	سرما، ۱۷۰	سَطاریون، ۲۶۹	سَعَسَع (عبری)، ۱۴۷
سراش، ۱۳۸	سَزْمَج، ۲۴۱	سَطاغونس، ۲۶۶	سَعفور الصَفالیه، ۱۶۳
سراییه، ۲۹۸	سرمج اطرافاکسیس، ۱۷۰	سَطافانن، ۱۵۹	سَعله، ۷۳
سراویل الطلول (اندلس)، ۶۰	سرمس، ۱۷۰	سَطالیون، ۲۸۰	سَعْلَه، ۱۷۲
سراویل الکنکه (اندلس)، ۲۶۷	سَزْمَق، ۱۷۰، ۲۴۱	سَطانیق، ۱۲۶	سَعند، ۸۶
سربن طین (فرنگی)، ۲۷۳	سرمق، ۲۴۱، ۲۷۹	سَطانیون، ۲۱۹	سَعوط، ۱۷۲
سربیل (شیراز)، ۲۳۳	سرمک، ۲۴۱	سَطراطیوس، ۱۷۱، ۲۶۹	سَعوط الدَوَاب، ۲۶۳
سَزْهونکه، ۱۷۱	سَزْمَه، ۱۷۰	سَطراطیوس ماریوس، ۱۱۰	سَعِیع (نبطی)، ۱۴۷
سَزج، ۱۶۹	سَزْجِی، ۱۷۰	سَطراطیوس، ۱۷۱، ۲۸۰	سَعابینون، ۱۷۳
سرخ پای، ۱۲۲	سرو، ۱۴۹، ۱۹۷، ۳۰۱	سَطراطیوس، ۱۷۱	سَعبِین، ۱۷۳
سرخس، ۱۵۷، ۶۵	سرو، ۱۷۰	سَطراک، ۱۶۱	سَعفادیگَس، ۱۷۲
سرخس، ۱۶۹	سرو، ۲۶۹	سَطرخنوس، ۲۴۹	سَفارغانیون، ۲۰۷
سرخس البلوط، ۱۴۴	سروالی، ۷۶	سَطرکا، ۵۳، ۱۷۱	سَفاری، ۸۱
سرخس نر، ۱۶۹	سروبیاجبلا، ۲۰۸	سَطروبیلو، ۱۹۷	سَفانی، ۱۵۶
سرخسی، ۶۵	سرو ترکستانی، ۱۵۵، ۱۶۱	سَطروئیون، ۱۷۱، ۲۰۷	سَفنا، ۸۰
سرخ فرد (شیرازی)، ۲۱۰	سُرو (سجزی)، ۲۶۹	سَطروخسن، ۲۴۳	سَفنک، ۲۹۲
سرخ مرد، ۱۴۳	سروق (سند)، ۶۷	سَطروخسن، ۲۴۹	سَفجِه، ۱۹۸
سرزردک (شیراز)، ۲۴۷	سرو کوهی، ۳۹، ۲۰۸	سَطروخسن فنجوش، ۲۴۹	سَفْذولِیون، ۲۵۹
سَزْزک، ۱۶۲	سرونمازون، ۲۰۸	سَطروخْتَن البستانی، ۲۱۵	سَفْزَجَل، ۱۷۲
سیرس، ۱۶۹	سروی، ۳۰۰	سَطروخینس، ۲۴۹	سَفرجل، ۱۸۶
سیرساده، ۴۱	سَزْهَنْجِی، ۱۷۰	سَطرومیون، ۱۷۱	سَفرجل الهند، ۱۸۹
سیرس الدیک (شام)، ۱۴۶	سَزَة الأَرْض، ۱۶۹	سَطرونیون، ۱۷۱	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سیرس (سند)، ۱۳۷	سیریس (سند)، ۱۳۷	سَط (مصر)، ۵۷	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سیرسون، ۱۱۵	سیریش، ۵۱، ۱۳۸	سَطوبی، ۴۶، ۱۷۱	سَفرطس، ۱۳۴
سیرشاد، ۱۷۰	سیریقون ارمنی، ۱۹۳	سَطوسا، ۱۸۴	سَفزغانیون، ۱۸۱
سیرشو (شیرازی)، ۲۶۶	سیرینه، ۲۰۹	سَطیوس، ۱۰۴	سَفرکلا، ۱۷۲
سیر (شیرازی)، ۲۴۵	سیره (شیرازی)، ۲۳۶	سَعادی (ترکیه)، ۱۷۱	سَفری، ۱۵۸
سیرغنت، ۱۷۰	سسالیوس ابونیقون، ۱۵۵	سَعالی، ۱۷۱	سَفری (بنگال)، ۱۰۰
سَزْهَقْلِین، ۶۶	سسالیون، ۶۵	سَعیر، ۱۶۹	سَفلاریقون، ۲۴۳
سیرقسانه، ۱۷۰	سسالیون، ۲۴۸	سَعتر، ۱۶۵	سَفلولای، ۱۶۰
سیرقسطه بلطاله مرکلیته، ۲۶۶	سسترنه (اندلس)، ۱۸۷	سَعتر، ۱۸۷، ۱۹۵	سَفلیون، ۴۹
سیرقوقینا (شام)، ۱۹۳	سُسْرم، ۱۸۲	سَعتر الحمیر، ۱۱۰	سَفناریه (فاس)، ۱۰۳
سیرکنده، ۲۴۰	سسطیعون، ۱۶۵	سَعْد، ۱۷۱	سَفند اسفندو، ۲۷۴
سیرکوه، ۱۸۱	سَطْاح، ۲۵۲	سَعدان، ۱۷۲	سَفند أسفید، ۲۷۴
	سَطاخیس، ۱۷۱، ۲۳۱	سَعْد (تنکابن)، ۴۹	سَفندولیون، ۱۷۲، ۲۰۴
	سَطاخیس، ۲۹۵، ۲۸۰، ۲۳۲	سَعْدی، ۱۴۸	سَفودالس، ۱۹۵
	سَطاخینس، ۱۷۱	سَعْدی، ۱۷۱	سَفوذلوس، ۱۳۸



سَمَار، ۱۷۵	سلطان الجبل، ۲۴۹	سقیلا، ۴۹	سفوس (لاتینی)، ۱۲۹
سَمَارُوغ، ۲۲۶، ۲۶۰	سلطان الجبل (اندلس)، ۱۹۵	سقیلاً، ۴۹	سفیدار، ۱۴۴
سَمَاق، ۱۷۵	سلطان الریاحین، ۱۸۳	سُکَات، ۱۷۳	سَفیدلیون، ۱۷۲
سَمَاق، ۲۰۶	سَلَع، ۱۷۴	سک انگور (زابلی)، ۲۱۴	سفید مرز، ۸۴
سَمَاق الدبَاقین، ۱۷۵	سَلَع، ۱۷۴	سَکینِج، ۱۷۳	سَقازطَاغانیون، ۱۸۱
سَمَاق بری، ۲۸۰	سَلَع، ۱۷۴	سکینه، ۱۷۳	سِقَام الجن، ۲۵۷
سَمَاقیل، ۱۷۵	سَلغَاها (سند)، ۸۲	سکر، ۱۷۳	سِقاون، ۴۱
سَمَاقیل، ۱۷۵	سَلغَوَا، ۱۳۲	سُکْر، ۱۷۳	سِقْرابیداس، ۲۰۴
سَم البهائم، ۱۴۵	سَلقیون، ۶۵	سُکْر العُشر، ۱۷۳	سِقْرابیوداس، ۱۵۱
سَم الحمار، ۱۴۵	سَلقیون، ۶۵	سُکْر جَه، ۱۷۳	سِقْراطیون، ۲۴۳
سَم الحمار، ۱۴۵	سَلق، ۸۲، ۱۷۳	سکفس (ترمذی)، ۲۱۱	سِقْرَاغانیون، ۱۴۶
سَم السمک، ۲۷۷	سَلق، ۱۳۳	سکفینه، ۱۷۳	سِقْریبون، ۲۰۲، ۲۰۴
سَم الفأر، ۶۸	سَلق، ۱۷۴	سککن، ۳۰۰	سِقردونواس، ۸۰
سَمالو، ۲۶۰	سَلق، ۱۹۷	سکنبویه، ۱۷۳	سِقردین، ۹۸
سَمَام، ۲۲۱	سَلقا، ۱۷۴	سکوک (بخاری)، ۲۱۱	سِقردین، ۲۸۳
سَمانی (اندلس)، ۲۹۲	سَلق البری، ۱۲۲	سکوم (فاس)، ۲۹۷	سِقردیون براسن، ۸۰
سَمَاهَنگ، ۲۳۳	سَلق الماء، ۹۹	سُکُوه، ۱۷۳	سِقز، ۸۱
سَمَر، ۶۲، ۱۷۶	سَلق الماء، ۱۱۰	سکوهنج، ۱۱۸	سَقْلیناس، ۲۴۵
سَمَر (اهل بادیه)، ۶۲	سَلق بری، ۱۲۳، ۱۷۴	سک هنو، ۱۷۳	سَقلیاس، ۲۴۵
سَمَرَاء، ۱۷۵	سَلق بستانی، ۱۷۴	سکی رغلا، ۷۹	سَقْمونیا، ۱۷۲
سَمَرَقندیا (زابلی)، ۲۷۶	سَلق جبلی، ۱۲۲	سگ انگور، ۲۱۴	سَقْمونیا محموده، ۱۷۲
سَمَرنا، ۲۷۷	سَلقیون، ۶۵	سگستان، ۱۶۷	سَقندوقس، ۵۸
سَمَرنا بیوطیقا، ۲۷۸	سَلَم، ۱۷۴	سَلارس، ۲۸۶	سَقوبردی، ۲۷۷
سَمَرنیون، ۱۷۶، ۲۵۴	سَلَم سرخ (یزدی)، ۲۱۰	سَلاطم (لاتین)، ۲۱۴	سَقوس، ۱۲۶
سَمَرنیون، ۲۵۴	سَلمه، ۱۷۴، ۲۴۱	سَلَب، ۱۷۴	سَقُوْفندریون، ۱۵۷
سَمَریا، ۲۵۴	سَلهارس، ۲۸۶	سَلبین، ۱۱۴	سَقوقریون، ۴۹
سَمَرینیون، ۲۵۴	سَلهَس، ۲۸۶	سَلت، ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۷۴	سَقولوفندرو، ۱۱۹
سَم (سجزی)، ۱۳۲	سَلهَه، ۲۸۶	سَلت، ۲۰۱	سَقولوفندریا، ۴۹
سَمسخون، ۱۱۳، ۲۷۹	سَلیخ اسود، ۱۷۹	سَلجم، ۹۰، ۱۸۹	سَقُوْلُوْفندریون، ۴۸
سَمسر، ۳۴	سَلیخَه، ۱۷۴	سَلْدانیون (نبطی)، ۱۷۴	سَقولوفندریون، ۴۹، ۱۱۹
سَمسَق، ۳۴	سَلیخَه، ۱۷۹، ۲۳۹	سَلدهری (لاتین)، ۲۵۳	سَقولوفندریون، ۲۷۱
سَمسَق، ۲۷۹	سَلیخَه، ۱۴۱	سَلری (فرنگی)، ۲۵۳	سَقولوفندریون، ۴۹
سَمسَقون، ۱۱۳	سَلیس، ۲۱۸	سَلس (فارس)، ۲۱۹	سَقولومس، ۱۱۴
سَمسم، ۱۰۱	سَلیسک (فارس)، ۲۱۹	سَلطاری، ۱۲۶	سَقولومُس، ۱۱۴
سَمسیم، ۱۷۶	سَلیطه، ۱۷۶	سَلطان، ۱۵۸	سَقولوموا، ۱۱۴
سَمسم بری، ۱۷۶	سَلینون، ۲۳۵	سَلطان الاشجار، ۱۶۹	سَقونبوس، ۲۰۱
سَمشیر، ۳۴	سَمَار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸	سَلطان البقول، ۱۸۳	سَقونبون، ۱۹۱
سَمعر، ۵۹	سَمَار، ۱۴۸	سَلطان الجبل، ۷۵	سَقی رَغلا، ۷۹

سوراج، ۲۴۹	سَنَفَرَه، ۱۳۹	سنبل الطیب، ۱۷۷	سَمْفُوطٌ آخَر، ۱۷۶
سوراهد، ۲۵۷	سِنکاهولی، ۲۶۸	سنبل العصافیر، ۱۷۷، ۱۷۸	سَمْفُوطُن، ۲۶۹
سوربارو، ۲۸۸	سِنکیره، ۸۸	سنبل الکلاب، ۵۰	سَمْفُوطُن آخَر، ۱۷۶
سورج الملک، ۵۹	سِنکِ سَبویه، ۱۷۹	سنبل الکلب، ۱۷۸	سَمْفُوطُن بَطْرَا، ۲۷۴
سورج مکھی، ۳۴	سِنکسبویه، ۱۷۹	سنبل الملوک، ۲۸۱	سَمْفُوطُن بَطْرَاؤُن، ۱۷۶
سوردن (تبریز)، ۱۲۹	سِنکهارا، ۱۷۹	سنبل اقلیطی، ۲۸۸	سَمْقَشْمَحُون، ۳۴
سورمور، ۵۵	سِنکهاوت، ۱۴۴	سنبل بری، ۲۲۹، ۲۸۵	سَمْقُوطُن، ۱۷۶
سورنجان، ۵۶، ۸۰، ۲۱۲	سِنکهاورت، ۱۴۴	۲۸۸	سَمَلایَا (نبطی)، ۸۱
۲۷۰	سِنکُهیَا، ۱۷۹	سنبل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸	سَمورنیون، ۱۷۶
سورنجان، ۱۷۹	سِنک بادکوکا فیلون، ۴۱	سنبل رومی، ۴۶، ۱۷۷	سَمون، ۸۶، ۲۲۲
سورنجان، ۱۸۰	سِنک حنا (دیلیم)، ۱۱۷	۱۷۸، ۲۶۹، ۲۸۷	سَمونین، ۱۷۶
سورنجان الدقیق (اندلس)، ۲۱۲	سِنک سبویه، ۲۴۳	سنبل سفید، ۲۳۸	سَمْهَر، ۱۲۶
سورنجان قتال، ۱۰۸	سِنلجی (لاتینی)، ۲۹۴	سنبل (عوام)، ۷۶	سَمید العَنزروت (فاس)، ۶۶
سورنجان هندی، ۱۲۱	سِن نوذَه، ۱۵۵	سنبل فارسی، ۱۷۸	سَمَیْرَاء، ۱۳۰
سورنگان، ۱۷۹	سِنو، ۱۹۲	سنبل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷	سَمَیْرَه (اندلس)، ۴۷
سوری، ۱۷۷	سِنوت، ۲۶۲	۱۷۸، ۲۸۸	سَمیقلس، ۱۷۶
سوریا، ۴۳	سِنوت الجبلی، ۲۴۸	سِنهالو، ۴۱	سَمیقلس، ۱۹۰
سوس، ۱۶۰، ۱۸۰	سِوَا، ۱۸۴	سِنْت ذیبی، ۵۰	سَمیقلس، ۲۰۰
سوسان فوسوخیوس، ۴۸	سِوَاد الاکراد، ۲۵۷	سِنجَاب (هَری)، ۸۳	سَمیقلس، ۲۷۱
سوسانی، ۱۸۰	سِوَاد الحکام، ۱۶۶	سِنجَار، ۳۸، ۱۴۶، ۲۹۶	سَمیقلس، ۲۷۱
سوسرخون، ۶۵	سِوَاد السند، ۲۵۷	سِنجَد، ۲۱۹	سَمیقلس، ۱۷۶
سوسن، ۱۱۲، ۱۶۰، ۱۸۰	سِوَاد العُصَارَة، ۱۶۷	سِنج سبویه، ۱۷۹	سَنَا البَلدی (اندلس)، ۲۱۸
سوسن، ۱۸۰	سِوَاد القضا، ۱۷۹	سِنجسَفویه، ۱۷۷	سَنَا اَنْدلسی، ۲۱۸
سوسن، ۱۸۰	سِوَاد القضاة، ۱۶۶	سِنْدروس، ۱۷۸	سَنَاتیا، ۲۴۸
سوسن آزاد، ۱۶۴، ۱۸۰	سِوَاد القِطَاة، ۱۶۸	سِنْدْرِیطس، ۱۱۴	سَنَار، ۲۲۴
سوسن آسمانجونی، ۷۰، ۱۸۰	سِوَاد الهِنْد، ۱۷۹، ۲۵۷	سِنْدْرِیطس، ۱۷۸	سَنَامکی، ۱۷۶، ۲۰۹
سوسن آسمانگون، ۷۰	سِوَارون، ۱۲۹	سِنْدْرِیطس، ۱۷۸	سَنَانی، ۱۵۶
سوسن ادرا، ۱۸۰	سِوَاک العَبَّاس، ۱۵۶، ۲۵۴	سِنْدْرِیطس اِخَر، ۲۵۷	سَنایزَه (مصر)، ۶۲
سوسن اصغر، ۷۵، ۱۶۵	سِوَاک القُرود، ۵۲	سِنْدْرِیون، ۹۳	سَنَائِ عَرِیض الورق
سوسن الاحمر، ۱۴۶	سِوَاک القُرود، ۱۹۲	سِنْدل، ۱۹۶	(حجاز)، ۲۰۹
سوسن الارجوانی، ۱۸۰	سِوَاک المِسیح، ۲۹۲	سِنْدوقس، ۵۸	سَنَیْرَاس، ۱۷۷
سوسن الاسمانجونی، ۷۵، ۱۸۱	سِوَاک عَباس، ۲۹۲	سِنْدَه، ۱۶۴	سَنیریون، ۱۱۶
۱۸۱	سِوَاک عَباسی، ۲۹۲	سِنْدَهان، ۱۷۹	سَنیل، ۱۴۱، ۲۵۸
سوسن الاسمانجونی، ۱۸۱	سِوَالی، ۱۸۸	سِنْدَهی، ۱۶۴	سَنیل، ۱۷۷
سوسن الأبيض، ۱۸۱	سِوَاب، ۱۵۲	سِنْدیان، ۱۷۹	سَنیل اقلیطی، ۱۷۸
سوسن الأزاد، ۱۸۰	سِوَاتن (سندی)، ۵۹	سِنْدیان الأَرْض، ۱۷۹	سَنیل اقلیطی، ۲۸۷
	سِوَاد الورق، ۱۹۱	سِنط، ۷۷، ۱۳۲، ۲۳۷	سَنیل الرومی، ۱۷۸، ۲۸۸
	سِوَادَه (شیراز)، ۲۴۵	سِنفَالَة، ۱۴۸	

سوسن البری، ۱۴۶	سَهْجَه، ۱۸۱	سیسنبر، ۱۱۳	سین، ۱۸۲
سوسن الفیروزجی، ۷۰	سه سنبل، ۱۸۲	سِیْسَنْبَر، ۱۸۲	سیناپهل، ۱۸۷
سَوَسَن اَصْفَر، ۱۶۴	سهک داوران (شیرازی)، ۱۶۷	سیسنبر (سند)، ۱۸۲	سینبل، ۱۸۲
سوسن اَصْفَر، ۱۸۱	سه کوهنج، ۱۱۸	سیسنبرون، ۱۱۶، ۲۵۴	سینی، ۱۳۰
سوسن بحری، ۸۰	سهیلی، ۹۶	سیسنبرون، ۱۸۲	سیندن (بنگال)، ۱۴۴
سوسنبر، ۱۸۲	سیاک لانی، ۱۴۰	سیسنبرینی اقوانته، ۱۱۶	سینون، ۲۲۰
سوسن بری، ۱۴۴، ۱۴۶	سیاه برگ، ۱۹۱	سیسنبریون، ۱۸۲	سیوس، ۱۶۵
۱۸۱، ۲۰۷، ۲۵۷	سیاه داران، ۱۶۶	سیسنبریون، ۲۳۵	سیوف، ۷۵
سوسن بستانی، ۸۰	سیاه دانو، ۱۹۴	سی سنبل، ۱۸۲	سیو (فرنگی)، ۱۸۲
سوسن خطاهی، ۱۸۰	سیاه دانه، ۱۹۲	سیسنه، ۱۱۳	سیون، ۲۳۵
سوسن رملی، ۸۰	سیب، ۹۴، ۱۶۳	سیسون، ۷۹	سیونک (سجزی)، ۲۱۰
سوسن زرد، ۷۰	سیبیزو (سندی)، ۲۷۰	سِیْسَنْبَر، ۱۸۲	سیهک، ۴۳
سوسن سرخ صحرائی، ۱۴۶	سیبیزه، ۲۷۰	سیصامویداس، ۱۳۰	سیهنده، ۱۶۳
سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰	سیج، ۱۶۳	سیطرمون، ۳۴	
سوسن کیود، ۱۸۰	سیخ، ۵۲	سیطوس، ۱۹۱	<b>حرف «ش»</b>
سوسنین، ۱۸۰	سیدریطس آخر، ۱۷۹	سیف الغراب، ۷۰، ۱۴۶	شامی، ۱۶۱
سوفاس، ۹۶	سیدریطس، ۲۵۷	۱۸۱	شابالج، ۷۷
سوفال، ۱۸۱	سیر، ۹۸	سَیْف الغراب، ۲۵۷	شابانج، ۷۷
سوفامینوس، ۹۵، ۱۰۵	سیر آمُج، ۶۲	سیف القُراب، ۱۴۶، ۱۸۱	شابانک، ۷۷، ۲۳۲
سوفطیون، ۱۶۷	سیردشتی، ۹۸	سیفروس، ۲۶۳	شابهی، ۱۸۵
سوفی، ۹۳، ۱۵۷	سیر صحرائی، ۴۸	سِیْقَا، ۹۶	شابیژک، ۲۷۰
سوفاسنیس، ۱۰۵	سیر مو، ۴۸	سیقاموری، ۱۰۵	شابت ردجه، ۲۷۹
سوقطیون، ۱۳۵	سیسارون، ۲۵۲، ۲۵۴	سیقیرقرا، ۱۲۶	شاذاسبرم، ۱۹۸
سوکی فینون، ۲۳۳	سیساریون، ۱۸۱	سیقس ایماروس، ۲۳۳	شازف، ۱۸۳
سولان، ۱۸۱	سیسالوش، ۶۵	سیقوس اغریوس، ۱۲۶	شاض، ۱۸۳
سولنجان، ۵۳	سیسالیوس، ۱۶۷	سیقوس پیقرا، ۱۲۶	شاطرج، ۱۹۳
سومر، ۱۴۸	سیسالیون، ۱۸۱	سیقوموروس، ۱۵۷	شاطوریون، ۱۳۵
سوناخیوس، ۴۸	سیسالیون، ۲۴۸	سیقوموری، ۱۰۵	شاعه البستانی (اندلس)، ۱۷۶
سوتهه، ۱۶۴	سِیْسَاْمَن، ۱۷۶	سیکران، ۸۸	
سُونْدَهی، ۴۳	سیسامون، ۱۷۶	سیکران الحوت، ۹۰، ۲۷۷	شاعه الصخریه، ۲۷۴
سُونْدَهی، ۴۳	سیسامویداس الکبیر، ۱۰۱	سیکران (اندلس)، ۸۸	شاعه صخریه (اندلس)، ۱۷۶
سُونْف، ۱۵۲	سِیْسَبَان، ۱۸۲	سی کوه، ۱۸۱	
سونک (سجزی)، ۲۳۶	سیس بان (مازندران)، ۳۵	سیلا (بنگال)، ۲۹۲	شاکهبانته (لاتینی)، ۱۷۳
سوهنجته، ۲۲۷	سیسبر، ۱۸۲	سیلن، ۲۵۴	شالین اغریون، ۲۵۰
سوی، ۱۵۲، ۱۸۴	سیسبرونه، ۱۲۲	سیلنا، ۲۵۳	شالیپه (لاتینی)، ۶۰
سَویداء، ۱۹۲	سیس بوان (فارس)، ۲۱۹	سیلونس، ۱۱۴	شالیپه (لاتینی)، ۲۶۸
سویلا، ۷۶	سیسدار (نبطی)، ۱۴۴	سیلهین، ۲۷۱	شالیپه، ۴۸

شجر الخابور، ۱۳۸	شبوپانا، ۱۹۲	شاهسپرم سرخ، ۱۸۴	شالیبه، ۱۹۴، ۲۸۳
شجر الخیثه، ۱۴۵	شبوپ، ۸۵	شاهسفرم، ۱۵۹	شالیبه (اندلس)، ۶۰
شجر الخرنوب، ۳۰۱	شبوپه، ۱۱۰	شاهسفرم، ۱۸۳	شال حنی (مازندران و
شجر الخَلنج (مغرب)، ۴۶	شبوپه (لاتینی)، ۱۳۸	شاهسفرم، ۱۸۳	تنکابن)، ۲۵۱
شجر الخَلنج (مغرب)، ۱۳۷	شبوپه، ۱۳۸	شاهسفرم شیرازی، ۱۹۸	شالم، ۱۹۴
شجر الدردار، ۱۴۴	شَبَهان، ۱۸۵	شاهشبرم، ۱۱۳، ۲۸۰	شامامک، ۱۸۳
شجر الدردار، ۲۹۰	شَبیبی، ۱۹۱	شاهسفرم، ۱۵۹	شامبه، ۴۸
شجر الدلب، ۱۴۵	شبیطه، ۲۶۹	شاه صینی، ۱۸۴	شانسیه، ۲۶۶
شجر الرند، ۱۴۹	شَبیطه (لاتینی)، ۱۷۶	شاهلوج، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	شاه آلو، ۴۱
شجر الشیزی، ۳۳	شبیطة (لاتینی - اندلس)،	شاهلوک، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	شاه اسپرم، ۱۵۹
شجر الصفصاف، ۱۲۷،	۱۷۶	شاهنجیر، ۱۸۴	شاه افسر، ۵۹
۲۹۰	شبیبه، ۱۸۵	شاه نرجس، ۲۹۰	شاه امروود، ۲۶۱
شجر الصفصاف، ۱۳۶	شبیبه الذهب، ۲۷۲	شاهور (مصر)، ۱۰۱	شاه امروود (خراسان)، ۲۶۱
شجر الصنوبر الکبار، ۱۹۷	شبیبه الکواکب، ۵۴	شایانج، ۱۸۳	شاه املیج، ۶۲
شجر الضیع، ۵۵	شبیهان، ۱۸۵	شایکه، ۶۶	شاه انجیر، ۹۶
شجر العیلك (اندلس)، ۵۱	شبیبه بالکرات، ۶۳	شباب، ۲۷۶	شاهبانج، ۱۸۳
شجر العناب، ۸۴	شناور، ۵۶	شَب ارماس، ۱۱۹	شاهبانک، ۱۸۳
شجر الغار، ۱۴۹، ۱۵۹	شنتین، ۱۴۷	شَب انبوی، ۱۳۳	شاهبلوط، ۸۶
شجر الغَیْبَاء، ۲۱۹	شث، ۱۸۵	شَب بو، ۱۳۳، ۱۴۰	شاهبلوط، ۸۷
شجر الغرب، ۲۲۰	شجر، ۲۴۷	شَبیت، ۱۸۴	شاه بن، ۸۱
شجر الفندک، ۲۹۰	شجر ابراهیم (ع)، ۲۲۰	شَب خیزک، ۱۱۵	شاه بید، ۱۳۶
شجر الفوفل، ۱۰۹	شجر الارز، ۳۰۱	شبدار، ۲۳۶	شاه بید (شام)، ۱۳۷
شجر القدس، ۲۳۳	شجر الاهد، ۱۶۱	شبدر، ۵۷، ۲۳۶	شاه بید، ۱۳۶
شجر القطران، ۲۳۴	شجر الأثل، ۴۰	شبدر (اصفهان)، ۱۲۵	شاه پسه، ۵۹
شجر القَطْلَب، ۲۳۱	شجر الأثل، ۵۷	شبر، ۹۶	شاهترج، ۸۳، ۱۰۳، ۱۰۶،
شجر القَطْلَب، ۲۴۲	شجر الأجاص، ۲۱۷	شَبیرق، ۱۳۷	۱۵۰، ۱۵۲، ۱۸۳، ۲۵۷
شجر القنا، ۲۴۵	شجر الأصطرك، ۲۰۶	شَبیرق، ۱۸۴	شاهترج، ۱۸۳
شجر القنا، ۲۵۹	شجر البان، ۱۱۱	شَبیرق، ۲۷۸	شاهتره، ۱۸۳
شجر الکافور، ۱۶۰	شجر البراغیث، ۱۹۹	شَبیرق (حجاز)، ۱۹۸	شاه تره (شیراز)، ۱۸۳
شجر الکافور (موصل)، ۵۷	شجر البق، ۱۴۴	شَبیرم، ۱۸۴	شاه تره (مازندران)، ۱۰۲
شجر الکلب، ۲۱۲	شجر البق، ۲۹۰	شَبیرم، ۳۰۰	شاه چینی، ۱۸۴
شجر اللاذن، ۲۶۵	شجر التیس، ۱۸۶	شبریله، ۲۸۰	شاهدانج، ۱۵۸، ۱۸۵
شجر اللبئی (شام)، ۲۰۶	شجر الجن، ۱۴۹	شَبیطاط، ۱۸۵	شاهدانق، ۱۱۱، ۲۴۵
شجر المَحَلَب، ۲۰۶	شجر الجوزالرومی، ۲۶۴	شَبیطاط، ۲۱۰	شاهدانه بری، ۱۱۱
شجر المران، ۲۷۸	شجر الحَب (آفریقا)، ۵۹	شبطه وقولن، ۷۸	شاه زیره، ۲۵۶
شجر المیس، ۲۷۲	شجر الحَضض، ۲۷۱	شبعالین، ۲۶۹	شاه زیه، ۲۵۶
شجر المیس، ۲۹۰	شجر الحورالرومی، ۱۲۷	شَبیکنه (فرنگی)، ۱۹۱	شاهسپرم، ۵۹
شجر النبق المصری، ۲۷۲	شجر الحیثه، ۱۰۶	شبناله، ۱۲۳	شاهسپرم، ۱۸۳

شجره اوسیتا، ۱۹۳	شجره الدب، ۵۸، ۱۶۲	شجره المریم، ۷۴	شَحْمِئِمَه (اندلس)، ۲۶۷
شجره تهام، ۱۷۴	شجره الدب، ۱۶۲، ۱۸۶	شجره المصطکی، ۲۸۲	شَحْ، ۲۹۰
شجر حب الأسیر، ۱۰۸	شجره الدبِق، ۱۴۲	شجره المطهره، ۴۱	شخار، ۲۴۴
شجره دردار، ۱۷۸	شجره الدردار، ۱۸۵، ۲۶۹	شجره النبی، ۸۵، ۲۰۶	شَخْفِرَاغْثَه (لاتینی)، ۲۴۳
شجره رستم (مغرب)، ۱۶۰	شجره الدم، ۳۸، ۶۶	شجره الیمام، ۹۵	شُدْهَه، ۹۲
شجره ابراهیم، ۱۸۳	شجره الدم (شام)، ۱۸۳	شجره ابراهیم، ۱۸۳	شذوار (سند)، ۸۹
شجره الأزز، ۴۴	شجره الراهب، ۱۸۵	شجره أم کلب، ۶۲	شذونی، ۱۲۶
شجره قلی، ۱۸۷	شجره الرمح، ۲۷۸	شجره بارده، ۱۸۵	شرائط، ۱۷۸
شجره مریم، ۲۰۶	شجره الزُّغْرور، ۱۶۲	شجره دردار، ۱۴۴	شَرَاَه، ۶۳
شجره ابراهیم، ۴۱، ۱۸۵	شجره الشین، ۱۸۶	شجره دم الاخوین، ۱۴۶	شَرَالِیَه أَشْشَس، ۳۰۱
شجره ابی مالک، ۱۸۵	شجره الصُّبیر، ۶۱	شجره ذوالقرنین الملک	شَرَالِیَه (لاتینی - اندلس)، ۲۹۸
شجره ۲۰۵، ۲۴۴	شجره الصُّبیر، ۱۹۵	اسکندر، ۱۶۸	شَرَالِیَه الحمار (اندلس)، ۲۹۸
شجره اکلہ، ۳۹	شجره الصنم، ۱۶۸	شجره رستم، ۱۸۶	شَرَالِیَه سلیمان، ۱۳۲
شجره الأجاجس، ۴۱	شجره الضفادع، ۱۸۶، ۲۵۴	شجره سلیمان بن داود، ۱۶۸	شجره سندیان الأرض، ۲۲۴
شجره الأمیزباریس، ۱۲۰	شجره الطحال، ۱۹۵	شجره کثیراء، ۲۳۳	شجره لا ولا، ۱۶۵
شجره البراغیث، ۷۷، ۱۹۹	شجره الطرفاء، ۲۰۲	شجره مَحَلْب، ۱۱۲	شجره مریم، ۵۸، ۷۰، ۱۸۶
شجره البُطْم، ۸۱	شجره الطُّلق، ۱۸۶	شجره مَرِیم (اندلس)، ۵۷	شجره مریم (مصر)، ۴۱
شجره البق، ۱۴۴، ۱۴۹	شجره الطُّهْر، ۴۱	شجره مَحَلْب، ۱۱۲	شج مال، ۱۵۵
شجره البق (عراق)، ۱۷۸	شجره العُثم، ۱۱۲، ۲۰۶	شجره مَرِیم، ۱۸۳	شجره مریم، ۱۸۳
شجره البق (شام و عراق)، ۱۴۴	شجره العرس، ۲۹۲	شحم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲	شحم الحنظل، ۱۸۷
شجره البُنْدُق، ۱۰۵	شجره العصب، ۲۹۲	شحم الطعام، ۶۷	شحم المرچ، ۱۳۶، ۲۱۱
شجره البهق، ۷۶، ۲۴۵	شجره العُتَاب، ۱۶۸	شحم النخل، ۹۵	شحمالہ، ۲۶۶
شجره التنین، ۱۸۶	شجره العود، ۲۹۶	شجره مریم، ۱۸۳	شحمه الارض، ۲۶۰
شجره الجن، ۱۴۹	شجره العیثام، ۱۴۵	شجره مَرِیم (اندلس)، ۵۷	شخمه الدجاجة، ۱۵۳
شجره الحُب، ۵۹	شجره الغار، ۱۴۸	شجره مَرِیم (مصر)، ۴۱	شخمه المرچ، ۱۲۹
شجره الحر، ۳۵	شجره الغسلین، ۲۴۳	شج مال، ۱۵۵	شحمیله، ۱۴۸
شجره الحُضض، ۱۲۰	شجره الفارسیه، ۳۵، ۷۶	شجره مَرِیم، ۱۸۳	شحمه الارض، ۲۶۰
شجره الحنئیت، ۶۵	شجره الفرس، ۸۱	شحم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲	شخمه المرچ، ۱۳۶، ۲۱۱
شجره الحِنَا، ۱۲۵	شجره القُلْفَل (اندلس)، ۴۱	شحم الحنظل، ۱۸۷	شحم النخل، ۹۵
شجره الحنَّس، ۲۷۳	شجره القدس، ۲۹۱	شحم الطعام، ۶۷	شخمالہ، ۲۶۶
شجره الحیات، ۱۷۰	شجره القرمز، ۶۱	شخم المرچ، ۱۳۶، ۲۱۱	شحمه الارض، ۲۶۰
شجره الخطاطیف، ۲۰۸	شجره الکف، ۱۸۶	شحم النخل، ۹۵	شخمه الدجاجة، ۱۵۳
شجره الخولان، ۸۱	شجره الکلاب، ۲۲۴	شخم المرچ، ۱۲۹	شخمه المرچ، ۱۲۹
	شجره الکلب، ۶۰	شحمیله، ۱۴۸	شحمه الارض، ۲۶۰
	شجره اللبوق، ۲۴۵	شحمیه (اندلس)، ۶۰	شخمه الدجاجة، ۱۵۳
	شجره الله، ۳۹	شحمیه، ۲۰۴	شخمه المرچ، ۱۲۹
	شجره اللیثی (شام)، ۱۸۶	شحمیله، ۲۵۸	شحمه الارض، ۲۶۰

شما، ۲۲۶	شَقَواص البحر، ۲۸۴	شعیر الحامض، ۱۷۳	ششتره، ۲۶۲
شمار، ۷۸، ۱۵۲	شَقَواص (اندلس)، ۲۶۵	شعیر الرومی، ۱۲۶	ششتره، ۲۸۸
شمار العریض، ۱۵۳	شَقَواصه، ۴۶	شعیر العاری، ۱۷۳	ششتره، ۱۸۷
شمار (مصر و شام)، ۱۵۲	شَقودیون، ۱۸۹	شعیر العربی، ۱۳۹	شُشْرُوب، ۱۸۷
شُماری (قیروان)، ۱۰۶	شَقوشینا، ۲۳۳	شعیر الفارسی، ۱۲۶	شِشْرِیث، ۱۸۷
شمام، ۱۴۴، ۱۹۰	شَكْ، ۶۸	شعیر الفاری، ۱۷۳	ششقاقل، ۱۰۳، ۱۸۸
شمامات (شام)، ۱۴۵	شَكْاص، ۲۶۴	شعیر النبی (اندلس)، ۱۳۹	ششکاک (مازندران و
شمام (شام)، ۱۴۴	شکاع، ۷۱، ۱۸۹	شعیر رومی، ۱۳۹	تنگابن)، ۲۳۶
شمرک (سجزی)، ۱۳۲	شکاعا، ۱۸۹، ۲۷۸	شعیعادیما، ۴۴	شطبانی فلوعرین، ۲۱۰
شُمُرْنا، ۲۷۷	شکاعی، ۳۷، ۷۲، ۷۵، ۱۵۲	شغالة، ۲۷۴	شطبَة (فاس)، ۱۰۲
شمره، ۱۲۶	شُکاعی، ۱۸۹	شغدی مریری، ۲۷۱	شطرکا، ۵۳
شمسار، ۸۲	شکاعی، ۱۸۹	شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰	شطریه، ۱۸۷
شمسیر، ۲۳۲	شکر انگور رویاه، ۲۱۴	شفتوک (شیراز)، ۱۲۹	شَطْرِيه، ۱۸۷
شمشاد، ۸۲	شکر داری، ۲۱۵	شَقْتَل، ۲۹۱	شطریه، ۲۰۲
شمشاد (شام)، ۸۲	شُکْرَقند، ۱۸۹	شَقْد، ۱۸۴	شَطْرِيه (لاتینی - اندلس)،
شمشار، ۸۲	شکر هنج، ۱۱۸	شَقْلَج، ۲۵۰	۱۹۵
شمشرا، ۲۷۹	شکم دریده (شیراز)، ۷۸	شفلش، ۲۱۴	شُطْبِيه (مغرب)، ۱۸۷
شمشیر، ۲۳۲، ۲۹۶	شکوئا، ۲۵۸	شقیقل، ۱۸۸	شطی رکس، ۵۳
شمال، ۱۰۵	شکوفه خرما، ۹۵	شقاتق الفرس، ۲۷۶	شعاریر، ۲۴۴
شملیت، ۱۲۰	شکونیا، ۵۵	شقاتق النعمان، ۱۸۸	شعایر، ۲۳۳
شملیز (شیراز)، ۱۲۱	شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴	شقاتق النعمانی البری، ۱۸۸	شعر الارض، ۷۶
شمور، ۱۵۳	شکوهنج، ۱۱۸	شقااص، ۴۶	شعر الجان، ۷۶، ۲۵۷
شموسا، ۲۸۰	شکوهج، ۱۱۸	شقاقل، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۸۸	شعر الجَبَّار، ۷۵، ۷۶، ۱۸۷
شمیث مورس (لاتینی)،	شکه (اندلس)، ۱۰۶	شَقاقل، ۱۸۸	شعر الجبال، ۷۶
۱۹۲	شکی، ۲۱۷	شَقاقل، ۲۲۹	شعر الجن، ۷۵، ۷۶، ۲۵۷
شمیثا، ۴۱	شَلْ، ۸۵	شقایق، ۳۵، ۱۸۸	شِعْر الجیاد، ۱۸۷
شمین، ۲۹۶	شَلْ، ۱۸۹	شقایق المنعم، ۱۸۸	شعر الخنازیر، ۷۶، ۲۵۷
شَتاذیا، ۸۴	شلار، ۸۰	شقایق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸،	شعر الذیب، ۵۵
شَنار، ۲۲۴، ۲۸۰	شلباش (لاتینی)، ۲۱۸	۱۸۸	شِعْر العجل، ۲۸۰
شناقه، ۹۹	شلبش، ۲۵۲	شقر، ۱۸۸	شعر العیّار، ۷۶
شنبدله، ۹۶	شَلْجِم، ۱۸۹	شَقْر، ۱۸۸	شِعْر الغزال، ۵۵
شنبر، ۱۱۳	شلشفن، ۱۰۶	شَقْراص، ۱۸۸	شعر العُوق، ۱۸۷، ۲۵۷
شنبلید، ۵۳، ۱۷۹	شلغم، ۱۸۹	شَقردیون، ۱۸۹	شعر الکلاب، ۷۶
شَنبَلید، ۱۸۰	شلمبی (مازندران)، ۱۲۹	شَقْرذین، ۹۸	شعر الماء، ۷۶، ۲۵۷
شنبلیله (اصفهان)، ۱۲۱	شلمیز، ۱۰۹	شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰	شعران، ۱۲۳، ۱۵۸
شنبش، ۲۵۶	شلوبینی، ۸۰	شق (مصر)، ۵۱	شعری، ۹۶
شَنْتالَه (لاتینی)، ۶۳	شلها (سندی)، ۵۳	شَقو، ۱۸۸	شعیر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱،
شترن، ۱۰۴	شلیل، ۱۹۰	شَقواص، ۶۰	۱۸۷

شونوز، ۱۹۲	شوکه اعرابی، ۱۹۱	شَوْخَط، ۳۳، ۱۳۹، ۱۹۰،	شتله، ۱۵۷
شونیز، ۱۸۱	شوکه اعرابیه، ۶۲	۲۰۰	شتله (اندلس)، ۶۲
شُونیز، ۱۹۲	شوکه قبطیه، ۱۷۴	شوخذانه، ۲۰۷	شِئَلَة، ۶۳
شونیز القمح، ۱۴۵	شوکه مصریه، ۶۲	شود، ۱۸۴	ششمن، ۱۵۳
شونیز بری، ۲۶۲	شوکه ابراهیم (شام)، ۲۳۶	شودر (اصفهان)، ۲۳۶	شنجار، ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۲۵،
شویعة (اندلس)، ۲۰۴	شوکه البیضاء، ۵۸، ۵۹، ۷۱،	شود (شیراز)، ۱۸۴	۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۵۲
شوکیة ابراهیم (اندلس)،	۱۸۹، ۷۲	شوران (سجزی)، ۲۱۰	شدله، ۹۶
۲۳۶	شوکه الجمال، ۲۰۶	شورد، ۲۳۲	شَنْدَلَة، ۱۹۰
شویلاء، ۷۶	شوکه الدهن، ۱۱۴	شورش لاطه، ۱۲۳	شنداب (لبنان)، ۱۴۳
شُویلاء، ۱۲۳	شوکه الزرقاء، ۱۹۱، ۲۳۶	شورة (حجازی)، ۲۶۳	شَنْدَلَة (اندلس)، ۹۶
شَه بانو، ۱۸۳	شوکه الزرقاء (شام)، ۱۰۵	شَوْرَز (حجازی)، ۱۹۱	ششظوره، ۱۰۳
شَهْدَانِج، ۱۱۲	شوکه السُوداء، ۱۹۱	شوشما، ۲۳۲	شنغار، ۳۸
شهدانج، ۲۴۵	شوکه السوداء، ۲۳۶	شوشمانیا، ۲۹۶	شنفیل، ۲۵۴
شهدانج بری، ۱۳۷	شوکه الشهباء، ۱۰۹، ۲۷۰،	شوشمشیر، ۷۰	شنقار، ۳۸، ۱۹۰
شهديه، ۱۵۵	شوکه العربیة، ۱۸۹	شوشمیر، ۲۳۲	شَنقار، ۳۸
شهوت انگیز، ۲۴۵	شوکه العصبیة، ۸۱	شوشینا، ۱۸۰	شَنقال، ۳۸
شِیَان، ۴۲	شوکه العقرب (حجاز)،	شوصرا، ۲۴۷	شَنْقیریه، ۱۵۳
شِیَان، ۱۴۶، ۲۱۵	۱۱۴	شوطی، ۸۰	شَنکار، ۳۸
شیان، ۱۹۲	شوکه العقرب (شام)، ۱۰۵	شوع، ۱۱۱	شَنکال، ۳۸
شِیَان القاطر، ۶۹	شوکه العلك، ۵۱	شوقشمیر، ۲۹۶	شنکر (سندی)، ۲۱۸
شیان القاطر، ۸۴	شوکه المصریه، ۱۹۱، ۷۲،	شوک، ۲۸۲	شَنک (زابلی)، ۲۶۹
شِیَان (مغرب)، ۳۷	شوکه المُنکرة، ۵۹	شوک الجمال، ۵۰، ۲۷۰	شنکوسا، ۱۵۳
شیب الشجر، ۵۲	شوکه اليهودیه، ۱۹۱	شوک الجمل، ۱۱۴	شنکی، ۲۶۷
شیب العجوز (اندلس)، ۵۲	شوکه اليهودیه، ۲۳۶	شوک الجمل (مصر)، ۱۵۶	شنکیا (تبریز)، ۲۳۳
شِیْب العَجُوز (اندلس و	شوکه حادة، ۶۱	شوک الحمیر، ۲۲۵	شینگ، ۱۵۱
مغرب)، ۵۶	شوکه رهاویة، ۱۰۹	شوک الدرارجین، ۱۱۴، ۱۴۸،	شنگ (اصفهان)، ۲۶۷
شیب العجوز (فاس)، ۵۵	شوکه زرقاء، ۲۳۶	شُوک الدَّرارجین، ۱۴۹	شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴
شِیْبَة، ۱۹۲	شوکه شهباء، ۳۰۱	شوک الدرارجین، ۱۴۹	شنگلیل، ۱۶۴
شیبة العجوز، ۵۲، ۱۹۲	شوکه عربیة، ۱۸۹	شوک الدَمَن، ۱۱۴	شنگویر، ۱۶۴
شیبیه، ۱۱۴	شوکه مصریه، ۱۹۱، ۲۳۷،	شوک العلك، ۵۱	شنون، ۱۹۲
شیتره، ۱۹۳	شوکه مغیلة، ۱۸۷	شوک القَاذَة، ۲۸۷	شواصر، ۷۷
شینج، ۵۶	شوکه مُثینة، ۱۹۹، ۲۱۹،	شوک القراء، ۲۲۵	شواصرا، ۱۹۰، ۲۸۱
شیح، ۱۳۳، ۱۴۰	شوکه منفته، ۱۹۹	شوک الفلک، ۱۱۴	شواصر، ۱۹۰
شیح، ۱۹۳	شوکه یهودیه، ۲۳۶	شوک القتاد، ۳۰۱، ۲۵۱،	شوال الحمار، ۱۳۳
شیح ارمنی، ۱۹۳، ۲۴۷،	شولة دی رای (اندلس)،	شوک المَغفل، ۵۹، ۱۰۵،	شویا، ۹۶
شیح الارمنی، ۵۶، ۱۹۳،	۱۵۰	۱۹۲، ۲۳۶	شویر (اندلس)، ۹۱
۲۵۸	شومر، ۷۸، ۱۹۲	شوکران، ۸۸، ۱۹۱	شوت، ۱۸۴
شیح الربیع، ۱۹۳	شَوْنَدَر، ۱۹۲	شوکران الحوت، ۲۷۷	شوت (سجزی)، ۱۸۴

		<b>حرف «ص»</b>			
صعیره، ۱۹۵	صراخه (اندلس)، ۲۷۳	صاب، ۱۷۴	صباحی، ۹۶	شیخ المصری، ۵۶، ۱۹۳	شیخ ترکمی، ۱۹۳
صغابیس، ۱۹۸	صراخه (اندلس)، ۲۳۱	صاب، ۱۹۴	صبار، ۹۵	شیخ جبلی، ۱۹۳، ۵۶	شیخ خراسانی، ۱۹۳
صغد، ۱۹۶	صراخه (اندلس)، ۲۷۳	صابیره، ۱۹۵، ۶۱	صباراه، ۱۹۵	شیخ رومی، ۵۶	شیرابه، ۱۳۴
صفار، ۹۱	صربه، ۱۷۴	صابون الثیاب، ۲۴۴	صابون القاق (شام)، ۲۴۴	شیراملج، ۶۲	شیرانجیر، ۱۹۳، ۳۰۰
صفرالدوی، ۹۹	صرخ بای، ۱۲۲	صابون القاق، ۱۸۵	صابون القاق (شام)، ۱۸۵	شیرخشت، ۱۷۶	شیرخشک، ۱۹۳
صفرآء، ۱۹۶	صرقوقلا، ۶۶	صابون القلی (دمشق)، ۱۸۵	صابون لباس، ۳۵	شیرق، ۱۹۸، ۸۵	شیرگیا (زابلستان)، ۲۸۶
صصاف، ۵۰، ۷۲، ۱۳۶، ۲۹۰، ۲۲۰	صرم الدیك، ۱۴۶	صابون القلی (اندلس)، ۲۷۳	صاتری، ۱۹۵	شیرهو (خراسان)، ۱۹۰	شیرین بان، ۱۸۰
صصاف البلخی، ۱۸۹	صرو، ۱۹۱	صارة الانثی (اندلس)، ۲۷۳	صاوه، ۲۷۳	شیریون، ۱۴۵	شیستره، ۲۲۸
صفیرآء، ۶۳، ۵۴	صریرا، ۷۱	صارة (اندلس)، ۲۷۳	صاوه (مغرب)، ۲۳۱، ۲۷۳	شیستره، ۱۳۳	شیشاصینی، ۱۳۳
صفیرآء، ۸۲، ۲۵۹	صریس، ۲۳۸	صااصل، ۱۹۴	صارة (اندلس)، ۲۷۳	شیشبان، ۳۵	شیشم، ۱۳۳
صففیرآء، ۱۹۶	صریمة الجدی، ۱۶۰، ۲۲۷	صااصلی، ۱۹۴	صارة (اندلس)، ۲۷۳	شیشنبر، ۱۱۳	شیشنبر، ۱۱۳
صفینه، ۳۹	صریمة الجدی، ۱۹۵	صاغبینن، ۱۷۳	صارة (اندلس)، ۲۷۳	شیطرج، ۱۹۳	شیطرج، ۲۸۱
صقابس، ۲۳۳	صریمة الجدی (اندلس)، ۷۵	صالیبة، ۱۹۴	صارة (اندلس)، ۲۷۳	شیطرنج الهندی، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صقار، ۹۱	صرین عنصلی، ۲۷۳	صامریوما، ۹۵، ۱۱۲، ۱۵۱	صااصل، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صلوان (موصل)، ۱۹۶	صطقطی، ۲۸۶	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صلیان، ۱۹۶	صعاری، ۱۸۷	صاغبینن، ۱۷۳	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صمصوخن، ۱۱۳	صغتر، ۱۹۵	صالیبة، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
ضمصوخن، ۲۷۹	صعتر، ۲۷۹	صامریوما، ۹۵، ۱۱۲، ۱۵۱	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صمغآء، ۹۱	صعتر البقر، ۱۹۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صمغ الحرفش، ۱۱۴	صعتر الجوارى، ۱۹۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صمغ اللمیثا، ۱۹۶	صعتر الحجازی، ۱۹۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صمغ العربی، ۱۹۱	صعتر الحمیر (مغرب)، ۱۱۰	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صمغ القتاد، ۲۵۱	صعتر الرماني، ۱۹۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صمغ طرتوت، ۵۱	صعتر الرومی، ۵۹	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صمغ عربی، ۲۳۷	صعتر الزيتون، ۱۹۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صمغ بلاب، ۱۷۳	صعتر العدس، ۱۰۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صناب، ۱۳۰	صعتر الغیاضی، ۱۹۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صناب، ۱۸۹	صعتر الفارسی، ۱۹۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صنابی، ۹۶	صعتر الفرس، ۱۰۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صناحیه، ۱۰۳	صعتر الفرس، ۱۰۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صنار، ۱۴۵	صعتر القُرْس، ۱۹۶	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صنجیس، ۴۸	صعتر رومی، ۱۶۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صنخیس، ۲۹۶	صعتر (شام)، ۲۲۹	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صنخیس، ۲۹۶	صعتر فارسی، ۱۰۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صندل، ۱۵۹	صعتر روس، ۱۹۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صنڈل، ۱۹۶	صعتره، ۵۵	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸
صندل ایض، ۱۹۶	صعتره، ۱۱۸	صااصی، ۱۹۴	صااصلی، ۱۹۴	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۲	شیطرنج شامی (شامی)، ۱۲۸



طحلب، ۲۰۷	طابلیدیون، ۱۸۳	ضبر، ۲۹۰	صندل احمر، ۱۹۶
طحلب بحری، ۲۰۰	طاحسک، ۳۵	ضجاج، ۱۹۷	صنط، ۲۳۷
طحلب لیفی، ۲۰۰	طاحک (طبرستان)، ۳۵	ضدخ، ۸۴	صنفور، ۲۷۱
طحلب نه‌ری، ۲۰۰	طارطقه، ۱۱۳	ضدخ، ۸۴	صنوبر، ۱۱۳، ۱۵۲
طحما، ۱۹۱	طارطقة (اندلس)، ۲۷۶	ضدل دانج، ۱۱۶	صنوبر، ۱۹۶
طحّماء، ۲۰۰	طارطقه (لاتینی)، ۲۷۶	ضریوان، ۱۹۸	صنوبر الارض، ۱۶۳، ۲۲۴
طحخش، ۱۳۹، ۲۰۰	طاق، ۲۴۴	ضرس العجوز، ۱۱۸	۲۶۱
طحخش (لاتینی)، ۱۹۰	طاكًا، ۲۰۸	ضریع الکلب، ۱۶۳	صنوبر الأَرْض، ۲۶۱
طحخشیقون، ۲۰۰	طالسفر، ۱۹۹	ضرع الکلبه (یمن)، ۱۹۸	صنوبر الصغار، ۱۹۷
طحخشیقون، ۲۰۰	طالون، ۳۵	ضرم، ۱۹۷	صنوبر الکبیر، ۱۱۳
طرابیشوس، ۸۱	طالیسفترا، ۱۹۹	ضرم (مکه)، ۴۷	صنوبر الماء، ۱۱۰
طرابیشوس، ۸۱	طالیسفر، ۱۴۲، ۱۹۹	ضرو، ۴۳، ۸۱، ۱۶۸	صنوبر الهندی، ۱۴۹
طراثیث، ۴۶، ۵۱، ۶۸، ۱۵۱	طالیسفر، ۱۹۹	ضرو، ۱۹۸	صنوبر بی بار، ۴۴
۲۰۱، ۲۹۹	طاموغیطن، ۱۱۰	ضرو، ۲۸۲	صنوبر کوچکی، ۱۹۷
طراخیس، ۱۲۶، ۱۷۳	طانیطونک (شیراز)، ۱۸۴	ضروا، ۱۹۸	صنوبر نر، ۴۴
طراسنه، ۲۰۱	طبار، ۹۶	ضروان، ۱۹۸	صنوبر هندی، ۳۹
طراغافئا، ۲۵۱	طبار، ۹۶	ضرو بستانی، ۸۱	صنین، ۱۹۷
طراغاقثی، ۲۵۱	طبار، ۹۶	ضروع الکلبه (یمن)، ۱۹۸	صواب، ۹۵
طراغاقثا، ۲۵۱	طباشیر، ۱۹۹	ضریع، ۱۸۴، ۲۰۰	صوب، ۹۶
طراغاقثا، ۲۵۱	طباشیر هندی، ۱۹۹	ضریع، ۱۹۸	صوصله، ۱۹۴
طراغثون، ۲۰۱	طباط، ۲۱۰	ضریم، ۴۷	صوصله، ۱۹۷
طراغوبوغن، ۲۰۱	طباق، ۱۹۹	ضط (مصر)، ۵۷	صوف الارض، ۲۲۴
طراغون، ۲۰۱	طباق، ۲۴۷	ضعو، ۱۹۸	صوف البحر، ۵۵، ۲۰۰
طراغوریغاس، ۲۲۹	طباق (آفریقا)، ۲۱۹	ضغاییس، ۱۹۸	صومر، ۷۱
طراغوس، ۲۰۱	طباق (لاتینی اندلس)، ۷۷	ضغاییس، ۱۹۸	صومران، ۱۹۸
طراغون سفیریون، ۲۰۱	طباقة، ۳۷	ضغبوس، ۱۹۸	صیاره (اندلس)، ۲۷۳
طراغیس، ۱۷۴	طباقة الجبلية، ۶۲	ضغبوس، ۱۹۸	صیدلانی، ۱۳۲
طراغین، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۸۲	طباقة (اندلس)، ۱۹۹	ضفائیر الجن، ۷۵	صیصاموگریون، ۱۳۳
طراغین آخر، ۲۰۱	طبرزد، ۲۰۰	ضفدعی، ۲۵۰	صیصاء، ۱۲۶
طراغیون، ۱۸۶	طبرش، ۲۶۰	ضمران، ۱۵۹	صیکه، ۹۶
طراغیون، ۲۰۱	طبرقاق (ترکیه)، ۱۷۱	ضمیران، ۱۹۸	
طراغیون آخر، ۲۰۲	طبق، ۱۷۳، ۲۰۰	ضمیران، ۱۸۴	
طرافلون، ۲۰۴	طبشیر، ۱۹۹	ضمور، ۷۱	
طراقایا، ۲۵۱	طبله، ۲۰۵	ضموران، ۷۱، ۱۵۹، ۱۹۸	ضابطه، ۱۳۴
طرامشیع، ۲۸۱	طنیه، ۲۰۰	۲۲۹	ضابطه، ۲۵۷
طرامیشوس، ۸۱	طنج، ۲۳۸	ضمیوطوس، ۲۳۰	ضابطة الجبلية، ۱۳۰
طرامه، ۲۰۲	طخلب، ۲۰۰، ۵۵		ضال، ۱۶۸
طرامیش، ۲۰۱			ضباب البری (اندلس)، ۱۳۱

## حرف «ط»

طلعه، ۲۴۸	۱۲۵	طرف، ۲۰۲	طریاج، ۱۴۸
طلق، ۲۶۴	طریفلن، ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۰۳	طرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲	طربد، ۹۳
طلنظلی، ۱۸۹	۲۹۱	۲۲۰	طربشکه، ۲۷۷، ۲۷۵
طلیطة، ۲۶۰	طریفلن، ۲۰۳	طرفاء البستانی، ۴۰	طربه لبه، ۷۵
طماخئا، ۱۵۳	طریفلون، ۱۵۵	طَرَفَرِیدُس، ۲۰۲	طربه لبه، ۸۷
طمرشکه، ۲۰۲	طریفوس، ۱۶۷	طَرَفولُس، ۲۰۳	طربه لبه، ۱۵۱
طمره، ۱۳۳، ۲۰۳	طریفولون، ۱۱۸، ۱۲۵	طَرَفه، ۲۰۲	طربید، ۹۳
طمری، ۱۳۳	طریفولین، ۱۰۷	طرفه، ۲۰۲	طرتوشا، ۵۱
طمطم، ۱۷۵	طریفولیون، ۹۳، ۱۵۲، ۲۰۳	طریفولون، ۶۰	طرنوث، ۲۰۱
طنجبین، ۲۰۲	طریفولیون، ۹۳	طریفوس، ۱۶۰	طَرَنوث، ۲۰۱
طنیة، ۵۵	طریفولیون، ۲۰۳	طرقتیة، ۲۷۳	طرنوث ابیض، ۲۰۱
طنیة، ۲۲۲	طریفولون، ۶۰	طرقتیة، ۲۷۳	طرج، ۱۴۸
طواخشیر، ۱۹۹	طریفقن، ۱۶۲	طرکسیمی، ۲۹۷	طرجال، ۱۲۶
طواره، ۲۰۴	طریفولیون، ۲۰۳	طرمش، ۱۲۶	طَرَح النواتیة، ۲۰۲
طوب، ۱۱۴	طریخومانس، ۲۵۷	طرم (لرستان)، ۸۵	طَرَح النواتیة، ۲۴۸
طوبه، ۲۰۴	طریون، ۹۳	طَرَمَثَس، ۸۱	طرخشقوق، ۱۴۷، ۲۹۷
طوبیة، ۴۶	طشور، ۲۰۴	طرمیطس، ۲۶۵	۳۰۱، ۲۹۸
طوذریک، ۹۶	طشیر، ۲۰۴	طرنج، ۴۰	طرخشوق، ۲۹۸، ۳۰۰
طوررا، ۱۵۱	ططریوغون، ۲۹۴	طَرَنَسول (اندلس)، ۹۵	طرخون، ۸۳، ۱۴۷، ۲۰۲
طورنہ شول، ۹۵	طَعَمَة الحَمراء، ۲۳۱	طرنشول، ۵۹	طَرَحون، ۲۰۲
طورنہ شول، ۲۰۴	طَعَمَة حَمراء، ۲۴۲	طَرَنَسول (اندلس)، ۱۹۴	طرخون الرومی، ۲۰۵
طورنہ لیته، ۲۰۴	طغارنه، ۲۴۸	طرنه (اندلس)، ۲۴۳	طرخون دشتی، ۲۰۵
طورنہ ماپیزس، ۲۸۳	طغاره، ۲۴۸	طَرَنه ماطر (ثغری)، ۱۳۰	طرخون رومی، ۲۶۱
طورنہ مریطش، ۲۰۵	طفسقویون، ۱۹۱	طرنه، ۲۰۳	طردج، ۱۲۳
طورنہ مریطه، ۲۰۴	طفشیقون، ۲۰۰	طرنیة (اندلس)، ۲۴۳	طردج، ۱۵۸
طَوْره، ۲۰۴	طفک (شیرازی)، ۳۵	طروبلیوس، ۱۱۸	طَرَدِج، ۲۵۸
طوریدخ، ۲۲۴	طفنیقوس، ۱۹۱	طرویللس، ۱۱۸	طردجه، ۱۲۳
طوس (شیراز)، ۳۹	طقی، ۲۸۳	طرویلش، ۱۱۸	طردجه، ۱۲۳
طوسک (شیراز)، ۱۴۹	طفیر، ۲۰۴	طرویین، ۲۴۸	طردقیره متیره، ۱۴۷
طوط، ۲۴۲	طقاره، ۱۴۸	طروج، ۵۲	طردیلن، ۲۵۳
طوطاق اغریون، ۱۲۲	طلافیون، ۳۷	طروقون، ۷۶	طَرَدِیلن، ۱۸۲
طوطاق غریون، ۱۲۳	طلاء، ۲۰۳	طربیله، ۲۹۱	طردیلون، ۱۶۷
طوطلون، ۱۷۴	طَلح، ۶۲، ۲۰۳	طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳	طرسه (اندلس)، ۲۴۳
طُوطُن، ۱۷۴	طلح، ۲۶۳، ۲۸۵	طردیلون، ۲۴۸	طرشقوق، ۲۹۸
طوفریوس، ۲۰۴	طلخشقوق، ۲۹۸	طَرَنِطَر (مایرقا)، ۲۴۶	طسطور الحاجب، ۱۱۳
طوفسس، ۴۳	طلخشقوق (زابلستان)، ۳۸	طریفا، ۲۳۶	۱۲۷
طوفوریوس، ۲۶۰	طلح، ۹۴	طریفل (اندلس)، ۲۰۳	طرغاین، ۲۰۱
طوقریوس، ۲۰۴	طَلح، ۹۵	طریفلم اورانس (لاتین)،	طرخولیطوس، ۲۷۸

طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰	ظفرة الفروج، ۱۱۶	عبثران، ۱۸۶	۲۲۱
طولهُ، ۲۰۴	ظفرة الهِرِّ، ۲۰۵	عُبَيْثِرَان، ۲۰۶	عرصف، ۲۰۷
طولیدون، ۲۱۴	ظَفَّيرَه، ۲۰۴	عُبَيْثِرَةُ الأَيْل، ۵۹	عرصمودون، ۲۳۷
طوماغا، ۲۰۸	ظفیره، ۲۰۵	عُتْرَب، ۱۷۵	عرصم (یمنی)، ۲۰۷
طومقرون، ۲۴۶	ظَفَّيرَةُ العجوز، ۱۱۸	عُتْم، ۱۶۵، ۲۶۶	عرطب، ۱۱۸
طَهْطَف، ۲۰۳	ظفیرة العجوز (قیران و	عُتْم، ۱۶۶، ۲۰۶	عرطینثا، ۳۴، ۲۰۷، ۲۵۸،
طَهْف، ۱۵۰	شام)، ۱۱۸	عُتْر، ۲۰۶	۲۸۶
طی، ۲۰۴	ظَفَّيرَةُ الفروج، ۱۱۷	عُتْرَب، ۲۰۶	عرطینثا (آفریقا)، ۷۴
طِیَار، ۲۹۳	ظِلَّام، ۲۰۵	عُتْق، ۲۰۶	عرطینفه، ۳۴
طیب العرب، ۴۳	ظِمْخ، ۲۰۵	عُتْمَر، ۲۵۱	عرطینثا، ۱۸۶، ۲۲۱
طیب الغریب، ۴۳	ظِیَان، ۱۵۹	عُجَب، ۲۹۲	عرطینثا، ۳۵
طیشومالس، ۲۰۴	ظِیَان، ۲۰۵	عُجْمَا، ۲۰۷	عرعار، ۳۹
طَیْرَانَه، ۲۰۴		عُدس، ۲۰۷	عرعر، ۳۹، ۱۴۷، ۱۷۰
طیرنَه، ۲۰۴		عُدس الماء، ۲۰۷، ۲۰۰	عَرعر، ۲۰۸
طیطان، ۲۰۴، ۲۵۲		عُدس المأكول، ۲۰۷	عرف، ۲۰۸
طیفی، ۲۰۴	عابدة الشمس، ۲۰۴	عُدس المُرِّ، ۲۰۷	عرفج، ۴۱، ۵۰، ۸۵
طیلاقیون، ۱۱۸، ۲۰۴، ۲۸۰	عاریسا، ۲۵۵	عُدس خوراکی، ۲۰۷	عَرَفَج، ۸۵
طیلاله، ۹۰	عاشق الشجر، ۲۶۶	عُدس نبطی، ۲۰۷	عرفج بری، ۲۰۸
طیلسات، ۲۹۲	عاشق النبات، ۵۵	عُدْوَة، ۶۳	عِرْفَج بری، ۲۹۵
طین الاخضر، ۲۹۲	عاقِد اللبِن، ۲۱۹	عُدْیَسَة، ۲۰۷	عَرُفَط، ۲۰۸
طین الأَخْضَر، ۱۱۳	عاقِر شمعا، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰	عَدْبِه، ۴۰	عرق الکافور (مصر و شام)،
طین الأَخْضَر، ۲۱۱	عاقِر قَرْحَا، ۲۰۲	عَدْبِه، ۲۰۲	۱۶۱
	عاقِر قرحا، ۲۰۲، ۲۰۵	عَدْبَة، ۵۷	عرق الکافور (مکه)، ۱۶۱
	عاقِر قرحا، ۲۵۵	عَدْبَة (مصر)، ۲۰۷	عرق درخت توت، ۱۹۹
	عاقول، ۱۱۰، ۱۲۳، ۲۰۶	عرا، ۲۰۲	عرق شجره هندی، ۱۹۹
	عالیه و برشقی، ۱۵۳	عرا، ۳۴، ۵۷	عَرُفُصَان، ۱۵۰
	عب، ۲۰۶	عَرَار، ۹۰	عَرُفُصَاء، ۲۰۸
	عُجَب، ۲۴۹	عرایس النیل، ۲۹۲	عرقصاء (سجزی)، ۱۲۵
	عُجَب الثعلب، ۲۱۴	عرایس النیل (مصر)، ۸۰	عرق (نجد)، ۹۵
	عُجَب (مصر)، ۲۱۵	عِرْب، ۹۱	عروس، ۲۹۲
	عَبْرَت، ۱۷۵	عربثا، ۲۲۰	عروس آب (رنگرزان)،
	عَبْرَى، ۱۶۸	عربرب، ۱۷۵	۱۰۳
	عَبْس، ۱۸۲، ۱۸۳	عربروس، ۷۸	عروس الماء، ۲۹۲
	عَبقر، ۱۸۰	عرب منشور (عراق)، ۱۴۰	عروساَلَة، ۲۷۰
	عبوثران، ۱۸۶، ۲۰۶	عردی اکهر، ۲۶۰	عروس در پرده، ۲۴۹
	عبهر، ۹۰، ۲۹۰	عرزاد مغوشی، ۲۹۹	عروس در پرده (شیراز)،
	عَبْهَر، ۲۰۶	عرش نما، ۲۴۵	۲۴۹
	عَبْهَر (شام)، ۱۸۶	عرشنة (بیت المقدس)،	عروس در پرده (ماوراء

## حرف «ع»

## حرف «ظ»

عَظْرَس، ۱۲۹	۱۷۹	عسل رومان، ۵۳	۲۴۹، (النهر)
عَظْرَس، ۲۱۱	عُشْر، ۱۳۱، ۲۰۹	عسل لبنی، ۲۶۷، ۲۸۶	عروس در قبه (مرو)، ۲۴۹
عطارد، ۱۷۸	عُشْر، ۳۰۰	عسلی، ۹۶	عروس رزانی (ماوراء)
عُطاس، ۲۱۶	عشر الصبیان، ۲۱۰	عشار، ۲۰۹	۲۴۹، (النهر)
عطب، ۲۴۲	عَشْرَق، ۲۰۹	عشبه کثیر الاغصان، ۲۰۲	عروسک پس پرده (فارس)،
عَطْشان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸	عُضْر الصبیان، ۱۹۱	عشبه مغربی، ۲۰۵	۲۴۹
۲۶۳، ۱۴۹	عُشْق الصبیان، ۲۱۰	عُشْبِه مغربیه، ۲۰۹	عَروسه، ۲۷۰
عظفل، ۱۹۸	عشق بیجان، ۲۶۶	عشبه مکرمه، ۷۰	عروسة المحلیة، ۲۹۲
عَظْم، ۲۱۱، ۲۹۲	عشقه، ۱۲۱، ۲۶۶	عشبه البرطال، ۱۱۹	عروشیه، ۸۳
عَظْم، ۲۹۲	عَشَقَه، ۲۱۰	عُشْبَة البَغْلَة، ۱۵۶	عروق الاصف، ۲۵۰
عَظْمی، ۱۵۸	عصا الراعی، ۳۷، ۱۱۰	عشبه البغلة، ۲۹۱	عروق الزعفران، ۲۰۸
عَقَار، ۱۷۴، ۲۱۱	۱۱۳، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۵۱	عشبه التیسیه، ۶۵	عروق السوس، ۲۹۱
عفار، ۲۷۸	۱۸۵، ۲۱۰	عشبه التالیل، ۲۰۴	عروق الصباغین، ۲۰۸،
عفص، ۱۷۹	عَصَاب، ۱۹۳	عشبه الحر، ۲۸۲	۲۵۵، ۲۳۰
عَفْص، ۲۱۱	عصار مرارت برا، ۱۲۶	عشبه الحومل، ۱۲۲	عروق الصفر، ۱۲۷، ۱۶۳،
عفضیح (عراق)، ۸۶	عصافیر السنبل، ۱۷۷	عشبه الخُروف، ۸۰	۲۰۸، ۲۱۶، ۲۷۶
عفیون (فاس)، ۵۷	عصا هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶	عُشْبَة السَّبَاع، ۲۰۹	عروق الصُفر، ۲۵۵
عقاب الجبل، ۱۶۶	۱۵۹	عُشْبَة السَّبَاع (اندلس)، ۲۵۳	عروق بیض، ۲۸۱
عقاد، ۱۲۳	عصای موسی، ۲۱۰	عشبه الصباغ، ۲۵۳	عروق حُمَر، ۲۲۸
عَقَار، ۲۱۲	عصب، ۲۶۳، ۲۹۱	عشبه الصحیحة، ۳۰۰	عروق داروموم، ۱۸۰
عَقَار ادبشکرا، ۵۴	عصب الحرفع، ۲۴۲	عُشْبَة الطحّال، ۸۷، ۱۱۹	عروق دار هرم، ۱۸۰
عقارادوشونا، ۷۰	عُضْفُر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰، ۲۳۶	۲۶۹، ۲۰۴	عریز الصغیر، ۲۰۹
عقاراسوسابی، ۷۰	عُضْفُر البری، ۲۱۰	عُشْبَة الطیور، ۱۴۹	عریز الکبیر، ۲۰۹
عقاراعرطینشا، ۳۵	عصفر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳	عشبه العجول، ۲۰۱	عریض، ۱۵۲
عقارسوصیانی، ۷۰	۱۵۷	عشبه الفتوق، ۱۳۴	عریقصاء (سجری)، ۱۲۵
عقارشوشا، ۱۸۰	عصفور البری، ۷۲	عشبه القلب، ۲۹۸	عزرو، ۶۶
عَقَار هندی، ۲۸۳	عصی الدب (اندلس)، ۲۴۲	عشبه القویاء، ۶۷	عزول، ۷۹
عقاودم، ۲۸۳	عصی الراعی، ۶۴، ۷۶	عُشْبَة الکلب، ۱۷۰	عزیر الصغیر، ۲۰۹
عقر، ۱۴۵	۱۵۱، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۴۱	عُشْبَة اللحم، ۹۵	عزیر الکبیر، ۲۰۹
عُقْرَبان، ۱۰۶	۲۸۱، ۲۹۹	عشبه المُسلّحة، ۲۶۶	عسالیج، ۱۰۰، ۲۷۴
عُقْرَبان (اندلس)، ۴۸	عَصَى الراعی، ۲۱۰	عشبه النار، ۱۵۹، ۲۰۵، ۲۶۶	عسالیج (اندلس)، ۲۷۴
عقری، ۵۹	عصیر الدب، ۲۴۲	عشبه النار (مغرب)، ۲۰۹	عسطوس، ۱۴۰
عقرمان (اندلس)، ۴۹	عصیر الدب (اندلس)، ۲۳۱	عشبه النساء، ۶۵	عسل القصب، ۲۴۱
عَقَقَه، ۲۷۱	۲۴۲	عشبه خیر من الف (فاس)،	عَسَل اللَّبْنی، ۵۳
عُقْبَرَة (لبنان)، ۱۴۴	عُصْبِقْرَة، ۲۱۱	۸۸	عسل اللَّبْنی، ۲۸۶
عُقْبَاء، ۲۱۲	عُصْبِیَة، ۱۸۵	عشبه قبری، ۲۹۶	عسل التندی، ۱۱۰
عکارشا، ۱۵۳	عضات، ۱۹۳	عُشْبَة کُلّ بلا، ۱۷۹	عَسْلُج، ۷۵
عکاش (بلخ و طخاری)،	عضاه، ۲۰۹	عشبه کل بلاء (مغرب)،	عسلج، ۲۲۱

عود الريح (دمشق و مصر)، ۳۵	عَنْبِ الْكِلَاب، ۴۲، ۱۲۸	علک الروم، ۲۸۲	۲۲۶
عود الريح (شام)، ۲۱۶	عنب خمري، ۲۱۴	علک رومی، ۲۸۲	عکبة (مصر)، ۱۷۹
عود السُّرْح، ۱۳۷	عنبر، ۲۷۰	عَلْكَكْک، ۱۲۹	عُكْر، ۱۱۴
عود السوس، ۳۳	عنبر بيد، ۱۰۳	عَلَوَا، ۱۹۵	عکر، ۲۵۰
عود الصليب، ۲۲۳، ۲۹۵	عَنْبُوب (فاس)، ۲۷۵	عَلِيق، ۲۱۳	عَكْرَب، ۲۱۲
عود العَطَّاس، ۱۷۲، ۲۱۶	عَنْدَم، ۱۴۶، ۲۱۵	عليجان، ۲۱۳	عُكْرَش، ۲۱۲، ۹۹
عود العَطَّاس، ۲۶۳	عندم، ۲۱۰	عليجن، ۲۲۹	عُكْرَش، ۱۵۳، ۹۹
عود الفالوج، ۱۹۰	عَنْزَرُوت، ۶۶	عَلِيق، ۹۵، ۲۱۳، ۲۱۷	عُكْرَشَه، ۲۰۰
عود الفرخ، ۲۰۵	عَنْضَل، ۴۹، ۲۱۵	عَلِيق الْکَلْب، ۱۸۶، ۲۱۳	عُكْنَه، ۲۱۲
عود القروح، ۲۱۶	عَنْصَل، ۴۹، ۸۰، ۲۴۳	۲۹۴	عکنه (مصر)، ۱۷۹، ۲۱۲
عود القسینة (مصر)، ۱۹۶	عَنْضَلَان، ۴۹، ۲۱۵	عَلِيق (اندلس و مغرب)، ۲۱۳	۲۷۰
عُود الْکَلْب، ۱۳۸	عَنْصُوة، ۱۴۵	عَمَار، ۳۶	عُکُوب، ۱۱۴
عود النسر، ۲۱۶	عَنْطُوز، ۱۵۳	عمرو، ۲۵۳	عُکُوب الْفَارْسِي، ۱۱۴
عود الوج، ۲۱۶، ۲۹۳	عَنْق الْحِيَة، ۲۷۳	عمرود (لاتینی)، ۲۵۳	عکيفية، ۵۹
عود اليسر، ۲۱۶	عَنْقَر، ۳۴، ۲۷۹	عَمَلِج، ۸۱	عَلَّام، ۱۲۵، ۲۵۴
عود انجوح، ۲۱۶	عَنْقَر، ۵۹، ۲۷۹	عملج، ۲۴۵	عَلْت، ۲۱۲
عود بری، ۷۶	عَنْقَز، ۱۱۳	عَمُول، ۷۶	عَلِج، ۲۰۷
عود رطب، ۲۱۶	عَنْقَز، ۲۷۹	عمون، ۲۰۸	عَلْجَان (آفریقا)، ۲۱۲، ۲۳۸
عود هندی، ۱۷۹، ۲۱۶	عَنْقَلِي، ۱۸۹	عَنْاب، ۱۶۸، ۲۱۳	عَلَس، ۲۱۳
عود ینجوح، ۲۱۶	عَنْقُود، ۶۱	عَنْاب الْاَبِيض، ۳۵	عَلَس، ۲۶۳
عُورَة الْاَرْض، ۹۲	عَنْقُود، ۲۱۵	عَنْاب الْاَبِيض، ۲۱۳	عَلَس (اندلس)، ۲۱۳
عوسج، ۶۱، ۲۱۳، ۲۲۰	عَنْقِيل، ۱۸۹	عَنْب، ۲۱۴، ۲۱۴	عَلَس (سجزی)، ۲۰۷
۲۸۲، ۳۰۱	عَنْقِيلِي، ۱۸۹	عَنْب، ۲۱۷	عَلَسِي، ۱۹۵
عوسج، ۲۱۷	عَنْم، ۱۹۱، ۲۱۵	عَنْبَا، ۲۱۴	عَلْف، ۱۵۵
عوسج الاحمر، ۱۶۲	عَنْم (شام)، ۸۷	عَنْب الثَّعْلَب، ۱۵۴، ۲۱۴	عَلْفک دَاغ، ۲۰۵
عوسج الاسود، ۶۱	عود، ۲۱۶	۲۴۹، ۲۱۵	عَلْفُوط، ۸۰
عوسج الأشود، ۱۲۰	عود الاراک، ۲۳۳	عَنْب الثَّعْلَب الْبِسْتَانِي، ۲۴۹	عَلْفَقَة، ۲۶۳
عوسج أسود، ۱۰۵	عود البخور، ۵۴	عَنْب الثَّعْلَب (فاس)، ۲۴۹	عَلْقَم، ۳۵، ۱۲۶، ۲۱۳
عوسجة، ۲۲۰	عود البرق، ۱۴۱	عَنْب الثَّعْلَب مَخِين، ۲۱۴	عَلْقَم، ۱۸۷
عوقيا، ۱۱۹	عود اللسان، ۸۶	عَنْب الْحَيَّة، ۲۱۵، ۲۹۸	عَلْقَمَا، ۲۲۴
عياشية، ۱۵۷	عود البندق، ۷۶	عَنْب الدَّب، ۲۱۵، ۲۱۹	عَلْقَم (اندلس)، ۲۳۳
عبياديوس، ۱۵۵	عود الحمير (مغرب)، ۲۲۳	عَنْب الذَّئْب (اندلس)، ۲۱۴	عَلْقَم (حجاز)، ۲۷۴
عيثام، ۱۴۵، ۲۱۷	عود الحیة، ۲۱۶، ۲۲۲	عَنْب الذَّيْب، ۱۳۷	عَلْقَمَه، ۲۱۳
عيد، ۲۱۷	عود الرقعة، ۶۵	عَنْب الذَّيْب (فاس)، ۲۱۴	عَلْک، ۱۵۲، ۲۸۲
عيسوب، ۳۴، ۲۷۹	عود الريح، ۲۲۳، ۲۷۲	۲۴۹	عَلْک، ۲۴۴
	عود الريح المغربي، ۱۲۰	عَنْب السَّقْف، ۳۷، ۱۵۵	عَلْک الْاَنْبَاط، ۸۱، ۲۲۵
	عود الريح (اندلس)، ۲۷۲	عَنْب الطَّوَال، ۵۳	عَلْک الْبَطْم، ۸۱

غلوکس، ۲۲۱	۲۷۳	غالالوطا، ۷۳	عين الاخضر، ۲۱۱، ۲۹۲
غلوکش، ۱۰۴	عَرَقَد، ۲۱۷، ۲۲۰	غالبون، ۲۵۰	عَيْنُ البقر، ۴۱، ۹۰، ۹۱
غلیاون، ۵۳	غرقدۀ، ۲۲۰	غالبۀ، ۲۴۹	۲۱۷
غلیجن، ۲۲۹	غرناطش، ۱۵۷	غالبۀ (اندلس)، ۲۱۴	عين البقر (مغرب)، ۲۱۷
غلیجن اُغریا، ۲۲۱	غرناطۀ (بيت المقدس)،	غالبۀ (قرطبه)، ۱۱۳	عين البقر (مغرب و اندلس)،
غَلِيْحُن، ۲۲۹	۱۴۶	غالبیۀ (لاتینی)، ۲۱۵	۴۱
غلیخن اُغریا، ۲۲۹	غرنوقی، ۱۲۹	غالیسیر، ۲۱۹	عين الثور، ۹۰
غلیشن، ۲۲۹	غرنیواس، ۲۳۸	غاله جاقه (لاتینی)، ۱۱۸	عَيْنُ الخضراء، ۱۱۳
غلیقیسیدی، ۲۲۳	غروباوس (بلخی)، ۲۰۲	غاله جیقه، ۱۱۸	عَيْنُ الديك، ۲۱۷
غمار، ۳۱، ۳۶	غری، ۵۱	غاله قَرَشَتَه (لاتینی)، ۱۷۸	عين الديكة، ۲۱۷
غملول، ۲۴۵	غری الاساكفه، ۱۳۸	غالیسس، ۲۱۹	عين العجل، ۲۱۷، ۹۰
غُمْلُول، ۲۴۵	غریر، ۲۲۰	غالیبوس، ۱۷۰	عين العِجَل (شام)، ۹۰
غنابلیان، ۲۲۶	عُرْتِراء، ۱۴۸، ۲۲۰	غالیون، ۲۱۹	عين الهدهد (آفریقا)، ۳۴
غنافلون، ۲۲۶	غریزاه، ۲۴۶	غالیون، ۲۱۹	۲۱۸
غنَافَلِيَان، ۲۲۶	غریطیره، ۲۷۳	غانافلیان، ۱۴۸	عَيْنُون، ۲۱۸، ۲۵۲
غنافلون، ۲۲۶	عُرْبَه (زابیل)، ۱۸۵	غاوشیرک، ۲۱۷	عينی ثورا، ۹۰
غنچ (هری)، ۱۹۲	غزل الماء، ۲۰۰	غباریۀ، ۲۱۹	عيون البقر، ۴۱
غنچه خرما، ۹۵	غساقالس، ۲۴۲	غبانستر، ۲۸۲	
غنزرورت، ۶۶	عَسَلْج، ۲۲۱	غبرا، ۱۹۴	
غنطیانی، ۱۰۶	غسلۀ، ۲۱۸	عُبَيْراء، ۱۶۶، ۱۹۴، ۲۱۹	
غنغس الجاری، ۱۷۷	غسلین، ۱۲۳	عُبَيْرَة الأيْل، ۲۸۱	غالونیس، ۲۱۹
غنغیطس اشقاقا، ۱۷۷	غسول، ۴۳، ۱۲۹	عُدْر، ۲۳۰	غار، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸
عُنْغِيْلِي، ۱۸۹	غشاقۀ، ۳۷	غدو، ۷۲	غار الاسكندري، ۱۴۹
عُنْغِيْلِي، ۱۸۹	عَضْف، ۲۲۱	غرابیۀ، ۲۸۲	غارانیون، ۳۷
غنکیلی، ۱۸۹	غِلَالَة (اندلس)، ۱۴۴	غراله، ۹۹	غار (شام)، ۱۵۹
غوئزک (زابیل)، ۱۶۲	غلبی، ۱۶۳	غرانیق، ۶۷	غارنیون، ۲۱۸
غوتاغنا، ۲۶۲	غلتان، ۵۱	غراء، ۱۴۸	غاریقون، ۲۱۸
غودبوله، ۲۵۲	عَلْتان، ۱۴۲	غراء، ۲۲۰	غازایاغی، ۳۶
عُوْدِيَالَه (لاتینی)، ۲۱۰	عَلْجَن، ۱۰۵	عُرْب، ۵۰، ۲۲۰	غازیاغی، ۱۵۵
غوذیوله، ۸۷	غلغلون، ۲۶۰	عُرْب، ۹۷، ۲۲۰، ۲۸۰	غاسول، ۳۹، ۵۲، ۱۲۳
غوره خرما، ۹۴	غلقا، ۲۲۱	غرب، ۱۳۶، ۱۸۹	غاسول رومی، ۳۹
عُوشِيَه، ۲۲۱	عَلْقَه، ۲۲۱	عُرْد، ۲۶۰	غاغالس، ۲۱۹
غوشنه، ۲۳۰، ۲۶۰	عَلْقِي، ۲۲۱	گردان، ۲۶۰	غافت، ۱۲۰، ۱۹۹، ۲۱۹
غوشنه جنسی، ۲۲۱	غلوقریزا، ۱۸۰	عُرْز، ۲۲۰	غافت الشاهدانجی، ۲۱۹
غوشه، ۲۲۱	غلوقی، ۲۷۶	غرغات، ۱۳۹	غافت، ۱۹۹
عُولان، ۱۲۳	غلوقریزا، ۱۸۰	غرغال، ۶۰	غافت، ۲۱۹
غوشه، ۲۲۱	غلوقریزا، ۱۸۰	غرغتیۀ (اندلس)، ۲۷۳	غافت (فاس)، ۲۱۹
عُيْطَل، ۲۲۹	غلوقیون، ۲۷۶	عُرْغِيْتَه (لاتینی)، ۲۳۱	غالارتون، ۲۱۹

## حرف «غ»

فراژمنک (سجزی)، ۲۷۱	فاناقس اَیْرَقْلَیون، ۱۰۰	فاشِرِستین، ۲۲۲	غینغیدیون، ۱۸۳
فراسیا، ۲۶۶	فاناقس خمرونیون، ۲۲۳	فاشِرِستین، ۲۹۷، ۲۲۲	
فراسین، ۲۲۴	فاناقس خیرونیون، ۲۲۳، ۲۴۸	فاشِرِستین، ۹۰، ۲۲۲	<b>حرف «ف»</b>
فراسینا، ۲۵۲	فاناقس کبیر، ۱۰۰	فاشِرِشین (اندلس)، ۲۲۲	فابا، ۷۳
فَراسیون، ۸۷، ۹۵، ۱۷۹، ۲۵۲، ۲۲۴	فانتھاری (سند)، ۸۴	فاط، ۲۲۲	فابش الیونانی، ۷۳
فَراسیون، ۲۲۴، ۲۵۲، ۲۸۰	فانقراطیون، ۲۴۳	فاطن، ۷۳	فابش القبطی، ۷۳
فَراسیون الابيض، ۲۲۴	فانقوس، ۲۶۲	فاغره، ۲۲۲	فابش یونانی، ۷۳
فَراسیون سیاه، ۲۲۴	فانیرستینست، ۲۲۲	فاغرة الهندیه، ۲۹۶	فابلص، ۸۳
فراشنه، ۱۴۴	فاوانیا، ۲۲۳، ۲۱۶	فاغوس، ۱۹۳	فابَه بورکه، ۹۳
فراط، ۹۶	فاورسیون، ۲۳۳	فاغوش، ۱۹۳	فابَه دیبوزکه، ۱۵۷
فراقیون، ۵۰	فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵	فاغیه، ۲۲۷	فَابَه (لاتینی)، ۷۳
فراولیون، ۷۹	فاها، ۱۰۶	فاغیه، ۱۲۵	فاتره (نبطی)، ۲۵۷
فربوله، ۲۶۶	فایوقی، ۱۹۶	فافا، ۷۳	فاخر، ۹۶
فرهین، ۸۳	فَاسِی، ۶۶	فابوس، ۵۷	فاخور، ۲۲۱
فریبون، ۳۷، ۵۵، ۲۲۴	فباله، ۲۷۳	فافس، ۸۱	فادرونی، ۲۵۶
فَرَنائون، ۵۸	فباواریس، ۱۵۱	فافل، ۲۲۸	فارالیون، ۱۳۴
فَرَج الأَرْض، ۱۸۰	فَتائل الرُّهبان، ۲۲۳	فافیر، ۷۵	فارس العود، ۱۰۹
فَرخار، ۲۲۵	فتحوریون، ۲۹۷	فافیوس الحدقی، ۵۷	فارس الماء، ۱۷۱
فَرزُد، ۹۹	فث، ۱۲۹	فافوس، ۲۰۷	فارستاریون، ۱۵۶
فرزدجویبار، ۴۴	فُجَل، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۶	فافیر (مصر)، ۷۵	فارسطاریون، ۱۵۶
فرسانا، ۷۶	فجل الصغیر، ۲۷۴	فالبرس، ۲۲۳	فارسطازیون، ۱۵۶
فَرَسِسا، ۲۶۶	فُجَل الماء (مغرب)، ۲۳۵	فالیزئس، ۲۲۳	فارسطازیون، ۱۵۶
فرسطاریون، ۷۳	فجل باعشقی، ۲۲۴	فالسبسبانه، ۳۵	فارس ناریون، ۱۵۶
فرسطالیون، ۱۵۶	فجل بری، ۵۷، ۱۰۲، ۲۲۳	فالتجیطس، ۲۲۳	فارغه، ۲۲۲
فرسک، ۱۳۹	۲۲۴	فالتجیئن، ۲۲۳	فارق، ۹۶
فَرَسِک، ۱۳۹	فجل رخامی، ۲۲۳	فالتجین، ۲۲۳	فارقلومانن، ۱۶۰
فَرَسِیا، ۷۶	فجل شامی، ۲۲۴	فالی بورس، ۲۲۳	فارنوخیانا، ۱۱۸
فرسیون، ۲۸۰	فجلن، ۹۰	فالیریس، ۲۲۳	فارنیا (نبطی)، ۵۹
فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲	فِجَن، ۶۲	فالینوس، ۱۸۳	فاس، ۶۶
فرصاد، ۹۵	فُجَن، ۷۴	فالیورس، ۱۸۵، ۱۶۸	فاسی، ۲۲۲
فرصاد (بصره)، ۹۵	فجی، ۱۳۰	فالیورس، ۲۲۳	فاسیلس، ۵۴
فرفجین، ۸۲	فَخْداء، ۵۹	فالیورون، ۱۶۸	فاسیلون، ۵۴
فرفخ، ۸۲	فَخْد، ۵۹	فاناقس ابراقلیون، ۱۰۰	فاشار، ۲۲۲
فرَفخ، ۲۶۶	فدلقم، ۲۵۲	فاناقس اسفینوس، ۲۲۳	فاشر، ۷۸
فرَفخ البری، ۸۲	فِراالسن قافالوطن، ۲۵۲	فاناقس اسقلیبوس، ۱۶۵، ۲۲۳	فاشرا، ۱۵۴، ۲۲۲، ۲۹۷
فرفه، ۸۳	فرایبون، ۵۷	فاناقس اَیْرَقْلَیوس، ۱۰۰	فاشرا، ۲۲۲
فَرَفیر، ۸۳	فراخشنه، ۲۶۹		فاشِرِستین، ۲۲۲

۱۸۳، فلاخان،	فَطْر، ۲۲۱، ۲۲۶	فُسُوْدُوْدُقَطْمَن، ۲۸۱	۸۹، فرفیر،
۳۵، فلار،	فِطْر، ۲۲۶	فُسُوْدُوْدِقَطْمَن، ۲۸۱	۸۲، فرفین،
۶۶، فَلَاقِیْس،	فَطْرَسَالِیُوْن، ۷۸، ۲۵۳	فُسُوْدُوْدِقَطْمَیْن، ۲۸۱	۸۳، فرفینه،
۳۴، فَلَال،	۲۶۱، ۲۲۶	فُسُوْشِی لِیُوْن، ۸۹	۹۳، فرفیون،
۵۷، فَلَانِج (سندی)،	فَطْرَسَالِیُوْن، ۲۲۶	فُسُوْلُن، ۲۷۱	۲۲۴، فرفیون،
۲۴۰، فلاوس،	فَطْرِیَاثَا، ۲۲۶	فُسُوْلِیْدِس، ۲۴۹	۸۳، فرقین،
۱۰۵، فلاوْیه،	فَطْرِیُوْن، ۵۴	فُسُوْلِیْدُوْس، ۲۴۹	۱۰۳، فرلیون،
۱۵۷، فلجون،	فَطْسَا، ۳۱، ۳۵	فَسُوْة الصَّبِیْع، ۹۳	فرما، ۲۹۸
۱۵۷، فلجه،	فَعَالَا، ۲۲۳	فَسُوْة الصَّبِیْع، ۲۲۶	فَرْمِیُوْس، ۲۲۵
۱۵۷، فلجیون،	فَعْلَاسِیْنُوْس، ۲۲۷	فَسِیَالَانَه، ۵۱	فرنت، ۱۸۳
۱۶۹، فلحون،	فَعْلَامِیْنُوْس، ۷۴	فَشْ، ۳۰۱	فَرَنْجِیْمِشْک، ۵۳
۲۴۷، فلسب،	فَعْلُوْن، ۲۵۷	فَشَا، ۵۷	فَرَنْجِیْمِشْک، ۲۲۵
۱۱۸، فلشراش،	فَعُوْس، ۱۶۷	فَشَاشِیْش، ۱۹۸	فرنجمشک، ۲۲۵
۱۲۶، فلغیدس (نبطی)،	فَعِیْلَامُوْس، ۷۴	فَشَاع، ۱۹۵	فرو الحمام، ۱۰۷
۲۲۷، ۴۶، فُلْقُل،	فَعْلِیْس، ۲۹۵	فَشَاع، ۲۲۶	فَرُوْدُوْهَامَان، ۲۲۵
۲۲۸، فلفل،	فَقَاح السُوْرِنِجَان، ۵۳	فَشَاغ، ۱۶۰	فَرُوْقُوْدِیْلَاوْن، ۲۲۵
۲۲۷، ۴۶، فلفل ابیض،	فَقَاح الْکَرَم، ۲۵۵	فَشَاغ، ۲۲۶	فریثا، ۲۲۹
۲۲۷، فلفل اسود،	فَقَد، ۴۱، ۴۱	فَشَال، ۲۰۱، ۷۲	فریرسب، ۲۴۷
۱۱۲، فلفل الابیض،	فَقَّع، ۲۲۶	فَشَالَه، ۲۰۱	فریز، ۹۹
۴۶، فلفل الابیض،	فَقَّیْع، ۲۲۷	فَشْرَا، ۲۵۸	فریغلیون، ۲۴۹
۱۴۲، فُلْقُل الابیض،	فَقْلَامِیْنُوْس، ۷۵	فَشَّع، ۲۲۶	فریقا، ۲۷۱
۲۷۶، فلفل الأخص،	فَقْلَامِیْنُوْس، ۲۲۷	فَشَع، ۲۲۶	فریقان، ۲۳۵
۷۰، فلفل الأسود،	فَقْلَامِیْنُوْس آخِر، ۲۲۷	فَشَقْل، ۱۵۳	فریقه، ۱۲۰
۲۷۶، فلفل الخواص،	فَقْلَامِیْنُوْس آخِر، ۷۵	فَشْک، ۹۶	فریقه (شام)، ۱۲۰
۲۸۹، ۲۲۸، فلفل السودان،	فَقْلُوْطَا، ۲۵۲	فَصْفَصَة، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶	فرینون صواسنین، ۷۰
فلفل السودان (اندلس و	فَقُوْس، ۲۲۷	۲۹۱، ۲۴۱	فَزَع اللبوءه، ۱۵۱
مغرب)، ۱۶۳،	فَقُوْس الْحَمِیْر، ۲۳۳	فَصْل مَأْکُوْل، ۸۵	فَزْغَنْد (سغدی)، ۲۲۶
فلفل الصقالبه، ۴۱	فَقُوْس (مغرب)، ۲۳۳	فَصُوْلِیَا، ۲۷۱	فَسْتَق، ۱۱۳، ۲۲۵
فُلْقُل الصَّقَالِیَه (اندلس)، ۴۱	فَقُوْشَا، ۱۳۰	فَصُوْن، ۲۷۱	فَسْتَق البادیه، ۱۱۱
فلفل الصقالبه، ۲۲۸	فَقُوْلِیُوْن، ۱۲۵	فَضْل الْجُوَارِی، ۸۰	فَسْتَق المصری، ۱۰۹
فلفل القروذ، ۲۵۱	فَقُوْمِیْلَاس، ۹۴، ۴۱	فَضِیْه، ۲۲۶	فَسْتَق الهاویه، ۱۱۱
فلفل الماء، ۲۲۸، ۲۵۴	فَقِیْص، ۱۸۳	فَضِیَّه، ۶۰	فَسْتَق (شیراز)، ۱۹۶
فلفل بری، ۴۱	فَقِیْل، ۲۲۶	فَضِیَّه، ۱۱۹	فَسْتَقِی، ۱۱۱
فلفل تر، ۵۷	فَكْتَلْمَنْ، ۴۴	فَضِیَّه، ۲۲۶	فَسْطَارِیُوْن، ۱۵۶
فلفل دراز، ۱۴۲	فَکْی، ۲۰۷	فَطَارِیْقَا، ۴۹	فَسْغَانِیُوْن، ۱۴۶، ۱۸۱
فلفل سفید، ۱۴۲	فَل، ۱۳۸، ۲۲۷	فَطْر، ۱۷۳	فسله، ۵۱
فلفل سیاه، ۷۰	فَلْ، ۲۲۷	فَطْر، ۲۰۱	فسلیون، ۷۸
فلفلک (طبرستان)، ۱۶۴	فَلَاح، ۲۳۲	فَطْر، ۲۵۸، ۲۳۰، ۲۱۸	فَسْلِیُوْن، ۷۸



فوق‌آذین، ۷۴	فودنج البری، ۸۳	فم الطائر، ۱۲۹	فلفل کوهی، ۴۱
فُوَس البحرى، ۲۰۰	فودنج التیس، ۲۲۹	فم قریش، ۱۹۷، ۲۴۱	فلفل گرد، ۲۲۷
فُوَیْش، ۲۷۵	فودنج بری، ۲۸۱	فمل قریش، ۱۹۷	فلفلمون، ۲۲۸
فوکرم، ۱۱۸	فودنج بستانی، ۲۸۱	فنا، ۲۱۴	فلفلموی، ۲۲۸
فول الحمام، ۱۰۱	فودنج جبلی، ۱۱۳	فناغیوس، ۲۵۷	فلفل مویه، ۲۲۸
فول الحَمَام، ۲۴۶	فودنج جوهری، ۱۹۸	فنال، ۱۴۸	فلفل مویه، ۲۲۸
فول الخنزیر، ۱۲۸، ۲۷۱	فودنج نه‌ری، ۲۲۹	فنا (نبطی)، ۲۴۹	فَلْفَلْمُویة، ۲۲۸
فول الشعال، ۲۴۸	فودیا ساس، ۳۰۰	فنجبون، ۱۷۱	فلفلة، ۲۵۷
فول المجوسى، ۲۷۳	فودنج، ۲۸۰	فنجریون، ۲۲۸	فلفلمون، ۲۲۹
فول (قبطی و مصری)، ۷۳	فودنج‌جات، ۸۳	فنجکشت، ۴۰	فلک تاز، ۲۴۵
فوله، ۲۲۸	فودنج البری، ۲۰۵	فنجگشت، ۴۱، ۱۵۲، ۲۲۸	فلمویه، ۲۲۸
فولیون، ۱۰۳، ۲۳۰	فودنج البستانی، ۲۲۱	فنجین، ۸۸	فلنجمشک، ۸۳، ۲۲۵
فُولیون، ۱۰۳	فودنج التیسی، ۲۸۱	فَنَجیون، ۲۲۸	فلنجوس، ۲۷۳
فوم، ۱۲۶	فودنج النه‌ری، ۱۱۳، ۱۹۸	فندق، ۸۸، ۱۰۵	فلنجه، ۵۶، ۱۶۱، ۲۴۹
فونَس، ۹۱	فودنج نه‌ری، ۱۱۳	فندقا، ۸۸	۲۵۰
فونیاثا، ۲۲۹	فوذنو (سند)، ۲۲۹	فندق هندی، ۵۲، ۵۴	فلنمنکا، ۲۲۵
فُوَه، ۲۳۰	فورا، ۱۲۶	فنظافلون، ۸۸، ۱۵۲	فَلُور اورو، ۸۰
فوه الصباغان، ۲۳۰	فورثرون، ۲۰۵	فنظافیلن، ۴۱	فلورینقا، ۱۹۶
فوه الصباغین، ۲۰۸، ۲۳۰	فورثون، ۲۰۵	فنظافیون، ۸۸	فلورینه، ۱۴۹
فوه الصبغ، ۲۳۰	فورس، ۱۲۶	فنطسی، ۱۲۴	فلوس، ۲۷۷
فوهق، ۲۴۵	فورس، ۲۵۸	فنقراطیون، ۲۴۳	فلوسطیون، ۱۰۴
فوهل، ۷۶، ۲۴۵	فورش ابجی، ۲۷۵	فتقین، ۱۰۳	فَلُوسَه کُد، ۱۴۰
فوة البرانية، ۸۶	فوروفش، ۱۵۵	فنلیه، ۷۸	فلوغوناظن، ۲۱۰
فُوَیْله، ۲۷۳	فورینه، ۱۴۹	فنفس، ۲۳۶	فلوقاریش، ۲۸۰
فیاس، ۶۶	فوریون، ۲۵۷	فنفس اغریون، ۲۳۶	فلوقرنیا، ۲۳۷
فیاقه، ۹۳	فوشنه، ۲۲۶	فَنیْکَس، ۹۵	فلوماین، ۱۸۵، ۲۰۵
فیاقیدنوس، ۱۵۲	فوزوفش، ۱۹۸	فُو، ۲۲۸	فلومس، ۳۳، ۹۰
فیشمون (فاس)، ۵۵	فوطینوس، ۲۲۴	فو، ۲۲۹، ۲۸۸	فَلُومَس، ۹۰
فَیْجَل، ۱۶۷	فوعین، ۲۳۰	فواحش، ۹۲	فلومس اداوش، ۱۵۳
فیجن، ۱۶۷	فوغلی، ۲۲۳	فویاروم (فرنگی)، ۲۲۹	فلومس صغیر، ۶۰
فیخیون، ۱۱۹	فوفارون، ۱۲۵	فویاکینوم (فرنگی)، ۲۲۹	فلومس مَقْرُون، ۶۰
فیزیدجاغی، ۱۳۲	فوفل، ۵۴، ۲۴۸	فوتنج، ۱۱۰، ۲۲۹	فلیطش، ۸۷
فیثوثا، ۳۳	فُوَفل، ۲۳۰	فوتنج البری، ۱۰۵	فَلِیْفَلَة، ۲۲۸، ۲۴۸، ۲۹۶
فیطل، ۲۰۴	فُوَفل، ۲۳۰	فوتنج بستانی، ۱۲۲	فلیفلة، ۲۹۶
فَیْطَل، ۲۰۴	فوفلا، ۲۳۰	فوتنج نه‌ری، ۲۴۹	فلیمن، ۵۷
فیغائن، ۱۱۶	فوفیلاطینوس، ۷۴	فوئا، ۲۳۰	فلیورش، ۲۱۴
فیغانن، ۱۶۷	فوقادائن، ۳۰۰	فودنج، ۱۹۵	فَلِیْه (مصر)، ۲۲۹
فیغائن، ۱۶۸	فوقادائن، ۷۴	فودنج، ۲۲۹	فم، ۲۲۹

قَبَاة، ۱۴۷	قاطر (صیادله)، ۱۴۶	قاتل الدُّب، ۲۳۱	فیغانن اغریون، ۱۶۷
قبتوریة، ۲۵۸، ۲۵۴	قاع قَلَا، ۲۳۲	قاتل الذئب، ۴۲، ۱۲۸	فیغروا، ۱۲۵
قبساطه، ۹۹، ۱۴۳	قافلا (لاتینی)، ۷۶	قاتل العَلَق، ۲۳۱	فیغس باطس، ۲۵۰
قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳	قافنون، ۲۶۲	قاتل الکلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۳۱	فیغنا، ۱۶۷
قبسطلیه، ۵۴	قافنیس، ۲۶۲	قاتل النحل، ۲۳۲، ۲۹۲	فیغن اغریون، ۲۳۶
قبسطون، ۲۷۷	قاقالیا، ۸۲، ۲۳۲	قاتل النمر، ۱۲۸	فیفایفا (عبرانی)، ۵۷
قبلی (مشرق)، ۲۰۷	قافل، ۵۲، ۲۳۲	قاتل نفسه، ۵۵، ۲۳۲	فیقس، ۱۲۶
قبلوط، ۲۵۲	قاقلا، ۲۴۳	قازاژش، ۱۵۳	فیقوس، ۱۰۵
قَبْلُه موره، ۲۵۷	قَاقْلَه، ۲۳۲	قاراطیا، ۱۳۲	فیقومورا، ۱۰۵
قبی، ۹۶	قاقله، ۲۳۲، ۲۳۵	قاراطیطس، ۶۷	فیقه، ۹۶
قُبَیْط، ۲۸۹	قاقله الصغار، ۷۰	قاراطیطس، ۱۳۴	فیقه متبیره، ۱۰۵
قُبَیْطَاء، ۲۸۹	قاقله صغار، ۲۹۶	قاراماون، ۸۰	فیلا، ۲۲۹
قبیطه، ۱۹۱، ۲۸۹	قاقله صغیر، ۲۳۲	قارَباسَیْلقا، ۱۰۷	فیلاطاریون، ۶۸، ۷۱، ۱۵۵
قَت، ۱۲۲، ۱۵۶	قاقلة صغیره، ۲۹۶	قارَبانیطیقا، ۱۰۵	فیلجوش، ۲۳۰
قت، ۱۵۶	قاقلی، ۱۵۵	قارج، ۵۰، ۱۴۸	فیل جوش، ۲۷۳
قَت، ۲۹۱	قاقلی (قبطی)، ۲۳۲	قارجی، ۷۵	فیلزهرج، ۵۸، ۱۲۰، ۲۳۱
قتاد، ۱۸۹، ۲۵۱، ۲۹۲	قاقلی (نبطی)، ۲۸۴	قارج، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۶۰	فیلگوش، ۲۳۰
قَتَاد، ۲۳۳	قاقیا، ۲۳۳	قارسطاریون، ۱۵۶	فیلورا، ۱۱۲، ۲۰۶
قتاد الأعظم، ۲۳۳	قالاس، ۲۴۰	قارسون، ۲۴۹	فیلورا، ۲۰۶، ۲۵۱
قتاد الصغیر، ۵۹	قالاض، ۲۴۰	قارطیا هندی، ۱۴۰	فیلون، ۲۳۱
قت البر، ۲۹۱	قالامغرسطس، ۹۹	قارنوخیا، ۱۱۸	فیلیطس، ۲۳۱
قتد، ۲۳۴	قالامتنی، ۱۹۸، ۲۲۹	قارنیا (نبطی)، ۵۹	فینقس، ۹۲
قتاد، ۲۳۳	قالنجی، ۱۹۲	قارنی باروق، ۷۸	فیهبق (اندلس)، ۶۴
قَتَاء، ۱۴۰	قالیر، ۱۹۲	قارو، ۲۵۶	
قَتَاء، ۲۳۳	قالیقیا (شام)، ۱۹۳	قازوا، ۲۵۶	
قتاء البری، ۲۳۳	قالیورس، ۶۱	قارواباسلیقا، ۱۰۶	
قتاء البری الهندی، ۸۵	قاراون، ۱۰۶	قاروانا، ۲۵۶	قاباش قبطی، ۷۳
قتاء البستانی، ۲۳۳	قاراریون، ۲۳۱، ۲۴۲	قاروذیا، ۱۰۷	قابانیقی، ۲۳۲
قتاء الحمار، ۱۹۴، ۲۳۳	قائش، ۲۵۹	قاروصبشو، ۶۵	قابضه، ۱۳۴
قتاء الحمار، ۲۱۳، ۲۵۳	قانیوس، ۱۸۳	قارة، ۶۰، ۲۳۲، ۲۸۰	قاب طیره، ۱۱۹
قتاء الحمیر، ۲۳۳	قاوند، ۲۳۳	قارة (اندلس)، ۱۷۱	قابطیره، ۲۸۰
قَتَاء الحیة، ۲۳۴	قبار، ۲۵۰	قاروة (اندلس)، ۱۷۱	قابیش، ۲۴۰
قتاء العظم، ۱۲۶	قَبَار، ۲۵۰	قاریا، ۱۰۶	قابی طیاره، ۱۵۷
قتاء الکبر، ۲۵۳	قبارس، ۲۵۰	قاریاسلقا، ۱۰۶	قاتل ابنه، ۵۷
قتاء النعام، ۱۲۶	قبارومبدوس، ۲۴۵	قاسی، ۷۲	قاتل ابنیه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱
قتاء الهندی، ۱۴۰	قباریش، ۲۵۰	قاطانقی، ۲۰۵	۲۲۴، ۲۳۱، ۲۴۲
قتاء کوچک، ۱۹۸	قَباسه، ۱۵۳	قاطانقی، ۲۳۲	قاتل اخیه، ۱۳۵
قَتَد، ۲۳۴	قباق، ۲۳۷	قاطانیقی، ۲۳۲	قاتل الحمیر، ۱۴۵

## حرف «ق»

قند، ۲۳۴	قراطیا، ۱۳۲	قرشیون، ۱۰۳	قَرظ، ۲۳۷
قند (حجاز)، ۲۳۴	قراطیارغیون، ۲۳۵	قُرش قَبْلَه، ۲۵۷	قرع، ۱۴۲، ۱۵۴
قتل، ۲۳۴	قراقیا، ۱۵۷	قرشی، ۹۶	قَرع، ۲۳۷
قشی، ۲۳۴	قرالنا، ۲۳۵	قرشیقا، ۱۰۶	قَرع، ۲۳۷
قشون، ۱۹۱	قرانیا، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۳۵	قرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۱۰۵	قرع المَر، ۲۳۷
قجلال، ۹۶	۲۷۸	۱۵۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۶۱	قرع الیاس، ۱۴۲
قجنار، ۸۴	قُرانی، ۱۶۳	۲۹۶	قرغار، ۴۶
قجی، ۲۶۶	قُرأ، ۲۳۷	قَرَضَعَنَه، ۲۳۶	قرفا، ۵۷
قحوان، ۵۷	قربان، ۱۳۹	قرصعنه جبلی، ۲۳۶	قرفلون، ۲۳۸
قداح، ۱۵۵	قربانیون، ۵۸	قرصعنه مسدس، ۲۳۶	قرفه، ۱۴۱
قدح مریم، ۲۳۴	قربض، ۶۵	قرصعنه، ۱۴۳، ۲۵۲	قرفه، ۲۳۸
قدرومیلا، ۴۰	قربوله (لاتینی)، ۲۶۶	قَرَضَعَنَه، ۱۵۲	قِرَفَه، ۱۰۷
قُدْبَه، ۱۵۱	قرئان، ۱۸۷	قَرَضَعَنَه، ۱۹۱، ۲۳۶	قِرْفَه القَرْنفل، ۱۴۱
قدومه (اصفهان)، ۹۶	قرئمن، ۲۳۵	قِرَضَعَنَه، ۲۲۹	قِرْقَا، ۲۰۹
قُدروس، ۲۳۴	قَرْثی، ۱۸۷	قرصعنه الزرقاء، ۱۹۱	قِرْقاز (فاس)، ۲۴۳
قذلبه (اندلس)، ۱۵۱	قَرَج، ۱۴۸	قرصونه، ۲۳۶	قرقسین، ۲۳۸
قرا، ۲۳۷	قرحا، ۲۰۹	قرصینانا، ۶۵	قِرْقیمان، ۲۳۸
قراح، ۲۱۳	قرداسات الذوائب، ۱۲۱	قرط، ۱۳۲	قَرْم، ۲۳۸
قرادمنی، ۱۸۲	قردامن، ۱۱۵	قُرْظ، ۲۳۶	قرمامومن، ۲۳۵
قردامومن، ۱۱۵، ۱۱۶	قردامومن، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۳۵	قرطبی، ۱۱۸	قرمد، ۲۵۵
قرداسینی، ۱۱۶	قردامومون، ۲۳۵	قرطف، ۲۴۱	قرمقام، ۲۵۶
قردامن، ۱۱۵، ۲۳۵	قردامون، ۲۳۵	قرطم، ۱۱۳، ۲۱۰	قَرْمَل، ۱۲۳
قردادیه، ۱۱۴	قردامین، ۱۱۶	قُرْظَم، ۱۴۲	قرمون، ۲۵۱
قراسیا، ۱۱۳، ۲۳۴	قردمانا، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۶۱	قَرَطَم، ۱۶۳	قرمیدیا، ۸۰
قراسیا (دمشق)، ۲۳۴	قِرْدیمانا، ۲۳۵	قُرْظَم، ۲۳۶	قرن الایبل (اندلس)، ۲۳۵
قراسیون، ۲۴۹	قُرْدیمانا، ۲۳۵	قِرْطَم، ۲۳۶	قرن البحر، ۲۶۴
قُرْاص، ۵۷، ۲۳۴	قُرْدیمانا، ۲۳۵	قرطمان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳	قرنبا، ۱۲۲، ۲۵۵
قُرْاصیا، ۲۳۴	قردمانی، ۲۳۵	قُرْطمان، ۲۳۷	قُرْنبَا، ۲۵۶
قُرْاصیا البعلبکیة (اهالی صقلیه)، ۲۳۴	قردمون، ۱۱۵	قرطمانا، ۲۳۵، ۲۵۶	قرنبا انمارس، ۲۵۶
قُرْاصیا (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	قردی، ۱۳۳	قِرْطمانا، ۲۵۶	قربناد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶
قُرْاصیا (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	قردالیوم، ۱۱۴	قرطم بری، ۱۵۸	قُرْنبَاد، ۲۵۶
قُرْاضیا، ۲۳۴	قردب الاسود، ۲۵۹	قُرْطَم بری، ۲۳۶	قربناب، ۲۵۶
قُرْاطاغونن، ۲۳۵	قُرْدَنَالَه (لاتینی)، ۶۳	قرطم هسک، ۲۱۰	قربنا (نبطی)، ۲۸۴
قُرْاطارِغُون، ۲۳۵	قردیوله، ۷۲	قرطم هندی، ۱۱۳، ۲۳۷	قربنو، ۲۵۵
قُرْاطاط، ۲۳۵	قرز، ۱۲۱	۲۹۲	قُرْنبی، ۱۰۵
قُرْاطاغونن، ۱۲۶	قرسطاریون، ۱۷۱	قرطی، ۹۶	قُرْنبی ایمارس، ۲۵۶
قُرْاطاوس، ۱۴۷	قرسیون، ۴۷، ۱۵۱	قرظ، ۵۷، ۲۳۷	قربیط، ۲۵۶
	قرشادوقانا، ۱۲۶	قَرْظ، ۱۳۲، ۱۹۱	قُرْنج (اندلس)، ۵۹

قرنساء، ۶۷	قریطیقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴	۸۴	قسینی (لاتینی)، ۲۶۶
قرنفاد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸	قسط بحری، ۲۳۹	قَسْن، ۲۴۰
قرنفار، ۲۵۶	قَرَبِعَة، ۲۲۲	قسط تلخ، ۲۳۹	قشا، ۱۷۴
قَرَنْفَل، ۲۳۸	قَرَبِعَة، ۲۵۸	قسطرن، ۸۷	قَشْبَة (حجازی)، ۲۴۰
قرنفل الارض، ۲۹۱	قَرَبِعَة الكَتَان، ۲۵۸	قسط رومی، ۱۵۳	قَشْتَبُولَه (لاتینی)، ۱۸۰
قَرَنْفَل بستانی، ۲۲۵	قَرَبِعَة الكَتَان (اندلس)، ۱۶۷	قَسْطَرُون، ۲۳۹	قشر ترجیه، ۲۴۰
قرنفل جبلی، ۴۶	قَرَبِعَة (اندلسی)، ۵۵	قسطریون، ۸۷	قشطل، ۸۷
قرنفل شامی، ۲۳۸	قرین مو، ۲۲۸	قسطس، ۲۳۹	قشطنیولا، ۸۰
قرنقلیه (اندلس)، ۱۶۵	قرینوس، ۷۰، ۱۸۰	قَسْطُس، ۲۳۹	قَشْطَبُولَه، ۱۴۵
قرنقلیه (مغرب)، ۲۳۸	قَرَبِعَة صوابین، ۱۸۱	قسط سفید، ۲۳۹	قَشْطَر (یمین)، ۲۳۳
قرنقول، ۲۳۸	قریوله، ۲۶۶	قسط سیاه، ۲۳۹	قُشْف، ۲۱۱
قرنقار، ۲۵۶	قَرَبِیولَه (اندلس)، ۲۶۶	قسط شامی، ۱۵۳	قشقابن فلسدیار، ۱۴۱
قرنوس، ۱۲۴، ۲۰۸	قَرَبِیولَه (لاتینی)، ۲۶۶	قسط عربی، ۲۳۹	قشلومن، ۱۱۴
قرنوله دکانبه، ۵۹	قریون، ۲۵۴	قسطل، ۸۶	قشنا، ۲۳۹
قَرَنْفَل (لاتینی)، ۲۳۵	قَرَبِعَة، ۲۱۲	قَسْطَل، ۸۶، ۸۷	قشوقی (سندی)، ۲۰۹
قرنوه، ۲۹۶	قَرَبِعَة، ۲۳۸	قَسْطَلَة صغیر، ۱۸۰	قُصاص، ۱۳۷
قَرَبِعَة، ۲۳۸	قَرَبِعَة، ۸۴	قَسْطَلَة صغیره، ۸۰	قصاص، ۲۴۰
قرنه، ۴۶	قرقحیر، ۸۳	قسط مر، ۲۳۹	قصب، ۳۷، ۱۵۵
قَرَنَة، ۱۲۹	قَس، ۲۳۹	قَسْطَنَه، ۸۷	قَصَب، ۲۴۰
قرنی آغریا، ۲۵۶	قسا، ۲۳۹	قسطوریون، ۸۷	قصب البردی، ۷۲
قرنیثا، ۲۲۹	قسالحمار، ۱۹۴	قسطوس، ۲۳۹	قصب الذریرَه، ۲۴۰، ۲۴۴
قروسوقیون، ۴۵	قسادق، ۲۶۷	قسطلیدون، ۲۴۹	قصب الذهبی (اندلس)، ۲۷۲
قروص، ۶۵	قسارت، ۲۶۷	قسط هندی، ۲۳۹	قصب الذریرَه، ۲۴۰
قروطن (قبرس)، ۱۳۳	قساریسما، ۲۴۰	قسطیدس، ۲۰۱	قصب الریح (اندلس)، ۲۷۲
قروفا، ۲۳۷	قس الکلاب (مصر)، ۲۱۹	قسطیس، ۲۰۱	قصب الریح (فاس)، ۲۴۰
قَرَوُقْس، ۱۶۳	قَسَب، ۹۵	قسعر، ۲۳۳	قَصَب السُکر، ۲۴۱
قَرَوُقْس، ۱۶۳	قصب، ۹۵، ۲۳۹	قسماط، ۱۳۰	قصب الصین، ۱۴۱
قَرَوُمیان، ۸۱	قسبک (شیراز)، ۹۵	قسئانس، ۲۶۶	قصب بری، ۱۴۷
قرومیدیا، ۸۰	قسئوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷	قسوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵	قصب بوا، ۲۴۰
قرون السنبل، ۲۳۸	قسئوس، ۲۶۵	قسوس، ۱۲۱، ۲۴۰	قصب جبلی، ۱۴۷
قره العین، ۱۰۳، ۱۸۲	قسئارون، ۴۶	قسوة الکلابغلتک، ۱۸۳	قصب شوی، ۳۴
قره العین، ۲۳۵، ۲۵۸	قسئاروطون، ۲۳۹	قسبی، ۱۹۰	قَصْبور، ۲۵۷
قریثا، ۱۲۶	قسس، ۲۶۶	قسبیا، ۱۷۴	قَصْبَه، ۹۹
قریدی، ۱۰۶	قَسْط، ۲۳۹	قسبیا، ۲۳۹	قَصْبَة، ۱۴۸
قَرَبِیص، ۶۵	قَسْط الرومی، ۱۵۳	قسیاس، ۷۴	قصبی، ۲۱۲
قریص، ۶۵	قسطنانیا، ۸۶	قسئی (اندلس)، ۲۰۰	قَصْد، ۲۱۷
قَرَبِیص، ۱۱۰، ۶۵	قَسْطانیقی، ۸۴	قسیناد، ۲۶۶	قصری، ۹۶
قَرَبِیص، ۲۵۵	قَسْطانیقی (اهالی سواد)، ۲۶۶		

قَلْقَاسِ، ۲۴۳	قَلَاقَلَى، ۴۵	قطن، ۱۵۲، ۲۲۶	قَصْعَة، ۲۶۶
قَلْقَاص، ۹۴	قَلال، ۷۹	قَطْن، ۲۴۲	قَصْعَة الحَمِير، ۲۶۶
قَلْقَال، ۴۵	قَلَام، ۶۰، ۱۲۳، ۱۸۲	قَطوس، ۳۱، ۳۵	قَصفا، ۱۳۳
قَلْقَل، ۱۱۲	قَلام، ۲۴۳	قَطولَى، ۲۴۷	قَصم، ۲۴۲
قَلْقَل، ۲۴۴	قَلَام، ۲۵۴	قَطونا، ۷۸	قَصَة الحَيَة (مغرب)، ۲۴۶
قَلْقَل، ۲۴۴	قَلامس اَزوماطيقس، ۲۴۱	قَطيا، ۲۳۳	قَصَى، ۹۶
قَلْقَلان، ۱۱۲	قَلامُغرسطس، ۱۴۸	قَطِين، ۲۶۹	قَصيص، ۴۲
قَلْقَلان، ۲۴۴	قَلام کرمان، ۲۳۲	قَطيفه، ۲۴۲	قَصيصه، ۹۶
قَلقونیا، ۲۴۴	قَلامتی، ۲۲۹	قَطیداوس، ۲۳۲	قَصيم، ۲۴۲
قَللجَة، ۳۹	قَلانتره، ۲۵۷	قَعالا، ۱۵۳	قَصاب مِصرى (مصر)، ۲۴۱
قَلماس، ۲۴۱	قَلانتره كمبائه، ۲۵۷	قَعْبَل، ۲۲۶، ۲۴۳	قَصام، ۱۲۳
قَلنبارس، ۲۰۴	قَلائش، ۲۴۳	قَعفور، ۸۰	قَصَب، ۵۸، ۱۵۶، ۲۴۱
قَلنبارش (لاتینی)، ۱۵۶	قَلَب، ۲۴۳	قَعنب، ۸۰	قَصَب، ۲۹۱
قَلنبره، ۲۰۴	قَلَب الأَرْض، ۱۸۰	قَعْنَب، ۲۴۳	قَصبانان، ۱۱۶
قَلنْبَه قَوْلَة، ۳۴	قَلب النخل، ۹۵	قَعْنَب، ۲۴۳	قَصم قَریش، ۱۳۲، ۱۹۶، ۲۴۱
قَلنیل، ۱۴۱	قَلبخ، ۲۲۱	قَعیلاس، ۳۴	
قَلنْبِيَه، ۱۵۰	قَلْبِرْلَه، ۲۷۳	قَع، ۲۲۰	قَطْب، ۱۱۸
قَلنْدیرلَه، ۶۰	قَلت، ۱۱۲	قَعاء، ۱۰۷	قَطبا، ۱۱۸، ۲۴۱
قَلنسد ناردین، ۱۴۱	قَلت، ۱۱۲	قَعالوط، ۲۵۲	قَطبى حمارا، ۲۳۳
قَلوب الدحج، ۴۱	قَلت، ۱۱۲	قَعالیا، ۲۴۹	قَطرات كوئى، ۲۴۱
قَلوب النعام، ۵۴	قَلتا، ۱۱۲	قَع (دمشق و شام)، ۳۶	قَطران، ۳۹، ۲۰۳
قَلوديقى، ۱۹۶	قَلتمان، ۲۲۵	قَعْر، ۲۸۳	قَطران، ۱۸۷
قَلوس، ۲۷۷	قَلجونه، ۲۴۳	قَعْر اليهود، ۵۰، ۱۲۴	قَطريل، ۱۶۸
قَلوغیطون، ۱۹۶	قَلخِغَن، ۱۰۸	قَعروس، ۱۳۳	قَطف، ۸۴، ۱۱۹، ۱۷۰
قَلوفیا، ۲۳۷	قَلخِغِن، ۱۸۰	قَعطا، ۲۴۱	قَطَف، ۲۴۱
قَلومائى، ۴۶	قَلس، ۱۸۲	قَعفاء، ۲۵۲	قَطفا، ۱۷۰
قَلومامش، ۴۶	قَلسوفوديون، ۲۴۳	قَعْل، ۸۲	قَطف بحرى، ۲۴۲، ۲۷۱، ۲۸۴
قَلومانن، ۱۸۵	قَلشتر، ۱۸۹	قَعْلوط، ۲۴۳، ۲۵۲	
قَلومائِن، ۱۸۵، ۲۴۴	قَلطانَه، ۲۵۰	قَعور، ۲۴۳	قَطف برى، ۱۳۹
قَلومائِن، ۲۴۴	قَلفوح، ۱۵۳	قَعورا، ۱۴۳	قَطَف (مغرب)، ۱۷۰
قَلومس، ۲۴۴	قَلفورا، ۱۴۳	قَعْل، ۸۲	قَطْب، ۱۲۲
قَلومش، ۳۳	قَلفوط، ۸۰	قَعلامینس، ۲۲۷	قَطْب، ۱۲۳
قَلوین، ۱۰۳	قَلفون، ۸۱	قَعومیلاس، ۴۱	قَطْب، ۱۸۶
قَلن، ۱۲۳	قَلفونیا، ۱۵۲	قَعیس، ۲۱۱	قَطلب، ۲۳۱، ۲۴۲
قَلى، ۲۴۴	قَلقاس، ۳۴	قَعیس، ۲۱۱	قَطْلَب (شام)، ۲۴۲
قَلیا، ۲۴۴	قَلقاس، ۱۸۱	قَعارسيس، ۱۸۴	قَطلم، ۱۶۶
قَليجولَه، ۱۶۱	قَلقاس، ۲۴۳	قَلاظى، ۹۶	قَطلونیه، ۸۰
قَلیقَل، ۲۷۴	قَلقاس، ۲۴۳	قَلال، ۱۱۲، ۲۴۴	قَطن، ۱۳۱، ۲۴۲

قوالن، ۷۹	قندیز، ۲۹۵	قنابری (نبطی)، ۲۴۵	قلیماصیس، ۲۴۱
قوامس، ۷۳	قنطا، ۶۹	قنابس، ۲۴۵	قلیماطیطس، ۱۶۱
قوبع، ۱۱۴	قنطادوس، ۲۳۶	قنابش، ۱۱۲، ۲۴۵	قلیماطیطس، ۱۶۱
قوتارشوق، ۱۵۲	قنطس، ۲۲۶	قنابش آغریون، ۱۱۲	قلیمونه، ۹۰
قوت البریه (صیدلانیه)، ۸۶	قنطورین غلیظ، ۲۴۶	قنابوس، ۲۴۵	قلینوفودیون، ۲۴۳
قوتتری، ۲۵۰	قنطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۴۶	قناد (مغرب)، ۲۱۴	قلیون، ۱۳۶
قوتقس، ۹۱	قنطوریون، ۲۷۴	قنار، ۱۱۴	قلیون دِغاته (نغری)، ۱۳۵
قوث، ۲۹۳	قنطوریون، ۲۴۵	قناروخشک، ۵۳	قلیونش دِغاته، ۱۵۰
قوئیرا، ۱۹۹	قنطوریون الأصفر، ۳۶	قناریه، ۱۱۴	قلیه (مصر)، ۲۲۹
قوج (ترمذی)، ۲۲۶	قنطوریون الجلیل، ۲۴۶	قناریه (اندلس)، ۱۱۴	قماشیر، ۲۶۰
قودونیا میلانا، ۱۷۲	قنطوریون الدقیق (اندلس)، ۲۴۶	قناریه بری، ۱۱۴	قمح، ۱۲۶
قورس، ۲۹۸	قنطوریون باریک، ۲۷۴	قناریه (مغرب)، ۱۱۴	قمح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴
قورنیادطوری، ۲۲۹	قنطوریون دقیق، ۲۰۹، ۲۴۶	قنا صغیر، ۲۴۴	قمحادرزی، ۱۹۹
قوروقوس، ۱۶۳	قنطوریون صغیر، ۲۴۵	قناله، ۲۶۹	قمح البری، ۴۲
قوروثفس، ۱۵۵	قنطوریون طرمقرون، ۲۴۶	قنالیون، ۲۴۸	قمح الحجل، ۱۲۶
قوریانون، ۲۵۷	قنطوریون طوبطون، ۲۴۶	قنا (مصر)، ۵۱	قمح السودان، ۱۰۰
قوریون، ۲۰۵، ۲۵۷، ۲۹۸	قنطوریون طولیطون، ۲۴۶	قناموسن، ۱۴۱	قمح الشیطان، ۱۲۶
قوز، ۲۴۲	قنطوریون طوماغا، ۲۴۶	قناموسن، ۱۴۱	قمح الصقالبه، ۱۲۶
قوسطاریون، ۱۵۶	قنطوریون غلیظ، ۲۰۹	قنا هندی (خوازنه)، ۸۵	قمح جبلی، ۱۰۳
قوسی، ۲۰۱	قنطوریون کبیر، ۲۴۵	قنَب، ۱۱۲، ۲۴۵	قمح مانا، ۱۲۶
قوسیة، ۲۴۶	قنطیانی، ۱۰۶	قنَب، ۲۴۵	قَمَحَة، ۲۴۱
قوش اوزی، ۲۱۴	قنغذی، ۱۱۸	قنباله، ۲۵۱	قمر، ۵۹
قوشنا، ۲۳۹	قنقهر، ۲۴۷	قنَب بری، ۱۱۲	قمرن، ۱۴۳
قوشیا، ۲۳۹	قنلیه، ۱۵۵	قنَب (مغرب)، ۲۴۵	قمره، ۵۹
قوظاما، ۲۴۷	قنوبر (سند)، ۱۴۵	قنَب هندی، ۲۴۵	قمریت (اصفهان)، ۲۵۵
قوظس، ۲۴۰	قنول، ۱۴۱	قنبره، ۲۴۵	قمسلیل، ۱۴۸
قوظلیدون، ۳۳، ۳۴، ۱۶۹	قنَه، ۲۴۶	قنَبیط، ۲۴۵	قمش (جرجان)، ۲۷۹
قوظولیون، ۲۳۴	قنَه، ۷۲، ۲۶۱	قنَبیط، ۲۵۶	قملول، ۲۴۵
قوفا، ۲۴۴	قنَه (اندلس)، ۲۵۹	قنَبیط، ۲۵۶	قملین، ۱۲۳
قوفی، ۴۴، ۲۴۷	قنَه، ۲۴۴	قنَبیط الذکر، ۲۵۶	قمنش، ۲۶۲
قوقابس، ۱۴۸	قنَبیه (اندلس)، ۱۱۲	قنبیل، ۲۴۴	قمنصانا، ۵۹
قوقالس، ۲۴۷	قنبره، ۲۸۰	قنبل، ۲۴۴	قَمَنَحَه، ۲۴۴
قوقامیلا، ۴۱	قنقیوس، ۲۳۶	قنتوله، ۲۷۵	قَمِیص، ۶۷
قوقامیلا، ۲۱۷	قواد (سندی)، ۲۱۴	قنچوله، ۱۲۲	قَمَیله (شام)، ۱۱۸، ۱۴۸
قوقو، ۱۶۳	قوال سرسی (سندی)، ۲۰۹	قنخروس، ۱۴۳	قنا، ۲۴۰
قولار، ۲۵۶		قندرون (اصفهان)، ۸۱	قنابری، ۷۶
قولاله، ۲۶۳		قندس، ۲۶۳	قنابری، ۲۴۵
		قندول، ۱۰۹	قنابری (شام)، ۴۸

کازوان، ۲۶۸	قیهیمالون، ۲۴۵	قونیزا الأصغر، ۱۹۹	قولانی، ۲۴۷
کاسات، ۲۴۷	قیقُئین، ۱۷۸	قونیون، ۲۸۶، ۱۹۱	قولجیاله، ۲۵۶
کاس‌بیل، ۵۵	قیقاوس، ۱۳۳	قویابصل (سند)، ۴۹	قوللّیه، ۲۵۶
کاسر الحجر، ۱۱۲، ۲۴۳	قیقَب، ۱۰۶، ۲۸۶، ۲۹۰	قویارس، ۷۳	قوللّیه، ۲۰۷
کاسنی، ۲۹۷	قیقبان (اندلس)، ۱۰۶	قهلمان، ۲۸۰	قوللّیه (اندلس)، ۱۷۱
کاسنی بری، ۱۳۹	قیقَمَن، ۱۷۸	قهوه، ۸۹	قولوریون، ۷۹
کاسنی رومی، ۲۶۱	قیقَهَر، ۲۴۷	قیاصم، ۱۴۹، ۲۵۸	قولوط، ۱۲۰
کاش (تنکابن)، ۲۷۰	قیقهَن، ۲۴۷	قیارس، ۱۷۱	قولوقتا اغریا، ۱۲۶
کاشم، ۲۰۴، ۲۵۳	قیقی، ۱۳۳	قیبأ، ۱۰۸	قولوقوثا، ۲۳۷
کاشیم، ۲۴۸	قیقیدیس، ۲۱۱	قیبوطیسرون، ۲۶۳	قولوقونطس، ۲۳۷
کاشم الریفی، ۲۴۸	قیقیس، ۲۱۱	قیج، ۲۳۳	قولوقیمین، ۱۵۳
کاشم الصغیر، ۲۰۲	قیلعی (شام)، ۲۸۶	قیخوریون، ۶۳، ۲۹۸	قولوقینس (لاتینی)، ۱۲۶
کاشم الکبیر، ۱۵۵	قیلورا، ۱۴۴	قیخوریون قارذنون، ۶۳	قولوکنتش، ۱۲۶
کاشم رومی، ۱۶۷، ۱۸۱	قیمص، ۲۴۷	قیرع، ۲۳۷	قولومینس، ۱۵۳
کاشم رومی، ۲۴۸	قیموطمشور، ۲۳۳	قیرف، ۲۸۳	قوله د قباله، ۱۵۱
کاش (مصر)، ۵۷	قیمولیا، ۴۱، ۲۶۴	قیروان (آفریقا)، ۲۴۳	قولی، ۲۵۶
کاشم صغیر، ۲۴۸	قیمین اغریون، ۲۶۲	قیرون، ۲۳۸	قولی اغریا، ۲۵۶
کاشم صینی، ۲۴۸	قیمینون أُغریون، ۲۶۲	قیسادافورسما، ۸۶	قولی اغریاس اقیمون، ۲۵۶
کاشم کبیر، ۱۴۸	قینا، ۲۴۷	قیسارون، ۲۰۱	قولی ایماروس، ۲۵۶
کاشوش، ۱۰۰	قینهر، ۲۴۷	قیستوس، ۲۶۵	قولی طولی، ۲۵۶
کافافلوس، ۱۲۶	قیوفارروس، ۱۷۱	قیس دافورسما، ۸۶	قولولیه، ۱۲۲
کافور، ۲۴۸	قیوند، ۲۳۳	قیسوس، ۲۱۱	قومارقوس، ۱۰۶
کافوربوی، ۵۷		قیسوم، ۷۶، ۲۴۷	قوماروس، ۲۳۱، ۲۴۲
کافوربویه، ۲۴۹		قیصر، ۵۹	قوماریس، ۲۴۲
کافوری، ۵۷، ۲۹۰		قیصوم، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۷۶	قومالیون، ۲۴۷
کافوری نر، ۵۷	کابور (ترمذ)، ۷۵	۱۵۹، ۱۸۳، ۲۴۷	قوماورس، ۲۴۲
کافوریه، ۵۷	کابیج، ۲۳۶	قیصوم، ۷۷، ۲۸۱	قومایس، ۶۷
کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹	کاپنهل، ۱۴۱	قیصوم، ۲۴۷	قومسی، ۲۰۱
کافوریه (آفریقا)، ۵۷	کات، ۲۴۸	قیصوم الصغیر، ۲۸۲	قومن، ۲۴۷
کافوریه (مغرب)، ۱۸۶	کاج، ۱۹۶	قیصی، ۲۸۲	قومنون باسیلقون، ۲۸۹
کافیشه، ۲۱۰	کاجر، ۱۰۳	قیطاقون، ۹۳	قومیا، ۲۳۳
کاکراسینکی، ۲۴۹	کاج (شیراز)، ۱۹۶	قیطس، ۳۱، ۳۵	قومینون، ۲۶۲
کاکره، ۲۰۵	کاجیره (دیلمی)، ۴۲	قیعرن، ۱۴۸	قومینون انتونیقون، ۲۸۹
کاکسر، ۲۳۲	کاجیره (همدان)، ۲۱۰	قیفارس، ۱۷۱	قوئینون، ۴۵
کاکل، ۲۳۲	کاذی، ۲۴۸، ۲۶۰	قیفر، ۹۵	قوئس باطس، ۲۹۴
کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴	کاربا، ۲۶۴	قیفرس، ۱۲۵	قونوس، ۱۹۶
کاک ماجهی، ۲۱۴	کاردوالی، ۹۵	قیفروس، ۱۲۵	قونیزا، ۷۷
کاکنج، ۱۴۷، ۲۱۴	کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷	قیفوس، ۱۳۳	قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷

### حرف «ک»

کثیر العُقد، ۲۱۰	کیکه، ۲۵۰	کاه‌رای، ۲۶۴	کاکنج، ۲۴۹
کثیر المنفعة، ۱۳۶	کپاس، ۲۴۲	کاهل، ۱۰۰	کاکنج المرجمی، ۱۰۷
کثیر الورق، ۱۵۱	کپاس کاپهول، ۲۴۲	کاه‌مکه، ۴۳	کاکنج المروج، ۲۴۹
کثیراء، ۱۸۹	کپور، ۲۴۸	کاهو، ۱۳۳	کاکنج النهری، ۱۳۷
کثیراء، ۲۵۱	کپور، ۲۶۴	کاهوجرنه، ۳۸	کاکنج غالیه (مغرب)، ۲۱۴
کثیرة الاضلاع، ۲۶۹	کت، ۲۳۹	کاهیان، ۲۳۶	کاکنج (قاهره)، ۲۰۶
کج، ۲۹۳	کتانی بزرگ، ۷۸	کای پهل، ۱۴۱	کاکنج منوم (مغرب)، ۲۱۴
کجتیب، ۶۵	کتان، ۱۵۲، ۲۴۳، ۲۷۷	کایده، ۴۹	کاکنه، ۲۴۹
کجور، ۱۶۱	کتان، ۲۵۰	کاؤل، ۸۰	کاکول، ۱۸۸
کجومن، ۲۴۹، ۲۵۲	کتان، ۲۵۰	کأس، ۲۴۷	کاکیان، ۲۳۶
کجی، ۸۷	کتان، ۲۵۸	کب، ۲۵۰	کالاکوت، ۲۴۹
کجری، ۱۴۴	کتان الماء، ۵۵	کیاب چینی، ۲۴۹	کال‌چنگی، ۳۶
کجری تلخ، ۲۳۳	کتانی، ۲۴۵	کبابه، ۲۴۹، ۲۵۰	کالدم ارمانک (فرنگی)، ۲۴۰
کچله، ۴۲	کتنبته، ۲۵۱	کبابه دهن شکافته، ۲۲۲	کالسندروس، ۲۶۴
کچنار، ۲۵۲	کتبنا، ۲۲۲	کبابه دهن گشاد، ۲۲۲	کال (شیراز)، ۱۰۰
کچو (بنگال)، ۲۴۳	کتیکن، ۱۱۴	کبابه، ۲۳۸	کال ماچهی (بنگال)، ۲۱۴
کچور، ۱۶۱	کتیل (بنگال)، ۲۶۴	کبابه (عراق)، ۲۴۹	کالنجی، ۱۹۲
کچوله، ۴۲	کت‌پایره، ۱۸۳	کبابه هندی، ۲۴۹	کالو، ۲۴۴
کچومن (شیراز)، ۲۴۹	کتزیلا، ۴۳	کبابه، ۴۳	کالوسک (سنجری و سجزی)، ۷۳
کحدان، ۲۱۸	کتکی، ۱۳۰	کبابه، ۲۴۹	کالی جهانپ، ۷۶
کحلا، ۳۸، ۳۹، ۲۱۸	کتکم، ۹۳	کبار، ۲۵۰	کالیدونیون، ۲۰۸
کحل السودان، ۹۴	کتکم، ۲۵۱	کباس، ۱۲۴	کالی‌زیری، ۲۴۹
کخلاء، ۲۵۲، ۲۶۹	کتهاجوری، ۲۵۹	کباغریایا، ۷۱	کامن قزبان، ۲۵۷
کحلاء الجیلی، ۲۵۲	کتهل (بنگال)، ۱۰۴	کیاء، ۲۱۶	کانده، ۲۴۱
کحل خولان، ۱۲۰	کتفه، ۲۳۹	کبر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰	کانیطوسک (شیراز)، ۱۸۴
کحل خولان، ۱۲۰	کتیرا، ۲۵۱	کتیر، ۲۵۰	کاو چشم، ۹۰
کحل فارس، ۶۶	کتیله، ۲۵۱	کبرالرومی، ۴۹	کاو جیله، ۲۳۶
کحل فارس، ۶۶	کتین، ۲۵۱	کبرک، ۱۱۸	کاو چشم، ۵۷
کحل فارسی، ۶۶	کتینیة، ۲۵۱	کبست، ۱۲۶	کاورس، ۱۰۰
کحل کرمانی، ۶۶	کتا، ۱۰۲	کتسون، ۲۵۰	کاوزاون، ۲۶۸
کحلوان، ۶۷، ۷۸، ۱۵۳	کتاة، ۱۰۲	کتلاس، ۱۲۴	کاوزبان، ۲۶۸
کحلوان، ۲۱۸	کتاة، ۱۰۲	کتبھی بخفای، ۲۲۶	کاوکشک (شیراز)، ۱۸۴
کحیلا، ۳۹	کتیر الأرجل، ۷۹	کتبه، ۲۵۰	کاول، ۲۵۲
کخیلاء، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲	کتیر الأضلاع، ۲۶۹	کتبت، ۲۶۴	کاو مکه، ۴۳
کددی، ۴۹	کتیر الرکب، ۱۸۹	کتیدانه، ۱۱۱	کاوی، ۴۵، ۲۴۸
کدر، ۲۴۸	کتیر الرکب، ۲۵۲	کتیشاحمر، ۲۵۵	کاوی السپرز، ۴۹
کدرو (شیراز)، ۶۶	کتیر الرؤوس، ۲۵۲، ۹۰	کتیکج، ۲۵۰	
کدو، ۲۳۷	کتیر العقد، ۹۰	کتیکج، ۲۵۰، ۲۵۴	



کرک سیاه، ۴۱	کرفس الجبلی، ۲۵۴	کراسیا، ۲۳۴	کدو (شیرازی)، ۸۲
کُرکم، ۱۲۰، ۱۶۳، ۲۷۶	کرفس الریفی، ۲۵۴	کراعی قصصی، ۱۵۳	کدو مکه، ۲۳۷
کُرکُم، ۲۰۸، ۱۶۳، ۲۵۵	کرفس الشتوی، ۲۵۳	کرائبب، ۲۵۵	کدوی تلخ، ۲۳۷
کرکما، ۱۶۳	کرفس الصخری، ۲۵۳	کراوی سریانی، ۲۵۶	کدوی رومی، ۱۴۲
کُرکُم الصغیر، ۲۰۸	۲۵۴	کریخور، ۵۹	کده پرته، ۱۲۵
کرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱	کرفس العریض، ۲۵۳	کُرئیرَه، ۲۵۷	کدیمه، ۲۳۷
کرکون، ۲۵۵	کرفس العظیم، ۲۵۴، ۲۵۳	کربز، ۲۵۳، ۲۳۳	کذونی، ۱۷۲
کرکی، ۲۵۵	کرفس الماء، ۲۳۵	کرزیه الحمام، ۱۸۳	کذی، ۲۹۷
کرکیش، ۵۷	کرفس المجوسی، ۲۵۴	کرزیه البثر، ۷۶، ۲۰۳	کراث، ۸۰، ۲۶۴
کرکیشه، ۱۵۹	کرفس المر، ۲۵۴	کُرئیرَة البیر، ۱۱۹	کُرَاث، ۲۵۲
کرلفسابه، ۳۱، ۳۵	کرفس المشرقی، ۲۵۳	کرزیه الحمام، ۱۸۳	کُرَاث، ۲۵۲، ۲۵۳
کُرَم، ۲۱۴	کرفس النبطی، ۲۵۳	کرت، ۲۳۷	کُرَاث، ۲۵۲
کُرَم، ۲۵۵	کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰	کرتویس (فرنگی)، ۱۵۵	کُرَاثدبرا، ۲۵۲
کُرَم الأسود، ۲۲۲	کرفس بستانی، ۲۵۴	کیرته (سجزی)، ۱۲۱	کراث الثومی، ۸۰
کرم البری الابیض، ۲۲۲	کرفس جبلی، ۲۵۳	کرجاورنکوت، ۷۶	کراث الجبل، ۲۵۲
کرم البیضاء، ۲۲۲	کرفس جونئی، ۲۵۳	کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲	کراث الجبلی، ۸۰
کرماله، ۱۴۰	کرفس رومی (جرجان)، ۱۱۷	کرچک، ۱۳۳	کراث الجلیقی، ۸۰
کرم بری، ۲۵۵	کرفس صخری، ۲۲۷	کرد، ۱۰۳	کراث الروم، ۸۰، ۱۵۳
کرم بستانی، ۲۵۵	کرفس عظیم، ۲۲۸	کَرْدَمَانَا، ۲۳۵	کراث الریفی، ۸۰
کِرْمَدَانَه، ۲۵۵	کرفس کوهی، ۱۵۱، ۲۲۷	کردموم (فرنگی)، ۲۳۲	کُرَاث الشامی، ۸۰
کرم دشتی، ۲۲۲	۲۶۱	کردیلن، ۲۵۳	کراث الشامی، ۲۵۲
کُرْمَة البیضاء، ۷۸، ۹۰، ۲۱۵	کرفس مائی، ۲۵۴	کرزش، ۱۰۳	کُرَاث الشامی، ۲۵۲
۲۲۲	کرفس ماقدونئی، ۲۲۷	کرساخسن، ۱۷۰	کُرَاث الصخر، ۲۵۲
کرمة البیضاء، ۷۸، ۹۲، ۲۲۲	کرفس مشرقی، ۲۵۳	کرسب، ۲۵۳	کُرَاث الکرم، ۲۵۲
کرمة السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰	کرفس مقدونئی، ۲۵۳	کرسب کوهی، ۲۲۷	کراث الکُرْمی، ۲۵۲
کرمة السوداء (اندلس)، ۹۰	کرفش، ۲۵۳	کُرَشَف، ۲۴۲	کراث المائدة، ۲۵۲
کرمة بیضاء، ۲۲۲	کرفشا، ۲۶۱، ۲۵۳	کرفس، ۲۴۲	کراث اندلسی، ۸۰
کرمة سواد، ۲۲۲	کرفشا، ۲۳۵	کرسنه، ۱۰۴، ۱۵۶	کراث بری، ۴۸، ۲۰۴
کرمة شانکه، ۲۲۶	کرکاس (شیراز)، ۱۴۷	کُرَسَنَه، ۲۵۳	کُرَاث بری، ۲۵۲
کرمی، ۲۳۳	کرکاش، ۵۷	کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱	کراث جبلی، ۲۲۴
کرمینون، ۲۶۲	کرکاش (مصر)، ۵۷، ۷۰	کُرَش، ۲۵۳	کُرَاث رومی، ۲۵۲
کرنا، ۲۸۹	کرک جرواش (تنکابن)، ۹۹	کرشاد، ۱۰۶	کُرَاث شامی، ۲۴۳
کُرَنَب، ۲۵۵	کرکر، ۱۹۶	کرفس، ۱۰۲، ۲۰۲	کُرَاث شامی، ۲۵۲
کُرَنَب، ۲۵۵	کرکر امحری، ۹۳	کُرَفَس، ۲۵۳	کراث شامی (فلسطین)، ۲۵۲
کرنبات، ۵۴	کُر کُرَهَن، ۲۵۵	کرفسادطورا، ۲۵۳	
کرنباد، ۲۵۶	کرکرینا، ۱۲۵	کرفسادمیا، ۲۵۳	کراث ملوکی، ۸۰
کرنب الاندلسی، ۲۵۶	کرکسن، ۱۰۷	کرفس الاجامی، ۲۵۴	کُرَاث نبطی، ۲۵۲
		کرفس البستانی، ۲۵۴	کراث نبطی، ۲۵۲

کرنب البحری، ۲۵۶	کرویای دشتی، ۲۳۵	۲۵۷	کثرثا، ۲۶۱
کرنب البری، ۲۵۶	کرویای (لاتینی)، ۲۵۶	کسبره الحمام، ۲۵۷	کُشَط، ۲۳۹
کُرنَب البری، ۲۵۶	کرویه، ۲۵۶	کست، ۲۳۹	کشمخه، ۱۲۳
کرنب البستانی، ۲۵۶	کرویه (شیرازی)، ۲۵۶	کستنج، ۸۴	کشمش کارولیا، ۱۴۳
کُرنَب البستانی، ۲۵۶	کره، ۵۷	کُشَنج (اهالی سواد)، ۸۴	کشمخ، ۱۲۳
کرنب الدوری، ۸۲، ۲۵۶	کری، ۲۵۶	کست (فرنگی)، ۲۳۹	کُشَمَلخ، ۲۴۳
کرنب السواحلی، ۲۵۶	کریشه (بیت المقدس)، ۲۲۱	کسته (شیرازی)، ۲۱۰	کُشَمَلخ، ۲۵۸
کرنب العظیم، ۲۵۶	کریلا، ۲۵۶	کُستی (بنگال)، ۲۱۴	کشمورین، ۲۵۸
کرنب الکرمانی، ۲۵۶	کریله، ۲۵۶	کسرافی، ۴۹	کُشن، ۲۵۳
کرنب الکلب، ۲۳۱	کریون، ۲۴۶	کسفیون، ۱۴۴	کُشَنج، ۲۵۸
کرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲	کزبر السحری، ۲۵۷	کسما، ۶۶	کشنی، ۲۳۶، ۲۵۳، ۲۹۷
کرنب النبطی، ۲۵۶	کزبر الصخری، ۲۵۷	کسم کاپهول، ۴۲	کُشنی (شام)، ۲۵۳
کرنب آندلسی، ۲۵۶	کزبرنا، ۲۵۶	کُسموقا، ۲۵۷	کشوث، ۱۲۳، ۲۵۰
کرنب بحری، ۲۵۶	کُزْبَرَه، ۲۵۶	کسمویا، ۲۵۷	کُشوث، ۲۵۸
کُرنَب بری، ۱۳۷	کُزْبَرَة البیر، ۱۸۷، ۲۵۷	کسناج، ۲۹۷	کشوثا، ۵۵، ۲۵۸
کرنب شامی، ۲۵۶	کُزْبَرَة البیر (دمشق)، ۱۰۴	کُشَنب، ۲۱۰	کشوث الجبلی، ۲۵۸
کرنب نبطی، ۲۵۶	کُزْبَرَة الثُعلب، ۱۷۹	کستیون، ۲۵۸	کُشوث الرومی، ۵۶
کُرنَج، ۴۴	کُزْبَرَة الثُعلب، ۲۵۷	کسنگ، ۲۵۳	کُشوث الرومی، ۲۵۸
کرنج، ۵۹	کُزْبَرَة الحبشه، ۹۷	کسنگ (شیرازی)، ۲۵۳	کشوث المجوسی، ۲۵۸
کرنج (تورانی)، ۴۴	کز، ۲۶۳	کُشنی، ۲۹۷	کشوث رومی، ۵۶
کرنجونه، ۲۴۳	کزج، ۳۷	کسنین، ۱۱۹	کشوث زنجی، ۵۶
کرنونش (فاس)، ۲۲۳	کزطلخون، ۲۰۵	کس وبران (شیرازی)، ۲۵۰	کشوث فارسی، ۲۵۸
کرنیبا، ۱۰۶	کزمارک، ۴۰	کُشول، ۲۵۷	کشوث (مصر، مغرب،
کرواله، ۱۴۰	کزمازج، ۵۷	کسونجی، ۲۵۷	آفریقا)، ۱۶۷
کروان، ۸۲	کزمازج، ۲۰۲	کُسُونْدی، ۲۵۷	کشوثی (عراق)، ۱۶۷
کروش الغنم، ۵۵	کزمازق، ۴۰، ۵۷	کس وبران (شیرازی)، ۲۵۰	کشور، ۱۰۳
کروفس، ۱۲۷	کزمازک، ۵۷	کُسیرو، ۲۵۷	کشوش، ۱۰۰
کروکسینه، ۲۳۶	کزمازک، ۲۰۲، ۹۳	کُسفیون، ۱۴۶، ۱۸۱، ۲۵۷	کشول، ۴۳
کروندا، ۲۵۶	کُزَم (سجری و سمرقند)، ۱۸۵	کُسَیْلا (نبطی)، ۲۵۷	کُشَیْعاء (سجری جدید)،
کُزُونْدَه، ۲۵۶	کُزَنه دشتی، ۴۳	کُسیلی (نبطی)، ۲۵۷	۲۸۴
کُزُویا، ۲۵۶	کُزوان، ۲۵۷	کُسَیْنا، ۲۵۸	کستیون، ۲۵۸
کُزُویا، ۲۵۶	کُزمین (بنگال)، ۱۴۴	کسیثیون، ۱۳۳	کطباس (لاتین)، ۱۸۹
کُزُویا الجبلیة (اندلس)، ۲۳۵	کسب، ۱۲۶	کشبه، ۴۱	کُطَف (صحرائشیان)، ۱۷۰
کُزُویا بستانیه، ۲۵۶	کسبت، ۱۲۶	کُشت، ۲۳۹	کُغر، ۲۵۹
کرویا جبلیه، ۲۳۲	کسبرتتا، ۲۵۷	کُشت بَز کُشت، ۲۵۷	کُف ادم، ۲۵۸
کُزُویا رومی، ۲۳۵	کسبرتا، ۲۵۷	کُشت بر کُشت، ۲۵۷	کُف الأسد، ۲۵۸
کرویانه، ۲۵۵	کسبره الثعلب (اندلس)، ۲۵۵	کُشَنج، ۲۵۸	کُف الجَدَماء، ۴۱
		کشج، ۱۶۲	کُف الجدماء، ۲۵۸

۲۶۰	کل کنول، ۲۶۰	کَنُورول، ۲۵۹	کف الدابه، ۱۱۷
کمداریوس التُّعْمی، ۲۰۴	کلم، ۲۵۵، ۲۵۶	کَنُورونده، ۲۵۹	کف الذئب، ۲۵۸
کمداریون، ۱۱۳، ۲۶۰	کلمرچ، ۲۲۷	ککرونده، ۲۶۱	کف السبع، ۸۸، ۱۵۲، ۲۵۰
کمداریوس، ۸۶، ۲۵۹	کلم رومی، ۲۴۵	ککروهن، ۲۴۱	۲۷۳، ۲۵۸
کَمادَریوس، ۲۶۰	کلم کرد، ۲۴۵	ککری، ۲۳۳	کَف الضَّبِیع، ۹۳، ۲۵۰، ۲۵۹
کَماشیر، ۲۶۰	کلموج، ۱۵۳	ککن دهل، ۲۲۶	کَف الضَّبِیع، ۲۵۹
کمافیطوس، ۲۰۷	کلموج (اندلس)، ۱۵۳	کلاجن، ۱۳۹	کَف الضَّبِیع (مغرب)، ۲۵۰
کَمافیطوس، ۲۶۱	کل مهندي، ۲۵۹	کلاغ پا (پهلوی)، ۱۵۵	کف العایشه، ۵۳
کمالایا، ۲۷۵	کلُن، ۲۶۰	کلاکون، ۹۲	کَف العذری، ۹۳
کمالیون، ۵۱، ۱۲۸، ۲۲۴، ۲۶۱	کلنبار، ۲۵۰	کل انگور (مکران و قردار)، ۸۱	کف العظابه، ۹۳
کماه، ۲۲۷، ۲۳۰	کلنج، ۶۶، ۲۶۰	کلب، ۲۴۳	کَف العُقاب، ۲۰۵
کماه (شیراز)، ۲۳۸	کلنجه، ۷۰	کلبانی، ۵۱	کف العقاب، ۲۳۲
کماه کوهی (شیرازی)، ۱۷۱	کلنک، ۲۵۵	کلبک، ۲۵۵	کَف القُرد، ۲۵۹
کماة، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰	کلنکار، ۲۵۰	کُلْت، ۲۵۹	کف الکلب، ۷۵، ۲۵۹
کَماة، ۲۶۰	کَلَنکَر، ۲۱۴	کلته، ۱۱۲	کَف الکلب (مغرب)، ۲۵۰
کماة حمراء، ۲۶۰	کلنکرد، ۲۶۰	کلتهه، ۱۱۲	کَف المَریم، ۲۵۹
کماة، ۳۸	کَلَنکک (بستی)، ۸۳	کُلْتیهی، ۱۱۲	کَف المَریم (اندلس)، ۲۵۹
کماة، ۲۲۱	کلنکور (سند)، ۱۱۱	کلتیا، ۲۴۶	کف النسر، ۱۱۷
کَماة، ۲۵۸	کلوخ، ۲۷۴	کلخ، ۵۱، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴، ۲۷۸	کف النسر (مصر)، ۴۹
کَماة، ۲۸۳	کلوقورون، ۱۸۰	کَلخ، ۲۷۸	کَف الِهَر، ۲۵۴
کَماة، ۲۸۳	کلول (آذربایجان)، ۱۰۴	کَلخ، ۲۷۸	کَف الِهَر، ۲۵۹
کمبنوس (انگلیسی)، ۲۶۲	کلونجی، ۱۹۲	کَلخ، ۲۷۸	کف الِهَر، ۲۷۳
کمثری، ۶۲	کَلوی، ۲۶۰	کَلخ، ۲۵۹	کف أجذم، ۲۵۸
کَمَثری، ۱۴۳	کله، ۶۶	کَلخ الدَلَبی، ۲۵۹	کفر اليهود، ۱۲۴
کَمَثری، ۲۶۱	کَلهار، ۲۶۰	کلخ الصغیر، ۳۰۰	کفرجک، ۲۹۳
کَمَثری البَسنانی، ۵۷	کلهازی، ۱۲۸	کَلخ الکبیر، ۲۵۹	کفرک (شیرازی)، ۱۰۲
کمثری بری، ۲۶۱	کَلیان کاته (بنگال)، ۲۶۰	کَلخ الکبیر (اندلس)، ۲۴۵	کَفَری، ۹۵
کمثری جبلی، ۲۶۱	کلیجن، ۱۳۹	کلخ دلبی، ۱۴۶	کَفَری، ۹۵
کمثری چیني، ۲۶۱	کلی قیسوس، ۲۹۸	کلخ (مصر)، ۵۱	کفسون، ۲۵۰
کمثری حامض، ۲۶۱	کلیکان، ۲۶۰	کلخ (مغرب)، ۲۴۴	کَف عائشة، ۱۰۲، ۱۸۶، ۲۵۹
کمثری (شیرازی)، ۲۶۱	کلیک (تنکابن)، ۱۴۶	کلخی، ۱۴۶، ۱۵۸	
کَمَزَهَرَه، ۲۶۱	کلیل الملک، ۵۹	کَل داودی، ۲۵۹	کفلیون، ۱۰۳
کَمَثَرک، ۲۶۱	کلیل ملکا، ۵۹	کلدونیا، ۲۷۶	کف مریم، ۵۳، ۱۸۶
کمکام، ۱۹۸	کلیلوطین، ۲۹۷	کَلز، ۲۵۹	کَف مریم (اندلس)، ۸۹
کم کام، ۱۹۸	کَم، ۲۳۳	کلغه، ۱۲۲	کف مریم حجازی، ۲۵۹
کَمَثکوت (فرنگی)، ۲۶۲	کمابیونیون، ۱۰۵	کَلکان، ۲۵۲	کفوف، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰، ۱۲۶، ۲۷۱، ۲۷۳
کمالون، ۲۴۸، ۲۷۵	کَمات، ۱۲۱	کلکله، ۱۹۵	
	کمداریوس، ۶۰، ۸۶، ۱۶۰	کل کنده (شیرازی)، ۲۶۰	کفیشون، ۷۲

کوتهمیر، ۲۵۷	کنکر، ۱۱۴، ۲۶۳	کناوس، ۲۶۲	کمونان، ۱۰۳
کوخر (شیراز)، ۱۱۷	کنکر، ۱۱۴	کنب، ۲۴۵	کمون، ۲۶۲
کور، ۲۸۳، ۲۶۴	کنکر البری، ۲۷۰	کنب، ۲۶۲	کمون، ۲۶۲
کورار، ۲۲۴	کنکر الکبیر، ۱۱۴	کنبث، ۲۶۲	کمون، ۲۶۲
کورتیه (مازندران)، ۱۰۲	کنکران (ری)، ۲۴۵	کنبشک (سجزی)، ۱۱۱، ۸۱	کمونادبر، ۲۶۲
کور سور (کرمان)، ۷۶	کنکر بری، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۹۹	کنبهن، ۸۱	کمون الابيض، ۲۰۴، ۲۶۲
کوروش، ۱۳۹	کنکرززی (سجزی)، ۲۱۴	کتور (شیرازی)، ۱۳۳	کمون الارمنى، ۲۵۶
کورک (شیراز)، ۲۵۰	کنکرزد، ۱۱۴	کتو (شیراز)، ۱۳۳	کمون الارمینی، ۲۵۶
کورو، ۱۳۲	کنکرزد، ۱۱۴	کنجد، ۱۷۶	کمون الأسود، ۱۹۲
کوری، ۲۹۳	کنکریس، ۱۱۴	کنجده، ۶۶	کمون الأسود، ۲۶۲
کوری زوله، ۲۱۰	کنکنی، ۱۰۰، ۱۴۳	کنجده (اصفهان)، ۶۶	کمون البری، ۲۶۲
کوزا، ۲۸۳	کنکون، ۱۶۳	کنجده (اصفهان)، ۶۶	کمون البری، ۲۶۲
کوزبویا، ۱۰۷	کنکوی، ۲۶۳	کنجر، ۱۱۴	کمون الجبل (بربرها)، ۹۳
کوزد (شیراز)، ۶۶	کنکهی، ۲۸۱	کنجروس، ۱۰۰	کمون الحنسی، ۲۶۲
کوز کلاغ، ۱۰۹	کنکهیبه، ۲۶۳	کنخون، ۱۰۰	کمون الحلو، ۶۷
کوز کندم، ۱۰۷	کنگر، ۱۱۴	کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰	کمون الحلو، ۶۷
کوز مائل، ۱۰۹	کنگر آبی، ۲۳۵	کندبتر، ۱۶۶	کمون الحلو، ۲۶۲
کوزی بویا، ۱۰۷	کنگرخر، ۱۸۹	کندبیل، ۴۳	کمون الرطالی، ۲۸۹
کوزی دبسم، ۱۰۷	کنگرزد، ۱۱۴	کندر، ۲۱۶، ۲۷۴	کمون الرومی، ۲۶۲
کوزی دهفاختا، ۱۰۸	کنگر سفید، ۷۱	کندر، ۲۶۳	کمون الکرمانی، ۲۶۲، ۲۸۹
کوسک (بستی)، ۷۳	کنگری، ۱۱۴	کندر دریایی، ۲۶۳	کمون الملوکی، ۲۶۲، ۲۴۸
کوشبیل (تنکابن و دیلم)، ۲۶۴	کنوجه، ۲۸۰	کندری، ۲۶۳	کموناهندو، ۲۶۲
کوشاد، ۱۰۶	کنه، ۲۴۱	کندریات، ۲۷۴	کمون أرمنی، ۲۵۶
کوشت (شیراز)، ۱۲۶	کنهان، ۲۶۳	کندریث، ۲۷۴	کمون بری، ۲۶۲
کوشکروا، ۱۱۸	کنهبله، ۲۶۳	کندس، ۱۷۱	کمون حبشی، ۲۶۲
کوشنه، ۲۳۹	کنیب، ۲۱۳	کندس، ۲۶۳	کمون حبشی، ۲۸۹
کوشیر، ۱۰۰	کنیب (یمنی)، ۲۶۳	کندش، ۲۱۶	کمون رومی، ۲۵۶
کوکب الارض، ۲۰۴، ۲۲۶	کنیبث (یمنی)، ۲۶۳	کندش، ۲۶۳	کمون صخری، ۲۶۲
کوکب الأرض، ۲۶۴	کنیر، ۱۴۵	کندشه، ۲۶۳	کمون ملوکی، ۲۸۹
کوکبه، ۱۵۹	کوار، ۱۹۵	کندل، ۱۷۳	کمون هندی، ۲۶۲
کوکبیه (شام)، ۱۰۵	کوار (دیلم)، ۲۵۲	کندلاء، ۲۶۳	کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰
کوکبیه، ۶۰	کواکب، ۴۶	کندمار، ۲۴۷	کنیش، ۲۶۲
کوکرس اندیکریس	کوالهریها، ۱۷۶	کندنا، ۲۴۷	کم، ۲۶۰
(فرنگی)، ۲۸۷	کوامس، ۷۳	کنده بهروزه، ۷۲	کنار، ۱۶۸
کوکروا، ۱۱۸	کوبرا، ۲۲۷	کندهیس، ۴۳	کنار (سجزی)، ۲۸۹
کوکول، ۲۸۳	کویل، ۲۳۰	کندیتر، ۱۹۹	کناروس، ۱۱۴
کوکنی، ۷۹	کوپرکیسو (لاتین)، ۲۵۲	کنزک، ۱۱۸	کنارهوشه، ۵۳
	کوتاکبنا، ۲۶۲	کنطینوس، ۱۰۴	کناریون، ۱۱۲

گردهیار، ۱۰۳	کیلادونیا، ۲۷۶	کهکب، ۷۲	کوکو ابرس (فرنگی)، ۲۳۴
گرز دشتی، ۱۸۸	کیلجک (دیلم)، ۸۸	کهکم، ۷۲	کوکولوتلا، ۲۳۲
گرگ مرگ، ۱۲۸	کیلدارو، ۱۶۹	کهنابا، ۲۲۳	کوکپرو، ۱۱۸
گرگیری، ۱۰۲	کیل دارو، ۱۶۹	کهنی، ۲۶۰	کولان، ۴۹
گریال، ۱۰۳	کیل سرخ (شیرازی)، ۱۶۳	کهنکالی، ۷۹	کولر، ۱۰۵
گز، ۴۰، ۲۰۲	کیل (شیرازی)، ۱۶۲	کهنکچی، ۲۱۷	کولرپر، ۱۲۱
گزانگدان خوش، ۵۰	کیلکان، ۲۶۴	کهوپره، ۲۸۷	کولم، ۲۲۷
گزانگدان خوش، ۱۲۱	کیله، ۲۸۵	کهورات، ۲۶۴	کوله‌پر (مازندران)، ۶۵
گزر، ۱۰۳	کیموس، ۱۰۰	کهه (شیراز)، ۲۳۸	کومرثل، ۲۶۴
گزنه، ۶۵	کین، ۱۴۵	کهپانا، ۲۲۳	کوم (ماوراءالنهر)، ۹۹
گز، ۵۱	کینار، ۱۴۰	کهپرک، ۷۲	کومون اغریون، ۲۶۲
گشت برگشت، ۲۵۷	کینتی‌بنگال، ۲۶۴	کهپکوار، ۱۹۵	کومینون، ۲۶۲
گشن، ۲۵۳	کینکیت (فاس)، ۸۸	کهپونی، ۱۱۲	کوندل، ۷۵
گشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷	کیوار، ۲۴۸	کیا، ۲۸۲	کونده (بنگال)، ۲۳۷
گشنیز کوهی، ۲۷۷	کهپر، ۲۴۸	کیبارس، ۱۷۱	کونزده (اصفهان)، ۶۶
گل آفتاب پرست، ۳۴	کپه (سندی)، ۲۸۲	کینکی، ۲۴۸	کونک، ۲۸۵
گل‌ابی (شیراز)، ۲۶۱	کهپون، ۱۲۶	کینخوس، ۱۰۰	کونکلوس (فرنگی)، ۲۷۳
گل اربه (شیراز)، ۱۰۳	کیهه، ۲۱۳	کیدونی، ۲۶۱	کونله، ۲۶۴
گل انار صد برگ، ۱۰۴	کپه، ۲۸۲	کیده (اصفهان)، ۳۴۸	کونهان، ۲۶۳
گل انول، ۱۸۲		کیرانس، ۷۳	کووارات، ۱۳۲
گل پر، ۲۴۸	<b>حرف «گ»</b>	کیرجک (دیلم)، ۸۵	کوهان، ۲۶۳
گل حلوا، ۷۹		کیر کازرونی (شیرازی)،	کوهج، ۱۶۲
گل خنق، ۴۲	گاوچشم، ۲۱۷، ۹۰	۱۳۲	کوهن (بنگال)، ۲۹۲
گل خوش نظر، ۲۷۷	گاو چشم، ۲۸۰	کیرکاکول، ۱۸۸	کوهیان، ۲۵۲
گل خیری، ۱۴۰	گاو دانه، ۲۵۳	کیسر، ۱۶۳	کویت، ۲۶۴
گل رای بیل، ۱۵۲	گاودر، ۲۹۸	کیسرگونه، ۱۰۳	کویج (اصفهان)، ۱۶۲
گل رعنا زیا، ۲۹۴	گاورس، ۱۰۰	کیسومر، ۱۰۳	کهپانا، ۲۲۳
گل روسیجه، ۲۹۴	گاوزبان، ۲۶۸	کیطروناکوس، ۲۳۴	کهپنا، ۲۲۳
گل سرخ، ۲۹۴	گاوزوان، ۲۶۸	کیکج، ۱۸۶	کهپرا، ۲۳۴
گل سرخ صحرائی، ۱۴۶	گاوشیر، ۱۰۰	کیکر، ۱۰۲، ۲۳۷	کهپور، ۹۴، ۸۷
گل سنگ، ۱۱۷	گاوشنگ، ۱۵۶	کیکرا، ۲۰۵	کهنزنا، ۲۶۴
گل سنگ، ۲۰۰	گامطوسک (شیرازی)،	کیکرکارس، ۲۳۷	کهپربا، ۱۲۷
گل عاشقان (خراسان)،	۱۸۷	کیکروبیول، ۶۲	کهپربا، ۱۲۷
۱۶۲	گدلفسی، ۳۵، ۳۱	کیکنز، ۱۰۲	کهپریج، ۲۵۳
گل عنبرین، ۲۹۰	گرپه دشتی، ۴۳	کیک‌واشه، ۲۶۴	کهپریا، ۲۵۳
گل قبحه، ۲۹۴	گردکان، ۱۰۶	کیک ولرش (طبرستان)،	کهپرنی، ۲۶۴
گل قبحه (شیراز)، ۲۹۴	گردو هندی (شیرازی)،	۱۱۸	کهپزک (شیراز)، ۱۰۲
گل کافشه، ۴۲	۲۸۷	کیل، ۱۶۲	که (شیرازی)، ۲۱۳

لباب الشجر، ۲۶۶	لالا، ۲۶۵	گوش فیل، ۲۷۳	گل کاوشه (اصفهان)، ۲۱۰
لباب الصغیر، ۱۸۵	لال ساک، ۲۱۰	گون، ۲۵۱، ۲۳۳	گل کلم، ۲۵۵
لباب الغنم، ۲۶۶	لاله، ۱۸۸	گیاکو، ۱۷۸	گل کیدی، ۲۴۸
لباب الکبیر، ۲۴۰	لاله سرنگون، ۲۶۶	گیاه آبگینه، ۱۱۹	گل کیوره، ۲۴۸
لباب المجوس، ۱۱۳	لاله نغمانی، ۲۶۶	گیاه عقرب (مصر)، ۱۹۴	گل گندم، ۱۰۷
لباب المجوسی، ۲۶۷	لامی، ۲۶۶	گیاهی آبگینه، ۱۱۹	گل گندم (شیرازی)، ۱۰۷
لباب بی ثمر، ۲۳۹	لانطوفودیون، ۲۶۶	گیلاس، ۲۳۴	گلگون (اصفهان)، ۹۶
لبلیس فرسن، ۲۴۳	لاورس (فرنگی)، ۲۱۸	گیل دارو، ۱۶۹	گل مشکین، ۲۹۰
لبسن الحماره، ۱۵۹، ۲۵۰، ۲۶۷	لاورشیر، ۱۰۰	گیله نار، ۲۳۴	گلنار، ۱۰۴
	لاونطویاطلن، ۲۵۸		گلنار، ۲۳۴
لبن السودان، ۵۵	لاچی، ۲۳۲		گلنار دشتی، ۱۰۴
لبنی، ۵۳، ۲۶۷	لایحل مول (سندی)، ۱۷۹		گل نرمه (سجزی)، ۱۳۳
لبنی، ۲۸۶	لباب، ۲۶۶	لانی، ۶۶	گلوسطقا، ۱۹۶
لبنی رومان، ۵۳	لباب القرطم، ۲۶۶	لاباثون، ۱۲۲	گل هاشم (شیراز)، ۲۹۹
لبنی رهبان، ۵۳	لبازده (لاتینی اندلس)، ۷۷	لابس، ۲۵۲	گلیسریده (فرنگی)، ۱۸۰
لبوکا، ۲۷۵	لباشتر، ۲۶۶	لاتوریدس، ۱۰۴	گلیم شوی، ۳۴، ۳۵، ۷۴
لبیانوا، ۲۶۳	لباصه (اندلس)، ۱۲۲	لاتوس، ۱۳۶	گل یوسف، ۷۹
لبتکو، ۲۶۷	لب النخل، ۹۵	لاجوردیه، ۱۹۴	گنجشک ازوان، ۲۶۹
لثوهر مرطیس، ۲۲۲	لباله، ۱۰۳	لاحاس، ۵۵	گندم، ۱۲۶، ۲۰۰
لبجالو، ۲۶۷	لباله، ۲۸۱	لاحی، ۷۰	گندم دیوانه، ۱۹۴
لحاح (مصر)، ۵۰	لبان، ۲۶۳	لاخشنه، ۱۸۹	گندم صحرايي، ۲۳۵
لحام الذهب، ۵۱	لبان، ۲۶۶	لادن، ۱۹۸، ۲۶۵، ۲۷۳	گندم مکه، ۲۱۳
لحاء الغول، ۱۸۷	لبان، ۲۷۴	لادنه، ۲۶۵	گندم مکه (تنکابین)، ۱۳۹
لحاء الغول، ۲۶۷	لبانه مغربیه (مصر و شام)، ۲۲۴	لاذن، ۲۶۵	گندنا، ۲۵۲
لحکا، ۲۶۹	لبخ، ۳۵، ۷۶، ۲۶۶	لاذن العنبری، ۲۶۵	گندنا کوهی، ۲۲۴
لحوز (شیرازی)، ۲۸۶	لبخه، ۷۶	لاذینون، ۲۶۵	گندناي دشتی، ۲۵۲
لحیانی، ۲۶۷	لبرال، ۲۶۶	لاذیون، ۲۶۵	گندناي کوهی، ۲۲۴
لحنس الاکلیه، ۲۶۸	لبسان، ۹۶، ۱۸۹	لاعرین، ۲۶۵	گنده انگزد، ۱۷۳
لحیه الارنب، ۱۰۳	لبسان، ۱۳۱، ۲۶۶	لاعون، ۲۶۵	گوزغست، ۲۴۵
لحیه التیس، ۹۹	لباب، ۶۰، ۱۲۱، ۱۴۳	لاعیه، ۲۲۴	گور گندک، ۱۰۷
لحیه التیس، ۱۵۱، ۱۸۸، ۲۹۹، ۲۶۷، ۲۰۱	لباب، ۱۸۵، ۲۴۰، ۲۷۱	لاعیه، ۱۲۱	گور گیاه، ۴۳
لحیه التیس، ۲۶۷	لباب، ۲۶۶	لاغوبن، ۲۶۵	گور گیاه، ۴۳
لحیه الجمل، ۲۵۷	لباب اعنم، ۲۶۶	لاغوین، ۲۶۵	گوز گندم، ۱۰۷
لحیه الحمار، ۷۶	لباب الأحرش، ۶۰	لاغوبن، ۲۶۵	گوزن تل (جرجان)، ۴۳
لحیه العنز، ۱۵۱	لباب الأحرش، ۲۶۷	لاغوبن، ۲۶۵	گوزن گیاه، ۲۶۴
لحیه القلیه، ۱۰۳	لباب الجعد، ۲۶۶	لاقیشت، ۳۷	گوزن گیاه (مازندران و دامغان)، ۲۶۴
لحیه امسون، ۵۵	لباب الحقیقی، ۲۶۶	لاقوره، ۱۴۰	گوزنیک، ۲۶۴
		لاک ساک، ۱۴۳	

## حرف «ل»

لُنْج، ۷۵	لسان الطیر، ۸۴	لُجْبَة، ۲۷۰	لِنْتَوْدِنُوئی، ۲۵۲
لُخْتِیْرَوَالِه (لاتینی)، ۲۱۹	لسان العصافیر، ۱۹۹	لَعْبَة البَریرِیَة، ۲۱۲	لُوَادُون، ۱۹۳
لُخْتِیْرِه، ۱۵۵	لسان العصافیر، ۲۶۹	لَعْبَة البَریرِیَة (عراق)، ۱۷۹	لُوَايَة المَغْرِبِیَة (مصر)، ۲۲۴
لُخْنِیس، ۱۳۲، ۱۴۰	لسان العصفور، ۶۶، ۸۸	لُجْبَة بَرَزِیْرِی، ۲۷۰	لُوَايَة (مصر)، ۵۵
لُخْنِیس، ۲۶۸	۲۶۹	لَعْبَة مَطْلَقَة، ۲۷۰	لُوِیَا، ۱۳۴، ۲۷۱
لُخْنِیس اَغْرِیَا، ۲۶۸	لسان الفَرَس، ۶۷	لَعْل مَعْبَرِی، ۲۴۷	لُوِیَا الایض، ۲۷۱
لُخْنِیس الَاکِلِیَة، ۲۶۸	لسان الفرس، ۲۵۲	لُغْس، ۴۱	لُوِیَانِیَة (اشیل)، ۴۶
لُخْنِیس الَاکِلِیَة، ۱۴۰	لسان الفرس، ۲۸۰	لُفَاح، ۲۷۰	لُوِیَا ی سَفِید، ۵۴
لُخْنِیس الَاکِلِیَة، ۲۶۸	لسان الکلْب، ۲۶۹	لُفَاح، ۳۰۰	لُوِیَا ی هِنْدِی، ۱۴۷
لُخْنِیس اَغْرِیَا، ۲۶۸	لسباراغوس، ۲۹۷	لُفَاح الجَن، ۲۷۰	لُوخْنِیس اَغْرِیَا، ۶۶
لُخْنِیس بَسْتَانِی، ۲۶۸	لِسْتَوِیْرِی، ۲۵۰	لُفَاح الهِنْدِی، ۲۷۰	لُورْقِی، ۲۹۰
لُخُوخ المَاء (اندلس)، ۲۷۲	لِسَعَة (تونس و آفریقا)، ۶۸	لُفَاح بَرِی، ۲۸۳، ۳۰۰	لُورُونِیَا، ۲۷۴
لُخْنِیس، ۱۶۸، ۳۰۱	لِسُوالسومر، ۲۴۳	لُفَاح (شام)، ۱۴۵، ۱۹۰	لُورِه (لاتینی)، ۱۴۹
لُدَان (فرنگی)، ۲۶۵	لِسُودِه، ۱۶۷	لُفْت، ۱۸۹	لُوز، ۲۷۱
لُدِیْقَة، ۶۷	لِسُورسَطس، ۱۳۶	لُفْت الَاخْمَر المُدَوَّر، ۱۸۹	لُوز البَرِیر، ۱۰۵، ۲۷۱، ۲۷۲
لُدَار، ۲۶۶	لِسِیْعِه، ۶۸	لُفْت البَلْدِی (فاس)، ۱۸۹	لُوز الحَلُو، ۲۷۱
لُرکِیْماس، ۱۶۳	لِشَانامرَا، ۲۶۹	لُفْت الجَن، ۲۷۳	لُوز المَر، ۲۷۱
لُرَاق الذهب، ۵۱	لِشَان ثُورَا، ۲۶۸	لُفْت المَحْفُور، ۱۸۹	لُوز المَر (انطالیا)، ۲۷۲
لُرَاق الذهب، ۵۱	لِشَان صَفْرَا، ۲۶۹	لُفْت بَرِی، ۱۰۲، ۲۰۴، ۲۶۶	لُوز بَرِی، ۲۷۲
لُرَاق الذهب، ۲۹۵	لِصْف، ۲۵۰	لُفْت مَدُور، ۱۸۹	لُوز حَلُو، ۲۷۱
لُرَاق الرِخَام، ۸۶	لِصْف (اندلس)، ۱۱۴	لُفْش، ۲۷۰	لُوز دَمْرِیْرَا، ۲۷۱
لُرُومُوش، ۱۹۵	لِصْف (اندلس)، ۱۱۴	لُفِیدِیُون، ۱۹۳	لُوز مَر، ۲۷۱
لُسان، ۲۵۲	لِصَق، ۳۳	لُفْم القَاضِی، ۱۰۸	لُوسَطِیُون، ۱۵۸
لِسان الایْلِی، ۲۶۸	لِصَق، ۲۵۲	لُکْ، ۱۷۸	لُوسُوس، ۲۸۶
لِسان الَايْلِی، ۶۰	لِضَق، ۲۷۰	لُکْ، ۲۷۰	لُوسِیْمَاخِیاس، ۱۶۸
لِسان الَايْلِی، ۶۰	لِصِیْف، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۷۰	لُکْ، ۲۷۰	لُوسِیْمَاخِیُوس، ۲۷۲
لِسان الَايْلِی، ۲۶۸	لِصِیْفِی، ۳۳، ۲۷۰	لُکَاع، ۲۷۱	لُوسِیْمَاخِیُوس، ۲۷۲
لِسان الثُور، ۱۳۸، ۲۵۲	لِصِیْقَاء، ۳۳، ۲۵۲	لُکَاعَة، ۲۷۱	لُوطس، ۲۹۱
۲۸۰، ۲۶۹	لِصِیْقِی، ۲۷۰	لُکُونَا (تَنکَابِن)، ۲۶۶	لُوطس اَغْرِیُوس، ۲۹۱
لِسان الثُور، ۲۶۸	لِطْرَنِه، ۲۵۱	لُکُونس (لاتین)، ۲۶۵	لُوطس طُومَاغَا، ۲۹۱
لِسان الجَمَل، ۲۶۹	لِطُوس، ۲۸۶	لُمَا، ۲۱۴	لُوطس، ۸۰، ۱۲۵، ۲۷۲
لِسان الحَمَل، ۱۱۹، ۱۳۱	لِطِین، ۹۶	لُم لَم (برنیق)، ۲۷۱	لُوطس اَغْرِیُوس، ۱۲۵
۲۰۵، ۲۶۹، ۲۷۰	لِطِیْیْ اُرُزِیْمِیْسَة (اندلس)، ۴۷	لُنْجِرُویْلَة، ۲۷۱	لُوطس اَغْرِیُوس، ۱۲۶
لِسان الحَمَل، ۲۶۹	لُغَاب القِتیْلِ، ۵۵	لُنْجِیْطُس، ۲۷۱	۱۵۰
لِسان الحَمَل الکَبِیر، ۳۳	لُعَاس، ۲۴۳	لُنْخِیْطُس، ۱۲۰، ۲۷۱	لُوطس سِکْرَار (لاتین)، ۱۲۵
لِسان الحَمَل صَغِیر، ۲۶۹	لُعَبْت بَرِیرِی، ۱۷۹، ۲۷۰	لُنْخِیْطُس آخِر، ۱۵۷	لُوعْجِیْدِیْطُوس، ۲۷۳
لِسان الحَمَل کَبِیر، ۲۶۹	لُعْبِه، ۲۷۰	لُنْخِیْطُس آخِر، ۲۷۱	لُوعْس، ۴۱
لِسان السَّبْع، ۲۶۹			

لوغیوس، ۴۱	لوقیفتی، ۷۱	لیژوئن، ۱۸۱	ماذریوس، ۲۶۰
لوف، ۱۳۰، ۲۳۰، ۲۷۳	لوقیمو بذاس، ۱۵۵	لیطفورس، ۳۵	ماراقونا، ۱۵۷
لوف، ۲۴۶، ۲۷۴	لوقیموس، ۵۸	لیغة، ۲۷۴	مارثون، ۱۵۲، ۷۸
لوفاعسقیاء، ۲۳۰	لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱	لیف، ۲۷۴	مارثون، ۱۵۳
لوف الارقط، ۲۷۳	لوقیون، ۱۲۰	لیف البحر، ۲۷۴، ۵۹	مارثون آغریون، ۱۵۳
لوف البَطّ، ۲۷۳	لوقیان، ۱۴۰	لیفستیقون ساسالی، ۲۴۸	مارجوبه، ۲۹۷
لوف الجعد، ۲۷۳، ۲۳۰	لوکا، ۷۱	لیفطیغون، ۲۴۸	مارجوبه، ۲۹۷، ۹۲
لوف الجعد، ۲۷۳	لوکرون، ۱۴۰	لیفیه، ۲۷۴	ماردارو، ۲۲۲
لوف الجعد اسخن، ۲۷۳	لوماین، ۲۰۵	لیقْسْطیقون، ۲۴۸	مار درخت (کرمان)، ۹۶
لوف الحیه، ۲۳۰	لونک، ۲۳۸، ۸۳	لیقیة، ۲۷۴	مارسیسقاء، ۳۹
لوف الحیة، ۲۳۱	لونکهل، ۲۳۸	لیلنج، ۲۹۲	مارش، ۱۰۳
لوف الحیه، ۲۷۳	لُونگ، ۲۳۸	لیم، ۴۰	مارکیا، ۲۹۷
لوف الحیة، ۱۸۶	لونیا، ۸۳	لیمو، ۱۰۴، ۲۷۴	ماز کئیوا، ۲۷۵
لوف الحیة، ۲۷۳	لونیة، ۸۳	لیمودار، ۲۹۵	مازکیوا، ۲۸۸
لوف السْبَط، ۲۷۳	لویسطقون، ۲۴۸	لیمون، ۴۰، ۲۴۲، ۲۷۴	مارگیاه، ۲۷۵
لوف السبط (اندلس)، ۲۷۳	لهسن، ۹۸	لیمونین، ۲۷۴	مارمورد، ۳۶
لوف الصغیر، ۲۷۳	لهولوقوغزاتیس، ۲۷۴	لیمونیه ماله (فرنگی)، ۴۰	مارن، ۱۱۳
لوف العقد، ۲۳۰	لیان، ۱۹۸	لیناری (رومانی)، ۲۵۱	مارنه، ۹۹
لوف الکبیر، ۳۴، ۱۰۶، ۱۸۶	لیانون، ۲۶۳	لیئس بزمون، ۲۵۱	مارون، ۲۷۵، ۲۷۹
لوفای فاخر، ۲۴۶	لیاء، ۲۷۱	لیئس فرمون، ۲۵۱	ماژون، ۲۷۹
لوفای کبیر، ۲۴۶	لیباطیش، ۵۹	لیئش، ۲۷۷	ماریقون، ۱۹۱
لوفطیون، ۲۶۰	لیبانس، ۲۶۶، ۲۷۴	لینوزسطس، ۱۳۶	ماریون، ۲۸۰
لوفقطوش، ۱۳۹	لیبانو، ۲۷۴	لینوزسطیس، ۱۲۱	مازر، ۱۵۹
لوف کبیر، ۲۷۳	لیبانوطس، ۲۷۴	لینوسنطو، ۸۵	مازر (نبطی)، ۲۷۵
لوفو سفردین، ۹۸	لیبانوفیلس، ۲۶۶	لینوفر، ۲۹۲	مازرو (مغرب)، ۱۴۹
لوفینیقی، ۷۱	لییدیون، ۱۹۳	لینوفر هندی، ۶۸	مازریون، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۵۵
لوفیون، ۱۲۰، ۲۶۱	لیینوطس، ۱۸۶		۱۲۸، ۱۴۹، ۲۵۵، ۲۶۱
لوقا، ۱۲۷	لییدیون، ۱۹۳		۲۷۵، ۲۷۷، ۲۹۸، ۳۰۰
لوقابا، ۱۴۰	لییدیون، ۱۱۵		مازریون سفید، ۲۷۵
لوقاس، ۱۴۰	لیئشفرْمَن، ۲۴۳	مانده، ۲۵۴	مازریون سیاه، ۴۶، ۱۲۸
لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸، ۲۷۴	لیتوقس، ۱۳۳	مانلة، ۲۰۴	مازن شیر (بخاری)، ۲۱۱
لوقاس الجلیله، ۱۳۳	لیتوقه کنیانه، ۱۳۳	مااستواچجکی، ۲۵۰	مازو، ۱۵۴، ۲۱۱
لوقاقائنا، ۲۷۴	لیثانوس، ۲۷۴	مابرونه، ۱۶۴	مازوی ریزه دانه کوهی، ۱۷۵
لوقاقانسی، ۷۱	لیثورسطس، ۱۲۱	ماثرون، ۱۵۲	
لوقاین، ۱۴۰، ۲۷۴	لیخونن، ۱۹۴	مادروپتیم (لاتین)، ۲۲۴	ماسفرم، ۲۷۵
لوقبسوس، ۳۷	لیذون، ۲۶۵	ماده، ۹۹	ماسقدون، ۲۷۵
لوقبسون، ۳۸	لیرون، ۲۷۴، ۵۰	مادیون، ۲۸۷	ماسقود، ۲۷۵
لوقیدس، ۱۵۵	لیرون (مغرب)، ۸۷	ماذر درخت (کرمان)، ۹۶	ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵

### حرف «م»



مدارا، ۲۰۹	متن هنک فار، ۱۲۱	مامون، ۱۱۰	ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱
مَذْبَقَةٌ، ۵۴	مَثَلَتْ، ۲۰۱	مامهستان، ۱۶۶	ماش دارو (شیرازی)، ۲۶۱
مَذْرَهَمُ الزَّرْقِ، ۵۹	مَثَلَتْ، ۲۴۷	مامیثا، ۶۷	ماش هندی، ۲۵۹
مدرَة البه (فرنگی)، ۲۶۶	مثلت حجم، ۱۶۳	مامیثا (نبطی)، ۲۷۶	ماش هندی (عراق)، ۱۱۲
مدقوش، ۲۷۹	مَثان، ۲۷۵، ۲۵۵، ۹۷، ۵۳	مامیثای سرخ، ۴۴	ماشیا، ۴۴
مدلوك، ۲۵۹، ۸۸	مَثان، ۲۷۷	مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۰۸	ماطرُ شَالِبَه (لاتینی)، ۷۵
مدلوكه، ۲۷۳	مَثان آخر، ۲۷۷	۲۷۶، ۲۱۶	ماطر شَلِبَه، ۱۶۰
مدهوق، ۱۸۰	مثنی، ۲۹۰	مامیر (قبطی)، ۲۷۱	ماطوفیون، ۲۴۶
مدیکه (فاس)، ۴۹	مَجْ، ۱۳۷	مانته، ۱۱۳	ماغره، ۸۰
مَذْهَب، ۶۱	مَج، ۲۷۵	مَائته (لاتینی)، ۱۸۲	ماغره الاسود، ۱۵۰
مَذْهَب الكَلْب، ۶۰	مجاج، ۲۷۵	مانداروی تلخ (شیراز)،	ماقر، ۱۴۲، ۱۹۹
مُر، ۲۷۷	مجتری، ۵۶	۲۶۰	ماقوق، ۲۴۲
مرا، ۲۷۸	مجتهه، ۲۳۰	ماوش اوطا، ۳۴	مالابثرون، ۱۶۷
مراتیا، ۲۹۹	مُجْرَع، ۱۴۰	ماه فرقین (مغرب)، ۱۰۱	مالابثرون، ۱۶۶
مرادکبار، ۲۷۷	مُجْنَح، ۲۷۷	ماه فروین (مغرب)، ۱۰۱	مالاثرون، ۱۶۶
مُرار، ۲۹۸، ۵۹	مُجْنَن، ۲۴۹	ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴	مالایترون، ۱۶۶
مُرار، ۲۷۸	مجنون، ۱۲۵	ماهویدانه، ۲۷۶	مَالِبَه، ۱۲۹
مُرار الصحراء، ۱۲۶	مجنون (شام)، ۱۰۵	ماهو بذاته، ۲۷۶	مَالِبَه اوراطه، ۱۲۹
مرار الصخر، ۱۲۶	مجاجم (اندلس)، ۲۷۷	ماهودانه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶	مَالِبَه بَسْکَه، ۱۲۹
مرارت فیلا، ۱۲۰	محروث، ۵۰، ۶۵، ۱۲۱	۳۰۰	مَالِبَه مِلُوخه، ۱۲۹
مرارة الفیل، ۲۳۱	محروث، ۶۵، ۵۰	ماهودانه (مغرب و اندلس)،	مالثرون، ۱۵۲
مراس، ۹۷	مَحْسَنَه، ۱۸۷	۱۱۳	مالسوفلن، ۷۱
مراطولس، ۲۴۹	مُخْفِرَة (اندلس)، ۵۱	ماهومورد، ۳۶	مَالْکَنْکِنِی، ۲۷۶
مزافروط، ۲۷۸	مَحْلَب، ۴۳	ماهویدانه، ۲۷۶	مالیا، ۱۴۴، ۲۷۸
مران، ۱۶۰، ۱۷۱	محلَب، ۱۱۲	ماهوی دانه، ۲۷۶	مالیا، ۱۶۰، ۱۶۳
مُران، ۱۶۳، ۲۷۸	مَحْلَب، ۲۱۶	ماهیزهرج، ۲۷۷	مالیا، ۲۷۶
مُران، ۲۰۰	محلولة، ۶۲	ماهی زهرج (شام و عراق)،	مالییدیون، ۱۳۰
مرانیه، ۲۹۹	محموده، ۱۷۳	۹۰	مالیسوقلن، ۷۱
مراوح العجن، ۲۹۲	مخاطه، ۱۴۲، ۱۶۷	ماهی زهره، ۲۷۷	مالیسوقلن، ۲۸۰
مریح، ۲۸۰	مُخْبِر (فاس)، ۴۹	میدکه ماله (فرنگی)، ۴۰	مالیطا (لاتینی)، ۲۸۰
میرثش، ۳۶	مخرج الريح، ۱۷۳	مت، ۱۷۱	مالیطانا، ۷۱
مُرته (لاتینی)، ۳۶	مخلب العقارب الأبيض، ۴۷	متر، ۲۵۳	مالیلوطس، ۵۹
مرتینی، ۹۶	مخلصه، ۱۱۱	مترسات، ۱۲۹	مالیلوطوس، ۵۹
مرتیه، ۳۶	مُخْلَصَه، ۲۷۷	متر کابلی، ۱۳۷	مالیشیون، ۱۹۲
مُرثان (لاتینی)، ۳۶	مُخْلَصَه، ۱۰۷	مترک کازرونی (شیرازی)،	مالیون، ۵۱
مرج، ۲۲۷	مخنخ (بلخ)، ۸۴	۱۱۷	ماما، ۲۷۵
مرجان، ۷۹	مَخِيطا، ۴۳	متک، ۳۹	ماماقولا، ۱۰۶
مرجان مروارید خرد، ۷۹	مخیطا، ۱۶۷	متکه، ۳۹	مامور، ۱۱۰

مریج (سغدیه)، ۲۲۷	مرسیفا، ۷۶	مروبری، ۲۸۰	مریق، ۵۷
مرجومک، ۲۰۷	مرسینا آغریا، ۳۶	مرو تلخ، ۲۸۰	مُریق، ۱۷۰
مرچ، ۲۲۷	مَرَسِیْنِسْ اَیْمَارُوسْ، ۳۶	مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰	مُرَیْق، ۲۱۰
مرچائی، ۱۱۳	مرسینس ایماروس، ۳۱	مرو جبلی، ۲۷۹	مَرِیْمَدَهون، ۱۷۸
مَرَنُخ، ۲۷۸، ۲۵۹، ۱۷۴	۳۶	مرو خوش، ۲۷۹	مریوت (فاس)، ۲۲۴
مرخ، ۲۱۱	مرسینوس، ۳۶	مرو دشتی، ۲۹۸	مَرُیْه، ۲۸۰
مرخوش (شیرازی)، ۲۸۰	مرسینی، ۳۱، ۳۵	مرو دقیق، ۱۶۳	مَرُیْه الاسود، ۲۸۰
مَرَنُخه، ۲۰۲	مرطنه، ۹۹	مرو رشک (شیرازی)، ۲۸۰	مَرِیْه ابیض، ۲۸۰
مرداراغاجی، ۲۱۵	مَرَطْنَه، ۱۴۸	مرو ر (فاس)، ۲۲۴	مَرِیْه الابیض، ۲۸۰
مرداودوش، ۱۱۳	مرطولست، ۲۷۹	مروریه، ۲۸۰	مری، ۱۸۰
مَرْدِاَیَانِج، ۳۶	مرغ زفانک، ۲۶۹	مروریه، ۲۸۰	مزابله، ۲۱۴
مرددوش، ۱۱۳	مرفوران، ۲۰۹	مروزشک، ۲۸۰	مزج، ۲۷۱
مرددوش، ۲۷۹	مرقد، ۱۰۹	مروس، ۲۵۲	مزقل الصقار، ۴۹
مرددوش البری، ۱۹۵	مرقید، ۲۷۹	مروسرز (شیرازی)، ۷۲	مزمار الراعی، ۳۳، ۶۴
مَرْدَدُوش (اندلس)، ۲۷۹	مرقیره، ۱۸۷	مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰	۲۸۱، ۲۱۰
مردقوش، ۲۷۹	مرماحور، ۹۱	مروسیا، ۴۴	مزوبه، ۲۳۷
مَرْدَقُوش، ۲۷۹	مَرْمَاحُور، ۲۷۹	مروسیون، ۲۳۲	مزوده، ۲۰۷
مردوش، ۳۴	مرماحوز، ۲۷۹	مروش، ۳۴	مژو (اصفهان)، ۱۸۰
مَرْدُكْی، ۲۷۸	مرماخور، ۲۷۵	مروش آقطی، ۳۴	مسافق، ۲۸۱
میرز، ۱۵۰	مرمار، ۱۵۸	مروشه (اندلس)، ۲۰۷	مَسْتار (زابلی)، ۵۶
میرز، ۲۴۷	مَرْمَازاد، ۲۷۹	مرولیه، ۱۳۳	مست رو (شیرازی)، ۲۷۵
میرزجوش، ۳۴	مرماطوس، ۲۸۰	مروه، ۵۶	مُسْت (زابلی)، ۱۷۱
مَرْمَزْجُون (لاتینی)، ۲۱۰	مرماهان، ۲۸۰	مرو همیشه بهار، ۲۷۹	مستساققل، ۱۴۸
میرزنجوش، ۳۴، ۶۶، ۱۱۳	مرماهوز، ۲۷۹	مروی مشتھی، ۲۸۰	مستعجل، ۸۹
۲۸۸، ۱۶۰	مرماهوس، ۲۸۰	مَرُویْه بُنْتُوْشَه (لاتینی)، ۸۷	مستعجله، ۸۹
میرزنجوش، ۱۵۹	مرماهویه، ۲۸۰	۲۲۴، ۱۷۹	مُسْتَعْجَلَه، ۲۰۷، ۲۸۱
مَرْمَزْجُوش، ۲۷۹	میرملاط، ۲۷۹	مَرُویْه یلبوسه (لاتینی)، ۸۷	مسد، ۹۳
میرزنگوش، ۳۴، ۲۷۹	مرمیخا (سغدی)، ۲۷۹	مَرُویْه الابیض، ۲۲۴	مَسَد، ۱۵۷
میره، ۱۸۷، ۱۹۵	مَرْمَناغَر، ۱۰۲	حمره الطوفان، ۲۰۲	مس غات، ۲۸۱
مَرْمَزِیر (مصر)، ۲۷۸	مرناغر، ۲۸۰	میریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰	مسقط الأجنه، ۶۸
میرس، ۲۷۹	مرو، ۵۲، ۹۱، ۱۲۷، ۱۴۲	مَرِیَافْلَنْ، ۱۱۷	مسقینون، ۴۱
میرسالیمارس، ۳۵، ۳۱	۲۸۰، ۲۷۴، ۲۶۸، ۱۶۳	میریافلن، ۱۵۱	مسک الارض، ۱۰۳، ۲۸۱
مَرَسَطْسْ نَبطی، ۲۷۹	مَرُو، ۲۸۰	میریافلون، ۲۸۰	مِسْک البَجْن، ۱۰۳، ۱۹۰
میرسلون، ۱۴۱	مروازاد، ۲۷۹	میریافلون آخر، ۲۸۰	مسک الجن (اندلس)، ۲۸۱
میرسلیطس، ۳۰۰	مرو اسود، ۲۸۰	میریت، ۸۰	مسک الرمان، ۲۸۸
میرسین، ۳۵، ۳۱	مرو الاسود، ۲۸۰	میریخ، ۲۸۰	مسک القرود، ۵۲
میرسیا اغریا، ۳۶	مرو العراض، ۲۲۱	مَرْمَزِراء، ۱۶۴، ۱۹۴	مُسْکَنَه، ۲۸۰
میرسیسا اغریا، ۳۶	مروانا، ۲۷۹	مَرْمِزِش، ۱۴۰	مسک جُده، ۲۸۱

مسک طرامسیع، ۲۲۹	مشک داش (تنکابن)، ۱۹۰	مصفی الرعاة (مغرب)، ۸۶	مقاتل الراعی، ۶۰
مِسْکِیة، ۱۲۵	مِشْکِرَامِشِیْع (نبطی)، ۲۸۱	مض، ۱۵۸	مقاتل الرعاة، ۶۰
مِسْکِیة، ۱۵۵	مشک زمین، ۱۷۱	مض، ۲۸۳	مقاتل المرعی، ۱۵۱
مَسْمَقَار، ۱۶۱	مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱	مُضِیء البساتین، ۷۹	مفْرَح، ۲۶۸
مسمقاره، ۱۶۰	مشکطرامشیر (نبطی)، ۲۸۱	مُطَبَّقَة، ۵۴	مُفْرِح، ۲۶۸
مسمقران، ۱۶۰	مشکطرامشیع، ۱۱۳، ۲۲۹، ۲۹۹	مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶	مفْرَح القلب، ۷۱
مَسْمَقْران، ۱۶۱	مشکطرامشیع زور، ۲۸۱	مُطْر، ۱۵۰	مُفْرَح قلب المحزون، ۷۱
مسمقوره (عجمی اندلس)، ۱۶۰	مشکطرامشیع کاذب، ۲۸۱	مُطْر (اندلس)، ۴۹	۱۱۳، ۲۸۳
مسمقوره، ۱۶۰	مشکک، ۱۷۱	مطر دیه (عجمیت اندلس)، ۲۴۲	مُفْصِحَة، ۴۸
مَسْنَالَه (لاتینی)، ۶۴	مشکک (شیراز)، ۱۹۴	مطرقال، ۹۸، ۲۶۶، ۲۸۲	مُفْلَق، ۱۳۹
مسواک الراعی، ۱۹۳، ۲۸۱	مشکین جه (اصفهان)، ۲۹۰	مُطْرَقال (اندلس)، ۹۸	مقارجه، ۱۴۸
مسواک العباس، ۲۸۱، ۲۹۱	مشماش (مغرب)، ۲۸۲	مطرقال (اندلس)، ۱۸۹	مقارجه (اندلس)، ۹۰
مسواک القرود، ۵۲	مشوش، ۲۸۲	مطرقان، ۹۸	مُقَارِجَة (لاتینی - اندلس)، ۷۰
مسواک القياد، ۲۳۳	شمش، ۲۸۲، ۳۰۰	مطرونیه، ۱۰۶	مقامح ابلیس، ۲۵۲
مسواک المسیح، ۲۳۳، ۲۹۲	شمش (مغرب و اندلس)، ۷۶	مَطْرُونِیَه (لاتینی)، ۲۳۱	مقد، ۵۷
مَسور، ۲۰۷	مشنگ گاوی، ۲۵۳	مظ، ۱۰۴	مقدونس، ۲۰۲، ۲۵۳
مسی، ۳۶	مشو (شیراز)، ۸۹	مَظ، ۱۰۴، ۱۷۴، ۲۸۳	مقدونیس، ۲۵۳
مسیخا، ۱۸۱	مشی، ۲۹۰	مظلل الحمام، ۱۵۶	مقر، ۱۲۰
مشا، ۲۸۱	مشیشتر و (فاس)، ۲۲۹	معد، ۷۲	مقر، ۱۹۵
مَشِیْبِلَیْن، ۱۶۲	مُصاَص، ۹۷	مُعَطَّس، ۱۷۲، ۲۱۶	مقرجاله، ۵۸
مشتان، ۲۸۱	مُصاَصه، ۱۱۴	مُعْتَرَب، ۵۹	مقشلان، ۸۰
مشتجی، ۲۸۲	مصاصة، ۱۳۴	مَعْقلاوس، ۲۷۲	مُثْقَل، ۲۵۶
مشت (شیراز)، ۲۷۵	مُصَاَصَة (اندلس)، ۲۶۹	معین، ۲۷۵	مُثَل، ۵۲، ۲۳۸، ۲۸۳
مَشْتَلِیْس، ۲۸۲	مصاصة (فاس)، ۲۶۹	مغاث، ۱۵۸	مقلا، ۲۸۳
مشتهی، ۱۶۲، ۶۳	مُض العسل، ۲۸۰	مُغاث، ۲۸۳	مقل ازرق، ۲۸۳
مشحادیرسا، ۱۸۰	مصباح الروم، ۲۶۴	مغافیر، ۲۸۳	مقل الیهود، ۲۶۴، ۲۸۳
مشحونا، ۱۷۹	مصطخای، ۲۸۲	مغد، ۷۲، ۲۷۰	مقلقل (مغرب)، ۹۵
مشرقی، ۲۵۳	مصطنخی، ۲۸۲	مَعْد، ۲۸۳	مقل مکی، ۲۸۳، ۲۸۴
مشط الذنب، ۲۳۳	مُصْطَکَاء، ۲۸۲	مغدود، ۲۸۳	مقلوب، ۱۱۳
مشط الراعی، ۱۴۸، ۱۴۹	مصطکی، ۲۰۱	مغربی، ۱۳۲	مقلونیا، ۲۸۵
مشط الراعی (مغرب)، ۱۴۹	مُصْطَکِی، ۲۸۲	مُعْزِرَة، ۲۸۳	مقلیاثا، ۱۱۵، ۲۸۴
مشط الغول، ۲۸۱	مُصْطَکِی، ۲۸۲	مِغْفار، ۲۸۳	مقلیانان، ۱۱۵
مَشْطُ الغُول، ۲۸۱	مصطنجی، ۲۸۲	مُغْفَر، ۲۸۳	مُثْلِیْثا، ۱۱۵
مُشْطِیَه (لاتینی)، ۲۴۳	مُصْع، ۶۳	مِغْفَر، ۲۸۳	مقل یهودی، ۲۸۳
مشک، ۱۸۰	مُصْع، ۲۸۲	مغفور الرمث، ۱۵۸	مقیفرون، ۲۶۰
مشک الجبن، ۱۹۰	مصغ، ۲۱۷	مغیلان، ۶۲	مقیل، ۳۷
مشک چویان (فارس)، ۱۹۰			

مَنبَهْل (سند)، ۱۰۸	مَلِك (سجزی قدیم)، ۲۸۴	مَكْتَرُ اللَّبْنِ، ۹۰
مَنبِت، ۲۳۰	مَلِكِ طَلْحَه، ۲۹۷	مَكْتَرُ اللَّبْنِ، ۱۰۴، ۲۷۱
مَتَجَوْشَه، ۱۷۸	مَلَمَنْدَر، ۸۸	مَكْرَنَه، ۹۹
مَتَجَوْشَه، ۱۷۸	مَلَمَنْدَر، ۸۸	مَكْنَسَه الْاَنْدَر، ۲۷۷
مَتْنِ الرَّانِحَه، ۲۱۹	مَلُوح، ۲۴۲	مَكْنَسَه قَرْشِيَه، ۲۷۷
مُتْنَه (مصر)، ۲۱۹	مَلُوحِ (شام)، ۲۸۴	مَكُوجُو (زنج)، ۹۵
مَتُولَه مِيورَه، ۲۷۵	مَلُوحِ، ۲۴۲	مَكُوى وَمَكُوى، ۲۱۴
مَتَى، ۱۱۳	مَلُوحِ، ۲۴۲	مَكْهَارَه، ۲۸۴
مَتُور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵	مَلُوحِ، ۲۸۴	مَكِيدَش (فاس)، ۵۹
مَتُور (مصر)، ۱۴۰	مَلُوحِ الْبَطْرِيقِ، ۲۸۴	مَكِينَسَه (لاتینیو)، ۲۴۶
مَتَى، ۲۹۰	مَلُوحِی، ۱۲۹، ۲۸۴	مَلَاچِ، ۶۶
مَتَجِ، ۲۸۵	مَلُوحِیَا، ۸۴، ۱۲۹، ۲۸۴	مَلَاچَه اقْوَانَتَه، ۱۴۳
مَتَجِ (بلخ)، ۸۴	مَلُوحِیَا الشَّجَرِ، ۱۳۶	مَلَاچَه بَطْرَه، ۱۴۳
مَتَجِ زَرَاوْشَانِ، ۲۸۵	مَلُوحِیَانِ بَسْتَانِی، ۱۲۹	مَلَاچِ، ۶۶، ۱۲۳، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۸۴
مَنْدِ، ۱۶۱	مَلُوحِیَه، ۱۲۹	مَلَاچِ، ۲۴۳
مَنْدَاغُورِسِ، ۳۰۰	مَلُوحِیَه (بلخ)، ۲۸۴	مَلَاحِی، ۹۶
مَنْدُبُونَه، ۲۸۰	مَلُوحِیَه بَرِی، ۱۳۶	مَلَاظُطُونِ، ۱۲۶
مَنْدَرَاغُوسِ، ۲۷۰	مَلُوحِغَه، ۱۲۹	مَلْبَالَه (نغری)، ۱۳۰
مَنْدَغُورَه، ۳۰۰	مَلُوكِیَه، ۱۲۹	مَلْبَنْدِ شَدْرِكِ، ۸۲
مَنْدَه، ۱۱۳	مَلُوكِیَه بَرِی، ۱۲۹	مَلْبُونَه، ۲۸۶
مَنْ رَاىِ مِثْلِی، ۲۵۲	مَلُوكِیَه، ۲۸۴	مَلْجِ، ۲۸۳
مَنْرَه وَشَكِ، ۱۸۰	مَلُوكِیَه الْبَحْرِ، ۱۲۹	مَلْجَالَه، ۹۸
مَنْسَانَه، ۹۴	مَلُوكِیَه الْبَرِيَه، ۱۲۹	مَلْجِی، ۱۴۸
مَنْسَانِیَا، ۹۴	مَلُولِ، ۱۴۰، ۲۷۹	مَلْجِی الْاَبِيضِ، ۹۶
مَنْسَمِ، ۲۷۱	مَلُولِ، ۸۱	مَلْجِی الْاَسْوَدِ، ۹۶
مَنْسِیَه، ۲۹۸	مَلُونِیَا، ۸۱، ۲۸۵	مَلْجِ، ۲۴۲
مَنْسِیَه، ۲۸۵	مَلُونِیَه، ۲۸۵	مَلْحَتْفَنِ، ۱۷۹
مَنْشَحِیَا، ۸۹	مَلَهْتِی حِیْتَهْی مَدِ، ۱۸۰	مَلْخُجِ (زابل)، ۱۸۰
مَنْشَخَا، ۸۹	مَلِیجِ، ۲۳۲	مَلْسِ (یمن)، ۲۰۷
مَنْشِیْمِ، ۲۸۵	مَلِیجِ، ۲۴۲	مَلْطَاهِ، ۱۴۸
مَنْظَرِ، ۳۱، ۳۵	مَلِیْسُونِ، ۲۴۶	مَلْطَاهِ، ۲۸۱
مَنْظِلْمِذَايُونِ، ۳۶	مَلِیونَا، ۸۱	مَلْطِیرِغُونِ، ۲۶۹
مَنْفَتَلَه، ۱۲۹	مَمَسْکِ الْاَرْوَاحِ، ۴۷	مَلْفُونِ، ۸۱
مَنْفُوحَه، ۱۷۳	مَمَسْکِ الْاَرْوَاحِ، ۴۷	مَلْکِ، ۱۳۷
مَنْفُوحَه، ۲۴۸	مَمْنُونِ الْبَقْرِ، ۴۱	مَلْکِ، ۱۶۲
مَنْقَسِمِ لِحْمَسَه اَقْسَامِ، ۸۹	مَمْنُونِ، ۲۸۰	مَلْکَا، ۵۹
مَنْقُوسِیونِ، ۱۹۱	مَنْ، ۴۴	مَلْکِ (خراسان)، ۱۰۴
مَنْوَمِ، ۲۴۹	مَنْجِ (شام)، ۲۷۶	
مَنْبِرَه، ۲۸۵		
مَنْبِکُو (سواحل زنج)، ۳۳		
مَنْوُ، ۹۳		
مُو، ۲۸۷، ۲۸۵		
مُوَاغْرُنِ، ۲۸۵		
مُوتِیَه، ۱۵۴		
مُوجَه (اصفهان)، ۲۴۵		
مُوزِیَانِ، ۲۴۹		
مُوزَاهِ، ۹۵		
مُورَانِ، ۲۸۷		
مُورَانَه، ۲۸۷		
مُورِجُونِ، ۱۵۷		
مُورِدِ، ۳۱، ۳۶		
مُورِدَا سَبْرِمِ، ۳۶		
مُورِدَا سَبْرِمِ، ۱۵۹		
مُورِدَا سَفْرِمِ، ۳۶		
مُورِسَقِی، ۲۰۲		
مُورِقَا (اندلس)، ۲۸۵		
مُورِیْقَا، ۲۰۲		
مُورِیْقِی، ۲۰۲		
مُورِیونِ، ۳۰۰		
مُوزِ، ۲۰۳		
مُوزِ، ۲۸۵		
مُوزِقِ، ۲۸۰		
مُوزِ (سجزی)، ۱۸۰		
مُوسِ اِوْطَا، ۳۴		
مُؤَسَلِی، ۲۸۶		
مُوسُولِیونِ، ۱۴۱		
مُوسِیرِ، ۴۸، ۹۸		
مُوشَانِ بِيَازِ، ۴۹		
مُوشَكِ (اصفهان)، ۲۵۰		
مُوفَه، ۱۷۱		
مُوقُوطِسِ، ۲۲۶		
مُوقُولُونِ، ۳۰۰		
مُوقِیْطُسِ، ۲۲۶		
مُوكِرَه، ۱۵۴		
مُوكُوطِیسِ، ۲۲۶		
مُولِ سَرِی، ۲۸۶		

نارجیل بحری، ۲۸۷	میلتی (سند)، ۱۸۰	میدیقی، ۲۹۱	مولسری (بنگال)، ۹۰
نارجیل دریانی، ۲۸۷	میلقص طراخیا، ۲۲۶	میدیکی، ۱۵۶	مولی، ۲۸۶، ۲۲۳، ۱۱۶، ۴۸
نارجین، ۱۳۲	میلقص لیا، ۲۸۷	میرادون، ۲۸۰	مولی اخر، ۸۵
ناردس، ۱۷۷	میلکندی (خراسانی)، ۱۶۳	میردارون، ۲۸۰	مولیقنلس، ۹۸
ناردس اقلیطیقی، ۱۷۸	میل (مازندران)، ۹۷	میرک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷	مون، ۲۸۵
ناردوایتالیون (لاتین)، ۱۷۷	میمو، ۱۷۸	میروقوقین، ۱۹۲	مونج، ۲۸۶
ناردوس بری، ۲۲۸	میمون، ۲۲۲	میزیقیآ، ۳۹	مونذی، ۲۸۶
ناردین، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۷	میمون (مغرب)، ۲۲۲	میس، ۱۲۷	مونس الوحش، ۱۴۱
ناردین اقلیطی، ۱۷۷، ۱۷۸	میمونته، ۱۵۸	میس، ۲۷۲	مونس الهموم، ۲۴۵
۲۸۸	مین، ۲۸۷	میسن، ۲۸۶	مونک، ۲۷۵
ناردین آغریا، ۲۸۸	مین بل، ۱۰۸	می سب، ۹۴	مویزج، ۱۱۱
ناردین اقلیطی، ۲۸۸	مین پهل، ۱۰۸	میشبهار، ۳۷، ۲۸۰	مویزج عسلی (شیراز)، ۱۴۳
ناردین اوری، ۱۷۷	مینزارما، ۲۹۰	میشکجان، ۳۷	مویزک (شیرازی)، ۲۸۷
ناردین اوری، ۲۸۸	میواقتوس، ۲۸۷	میشنای، ۲۸۶	مویزک عسلی، ۱۴۳
ناردین بری، ۴۶	میودیون، ۲۸۷	میشناء (سیستان)، ۳۷	موؤس، ۲۸۶
ناردین بری، ۴۶	میورسینه، ۲۰۲	میشو، ۴۱	مهار، ۱۷۶
ناردین جبلی، ۲۸۸	میوره، ۱۱۳	میشهار، ۵۷	مهاکال، ۱۲۶
ناردین دبرآ، ۴۶	میوس، ۱۰۳	میشی، ۲۱۱	مَهت، ۴۴
ناردین صینی، ۲۸۸	میوش اوطا، ۸۳	میعه، ۵۳، ۲۸۶	مَهتد، ۲۸۶
ناردین ناروس (فرنگی)، ۱۷۸	میون، ۲۸۷	میعهتر، ۲۸۶	مهد (شام)، ۲۰۷
ناردین نهری، ۲۸۸	میوه درخت سرو، ۱۷۰	میعه خشک، ۲۸۶	مهرگیاه، ۳۰۰
نارطیطس، ۵۹	میوه کاکنج، ۲۰۶	میعه سایله، ۲۶۷	مهرمان، ۵۷
نارغف (سندی)، ۲۸۸	میویزج، ۲۸۷	میعه یابسه، ۵۳	مهک (شیراز)، ۱۸۰
نارغیث (سندی)، ۲۸۸	مؤش اوطیش، ۱۱۹	میعه یابسه، ۲۸۶	مهلت، ۱۸۰
نارغیست (سندی)، ۲۸۸		میعه، ۱۸۶	مهلتی (سند)، ۱۸۰
نار فارس، ۲۸۸		میعه السائله، ۲۸۶	مهندی، ۱۲۵
نار قیصر، ۲۸۸	نابطه، ۲۷۵	میعه سائله، ۲۸۶	مهلیون، ۲۴۹
نارک، ۲۸۹	نابطه (اندلس)، ۱۹۸	میغالا فالون، ۲۴۹	میئون، ۲۸۵
نارکیو، ۲۸۸	نابلس، ۲۹۵	میغن افردوس، ۱۰۰	میامیر، ۱۵۶
نارکیوا، ۲۷۵	نابپارش، ۱۸۹	میغن، ۱۳۴	میربان، ۳۶
نارکیتوا، ۲۸۸	ناجو، ۱۹۶	میغن زواس، ۱۳۴، ۲۸۵	میبه، ۲۸۶
نارماسیس، ۲۸۸	نآدس سنغاریطیقی، ۱۷۷	میغن افروس، ۱۳۵	میتهی، ۱۲۱
نار مشک، ۱۵۸	ناذبود، ۱۵۹	میکلس، ۲۸۷	میثوبا، ۷۰
نارمشک، ۲۸۸	نار، ۱۰۴، ۱۵۷	میلا، ۹۴	میخک، ۲۳۸
نارنج، ۴۰	نارتکس، ۲۴۵	میلاؤس، ۹۴	میدیغی، ۱۵۳
نارنج، ۲۸۹	نارتکس، ۲۵۹	میلانثیون، ۱۹۲	میدیقامیلا، ۴۰
نارود (لاتین)، ۱۷۷	نارجیل، ۱۰۹، ۲۸۷	میلانثیون، ۷۰	میدیقی، ۱۵۶

### حرف «ن»

نارونه خرما (شیراز)، ۹۵	نبات سحری، ۲۰۴	۲۹۰	نُصار، ۲۰۲
ناریل، ۲۸۷	نبات نورا، ۲۵۵	نرجس ابیض، ۸۰	نصار، ۲۹۰
نارین بری، ۲۲۸	نَبال (اندلس)، ۱۲۸	نرجس الاصفر، ۷۶	نطفثا، ۱۳۶
نازیبو، ۱۸۳	نَبَسیروله، ۱۵۳	نرجس مسکین، ۲۹۰	نعاقلیس، ۲۱۱
ناز، ۱۹۶	نَبَع، ۲۸۹	نرجس مَقوَدَس، ۸۰	نعناع، ۲۹۰
ناشپاتی، ۲۶۱	نَبغ، ۲۸۹	نرجسینوس (لاتینی)، ۸۰	نَعنع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵
ناطس، ۲۱۳	نَبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹	نردین، ۱۶۶	۲۲۹
ناطف، ۲۸۹	نَبقیرس، ۸۰	نرسک، ۲۰۷	نَعنع، ۲۹۰
ناعمة (اندلس)، ۲۶۸ ۶۰	نَبینا، ۲۶۲	نرسیس، ۸۰	نعیج الحبشه، ۱۰۷
ناغبشت، ۲۸۸	نَبهی مائی، ۲۰۲	نرکسوس، ۸۰	نغرون، ۱۲۶
ناغیست (سندی)، ۲۸۸	نَجاله، ۲۹۰	نرکسوس، ۸۰	نغریل، ۹۶
ناغیشت، ۲۸۹	نَجَب، ۱۷۴	نرگس، ۲۹۰ ۶۷	نغزک (تورانی)، ۶۳
ناغیطارس طوماغا، ۶۵	نَجَد، ۵۹	نرنج (فاس)، ۴۰	نغن خوالان، ۲۸۹
ناغیونس، ۲۵۳	نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹	نرنسبی، ۶۴	نفاخ، ۱۰۸
نافع، ۷۸، ۱۵۲	نجمه، ۹۹، ۲۱۲	نرُوک، ۲۹۰	نفل، ۱۵۷
نافوخ، ۱۴۶	نجیر، ۹۹	نزار، ۳۸	نفل، ۲۵۳
نافوس، ۱۰۳	نَجیر (لاتینی)، ۹۹	نرُک (سجزی)، ۲۶۶	نفل، ۲۹۱
ناکرون، ۲۹۷	نجیل، ۹۹، ۲۰۰	نسترن گل، ۲۹۰	نقخارس، ۱۶۵
ناکسیر، ۲۸۹	نَجیل (لاتینی)، ۹۹	نسج، ۲۶۳	نقد، ۲۱۰
ناکفف، ۲۸۸	نحلیة، ۱۵۵	نسرین، ۲۹۰	نقرار، ۹۶
ناککسیر، ۲۸۹	نحوفس، ۴۳	نسرین زرد بری، ۲۹۴	نقل خواجه، ۱۱۱
ناکمترو، ۲۸۸	نحیلک (مازندران)، ۱۲۹	نسرین زرد بستانی، ۲۹۴	نقیب (قدس)، ۲۴۲
ناکیس، ۲۸۸	نخل، ۹۴	نسرین (مغرب)، ۲۹۴	نکاچونی، ۲۹۱
ناکیسر، ۲۸۸	نخل المقل، ۱۰۹	نسطوس، ۲۴۰	نکدبابوی، ۱۵۹
نالیر، ۲۸۷	نخود، ۱۲۴	نسلیون، ۷۸	نکریز (شیرازی)، ۲۳۶
نامی، ۱۵۹	نخود الوندی (اصفهان)، ۱۶۱	نسمة، ۲۸۰	نل، ۲۴۰
نانخواه، ۲۸۹	نخود دشتی، ۱۲۴	نشاط افزا، ۲۴۵	نلک، ۱۶۲، ۲۹۱
نانخواه، ۲۶۲	نخوشی (شیراز)، ۲۲۲	نشانسه (لاتینی)، ۵۶	نلک، ۱۶۲
نانخواه، ۲۸۹	نذغ، ۱۹۵	نشرا، ۱۶۹	نمام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۲۹۱
نانخواه (اندلس)، ۲۲۸	نَدی، ۲۹۵	نشققن، ۸۹	نمام الملک، ۱۸۲
نانخة، ۲۵۶، ۲۶۲	نرِیسی، ۱۰۱	نشک، ۲۰۷	نیم (سند)، ۳۵
نانخة (اندلس)، ۲۸۹	نرِیسی، ۱۰۱	نشَم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰	نمشک، ۲۹۰
نانکش (نیشابور)، ۸۱	نرِیسی، ۲۹۰	نشَم الاسود، ۱۲۷	نملول، ۲۴۵
نان کلاغ، ۱۲۹	نرِیسی، ۲۴۴	نشَم الاسود (اندلس)، ۲۷۲	نمیسقن، ۲۵۳
نانوخیه، ۲۸۹	نرِیسی، ۲۴۵	نشَم الأَسود (اندلس)، ۱۴۴	ننعا، ۲۹۰
نایزه، ۹۳	نرِیسی، ۲۵۹	نشُک (زابل)، ۱۸۳	ننوا، ۲۸۹
نبات ازاد، ۱۰۳	نرِیسی، ۲۵۹	نصی (اندلس)، ۱۳۶	ننوند (شیرازی)، ۱۱۶
نبات الرعد، ۲۶۰	نرجس، ۸۰، ۱۸۱، ۲۰۶	نُصار، ۴۰	ننهی مائین، ۴۰

ورد الحب، ۲۵۰	وازنیر، ۱۴۷	نیلج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۹۲	نو، ۲۶۸
ورد الحب، ۲۵۴	واشوه، ۱۲۹		نوارس، ۲۳۳
وردالحب، ۲۹۴	وافلایا، ۶۵	نیل رومی، ۱۳۶	نوارس، ۲۹۱
ورد الحمار، ۲۹۴، ۴۶	وانسه، ۴۶	نیل فلفل، ۱۱۳	نواصیر، ۳۰۰
ورد الحماق، ۲۹۴	وانیموروسقلمیوس، ۲۱۸	نیلن، ۱۱۳	نوجی، ۱۰۷
ورد الحمه، ۲۹۵	واوزاق، ۱۴۷	نیلوپرک، ۲۹۲	نور مطلبیه (فرنگی)، ۱۰۸
ورد الحمیر، ۲۲۳	وایله، ۲۲۵	نیلوپهل، ۲۹۲	نوغان، ۴۶
ورد الحمیر (اندلس)، ۲۲۳، ۲۹۵	وتلخ، ۲۹۷	نیلوفر، ۹۳، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۷۲	نوفر، ۲۹۲
ورد الذکر، ۱۰۵	وتورلت، ۴۶	نیلوفر، ۲۹۲	نوقاقیس، ۲۲۳
ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶	وج، ۵۱	نیلوفر ابیض البری، ۸۰	نوکانی، ۱۲۱
ورد الزوانی (اندلس)، ۱۳۶	وج، ۱۶۵	نیلوفر ابیض المانی، ۸۰	نونیاس، ۱۸۹
ورد الزوانی (اندلس)، ۱۳۶	وج، ۲۹۳	نیلوفر البرک، ۲۸۰، ۲۹۲	نونیناس، ۱۸۹
ورد الزیتنه، ۱۲۹	وجائلق (کوهستان و لرستان)، ۱۰۳	نیلوفر الصینی، ۲۹۲	نونیف، ۱۵۳
ورد الزیتنه البری، ۱۲۹	وجد (یمن)، ۲۵۱	نیلوفر القمری، ۲۹۲	نهشک، ۲۹۰
ورد الشمس، ۲۹۲	وحشی، ۹۶	نیلوفر المجوسی، ۲۹۲	نهشل، ۱۰۳
ورد العجار، ۲۹۴	وحمو (فاس)، ۱۰۲	نیلوفر ترکی، ۸۰	نهق، ۱۰۲، ۷۰
ورد الفجار، ۲۹۴	وخشیزق، ۲۹۳	نیلوفر ذهبی، ۲۹۲	نهق، ۱۰۲
ورد الفحصی، ۲۶۵	وذع، ۲۹۳	نیلوفر فارسی، ۸۰	نه کوهی، ۲۲۸
ورد المجوس، ۲۹۲	ودود، ۸۶	نیلوفر مجوسی، ۸۰	نهما (نبطی)، ۲۹۲
ورد بری، ۲۹۴	ودیفرونس، ۲۴۵	نیلوفر هندی، ۵۶، ۶۸، ۲۲۲، ۲۲۷	نهمنک (ری)، ۱۴۸
ورد جبلی، ۲۶۵	وذثن، ۲۶۰	نیلی (لاتینی)، ۱۹۲	نهود القینات، ۵۴
ورد متن، ۲۹۵	وربعن، ۲۴۹	نیلی‌پشا، ۲۴۸	نی، ۲۴۰
ورد موجه، ۲۹۴	ورحالور، ۲۲۲	نیمفا، ۲۹۲	نیاشبرش، ۲۸۲
ورد ورا، ۱۸۸	ورد، ۱۱۹	نیمفا، ۲۹۲	نیپال، ۲۴۰
ورس، ۳۹، ۲۵۵	وزد، ۲۹۳، ۲۹۴	نیمفا، ۲۹۲	نیروفل، ۲۹۲
ورس، ۲۹۵	وردا، ۲۹۳	نی نهاندی، ۲۴۰	نیریون، ۱۴۵
ورسالیون، ۲۵۳	ورد ابیض بری، ۲۹۴	نینیا، ۲۸۹	نیش (فاس)، ۲۸۲
ورس غنده، ۳۹	ورد احمر، ۲۹۳	نی هندو (سجزی)، ۱۴۰	نیشوق، ۴۱
ورشاء، ۲۹۵	ورد احمر بری، ۲۹۴		نیشکر، ۲۴۱
ورشن، ۲۶۳	ورد احمر بستانی، ۲۹۴		نیشوف، ۵۱
ورطوری، ۲۹۵	ورد ادرمانا، ۱۰۴		نیشوق، ۴۱
ورق الحنا، ۱۱۳	ورداد صیادی، ۱۴۶		نیطاقلی، ۲۹۲
ورق الخیار، ۲۴۵	ورداد صیاری، ۲۹۴		نیفاطوس، ۲۹۲
ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹	ورد اصفر بری، ۲۹۴		نیقولالراهب، ۶۰
ورق بنگو، ۷۸	ورد اصفر بستانی، ۲۹۴		نیقولوس، ۱۸۲، ۹۶
ورق زیتون هندی، ۱۹۹	ورد الانهار، ۲۹۲		نیل، ۱۱۳، ۲۱۱
			نیل البری، ۲۱۱
			نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲

### حرف «و»

۲۲۲ هزارجشان،	هَدَس، ۳۱، ۳۵	ول، ۲۵۵	۹۹ وریزه،
۲۹۷ هزار جشان،	هدل، ۱۲۰	ولان المکی، ۱۲۰	۲۹۳ وریژک،
۱۱۶ هزار سفید (شیرازی)،	هذوغورون، ۱۴۳	وَلَب، ۲۹۵	۹۶ ورینه (تبریز)،
۲۲۲ هزار شاخه،	هَذِيْلَة (اندلس)، ۲۹۶	ون، ۸۱	۲۱۳ وزد،
۲۲۲ هزارفشان،	هَذِيلِيه، ۱۰۶	ونا، ۲۵۸	۱۴۴ وزق،
۲۲۲ هزارکشان،	هراس، ۵۹	ونجهک، ۲۹۶	۲۲۰ وزک (شیراز)،
۲۹۷ هزارگشان،	هرانیه، ۲۹۶	وَنَقَازَف، ۴۱	۲۹۳ وژ،
۱۰۴ هزاره،	هرتما، ۱۱۳	ونک (شیراز)، ۲۸۱	۱۶۵ وسبطون،
هست چنکهار، ۱۱۸	هَرَجَان، ۲۸۵	وَنُوْشَک، ۸۱	۱۸۲ وسربلم (لاتین)،
هَسْک، ۲۱۰	هرد، ۱۶۳	ونیره، ۸۱	۵۱ وسق،
هسک آقه، ۲۱۰	هَرْد، ۲۰۸	ونیریون، ۸۰	۲۹۲، ۲۵۱ وسمه،
هسک توم، ۲۱۰	هرداد (اصفهان)، ۱۱۸	وهل (شیراز)، ۲۰۸	۲۹۲، ۱۳۶ وسمه،
هَسْکَنْقَر، ۲۱۰	هردا (صفاهان)، ۱۱۸	وَي اِيْزِه، ۲۱۰	۲۱۱ وشمه،
هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷	هرسه (شیراز)، ۲۶۶	ویدویک (خوارزم)، ۲۸۶	۲۹۲ وسمه،
هشرا، ۱۱۳	هرشه (شیراز)، ۲۶۶	ویطس (لاتینی)، ۴۱	۲۱۲ وشمه الذکر،
هشقیقل، ۱۸۸	هرطمان، ۲۳۷، ۲۶۳، ۲۹۶	وَيُوْذ (ترمذی)، ۲۶۰	۲۸۲ وسندی کیه،
هطاطی، ۲۱۷	هرفلوس، ۲۹۶	وَيُوْذَه (بخاری)، ۲۶۰	۲۹۵ وسیح،
هطی، ۲۱۷	هرقلو، ۳۹		۱۸۸ وسیل،
هفت، ۱۵۶	هَرَقْلُوْس، ۲۹۶		۵۱ وُشَج،
هفت برج، ۲۷۵	هرقلوه، ۲۹۶		۵۱ وشج،
هفت برگ، ۲۷۵	هرقلیون، ۱۸۲	هانجه، ۲۸۰	۲۹۵ وُشَج،
هفت بزج، ۲۷۵	هرقولیون، ۱۸۲	هاتوراه، ۸۸	۸۳ وُشَنَک (سجزی)،
هفت بهلو، ۲۶۹	هرقیلوس، ۲۹۶	هازَسَنَکْهَار، ۲۹۶	۲۹۵ وُشَق،
هفت زرده (شیرازی)، ۲۹۰	هَرْم، ۲۰۰	هازان، ۱۱۳	۸۱ وشک،
هلابوروس، ۱۳۰	هَرْتُوْند، ۲۹۷	هازوما، ۱۱۳	۲۲۰ وشک (اصفهان)،
هَلْتِي، ۱۷۴	هرنوه، ۲۹۶	هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶	۹۹ وشیح،
هلدی، ۲۰۸	هرنوه، ۲۲۸	هال، ۲۳۲، ۲۹۶	۲۹۵ وُشِج،
هلل (شیرازی)، ۱۲۰	هَرْنُوْه، ۲۳۸	هال بوا، ۷۰، ۲۹۶	۲۹۳ وُض،
هلل مشکک (شیراز)، ۱۲۰	هَرْوَا، ۲۸۶	هالم، ۱۰۲، ۱۱۵	۷۶ وصف الاسود،
هللیسفاقوس، ۵۹	هروره، ۶۸	هالوک، ۱۱۸	۲۹۵ وَطْم،
هلموت، ۱۲۲	هَرَه، ۲۹۶	هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱	۱۲۰ وَطَه (سند)،
هلو، ۱۳۹	هریتکه (گیلان)، ۶۵	هالوم، ۱۰۲	وغد، ۷۲، ۸۳
هلهل، ۹۲	هری سمن، ۹۶	هالینوطس، ۵۹	وَعْد (آفریقا)، ۵۱
هللیانسه، ۱۸۳	هَرَزِيْن، ۶۸	هاهیرون، ۹۵	۱۸۳ وفتص،
هللیقون، ۶۸	هزار بندک، ۲۱۰	هیبید، ۱۲۶	۲۸۳ وُقْل،
هللیج، ۶۸	هزارپا، ۲۹۰	هیملیون، ۹۴	۲۸۳ وقله،
هللیقی، ۶۸	هزار جسان، ۲۱۵	هدبات، ۷۰، ۱۰۳، ۱۵۴	۲۹۵ ووقاق،
هللیله، ۳۵، ۶۸، ۸۷، ۲۴۹	هزار جسان، ۲۲۲	۲۵۶، ۲۴۸	۷۳ وکونی کرانیس،

### حرف «ه»



یتلاق قرقرون، ۱۷۱	هینگ (سجزی)، ۶۵	هوزبد، ۶۸	هلیله زرد، ۶۸
یتوع، ۱۰۱، ۱۴۷، ۱۵۷، ۳۰۰، ۲۶۷، ۱۹۴، ۱۸۴	هینگ (سند)، ۱۲۱	هوزنی، ۸۱	هلیله سیاه، ۶۸
یتوع، ۲۶۵	هیوازما، ۲۹۰	هوسفون، ۱۶۵	هلیله کابلی، ۶۸
یتوعات، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۹	هیوز (سوانم)، ۲۰۱	هوفاریقون، ۶۹، ۱۴۱	هلیله کایم (لاتین)، ۲۴۹
۲۲۱، ۲۲۴، ۲۹۵	هیوسقاموس، ۸۸	۱۵۸، ۱۶۰، ۲۹۸	هلیله موزیک (شیرازی)، ۶۸
یشون، ۹۳	هیوفارقون، ۱۹۵	هوفسطیداس، ۲۶۷، ۲۹۹	هلیوس، ۲۹۷
یخصص، ۲۵۳	هیوفاریقون، ۳۴، ۶۹، ۸۶	هوف طیداس، ۲۶۷	هلیون، ۱۹۸
یخصص، ۲۵۴	۲۹۸، ۲۸۵	هوفقسطیطاس، ۲۶۷	هلیون، ۲۹۷
یدختن، ۱۵۷	هیوفاطاریقون، ۵۴	هوفیلوس، ۳۸، ۱۳۴	هملو (سند)، ۱۱۶
یدقه (لاتینی)، ۱۳۸	هیوفسیطوس، ۲۷۹	هوفیوسقردن، ۹۸	همون، ۲۲۲
یدره، ۱۱۳	هیوفقسطیداس، ۲۶۷	هوم، ۲۹۹	همیشه بهار، ۳۷
یدره، ۲۴۰	هیوفقسطیداس، ۲۹۹	هوم‌المجوس، ۲۹۹	همینا، ۲۷۶
یدره، ۶۲	هیومافطون، ۲۲۴	هوم‌الهرایده، ۲۹۹	هنجمنک (ری)، ۲۴۵
یدقه (اندلس)، ۱۳۸		هویعون، ۲۹۹	هنداوانه (تبریزی)، ۸۲
یرالجم (لاتین)، ۲۶۸	<b>حرف «ی»</b>	هیتماره، ۱۱۳	هندیبا، ۲۹۷
یراع، ۲۴۰	یابزوسیون، ۳۹	هیدبوا، ۲۹۶	هندبای بری، ۲۹۸
یرامع، ۲۹۷	یاس سفید، ۲۰۵	هیده‌نیگره (فرنگی)، ۲۶۶	هندبای، ۶۶، ۸۴، ۲۸۰، ۲۹۶
یربائته، ۶۹	یاسمون، ۲۹۹	هیروم، ۴۳	۲۹۷، ۳۰۱
یربطور الساحلی (اندلس)، ۲۷۴	یاسمین، ۱۰۶، ۱۶۴	هیری، ۱۴۰	هندبای، ۱۲۰
یربطور الشعراوی (اندلس)، ۲۷۴	یاسمین، ۲۹۹	هیری ارشق، ۱۴۰	هندبای‌الاجعد، ۱۰۳، ۱۱۹
یربطور (مغرب)، ۷۴	یاسمین البر، ۱۵۹	هیزارما، ۲۹۰	هندبای‌البتسانی، ۲۹۸
یربطوره، ۲۶۲	یاسمین بری، ۲۰۵، ۲۴۶	هیزارنا، ۲۲۹	هندبای‌الشامی، ۶۶
یربطوره (لاتینی)، ۷۴	یاسمین سفید، ۱۵۲	هیشر، ۱۱۴	هندبای بری، ۱۳۹، ۲۹۶
یربطوره (اندلس)، ۶۶	یسروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰، ۳۰۰	هیشر، ۲۹۹	۲۹۸، ۳۰۰
یربطوره (اندلس)، ۲۰۸	یتروح الصنم، ۳۰۰	هیضمان، ۲۲۳	هندبای شامی، ۲۹۸
یربطوره (لاتینی)، ۳۰۰	یبروح الصنم، ۳۰۰	هیطومون (نبطی)، ۱۳۰	هندبای‌فاس، ۲۹۷
یربطه، ۱۰۶	یبروح الوقاد، ۱۶۸	هیغیرس، ۲۶۴	هندبای‌هاشمی، ۲۹۸
یربوز، ۱۶۲	یبروح الوقاد، ۱۶۸	هیقلوس، ۳۹	هندوانه، ۸۲
یربوز (مغرب و فاس)، ۸۴	یبروح بری، ۲۷۰	هیک، ۱۲۱	هندوانه ابوجهل، ۱۲۶
یربوع، ۴۹	یبروح سریانی، ۲۷۰	هیکل، ۲۲۶، ۲۲۷	هنس‌بدی، ۵۳
یربّه أسلی (لاتینی)، ۲۰۴	یبروح صنمی، ۱۶۸	هیل، ۷۰، ۲۳۲، ۲۹۶	هنکفار، ۵۰
یربّه اشبیلی، ۲۰۴	یبروحی، ۳۰۰	هیلابسقون، ۱۵۶	هوارغون، ۵۰
یربه اوناله، ۸۰	یبروحی دشینا، ۷۲	هیلابتون، ۱۵۳	هواسمه (مصر)، ۷۶
یربّه اوناله، ۱۴۵	ییل، ۴۴	هیل بوا، ۷۰	هویر، ۳۹
یربّه بانکه، ۲۵۷	یبیقیه، ۳۰۰	هیلوروش، ۱۳۰	هوجویه، ۴۰
		هیل وهال، ۲۹۶	هودیا، ۲۶۰
		هین (سند)، ۱۲۱	هوذاسمون، ۲۹۰
		هینک، ۱۲۱	هوره، ۲۶۰

یَمِشاز، ۱۶۲	یَزَبَه بَدلیره، ۱۰۳
یُمَین (اسکندریه)، ۲۱۸	یَزَبَه بُدلییره، ۱۲۰
یَناشته دِنورکه، ۱۵۴	یَزَبَه بَطْرَه، ۲۵۳
یَنبر (اندلس)، ۷۲	یَرِبَه بطره، ۲۹۱
یَنبوت، ۱۰۹، ۱۳۲	یَرِبَه دَفوفَه، ۲۰۵
یَنبوت، ۱۳۲، ۲۴۷، ۳۰۱	یَزَبَه دِی فَوْقَه، ۱۵۹
یَنبوت زَنکورج، ۱۳۲	یَزَبَه دِی فَوْقَه، ۲۶۶
یَنبوتَه، ۱۰۹	یَرِبَه شَانَه، ۳۰۰
یَنبوع، ۳۰۰	یَرِبَه (شَد) یرَه (لاتینی)، ۹۵
یَنتون، ۹۷، ۱۶۷	یَزَبَه غَلِشکَه، ۱۴۴
یَنستاله، ۱۵۴	یَزَبَه فَشوشکَه، ۴۷
یَنستاله، ۱۵۱	یَزَبَه قَرَجِیِرَه (اندلس)، ۲۹۸
یَنکَه (لاتینی)، ۲۰۹	یَرِبَه قَرشته، ۱۰۳
یَنمَه، ۲۶۹	یَزَبَه مَوَلَه (اندلس)، ۱۵۶
یوس اَقطی، ۱۱۰	یَزَبَه نَقِیْشَه (لاتینی)، ۱۲۱
یوسیمون، ۱۱۳	یَزَبَه دِی فَوْیَقَه، ۲۰۵
یونجه، ۱۵۵	یَزَبَه، ۱۲۵
	یَزَبَه (شام)، ۱۲۵
	یَرِبِک، ۳۴
	یَسْتَهَارمک، ۱۷۹
	یَش کَشکَه (اندلس)، ۱۰۶
	یَشْمَه، ۹۴
	یَطاس، ۱۳۶
	یَعضید، ۸۳، ۱۳۹، ۲۸۰
	یَعضید، ۳۰۰، ۲۹۸
	یَعضید، ۱۴۳
	یَعضید بری، ۱۳۳
	یَعضید (مصر)، ۲۹۸
	یَعْفَر، ۲۰۴
	یَعْمِیصا، ۱۵۹
	یَقطین، ۹۳، ۱۲۶، ۲۳۷
	یَکْهَان بید، ۱۰۶
	یَل شیرین (شیراز)، ۲۰۱
	یَلْم (سجزی)، ۲۱۰
	یَلنجوح، ۱۷۹
	یَمَان (اسکندریه)، ۲۱۸
	یَمرو، ۳۰۰
	یَمور (شام)، ۸۴



## ضمیمه (۲)

### فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی در زبان های مختلف

(عربی، فارسی، یونانی، لاتینی، رومی، محلی، هندی، سریانی، بربری، ترکی)

برگرفته از کتب زیر:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن بیطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسکوریدس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)

## فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی در زبان های مختلف

## ۱ - نام‌های عربی و مغرب

آبنوس، ۳۳	ابن، ۳۸، ۸۹	اذن الفیل، ۲۳۰	ارقان، ۱۰۵
آذان الأرنب، ۳۳	إبن الأرض، ۳۸	اذن القسیس، ۲۴۷، ۲۷۴	ارقان (مغرب)، ۱۶۶
آذان التیس (اندلس)، ۳۳	ابن أوبر، ۳۸	اذن القسیس، ۲۴۷	ارمات، ۴۵
آذان الجداء، ۵۹	ابهل، ۳۹	إذخر، ۴۳	مربنی، ۲۶۵
آذان الجدی (دمشق و شام)، ۳۳	ابهل، ۱۰۵، ۱۴۳	اذخر، ۱۴۸	اروسه، ۳۸
آذان الدب، ۳۳	ابهل هندی، ۳۹	اذخر (فاس)، ۴۳	ازرّة الارض، ۲۹۱
آذان الشاة (اندلس)، ۳۳	ابی الولید، ۱۲۹	اذناب البقر، ۱۵۴	ازریول (فاس)، ۳۴
آذان العنز، ۳۳	ابی ان يموت، ۲۰۴	اذناب الخیل، ۱۵۴، ۲۱۰	ازغب، ۹۶، ۱۳۹
آذان الفار، ۳۳، ۶۳	آبید، ۱۴۳	اذناب الخیل (شام و شرق)، ۲۶۷	آسانثوا (مغرب)، ۲۳۱
آذان الفار البری، ۳۳، ۳۴	ابی رستم، ۱۱۹	أذن الأرنب، ۱۱۹، ۲۶۹، ۲۸۱	آسانثوا (مغرب)، ۲۴۲
آذان الفار البستانی، ۳۳	ابی مقینة (فاس)، ۲۱۴	اذن الثور، ۲۲۴	اسبط، ۲۷۳
آذان الفار الرومی، ۳۴	ابی یعموت، ۱۲۵	أذن الجمار، ۴۳، ۱۵۵، ۲۲۴	استیب، ۴۶
آذان الفار الرومی، ۲۱۸	أثرج، ۳۹، ۱۶۲، ۲۷۴	۲۵۲	استبرق، ۴۶
آذان القسیس، ۳۴	اثاب، ۲۰۲	أذن الشاة (اندلس)، ۲۶۹	اسحارة، ۴۶، ۱۴۰، ۱۸۹
آذان الفیل، ۳۴	أتابه، ۷۶	أذن الفار، ۲۷۹	إسجل، ۴۶
آزر (فاس)، ۵۹	أثل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲	اذن القسیس، ۲۸۱	اسد الارض، ۴۶، ۱۲۸
آس، ۱۵۹	أثلوق، ۴۰	اذن الوطواط، ۲۱۰	۲۷۵
آس البری، ۲۴۹	أجاص، ۴۱، ۱۸۴	أذن غزال، ۲۵۲	اسد العدس، ۴۷
آس البستانی، ۳۶	اجاص اصفر، ۱۸۴	آراک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۳۳	إشرار (مغرب)، ۴۷
آس بری، ۳۶، ۲۸۳	اجبژنی (اسکندریه)، ۲۵۴	ارجاله، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰	اسرون (فاس)، ۴۶
آس بری (اندلس)، ۱۴۰	اجرد، ۱۳۹	ارجان، ۱۶۶	اسفراج (مغرب)، ۲۹۷
آس بستانی، ۱۵۹	اجباق، ۷۱	ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶	اسفراج (مغرب و اندلس)، ۲۹۷
آس نبطی، ۳۶	احداق المرضی، ۵۷	أزجل الجراد، ۵۸، ۱۶۱	اسفنج، ۲۹۶
آفواه، ۵۲	إخریض، ۴۲، ۲۱۰	أزجوان، ۴۴	اسفنگار، ۱۳۳
آکل نفسه، ۳۷	احریضه، ۲۳۶	أرز، ۴۴	اسقوردیون جبلی، ۴۸
آلایه، ۳۷	اخریط، ۱۲۳	أرز، ۱۲۶	اسقوردیون مصری، ۴۸
آلایه، ۳۷	اخشنة، ۱۰۲	ارز، ۱۷۰	آشل، ۴۹، ۱۴۸
آیس النفس، ۳۷	اخلة الارض، ۱۳۹	ارز الخلیل، ۷۶	اسنام، ۱۴۸
آنفتها، ۹۱	اخیون، ۶۸	أرزم، ۲۷۷	آسان الذئب، ۵۰، ۸۴
آء، ۳۳	آذرک، ۴۲	ارزن هندی، ۱۴۹	اسنان الفار، ۲۵۹
آباله، ۶۰	ادقام الغرائق، ۱۲۹	ارزه، ۱۹۶	اسود، ۱۷۳
آباء، ۷۵	اذن الدب، ۲۴۴، ۲۷۰	ارطى، ۳۷، ۴۴	اشبنة آلبه، ۷۲
آبرنجمشک، ۲۲۵	اذن الفار، ۱۱۹	ارطى صغیر، ۱۵۵	اشنوان (مصر)، ۷۹
	اذن الفار حقیقی، ۳۴		

اشیخ، ۵۱	اصل اللوف، ۲۳۰	اکل نفسه، ۵۵، ۲۲۴	الفاضل لِنَفْسَاء، ۱۶۰
أَشْج، ۲۹۵	اصل المتک، ۱۸۰	إکلیل الجبیل، ۵۹، ۱۹۳	الف دینار، ۱۶۰
إشخیص، ۵۱	اصل التیلوفر هندی، ۲۲۷	إکلیل المَلِک، ۵۹	القسینی، ۲۶۶
اشخیص، ۲۷۵	اصل الوردی، ۱۵۹	الآس، ۳۵	القسینی الکبیر، ۲۶۶
إشراس، ۵۱	اصل امیرباریس، ۳۵	الإثرار، ۶۱	الکور (یمنی)، ۲۸۳
أشراس (مغرب)، ۵۱	اضراس الکلب، ۷۹	إلب، ۶۰	المصافق، ۲۴۷
أشوق، ۵۱، ۲۳۳	اطریشیة، ۲۸۰	البيستنی، ۳۴	المُعین، ۲۷۵
أشوق، ۲۹۵	أظفار الجن، ۵۴	البطن، ۸۰	النافع من الرُّثیلاء، ۲۲۳
اشکریة، ۲۸۰	اعرابی، ۲۷۲	الْبَل، ۱۴۱	النافع من أخلیوس، ۱۴۶
اشکّه، ۱۴۰	اعتاب السُّرأة، ۲۱۷	البهار، ۲۱۷	الوج، ۲۷۷، ۲۹۳
اشکیل، ۲۱۷	اغافت، ۵۴، ۹۰، ۱۵۴	التاجر، ۲۹۲	الهادیة، ۱۵۷
أشنان، ۵۲، ۶۹	اغافت، ۵۴	التاره، ۳۳	ام اربعة و اربعین، ۷۹
اشنان العربی، ۵۲	اغرقونیة، ۲۰۵	التواء بر التواء، ۲۵۷	أم الف ورق، ۶۲
اشنان الفارسی، ۱۲۳	اغلاث، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۴۹	الثُغَاء، ۱۱۵	امجلیة، ۶۷
اشنان القصارین، ۱۲۳	افانی، ۱۲۳	الحاج، ۱۲۳	امرود، ۲۶۱
أشنة، ۵۲، ۱۱۸، ۱۹۲	افرنجوشک، ۱۵۹	الحاحی، ۱۲۹، ۱۳۳، ۲۵۶	أَمْطى، ۶۲
اشنه بستانی، ۱۹۲	افریقیة متتهونة، ۲۸۰	الحاذ، ۱۲۳	ام عمر، ۶۲، ۹۶
اصابع الصفرة، ۵۳	افستتین، ۷۷، ۳۰، ۱۵۴	الخرفاء، ۱۰۴	أم غیلان، ۵۹، ۲۱۷
اصابع العذاری، ۵۳	۲۵۸	الداد، ۱۱۴	أمُ غیلان، ۶۲
اصابع الفتیات، ۲۲۵	افستتین البحر، ۱۹۳	الدوم، ۲۸۳	أمُغیلان، ۶۲
اصابع القینات، ۱۱۳	افیون، ۵۷	الرُّقعة الصُّخریة (اندلس)، ۲۷۱	ام غیلان، ۱۹۱
اصابع اللُصوص، ۵۳	اقاحی، ۹۰، ۱۵۵	۲۷۱	أمُ کلب، ۶۲
اصابع الملك، ۵۹، ۱۶۳	اقاقیا، ۲۳۷	الرمث، ۱۲۲	أمُلج، ۶۲
اصابع هرمس، ۱۷۹، ۱۸۰	أقحوان، ۳۵، ۵۷، ۵۸	الرَّیْمَنَة (اندلس)، ۲۱۹	املس، ۱۳۹
اصطرك، ۵۳، ۲۸۶	اقحوان البری، ۶۴	الزنج، ۲۸۷	أمُوجع الكبد، ۶۳
اصطرك (شام)، ۱۸۶	اقحوان العربی، ۱۵۳	الریح، ۲۷۳	ام یحیی (شام)، ۱۰۵
اصطفی، ۲۸۶	اقحوان بری، ۵۷	الزرقطونا (فاس)، ۷۸	امیره، ۱۱۰
اصف، ۲۵۰	اقحوان بستانی، ۵۷	الزوانی، ۱۳۶	امیطی، ۶۲
اصل الانجدان خراسانی، ۵۰	اقراص الملك، ۸۴	السَّرْمَج، ۱۷۰	انب، ۷۲
	اقرع، ۱۳۹	السَّرْمَق، ۱۷۰	أَنْبِج، ۶۳
اصل الخثی، ۱۳۸	اقطن (یمن)، ۲۷۵	السن، ۱۲۲	انبج، ۲۸۲
اصل الراسن، ۱۵۳	اکثوث، ۲۵۸	السنة، ۱۲۹	انبوب الراعی، ۶۴
اصل السرح، ۳۰۰	أکرنب البحری، ۱۲۲	السنة العسافیر، ۱۷۸، ۲۶۹	انبوب الملك، ۶۴
اصل السوس، ۱۸۰	اکرنب الدوری، ۲۵۶	الصانع الصفرة، ۱۸۶	انتله، ۱۰۱
اصل السوسن الابيض، ۵۴	اکرنب الرومی، ۲۵۶	الصینی، ۱۲۹	انجاص (فاس)، ۲۶۱
اصل الفلفل، ۲۲۸	اکرنب الشامی، ۲۵۶	الطُّفْرَاء، ۲۰۴	أنجبار، ۶۴، ۸۷، ۱۵۷، ۲۹۱
اصل القصب، ۲۴۰	اکرنب الكرمانی، ۲۵۶	الغسل، ۱۲۹	انجبار النهری، ۲۷۲، ۲۹۱
اصل اللفاح، ۲۷۰	اکرنب الهاشمی، ۲۵۶	الف، ۲۲۲	انجدان، ۵۰، ۹۳، ۱۲۱

أفستین البحرى، ٥٦	أشحازة، ٤٦، ٩٦	أثم، ١٦٥	أنجدان، ٦٥
أفستین الساحلى (اندلس و مغرب)، ٥٦	أشخفان، ٤٦	أثاب، ٤٠	انجدان رومى، ١٦٧، ٦٥
أفستین بحرى، ١٩٣	أسجیل، ١٣٧	أثبة، ٤٠	انجره، ٦٥
أفیون، ١٣٤، ٢٧٩	أسد الأرض، ٦٨	أثرار، ٤٠	انجسا الرملی، ١٥٥
أقاقیا، ١٣٢	أسطراغلس، ٤٧	أثرار، ٦١	انجسا الساحلى، ١٥٥
أقحوان، ٣٥، ١٨٦، ٢٣٤	أسل، ١٧٥	أثل، ٢٩٠، ٢٠٧، ٤٠	انجیده، ٢٢٤
أقسوس، ١٨٦	أسل (اندلس)، ٥٠	أج، ١٠٦	انجیلة، ٣٧
أقطاف (شام)، ٢٧٥	أسلیج، ٥٠	أجاص، ٢١٧	اندروت، ٦٦
أقثا أرابیقى، ١٨٩	أسنام، ٥٠	أجاص الأبیض، ١٨٤	أنزروت، ٦٦
أكباب، ٢١٦	أشتر، ٢٠٤، ٢٧٤	أجاص شتوی، ١٦٢	انس الارواح، ٤٧
أكر البحر، ٥٩	أشخیص، ٤٧	أجاص كوچك، ٧٦	انظر (دمشق و شام)، ٣٦
أكشوث (مغرب، مصر،	أشق، ٢٣٢	أجرِد، ٤٢	أنف العیجل، ٦٦
أفريقيا)، ٢٥٨	أشق الابله، ٥٢	أحرز (صقالبه)، ١١٦	انفحة، ٢٥٠
أكلیل الجبلی، ٢٧٤	أشق (مصر)، ٢٥٩	أحریص، ٤٢	انیت الشعر، ٢٥٧
أكلیل النفساء، ٢٧٤	أشقیل، ٤٩	أخلة، ٧٩	انیسون البری، ١١٤
أكلیلی، ٢٦٨	أشكل، ٢١٣	أداد الوحید (مغرب)، ٤٧	انیسون یرى، ٧٨
الأطی، ٦٠	أشنان القصارین، ٥٢	أدادى (اندلس)، ٢٦٩	إهلیج، ٦٨
ألباین، ٦٠	أشنان داود، ٥٢	إذخیر، ٤٣	اهلیج اسود، ٦٨
ألسفاس، ٦٠	أشنان فارسى، ٥٢	أذتاب البقر، ١٥١	اهلیج اصفر، ٦٨
ألسنه العصافیر، ١٧٨	أشنه، ٥٦	أذن الأرنب، ٢٦٩، ٢٧٠	اهلیج چینى، ٦٨
ألف دینار، ٦٠	أصابع الصفر، ١٨٦، ٢٥٩	أذن الثور،	اهلیج کابلی، ٦٨
ألف ذراع، ٢٩٧	أصابع العذرى، ٥٣	أذن الثور، ٢٥٢، ٢٦٩	اهلیج هندى، ٦٨
ألف ورق، ١١٠	أصابع الفنیات، ٢٢٥	أذن الجدى (اندلس)، ٨٢	ایدع، ١٤٦
أماره، ٦١	أصابع القینات، ٥٣	أذن الجمار، ٤٣	أباغساله، ١٨٥
أم الشغراء، ٧٥	أصابع هُرمس، ٥٣	أذن الجمار (اندلس)، ٦٨	أبامالك، ١٨٥
أم دفراء، ٦٢	أصاص، ٥٣	أذن الغزال، ٣٣، ٢٧٠	أبائه، ٣٧
أم غیلان، ٢١٦	أصطُرک، ٥٣	أذن الوطواط، ٤٣	أباؤ، ٣٧
أملیسی، ٢١٣	أصطفیلین (شام)، ٥٤	أراک، ٢١٦، ٢٤٩	أیره الراعى، ٣٧
أنثله بیضاء، ٦٤	أضحیان، ٥٤	أربیان (شام)، ٤٤	أیره الراهب، ٣٧
أنثله سوداء، ٦٤	أضراس الكلب، ٥٤	أرجل الجراد (لبنان، عراق، شام)، ١٦١	أبیلیم، ٣٨
أنجبار، ١٥٧	أطباء الکلبه، ١٦٧	أرجونیه، ٢٨٥	أبئلم، ٣٨
أنجبار (اندلس)، ٦٤	أطرماله، ٥٤	أرز، ١٩٧	أبئلم، ٢٨٣
أنجبار رومى، ٦٥	أظفار القط، ١٨٥	أرز، ٢٤٧	أبلمه، ٣٨
أنجیلة، ٣٨	أغیلان، ٦٢	أرنبى، ٢٦٥	أبوشاد، ١٨٩
أنس النفس، ٦٦	أفانى، ٥٥	أزاز، ٥٣	أبهل، ١٤٩
أنف العیجل، ٦٧	أفثیمون، ١٦٧	أزرارى، ٩٧	أبید، ٣٩
أوطمی، ٦٩	أفستین، ١٣٠، ١٩٣	أستن، ٤٦	أبى مالک (مغرب)، ١٨٥
			أترجى الراحنه، ٧١

بزر الخس، ۱۳۳	بردیه، ۳۷	باقلی، ۷۳	أهللیجات، ۶۸
بزر الخشخاش الاسود، ۲۹۸	بَرسیاوشان، ۱۸۷، ۷۵	بالکی البارد، ۲۵۹	أیدع، ۲۶۳
بزر الخطمی، ۱۳۶	برشف، ۲۴۲	بامیه، ۷۴	أیزون الصغیر، ۳۷
بزر الخمخم، ۹۶	بُرشون، ۹۴	بان، ۱۱۱	أیزون الکبیر، ۳۷
بزر الرازیانج الرومی، ۶۷	بَرغوثی، ۷۸	بانوج، ۲۶۱	بابونج، ۴۴، ۵۴، ۵۷، ۵۸
بزر الرطبه، ۱۵۵	برقوق، ۱۳۹، ۷۶	بُئلیه الاصفیر، ۵۴	۶۴، ۷۰، ۹۱، ۱۲۸، ۲۱۷
بزر الریحان، ۱۵۹	برقوق (فاس)، ۴۱	بحتریه، ۶۷	۲۳۴
بزر الزیتون البری، ۴۶	برقه، ۱۰۶	بَحْن، ۷۴	بابونج الاسود، ۵۸، ۱۵۳
بزر السرمق، ۱۷۰	برکان، ۷۶	بحنه، ۷۴	بابونج الجبلی، ۵۸
بزر السلق، ۱۷۴	برم، ۲۱۷	بَحْره، ۷۴	بابونج الحمیر (فاس)، ۵۷
بزر الشبت، ۱۸۴	برنجاسف کوهی، ۵۵	بَخور، ۲۴۷	بابونج الخریفی، ۵۸
بزر العلق، ۱۵۶	برنجان، ۹۶	بَخور الأکراد، ۷۴	بابونج الرومی، ۵۸
بزر الفصفصه، ۱۵۶	برنجمشک، ۲۲۵	بَخور البربر، ۱۷۰	بابونج الطلیطلی، ۵۸
بزر القت، ۱۵۶	برنق، ۴۴	بَخور البربر، ۱۷۰	بابونق، ۶۴
بزر القتا، ۲۳۳	برنک، ۴۴	بَخور السُودان، ۷۴	بابونق (مغرب)، ۷۰
بزر القنطه، ۱۵۶، ۲۳۴	برنوف، ۲۱۴	بَخور النبی، ۲۶۶	بابونک، ۷۰
بزر القداح، ۱۵۶	برواق (مغرب)، ۱۳۸	بَخور عایشه، ۱۴۸	بابونته، ۶۴
بزر القصب، ۱۵۶	بروق، ۳۷	بَخور عایشه، ۲۵۶	بابونی، ۷۰
بزر القنب، ۲۴۵	بُرُون البحری، ۵۵	بَخور مریم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶	بادروج، ۶۸، ۸۴، ۱۱۳
بزر الکتان، ۲۵۰	برهمَن، ۹۲	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷	بادره، ۲۹۵
بزر الکرث، ۲۵۲	بُرْیا مصری (مصر)، ۷۸	بَخور مریم، ۷۴	بادرنجان، ۷۲
بزر الکرفس البستانی، ۷۸	بریر، ۴۳	بَخور مریم (آفریقا)، ۱۳۰	بادرنجان بری، ۷۲
بزر الکرفس الجبلی، ۷۸	بریر، ۲۳۳	بَدَاشِقان، ۷۵	بادرنجان بری (قدس)، ۱۱۴
بزر الکرنب، ۲۵۵	بزاج، ۱۰۴	بدسکان، ۷۵	بادرنیویه، ۲۵۷
بزر الکشوث، ۲۵۸	بَرّازیل القِطَه (آفریقا)، ۳۷	بدشغان، ۷۵	بادرنیویه بری، ۸۳
بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰	بزر اسفناج البری، ۱۱۸	بدکشان، ۷۵	بادرنجویه، ۸۲
بزر المط، ۱۵۸	بزر الانجره، ۶۵	بَدَاشِغان، ۷۵	بادرنجویه، ۲۵۷
بزر النمام، ۱۸۲	بزر البصل، ۸۰	بذر، ۱۲۶	بادرواکوهی، ۷۱
بزر الورد، ۲۹۳	بزر البطیخ، ۸۱	بذر السداب، ۱۶۷	بادرُوج، ۷۱
بزر الهلیون، ۲۹۷	بزر البنج، ۸۸	بر، ۱۲۶	بادرود، ۵۸
بزر الهوه، ۹۶	بزر البنجنکشت، ۴۱	بُرّ، ۱۲۶	بادرنجان، ۷۲
بُرّ بردی، ۷۸	بزر الجرگیر، ۱۰۲	برجی، ۹۶	بادرنجان البری (اندلس)، ۲۵۸
بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴	بزر الجزر البری، ۱۰۳	برجین، ۹۶	بادرنجان بری، ۲۰۷
بُرّ قَطونا، ۷۸	بزر الجزر البستانی، ۱۰۳	بُرّجین، ۲۱۴	بادرُود، ۷۲، ۱۱۴
بُرّ قَطونا، ۱۶۰	بزر الحجرى، ۲۴۳	برد الحریض، ۲۳۶	بارض، ۹۱
بُرّ قَطونا، ۱۷۷	بزر الخبازی، ۱۲۹	بردرده، ۲۰۸	باقلّا، ۷۳
بُرّ قَطونا (عراق)، ۷۸	بزر الخبّه، ۱۲۹	برد و سلام، ۲۶۹	باقلای قبلی (مصر)، ۷۳
	بزر الخرفه، ۸۲	بردی، ۱۶۷، ۷۵	



بقله الباردة، ١٨٥	بصل بری، ١٥٠	بشمه (حجاز)، ٩٤	بزرکتان، ٢٥١
بقله البراری، ٨٣ ٨٢	بصل جبّلین، ٨٠	بشمه (حجازی)، ١٩٢	بزرکتان، ٢٥١
بقله الحسینیه، ٨٣	بصل نسرین المروج، ٨٠	بشنین، ٢٧٢، ٢٩٢	بزر لسان الحمل، ٢٦٩
بقله الحَمَاء، ٨٢ ٨٣ ٢٤٧	بطریون، ٨١	بشنین (مصر)، ٨٠	بزشوم (نجد)، ٩٥
بقله الحمقاء البریه، ١٢١	بطم، ١١١ ٨١، ٤٣	بصل، ٨٠، ٩٠، ١٣٨، ٢٧٣	بزواق (مغرب)، ١٣٨
بقله الخطاطیف، ٢٠٨، ٢٥٥	بطیخ، ١٩٠، ٢٧٠، ١٤٤	بصل الأبیض، ٨٠	بساسة، ١٦١
بقله الرّماء، ٨٣	بطیخ اخضر، ٨٢	بصل الأکل، ٨٠	بساط الغول، ٢٠٣
بقله الرمل، ٨٢	بطیخ الصخری، ١٢٦	بصل البر، ٨٠، ٤٩	بساط الملك، ٢٩١
بقله الزهراء، ٨٣	بطیخ الطویل، ٢٨٥	بصل البزّ، ٢١٥	بسباس، ٧٨، ١٠٧، ٢٢٠
بقله السنانیر، ٨٣	بطیخ الفلستانی، ١٢٦	بصل البری، ٤٩	بسباس، ١٥٢
بقله الصبّ، ٨٣	بطیخ الهندی، ٨٢	بصل الخراسانی، ٨٠	بسباس رومی، ٧٨
بقله العدس، ٨٣	بطیخ رقی، ٨٢	بصل الخرم، ٨٠	بسباسه، ٧٨، ١٠٧، ١٤٢
بقله العروس، ٨٣	بطیخ سکری، ٨١	بصل الخصى، ٨٠	١٩٩، ٢٣٨
بقله الفارسیه، ٨٣	بطیخ سندی، ٨٢	بصل الخنزیر، ٨٠	بستان الجواری، ٧٨
بقله اللینه، ٨٢، ١٦٢	بطیخ عقابی، ٨١	بصل الخنزیر (فاس)، ٤٩	بستانه، ٥٥
بقله المبارکة، ٨٣، ٨٤	بطیخ هندی، ٨٢	بصل الخنزیر (مغرب)، ٤٩	بستیناج، ٧٩
بقله الملك، ١٨٣	بقرة العين، ١٨٢	بصل الذنب، ٨١، ٨٥	بشّر، ٩٤
بقله الیمانی، ٢٥٨	بقس، ٨٢	بصل الرومی، ٨٠	بشّرة، ٩١
بقله الیمانیة، ١٦٢	بقس البلدی، ٨٢	بصل الزنبر، ٨٥	بسفایج، ٥٤، ١٤٤
بقله اليهود، ٥٠، ١٢٩، ٢٩٨	بقش الکرم، ١٦٠	بصل الزاز، ٨٥	بسيلة، ٩٣
بقله حامضه، ٨٣	بقل، ٩٣، ١٠٣، ١٣٣، ١٣٥	بصل الزیدی، ٨٠	بسيل، ١٠٤
بقله حمقاء بری، ٣٧	بقل، ١٥٤، ٢٠٥، ٢٧٤	بصل الزعفران، ٨٠	بسيله، ٩٣
بقله حمقاء بریه، ٨٣	بقل، ١٤٧	بصل الزیر، ٨٥	بسيلة، ١٠٤
بقله خراسانی، ٨٣	بقل الحمقاء، ٨٢	بصل الزیر، ٨٠	بشاش، ٧٠
بقله خراسانیه، ٨٣	بقل الذهبی، ١٧٠	بصل السنجار، ٨٠	بشام، ٨٠
بقله دستیه، ٤٨	بقل الذهبی، ٢٤١	بصل السوسن، ٨٠	بشام (آفریقا)، ٧٤
بقله ذهبیه، ١٧٠	بقل الزوم، ١٧٠	بصل الصغیر، ٨٠	بشانق، ٢٤٧
بقله عائشة (اسکندریه)، ١٠٢	بقل الزوم، ٢٤١	بصل العنصل، ٤٩	بشیش، ١٢٦
بقله عربیه، ٨٤	بقل دمشقی، ٨٣	بصل الفار، ٤٩	بشجّ مانی، ٢٨٠
بقله فاطمه، ٨٣	بقل ریشی، ٨٣	بصل الفارسی، ٨٠	بشرمساح (مصر)، ٧٣
بقله فلغلیه، ٢٥٧	بقله (شام)، ١٤٩	بصل الفأر، ٨٠، ٢١٥	بشط، ١٤٣
بقله لیّنه، ٨٢	بقله یمانی، ١٥٥	بصل الفأر (مغرب)، ٤٩	بشکرانی (اندلس)، ٥١
بقله مانیه، ٨٤	بقله، ٢٦٣	بصل القیء، ٨٠، ٨١	بشکرانیّه (اندلس)، ٥١
بقله مبارکه، ٨٢	بقله اترجیه، ٢٥٧	بصل اللوف، ٨٠	بشکرانیة، ٥١
بقلة یمانیه، ٨٤	بقله الانصار، ٨٢، ٢٥٥	بصل المعجوسی، ٨٠	بشکرانین الاسود، ٥١
بقلة یهودیه (اندلس)، ٢٣٦	بقله الاوجاع، ٨٢	بصل النرجس، ٨٠، ٢٩٠	بشکل (حجاز)، ٩٥
	بقلة الأترجیه، ٨٢	بصل النیلوفر، ٨٠	بشل (اندلس)، ١٠٦
	بقلة الأنصار، ٢٥٥	بصل ألهم، ٨٠	بشم الاسود، ٢٧٢

بقل یمانی، ۲۰۲	بَنج، ۸۸	۲۴۵	بَنج، ۸۸
بَقْم، ۲۱۵، ۲۷۰	بنج اسود، ۸۸	بیضة الارض، ۲۶۰	بنج اسود، ۸۸
بقم، ۲۱۷	بنجانی، ۹۶	بیضة البلد، ۲۶۰	بنجانی، ۹۶
بِقُول السَّعَال، ۱۸۲	بنجاین، ۱۰۰	بیضة النعامة، ۲۶۰	بنجاین، ۱۰۰
بقول الصبیه، ۱۸۳	بنجَة، ۱۵۰	بیضی، ۸۰	بنجَة، ۱۵۰
بقول المانده (مصر، اسکندریه، صقلیه)، ۲۳۵	بنجین، ۸۸	بیتلم، ۷۵	بنجین، ۸۸
بكرش (حجاز)، ۲۱۲	بُنْدُق، ۸۸، ۱۰۵	بیتب، ۹۲	بُنْدُق، ۸۸، ۱۰۵
بكریر، ۲۷۵	بُنْدُق هندی، ۵۴، ۵۹، ۸۸	تاجر الاصفر، ۳۴	بُنْدُق هندی، ۵۴، ۵۹، ۸۸
بلاد، ۳۴	۱۵۵	تاجر (فاس)، ۳۴	۱۵۵
بلبان، ۲۱۴	بَنْسَج، ۸۹، ۱۲۹	تاسلقوا(فاس)، ۱۳۲	بَنْسَج، ۸۹، ۱۲۹
بُلبلیة الاسود، ۱۵۳	بنفسج الكلاب، ۱۸۳	تألَب، ۹۳	بنفسج الكلاب، ۱۸۳
بَلْج، ۹۴	بنفسج اللیل، ۱۶۸	تبرئه، ۲۷۱	بنفسج اللیل، ۱۶۸
بلج، ۹۴	بُنْكَه، ۳۶	تبن مکه، ۴۳	بُنْكَه، ۳۶
بِلِخْتِه (مغرب)، ۸۶	بواب الحاجب، ۷۸	تین مکه، ۴۳	بواب الحاجب، ۷۸
بلیخِیة، ۸۶	بودال، ۹۶	تین مکه (فاس)، ۴۳	بودال، ۹۶
بلسان، ۱۴۳	بوطة، ۱۴۸	تراب القیء، ۱۱۴	بوطة، ۱۴۸
بُلْسُكِي، ۸۶	بوعقّاد (فاس)، ۲۱۰	تراب الهالك (عراق)، ۶۸	بوعقّاد (فاس)، ۲۱۰
بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰	بهار ابيض، ۹۰	ثريد، ۶۰، ۱۵۲، ۱۷۳، ۲۰۳	بهار ابيض، ۹۰
بُلْسُن، ۲۰۷	بهار الاصفر، ۳۴	۲۴۵	بهار الاصفر، ۳۴
بُلْسُن (مکه)، ۲۰۷	بهار البر، ۳۴، ۹۰	ترید ابيض، ۹۳	بهار البر، ۳۴، ۹۰
بلوز الريح، ۲۹۱	بهار الرياض، ۹۰	تربة، ۹۳	بهار الرياض، ۹۰
بلوط، ۷۷، ۱۶۸	بهار (فاس)، ۲۹۰	تربة العسل (اندلس)، ۱۰۷	بهار (فاس)، ۲۹۰
بلوط الارض، ۳۷، ۸۶، ۸۷	بَهَج، ۲۸۱	تُرْسُ الماء، ۲۹۲	بَهَج، ۲۸۱
۲۶۰	بهرامج، ۲۱۰	ترسی، ۹۳	بهرامج، ۲۱۰
بَلُوط الارض، ۸۶	بهرامج البر، ۱۵۹	تُرْف، ۹۷، ۱۴۷	بهرامج البر، ۱۵۹
بلوط الملك، ۸۷	بهرامج البر، ۲۰۵	ترفاس (مغرب)، ۲۶۰	بهرامج البر، ۲۰۵
بلوطی، ۲۲۴	بهرامة، ۱۳۷	تُرْمِس، ۹۳، ۱۰۲	بهرامة، ۱۳۷
بلیان (مصر)، ۸۷	بَهْرَم، ۲۱۰	ترمس الثعلب، ۹۳	بَهْرَم، ۲۱۰
بُلَيْحَاء، ۵۹	بَهْش، ۲۸۳	ترمس الحجل، ۹۳	بَهْش، ۲۸۳
بلیحاء، ۸۷	بَهْش، ۲۸۳	ترمس الخنزیر، ۹۳	بَهْش، ۲۸۳
بَلَيْلِج، ۸۷	بَهْقَان، ۱۰۲	تُرْمِس الخنزیر، ۱۵۷	بَهْقَان، ۱۰۲
بُنْ، ۸۹	بُهْمَاء، ۹۱	ترنجان، ۸۳، ۱۱۳	بُهْمَاء، ۹۱
بنات الرعد، ۲۶۰	بهمن الأحمر، ۲۵۸	ترنجان الثعلب، ۱۱۷	بهمن الأحمر، ۲۵۸
بنات النار، ۶۵	بهمن أبيض، ۱۰۵	تُرْنِج (فاس)، ۴۰	بهمن أبيض، ۱۰۵
بنات أوبر، ۲۶۰	بُهْمِي، ۹۱	ترباق نبطی، ۳۰۰	بُهْمِي، ۹۱
بنادق البربر، ۱۰۸	بیجه، ۱۷۳	تزلیت، ۹۴	بیجه، ۱۷۳
بتومة، ۲۳	بیض الاوز، ۹۲	تشمیز، ۷۹	بیض الاوز، ۹۲
	بیض العیار (شام و بغداد)،	تَشْمِيزِج، ۹۴	بیض العیار (شام و بغداد)،
		تَفَاح، ۶۴	تَفَاح، ۶۴
		تَفَاح الارض، ۲۶۰	تَفَاح الارض، ۲۶۰
		تَفَاح الجمل، ۲۳۶	تَفَاح الجمل، ۲۳۶
		تَفَاح الجزن، ۱۴۹، ۲۷۰، ۳۰۰	تَفَاح الجزن، ۱۴۹، ۲۷۰، ۳۰۰
		تَفَاح الذب، ۴۱، ۹۴	تَفَاح الذب، ۴۱، ۹۴
		تَفَاح الفارسی، ۱۳۹	تَفَاح الفارسی، ۱۳۹
		تَفَاح أرمنی، ۲۸۲	تَفَاح أرمنی، ۲۸۲
		تَفَاح بری، ۹۴، ۱۶۲	تَفَاح بری، ۹۴، ۱۶۲
		تَفَاح فارسی، ۱۳۹	تَفَاح فارسی، ۱۳۹
		تَفَاح مانی، ۳۹	تَفَاح مانی، ۳۹
		تَفَاح ماهی، ۳۹	تَفَاح ماهی، ۳۹
		تَفَاف، ۸۳	تَفَاف، ۸۳
		تَفَاء، ۱۱۵	تَفَاء، ۱۱۵
		تَفَدِه، ۲۵۶	تَفَدِه، ۲۵۶
		تَفْسِیا، ۹۷	تَفْسِیا، ۹۷
		تَفُورِیة، ۲۱۹	تَفُورِیة، ۲۱۹
		تَقَدِه، ۲۵۶	تَقَدِه، ۲۵۶
		تَقَدَه، ۲۵۷	تَقَدَه، ۲۵۷
		تَقَدَة، ۲۵۶	تَقَدَة، ۲۵۶
		تَقْرَد، ۲۵۶	تَقْرَد، ۲۵۶
		تَلاد، ۳۴	تَلاد، ۳۴
		تَمْتَم، ۱۷۵	تَمْتَم، ۱۷۵
		تَمْر، ۹۴، ۲۳۹	تَمْر، ۹۴، ۲۳۹
		تَمْر الجوز، ۲۰۵	تَمْر الجوز، ۲۰۵
		تَمْر الذهبی، ۳۹	تَمْر الذهبی، ۳۹
		تَمْر الهندیة، ۳۹	تَمْر الهندیة، ۳۹
		تَمْك، ۶۷، ۲۷۴	تَمْك، ۶۷، ۲۷۴
		تَمْلُول، ۱۷۵، ۲۴۵	تَمْلُول، ۱۷۵، ۲۴۵
		تَمْنَس، ۲۷۷	تَمْنَس، ۲۷۷
		تَمُول، ۲۴۵	تَمُول، ۲۴۵
		تَمِيط، ۱۱۴	تَمِيط، ۱۱۴
		تَمِیم، ۲۴۵	تَمِیم، ۲۴۵
		تَنْصَب، ۹۴	تَنْصَب، ۹۴
		تَنْعِیمه، ۹۴	تَنْعِیمه، ۹۴
		تَنُوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱	تَنُوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱

تُوب، ١٩٦، ١٩٧	ثاقب الحجر، ٧٩	ثوم الكلب، ٤٨	جَشْجَات، ١٠١، ٢٤٧
تَونم، ٥٩، ١١٢، ٢٩٢	ثاليل الجنات، ٧٢	ثوم بری، ٤٨، ٤٩، ٩٨	جَنَم، ١٢٦
تَنُوم، ٩٥، ٢٠٤	ثامر، ١٢٢	ثوم جبلی، ٩٨	جحلوق، ٣٧، ٦٧
تنين، ٢٧٣	تُداء، ٩٧	ثوم ذی الأسنان، ٩٨	جحليق، ٦٧
توت الثُعلب، ١٧٩	ثرمان، ٩٧	ثوم كُرْائِي، ٩٨	جَدَف، ١٧٤
توت الثعلب، ١٧٩	ثُرْمان، ١٢٣	ثومية، ٩٨	جَدوار، ١٠١
توت الحرير، ٩٥	ثُرْمَد، ١٢٣	ثيل، ٤٤، ٩٩، ٢١٢	جدوار اندلسی، ٦٤
توت العليق، ٢١٣	ثُعالة، ٢٤٩	ثَيْل، ١٢٣	جراد بحري، ٤٤
توت حامض، ٩٥	ثُعب، ٩٧	جابور، ٩٩	جراطه، ١٠٢
توت حلو، ٩٥	ثُعَام، ٩٧	جادی، ١٦٣	جراطه، ١٢٢
توت لَحْن، ٩٥	ثُعَام، ٢٩١	جار النهر، ٩٩	جر المشايخ (آفريقا)، ٧٤
توت وحشى، ٩٥	ثُعامة، ٤٨	جاسة، ٧٣	جربنة، ٤٣
توجدة (مغرب)، ٨٢	ثُعَاء، ١١٥	جامسه، ٧٣	جربوز، ٨٤ (شام)
تودرى، ٤٦	ثُعَاء، ١١٥	جامع البُضْع، ١٠١	جرجار، ١٠٢
توذريج، ٩٦	ثُلب، ٩٧	جامع البُضْع، ١٥٧	جَزْجِر، ٩٣
توز، ١٢٧، ٢٦٤	ثُلثان، ٢١٤	جامع اللحم، ١٠١	جرجر المصرى، ٩٣
تومين (لبنان)، ٢٧١	ثُلثان، ٢١٥، ٢٤٩	جامول الكتان، ٢٥٨	جرجر (عراق)، ٧٣
تُوَيْتَه، ١٧٩	ثُلثان، ٢١٥	جامول الكتان (اندلس)، ١٦٧	جرجير، ١٠٢
توءمان، ٩٦	ثُمام، ٩٧	جاوُرس، ١٠٠	جرجير البرى، ٧٠
تيسى، ٢٠١	ثُمام، ١٥١	جاورس، ١٤٣، ١٥٠	جرجير الكلاب، ١٠٢، ١١٥
تيفلت (فاس)، ٢٩٧	ثمر الغالبة، ١٠٨	جاورس هندی، ١٠٠	جرجير الماء، ١٠٢، ١٥٩
تيمط (اندلس و مغرب)، ٢٢٥	ثمر الفؤاد (مصر)، ٨٦	جاورس، ١٠٠، ١٤٣	١٨٢، ٢٣٥، ٢٥٤
تيمق (اندلس و مغرب)، ٢٢٥	ثمر شجر الكافور، ٥٤	جاورس، ١٠٠، ١٤٣	جَزْجِير الماء (مغرب)، ٢٣٥
٢٢٥	ثمره الدب، ٢٨٠	جاورس هندی، ١٤٩	جرجير الهر، ١٠٢
تسين، ٦٢، ٩٦، ١٢٢، ١٢٣، ١٨٤	ثمره الكبر، ٢٥٠	جَبِيَّأ، ٢٦٠	جرجير برى، ٧٠
١٨٤	ثملول، ٢٤٥	جَبِيَّأ، ٢٦٠	جرزالشياطين، ٣٦
٦٦	ثُمَّيْلَه (اندلس)، ٤٧	جبروان، ٦٧	جرمامة، ١٠٣
٨٦	ثور، ٢٠٠	جَبِيْرَة (مغرب)، ١٠١	جرمان، ٢٠٢
١٠٥	ثوع، ٩٧	جبل المساكين، ١٢١	جربال، ١٠٣
٩٦	ثوم، ٤٩، ٨٠، ٩٨، ١٥٧	جبل هنج، ١٠١	جربله خمر، ١٠٣
١٨٤	ثُوم، ٩٧	جَبِيْلَهْج، ١٠١	جَزْر، ٥٤، ١٠٣
١٠٨	ثوم البستاني، ٩٨	جَبْلين، ١١٧	جزر البرى، ٦٠
١٠٥	ثوم الجبلى، ٨٠	جبن، ١٤٥	جَزْر البرى، ١٤٨
٩٦	ثوم الحيه، ٤٨	جُبْن الثعبان، ٢٧٣	جزر البستاني، ١٤٨
١٢٧، ١٠٥، ٩٦	ثوم الحيه، ٩٨، ٤٩	جبن القروذ، ٢٧٣	جَزْر برى، ٥٠، ٢٢٩، ٢٩٠
٤٣	ثوم الحية، ٩٨، ١٠٦	جَبِه، ١٠١	جزومارج، ٢٠٢
٩٧	ثوم الحية، ٩٨، ١٨٩	جبين جبن، ١٤٥	جزواعظم، ٢٤٥
	ثوم الضفادع، ٩٨	جشجات، ٧٦	جسد، ١٦٣

جوز النعاس، ۱۰۹	جُنَى، ۱۰۶	جُنَسْرین، ۱۰۵	جَطیره، ۱۲۲
جوز الهند، ۱۰۹، ۲۸۷	جَنَى الاحمر، ۲۳۱	جلوز، ۸۸	جَعْد، ۲۵۶
جوز اليسرو، ۱۰۹	جنى الاحمر، ۲۴۲	جَلُوز، ۱۰۵	جَعْداء، ۱۰۳
جوزبَوَا، ۱۰۷	جنى العُشر، ۱۳۱	جُلُوز، ۱۰۵	جَعْداء، ۲۵۴
جوز جنا، ۴۳	جواری، ۱۴۹	جَلُوز (مغرب)، ۱۰۵	جُعْدَه، ۱۰۳
جوز جَنْدَم، ۱۰۷، ۱۶۵	جَوْدَر، ۱۰۶، ۲۱۹	جلیط، ۱۰۵	جعدہ، ۲۳۰
جوز جندم (رقه)، ۱۳۰	جوز، ۹۴، ۱۰۶، ۲۹۰	جلیف، ۱۰۵	جعدہ کبیر، ۱۰۳
جوز داود، ۱۰۸	جوز آرَقَم، ۱۰۷	جلیقی، ۹۶	جَعْدَة، ۲۸۱
جوز رومی، ۱۰۸، ۲۶۴	جوز الابيض، ۲۹۰	جُمَار، ۹۵	جَعْدَة الجدران، ۱۰۳
جوز زوان، ۱۶۴	جوز الاكل، ۱۰۷	جمان، ۱۶۹	جعدَة الجُدْران، ۱۱۹
جوز سودار، ۱۳۹	جوز الأُنْهَار، ۱۰۷	جَمِجِم، ۱۰۵	جعدَة القنا، ۷۶
جوز مائل، ۱۰۹	جوز الجبل، ۱۰۵	جَمْجَوا، ۱۰۶	جعدَة القنا، ۷۶، ۱۰۴
جوز ماث، ۱۰۹	جوز الحبشه، ۱۰۸	جمرة الارض، ۱۰۵	جَعْدَة الماء، ۲۵۴
جوز ماثا، ۱۰۹	جوز الخَمْس، ۱۰۸	جَمْرَة الارض، ۲۰۱	جعدَة حران، ۲۰۳
جوز مائل، ۲۷۹	جوز الدفَع، ۱۰۸، ۱۵۷	جَمْرَة (فاس)، ۳۴	جعفری، ۹۶
جوز ماثم، ۱۰۹	جوز الدُّب، ۱۴۵	جُمَلَج، ۶۶	جعفریه، ۲۰۱
جوز هندی، ۲۸۰، ۲۸۷	جوز الرُتَه، ۵۴	جُمَيز، ۹۶، ۱۰۵، ۱۵۷	جَعْفیل، ۲۰۱
جوزة القروذ، ۵۲	جوز الرُتَة، ۸۸	جَمیم، ۹۱	جعه، ۱۵۰
جوک، ۷۱	جوز الرُقْع، ۱۰۸	جنا الاحمر، ۵۸	جُعیداء، ۱۰۳
جَوَلَق، ۱۴۱	جوز الريح، ۱۰۸، ۲۷۱	جناح، ۱۵۳	جُعیدیلَة، ۱۰۳
جینه، ۱۰۹	جوز الزنج، ۱۰۸	جناح البشر، ۷۳	جفت البلوط، ۸۶
حانن (اندلس)، ۴۷	جوز السرو، ۱۷۰	جناح التیس، ۱۰۶	جُفْرَى، ۲۴۸
حاج، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۲	جوز السواک، ۱۰۷	جناح الزرزور، ۷۹	جَفْن، ۱۰۴
حاذ، ۱۱۰	جوز الشیرک، ۱۰۸	جناح النسر، ۱۵۷	جُل، ۲۹۴
حارز الانهار، ۱۱۰	جوز الطیب، ۱۰۷	جناح (اندلس)، ۱۵۳	جلبان، ۱۰۴، ۱۳۷، ۷۹
حارز الماء، ۱۱۰	جوز العَبْهَر، ۱۰۸	جَنار، ۱۴۶	۲۳۷، ۲۱۳
حارس، ۱۱۰	جوز العد، ۱۰۶	جَن القَتال، ۱۴۷	جُلبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱
حاسیس، ۱۱۱	جوز العرعر، ۳۹	جنا، ۱۰۶	جُلبان البری، ۵۶
حاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹	جوز القروذ (فاس)، ۵۲	جَناء الاحمر، ۸۴، ۲۱۱	جلبانه، ۱۳۷
حاشیش، ۱۱۱	جوز القَطَا، ۱۰۷، ۱۰۸	۲۴۲	جلبوب، ۱۰۳
حافر المهر، ۱۷۹	۲۹۰، ۲۴۹	جَنید، ۱۰۴	جُلجل، ۴۶
حافظ اطفال، ۲۲۴	جوز القَمی، ۱۰۸، ۱۰۹	جنبه، ۷۵، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰	جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷
حافظ الاجساد، ۴۹	جوز الكوئل، ۱۰۹	۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۲۵	جلجلان الحبشه، ۱۰۴
حافظ الارواح، ۴۷	جوز المائل، ۱۰۹	۱۳۸، ۱۵۳، ۲۴۸، ۲۶۳	جلجلان (حبشه)، ۱۷۶
حافظ الاطفال، ۵۵، ۲۲۴	جوز المَرَج، ۱۰۹	۲۸۰، ۳۰۰	جلجلان مصری، ۸۰
حافظ الأجساد، ۹۸، ۱۸۹	جوز المَرَج، ۲۴۹	جَنبِه، ۱۲۲	جلدان، ۱۰۴
حافظ الطفل، ۲۲۴	جوز الملک، ۱۰۷	جنظيانا الجر مقانی، ۱۰۶	جُلنار، ۱۰۴، ۱۵۶
حافظ الموتی، ۴۹، ۹۸	جوز النسرو، ۱۰۹	جنظيان الرومی، ۱۰۶	جُلنار بری، ۲۰۱

حب الصراط، ٢٧٥	اندلس)، ٢١٥،	حب العریض الورق، ١١٣
حب الصنوبر، ١٩٦	حب المَحَلَّب، ١١٢	حَبِّ الفَنی، ١١٣، ٢٧٩
حب الصنوبر الصغار، ١١٢	حب الملوک، ١١٣، ١٤٧،	حب القیل، ٢٧٩
حب الصنوبر الکبار، ١١٢	٢٧٦	حَبِّ القَرَنفَلی، ٧١
حب العرعر، ٢٠٨، ٤٠،	حب الملوک (مغرب و	حب القَرَنفَلی، ١١٣
حب العروس، ٢٤٩، ٢٥٠،	اندلس و فاس)، ٢٣٤	حَبِّ القَرَنفَلی (فاس)، ١٨٤
٢٩٢	حب المِئسَم، ١١٣	حب القنا، ٣٤
حب العزیز، ١١٢	حب العنشم، ٢٨٥	حب الکرمانی، ١١٣، ١٢٢
حب العصفور، ٢١٠، ٢٣٦	حب المِئسَم، ١١٣	حَبِّ المَاء، ١٩٨
حب الغار، ١٤٩	حب النسل، ٤١	حب المَاء، ٢٢٩
حب الغراب، ٤٢	حب النشم، ١١١	حب المَرَد، ١١٣
حب الغار، ١١٢	حَبِّ النِّسَام (مغرب و	حب المَرء، ٢٧٩
حب الفقد، ٤١	اندلس)، ٢٢٦	حب المَغز، ٧٠
حب الفنا، ٢١٤	حب النیل، ١١٣، ٢٣٧، ٢٩٢	حب المِتن، ١١٣
حب الفول (مصر)، ١٨٦	حب بلسان، ١١١	حَبِّقالَّة (اندلس)، ١١٩
حب الفهم، ٨٥	حَبِّجَوْ (عمان وشحر)، ١١١	حب بستانی، ٧٩، ١٢٢،
حب القنا، ٢٧٩	حبریان، ١١٣، ١٣٣	٢٢٩
حب القرغ، ٢٣٧	حب سجستانی، ٢٣٢	حب ترنخانی، ٧١
حب القطن، ٢٤٢	حب سرم بری، ١٨٣	حب جلی، ٢٢٨
حب القلب، ٨٥	حب سلاطین، ١٤٧	حب قطاهی، ١٤٧
حب القُلت، ١١٢	حبشة، ١٠٤	حب قرنفل، ٢٢٥
حَبُّ القَلِیل، ١١٢، ٤٥،	حب صنوبر صغار، ٢٤١	حَبِّ قَرَنفَلی، ٢٢٥
حب القفل، ١٥٨، ٢٨٣	حب صنوبر کبار، ٢٤١	حب کرمانی، ١٨٣
حب اَلقَلِّیل، ٢٤٤	حَبِّ، ١١٣، ١٥٩	حب مصری، ١١٣
حب القوقایا، ١٥٩	حَبِّ، ١٢٧	حب نبطی، ١٢٢
حب الکاکنج، ٢٤٩	حب، ٢٢٩	حب نبطی (شام)، ١٢٢
حب الکاکنج الجلی، ١٠٩	حبقا (اندلس)، ١١٩	حب کاکنج کوهی، ١٠٩
حب الکَلِّی، ٣٠١، ٤٣،	حَبِّ البربری، ٧١	حب المساکین، ١١٣، ٢٦٦،
حب الکَلِّی (مصر)، ٦٢	حب البقر، ٧٠	٢٤٠
حَبِّ الکَلِّی (مصر)، ١٣٢	حب الترنجانی، ١١٣	حب المساکین (قرطبه)،
١٩٦	حَبِّ الثَّمَساح، ١٩٨، ٢٢٩	١١٣
حب الکمثری، ٢٦١	حب الحاحی، ١١٣	حَبِّ، ١٤٥
حب الکنی، ٦٣	حب الحَرَّ، ١١٣	حبوب، ٢٠١، ٢٩٦
حب اللهق، ٢٤٩	حب الحمامی، ٢٠٢	حَبِّ الحَلْو (اندلس)، ٦٧
حب اللهو، ٢٠٦، ٢١٤، ٢٤٩	حب الراعی، ٧٦	حَبِّ الخَضراء، ٨١، ١١١،
حب اللهو (مغرب)، ٢١٤،	حب الشیوخ، ٢٨٠	١٩٨
٢٤٩	حب الصعتری، ١١٣، ١٨٣	حب السفرجل، ١٧٢
حب اللُّهُو (مغرب و	حب الصلقلی، ١١٣	حب السواد، ٩٤، ١٩٢،
١٨٩		
حافظ النحل، ٥٥، ٢٣٦		
حَاقی، ٢٩١		
حالب، ٤٧		
حالبی، ١٣١، ٥٤		
حالق الشعیر، ٢٢٢		
حباقا، ١٢٥، ١٥٠، ٢١٢٦		
حباقا (اهالی حیره)، ١٥٠		
حب الاثل، ٢٠٢		
حب الاس، ٣٥، ٣١		
حب الانبیربارس، ٦١		
حب الأثل، ٩٣		
حَبِّ البان، ١١١		
حب البیطیخ، ٨١		
حب البقر، ٢٥٣		
حب البلسان، ٨٦		
حب الحلو، ٦٧		
حب الخروع، ١٣٣		
حب الخضراء، ٨١		
حب الدسم، ١١١		
حب الدود، ٢٥٥		
حب الدهمشت، ١٤٩		
حب الراس، ١١١، ٢٨٧		
حَبِّ الراسن، ١١١، ٢٨٧		
حب الرشاد، ١٢٢		
حب الرشاد، ١٠٢، ١١٥		
حب الرشیا، ١٢٢		
حب الرمان، ١٥٧		
حب الرند، ١٤٩		
حب الریاس، ١١١		
حب الزرقه (بحرین)، ٧٨		
حب الزلم، ٤٩، ١١٢، ١٦٣		
حب الزَّم، ١١١		
حب السیمنه، ١١١		
حب السواد، ٢٦٩		
حب الشبرم البری، ١٨٣		
حب الشجره (مصر)، ٤١		
حب الصیان، ٨٦		

حشیش الغافت، ۵۴	حُرَیق، ۶۵	حُرَض، ۱۲۳، ۵۲	۱۹۲، ۲۶۲
حشیشه، ۴۴	حُرَیق الأملس، ۱۰۳	حُرَض صینی، ۵۲	حبه السُّوداء، ۱۹۲
حشیشه الارض، ۳۶	حُرَیق الأملس (اندلس)، ۱۲۱	حُرَف، ۱۱۵، ۱۳۱، ۲۸۴	حبه المساکین، ۲۴۵
حشیشه الافعی، ۱۱۸	حُرَیق (مغرب)، ۶۵	حُرَف ابيض، ۴۸	حبه الملوك، ۱۱۳
حشیشه الأسد، ۱۱۸	حريمه، ۱۱۷	حرف ابيض، ۱۱۵، ۱۳۰	حبه حلاوة، ۶۷
حشیشه الأفعی، ۱۱۸	حُرَیْمَة، ۱۱۶	حرف احمر، ۱۱۵	حبیقه (اندلس)، ۱۱۹
حشیشه البابلی، ۴۳	حزاء، ۱۱۷	حرف البابی، ۱۱۵	حبیقه، ۱۱۹
حشیشه البراغیث، ۱۱۸، ۱۴۸	حزاء، ۱۱۷	حرف البری، ۱۱۵	حَتَى، ۲۸۳
حشیشه البراغیث (شام)، ۱۱۸	حزاز، ۲۰۰	حرف السُّطوح، ۸۰، ۱۱۵، ۱۱۶	حثا، ۹۶
حشیشه البرص، ۱۱۸، ۳۶	حزاز الجبل، ۱۱۷	حرف الشامی، ۱۱۵	حَثیل، ۱۱۴
حشیشه الثومی، ۱۸۹	حَزَاؤُ الصخر، ۱۱۷	حرف المانی، ۱۱۵	حجر البقر، ۲۹۵
حشیشه الثومیه، ۹۸، ۸۰	حزاز الصخر، ۱۶۵، ۲۰۴	حرف الماء، ۱۱۶، ۱۸۲	حد، ۱۹۱
حشیشه الثومیة، ۹۸، ۱۲۲، ۲۷۱	حزاة، ۱۱۷	حُرَف الماء (مغرب)، ۲۳۵	حدج، ۱۲۶
حشیشه الثومیة (اندلس)، ۹۸، ۴۹	حزاء، ۱۱۷، ۱۴۸	حرف المشرقی، ۱۱۵، ۱۱۶	حددی، ۹۲
حشیشه الحلو، ۱۸۰	حزاء بری، ۱۱۷	حرف ابيض، ۱۱۵، ۲۷۴	حدقی، ۶۷
حشیشه الحُمرة، ۲۷۶	حزاةة، ۱۱۷	حرف بابلی، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۱۶	حدیدی، ۱۱۴
حشیشه الحُمی (آفریقا)، ۲۰۳	حزاةة أخرى، ۱۱۷	حُرَف بری، ۱۱۷	حراشا، ۱۳۱
حشیشه الحوت، ۱۴۳	حَزُونِیل، ۱۱۷	حُرْفه (صقلیه)، ۶۷	حزاقه، ۱۴۰
حشیشه الخراسانیة، ۲۹۳	حَزُونِیل، ۱۱۷	حُرَف مشرقی، ۲۲۸	حز السحر، ۳۵
حشیشه الداخس، ۱۱۸	حَزُونِیل، ۱۲۳	حِرْکة (اندلس)، ۹۱	حزانیه، ۱۰۳
حشیشه الدم، ۱۱۹	حزنیل، ۲۸۰	حَزْمَل، ۴۸، ۸۰	حزبا، ۱۲۸
حشیشه الدودیة (اندلس)، ۴۸	حسار، ۱۱۷	حَزْمَل، ۱۱۶	حزبان، ۴۵
حشیشه الذَّهَبِیة (اندلس)، ۴۸	حَسْک، ۳۷، ۱۱۸، ۱۲۴	حزْمَل، ۲۸۶	حزباء، ۴۶
حشیشه الرنة، ۱۱۹، ۲۰۵	حسک البری، ۱۱۸	حزمل البلدی، ۱۹۱	حُزْمَت، ۱۱۴
حشیشه الزجاج، ۳۴	حسک الجمال، ۵۹	حزمل عامی، ۱۱۶	حزبه، ۱۱۴
حشیشه الرومانین، ۵۹	حسک الفِراخ، ۲۱۲	حزمل عربی، ۱۱۶	حزبیه، ۲۷۱
حشیشه الزجاج، ۳۴، ۱۱۹، ۱۵۹	حسکة (مصر)، ۷۹	حُرْمَلَه، ۱۱۶	حز الشیاطین، ۳۶
حشیشه السعال، ۱۱۹، ۱۷۱	حسیب، ۸۲	حزْمَلَة، ۱۱۶	حزشا، ۱۳۰
حشیشه السلحفا (شام)، ۳۷	حسین، ۱۴۵	حزوا عظم، ۲۴۵	حزشاء، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۳
حشیشه السلحفاة (شام)، ۳۷	حَسَف، ۲۸۳	حزشاء، ۱۵۷	حزشف، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۱۰
حشیشه السلطان (مصر)، ۲۹۶	حسوی، ۲۲۶	حُرِشَة، ۱۱۴	۲۶۵
	حشیش، ۷۸، ۲۴۵	حزشف، ۱۱۴، ۱۵۷، ۱۵۹	حَزْشَف، ۲۶۷
	حشیش الأعظم، ۱۵۶	حزشف البزئی، ۱۱۴	حَزْشَف البزئی، ۱۱۴
	حشیش الدواب (مصر و شام)، ۲۹۶	حزشف البُستانی، ۱۱۴	حَزْشَف البُستانی، ۱۱۴
		حزشف بری، ۲۱۲	حزشف بری، ۲۱۲
		حزشف بستانی، ۱۱۴	حزشف بستانی، ۱۱۴
		حزشف، ۶۵	حزشف، ۶۵

۱۳۱	حشیشة السُّلَّخَفَاة، ۶۰	حَلَاب، ۱۲۰	حماض الارض، ۱۲۳	حَمَصِیص الترف، ۱۲۲
۱۴۱	حشیشة السنبیل الرومی،	حَلَاوَات، ۱۲۶	حماض الارنب، ۱۲۳، ۵۵	حمض، ۱۴۷، ۱۴۴، ۵۲
۹۵	حشیشة السُّواقی (مغرب)،	حَلَاوی، ۶۷	حماض البری، ۱۲۳	حَمَض، ۵۲
۸۸	حشیشة الشربک، ۸۸	حَلْب، ۱۲۲	حماض البقر، ۱۲۳	حَمَض، ۶۶، ۹۷، ۱۱۰
۲۰۸	حشیشة الصفراء، ۲۰۸	حَلْبَاب، ۱۲۲	حماض الجبلی، ۱۵۹، ۴۰	۲۸۴، ۲۵۰، ۱۵۵
۱۶۰، ۱۱۹	حشیشة الطحال، ۱۶۰، ۱۱۹	حَلْب التیسی، ۱۲۲	حماض الحسکی، ۱۲۲	حِمَض، ۱۳۹
۱۲۰	حشیشة الطلق، ۱۲۰	حِلْبَاب، ۱۲۲	حماض السبخی، ۱۲۲	حِمَض، ۱۵۸
۱۹۴	حشیشة العقرب، ۱۹۴	حلبوب، ۲۶۶، ۱۳۶	حماض السواقی، ۱۲۲، ۱۲۳	حمض الابل، ۱۲۳
۱۲۰، ۶۳	حشیشة العَلَق، ۱۲۰، ۶۳	حَلْبُوب (اندلس)، ۱۲۱	حماض الشامی، ۱۲۲	حَمَلَة، ۱۲۳
۲۱۹	حشیشة الغافث، ۲۱۹	حلبوب غیر منقط، ۱۲۱	حماض الماء، ۱۲۲، ۱۲۳	حَمَیْش (فاس)، ۵۹
۱۲۰	حشیشة الفَرَج، ۱۲۰	حَلْبَة، ۱۲۰	حماض بزرگ، ۲۷۴	حَمَیر، ۱۵۵
۲۴۵	حشیشة الفقراء، ۲۴۵	حَلِیب، ۱۲۱	حماض بستانی، ۱۲۳	حمیراء، ۳۸
۱۲۰	حشیشة الکبد، ۱۲۰	حَلِیب، ۱۲۱	حماض جبلی، ۱۵۹	حَمَیراء، ۱۵۵، ۳۸، ۱۹۰
۲۸۰	حشیشة الکلاب، ۲۸۰	حَلْجَال (مغرب و فاس)، ۴۷	حَمَاض حَسَکَی، ۷۶	حَمَیْط (فاس)، ۱۲۲
۲۸۰، ۲۲۴	حشیشة الکلب، ۲۸۰، ۲۲۴	حَلْجَل، ۲۵۱	حماض حسکی، ۱۵۹	حَنَاء، ۱۲۵
۶۰	حشیشة اللجأة، ۶۰	حَلْفَا، ۱۲۱	حماض کبیر، ۱۲۲	حَنَاء القَوْلَة (مصر)، ۳۸
۳۷	حشیشة اللجأة (شام)، ۳۷	حَلْفَاء، ۳۷	حماض نیری، ۱۲۳	حَنَامِشَة، ۱۹۳
۱۲۰	حشیشة المَعْدِن، ۱۲۰	حَلْفَاء، ۲۰۴، ۱۴۸	حَمَاط، ۱۲۳، ۵۵، ۱۵۰	حَنَاء الجبلیه، ۱۲۵
۶۹	حشیشة المُقَدَّسَة، ۶۹	حَلَق، ۱۲۲	حَمَامَا، ۱۲۴	حَنَاء الرُّعَاة، ۱۲۵
۶۹	حشیشة المُکَرَّمَة، ۶۹	حَلَمَة، ۱۲۲، ۱۶۳	حَمَامِی، ۷۳	حَنَاء الغول، ۳۸
۳۷	حشیشة النجاة (شام)، ۳۷	حَلْوَانَة، ۶۷	حَمَامِی، ۱۵۶	حَنَاء الغولَة، ۱۲۵
۱۱۹	حشیشة دودیة، ۱۱۹	حَلْوَة، ۶۷	حَمِجِم، ۲۵۲	حَنَاء القْرِیْش (مصر)، ۱۱۷
۲۳۱، ۱۷۴، ۱۲۰	حُضَض، ۲۳۱، ۱۷۴، ۱۲۰	حَلَّة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱	حَمَمُح (شام و شرق)، ۲۶۸	حَنَاء المَجِیْنُونَة، ۱۲۵
۲۳۱	حُضَض هندی، ۲۳۱	حَلِی، ۹۷	حَمَر، ۱۲۴، ۹۵	حَنَاء المَرُوج، ۱۲۵
۱۲۰	حَضَض یمانی، ۱۲۰	حَلِی، ۱۲۲	حَمَص، ۷۶	حَنَاء قْرِیْش، ۱۱۷
۱۸۸	حَطَب، ۱۸۸	حَلِیَة، ۵۴	حَمَص، ۱۲۴	حَنَاء مَعجُون، ۲۹۲
۲۶۵	حَطَب الفَتَح، ۲۶۵	حَمَاجِم، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۸۴	حَمَص الامیر، ۱۱۸	حَنَدَقُوقَا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱
۴۶	حَطَبه، ۴۶	حَمَاص بحری، ۲۰۱	حَمَص الامیر، ۱۱۸	حَنَدَقُوقَا مَصرِی، ۲۹۱
۷۵	حَفَا، ۷۵	حَمَاض، ۸۳، ۹۷، ۲۶۶	حَمَص الامیر (مغرب)، ۱۱۸	حَنَدَقُوقَا، ۱۵۲، ۲۷۲
۷۵	حَفَا، ۷۵	۲۶۹	حَمَص الامیر، ۱۲۴	حَنَدَقُوقَا، ۲۰۸
حفوظه (عجمیت اندلس)،	حَفَوْظَة (عجمیت اندلس)،	حَمَاض، ۱۲۲	حَمَص الامیر، ۱۲۴	حَنَدَقُوقَا (بغداد)، ۱۵۰
۱۹۱	حِفْوَل، ۱۲۷	حَمَاض، ۱۲۴، ۱۷۴	حَمَص الامیر (مغرب)، ۱۱۸	حَنَزَاب، ۵۰
۱۲۶	حَقَل، ۱۲۶	حَمَاض الاتْرَج، ۱۲۳	حَمَص البری، ۱۱۸	حَنَشِی، ۲۷۳
۱۷۶	حَل، ۱۷۶	حَمَاض الِاجامِی، ۱۲۲، ۱۲۳	حَمَص بری، ۱۲۴	حَنَطَة السُودَاء، ۱۹۴

۱۳۱	خَرْزَقَة	۱۲۹	خَبازِی شَقایقِی	۲۸۱	۱۹۲، ۲۰۴، ۲۷۴، ۲۸۱	۱۲۶	حَنطَة البریة
۱۲۶	خَرْطال	۱۲۹	خَبازِی قُرطِی	۳۷	حی العالم	۱۲۶	حَنطَة الحَبشیة
۲۳۷	خَرْطال (فاس)	۵۸، ۵۷	خَبزِ الغراب	۵۸	حیربول (اندلس)	۱۲۶، ۱۳۹	حَنطَة الرِیمِیة
۱۲۷	خَرْطال (مصر)	۹۰	خَبزِ الغراب (اندلس)	۱۶۱	حی عالم	۱۲۶	حَنطَة السَداب
۸۸	خَرْطان	۱۳۰، ۷۵	خَبزِ القُرود	۱۲۳	حَیْهَل	۱۷۳	حَنطَة الفارسی
۱۳۱	خَرْفَع	۲۶۷	خَبزِ الکلب	۱۳۸	خابور	۱۲۶	حَنطَة الفارسیة
۱۳۱	خَرْفِق	۱۳۰	خَبزِ المَشایخ	۱۱۸	خار سو هک	۱۴۷	حَنطَة جِلبِیة
۱۰۴	خَرْفِی	۱۳۰	خَبزِ رومی	۱۰۲، ۱۲۷، ۱۴۳	خافور	۱۳۹	حَنطَة رومیة
۲۸۰	خِرْق	۱۲۹	خَبْه	۲۸۰	۲۸۰	۱۷۳	حَنطَة صغیرة
۱۳۱	خُرْم	۱۳۰	خَببِزَة صغیرة	۱۲۷	خالیدونیون ذو الخَطافی	۱۸۷، ۱۲۶	حَنظَل
۱۶۹	خِرم	۵۵	خَشْرَق	۱۲۷	۱۲۷	۲۱۳	۲۱۳
۲۰۲	خِرمَازِق	۱۶۷	خِتم المَلک	۱۴۹	خاماذنی	۱۲۶	حَنظَل
۱۳۲	خِرْزُوب	۲۱۱	خِتمی بری	۲۷۵	خامالون ابيض	۱۰۶	حَنظَل رومی
۱۳۲	خِرْزُوب	۸۸	خِذاع الرِجال	۱۲۸	خامالون الأسود	۳۴	حَنوَه
۲۴۱	خِرْزُوب	۹۹	خِذْرَاف	۱۲۸	خامشَة	۱۵۹، ۳۴	حَنوَه
۱۳۲	خِرْزُوب الخِزیر	۱۲۳	خِذْرَاف	۱۲۸	خانق الذئب	۱۵۹	حَنوَه
۶۳	خِرْزُوب الخِزیر (مصر)	۲۰۰	خِرَاز المَاء	۵۵	خانق الذباب	۲۹۰	حَنِیق زَبِق
۱۳۲	خِرْزُوب الشوک (شام)	۱۲۳	خِرَاطین	۶۸	خانق الکرسنه	۱۴۵	حَنِین
۶۲	خِرْزُوب الکَلْب	۲۶۹	خِرَافَة العَجوز	۲۰۱	خانق الکرسنه	۲۹۸	حَوَاء البقر
۱۳۲	خِرْزُوب المعزِی	۲۴۸	خِرَاء النواتیة	۱۲۸، ۹۳	خانق الکلاب	۲۹۴	حَوَجم
۳۰۱	خِرْزُوب المِعزِی (شام)	۱۱۴	خِرَیع	۱۲۸، ۴۲	خانق الکلب	۲۵۹، ۱۲۷	حَوْذان
۱۳۲	خِرْزُوب شامی	۱۳۰	خِرْبِق	۲۳۱	۲۳۱	۲۷۳، ۱۵۳	حَوْذان
۱۳۲	خِرْزُوب مصری	۱۲۹، ۱۵۳، ۲۵۹	خِرْبِق اسود	۲۳۸	۱۲۸، ۵۱، ۲۳۸	۱۲۷	حَوْر
۳۰۱	خِرْزُوب نبطی	۱۳۰	خِرْبِق ابيض	۱۲۸	خانق التمر	۱۲۷	حَوْر
۱۴۰	خِرْزُوب هندی	۱۳۰	خِرْدل	۲۳۲	خانق نفسه	۷۸	حور اسفیدان
۱۳۰	خِرْزُوب الحمام	۱۸۹، ۱۵۳	خِرْدل	۱۴۰	خَب	۵۵	حَوْر الرومی
۲۰۰	خِرْزُوب الضفادع	۱۱۵	خِرْدل الابيض	۲۸۴	خَبْزای	۱۲۷، ۱۰۹	حور الرومی
۱۳۲	خِرْزُوب	۱۳۰	خِرْدل البر	۱۲۹	خَبازِی	۱۲۷	حور رومی
۱۳۲	خِرْزُوب	۱۱۵	خِرْدل الفارسی	۲۸۴، ۱۲۹	خَبازِی	۱۲۷	حوز
۲۷۱	خِرْزُوب الخِزیر	۱۱۴، ۱۰۲	خِرْدل بری	۱۲۹	خَبازِی الجَبلی	۷۱	حُوک
۱۹۱	خِرْزُوب السَّنط	۱۱۶، ۱۳۱، ۲۶۶	خِرْدل	۱۲۹	خَبازِی السبخی	۱۱۳	حُوک
۱۳۲	خِرْزُوب السودان	۱۳۱	خِرْدل فارسی	۱۲۹	خَبازِی الصقلی	۱۹۸	حُوک
۱۳۲	خِرْزُوب الشامی	۱۳۰	خِرْدل فارسی (دمشق)	۱۲۹	خَبازِی الفارسی	۱۵۲	حَوْمانَة
۱۳۲	خِرْزُوب الشوک	۲۱۴	خِرْزُوب الملوک	۱۲۹	خَبازِی الماکول	۲۰۳	حومانَة (آفریقا)
۳۰۱	خِرْزُوب العریض	۱۶۳	خِرْزُوع	۱۲۹	خَبازِی المَجوسی	۱۲۴	حومر
۱۰۹	خِرْزُوب النبطی	۱۳۱	خِرْزُول	۱۲۹	خَبازِی الهندی	۳۷	حی
۳۰۱	خِرْزُوب النبطی	۱۲۹	خَبازِی حَمَقاء	۳۴، ۳۷، ۶۴	۳۴، ۳۷، ۶۴	حی العالم	حی العالم



خوخ قلیق استه، ۲۳۲	خطمی بری، ۱۳۶، ۱۸۷	خشخاش المَقْرَن، ۱۳۴	خزوب الهندی، ۱۴۰
خوشان، ۱۲۳	خطمیة البيضاء، ۱۲۹	خشخاش المَقْرَن، ۲۷۶	خزوب الهندی، ۱۴۰
خوص (مصر)، ۷۵	خلاف، ۵۴، ۱۷۱	خشخاش اليهودی، ۱۳۴	خزوع، ۱۳۳، ۲۰۳
خوص (مغرب)، ۲۰۸	خلاف، ۱۳۶	خشخاش أبيض، ۱۳۴	خزوع الاسود، ۲۸۷
خوصه (اندلس)، ۲۷۲	خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹	خشخاش أسود، ۱۳۴	خزوع الضفادع، ۲۰۰
خولان، ۱۲۰	خلاف (شام)، ۱۳۶	خشخاش بحری، ۱۳۵	خزوع صینی، ۱۴۷
خولَع، ۱۲۶	خلال، ۲۸۲	خشخاش بری، ۱۳۴	خزیرع، ۴۲
خوم، ۱۴۰	خلال مامونی، ۴۳	خشخاش بستانی، ۱۳۴	خزیرع، ۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰
خویصه مصغر (اندلس)، ۲۷۲	خَلَر، ۱۰۴	خشخاش زَبَدی، ۱۳۵	خزیرع، ۱۳۳
خیار شنبر، ۱۴۰	خَلَر، ۱۳۷	خَشَخَاش سائل، ۱۳۴	خَزْء الحَمَام، ۱۳۰
خیار صنبر، ۱۴۰	خَلَص، ۱۳۷	خشخاش مَقْرَن، ۱۳۵	خزوالحمام (رقه)، ۱۰۷
خیار (عراق)، ۲۳۴	خلنج، ۱۱۰	خشخاش مشور، ۱۳۵	خَزَامی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸
خیر میز ألف، ۱۷۹	خَلَنج، ۱۳۷	خشل، ۲۸۳	خَزَم، ۱۳۳
خیر من ألف درهم، ۱۷۹	خَلَوانی (اندلس)، ۲۴۶	خصی الثعلب، ۸۰، ۸۹	خَس، ۱۳۳
خیری، ۲۸۵، ۲۹۲	خَلُوق، ۱۶۳	۱۳۵، ۱۵۲	خَس، ۲۸۰
خیری ازرق، ۱۶۸	خَلُوقه، ۲۶۱	خُصی الثُّغَلَب، ۱۳۵، ۲۰۳	خَس، ۲۹۷
خیری اصفر، ۱۶۸	خَلَّة، ۱۳۷	۲۴۶	خَساء، ۱۰۲
خیری الاحمر، ۷۹	خمان الأرض، ۱۳۸	خصی الیدیك، ۱۳۵	خس الارنب، ۱۳۳
خیری الاصفر، ۱۴۰	خمان الصغیر، ۱۳۸	خصی السمور، ۱۳۶	خَس الاسود، ۱۳۳
خیری البر، ۱۳۳	خمان الکبیر، ۱۳۸	خصی القط، ۱۳۵	خس الحمار، ۳۸، ۹۴، ۱۳۴
خیری البر، ۱۴۰	خِمْنجِم، ۶۳	خُصی الکلب، ۸۰، ۱۳۵	خَس الحِمَار، ۳۸، ۴۳، ۶۸
خیری الماء، ۱۴۰، ۲۷۲	خمنخم، ۱۳۸	خصی الہِر، ۱۵۰	۱۳۳، ۲۹۶
خیری (بغداد و موصل)، ۲۱۱	خَمَر، ۲۰۲	خُصی هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶	خس الحمار (فاس)، ۱۳۳
خیری جبلی، ۱۳۳، ۲۶۸	خَمْضِیض، ۱۲۲	خَضِر، ۱۶۴، ۱۹۴	خس الفدان، ۱۳۳
خیزران، ۱۴۰	خَمَط، ۵۵، ۱۴۵	خِضلاف، ۱۵۷، ۲۸۳	خس الکلب، ۱۴۹
خیزران البلدی (اندلس)، ۳۶	خمل، ۱۷۹	خُضیراء، ۱۵۹، ۲۷۵	خس بری، ۱۳۳
خیزران بلدی، ۱۴۰	خَشی، ۳۷، ۵۱، ۸۰، ۸۶	خَطَّار، ۲۵۱	خَس بستانی، ۱۳۳
خیزو (مراکش)، ۱۰۳	۱۳۸	خَطَّافی، ۱۲۷	خسران، ۷۹
خینوس، ۱۹۳	خشی الصخریه، ۱۳۸	خِطْر، ۱۲۵، ۲۹۲	خسف، ۱۰۶
خیوز (سوانم)، ۲۰۱	خنج، ۱۳۱	خَطْر، ۱۳۶	خسئی، ۳۰۰
دائم العطش، ۱۴۸	خنداقل (مصر)، ۱۰۴	خِطْر، ۲۵۱	خشب الحیه، ۲۹۷
داج، ۱۴۳	خندروس، ۱۲۶، ۱۳۹	خِطْرَة، ۱۳۶	خشب الصینی، ۱۰۶
داد الأبیض (اندلس)، ۵۱	خندروس، ۱۳۹، ۲۰۱	خطمی، ۱۲۹، ۲۱۶	خشخاش، ۱۳۴، ۱۸۸
داد الأسود، ۵۱	خنزیری (مصر)، ۲۷۲	خِطْمی، ۱۳۶	خشخاش احمر، ۱۳۴
داد الوحید (آفریقا)، ۵۱	خوخ، ۱۳۹	خطمی الازغب، ۱۲۹	خشخاش اسود، ۱۳۴
	خوخ الماء، ۱۱۵، ۱۳۹	خطمی الرومی، ۱۲۹	خشخاش البری، ۱۳۴
	۲۷۲	خطمی المروج، ۱۲۹	خشخاش الزبیدی، ۱۰۰
	خوخ المروج، ۲۴۳	خطمی النهری، ۱۲۹	خشخاش الساحلی، ۱۳۴

دادی، ۲۰۴	دزیاس، ۱۴۵	دوقس (شام)، ۱۱۸	ذَفلی، ۱۴۵
داذی الرومی، ۲۹۸	دریاس (فاس)، ۶۵	دوقسو، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۸	ذُکار، ۹۶
داذی رومی، ۱۴۱	دریاس (مغرب)، ۹۷	۱۸۸، ۲۲۸، ۲۵۶	ذکر الارض، ۹۲
دار المرز، ۶۵	دستنبو، ۱۴۴	دوقوالاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸	ذَکَر الِدیك، ۱۵۰
دارصینی، ۲۳۸	دَسَم الشجر المرز، ۲۸۶	دوقو الرومی، ۱۰۳	ذکر الرئيس، ۱۳۵، ۱۵۰
دار صینی الدون، ۱۴۱	دسم الصوف الوذج، ۱۶۵	دوقو القراذی، ۱۰۳	ذکر الکلب، ۱۵۰
دارصینی حبشی، ۱۴۱	دسیسه (مصر)، ۵۶	دوقو القَراذی، ۱۰۳	ذَکَر الهَرز، ۸۰، ۲۰۱
دارصینی زور، ۱۴۱	دشینه، ۱۹۷	دوقو املس، ۱۴۸	ذکور البقل، ۱۴۴
دار قُلُقُل، ۲۲۷، ۴۶	دُعاع، ۱۴۵	دوقو بری، ۱۴۸	ذَنب الأَیَل، ۲۸۷
دارکسنه (عراق)، ۲۴۹	دُعُیوب، ۱۴۵	دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۸۳، ۲۸۴	ذنب الثعلب، ۱۸۱
دارکیسه، ۱۹۹	دُعُلول، ۱۴۵	دوم (مغرب)، ۲۰۸	ذَنب الجَمَل، ۱۲۶
دارکیسه (شام)، ۱۰۷	دَفلی، ۳۷	دومه، ۲۸۳	ذنب الحِدَاة (اندلس)، ۲۳۱
دارکیسه، ۱۴۲	دِفلی، ۳۷، ۱۴۵	دویره، ۲۷۳	ذَنب الخَروف، ۱۵۱
دارکیسه (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹	دَفلی البیضاء، ۱۴۵	دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸	ذنب الخیل، ۵۰، ۶۲، ۲۶۷
دافع الغم، ۱۱۳	دَفلی الخضراء، ۱۴۵	دیس (اندلس)، ۵۰، ۱۷۵	ذَنب الخَیَل، ۵۰، ۱۵۱
دائج أبروج، ۱۴۲	دِق، ۱۴۳	دیک الاعمی، ۱۱۸	ذنب السَّبج، ۱۵۱
داء الحیه، ۱۰۶	دُلَاع، ۸۱، ۸۲	دیک الاعور، ۱۱۸	ذَنب العَقرَب، ۱۵۱، ۱۵۲
دَب، ۲۹۱	دِلاع البری، ۱۲۶	دیک (اندلس)، ۱۴۴	۲۰۴
دَبَا، ۱۴۲، ۲۳۷	دِلال، ۱۸۰	دیک اَعوَر، ۱۱۸	ذنب الفار، ۲۶۹
دَبِق، ۵۱، ۵۸، ۱۶۷	دُئِب، ۱۴۵	ذات الریش، ۱۴۹	ذَنب الفار (اندلس)، ۲۶۹
دَبِق، ۱۴۲	دِلب، ۲۱۷، ۲۹۰	ذات ثلاث حَبات، ۱۶۲	ذنب الفاره، ۲۶۹
دَبِقی، ۵۱	دِلبوث، ۴۵	ذافنی الأسکندری، ۱۴۹	ذنب الفرس (شام)، ۱۵۱
دَبی، ۹۶	دِلبوث، ۲۵۷	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	ذنب القَظ (اندلس)، ۱۵۱
دَجَر، ۲۷۱	دِلدغ، ۱۴۶	دُئِج، ۶۳، ۱۰۳، ۲۶۵	ذنب اللبوء، ۱۵۱
دحداح، ۱۴۳	دُئَم (فاس)، ۱۴۵	دُئِخَة، ۶۳	ذنب اللبوء، ۱۵۱
دُخَن، ۱۰۰، ۱۴۳	دم الاخوین، ۱۹۲	ذراعہ (مصر)، ۲۳۶	ذنب النمر، ۷۵
دُخَن البری، ۱۱۹	دم الأَخوین، ۶۹، ۲۱۵	ذرق، ۱۲۵	ذنب الهَرز، ۸۷
دخن العصافیر، ۱۴۳	دم الأَخوین، ۱۴۶، ۱۷۹	ذُرُق، ۲۹۱	ذنبان، ۱۵۱
دخن النملی، ۱۴۳	دم الأمیر، ۱۴۷	ذُرُق الحَمَام، ۱۵۰	ذُئِباء، ۱۵۱
دخن بری، ۱۰۰	دم الغزال، ۱۴۷	ذُرُق الطَیْر، ۸۷	ذوات الجُجم، ۲۰۴
دُخَنه، ۴۴	دمیثا، ۹۷	ذُرُق الطَیْر، ۱۵۰	ذوات جُجم، ۲۵۶
دُخَنه مریم، ۷۴	دند، ۱۴۷، ۲۷۶	ذَره، ۲۰۳	ذو أَلف ورقه، ۱۵۱، ۱۷۱
دِرامج، ۱۴۳	دَنقَة، ۱۶۴، ۱۹۴	ذَره، ۲۶۳	ذو ثلاث الوان، ۱۵۲
دِرانیج، ۱۴۳	دوام (انطاکیه)، ۸۶	ذَرَة، ۱۴۹	ذو ثلاث حَبات، ۱۶۲
دِرَحولَة، ۱۴۴	دواء الجنون، ۵۵	ذُرَیْرَة السُّخَم (مصر)، ۲۷۳	ذو ثلاث شوکات، ۱۵۲
دِرَق، ۱۲۵	دواء الحَیْه، ۱۰۶	ذریرة (مصر)، ۲۷۳	ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲
دِرمامه، ۱۴۴	دواء الخَطاطیف، ۲۷۶، ۲۰۸	ذریزه، ۱۵۰	ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳
دِرماء، ۱۴۴	دود الصخر، ۷۹	ذفراء، ۱۵۰	ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲

رجل صالح، ٢٨٠	رَبْرُق، ٢٤٩	راحة الكَلْب، ٢٥٤	ذو ثلاثة شعب، ١١٨
رجله، ٨٢	ربرق (يمن)، ١٥٤	رازقئ، ١٨١	ذو ثلاثة عناقيد، ٢٠٣
رجلة، ٨٣، ٨٤	رَبْل، ١٥٤	رازيانج، ٧٨، ١٥٢، ٢٣٨	ذو خمسة أجنحه، ٨٩
رجلة الشتاء و الصيف، ١٠٨	رَبْل (مصر)، ٥٦	رازيانج البستاني، ١٥٣	ذو خمسة اجنحه، ٤١
رجينه، ١٩٧	رَبْم، ١٥١، ١٥٤	رازيانج الرومي، ٦٧	ذو خمسة اجنحه، ٨٨، ١٥٢
رجينه (اندلس)، ١٥٢	رَبْم الخنزير، ١٥٤	رازيانج الشامي، ٦٧	ذو خمسة اصابع، ١٥٢، ٢٣٠
رحبينه، ١٩٧	رَبْم الأطباء، ١٥٤	رازيانج القروذ، ١٤٨، ١٥٣	ذو خمسة اقسام، ٨٨، ١٥٢
رخامي، ١٥٥	رُتَه، ٥٢، ٥٤	رازيانج برى، ١٥٢، ١٥٣	ذو خمسة اوراق، ٤١، ٨٨
رخون (بغداد)، ٢٦١	رُتَه، ١٥٥	رازيانج حبشى، ١٥٣	١٥٢، ٢٣٠
رخينه، ١٥٢	رتيانج، ١٩٧	رازيانج رومي، ١٥٣	ذو خمسة أجنحة، ١٥٢
ردايف، ١١٤	رثيث، ٥٠	رازيانج شامى، ١٥٣	ذو خمسة أصابع، ٤١، ٨٨
رسيم (مصر)، ٢٣٦	رجبه، ١٥٥	رازيانج فارسي، ١٥٢	١٥٢
رشاد، ١٠٢، ١١٥	رجل الأرنب، ٢٦٥	رازيانج (مغرب و اندلس)، ٧٨	ذو خمسة أقسام، ١٥٢
رشال الاحمر، ٤٦	رجل البازى، ١٥٥، ٢٤٨	رازيانق، ٧٨	ذو سبعة اضلاع، ٢٦٩
رُشالة الابيض، ٢٦٤	رجل الجراد، ١٥٥، ١٦١	راس الذهب، ١٣٠	ذو سُؤنيكة، ١٥٢
رشيته، ١٥٢	رجل الحدأة، ١٥٥	راسن، ١٥٩، ٢٥٢	ذو مائة رأس، ١٥٢
رشيته (اندلس)، ١٥٢	رجل الحرشاء، ١٥٥	راسن (اندلس)، ١٠٦	ذهبي، ٣٤
رضاييف، ١١٤، ١٥٩	رجل الحمام (اندلس)، ١٢٥	راطينا، ١٩٧	ذهبيه، ١٥٢، ١٥٣
رطا، ٢٤٧	رجل الحمامه، ٣٨، ١١٩	رافعه، ١٣٠	ذى الورقة الواحدة، ٢٧٣
رطب القث، ١٥٦	١٢٥	رافعة، ١٥٤	ذُونون، ١٥٢، ٢٠١
رَطْبُه، ١٥٥	رِجْل الحَمَامَه، ٣٨، ٤٣، ٢٥٢	راوند، ١٥٤	رئيس الجَبَل، ١١٩
رطبته، ٩٢، ٢٤١، ٢٣٧، ٢٩١	رِجْل الحَمَامَة (اندلس)، ٦٨	راوند الجبلى، ٢٥٠	رئيس الجبل، ١٢٠، ١٦٠
رَعَث، ١٥٦، ١٥٨	١٩٠	راوند الفارسي، ١٢٢، ١٥٩	رائحة الأثرُج، ٧١
رَعْيُ الإِبِل، ١٥٦	رجل الدجاجة، ١٥٥	راوند شامى، ١٥٤	رائحة البستان، ٢٨٠
رعى الأيّل، ٦٠	رجل الدجاجة (أفريقيا)، ٧٠	راء، ١٥٢	رابوقه، ٨٢
رعى الأبل، ٦٠، ٢٨١	رجل الزاغ (شام)، ١٥٥	راءآ، ١٥٢	راتيانج، ١٩٦
رعى الأيّل، ١٥٦	رجل الزرزور، ١٥٥	راءا، ١٣١، ١٣٩، ٢٦٣	راتيانج، ١٩٧
رعى الأيّل، ١٥٦	رجل الطير، ٣٦	رأس الأَفْعَى، ٤٢	راتينا، ١٩٧
رعى البَط، ١٤٨	رجل العقاب، ١٥٥	رأس الذهب، ١٣٢، ١٥٣	راتيناج، ١٥٢
رعى الحمام، ٦٠، ٧٣، ٢٠٤	رجل العقق، ١٥٥	رأس الزرزور، ١٥٣	راتينج، ١٥٢، ١٩٧، ٢٤٤
رعى الحَمَام، ٦٩، ١٥٦	رِجْل العُقْرَاب، ٣٦، ١٤٨	رأس الشيخ، ٥٨، ١٥٣	راتينج، ١٩٧
رعى الحمير، ٢٢٥	رجل الفروج، ٥٢، ١٢٣	رأس العجل الكبير، ٦٧	راح، ٧٩
رعى الشواهين، ٢٠٤	٢٣٢	رأس العصفور، ١٥٣	راح العرب، ٦٢
رعى الضفادع، ٢٥٤	رِجْل الفَرُوج، ١١٦	رأس التفنذ، ١٥٣	راحة الاسد، ٢٨٣
رعى العير، ٤٣	رجل الفروج (اندلس)، ١٥٥	رأس الهدهد (اسكندريه)، ٢٧٧	راحة الأسد، ٢٨٦
رَعْيَداء، ١٦٤	رجل القلوس، ١٥٥	رب القَرَط، ١٣٢	راحة الكَف، ٢٥٩
رَعْيَداء، ١٩٤	رجل القلوس، ١٥٥		راحة الكلب، ١٥٢

زراوند الطویل، ۲۳۴	ریحان الثعلب، ۱۴۹، ۱۵۹	رقی (بغداد)، ۸۲	رَعَث، ۱۰۴
زراوند الطویل (آفریقا)، ۱۸۶	ریحان الجز، ۱۵۹	رَكْف (آفریقا)، ۷۵	رغل، ۸۳
زراوند مُدَخَّرَج، ۱۶۱	ریحان السلیمان، ۱۶۰	رَمَان، ۱۰۴	رُغْل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰
زراوند مدور، ۱۶۱	ریحان السواقی، ۱۵۹	رُمان، ۱۵۷	رُغْیَداء، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴
زرجون، ۲۱۴	ریحان الشیاطین، ۱۸۳	رمان الأناهار، ۱۵۸	یرفاید، ۱۱۹
زرع، ۱۲۶	ریحان الشیوخ، ۲۸۰	رمان البر، ۱۵۸	رقاع، ۱۵۷
زَرَع، ۱۲۶	ریحان القبور، ۳۶	رمان السُعال، ۱۵۸، ۲۷۵	رُقاع الیمانی، ۱۵۷
زرع علی. زرع، ۲۵۷	رِیحان الکافور، ۱۶۰	رَمَان السعالی، ۲۸۸	رِقَان، ۱۲۵
زرق الطیر، ۱۵۷	ریحان الماء، ۳۹	رمان الهند، ۱۸۹	رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷
زرنب، ۱۵۵، ۱۶۱	ریحان المرز، ۱۵۹	رمان الهندی، ۱۸۹	رقعا، ۱۳۸
زَرَنْب، ۱۶۱	ریحان الملک، ۱۹۸	رمان بری، ۱۰۴، ۱۱۲	رقع الیمانی، ۱۰۸
زرنباد، ۱۶۱	ریحان النعنع (مصر)، ۳۹	۱۵۸، ۲۸۳	رقعاء، ۱۶۹
زُرْبَاد، ۱۶۱	ریحان اليهود، ۱۶۰	رمان بستانی، ۱۰۴	رَقَعَه، ۱۵۷
زُرْنک، ۸۰	ریحان (اندلس)، ۳۶	رمان حامض، ۱۵۷	رقعة الرومیه، ۱۵۷
زرنیلج، ۱۵۹	ریحان بری، ۸۳	رمان حلو، ۱۵۷	رقعة الصخریه، ۲۵۷
زریعة السُوداء، ۱۹۲	ریحان داود، ۳۴	رمان هندی، ۱۴۱، ۲۸۸	رقعة الصخریه (اندلس)، ۲۷۱
زریعة ابلیس، ۱۸۷	ریحان سلیمان، ۱۰۵	رمت، ۴۴	رقعة الصنوبریه، ۱۵۷
زریقاء، ۱۰۵	ریحان قرنفلی، ۲۲۵	رِمْت، ۱۵۸	رقعة الفارسیه (اندلس)، ۸۷
زُغورور، ۱۶۲	ریحانة الرومیه، ۱۱۳	رُمح صغیر، ۲۷۱	رقعة اللطینیة، ۹۷
زعرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۹۱	ریحانة الفتی، ۱۶۰	رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱	رقعة النهریه، ۲۹۱
زُعرور، ۲۸۲	ریحانة المرود، ۱۱۳	رُنْد، ۱۵۹	رقعة (اهل سرات)، ۱۰۸
زعرور الأدویة، ۵۸	ریحانة الملک، ۱۱۳، ۱۵۹	رند اسکندرانی، ۱۵۹	رقعة بریه، ۱۵۷
زعرور یستانی، ۱۶۳	رِیسم، ۱۲۲	رندلی، ۶۷	رقعة جبلیة، ۱۵۷
زعرور جبلی، ۱۶۲	ریفی، ۸۱، ۶۱	رنف، ۱۵۹	رقعة خضفیه، ۱۵۷
زَعفران، ۱۶۳	ریوند، ۲۶۲	روبیان، ۴۴	رقعة سَهلیة، ۱۵۷
زَعفران، ۲۵۵	زَبَادی، ۱۶۰	رُوْز (فاس)، ۴۴	رقعة شعریة، ۱۵۷
زَعفران بری، ۱۶۳	زَب رِیاح، ۱۵۰	روطة (فاس)، ۱۶۷	رقعة طلییة، ۱۵۷
زَعفران حبشی، ۱۶۳	زَب رِیاح، ۲۰۱	رِهَج الفُأر (مغرب)، ۶۸	رقعة ظلییة، ۱۵۷
زَعفران شرکی، ۱۶۳	زَب رِیاح، ۲۰۱	ریسباس، ۴۰، ۱۵۹، ۲۳۰	رقعة فارسیة، ۱۵۷
زَعفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵	زَبْعَر، ۲۸۰	۲۸۲	رقعة قَرْنُفَلِیة، ۱۵۷
زَعْفَرَاء، ۱۶۳	زَبُوج، ۲۰۶	ریباس الجبلی، ۱۲۲	رقعة لطینیة، ۱۵۷
زَعْبِج، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۵۱	زَبُوج (اندلس)، ۱۶۶	ریباس الخراسانی، ۱۲۲	رقعة مرچیة، ۱۵۷
زَعْبِج، ۲۰۶	زَبِیب الجبل، ۱۱۱، ۲۸۷	ریباس الفارسی، ۲۲۲	رقون، ۱۲۵
زَعْبِج، ۲۰۶	زَبِیب الجبلی، ۲۸۷	ریحان، ۳۱، ۳۵، ۱۸۴، ۲۴۹	رَقُون، ۱۲۵
زَعْبَر، ۲۸۰	زَبِیب الریفی، ۲۸۷	زَیحان، ۱۵۹	رقة، ۲۱۸
زَعْبَر، ۲۸۰	زَبِیب بری، ۱۱۱	ریحان الامرود، ۲۷۹	رَقِیب الشمس، ۱۵۷
زَعْبِر، ۱۶۳	زِدوار، ۱۰۱	ریحان الترنجانی، ۷۱	
	زراوند، ۱۶۰		

سراج متوج، ١٦٨	سامر (شام)، ٢٨٤	زَهرة، ١٦٥	زفروف (فاس)، ٢١٣
سراجیه، ٦٠	سامری، ١٥٤	زهرة الحجر، ١٦٥	زفیزف (اندلس)، ٢١٣
سراویل الطلول (اندلس)، ٦٠	سانوج (فاس)، ١٩٢	زهم، ١٦١	زَقوم، ١٦٣، ١٩٨
سراویل الكُكّه (اندلس)، ٢٦٧	سینت، ٥٧	زیت السودان، ١٦٦	زقوم آخر، ١٦٣
سَرُج، ١٦٩	سینت، ٢٣٧	زیت المهرجان، ١٦٦	زلائف الملوک، ٢٤٧
سرخس، ١٥٧، ٦٥	سبط، ٢٧٣، ٢٥٦	زیت الهرجان، ١٦٦	زلاویه، ١٦٣
سرخس البلوط، ١٤٤	سَبُج الأَرْض، ٧٥	زیتون، ٥٧	زلائف الملوک (مغرب)، ٢٤٧
سرخسی، ٦٥	سبع الشَّغراء، ١٦٧	زیتون، ١٦٥	زَلَم، ١٦٣، ٤٩
سرسر الیدیک (شام)، ١٤٦	سَبُج الکتان، ١٦٧	زیتون الأَرْض، ١٢٨، ٢٧٥	زماره الراعی، ٢٨١
سرقوقینا (شام)، ١٩٣	سبعة اصول، ٢٧٩	زیتون البحر، ١٦٦	زَم البول، ١١٨
سَرُجِج، ٢٤١	سجَلطاط، ٢٩٩	زیتون البری، ١٦٦	زَنْ، ١٣٧
سَرُوق، ١٧٠، ٢٤١	سحار، ٩٦	زیتون الجبلی، ٢٠٦	زَنْ، ١٤٧
سرمق، ٢٧٩، ٢٤١	سحارة، ١٨٩	زیتون الحَبَش، ١٦٦	زَنْبِق، ١٥٢، ١٦٤
سرو، ٣٠١	سَحیر، ١٥١	زیتون الطحال، ١٦٦	زَنْبِق (دمشق)، ١٦٤، ١٨١
سُرّة الأَرْض، ١٦٩	سحیمه (اندلس)، ٢٦٧	زیتون الکلبه، ١٦٦	زنبوج، ١٦٥
سسترنه (اندلس)، ١٨٧	سُخْر، ١٦٧	زیتون الماء، ١٦٥	زنبوع، ٤٠
سَطّاح، ٢٥٢	سَداب، ١٢٤، ١٥٠	زیتون المعز، ١٦٦	زَنْجیل، ١٦٤، ١٧١
سط (مصر)، ٥٧	سَداب البر، ١١٦	زیتون بری، ١٦٦	زنجیل الافرنجی، ١٦٤
سعالی، ١٧١	سَداب البری، ١١٦، ١٦٨	زیتون صخری، ١٦٦	زنجیل العجم، ٥٠، ١٦٤
سَعتر، ١٨٧، ١٩٥	سَداب بستانی، ١٦٨	زیتونیه، ١٤٤	زنجیل الفارس، ٥٠
سَعتر الحمیر، ١١٠	سدايان (مصر)، ١٧٤	زیتونیه (مصر)، ٧٠	زنجیل الکلاب، ١٦٤
سَعْد، ١٧١	سیدر، ١٦٨	زیزفون (دمشق)، ١٦٦	زنجیل بلدی، ١٥٣
سعدان، ١٧٢	سدر، ٢١٤، ٢٧٢، ٢٨٩	زیتة الریاحین، ٧٩	زنجیل شامی، ١٥٣
سَعْدی، ١٤٨	سدر بری، ٦٢	سابقه، ٧٥	زنجیله (اسکندریه)، ٢٢٣
سعدی المَضْفَره، ١٧١	سیدزوان، ١٦٨	ساییزج، ٢٧٠	زند (شام)، ٢١٨
سَعفور الصفالیه، ١٦٣	سیدزرة، ١٦٨	ساداوران، ١٦٦	زَنقال، ٩٦
سَعله، ٧٣	سدوس، ٢٩٢	ساداوران قنطار، ١٦٧	زوان، ١٠٥، ١٤٧، ١٥١
سَعْلَه، ١٧٢	سَداب، ٩٧	ساذج، ٢٨٨	١٥٧، ١٩٤
سَعْد، ٨٦	سَداب، ١٦٧	ساذج هندی، ١٦٧	زوان، ١٦٤
سَعوط، ١٧٢	سَداب البر، ١٥٠	سارق الخاتم، ٢٩٢	زوان (مغرب)، ١٩٤
سَعوط الدوّاب، ٢٦٣	سَداب بری، ٩٧، ٤٨	ساسم، ٣٣	زوفاء، ١٦٥، ١٩٥، ٢٨١
سَفْرَجَل، ١٧٢، ١٨٦	سراج البری، ١٦٨	ساسنوا (فاس)، ١٠٦	زوفای رطب، ١٦٥
سفرجل الهند، ١٨٩	سراج الظلام، ٢٦٣	ساق الاسود، ٧٦	زوفای یابس، ١٦٥، ٥٢
سفرجل هندی، ١٨٩	سراج القطرب، ١٣٢، ١٤٠	ساق الوصیف، ٧٦	زوفرا، ١٤٨، ١٦٥، ٢٢٣
سفری، ١٥٨	سراج القطرب، ٢٦٣، ٢٧٢	ساکتة، ٢٨٠	٢٤٨، ٢٨١
	سراج القطرب، ١٦٨	سالمة، ٤٨	زوفراء، ١٤٨
	سراج القطرب، ١٦٩	ساله، ١٣٠	زهر الملح، ١٦٥

سورنجان الدقیق (اندلس)،	سنبُل الاقلیطی، ۲۸۷	سَمَار، ۱۴۸	سَفناریه (فاس)، ۱۰۳
۲۱۲	سنبُل الرومی، ۲۸۸، ۱۷۸	سَمَار، ۱۷۵	سِقَام الجن، ۲۵۷
سورنجان قتال، ۱۰۸	سنبُل الطیب، ۱۷۷	سَمَاق، ۱۷۵	سِقْمونیا محموده، ۱۷۲
سورنجان هندی، ۱۲۱	سنبُل العصافیر، ۱۷۸، ۱۷۷	سَمَاق، ۲۰۶	سِقویردی، ۲۷۷
سوری، ۱۷۷	سنبُل الکلاب، ۵۰	سَمَاق الدباغین، ۱۷۵	سُکَات، ۱۷۳
سوس، ۱۶۰، ۱۸۰	سنبُل الکلب، ۱۷۸	سَمَاق بری، ۲۸۰	سُکبِنج، ۱۷۳
سوسن، ۱۱۲	سنبُل الملوک، ۲۸۱	سَمَاقیل، ۱۷۵	سُکَر، ۱۷۳
سوسن، ۱۸۰	سنبُل اقلیطی، ۲۸۸	سَم البهائم، ۱۴۵	سُکَر العُشر، ۱۷۳
سوسن، ۱۸۰	سنبُل بری، ۴۶، ۲۲۹، ۲۸۵، ۲۸۸	سَم الحمار، ۱۴۵	سُکوم (فاس)، ۲۹۷
سوسن اصغر، ۷۵، ۱۶۵	سنبُل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸	سَم الحمار، ۱۴۵	سَلَب، ۱۷۴
سوسن الاحمر، ۱۴۶	سنبُل رومی، ۴۶، ۱۷۷	سَم السمک، ۲۷۷	سَلبین، ۱۱۴
سوسن الارجوانی، ۱۸۰	سنبُل، ۱۷۸، ۲۶۹، ۲۸۷	سَم الفأر، ۶۸	سَلت، ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۰۱
سوسن الاسمانجونی، ۷۵، ۱۸۱	سنبُل (عوام)، ۷۶	سَمانی (اندلس)، ۲۹۲	سَلجم، ۹۰
سوسن الاسمانجونی، ۱۸۱	سنبُل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷	سَمَر، ۶۲، ۱۷۶	سَلطان، ۱۵۸
سوسن الأبیض، ۱۸۱	سنبُل، ۱۷۸، ۲۸۸	سَمَر (اهل بادیه)، ۶۲	سَلطان الاشجار، ۱۶۹
سوسن الأزاد، ۱۸۰	سنبُجار، ۳۸، ۱۴۶، ۲۹۶	سَمَرَاء، ۱۷۵	سَلطان البقول، ۱۸۳
سوسن البری، ۱۴۶	سنبُج سیویه، ۱۷۹	سَمسَر، ۳۴	سَلطان الجبَل، ۷۵، ۲۴۹
سوسن الفیروزجی، ۷۰	سنبُدیان الأرض، ۱۷۹	سَمسِق، ۳۴	سَلطان الجبَل (اندلس)، ۱۹۵
سوسن أَصْفَر، ۱۶۴	سنبُ، ۷۷، ۲۳۷	سَمسِق، ۲۷۹	سَلطان الریاحین، ۱۸۳
سوسن أَصْفَر، ۱۸۱	سنبُ، ۱۳۲	سَمسَم، ۱۰۱	سَلَع، ۱۷۴
سوسن بحری، ۸۰	سنبُت، ۲۶۲	سَمسِم، ۱۷۶	سَلَع، ۱۷۴
سوسن بری، ۱۴۴، ۱۴۶	سنبُت الجبلی، ۲۴۸	سَمسَم بری، ۱۷۶	سَلق، ۸۲
۱۸۱، ۲۰۷، ۲۵۷	سواد الاکراد، ۲۵۷	سَمعر، ۵۹	سَلق، ۱۳۳
سوسن بستانی، ۸۰	سواد الحکام، ۱۶۶	سَمعَر، ۱۲۶	سَلق، ۱۷۴
سوسن رملی، ۸۰	سواد السند، ۲۵۷	سَمید العنزروت (فاس)، ۶۶	سَلق، ۱۹۷
سومر، ۱۴۸	سواد العُصاره، ۱۶۷	سَمعَرَاء، ۱۳۰	سَلق البری، ۱۲۲
سوداء، ۱۹۲	سواد القضا، ۱۷۹	سَمعَیره (اندلس)، ۴۷	سَلق الماء، ۹۹، ۱۱۰
سویلا، ۷۶	سواد القضا، ۱۶۶	سَمَاء، ۱۷۶	سَلق بری، ۱۲۳، ۱۷۴
سهلی، ۹۶	سواد القطا، ۱۶۸	سَماء البلدی (اندلس)، ۲۱۸	سَلق بستانی، ۱۷۴
سینبَان، ۱۸۲	سواد الهند، ۱۷۹، ۲۵۷	سَماء اُندلسی، ۲۱۸	سَلق جبلی، ۱۲۲
سینف الغراب، ۷۰، ۱۴۶	سواک العباس، ۱۵۶، ۲۵۴	سَمَار، ۲۲۴	سَلَم، ۱۷۴
۱۸۱، ۲۵۷	سواک القُرد، ۵۲	سَمامکی، ۱۷۶، ۲۰۹	سَلمه، ۱۷۴
سینف القراب، ۱۴۶	سواک القُرد، ۱۹۲	سَمایزه (مصر)، ۶۲	سَلیخ اسود، ۱۷۹
سینف القراب، ۱۸۱	سواک المسیح، ۲۹۲	سَمای عریض الورق (حجاز)، ۲۰۹	سَلیخه، ۱۴۱، ۱۷۹، ۲۳۹
سیکران، ۸۸	سواک عباس، ۲۹۲	سَمبَل، ۱۴۱، ۲۵۸	سَلیط، ۱۷۶
سیکران الحوت، ۹۰، ۲۷۷	سواک عباسی، ۲۹۲	سَمبَل، ۱۷۷	سَمَار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸
سیکران (اندلس)، ۸۸	سوداء الورق، ۱۹۱		

سیوف، ٧٥	شبه الكواكب، ٥٤	شجر الغُتَّيراء، ٢١٩	شجرة البق (شام و عراق)، ١٤٤
شابالنج، ٧٧	شبهان، ١٨٥	شجر الغرب، ٢٢٠	شجرة البق (عراق)، ١٤٤
شابانج، ٧٧	شبهه بالكُرَّاث، ٦٣	شجر الفندك، ٢٩٠	شجرة البُنْدُق، ١٠٥
شابانك، ٧٧	شجر، ٢٤٧	شجر الفوفل، ١٠٩	شجرة البهق، ٧٦، ٢٤٥
شاذاسبرم، ١٩٨	شجر ابراهيم (ع)، ٢٢٠	شجر القدس، ٢٣٣	شجرة التنين، ١٨٦
شاض، ١٨٣	شجر الارز، ٣٠١	شجرالقطران، ٢٣٤	شجرة الجن، ١٤٩
شاعَة البستانيه (اندلس)، ١٧٦	شجر الاهد، ١٦١	شجر اَلْقَطْلَب، ٢٤٢، ٢٣١	شجرة الحَب، ٥٩
شاعَة الصخرية، ٢٧٤	شجر الأثل، ٤٠	شجر القنا، ٢٥٩، ٢٤٥	شجرة الحر، ٣٥
شاعَة صخرية (اندلس)، ١٧٦	شجر الأثل، ٥٧	شجر الكافور، ١٦٠	شجرة الحُضض، ١٢٠
شالبيه، ١٩٤، ٢٨٣	شجر الأجاص، ٢١٧	شجر الكافور (موصل)، ٥٧	شجرة الحنَّاء، ١٢٥
شالبيه (اندلس)، ٦٠	شجر الأصرطرك، ٢٠٦	شجر الكلب، ٢١٢	شجرة الحنَّس، ٢٧٣
شالم، ١٩٤	شجر البان، ١١١	شجر اللاذن، ٢٦٥	شجرة الحيات، ١٧٠
شاهبانج، ١٨٣	شجر البراغيث، ١٩٩	شجر اللبني (شام)، ٢٠٦	شجرة الخطاطيف، ٢٠٨
شاهبانك، ١٨٣	شجر البق، ١٤٤	شجر المَحَلَب، ٢٠٦	شجرة الخولان، ٨١
شاهترج، ٨٣، ١٠٣، ١٠٦	شجر البق، ٢٩٠	شجر المرَّان، ٢٧٨	شجرة الدب، ٥٨، ١٦٢
١٥٠، ١٥٢، ١٨٣، ٢٥٧	شجر التيس، ١٨٦	شجر الميس، ٢٧٢، ٢٩٠	شجرة الدب، ١٦٢، ١٨٦
شاه ترج، ١٨٣	شجر الجن، ١٤٩	شجر النبق المصري، ٢٧٢	شجرة الدبق، ١٤٢
شاهدانج، ١٨٥، ١٥٨	شجر الجوز الرومي، ٢٦٤	شجر تهام، ١٧٤	شجرة الدردار، ١٨٥، ٢٦٩
شاهدانق، ٢٤٥	شجر الحَب (أفريقيا)، ٥٩	شجر حب الأسير، ١٠٨	شجرة الدم، ٣٨، ٦٦
شاهسَنَقَرَم، ١٨٣	شجر الحَضض، ٢٧١	شجر دردار، ١٧٨	شجرة الدم (شام)، ١٨٣
شاهلوج، ٢١٧، ١٨٤، ٤١	شجر الحور الرومي، ١٢٧	شجر رستم (مغرب)، ١٦٠	شجرة الراهب، ١٨٥
شاهلوك، ٤١	شجر الحية، ١٠٦	شجره ابراهيم، ١٨٣	شجرة الرمح، ٢٧٨
شاهور (مصر)، ١٠١	شجر الخابور، ١٣٨	شجره الأز، ٤٤	شجرة الزغورور، ١٦٢
شايكه، ٦٦	شجر الخبيثة، ١٤٥	شجره قلى، ١٨٧	شجرة الشين، ١٨٦
شباب، ٢٧٦	شجر الخرنوب، ٣٠١	شجره مريم، ٢٠٦	شجرة الصبر، ٤١، ١٩٥
شَبَّ أرماس، ١١٩	شجر الخَلنج (مغرب)، ٤٦	شجرة ابراهيم، ٤١، ١٨٥	شجرة الصنم، ١٦٨
شَبَّت، ١٨٤	١٣٧	٢٣٦	شجرة الضفادع، ١٨٦، ٢٥٤
شبر، ٩٦	شجر الدردار، ١٤٤، ٢٩٠	شجرة ابي مالك، ١٨٥	شجرة الطحال، ١٩٥
شَبْرُق، ١٣٧	شجر الدلب، ١٤٥	٢٤٤، ٢٠٥	شجرة الطرفاء، ٢٠٢
شبرق، ٢٧٨	شجر الرند، ١٤٩	شجرة اكله، ٣٩	شجرة الطلق، ١٨٦
شَبْرُق (حجاز)، ١٩٨	شجر الشيزي، ٣٣	شجرة الأجاص، ٤١	شجرة الطهر، ٤١
شَبْرَم، ١٨٤	شجر الصَّفصاف، ١٢٧، ١٣٦، ٢٩٠	شجرة الأميزباريس، ١٢٠	شجرة العثم، ١١٢، ٢٠٦
شَبْرَم، ٣٠٠	شجر الصنوبر الكبار، ١٩٧	شجرة البراغيث، ٧٧، ١٩٩	شجرة العرس، ٢٩٢
شَبْهان، ١٨٥	شجر الضبع، ٥٥	٢١٩	شجرة العصب، ٢٩٢
شبيه، ١٨٥	شجر العُلك (اندلس)، ٥١	شجرة البطم، ٨١	شجرة العنَّاب، ١٦٨
شبيه الذهب، ٢٧٢	شجر العناب، ٨٤	شجرة البق، ١٤٤، ١٤٩	شجرة العود، ٢٩٦
	شجر الغار، ١٤٩، ١٥٩	١٧٨	شجرة العيَّام، ١٤٥
		شجرة البق (شام)، ١٨٥	





شَوَخَط، ١٩٠	شوكة العصبية، ٨١	شَيْب العَجُوز (اندلس و صارة (اندلس)، ٢٧٣
شورة (حجازی)، ٢٤٣	شوكة العقرب (حجاز)، ١١٤	صاليبة، ١٩٤
شَوَز (حجازی)، ١٩١	شوكة العقرب (شام)، ١٠٥	صباحی، ٩٦
شوع، ١١١	شوكة العلك، ٥١	صبار، ٩٥
شوك، ٢٨٢	شوكة المصرية، ١٩١، ٧٢	صَبَار، ١٩٤
شوك الجمال، ٥٠، ٢٧٠	شوكة المُصرية، ١٩١	صبارا، ١٩٥
شوك الجمل، ١١٤	شوكة المُنكرة، ٥٩	صَبَارَه، ١٩٥
شوك الجمل (مصر)، ١٥٦	شوكة اليهوديه، ١٩١، ٢٣٦	صَبَارَه (مغرب)، ١٩٥
شوك الحمير، ٢٢٥	شوكة حادة، ٦١	صَبَارَه، ٦١
شوك الدرّاجين، ١١٤، ١٤٨	شوكة رهاوية، ١٠٩	صَبَارِي، ١٩٤
شوك الدرّاجين، ١٤٩	شوكة زرقاء، ٢٣٦	صبر، ١٢٠، ٢٣٩
شوك الدرّاجين، ١٤٩	شوكة شهباء، ٣٠١	صينر، ١٩٥
شوك الدُمَن، ١١٤	شوكة عربية، ١٨٩	صَبْر، ١٩٥
شوك العلك، ٥١	شوكة مصريه، ١٩١، ٢٣٧	صبر خضرمي، ١٩٥
شوك الفأزة، ٢٨٧	شوكة مغيلة، ١٨٧	صيب، ١٩٥، ٢٨٧
شوك الفراء، ٢٢٥	شوكة متته، ٢١٩	صدي، ٩٦
شوك الفلك، ١١٤	شوكة مُثبِتة، ١٩٩	صَرَاخَه (اندلس)، ٢٧٣
شوك القناد، ٢٥١، ٣٠١	شوكة منفته، ١٩٩	صَرَاخَة (اندلس)، ٢٣١
شوك المُفلفل، ٥٩	شوكة يهودية، ٢٣٦	صَرَاخَة (اندلس)، ٢٧٣
شوك المُفلفل، ١٠٥	شومر، ٧٨	صرم الديك، ١٤٦
شوك المُفْلَفَل، ١٩٢، ٢٣٦	شونيز القمح، ١٤٥	صرو، ١٩١
شوكران، ١٩١	شونيز بری، ٢٦٢	صَرِيمة الجَدَى، ١٦٠، ١٩٥
شوكران الحوت، ٢٧٧	شويعة (اندلس)، ٢٠٤	٢٢٧
شوكه اعرابي، ١٩١	شويكة أبراهيم (اندلس)، ٢٣٦	صَرِيمة الجَدَى (اندلس)، ٧٥
شوكه اعرابيه، ٦٢	شويلاء، ٧٦	صرين عسلي، ٢٧٣
شوكه قبطيه، ١٧٤	شُوِيلاء، ١٢٣	صَغْر، ١٩٥، ٢٧٩
شوكه مصريه، ٦٢	شَهْدَانَج، ١١٢	صعتر البقر، ١٩٥
شوكه ابراهيم (شام)، ٢٣٦	شهدانج، ٢٤٥	صعتر الجوارى، ١٩٥
شوكه البيضاء، ٥٨، ٥٩، ٧١	شهدانج بری، ١٣٧	صعتر الحجازی، ١٩٥
١٨٩، ٧٢	شهديه، ١٥٥	صعتر الحمير (مغرب)، ١١٠
شوكه الجمال، ٢٠٦	شَيَان، ٤٢	صعتر الرمانی، ١٩٥
شوكه الدهن، ١١٤	شَيَان، ١٤٦، ٢١٥	صعتر الرومي، ٥٩
شوكه الزرقاء، ١٩١، ٢٣٦	شَيَان القاطر، ٦٩، ٨٤	صعتر الزيتون، ١٩٥
شوكه الزرقاء (شام)، ١٠٥	شَيَان (مغرب)، ٣٧	صعتر العدس، ١٠٥
شوكه السّوداء، ١٩١	شيب الشجر، ٥٢	صعتر القياضی، ١٩٥
شوكه السوداء، ٢٣٦	شيب العجوز (اندلس)، ٥٢	صعتر الفارسی، ١٩٥
شوكه الشهباء، ١٠٩، ٢٧٠		صعتر الفرس، ١٠٥
شوكه العربيه، ١٨٩		صعتر الفرس، ١٠٥
		صَبَارَة العَجُوز (اندلس)، ٢٧٣
		شَيْب (مغرب)، ٥٦
		شيب العجوز (فاس)، ٥٥
		شَيْبَه، ١٩٢
		شيبه العجوز، ٥٢، ١٩٢
		شيبية، ١١٤
		شَيْخ، ٥٦
		شېخ، ١٣٣، ١٤٠
		شېخ، ١٩٣
		شېخ ارمني، ١٩٣، ٢٤٧
		شېخ الارمني، ١٩٣، ٥٦
		٢٥٨
		شېخ الربيع، ١٩٣
		شېخ المصري، ١٩٣، ٥٦
		شېخ تركي، ١٩٣
		شېخ جبلي، ١٩٣، ٥٦
		شېخ رومي، ٥٦
		شَيْرِج، ١٧٦
		شيرق، ٨٥
		شَيْطَرَج، ١٩٣
		شيطرج، ٢٨١
		شيطرنج الهندي، ١٢٢
		شيطرنج شامي (شامي)، ١٢٨
		شيفار، ٣٨
		شَيْلَم، ١٤٣، ١٩٤
		شينه، ١٠٠
		شيولي، ٩٦
		صاب، ١٧٤، ١٩٤
		صابرة، ٦١
		صابرة، ١٩٥
		صابون الثياب، ٢٤٤
		صابون القاف (شام)، ١٨٥
		٢٤٤
		صابون القاق، ١٨٥
		صابون القلى (دمشق)، ١٨٥
		صَارَه (مغرب)، ٢٣١، ٢٧٣
		صارة الالثنى (اندلس)، ٢٧٣

صعتر الفُرْس، ۱۹۶	صنوبر نر، ۴۴	ضمران، ۱۵۹	طرف، ۲۰۲
صعتر رومی، ۱۶۵	صنبن، ۱۹۷	ضَمِران، ۱۹۸	طرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲
صعتر (شام)، ۲۲۹	صواب، ۹۵	ضمیران، ۱۸۴	۲۲۰
صَعْتیره، ۱۹۵، ۱۱۸، ۵۵	صوب، ۹۶	ضومران، ۷۱، ۱۹۸، ۲۲۹	طَرْفَه، ۲۰۲
صغد، ۱۹۶	صوصله، ۱۹۷	ضومران، ۱۵۹	طرفه، ۲۰۲
صَفار، ۹۱	صوف الارض، ۲۲۴	طَبَار، ۹۶	طروج، ۵۲
صَفراء، ۱۹۶	صوف البحر، ۵۵، ۲۰۰	طبار، ۹۶	طروقون، ۷۶
صفصاف، ۱۳۶، ۷۲، ۵۰	صومران، ۱۹۸	طَبَار، ۹۶	طریفا، ۲۳۶
۲۹۰، ۲۲۰	صیاره (اندلس)، ۲۷۳	طَباشیر، ۱۹۹	طَعْمَة الخَمراء، ۲۳۱
صفصاف البَلْخی، ۱۸۹	صیدلانی، ۱۳۲	طباشیر هندی، ۱۹۹	طَعْمَة حَمراء، ۲۴۲
صُفیراء، ۲۵۹، ۸۲، ۶۳، ۵۴	صیصاء، ۱۲۶	طَباق، ۱۹۹، ۲۴۷	طَفی، ۲۸۳
صُفَیراء، ۱۹۶	ضابطة، ۱۳۴، ۲۵۷	طَباق (آفریقا)، ۲۱۹	طفیر، ۲۰۴
صفینه، ۳۹	ضابطة الجبلية، ۱۳۰	طَباقه، ۳۷	طَقارَه، ۱۴۸
صقابس، ۲۳۳	ضال، ۱۶۸	طَباقه الجبلية، ۶۲	طِلاء، ۲۰۳
صقار، ۹۱	ضباب البری (اندلس)، ۱۳۱	طَباقه (اندلس)، ۱۹۹	طَلح، ۲۰۳، ۶۲
صَلوان (موصل)، ۱۹۶	ضبر، ۲۹۰	طبق، ۲۰۰	طلع، ۲۶۳، ۲۸۵
صیلیان، ۱۹۶	ضجاج، ۱۹۷	طبله، ۲۰۵	طَلع، ۹۴، ۹۵
صَمعاء، ۹۱	ضربوان، ۱۹۸	طَئیه، ۲۰۰	طلعه، ۲۴۸
صمغ الحشرف، ۱۱۴	ضرس العجوز، ۱۱۸	طُخَلب، ۵۵، ۲۰۰، ۲۰۷	طلیطه، ۲۶۰
صمغ الدمیثا، ۱۹۶	ضِرْع الکلب، ۱۶۳	طحلب بحری، ۲۰۰	طمره، ۲۰۳
صمغ العربی، ۱۹۱	ضرع الکلبه (یمن)، ۱۹۸	طحلب لیفی، ۲۰۰	طمطم، ۱۷۵
صمغ القناد، ۲۵۱	ضرم، ۱۹۷	طحلب نهري، ۲۰۰	طَئیه، ۲۲۲
صمغ عربی، ۲۳۷	ضُرم (مکه)، ۴۷	طحما، ۱۹۱	طواره، ۲۰۴
صمغ لبلاب، ۱۷۳	ضرو، ۴۳، ۸۱، ۸۴، ۱۶۸	طَحْماء، ۲۰۰	طوب، ۱۱۴
صَناب، ۱۳۰، ۱۸۹	ضِرْو، ۱۹۸	طرائث، ۴۶، ۵۱، ۶۸، ۱۵۱	طوبه، ۴۶
صنابی، ۹۶	ضَرْو، ۲۸۲	۲۹۹، ۲۰۱	طوط، ۲۴۲
صناحیه، ۱۰۳	ضروان، ۱۹۸	طراغین آخر، ۲۰۱	طولُه، ۲۰۴
صنار، ۱۴۵	ضرو بستانی، ۸۱	طرثوث، ۲۰۱	طَهْف، ۱۵۰
صندل ابیض، ۱۹۶	ضروع الکلبه (یمن)، ۱۹۸	طَرثوث، ۲۰۱	طئی، ۲۰۴
صندل احمر، ۱۹۶	ضریع، ۱۸۴، ۲۰۰	طرثوث ابیض، ۲۰۱	طیار، ۲۹۳
صنط، ۲۳۷	ضریع، ۱۹۸	طرج، ۱۴۸	طیب العرب، ۴۳
صَنَویر، ۱۱۳، ۱۹۶	ضریم، ۴۷	طَرَح النواتیه، ۲۰۲	طیب الغریب، ۴۳
صنوبر الارض، ۱۶۳، ۲۲۴	ضط (مصر)، ۵۷	طَرَح النواتیه، ۲۴۸	طین الأَخْضَر، ۱۱۳، ۲۱۱
۲۶۱	ضَقْو، ۱۹۸	طَرَحون، ۸۳، ۱۴۷، ۲۰۲	۲۹۲
صنوبر الصِغار، ۱۹۷	ضَغابیس، ۱۹۸	طَرَحون، ۲۰۲	ظفائر الجن، ۲۵۷
صنوبر الکبیر، ۱۱۳	ضَغیوس، ۱۹۸	طرخون الرومی، ۲۰۵	ظفَر الفرس، ۲۶۹
صنوبر الماء، ۱۱۰	ضفائر الجن، ۷۵	طرطور الحاجب، ۱۱۳	ظَفَر القَط، ۲۰۵، ۲۴۴
صنوبر الهندی، ۱۴۹	ضفدعی، ۲۵۰	۱۲۷	ظفر القطة، ۲۰۵

عشبه كثير الاغصان، ٢٠٢	عرق الكافور (مصر و شام)، ١٦١	عُثم، ١٦٦، ٢٠٦	ظفر النسر، ٢٠٥
عشبه مغربی، ٢٠٥	عرق الكافور (مكه)، ١٦١	عثر، ٢٠٦	ظفراء، ٢٠٥
عُشْبِه مغربيه، ٢٠٩	عرق شجره هندی، ١٩٩	عُثْرَب، ٢٠٦	ظْفُورَة، ٢٠٥، ٢٨١
عشبه مكرمه، ٧٠	عُرْقُصَاء، ٢٠٨	عَثَق، ٢٠٦	ظْفُورَة الفرس، ٢٠٥
عشبة البرطال، ١١٩	عرق (نجد)، ٩٥	عُثْمُر، ٢٥١	ظْفُورَة الفرس، ٢٦٩
عشْبَة البَغْلَة، ١٥٦	عروس، ٢٩٢	عجب، ٢٩٢	ظفيرة الفروج، ١١٦
عشبة البغلة، ٢٩١	عروس الماء، ٢٩٢	عجماء، ٢٠٧	ظفيرة الهر، ٢٠٥
عشبة التيسية، ٦٥	عروسة المجلية، ٢٩٢	عدس، ٢٠٧	ظْفَيْرَة، ٢٠٤
عشبة الثاليل، ٢٠٤	عروشية، ٨٣	عدس الماء، ٢٠٧، ٢٠٠	ظفیره، ٢٠٥
عشبة الحر، ٢٨٢	عروق الاصف، ٢٥٠	عدس المأكول، ٢٠٧	ظْفَيْرَة العجوز، ١١٨
عشبة الحومل، ١٢٢	عروق الزعفران، ٢٠٨	عدس المر، ٢٠٧	ظفيرة العجوز(قيران و
عشبة الخروف، ٨٠	عروق السوس، ٢٩١	عدس نبطی، ٢٠٧	شام)، ١١٨
عُشْبَة السَّبَاع، ٢٠٩	عروق الصباغين، ٢٣٠، ٢٠٨	عَدْوَة، ٦٣	ظْفَيْرَة الفروج، ١١٧
عُشْبَة السَّبَاع (اندلس)، ٢٥٣	عروق الصفرة، ١٢٧، ١٦٣	عَدَيْسَة، ٢٠٧	ظِلَام، ٢٠٥
عشبة الصباغ، ٢٥٣	٢٠٨، ٢١٦، ٢٥٥، ٢٧٦	عَذْبَة، ٤٠، ٢٠٢	ظَمْنَح، ٢٠٥
عشبة الصحيحة، ٣٠٠	عروق بيض، ٢٨١	عَذْبَة، ٥٧	ظَيَان، ١٥٩
عُشْبَة الطحال، ٨٧، ١١٩	عروق حُمُر، ٢٢٨	عَذْبَة (مصر)، ٢٠٧	ظَيَان، ٢٠٥
عُشْبَة الطيور، ١٤٩	عروق دارموم، ١٨٠	عرار، ٣٤، ٥٧	عابدة الشمس، ٢٠٤
عشبة العجول، ٢٠١	عروق دار هرم، ١٨٠	عَرَار، ٩٠	عاشق الشجر، ٢٦٦
عشبة الفتوق، ١٣٤	عزيز الصغير، ٢٠٩	عرايس النيل، ٢٩٢	عاشق النبات، ٥٥
عشبة القلب، ٢٩٨	عزيز الكبير، ٢٠٩	عرايس النيل (مصر)، ٨٠	عاقد اللبن، ٢١٩
عشبة القوباء، ٦٧	عريض، ١٥٢	عِرْب، ٩١	عاقرشمعا، ١٩٠
عُشْبَة الكلب، ١٧٠	عزول، ٧٩	عرب منشور (عراق)، ١٤٠	عاقِر قَرْحَا، ٢٠٢
عُشْبَة اللحم، ٩٥	عزيز الصغير، ٢٠٩	عرشنة (بيت المقدس)، ٢٢١	عاقِر قَرْحَا، ٢٠٥، ٢٠٢
عشبة المُسَلْحَة، ٢٦٦	عزيز الكبير، ٢٠٩	عرصف، ٢٠٧	عاقِر قَرْحَا، ٢٥٥
عشبة النار، ١٥٩، ٢٠٥، ٢٦٦	عساليج، ١٠٠، ٢٧٤	عريصم (يمنى)، ٢٠٧	عاقول، ١١٠، ١٢٣، ٢٠٦
عشبة النار (مغرب)، ٢٠٩	عساليج (اندلس)، ٢٧٤	عربط، ١١٨	عَبَب، ٢٤٩
عشبة النساء، ٦٥	عسل القصب، ٢٤١	عروطنيا (أفريقيا)، ٧٤	عَبَب الثعلب، ٢١٤
عشبة خير من الف (فاس)، ٨٨	عَسَل اللَّبْنِي، ٥٣	عرعار، ٣٩	عَبَب (مصر)، ٢١٥
عُشْبَة كُلِّ بِلَا، ١٧٩	عسل اللبنی، ٢٨٦	عرعر، ٣٩، ١٤٧، ١٧٠	عَبْرَت، ١٧٥
عشبة كل بلاء (مغرب)، ١٧٩	عسل التُدى، ١١٠	عرعر، ٢٠٨	عبرى، ١٦٨
عُشْر، ١٣١، ٢٠٩	عُشْرُج، ٧٥	عرف، ٢٠٨	عبرق، ١٨٠
عُشْر، ٣٠٠	عسلج، ٢٢١	عرفج، ٤١، ٥٠، ٨٥	عبوثران، ٢٠٦، ١٨٦
عشر الصبيان، ٢١٠	عسل رومان، ٥٣	عَرَفَج، ٨٥	عبهز، ٢٩٠
عُشْرُوق، ٢٠٩	عسل لبنی، ٢٦٧، ٢٨٦	عرفج بری، ٢٠٨	عَبْهَر (شام)، ١٨٦
عُشْرُور الصبيان، ١٩١	عسيلي، ٩٦	عرفج بری، ٢٩٥	عبيران، ١٨٦
	عشار، ٢٠٩	عُرْفُط، ٢٠٨	عَبْبَثَة الأيْل، ٥٩
			عتم، ١٦٥، ٢٦٦

عشق الصبیان، ۲۱۰	عَظْمی، ۱۵۸	عَلَس (اندلس)، ۲۱۳	عنب الذیب (فاس)، ۲۱۴،
عَشَقَه، ۱۲۱، ۲۶۶	عَفَار، ۱۷۴، ۲۱۱	عَلَف، ۱۵۵	۲۴۹
عَشَقَه، ۲۱۰	عَفَار، ۲۷۸	عَلْفَه، ۲۶۳	عِنَب السُّف، ۳۷، ۱۵۵
عصا الراعی، ۳۷، ۱۱۰،	عَفْص، ۱۷۹، ۲۱۱	عَلَقَم، ۳۵، ۱۲۶، ۱۸۷، ۲۱۳	عنب الطوال، ۵۳
۲۱۰، ۱۱۳	عَفْضِیج (عراق)، ۸۶	عَلَقَمَا، ۲۲۴	عِنَب الْکِلَاب، ۴۲، ۱۲۸
عصا الراعی، ۱۱۹، ۱۴۹،	عَفِیون (فاس)، ۵۷	عَلَقَم (اندلس)، ۲۳۳	عنب خمیری، ۲۱۴
۱۸۵، ۱۵۱	عَقَاب الجبل، ۱۶۶	عَلَقَم (حجاز)، ۲۷۴	عنبر، ۲۷۰
عصافیرالسنبیل، ۱۷۷	عَقَاد، ۱۲۳	عَلَقَمه، ۲۱۳	عَنْبُوب (فاس)، ۲۷۵
عصا هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶،	عَقَار، ۲۱۲	عَلک، ۱۵۲، ۲۸۲	عَنْدَم، ۱۴۶، ۲۱۵
۱۵۹، ۱۲۱	عَقَار هندی، ۲۸۳	عَلک الأنباط، ۸۱، ۲۲۵	عندم، ۲۱۰
عصب، ۲۹۱	عَقْر، ۱۴۵	عَلک البطم، ۸۱	عَنْزُرُوت، ۶۶
عصب الحرفج، ۲۴۲	عَقْرِيَان، ۱۰۶	عَلک الروم، ۲۸۲	عَنْضَل، ۴۹، ۲۱۵
عُضْفُر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰	عَقْرِيَان (اندلس)، ۴۸	عَلک رومی، ۲۸۲	عنصل، ۴۹، ۸۰، ۲۴۳
عُضْفُر، ۲۳۶	عَقْرَبی، ۵۹	عَلِیق، ۹۵، ۲۱۳	عنصلان، ۴۹
عُضْفُر البری، ۲۱۰	عَقْرَمَان (اندلس)، ۴۹	عَلِیق، ۲۱۳، ۲۱۷	عَنْضَلَان، ۴۹، ۲۱۵
عصفر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳،	عَقَقَهه، ۲۷۱	عَلِیقِ الْکَلْب، ۱۸۷، ۲۱۳،	عَنْصُوه، ۱۴۵
۱۵۷	عَقْزِیْبَه (لبنان)، ۱۴۴	۲۹۴	عُنُق الحیة، ۲۷۳
عصفور البری، ۷۲	عَقْفِیَاء، ۲۱۲	عَلِیقِ (اندلس و مغرب)،	عنقر، ۳۴، ۲۷۹
عصی الدب (اندلس)، ۲۴۲	عَکَبَه (مصر)، ۱۷۹	۲۱۳	عَنْقَر، ۷۵
عصی الراعی، ۶۴، ۷۶،	عَکَر، ۲۵۰	عَمَلِج، ۸۱	عَنْقَر، ۲۷۹
۱۵۱، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۴۱،	عَکْرُوب، ۲۱۲	عَمَلُول، ۲۴۵	عَنْقَر، ۵۹، ۲۷۹
۲۸۱، ۲۹۹	عَکْرُش، ۹۹، ۲۱۲	عَمُون، ۲۰۸	عَنْقَر، ۱۱۳
عَصِی الرَّاعِی، ۲۱۰	عَکْرُش، ۹۹، ۱۵۳	عَنْاب، ۱۶۸، ۲۱۳	عَنْقَر، ۲۷۹
عصیر الدب، ۲۴۲	عَکْرُشَه، ۲۰۰	عَنْاب الایض، ۳۵	عَنْقُود، ۶۱
عصیر الدب (اندلس)، ۲۳۱،	عَکَنَه (مصر)، ۱۷۹، ۲۱۲،	عَنْاب الایض، ۲۱۳	عَنْقُود، ۲۱۵
عصیر الدب (اندلس)، ۲۴۲،	۲۷۰	عَنْب، ۵۳، ۲۱۴	عَنَم، ۱۹۱
عُضْفِرَه، ۲۱۱	عَکُوب، ۱۱۴	عَنْب، ۲۱۷	عَنَم (شام)، ۸۷
عِضَاه، ۲۰۹	عَکُوب، ۱۱۴	عَنْب الثَّعَلْب، ۱۵۴، ۲۱۴،	عُود، ۲۱۶
عَضْرُس، ۱۲۹، ۲۱۱	عَکُوب، ۱۱۴	۲۴۹، ۲۱۵	عُود الْارَاک، ۲۳۳
عطارده، ۱۷۸	عَکُوب الْفَارِسی، ۱۱۴	عَنْب الثَّعَلْب الْبِیْستَانی، ۲۴۹	عُود الْبُخُور، ۵۴
عُطَاس، ۲۱۶	عَکِیْفِیَه، ۵۹	عَنْب الثَّعَلْب (فاس)، ۲۴۹	عُود الْبُرُق، ۱۴۱
عطب، ۲۴۲	عَلَام، ۱۲۵	عَنْب الثَّعَلْب مَخِین، ۲۱۴	عُود الْبِلْسَان، ۸۶
عَطْشَان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸،	عَلَام، ۲۵۴	عَنْب الْحِیَه، ۲۹۸	عُود الْبِنْدِیق، ۷۶
۲۶۳، ۱۴۹	عَلث، ۲۱۲	عَنْب الحیة، ۲۱۵	عُود الْحَمِیر (مغرب)، ۲۲۳
عظفل، ۱۹۸	عَلِج، ۲۰۷	عَنْب الدب، ۲۱۵	عُود الْحِیَه، ۲۱۶
عَظْم، ۲۱۱، ۲۹۲	عَلِجَان (آفریقا)، ۲۱۲	عَنْب الدب، ۲۱۹	عُود الْحِیَه، ۲۲۲
عَظْم، ۲۹۲	عَلِجَان (آفریقا)، ۲۳۸	عَنْب الذئب (اندلس)، ۲۱۴	عُود الرِّقَه، ۶۵
عَظْم، ۲۹۲	عَلَس، ۲۱۳، ۲۶۳	عَنْب الذیب، ۱۳۷	عُود الرِّیح، ۲۲۳، ۲۷۲

فاخر، ٩٦	عَرَب، ٥٠، ٢٢٠	عَين البقر، ٤٩، ٩٠، ٩١	عود الريح المغربی، ١٢٠
فاخور، ٢٢١	عَرَب، ٩٧، ٢٢٠، ٢٨٠	٢١٧	عود الريح (اندلس)، ٢٧٢
فارس العود، ١٠٩	غرب، ١٨٩	عَين البَقَر، ٢١٧	عود الريح (دمشق و مصر)،
فارس الماء، ١٧١	عَرَد، ٢٦٠	عين البقر (مغرب)، ٢١٧	٣٥
فارق، ٩٦	غردان، ٢٦٠	عين البقر (مغرب و اندلس)،	عود الريح (شام)، ٢١٦
فاشرا، ٢٢٢	عَرَز، ٢٢٠	٤١	عود الشرح، ١٣٧
فاشرا، ٢٢٢	غرغال، ٦٠	عين الثور، ٩٠	عود السوس، ٣٣
فاغره، ٢٢٢	غرغثيه (اندلس)، ٢٧٣	عَين الخضر، ١١٣	عود الصليب، ٢٢٣، ٢٩٥
فاغرة الهنديه، ٢٩٦	عَرَقَد، ٢١٧، ٢٢٠	عَين الديك، ٢١٧	عود العطاس، ١٧٢، ٢١٦،
فاغوس، ١٩٣	غرقدة، ٢٢٠	عين الديكة، ٢١٧	٢٦٣
فاغوش، ١٩٣	غرناطة (بيت المقدس)،	عين العجل، ٩٠، ٢١٧	عود الفالوج، ١٩٠
فاغيه، ٢٢٧	١٤٦	عين العجل (شام)، ٩٠	عود الفرح، ٢٠٥
فاغية، ١٢٥	غري، ٥١	عين الهدهد (آفريقيا)، ٣٤	عود القروح، ٢١٦
فافير، ٧٥	غري الاساكفه، ١٣٨	عين الهدهد (آفريقيا)، ٢١٨	عود القسینه (مصر)، ١٩٦
فاقير (مصر)، ٧٥	غريز، ٢٢٠	عَينون، ٢١٨، ٢٥٢	عود الكلب، ١٣٨
فاناقس كبير، ١٠٠	عَرَبِيَاء، ١٤٨، ٢٢٠	عيون البقر، ٤١	عود النسر، ٢١٦
فَأَسِي، ٦٦	غريراء، ٢٢٠	غار، ١٤٨، ١٥٩، ٢١٨	عود الوج، ٢١٦، ٢٩٣
قبالة، ٢٧٣	غزل الماء، ٢٠٠	غار الاسكندري، ١٤٩	عود اليسر، ٢١٦
فَنائل الرهبان، ٢٢٣	عَسَلَج، ٢٢١	غار (شام)، ١٥٩	عود انجوح، ٢١٦
فَت، ١٢٩	غسله، ٢١٨	غاسول، ٣٩، ٥٢، ١٢٣	عود بری، ٧٦
فُجَل، ٢٢٣، ٢٢٤	غسلين، ١٢٣	غاسول رومي، ٣٩	عود رطب، ٢١٦
فُجَل، ٢٦٦	غسول، ٤٣، ١٢٩	غافت، ١٢٠، ١٩٩، ٢١٩	عود رنج، ٣٥
فجل الصغير، ٢٧٤	غشاة، ٣٧	غافت الشاهدانجي، ٢١٩	عود هندي، ١٧٩، ٢١٦
فُجَل الماء (مغرب)، ٢٣٥	عَضَف، ٢٢١	غافت، ١٩٩، ٢١٩	عود ينجوح، ٢١٦
فجل باعشقي، ٢٢٤	غِلالة (اندلس)، ١٤٤	غافت (فاس)، ٢١٩	عورة الارض، ٩٢
فجل بری، ١٠٢، ٢٢٣، ٢٢٤	غلبی، ١٦٣	غالبه، ٢٤٩	عوسج، ٦١، ٢١٣، ٢١٧،
فجل رخامي، ٢٢٣	غَلتان، ٥١	غالبه (اندلس)، ٢١٤	٣٠١، ٢٨٢، ٢٢٠
فجل شامي، ٢٢٤	غَلتان، ١٤٢	غالبه (قرطبه)، ١١٣	عوسج الاحمر، ١٦٢
فيجن، ٦٢	غلغلون، ٢٦٠	غباريه، ٢١٩	عوسج الاسود، ٦١
فُجَن، ٧٤	غللقا، ٢٢١	غبراء، ١٩٤	عوسج الأسود، ١٢٠
فَنخدا، ٥٩	عَلَقَه، ٢٢١	عَبَبِيَاء، ١٩٤، ١٩٤، ٢١٩	عوسج أسود، ١٠٥
فَنخذ، ٥٩	عَلَقِي، ٢٢١	عَبَبِيَّة الأيل، ٢٨١	عوسجة، ٢٢٠
فَراسيُون، ٨٧، ٩٥، ١٧٩،	غملول، ٢٤٥	عَدَر، ٢٣٠	عياشيه، ١٥٧
٢٥٢، ٢٢٤	عَمَلول، ٢٤٥	غدو، ٧٢	عياشام، ١٤٥، ٢١٧،
فَراسيُون الابيض، ٢٢٤	غنزروت، ٦٦	غرابيه، ٢٨٢	عيد، ٢١٧
فَراسيُون سياه، ٢٢٤	غوشنه، ٢٣٠، ٢٦٠	غرانيق، ٦٧	عيسوب، ٣٤
فراط، ٩٦	عولان، ١٢٣	غراء، ١٤٨	عيسوب، ٢٧٩
	عَيْطَل، ٢٢٩	غراء، ٢٢٠	عَين الأخضر، ٢١١، ٢٩٢

۲۳۰، ۲۰۸، فوه الصباغین،	۱۲۹، فم الطائر،	۵۳، فقاح السورنجان،	۳۷، فریبون،
۲۳۰، فوه الصبیغ،	۲۴۱، ۱۹۷، فم قریش،	۲۵۵، فقاح الکریم،	۱۸۰، فَرَج الأَرْض،
۲۴۵، فوهق،	۱۹۷، فم قریش،	۴۱، فَقَد،	۹۵، فرصاد،
۸۶، فوة البرانية،	۲۱۴، فَناء،	۲۲۶، فُقَع،	۹۵، فرصاد (بصره)،
۲۷۳، فَوَيْلَه،	۸۸، فنجین،	۲۲۷، فُقِيع،	۲۶۶، ۸۲، فرفخ،
۵۵، فیثمون (فاس)،	۵۲، فندق هندی،	۲۲۷، فُقوس،	۸۲، فرفخ البری،
۱۶۷، فیجن،	۹۲، فواحش،	۲۳۳، فُقوس الحمیر،	۸۳، فُرْفیر،
۲۳۰، فیلمجوش،	۲۲۹، ۱۱۰، فوتنج،	۲۳۳، فُقوس (مغرب)،	۸۹، فرفیر،
۲۷۳، فیل جوش،	۱۰۵، فوتنج البری،	۱۸۳، فقیض،	۸۲، فرفین،
۲۳۱، ۱۲۰، ۵۸، فیلزهرج،	۱۲۲، فوتنج بستانی،	۲۲۷، فل،	۲۲۴، فُرْفیون،
۶۴، فیهق (اندلس)،	۲۲۹، فوتنج نهری،	۲۳۲، فلاح،	۲۲۵، فَرَنْجِمَشْک،
۱۳۴، قابضه،	۱۹۵، فودنج،	۲۲۷، ۴۶، فُلْفُل،	۱۰۷، فرو الحمام،
۲۸۰، قابطیره،	۲۲۹، فودنج،	۲۲۸، فلغل،	۲۷۱، فریقا،
۵۷، قاتل ابنه،	۸۳، فودنج البری،	۴۶، فلغل ایض،	۱۲۰، فریقه (شام)،
۲۱۱، ۱۰۶، ۷۵، قاتل ابیه،	۲۲۹، فودنج التیس،	۲۲۷، فلغل ایض،	۱۵۱، فزغ اللبوء،
۲۴۲، ۲۳۱، ۲۲۴،	۲۸۱، فودنج بری،	۲۲۷، فلغل اسود،	۲۲۵، ۱۱۳، فُسْتَق،
۱۳۵، قاتل اخیه،	۲۸۱، فودنج بستانی،	۱۱۲، فلغل الایض،	۱۱۱، فستق البادیه،
۱۴۵، قاتل الحمیر،	۱۱۳، فودنج جبلی،	۴۶، فلغل الایض،	۱۰۹، فُسْتَق المصری،
۲۳۱، قاتل الدب،	۲۲۹، فودنج نهری،	۱۴۲، فُلْفُل الایض،	۱۱۱، فستق الهاویه،
۱۲۸، ۴۲، قاتل الذنب،	۲۸۰، فودنج،	۲۷۶، فلغل الأخوص،	۵۱، فسلة،
۲۳۱، قاتل العلق،	۸۳، فودنجات،	۷۰، فلغل الأسود،	۲۲۶، ۹۳، فسوة الصبیغ،
۲۳۱، ۱۲۸، ۴۲، قاتل الکلب،	۲۰۵، فودنج البری،	۲۷۶، فلغل الخواص،	۳۰۱، فَش،
۲۹۲، ۲۳۲، قاتل النحل،	۲۲۱، فودنج البستانی،	۲۸۹، ۲۲۸، فلغل السودان،	۲۲۶، ۱۶۰، ۱۹۵، فشاع،
۱۲۸، قاتل النمر،	۲۸۱، فودنج التیس،	فلغل السودان (اندلس و	۲۰۱، ۷۲، فَشال،
۲۳۲، ۵۵، قاتل نفسه،	۱۹۸، ۱۱۳، فودنج النهری،	مغرب)،	۲۲۶، فشغ،
۱۴۸، ۵۰، قارج،	۱۱۳، فودنج نهری،	۴۱، فلغل الصقالیه،	۹۶، فشک،
۲۸۰، ۲۳۲، ۶۰، قارة،	۲۴۸، ۵۴، فوفل،	۴۱، فُلْفُل الصَّقالیه (اندلس)،	۲۴۱، ۱۵۵، ۱۵۲، فصفصة،
۱۷۱، قارة (اندلس)،	۲۳۰، فَوَفَل،	۲۲۸، فلغل الصقالیه،	۲۹۱، ۱۵۶، فِصْفِصَة،
۱۷۱، قارة (اندلس)،	۲۳۰، فَوَفَل،	۲۵۱، فلغل القروذ،	۸۵، فصل مأكول،
۱۴۶، قاطر (صیادله)،	۱۰۱، فول الحمام،	۲۵۴، ۲۲۸، فلغل الماء،	۸۰، فضل الجواری،
۲۳۲، قاقله،	۲۴۶، فول الحَمَام،	۴۱، فلغل بری،	۲۲۶، ۶۰، فَضِیَة،
۲۳۵، ۲۳۲، قاقله،	۲۷۱، ۱۲۸، فول الخنزیر،	۲۵۷، فلغله،	۱۱۹، فضیة،
۷۰، قاقله الصغار،	۲۴۸، فول الشعال،	۲۲۵، ۸۳، فلنجمشک،	۲۲۶، فضیة،
۲۹۶، قاقله صغار،	۲۷۳، فول المجوسی،	۲۴۹، ۱۶۱، فلنجة،	۱۷۳، فَطْر،
۲۹۶، قاقلة صغيرة،	۷۳، فول (قبطی و مصری)،	۲۷۷، فلوس،	۲۰۱، فَطْر،
۱۵۵، قاقلی،	۱۲۶، فوم،	۶۰، فلومس صغیر،	۲۵۸، ۲۳۰، ۲۱۸، فطر،
۱۹۳، قالیقیا (شام)،	۲۳۰، فُوّه،	۲۹۶، ۲۴۸، قَلِیْلَة،	۲۲۶، ۲۲۱، فَطْر،
۲۵۰، قَبار،	۲۳۰، فوه الصباغان،	۲۲۹، قَلِیَة (مصر)،	۲۲۶، فَطْر،

قَبَاة، ۱۴۷	قراصیا (مغرب و اندلس)،	قرع الیابس، ۱۴۲	قَزَاح، ۲۱۲
قَبی، ۹۶	۱۱۳	قرغار، ۴۶	قَزَاح، ۲۳۸
قَبِیْط، ۲۸۹	قربان، ۱۳۹	قرفا، ۵۷	قَس، ۲۳۹
قَبِیْطَاء، ۲۸۹	قربض، ۶۵	قِرْفَه، ۱۴۱	قَسا، ۲۳۹
قَبِیْطَه، ۲۸۹، ۱۹۱	قَرَج، ۱۴۸	قِرْفَه، ۱۰۷، ۲۳۸	قَسا الحمار، ۱۹۴
قَت، ۱۲۲، ۱۵۶	قردب الاسود، ۲۵۹	قِرْفَه القَرْنَفَل، ۱۴۱	قَس الكلاب (مصر)، ۲۱۹
قَت، ۲۹۱	قرشی، ۹۶	قِرْقاز (فاس)، ۲۴۳	قَسَب، ۹۵
قَتاد، ۱۸۹، ۲۳۳، ۲۵۱، ۲۹۲	قرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۱۰۵، ۱۵۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۶۱	قِرْم، ۲۳۸	قَسَب، ۹۵، ۲۳۹
قَتاد الأَعْظَم، ۲۳۳	۲۹۶	قِرْمومَن، ۲۳۵	قَسَط، ۲۳۹
قَتاد الصغیر، ۵۹	قَرَضَعَتَه، ۲۳۶	قِرْمَل، ۱۲۳	قَسَط الرومی، ۱۵۳
قَت البر، ۲۹۱	قِرْصَعْنَه جَبَلِی، ۲۳۶	قِرْن الأَیْل (اندلس)، ۲۳۵	قَسَط بحری، ۲۳۹
قَتد، ۲۳۴	قِرْصَعْنَه مَسَدَس، ۲۳۶	قِرْن البَحْر، ۲۶۴	قَسَط رومی، ۱۵۳
قَتاد، ۲۳۳	قِرْصَعْنَه الزَّرْقَاء، ۱۹۱	قِرْنَباد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قَسَط شامی، ۱۵۳
قَتَاء، ۱۴۰، ۲۳۳	قِرْصُونَه، ۲۳۶	قِرْنَبِی، ۱۰۵	قَسَط عربی، ۲۳۹
قَتَاء البری، ۲۳۳	قِرْط، ۱۳۲	قِرْنَج (اندلس)، ۵۹	قَسَطَل، ۸۶
قَتَاء البری الهندی، ۸۵	قِرْط، ۲۳۶	قِرْنَساء، ۶۷	قَسَطَلَة صغیره، ۸۰، ۱۸۰
قَتَاء البستانی، ۲۳۳	قِرْطَم، ۱۱۳، ۲۱۰	قِرْنَفاد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قَسَط مر، ۲۳۹
قَتَاء الحمار، ۱۹۴، ۲۳۳	قِرْطَم، ۱۴۲	قِرْنَفَل، ۲۳۸	قَسَط هندی، ۲۳۹
قَتَاء الحمار، ۲۱۳، ۲۵۳	قِرْطَم، ۱۶۳	قِرْنَفَل الارض، ۲۹۱	قَسَوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵
قَتَاء الحمیر، ۲۳۳	قِرْطَم، ۲۳۶	قِرْنَفَل بستانی، ۲۲۵	قَسَوس، ۲۴۰
قَتَاء الحِیة، ۲۳۴	قِرْطَم، ۲۳۶	قِرْنَفَل جَبَلِی، ۴۶	قَسِیاس، ۷۴
قَتَاء العَظْم، ۱۲۶	قِرْطَمَان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳	قِرْنَفَل شامی، ۲۳۸	قَسِی (اندلس)، ۲۰۰
قَتَاء الکبر، ۲۵۳	قِرْطَمَان، ۲۳۷	قِرْنَفَلِیَه (اندلس)، ۱۶۵	قَسْ، ۲۴۰
قَتَاء النعام، ۱۲۶	قِرْطَمَانا، ۲۳۵، ۲۵۶	قِرْنَفَلِیَه (مغرب)، ۲۳۸	قَشا، ۱۷۴
قَتَاء الهندی، ۱۴۰	قِرْطَمَانا، ۲۵۶	قِرْنَفول، ۲۳۸	قَشَبَة (حجازی)، ۲۴۰
قَتد، ۲۳۴	قِرْطَم بری، ۱۵۸	قِرْوَن السنبَل، ۲۳۸	قَشَعْر (یمن)، ۲۳۳
قَتد، ۲۳۴ (حجاز)	قِرْطَم بری، ۲۳۶	قِرْزَة العین، ۱۰۳، ۱۸۲، ۲۳۵	قَشْف، ۲۱۱
قَتل، ۲۳۴	قِرْطَم هسک، ۲۱۰	۲۵۸	قَصاص، ۱۳۷، ۲۴۰
قَتی، ۲۳۴	قِرْطَم هندی، ۲۳۷، ۲۹۲	قِرینا، ۱۲۶	قَصَب، ۲۷، ۱۵۵
قَجْلال، ۹۶	قِرْطی، ۹۶	قِرْیص، ۶۵	قَصَب، ۲۴۰
قَداح، ۱۵۵	قِرْط، ۵۷، ۲۳۷	قِرْیص، ۶۵، ۱۱۰	قَصَب البردی، ۷۲
قَدح مریم، ۲۳۴	قِرْط، ۱۳۲، ۱۹۱	قِرْیص، ۲۵۵	قَصَب الذَّریرَه، ۲۴۰
قَرّاح، ۲۱۳	قِرْط، ۲۳۷	قِرْیَعَة، ۲۲۲	قَصَب الذَّریرَه، ۲۴۴
قَرادیه، ۱۱۴	قِرْع، ۱۴۲، ۱۵۴	قِرْیَعَة، ۲۵۸	قَصَب الذَّهَبِی (اندلس)، ۲۷۲
قَراسیا (دمشق)، ۲۳۴	قِرْع، ۲۳۷	قِرْیَعَة الکَثان، ۲۵۸	قَصَب الذیرَه، ۲۴۰
قَرّاص، ۵۷، ۲۳۴	قِرْع، ۲۳۷	قِرْیَعَة الکَثان (اندلس)، ۱۶۷	قَصَب الریح (اندلس)، ۲۷۲
قَرّاصیا البعلبکیه (اهالی	قِرْع، ۲۳۷	قِرْیَعَة (اندلسی)، ۵۵	قَصَب الریح (فاس)، ۲۴۰
صقلبه)، ۲۳۴	قِرْع المَر، ۲۳۷		

قَصَب السُّكَّر، ۲۴۱	قُطَلَب (شام)، ۲۴۲	قَلِقَالَ، ۴۵	قَنْب بَرى، ۱۱۲
قَصَب الصَّيْن، ۱۴۱	قُطْن، ۱۳۱، ۲۴۲	قَلِقَل، ۱۱۲	قَنْب (مغرب)، ۲۴۵
قَصَب بَرى، ۱۴۷	قَطْن، ۱۵۲، ۲۲۶	قَلِقَلان، ۱۱۲	قَنْب هِنْدى، ۲۴۵
قَصَب بَوَا، ۲۴۰	قُطْن، ۲۴۲	قَلَلِجَة، ۳۹	قَنْبِيط، ۲۵۶
قَصَب جَبَلى، ۱۴۷	قَطُونَا، ۷۸	قَلْمَاس، ۲۴۱	قَنْبِيط، ۲۵۶
قَصَب شَوى، ۳۴	قُطَيْطِن، ۲۶۹	قَلُوب الدَّحِج، ۴۱	قَنْبِيط الذَّكْر، ۲۵۶
قَصْبَة، ۱۴۸، ۹۹	قَطِيفَة، ۲۴۲	قَلُوب النِّعَام، ۵۴	قَنْبِیل، ۲۴۴
قَصْبى، ۲۱۲	قَعْبَل، ۲۴۳	قَلَى، ۱۲۳	قُنْدَس، ۲۶۳
قَصْد، ۲۱۷	قُعْفُور، ۸۰	قَلَى، ۲۴۴	قَدُول، ۱۰۹
قَصْرِى، ۹۶	قَعْنَب، ۸۰	قَلِيَة (مصر)، ۲۲۹	قَطُورِين غَلِيظ، ۲۴۶
قَصْعَة، ۲۶۶	قُعْنَب، ۲۴۳	قَمَاشِير، ۲۶۰	قَطُورِيُون، ۲۴۵
قَصْعَة الحَمِير، ۲۶۶	قَعْنَب، ۲۴۳	قَمَح، ۱۲۶	قَطُورِيُون الأَصْفَر، ۳۶
قَصْم، ۲۴۲	قُف، ۲۲۰	قَمَح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴	قَطُورِيُون الجَلِيل، ۲۴۶
قَصَّة الحَيَّة (مغرب)، ۲۴۶	قِف (دمشق و شام)، ۳۶	قَمَح البَرى، ۴۲	قَطُورِيُون الدَّقِيق (اندلس)، ۲۴۶
قَصَى، ۹۶	قَفْر، ۲۸۳	قَمَح الحَجَل، ۱۲۶	
قَصِيص، ۴۲	قَفْر اليَهُود، ۵۰، ۱۲۴	قَمَح السُّودَان، ۱۰۰	قَطُورِيُون دَقِيق، ۲۰۹، ۲۴۶
قَصِيصه، ۹۶	قَفْعَاء، ۲۵۲	قَمَح الشَّيْطَان، ۱۲۶	قَطُورِيُون صَغِير، ۲۴۵
قَصِيم، ۲۴۲	قَفَل، ۸۲	قَمَح الصَّفَالِبَة، ۱۲۶	قَطُورِيُون غَلِيظ، ۲۰۹
قُضَاب مِصرى (مصر)، ۲۴۱	قَفُور، ۲۴۳	قَمَح جَبَلى، ۱۰۳	قَطُورِيُون كَبِير، ۲۴۵
قُضَام، ۱۲۳	قَفَّل، ۸۲	قَمَح مَانَاه، ۱۲۶	قَنْغَذى، ۱۱۸
قُضْب، ۵۸، ۱۵۶، ۲۴۱	قَفْاطى، ۹۶	قَمْنَحَة، ۲۴۱	قَه، ۷۲، ۲۶۱
۲۹۱	قَفَلَقَل، ۱۱۲	قَمْر، ۵۹	قَه، ۲۴۶
قَضبانَا، ۱۱۶	قَفْالَقَى، ۴۵	قَمْرُون، ۱۴۳	قَه، ۷۲
قَضْم قَرِيش، ۱۳۲، ۱۹۶	قَفَال، ۷۹	قَمْرَة، ۵۹	قَه (اندلس)، ۲۵۹
۲۴۱	قُلام، ۱۲۳، ۱۸۲	قَمْلُول، ۲۴۵	قَهْنِيَه (اندلس)، ۱۱۲
قُطَب، ۱۱۸	قَفَام، ۲۴۳	قَمَلِين، ۱۲۳	قَوِيع، ۱۱۴
قَطْران، ۲۰۳، ۳۹	قَفَام، ۲۵۴	قَمَيْلَه (شام)، ۱۱۸، ۱۴۸	قَوْت البَرِيَه (صيدلانیه)، ۸۶
قَطْران، ۱۸۷	قَفَام كَرْمَان، ۲۳۲	قَنْابَرى، ۲۴۵	قَوِز، ۲۴۲
قَطْف، ۱۷۰، ۸۴، ۱۱۹	قَلْب، ۲۴۳	قَنْابَرى (شام)، ۴۸	قَوِسيَّة، ۲۴۶
قَطْف، ۲۴۱	قَلْب الأَرْض، ۱۸۰	قَنْاد (مغرب)، ۲۱۴	قَوْلِيَّة، ۲۰۷
قَطْف بَحْرِى، ۲۴۲، ۲۷۱	قَلْب النِّخْل، ۹۵	قَنْارِيَه، ۱۱۴	قَوْلِيَّة (اندلس)، ۱۷۱
۲۸۴	قَلْبِج، ۲۲۱	قَنْارِيَه (اندلس)، ۱۱۴	قَوْلِيلِيَّة، ۱۲۲
قَطْف بَرى، ۱۳۹	قَلْت، ۱۱۲	قَنْارِيَه بَرى، ۱۱۴	قَوْمَسى، ۲۰۱
قَطْف (مغرب)، ۱۷۰	قَلْت، ۱۱۲	قَنْارِيَه (مغرب)، ۱۱۴	قَوْنِيزا الأَصْغَر، ۱۹۹
قُطَلَب، ۱۲۲	قَلْت، ۱۱۲	قَنْا صَغِير، ۲۴۴	قِيَاصَم، ۱۴۹، ۲۵۸
قُطَلَب، ۱۲۳	قَلْتَمَان، ۲۲۵	قَنْا (مصر)، ۵۱	قِيخُورِيُون قَارِذَنُون، ۶۳
قُطَلَب، ۱۸۶	قَلْقَاس، ۲۴۳	قَنْب، ۱۱۲، ۲۴۵	قِيروان (آفريقا)، ۲۴۳
قَطَلَب، ۲۳۱، ۲۴۲	قَلْقَاص، ۹۴	قَنْب، ۲۴۵	قِيسُوم، ۷۶، ۲۴۷



کریزه الحمام، ۱۸۳	کثیرة الاضلاع، ۲۶۹	کاؤل، ۸۰	قیصوم، ۷۶، ۶۲، ۶۱، ۵۵
کریزه البشر، ۷۶، ۲۰۳	کحلاء، ۳۸	کأس، ۲۴۷	۱۵۹، ۱۸۳، ۲۴۷
کُرْبُزَة البیر، ۱۱۹	کحل السودان، ۹۴	کَب، ۲۵۰	قَیْصوم، ۷۷، ۲۸۱
کریزه الحمام، ۱۸۳	کَحْلَاء، ۲۵۲، ۲۶۹	کِبَابَه، ۲۴۹	قَیْصوم، ۲۴۷
کرسف، ۲۴۲	کحلاء الجبلی، ۲۵۲	کیابه، ۲۵۰	قیصوم الصغیر، ۲۸۲
کرسنه، ۱۵۶	کُحْل خولان، ۱۲۰	کِبَابَة، ۲۳۸	قیعرن، ۱۴۸
کَرَسَنَه، ۲۵۳	کُحْل فارس، ۶۶	کبابه (عراق)، ۲۴۹	قَیْئَب، ۱۰۶، ۲۸۶
کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱	کحل فارسی، ۶۶	کبابه هندی، ۲۴۹	قیقبان (اندلس)، ۱۰۶
کَرِش، ۲۵۳	کحل کرمانی، ۶۶	کَبَات، ۴۳	قیلیعی (شام)، ۲۸۶
کرفس، ۱۰۲، ۲۰۲	کحلوان، ۱۵۳، ۶۷	کیاث، ۲۴۹	کاژی، ۲۴۸، ۲۶۰
کَرَفَس، ۲۵۳	کُحْلوان، ۲۱۸	کیار، ۲۵۰	کاسات، ۲۴۷
کرفس الاجامی، ۲۵۴	کُحْلَاء، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲	کیاء، ۲۱۶	کاسر الحجر، ۱۱۲، ۲۴۳
کرفس البستانی، ۲۵۴	کدر، ۲۴۸	کبر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰	کاسنی بری، ۱۳۹
کرفس الجبلی، ۲۵۴	کراث، ۸۰، ۲۶۴	کَبْر، ۲۵۰	کاشم، ۶۵، ۲۰۴، ۲۵۳
کرفس الریفی، ۲۵۴	کُرَات، ۲۵۲	کبرالرومی، ۴۹	کاشیم، ۲۴۸
کرفس الشتوی، ۲۵۳	کراث، ۲۵۲، ۲۵۳	کَبْه، ۲۵۰	کاشم الریفی، ۲۴۸
کرفس الصخری، ۲۵۳، ۲۵۴	کراث الثومی، ۸۰	کَبِیکَج، ۲۵۰	کاشم الصغیر، ۲۰۲
	کراث الجبل، ۲۵۲	کتان، ۱۵۲، ۲۴۳، ۲۷۷	کاشم الکبیر، ۱۵۵
کرفس العریض، ۲۵۳	کراث الجبلی، ۸۰	کِتَان، ۲۵۰	کاشم رومی، ۱۶۷
کرفس العظیم، ۲۵۳، ۲۵۴	کراث الجلیقی، ۸۰	کِتَان، ۲۵۰	کاشم رومی، ۲۴۸
کرفس الماء، ۲۳۵	کراث الروم، ۸۰، ۱۵۳	کِتَان، ۲۵۸	کاش (مصر)، ۵۷
کرفس المجوسی، ۲۵۴	کراث الریفی، ۸۰	کِتَان الماء، ۵۵	کاشم صغیر، ۲۴۸
کرفس المر، ۲۵۴	کُرَات الشامی، ۸۰، ۲۵۲	کتیم، ۹۳	کاشم صینی، ۲۴۸
کرفس المشرقی، ۲۵۳	کُرَات الصخر، ۲۵۲	کَتَم، ۲۵۱	کاشم کبیر، ۱۴۸
کرفس النبطی، ۲۵۳	کُرَات الکرم، ۲۵۲	کَتین، ۲۵۱	کافور، ۲۴۸
کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰	کراث الکرمی، ۲۵۲	کتا، ۱۰۲	کافوری، ۵۷، ۲۹۰
کرفس بستانی، ۲۵۴	کراث المائدة، ۲۵۲	کَتَاء، ۱۰۲	کافوریه (آفریقا)، ۵۷
کرفس جبلی، ۲۵۳	کراث اندلسی، ۸۰	کثیر الأرجل، ۷۹	کافوریه (مغرب)، ۱۸۶
کرفس صخری، ۲۲۷	کراث بری، ۴۸، ۲۰۴	کثیر الأضلاع، ۲۶۹	کاکنج، ۱۴۷، ۲۱۴
کرفس عظیم، ۲۲۸	کُرَات بری، ۲۵۲	کثیر الرکب، ۱۸۹	کاکنج، ۲۴۹
کرفس مائی، ۲۵۴	کراث جبلی، ۲۲۴	کثیر الرُکب، ۲۵۲	کاکنج المرجی، ۱۰۷
کرفس مشرقی، ۲۵۳	کُرَات رومی، ۲۵۲	کثیر الرؤوس، ۹۰، ۲۵۲	کاکنج المروج، ۲۴۹
کرفس مقدونی، ۲۵۳	کراث شامی، ۲۴۳، ۲۵۲	کثیر العقده، ۹۰	کاکنج النهری، ۱۳۷
کراکش (مصر)، ۵۷، ۷۰	کراث شامی (فلسطین)، ۲۵۲	کثیر العقده، ۲۱۰	کاکنج غالیه (مغرب)، ۲۱۴
کرکم، ۱۲۰	کراث ملوکی، ۸۰	کثیر المنفعة، ۱۳۶	کاکنج (قاهره)، ۲۰۶
کرکم، ۲۷۶	کُرَات نبطی، ۲۵۲	کثیر الورق، ۱۵۱	کاکنج منوم (مغرب)، ۲۱۴
کُرْکَم الصغیر، ۲۰۸	کُرْبُزَه، ۲۵۷	کُتیراء، ۱۸۹	کاکنه، ۲۴۹
کرزم، ۲۱۴		کُتیراء، ۲۵۱	کاوی السبزه، ۴۹

کرم، ۲۵۵	کُزویا، ۲۵۶	کَف ادم، ۲۵۸	کلخ الصغير، ۳۰۰
کُرم الأسود، ۲۲۲	کُزویا الجبلية (اندلس)، ۲۳۵	کف الأسد، ۲۵۸	کَلخ الكبير، ۲۵۹
کرم البری الابيض، ۲۲۲	کُزویا بستانيه، ۲۵۶	کَف الْجَذْمَا، ۴۱، ۲۵۸	کَلخ الكبير (اندلس)، ۲۴۵
کرمُ البيضاء، ۲۲۲	کرويا جبليه، ۲۳۲	کف الدابيه، ۱۱۷	کلخ دلبی، ۱۴۶
کرم بری، ۲۵۵	کری، ۲۵۶	کف الذئب، ۲۵۸	کلخ (مصر)، ۵۱
کرم بستانی، ۲۵۵	کريشه (بيت المقدس)، ۲۲۱	کَف السبع، ۸۸، ۱۵۲، ۲۵۰	کلخ (مغرب)، ۲۴۴
کُرمة البيضاء، ۷۸، ۹۰، ۲۱۵، ۲۲۲	کزبر السحری، ۲۵۷	۲۷۳، ۲۵۸	کلخی، ۱۴۶، ۱۵۸
کرمة البيضاء، ۷۸، ۹۲، ۲۲۲	کزبر الصخری، ۲۵۷	کَف الضبع، ۹۳	کلموح (اندلس)، ۱۵۳
کرمة السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰	کُزْبَرَه، ۲۵۶	کُف الضَّبُع، ۲۵۰، ۲۵۹	کلنج، ۶۶
کرمة السوداء (اندلس)، ۹۰	کُزْبرة البير، ۱۸۷	کَف الضَّبُع (مغرب)، ۲۵۰	کلوخ، ۲۷۴
کرمة بيضاء، ۲۲۲	کُزْبرة البير، ۲۵۷	کف العايشه، ۵۳	کليل الملك، ۵۹
کرمة سوداء، ۲۲۲	کُزْبرة البير (دمشق)، ۱۰۴	کَف العذرى، ۹۳	کمداریوس التَّعْتَعِي، ۲۰۴
کرمة شائكة، ۲۲۶	کُزْبُرة الثعلب، ۱۷۹	کف العظابه، ۹۳	کمدازیوس، ۲۶۰
کُزْب، ۲۵۵	کُزْبُرة الثعلب، ۲۵۷	کَف العُقَاب، ۲۰۵، ۲۳۲	کماه، ۲۲۷، ۲۳۰
کُزْب، ۲۵۵	کُزْبرة الحبشه، ۹۷	کَف القرد، ۲۵۹	کماه، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰
کرنباد، ۲۵۶	کوزمازج، ۲۰۲	کف الکلب، ۷۵، ۲۵۹	کماه، ۲۶۰
کرنب الاندلسی، ۲۵۶	کوزمازک، ۹۳	کَف الکلب (مغرب)، ۲۵۰	کماه حمراء، ۲۶۰
کرنب البحری، ۲۵۶	کسب، ۱۲۶	کَف المريم، ۲۵۹	کماه، ۳۸
کرنب البری، ۲۵۶	کسبيرة الثعلب (اندلس)، ۲۵۷	کَف المريم (اندلس)، ۲۵۹	کماه، ۲۲۱
کُزْب البری، ۲۵۶	کسبيرة الحمام، ۲۵۷	کف النسیر، ۱۱۷	کماه، ۲۵۸
کرنب البستانی، ۲۵۶	کَسْمَا، ۶۶	کف النسیر (مصر)، ۴۹	کماه، ۲۸۳
کُزْب البستانی، ۲۵۶	کَسْمِنَا، ۲۵۸	کَف الهمز، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۷۳	کماه، ۲۸۳
کرنب الدوری، ۸۲، ۲۵۶	کشج، ۱۶۲	کف أجذم، ۲۵۸	کمشری، ۶۲
کرنب السواحلی، ۲۵۶	کَشْمَلِخ، ۲۵۸	کفر اليهود، ۱۲۴	کُمَثْرِي، ۱۴۳
کرنب العظیم، ۲۵۶	کُشْنِي (شام)، ۲۵۳	کُفْرِي، ۹۵	کُمَثْرِي، ۲۶۱
کرنب الکرمانی، ۲۵۶	کُشوث، ۱۲۳، ۲۵۰	کَف عائشة، ۱۰۲، ۱۸۶	کُمَثْرِي البستانی، ۵۷
کرنب الکلب، ۲۳۱	کُشوث، ۲۵۸	۲۵۹	کمشری بری، ۲۶۱
کرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲	کُشوث الجبلی، ۲۵۸	کَف عايشه، ۲۵۹	کمشری جبلی، ۲۶۱
کرنب النبطی، ۲۵۶	کُشوث الرومی، ۵۶	کَف مريم، ۵۳، ۱۸۶	کمشری حامض، ۲۶۱
کرنب أندلسی، ۲۵۶	کُشوث الرومی، ۲۵۸	کف مريم (اندلس)، ۸۹	کمکام، ۱۹۸
کرنب بحری، ۲۵۶	کُشوث المجوسی، ۲۵۸	کف مريم حجازی، ۲۵۹	کمون، ۲۶۲
کُرنب بری، ۱۳۷	کُشوث رومی، ۵۶	کفوف، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰	کَمُون الابيض، ۲۰۴، ۲۶۲
کرنب شامی، ۲۵۶	کُشوث (مصر، مغرب، آفریقا)، ۱۶۷	۱۲۶، ۲۷۱، ۲۷۳	کَمُون الارمني، ۲۵۶
کرنب نبطی، ۲۵۶	کُشوثی (عراق)، ۱۶۷	کَلخ، ۵۱، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴	کَمُون الارمني، ۲۵۶
کُزْبج، ۴۴	کُشوثی (عراق)، ۱۶۷	۲۷۸	کَمُون الأسود، ۱۹۲، ۲۶۲
کروش الغنم، ۵۵	کُطف (صحرائشيان)، ۱۷۰	کَلخ، ۱۷۲، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۴۸	کَمُون البری، ۲۶۲
کُزویا، ۲۵۶	کُفْر، ۲۵۹	کَلخ الدَلْبِي، ۲۵۹	کَمُون الجبل (بربرها)، ۹۳
			کَمُون الحَبْسِي، ۲۶۲

لسان الحمل الكبير، ٣٣	بَلَابِ المَجُوسِي، ٢٦٧	كَهْرَبَا، ١٢٧، ٢٦٤	كَمُونِ الحَلْوِ، ٦٧
لسان الحمل صغير، ٢٦٩	بَلَابِ بِي ثَمَرِ، ٢٣٩	لَابَسِ، ٢٥٢	كَمُونِ الحَلْوِ، ٦٧
لسان الحمل كبير، ٢٦٩	بِسْنِ الحِمَارَةِ، ١٥٩، ٢٥٠، ٢٦٧	لَاجُورِدِيه، ١٩٤	كَمُونِ الحَلْوِ، ٢٦٢
لسان السُّعِيعِ، ٢٦٩	بِسْنِ السُّعِيعِ، ٢٦٧	لَاحِي، ٧٠	كَمُونِ الرُّطَالِي، ٢٨٩
لسان الطير، ٨٤	بِسْنِ السُّودَا، ٥٥	لَاخْشَنَةُ، ١٨٩	كَمُونِ الرُّومِي، ٢٦٢
لسان العَصَافِيرِ، ١٩٩، ٢٦٩	بُنِي، ٢٦٧	لَاذَنِ، ٢٦٥	كَمُونِ الكَرْمَانِي، ٢٨٩، ٢٦٢
لسان العَصْفُورِ، ٦٦، ٨٨	بُنِي، ٢٨٦	لَاذَنِ العِنْبَرِي، ٢٦٥	كَمُونِ المَلُوكِي، ٢٦٢، ٢٤٨
٢٦٩	بُنِي رُومَانِ، ٥٣	لَاغِيه، ١٢١، ٢٢٤	كَمُونِ أَرْمَنِ، ٢٥٦
لسان الفَرَسِ، ٦٧، ٢٥٢، ٢٨٠	بُنِي رَهْبَانِ، ٥٣	لَاغِيه، ٢٦٥، ٣٠٠	كَمُونِ بَرِي، ٢٦٢
لسان الكَلْبِ، ٢٦٩	لِحَاحِ (مِصْرَ)، ٥٠	لَايَا، ٢٦٥	كَمُونِ حَبْشِي، ٢٦٢، ٢٨٩
لِسْعَةُ (تُونِسَ وَاَفْرِيقَا)، ٦٨	لِحَامِ الذَّهَبِ، ٥١	لِبَابِ، ٢٦٦	كَمُونِ رُومِي، ٢٥٦
لِسْوَالسُّومَرِ، ٢٤٣	لِحَاءِ الغُولِ، ١٨٧، ٢٦٧	لِبَابِ القُرْطَمِ، ٢٦٦	كَمُونِ صَخْرِي، ٢٦٢
لِسِيْعِه، ٦٨	لِحَنِيسِ الاكْلِيه، ٢٦٨	لِبَابِصَةُ (اِنْدَلَسِ)، ١٢٢	كَمُونِ مَلُوكِي، ٢٨٩
لِصْفِ، ٢٥٠	لِحِيَةُ الارنَبِ، ١٠٣	لِبِ النَخْلِ، ٩٥	كَمُونِ هِنْدِي، ٢٦٢
لِصْفِ (اِنْدَلَسِ)، ١١٤	لِحِيَةُ التَّيْسِ، ٩٩، ١٨٨، ٢٠١، ٢٦٧، ٢٩٩	لِبَالِه، ١٠٣	كَمُومُ، ٢٦٠
لِصْفِ (اِنْدَلَسِ)، ١١٤	لِحِيَةُ التَّيْسِ، ٢٦٧	لِبَالِه، ٢٨١	كَنْجَدِه، ٦٦
لِصْقُ، ٣٣	لِحِيَةُ الجَمَلِ، ٢٥٧	لِبَانِ، ٢٦٣	كَنْدَرِ، ٢١٦
لِصْقُ، ٢٥٢	لِحِيَةُ الحِمَارِ، ٧٦	لِبَانِ، ٢٦٦	كَنْدَرِ، ٢٦٣
لِصْقُ، ٢٧٠	لِحِيَةُ العِزْرِ، ١٥١	لِبَانِ، ٢٧٤	كَنْدَرِيَاتِ، ٢٧٤
لِصِيفِ، ١١٤، ١٥٦، ٢٧٠	لِحِيَةُ القَتْلِيه، ١٠٣	لِبَانِه مَغْرِبِيه (مِصْرَ وِ شَامِ)، ٢٢٤	كَنْدَسِ، ١٧١
لِصِيفِي، ٢٧٠	لِحَنِيسِ الاكْلِيه، ١٤٠	لِبَنِيخِ، ٣٥، ٧٦، ٢٦٦	كَنْدَسِ، ٢٦٣
لِصِيقَاءِ، ٣٣، ٢٥٢	لِحَنِيسِ الأَكْلِيَّةِ، ٢٦٨	لِبِنِخِه، ٧٦	كَنْدَلَاءِ، ٢٦٣
لِصِيقِي، ٢٧٠	لِحَنِيسِ بَسْتَانِي، ٢٦٨	لِبِسَانِ، ٩٦، ١٨٩	كَنْكَرِ البَرِي، ٢٧٠
لِطِينِ، ٩٦	لِحُوخِ المَاءِ (اِنْدَلَسِ)، ٢٧٢	لِبِسَانِ، ١٣١، ٢٦٦	كَنْكَرِ بَرِي، ١١٤، ١٥٦، ٢٩٩
لِطِينِ أَرْشَمِيْسَةِ (اِنْدَلَسِ)، ٤٧	لِدِيْقَةُ، ٦٧	لِبَلَابِ، ١٢١، ١٤٣، ٢٧١، ٢٤٠، ١٨٥	كَنْهَانِ، ٢٦٣
لُعَابِ القَتِيلِ، ٥٥	لِزَاقِ الذَّهَبِ، ٥١، ٢٩٥	لِبَلَابِ، ٢٦٦	كَنْهَبَلَةُ، ٢٦٣
لُعَاسِ، ٢٤٣	لِزَاقِ الرِّخَامِ، ٨٦	لِبَلَابِ اعْنَمِ، ٢٦٦	كَنْيَبِ، ٢١٣
لُعْبَتِ بَرَبَرِي، ٢٧٠	لِسَانِ الإِبِلِ، ٦٠، ٢٦٨	لِبَلَابِ الأَحْرَشِ، ٦٠	كَنْيَبِ (يَمْنِي)، ٢٦٣
لُعْبِه، ٢٧٠	لِسَانِ الأَثِيلِ، ٦٠	لِبَلَابِ الأَحْرَشِ، ٢٦٧	كَنْيَبِ (يَمْنِي)، ٢٦٣
لُعْبَةُ، ٢٧٠	لِسَانِ الأَثِيلِ، ٢٦٨	لِبَلَابِ الجَعْدِ، ٢٦٦	كُوكِبِ، ٤٦
لُعْبَةُ البَرَبَرِيَّةِ، ٢١٢	لِسَانِ الشُّورِ، ١٣٨، ٢٥٢	لِبَلَابِ الحَقِيقِي، ٢٦٦	كُورِ، ٢٦٤، ٢٨٣
لُعْبَةُ البَرَبَرِيَّةِ (عِرَاقِ)، ١٧٩	لِسَانِ الجَمَلِ، ٢٦٩، ٢٦٨، ٢٨٠	لِبَلَابِ الشَّجَرِ، ٢٦٦	كُوكِبِ الارضِ، ٢٠٤، ٢٢٦
لُعْبَةُ بَرَبَرِي، ٢٧٠	لِسَانِ الحَمَلِ، ٢٦٩	لِبَلَابِ الصَّغِيرِ، ١٨٥	كُوكِبَةُ، ٢٦٤
لُعْبَةُ مَطْلَقَةُ، ٢٧٠	لِسَانِ الحَمَلِ، ١١٩، ١٣١	لِبَلَابِ الغنمِ، ٢٦٦	كُوكِيَه (شَامِ)، ١٠٥
لُفَاحِ، ٢٧٠	لِسَانِ الحَمَلِ، ٢٧٠، ٢٦٩، ٢٠٥	لِبَلَابِ الكَبِيرِ، ٢٤٠	كُوكِيَّةِ، ٦٠
لُفَاحِ، ٣٠٠	لِسَانِ الحَمَلِ، ٢٦٩	لِبَلَابِ المَجُوسِ، ١١٣	كُونَهَانِ، ٢٦٣

مَذْهَب، ۶۱	متکه، ۳۹	لوف العقده، ۲۳۰	لفاح الجن، ۲۷۰
مَذْهَب الْكَلْب، ۶۰	مَثَلْت، ۲۰۱	لوف الكسبير، ۳۴، ۱۰۶	لفاح الهندي، ۲۷۰
مُر، ۲۷۷	مَثَلْت، ۲۴۷	۱۸۶، ۲۷۳	لفاح بری، ۲۸۳، ۳۰۰
مُرَار، ۵۹، ۲۹۸	مثلث حجم، ۱۶۳	لوقاس الجلبیه، ۱۳۳	لفاح (شام)، ۱۴۵، ۱۹۰
مُرَار، ۲۷۸	مثنان، ۵۳، ۹۷، ۲۵۵، ۲۷۵	لیاء، ۲۷۱	لِفْت، ۱۸۹
مُرَار الصحرَاء، ۱۲۶	مثنان، ۲۷۷	لیرون (مغرب)، ۸۷	لِفْت الْأَحْمَر الْمُدَوَّر، ۱۸۹
مرار الصخر، ۱۲۶	مثنان آخر، ۲۷۷	لیغة، ۲۷۴	لِفْت البلدی (فاس)، ۱۸۹
مرارة الفیل، ۲۳۱	مِج، ۱۳۷	لیف، ۲۷۴	لِفْت الجن، ۲۷۳
مران، ۱۶۰	مِج، ۲۷۵	لیف البحر، ۵۹، ۲۷۴	لِفْت المحفور، ۱۸۹
مُرَان، ۱۶۳، ۲۷۸	مِجاج، ۲۷۵	لیغیه، ۲۷۴	لِفْت بری، ۱۰۲، ۲۰۴، ۲۶۶
مُرَان، ۲۰۰	مُجَزَع، ۱۴۰	لیقیة، ۲۷۴	لِفْت مدور، ۱۸۹
مراوح الجن، ۲۹۲	مُجَنِّح، ۲۷۷	لیم، ۴۰	لِفَش، ۲۷۰
مربح، ۲۸۰	مُجَنِّن، ۲۴۹	لیمون، ۴۰	لِقَم القاضی، ۱۰۸
مرتینی، ۹۶	مجنون، ۱۲۵	مانده، ۲۵۴	لُك، ۱۷۸
مرجان، ۷۹	مجنون (شام)، ۱۰۵	مانلة، ۲۰۴	لُكَاع، ۲۷۱
مُرْخ، ۱۷۴، ۲۵۹، ۲۷۸	مِجاجم (اندلس)، ۲۷۷	مازر، ۱۵۹	لُكَاعَة، ۲۷۱
مُرْخَة، ۲۰۲	محروث، ۵۰، ۶۵، ۱۲۱	مازرو (مغرب)، ۱۴۹	لویانة المغربیه (مصر)، ۲۲۴
مرددوش، ۲۷۹	محروث، ۵۰، ۶۵	مازریون، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۵۵	لُویانَة (مصر)، ۵۵
مرددوش البری، ۱۹۵	مِخْسَنَة، ۱۸۷	۱۲۸، ۱۴۹، ۲۵۵، ۲۶۱	لویبا الابيض، ۲۷۱
مَرْدَدُوش (اندلس)، ۲۷۹	مُخْفِرَة (اندلس)، ۵۱	۲۷۷، ۲۹۸، ۳۰۰	لُوز، ۲۷۱
مَرْدَقُوش، ۲۷۹	مِخْلَب، ۴۳	مازریون، ۲۷۵	لُوز البربر، ۱۰۵، ۲۷۱، ۲۷۲
مردوش، ۳۴	مِخْلَب، ۱۱۲	ماش، ۲۷۵	لُوز الحلو، ۲۷۱
میرز، ۱۵۰	مِخْلَب، ۲۱۶	ماش هندی (عراق)، ۱۱۲	لُوز العُر، ۲۷۱
مرزجوش، ۳۴	مِحلولة، ۶۲	ماشیا، ۴۴	لُوز المر (انطالیا)، ۲۷۲
مرزنجوش، ۳۴، ۱۶۰، ۲۸۸	مِحموده، ۱۷۳	ماغره، ۸۰	لُوز بری، ۲۷۲
مَرَزَنْجُوش، ۱۵۹، ۲۷۹	مِخاطة، ۱۴۲، ۱۶۷	ماغره الاسود، ۱۵۰	لُوز حلو، ۲۷۱
مُرْزیر (مصر)، ۲۷۸	مُخْبِر (فاس)، ۴۹	ماقر، ۱۴۲	لُوز مر، ۲۷۱
مرقده، ۱۰۹	مِخْرَج الریح، ۱۷۳	مامور، ۱۱۰	لُوف، ۱۳۰، ۲۳۰، ۲۷۳
مرقده، ۲۷۹	مِخْلَب العقارب الأبيض، ۴۷	مامون، ۱۱۰	لُوف الارقطه، ۲۷۳
مرمار، ۱۵۸	مِخلصه، ۱۱۱	ما هویداته، ۲۷۶	لُوف البَط، ۲۷۳
مسرو، ۵۲، ۹۱، ۱۶۳، ۲۷۴، ۲۸۰	مِخْصَصَه، ۱۰۷، ۲۷۷	ماهودانه (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	لُوف الجعد، ۲۳۰، ۲۷۳
مرو اسود، ۲۸۰	مِخْطَا، ۴۳، ۱۶۷	ماهویدانه، ۲۷۶	لُوف الجعد اسخن، ۲۷۳
مرو الاسود، ۲۸۰	مِذْبَقَة، ۵۴	ماهیزهرج، ۲۷۷	لُوف الحَیَة، ۱۸۶، ۲۳۰
مرو العراض، ۲۲۱	مِذْرَهَم الْوَرَق، ۵۹	ماهی زهرج (شام و عراق)، ۹۰	لُوف، ۲۳۱، ۲۷۳
مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰	مدلوك، ۸۸، ۲۵۹	مدلوكه، ۲۷۳	لُوف السَّبَط، ۲۷۳
مرو دقیق، ۱۶۳	مدلوكه، ۲۷۳	مدهوق، ۱۸۰	لُوف السَّبَط (اندلس)، ۲۷۳
مروشة (اندلس)، ۲۰۷	مدیکه (فاس)، ۴۹	متک، ۳۹	لُوف الصغیر، ۲۷۳

مقل ازرق، ٢٨٣	مظ، ١٠٤، ١٧٤، ٢٨٣	مسواک المسيح، ٢٣٣، ٢٩٢	مروی مشتھی، ٢٨٠
مقل اليهود، ٢٨٣، ٢٦٤	مظلل الحمام، ١٥٦	مستان، ٢٨١	مَرَوِيَّةُ الأبيض، ٢٢٤
مقلقل (مغرب)، ٩٥	معد، ٧٢	مشتهی، ١٦٢، ٤٣	حرة الطوفان، ٢٠٢
مقل مکی، ٢٨٣، ٢٨٤	مُعَطَّس، ١٧٢، ٢١٦	مشرقی، ٢٥٣	مريخ، ٢٨٠
مقلوب، ١١٣	مُعَقَّرَب، ٥٩	مشط الذنب، ٢٣٣	مُرَيَّرَاء، ١٦٤، ١٩٤
مقل يهودی، ٢٨٣	معین، ٢٧٥	مشط الراعی، ١٤٨، ١٤٩	مریق، ٥٧
مقيل، ٣٧	مغاث، ١٥٨	مشط الراعی (مغرب)، ١٤٩	مُرَيَّق، ٢١٠
مُكَثَّرُ اللَّبَنِ، ٩٠، ١٠٤، ٢٧١	مُغَاث، ٢٨٣	مَشَطُ الغُول، ٢٨١	مَرِيَّةُ الاسود، ٢٨٠
مکنسة الاندر، ٢٧٧	مغافير، ٢٨٣	مشک الجن، ١٩٠	مَرِيَّةُ ابيض، ٢٨٠
مکنسة قرشيه، ٢٧٧	مَغْد، ٧٢، ٢٨٣	مشکطرامشيع زور، ٢٨١	مَرِيَّةُ الابيض، ٢٨٠
ملاج، ٦٦	مغذود، ٢٨٣	مشکطرامشيع کاذب، ٢٨١	مزج، ٢٧١
مُلَّاح، ٤٦، ١٢٣، ٢٤٣	مغربی، ١٣٢	مشماش (مغرب)، ٢٨٢	مزقل الصفار، ٤٩
مُلَّاح، ٢٤٢، ٢٨٤	مُغْرِوَّة، ٢٨٣	مِشْمِش، ٢٨٢	مزمار الراعی، ٣٣، ٤٤، ٢١٠
ملاح، ٢٤٣	مِغْفَار، ٢٨٣	مشمش، ٢٨٢	مِزْمَارُ الراعی، ٢٨١
مَلَّاحِي، ٩٦	مُغْفَر، ٢٨٣	مشمش (مغرب و اندلس)، ٧٦	مزودة، ٢٠٧
مَلْبُونه، ٢٨٦	مِغْفَر، ٢٨٣	مُصَّاص، ٩٧	مسافق، ٢٨١
مُلَّج، ٢٨٣	مغفور الرمث، ١٥٨	مُصَّاصه، ١١٤	مستعجل، ٨٩
مَلْجِي، ١٤٨	مقاتل الراعی، ٦٠	مصاصة، ١٣٤	مستعجله، ٨٩
ملجی الابيض، ٩٦	مقاتل الرعاة، ٦٠	مَصَّاصَة (اندلس)، ٢٦٩	مُسْتَعْجَلَه، ٢٠٧، ٢٨١
ملجی الاسود، ٩٦	مقاتل المرعی، ١٥١	مصاصة (فاس)، ٢٦٩	مسد، ٩٣
ملس (يعمن)، ٢٠٧	مُفْرَح، ٢٦٨	مَضَّ العسل، ٢٨٠	مَسَد، ١٥٧
ملطاء، ١٤٨	مفْرَح القلب، ٧١	مصباح الروم، ٢٦٤	مسقط الأجنة، ٦٨
ملطاة، ٢٨١	مُفْرَح قلب المحزون، ٧١	مَضْطَكَاء، ٢٨٢	مسک الارض، ١٠٣، ٢٨١
ملفون، ٨١	مفروح قلب المحزون، ٧١	مصطکی، ٢٠١	مِسْک الجن، ١٠٣
مُلْک، ١٣٧	١١٣، ٢٨٣	مَضْطَکِي، ٢٨٢	مسک الجن، ١٠٣، ١٩٠
ملک، ١٦٢	مُفْصِّحَة، ٤٨	مَضْطَکِي، ٢٨٢	مسک الجن (اندلس)، ٢٨١
ملکا، ٥٩	مُفْصِّحَة، ٢٨٣	مَضْطَکِي، ٢٨٢	مسک الرمان، ٢٨٨
ملوح، ٢٤٢	مُفَلِّق، ١٣٩	مُصَّع، ٦٣	مسک القروذ، ٥٢
ملوح (شام)، ٢٨٤	مقارجه، ١٤٨	مُصَّع، ٢٨٢	مُسْکَنَة، ٢٨٠
مَلُوخ، ٢٤٢	مقارجه (اندلس)، ٩٠	مصغ، ٢١٧	مسک جُدّه، ٢٨١
مَلُوخ، ٢٤٢	مقامح ابليس، ٢٥٢	مصغی الرعاة (مغرب)، ٨٦	مِسْکِيَة، ١٢٥
ملوخ، ٢٨٤	مقد، ٥٧	مض، ١٥٨	مِسْکِيَة، ١٥٥
ملوخ البطريق، ٢٨٤	مقر، ١٢٠	مَض، ٢٨٣	مسمقاره، ١٦٠
ملوخيا، ٨٤	مقر، ١٩٥	مُضِيء البساتين، ٧٩	مسمقران، ١٦٠
مَلُوخِيَا الشَّجَر، ١٣٦	مفرجاله، ٥٨	مُطَبَّقَة، ٥٤	مسواک الراعی، ١٩٣، ٢٨١
ملوخيان بستاني، ١٢٩	مُفْغَل، ٢٥٦	مُطَّر، ١٥٠	مسواک العباس، ٢٨١، ٢٩١
ملوخيه، ١٢٩	مَقَل، ٥٢، ٢٨٣	مَطَّر (اندلس)، ٤٩	مسواک القروذ، ٥٢
ملوخية بری، ١٣٦	مقل، ٢٣٨	مظ، ١٠٤	مسواک القياد، ٢٣٣

ملوکیه، ۱۲۹	میعه، ۵۳، ۲۸۶	نخل المقل، ۱۰۹	تُوئیغ، ۱۵۳
ملوکیه بری، ۱۲۹	میعه سایله، ۲۶۷	نَدَغ، ۱۹۵	نَهشل، ۱۰۳
ملوکیه، ۲۸۴	میعه یابسه، ۵۳	نَدی، ۲۹۵	نَهق، ۷۰، ۱۰۲
ملوکیه البحر، ۱۲۹	میعه یابسه، ۲۸۶	نرجس، ۸۰، ۱۸۱، ۲۰۶	نُهود القینات، ۵۴
ملوکیه البریه، ۱۲۹	میعه، ۱۸۶	۲۹۰	نیش (فاس)، ۲۸۲
ملول، ۱۴۰، ۲۷۹	میعه السائله، ۲۸۶	نرجس ابیض، ۸۰	نیقولا الراهب، ۶۰
ملونیه، ۲۸۵	میعه سائله، ۲۸۶	نرجس الاصفر، ۷۶	نیل، ۱۱۳، ۲۱۱
ملیح، ۲۳۲	میمون (مغرب)، ۲۲۲	نرجس مسکین، ۲۹۰	نیل البری، ۲۱۱
ممسک الارواح، ۴۷	میمونه، ۱۵۸	نرجس مَقوَدَس، ۸۰	نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲
مُمنیک الأرواح، ۴۷	نارجیل، ۱۰۹، ۲۸۷	نرنج (فاس)، ۴۰	نیلج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۹۲
ممنون البقر، ۴۱	نارجیل بحری، ۲۸۷	نسج، ۲۶۳	
من، ۴۴	نارجین، ۱۳۲	نسرین (مغرب)، ۲۹۴	نیل رومی، ۱۳۶
منج (شام)، ۲۷۶	ناردين بری، ۴۶	نسمه، ۲۸۰	نیلوفر، ۹۳، ۲۵۶
متن الرانحه، ۲۱۹	ناردين صینی، ۲۸۸	نَسَم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰	نیلوفر، ۲۹۲
مُثنته (مصر)، ۲۱۹	ناردين نهري، ۲۸۸	نَسَم الاسود، ۱۲۷	نیلوفر ابیض البری، ۸۰
مثور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵	نارنج، ۴۰، ۲۸۹	نشم الاسود (اندلس)، ۲۷۲	نیلوفر ابیض المانی، ۸۰
مُثور (مصر)، ۱۴۰	ناطف، ۲۸۹	نَسَم الأَسود (اندلس)، ۱۴۴	نیلوفر الیرک، ۲۸۰، ۲۹۲
منج، ۲۸۵	ناعمة (اندلس)، ۶۰، ۲۶۸	نصی (اندلس)، ۱۳۶	نیلوفر الصینی، ۲۹۲
من زای مثلی، ۲۵۲	نافع، ۷۸، ۱۵۲	نَضار، ۴۰	نیلوفر القَمری، ۲۹۲
منسم، ۲۷۱	نافوخ، ۱۴۶	نَضار، ۲۰۲	نیلوفر المعجوسی، ۲۹۲
مُنسیه، ۲۹۸	نامی، ۱۵۹	نضار، ۲۹۰	نیلوفر ذهبی، ۲۹۲
مُنسیه، ۲۸۵	نانخواه، ۲۶۲	ننعع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵	نیلوفر مجوسی، ۸۰
مُنشیم، ۲۸۵	نانخه، ۲۵۶، ۲۶۲	۲۲۹	نیلوفر هندی، ۲۲۲، ۲۲۷
مُثفلته، ۱۲۹	نانخه (اندلس)، ۲۸۹	نَعْنَع، ۲۹۰	وایله، ۲۲۵
مُثفوخه، ۱۷۳	نانوخیه، ۲۸۹	نعیج الحبشه، ۱۰۷	وَتیرا، ۲۹۴
مُثفوخه، ۲۴۸	نبات الرعد، ۲۶۰	نغریل، ۹۶	وَج، ۵۱، ۱۶۵، ۲۹۳
مُنقسِم لحمسه أقسام، ۸۹	نبات سحری، ۲۰۴	نفاخ، ۱۰۸	وجد (یمن)، ۲۵۱
مُتوم، ۲۴۹	نَبع، ۲۸۹	نفل، ۱۵۷	وحشی، ۹۶
مُنیرة، ۲۸۵	نیغ، ۲۸۹	نَقْل، ۲۵۳	وحمو (فاس)، ۱۰۲
مودیان، ۲۴۹	نبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹	نَقْل، ۲۹۱	وَدَع، ۲۹۳
موز، ۲۸۵	نَجَب، ۱۷۴	نقد، ۲۱۰	ودود، ۸۶
مونس الوحش، ۱۴۱	نَجْد، ۵۹	نقرار، ۹۶	وَرْد، ۱۱۹، ۲۹۳، ۲۹۴
مونس الهموم، ۲۴۵	نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹	نقیب (قدس)، ۲۴۲	ورد ابیض بری، ۲۹۴
مویزج، ۱۱۱	نجمه، ۲۱۲	نُلك، ۱۶۲، ۲۹۱	ورد احمر، ۲۹۳
مهد (شام)، ۲۰۷	نجیر، ۹۹	نمام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۲۹۱	ورد احمر بری، ۲۹۴
میامیر، ۱۵۶	نجیل، ۹۹، ۲۰۰	نمام الملك، ۱۸۲	ورد احمر بستانی، ۲۹۴
میس، ۱۲۷	نحلیه، ۱۵۵	نملول، ۲۴۵	ورد اصفر بری، ۲۹۴
میسن، ۲۸۶	نخل، ۹۴	نوغان، ۴۶	ورد اصفر بستانی، ۲۹۴

یَعْضِید، ۱۴۳	هندبَاء هاشمی، ۲۹۸	وصف الاسود، ۷۶	ورد الانهار، ۲۹۲
یَعْضِید بری، ۱۳۳	هواسمه (مصر)، ۷۶	وَطْم، ۲۹۵	ورد الحب، ۲۵۰
یَعْضِید (مصر)، ۲۹۸	هوفاریقون، ۲۹۸	وغد، ۸۳، ۷۲	ورد الحب، ۲۵۴، ۲۹۴
یَقْطِین، ۹۳، ۱۲۶، ۲۳۷	هوم‌المجوس، ۲۹۹	وَعْد (آفریقا)، ۵۱	ورد الحمار، ۲۹۴، ۴۶
یَمَان (اسکندریه)، ۲۱۸	هیشر، ۱۱۴	وَقْل، ۲۸۳	ورد الحماق، ۲۹۴
یَمِین (اسکندریه)، ۲۱۸	هَیْشَر، ۲۹۹	وقله، ۲۸۳	ورد الحمه، ۲۹۵
یَمور (شام)، ۸۴	هیوز (سوانم)، ۲۰۱	ولان المکی، ۱۲۰	ورد الحمیر، ۲۲۳
یَنْبوت، ۱۰۹، ۱۳۲	یاسمین البر، ۱۵۹	وَلْب، ۲۹۵	وَرْد الحَمِیر (اندلس)، ۲۲۳، ۲۹۵
یَنْبوت، ۱۳۲، ۲۴۷	یاسمین بری، ۲۴۶	هائجه، ۲۸۰	
یَنْبوت زَنکُورج، ۱۳۲	یبروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰، ۳۰۰	هال، ۲۳۲	ورد الذکر، ۱۰۵
یَنْبوت، ۱۰۹	یَبْرُوح الصَّنَم، ۳۰۰	هالوک، ۱۱۸	ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶
یَنْبوع، ۳۰۰	یَبْرُوح الصنم، ۳۰۰	هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱	ورد الزوانی (اندلس)، ۱۳۶
یَنْمَه، ۲۶۹	یَبْرُوح الصنم، ۳۰۰	هَبید، ۱۲۶	وَرْد الزَّوَانِی (اندلس)، ۱۳۶
	یَبْرُوح الوَقَاد، ۱۶۸	هَدَبَات، ۷۰، ۱۰۳، ۱۵۴	ورد الزینة، ۱۲۹
	یَبْرُوح الوَقَاد، ۱۶۸	۲۴۸، ۲۵۶	ورد الزینة البری، ۱۲۹
	یَبْرُوح بری، ۲۷۰	هَدَس، ۳۱، ۳۵	ورد الشمس، ۲۹۲
	یَبْرُوح سْرِیَانِی، ۲۷۰	هَدِیْلَة (اندلس)، ۲۹۶	ورد العجار، ۲۹۴
	یَبْرُوح صَنْمِی، ۱۶۸	هَدِیلِیه، ۱۰۶	ورد الفُجَار، ۲۹۴
	یَنْتُوع، ۱۰۱، ۱۴۷، ۱۵۷	هَرَجَان، ۲۸۵	ورد الفَحْصِی، ۲۶۵
	۱۸۴، ۱۹۴، ۲۶۵، ۲۶۷	هَرْد، ۱۶۳	ورد المجوس، ۲۹۲
	۳۰۰	هَرْد، ۲۰۸	ورد بری، ۲۹۴
	یَنْتُوعَات، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۹	هَرْطَمَان، ۲۹۶	ورد جبلی، ۲۶۵
	۲۲۱، ۲۲۴، ۲۹۵	هَرْم، ۲۰۰	ورد صینی، ۲۹۰
	یَنْدَرَه، ۲۴۰	هَزَارچِشَان، ۲۲۲	ورد متن، ۲۹۵
	یَنْدَرَة، ۶۲	هَسْک، ۲۱۰	ورد موجّه، ۲۹۴
	یَنْرَاع، ۲۴۰	هَلِیْج، ۶۸	ورق الحنا، ۱۱۳
	یَنْزَبَاتَه، ۶۹	هَیْذِیَا، ۲۹۷	ورق الخیار، ۲۴۵
	یَنْزَبُور السَّاحِلِی (اندلس)، ۲۷۴	هندبای بری، ۲۹۸	ورق زیتون هندی، ۱۹۹
	یَنْزَبُور الشَّعْرَاوِی (اندلس)، ۲۷۴	هندبَاء، ۸۴، ۶۶، ۲۸۰، ۲۹۶	وزق، ۱۴۴
	یَنْزَبُورَة (اندلس)، ۶۶	۲۹۷، ۳۰۱	وسق، ۵۱
	یَنْزَبُوز (مغرب و فاس)، ۸۴	هَیْذِیَا، ۱۲۰	وَسْمَة، ۲۹۲، ۲۱۱، ۱۳۶
	یَنْزَبَا، ۱۲۵	هَیْذِیَا، ۱۰۳، ۱۱۹	وَسْمَة الذَّکَر، ۲۱۱
	یَنْزَبَاء (شام)، ۱۲۵	هندبَاء البِستَانِی، ۲۹۸	وسیل، ۱۸۸
	یَنْشَمَه، ۹۴	هندبَاء الشَّامِی، ۶۶	وَشْج، ۵۱
	یَعْضِید، ۸۳، ۱۳۹، ۲۸۰	هندبَاء بری، ۱۳۹، ۲۹۶	وَشْج، ۵۱
	۲۹۸، ۳۰۰	۲۹۸، ۳۰۰	وَشْج، ۲۹۵
	یَعْضِید شَامِی، ۲۹۸	هندبَاء (فاس)، ۲۹۷	وَشْج، ۲۹۵
	۲۹۸، ۳۰۰		وَشِیْج، ۹۹

## ۲ - نام‌های فارسی و محلی

انار، ۱۵۷	اسلیخ، ۲۶۷	اسبریون، ۳۴	آذرگون، ۳۴
انار دانه، ۱۵۸	اسمار، ۳۶	اسبلنج، ۲۶۷	آذریون، ۲۵۸
اناریچه (مازندران)، ۱۱۷	اشبرک (سجزی)، ۱۲۱	اسبندان خوش، ۱۳۰	آزاددرخت، ۳۵
انبرود، ۲۶۱	اشتر (اصفهان)، ۱۱۰	اسبیدار، ۱۳۳، ۱۴۹	آزادِرخت، ۳۵
آنجره، ۶۵	اشترانگبین (اصفهان)، ۱۱۰	اسبیذمرد، ۴۶	آزاد سوسن، ۱۸۰
انجیر، ۹۳، ۹۶، ۱۰۵، ۱۸۴	اشترخاراست، ۵۰	اسپوزه (اصفهان)، ۷۸	آس، ۳۱، ۳۵
انجیر آدم، ۶۶	اُشترغار، ۶۵، ۵۰	اسپرغم بیابانی، ۱۹۹	آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷
انجیر حلوانی، ۹۶	اشترغاز، ۵۰	اسپست باغ تازه، ۱۵۵	آلوبالو، ۲۳۴
انجیر دشتی، ۹۶	اشخیص اسود، ۵۱	اسپناج، ۴۸	آلوبوغلی، ۲۳۴
انجیر زمینی، ۱۲۷	اشخیص سفید، ۵۱	اسپند، ۱۳۱	آلوبولی، ۲۳۴
انجیر وربری، ۱۸۴	اشراز، ۳۷	استکو (تنکابن)، ۱۷۱	آلو جبلی، ۵۱
انچلک (شیراز)، ۱۴۲	اشراس، ۳۷	اَسخَن، ۱۰۸	آلوجه، ۵۱
اندقوقو (شیراز)، ۱۲۵	اشریس، ۳۷	اسفد، ۱۱۶	آلوچه، ۴۱
انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵	اشنان گازران، ۵۲	اسفردانه، ۸۱	آلوچه سلطانی، ۴۱، ۴۲
انغوزه، ۱۲۱	أشه، ۵۱	اسفرک (شیراز)، ۱۶۲	آلوکشته بتر، ۵۱
انکر (شیرازی)، ۲۳۶	افتاب پرست، ۲۹۹	اسفرم، ۳۱، ۳۵	آلوی زرد بخارانی، ۴۱
انکزر، ۱۲۱	افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵	اسفناج، ۴۸	آلوی سیاه، ۴۱
انگدان، ۶۵	افریژ، ۲۹۳	اسفناج رومی، ۲۴۱	آلی باقلی (شیرازی)، ۲۳۴
انگدان زد، ۱۲۱	افزغنج (بخاریه)، ۲۲۶	اسفناج رومی (شیرازی)، ۲۴۱	آلی بالی، ۲۳۴
انگدان، ۶۵	افس سک (شیرازی)، ۱۸۳	اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶	آمله، ۶۲
انگزد، ۱۲۱	افنان سر، ۲۲۴	اسفندار، ۱۱۶	آویشن، ۱۹۵
انگزه، ۱۲۱	اقحوان زرد، ۷۰	اسفند سفید، ۱۱۵، ۱۳۱	ابونس، ۳۳
انگشت، ۵۳	اگیرترکی، ۲۹۳	اسفندان سفید، ۱۱۵	ابی، ۱۷۲
انگشت کنده (اصفهان)، ۱۲۱	الاشنگ (اصفهان)، ۲۶۷	اسفندسناه، ۱۱۵	اخفاک، ۲۱۰
انگور، ۲۱۴، ۲۱۷	الاملك (طبرستان و تنکابن)، ۲۲۲	اسفند سفید، ۱۱۵	اردشیران، ۲۸۰
انگور سگان، ۱۲۸	الثال، ۱۳۶	اسفندسناه، ۱۱۵	اردشیر دارو، ۲۸۰
انگیان، ۶۵	الداس واش، ۱۲۹	اسفیدار، ۱۷۸	ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹
اوبرنیون، ۲۲۴	آلدر، ۲۱۳	اسفیدش، ۷۸	ارغوان، ۴۴
اویزر، ۲۴۶	السنه، ۱۲۹	اسفیدکشیر، ۳۰۰	آزگوان، ۴۴
اوجا (تنکابن و دیلم)، ۲۲۰	إلقیس (سجزی)، ۲۶۶	اسفیندار، ۱۳۰	ارود (فارس)، ۱۱۰
اوحی (مازندران)، ۱۲۰	إلقیوس (سجزی)، ۲۶۶	اسفیوس، ۷۸	اریسه، ۱۹۸
اوسبید، ۶۸	آلم (شیراز)، ۱۰۰	اسفیوش، ۷۸	ازاددرخت، ۲۱۳
اوسبید، ۶۸	الم (شیراز)، ۱۴۳	اس کرمانی، ۳۶	ازاددرخت، ۲۱۳، ۲۶۶
اوسفید، ۶۸	الویا، ۲۷۱	اسکيلم چشم (سجزی)، ۲۱۷	ازدشیر زاد، ۲۸۰
اوشن، ۱۹۵	آمرو، ۶۲، ۲۶۱		اسباناج، ۴۸
			اسبرک، ۵۹



بُکْمون، ۸۵	برس، ۳۹	بادرنجبویه، ۷۱	اوشه (شیرازی)، ۱۹۵
بِلَادُر، ۸۵	برس غنچه، ۳۹	بادنجان، ۱۱۴	اونیره، ۸۱
بلاذر، ۸۵	برسیاج دارو، ۲۱۰	بادنجان دشتی، ۱۱۴	اویشم (اصفهان)، ۱۹۵
بلبل شامی، ۲۷۷	برسیان دارو، ۲۱۰	بادنگان، ۷۲	اهر، ۱۷۸، ۲۶۹
بلس، ۹۶	برسیاوشان، ۲۰۷	بادیان، ۱۵۲	ایرامامیز، ۶۹
بُلْسُن (سجری)، ۲۰۷	برش، ۲۵۸	بادیان خطائی، ۷۲	ایرس، ۳۹
بَلْنَجَاسَف، ۷۷	برشاد، ۱۸۹	بادیان رومی، ۶۷	ایشن، ۱۹۵
بلنجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷	برشیان دار، ۲۱۰	بازام طلخ، ۲۷۱	ایکور، ۷۵
بلوط، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۱	برشیان دارو، ۲۱۰	بازامک، ۷۲	أبرس، ۲۰۸
۱۴۴، ۲۵۰، ۲۶۰	برشیاوشان، ۱۸۷	بازرنبویه، ۷۱	أبرنج، ۴۴
بلوط الارض، ۸۷	برشیاوشان داوران، ۲۵۷	بازرنگ، ۴۰	أردمانه، ۲۶۷
بلوط (شام)، ۱۷۹	برغث (خراسان)، ۲۴۵	بازرنجان، ۲۸۳	أزاددرخت، ۳۵
بلیذا، ۱۴۰	برغست، ۲۴۵	بازدُوز، ۳۴	أزْدَف، ۱۶۲
بن، ۸۱	برغشت، ۲۴۵	بازورد، ۱۱۴	أسبست، ۱۵۶
بَنْجِ اَنْگُست، ۴۰	بَرکک شیرازی، ۷۶	بازرُد، ۷۲، ۲۴۶	أشْفست، ۱۵۶
بنجسکروان، ۲۶۹	برکینبه، ۲۴۰	بازرُد، ۷۲	أسفند، ۴۸
بنجسکروان، ۸۸	برگ فرنجمشک، ۲۲۵	بارشک، ۲۶۹	أشفیوس، ۷۸
بنجشک زیان، ۲۶۹	برگک (شیرازی)، ۲۴۵	باقلا مصری، ۹۳	أشترغان، ۱۶۴
بنجکسروان، ۱۴۴	برنج، ۴۴، ۲۴۸	باقلی هندی، ۵۴	أقحوان زرد، ۹۰
بنجکُست، ۱۵۲	برنجاسب، ۲۴۷	بالش عاشقان (شیراز)، ۲۳۳	أوسین، ۶۸
بنجکست، ۱۷۰	برنجاسف، ۲۴۷	بالنکو، ۷۳	أیمونیطس، ۷۰
بنجککست، ۱۸۵، ۱۸۶	برنج کابلی، ۷۷	بالنگ، ۴۰	بابونه، ۵۷، ۷۰
۲۲۸، ۲۵۸	برنجمشک، ۲۲۵	بالنگو، ۷۱	بابونه گاو، ۵۷
بنجککست، ۴۰	برنگ، ۷۷	بالوط، ۸۶	بابونه گاو چشم، ۵۷
بنجه، ۱۲۶	بزیار (شیرازی)، ۷۸	بانقش (نیشابور)، ۸۱	باتو (شیراز)، ۱۴۷
بنحنک (خوارزم)، ۸۴	بزیاز، ۱۰۷	باهستان، ۲۱۸	بادآورد، ۲۷۸
بن شاه، ۸۱	بُزغُنج، ۲۲۵	بچند (سیستان)، ۲۴۵	بادام، ۱۹۷، ۲۷۱
بنفشه، ۸۹	بزغند، ۲۳۷، ۲۲۵	بچو (فارس)، ۲۵۷	بادام تلخ، ۲۷۱
بنک، ۸۸، ۲۴۵	بزندویخند، ۲۴۵	بخرک (شیراز)، ۱۰۵	بادام شیرین، ۲۷۱
بنک (شیرازی)، ۲۴۵	بُزبیر (سجستان)، ۲۴۷	بداوان (شیراز)، ۱۴۸	بادامک، ۱۳۶
بنکو (شیراز)، ۷۸	بستان ابروز، ۷۸	بدران (شیراز)، ۵۱	بادام کوهی، ۱۰۵
بنگ، ۸۸	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۱۲۲	بدسکان، ۷۵	بادام نشک، ۱۹۶
بن لیلوفر، ۲۹۲	بُستان افروز، ۷۸	بدکستان، ۷۵	باداورد، ۷۱
بُتو (سجری)، ۲۱۲	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۷۸	بده، ۲۲۰	بادتخم (سیستان)، ۱۵۲
بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵	۱۲۲، ۱۴۷	بربهن (اصفهان)، ۸۳	بادرنبویه، ۷۱
بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵	بستولاک، ۱۷۰	برتراسک، ۲۴۷	بادرنجبویه، ۷۱
بوخل (نیشابور)، ۸۳	بفرخ، ۸۳	برتراسک (شیراز)، ۷۷	بادرنجبویه، ۱۱۳
بوذنه، ۲۹۰	بقلة دشتی، ۸۳	برتراسک (شیرازی)، ۷۷	بادرنگ، ۷۱

بورمندی (جرجان)، ۸۴	بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷	پیچک (شیرازی)، ۲۵۷	تخم قاوند، ۲۳۳
بورمنی (بخارا و جرجان)، ۸۴	بیدانجیر، ۱۳۳	پیر در بهار، ۷۰	تخم کاج، ۱۱۲
بورمنی (جرجان)، ۸۴	بیرزد، ۲۴۶	پیرز، ۱۶۷	تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶
بومادران، ۷۷	بیم (دیلیم و تنکابن)، ۱۶۷	پیرزد، ۷۲	تخم کازیره (گیلان)، ۲۳۶
بوی جهودان، ۲۸۳	بیوه‌زا، ۲۳۶	پیزد، ۷۵	تخم کافشه، ۲۳۶
بوی مادران، ۲۴۷	بیوه‌زا (آذربایجان)، ۹۲	پیزرا، ۱۲۱	تخم‌کمان (تبریز)، ۸۳
بوی مازدان، ۲۴۷	پای کلاغ (پهلوی)، ۱۵۵	پیل زهره، ۱۲۰	تخم کرفس رومی، ۲۶۱
بوی هیربدان (سجستان)، ۱۸۰	پَرسایوشان، ۷۵	پیل گوش، ۲۳۰	تخم کشوث، ۲۵۸
به، ۱۷۲	پرسیاوشان، ۷۶، ۱۷۸، ۱۸۷	پیوند مریم، ۱۱۲	تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵
بهار، ۴۴، ۵۷، ۹۰، ۱۴۲، ۲۹۴، ۲۱۷	پرکاج (شیراز)، ۱۹۶	تاتوله، ۱۰۹	تخم کنب، ۱۱۱
بهار خرما، ۹۵	پسته، ۲۲۵	تاج خروس، ۷۹	تخم گزر، ۱۰۳
بهاری، ۲۹۰	پشم، ۹۴	تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴	تخم نیلوفر، ۱۱۳
به دانه، ۱۷۲	پلپل، ۲۲۷	تاک، ۲۵۵، ۲۲۲	تخم نیلوفر هندی، ۵۴
بهمن، ۹۱	پلنگ مشک، ۸۳	تال شال، ۲۱۰	تخم وهل، ۳۹، ۴۰
بهمی، ۱۷۲	پلنگمشک، ۲۲۵	تالکن، ۲۹۸	تذری (شیراز)، ۹۶
بهمی (سجزی)، ۱۲۶	پلیهیم (طبرستان)، ۲۱۹	تبرزد، ۲۰۰	ترب، ۲۲۳
بیخ آسمان گون، ۷۰	پنبه، ۲۴۲	تخم اسبست، ۱۵۶	تُرئد، ۹۳
بیخ برنده، ۱۹۳	پنبه دانه، ۲۴۲	تخم امرود جنگلی، ۱۴۲	تربزه (شیراز)، ۲۲۳
بیخ بنفشه، ۷۰	پنجگشت، ۴۱	تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹	تربیزک (شیرازی)، ۲۲۳
بیخ تفت، ۱۹۱	پنیرک، ۱۲۹	تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹	تربیزه، ۲۲۳
بیخ جگری، ۱۵۴	پنیرک خطمی (کرمانی)، ۱۲۹	تخم بلوک (کرمان)، ۸۳	ترخانی، ۲۰۲
بیخ چکری، ۱۵۴	پنیرک (سجزی جدید)، ۲۸۴	تخم بیخ رومی، ۱۹۱	تر (خراسان)، ۱۱۰
بیخ چینی، ۱۰۶	پنیر نخل، ۹۵	تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵	ترخونی (شیرازی)، ۲۰۲
بیخ سنبل، ۲۲۸	پوبهکل (شیرازی)، ۲۲۵	تخم پیاز، ۸۰	ترسک (شیرازی)، ۱۲۳
بیخ سوسن سفید، ۵۴	پودنک، ۲۲۹	تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵	ترشج، ۱۲۲
بیخ عرطیثا، ۳۴	پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹	تخم ترشه، ۱۲۲	ترشک، ۱۲۲
بیخ کازران، ۲۶۳	پودنه جبلی، ۲۸۱	تخم ترشیشک (شیرازی)، ۱۲۲	ترشه، ۱۲۲
بیخ لفاح، ۳۰۰	پودنه صحرائی، ۱۰۵	ترشه (شیراز)، ۱۲۲	ترشینک، ۱۲۲
بیخ مهک، ۱۸۰	پودنه کوهی، ۱۱۰، ۲۲۹	ترشه (خراسان)، ۱۲۴	ترف (خراسان)، ۱۲۴
بید، ۱۳۶	پوست بیخ زرشک، ۳۵	تُرُم (ری)، ۱۶۴	تُرُنچ، ۴۰
بیدار، ۱۴۹	پوست درخت کاذی، ۴۵	ترنج، ۲۸۳	ترنجان، ۲۸۳
بیدانجیر، ۱۳۳	پیاز تلکه (شیرازی)، ۸۵	ترنجبین، ۱۱۰، ۱۹۳	ترنجبین، ۱۱۰، ۱۹۳
بیدبری، ۱۳۶	پیاز دشتی، ۴۹	تُرُنْگ (اهواز)، ۴۰	تُرُنْگ (اهواز)، ۴۰
بید گیاه، ۹۹	پیاز موش، ۴۹	تره (اصفهان)، ۲۵۲	تره (اصفهان)، ۲۵۲
بیدمر، ۴۱	پیاز نرگس، ۲۹۰	تره تیزک، ۱۰۲	تره تیزک، ۱۰۲
	پیچک، ۲۵۷	تره خراسانی، ۷۱، ۸۳	تره خراسانی، ۷۱، ۸۳
		تخم سپندان، ۱۱۵	تخم سپندان، ۱۱۵
		تخم ریاس، ۱۱۱	تخم ریاس، ۱۱۱
		تخم زرداب، ۹۹	تخم زرداب، ۹۹
		تخم دل آشوب (شیرازی)، ۴۱	تخم دل آشوب (شیرازی)، ۴۱

خردل بابلی، ۱۳۱	چشمک (شیراز)، ۹۴	جَبَل‌هَنگ، ۱۰۱	تره داهان، ۸۳
خردل سفید، ۱۱۵، ۱۳۱	چشمیز، ۹۴	جُدَری (بلخ و طخاری)، ۲۲۶	تره گربه، ۸۳
خرزهرج، ۱۴۵	چشمیزج، ۹۴	جرجیر بیابانی، ۷۰	تره میره (سیستان)، ۱۰۲
خرزهره، ۱۴۵	چشمیزج، ۹۴	جز (تنکابن)، ۳۶	تریاق کوهی، ۲۷۷
خرزهره (کرمان)، ۱۲۶	چشمیژه، ۹۴	جعفریه (جرجان)، ۱۱۷	تستر، ۲۰۵
خرس گیا، ۲۶۴	چشوم، ۹۴	جغش (هرات)، ۱۱۷	تستریه، ۲۰۵
خرس گیاه، ۱۴۸	چغندر، ۱۷۴، ۱۷۳	جُفت آفرید، ۱۰۴، ۱۵۷	تشن (سیستان)، ۹۴
خرفه، ۸۳	چگندر، ۱۷۴	جُگری، ۱۵۹	تَشیک (زابل)، ۱۸۳
خرک، ۱۷۳	چنار، ۱۴۵، ۱۹۶	جگری، ۱۵۹	تلخه پیاز، ۸۵
خرک (شیرازی)، ۹۴	چنار (شیراز)، ۱۴۵	جلغوزه، ۱۹۶	تمر هندی، ۹۵، ۱۲۴
خرگوشک، ۲۶۹	چوب چینی، ۱۰۶	جماز (تنکابن و دیلم)، ۱۶۹	تمر هندی ترش، ۱۹۴
خرل، ۲۰۹	چوب چینی خطائی، ۱۰۶	جم اسپرم، ۱۶۰	تمر هیرونی، ۹۵
خرما، ۹۴، ۲۳۸	چوه صباغان، ۳۴	جمسینج (خوارزم)، ۹۴	تمش (جرجان)، ۲۱۳
خرما هیرون، ۹۵	چهار مغز، ۱۰۶	جن آر، ۱۹۶	تموش (دیلم)، ۲۱۳
خرمای سنگ اشکن، ۹۵	چینه کبوتران، ۱۵۶	جنجه، ۹۵	تَنکَر، ۲۱۷
خرو، ۱۲۹	حارسوهک (شیراز)، ۱۱۸	جنکک (بلخ)، ۱۳۲	توبیج، ۲۶۶
خروس لوچ، ۱۱۸	حرف سفید، ۱۱۵	جو، ۱۸۷	توت، ۹۵
خزران، ۱۴۰	حسن لبه، ۱۹۸	جواشیر، ۱۰۰	توت حامض، ۹۵
خسرو دارو، ۱۳۹، ۲۲۲	حسن یوسف، ۱۱۱	جوانسپرم، ۱۸۳	توت حلو، ۹۵
خسوق، ۲۱۰	حسینی، ۲۶۱	جوانسفرم، ۱۸۳	توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳
خسک دانه، ۲۳۶	حسینی (مرشدآباد)، ۶۲	جو برهنه، ۱۷۳	توت شامی، ۹۵
خشخاش، ۷۰، ۱۵۸، ۲۷۵	حشیش، ۲۴۵	جوجادو، ۱۴۱	توت نبطی، ۹۵
۲۸۵، ۲۸۸	حماحم، ۱۵۹	جوزبویا، ۱۰۷	توت وحشی، ۲۱۳
خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸	حماض سه برگ، ۱۲۲	جوز روت، ۱۰۹	تودری، ۹۶
خشخاش سیاه، ۱۳۴	حفظل زرد، ۱۲۶	جوشیصا، ۱۰۹	تودری، ۱۹۰
خشخاش شاخ دار، ۱۳۴	خارثین، ۲۱۷	جوگندم (زابل)، ۱۷۳	تورک، ۸۳
خطای (شیرازی)، ۱۴۰	خار خشک، ۱۱۸، ۲۳۶	جوگندم زابل، ۱۷۳	تورکی (شیراز)، ۸۳
خطمی، ۱۲۹	خارشر، ۱۱۰	جولاکش (سیستان)، ۷۱	تورم، ۳۴
خطمی کوچک (شیراز)، ۱۲۹، ۲۸۴	خاص تره (تنکابن)، ۱۰۲	جیدار، ۱۰۹	توز، ۱۲۷
خفرج (بلخ و زابلستان)، ۸۳	خاکشی (اصفهان)، ۱۲۹	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	تویوش، ۱۶۴
خلبه (گیلان)، ۱۲۱	خایه ابلیس (فارس)، ۵۹	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	ثامروان، ۲۷۱
خُلَر (قزوین)، ۱۰۴	خربزه، ۸۱	چتر اخضر، ۲۴۵	ثمر پشه، ۱۰۵
خلیمو (شیرازی)، ۱۲۳	خربزه دراز، ۲۸۵	چرچه، ۱۸۹	جاحوشی (شیراز)، ۱۰۰
خنجک، ۱۱۱	خربزه روباه، ۱۲۶	چشم، ۹۴	جافر (هرات)، ۱۱۷
خنجک (خراسان)، ۸۱	خربزه زمستان، ۸۱	چشم خروس، ۲۱۷	جاکج (خوارزم)، ۹۴
خنیس (گیلان)، ۱۲۰	خربزه طلخک (زابل)، ۱۲۶	چشمک، ۹۴	جاکجو (خوارزم)، ۹۴
خوززهرج، ۱۴۵	خربزه هندی، ۸۲	چشمک (شیراز)، ۹۴	جاکسو، ۹۴
	خرجکوک (زابلستان)، ۳۸		جامه خواب، ۲۰۰

خوش سایه، ۱۴۴	داربرنیا، ۸۴	درخت عود، ۲۹۶	دهمشت، ۲۱۸
خوشک، ۷۳	دارچوبه، ۱۴۲	درخت غایش، ۲۱۵	دینارو، ۱۱۷
خوشه ارزن، ۱۹۰	دارچینی، ۱۴۱	درخت فلفل، ۱۴۲	دینارویه، ۱۱۷
خوللو (شیرازی)، ۱۵۲	دارشاه، ۵۹	درخت کدز، ۴۵	دیو اسپست صحرائی، ۱۲۵
خوم (سغدی)، ۲۹۹	دار شیرین، ۱۸۰	درخت کلنورا، ۱۹۸	دیودار، ۱۴۹، ۲۰۹، ۳۰۰
خونسیاوشان، ۱۴۶	دارشیشعان، ۱۰۹، ۱۴۱	درخت کوت، ۲۶۲	دیودار (طبرستان)، ۲۶۴
خون سیاوشان، ۱۴۶	۱۷۸، ۱۷۱	درخت مسواک، ۴۳	دیودر، ۱۴۹
خویبو (سجزی)، ۱۷۱	دارصینی، ۱۴۱	درخت هلیله (شهری)، ۳۵	دیوزوان (بستی)، ۲۱۰
خیار، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۵۵	دارفلفل، ۱۴۲، ۲۲۷	دَردار، ۱۴۴	دیوسبست، ۱۲۵
خیار بادرنگ (خراسان)، ۲۳۴	دارمازو، ۸۶	دردار، ۲۶۹، ۲۹۰	دیو مشنگ، ۱۵۶
خیار بادرنگ، ۲۳۴	دارمازی (طبرستان)، ۸۶	درمنه، ۵۵، ۱۹۳	ذرت، ۱۰۰
خیار بادرنگ (خراسان)، ۲۳۴	دارمیران، ۱۴۲	درمنه اسپید، ۹۷	ذرق، ۱۵۰
۲۳۴	دارواش (دیلم و تنکابن)، ۲۱۵	درمنه ترکی، ۱۹۳	ذره مکه، ۱۳۹
خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴	داروان (تنکابن)، ۳۵	درنک، ۲۸۰	رازیانه، ۱۵۲، ۱۱۳
خیار تلخ، ۱۲۶	دارورهرام، ۱۸۰	دروکی کنکر، ۱۱۴	رازیانه بری، ۱۵۳
خیار چنبر، ۱۴۰	دارون، ۱۴۴	دُرُوئج، ۱۴۴	رازیانه رومی، ۶۷
خیارخر، ۲۳۳	داری، ۱۳۰	درونک، ۱۴۴	رازیانه شامی، ۶۷
خیار (خراسان)، ۲۳۳	دانه سجستان، ۱۶۷	درهن، ۱۸۴	راژموک (ترمذی)، ۲۷۱
خیار خوراکی، ۲۳۴	دبندار، ۱۴۹	درینه (تبریز)، ۹۶	راقوته (شیراز)، ۲۹۰
خیار دراز، ۲۳۳	دبوکی (بلخ)، ۲۸۴	دستنبویه، ۱۴۴	رانج ویر (فارس)، ۱۱۱
خیار دراز (شیراز)، ۲۳۴	دخنخ (بخارا)، ۸۴	دستنبویه، ۱۴۵	رانداروی تلخ، ۲۶۰
۲۸۵	در، ۲۱۳	دل اشوب (شیرازی)، ۴۱	راوند، ۱۵۴
خیار درزده، ۲۳۳	دراز (شیرازی)، ۱۱۷	دنبی دارو (شیرازی)، ۴۹	راء، ۱۲۶
خیار دشتی، ۱۲۶	درامک، ۲۸۰	دندان جانان (سجزی)، ۲۹۳	رتک (شیراز)، ۲۸۱
خیارزره سفید، ۲۳۳	درحسنک، ۱۹۸	دندان گرگ، ۵۰، ۸۴	رجمول، ۲۵۸
خیارزره، ۲۳۳	درخت اثل، ۱۸۲	دوالک، ۵۲	رزی (تبریز)، ۸۵
خیارزره اسپند، ۲۳۳	درخت پشه، ۱۴۴	دواله، ۵۲	رسین (اصفهان)، ۲۳۶
خیارزره کوچک، ۱۹۸	درخت توت، ۹۳	دوالی، ۵۲	رقاقس، ۱۵۷
خیار طلخ، ۱۲۶	درخت دبق، ۵۱	دوراق، ۱۱۷	رنکبار (شیراز)، ۱۵۲
خیارک بسی بر (بلخ و طبرستان)، ۲۸۶	درخت دردار، ۱۷۸	دورس، ۱۴۵	رنگ زعفران، ۴۲
خیرو، ۱۲۹	درخت دلک، ۲۹۴	دوسر، ۱۴۷	رنگ زعفران (اصفهان)، ۲۱۰
خیروج، ۱۳۶	درخت زکریا، ۱۶۹	دوسر، ۱۹۴	روبارزج، ۲۱۴
خیری، ۱۲۹	درخت زهرناک، ۲۰۹	دوشر، ۱۴۷	روباه تربک، ۲۱۴
خیری سیاه، ۱۴۰	درخت سال، ۲۰۲	دهکلو (شیراز)، ۲۶۰	روباه تورک، ۲۱۴
داذی کوهی، ۲۹۸	درخت سیستان، ۱۴۲	دَهْمَسْت، ۱۴۸	روباه رَزک، ۲۱۴
دارافرسام، ۸۶	درخت شانه، ۲۶۳	دهمست، ۲۱۸	رودک، ۲۳۰
	درخت عرعر، ۱۷۰		رُوْزبارج، ۲۱۵

سک انگور (زابلی)، ۲۱۴	سببذخار (سجزی)، ۲۱۷	زَرین گیاه، ۹۲، ۱۶۲	روشنک، ۲۲۱
سکینه، ۱۷۳	سپر، ۱۵۹	زَط (سجستان)، ۲۰۱	روشی مینس (شیراز)، ۵۱
سکفس (ترمذی)، ۲۱۱	سپستان، ۱۶۷	زغیر، ۱۹۴	روغناز (جرجان)، ۲۳۰
سکوک (بخاری)، ۲۱۱	سپست تر، ۱۵۵	زغیر (سغد، سمرقند)، ۲۵۱	روناس، ۲۳۰
سکوهنج، ۱۱۸	سپند، ۱۱۶	زغیره (سغد، سمرقند)، ۲۵۱	رونک (سجزی)، ۱۷۳
سگ انگور، ۲۱۴	سپندان، ۱۳۱	زُقَال، ۱۶۳	روی (سجزی)، ۲۰۰
سگبستان، ۱۶۷	سپید اسفند، ۱۳۱	زمردرنگ، ۲۴۵	رویَن، ۲۳۰
سلجم، ۱۸۹	سپید گیاه، ۹۷	زمین قند، ۱۸۹	ریباس، ۱۵۴
سلس (فارس)، ۲۱۹	ستاره ائیکا، ۴۸	زمین (گرگان)، ۳۵	ریحان سلیمان، ۱۶۰
سلق، ۱۷۳	سداد بستانی، ۱۱۶	زُئبا، ۱۶۴	ریحان کوهی، ۷۱
سلم سرخ (یزدی)، ۲۱۰	سذاب، ۱۶۷	زُئجرو (سجزی)، ۶۶	ریحان مطلق، ۱۸۴
سلمه، ۲۴۱	سریبل (شیراز)، ۲۳۳	زنک فلج، ۱۳۲	ریش سمندر، ۱۲۰
سلیسک (فارس)، ۲۱۹	سرخ پای، ۱۲۲	زنکورج، ۳۰۱	ریشه انجدان خراسانی، ۶۵
سماروغ، ۲۶۰، ۲۶۰	سرخس، ۱۶۹	زنگباری (شیراز)، ۲۴۴	ریشه خيرو، ۲۹۷
سمالو، ۲۶۰	سرخس نر، ۱۶۹	زنگبیر، ۱۶۴	ریشه ریباس، ۱۵۴
سماهنگ، ۲۳۳	سرخ فرد (شیرازی)، ۲۱۰	زوار، ۱۰۱	ریواج، ۱۵۹
سمرقندیا (زابلی)، ۲۷۶	سرخ مرد، ۱۴۳	زوان گندم، ۱۹۴	ریواس، ۱۵۹
سم (سجزی)، ۱۳۲	سرزردک (شیراز)، ۲۴۷	زویاترس (تنکابن)، ۳۵	ریوند، ۱۵۴
سنبل سفید، ۲۳۸	سرشو (شیرازی)، ۲۶۶	زوفرا، ۱۱۷	زارج، ۳۸، ۶۱
سنبل فارسی، ۱۷۸	سر (شیرازی)، ۲۴۵	زوله (خوارزم)، ۲۲۸	زبان گنجشک، ۲۶۹
سنجد، ۲۱۹	سرکوه، ۱۸۱	زهر زمین (جرجان)، ۳۵	زر، ۲۵۵
سندل، ۱۹۶	سرم، ۲۲۶	زیتون کوهی، ۲۰۶	زراوند، ۱۶۰
سنگ سبویه، ۱۷۹	سرمک، ۲۴۱	زیر، ۸۵	زراوند خراسانی، ۱۶۰
سنگسبویه، ۱۷۹	سزمه، ۱۷۰	زیر خار (سجزی)، ۲۱۷	زراوندگرد، ۱۶۱
سنگ حنا (دیلیم)، ۱۱۷	سرو، ۱۴۹، ۱۹۷، ۱۷۰	زیرکش، ۶۱	زرجویک، ۲۰۸
سنگ سبویه، ۲۴۳	شرو، ۲۶۹	زیره، ۲۶۲	زرچویه، ۲۰۸
سوده (شیراز)، ۲۴۵	سرو ترکستانی، ۱۵۵، ۱۶۱	زیره رومی، ۶۷، ۲۵۶	زردآلو، ۱۹۰، ۲۸۲
سوردن (تبریز)، ۱۲۹	شرو (سجزی)، ۲۶۹	زیره هندو سیاه، ۲۶۲	زردجویه، ۲۰۸
سورنگان، ۱۷۹	سرو کوهی، ۳۹، ۲۰۸	زینان (شیرازی)، ۲۸۹	زردچویه، ۲۷۶
سوسن، ۱۶۰، ۱۸۰	سریش، ۵۱	زینیان، ۲۸۹	زردک، ۱۰۳
سوسن آزاد، ۱۶۴، ۱۸۰	سزه (شیرازی)، ۲۳۶	ژالکه (سجزی)، ۵۲	زرشک، ۳۸، ۶۱، ۱۲۰
سوسن آسمانجونی، ۷۰	سعد (تنکابن)، ۴۹	سایبک، ۲۷۰، ۳۰۰	۲۳۱، ۲۷۱، ۲۹۸
۱۸۰	سفتا، ۸۰	ساذرون، ۱۶۷	زرشگ، ۶۱
سوسن آسمانگون، ۷۰	شفجه، ۱۹۸	ساق ترشک، ۸۳	زِرک، ۶۱
سوسن ادرا، ۱۸۰	سفند اسفندو، ۲۷۴	سبری تهلك (سجزی)، ۱۱۶	زرنک، ۶۱
سوسنبر، ۱۸۲	سفند آسفید، ۲۷۴	سبزیار، ۱۰۷	زرواش (تنکابن)، ۹۷
سوسن خطاهی، ۱۸۰	سفیدار، ۱۴۴	شَبزه (شیراز)، ۲۴۵	زَرَوَان زُئج، ۲۱۵
سوسن زرد، ۷۰	سفید مرز، ۸۴		زره (شیراز)، ۱۴۹

شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴	شرویه (مازندران)، ۱۲۵	شاه املج، ۶۲	سوسن سرخ صحرائی، ۱۴۶
شنگلیل، ۱۶۴	شسبندان، ۲۲۲	شاه انجیر، ۹۶	سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰
شنگویر، ۱۶۴	شش‌بندان سیاه، ۲۲۲	شاهبانک، ۱۸۳	سوسن کبود، ۱۸۰
شوبا، ۹۶	شش‌بندان (شیراز)، ۲۲۲	شاهبلوط، ۸۶	سوفاس، ۹۶
شوت، ۱۸۴	ششتره، ۲۸۸	شاهبلوط، ۸۷	سونک (سجزی)، ۲۳۶
شوت (سجزی)، ۱۸۴	ششقالق، ۱۰۳، ۱۸۸	شاه بن، ۸۱	سه سنبل، ۱۸۲
شود، ۱۸۴	ششکاک (مازندران و	شاه بید، ۱۳۶	سهک داوران (شیرازی)،
شودر (اصفهان)، ۲۳۶	تنکابن، ۲۳۶	شاه بید (شام)، ۱۳۷	۱۶۷
شود (شیراز)، ۱۸۴	شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰	شاه بیذ، ۱۳۶	سه کوهنج، ۱۱۸
شوران (سجزی)، ۲۱۰	شفتوک (شیراز)، ۱۲۹	شاه پسه، ۵۹	سیاه برگ، ۱۹۱
شورد، ۲۳۲	شفتل، ۲۹۱	شاهتره، ۱۸۳	سیاه‌داران، ۱۶۶
شونوز، ۱۹۲	شفاص، ۴۶	شاه تره (شیراز)، ۱۸۳	سیاه دانو، ۱۹۴
شونیز، ۱۸۱	شقالق، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۸۸	شاه تره (مازندران)، ۱۰۲	سیاه دانه، ۱۹۲
شونیز، ۱۹۲	شقالق، ۱۸۸، ۲۲۹	شاه چینی، ۱۸۴	سیب، ۹۴، ۱۶۳
شه بانو، ۱۸۳	شقایق، ۳۵	شاهدانق، ۱۱۱	سیبزه، ۲۷۰
شهوت‌انگیز، ۲۴۵	شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰	شاهدانه بری، ۱۱۱	سیر، ۹۸
شیره، ۱۹۳	شکر انگور روباه، ۲۱۴	شاه زیره، ۲۵۶	سیردشتی، ۹۸
شیخ خراسانی، ۱۹۳	شکره‌نج، ۱۱۸	شاه زیه، ۲۵۶	سیر صحرائی، ۴۸
شیرابه، ۱۳۴	شکم‌دریده (شیراز)، ۷۸	شاهسپرم، ۱۸۳	سیر مو، ۴۸
شیر املج، ۶۲	شکوفه خرما، ۹۵	شاهسپرم سرخ، ۱۸۴	سیس‌بان (مازندران)، ۳۵
شیر انجیر، ۱۹۳	شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴	شاهسپرم، ۱۵۹	سیس‌بوان (فارس)، ۲۱۹
شیرانجیر، ۳۰۰	شکوهنج، ۱۱۸	شاهسپرم شیرازی، ۱۹۸	سیسنبر، ۱۱۳
شیرخشت، ۱۹۳	شکویهج، ۱۱۸	شاهشبرم، ۱۱۳	سی سنبل، ۱۸۲
شیرخشک، ۱۹۳	شکی، ۲۱۷	شاهشبرم، ۲۸۰	سیسینتر، ۱۸۲
شیرگیا (زابلیستان)، ۲۸۶	شلغم، ۱۸۹	شاهشفرم، ۱۵۹	سی کوه، ۱۸۱
شیره‌و (خراسان)، ۱۹۰	شلم‌بی (مازندران)، ۱۲۹	شاه صینی، ۱۸۴	شیونک (سجزی)، ۲۱۰
شیستره، ۲۲۸	شلمیز، ۱۰۹	شاهلوک، ۱۸۴، ۲۱۷	سیهک، ۴۳
شیشبان، ۳۵	شما، ۲۲۶	شاهنجیر، ۱۸۴	شابانک، ۷۷، ۲۳۲
شیلیم، ۱۸۹	شمرک (سجزی)، ۱۳۲	شاه نرجس، ۲۹۰	شایبزرک، ۲۷۰
صابون لباس، ۳۵	شمشاد، ۸۲	شایانج، ۱۸۳	شال حنی (مازندران و
صذبیوند، ۲۱۰	شملیت، ۱۲۰	شب انبوی، ۱۳۳	تنکابن)، ۲۵۱
صربه، ۱۷۴	شملیز (شیراز)، ۱۲۱	شب بو، ۱۳۳، ۱۴۰	شامامک، ۱۸۳
صرخ بای، ۱۲۲	شنبلبله (اصفهان)، ۱۲۱	شب خیزک، ۱۱۵	شاه‌آلو، ۴۱
صعتر فارسی، ۱۰۵	شنجار، ۱۲۵، ۱۳۴	شبدار، ۲۳۶	شاه‌اسپرم، ۱۵۹
صنوبر، ۱۵۲	شنک (زابلی)، ۲۶۹	شبدر، ۵۷، ۲۳۶	شاه افسر، ۵۹
صنوبر بی بار، ۴۴	شنکیا (تبریز)، ۲۳۳	شبدر (اصفهان)، ۱۲۵	شاه‌امرو، ۲۶۱
صنوبر کوچکی، ۱۹۷	شنگ، ۱۵۱	شخار، ۲۴۴	شاه‌امرو (خراسان)، ۲۶۱
صنوبر هندی، ۳۹	شنگ (اصفهان)، ۲۶۷	شیر (سجزی)، ۲۰۷	

کاو چشم، ۹۰	قشارون، ۴۶	غُزْبَه (زابل)، ۱۸۵	ضدل دانج، ۱۱۶
کاو جيله، ۲۳۶	قسط تلخ، ۲۳۹	غنج (هری)، ۱۹۲	طاحک (طبرستان)، ۳۵
کاو چشم، ۵۷	قسط سفید، ۲۳۹	غنچه خرما، ۹۵	طاق، ۲۴۴
کاورس، ۱۰۰	قسط سیاه، ۲۳۹	غوبزک (زابل)، ۱۶۲	طانیطومک (شیراز)، ۱۸۴
کاوزاون، ۲۶۸	قسوة الکلابغلتک، ۱۸۳	غوره خرما، ۹۴	طبرزد، ۲۰۰
کاو زبان، ۲۶۸	قشر ترجیه، ۲۴۰	غوشه، ۲۲۱	طرخون دشتی، ۲۰۵
کاوکشک (شیراز)، ۱۸۴	قطرات کوثی، ۲۴۱	فرازمک (سجزی)، ۲۷۱	طرخون رومی، ۲۶۱
کاو مکه، ۴۳	قمریت (اصفهان)، ۲۵۵	فرهبن، ۸۳	طرم (لرستان)، ۸۵
کاه‌ریای، ۲۶۴	قمش (جرجان)، ۲۷۹	فُرُزْد، ۹۹	طفک (شیرازی)، ۳۵
کاهل، ۱۰۰	قناروخشک، ۵۳	فرزد جویبار، ۴۴	طلخشقوق (زابلستان)، ۳۸
کاه‌مکه، ۴۳	قندرون (اصفهان)، ۸۱	فرینه، ۸۳	طنجبین، ۲۰۲
کاهو، ۱۳۳	قنطوریون باریک، ۲۷۴	فَرَنجِمِشْک، ۵۳	طوس (شیراز)، ۳۹
کاهیان، ۲۳۶	قوج (ترمذی)، ۲۲۶	فریرسب، ۲۴۷	طوسک (شیراز)، ۱۴۹
کیابه دهن شکافته، ۲۲۲	قهوه، ۸۹	فریز، ۹۹	عَبَس، ۱۸۳
کیابه دهن گشاد، ۲۲۲	قیچ، ۲۳۳	فَزْغَنْد (سغدی)، ۲۲۶	عدس خوراکی، ۲۰۷
کبرک، ۱۱۸	قیصر، ۵۹	فستق (شیراز)، ۱۹۶	عرش نما، ۲۴۵
کبست، ۱۲۶	قیصی، ۲۸۲	فَلال، ۳۴	عرق درخت توت، ۱۹۹
کیدانه، ۱۱۱	کاج، ۱۹۶	فلسب، ۲۴۷	عروس آب (رنگرزان)، ۱۰۳
کیکه، ۲۵۰	کاج (شیراز)، ۱۹۶	فلفل تر، ۵۷	عروس در پرده، ۲۴۹
کچومن، ۲۴۹، ۲۵۲	کاجیره (دیلمی)، ۴۲	فلفل دراز، ۱۴۲	عروس در پرده (شیراز)، ۲۴۹
کچومن (شیراز)، ۲۴۹	کاجیره (همدان)، ۲۱۰	فلفل سفید، ۱۴۲	عروسک در پرده (ماوراء النهر)، ۲۴۹
کحل فارسی، ۶۶	کاردوالی، ۹۵	فلفل سیاه، ۷۰	عروس در پرده (ماوراء النهر)، ۲۴۹
کدرو (شیراز)، ۶۶	کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷	فلفلک (طبرستان)، ۱۶۴	عروسک پس پرده (فارس)، ۲۴۹
کدو، ۲۳۷	کازوان، ۲۶۸	فلفل کوهی، ۴۱	عریقصاء (سجزی)، ۱۲۵
کدو (شیرازی)، ۸۲	کاسنی، ۲۹۷	فلفل گرد، ۲۲۷	عکاش (بلخ و طخاری)، ۲۲۶
کدو مکه، ۲۳۷	کاسنی رومی، ۲۶۱	فلک تاز، ۲۴۵	عَلَس (سجزی)، ۲۰۷
کدوی تلخ، ۲۳۷	کاش (تنکابن)، ۲۷۰	فلنجمشک، ۲۲۵	علفک داغ، ۲۰۵
کدوی رومی، ۱۴۲	کاشم رومی، ۱۸۱	فنجنگشت، ۴۰	عنبربید، ۱۰۳
کذی، ۲۹۷	کافوربوی، ۵۷	فنجنگشت، ۲۲۸، ۱۵۲، ۴۱	غاوشیرک، ۲۱۷
کرپز، ۲۳۳	کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹	فندق، ۱۰۵، ۸۸	غرب، ۱۳۶
کرت، ۲۳۷	کاکسر، ۲۳۲	فندق هندی، ۵۴	غروبوس (بلخی)، ۲۰۲
کرتَه (سجزی)، ۱۲۱	کاکل، ۲۳۲	فودنج جوهری، ۱۹۸	
کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲	کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴	فیلگوش، ۲۳۰	
کرد، ۱۰۳	کاکیان، ۲۳۶	فارچ، ۲۲۱، ۲۱۸	
کرسب، ۲۵۳	کال (شیراز)، ۱۰۰	قِئاء کوچک، ۱۹۸	
کرسب کوهی، ۲۲۷	کالوسک (سنجری و سجزی)، ۷۳	قدومه (اصفهان)، ۹۶	
کرفس جوئی، ۲۵۳	کالوسک (شیراز)، ۱۸۴	قرمون، ۲۵۱	
کرفس رومی (جرجان)، ۱۸۴		قسبک (شیراز)، ۹۵	

کویج (اصفهان)، ۱۶۲	کندر دریایی، ۲۶۳	کشنی، ۲۹۷	۱۱۷
کهزک (شیراز)، ۱۰۲	کُنْدَش، ۲۶۳	کشوٹ، ۵۵	کرفس صخری، ۲۲۷
کهزک (شیراز)، ۱۰۲	کندشه، ۲۶۳	کشوٹا، ۵۵	کرفس کوهی، ۱۵۱، ۲۲۷
که (شیراز)، ۲۱۳	کنزک، ۱۱۸	کشوٹ فارسی، ۲۵۸	۲۶۱
کهه (شیراز)، ۲۳۸	کنکر، ۱۱۴، ۲۶۳	کُشِنِعَاء (سجزی جدید)،	کرفس ماقدونی، ۲۲۷
کیده (اصفهان)، ۲۴۸	کَنکَر، ۱۱۴	۲۸۴	کرفش، ۲۵۳
کیرجک (دیلم)، ۸۸	کنکران (ری)، ۲۴۵	کفرک (شیرازی)، ۱۰۲	کرکاس (شیراز)، ۱۴۷
کیر کازرونی (شیراز)، ۱۳۲	کنکرزَی (سجزی)، ۲۱۴	کلاغ پا (پهلوی)، ۱۵۵	کرک جرواش (تنکابن)، ۹۹
کیکر، ۱۰۲	کنکرزد، ۱۱۴	کل انگور (مکران و قزدار)،	کرک سیاه، ۴۱
کیکز، ۱۰۲	کَنکَرزَد، ۱۱۴	۸۱	کرم، ۲۵۵
کیک ولرش (طبرستان)،	کنگر، ۱۱۴	کلبانی، ۵۱	کِرْمَدانِه، ۲۵۵
۱۱۸	کنگر آبی، ۲۳۵	کلبک، ۲۵۵	کرم‌دشتی، ۲۲۲
کیل، ۱۶۲	کنگرخر، ۱۸۹	کل کنده (شیرازی)، ۲۶۰	کروان، ۸۲
کیلجک (دیلم)، ۸۸	کنگرزد، ۱۱۴	کلم، ۲۵۵، ۲۵۶	کَزویَا رومی، ۲۳۵
کیلدارو، ۱۶۹	کنگر سفید، ۷۱	کلم رومی، ۲۴۵	کرویای دشتی، ۲۳۵
کیل سرخ (شیرازی)، ۱۶۳	کنگری، ۱۱۴	کلم کرد، ۲۴۵	کرویِه، ۲۵۶
کیل (شیراز)، ۱۶۲	کوار (دیلم)، ۲۵۲	کلنجه، ۷۰	کرویِه (شیرازی)، ۲۵۶
کیهه، ۲۱۳	کوخر (شیراز)، ۱۱۷	کلنک، ۲۵۵	کره، ۵۷
گاوچشم، ۲۱۷، ۹۰، ۲۸۰	کورار، ۲۲۴	کَلَنکَر، ۲۱۴	کریون، ۲۴۶
گاو دانه، ۲۵۳	کورتره (مازندران)، ۱۰۲	کلول (آذربایجان)، ۱۰۴	کزطلخون، ۲۰۵
گاورس، ۱۰۰	کور سور (کرمان)، ۷۶	کلیک (تنکابن)، ۱۴۶	کزمارک، ۴۰
گاوزبان، ۲۶۸	کورک (شیراز)، ۲۵۰	کُم، ۲۳۳	کزمازق، ۴۰
گاوزوان، ۲۶۸	کوزبویا، ۱۰۷	کمات، ۱۲۱	کَزْمَازَک، ۵۷
گاوشیر، ۱۰۰	کوزد (شیراز)، ۶۶	کُماشیر، ۲۶۰	کزمازک، ۲۰۲
گاو مشنگ، ۱۵۶	کوز کلاغ، ۱۰۹	کماه (شیراز)، ۲۳۸	کَزْم (سجزی و سمرقند)،
گاو مطوسک (شیرازی)،	کوز کندم، ۱۰۷	کماه کوهی (شیرازی)، ۱۷۱	۱۸۵
۱۸۷	کوز مائل، ۱۰۹	کمشری (شیرازی)، ۲۶۱	کَزَنَه دشتی، ۴۳
گره دشتی، ۴۳	کوشْتیل (تنکابن و دیلم)،	کنار، ۱۶۸	کسبت، ۱۲۶
گردکان، ۱۰۶	۲۶۴	کنار (سجزی)، ۲۸۹	کسته (شیرازی)، ۲۱۰
گردو هندی (شیراز)، ۲۸۷	کوشاد، ۱۰۶	کنار هوشه، ۵۳	کسناج، ۲۹۷
گرز دشتی، ۱۸۸	کوشت (شیراز)، ۱۲۶	کنب، ۲۴۵	کسنک، ۲۵۳
گرگ مرگ، ۱۲۸	کوشنه، ۲۳۹	کنبشک (سجزی)، ۱۱۱، ۸۱	کسنک (شیرازی)، ۲۵۳
گوز، ۲۰۲، ۴۰	کوشیر، ۱۰۰	کِنبَن، ۸۱	کَشنی، ۲۹۷
گوزانگدان خوش، ۵۰	کوله‌پر (مازندران)، ۶۵	کتور (شیرازی)، ۱۳۳	کس وبران (شیرازی)، ۲۵۰
گوزانگدان خوش، ۱۲۱	کونزده (اصفهان)، ۶۶	کتو (شیراز)، ۱۳۳	کَشْت بَر کَشْت، ۲۵۷
گوز، ۱۰۳	کونک، ۲۸۵	کنجد، ۱۷۶	کَشْت بَر کَشْت، ۲۵۷
گزنه، ۶۵	کوارات، ۱۳۲	کنجده (اصفهان)، ۶۶	کشمش کاولیا، ۱۴۳
گوز، ۵۱	کوهان، ۲۶۳	کنجده (اصفهان)، ۶۶	کَشْن، ۲۵۳



۳۰۰	لرکیماس، ۱۶۳	گل یوسف، ۷۹	گشت برگشت، ۲۵۷
ماهومورد، ۳۶	لعبت بربری، ۱۷۹	گنجشک ازوان، ۲۶۹	گشن، ۲۵۳
ماهی‌زهره، ۲۷۷	لعل معبری، ۲۴۷	گندم، ۱۲۶، ۲۰۰	گشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷
مسترک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷	لکونا (تنکابن)، ۲۶۶	گندم دیوانه، ۱۹۴	گشنیز کوهی، ۲۷۷
مخنخ (بلخ)، ۸۴	لویبیا، ۱۳۴، ۲۷۱	گندم صحرايي، ۲۳۵	گل آفتاب پرست، ۳۴
مران، ۱۷۱	لویبای سفید، ۵۴	گندم مکه، ۲۱۳	گل‌ابی (شیراز)، ۲۶۱
مرجان مروارید خرد، ۷۹	لویبای هندی، ۱۴۷	گندم مکه (تنکابن)، ۱۳۹	گل اریه (شیراز)، ۱۰۳
مرج (سغدیه)، ۲۲۷	لوف، ۲۴۶	گندنا، ۲۵۲	گل انار صد برگ، ۱۰۴
مرجومک، ۲۰۷	لوفای فاخر، ۲۴۶	گندنا کوهی، ۲۲۴	گل پر، ۲۴۸
مرخوش (شیراز)، ۲۸۰	لیذون، ۲۶۵	گندناي دشتی، ۲۵۲	گل حلوا، ۷۹
مرزنجوش، ۱۱۳، ۶۶	لیمو، ۱۰۴، ۲۷۴	گندناي کوهی، ۲۲۴	گل ختق، ۴۲
مرزنگوش، ۲۷۹، ۳۴	لیمودار، ۲۹۵	گوزغست، ۲۴۵	گل خوش نظر، ۲۷۷
مرزه، ۱۸۷، ۱۹۵	لیمون، ۲۷۴	گوزگندک، ۱۰۷	گل خیری، ۱۴۰
مرغ زفانک، ۲۶۹	لینوفر هندی، ۶۸	گورگیا، ۴۳	گل رعناي زیبا، ۲۹۴
مرماهان، ۲۸۰	ماذر درخت (کرمان)، ۹۶	گورگیا، ۴۳	گل روسبیجه، ۲۹۴
مرماهوز، ۲۷۹	مارجوبه، ۲۹۷	گوزگندم، ۱۰۷	گل سرخ، ۲۹۴
مرماهوس، ۲۸۰	مارجوبه، ۹۲، ۲۹۷	گوزن تل (جرجان)، ۴۳	گل سرخ صحرائی، ۱۴۶
مرماهویه، ۲۸۰	ماردارو، ۲۲۲	گوزن گیا، ۲۶۴	گل سنگ، ۱۱۷
مرمیخا (سغدی)، ۲۷۹	مار درخت (کرمان)، ۹۶	گوزن گیاه (مازندران و دامغان)، ۲۶۴	گل‌سنگ، ۲۰۰
مرو، ۲۶۸	مازکینوا، ۲۷۵	گوزنیک، ۲۶۴	گل عاشقان (خراسان)، ۱۶۲
مژو، ۲۸۰	مارگیا، ۲۷۵	گوش‌فیل، ۲۷۳	گل عنبرین، ۲۹۰
مروازاد، ۲۷۹	مارمورد، ۳۶	گون، ۲۳۳، ۲۵۱	گل قبحه، ۲۹۴
مرو بری، ۲۸۰	مارنه، ۹۹	گیاه آبگینه، ۱۱۹	گل قبحه (شیراز)، ۲۹۴
مرو تلخ، ۲۸۰	مازیرون سفید، ۲۷۵	گیاه عقرب (مصر)، ۱۹۴	گل کافشه، ۴۲
مرو جبلی، ۲۷۹	مازیرون سیاه، ۴۶، ۱۲۸	گیاهی آبگینه، ۱۱۹	گل کاوشه (اصفهان)، ۲۱۰
مرو خوش، ۲۷۹	مازن شیر (بخاری)، ۲۱۱	گیلاس، ۲۳۴	گل کلم، ۲۵۵
مرو دشتی، ۲۹۸	مازو، ۱۵۴، ۲۱۱	گیل دارو، ۱۶۹	گل کیدی، ۲۴۸
مرو رشک (شیراز)، ۲۸۰	مازوی ریزه دانه کوهی، ۱۷۵	گیله نار، ۲۳۴	گل گندم، ۱۰۷
مروزشک، ۲۸۰	ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵	لادن، ۱۹۸، ۲۶۵	گل گندم (شیرازی)، ۱۰۷
مروسرز (شیراز)، ۷۲	ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱	لادنه، ۲۶۵	گلگون (اصفهان)، ۹۶
مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰	ماش هندی، ۲۵۹	لاک ساک، ۱۴۳	گل مشکین، ۲۹۰
مروه، ۵۶	مامیثای سرخ، ۴۴	لاله، ۱۸۸	گلنار، ۱۰۴
مرو همیشه بهار، ۲۷۹	مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۷۶	لاله سرنگون، ۲۶۶	گلنار، ۲۳۴
مژو (اصفهان)، ۱۸۰	مانداروی تلخ (شیراز)، ۲۶۰	لاله نغمانی، ۲۶۶	گلنار دشتی، ۱۰۴
مستار (زابل)، ۵۶	ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴	لاور شیر، ۱۰۰	گل نرمه (سجزی)، ۱۳۳
مست رو (شیراز)، ۲۷۵	ماهودانه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶	لحوز (شیرازی)، ۲۸۶	گل هاشم (شیراز)، ۲۹۹
مست (زابل)، ۱۷۱		لُخ، ۷۵	گلیم شوی، ۳۴، ۳۵، ۷۴

مشت (شیراز)، ۲۷۵	میرک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷	نژوک، ۲۹۰	وزک (شیراز)، ۲۲۰
مشک‌چوپان (فارس)، ۱۹۰	می سیب، ۹۴	نژک (سجزی)، ۲۶۶	وژ، ۲۹۳
مشک‌داش (تنکابن)، ۱۹۰	میشبهار، ۲۸۰	نسترن گل، ۲۹۰	وسمه، ۲۵۱
مشک‌زمین، ۱۷۱	میشناء (سیستان)، ۳۷	نسرين، ۲۹۰	وَشْفَنگ (سجزی)، ۸۳
مشکک (شیراز)، ۱۹۴	میعه‌تر، ۲۸۶	نسرين زرد بری، ۲۹۴	وشک، ۸۱
مشکین‌جه (اصفهان)، ۲۹۰	میعه خشک، ۲۸۶	نسرين زرد بستانی، ۲۹۴	وشک (اصفهان)، ۲۲۰
مشنگ گاو، ۲۵۳	میل‌کندی (خراسانی)، ۱۶۳	نشاط افزا، ۲۴۵	ول، ۲۵۵
مشو (شیراز)، ۸۹	میل (مازندران)، ۹۷	نشک، ۲۰۷	ون، ۸۱
مغد، ۲۷۰	میوه درخت سرو، ۱۷۰	نَشَنگ (زابل)، ۱۸۳	ونک (شیراز)، ۲۸۱
مغیلان، ۶۲	میوه کاکتج، ۲۰۶	نعناع، ۲۹۰	وَنُوشک، ۸۱
مکرنه، ۹۹	میویج، ۲۸۷	نغن خوالان، ۲۸۹	ونیره، ۸۱
ملبند شدرک، ۸۲	ناجو، ۱۹۶	نقل خواجه، ۱۱۱	وهل (شیراز)، ۲۰۸
مَلَنج (زابل)، ۱۸۰	نار، ۱۰۴، ۱۵۷	نکریز (شیراز)، ۲۳۶	وئی ایزه، ۲۱۰
مُلک (خراسان)، ۱۰۴	نارجیل دریائی، ۲۸۷	نونند (شیراز)، ۱۱۶	ویذویک (خوارزم)، ۲۸۶
ملک (سجزی قدیم)، ۲۸۴	نار فارس، ۲۸۸	نوارس، ۲۳۳	وَنُوذ (ترمذی)، ۲۶۰
ملک طلخه، ۲۹۷	نار قیصر، ۲۸۸	نه کوهی، ۲۲۸	وَنُوذَه (بخاری)، ۲۶۰
ملوخیه (بلخ)، ۲۸۴	نارک، ۲۸۹	نه‌نمک (ری)، ۱۴۸	هدل، ۱۲۰
منج (بلخ)، ۸۴	نارکیوا، ۲۷۵	نی، ۲۴۰	هرداد (اصفهان)، ۱۱۸
مَنج زراووشان، ۲۸۵	نار میشک، ۱۵۸	نیپال، ۲۴۰	هردا (صفاهان)، ۱۱۸
منره و شک، ۱۸۰	نارِ میشک، ۲۸۸	نیشکر، ۲۴۱	هرسه (شیراز)، ۲۶۶
موجه (اصفهان)، ۲۴۵	نارونه خرما (شیراز)، ۹۵	نیلوپرک، ۲۹۲	هرشه (شیراز)، ۲۶۶
مورد، ۳۱، ۳۶	نازبو، ۱۸۳	نیلوفر، ۲۳۲، ۲۷۲	هرطمان، ۲۳۷
مورداسبرم، ۳۶	ناز، ۱۹۶	نیلوفر ترکی، ۸۰	هرنوه، ۲۹۶
مورداسپریم، ۱۵۹	نانخاه، ۲۸۹	نیلوفر فارسی، ۸۰	هَرَه، ۲۹۶
مورداسفرم، ۳۶	نآنخواه، ۲۸۹	نیلوفر هندی، ۵۶، ۶۸	هریتکه (گیلان)، ۶۵
موز، ۲۰۳	نانکش (نیشابور)، ۸۱	نی نه‌اوندی، ۲۴۰	هزار بندک، ۲۱۰
موژ (سجزی)، ۱۸۰	نان کلاغ، ۱۲۹	نی هندو (سجزی)، ۱۴۰	هزارپا، ۲۹۰
موسیر، ۴۸، ۹۸	نبات‌ازاد، ۱۰۳	وادرنگ، ۴۰	هزار جَسان، ۲۱۵
موشان پیاز، ۴۹	نجمه، ۹۹	وارد شیران، ۲۸۰	هزار چَسان، ۲۲۲
موشک (اصفهان)، ۲۵۰	نحیلک (مازندران)، ۱۲۹	وتلخ، ۲۹۷	هزار جشان، ۲۹۷
مویزج عسلی (شیراز)، ۱۴۳	نخود، ۱۲۴	وجائلق (کوهستان و لرستان)، ۱۰۳	هزار سفید (شیراز)، ۱۱۶
مویزک (شیراز)، ۲۸۷	نخود الوندی (اصفهان)، ۱۶۱	ورس، ۳۹	هزارشاخه، ۲۲۲
مویزک عسلی، ۱۴۳	نخود دشتی، ۱۲۴	ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹	هزارفشان، ۲۲۲
مهرگیا، ۳۰۰	نخوشی (شیراز)، ۲۲۲	ورق بنگو، ۷۸	هزارکشان، ۲۲۲
مهک (شیراز)، ۱۸۰	نرسک، ۲۰۷	وریزک، ۲۹۳	هزارگشان، ۲۹۷
میخک، ۲۳۸	نرگس، ۲۹۰، ۶۷	ورینه (تبریز)، ۹۶	هزاره، ۱۰۴
میردارون، ۲۸۰		وزد، ۲۱۳	هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷
			هفت برج، ۲۷۵

- هفت برگ، ۲۷۵  
 هفت بزج، ۲۷۵  
 هفت پهلوی، ۲۶۹  
 هفت زرده (شیراز)، ۲۹۰  
 هلال (شیراز)، ۱۲۰  
 هلال مشکک (شیراز)، ۱۲۰  
 هلو، ۱۳۹  
 هلیله، ۳۵، ۶۸، ۸۷، ۲۴۹  
 هلیله زرد، ۶۸  
 هلیله سیاه، ۶۸  
 هلیله کابلی، ۶۸  
 هلیله مویزک (شیراز)، ۶۸  
 همیشه بهار، ۳۷  
 هنجمک (ری)، ۲۴۵  
 هنداوانه (تبریز)، ۸۲  
 هندوانه، ۸۲  
 هندوانه ابوجهل، ۱۲۶  
 هوجویه، ۴۰  
 هوره، ۲۶۰  
 هیکل، ۲۲۶، ۲۲۷  
 هیل، ۲۳۲  
 هینگ (سجزی)، ۶۵  
 یاس سفید، ۲۰۵  
 یاسمین بری، ۲۰۵  
 یاسمین سفید، ۱۵۲  
 یریک، ۳۴  
 یل شیرین (شیراز)، ۲۰۱  
 یلم (سجزی)، ۲۱۰

## ۳ - نام‌های یونانی، لاتینی، رومی

آقوزون، ۱۶۵	ابویناقس، ۱۰۰	ادی دولی، ۲۶۰	آزطَمیسا، ۲۴۷
آبیوس، ۲۶۱	ابوپاناقس، ۱۰۰	اذررقوس (رومی)، ۵۲	ارطمیسا (رومی)، ۷۷
آذربو، ۳۴، ۱۷۱	ابوخلسا، ۳۸، ۱۳۴	اذرقیس (رومی)، ۵۲	ارطوس (رومی)، ۲۶۹
آذربوا، ۳۴	ابوسمس، ۲۵۴	اذفونیدیس (رومی)، ۱۴۸	ارطیسیا، ۶۱
آذربوی، ۳۴	ابوغلصن، ۶۷	اذفیوس (رومی)، ۱۴۸	ارطیه‌ماسیا، ۷۶
آذربویه، ۳۴	ابوفاطریوس، ۵۴	اذیارطون (رومی)، ۷۶	ازفامسیس اریثوس، ۱۲۴
آرمنیس، ۴۵	ابوفاطریوس (رومی)، ۵۴	ارایشس، ۱۲۴	ارفلس، ۱۸۲
آطء، ۲۲۰	ابوفایس، ۳۹	ارایشوس، ۱۲۴	ارفلن، ۱۱۳
آغئس، ۱۸۵	ابوفسطن، ۳۹	ارایشس ایمارس، ۱۲۴	ارفتوس، ۱۲۴
آقطی، ۱۳۸	ابوقانس، ۳۹، ۱۲۳	ارامانیا، ۲۸۲	ارقالیا، ۲۶۶
آلسن، ۳۷	ابوقاوس، ۳۹	ارامونی، ۱۸۸	ارقان، ۱۲۵
آلوسن، ۲۸۰	ابوقسطنس، ۳۹	ارب، ۲۷۳	ارقتس، ۱۱۳
آمی، ۲۸۹	ابوقینوس، ۵۹	اربانسش، ۱۲۴	ارقوس، ۳۹
آزئژذائن، ۲۳۰	ابومارس، ۱۲۰	اربسارم (فرنگی)، ۲۷۳	ارقولس، ۳۹
الوبیقواون، ۵۶	ابونیطس، ۲۵۰	اریصارن، ۲۷۳	ارقونیدوس (رومی)، ۲۱۸
ابابوس، ۳۳، ۲۲۳	ایید، ۲۶۱	اریقانون (رومی)، ۲۲۹	ارقیسون، ۴۵
اباخورس (رومی)، ۶۳	اییدی (رومی)، ۲۶۱	اریوطانون، ۱۲۱	آزقیطون، ۴۵
ابارس، ۱۰۵	اییکه (لاتینی)، ۲۶۱	ارییان، ۱۵۵	ایومزدقطولوس (رومی)،
اباریقون، ۱۰۶	ابویاقس، ۱۰۰	ارییانس، ۱۲۴	۱۷۹
اباغلس، ۶۳	اثاریون، ۵۰	ارییشوس، ۱۲۴	ارمیتافن، ۲۸۲
اباغورس (رومی)، ۶۳	اثانقون، ۵۱	ارتقش (لاتینی)، ۲۶۵	ارمیتقون، ۲۴۰
ابانس، ۳۳	اثونبون، ۲۴۰	ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵	ارمنین، ۴۵
ابانون، ۳۳	اثونیطس، ۲۵۰	ارتینوس، ۱۹۴	آزمتین، ۴۵
ابردیون، ۵۲	اثیوس، ۲۸۰	ارثیوس، ۸۰	ارموکی (رومی)، ۲۷۱
ابرقیا (رومی)، ۴۸	اجیلیه (رومی)، ۲۴۶	ارجیقن، ۱۶۲	ارمیناقن، ۲۸۲
ابرنج، ۷۷	آخیون، ۴۲	ارخس، ۱۳۶	ارمیناقون (رومی)، ۲۸۲
ابرو، ۸۹	اخردس، ۲۹۰	ارخس طوماغن، ۱۳۶	آزن، ۲۷۳
ابروطنن، ۱۲۳	آخزساج، ۴۲	ارخیس، ۱۳۶	آزن صاژن، ۲۷۳
ابروطنیون (رومی)، ۱۹۳	اخرسون، ۱۵۳	إزْدَقْناقی، ۴۴	ارنغلیسون (رومی)، ۲۶۹
آبرون، ۳۷	آخیروس، ۴۲	ارزاردقناقی، ۴۴	ارتقالس، ۲۶۹
ابرویون، ۵۲	اخینوس (رومی)، ۱۸۰	ارسطالوخیا، ۱۶۰	آزنوغلسن، ۲۶۹
ابریامتی، ۱۱۳	اخیون، ۲۵۲	ارسطالوخیا، ۱۶۰	ارنیوقرینوس، ۷۰
ابریمون (رومی)، ۷۰	ادرك، ۴۱	ارسطولوخیا، ۱۶۰	اروییموس، ۲۵۳
ابلاطنوس، ۱۴۵	ادرومیلن (رومی)، ۹۴	ارطاماسیا، ۶۱، ۷۶	اروس، ۲۰۸
ابن سراپیون (رومی)، ۷۶	ادمظوس (رومی)، ۲۶۴	ارطاماسیا (رومی)، ۲۴۷	اروسا، ۳۸
ابنیس، ۱۱۳	ادیانطن، ۲۵۷	آزطَماسا، ۲۴۷	اروسیمن، ۹۶

۲۲۰، اطیا،	اسقیلا، ۴۹	اسطراکه‌لیکه (فرنگی)، ۲۸۶	اروسیمون، ۱۸۹
اطیرنه، ۲۵۱	اسکردا (رومی)، ۹۸	اسطَرخَلو (رومی)، ۲۱۵	آرون، ۱۴۶
اطیطون، ۴۹	اسکردیون (رومی)، ۹۸	اسطرس، ۲۶۳	اروناردش، ۱۰۵
اطیوس (رومی)، ۷۶	اسکی‌نان‌تو (فرنگی)، ۴۱	اسطروبیلیا (رومی)، ۱۹۶	اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶
اظا، ۲۲۰	اسلوقوطیس (رومی)، ۴۹	اسطروثیون (رومی)، ۲۶۳	اریزون (رومی)، ۴۴
اعرووعولیطوس (رومی)،	اسلیوس، ۱۷۴	اسطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹	اریغانون، ۱۹۵
۲۷۷	آسماقوس (رومی)، ۱۳۵	۱۹۵، ۱۹۳، ۱۳۳	اریغانون (رومی)، ۲۲۹
اغاریقون، ۲۱۸	اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴	اسطوخودوس، ۱۰۳	اریقابوشا، ۲۰۲
اگرانیون، ۲۸۱	اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴	اسطوریقون (رومی)، ۲۴۴	ارینفس، ۲۲۷
اغرستورون (رومی)، ۲۵۵	اسمیم ماکنوم (فرنگی)،	اشفاراغش بَطْرَاؤس، ۲۹۷	ازحمیون، ۲۵۶
اغرسطس، ۴۳، ۹۹	۱۸۴	اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹	اسارون، ۱۱۹، ۱۴۲، ۲۸۸
اغرسطیس، ۹۹	اسوفس، ۱۶۵	اسفکوخوس (رومی)، ۸۶	اسارون (رومی)، ۴۶
اغرسوذوطوس (رومی)،	اسیلیسقان (رومی)، ۱۰۶	اسفلیاطیقوس، ۴۸	اساطوس، ۲۹۲
۲۵۵	اشپرون (اندلس)، ۱۱۵	اسفلیس، ۴۹	آساطیس، ۲۹۲
اغروسطوس (رومی)، ۴۴	آشفاقش، ۴۸	إسفلیناس، ۴۸	اساطیس اغریا، ۲۹۲
اغرو سو قومیس (رومی)،	اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲	اسفودالوس، ۱۳۸	اسبالاقوس، ۱۰۹
۲۳۳	اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲	اسفودلوس، ۳۷	اسپالاتوس، ۱۴۱
اغریا (رومی)، ۲۵۵	اشیرون (اندلس)، ۱۱۶	اشفودلوس، ۱۳۸	اسپنس (فرنگی)، ۴۸
اغریمون، ۱۰۲	اصاقو (رومی)، ۲۸۲	اسفومغری، ۱۰۵	استب (لاتینی)، ۲۶۴
اغریوس، ۱۲۴	اصطفالینوس، ۱۰۳	اسفیراداغویوس، ۲۳۳	آسْتَب (لاتینی-اندلس)،
اغریوس (رومی)، ۱۲۶	اصطفیذہ (رومی)، ۲۱۴	اسفیقوس (رومی)، ۲۶۲	۲۶۵
اغزواطس، ۹۹	اصطفیقوس (رومی)، ۲۶۲	اسفیون الشوذہ، ۷۸	استراتیکو، ۴۸
اغفورقیون (رومی)، ۲۳۳	اصوفورون، ۲۷۱	اسقال، ۴۹	استراتیقوس، ۵۴
اغلبس، ۱۴۷	اطا، ۲۲۰	اسقردین، ۲۸۳	اسطاری، ۹۳
اغلبص، ۱۴۷	آطراطیقوس، ۵۴	اسقروامس، ۸۸	اسطافالیقوس اغریوس،
اغلقندریا (رومی)، ۲۸۲	اطرافعس، ۲۴۱	اسقلیاطیقوس (رومی)، ۵۴	۱۰۳
اغلبس، ۲۵۴	اطراقتولیس، ۲۱۰	اسقلیطاس (رومی)، ۵۴	اسطافالینوس اغریوس،
اغلیطوس، ۲۲۲	آطرقفسوس (رومی)، ۱۷۰	اسقندریون، ۹۸	۱۰۳
اغنس، ۴۱	اطرقطوس، ۲۳۶	اسقنوقراطیس (رومی)، ۴۹	اسطافالینوس اُغْرِیوس،
اغنوس، ۴۱	اطرقطولس، ۲۳۶	اسقوانس، ۷۸	۱۴۸
اغنوس (رومی)، ۴۱	اطروکیا (رومی)، ۳۵	اُسقوردیون، ۴۸	اسطافالیوس، ۱۰۳
اغنیس، ۴۰، ۴۱	اطریفلین، ۱۲۲	اسقوردیون، ۸۰، ۹۸، ۱۸۹	اسطافیدوس اغریا، ۲۸۷
اغوری، ۱۲۱	اطریون، ۲۳۳	اسقورولوس، ۱۳۸	اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹
اغیراطون، ۵۵	اطریون (رومی)، ۲۳۳	اَسقولوقندریون، ۴۹	اسطبخیس (رومی)، ۲۶۲
اغیرس، ۱۰۹، ۱۲۷	اطزوخیوس، ۲۱۴	اسقیدولیون (رومی)، ۲۴۹	اَسْطُخودوس، ۴۷
اغیرس، ۲۶۴	اطفکسوس، ۲۴۱	اسقیرن، ۲۹۸	اسطراطیقوس، ۴۸، ۱۳۱
اغیلفس، ۱۴۷	اطمیثا (رومی)، ۲۴۷	إسقیل، ۴۹	اسطراطیقوس الصغری،
افاتیس، ۲۲۳	اطمیسا، ۷۶	اسقیل، ۲۱۵	۱۰۵

الیکا (رومی)، ۲۲۰	اکيروس، ۱۰۸	افیوسطافیلین (رومی)، ۲۵۰	افاریقون، ۲۹۸
الیمون، ۲۸۴	اگیراتون، ۵۵	اقاروا، ۲۵۶	افامیرون، ۱۸۰، ۷۰
آلینو، ۲۵۱	الابورش مألش، ۱۳۰	اقارون، ۲۹۳	افنیمون، ۱۴۱، ۵۵
الیون (رومی)، ۱۵۳	الاطینی، ۲۶۶	اقاقالیس، ۵۷	آفتیمون، ۵۵
آماریطن، ۶۱	آلاطینی (رومی)، ۲۶۷	اقاقلیس، ۲۰۲	آفریبون، ۵۵
اماریطون، ۱۵۳	الالسفاقس، ۲۶۸	اقاقیا، ۸۲، ۵۷	افریبون، ۲۲۴، ۱۶۳
اماریقون، ۱۰۶	البانونس، ۱۳۱	اقالیفی، ۶۵	آفستتین، ۵۵
امامون، ۱۲۴	البروس، ۱۳۰	اقتلقا (رومی)، ۷۵	افستثون (رومی)، ۵۶
امانیاقن، ۵۱	البوزش لوقس، ۱۳۰	اقدینا، ۱۹۳	افطریون، ۱۷۳
آمترباریس، ۶۱	البیسیم (لاتینی)، ۲۳۰	اقدی (رومی)، ۱۷۲	افطیمس، ۳۰۰
امبلوبراسون (لاتینی)، ۲۵۳	الثا، ۱۲۹	اقرانیقی، ۱۸۹	افکرکسیس، ۲۴۱
امبودادیس، ۳۸	الثا، ۱۳۶	اقرسینی (رومی)، ۲۶۶	افلایوس (رومی)، ۶۵
آمدزبان، ۶۲	آلسن، ۱۳۳	اقریطون، ۲۴۸	افلیطون (رومی)، ۴۹
امراطیون، ۲۶۲	الطیرون (رومی)، ۲۳۳	اقریطی، ۲۸۱	افلویکیون، ۲۴۱
امراقون (رومی)، ۲۷۹	الغته (لاتینی)، ۲۹۵	اقریون، ۲۵۴	افثیون، ۵۸
امرقون (رومی)، ۷۰	الفوثویا (رومی)، ۱۵۳	اقسوس، ۱۶۲، ۱۴۳	آفنیقون، ۵۶
امروسیا، ۲۹۸	القبابن، ۲۴۹	آقسون، ۵۸	افنین‌بدونون (رومی)، ۵۵
امفلوبراسیون (رومی)، ۲۵۲	القسینی، ۱۱۹	اقسیس، ۱۶۲	افودوس (رومی)، ۱۲۶
إمقدال بیقرا، ۲۷۲	آلقسینی، ۲۶۶	اقسینی (رومی)، ۲۶۶	افوروس (رومی)، ۱۲۶
إمقدال غلوقیا، ۲۷۲	القطرون (رومی)، ۲۶۴	اقسیوس، ۱۶۱	آفوسالینن، ۲۵۴
آمونیاقن، ۲۹۵	القیس، ۲۶۶	اقتاطاقیس (رومی)، ۸۱	إفوسالینون، ۲۵۴
امونیاقون (رومی)، ۵۱	الکس، ۱۲۶	اقتطرمنتوس (رومی)، ۸۱	افوسالیون، ۲۳۵
امونیقون (رومی)، ۵۱	الکسینا (رومی)، ۲۶۶	اقلغوس (رومی)، ۲۵۵	افوقونس، ۱۲۸
امیانی، ۲۸۹	إلکسینی، ۱۱۹	اقلفی (رومی)، ۲۵۵	آفیثمون، ۵۵
امیرباریس، ۲۷۱، ۶۱	الکن (رومی)، ۲۳۹	اقلیطی، ۱۷۸	افیثمون، ۱۹۵
امی (رومی)، ۲۸۹	اللشی، ۶۰	اقتالوقی، ۷۱	افیثمون لیتون، ۵۵
امیرون (رومی)، ۷۰	آلمو (لاتینی)، ۱۰۷	اقتالوقین، ۷۱	افیغون، ۵۶
امیغدالی (رومی)، ۲۷۱	العمیون، ۴۹	اقتالوقی، ۷۲	افیقرون، ۵۶
امیولوفراس (رومی)، ۲۲۵	آلتج، ۶۰	اقورون، ۲۹۳	آفیقسطس، ۵۶
امؤمن، ۱۲۴	النیسون (رومی)، ۱۵۳	اقوقوس (رومی)، ۸۱	افیقون، ۸۸
آناغالس، ۶۳	الواس (رومی)، ۲۱۶	اقلوقائن، ۱۲۲	افیلون، ۵۶
اناخلس، ۳۴	الودین، ۲۶۰	اقونیا، ۱۱۲	افیمارن، ۷۰
آناغورس (رومی)، ۶۳	آلوسن، ۶۰	اقونیطن، ۱۲۸	افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹
اناغیرس، ۶۲	آلوسن، ۶۰	اقیاقیلونی (رومی)، ۲۴۰	افیمدیون، ۲۶۹
انانوس (رومی)، ۱۵۲	آلوسون، ۶۰	اقیثالوقی، ۵۸	افیمدیون، ۲۷۵
انبالس مالیا، ۲۲۲	آلوین، ۶۰	اقیرون (رومی)، ۲۹۳	آفیمدیون، ۵۷
انبالقراسن، ۲۵۲	الیا، ۱۳۶	اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷	افینوس، ۱۶۸
انبرباریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱	الیسما، ۲۸۱	اکثیقوس، ۱۴۳	آفیوس، ۵۷

ایدامامیر، ۶۹	اورمون (رومی)، ۱۰۲	انکسینی، ۱۱۹	انبویاریس، ۳۸
ایدوصارون، ۲۶۹	آوروپس، ۲۵۳	انگذاله (فرنگی)، ۲۷۱	انثامیس، ۶۴
ایدیاسمن، ۱۱۳	اوروذیس (رومی)، ۲۳۰	انتوس، ۲۶۱	آنثلیس، ۶۴
ایدیاسْمَن، ۲۹۰	اوروسیمون (رومی)، ۱۷۶	انوخیلوس، ۱۵۵	انثوس (رومی)، ۲۹۳
ایدیاسمین، ۱۱۳	اوریز، ۴۴	انوسما، ۴۳	انثون (رومی)، ۱۸۴
آیندآریذا، ۶۹	اوریزا، ۱۲۶	آنوْشَة (لاتینی)، ۱۷۱	انجسا، ۳۸
ایدنطوس (رومی)، ۲۶۶	اوریزوذینوس (رومی)،	آنوْطیلون، ۶۷	اندراسیون، ۲۶۲
ایدوصارون، ۶۹	۲۳۰	آنوما، ۶۸	اندرافکسیس، ۲۴۱
ایدوصارون، ۶۹	اوریغاسن، ۱۹۵	انومیا، ۱۸۸	اندرخانا (رومی)، ۸۲
ایدون، ۴۶	اوزمون (رومی)، ۱۰۲	انونکسا (رومی)، ۱۳۶	اندرخنا (رومی)، ۸۲
ایدونیارون، ۶۹	اوزنس، ۲۵۳	انیسن (رومی)، ۶۷	اندرسامس، ۱۵۸
ایدووسمون (رومی)، ۲۹۰	اوزونا، ۲۶۰	انیسوم (رومی)، ۶۷	آنْدَرُصارون، ۶۶
ایذیصارون، ۱۴۴	اوسفدنون، ۲۴۹	آنیسون (رومی)، ۶۷، ۷۸	اندرصارون، ۶۹
ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱	اوسفول (رومی)، ۱۶۵	۱۵۲، ۱۵۳، ۲۶۲	انْدَرُواقْسُس، ۱۷۰
ایرصا، ۲۷۳	اوسفون (رومی)، ۱۶۵	انیطوا (لاتینی)، ۱۸۴	اندروساقس، ۲۹۸
ایرنجان، ۲۳۶	اوسیرس، ۱۲۲	انیولیس، ۲۸۰	اندروسامَن، ۲۹۸
ایرنجی، ۲۳۶	اوسیمون، ۴۶	انیولیون، ۲۵۴	اندروصارون، ۲۲۲
آیرنی، ۲۷۳	اوفاریقن، ۲۹۸	انیون، ۱۵۳	آنْدَرُوطالیس، ۶۶
ایرنیوقرینوس (رومی)،	اوفاریقون، ۲۹۸	آئیة دغائه، ۱۱۹	اندیقا، ۲۹۷
۱۸۰	اوفیمونداس، ۶۸	آوافیوس، ۶۷	انسون (رومی)، ۶۷
ایروفلون (رومی)، ۱۵۳	اوقاس، ۳۹	اوبانیس، ۵۷	انسیتون (رومی)، ۵۶
ایروقولیون (رومی)، ۱۷۴	اوقانتوس، ۶۱	اوبطوری (لاتینی)، ۲۱۹	انشعی، ۱۲۹
ایریس، ۷۰	اوقلاوقا، ۵۹	اوبیانس، ۵۷	انطرقطولس، ۲۳۶
ایریفارون، ۷۰	اوقیمون، ۷۱	اوبیانیس، ۵۷	انطریون، ۶۶
ایریمورون (رومی)، ۱۸۰	اوقیمیداس، ۶۸	اوئنا (رومی)، ۱۰۴	انطویا (رومی)، ۲۹۷
ایرینون، ۷۰	اولسطیون، ۱۰۱	اوئومیس (رومی)، ۲۷۵	انطوینا (لاتینی)، ۲۹۸
ایزون، ۳۷	اولیاطیوم، ۲۵۵	اوزمون (رومی)، ۱۷۳	انطینس، ۱۲۲
ایزیویون (رومی)، ۳۷	اومومون، ۱۲۴	اوذی نفس (رومی)، ۲۴۳	آنغز، ۶۶
ایزیفازن، ۷۰	اومیطرون، ۲۴۶	اوراسالیون، ۲۵۳	انفالیوس (رومی)، ۷۰
ایساطس، ۲۹۲	اونطریثا، ۲۲۶	اوراسیمون (رومی)، ۲۹۰	انفسینی، ۱۱۹
ایسقوس، ۱۳۶	آوتیا، ۶۸	اورافلون (رومی)، ۱۵۳	انفلوس (رومی)، ۲۵۵
ایصورین، ۱۱۳	اونیاغائه (لاتینی)، ۲۴۴	اوردپاری، ۲۲۸	انفولوقا (رومی)، ۱۵۳
ایفلوفوس (رومی)، ۲۵۰	ایارانوطابی، ۶۹	اوردقیون (رومی)، ۲۳۲	انقردیا (رومی)، ۸۵
ایفوریس (رومی)، ۱۵۱	ایسقوس (رومی)، ۲۸۴	اورزأ، ۴۴	انقوس، ۲۶۱
ایلرسیا (رومی)، ۸۸	ایبولوبوس (رومی)، ۲۵۰	اورسالیون، ۲۵۴	انقیلامی (رومی)، ۹۴
ایلیوطروبیون، ۲۰۴	ایئوسیس (رومی)، ۲۷۵	اورسیمون (رومی)، ۲۳۰	انقیون (رومی)، ۱۸۴
ایلیوطروبیون طوماغا، ۲۰۴	ایشولیس، ۶۹	اورغیون (رومی)، ۵۰	انکالن (فرنگی)، ۶۳
ایلیوطروبیون طومقرون،	ایدراسیمون، ۱۱۳	اورمش، ۱۰۵	انکسینس (رومی)، ۳۳

ایمارانو طولی، ۷۰	آرتقی، ۱۱۰	أسطوخودوس، ۱۹۷	أفومارژن، ۱۵۳
ایمارس، ۹۳	أرجه (لاتینی)، ۲۱۳	أسطوخودس، ۴۷	أفومارژون، ۱۵۲
ایمارو قالاس، ۸۰	أرخس، ۱۳۵	أشقلینس، ۴۸	أفیغژون، ۵۶
ایهقان، ۱۰۲	أرسطولوخیا، ۱۶۰	أسقردین، ۹۸	أفیقطس، ۵۶
أآقتس، ۱۱۴	أرطاماسیا، ۶۱	أسقلیاس، ۴۸	أفیثیون، ۵۶
أارون، ۲۷۳	أرطاماشیا، ۷۷	أسقیزن، ۶۹	أفیمارون، ۵۶
أاقونینطن، ۱۲۸	أرطریفیون، ۶۰	أسوفون، ۱۶۵	أفیمارون، ۱۸۱
أاقینس، ۲۲۵	أرغامونی، ۱۳۸، ۱۸۸	أسیرون (اندلس)، ۱۱۶	أفیغژدیون، ۵۷
أالیمون، ۲۴۲	أرغامونی أغریا، ۱۸۸	أشبطانه (لاتینی)، ۱۸۱	أفیمیدیون، ۵۷
أامومن، ۱۲۴	أرقطیون، ۴۵	أشقالیه (اندلس)، ۲۱۳	أفیوس، ۵۷
أامی، ۲۶۲	أرقطیون آخر، ۴۵	أشقرژدین، ۹۸، ۴۹	أفاقالیس، ۴۰
أانیسن، ۶۷	أرقوش، ۲۰۸	أشکالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۱۳	أفاقالیس، ۵۷
أابائس، ۳۳	أرمینن، ۴۵	أشکیطله (لاتینی)، ۱۲۰	أفاقیا، ۱۹۱
أآذاریذا، ۶۴	أرتقالس، ۲۶۹	أصفوزن، ۵۴	أقالیقی، ۶۵
أارن، ۲۷۳	أرنیثوس غالا، ۱۹۴	أطاء، ۲۲۰	أقسوس، ۵۸، ۵۱
أآریصارژن، ۲۷۳	أروسیطیقون، ۱۷۱	أطرقتولس، ۲۱۰	أقسوس، ۱۴۳
أاطا، ۱۳۶	أروسیمنن، ۹۶	أغافت، ۱۸۸	أقسیا، ۵۸
أآنامونی، ۱۸۸	أروسیمن، ۱۹۰	أغرسطس، ۹۹	أقسطی، ۸۵، ۱۳۸
أبروژودیا (رومی)، ۱۱۸	أروسیمون، ۹۶	أغرسطس، ۹۹	أقسطی، ۱۳۸
أبروژوتون، ۷۷	أریصارژون، ۲۷۳	أغرژسطس، ۹۹	أقسطیون، ۹۰
أبروژوتون، ۲۴۷	أریقارون، ۱۹۳	أغرس، ۴۱	أقتا، ۷۱
أبوخلسا، ۳۸	أریقون شاطوریون، ۱۳۵	أغیراطن، ۵۵	أقتا آرابیقا، ۱۸۹
أبوفایس، ۳۹	أریقی، ۴۶	أغیراطین، ۵۵	أقتا آقینس، ۶۱
أبوفایس، ۳۹	أریقی، ۱۳۷	أغیرس، ۵۵	أقتالوقی، ۵۸
أبوسفطن، ۳۹	أسارون، ۴۶	أغیرس، ۱۲۷	أقتالوقی، ۷۱
أیوسفطن، ۳۹	أسارون، ۲۸۸	أفارینی، ۸۶، ۱۱۸	أقتس، ۱۱۴
أبومارژون، ۱۵۲	أساطس، ۱۱۳	أفاقی، ۹۲	أقتنون، ۵۸
أیبله دطلباطه (اندلس)، ۳۷	أساطس، ۲۱۱	أفثیمون، ۲۵۸	أقیثا، ۷۱
أجیلبس، ۱۴۷	أساطس اغریا، ۱۱۳	أفریبون، ۵۵	أقیمن، ۵۹
أحیرش، ۴۲	أساطیس، ۲۹۲	أفلاطینس، ۱۴۶	أقینس، ۲۲۵
أخلیوس، ۴۲	أساطیس اغریا، ۲۱۱	أفمیلیس، ۱۶۲	أقینس، ۲۲۵
أخلیوس سندریطس، ۱۴۶	أسجل، ۴۶	أفورس، ۵۰، ۱۵۱	أکسورس، ۱۸۱
أخلیوس سندریطس، ۱۷۹	أسطفالینوس اغریوس، ۱۰۳	أفوسالینون، ۲۵۳	ألاخیزیا، ۱۶۶
أخیون، ۴۲	أسطافاندا اغریا، ۱۱۱	أفوقونن، ۴۲	ألافوسقن، ۱۵۶
أرا، ۱۶۴، ۱۹۴	أسطراطیقوس، ۴۷	أفولابائن، ۱۲۲	ألافوتشقن، ۱۵۶
أزیاقه (لاتینی)، ۱۴۹	أسطراطیوس، ۱۵۱		ألانیون، ۱۵۳
أزیتس ایماژس، ۱۲۴			ألانیون، ۱۵۳
أریبان، ۴۴			ألانسفاقس، ۶۰



۱۰۷	بالانوس،	۶۹	أیثوبیس،	۲۴۱	أندرزواقفسس،	۱۳۶	أثاء،
۲۵۰	بالانوس (رومی)،	۶۹	أیدایاریزا،	۱۵۸	أندروسا،	۱۳۶	أثاء،
۱۰۴	بالسپون،	۶۶	أیدوصارون،	۶۹	أندروسامن،	۳۴	ألّسینی،
۱۰۴	بالسپون،	۶۶	أیدوصارون،	۶۶	أندروصاقس،	۱۱۹	ألّسینی،
۱۰۰	باناقس (رومی)،	۱۹۲	أیرنجان،	۷۴	أندراسیون،	۲۱۵	ألیققاآین (رومی)،
۲۳۶، ۱۹۲	ببراطه (لاتینی)،	۱۹۱	أیرنجی،	۶۷	أنظرین،	۶۰	ألون،
۲۹۵	ببلیون،	۲۳۶	أیرنجی،	۲۹۸	أنطویا (رومی)،	۶۰	ألوسن،
۲۵۸	بشروطوس،	۱۸۱، ۷۰	أیریس،	۶۶	أنغرا،	۱۴۳	ألومس،
۲۸۳	بدالیون (رومی)،	۷۰	أیریغان،	۶۷	أنقردیا (رومی)،	۶۱	ألوی،
۲۸۳	بدولیون (رومی)،	۱۶۵	أیسفس،	۱۵۳	أنیسون (رومی)،	۱۹۵	ألویی،
۲۵۵	بدیلثون (رومی)،	۸۸	أیسقوامس،	۱۸۴	أنیط (لاتینی)،	۶۱	ألخیریسون،
۲۸۳	بذالیون (رومی)،	۵۰	أیفورس،	۲۱۹	أوال،	۶۱	أمارنطن،
۲۸۳	بذلیون،	۱۵۱	أیفورس،	۶۷	أواقشوس،	۶۱	أمارنطن،
۳۹	برائی،	۱۹۴	أیلیوطرویون،	۵۶	أوبشئی،	۷۷	أمبرسیا،
۳۹	برائی،	۹۵	أیلیوطرونیون طومقرن،	۶۷	أوبقلصن،	۶۲	أمذریان،
۹۸	براسنوشقزین،	۷۰	أیماروقالس،	۶۷	أوبوطیلون،	۶۱	أمروسیا،
۸۰	براسن وقافالوطن،	۱۸۱، ۱۶۴	أیماروقالس،	۲۱۵	أوبه قیننه (لاتینی)،	۶۳	أملیس،
۲۲۴	براسین،	۱۰۲	أیهقان،	۸۳	أوبیدجی،	۱۲۰	أمیرباریس،
۲۲۲	براونیا،	۲۷۶	بالایدونیقی،	۲۲۸	أوذرباباری،	۱۱۹	أمیونیطس،
۱۶۳، ۶۱، ۵۸، ۳۵	برباریس،	۲۲۷، ۱۴۲، ۷۰، ۴۶	باباری،	۲۵۳	أوراسالینون،	۶۳	أناطیریا أرمالی،
۹۰	بریشکه (اندلس)،	۷۵	بابروس،	۴۶	أورسیمون،	۳۴	أناغالیس،
۷۹	بزبوذیه (لاتینی)،	۲۹۵	بابلص،	۲۰۱	أوروینجی،	۶۲	أناغرن،
۵۸، ۵۷	برئانیون،	۷۵	بابیر،	۱۱۸، ۴۷	أوروینجی،	۲۳۱	أناغلس،
۲۵۷	بردنمانمون،	۲۸۳	بادلیون،	۱۹۵	أوریغانش،	۲۱۶، ۱۳۲	أناغورس،
۱۰۱	بردسیون،	۶۵	بادیقون (سوریه)،	۱۰۲	أوزیمن،	۲۲۲	أنبالس لوقی،
۱۱۹	بردیقیاس،	۷۳، ۷۰	بارسطاریون،	۲۶۹	أوسانی (آفریقا)،	۲۲۲	أنبالس مالیس،
۱۲۱	برسانیون،	۱۹۱	بارقیون،	۹۸	أوقیوشقزین،	۶۳	أنبطرون،
۱۶۰	برسشم (فاس)،	۱۵۶	بارسطاریون،	۷۱	أوقیمن،	۶۴	أنیلینش،
۲۲۴	برسون،	۱۰۶	باسلیقا،	۵۰	أوکسجونس،	۷۰	أنتامیس،
۲۶۶	برسیا،	۲۸۹	باسلیقون،	۵۰	أوکسجونوس،	۶۴	أنثلیس،
۱۳۹	برسیقا،	۹۳	باطاسیطس،	۱۰۱	أولسپون،	۶۴	أنثیمس،
۴۰	برشیقافرنجی)،	۱۴۴	باطالا،	۲۱۳	أولیرا،	۷۰	أنثیمس،
۱۳۹	برشیقامیلا،	۱۵۵	باطانیقی،	۲۶۳	أولیرا،	۱۸۴	أنثیون،
۶۰	برطانیقی،	۲۵۳	باطراخیون (رومی)،	۶۸	أونوسما،	۶۶	أنجشا،
۷۶	بزطانیقی،	۲۱۳	باطس،	۶۸، ۴۳	أونوما،	۳۸	أنحسا،
۷۶	بزطانیقی،	۲۱۳	باطس،	۱۸۵	أونیاغاته (لاتینی)،	۳۸	أنحوسا،
۲۳۹	برطانیقی (رومی)،	۲۴۲	باقولا،	۶۹	أیارابوطانی،	۶۶	أندراسیون (لاتینی)،
۲۳۹	برطانیقی (لاتینی)،	۸۲	باکسیان،	۷۰	أیارابوطانی،	۸۳	أندرخنی،

بَطْطَادَقَطُولُنْ، ۸۹	بکریدیا (رومی)، ۲۹۷	بسلیون، ۷۸	برطوماش، ۴۶
بِنَطاطوس، ۸۸	بکلورم (لاتینی)، ۲۶۸	بشبوقة (اندلس)، ۱۳۸	برطینی (لاتینی)، ۲۵۹
بِنَطافلُنْ، ۸۸	بلایس، ۸۰	بَشَلْسَكَه (لاتینی)، ۱۰۶	برغال‌سالی (فرنگی)، ۸۳
بِنَطافلُنْ، ۸۸	بلابیوس (رومی)، ۱۰۸	بشوریقون، ۲۲۷	بر (فرنگی)، ۲۵۳
بِنَطافلُنْ، ۸۸	بلاسَنطور (فرنگی)، ۸۵	بشیوما، ۹۶	بِرَقَقَلی (لاتینی)، ۸۳
بِنَطافلُنْ، ۱۵۲	بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹	بطارس، ۱۶۹	بِرْکَسوس، ۷۶
بِنطافلن، ۲۵۹	بلال، ۳۵	بَطالایا، ۱۴۴	برکیره، ۴۷
بِنطافلون، ۱۲۵، ۲۵۸	بَلایه، ۲۲۹	بطراخیون، ۲۵۴، ۲۵۰	برکینه، ۴۷
بِنَطاموئِنْ، ۸۸	بَلایَه جَزبوئَه (لاتینی)، ۲۸۱	بَطْراخیون، ۲۵۰	بِرْمَس
بِنطاناتی، ۸۸	بلایه قَبْرונה، ۵۹	بطراسالون، ۲۵۳	بِرْنجاسف، ۷۶
بِنطفلون، ۴۱	بلباسی (رومی)، ۲۵۰	بطراسالینون، ۲۲۷، ۲۲۶	برنج اسف، ۷۶
بِنطیقا، ۱۵۴	بَلِیسَا، ۸۰	بطراسالیون، ۲۲۶	برنجاسف، ۷۷
بِنَطراطیون، ۲۴۳	بُنْبَس طویل، ۸۰	بطرس، ۶۱	بِرْنجاسف (رومی)، ۷۷، ۱۹۰
بنولیون، ۵۴	بلبوس، ۸۰	بَطْرُس، ۷۷	
بوارس، ۲۸۱	بَلْبوس، ۸۵	بَطْرُس، ۱۹۰	برواونثلاسیون، ۲۰۰
بوئثالمیوس، ۲۱۷	بلبوسا، ۱۷۹	بطرسالی (فرنگی)، ۲۲۷	برواه (رومی)، ۵۲
بوئلسمون (رومی)، ۸۶	بلطانس (فرنگی)، ۱۴۵	بطرسالینوس، ۲۵۴	بروطوس (رومی)، ۲۵۷
بویونیاون، ۱۸۹	بلطاون، ۸۴	بطرسالیون، ۲۵۳	بروق، ۱۳۸
بوئلمون، ۹۰	بلغوئیون برمندار، ۲۱۰	بطرساموه، ۲۵۴	بروقیا، ۲۰۴
بوذافانن، ۲۰۴	بلغیس، ۲۵۲	بطرسلینون، ۲۵۴	برومس، ۱۲۶
بوراطاغزین، ۱۲۶	بلناس (رومی)، ۲۵۰	بطرمیقی، ۱۷۲	بَرُون، ۵۵
بوراطاغونس، ۳۹	بَلْتائین (لاتینی)، ۲۶۹	بَطْرَمِیقَی، ۲۱۶	برون، ۲۰۰
بورکر (رومی)، ۱۳۷	بلودقش، ۱۳۳	بَطْرَیون، ۲۳۳	برون (پرتغال)، ۲۶۲
بوصیر، ۳۳	بلوس، ۲۰۲	بطریون، ۲۹۲	بَرُون ثالاسیون، ۲۰۰
بوطاموغیطس، ۱۱۰	بلوطی، ۸۷، ۱۴۴	بطم، ۱۹۸	بروند (فرنگی)، ۲۴۰
بوطاموغیطن، ۹۹	بَلُوطی، ۸۷، ۱۷۹	بطوس، ۱۹۰	برون (رومی)، ۳۹، ۱۳۰
بوطنایه (اندلس)، ۲۲۲	بلوغوناظن، ۸۷	بطیالایا، ۲۹۰	بَرِیون، ۵۲، ۱۹۲
بوطنایه، ۹۰، ۲۲۲	بَلُوغوئِنْ، ۲۱۰	بَطْیخ (رومی)، ۸۱	بزوثون (رومی)، ۳۹
بوغلصن، ۲۵۲	بَلُویُنْ، ۱۰۳	بغلیس، ۲۵۲	بسبات بلی‌کوئیم (لاتینی)، ۲۱۰
بوغلصن، ۲۶۸	بَلِیطی، ۸۴	بَقْلَمُنْ، ۹۱، ۲۱۷	
بوغلوسن (رومی)، ۲۶۸	بَشْرَقَه (رومی)، ۲۳۹	بَقْثورِئِنْ، ۸۲	بسباکه (فرنگی)، ۲۲۵
بوئثالمون، ۹۰	بِنْتوقْس أوطا، ۳۴	بقریس، ۲۹۸	بسد، ۷۹
بوقی، ۲۴۶	بتومه (اندلس)، ۸۷	بقسیس، ۸۲	بَسْد، ۷۹
بوکستیلان طریول رماکه	بتومه، ۱۵۰، ۱۵۷	بقسین، ۸۲	بَسْد، ۱۴۰
(لاتینی)، ۱۲۵	بِنطاباطس، ۸۸	بقسیون، ۸۲	بَسْد، ۷۹
بولابیطس، ۱۰۵	بِنطابیَطوس، ۸۹	بَقطانیون (رومی)، ۱۹۶	بَسْد، ۷۹
بولاقیطس، ۱۳۴	بِنطادانِیقا، ۱۴۴	بقغاین، ۲۴۹	بسطاقیا، ۲۲۵
بولامنیون، ۹۰	بِنطادَقَطُولُنْ، ۸۸	بقنوقوئِنْ، ۸۵	بِنطاقیا، ۲۲۵

۱۱۱	حماقسیس،	۱۹۵	ثُمبِرا،	پوروس (رومی)،	۱۲۶	۹۰	بولامونیون،
۳۰۰	خارقیاس،	۱۱۰	ثوس،	تاجیقطنون،	۲۸۰	۲۸۱	بولدین،
۵۱	خالاون مالس،	۲۷۷	ثومالا،	تاسلفی،	۱۱۵	۷۹	بولوبودیون،
۲۰۸	خالدونیون،	۲۷۷	ثومالا،	تاکوب،	۵۵	۷۹	بولوبودیون،
۲۰۸، ۱۲۷	خالیدونیون،	۱۱۰	ثومس،	تالاسفیس،	۱۰۲	۱۵۷	بولودیون،
۲۰۸،	خالیدونیون طوماغا،	۹۹	ثومش،	تالیسفیس،	۲۸۱	۷۹	بولوزیون،
۲۷۶، ۲۵۵		۱۱۰	ثومش،	تاموک،	۶۷	۷۵	بولوطریخون،
۲۰۸	خالیدونیون طومقرن،	۱۵۷	ثیلوبطارس،	تترک،	۱۷۵	۷۶	بولوطوطریخون،
۲۷۶	خالیدونیون طومقرن،	۲۲۳	جالیقیسدس،	تخم،	۹۹	۷۶	بولوطونخون،
۱۵۷، ۱۳۸	خاماقطی،	۱۰۷	جاونری،	تخمه،	۹۹	۲۵۲	بولوغاناطن،
۱۳۸	خاماقطی،	۲۹۴	جرودا،	ترمی ایمازوس،	۹۳	۹۰	بولوغانطن،
۲۶۰، ۸۷، ۸۶	خامادریوس،	۱۱۸	جسمی،	تکظیست،	۲۰۵	۹۰	بولوغنن،
۲۶۰، ۸۷	خامادزیون،	۱۲۲	چطره،	تلاسفین،	۱۱۶	۹۰	بولوقیمن،
۱۵۹، ۱۴۵	خامادفی،	۴۰	چطریا،	تلاشفین،	۱۱۵	۲۵۲	بولوقیمن،
۱۴۹	خاماذافی،	۱۹۱	جقوطه (لاتینی)،	تکسفی،	۱۱۵	۷۶	بولیطریخو،
۱۲۷	خاماسوقی،	۱۰۴	جلب (انگلیسی)،	تلسفی،	۱۱۶	۱۸۹	بونیاس،
۲۶۱	خامافیطس،	۱۸۰	جلوقوریزون،	تنبایس،	۲۶۶	۱۸۹	بونیاون،
۲۶۱	خامافیطس،	۱۹۲	جنت قابظه،	تنزیک،	۱۷۵	۱۵۷	بونیقا،
۱۲۸	خاماقسیس،	۲۳۶	جنت قابظه (لاتینی)،	توانیقی (رومی)،	۱۱۲	۹۰	بونیون،
۲۷۵	خامالا،	۲۴۵	جنتوری (رومی)،	توتاملون (رومی)،	۳۰۰	۹۰	بونیون،
۲۷۵	خامالآ،	۱۰۳	جنتجیدون،	توجردره (مغرب)،	۸۲	۱۳۷	بهرامج (رومی)،
۵۱	خامالان اونمالس،	۱۸۹	جنخلیدس،	توزانکون ناریه (فرنگی)،	۱۱۱	۱۸۸	بیای درازاتیم (لاتینی)،
۵۱	خامالان لوفش،	۱۰۶	جنتیانا،			۲۷۷	بیوریس،
۴۷	خامالان مالس،	۱۰۶	جنتیانا،	توفته (رومی)،	۵۲	۱۴۵	پیرون،
۵۱	خامالان مالش،	۲۵۸	جنتیانا،	تومس،	۱۱۰		بیشاک میسور (فرنگی)،
۵۱	خامالان مالیس،	۱۰۶	جنتیانا (رومی)،	تیزغا (فاس)،	۲۱۹	۲۶۹	
۱۲۸، ۴۶	خامالاون،	۱۲۶	جنتیانه (رومی)،	تی سملیل،	۲۰۹	۲۶۹	بیشاک مینور (فرنگی)،
۵۱	خامالاون لوقس،	۲۶۱	جوده (فرنگی)،	تیطرانگورن (رومی)،	۲۳۴	۱۹۷	بیطویداس،
۵۱	خامالاون لوقس،	۲۱۱	جوهه (لاتینی)،	ثالاسطون،	۱۵۸	۱۹۷	بیطویداس،
۱۲۸، ۴۶	خامالاون مالس،	۹۲	جیسو (فرنگی)،	ثبوریدوس،	۲۲۸	۱۶۸	بیغانس،
۵۱	خامالاون مالس،	۱۱۰	حاقطی،	ثرثوقس ایماروس،	۱۳۳	۱۱۶	بیغانن،
۲۷۵، ۱۲۸	خامالاه،	۱۱۱	حاماقسیس،	ثرودوقس ایمارس،	۱۳۳	۵۶	بیقرون (رومی)،
۱۲۸	خامالوقی،	۲۶۱	حامافیطوس،	ثعره،	۲۵۶	۱۱۹	بیلطس،
۲۱۸	خامالوقی،	۲۰۹	حجاکبوس،	ثقولس،	۲۹۷	۹۱	بیلیو (لاتینی)،
۱۲۸، ۴۷	خامالیون،	۱۱۸	حسمی،	ثلاسفی،	۱۱۵	۱۲۱	بیلیون،
۱۲۸	خامامیلن،	۱۹۱	حفوظ (لاتینی)،	ثلس،	۲۴۰	۲۱۷	بیلیو (لاتینی)،
۲۶۱	خامانیطس،	۱۹۶	حلوسطقاقیل،	ثلسفی،	۱۳۱	۱۰۰	پاناقس،
۲۲۵	خاملاژن مالس،	۲۲۲	حلیلوطن (رومی)،	ثمارون،	۲۰۸	۱۸۹	پم (فرنگی)،

خامون، ۲۶۲	دراقینی، ۱۳۹	دوقس، ۲۹۲	رودا ایداء، ۱۵۷
خاولنجان، ۱۳۹	دریقا (رومی)، ۷۱	دُوقو، ۱۴۸	رودیاریزا، ۱۵۹
خروسوقومی، ۱۵۱	دَرَس، ۸۶	دوقو اغریا، ۱۴۸	رُودا، ۲۹۴
خطمی، ۱۳۶	درقنطیون، ۱۴۶	دیامنطیس، ۲۶۴	رُودا اَریذا، ۱۵۹
خلبانی، ۷۲	درقیانا، ۳۰۰	دیامیرون، ۹۵	رُودا اَیذا، ۱۵۸
خَلبانی، ۲۴۶، ۷۲	دَرَوِیْطَارِس، ۱۴۴	دیبساقوس، ۱۴۸، ۱۳۳	رودوس (رومی)، ۱۵۷
خلدانئون، ۲۰۸	دَرَوِیْطَارَس، ۱۴۴	دیبناقوس، ۱۴۸	روس (رومی)، ۲۱۳
خَلوانی (رومی)، ۷۲	دَرَوِیْنوس، ۱۴۴	دیدرون‌اسایا (رومی)، ۲۵۵	رومیرو رومینیو (رومی)، ۵۹
خمداریوس، ۲۶۰	دروقی، ۲۴۹	دیقطمینون (رومی)، ۲۸۱	رویذون (رومی)، ۱۵۷
خمدافنی، ۲۷۵	دَرَوِیْقِیون، ۱۴۴	دیقورس، ۲۳۵	رویذین (رومی)، ۱۵۷
خمالاژن، ۲۷۵	دروقیئون، ۱۴۴، ۱۴۷	دیبساقوس، ۱۴۸	رُودوس اُو (أبی) اَطَا اُوئِسا، ۱۷۵
خَمامیلَن، ۶۴	دروقیئون، ۱۴۴	ذافنی، ۱۴۹	زَأ، ۲۱۳
خمایملن، ۷۰	درویطارس، ۵۲	ذافنی، ۲۱۸	زَأء، ۲۱۳
خندروس، ۱۳۹	دریقنون، ۲۴۹	ذافنیدس، ۱۴۹	زَبان لباسا (رومی)، ۸۶
خندروش، ۱۳۹	دریولطاس (رومی)، ۲۶۳	ذافنیدس، ۱۴۹	زنتکل (فرنگی)، ۲۵۰
خندریل، ۲۹۷	دسقس، ۱۳۳	ذاقنیداس، ۱۴۹	زُزَعْد (انطالیا)، ۲۴۸
خندریلی، ۱۳۹، ۲۱۲	دقفوس، ۱۰۳	ذاقنی، ۲۱۸، ۱۴۹	زَنغیباری، ۱۶۴
۲۹۸، ۳۰۰	دقفین (رومی)، ۱۰۳	ذاقینی الاسکندری، ۱۴۹	زیزوفی، ۲۱۴
خَنْدَرِیْلِی، ۲۹۸	دقنویداس، ۱۵۹	ذاقینویداس، ۱۴۹	سارس، ۲۹۸
خندوس، ۱۳۹	دقیقه، ۱۰۳	ذروفینون، ۱۵۰	ساریفون، ۱۹۳، ۵۶
خَیْری، ۱۴۰	دقیون (رومی)، ۲۲۳	رَأء، ۱۵۴	ساریقون، ۱۹۳
دارقفوطون، ۱۴۲	دَقَسْتِیْطَس، ۹۵	رابانس اَزغریا، ۵۷	سازساحوره، ۲۱۳
دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹	دقتابانون (رومی)، ۲۸۱	رافانوس، ۲۲۴	ساسالی، ۱۸۱
دبساقوس، ۱۴۸	دقظامیون (رومی)، ۲۸۱	رامتس، ۲۱۷	ساسالیون، ۱۸۲
دیبساقوس، ۱۴۹	دِقَطْمَنَن، ۲۸۱	رای مُنت، ۷۵	ساسالیون، ۱۸۲
درابی، ۱۱۵، ۱۱۶	دقظمنن (رومی)، ۲۸۱	رای مُنت، ۱۶۰	ساسلیون، ۱۸۱
درافس، ۱۳۹	ذَلْبُوث، ۱۴۴، ۱۴۶	ردین، ۲۶۰	ساطریوس، ۱۰۱
دراقیون، ۲۷۳	دلپوس، ۱۴۶	رسماریتا (رومی)، ۲۳۹	ساطریون، ۱۳۵
دراقنطی، ۲۵۱	دماسونئون، ۲۸۱	رفالس (فرنگی)، ۲۲۳	ساطریه، ۱۳۵
دُرَاقِن، ۱۳۹	دمسقینی (رومی)، ۴۱	رفانی (رومی)، ۲۲۳	ساطوریون، ۱۳۵
دراقن (شام)، ۱۳۹	دواغریا، ۱۴۷	رفینون (رومی)، ۲۲۳	ساطوریون، ۱۳۵
ذراقنطیون، ۲۳۱	دَوایا اَغریا، ۱۴۷	رُقَعَة الصخری (اندلس)، ۱۵۷	ساطوریون، ۱۳۵
ذراقنطیون، ۲۷۳	دَوایا اَغریا، ۱۴۸	رنف (رومی)، ۱۳۷	ساغافیون، ۱۷۳
ذراقنطیون، ۲۷۳	دودزلوس، ۲۳۰	رواس (رومی)، ۱۳۴، ۱۸۸	سالتین اغریون، ۲۵۰
ذراقنوسفردیون، ۸۰، ۹۸	دودسطاروس، ۱۴۴	رویاس، ۱۸۹	سالس اغریون، ۲۵۰
ذراقونطیون، ۲۷۳	دورقنطیون (رومی)، ۲۳۰	رویاس، ۱۵۵	سالیونوس قیفاژن، ۲۵۴
ذراقیطن، ۲۷۳	دوقس، ۱۱۸	رویاس، ۱۵۵	سالیون ایمارش، ۲۵۴
ذراقیطن، ۲۳۰، ۲۷۳	دُوقَس، ۱۴۸	رویبه (فرنگی)، ۲۳۰	سالیون ریغان، ۲۵۴

۱۹۰ شمیلئس،	سقردیون براسن، ۸۰	سَطْرَاطِیوس ماریوس، ۱۱۰	سالیون قیفون، ۲۵۳
۲۰۰ سمیلئس،	سَقْلِیاس، ۲۴۵	سَطْرَاطِیوطس، ۱۷۱، ۲۸۰	سالیون، ۲۵۳
۲۷۱ سمیلئس،	سَقْلِیاس، ۲۴۵	سَطْرَاطِیوطس، ۱۷۱	سامون، ۸۶
۲۷۱ شمیلئس،	سَقوس، ۱۲۶	سَطْرَخِنوس، ۲۴۹	سایر (رومی)، ۲۱۳
۱۱۶ سنبریون،	سَقُوْفَنْدْرِیون، ۱۵۷	سَطْرُوِیلو، ۱۹۷	سَبِیْرَة (اندلس - لاتین)،
۱۷۸ سنبل اقلیطی،	سَقوقتریون، ۴۹	سَطْرُوِیون، ۱۷۱، ۲۰۷، ۲۶۳	۱۸۵
۱۱۴ سندریطس،	سَقولوفندرو، ۱۱۹	سَطْرُوِخِنس، ۲۴۹	سپارک (فرنگی)، ۲۹۷
۱۷۸ سَنْدْرِیَطس،	سَقولوفندریا، ۴۹	سَطْرُوِخِنس فنجوش، ۲۴۹	سَتْنَخَدِیس، ۴۷
۱۷۸ سَنْدْرِیَطس،	سَقُوْلُوْفَنْدْرِیون، ۴۸	سَطْرُوِخِنس البستانی، ۲۱۵	ستوخس (رومی)، ۴۷
۱۷۹ سندریطس آخر،	سَقولوفندریون، ۱۱۹، ۴۹	سَطْرُوِخِنس، ۲۴۹	سجومیس، ۴۳
۲۵۷ سَنْدْرِیَطس آخر،	سَقولوفندریون، ۲۷۱	سَطْرُوِخِنس، ۲۴۹	سَخس، ۴۳
۹۳ سندریون (رومی)،	سَقولوقندریون، ۴۹	سَطْرُوِمیون، ۱۷۱	سَخوزیون، ۱۷۳
۲۹۴ سنلتجی (لاتینی)،	سَقولومس، ۱۱۴	سَطْرُوِنیون، ۱۷۱	سَخُوْس لَیْا، ۵۰، ۱۷۵
۱۹۲ سنو،	سَقولومس، ۱۱۴	سَطوبی، ۴۶	سَخیس، ۴۳
۴۸ سوسان فوسوخیوس،	سَقولوموا، ۱۱۴	سَطوسا، ۱۸۴	سَخینس، ۲۸۲
۱۸۰ سوسنین (رومی)،	سَقونون، ۱۹۱	سَعبر، ۱۶۹	سَخِیْنُوس، ۴۳
۲۳۳ سوکی فینون (رومی)،	سَقیلا، ۴۹	سَغابینون، ۱۷۳	سَخینوس، ۲۸۲
۱۸۱ سولان،	سَكکن، ۳۰۰	سَفادیکس، ۱۷۲	سَخیونس، ۴۳
۵۳ سولجان،	سلاطم (لاتینی)، ۲۱۴	سَفارغانیون، ۲۰۷	سَخیونس الأجامی، ۵۰
۴۸ سوناخیوس،	سلدهری (لاتینی)، ۲۵۳	سَقْدُولیون، ۲۵۹	سرابیون، ۴۶
۱۷۹ سیدریطس آخر،	سلری (فرنگی)، ۲۵۳	سَفَرطس، ۱۳۴	سربن طین (فرنگی)، ۲۷۳
۲۵۴، ۲۵۲ سیسارون،	سلفیون، ۶۵	سَفَرْغَانیون، ۱۸۱	سَرْفَعْلَین (رومی)، ۶۶
۱۸۱ سیساریون،	سِلْفیون، ۶۵	سَفَلاریقون، ۲۴۳	سرونمارون، ۲۰۸
۶۵ سیسالوش،	سَلْقیون، ۶۵	سَفلیون، ۴۹	سَرینه (رومی)، ۲۰۹
۱۶۷ سیسالیوس،	سَلینون، ۲۳۵	سَفندولیون، ۲۰۴	سسالیوس ابونیقون، ۱۵۵
۱۸۱ سیسالیون،	سمرنا، ۲۷۷	سَفوذلوس، ۱۳۸	سسالیون، ۲۴۸
۲۴۸ سیسالیون،	سمرنیون، ۲۵۴	سَفوس (لاتینی)، ۱۲۹	سسالیون (رومی)، ۶۵
۱۷۶ سینسامن،	سَمْرَنیون، ۲۵۴	سَفیدلیون، ۱۷۲	سُشرم، ۱۸۲
۱۷۶ سیسامون (رومی)،	سمرنیون، ۲۵۴	سَقَارْطَاغَانیون، ۱۸۱	سَطَاخِیس، ۱۷۱، ۲۳۱
۱۰۱ سیسامویداس الکبیر،	سَمسخون، ۲۷۹	سَقاون (رومی)، ۴۱	۲۳۲، ۲۸۰، ۲۹۵
۲۵۴، ۱۱۶ سیسنبرون،	سَمسَق (رومی)، ۲۷۹	سَقرابیداس، ۲۰۴	سَطَاخِیس، ۱۷۱
۱۸۲ سیسنبرون،	سَمفوط آخر، ۱۷۶	سَقرابویداس، ۱۵۱	سَطَارِیون، ۱۷۱
۱۱۶ سیسنبریونی اقوانته،	سَمفوطن بَطْرَاوُن، ۱۷۶	سَقراطیون، ۲۴۳	سَطَارِیون، ۲۶۹
۱۸۲ سیسنبریون،	سَمفوطن آخر، ۱۷۶	سَقراغانیون، ۱۴۶	سَطَاغونس، ۲۶۶
۲۳۵ سیسنبرئون،	سَمفوطن بطرا، ۲۷۴	سَقربیون، ۲۰۲، ۲۰۴	سَطالیون، ۲۸۰
۳۴ سیطرمنون،	سَمفوطن، ۱۷۶	سَقردونواس، ۸۰	سَطانیق، ۱۲۶
۳۳ سیفایطوس،	سمون، ۸۶	سَقردین، ۹۸	سَطانین، ۲۱۹
۲۶۳ سیفروس (رومی)،	سمیقلس، ۱۷۶	سَقردین، ۲۸۳	سَطْرَاطِیوس، ۱۷۱، ۲۶۹

سببنا، ۹۶	ششپاز (رومی)، ۲۲۲	طابلیدیون (رومی)، ۱۸۳	طَرْمَشْس، ۸۱
سیقاموری، ۱۰۵	ششتره، ۲۶۲	طارطقة (اندلس)، ۲۷۶	طَرْمَسُول (اندلس)، ۹۵
سیفس ایماروس، ۲۳۳	شَطْرِيَة (لاتینی - اندلس)، ۱۹۵	طارطَلْهَة (لاتینی)، ۲۷۶	طرویلیوس، ۱۱۸
سیفوس اغریوس، ۱۲۶	شطی رکس، ۵۳	طالسفر، ۱۹۹	طرویلِس، ۱۱۸
سیفوس پبقرا، ۱۲۶	شَقْرُذِين، ۹۸	طالون (رومی)، ۳۵	طُرویلِش، ۱۱۸
سیقوموروس، ۱۵۷	شَقْوَصَة (رومی)، ۴۶	طباظ، ۲۱۰	طروین، ۲۴۸
سیقوموری، ۱۰۵	شَقْوَشِينَا، ۲۳۳	طَبَاق (لاتینی اندلس)، ۷۷	طربئله، ۲۹۱
سیلن، ۲۵۴	شکونیا (رومی)، ۵۵	طبق، ۱۷۳	طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳
سیلنا (رومی)، ۲۵۳	شلباش (لاتینی)، ۲۱۸	طَخْش (لاتینی)، ۱۹۰	طریدلون، ۲۴۸
سیلهین، ۲۷۱	شلشغین، ۱۰۶	طرابشیوس (رومی)، ۸۱	طریفِل (اندلس)، ۲۰۳
سین، ۱۸۲	شمار (رومی)، ۱۵۲	طرابنیثوس (رومی)، ۸۱	طریفلم اورانم (لاتینی)، ۱۲۵
سینی، ۱۳۰	شَمْرُنا، ۲۷۷	طراخیس، ۱۲۶، ۱۷۳	طریفِلن، ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۹۱
سینون، ۲۲۰	شَمِث موریس (لاتینی)، ۱۹۲	طراغافئا، ۲۵۱	طریفُلُن، ۲۰۳
سیو (فرنگی)، ۱۸۲	شَتَالَة (لاتینی)، ۶۳	طراغاقنا، ۲۵۱	طریفُلُن، ۲۰۳
سیون (رومی)، ۲۳۵	شنتله (اندلس)، ۶۲	طراغاقئا، ۲۵۱	طریفُلون، ۱۵۵
شاتِ ردْجِه، ۲۷۹	شَنكار، ۳۸	طراغوبوغن، ۲۰۱	طریفوس (رومی)، ۱۶۷
شاطرج، ۱۹۳	شنون، ۱۹۲	طراغوئن، ۲۰۱	طریفولون، ۱۲۵
شاطوریون، ۱۳۵	شوصرا، ۲۴۷	طراغورِغاس (رومی)، ۲۲۹	طریفولین، ۱۰۷
شاکهبانته (لاتینی)، ۱۷۳	شیریون، ۱۴۵	طراغوس، ۲۰۱	طریفولیون، ۹۳، ۱۵۲، ۲۰۳
شالین اغریون، ۲۵۰	شیلرو، ۱۵۷	طراغون سقریون، ۲۰۱	طریفولیون، ۹۳
شالیبه (لاتینی)، ۶۰	شیون (رومی)، ۵۵	طراغیس، ۱۷۴	طریفولیون، ۲۰۳
شالیبه (لاتینی)، ۲۶۸	شاغابینن، ۱۷۳	طراغین، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۸۲	طریفولون، ۶۰
شالیبه، ۴۸	صَرْقُوقْلا، ۶۶	طراغیون، ۱۸۶	طریفُقُن، ۱۶۲
شاهسبرم (رومی)، ۵۹	صرقوقولا (رومی)، ۶۶	طراغیون، ۲۰۱	طریفولیون، ۲۰۳
شبکنه (فرنگی)، ۱۹۱	صریس، ۲۷۳	طراغیون آخر، ۲۰۲	طریفولون، ۲۵۷
شبوکه (لاتینی)، ۱۳۸	صَطَقْطی، ۲۸۶	طرافلون، ۲۰۴	طریون (رومی)، ۹۳
شبوکه (رومی)، ۱۳۸	صعتروس، ۱۹۵	طراقافیا، ۲۵۱	ططریوغنون (رومی)، ۲۹۴
شبیطه (لاتینی)، ۱۷۶	صمصوخن، ۱۱۳	طرامنیثوس (رومی)، ۸۱	طفسقویون، ۱۹۱
شبیطة (لاتینی - اندلس)، ۱۷۶	ضمصوخن، ۲۷۹	طرخشوق، ۲۹۸	طفنیقوس، ۱۹۱
شجر اوسینا، ۱۹۳	صنجیس، ۴۸	طُرْذیلُن، ۱۸۲	طلافیون، ۳۷
شجره الجلتیت، ۶۵	صَنْخِیس، ۲۹۶	طرغولیتوس (رومی)، ۲۷۸	طورنه شول، ۹۵
شخفراغه (لاتینی)، ۲۴۳	صَنْخِیس، ۲۹۶	طُرْفَرِیدَس، ۲۰۲	طورنه ماطرزس، ۲۸۳
شرالیه آشش، ۳۰۱	صنفور، ۲۷۱	طُرْفولُس، ۲۰۳	طوطاق غریون، ۱۲۳
شرالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۹۸	صیصاموغریون، ۱۳۳	طرقیلون، ۶۰	طوطولون (رومی)، ۱۷۴
شرالیه الحمار (اندلس)، ۲۹۸	صیکه (رومی)، ۹۶	طرفیوس، ۱۶۰	طُوطُن، ۱۷۴
شریائش (لاتینی)، ۲۱۸	صیموطوس، ۲۳۰	طركسیمي (رومی)، ۲۹۷	طوفریوس، ۲۰۴

طوفسس، ۴۳	غلو قریزا، ۱۸۰	فافا (رومی)، ۷۳	فَرَنائون، ۵۸
طوفوریوس، ۲۶۰	غلو قریزا، ۱۸۰	فافس، ۸۱	فَرَسِسا، ۲۶۶
طوقریوس، ۲۰۴	غلو قیون، ۲۷۶	فاقوس، ۲۰۷	فرسطاریون، ۷۳
طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰	غلوکس، ۲۲۱	فالنچیطس، ۲۲۳	فرسطالیون، ۱۵۶
طوماغا، ۲۰۸	غلیاون، ۵۳	فالنچِیَن، ۲۲۳	فَرَسِیا، ۷۶
طومقرون، ۲۴۶	غلیجن، ۲۲۹	فالنچِیَن، ۲۲۳	فرسیون، ۲۸۰
طیرنه، ۲۰۴	غلیجن اُغریا، ۲۲۱	فالنچین، ۲۲۳	فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲
طیفی، ۲۰۴	غَلِیَحَن، ۲۲۹	فالیریس، ۲۲۳	فرقیون (رومی)، ۹۳
طیلافیون، ۱۱۸، ۲۰۴	غلیخن اُغریا، ۲۲۹	فالینوس، ۱۸۳	فَرَمِیوس، ۲۲۵
ظریفلان، ۱۳۵	غلیشن (رومی)، ۲۲۹	فالیورس، ۱۶۸	فریغلیون (رومی)، ۲۴۹
عارسا (رومی)، ۲۵۵	غَلِیقِسیدِی، ۲۲۳	فالیورس، ۱۸۵	فرینون صواسنین، ۷۰
عرذی اکهر (رومی)، ۲۶۰	غنا بلیان، ۲۲۶	فالیورس، ۲۲۳	فسطاریون، ۱۵۶
عرصمودون، ۲۳۷	غنا فالیون، ۲۲۶	فالیورون، ۱۶۸	فَسَغانِیون، ۱۴۶
علیجن، ۲۲۹	غَنافَلِیان، ۲۲۶	فاناقس ابراقلیون، ۱۰۰	فَسَغانِیون، ۱۸۱
عمرود (لاتینی)، ۲۵۳	غَنافَلِیون، ۲۲۶	فاناقس اسفینوس، ۲۲۳	فسلیون، ۷۸
عتقلی، ۱۸۹	غنطیانی (رومی)، ۱۰۶	فاناقس اَسقلیبیوس، ۱۶۵	فَسَلِیون، ۷۸
عتقلی، ۱۸۹	غَنغَلِی، ۱۸۹	۲۲۳	فَسُوذُوذِقَطْمَن، ۲۸۱
غالونیس، ۲۱۹	غَنغَلِی، ۱۸۹	فاناقس ایراقلیوس، ۱۰۰	فَسودودِیقَطْمَن، ۲۸۱
غارانیون، ۳۷	غنکیلی (رومی)، ۱۸۹	فاناقس اَیْرَقْلِیون، ۱۰۰	فسودودِیقَطْمین، ۲۸۱
غارنیون، ۲۱۸	غُوذِیَالَه (لاتینی)، ۲۱۰	فاناقس خمرونیون، ۲۲۳	فسوشی لیون (رومی)، ۸۹
غاریقون، ۲۱۸	غینغیدیون، ۱۸۳	فاناقس خیرونیون، ۲۲۳	فسولن (رومی)، ۲۷۱
غاغالس، ۲۱۹	فابا (رومی)، ۷۳	۲۴۸	فسیالانه، ۵۱
غالارتون، ۲۱۹	فابش القبطی، ۷۳	فانقراطیون، ۲۴۳	فشاشیش (رومی)، ۱۹۸
غالیة (لاتینی)، ۲۱۵	فابش یونانی، ۷۳	فانقوس، ۲۶۲	فصولیا (رومی)، ۲۷۱
غالسیر، ۲۱۹	فابش یونانی، ۷۳	فاوانیا، ۲۱۶، ۲۲۳	فطاربقا، ۴۹
غاله جاقه (لاتینی)، ۱۱۸	فابلص، ۸۳	فاورسیون (رومی)، ۲۳۳	فطراسالیون، ۷۸، ۲۵۳، ۲۶۱
غاله قَرَشْتَه (لاتینی)، ۱۷۸	فَابَه (لاتینی)، ۷۳	فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵	فَطْرَاسالیون، ۲۲۶
غالیسس، ۲۱۹	فادرونی (رومی)، ۲۵۶	فایوقی (رومی)، ۱۹۶	فطریون (رومی)، ۵۴
غالیون، ۲۱۹	فارالیون، ۱۳۴	فباواریس، ۱۵۱	فغلاسنوس، ۲۲۷
غالیون، ۲۱۹	فارستاریون، ۱۵۶	فتحوریون، ۲۹۷	فغلامینوس، ۷۴
غانافلیان، ۱۴۸	فارسطاریون، ۱۵۶	فیراَسَن قافالوطَن، ۲۵۲	فغلون، ۲۵۷
غَرغَنیته (لاتینی)، ۲۳۱	فارسطازیون، ۱۵۶	فراسیا، ۲۶۶	فغوس (رومی)، ۱۶۷
۲۷۳	فارسطازیون، ۱۵۶	فراسین، ۲۲۴	فغیلاموس، ۷۴
غرنبیواس، ۲۳۸	فارس ناریون، ۱۵۶	فراسینا، ۲۵۲	فَقْلِیس، ۲۹۵
غریرا (رومی)، ۲۴۶	فارقلومانن، ۱۶۰	فراسیون، ۲۸۰	فَقْلَامِیوس، ۷۵
غَلجَن، ۱۰۵	فارنوخیانا، ۱۱۸	فرافیون، ۵۰	فقلامینوس، ۲۲۷
غلو قریزا، ۱۸۰	فاسیلس، ۵۴	فراولیون، ۷۹	فقلامینوس آخر، ۲۲۷
غلو قی، ۲۷۶	فاسیلون، ۵۴	فریبیون (رومی)، ۲۲۴	فَقْلَامِیوس اخر، ۷۵

قربوله (لاتینی)، ۲۶۶	قازوا، ۲۵۶	فورینه، ۱۴۹	فقلوطا (رومی)، ۲۵۲
قرئران (رومی)، ۱۸۷	قارو باسلیقا، ۱۰۶	فوربون، ۲۵۷	فقولیون، ۱۲۵
قرئی، ۱۸۷	قاروانا، ۲۵۶	فوضوفش، ۱۹۸	فقومیلاس (رومی)، ۴۱، ۹۴
قرحا، ۲۰۹	قاریا، ۱۰۶	فوطینوس (رومی)، ۲۲۴	فقیص، ۱۸۳
قردامن، ۱۱۵	قاریا سلقا، ۱۰۶	فوفیلاطینوس (رومی)، ۷۴	فکتلمن، ۴۴
قردامومن، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۳۵	قاطانقی، ۲۰۵	فوقاذن، ۳۰۰	فکی (رومی)، ۲۰۷
قردامومون، ۲۳۵	قاطانقی، ۲۳۲	فوقاذن، ۷۴	فلار، ۳۵
قردامون، ۲۳۵	قاطانقی، ۲۳۲	فوقاذین، ۷۴	فلاقیئس، ۶۶
قردامینز، ۱۱۶	قافلا (لاتینی)، ۷۶	فوقس البحری، ۲۰۰	فلوس (رومی)، ۲۴۰
قردمانا، ۲۳۲، ۲۵۶	قافنون (رومی)، ۲۶۲	فوله، ۲۲۸	فلوریکا (رومی)، ۱۹۶
قزیدمانا، ۲۳۵	قافنیس (رومی)، ۲۶۲	فولیون، ۱۰۳	فلورینه، ۱۴۹
قردمانا، ۲۳۵	قاقالیا، ۸۲	فولیون (رومی)، ۱۰۳	فلوسطیون (رومی)، ۱۰۴
قردمانا، ۲۳۵	قالاس، ۲۴۰	فونئس، ۹۱	فلوغوناطن، ۲۱۰
قردمانی، ۲۳۵	قالاض، ۲۴۰	فیاقیدنوس، ۱۵۲	فلوقرنیا (رومی)، ۲۳۷
قردمون، ۱۱۵	قالامنتی، ۱۹۸، ۲۲۹	فیخیون، ۱۱۹	فلوماین، ۱۸۵
قرذالیوم، ۱۱۴	قالیورس، ۶۱	فیغائن، ۱۱۶	فلومس، ۳۳، ۹۰
قرذنال (لاتینی)، ۶۳	قاماریون (رومی)، ۲۳۱	فیغانن، ۱۶۷	فلومس، ۹۰
قرسطاریون، ۱۷۱	۲۴۲	فیغائن، ۱۶۸	فلومس مئرن، ۶۰
قرسیون، ۴۷، ۱۵۱	قائش، ۲۵۹	فیغانن اغریون، ۱۶۷	فلیمن، ۵۷
قرصیناتا (رومی)، ۶۵	قانیوس، ۱۸۳	فیغروا، ۱۲۵	فلیورش، ۲۱۴
قرفلون (رومی)، ۲۳۸	قبارس، ۲۵۰	فیغس باطس، ۲۵۰	فناغیوس، ۲۵۷
قرقا، ۲۰۹	قبارومیدوس (رومی)، ۲۴۵	فیغن اغریون، ۲۳۶	فنجبون، ۱۷۱
قرقسیون، ۲۳۸	قباریش (رومی)، ۲۵۰	فیقس، ۱۲۶	فنظافلون، ۸۸، ۱۵۲
قرمیدیا، ۸۰	قباسه، ۱۵۳	فیلورا، ۱۱۲، ۲۰۶	فنظافیلن، ۴۱
قربنا، ۲۵۵	قبسطلیه، ۵۴	فیلورا، ۲۰۶، ۲۵۱	فنظافیلون، ۸۸
قرنبا، ۲۵۶	قثیون، ۱۹۱	قابانیقی، ۲۳۲	فنقراطیون، ۲۴۳
قربنا انمازس، ۲۵۶	قدرومیلا، ۴۰	قاذارش، ۱۵۳	فنیفس، ۲۳۶
قرنبا، ۲۵۶	قردامومن، ۱۱۵، ۱۱۶	قاراطیا، ۱۳۲	فنیفس اغریون، ۲۳۶
قرنبو، ۲۵۵	قردامن، ۱۱۵، ۲۳۵	قاراطیطس، ۶۷	فنیگس، ۹۵
قرنبی ایمارس، ۲۵۶	قراسیا، ۱۱۳	قاراطیطس، ۱۳۴	فوق، ۲۲۸
قرونوس، ۱۲۴	قراسیا (رومی)، ۲۳۴	قاراماون، ۸۰	فو، ۲۲۹، ۲۸۸
قرونوس (رومی)، ۲۰۸	قراسیون، ۲۴۹	قازبا سلیقا، ۱۰۷	فویاروم (فرنگی)، ۲۲۹
قرئوش (لاتینی)، ۲۳۵	قراصیا (رومی)، ۲۳۴	قازبانیطیقا، ۱۰۵	فویاکینوم (فرنگی)، ۲۲۹
قرنی اغریا، ۲۵۶	قراطاغونن، ۱۲۶	قارسطاریون، ۱۵۶	فودیاسایس، ۳۰۰
قروص، ۶۵	قراطیا، ۱۳۲	قارسون، ۲۴۹	فورا، ۱۲۶
قروفا، ۲۳۷	قرانیا، ۱۶۳، ۲۷۸	قارطیا هندی، ۱۴۰	فورثرون، ۲۰۵
قروقس، ۱۶۳	قرانیا، ۱۶۳	قارنوخیا، ۱۱۸	فورثون، ۲۰۵
قروقس، ۱۶۳	قربانیون، ۵۸	قارو، ۲۵۶	فورس (رومی)، ۱۲۶



قرومیان، ۸۱	قفروس، ۱۳۳	قنطوریون (رومی)، ۲۴۶	قولی طولی، ۲۵۶
قرومیدیا، ۸۰	ققلامینس، ۲۲۷	قنطوریون طرمقرون، ۲۴۶	قوماروس، ۲۳۱، ۲۴۲
قریدی (رومی)، ۱۰۶	ققومیلاس، ۴۱	قنطوریون طوبلطن، ۲۴۶	قوماریس، ۲۴۲
قریطیقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴	ققیس، ۲۱۱	قنطوریون طولیطون، ۲۴۶	قومالیون، ۲۴۷
قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸	ققیس، ۲۱۱	قنطوریون طوماغا، ۲۴۶	قوماورس، ۲۴۲
قرینوس، ۷۰	قلارسیس، ۱۸۴	قنطوریون طوماغا، ۲۴۶	قومونون باسیلقون، ۲۸۹
قرینوس (رومی)، ۱۸۰	قلامس آزوماطیقس، ۲۴۱	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قومیا (رومی)، ۲۳۳
قرینوضواسینن، ۱۸۱	قلحیقن، ۱۸۰	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قومینون انتونیقون، ۲۸۹
قریوله (اندلس)، ۲۶۶	قلسوفودیون، ۲۴۳	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قومینون (رومی)، ۲۶۲
قریوله (لاتینی)، ۲۶۶	قلناس، ۳۴	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قومیون، ۴۵
قصادق، ۲۶۷	قلناس (رومی)، ۲۴۳	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قونس باطس، ۲۹۴
قسارت، ۲۶۷	قلنبارس، ۲۰۴	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قونوس (رومی)، ۱۹۶
قسنوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷	قلنبارش (لاتینی)، ۱۵۶	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قونیزا، ۷۷
قسنوس، ۲۶۵	قلندیرله، ۶۰	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷
قسخروطون، ۲۳۹	قلودیقی (رومی)، ۱۹۶	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قونون، ۱۹۱، ۲۸۶
قسطانیا، ۸۶	قلوغیطون، ۱۹۶	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قویارس (رومی)، ۷۳
قسطرن، ۸۷	قلوفیا، ۲۳۷	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیبارس، ۱۷۱
قسنطرون، ۲۳۹	قلومائی، ۴۶	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیبنا، ۱۰۸
قسطریون، ۸۷	قلومانن، ۱۸۵	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیبوطیسرون، ۲۶۳
قسطس، ۲۳۹	قلومائن، ۱۸۵، ۲۴۴	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیخوربون، ۶۳، ۲۹۸
قسطس، ۲۳۹	قلومائن، ۲۴۴	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیسوس (رومی)، ۲۱۱
قسنطل (رومی)، ۸۶، ۸۷	قلومس، ۲۴۴	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیطس، ۳۱، ۳۵
قسنطنه (رومی)، ۸۷	قلومش، ۳۳	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیفارس، ۱۷۱
قسطوریون، ۸۷	قلیماصیس، ۲۴۱	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیفر، ۹۵
قسطوس (رومی)، ۲۳۹	قلینوفودیون، ۲۴۳	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیفرس، ۱۲۵
قسنئانس، ۲۶۶	قیمیص، ۶۷	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیفروس، ۱۲۵
قسوس، ۲۶۶، ۲۶۷	قنابس، ۲۴۵	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیفوس، ۱۳۳
قیسی، ۱۹۰	قنابش، ۱۱۲	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیفیمالون، ۲۴۵
قیسیا، ۱۷۴	قنابش، ۲۴۵	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیقین، ۱۷۸
قیسیا، ۲۳۹	قنابش آغریون، ۱۱۲	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیقاسوس، ۱۳۳
قیسینی (لاتینی)، ۲۶۶	قنابوس، ۲۴۵	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیقمن، ۱۷۸
قسننئوله (لاتینی)، ۱۸۰	قنالیون، ۲۴۸	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیقهر، ۲۴۷
قسطل (رومی)، ۸۷	قنامومن، ۱۴۱	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیقهن، ۲۴۷
قسطولی، ۲۴۷	قنامومن، ۱۴۱	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیقی، ۱۳۳
قسطیداوس، ۲۳۲	قنخروس، ۱۴۳	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیقیس، ۲۱۱
قسعالا (رومی)، ۱۵۳	قسطادوس (رومی)، ۲۳۶	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیموطمشور، ۲۳۳
قسفا، ۱۰۷	قسطس، ۲۲۶	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیمین اغریون، ۲۶۲
قسفایا، ۲۴۹	قسطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۷۴	قنطوریون طوماغا، ۱۰۶	قیمینون آغریون، ۲۶۲

قینه، ۲۴۷	کمافیطوس، ۲۰۷	لاغوبن، ۲۶۵	لوسپماخیوس، ۲۷۲
قیوفارروس (رومی)، ۱۷۱	کُمافیطوس، ۲۶۱	لاغوبن، ۲۶۵	لوسپماخیوس، ۲۷۲
کافافلوس (رومی)، ۱۲۶	کمالایا (رومی)، ۲۷۵	لانطوفودیون، ۲۶۶	لوطس، ۲۹۱
کاکره (رومی)، ۲۰۵	کمالیون، ۱۲۸، ۲۲۴	لاورس (فرنگی)، ۲۱۸	لوطس اغریوس، ۲۹۱
کالدم ارمانک (فرنگی)، ۲۴۰	کمبنوس (انگلیسی)، ۲۶۲	لاونطوباطن، ۲۵۸	لوطس طوماغا، ۲۹۱
کالیدونیون (رومی)، ۲۰۸	کُمکوت (فرنگی)، ۲۶۲	لبازده (لاتینی اندلس)، ۷۷	لوطس، ۸۰، ۱۲۵، ۲۷۲
کتانی (رومی)، ۲۴۵	کملاون (رومی)، ۲۴۸، ۲۷۵	لباشتر، ۲۶۶	لوطس اغریوس، ۱۲۵
کتبته، ۲۵۱	کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰	لبلیس فرسن، ۲۴۳	لوطسوس اغریوس، ۱۲۶، ۱۵۰
کثا، ۱۰۲	کناریون (رومی)، ۱۱۲	لبیانوا، ۲۶۳	لوطسوس سکرار (لاتینی)، ۱۲۵
کذونی (رومی)، ۱۷۲	کنخون (رومی)، ۱۰۰	لشوهیرمرطیس (رومی)، ۲۲۲	لوغس، ۴۱
کراسیا (رومی)، ۲۳۴	کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰	لخنیرواله (لاتینی)، ۲۱۹	لوغیوس (رومی)، ۴۱
کرتویس (فرنگی)، ۱۵۵	کنطینوس، ۱۰۴	لخنس، ۱۳۲، ۱۴۰	لوفطیون، ۲۶۰
کردمانا، ۲۳۵	کنکریس (رومی)، ۱۱۴	لخنس، ۲۶۸	لوفقطوش، ۱۳۹
کردموم (فرنگی)، ۲۳۲	کوامس (رومی)، ۷۳	لخنس اغریا، ۲۶۸	لوفو سقردین، ۹۸
کرزش (رومی)، ۱۰۳	کوپرکیسو (لاتینی)، ۲۵۲	لخنس الاکلیله، ۲۶۸	لوفینیقی (رومی)، ۷۱
کرکسن (رومی)، ۱۰۷	کوکرس اندیکریس (فرنگی)، ۲۸۷	لخنس اغریا، ۲۶۸	لوفیون، ۱۲۰، ۲۶۱
کرمینون، ۲۶۲	کوکوابرس (فرنگی)، ۲۳۴	لخنس، ۱۶۸، ۳۰۱	لوقا، ۱۲۷
کرویای (لاتینی)، ۲۵۶	کومینون، ۲۶۲	لدان (فرنگی)، ۲۶۵	لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸
کست (فرنگی)، ۲۳۹	کونکلوس (فرنگی)، ۲۷۳	لژموش (رومی)، ۱۹۵	لوقاقانسی (رومی)، ۷۱
کسفیون، ۱۴۴	کیبارس، ۱۷۱	لسورسطس، ۱۳۶	لوقاین، ۱۴۰
کسنین (رومی)، ۱۱۹	کینخُرس، ۱۰۰	لطوس، ۲۸۶	لوقبسوس، ۳۷
کسیفیون، ۱۴۶	کیدونی، ۲۶۱	لغس، ۴۱	لوقبسون، ۳۸
کسیفیون، ۱۸۱	کیرانس (رومی)، ۷۳	لفیدیون، ۱۹۳	لوقیقشتی (رومی)، ۷۱
کسیفیون، ۲۵۷	کیطروناکوس (رومی)، ۲۳۴	لکونس (لاتینی)، ۲۶۵	لوقیمو بذاس، ۱۵۵
کسیثیون، ۱۳۳	کیکرا (رومی)، ۲۰۵	لنجرویله، ۲۷۱	لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱
کشمورین (رومی)، ۲۵۸	کیلادونیا، ۲۷۶	لنخیطس، ۲۷۱	لوقیون، ۱۲۰
کشونا، ۲۵۸	کینکیط (فاس)، ۸۸	لنخیطس، ۱۲۰، ۲۷۱	لوقیون (رومی)، ۱۲۰
کشور (رومی)، ۱۰۳	گلوسطقا (رومی)، ۱۹۶	لنخیطس، ۱۳۲	لوقیبیان، ۱۴۰
کطباس (لاتینی)، ۱۸۹	گلیسریره (فرنگی)، ۱۸۰	لنخیطس آخر، ۱۵۷	لوکرون، ۱۴۰
کفیشون، ۷۲	لاباثون، ۱۲۲	لنخیطس آخر، ۲۷۱	لوماین، ۲۰۵
کلتیا (رومی)، ۲۴۶	لائتوریدس (رومی)، ۱۰۴	لوبادون (رومی)، ۱۹۳	لوپسطیقون (رومی)، ۲۴۸
کلدونیا، ۲۷۶	لائوس (رومی)، ۱۳۶	لوخنس اغریا، ۶۶	لیباطیش، ۵۹
کلیلوپین (رومی)، ۲۹۷	لاحاس، ۵۵	لورقی، ۲۹۰	لیانس، ۲۶۶، ۲۷۴
کمایونیون، ۱۰۵	لادن، ۲۷۳	لورونیا، ۲۷۴	لیانو، ۲۷۴
کمداریوس، ۶۰، ۸۶، ۱۶۰	لاذینون، ۲۶۵	لوره (لاتینی)، ۱۴۹	لیانوطس، ۲۷۴
۲۶۰	لاذیون (رومی)، ۲۶۵	لوسوس، ۲۸۶	لیانوفیلس، ۲۶۶
کمداریون، ۱۱۳، ۲۶۰	لاغرین، ۲۶۵	لوسیماخاس، ۱۶۸	

ملح، ۲۴۲	مرفوران، ۲۰۹	مالابثرون، ۱۶۶	لییدیون، ۱۹۳
ملحتفن، ۱۷۹	مرفیره، ۱۸۷	مالاثرون، ۱۶۶	لینوطس، ۱۸۶
ملطیرغون (رومی)، ۲۶۹	مرور(فاس)، ۲۲۴	مالایترون، ۱۶۶	لییدیون (رومی)، ۱۹۳
مُلُوخِی، ۱۲۹، ۲۸۴	مروس (رومی)، ۲۵۲	مالثرون (رومی)، ۱۵۲	لیبیدیون، ۱۱۵
ملوخیا، ۱۲۹	مروسیا (رومی)، ۴۴	مالسوفلن، ۷۱	لیثسُفَرْمُنْ، ۲۴۳
ملونیا، ۸۱	مروسیون، ۲۳۲	مالیا، ۱۶۰، ۱۶۳	لیثورسطس، ۱۲۱
مَلِیخ، ۲۴۲	مروش، ۳۴	مالیا، ۲۷۸	لیخونز (رومی)، ۱۹۴
ملیسون، ۲۴۶	مروش آقطی، ۳۴	مالبیدیون، ۱۳۰	لیرون، ۲۷۴
متی، ۱۱۳	مَرُوِيَّةُ بَنْتُوْشَه (لاتینی)، ۸۷	مالیسوفُلن، ۷۱	لیژوئن، ۱۸۱
متی، ۲۹۰	۱۷۹	مالیسوفُلن، ۲۸۰	لیظفورس (رومی)، ۳۵
مندبونه، ۲۸۰	مَرُوِيَّةُ بَنْتُوْشَه (لاتینی)، ۲۲۴	مالیطا (لاتینی)، ۲۸۰	لیفستیقون ساسالی، ۲۴۸
مَنْدَرَاغوس، ۲۷۰	مَرُوِيَّةُ یلبوسه (لاتینی)، ۸۷	مالیطانا، ۷۱	لیفطیغون، ۲۴۸
منسانیا، ۹۴	مریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰	مالیلوطس، ۵۹	لیقسطیقون، ۲۴۸
مُطِيْلِدَائِيُون، ۳۶	مَرِيَا فُلن، ۱۱۷	مالیلوطوس، ۵۹	لیمون، ۲۴۲
مقوسیون، ۱۹۱	مریافلن، ۱۵۱	مالیشیون، ۱۹۲	لیمونین، ۲۷۴
مُتِيكُو (سواحل زنج)، ۳۳	مریافلون، ۲۸۰	مالیون، ۵۱	لیمونیه ماله (فرنگی)، ۴۰
مُو، ۹۳	مریافلون آخر، ۲۸۰	مانته، ۱۱۳	لیس بزمون، ۲۵۱
مو، ۲۸۷	مُریق، ۱۷۰	مانته (لاتینی)، ۱۸۲	لیس فرمون، ۲۵۱
مُوزَا، ۹۵	مربوت(فاس)، ۲۲۴	ماوش اوطا، ۳۴	لیس، ۲۷۷
مورسقی، ۲۰۲	مَرُوِيَّة، ۲۸۰	ماه فرین (مغرب)، ۱۰۱	لینوزسطس، ۱۳۶
موریکا، ۲۰۲	مسقینون (رومی)، ۴۱	ماه فروین (مغرب)، ۱۰۱	لینوزسطیس، ۱۲۱
موریکا (رومی)، ۲۰۲	مَسْنَالَه (لاتینی)، ۶۴	مبدکه ماله (فرنگی)، ۴۰	ماثرون (رومی)، ۱۵۲
موریقی، ۲۰۲	مَشْبِيْلِيْن، ۱۶۲	متی، ۲۹۰	مادروپتیم (لاتینی)، ۲۲۴
موس اوطا، ۳۴	مُشطیه (لاتینی)، ۲۴۳	مدره‌البه (فرنگی)، ۲۶۶	ماذریوس، ۲۶۰
موسولبون، ۱۴۱	مشکطرامشیع زور، ۲۸۱	مراس، ۹۷	ماژنون، ۷۸، ۱۵۲
موقوطس، ۲۲۶	متی، ۲۹۰	مَرُوِيَّة (لاتینی)، ۳۶	ماژنون، ۱۵۳
موقولن، ۳۰۰	مصطخای، ۲۸۲	مَرُوِيَّة (لاتینی)، ۳۶	ماژنون اُغریون، ۱۵۳
موقیطس، ۲۲۶	مصطخی (رومی)، ۲۸۲	مَرَزْجُون (لاتینی)، ۲۱۰	مارسیسقا، ۳۹
موکوطیس (رومی)، ۲۲۶	مطرقال، ۲۸۲	مرسایمارس، ۳۱، ۳۵	مارسیقا، ۳۹
مولی، ۴۸، ۱۱۶	مَطْرُونِيَه (لاتینی)، ۲۳۱	مرسلیطس، ۳۰۰	مارن، ۱۱۳
مولی اخر، ۸۵	مَطْرُونِيَه (لاتینی)، ۲۴۲	مرسین (رومی)، ۳۱، ۳۵	مارون، ۲۷۹
مولیقنلس، ۹۸	مَقَارِجَه (لاتینی - اندلس)، ۷۰	مرسیا اغریا، ۳۶	ماژون، ۲۷۹
موزس، ۲۸۶	مقدونس، ۲۰۲	مرسیسا اغریا، ۳۶	ماریقون، ۱۹۱
مهیلیون، ۲۴۹	مقیفرون، ۲۶۰	مرسینا اغریا، ۳۶	ماریون، ۲۸۰
میثون، ۲۸۵	مکیدش (فاس)، ۵۹	مَرْسِيْسُ اِيْمَارُس، ۳۶	ماطرشالبه (لاتینی)، ۷۵
میدیقامیلا، ۴۰	مُكَيْسَه (لاتینی)، ۲۴۶	مرسینس ایماروس، ۳۱، ۳۶	ماطوفیون، ۲۴۶
میدیقی، ۱۵۶	مَلَا جِه اقوانته، ۱۴۳	مرسینی (رومی)، ۳۱، ۳۵	ماقر، ۱۹۹
میدیقی، ۲۹۱			مالابثرن، ۱۶۷

هیوفاریقون، ۳۴، ۶۹، ۸۶	وافلایا (رومی)، ۶۵	ناردین جبلی، ۲۸۸	میدیکی (رومی)، ۱۵۶
۲۹۸، ۲۸۵	وانیموروسقلمیوس، ۲۱۸	ناردین ناروس (فرنگی)، ۱۷۸	میروقوقین (رومی)، ۱۹۲
هیوفاطاریقون، ۵۴	ودیفرونس، ۲۴۵	نارطیطس، ۵۹	میزیقیآ، ۳۹
هیوفسپیطیوس (رومی)، ۲۷۹	وُذَنن، ۲۶۰	نارود (لاتینی)، ۱۷۷	میشکجان، ۳۷
هیوقسطیداس، ۲۶۷	ورسالیون، ۲۵۳	ناطس، ۲۱۳	میغلا فالون، ۲۴۹
هیوقسطیداس، ۲۶۵	وسبطون (رومی)، ۱۶۵	ناغیطارس طوماغا، ۶۵	میغن افردوس، ۱۰۰
هیومافطون (رومی)، ۲۲۴	وسریلم (لاتینی)، ۱۸۲	ناغیونس (رومی)، ۲۵۳	میغن اُفروذِس، ۱۳۵
یابزوسیون (رومی)، ۳۹	وسندی کیه (رومی)، ۲۸۲	نافوس (رومی)، ۱۰۳	میغَن رُواس، ۱۳۴
یشون (رومی)، ۹۳	وقفقتص، ۱۸۳	نَجیر (لاتینی)، ۹۹	میغن افردوس، ۱۳۵
یذَقَه (لاتینی)، ۱۳۸	ونیریون (رومی)، ۸۰	نَجیل (لاتینی)، ۹۹	میغن رُواس، ۲۸۵
یذَقَه (اندلس)، ۱۳۸	ویطس (لاتینی)، ۴۱	نحوفس، ۴۳	میلا، ۹۴
یرالجم (لاتینی)، ۲۶۸	هالینوطس، ۵۹	نَرْتَقُوس، ۲۴۴	میلا (رومی)، ۹۴
یَزَبَطوره (لاتینی)، ۷۴	هیمیلیون، ۹۴	نَرْتَقُوس، ۲۴۵	میلانثیاون، ۱۹۲
یربطوره (لاتینی)، ۳۰۰	هذوغورون، ۱۴۳	نَرْتَقُوس، ۲۵۹	میلانثیون، ۷۰
یرَبَه آسلی (لاتینی)، ۲۰۴	هری سمن، ۹۶	نرجسینوس (لاتینی)، ۸۰	میلقص طراخیا، ۲۲۶
یرَبَه بذلیره، ۱۰۳	هللیسفاقوس، ۵۹	نردین، ۱۶۶	میلقص لیا، ۲۸۷
یربه دفوفه، ۲۰۵	هللیقون (رومی)، ۶۸	نرسیس، ۸۰	مین، ۲۸۷
یرَبَه دی فوقَه، ۱۵۹	هللیله کایم (لاتینی)، ۲۴۹	نرکسوس، ۸۰	مینزارما، ۲۹۰
یربه شانَه (رومی)، ۳۰۰	هللیون (رومی)، ۲۹۷	نرکسوس، ۸۰	میورسینه، ۲۰۲
یربه (شَد)یره (لاتینی)، ۹۵	هوارغون (رومی)، ۵۰	نسطوس، ۲۴۰	میون، ۲۸۷
یرَبَه قَرَجِییره (اندلس)، ۲۹۸	هودیا (رومی)، ۲۶۰	نسلیون، ۷۸	نابطه، ۲۷۵
یرَبَه نَقِیْشَه (لاتینی)، ۱۲۱	هوذاسمون (رومی)، ۲۹۰	نَشانِسَه (لاتینی)، ۵۶	نابطه (اندلس)، ۱۹۸
یرَبَه دی فَوِیْقَه، ۲۰۵	هوسفون (رومی)، ۱۶۵	نَشَقُوشَن، ۸۹	نابلس، ۲۹۵
یطاسس، ۱۳۶	هوفاریقون، ۶۹، ۱۴۱	نو، ۲۶۸	نابیارش، ۱۸۹
ینبر (اندلس)، ۷۲	۱۵۸، ۱۶۰	نَوارِس، ۲۹۱	نَادِس سَنفَاریطیقی، ۱۷۷
یتتون، ۱۶۷	هوفسطیداس، ۲۶۷	نور مطلیه (فرنگی)، ۱۰۸	نارتکس، ۲۴۵
یُنکَه (لاتینی)، ۲۰۹	هوفطیداس، ۲۶۷	نوقاقیس، ۲۲۳	نارَدَس، ۱۷۷
	هوفیلوس، ۳۸، ۱۳۴	نونیاس، ۱۸۹	ناردس اقلیطیقی، ۱۷۸
	هوفیوسقردن، ۹۸	نونیناس، ۱۸۹	ناردوایتالیون (لاتینی)، ۱۷۷
	هیده نیگره (فرنگی)، ۲۶۶	نیریون، ۱۴۵	ناردوس بری، ۲۲۸
	هیری، ۱۴۰	نیفاطوس، ۲۹۲	ناردین، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۷
	هیری ارشق، ۱۴۰	نیقولوس، ۹۶، ۱۸۲	ناردین اقلیطی، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۸
	هیغیرس (رومی)، ۲۶۴	نیلی (لاتینی)، ۱۹۲	
	هیلابسقون، ۱۵۶	نیمفا، ۲۹۲	ناردین اُغریا، ۲۸۸
	هیلانئون، ۱۵۳	نیمفا، ۲۹۲	ناردین اقلیطی، ۲۸۸
	هیوسقاموس (رومی)، ۸۸	نیمفا، ۲۹۲	ناردین اُورنی، ۱۷۷
	هیوفارقون، ۱۹۵	وابینتون، ۱۸۴	ناردین اُوری، ۲۸۸

## ۴ - نام‌های هندی، سندی و بنگالی

بنک‌آس‌را، ۳۱، ۳۵	بجوژه، ۴۰	امل‌بیل، ۵۵، ۲۵۸	آت‌جو، ۱۷۳
بنیاله، ۸۹	بچه، ۲۹۳	امل‌کجانی، ۶۲	آک، ۱۷۳، ۲۰۹
بوئی، ۹۰	بڈاؤ، ۲۶۰	املناس، ۱۴۰	ابرسناروا، ۱۰۷
بول، ۲۷۷	براهمی، ۱۶۱	آناس، ۶۷	ابنی‌هلدی، ۱۴۲
بول (بنگالی)، ۹۰	برنبهی، ۱۶۱	انبل، ۲۲۵	اٹنکن، ۶۵
بولسری، ۹۰	برواه، ۲۰۲	انبلی، ۹۵	اجاجی، ۲۶۲
بولو، ۱۹۵	برهتا، ۷۸	انبه، ۶۳	اجواین، ۲۸۹
بهانانا، ۷۲	برهمی، ۱۶۱	اندراین‌کاپهل، ۱۲۶	اجواین‌خراسانی، ۸۸
بهتکتیه، ۱۱۴	بزیاله، ۷۸	اندرجو، ۲۶۹	اجود، ۲۵۳
بهرینه، ۱۲۶	بریجا، ۷۲	اندرجو (سندی)، ۲۶۹	اخروی، ۱۰۶
بهرتا، ۷۲	بری‌مائی، ۲۰۲	انروله، ۱۲۲	اذرک، ۱۶۴
بهرمان، ۲۱۰	بڑ، ۷۵	انزروت، ۶۶	ادهیره، ۳۱، ۳۵
بهطل‌کطی، ۲۹۸	بسکپیره، ۱۲۵	آنکول، ۶۷	ارو، ۱۳۹
بهکتائی، ۷۲	بسوره، ۱۶۹	انوله، ۶۲	اروی، ۲۴۳
بهلاوه، ۸۵	بشرسون، ۱۸۰	اوکله، ۲۴۱	ارهرتور، ۱۸۳
بهنگ، ۲۴۵	بصلا (سندی)، ۸۰	اونت‌کتاره، ۵۰	ازنید، ۱۳۳
بهنکره، ۹۱	بکام، ۳۱، ۳۵	اونت‌کتاره، ۱۸۹	آزوسه، ۴۶
بھوئی‌انوله، ۹۲	بکاین، ۱۱۱، ۳۹	آزھیر، ۳۹	اسپغل، ۷۸
بھولسری، ۹۰	بکنڑ، ۱۴۰	اوھیر، ۳۹	اشکنده، ۴۹
بھیره، ۸۷	بکنچی، ۸۵	اهالوا، ۱۱۵	اصطرک، ۵۳
بیارانکا، ۹۲	بکم، ۸۵	اطماط، ۵۴	اطمط، ۵۴
بیبل، ۹۲	بکن، ۸۵	أعرابی، ۸۰	أطموط، ۵۴
بیت، ۱۴۰	بکنھینده، ۸۵	بابچی، ۸۵	اکاس‌بیل، ۲۵۸
بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹	بلاذر، ۶۷	بابری، ۷۱	اکر، ۲۱۶
بیره، ۲۶۲	بلاس، ۸۵	باتو، ۱۷۰	اکرکره، ۲۰۵
بیش، ۹۲	بلاس‌بابره، ۸۵	باجرا، ۱۰۰	اکری (بنگالی)، ۲۰۷
بیکن، ۷۲	بلول، ۸۷	باگر، ۷۳	اکسیر، ۵۲
بیل، ۹۲	بمولتان‌اهری، ۱۳۰	بال‌چهر، ۱۷۷	اکول، ۶۷
پالک، ۴۸، ۲۴۱	بن‌پوتکه، ۲۴۹	بالسه، ۷۳	اکون، ۲۰۹
پاندروت (سندی)، ۱۴۶	بن‌چھتکی، ۸۹	بالک‌جوھی، ۷۳	اگر، ۲۱۶
پاندورت، ۱۴۶	بندا، ۸۸	بانس، ۲۴۰	السی، ۲۵۰
پت‌پایره، ۱۸۳	بندا، ۱۳۱	بانسه، ۴۶	السی‌کابیچ، ۲۵۱
پتروتیزپاپ، ۱۶۶	بندال، ۸۸	بانکریزی‌کلوف، ۲۳۸	الوا، ۱۹۵
پتھری (بنگالی)، ۹۳	بسنسکی، ۸۹	بیبه، ۷۴	امرتیه، ۲۵۸
پدیھرا، ۲۲۶	بنس‌روجن، ۱۹۹	بتال‌مکهانه، ۲۸۴	آمژه، ۶۲
پری، ۱۶۱	بنس‌لوجن، ۱۹۹	بترج، ۱۶۱	امل‌بید، ۶۲

چپنال، ۱۴۷	جورانکلی، ۵۳	ترمر، ۱۰۲	پرنک، ۵۹
چیپژک، ۱۹۳	جوراواراج ناکهه، ۲۷۲	تسوت، ۹۳	پل پرنک، ۵۶
چیر، ۱۴۹	جوهی، ۲۰۵	تکر، ۴۶	پنکهرج (بنگالی)، ۱۶۹
حادثج (سندی)، ۲۳۸	جهار، ۲۰۲	تیل، ۱۷۶	پنواز، ۱۰۴
حبارهای، ۷۹	جهاز قرچه (بنگالی)، ۱۱۳	تلسی، ۱۸۴	پوست، ۱۳۴
حماض املی، ۱۲۲	جهاؤ، ۴۰	تَمِر، ۲۹۶	پوندا، ۲۴۱
حوان (سندی)، ۲۸۹	جیبالگوت، ۲۷۶	تنبل، ۹۳	پهته، ۷۵
خپه، ۱۲۴	جیروا (سندی)، ۲۶۲	تنبول، ۹۳	پهیلی، ۲۵۷
خروک، ۸۱	جینت، ۱۰۹	تورَئی، ۹۶	پهین چهنتر، ۲۲۶
خَس، ۱۳۳	چاکسو، ۹۴	توشیر، ۱۹۹	پیل، ۱۴۲
خُلجان، ۱۳۷	چافرکھاس، ۱۰۰	توله بانس، ۱۹۹	پیلامور، ۲۲۸
خُلجی، ۱۳۷	چاندریل، ۲۱۰	تونبری، ۲۳۷	پیلامول بلام، ۲۲۸
خوب کلان، ۱۲۹	چاندلی بیل، ۲۶۶	تونیا (هندی و سندی)، ۱۶۱	پی پل مول، ۲۲۸
خولنجان، ۱۰۶	چاول، ۴۴	ته توره، ۱۰۹	پیلی، ۱۴۲
خیار چنبر، ۱۴۰	چاولائی، ۸۴	تَهکار، ۹۶	پیتنه، ۲۳۷
دارم، ۱۵۷	چاؤل مُنکُر، ۱۰۱	تهور، ۱۶۳	پیزا، ۷۵
دارمون، ۱۵۷	چتره، ۱۹۳	تیسسی، ۲۵۱	پیل، ۴۳
داک، ۲۱۴	چرایتا، ۲۴۰	تیونی، ۲۹۰	پیلووجال، ۴۳
داکهه جهاز، ۲۵۵	چرایته، ۲۴۰	نالاسفیس، ۱۱۵	تار، ۹۲
دالان بزرگ، ۱۵۲	چرکانا، ۱۲۲	ثوب مُبهرَم، ۲۱۰	تاک پترویداره، ۹۳
دانج ابروج، ۱۴۲	چِرُونجی، ۱۰۳	جادوبوی، ۱۰۷	نال مَنکهارا، ۹۳
دانه، ۲۰۶	چریره، ۵۲	جادیفیل، ۱۰۷	نال مکهانانبول، ۹۳
داونه مروا، ۲۰۶	چَکَوَتَره، ۱۰۴	جاکله، ۹۴	تالیس، ۱۶۱
دند هندی، ۲۷۶	چَکوند، ۱۰۴	جالکری، ۲۲۸	تالیسپتر، ۱۶۱
دوئی، ۲۴۲	چَکئی، ۱۰۴	جاماها (سند)، ۶۲	تامول، ۹۳
دودهالی، ۱۸۸	چنیلی، ۲۹۹	جام بَهَل، ۱۰۰	تانبول، ۹۳
دَهار (سندی)، ۴۷	چند سر، ۱۰۲	جامون، ۱۰۰	تاوه، ۱۰۴
دهتوره، ۱۰۹	چند سور، ۱۰۲	جاهی، ۲۰۵	تباکیر، ۱۹۹
دهماسا، ۱۴۸	چندن، ۱۹۶	جای بل، ۱۰۷	تبهو، ۲۴۱
دهنیه، ۲۵۷	چَنیا، ۱۰۶	جای پهل، ۱۰۷	تتل، ۱۷۵
دهونه، ۲۴۷	چولائی، ۱۰۹	جزیری، ۸۰	تتلی (بنگالی)، ۱۶۷
دیسندس، ۲۳۷	چونلائی، ۸۴	جل نیل، ۲۵۰	تیج، ۱۷۴، ۲۳۸
دیله، ۱۲۲	چوهه کنی، ۳۴	جناماسی، ۱۷۷	تخم پنوار، ۱۷۹
دیودار، ۳۹	چهارا، ۹۴	جنجر، ۶۶	تخم چکوند، ۱۷۹
ذره، ۱۰۰	چهال کری، ۲۲۸	جنکی چنیلی، ۲۰۵	تربج، ۹۳
رائی، ۱۳۰	چهریخای ها، ۲۲۶	جنیه، ۱۴۹	تربوز، ۸۲
راجپونکه، ۲۴۹	چهریله، ۵۲	جوار، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۴۹	تربیزه، ۱۳۰
راج کیری، ۲۱۰	چهوئی مائین، ۴۰	جواسا، ۷۱، ۱۱۰	ترله بانس، ۲۴۰

۲۲۹، فوذنو (سندی)،	۲۷۰، سیبیزوا (سندی)،	۱۷۰، سَرَهنجی،	۲۴۷، ۱۷۸، رال،
۱۹۲، قالنچی،	۱۶۳، سیج،	۱۳۷، سریس (سندی)،	۲۲۵، رام تلسی،
۱۹۲، قالیر،	۵۲، سیخ،	۱۰۰، سفری (بنگالی)،	۱۳۰، رای،
۲۲۸، قرین مو،	۶۲، سیر آملج،	۱۷۳، سَکوه،	۱۵۴، رای بیل،
۲۰۹، قشوقی (سندی)،	۱۸۲، سیسنبر (سندی)،	۱۷۳، سک هنو،	رتن جوت، ۴۰
۳۵، ۳۱، فطوس،	۲۹۲، سیلا (بنگالی)،	۲۸۶، سلارس،	۸۳، رجه،
۲۴۴، قَمینجَه،	۱۸۲، سینبل،	۸۲، سلغارها (سندی)،	۱۵۵، رُدوئتی،
۱۴۵، قنوبر (سند)،	۱۴۴، سیندنی (بنگالی)،	۲۸۶، سلهارس،	۲۰۹، رس،
۲۱۴، قواد (سندی)،	۱۶۳، سپهنده،	۲۸۶، سیلَهس،	رسوت، ۱۲۰
۲۰۹، قوال سریمی (سندی)،	۱۸۳، شارف،	۲۸۶، سیلهه،	رند (سندی)، ۲۱۸
۲۵۰، قوتری،	۵۶، شتاور،	۴۱، سنبهالو،	رنیکا، ۴۱
۱۲۰، قولوط،	۸۹، شذوار (سندی)،	۱۶۴، سنده،	روس، ۴۳
۴۹، قویابصل (سندی)،	۱۸۷، شَریفَه،	۱۶۴، سندهی،	رونا، ۲۷۹
۲۳۷، قیرع،	۲۹۶، شسمیرون،	۲۶۸، سنکاهولی،	رونق الملک، ۵۹
۲۳۶، کابیج،	۲۱۵، شکرداری،	۸۸، سنکپره،	ریتبه، ۸۸
۱۴۱، کاپنهل،	۱۸۹، شُل،	۱۷۹، سینکهارا،	زیرکی، ۱۱۳
۱۰۳، کاجر،	۵۳، شلها (سندی)،	۱۴۴، سنکهاوت،	زیره، ۲۶۲
۵۵، کاس بیل،	۲۹۶، شمشیر،	۱۴۴، سنکهاورت،	سایشک (سندی)، ۲۷۰
۲۴۹، کاکراسینکی،	۴۱، شَمینا،	۱۷۹، سینکپها،	ساتر، ۱۹۵
۲۱۴، کاک ماجهی،	۲۱۸، شنکر (سندی)،	۱۸۴، سوا،	ساتری، ۱۶۷
۱۸۸، کاکول،	۲۰۷، شوخدانه،	۱۸۸، سوالی،	ساج، ۱۶۶
۲۴۹، کالاکوت،	۲۹۶، شوقشمیر،	۱۵۲، سوب،	ساجی، ۲۴۴
۳۶، کال چنگی،	۱۹۹، طالیسفتر،	۵۹، سوتن (سندی)،	سانول، ۱۶۷
۲۱۴، کال ماجهی (بنگالی)،	۱۹۹، طالیشفر،	۵۹، سورج الملک،	سپاری، ۲۳۰
۱۹۲، کالنچی،	۲۳۸، طج،	۳۴، سورج مکھی،	سپنی، ۱۶۱
۲۴۴، کالو،	۹۶، طوذریک،	۵۶، ۸۰، ۲۱۲، سورنجان،	ستالی، ۱۸۸
۷۶، کالی جهانپ،	۱۴۰، عسطوس،	۲۷۰،	ستاور، ۱۸۸
۲۴۹، کالی زیری،	۲۶۶، عشق پیچان،	۱۷۹، سورنجان،	سیج، ۱۸۷
۲۴۱، کاندِه،	۲۱۰، عصای موسی،	۱۸۰، سورنجان،	سجی، ۲۴۴
۱۴۱، کای پهل،	۲۱۴، عنبا،	۴۳، سوریا،	سَرُپهونگَه، ۱۷۱
۴۹، کایده،	۱۷۷، غنغس الجاری،	۱۶۴، سونتهه،	سیرس، ۱۶۹
۲۴۹، کباب چینی،	۱۷۷، غنغیطس اشقاقا،	۴۳، سوندهی،	سرساد، ۴۱
۲۲۶، کبتهی بخفای،	۸۴، فانتھاری (سندی)،	۴۳، سوندهی،	سرس (سندی)، ۱۳۷
۲۶۴، کبیت،	۱۰۶، فاها،	۱۵۲، سونف،	سرسون، ۱۱۵
۲۴۲، کپاس،	۱۳۹، فرسک،	۲۲۷، سوهنجه،	سرکنده، ۲۴۰
۲۴۲، کپاس کاپهول،	۳۵، ۳۱، فطُسا،	۱۸۴، ۱۵۲، سوی،	سَرُنَجی، ۱۷۰
۲۴۸، کپور،	۵۷، فلانج (سندی)،	۱۸۱، سَهجَنَه،	سروالی، ۷۶
۲۶۴، کپور،	۱۴۰، فُلوسه کُد،	۱۴۰، سیاک لاتنی،	سروق (سندی)، ۶۷

کیرکاکول، ۱۸۸	کندهیس، ۴۳	کسرافی، ۴۹	کت، ۲۳۹
کیسر، ۱۶۳	کنکنی، ۱۰۰، ۱۴۳	کسم‌کاپهول، ۴۲	کتبیکن، ۱۱۴
کیکر، ۲۳۷	کنکون، ۱۶۳	کُسنَب، ۲۱۰	کتبیل (بنگالی)، ۲۶۴
کیکرکارس، ۲۳۷	کنکَهی، ۲۶۳	کسونجی، ۲۵۷	کت‌پایره، ۱۸۳
کیکروبیول، ۶۲	کنکهی، ۲۸۱	کَسُونِی، ۲۵۷	کَتزِنِیلا، ۴۳
کیل دارو، ۱۶۹	کنکَهی، ۲۶۳	کَسِرو، ۲۵۷	کتکی، ۱۳۰
کیله، ۲۸۵	کنوجه، ۲۸۰	کشول، ۴۳	کتهاجوری، ۲۵۹
کین، ۱۴۵	کنه، ۲۴۱	کفرجک، ۲۹۳	کتهل (بنگالی)، ۱۰۴
کینار، ۱۴۰	کنیر، ۱۴۵	کَنرول، ۲۵۹	کتَهه، ۲۳۹
کَینِتی (بنگالی)، ۲۶۴	کُوار، ۱۹۵	کَنزُونده، ۲۵۹	کتیرا، ۲۵۱
کیوار، ۲۴۸	کوالهریها، ۱۷۶	ککرونده، ۲۶۱	کج، ۲۹۳
کیهر، ۲۴۸	کوبرا، ۲۲۷	ککروهن، ۲۴۱	کجور، ۱۶۱
کیه (سندی)، ۲۸۲	کوبل، ۲۳۰	ککری، ۲۳۳	کجی، ۸۷
کیهون، ۱۲۶	کوتهمیر، ۲۵۷	ککن دهل، ۲۲۶	کجری، ۱۴۴
گاورس، ۱۰۰	کوری، ۲۹۳	کلاجن، ۱۳۹	کجری تلخ، ۲۳۳
گل انول، ۱۸۲	کُویل، ۲۸۳	کلنه، ۱۱۲	کجله، ۴۲
گل رای‌بیل، ۱۵۲	کوکنی، ۷۹	کلنَهه، ۱۱۲	کَنخار، ۲۵۲
گل کیوره، ۲۴۸	کوکولوتلا، ۲۳۲	کُلهی، ۱۱۲	کچو (بنگالی)، ۲۴۳
گندنا، ۲۵۲	کوکهره، ۱۱۸	کِلز، ۲۵۹	کچور، ۱۶۱
لانی، ۶۶	کولان، ۴۹	کلغه، ۱۲۲	کچوله، ۴۲
لال ساک، ۲۱۰	کولر، ۱۰۵	کل کنول، ۲۶۰	کددی، ۴۹
لامی، ۲۶۶	کوندل، ۷۵	کلمرچ، ۲۲۷	کدو، ۲۳۷
لایچی، ۲۳۲	کونده (بنگالی)، ۲۳۷	کل مِهندی، ۲۵۹	کده پرته، ۱۲۵
لایحل مول (سندی)، ۱۷۹	کُونَهه، ۲۶۴	کلَن، ۲۶۰	کدیمه، ۲۳۷
لُنبی، ۵۳	کوهن (بنگالی)، ۲۹۲	کلنکور (سند)، ۱۱۱	کریخور، ۵۹
لَجالو، ۲۶۷	کَوینت، ۲۶۴	کلونجی، ۱۹۲	کرجاورنکوت، ۷۶
لستوپری، ۲۵۰	کَهپراه، ۲۳۴	کِلوی، ۲۶۰	کرماله، ۱۴۰
لسوده، ۱۶۷	کَهجور، ۸۷، ۹۴	کله، ۶۶	کرمی، ۲۳۳
لُک، ۲۷۰	کَهربِیج، ۲۵۳	کُلهار، ۲۶۰	کرنا، ۲۸۹
لُک، ۲۷۰	کُهرِیا، ۲۵۳	کلهازی، ۱۲۸	کرنبات، ۵۴
لویبا، ۲۷۱	کَهرنِی، ۲۶۴	کَلِیان کانه (بنگالی)، ۲۶۰	کرنج، ۵۹
لونک، ۸۳، ۲۳۸	کُهنِبی، ۲۶۰	کلِیجن، ۱۳۹	کرواله، ۱۴۰
لونکهل، ۲۳۸	کَهنگالی، ۷۹	کلی قیسوس، ۲۹۸	کروکسینه، ۲۳۶
لُونگ، ۲۳۸	کَهنگچی، ۲۱۷	کندبتر، ۱۶۶	کروندا، ۲۵۶
لونیا، ۸۳	کَهوپره، ۲۸۷	کندبیل، ۴۳	کَرزُونده، ۲۵۶
لونیه، ۸۳	کَهیکوار، ۱۹۵	کندل، ۱۷۳	کزج، ۳۷
لهسن، ۹۸	کَهیونی، ۱۱۲	کندمار، ۲۴۷	کژمین (بنگالی)، ۱۴۴
لیان، ۱۹۸	کَینکی، ۲۴۸	کندنا، ۲۴۷	کُستی (بنگالی)، ۲۱۴



۱۲۰، رطه (سندی)،	مهاکال، ۱۲۶	مالکنکئی، ۲۷۶
وقواق، ۲۹۵	مَهت، ۴۴	مامهستان، ۱۶۶
هاتورا، ۸۸	مَهْد، ۲۸۶	ماهوی دانه، ۲۷۶
هازسنگهار، ۲۹۶	مهلت، ۱۸۰	مت، ۱۷۱
هالم، ۱۰۲، ۱۱۵	مهلتی (سندی)، ۱۸۰	متر، ۲۵۳
هالوم، ۱۰۲	مهندی، ۱۲۵	متر کابلی، ۱۳۷
هرورهره، ۶۸	میتهی، ۱۲۱	متن هنک فار، ۱۲۱
هَرزین، ۶۸	میلتی (سندی)، ۱۸۰	مجتری، ۵۶
هست چنکهار، ۱۱۸	میمو، ۱۷۸	مجتهه، ۲۳۰
هفت، ۱۵۶	مین بل، ۱۰۸	مدارا، ۲۰۹
هلدی، ۲۰۸	مین پهل، ۱۰۸	مدقوش، ۲۷۹
هملو (سندی)، ۱۱۶	ناذبود، ۱۵۹	مرج، ۲۲۷
هنسیدی، ۵۳	نارغفف (سندی)، ۲۸۸	مرج، ۲۲۷
هنکفار، ۵۰	نارغیث (سندی)، ۲۸۸	مرچائی، ۱۱۳
هویر، ۳۹	نارغیست (سندی)، ۲۸۸	مروانا، ۲۷۹
هوزید، ۶۸	ناریل، ۲۸۷	مَرزَیْمْدَهون، ۱۷۸
هیگ، ۱۲۱	ناشیپاتی، ۲۶۱	مریی، ۱۸۰
هیل، ۲۹۶	ناغیست (سندی)، ۲۸۸	مَسور، ۲۰۷
هین (سندی)، ۱۲۱	ناکرون، ۲۹۷	مسی، ۳۶
هینک، ۱۲۱	ناکسیر، ۲۸۹	مشکک، ۱۷۱
هینگ (سندی)، ۱۲۱	ناکفف، ۲۸۸	مکوی و مکوی، ۲۱۴
یکهان بید، ۱۰۶	ناکسیر، ۲۸۹	مکهاره، ۲۸۴
	ناکمتر، ۲۸۸	ملهتی حیتھی مد، ۱۸۰
	ناکیس، ۲۸۸	منبهل (سندی)، ۱۰۸
	ناکیسر، ۲۸۸	مَنیت، ۲۳۰
	نالیر، ۲۸۷	مند، ۱۶۱
	نایزه، ۹۳	منظر، ۳۱، ۳۵
	ننهی مائی، ۲۰۲	موتیه، ۱۵۴
	زیرِسی، ۱۰۱	مؤسلی، ۲۸۶
	نرنسبی، ۶۴	موفه، ۱۷۱
	نیکاچونی، ۲۹۱	موکره، ۱۵۴
	نکدبابوی، ۱۵۹	مُول سَری، ۲۸۶
	نل، ۲۴۰	مولسری (بنگالی)، ۹۰
	نیم (سندی)، ۳۵	مولی، ۲۲۳
	ننهی مائین، ۴۰	مون، ۲۸۵
	نیلوپهل، ۲۹۲	مونذی، ۲۸۶
	وائی، ۱۳۰	مونک، ۲۷۵
	وانسه، ۴۶	مهار، ۱۷۶

## ۵ - نام‌های سریانی

۱۲۰	حمصلیثا،	۲۲۷	پلپلی،	۶۲	املک،	۳۵، ۳۱	آسا،
	۱۲۴	حمصی،	۱۱۵	تحلی،	۶۵	انبائتورا،	۳۵، ۳۱
۱۲۴	حمصی دبرا،	۹۳	ترمسا،	۷۴	اندراسیون،	۱۹۳	ابروتا،
	۱۷۹	حمصی لیتا،	۵۴	تریامان،	۶۶	انزروتا،	۲۲۵
	۲۷۵	حملایا،	۹۴	تمرا،	۲۵۱	انقت الا،	۱۸۰
	۱۲۲	حموعیثا،	۱۵۳	تملمح،	۶۵	انکزانا اوکاما،	۴۲
	۴۱	حوحانیثا،	۹۸	توما،	۹۳	اوثرمسوا،	۲۹۷
	۱۳۰	حوربخانا،	۹۶	تین،	۷۱	اوکا،	۷۰
	۷۱	حوکا،	۹۸	ثومادیرا،	۲۲۷	اوکامانا،	۱۹۶
	۷۶	حولانا،	۴۱	جاساآکاما،	۱۲۶	ایلیقس،	۲۶۰
	۲۶۴	حیائوا،	۱۴۴	جَدوار،	۵۹	أکلیل الجیل،	۱۹۶
	۱۳۰	خردلا،	۱۹۳	جطرغ،	۴۱	أیلاقدیشا،	۴۱
	۲۳۶	خریعا،	۲۷۷	جغثاریحثانا،	۱۱۵	بابلایانا،	۴۵
	۲۱۰	خطری ذغبا،	۴۱	حاحی اکامی،	۳۳	بابلس،	۴۵
	۱۶۷	خُفت،	۳۸، ۳۹، ۱۹۰	حالوما،	۲۱۰	باقریقی خنجر،	۶۶
	۲۳۷	خفجرومیثا،	۲۶۶	حبلیلی،	۷۵	بانورس،	۸۸
	۲۴۹	خمیری مرجا،	۱۳۲	حُجثا،	۸۲	بَرّیخینا،	۴۶
	۴۱	خمساطرفی،	۲۹۷	حدبی،	۱۰۷	برشبقا،	۹۶
	۱۳۸	خُشی،	۸۵، ۱۱۶	حرمَل،	۳۹	بروئا،	۵۳
	۱۴۳	دبوقا،	۱۱۶	حُرْمَل،	۱۰۰	بَرورا،	۱۵۳
	۱۷۹	دتبلیغ،	۱۳۲	حروبی،	۳۹	بزوئا،	۴۹
	۸۱	دُعْثا،	۱۸۰	حزا اوکامی،	۳۹	بزوسیاء،	۲۴۶
	۸۱	دعثادشغاری،	۱۰۷	حزازیشادخیفا،	۱۱۶	بسباسا،	۲۷۸
	۸۲	دعثادقرطی،	۹۴	حزوزی،	۲۲۵	بستقی،	۱۰۳
	۱۲۱	دعثاقورینثا،	۲۹۰	حشرما،	۸۰	بصلا،	۲۷۱
	۱۱۴	دعثالغنا،	۲۹۵	حصّ،	۲۱۰	بطباط،	۳۹
	۲۶۴	دقتا،	۲۵۲	حطارا،	۲۱۰	بَطْباط،	۳۹
	۲۶۷	دقتادعزی،	۲۱۰	حطری راعیا،	۸۱	بطما،	۵۴
	۲۵۰	دهنون دوزی،	۵۲	حلاذقاصری،	۸۱	بطمتا،	۲۱۱
	۲۵۸	دینار،	۱۷۳	حلبادشغفینون،	۸۵	بلابس،	۷۱
	۲۶۱	ذرعا،	۲۴۶	حلبانیثا،	۲۶۰	بلوط ارعا،	۱۳۰
	۱۰۰	ذفارا،	۱۲۱	حلتیتا،	۸۷	بلوطاملکا،	۹۶
	۴۴	رُزّا،	۱۳۶	حلمثا،	۹۴	بلوطی صقلا،	۲۶۲
	۱۵۶	رعایولا،	۹۴	حمرادحزوری،	۱۲۶	بنات مریرا،	۲۶۴
	۲۲۸	رعنادملا،	۲۶۴	حمرما،	۲۳۳	بوسینی،	۲۹۷
	۱۵۶	رعیادیلا،	۱۲۹	حمری مرکی،	۶۱	یوسفاسفوس،	۲۹۰

۲۲۲	فاشار،	صامریوما، ۹۵، ۱۱۲، ۱۵۱،	سقی رَغلا، ۷۹	رَغیاذیلا، ۱۵۶
۷۸	فاشر،	۱۵۷	سقیلا، ۴۹	رغبا، ۲۵۸
۲۹۷	فاشار، ۱۵۴،	صامریوما، ۱۹۴	سکفینه، ۱۷۳	رقبه، ۲۶۸
۲۲۲	فاشار،	صعاری، ۱۸۷	سکی رغلا، ۷۹	رقوثا، ۲۹۰
۲۲۲	فاشرِشتین،	صَنْدَل، ۱۹۶	سلطاری، ۱۲۶	رُمانا، ۱۵۷
۲۲۲	فاشرِشتین،	ضروا، ۱۹۸	سلقا، ۱۷۴	رمانادبرا، ۱۰۴
۲۲۲	فاشرِستین،	طبَقشیر، ۱۹۹	سماقیل، ۱۷۵	رمانامصرینا، ۱۰۴
۲۹۷	فاشرِستین،	طربد، ۹۳	سُمَاقیل، ۱۷۵	رودیون، ۱۴۵
۲۲۲	فاشرِشتین، ۹۰،	طربید، ۹۳	سمرنابیوطیقا، ۲۷۸	روزی، ۴۴
۵۷	فراپون،	طریفِلن، ۲۰۳	سَنَتِذیبی، ۵۰	رومانی دبرقویا، ۲۸۲
۲۹۸	فرما،	طماخثا، ۱۵۳	سنگ بادکوکافیلون، ۴۱	ریسنا، ۱۵۳
۱۱۱	فستقی،	طمری، ۱۳۳	سورمور، ۵۵	زرع آدم، ۱۱۲
۵۷	فشا،	طواخشیر، ۱۹۹	سوسانی، ۱۸۰	زرع بشاشا، ۱۱۶
۲۵۸	فشرا،	طوذریک، ۹۶	سوسرخون، ۶۵	زرع بطراسلینون، ۲۲۷
۱۵۳	فشقل،	طوررا، ۱۵۱	شابهی، ۱۸۵	زرعشامر، ۶۷
۲۲۶	فطریئا،	ظَفَرَقَطُورا، ۲۰۵	شَبَطاط، ۲۱۰	زرع شخرونیا، ۸۸
۲۲۳	فعالا،	عافرشمعا، ۳۹	شبعاللعین، ۲۶۹	زرع کرفساد طورا، ۲۲۷
۱۳۰	فقوشا،	عرا، ۲۰۲	شبوئانا، ۱۹۲	زرقوتبا، ۱۵۳
۲۲۵	فلنلمنکا،	عربثا، ۲۲۰	شررفیون، ۲۳۲	زریات، ۱۳۲
۸۸	فندقا،	عربروس، ۷۸	شطبانی فلوعرین، ۲۱۰	زَریر، ۱۶۲
۲۳۰	فوئا،	عرزادمغوشی، ۲۹۹	شطرکا، ۵۳	زریرا، ۸۲، ۱۶۲
۲۲۳	فوغلی،	عرطینثا، ۳۴، ۲۵۸، ۲۸۶	شعیعادیما، ۴۴	زنکییل، ۱۶۴
۲۳۰	فوفلا،	عرطینثا، ۱۸۶، ۲۲۱	شغدی مریری، ۲۷۱	زوفارطیبا، ۱۶۵
۲۲۹	فونیئا،	عرطینثا، ۳۵	شکوثا، ۲۵۸	زوفایشا، ۱۶۵
۱۶۷	فَیجَل،	عزرو، ۶۶	شَنَازِیبا، ۸۴	زوفرا، ۱۱۵
۱۳۲	فیزیدجاغی،	عصارمرارت برا، ۱۲۶	شنبلیذ، ۱۷۹	زیتارعا، ۲۷۵
۳۳	فیشوئا،	عُصَیة، ۱۸۵	شَنکوسا، ۱۵۳	زیزوفی، ۲۱۳
۱۶۷	فیغنا،	عَقارادبشکرا، ۵۴	شواصر، ۷۷	سابا حورارا، ۷۱
۲۲۹	فیلا،	عقارادشوشنا، ۷۰	شواصر، ۱۹۰، ۲۸۱	ساناحور، ۷۱
۶۵	قاروصشو،	عقاراسوسابی، ۷۰	شوَاصِرَا، ۱۹۰	سحلیس، ۴۳
۲۵۰	قبار،	عقاراعرطینثا، ۳۵	شواصره، ۱۹۰	سَخی رَغلا، ۷۹
۲۳۷	قرا،	عقاراسوصیانی، ۷۰	شوشما، ۲۳۲	سرویباچبلا، ۲۰۸
۲۳۷	قرأ،	عقارشوشا، ۱۸۰	شوشمانیا، ۲۹۶	سَطرکا، ۱۷۱
۱۳۳	قردی،	عکارشا، ۱۵۳	شوشینا، ۱۸۰	سعدی، ۱۷۱
۱۲۶	قرشادوقاتا،	علفوط، ۸۰	شیلوم، ۱۷۴	سفین، ۱۷۳
۱۵۲	قَرَصَعَنَة،	عَلْکَلْک، ۱۲۹	شیلوما، ۱۷۴	سفاری، ۸۱
۲۳۶	قَرَصَعَنَة، ۱۹۱،	عَلُوا، ۱۹۵	صاتری، ۱۹۵	سفرکلا، ۱۷۲
۲۲۹	قَرَصَعَنَة،	عینی ثورا، ۹۰	صازَه، ۲۷۳	سفلولا، ۱۶۰

نیروقل، ۲۹۲	گرگیری، ۱۰۲	کراثادبرا، ۲۵۲	قرصعنه، ۲۵۲
نیل فلفل، ۱۱۳	گنده انگزد، ۱۷۳	کراعی قمصی، ۱۵۳	قرطبی، ۱۱۸
نیلن، ۱۱۳	لحکا، ۲۶۹	کرانبی، ۲۵۵	قرطف، ۲۴۱
نیلی‌یسا، ۲۴۸	لحیه التیس، ۱۵۱	کراوی سریانی، ۲۵۶	قرطمان، ۱۲۶
نینیا، ۲۸۹	لشانامرا، ۲۶۹	کرفسادطورا، ۲۵۳	قرطم هندی، ۱۱۳
وردا، ۲۹۳	لشان ثورا، ۲۶۸	کرفسادیما، ۲۵۳	قساریسما، ۲۴۰
وردادرمانا، ۱۰۴	لشان صفرا، ۲۶۹	کرفشا، ۲۵۳، ۲۶۱	قشنا، ۲۳۹
ورداد صیادی، ۱۴۶	لوزدمریرا، ۲۷۱	کرقتا، ۲۳۵	قطبا، ۲۴۱
وردادصیاری، ۲۹۴	لوفاعسقیبا، ۲۳۰	کرکاش، ۵۷	قطبی حمارا، ۲۳۳
ورش، ۲۹۵	لوکا، ۷۱	کرکینا، ۱۲۵	قطفا، ۱۷۰
وض، ۲۹۳	لیاننون، ۲۶۳	کرکم، ۱۶۳	قطیا، ۲۳۳
وکوتی کرانیس، ۷۳	مامیران، ۲۷۶	کُرکُم، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۵۵	قفطا، ۲۴۱
ونا، ۲۵۸	مرادکیار، ۲۷۷	کرکما، ۱۶۳	قلتا، ۱۱۲
هرقلو، ۳۹	مرارت فیلا، ۱۲۰	کرکون، ۲۵۵	قلفوح، ۱۵۳
هطاطی، ۲۱۷	مژافروط، ۲۷۸	کرکیش، ۵۷	قلفوط، ۸۰
هطی، ۲۱۷	مژدایانج، ۳۶	کرلنفسابه، ۳۱، ۳۵	قلقاسی، ۲۴۳
هلابوروس، ۱۳۰	مرسلون، ۱۴۱	کرنا، ۲۵۵	قلومامش، ۴۶
هلیلقی، ۶۸	مریث، ۸۰	کرنب الماء، ۲۹۲	قلیا، ۲۴۴
هیزارنا، ۲۲۹	مشحدیرسا، ۱۸۰	کزبرناء، ۲۵۶	قمحادرزی، ۱۹۹
هیقلوس، ۳۹	مشحونا، ۱۷۹	کسبرتا، ۲۵۷	قنا، ۲۴۰
هیوازما، ۲۹۰	مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱	کشنی، ۲۳۶، ۲۵۳	قنبیرا، ۲۴۵
بیروچی، ۳۰۰	مشکطرامشیع، ۱۱۳، ۲۹۹	کشوش، ۱۰۰	قندیز، ۲۹۵
یپلا، ۴۴	مقلا، ۲۸۳	کلنج، ۲۵۹	قواباوس، ۷۳
یغمیصا، ۱۵۹	مقلیانا، ۱۱۵، ۲۸۴	کلیل ملکا، ۵۹	قوتری، ۲۵۰
	مقلیانا، ۱۱۵	کمون، ۲۶۲	قورنیثادطوری، ۲۲۹
	مقلیثا، ۱۱۵	کموننا، ۲۶۲	قوشنا، ۲۳۹
	ملافتون، ۱۲۶	کمونادیرا، ۲۶۲	قومایس، ۶۷
	ملوخیا، ۲۸۴	کموناهندو، ۲۶۲	قیرف، ۲۸۳
	منشحیا، ۸۹	کوزی بویا، ۱۰۷	قیسادافورسما، ۸۶
	منشخا، ۸۹	کوزی دبسما، ۱۰۷	قیس دافورسما، ۸۶
	میثوبا، ۷۰	کوزی دهفاختا، ۱۰۸	قیمولیا، ۴۱
	میثی، ۲۱۱	کومنون اغریون، ۲۶۲	کباغریایا، ۷۱
	ناردین دبرا، ۴۶	کهبانا، ۲۲۳	کبیشاحمرا، ۲۵۵
	نات نورا، ۲۵۵	کهبنا، ۲۲۳	کبیکج، ۲۵۰
	نشرا، ۱۶۹	کهنابا، ۲۲۳	کئنا، ۲۲۲
	نطفئا، ۱۳۶	کهبانا، ۲۲۳	کحلا، ۳۹
	ننعا، ۲۹۰	کیا، ۲۸۲	کحیلا، ۳۹
	ننوا، ۲۸۹	گدلنفسی، ۳۱، ۳۵	کراثا، ۲۵۲

۶ - نام‌های بربری و نبطی

تاغندست، ۲۰۵	أشتیوان، ۷۹	اطماط، ۸۸	أأکنار، ۳۷
تاغندست، ۲۰۵	أعصاب، ۱۹۳	اطموط، ۸۸	أأملیس، ۳۷
تاغیشت، ۱۵۸	أفار، ۹۹	أفار، ۹۹	أاتفاح، ۹۴
تاغیغشت، ۱۷۱، ۲۰۷	أقمام، ۳۶	أفلدان، ۷۵	أذان الشاء، ۳۳
تافرزیرت، ۱۲۶	أقتن، ۹۰	افلسطین، ۸۱	أذان الغزال، ۳۳
تافسیا، ۹۷، ۱۶۷	أقفیل، ۴۹	اقروم، ۱۰۴	أرغیس، ۳۵، ۶۱
تافیفرا، ۲۵۹	أمصوخ، ۶۲	اقطفیت، ۸۸	أزرغنت، ۶۱
تافیقرا، ۱۷۲	أملال، ۹۰	اکثار، ۱۰۷	أست، ۲۶۶
تاکسوت، ۲۲۴	أمئال، ۹۱	اکرمیوسنه، ۲۱۹	أشک بردین، ۶۱
تاکوت، ۵۵، ۲۲۴	أمئال، ۲۱۷	الازاز، ۲۷۷	أطریلال، ۳۶، ۱۱۸، ۱۵۵
تاکوت، ۹۳	أوطمو، ۲۹۵	الونی، ۲۷۳	أطریلان (فاس)، ۱۵۵
تاکوت، ۱۶۳	بادرُج، ۷۱	امسُخر، ۲۹۲	أیزنی، ۲۷۳
تامرت، ۲۶۷	بادروج (نبطی)، ۷۱	أمسوخ، ۶۲	لبراز، ۶۱
تامسورت، ۹۳	بانقیب، ۲۱۰	اناکیر (نبطی)، ۶۳	لبزیر، ۲۰۵
تاممشت، ۲۰۲	برهلیا، ۱۵۲	انلی، ۱۴۹	اتسویک، ۱۰۷
تانقیب، ۹۳	بسلیت، ۱۴۹	انثار، ۲۰۴	أذار، ۷۵
تخصیص، ۲۵۳	بکسیتلان از مور، ۲۱۴	انلی، ۱۵۰	ادریاس، ۶۵
تراست، ۸۰	بلاسفین، ۱۱۵	اورباس، ۹۷	ادمام، ۲۹۴
ترفاس، ۲۶۰	بوخو، ۱۰۶	ایرن، ۲۷۳	ارجالون، ۲۲۲
ترفس، ۲۶۰	تازیل، ۲۷۰	ایغرتی، ۳۷	ارماس، ۲۴۲
ترمشیر (نبطی)، ۲۸۱	تازرت، ۹۶	ایغسه، ۹۳	اراز، ۲۷۷
ترنج، ۴۰	تازرت، ۲۲۲	أفشرو، ۳۶	ازالیم، ۸۰
ترنج، ۴۰	تازغلت (بربری - مصر)، ۲۵۰	أداد، ۵۱	ازبوج، ۲۵۱
ترهلا، ۷۷	تازلفت، ۵۵	أدریاس، ۹۷	ازدری، ۱۴۱
ترهلا، ۲۱۹	تازلفت الینو، ۵۵	أدریس، ۹۷	ازروده، ۴۵
ترهلان، ۱۹۹	تاسکرا، ۲۲۵	أذنه، ۵۹	ازقون، ۱۴۷
ترهلان (آفریقا)، ۲۱۹	تاسلت، ۱۵۹	أرجان، ۴۴	اساسنوا، ۱۰۶
ترهلیان (نبطی)، ۱۴۸	تاسلغا، ۲۱۸	أرغیس (اندلس)، ۱۲۰	اساسنه، ۱۲۵
ترهلیه (نبطی)، ۱۴۸	تاسلغا، ۱۷۰	أزرغن، ۶۱	اسغارن امشانتن، ۳۳
تیغیغشت (فاس)، ۲۶۳	تاسمت، ۱۲۲	أزروود، ۴۵	اسغارن یزان، ۳۳
تغاف، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۲۹۶	تاسمت، ۱۲۲	أزمور، ۱۶۶	اسقون، ۱۲۶
تفسیا، ۱۶۷	تاشممت، ۱۲۲	أزوری، ۱۴۱	اسقیراسن، ۸۸
تکوت (مغرب)، ۲۲۴	تاصالیمت، ۸۰	أزیر، ۵۹	اسکروان (نبطی)، ۲۶۹
تیرحله، ۴۶	تاغفیت (آفریقا و تونس)، ۱۳۳	أسرغنت، ۱۷۰	اشلابوس، ۱۴۱
تیزمارت، ۷۰		أسلیلی، ۱۸۴	أصاص، ۲۷۷
		أسمان، ۲۸۵	اطریلال، ۱۵۵

تِیْطَمَسْت، ۴۳	سوارون، ۱۲۹	مِیْمون، ۲۲۲
تِیغَلَل، ۱۲۶	سِیْسِدَار (نبطی)، ۱۴۴	نَهْمَا (نبطی)، ۲۹۲
تِیْفَرَسْت، ۲۶۱	طَاكَا، ۲۰۸	وَاَزْنِیْر، ۱۴۷
تِیْفَسْت اَزوزغَار، ۲۵۱	طَرْفَاء البَسْتَانِی، ۴۰	وَاوَزَاق، ۱۴۷
تِیْكَطَا، ۱۳۲	طَرْمِیْطَس، ۲۶۵	وَتورَلْت، ۴۶
تِیْمِر سَاط، ۲۲۹	عَرُوسَه، ۲۷۰	وَرْحَالُور، ۲۲۲
تِیْمِزِیْن، ۱۲۶	عِشْبَه قَبْرِی، ۲۹۶	وَنْقَازَف، ۴۱
تِیْمِشْطَان، ۱۴۹	عَضَاب، ۱۹۳	هَاسِیْمونَا (نبطی)، ۲۹۶
نَاثَبَا، ۲۱۳	عِضَات، ۱۹۳	هَرْفَلُوس، ۲۹۶
نَارُویْبَا، ۲۳۰	عَكَّته، ۲۱۲	هَرْقِلُوس، ۲۹۶
نَاثِیْفِرَا، ۱۴۶	فَاتِرَه (نبطی)، ۲۵۷	هَرْقِلُوس، ۲۹۶
خَرْشَف (نبطی)، ۱۱۴	فَارِنِیَا (نبطی)، ۵۹	هَمون، ۲۲۲
خَرْف (نبطی)، ۱۱۵	فَلْشِرَاش، ۱۱۸	هَیْطُومون (نبطی)، ۱۳۰
خَرْف (نبطی)، ۱۱۵	فَلْغِیْدَس (نبطی)، ۱۲۶	یَخْصِیْص، ۲۵۴
حَرْفِی، ۲۲۸	فَنَا (نبطی)، ۲۴۹	
حَسُومِی، ۲۸۹	قَارِنِیَا (نبطی)، ۵۹	
خَطْب السُودَان، ۳۳	قَاقلِی (نبطی)، ۲۸۴	
خَلْبُوب (نبطی)، ۱۲۱	قَرِنِیَا (نبطی)، ۲۸۴	
خَمَامَا (نبطی)، ۱۲۴	قَرْنَه، ۴۶	
خَنْدَقُوق، ۱۲۵	قَنْأَبْرِی (نبطی)، ۲۴۵	
خَنْدَقُوقِی، ۹۲	كَرْكَرْهَنْ، ۲۵۵	
خَنْدَقُوقِی (نبطی)، ۱۲۵	كُسْتِیْلَا (نبطی)، ۲۵۷	
خَمَان (نبطی)، ۱۳۸	كُسِیْلِی (نبطی)، ۲۵۷	
دِیْبِدَارِیَا (نبطی)، ۱۴۳	كُورِی زولَه، ۲۱۰	
دِرْغَل، ۲۰۴	لَاقْلِیْشْت، ۳۷	
رْتَه (نبطی)، ۸۸	لِحِیَه اَمْسُون، ۵۵	
رِسْتَنِی نُودِیَه، ۲۱۰	لِصِیْفِی، ۳۳	
رُویْیَه مَنُور، ۲۳۰	مَازَر (نبطی)، ۲۷۵	
رُوز، ۴۴	مَامِیْثَا، ۶۷	
زَان، ۱۶۳، ۱۶۰	مَامِیْثَا (نبطی)، ۲۷۶	
زَنْبُوج، ۲۵۱	مَرْسَطَس نِیْطِی، ۲۷۹	
سَرْغَنْت، ۱۷۰	مَرُو، ۱۲۷، ۱۴۲	
سَعْسَع (عَبْرِی)، ۱۴۷	مَزَابِلَه، ۲۱۴	
سَعِیْج (نبطی)، ۱۴۷	مَسْمَقَار، ۱۶۰	
سَلْدَانِیُون (نبطی)، ۱۷۴	مَسْمَقَرَان، ۱۶۱	
سَلْغُوَا، ۱۳۲	مَسْمُوقَرَه، ۱۶۰	
سَمَلَايَا (نبطی)، ۸۱	مِشْكِرَامَشِیْج (نبطی)، ۲۸۱	
سَمون، ۲۲۲	مِشْكَطَرَامَشِیْر (نبطی)، ۲۸۱	

## ۷ - نام‌های ترکی

قَراطط، ۲۳۵	ابم‌کماجی، ۱۲۹
قوش اوزی، ۲۱۴	اردک، ۲۸۲
کجتیپ، ۶۵	ارزوج، ۳۹
کرچک، ۱۳۳	آنذر، ۱۵۳
کلکله، ۱۹۵	اوزم، ۲۱۴
ماستواچچکی، ۲۵۰	ایکده، ۲۱۹
ماقوق، ۲۴۲	اینبروئی، ۱۴۶
مرداراغاجی، ۲۱۵	باغ پر باغ، ۲۶۹
واشوه، ۱۲۹	بالدرغان، ۶۵
هوم، ۲۹۹	بکوزتیکان، ۲۱۳
ینلاق قرقرون، ۱۷۱	بولچاق، ۱۲۴
یمیشاز، ۱۶۲	بینوق، ۲۴۲
یونجه، ۱۵۵	پیلان‌افردی، ۹۹
	توبالاغ، ۱۷۱
	جیکلک، ۱۰۹
	حیوا، ۱۷۲
	خاس، ۱۳۳
	داغ سوغائی، ۸۵
	دویتکانی، ۱۱۰
	سعادی (ترکیه)، ۱۷۱
	سقر، ۸۱
	شیرین‌بان، ۱۸۰
	شیودان، ۱۲۹
	صفراادوی، ۹۹
	طبرقاق (ترکیه)، ۱۷۱
	عَظُوز، ۱۵۳
	غازایاغی، ۳۶
	غازیاغی، ۱۵۵
	غرغات، ۱۳۹
	فجی، ۱۳۰
	قابیش، ۲۴۰
	قارچ، ۲۶۰
	قارنی‌باروق، ۷۸
	قاسی، ۷۲
	قیاق، ۲۳۷
	قجی، ۲۶۶

## ۸ - نام‌های متفرقه

اسلیج، ۲۷۴	ارکه، ۱۲۶	ابوعیس، ۱۴۰	آبیل، ۳۳
اسمادوسفرم، ۳۶	ارمارینون، ۱۲۴	ابی دالس، ۲۴۸	آچین، ۳۳
اسمار، ۳۱، ۳۵	آزمالک، ۴۵	ابیغل، ۳۹	آدریس، ۳۳
اسماروزند، ۳۱، ۳۶	ارمالک، ۴۵	ابیانس، ۱۰۵	آذریون، ۳۴
اسملیس، ۲۸۰	ارموش، ۱۷۰	اپراچنا، ۱۱۳	آذریونه، ۳۵
اسمورنین، ۲۵۳	ارمیس، ۴۵	اثامنطیقون، ۲۸۷	آزرو، ۲۹۱
اسنولوس، ۵۰	ارنتاله، ۱۰۵	اثر، ۳۸	آطرس، ۱۶۰
اسواس، ۲۰۳	ارنوله، ۱۴۵	اثقلیا، ۳۸	آله، ۱۵۳
اشبته، ۲۰۰	اروس بلغار، ۲۶۴	اچطاله، ۱۲۲	آله قَبْرُونَه، ۶۵
اشبرون، ۱۸۹، ۲۰۴	ارید برید، ۴۵	احنینه، ۲۶۶	آله دبقتر، ۱۵۷
اشبطاله، ۱۲۶	اریدبرید، ۴۵	اخرادس، ۲۶۱	آلیلی، ۱۴۵
اشتیته، ۵۵	اریقته، ۱۳۳	اخراطن، ۸۴	آمارقون، ۵۸
اشترینه میاطش، ۱۱۶، ۱۱۸	ازرار، ۲۹۱	اخروطن، ۸۴	آمزقور، ۱۵۰
اشتنکه، ۱۳۵	ازلاف، ۱۴۸	ادریس، ۳۳	ابارتل، ۲۵۱
اشقطله، ۶۱	ازورا (حبشی)، ۳۱، ۳۵	ادرفین، ۲۷۳	اباسیا، ۵۰
اشقیل، ۸۰	ازیریا، ۱۰۶	آراقق، ۴۳	اباقی، ۱۰۴
اشموسا، ۵۲	اسپاراغوس، ۲۹۷	اراقوا، ۴۳	آبالش، ۲۴۹
اشود، ۱۸۴	استر (اندلس)، ۲۷۴	اراه، ۲۸۲	ابجه، ۳۷
اصبالاثوس، ۱۴۱	استرمونیه، ۱۰۹	اریاقه، ۱۵۹	ابجه، ۲۵۲
اصطرک، ۲۰۶	اسراش، ۱۳۸	اریلیش، ۱۰۴	ابراوی، ۱۰۰
اصل التهل، ۱۶۹	اسطاقندماغریا، ۱۱۱	اریبان، ۵۸	ابریون، ۵۵، ۲۲۴
اطرایلس، ۹۴	اسطراطیقوس، ۱۰۵	ارتارون، ۲۶۹	ابرفیون، ۵۵
أَطْرَمَالَه، ۵۴	اسطورا، ۱۱۵	ارتکا، ۲۰۴	ایرقان، ۸۱
اطه، ۱۸۲	اسطوماخوس، ۴۸	ارجقیل، ۲۵۷	ایرقطس، ۱۲۳
اطیوس، ۲۳۱	اسفارج الصینی، ۲۵۶	ارجمونیه، ۲۸۵	ایرقلیون، ۱۰۰
اغافت، ۹۴	اسفاناج، ۴۸	ارجیولیه، ۱۵۵	ایرقینون، ۱۰۰
اغرقتیته، ۲۷۳	إسفاناخ، ۴۸	اردم، ۳۴	ابرنان (اندلس)، ۴۹
اغروغن، ۱۲۶	اسفلیطس، ۲۰۳	اردمیردا، ۲۸۰	ابروخیون، ۸۴
اغریذی، ۲۵۶	اسفندشغان، ۱۱۵	آرز، ۴۴	ابرولیه، ۱۲۲
افادملس، ۱۲۴	اسفیدارا راغیا، ۲۸۰	آرزته، ۴۴	آبرولیه (ثغری)، ۷۵
افرسیر، ۱۵۷	اسفی دیون، ۱۸۹	ارسطیون، ۱۵۳	ابریجون، ۱۵۸
افرقه دلف، ۴۶	اسقال، ۴۹	آزغامونی، ۴۴	آبزار، ۳۸
أَفَلَنْجَه، ۵۶	اسقولس، ۸۸	ارغیلم (عبرانی)، ۸۳	ابزراله، ۲۲۲
افیلون، ۱۹۳	اسکتو، ۴۹	ارقطون، ۴۵	ابق، ۲۴۵
اقرون، ۲۲۳، ۲۳۵	اسکرسول، ۱۶۲	آزقَطیون، ۴۵	ابلر، ۱۶۳
اقرونش، ۱۲۳	إسَلَنْج، ۵۰	ارقلیا، ۱۱۹	ایمیلس، ۲۸۰



اقربوش، ۲۵۴	الیش، ۹۸	انطبذه، ۲۴۸	ایو سقوامس، ۸۸
اقط، ۱۸۲	إلیشکه، ۱۴۰	انطولیا (شام)، ۲۹۷	أبجاله، ۶۷
اقط (یمن)، ۵۸	الیلاون، ۲۸۳	انفیطینا، ۱۹۱	أبیجه (اندلس)، ۱۳۸
اقلولش، ۱۲۹	الیون، ۱۰۳	انکولس، ۱۲۲	أذ یرزا، ۴۲
اقلیشا، ۱۰۳	امارا قوا، ۵۸	آنکیز، ۶۷	أذریون، ۳۵
اقلیولش، ۶۷	امارنطون، ۵۸	انلی، ۸۸	أرتدبرید، ۴۵
اقد، ۱۵۳	اماری، ۱۳۳	آنلیه کمیانه، ۱۵۳	أرتقی (اندلس)، ۱۱۰
اقین، ۷۲	اماریقون، ۵۸	انوئیرا، ۱۴۱	أرجنقه، ۴۴
اقینی، ۱۰۴	امامانیطس، ۲۹۸	انیراتا، ۶۷	أرجیقن، ۴۴
اكت مکت، ۵۹	اماموس مانیوس، ۲۸۹	انیلس، ۱۶۵	أرماک، ۴۵
اكتَمکت، ۵۹	امباشا، ۱۱۱	اَنیّه دی غائّه، ۲۰۵	أسطنکه (فرنچی)، ۶۱
اکرفس، ۲۵۳	أمبروسیا، ۶۱	اوبلس و فلوطن، ۱۲۰	أسفراغس، ۲۹۷
اکروفس، ۱۰۸	امرباطون، ۱۱۸	أویة قنیتة، ۲۴۹	أسکاطامن، ۶۶
اکسوفیلن، ۲۰۳	امرو، ۲۶۱	اودومالی، ۶۸	أسلیح، ۸۷
اکسیوس، ۵۹	امخیلان، ۲۰۳	اورابالواسطون، ۱۰۴	أسیدار، ۵۰
الالساقرن، ۶۰	اموره، ۲۷۵	اوراهیا سلیون، ۲۵۳	أشیرتاله، ۵۰
الالط، ۱۸۲	امیرون، ۳۰۰	اورمینون، ۲۲۴	أشُرّه، ۴۶
الباشه، ۱۳۰	امیرون (اندلس)، ۲۹۸	اوفال، ۲۵۹	أشقیطله، ۶۱
الباین، ۱۵۱	امیره، ۲۶۹	اوقانتوس، ۶۱	أشقیل، ۲۱۵
البوقاله، ۱۵۷	امیریا، ۲۶۹	اوقینه، ۵۹	أشکوذ، ۶۱
التوبل، ۲۴۸	انبجه، ۲۸۰	اولایی بوشاشا، ۱۱۶	أصطرک، ۲۸۶
الْتیّه، ۱۲۹	انبرسول، ۲۸۱	اولیذا، ۱۴۷	أغالوجن، ۵۴
الراسن، ۸۰	اَنْتَلّه (عجمی اندلس)، ۶۴	اولیه، ۲۵۲	أغرومی، ۲۸۹
الرّزّ، ۴۴	انجاص، ۴۱	اولیه دلیتیر، ۲۶۹	أغلیس، ۹۸
السفاقرن، ۶۰	انجدان رومی، ۲۴۸	اومادا، ۲۳۳	أقجالّه (اندلس)، ۲۴۷
السمته، ۲۸۰	انجرک، ۲۷۹	اونودیا، ۲۳۳	أقسیا، ۵۱
الطانه، ۲۰۴	اَنجَرک، ۲۷۹	ایدع، ۶۹	أقطن (یمن)، ۵۸
الطردونه، ۱۰۶	انجره، ۲۵۵	ایردوسیاناس، ۶۹	أکرار، ۵۹
الطورثه شول، ۲۰۳	انجیله، ۷۸	ایردوسیاناس، ۶۹	أکموزان، ۶۰
الفلیس، ۱۲۲	اندرساخس، ۶۹	ایرنجی، ۱۰۵	ألبایته، ۶۰
القسینی، ۸۳	اندرسافس، ۶۹	ایعاسوفسین، ۱۰۵	أماسیرنیون، ۱۵۱
القون، ۲۹۵	اندروساماس، ۶۹	ایقد، ۱۱۴	أمیرون، ۲۹۸
الکیا، ۲۸۲	اندروسامن، ۲۹۸	ایل، ۷۰، ۲۳۲	أناطیا (قیطی)، ۶۳
اللقامن، ۲۰۴	اَنْدروطن، ۶۶	ایلانجی، ۲۳۲	أنجوک، ۶۶
النینا، ۲۷۴	اندمولیا، ۱۰۶	ایلیقطان، ۲۶۴	أنطویا، ۶۶
الویاس، ۹۳	اندُمیان، ۲۵۶	اینارهر، ۱۳۸	أنقردیا، ۶۷
الوخن، ۲۸۳	اندوا (ماوراءالنهر)، ۱۰۲	اینه، ۱۲۶	أوثنا، ۶۷
الیاله، ۱۰۳	انطاین، ۱۴۵	ایورش، ۲۸۳	أوثنا، ۶۸

۱۶۹	بشعیرا،	۷۶	برقا مصر،	۱۱۶	بجبلین،	۶۸	أوروبنخی،
۱۱۴	بشکرانیة،	۲۸۲	برقوقیة،	۱۴۷	بجّه،	۶۸	أوشیرس،
۱۰۶	بشلثة،	۲۵۷	برکشان،	۶۰	بُخترنة،	۶۸	أهلال قسطا،
۸۰	بشنة،	۱۵۴	برکینه،	۲۹۰	بُخشش،	۷۰	أیهقان،
۸۰	بشّین،	۷۷	بزم،	۲۵۹	بدشکان،	۷۰	بابلص،
۸۰	بشوش،	۷۷	برمس،	۷۵	بدلیون،	۱۴۵	باثلن،
۱۱۸	بطالش،	۲۲۵	برنقیس،	۱۰۶	بدلوزن،	۷۰	باجروجی،
۲۵۴	بطراسالینون (مصر)،	۷۷	بزَنوف،	۱۰۳	بذلیره،	۱۴۶	باخاریون،
۱۵۹	بطرقیره،	۷۷	بزَنوف،	۲۵۳	براجیل،	۷۳	باخیون،
۲۶۳	بطرمیقی تاغیغشت،	۱۸۳	برنوف،	۱۴۴	براخشنه،	۱۲۴	باد دقلنبه،
۸۱	بطره،	۷۷	برنیس،	۱۶۱	براذج،	۲۶۵	باددُلبرینه،
۱۵۹	بطریره،	۸۴	برنیکان،	۸۰	براسن،	۲۵۸	باد دَلبّه،
۹۹	بطورنه ماطرش،	۷۸	بزوانی،	۷۶	براکیس یری،	۲۵۸	بادلّیئّه،
۲۹۶	بطیقی،	۷۸	بروانیا،	۶۷	برانیا،	۷۲	بازاینگان،
۲۰۴	بغصران،	۱۰۰	برورا،	۲۲۲	براوانیا،	۱۱۶	بازبلین،
۹۰	بقشلمن،	۲۸۰	بروله،	۶۱	برباریس،	۱۲۳	بازی بلاله،
۸۲	بقش،	۲۴۹	برون،	۲۷۴	بربطور (اندلس)،	۱۰۳	باربه دلایر،
۸۴	بقم،	۲۰۵	بریدفوقه (اندلس)،	۲۶۳	بربله،	۱۰۳	باربه قُلیّیه،
۸۵	بکا،	۱۱۵	بزریلاستیس،	۷۵	بربناقه،	۲۹۱	بارزد،
۸۲	بکسیس،	۲۱۱	بسباس،	۱۲۲	بربناقه،	۱۲۴	بارسطوان،
۸۴	بکم،	۷۸	بسباس حبشی،	۵۲	بربوث،	۳۰۰	بارلیوس،
۸۵	بَل،	۷۸	بسباس نبطی،	۵۲	بربوذا،	۱۰۹	بارنج،
۸۵	بَل،	۸۱	بستناج،	۴۶	برتقش،	۲۰۵	بارون،
۱۳۸	بل،	۱۰۳	بسطیقون،	۴۶	برتلاقش،	۲۳۱	بارونوخیا،
۲۶۹	بلاقس،	۱۰۵	بسطیقیا،	۱۱۳	برثمان،	۲۳۱	بارویشا،
۲۲۹	بلاّنه (اندلس)،	۷۹	بشفایح،	۱۱۳	برجارش،	۷۳	باریلوماین (اندلس)،
۱۲۹	بلارجه،	۱۸۳	بسقما،	۱۱۵	بردبلاسیس،	۱۱۳	باسلیقی،
۲۹۲	بلاطر،	۲۶۷	بسقواس (اندلس)،	۲۴۲	برس،	۷۳	باشان،
۱۰۹	بلاقه،	۱۳۰	بشماط،	۱۶۱	برُشتم (آفریقا)،	۷۳	باشیون،
۸۵	بَلان،	۱۴۸	بشناج،	۸۸	برسیا،	۸۷	باطرنیقی،
۲۲۹	بَلایه (اندلس)،	۹۳	بشّیسه،	۷۶	برسیانا،	۳۸	بالقس،
۲۴۸	بَلبراله،	۹۳	بسيله،	۷۶	برسیاندارو،	۷۴	باله،
۸۱	بلبوس،	۷۹	بسيلة،	۷۶	برسیون،	۱۱۴	ببیره،
۳۰۱	بلحشکوک،	۱۲۶	بشش،	۱۸۹	برشاد،	۲۷۵	ببسطین،
۹۸	بَلزیهاله،	۱۰۵	بشت،	۲۲۵	برشک،	۱۵۷	ببیلجش،
۸۶	بلس،	۲۶۶	بشتر،	۲۵۷	برشیاوشان،	۵۸	ببیلّیه،
۸۶	بلسان،	۱۰۳	بشتناقه،	۲۰۵	برطره،	۵۸	ببلییره،
۸۷	بطلالة،	۸۴	بشطانیقا،	۲۴۵	برغشت،	۷۴	ببیتّه،

تهلول، ۷۶	بیلیطش، ۸۷	بوست، ۱۲۴	بُلقیره، ۱۱۸
تیاج، ۱۵۲	پرپهن، ۸۳	بوسیر، ۸۸، ۲۴۴	بَلتتاین، ۲۶۹
تیبی ان و امان، ۱۲۹	پیبل، ۲۲۸	بوش، ۹۰	بلورا، ۲۹۶
تیسو، ۸۵	پی زمی، ۲۶۰	بوش دربندی، ۹۰	بلوسیطون، ۱۰۴، ۱۹۱
تیشرت، ۹۸	پیل گوشک، ۲۳۰	بوشیاد، ۹۰	بَلوط، ۸۶
تیلت اینرפט، ۱۱۹	تارتقه، ۱۴۷	بوصیر، ۹۰، ۲۷۷	بَلَه بانته، ۲۴۸
تیممجا (مراکش)، ۲۲۹	تازه قبرونه، ۶۵	بوپاماخیطس، ۹۰	بلیار، ۱۰۸
تیواج، ۹۷	تازرت، ۹۲	بوطنیه (اندلس)، ۲۲۲	بُلیار، ۲۴۹
ثالیطرن، ۹۷	تافندوت، ۱۰۹	بوطل، ۲۵۴، ۲۵۹	بلیطس (اندلس)، ۸۴
ثامرا، ۲۷۱	تافیزان، ۱۰۳	بوطولون، ۲۵۴	بلیطش، ۸۴
ثریا، ۹۲۷	تاکوب، ۲۲۴	بُو قاذاس، ۷۴	بلیطن، ۸۷، ۸۴
ثریا (اندلس)، ۷۰	تاینس، ۱۵۵	بوقی، ۲۹۲	بناطش ابذا، ۱۵۳
ثومارس، ۱۰۶	ترانشول (اندلس)، ۱۹۴	بوقیصا، ۱۴۴	بشترقه، ۱۶۰
ثومون، ۹۹	ترتلی، ۲۰۴	بولوغالی، ۱۰۴	بُشترُتقه، ۸۷
جاجر، ۱۰۴	ترتیق، ۲۰۴	بولیون، ۱۰۳	بِشْتقه، ۸۷
جارکون، ۱۰۷	ترخر، ۱۴۸	بوتق، ۷۷	بشوشه (اندلس)، ۱۷۱
جاسوس، ۱۰۰	ترمانان، ۵۴	بهار، ۵۷، ۸۰	بشومه، ۵۲، ۱۵۷
جاشوش، ۱۰۰	ترنجاش، ۱۱۳	بهاسلواواکرا، ۲۹۶	بنجاین، ۱۴۳
جامالا، ۲۷۷	ترنجان، ۷۱	بهرامه، ۲۱۰	بَنقه، ۸۹
جامسیه (مصر)، ۷۳	تریامان، ۹۴	بهران، ۱۶۴	بنک، ۸۸
جاوردشیر، ۱۰۰	تسکرت، ۹۸	بِهراة، ۱۹۳	بَنک، ۸۹
جاوشیر، ۱۰۰	تقدده، ۲۵۷	بَهش، ۹۱	بَنک، ۱۴۳
جاهبَنک، ۷۴	تَقیرد، ۲۵۶	بهفانج، ۹۱	بَنک مَحْخیر، ۸۹
جبراهنگ، ۱۰۱	تقزیین، ۱۱۳	بهنگ، ۱۰۳	بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶
جبرش، ۲۵۰	تلسی جنگلی، ۷۱	بیخین، ۷۳	بنور، ۱۵۳
جبل اهتق، ۱۰۱	تلغوطة، ۳۷	بید موله، ۱۳۶	بنوش، ۱۳۹
جبلهنج، ۱۰۱	تلکنت، ۶۷	بیورر، ۸۰	بنیشه، ۱۵۰
جبلهنک، ۹۳	تلیش، ۲۴۲، ۲۸۴	بیروم، ۴۳	بودی، ۲۷۵
جبلهنگ، ۱۰۱	تلیوت، ۲۵۰	بیزه، ۹۲، ۲۸۷	بوذریج، ۸۹
جِبَلَه، ۸۰	تمک، ۱۱۴	بیستی کوسک، ۷۳	بورشاد، ۱۸۹
جحفیل، ۴۷	تنالیش، ۱۱۵	بیسیم، ۹۲	بورفیا، ۴۳
جَجِجَن (اهل هری)، ۹۴	تنطریه، ۲۹۲	بیش، ۲۰۴	بورقداس، ۱۲۲
جدوار اندلسی، ۶۴	تنعیمه، ۹۵	بیش موش بیشا، ۹۲	بورنسون، ۲۵۸
جراشیا، ۲۳۴	تنوب، ۱۹۶	بِیَضْمُون، ۸۸	بوزَه، ۸۰
جرامغه، ۱۴۸	تنیفن، ۱۰۴	بِیَقور، ۲۹۲	بورریحا، ۱۱۳
جرامقه، ۱۴۹	تومالی، ۲۷۵	بیقه، ۹۲	بوریداس، ۱۲۲
جزینه، ۱۴۸	تومرنا، ۲۰۱	بیقیه، ۹۲، ۱۰۴	بوزیدان، ۵۴
جربونه، ۲۵۳	تُون ترَه، ۱۱۵	بیلمون، ۸۲	بُوزیدان، ۸۹

خرَم، ۴۸	خرمانه، ۲۰۳	جنجل، ۱۰۶	جرجس، ۱۶۶
خرَم، ۵۴	خرَمی، ۱۷۶	جنجیدیون، ۱۰۶	جرجمه، ۱۳۷
خرمدانق، ۲۵۵	حسک کوهی، ۱۱۸	جنسفسوح، ۲۴۲	جرذیونته، ۱۰۸
خرنوب نیطی، ۳۰۱	حَسَل، ۱۱۸	جنشاله، ۱۵۲	جرمامه، ۲۶۵
خروسوقولی، ۷۰	حسم عوسج، ۲۱۷	جنطیان، ۱۰۶	چرموز، ۸۴
خروسوقومی، ۱۳۲، ۱۳۰	حَشْرِق، ۱۳۹	جنکهارمول، ۱۱۸	چَرَمیلک، ۱۰۳
خروسوموغالی، ۱۳۳	حشغنیفل، ۱۸۸	جنگلا، ۱۱۲	چرنوب، ۱۰۳
خروهک، ۷۹	حشیشة القمل، ۱۲۰	جَنی، ۱۰۶	چریال بقم، ۱۰۳
خزّامی، ۱۳۳	حضض هندی، ۲۳۰	جوان سَپَرَم، ۱۰۶	چساد، ۱۶۳
خسکدانه، ۲۶۶	حقوق، ۸۳	جوج، ۴۳	چغده، ۱۲۰
خُشَبَرَم، ۲۸۰	جِلناب، ۱۲۱	جو جهرج، ۱۴۵	جعدله بحری، ۱۰۳
خشب سومر، ۱۸۱	حلیثا، ۱۲۱	جوری، ۳۰۰	جعفیل، ۱۱۸
خشقاقل، ۱۸۸	حلیمو، ۱۲۲	جوز اُرمانیوس، ۱۰۷	جعزیه، ۱۷۹
حَسَل، ۲۸۳	حماماروحوش، ۹۵	جوزناق، ۹۰	جقلال، ۲۶۶
خلجا، ۲۵۷	حندقوقا، ۲۹۱	جولق (اندلس)، ۱۰۹	جَلَبَهَنک، ۱۰۱
خلجلا، ۲۵۷	حنزاب، ۵۰	جهنک، ۱۰۳	جلجمانا، ۲۳۴
خلوق، ۱۶۳	حوسالی (اهالی جزیره)، ۱۰۹	جیرش، ۱۰۹	جلغوزه، ۱۱۲
خنجر، ۱۱۴	حیصل، ۷۲	جیلغوز، ۱۰۵	جلغوزه مصری، ۱۰۵
خندروس، ۱۲۶	حیلت، ۲۵۳	چا، ۹۹	جلماث، ۲۳۴
خوردیپلان، ۱۸۰	خاروه، ۲۹۸	چاکشو، ۹۴	جلنجمون، ۱۰۵
خوز، ۶۷	خالادل، ۵۱	چراسیا (صقلاب)، ۲۳۴	جلنجویه، ۱۰۵
خَوْشان، ۱۳۹	خالاون، ۱۳۹	چغرب، ۱۸۰	جلوکا، ۱۰۰
خوشک امحری، ۹۳	خامالانس، ۵۷	چغرب، ۱۸۰	جَلْهَم، ۱۰۵
خوفان، ۲۰۲	خامانیل، ۷۰	چَلاپا، ۱۰۴	جلهنک، ۱۰۱
خولاذولیون، ۱۳۳	خاوانی (صقالیه)، ۶۷	چلغوزه، ۱۹۶	جماهو سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰
خولنجان، ۱۳۹	خِخْرِف، ۱۳۰	چمکدلا، ۲۴۳	جم جم، ۱۰۵
خومان، ۲۰۲	خراما، ۲۸۰	حاراسوافی، ۹۳	جمسفرم، ۱۰۵
خومر، ۹۵	خَرامقان، ۱۳۰	حارکو، ۱۴۴	جَمَشک، ۹۴
خومه، ۹۹	خِراة، ۱۱۷	حاله غوره، ۶۲	جَمَلج، ۱۷۰
خیاط، ۱۲۵	خِرپرسته، ۲۹۲	حاماسوقی، ۱۱۱	جملج (اندلس)، ۲۱۹
خیر بوا، ۲۹۶	خِرزون، ۱۴۵	حاوزوان، ۲۵۲	جَمَیز، ۱۰۵
خیرخیر، ۱۷۱	خِرسیطس، ۱۰۲	حباقا، ۱۲۵	جَمَیز، ۱۲۳
خیروج، ۱۲۹	خِرطال، ۱۳۱	حباقی، ۱۲۵	جنید، ۱۹۵
خِیسَفوح، ۲۴۲	خِرغول، ۷۸	حب جنکلا، ۱۱۱	چَنَت قابطه، ۱۰۵
خیوخیر، ۱۷۱	خِرَقطان، ۱۳۱	حلق، ۷۲	جَنجِبانَسه، ۱۰۶
داذاروان، ۴۴	خِرَقع، ۱۷۳	حدمانه، ۲۸۰	جنجبانسه، ۱۳۹
دازی، ۱۴۱	خِرکوش، ۱۳۱	حر، ۱۶۴	جنجبنیه، ۱۲۲
دارارون، ۴۴		حرحم، ۲۹۳	جنجش، ۸۳

زیا، ۱۹۴	رواس، ۱۵۹	دُودِم، ۱۴۷	دارِم، ۱۴۲
زیزفون، ۲۱۹	رواش، ۲۵۴	دوراو، ۱۱۷	دارما، ۲۸۰
زیغس، ۱۸۲	روبادوج، ۲۴۹	دوزخولی، ۱۴۶	دارمک، ۱۴۲
زَیْلَعی، ۲۳۹	روزدقنی، ۱۴۵	دورحولی، ۱۸۱	دارهَلْد، ۱۴۲
ساذج، ۱۶۶	روشکه، ۵۵	دورحولی، ۲۵۷	دافنطس (اسکندریه)، ۱۷۴
ساراقیاس، ۱۳۶	روفس، ۱۱۰	دورقنی، ۱۴۷	دانک، ۱۴۲
ساسالیوس، ۱۶۷	رهلیا، ۶۷	دوقص، ۸۰	دانک افرونک، ۱۴۲
ساسلیوس، ۲۵۳، ۶۵	ریشه والا، ۱۷۷	دهاک، ۸۵	دباب، ۱۸۲
ساسلیوس، ۱۶۷	ریمنده (اندلس)، ۲۱۹	دهاهاهیج، ۱۴۸	دبقت، ۱۴۲
ساصلی، ۱۹۴	ریوله (اندلس)، ۲۲۶	دهمست، ۱۵۹	دبیراز، ۱۴۳
ساطریون، ۱۶۷	ریون، ۱۵۴	دیاکلمن، ۱۴۱	دخسیسا، ۱۴۳
سافاریعون، ۱۳۰	ریهقان، ۱۶۳	دیشار، ۲۸۱	دراجن، ۱۳۹
ساکرکھوله (سانس کرت)، ۵۹	زابر، ۱۶۱	دینارویه، ۱۴۸	دراشتا، ۲۶۱
	زانا، ۵۲	دیواسپست، ۱۲۵	دراقیل، ۱۴۳
سالم (عبری)، ۱۴۷	زجمول، ۲۵۸	دیوفونیطس، ۲۷۳	دربرق، ۲۱۴
سالی، ۱۶۷	زحموک، ۲۵۸	ذریون، ۱۸۸	درجکان، ۱۳۹
سالین، ۲۵۴	زردلان، ۱۶۱	ذرفی، ۱۵۰	دَزْداب، ۱۴۴
سامان، ۱۶۷، ۱۴۸	زرقت، ۱۶۱	ذرقونن، ۱۳۹	دردریه (بکر)، ۲۷۸
سایس، ۲۱۸	زرقروری، ۱۵۵	ذفکر، ۲۲۶	درق، ۱۲۵
سبسرین، ۱۱۵	زرنبودی، ۸۴	ذیره، ۱۲۳	درنک، ۳۸
سپندانک، ۱۱۵	زرنبوری، ۱۶۲	رابیج، ۱۱۲	دَرَوازْد، ۱۹۸
سجا، ۱۶۷	زفیزف ونبق، ۲۱۴	رابستیاج، ۱۹۳	دُزبان، ۱۴۵
سیجستان، ۱۶۷	زُقُشته، ۱۶۳	رازقی، ۱۵۲	دسنطو، ۸۵
سجس افراغیه (اندلس)، ۲۴۳	زَمَان شرار، ۷۶	راسن (اندلس)، ۱۵۳	دعقیلا، ۱۱۸
	زنابیر، ۹۶	رامک، ۱۵۴	دقینیی، ۱۰۳
سجلات، ۲۹۹	زَنبارة، ۹۶	رانج، ۱۰۹	دِقان، ۱۳۶
سجیوس، ۴۳	زَنبوره، ۹۶	رائج، ۲۸۷	دُقُترائش، ۱۴۵
سحر، ۲۶۰	زنبوش، ۹۰	راون، ۱۵۴	دقتوریه، ۹۹
سحسونه، ۱۶۷	زنیوقه، ۱۲۲	ریناله، ۲۷۴	دقلیوس، ۶۷
سَخار، ۱۶۷	زنبیره، ۹۶	ربودی، ۸۴	دلویاخوسطس، ۲۳۰
سخیونس الیا، ۱۴۸	زنجبیل شامی، ۱۵۳	رجنه، ۱۳۳	دَلیک، ۱۴۶
سدر، ۱۱۸	زنجی، ۱۶۷	رُسَمارینا، ۸۷	دَمادم، ۱۴۷
سُدوس، ۲۱۱	زنجباری، ۱۶۴	رسون هندی، ۱۹۹	دَمَدام، ۱۴۷
سدوس، ۲۹۲	زَوَبَری، ۱۲۶	رَشاله، ۴۶	دندان ساوکف، ۸۳
سراش، ۱۳۸	زوذوذا، ۱۴۵	رغیدا، ۴۴	دنقه، ۱۴۷
سرالیة، ۲۹۸	زوفس، ۱۰۳	رَکَل، ۲۵۲	دوادم، ۱۴۷
سَزَزک، ۱۶۲	زول زده، ۲۵۱	رمرام، ۱۵۸	دویژ (مصر)، ۲۷۳
سرشاده، ۱۷۰	زهرور، ۲۸۹	رَمَرام، ۱۵۸	دَوُدر، ۱۴۵

سرقسانه، ۱۷۰	سنانی، ۱۵۶	شَبطاط، ۱۸۵	شناقه، ۹۹
سرقسطه بطلاله مرکلیته، ۲۶۶	سُنْراس، ۱۷۷	شَبطه وقرولن، ۷۸	شندله، ۹۶
سرما، ۱۷۰	سَنجاب (هری)، ۸۳	شبناله، ۱۲۳	شنبز، ۱۱۳
سرمج اطرافاکسیس، ۱۷۰	سَنجسفویه، ۱۷۷	شبوُق، ۸۵	شنبلیذ، ۵۳
سرمس، ۱۷۰	سندروس، ۱۷۸	شبوُقَه، ۱۱۰	شنبش، ۲۵۶
سروی، ۳۰۰	سُنْدروس، ۱۷۸	شَبیبی، ۱۹۱	شترن، ۱۰۴
سریش، ۱۳۸	سندوقس، ۵۸	شَبیطه، ۲۶۹	شتتله، ۱۵۷
سریقون ارمنی، ۱۹۳	سندهان، ۱۷۹	شَتین، ۱۴۷	شِئَلَه، ۶۳
سسطیعون، ۱۶۵	سندیان، ۱۷۹	شث، ۱۸۵	ششمن، ۱۵۳
سطاقانز، ۱۵۹	سَنفاله، ۱۴۸	شَحْماله، ۲۶۶	شندله، ۹۶
سطراطیوس، ۱۷۱	سَنقِزَه، ۱۳۹	شَحْمیَلَه، ۱۴۸	شُئْدَلَه، ۱۹۰
سطراک، ۱۶۱	سِن نوذَه، ۱۵۵	شَحِیْماله، ۲۵۸	شُئْدَلَه (اندلس)، ۹۶
سطرکا، ۵۳	سوراج، ۲۴۹	شَریش (ثغری)، ۱۶۲	ششمنطوره، ۱۰۳
سطوی، ۱۷۱	سور اهند، ۲۵۷	شربلیون، ۲۷۳	شنفیل، ۲۵۴
سطیوس، ۱۰۴	سوربارو، ۲۸۸	شرین، ۱۸۷	شَقْزیره، ۱۵۳
سفانی، ۱۵۶	سوفال، ۱۸۱	شرخره، ۱۱۳	شنکی، ۲۶۷
سفتک، ۲۹۲	سوفامینوس، ۹۵، ۱۰۵	شِرْس، ۱۸۷	شورش لاطه، ۱۲۳
سفندولیون، ۱۷۲	سوفطیون، ۱۶۷	شرغلی، ۸۰	شوشمشیر، ۷۰
سفودالس، ۱۹۵	سوفی، ۹۳، ۱۵۷	ششتره، ۱۸۷	شوشمیر، ۲۳۲
سقریون، ۲۰۴	سوقاسنيس، ۱۰۵	ششقال، ۱۸۸	شوطی، ۸۰
سَقْمونیا، ۱۷۲	سوقطیون، ۱۳۵	شَفْذ، ۱۸۴	شوکران، ۸۸
سقدوقس، ۵۸	سیدیریطس، ۲۵۷	شفلیش، ۲۱۴	شوله دی رای (اندلس)، ۱۵۰
سقونیوس، ۲۰۱	سیسبر، ۱۸۲	شَفیقل، ۱۸۸	شومر، ۱۹۲
سَكْرَجَه، ۱۷۳	سیسبرونه، ۱۲۲	شقایق، ۱۸۸	شَوْنْدَر، ۱۹۲
سکنویه، ۱۷۳	سِیْسْتِر، ۱۸۲	شَقردیون، ۱۸۹	شیان، ۱۹۲
سَلِیْخَه، ۱۷۴	سیسنه، ۱۱۳	شَقودیون، ۱۸۹	شیرق، ۱۹۸
سلیس، ۲۱۸	سیسون، ۷۹	شکاعی، ۷۵	شیشاصینی، ۱۳۳
سمرنیون، ۱۷۶	سیصامویداس، ۱۳۰	شَكْرَقند، ۱۸۹	شیشم، ۱۳۳
سمریا، ۲۵۴	سیطوس، ۱۹۱	شَل، ۸۵	شیشبیر، ۱۱۳
سمسخون، ۱۱۳	سیقریقره، ۱۲۶	شلار، ۸۰	شیلیم، ۱۱۸، ۱۶۴
سمسقون، ۱۱۳	سیلونس، ۱۱۴	شلبش، ۲۵۲	شینز، ۱۹۲
سمشیر، ۳۴	سیناپهل، ۱۸۷	شلوبینی، ۸۰	صاصل، ۱۹۴
سمفوطن، ۲۶۹	سیوس، ۱۶۵	شَلیل، ۱۹۰	صاصلی، ۱۹۴
سمقشمحون، ۳۴	شالمع، ۱۶۱	شمسیر، ۲۳۲	صَدَح (اهالی سواد)، ۸۴
سمورنیون، ۱۷۶	شامبه، ۴۸	شمشراه، ۲۷۹	صربراه، ۷۱
سمونیون، ۱۷۶	شانسیه، ۲۶۶	شمشیر، ۲۳۲	صغابیس، ۱۹۸
سناتیا، ۲۴۸	شَبْرِق، ۱۸۴	شموسا، ۲۸۰	صمغ طرتوت، ۵۱
	شبريله، ۲۸۰	شمین، ۲۹۶	

غزاله، ۹۹	طیطان، ۲۰۴، ۲۵۲	طرذیلون، ۱۶۷	صندل، ۱۵۹
غرناطش، ۱۵۷	طیلافیون، ۲۸۰	طرسه (اندلس)، ۲۴۳	صوصلا، ۱۹۴
غرنوقی، ۱۲۹	طیلاله، ۹۰	طرشقوق، ۲۹۸	صومر، ۷۱
غریطیره، ۲۷۳	طیلسات، ۲۹۲	طرغاین، ۲۰۱	ضدخ، ۸۴
غساقالس، ۲۴۲	عاقرشمعا، ۳۸	طرقتیبه، ۲۷۳	ضدخ، ۸۴
غلوکش، ۱۰۴	عالیه و برشقی، ۱۵۳	طرقتیبه، ۲۷۳	ضومر، ۷۱
غمار، ۳۱، ۳۶	عبب، ۲۰۶	طرمش، ۱۲۶	طاحسک، ۳۵
غوتاغبنا، ۲۶۲	عبس، ۱۸۲	طرنج، ۴۰	طارطقه، ۱۱۳
غودیوله، ۲۵۲	عبهر، ۹۰	طرنشول، ۵۹	طالیسفر، ۱۴۲، ۱۹۹
غودیوله، ۸۷	عبهر، ۲۰۶	طرنشول (اندلس)، ۱۹۴	طاموغیطن، ۱۱۰
غوشنه، ۲۲۱	عبثران، ۲۰۶	طرنه (اندلس)، ۲۴۳	طبرش، ۲۶۰
غوشنه جنسی، ۲۲۱	عترب، ۱۷۵	طرنه ماطر (ثعری)، ۱۳۰	طخش، ۱۳۹، ۲۰۰
غوشه، ۲۲۱	عربرب، ۱۷۵	طرنة، ۲۰۳	طخشیقون، ۲۰۰
غوشه، ۲۲۱	عروطنیثا، ۲۰۷	طرنبیه (اندلس)، ۲۴۳	طخشیقون، ۲۰۰
فاته بورکه، ۹۳	عروطنیفه، ۳۴	طرزطر (مایرقا)، ۲۴۶	طرأشنه، ۲۰۱
فاته دیوزکه، ۱۵۷	عزقضان، ۱۵۰	طشور، ۲۰۴	طرأغئون، ۲۰۱
فارغه، ۲۲۲	عرقصاء (سجزی)، ۱۲۵	طشیر، ۲۰۴	طرأغین، ۲۰۱
فاس، ۶۶	عروس، ۲۹۲	طغانره، ۲۴۸	طرامشیع، ۲۸۱
فاسی، ۲۲۲	عروساله، ۲۷۰	طغاره، ۲۴۸	طرامه، ۲۰۲
فاشرشین (اندلسی)، ۲۲۲	عصب، ۲۶۳	طفشیقون، ۲۰۰	طرامیش، ۲۰۱
فاط، ۲۲۲	عقادوم، ۲۸۳	طلخشقوق، ۲۹۸	طرباج، ۱۴۸
فاطن، ۷۳	عکر، ۱۱۴	طلق، ۲۶۴	طربشکه، ۲۷۵، ۲۷۷
فافبوس، ۵۷	علسی، ۱۹۵	طلیطلی، ۱۸۹	طربه لبه، ۷۵
فافل، ۲۲۸	علک، ۲۴۴	طمرشکه، ۲۰۲	طربه لبه، ۸۷
فافیوس الحدقی، ۵۷	علیق، ۲۱۳	طمره، ۱۳۳	طربه لبه، ۱۵۱
فالبرس، ۲۲۳	علیجان، ۲۱۳	طنیه، ۵۵	طروتشا، ۵۱
فالیزنس، ۲۲۳	عمار، ۳۶	طوبه، ۲۰۴	طرجال، ۱۲۶
فالسسیانه، ۳۵	عمرو، ۲۵۳	طورنه شول، ۲۰۴	طرحشقوق، ۲۹۷
فالی بورس، ۲۲۳	عمول، ۷۶	طورنه لینه، ۲۰۴	طرخشقوق، ۱۴۷، ۲۹۸، ۳۰۱
فانیرستینست، ۲۲۲	عتقیل، ۱۸۹	طورنه مریطش، ۲۰۵	طرخشوق، ۳۰۰
فجلن، ۹۰	عتم، ۲۱۵	طورنه مریطه، ۲۰۴	طریدج، ۱۲۳
فدلقم، ۲۵۲	عوقیا، ۱۱۹	طوره، ۲۰۴	طریدج، ۱۵۸
فراخشنه، ۲۶۹	عبادیوس، ۱۵۵	طوریدخ، ۲۲۴	طریدج، ۲۵۸
فراسیون، ۲۲۴	غالا لوطا، ۷۳	طوطاق اغریون، ۱۲۲	طردجبه، ۱۲۳
فراسیون، ۲۵۲	غالبون، ۲۵۰	طولیدون، ۲۱۴	طردجبه، ۱۲۳
فراشنه، ۱۴۴	غاله جیقه، ۱۱۸	طهطف، ۲۰۳	طردقیره متتیره، ۱۴۷
فربوله، ۲۶۶	غالییوس، ۱۷۰	طیثومالس، ۲۰۴	طردیلن، ۲۵۳
فربیون، ۵۵	غبانستر، ۲۸۲	طیرانه، ۲۰۴	

قرنمن، ۲۳۵	قباش قبطی، ۷۳	فلنجه، ۲۵۰	فَرخار، ۲۲۵
قرداسات الذوائب، ۱۲۱	قاب طیره، ۱۱۹	فَلُور اورو، ۸۰	فرسانا، ۷۶
قردمانا، ۲۶۱	قابی طیاره، ۱۵۷	فلوقاریش، ۲۸۰	فِرِسِک، ۱۳۹
قرذیوله، ۷۲	قارجی، ۷۵	فلوماین، ۲۰۵	فر فچین، ۸۲
قرز، ۱۲۱	قاروذا، ۱۰۷	فلومس اداؤش، ۱۵۳	فر فه، ۸۳
قرسطاریون، ۱۷۱	قاع قَلَّا، ۲۳۲	فلیطش، ۸۷	فر قین، ۸۳
قرشبیون، ۱۰۳	قاقالیا، ۲۳۲	فلیفله، ۲۲۸	فر لیون، ۱۰۳
قُرش قِبَلَه، ۲۵۷	قافل، ۲۳۲، ۵۲	فلیفله، ۲۲۸	فرن ت، ۱۸۳
قرشبقا، ۱۰۶	قاقلا، ۲۴۳	فم، ۲۲۹	فرو دو هامان، ۲۲۵
قرصعنه، ۱۴۳	قاقله صغیر، ۲۳۲	فنال، ۱۴۸	فرو قودیلاون، ۲۲۵
قِرَیْمَان، ۲۳۸	قاقلی (قبطی)، ۲۳۲	فنجریون، ۲۲۸	فریثا، ۲۲۹
قرمد، ۲۵۵	قاقیا، ۲۳۳	فَنجِیون، ۲۲۸	فریقان، ۲۳۵
قرمقام، ۲۵۶	قالا مغر سطس، ۹۹	فقطسی، ۱۲۴	فریقه، ۱۲۰
قرنبا، ۱۲۲	قالیورس، ۶۱	فنتقین، ۱۰۳	فسولیدس، ۲۴۹
قرنباذ، ۲۵۶	قامارون، ۱۰۶	فنلیه، ۷۸	فسولیدوس، ۲۴۹
قرنیبط، ۲۵۶	قاوند، ۲۳۳	فورس، ۲۵۸	فُشَاغ، ۲۲۶
قرنغار، ۲۵۶	قبتوریه، ۲۵۴، ۲۵۸	فورش ابجی، ۲۷۵	فشاله، ۲۰۱
قرنغار، ۲۵۶	قبساطه، ۹۹، ۱۴۳	فوروفش، ۱۵۵	فَشَغ، ۲۲۶
قرنوله دِکائِبَه، ۵۹	قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳	فوشنه، ۲۲۶	فصون، ۲۷۱
قرنوه، ۲۹۶	قبسطون، ۲۷۷	فوعین، ۲۳۰	فطراسلیون، ۲۲۶
قَرَنُوه، ۲۳۸	قبلی (مشرق)، ۲۰۷	فوفارون، ۱۲۵	فقیل، ۲۲۶
قَرَنَه، ۱۲۹	قبلوط، ۲۵۲	فُوقِش، ۲۷۵	فل، ۱۳۸
قرنیثا، ۲۲۹	قِبَلَه مورِه، ۲۵۷	فوکرم، ۱۱۸	قَل، ۲۲۷
قروسوقیون، ۴۵	قجنار، ۸۴	فولیون، ۱۰۳، ۲۳۰	فلاخان، ۱۸۳
قروطن (قبرس)، ۱۳۳	قحوان، ۵۷	فوهل، ۲۴۵، ۷۶	فلایه، ۱۰۵
قریوله، ۲۶۶	قَدَلْبَه، ۱۵۱	فیاس، ۶۶	فلجون، ۱۵۷
قریون، ۲۵۴	قَدْرُوس، ۲۳۴	فیاقه، ۹۳	فلجه، ۱۵۷
قُرْحی، ۸۴	قذلبه (اندلس)، ۱۵۱	فیطل، ۲۰۴	فلجیون، ۱۵۷
قزقحیر، ۸۳	قرادامنی، ۱۸۲	فَیْطَل، ۲۰۴	فلحون، ۱۶۹
قسس، ۲۶۶	قرادسینی، ۱۱۶	فیقایفا (عبرانی)، ۵۷	فلنلمون، ۲۲۸
قَسْطَانِیْقِی (اهالی سواد)، ۸۴	قراضیا، ۲۳۴	فیقوس، ۱۰۵	فلقلموی، ۲۲۸
قَسْطَرُون، ۲۳۹	قراطاغونز، ۲۳۵	فیقومورا، ۱۰۵	فلفل مویه، ۲۲۸
قسطولیدون، ۲۴۹	قراطارغون، ۲۳۵	فیقه، ۹۶	فلفل مویه، ۲۲۸
قسطیدس، ۲۰۱	قراطارس، ۱۴۷	فیقه متیره، ۱۰۵	قَلْقَلْمُویَه، ۲۲۸
قسطیس، ۲۰۱	قراطیارغیون، ۲۳۵	فیلاطاریون، ۶۸، ۷۱، ۱۵۵	فلغمون، ۲۲۹
قسعر، ۲۳۳	قراقیا، ۱۵۷	فیلون، ۲۳۱	فلمویه، ۲۲۸
قسماط، ۱۳۰	قرالنا، ۲۳۵	فیلیطس، ۲۳۱	فلنجوس، ۲۷۳
	قرانیا، ۱۶۰، ۲۳۵	فیتقس، ۹۲	فلنجه، ۵۶



کاو، ۴۵، ۲۴۸	قوفا، ۲۴۴	قَلْبِرَه، ۲۰۴	قَسُوس، ۱۲۱
کاهوجرنه، ۳۸	قو قابس، ۱۴۸	قَلْبَه قَوْلَه، ۳۴	قَسیناد، ۲۶۶
کباس، ۱۲۴	قو قو، ۱۶۳	قلنبیل، ۱۴۱	قَشَطْنیولا، ۸۰
کَبَسون، ۲۵۰	قولار، ۲۵۶	قَلْنیئَه، ۱۵۰	قَشَطْنَوْلَه، ۱۴۵
کبلاس، ۱۲۴	قولاله، ۲۶۳	قلنسد ناردین، ۱۴۱	قَشَقابن فلسدیار، ۱۴۱
کبیکج، ۲۵۴	قولانی، ۲۴۷	قلوس، ۲۷۷	قَشلومن، ۱۱۴
کئانی بزرگ، ۷۸	قولجیاله، ۲۵۶	قلوین، ۱۰۳	قَضُبور، ۲۵۷
کُئیلَه، ۲۵۱	قوللئَه، ۲۵۶	قلجیوله، ۱۶۱	قَصفا، ۱۳۳
کُئینیَه، ۲۵۱	قولوقیمین، ۱۵۳	قلیقل، ۲۷۴	قَطبا، ۱۱۸
کحدان، ۲۱۸	قولوکتش، ۱۲۶	قلیماطیطس، ۱۶۱	قَطریل، ۱۶۸
کحلا، ۲۱۸	قوله د قباله، ۱۵۱	قلیماطیطس، ۱۶۱	قَطلم، ۱۶۶
کحلوان، ۷۸	قولی، ۲۵۶	قلیمونه، ۹۰	قَطلونیه، ۸۰
کدر، ۲۴۸	قومارقوس، ۱۰۶	قَلیون، ۱۳۶	قَعْبَل، ۲۲۶
کربز، ۲۵۳	قومن، ۲۴۷	قلیون دِغاته (نغری)، ۱۳۵	قَعیلاس، ۳۴
کردیلن، ۲۵۳	قهلمان، ۲۸۰	قلیونش دِغاته، ۱۵۰	قَفالوط، ۲۵۲
کرساخسن، ۱۷۰	قیرون، ۲۳۸	قَمسیل، ۱۴۸	قَفلوط، ۲۴۳، ۲۵۲
کُرُشف، ۲۴۲	قیسارون، ۲۰۱	قَمیش، ۲۶۲	قَفورا، ۱۴۳
کرسنه، ۱۰۴	قیستوس، ۲۶۵	قَمضانا، ۵۹	قَفلاق، ۲۴۴
کرشاد، ۱۰۶	قیطاقون، ۹۳	قَنابری، ۷۶	قَفلامُغرسطس، ۱۴۸
کرکر، ۱۹۶	قیطس، ۳۵، ۳۱	قَنار، ۱۱۴	قَفلامتی، ۲۲۹
کرکر امحری، ۹۳	قَتیب، ۲۹۰	قَناله، ۲۶۹	قَفلاتره، ۲۵۷
کرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱	قیقیدیس، ۲۱۱	قَناهندی (خوازانه)، ۸۵	قَفلاتره کِمبائه، ۲۵۷
کرکی، ۲۵۵	قیلورا، ۱۴۴	قَنباله، ۲۵۱	قَفلائش، ۲۴۳
کرکیشه، ۱۵۹	قیمص، ۲۴۷	قَنبیط، ۲۴۵	قَلب، ۲۴۳
کرنباد، ۲۵۶	قیمولیا، ۲۶۴	قَنبیط، ۲۵۶	قَلیرله، ۲۷۳
کرنج (تورانی)، ۴۴	قینا، ۲۴۷	قنتوله، ۲۷۵	قَلجونه، ۲۴۳
کرنجونه، ۲۴۳	قیوند، ۲۳۳	قنجوله، ۱۲۲	قَلخیعین، ۱۰۸
کرنونش (فاس)، ۲۲۳	کابور (ترمذ)، ۷۵	قنطا، ۶۹	قلس، ۱۸۲
کرنیبا، ۱۰۶	کات، ۲۴۸	قنلیه، ۱۵۵	قَلشتر، ۱۸۹
کروفس، ۱۲۷	کاربا، ۲۶۴	قنول، ۱۴۱	قَلطانه، ۲۵۰
کرویان، ۲۵۵	کاشوش، ۱۰۰	قَنی، ۲۴۴	قَلغورا، ۱۴۳
کریلا، ۲۵۶	کافوریوه، ۲۴۹	قَنیره، ۲۸۰	قَلغون، ۸۱
کریله، ۲۵۶	کافوری نر، ۵۷	قوتارشوق، ۱۵۲	قَلغونیا، ۱۵۲
کز، ۲۶۳	کافوریه، ۵۷	قوث، ۲۹۳	قَلقاس، ۱۸۱
کَرمازج، ۵۷	کافیشه، ۲۱۰	قوریون، ۲۹۸	قَلقَل، ۲۴۴
کَرمازق، ۵۷	کالستندروس، ۲۶۴	قوسی، ۲۰۱	قَلقَل، ۲۴۴
کَروان، ۲۵۷	کامن قزیان، ۲۵۷	قوشیا، ۲۳۹	قَلقلان، ۲۴۴
کست، ۲۳۹	کاول، ۲۵۲	قوطاما، ۲۴۷	قَلقونیا، ۲۴۴

کستج، ۸۴	کمیش، ۲۶۲	گردهیار، ۱۰۳	مابرونه، ۱۶۴
کَسْتِج (اهالی سواد)، ۸۴	کناروس، ۱۱۴	گریال، ۱۰۳	مادله، ۹۹
کَسْمَوْقا، ۲۵۷	کناوس، ۲۶۲	گیاکو، ۱۷۸	مادیون، ۲۸۷
کسمویا، ۲۵۷	کَنِب، ۲۶۲	لاعون، ۲۶۵	ماراقونا، ۱۵۷
کستیون، ۲۵۸	کناث، ۲۶۲	لافتون، ۲۵۸	مارش، ۱۰۳
کُئول، ۲۵۷	کنجر، ۱۱۴	لاقوره، ۱۴۰	مارکیا، ۲۹۷
کشبه، ۴۱	کنجروس، ۱۰۰	لَبْرال، ۲۶۶	مارکیوا، ۲۸۸
کُئت، ۲۳۹	کندر، ۲۷۴	لیوکا، ۲۷۵	مارون، ۲۷۵
کُئنج، ۲۵۸	کُئدری، ۲۶۳	لَنکو، ۲۶۷	ماسفرم، ۲۷۵
کشرنا، ۲۶۱	کندریات، ۲۷۴	لیحیانی، ۲۶۷	ماسقدون، ۲۷۵
کُئط، ۲۳۹	کندش، ۲۱۶	لختیره، ۱۵۵	ماسقود، ۲۷۵
کشمخه، ۱۲۳	کنده بهروزه، ۷۲	لذار، ۲۶۶	ماطرشَلَبَه، ۱۶۰
کشمخ، ۱۲۳	کندیتر، ۱۹۹	لسباراغوس، ۲۹۷	مَالَبَه، ۱۲۹
کُئْمُئنج، ۲۴۳	کوتاکنا، ۲۶۲	لطنره، ۲۵۱	مَالَبَه اوراطه، ۱۲۹
کُئنج، ۲۵۸	کورش، ۱۳۹	لما، ۲۱۴	مَالَبَه بَسَنگَه، ۱۲۹
کشوث زَنجی، ۵۶	کورو، ۱۳۲	لَم لَم (برنیق)، ۲۷۱	مَالَبَه مِلوخته، ۱۲۹
کستیون، ۲۵۸	کوزا، ۲۸۳	لِنقَوْدَنوی، ۲۵۲	مالیا، ۱۴۴
کفسون، ۲۵۰	کوسک (بستی)، ۷۳	لوبیانیه (اشیل)، ۴۶	مالیا، ۲۷۶
کفلیون، ۱۰۳	کوشکروا، ۱۱۸	لوسطیون، ۱۵۸	ماما، ۲۷۵
کلاکون، ۹۲	کوکروا، ۱۱۸	لوعَجیدیطوس، ۲۷۳	ماماقولا، ۱۰۶
کُئت، ۲۵۹	کولپر، ۱۲۱	لوفا، ۲۷۴	مامیران، ۲۰۸، ۲۱۶
کُل داودی، ۲۵۹	کولم، ۲۲۷	لوفای کبیر، ۲۴۶	مامیر (قبطی)، ۲۷۱
کُلکان، ۲۵۲	کومرثل، ۲۶۴	لوقابا، ۱۴۰	ما هوداته، ۲۷۶
کلموج، ۱۵۳	کوم (ماوراء النهر)، ۹۹	لوقابس، ۱۴۰	مرا، ۲۷۸
کلنبار، ۲۵۰	کوهج، ۱۶۲	لوقاس، ۲۷۴	مراتیا، ۲۹۹
کلنج، ۲۶۰	کوهیان، ۲۵۲	لوقاقائنا، ۲۷۴	مراطولس، ۲۴۹
کلنکار، ۲۵۰	کهکب، ۷۲	لوقاین، ۲۷۴	مرانیه، ۲۹۹
کلنکرد، ۲۶۰	کهکم، ۷۲	لوقیدس، ۱۵۵	میرشس، ۳۶
کِلَنکک (بستی)، ۸۳	کهورات، ۲۶۴	لوقیموس، ۵۸	میزتیه، ۳۶
کلوقورون، ۱۸۰	کهیرک، ۷۲	لهولوقوغزاتیس، ۲۷۴	مرخ، ۲۱۱
کلیکان، ۲۶۰	کیسرگونه، ۱۰۳	لیتوقش، ۱۳۳	مرداودوش، ۱۱۳
کماذریوس، ۲۵۹ ۸۶	کیسومر، ۱۰۳	لیتوقه کنبیانه، ۱۳۳	مرددوش، ۱۱۳
کمالیون، ۲۶۱ ۵۱	کیکج، ۱۸۶	لیشانوس، ۲۷۴	مردقوش، ۲۷۹
کشری چینی، ۲۶۱	کَیک واشه، ۲۶۴	لیرون، ۵۰	مَرذکَئِ، ۲۷۸
کَمَرزَهْرَه، ۲۶۱	کیلکان، ۲۶۴	لیلنج، ۲۹۲	مرز، ۲۴۷
کَمَرک، ۲۶۱	کیموس، ۱۰۰	لیناری (رومانی)، ۲۵۱	مرس، ۲۷۹
کم کام، ۱۹۸	کیّه، ۲۸۲	لینوسطو، ۸۵	مرسیفا، ۷۶
کموتان، ۱۰۳	گاودر، ۲۹۸	لینوفر، ۲۹۲	مرسینوس، ۳۶

مرطنه، ۹۹	مطرقان، ۹۸	مهرمان، ۵۷	نمشک، ۲۹۰
مَرزَنه، ۱۴۸	مطرونیه، ۱۰۶	میربان، ۳۶	نمیسقن، ۲۵۳
مرطولست، ۲۷۹	مَقْلَوس، ۲۷۲	میبه، ۲۸۶	نواصیر، ۳۰۰
مرماحور، ۹۱	مَقْدونس، ۲۵۳	میدیخی، ۱۵۳	نوجی، ۱۰۷
مَرْمَاحور، ۲۷۹	مقدونیس، ۲۵۳	میرادون، ۲۸۰	نوفر، ۲۹۲
مرماحوز، ۲۷۹	مقر، ۱۹۵	میس، ۲۷۲	نوکانی، ۱۲۱
مرماخور، ۲۷۵	مقشلان، ۸۰	میشبهار، ۳۷	نہشک، ۲۹۰
مَرْمَازاد، ۲۷۹	مقلونیا، ۲۸۵	میشنای، ۲۸۶	نیاشبرش، ۲۸۲
مرماطوس، ۲۸۰	مقلیانا، ۱۱۵	میشو، ۴۱	نیشق، ۴۱
مرماهوس، ۲۸۰	مکوجوا (زنج)، ۹۵	میشهار، ۵۷	نیشوف، ۵۱
مِرْمَلاط، ۲۷۹	مَلّاجه بطره، ۱۴۳	میکلس، ۲۸۷	نیشوق، ۴۱
مَرْنَاغر، ۱۰۲	مَلْبَاله (ثغری)، ۱۳۰	میواقتوس، ۲۸۷	نیطافلی، ۲۹۲
مرناغر، ۲۸۰	ملجاله، ۹۸	میودیون، ۲۸۷	وارونه، ۱۰۹
مروریه، ۲۸۰	ملمندر، ۸۸	مَیوره، ۱۱۳	وَخَشیزق، ۲۹۳
مروریه، ۲۸۰	مِلْمَنْدَر، ۸۸	میوس، ۱۰۳	وربوعن، ۲۴۹
مرولیبه، ۱۳۳	ملوغه، ۱۲۹	میوش اوطا، ۸۳	ورد و فرا، ۱۸۸
مَرْمِش، ۱۴۰	مَلون، ۸۱	مِوش اوطیش، ۱۱۹	ورس، ۲۵۵
مزوبه، ۲۳۷	ملونیا، ۲۸۵	نارتکس، ۲۵۹	وَرَس، ۲۹۵
مستساقفل، ۱۴۸	ملیونا، ۸۱	نارکیو، ۲۸۸	وَرَس غَنده، ۳۹
مس غات، ۲۸۱	ممونون، ۲۸۰	نارکیو، ۲۸۸	ورشن، ۲۶۳
مسک طرامسیع، ۲۲۹	متجوشه، ۱۷۸	نارماسیس، ۲۸۸	ورطوری، ۲۹۵
مسمقوره (عجمی اندلس)، ۱۶۰	مَتَجوشه، ۱۷۸	نارین بری، ۲۲۸	وریزه، ۹۹
مسیخا، ۱۸۱	متوله میوره، ۲۷۵	ناغبشت، ۲۸۸	وسیح، ۲۹۵
مشا، ۲۸۱	منداغورس، ۳۰۰	ناغیشت، ۲۸۹	وَشیح، ۲۹۵
مشتجی، ۲۸۲	مندغوره، ۳۰۰	نانخواه (اندلس)، ۲۲۸	ونجهک، ۲۹۶
مُشْتَلِش، ۲۸۲	مَنده، ۱۱۳	نَبال (اندلس)، ۱۲۸	هازان، ۱۱۳
مشک، ۱۸۰	مُشْتَلِش، ۹۴	نَبَسیروله، ۱۵۳	هازوما، ۱۱۳
مشکطرامشیع، ۲۲۹	مو، ۲۸۵	نَبقیرس، ۸۰	هال، ۲۹۶
مشمش، ۳۰۰	مواغَرَن، ۲۸۵	نبنیا، ۲۶۲	هال بوا، ۷۰، ۲۹۶
مشیشتر (فاس)، ۲۲۹	موران، ۲۸۷	نجاله، ۲۹۰	هاهیرون، ۹۵
مصطنجی، ۲۸۲	موران، ۲۸۷	نَرْتِیَس، ۲۹۰	هراس، ۵۹
مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶	مورجون، ۱۵۷	نرثقس، ۲۵۹	هرانیه، ۲۹۶
مطر دیه (عجمیت اندلس)، ۲۴۲	مورقا (اندلس)، ۲۸۵	نزار، ۳۸	هرتما، ۱۱۳
مطرقال، ۹۸، ۲۶۶	موریون، ۳۰۰	نعاقلیس، ۲۱۱	هرطمان، ۲۶۳
مَطْرَقال (اندلس)، ۹۸	موز، ۲۰۳	نغرون، ۱۲۶	هرقلوه، ۲۹۶
مطرقال (اندلس)، ۱۸۹	موزق، ۲۸۰	نغزک (تورانی)، ۶۳	هرقلیون، ۱۸۲
	مولی، ۲۸۶	نغخارس، ۱۶۵	هرقولیون، ۱۸۲
	موئج، ۲۸۶	نلک، ۱۶۲	هَرْمُونَد، ۲۹۷

هرنوه، ۲۹۶	یرامع، ۲۹۷
هرنوة، ۲۲۸	یَزَبْطُور (مغرب)، ۷۴
هَرَنْوَة، ۲۳۸	یربطوره، ۲۶۲
هَرَوَا، ۲۸۶	یربطورة (اندلس)، ۲۰۸
هسک آقه، ۲۱۰	یَزَبْطَه، ۱۰۶
هسک توم، ۲۱۰	یربوز، ۱۶۲
هُسْكَفَر، ۲۱۰	یربوع، ۴۹
هشرار، ۱۱۳	یَزَبْه اشبیلی، ۲۰۴
هشقیقل، ۱۸۸	یربه اوناله، ۸۰
هَلْتی، ۱۷۴	یَزَبْه اوناله، ۱۴۵
هلموت، ۱۲۲	یربه بانکه، ۲۵۷
هلهل، ۹۲	یربه بُدلییره، ۱۲۰
هلیانسه، ۱۸۳	یَزَبْه بَطْرَه، ۲۵۳
هلیوس، ۲۹۷	یربه بطره، ۲۹۱
هلیون، ۱۹۸	یَزَبْه دى فَوْقَه، ۲۶۶
همینا، ۲۷۶	یَزَبْه عَلَیْشْکَه، ۱۴۴
هوزنی، ۸۱	یَزَبْه فَشُوشْکَه، ۴۷
هوفسطیداس، ۲۹۹	یربه قرشته، ۱۰۳
هوم الهرایده، ۲۹۹	یَزَبْه موله (اندلس)، ۱۵۶
هوغون، ۲۹۹	یستهارمک، ۱۷۹
هیتماره، ۱۱۳	یش کشکه (اندلس)، ۱۰۶
هیدبوا، ۲۹۶	یعضید، ۱۳۹
هیروم، ۴۳	یَعْفَر، ۲۰۴
هیزارما، ۲۹۰	یلنجوح، ۱۷۹
هیضمان، ۲۲۳	یمرو، ۳۰۰
هیل، ۷۰	یناشته دَبُورْکَه، ۱۵۴
هیل بوا، ۷۰	یَنْبُوت، ۳۰۱
هیلورث، ۱۳۰	یتون، ۹۷
هیل وهال، ۲۹۶	ینشتاله، ۱۵۴
هیوقسطیداس، ۲۹۹	ینشتاله، ۱۵۱
یاسمون، ۲۹۹	یوس اقطی، ۱۱۰
یاسمین، ۱۰۶، ۱۶۴	یوسیمون، ۱۱۳
یاسمین، ۲۹۹	
یبروحی دشینا، ۷۲	
یبیقیه، ۳۰۰	
یخصص، ۲۵۳	
یدختن، ۱۵۷	
یدره، ۱۱۳	



## ضمیمه (۳)

### فهرست نام‌های علمی و انگلیسی

- ۱- فهرست نام‌های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا
- ۲- فهرست نام‌های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب خانواده

## فهرست نام های علمی و نام های انگلیسی

نام ها در غالب کتب و منابع موجود گیاهان داروئی ، دارای برخی اشتباهات املائی یا چاپی هستند که متأسفانه در کتاب های دیگر نیز به همان صورت تکرار شده اند . همچنین برخی از نام های موجود در منابع ، اکنون نام های مترادف محسوب می شوند . نام درست و اصلی گیاهان با حروف راست سیاه (غیر ایتالیک) در مقابل نام مترادف آن ها ( با حروف ایتالیک ) در جدول مشخص شده است .

نام عمومی یا معادل انگلیسی ( COMMON NAME ) گیاهان داروئی در ستون مقابل نام های علمی آن ها قرار دارد . در یافتن نام های اصلی برای تدوین جدول ، از منابع جدید گیاه شناختی و از اطلاعات اینترنتی نیز استفاده شده است . بدیهی است برخی از نام های جدول - که غالباً مربوط به گیاهان خارج از فلات ایران هستند - در منابع گیاه شناختی و اینترنتی یافت نشد و چون در کتب گیاهان داروئی مکرراً آمده اند به همان صورت در جدول باقی مانده اند . املاء نام های آمده در منابع به طور دقیق بررسی و اصلاح شده است .<sup>۱</sup>

### جدول نام های علمی گیاهان داروئی

#### ۱ - نام های علمی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Abelmoschus esculentus</i> (L.) <i>Moench = Hibiscus esculentus</i> L.	**	Malvaceae	Akar; Gumbo	۷۴
<i>Acacia arabica</i> Willd. = <i>Acacia nilotica</i> Del.	*	Mimosaceae	Babulacacia	۱۹۱، ۱۷۴، ۱۳۲، ۸۲، ۶۲، ۵۲، ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۳۹
<i>Acacia ehrenbergiana</i> Hayne.	*	Mimosaceae		۱۷۴
<i>Acacia flava</i> Forsk.		Mimosaceae		۱۷۴
<i>Acacia mellifera</i> Boiss.		Mimosaceae		۱۷۶
<i>Acacia nilotica</i> Del.		Mimosaceae	Gum arabic tree	۱۹۱
<i>Acacia oerfota</i> (Forsk.) Sch.	*	Mimosaceae		۲۸۳، ۲۰۸
<i>Acacia senegal</i> Willd.		Mimosaceae		۲۳۳
<i>Acacia senegalensis</i>		Mimosaceae		۲۳۳
<i>Acacia spirocarpa</i> Hook.		Mimosaceae		۱۷۶
<i>Acacia vera</i> Willd.		Mimosaceae		۳۲۷، ۱۹۱
<i>Acanthus mollis</i> L.	**	Acanthaceae	Bear's breach soft acanthus	۳۳۷
<i>Aceras anthropophora</i> Steud. = <i>Orchis anthropophora</i> (L.) Allioni		Orchidaceae	Man Orchid	۱۳۵
<i>Achillea ageratum</i> L.		Compositae		۳۵۰، ۵۵
<i>Achillea fragrantissima</i> Sch.		Compositae		۲۴۷، ۳۳۷

<sup>۱</sup> - (\*) گیاهان داروئی بومی ایران

(\*\*) گیاهان داروئی کاشته شده

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Achillea millefolium</i> L.	*	Compositae	Common yarrow	۳۵۶، ۱۸۱، ۱۷۱، ۱۵۱
<i>Achillea ptarmica</i> L.		Compositae	Sneezewoort	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۱۶
<i>Achillea pubescens</i> L.		Compositae		۷۷
<i>Achillea</i> sp.		Compositae		۳۴۹
<i>Achillea tomentosa</i> L.		Compositae		۳۴۹، ۳۱۹، ۲۵۷، ۲۲۰، ۱۷۸، ۱۴۶
<i>Achillea viscosa</i> Lam.		Compositae		۳۵۰
<i>Achium diffusum</i> L.		Boraginaceae		۳۴۸
<i>Aconitum anthora</i> L.		Ranunculaceae	Pyrenees monkshood	۲۰۴، ۶۴
<i>Aconitum erectum</i> L.		Ranunculaceae		۱۲۸، ۴۲
<i>Aconitum ferox</i> Wall.		Ranunculaceae		۹۲
<i>Aconitum luridum</i> Hook.		Ranunculaceae		۹۲
<i>Aconitum lycoctonum</i> L.		Ranunculaceae	Wolfsbane monkshood	۳۵۲، ۱۲۹
<i>Aconitum napellus</i> L.	**	Ranunculaceae	Aconite monkshood	۳۵۲، ۳۲۰، ۱۲۹
<i>Aconitum</i> sp.		Ranunculaceae	Monkshood	۹۲، ۶۴
<i>Acorus aromaticus</i> Gilib.		Araceae		۲۹۳، ۲۴۱
<i>Acorus calamus</i> L.	*	Acoraceae	Drug sweet flag; Calamus	۳۰۹، ۲۹۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۱۶۵، ۱۵۰، ۳۲۴
<i>Acrostichum dichototum</i> Forsk.		Adiantaceae	Maidenhair fern	۲۸۶
<i>Actaea</i> sp.	*	Ranunculaceae	Baneberry	۱۳۸
<i>Adiantum capillus-veneris</i> L.	*	Adiantaceae	South maidenhair; Venus's-hair	۳۵۵، ۱۸۷، ۷۶
<i>Adonsonia</i> sp.		Bombacaceae		۱۲۵
<i>Aegiceras</i> sp.		Myrsinaceae		۳۳
<i>Aegilops ovata</i> L.	*	Gramineae		۳۵۵، ۱۴۷
<i>Aegle marmelo</i> Cor.	*	Rutaceae	Bael fruit ; Bel golden apple Bengal	۱۶۶، ۸۹، ۸۵
<i>Aeluropus littoralis</i> Ga.	*	Gramineae		۲۱۲
<i>Aesculus hippocastanum</i> L.		Hippocastanaceae	Common horse chestnut	۸۷
<i>Aethusa cynapium</i> L.		Umbelliferae	Fool's-parsley aethusa	۱۹۱
<i>Agallochum</i> sp. = <i>Aquilaria agallichia</i>		Thymelacaceae	Aloes wood, Eagle	۵۴
<i>Agaricus</i> sp.		Agaricaceae - (Mushroom)	Fool's-parsley agric	۲۱۹
<i>Agrimonia eupatoria</i> L.	*	Rosaceae	Agrimony	۳۴۹، ۳۳۵، ۳۱۹، ۲۱۹، ۹۴، ۵۴
<i>Agrimonia</i> sp.		Rosaceae		۲۱۹
<i>Agropyrum repens</i> Beauv.	*	Gramineae	Couch-grass ; Quakgrass	۳۴۹، ۲۱۲، ۹۹
<i>Agrostemma githago</i> L.		Caryophyllaceae	Common corn cockle	۳۴۳، ۲۶۸، ۱۹۲، ۱۶۹، ۲۷
<i>Agrostemma</i> sp.		Caryophyllaceae	corn cockle	۱۶۸، ۱۳۲
<i>Ahyrium filix-mas</i> L.		Dryopteridaceae		۱۷۱
<i>Ajuga chamaepitys</i> L.		Labiatae	Ground pine	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۶۱، ۲۰۷
<i>Ajuga chamaepitys</i> Sch.		Labiatae		۲۶۱
<i>Ajuga iva</i> L.		Labiatae		۲۶۱، ۱۰۴
<i>Ajuga</i> sp.		Labiatae	Bugle	۲۰۷



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Alangium lamrckii</i> Th.		Alangiaceae	Ankola (Sanskrit)	۷۷
<i>Alangium salviifolium</i> (L.F.) Wan.		Alangiaceae	Sage Leaves	۷۷
<i>Albersia blitum</i> Kunth . = <i>Amaranthus blitum</i> subsp. <i>blitum</i>		Amaranthaceae		۸۴
<i>Albizia lebbek</i> Bth.	*	Mimosaceae	Lebbek tree ; Siris tree	۲۶۶ ، ۲۶۶
<i>Alcea rosea</i> L.	**	Malvaceae		۳۳۱
<i>Alhagi camelorum</i> Fisch.		Papilionaceae	Camel's-thorn	۳۳۱
<i>Alhagi mannifera</i> Desv.		Papilionaceae		۲۰۶ ، ۱۱۰
<i>Alhagi maurorum</i> Tourn. = <i>Alhagi pseudalhagi</i> (M.B.)Desf.		Papilionaceae		۲۰۶ ، ۱۱۰
<i>Alisma plantaga</i> L.		Alismataceae	American water plantain	۳۴۷ ، ۳۱۸ ، ۲۸۱
<i>Alisma</i> sp.		Alismataceae	Water plantain	۲۸۱
<i>Alkanna orientalis</i> (L.)Boiss.	*	Boraginaceae	Yellow bugloss	۲۶۳
<i>Alkanna</i> sp.		Boraginaceae	Alkanet	۱۳۴
<i>Alkanna tinctoria</i> Tausch.	*	Boraginaceae	Dyer's alkanet	۳۴۸ ، ۳۹ ، ۳۸
<i>Alliaria officinalis</i> L. = <i>Alliaria petiolata</i> (M.B.) Cav.&Grand.	*	Cruciferae	Garicmustard ; Hedge ; Garrlic	۹۸
<i>Allium ampeloprasum</i> L.	*	Liliaceae	Great round ; Headed garlic	۳۳۳ ، ۳۱۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۲
<i>Allium ascalonicum</i> L.	*	Liliaceae	Shallot	۳۳۳ ، ۲۵۳ ، ۲۵۲ ، ۲۴۳
<i>Allium carinatum</i> L.		Liliaceae	Keeled onion	۹۸
<i>Allium cepa</i> L.	*	Liliaceae	Garden onion	۳۳۳ ، ۲۵۳ ، ۸۱
<i>Allium descendens</i> L.		Liliaceae		۳۳۳
<i>Allium dioscoridis</i> Sibth.		Liliaceae		۳۳۹
<i>Allium magicium</i> L.		Liliaceae		۸۶
<i>Allium moly</i> L.	**	Liliaceae	Lily leek	۳۳۹ ، ۳۱۴ ، ۸۶
<i>Allium porrum</i> L.		Liliaceae	Leek	۳۳۳ ، ۲۵۲
<i>Allium roseum</i> L.		Liliaceae		۲۵۳
<i>Allium sativum</i> L.	*	Liliaceae	Garlic	۳۳۳ ، ۹۸
<i>Allium scorodoprasum</i> L.		Liliaceae		۳۳۳ ، ۳۱۲ ، ۲۵۲ ، ۹۹ ، ۹۸
<i>Allium silvestrum</i>		Liliaceae		۱۸۹ ، ۹۹ ، ۹۸
<i>Allium subhirsutum</i> L.		Liliaceae		۳۳۳
<i>Allium ursinum</i> L.		Liliaceae	Ramsons ; Bear's-garlic	۲۵۲
<i>Allium vineale</i> L.		Liliaceae	Field garlic	۲۵۲
<i>Allium xiphopetalum</i> Ait.	*	Liliaceae		۱۸۹ ، ۹۹ ، ۹۸
<i>Aloe aloexylon</i>		Liliaceae		۶۱
<i>Aloe scotrina</i>		Liliaceae	Socotrine aloe	۶۱
<i>Aloe vera</i> L.	*	Liliaceae	True aloe	۳۳۷ ، ۳۱۳ ، ۱۹۰ ، ۶۱
<i>Aloe vulgaris</i> Lam.		Liliaceae	Mediterranean aloe	۳۳۷
<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.		Papilionaceae	Aloe Wood	۲۱۶
<i>Aloexylon agallochum</i> Lou.		Papilionaceae	Aloe Wood	۳۲۵
<i>Alpinia galanga</i> (L.) Will.		Zingiberaceae	Great	۱۳۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Alpinia khulanjan</i> (L.) Will.		Zingiberaceae		۱۳۹
<i>Alpinia officinarum</i> Hance	**	Zingiberaceae	Galangal	۱۳۹
<i>Alpinia</i> sp.		Zingiberaceae		۱۳۹
<i>Althaea cannabina</i> L.	*	Malvaceae		۳۴۶، ۳۱۸، ۱۱۲
<i>Althaea ficifolia</i> R.Br.		Malvaceae		۱۳۶
<i>Althaea officinalis</i> L.	*	Malvaceae	Hollyhock	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۷، ۱۳۶
<i>Althaea rosea</i> Cavan.		Malvaceae		۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۵، ۱۳۶
<i>Althaea</i> sp.		Malvaceae	Althaea	۱۲۹
<i>Alyssum campestre</i> L. = <i>Aysson minus</i> (L.) Rothu.	*	Cruciferae		۹۶
<i>Alyssum clypeatum</i> L.		Cruciferae		۳۴۲
<i>Alyssum saxatile</i> L.	*	Cruciferae	Golden tuft ; Golden-tuft alyssum	۳۴۲، ۳۱۵، ۶۰
<i>Alyssum</i> sp.		Cruciferae	Alyssum	۶۰
<i>Amaracus dictamnus</i> Ben. = <i>Origanum dictamnus</i> L.		Labiatae	Cretan Dittany	۲۸۱
<i>Amaranthus blitum</i> L. = <i>Amaranthus graecizans</i> L. Var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch.		Amaranthaceae	Prostrate amaranth	۳۳۰، ۳۱۱، ۸۴
<i>Amaranthus cruentus</i> L.	*	Amaranthaceae	Grain Amaranth	۷۹
<i>Amaranthus gangeticus</i> L.		Amaranthaceae	Tumbelweed amaranth	۱۴۳
<i>Amaranthus graecizas</i> L. var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch.	*	Amaranthaceae		۸۴
<i>Amaranthus paniculatus</i> L.		Amaranthaceae	Scarlet amaranth	۱۴۳
<i>Amaranthus tricolor</i> L.		Amaranthaceae	Love-lies-bleeding	۱۴۳، ۷۹، ۷۶
<i>Ambrosia maritima</i> L.		Compositae		۳۴۴، ۳۱۶، ۷۷، ۶۱
<i>Ammi copticum</i> Boiss.		Umbelliferae		۲۸۹
<i>Ammi visnaga</i> (L.) Lam.	*	Umbelliferae	Bishop's Flower; Visnaga	۳۴۰، ۲۸۹
<i>Amomum cardamomum</i> L. = <i>Amomum compactum</i> Sol. ex Maton = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton		Zingiberaceae	Tooth pick ammi ; Bishop's-weed	۱۲۴
<i>Amomum granum-paradisi</i> L. = <i>Aframomum granum-paradisi</i> K. Schum		Zingiberaceae		۲۹۶، ۲۳۲، ۱۰۸
<i>Amomum racemosum</i> L.		Zingiberaceae		۱۲۴
<i>Amomum racemosum</i> Lam.		Zingiberaceae		۳۲۴، ۳۰۹
<i>Amomum repens</i> Son.		Zingiberaceae		۲۳۲
<i>Amomum</i> sp.		Zingiberaceae		۲۹۶، ۲۳۲
<i>Amomum zerumbet</i> L. = <i>Zingiber zerumbet</i> (L.) Smith = <i>Zingiber officinale</i> Roscoe		Zingiberaceae		۱۶۱
<i>Amomun melegueta</i> Ros. = <i>Aframomum melegueta</i> K. Schum.		Zingiberaceae		۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
<i>Amygdalus amara</i> Hayne		Rosaceae		۲۷۲
<i>Amygdalus communis</i> L.	*	Rosaceae	Almond	۳۲۹، ۲۷۲
<i>Amygdalus dulcis</i> Mill.		Rosaceae		۲۷۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Amygdalus persica</i> L.		Rosaceae	Peach tree	۱۳۹
<i>Amyris elemifera</i> L.		Rutaceae	Galangal ; Java galangal ; Galingale	۲۶۶
<i>Amyris gileadensis</i> L.		Rutaceae		۱۶
<i>Amyris kataf</i> Forsk.		Rutaceae		۳۲۵، ۱۷۸
<i>Amyris myrrh</i> Hafal.		Rutaceae		۳۲۵
<i>Amyris opobalsamum</i>		Rutaceae		۲۸۵
<i>Amyris</i> sp.		Rutaceae	Torchwood ; Balsam shrub	۳۲۵
<i>Anacyclus pyrethrum</i> DC.		Compositae		۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۵، ۲۰۶
<i>Anacyclus radiatus</i> L.		Compositae		۹۱
<i>Anacyclus valentine</i>		Compositae		۹۱
<i>Anagallis arvensis</i> L.	*	Primulaceae	Scarlet runner bean	۳۳۵، ۶۳، ۳۴
<i>Anagallis coerulea</i> Schreb.		Primulaceae	Blue pimpernel	۳۳۵، ۶۳
<i>Anagyris foetida</i> L.	*	Papilionaceae	Mediterranean stinkbush	۳۴۶، ۳۱۸، ۳۰۱، ۶۳، ۶۲
<i>Anagyris</i> sp.		Papilionaceae		۳۰۱
<i>Anamirta paniculata</i> Colebr. = <i>Cocculus indicus</i> Royle		Menispermaceae	Indicus Cocculus	۲۷۷
<i>Anastatica hierochuntica</i> L.	*	Cruciferae	Jericho resurrection mustard	۱۹۸، ۱۸۶
<i>Anchusa hybrida</i> Ten.		Boraginaceae	Carly bugloss	۲۶۸
<i>Anchusa italica</i> Retz.		Boraginaceae	Italian bugloss	۲۶۸، ۲۶۸
<i>Anchusa officinalis</i> L.		Boraginaceae	Common buckwheat	۲۶۸
<i>Anchusa paniculata</i> Ait.		Boraginaceae		۳۵۴
<i>Anchusa tinctoria</i> L.		Boraginaceae		۱۲۴، ۳۹
<i>Andropogon jawarancusa</i> Jo.		Boraginaceae		۴۳
<i>Andropogon lanigera</i> Desf.		Gramineae		۴۳
<i>Andropogon nardus</i> L.		Gramineae		۱۱۷
<i>Andropogon schoenanthus</i> L.		Gramineae		۳۲۴، ۳۰۹، ۴۳
<i>Andropogon sorghum</i> Brot. = <i>Sorghum vulgare</i> Pers.	*	Gramineae	Sorghum	۳۲۹، ۱۵۰، ۱۴۳
<i>Andropogona martini</i> Roxb.		Gramineae		۲۴۱
<i>Androsace lactea</i> L.		Primulaceae		۳۴۵، ۳۱۷، ۲۴۳
<i>Androsace</i> sp.	*	Primulaceae		۲۴۳، ۱۰۴
<i>Anemone coronaria</i> L.		Ranunculaceae	Poppy anemone	۳۳۵، ۳۱۲، ۱۸۸
<i>Anemone hortensis</i> L.		Ranunculaceae		۳۳۵، ۱۸۸
<i>Anemone pulsatilla</i> L.		Ranunculaceae	Yellow Anemone	۱۸۸
<i>Anemone</i> sp.	*	Ranunculaceae	Anemone	۱۸۸، ۱۳۴
<i>Anethum graveolens</i> L.	*	Umbelliferae	Dill	۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۴، ۱۱۷، ۹۷
<i>Angelica sylvestris</i> L.		Umbelliferae	Angelika, Echte Brustwurzel	۳۴۰
<i>Anisum stellatum</i> L.		Umbelliferae		۷۲
<i>Anisum vulgare</i> Gaertn.		Umbelliferae		۶۷
<i>Antennaria</i> sp.		Compositae	dillweed, dillseed, dill	۲۰۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Anthemis arvensis</i> L.		Compositae	Field camomile	۳۴۶، ۲۹۵، ۲۱۷، ۹۱، ۵۸
<i>Anthemis chia</i> L.		Compositae		۳۴۵
<i>Anthemis nobilis</i> L.		Compositae	Roman chamomile ; English camomile	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۳۵، ۷۰، ۶۴، ۵۸
<i>Anthemis pyrethrum</i> L.		Compositae		۲۱۶، ۲۰۶
<i>Anthemis rosea</i> Sibth.		Compositae		۳۴۶
<i>Anthemis</i> sp.		Compositae	Comomile	۵۸
<i>Anthemis tinctoria</i> L.		Compositae	Golden Marguerite	۳۴۶، ۹۱، ۵۸
<i>Anthemis valentina</i> L.		Compositae		۳۴۶
<i>Anthericum graecum</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۳
<i>Anthericum ramosum</i> L.		Scrophulariaceae		۲۲۳
<i>Antirrhinum asarina</i> L.		Scrophulariaceae		۱۲۸
<i>Antirrhinum majus</i> L.	*	Scrophulariaceae	Common snapdragon	۳۵۷، ۳۲۰، ۶۷
<i>Apargia</i> sp. = <i>Leontodon</i> sp.		Compositae		۳۳۲
<i>Apera spica-venti</i> L.		Gramineae	Wind bent grass ; Wind grass ; Corn grass	۲۹۶
<i>Apium</i> Gr.		Umbelliferae	Celery	۲۵۴
<i>Apium graveolens</i> L.	*	Umbelliferae	Wihd celery	۳۴۱، ۲۵۴
<i>Apium petroselinum</i> L. = <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.		Umbelliferae	Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc Parsley	۲۵۴
<i>Apium vulgare</i> L.		Umbelliferae		۲۵۴
<i>Apocynum erectum</i> Vell.		Apocynaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲، ۴۳
<i>Apocynum</i> sp.		Apocynaceae	Dogbane	۱۲۸
<i>Aquilaria malaccensis</i> Lam.		Thymelaeaceae	Agarwood	۲۱۶
<i>Arbutus andrachne</i>		Ericaceae		۳۲۸
<i>Arbutus</i> sp.		Ericaceae		۲۴۲، ۲۳۱
<i>Arbutus unedo</i> L.	*	Ericaceae	Strawberry saxifrage ; Aron's- beard	۳۲۸، ۲۴۲، ۲۳۱، ۲۱۱، ۱۰۶
<i>Arctium bardana</i> Willd.		Compositae		۴۵
<i>Arctium lappa</i> L.	*	Compositae	Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
<i>Arctium tomentosum</i> Shkuhr.		Compositae	Cotton burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
<i>Arctostaphylos uva-ursi</i> Spreng.		Ericaceae	Bearberry	۲۱۵
<i>Areca catechu</i> L.		Araceae	Betel-nut palm ; betel palm	۲۳۰، ۵۴
<i>Areca catechu</i> Willd.		Araceae	Areca Nut	۱۲۰
<i>Areca faufel</i> Gaertn.		Araceae		۲۳۰
<i>Argemone</i> sp.		Papaveraceae	Prickly poppy	۴۴
<i>Aristolochia boetica</i>		Aristolochiaceae		۳۳۶
<i>Aristolochia longa</i> L.		Aristolochiaceae	Long-rooted Birthwort	۱۶۱
<i>Aristolochia pallids</i> Round = <i>Aristolochia pallida</i> Willd.		Aristolochiaceae	Wild Ginger	۳۳۵
<i>Aristolochia rotunda</i> L.		Aristolochiaceae	snakeroot	۱۶۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Aristolochia sempervirens</i> L.		Aristolochiaceae	Birthwort	۳۳۶
<i>Aristolochia</i> sp.		Aristolochiaceae	Dutchman's-pipe- birthwort	۳۳۵، ۳۱۳، ۱۷۱
<i>Armeniaca vulgaris</i> Lam. = <i>Prunus armeniaca</i> L.		Rosaceae	Common apricot ; Apricot	۲۸۲
<i>Arnopogon picroides</i> Willd. = <i>Tragopogon capensis</i> Jacq. = <i>Tragopogon picroides</i> L. = <i>Urospermum capense</i> (Jacq.) Spreng. = <i>Urospermum</i> <i>picroides</i> (L.) Scop. ex Schmidt		Compositae	prickly goldenfleece, urospermum	۳۴۰
<i>Artemisia abrotanum</i> L.		Compositae	Old-man wormwood ; Southern wood	۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
<i>Artemisia absinthium</i> L.	*	Compositae	Common worm ; Absinthium	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۳۰، ۵۶
<i>Artemisia arborescens</i> L.		Compositae	Sagewort worm wood ; Field wormwood	۳۴۴، ۱۹۳
<i>Artemisia campestris</i> L.		Compositae	Tarragon	۳۴۴
<i>Artemisia dracunculus</i> L.	*	Compositae	Maritime wormwood	۲۰۲
<i>Artemisia judaica</i> L.		Compositae	Wormwood	۲۰۶، ۱۹۳
<i>Artemisia maritima</i> L.		Compositae	Sea Wormwood	۳۳۷، ۱۹۳، ۷۷، ۵۶
<i>Artemisia palmate</i> Lam.		Compositae		۳۳۷
<i>Artemisia pontica</i> L.		Compositae	Roman wormwood	۳۳۷، ۱۹۳
<i>Artemisia santonica</i> Lam.	*	Compositae		۱۹۳
<i>Artemisia siversiana</i> Ehrh. & Willd.		Compositae		۵۶
<i>Artemisia</i> sp.		Compositae	Wormwood ; Sagebrush	۱۹۳، ۷۷
<i>Artemisia vulgaris</i> L.	*	Compositae	Douglas Mugwort	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
<i>Arum arisarum</i> L.		Araceae		۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
<i>Arum colocasia</i> L.		Araceae		۲۴۴، ۲۳۱، ۱۲۵
<i>Arum dioscoridis</i> L.		Araceae		۳۳۴
<i>Arum dracunculus</i> L.		Araceae	Common stink dragon	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۳۱
<i>Arum esculenta</i> L.		Araceae		۲۴۴
<i>Arum italicum</i> L.		Araceae	Italian arum	۲۷۳، ۱۵۰، ۱۴۲
<i>Arum maculatum</i>		Araceae	Lords-and-lodies ; Cuckoopint	۳۳۴، ۲۷۳
<i>Arum</i> sp.		Araceae	Arum	۲۳۱
<i>Arum vulgare</i> L.		Araceae		۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
<i>Arundinaria</i> sp.	*	Gramineae		۲۱۳
<i>Arundo bambos</i> L.		Gramineae		۱۹۹
<i>Arundo donax</i> L.	*	Gramineae	Giant reed	۳۲۶، ۲۴۰
<i>Arundo phragmites</i> L.		Gramineae		۲۴۰
<i>Asarum europaeum</i> L.		Aristolochiaceae	European wild ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۹۰، ۴۶
<i>Asclepias cynanchoides</i> Humb.		Aslepiadiaceae		۲۰۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Asclepias gigantea</i> R.Br.		Aslepiadiaceae		۲۰۹
<i>Asclepias vincetoxicum</i> L.		Aslepiadiaceae		۳۴۲، ۳۱۰، ۲۴۰
<i>Ashbia gossypii</i> = <i>Eremothecium gossypii</i> (Fungi)			Strain Number	۲۴۰
<i>Asparagus acutifolius</i> L.		Asparaginaceae	Sharp-leaved asparagus	۳۳۱، ۲۸۹
<i>Asparagus adscendens</i> Roub.		Asparaginaceae		۲۹۷
<i>Asparagus officinalis</i> L.		Asparaginaceae	Common asparagus	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۷، ۲۸۹، ۱۹۸
<i>Asparagus</i> sp.		Asparaginaceae	Asparagus	۲۹۷
<i>Asperugo procumbens</i> L.	*	Boraginaceae	Grman madwort ; madwort	۷۱، ۳۴
<i>Asphodelus damascenus</i> Boiss.		Liliaceae		۵۱
<i>Asphodelus microcarpus</i> (L.) Swartz		Liliaceae		۱۳۸
<i>Asphodelus ramosus</i> L.		Liliaceae		۳۳۴، ۱۳۸
<i>Asphodelus</i> sp.		Liliaceae		۱۳۸
<i>Aspidium aculeatum</i> Smit . = <i>Polystichum aculeatum</i>		Polypodiaceae	Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern	۳۵۷
<i>Aspidium lonchitis</i> L.		Polypodiaceae		۳۴۶، ۳۱۷، ۲۷۱، ۱۵۷، ۱۱۴، ۱۱۳
<i>Asplenium adiantum-nigrum</i> L.		Aspleniaceae	Black spleenwort	۱۶۹، ۴۴، ۳۵۷
<i>Asplenium ruta muraria</i> L.		Aspleniaceae	Wall rue	۱۷۱
<i>Asplenium trichomanes</i> L.		Aspleniaceae	Maidenhair spleenwort	۳۵۵، ۱۸۷، ۱۶۹
<i>Aster alpinus</i> L.	*	Compositae	Alpine aster	۱۳۲
<i>Aster amellus</i> L.		Compositae	Italian aster	۳۵۴، ۵۴، ۴۸
<i>Aster atticus</i> Pall.		Compositae		۵۴، ۴۸، ۴۷
<i>Aster tripolium</i> L.	*	Compositae	Tripoli aster ; Sea aster	۲۰۳، ۹۳، ۴۸
<i>Astragalus annularis</i> FORSSK.	*	Papilionaceae		۱۱۴
<i>Astragalus aristatus</i> L.		Papilionaceae		۳۳۷
<i>Astragalus arnacantha</i> M.		Papilionaceae		۲۹۲، ۲۳۳
<i>Astragalus boeticus</i> L.	*	Papilionaceae	Swedish coffe	۳۵۱
<i>Astragalus creticus</i> Lam.		Papilionaceae		۳۳۶
<i>Astragalus fasciculaefolius</i> Boiss.	*	Papilionaceae		۶۶
<i>Astragalus glaux</i> L.		Papilionaceae	Tragacanth milk vetch	۳۵۵
<i>Astragalus gummifera</i> Lab.		Papilionaceae		۲۵۱، ۲۳۳، ۸۵
<i>Astragalus hamosus</i> L.	*	Papilionaceae		۵۹
<i>Astragalus poterium</i> L.		Papilionaceae		۳۳۶، ۳۱۳، ۲۳۳
<i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.		Papilionaceae		۶۶
<i>Astragalus sarcocolla</i> L.		Papilionaceae		۳۴۲، ۳۱۵
<i>Astragalus sesameus</i> L.	*	Papilionaceae		۴۸۳، ۴۷
<i>Astragalus</i> sp.		Papilionaceae		۳۵۵، ۳۵۱، ۳۱۹
<i>Astragalus tragacantha</i> L.		Papilionaceae		۳۳۷، ۳۱۳، ۲۵۱، ۲۳۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Astrattikos tripolium</i> L. = <i>Aster tripolium</i> L.ssp. <i>tripolium</i>		Compositae		۳۵۷
<i>Athamanta cretensis</i> L.		Umbeliferae		۱۴۸، ۱۱۸، ۱۰۳
<i>Athamanta macedonica</i> L.		Umbeliferae		۲۶۱
<i>Athamanta oreoselinum</i> L.		Umbeliferae		۲۵۴
<i>Athamanta</i> sp.		Umbeliferae		۳۴۱
<i>Atractylis gummifera</i> L.Q.		Compositae		۳۳۶، ۹۷، ۵۱
<i>Atriplex halimus</i> L.	**	Chenopodiaceae	Shrubby arach	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۸۴، ۲۴۲
<i>Atriplex hastata</i> L.	*	Chenopodiaceae	Halberd-leaved Arrach	۲۴۲
<i>Atriplex hortensis</i> L.	*	Chenopodiaceae	Garden orach	۳۴۲، ۳۳۱، ۲۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰
<i>Atriplex rosea</i> L.		Chenopodiaceae	Tumbling orach	۳۳۱، ۲۴۲، ۱۷۰، ۱۷۰
<i>Atriplex</i> sp.		Chenopodiaceae		۲۴۱، ۱۷۰
<i>Atropa mandragora</i> L.		Solanaceae		۳۵۲، ۳۰۰
<i>Aucklandia costus</i> Fal. = <i>Aucklandia lappa</i> (Decne.)= <i>Saussurea costus</i> (Falc.)= <i>Saussurea lappa</i> (Decne.)		Compositae		۲۳۹
<i>Avena elatior</i> L.		Gramineae		۱۴۷
<i>Avena fatua</i> L.	*	Gramineae	Wild oat	۳۰۰، ۲۳۷، ۹۱
<i>Avena sativa</i> L.	*	Gramineae	Common oat	۳۵۰، ۲۹۶، ۲۳۷، ۱۷۴
<i>Avena</i> sp.		Gramineae	Oat	۱۳۱
<i>Avicennia officinalis</i> L.	*	Avicenniaceae		۲۳۸
<i>Azadirachta indica</i> Juss. = <i>Melia Azadirachta</i> L.	**	Meliaceae	Margosa; Neem	۳۵
<i>Baccharis</i> sp.		Compositae	Baccharis	۳۳۹، ۳۱۴
<i>Balanites aegyptiaca</i> L.		Balanitaceae	Higleeg	۱۶۳
<i>Balaustion</i> sp.		Myrtaceae		۱۵۸
<i>Ballota nigra</i> L.	*	Labiataeae	Black balllota ; Blak horehound	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۷۹، ۸۷، ۲۲۴
<i>Ballota pseudodictamnus</i> Benth.		Labiataeae	Ballota	۳۳۸
<i>Balsamina hortensis</i> L.		Balsaminaceae		۲۱۱
<i>Balsamodendron africanum</i> Arn.		Burseraceaea	African Bdeillum	۲۸۴
<i>Balsamodendron</i> DC.		Burseraceaea		۸۶
<i>Balsamodendron kataf</i> = <i>Commiphora kataf</i>		Burseraceaea		۲۴۲
<i>Balsamodendron mukul</i> Hook.		Burseraceaea	Bdeillum Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree	۲۸۴، ۲۶۴
<i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.		Burseraceaea	Gum myrrh tree	۲۷۸، ۸۶
<i>Bambusa arundinacea</i> Willd. = <i>Arundo bambos</i> L. = <i>Bambusa bambos</i> (L.) Voss		Gramineae	Reed bamboo, Spiny bamboo, Thorny bamboo, Indian bamboo.	۲۰۰، ۱۴۰
<i>Bambusa</i> sp.		Gramineae	Bamboo	۱۴۰
<i>Barbarea vulgaris</i> R.Br.		Cruciferae	Bitter winter cress	۱۰۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Barjonia racemosa</i> Decne.		Asclepiadaceae		۴۲
<i>Baswellia</i> Roxb.		Burseraceae		۳۲۵، ۲۷۴
<i>Bdellium</i> Engl.		Burseraceae	aromatic gum resin obtained from trees of the genus <i>Commiphora</i>	۲۸۴
<i>Bdellium indicum</i>		Burseraceae		۲۸۴
<i>Berberis asiatica</i> Roxb.	*	Berberidaceae	Asiatic barberry	۶۱
<i>Berberis lycium</i> Roy.	**	Berberidaceae		۱۲۰
<i>Berberis vulgaris</i> L.	*	Berberidaceae	European barberry	۶۱
<i>Beta vulgaris</i> L.	*	Chenopodiaceae	Common beet	۳۳۱، ۱۹۷، ۱۹۲، ۱۷۴
<i>Betonica alopecuroides</i> L.		Labiataeae		۳۴۷
<i>Betonica officinalis</i> L.		Labiataeae	Common betony	۲۳۹
<i>Bistorta officinalis</i> Rafin. = <i>Polygonum bistorta</i> L.		Polygonaceae	Common betony	۶۴
<i>Blepharis persica</i>	*	Acantaceae		۶۵
<i>Blitum virgatum</i> L. = <i>Chenopodium foliosum</i> (Moench) Asch.		Chenopodiaceae	Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed	۸۴
<i>Bonaveria securidaca</i> Desv. = <i>Coronilla securidaca</i> L. = <i>Securigera coronilla</i> DC. = <i>Securigera securidaca</i> (L.) Degen & Doerfler		Papilionaceae		۶۹
<i>Borago officinalis</i> L.	**	Boraginaceae	Common borrago	۲۶۸
<i>Boswellia carterii</i> Bird		Burseraceae	Bible frankincense	۲۶۳، ۲۲۵،
<i>Boswellia serrata</i> Roxb.		Burseraceae	Indian frankincense; Salai tree	۲۶۳
<i>Boswellia</i> sp.		Burseraceae	Frankincense ; Incense tree	۲۶۱
<i>Bovista plumbea</i> Pers. = <i>Lycoperdon plumbeum</i>		Lycoperdaceae - Macrofungi	Lead-grey Bovist.	۲۲۶
<i>Brassica alba</i> L.		Cruciferae	White mustard	۳۳۳، ۱۱۵
<i>Brassica bunias</i> DC.		Cruciferae		۳۳۰
<i>Brassica campestris</i> L.	*	Cruciferae	Bird rape	۱۹۰
<i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal.		Cruciferae		۱۹۰
<i>Brassica capitata</i> Hort.		Cruciferae		۲۵۶
<i>Brassica caulorapa</i> Pasq.		Cruciferae		۲۵۶
<i>Brassica cretica</i> L.		Cruciferae		۳۳۱
<i>Brassica erucastrum</i> L.		Cruciferae		۱۰۲
<i>Brassica incana</i> L.		Cruciferae		۳۳۱، ۲۵۶
<i>Brassica napus</i> L.		Cruciferae	Winter rape	۳۳۰، ۱۹۰
<i>Brassica nigra</i> Koch.		Cruciferae	Black mustard	۱۳۱
<i>Brassica oleracea</i> L.	*	Cruciferae	Wild cabbage	۳۳۱، ۲۵۶
<i>Brassica oleracea</i> var. <i>botrytis</i>	*	Cruciferae	Cauliflower	۲۴۵
<i>Brassica rapa</i> L.		Cruciferae	Turnip	۳۳۰
<i>Brassica sinapistrum</i> Boiss.		Cruciferae		۱۳۱



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Bryonia alba</i> L.		Cucurbitaceae	White bryony	۲۹۷، ۲۲۲
<i>Bryonia dioica</i> Jacq.	*	Cucurbitaceae	Red-berry bryony	۲۹۷، ۲۲۲
<i>Bryonia</i> sp.		Cucurbitaceae	Bryony	۲۲۲
<i>Bulbocodium vernum</i> L.		Liliaceae	Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron	۱۶۲
<i>Bunias erucago</i> L.		Cruciferae		۳۳۰
<i>Bunium bulbocastanum</i> L.		Umbeliferae		۱۰۸
<i>Bupthalmum speciosissimum</i> Ard.		Umbeliferae		۲۹۰
<i>Bupleurum fruticosum</i> L.		Umbeliferae	Shrub thoroughwax	۳۴۰، ۱۸۲، ۱۲۱
<i>Bupleurum rotundifolium</i> Schou.	*	Umbeliferae	Round-leaved thoroughwax ; Round-leave hare's-ear	۱۲۱
<i>Bupleurum</i> sp.		Umbeliferae	Oxyeye	۱۲۱
<i>Buxus dioica</i> For.		Buxaceae		۲۰۱
<i>Buxus sempervirens</i> L.		Buxaceae	Common box	۲۰۷، ۸۲
<i>Cacalia</i> sp.		Compositae		۲۳۳، ۲۳۲
<i>Cacalia verbascifolia</i> Sib.		Compositae		۲۳۲
<i>Caccinia glauca</i> Savi . = <i>Cacalia macranthera</i> Var. <i>crassifolia</i> (Vent.) Brand	*	Boraginaceae		۲۶۸
<i>Cachrys libnotis</i> L.		Umbeliferae		۳۴۱، ۳۱۰
<i>Cadaba farinosa</i> Forsk.		Capparidaceae		۱۶۹، ۳۳
<i>Cadaba</i> sp.		Capparidaceae		۱۶۹
<i>Caesalpinia bonducella</i> Fl. = <i>Caesalpinia bonduc</i> Roxb.	*	Caesalpinaceae	Nicker-nut caesalpina	۱۰۰، ۸۸، ۵۴
<i>Caesalpinia echinata</i> L.		Caesalpinaceae	Prickly brazilwood	۲۱۰
<i>Caesalpinia sappan</i> L.		Caesalpinaceae	Sappan caesalpinia	۸۰
<i>Caesalpinia</i> sp.		Caesalpinaceae	Brasiletto	۲۱۰
<i>Cakile maritima</i> Sco.		Cruciferae	GULF SEAROCKET	۲۴۳، ۲۳۲
<i>Calamintha acinos</i> Man.		Labiatae	Spring savory	۲۲۰
<i>Calamintha graveolens</i> Benh.		Labiatae		۲۲۰
<i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held.		Labiatae		۱۰۳
<i>Calamus aromaticus</i> = <i>Acorus aromaticus</i> Lam.		Araceae	Sweet flag	۲۹۳، ۲۴۰
<i>Calamus asiaticus</i>		Araceae		۲۹۳
<i>Calamus draco</i> Willd . = <i>Daemonoropos draco</i> BLUME		Araceae		۱۴۷
<i>Calendula arvensis</i> L.		Compositae	Pot marigold	۳۰
<i>Calendula officinalis</i> L.	*	Compositae		۳۰۷، ۳۰
<i>Calligonum comosum</i> L.	*	Polygonaceae		۴۴
<i>Calligonum</i> sp.		Polygonaceae	Calligonum	۴۴
<i>Callitris quadrivalvis</i> Vent.		Cupressaceae	Arar tree	۱۷۸
<i>Callitris</i> sp.		Cupressaceae	Cypress pine	۱۷۸

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Calotropis procera</i> R.B.	*	Asclepiadaceae	French cotton	۲۰۹
<i>Calotropis</i> sp.		Asclepiadaceae	Calotrope	۲۰۹
<i>Calycotome spinosa</i> Lk. = <i>Calycotome spinosa</i> (L.) Link.		Papilionaceae	ginestra spinosa	۳۲۴، ۱۴۱
<i>Camelina sativa</i> Crant.		Cruciferae	Big-seeded false flax	۳۵۴
<i>Campanula lacinata</i> L.		Campanulaceae		۳۴۸
<i>Campanula ramosissima</i> Sibth.		Campanulaceae		۴۲
<i>Camphorosma glabrum</i> L.		Chenopodiaceae		۲۴۹
<i>Camphorosma</i> sp.	*	Chenopodiaceae	Camphorflume	۱۶۰
<i>Canna</i> sp.		Cannaceae	Canna	۲۴۵
<i>Cannabis indica</i> L.		Cannabaceae		۱۱۲
<i>Cannabis sativa</i> L.		Cannabaceae	Hemp	۳۴۶، ۲۴۵، ۱۱۲، ۹۵
<i>Cannabis sativa</i> L. var. <i>indica</i>		Cannabaceae		۳۴۶، ۳۱۷، ۱۱۲
<i>Cannabis sylvestris</i>		Cannabaceae		۲۴۵
<i>Capparis</i> sp.		Capparidaceae	Caper-caperbush	۲۵۰
<i>Capparis spinosa</i> L.	*	Capparidaceae	Common capers	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۵۰
<i>Capsicum frutescens</i> L.		Solanaceae	Spanish pepper ; Bush red pepper	۲۲۸، ۱۴۲
<i>Capsicum minimum</i> Rox.		Solanaceae		۲۹۷
<i>Capsicum</i> sp.		Solanaceae	Red pepper	۲۲۸
<i>Cardamine amara</i> L.		Cruciferae		۲۳۶
<i>Cardamomum</i> sp. = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton = <i>Amomum cardamomum</i> L.		Zingiberaceae	cardamom	۳۰۹، ۲۳۶
<i>Cardopatum corymbosum</i> pers.		Compositae		۳۳۶، ۵۱، ۴۷
<i>Carduus benedictus</i> Auct.		Compositae		۷۱
<i>Carduus pycnocephalus</i> L.	*	Compositae		۳۳۶
<i>Carthamus lanatus</i> L.	*	Compositae	Woolly safflower	۳۴۲، ۲۳۷، ۲۱۰، ۴۲
<i>Carthamus</i> sp.		Compositae	Safflower ; False saffron	۲۳۸
<i>Carthamus tinctorius</i> L.	*	Compositae	Safflower	۲۳۶، ۲۱۰، ۴۲
<i>Carum ammioides</i> Benth.		Umbeliferac		۱۵۵
<i>Carum ammioides</i> Benth.		Umbeliferac		۳۶
<i>Carum bulbocastanum</i> Koch.		Umbeliferac		۲۲۲
<i>Carum carvi</i> L.		Umbeliferac	Caraway	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۲، ۲۵۶
<i>Carum copticum</i> Ben. = <i>Trachyperrum copticum</i> (L.) Link		Umbeliferac	Ajowan caraway	۳۴۰، ۲۸۹، ۲۲۲
<i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook.		Umbeliferac		۳۴۱، ۳۱۵، ۲۲۷، ۲۵۴
<i>Carya</i> sp.		Juglandaceae	Hickory	۲۳۲
<i>Caryophyllus aromaticus</i> L.		Caryophyllaceae		۲۳۸
<i>Cassia absus</i> L.		Caesalpinaceae		۹۴
<i>Cassia acutifolia</i> Deli.		Caesalpinaceae	Alexandria senna	۱۷۷
<i>Cassia angustifolia</i> Vahl.		Caesalpinaceae	Congo senna	۱۷۷
<i>Cassia fistula</i> L.		Caesalpinaceae	Golden-shower	۱۴۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			senna ; purging cassia	
<i>Cassia lanceolata</i> Forsk.		Caesalpinaceae		۱۷۷
<i>Cassia obovata</i> Coll.		Caesalpinaceae		۲۱۰
<i>Cassia sophora</i> L.		Caesalpinaceae		۲۱۰
<i>Cassia tora</i> L.		Caesalpinaceae		۲۴۴، ۲۱۰، ۱۵۸
<i>Castanea sativa</i> Mill.		Fagaceae	European chestnut ; Spanish chestnut	۸۷
<i>Castanea vesca</i> Gaertn.		Fagaceae		۸۷
<i>Castanea vulgaris</i> Lam.		Fagaceae		۸۷
<i>Caucalis maritima</i> L.		Umbeliferae		۳۳۲، ۳۱۴
<i>Caucalis orientalis</i> (L.) RE . = <i>Astrodaucus orientalis</i> (L.)Drude		Umbeliferae		۸۹
<i>Cedrus deodara</i> Loud.	**	Pinaceae	Deodar cedar	۱۴۹
<i>Cedrus libani</i> Barrel.	**	Pinaceae	Cedar Lebanon	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۳۴، ۴۴
<i>Cedrus libani</i> Loud.	**	Pinaceae		۱۴۹
<i>Celosia argentea</i> L.	**	Amarantaceae	Feather cockscomb	۷۹
<i>Celtis australis</i> L.	*	Ulmaceae	European hackberry	۳۲۸، ۲۷۲
<i>Celtis</i> sp.		Ulmaceae	Haircap moss	۲۸۶
<i>Cenchrus frutescens</i> Sieber		Gramineae		۳۲۶
<i>Centaurea aegpitiaca</i> Del.		Compositae		۲۷۸
<i>Centaurea alexandrina</i> D.		Compositae		۲۷۸
<i>Centaurea behen</i> L.	*	Compositae	White behen	۹۱
<i>Centaurea benedicta</i> L.		Compositae		۱۱۰
<i>Centaurea calcitrapa</i> L.		Compositae	Star thistle	۲۷۸
<i>Centaurea centaurium</i> L.		Compositae		۳۳۶، ۳۱۳، ۲۴۶
<i>Centaurea cyanus</i> L.	*	Compositae	Corn flower ; Bachlor's button ; Bluebottle	۲۴۶، ۱۰۸
<i>Centaurea minus</i> Moen.		Compositae		۲۴۶
<i>Centaurea officinale</i>		Compositae		۲۴۶
<i>Centaurea pallescens</i> Del.		Compositae		۲۷۸
<i>Centaurea</i> sp.		Compositae		۲۴۶
<i>Centaurea stellata</i>		Compositae		۲۷۸
<i>Cephalaria pilosa</i> Schr . = <i>Dipsacus pilosus</i> L.	*	Dipsaceae		۲۱۰
<i>Cerastium aquaticum</i> L. = <i>Myosoton aquaticum</i> (L.)Monch.	*	Caryophyllaceae		۳۴۹
<i>Cerasus avium</i> L.	*	Rosaceae	Mazzard cherry ; Gean ; Sweet cherry	۲۳۴
<i>Cerasus mahaleb</i> Mill.	*	Rosaceae	Mahhlab	۱۱۳
<i>Ceratonia siliqua</i> L.	*	Caesalpinaceae	Carob	۳۲۸، ۳۰۱، ۱۳۲
<i>Cercis siliquastrum</i> L.	*	Caesalpinaceae	Judas tree	۱۴۱، ۴۴
<i>Cercis</i> sp.	*	Caesalpinaceae	Cercis ; Redbud	۴۴
<i>Cerinth minor</i> L.		Boraginaceae	Lesser honeywort	۳۳۰
<i>Ceterach officinarum</i> L.		Boraginaceae	Miltwaste	۱۱۹، ۴۹
<i>Ceterach</i> sp.		Boraginaceae		۳۵۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss)		Aspleniaceae		۱۱۷
<i>Chaerophyllum</i> sp.		Umbeliferae	Chervill	۲۳۲
<i>Chamaecyparis</i> sp.		Cupressaceae	False cypress	۱۸۷
<i>Chamaeleo vulgaris</i> = <i>Chamaeleo chamaeleon</i> (Parasite)		Chamaeleonidae	Common or European or Mediterranean Chameleon	۴۷
<i>Chamaepeuce diacantha</i> DC.		Compositae		۱۲۸
<i>Cheiranthus cheiri</i> L.	**	Crucifrae	Common wallflower	۲۸۵، ۱۷۰، ۱۴۰
<i>Cheiranthus flava</i> L.		Crucifrae		۳۴۴
<i>Cheiranthus incanus</i> L.		Crucifrae		۱۶۹
<i>Cheiranthus</i> sp.		Crucifrae	Wallflower	۲۸۵، ۱۴۰
<i>Cheiranthus tricuspidatus</i> L.		Crucifrae		۳۴۴
<i>Chelidonium carniculatum</i> L.		Papaveraceae		۲۷۶
<i>Chelidonium dodecandrum</i> Forsk.		Papaveraceae		۱۶۱
<i>Chelidonium majus</i> L.	*	Papaveraceae	Greater celandine	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۷۶، ۲۰۹، ۱۲۷
<i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	*	Chenopodiaceae	Wormseed goose ; Wormseed tea ; Mexican tea	۱۹۰، ۷۷
<i>Chenopodium botrys</i> L.	*	Chenopodiaceae	Jerusalem-oak goosefoot ; Jerusalem oak	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۹۰، ۷۷
<i>Chenopodium capitatum</i> L.		Chenopodiaceae	Blire goosefoot ; Straw berry blite	۸۳
<i>Chenopodium murale</i> L.	*	Chenopodiaceae	Nettle-leaf goosefoot	۱۵۹
<i>Chondrilla juncea</i> L.		Compositae	Rush skeleton weed ; Gun succory	۳۲۲، ۳۱۱، ۳۰۱، ۲۹۸، ۱۳۹
<i>Chondrilla ramosissima</i> Sibth.		Compositae		
<i>Chondrilla</i> sp.		Compositae	Sierra juniper	۱۳۹
<i>Chrysanthemum coronarium</i> L.		Compositae	Crowndaisy ; Crown-daisy chrysanthemum	۳۵۰، ۹۱
<i>Chrysanthemum parthenium</i> Pers. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Shultz-Bip.	*	Compositae	Feverfew ; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۳۱۷، ۱۸۸، ۵۸
<i>Chrysanthemum segetum</i> L.		Compositae	Corn chrysanthemum ; Corn marigold	۹۱
<i>Chrysocoma linosyris</i> L.		Compositae		۳۵۰
<i>Chrysocoma</i> sp.		Compositae		۳۵۰، ۳۱۹، ۱۵۱،
<i>Cicer arietinum</i> L.	*	Papilionaceae	Chick-pea ; Gram chick-pea	۳۳۰، ۱۲۴
<i>Cichorium endivia</i> L.	**	Compositae		۳۳۲، ۲۹۸
<i>Cichorium intybus</i> L.	*	Compositae	Common chicory	۲۹۸، ۲۹۸
<i>Cicuta virosa</i> L. = <i>Selinum</i> <i>virosus</i> (L.) E.H.L. Krause		Umbeliferae	European water hemlock ; Wasserschierling, Borstenkraut	۱۹۱
<i>Cincus acarna</i> = Picnomon		Compositae		۵۸

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>acarna</i> (L.) Cass.				
<i>Cincus</i> sp.		Compositae		۳۵۷
<i>Cinnamomum camphora</i> Nees.		Lauraceae	Camphor tree	۲۴۸
<i>Cinnamomum cassia</i> Boiss.		Lauraceae	Cassia bark tree ; Chinese cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۳۹، ۱۷۵، ۱۴۱
<i>Cinnamomum citriadorum</i> Th.		Lauraceae		۳۲۴، ۱۲۷
<i>Cinnamomum iners</i> Reinw.		Lauraceae		۳۲۴، ۱۷۵
<i>Cinnamomum malabathrum</i> Burm.		Lauraceae		۱۲۷
<i>Cinnamomum obtusifolium</i> Nees.		Lauraceae		۱۷۵
<i>Cinnamomum tamala</i> Nees.		Lauraceae		۱۲۷
<i>Cinnamomum zeilanicum</i> Nees.	**	Lauraceae	Ceylon cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹، ۲۳۸، ۱۴۱
<i>Cinnamomum</i> sp.		Lauraceae	Cinnamon	۱۴۱
<i>Circaea lutetiana</i> L.	*	Onagraceae	Paris circaea	۲۱۰
<i>Circaea</i> sp.		Onagraceae	Enchanter's nightshade	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۱۰
<i>Cirsium diacantha</i> DC.		Compositae		۱۲۸
<i>Cirsium rhozocephalum</i> C.A.Mey.	*	Compositae		۱۵۱
<i>Cirsium stellatum</i> L.		Compositae		۳۵۷، ۳۹
<i>Cirsium tenuiflorum</i> Boiss.		Compositae		۳۵۴
<i>Cirsium tuberosum</i> All.		Compositae		۳۳۷
<i>Cissus</i> sp.		Vitaceae	Treebine	۱۷۴
<i>Cissus vitiginea</i> L.		Vitaceae		۳۲۴، ۱۲۴
<i>Cistus creticus</i> L.		Cistaceae	Wrinkle leaf rockrose	۳۲۷، ۲۶۰
<i>Cistus hypocistis</i> L.		Cistaceae		۳۲۷، ۳۱۰
<i>Cistus ladanifolius</i> L.		Cistaceae	Gum rockrose	۳۲۷، ۲۶۰، ۲۳۹
<i>Cistus salviaefolius</i> Boiss.		Cistaceae		۳۲۷
<i>Cistus</i> sp.		Cistaceae	Rockrose	۲۶۰
<i>Cistus villosus</i> L.	**	Cistaceae	Rock rose	۳۲۷، ۲۶۰
<i>Citrullus colocynthis</i> Schrad	*	Cucurbitaceae		۲۳۷، ۱۲۷
<i>Citrus amara</i> Link.		Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
<i>Citrus aurantifolia</i> Sw . = <i>Citrus aurantium</i> L.	*	Rutaceae		۲۷۴، ۴۵۰
<i>Citrus aurantium</i> Lou.& Auc.	*	Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
<i>Citrus bigaradia</i> Lois . = <i>Citrus aurantium</i> L.	*	Rutaceae		۲۸۹
<i>Citrus limonum</i> Risso		Rutaceae	Lemon	۲۷۴، ۴۵۰
<i>Citrus medica</i> L.	*	Rutaceae	Cloza	۲۷۴، ۴۵۰
<i>Citrus medica</i> Risso	*	Rutaceae		۲۷۴
<i>Citrus medica</i> Risso var. <i>cerata</i>		Rutaceae		۳۲۸، ۳۱۰، ۴۵۰
<i>Citrus</i> sp.		Rutaceae	Citrus	۲۷۴
<i>Citrus vulgaris</i> Riss.		Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cladrastis</i> sp. = <i>Cladrastis lutea</i> = <i>Cladrastis kentukea</i>		Papilionaceae	Yellowwood	۱۳۶
<i>Clematis cirrhosa</i> L.		Ranunculaceae	Vernal clematis	۳۵۶
<i>Clematis ochroleuca</i> Poir.		Ranunculaceae		۲۰۵
<i>Clinopodium montanum</i> (L.) Kuntz.		Labiatae		۲۳۸
<i>Clinopodium vulgare</i> L.	*	Labiatae	Wild basil savory	۳۴۲، ۳۱۵
<i>Clitoria ternatea</i> L.		Papilionaceae	Butterfly Pea	۲۷۵
<i>Cnicus acarna</i> L.		Compositae		۳۳۶، ۷۱
<i>Cnicus tuberosus</i> L.		Compositae		۳۳۷
<i>Cochlearia armoracia</i> L.		Cruciferae		۲۲۴
<i>Cochlearia coronopus</i> L.		Cruciferae		۱۱۶، ۳۶
<i>Cocos nucifera</i> L.	**	Palmaeae	Coconut palm	۲۸۷، ۲۸۹
<i>Cola acuminata</i> Sch. = <i>Sterculia acuminata</i>		Sterculiaceae	Sudan colanut	۱۳۲
<i>Colacasia antiquorum</i> Sch.		Araceae		۲۴۴
<i>Colacasia esculenta</i> L. = <i>Colocasia antiquorum</i> var <i>esculenta</i>		Araceae	papa china, taro, bore, ocumo, quiquisque	۲۴۴
<i>Colchicum autumnale</i> L.		Cholchicaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲
<i>Colchicum autumnale</i> L.		Cholchicaceae	Common autumn crocus ; Meadow saffron	۱۸۰
<i>Colchicum montanum</i> L. = <i>Cholchicum szovitsii</i> Fisch & C.A. Mey.	*	Cholchicaceae		۲۱۲
<i>Colchicum parnassicum</i> Sart.		Cholchicaceae		۳۵۳
<i>Colchicum persicum</i> Bak.		Cholchicaceae		۱۸۰
<i>Colchicum</i> sp.		Cholchicaceae	Autumn crocus	۱۸۰
<i>Colchicum speciosum</i> Ste.		Cholchicaceae		۱۸۰
<i>Colchicum variegatum</i> L.		Cholchicaceae		۱۸۰
<i>Collinsonia canadensis</i> L.		Labiatae	Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm	۸۲
<i>Colocasia antiquorum</i> Shott. = <i>Arum esculentum</i> L., <i>Caladium esculentum</i> (L.) Vent.,		Araceae	taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears	۲۳۱
<i>Commiphora abyssinica</i> Engl.		Burseraceae	Abyssinian myrrh tree	۲۷۸
<i>Commiphora africanum</i> Engl.		Burseraceae		۲۸۴
<i>Commiphora kataf</i> Engl.		Burseraceae		۲۴۲
<i>Commiphora mukul</i> Engl. = <i>Balsamodendrum mukul</i> Hook.		Burseraceae		۳۲۵، ۲۸۴
<i>Commiphora mulomol</i> Engel.		Burseraceae		۲۸۴
<i>Commiphora myrrha</i> Engl.		Burseraceae	Common myrrh tree	۳۲۵، ۲۸۹، ۲۷۸
<i>Commiphora opobalsamum</i> Engl.		Burseraceae	Mecca myrrh tree	۸۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Conandron sp.		Gesneriaceae	Iwa-tabako	۲۴۳
Conium maculatum L.	*	Umbeliferae	Poison hemlock	۳۵۲، ۳۲۰، ۲۰۱، ۱۹۱
Convallaria polygonatum L.		Liliaceae		۳۴۸
Convallaria rusticellata L.		Liliaceae		۳۵۳
Convolvulus arvensis L.	*	Convolvulaceae	European glovybind	۳۴۸، ۲۶۷
Convolvulus farinosus L.		Convolvulaceae		۳۵۶
Convolvulus hystirix Vahl.		Convolvulaceae		۱۹۸
Convolvulus scammonia L.		Convolvulaceae	Scammony glorybind	۳۵۶، ۱۷۳
Convolvulus sepium L.		Convolvulaceae	Heath rush	۲۸۹
Convolvulus sepium L.		Convolvulaceae	Glorybind	۳۵۰، ۳۴۸
Convolvulus sp.		Convolvulaceae		۲۶۷
Convolvulus syriacus		Convolvulaceae		۱۷۳
Convolvulus turpethum L.		Convolvulaceae		۹۴
Conyza candida L.		Compositae		۳۵۴
Conyza squarrosa L.		Compositae		۳۳۹
Coptis teeta Wall.		Ranunculaceae		۲۷۶
Corallina officinalis L.		Corallinaceae		۳۵۳، ۲۰۱
Corallium rubraum L. (Red Coral)			Potato bean	۷۹
Corchorus olitorius L.	*	Liliaceae		۲۸۴
Cordia myxa L.	*	Boraginaceae		۱۶۷، ۱۴۳
Cordia sebestena L.		Boraginaceae		۱۶۷
Coriandrum sativum L.	*	Umbeliferae	Coriader	۳۴۰، ۲۵۷
Coriandrum sp.		Umbeliferae	Coriader	۲۵۷
Cornus mas L.	*	Cornaceae	Cornelian cherry ; Cornelian cherry	۳۲۸، ۲۳۵، ۱۶۳
Cornus mascula L.		Cornaceae		۳۲۸، ۲۷۸
Cornus sanguinea L.	*	Cornaceae	Red dog wood	۲۳۵
Cornus sp.		Cornaceae	Campion	۲۳۵
<i>Croton tinctorium</i> L. = <i>Chrozophora tinctoria</i> (L.) A. Juss.		Euphorbiaceae	Croton; Maurelle(F)	۳۵۷
Corydalis claviculata (L.) DC.		Fumariaceae		۳۵۷
Corylus avellana L.	*	Corylaceae		۳۲۹، ۱۰۰، ۸۸
Costus albus A.Chev		Zingiberaceae		۲۳۹
Costus amarum Rad.		Zingiberaceae		۲۳۹
Costus arabicus L.		Zingiberaceae		۲۳۹
Costus speciosus Sm.		Zingiberaceae	Crape Ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹
Cotoneaster nigra Wahl.		Rosaceae		۱۹۳
Cotoneaster nummularia Fich & Mey.		Rosaceae		۱۹۳
Cotoneaster spp.		Rosaceae	Cotoneaster	۱۵
<i>Cotoneaster vulgaris</i> L. = <i>Cotoneaster integerrima</i> Medicus	*	Rosaceae		۱۹۳
Cotyledon lusitanicus Lam.		Crassulaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۴۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cotyledon serrata</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Cotyledon umbilicus</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳، ۱۷۰، ۳۴
<i>Crambe maritima</i> L.		Cruciferae	Common colewort	۲۵۶
<i>Crataegus azarolus</i> L.	*	Rosaceae	Azarole hawthorn	۳۲۸، ۲۹۱، ۱۶۲، ۹۴
<i>Crataegus lagenaria</i> Fisch.		Rosaceae		۱۶۲
<i>Crataegus melanocarpa</i> Bory & Chu.	*	Rosaceae		۱۶۲
<i>Crataegus monogyne</i> Jacq. = <i>Crataegus microphylla</i> C.koch.	*	Rosaceae	Single-seed hawthorn	۱۶۲
<i>Crataegus orientalis</i> Bieb.	*	Rosaceae	Silver hawthorn	۱۶۲
<i>Crataegus oxyacantha</i> L.	*	Rosaceae	English hawthorn ; European hawthorn	۳۲۶، ۳۱۰، ۱۶۲، ۵۹
<i>Crataegus pentagyna</i> (St.- Hil.) Eng. = <i>Crataegus</i> <i>melanocarpa</i> M.B.	*	Rosaceae		۱۶۲
<i>Crataegus pyracantha</i> Medic.		Rosaceae		۳۲۶
<i>Crataegus sinaica</i> Boiss.		Rosaceae		۹۴
<i>Crataegus</i> sp.		Rosaceae	Hawthorn	۱۶۲
<i>Cressa cretica</i> L.		Convolvulaceae		۳۴۵، ۱۶۵، ۶۴
<i>Crinum</i> sp.		Amarantaceae	Crinum	۱۴۳
<i>Crithmum maritimum</i> L.		Umbelliferae	Samphire	۳۳۱، ۳۱۱، ۱۵۵
<i>Crocus sativus</i> L.	*	Iridaceae	Saffron crocus	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۶۳
<i>Crocus</i> sp.		Iridaceae	Crocus	۱۶۳
<i>Crotalaria juncea</i> L.Q		Papilionaceae	Sunn crotalaria; Sunn hemp	۱۷۷
<i>Crotalaria retusa</i> L.	**	Papilionaceae		۲۴۴، ۱۵۸
<i>Croton tiglium</i> L.		Euphorbiaceae	Purging coroton	۲۷۷، ۱۴۷، ۱۱۳
<i>Croton tinctorium</i> L.		Euphorbiaceae		۹۵
<i>Cucumis asininus</i> Willd.		Cucurbitaceae		۲۳۳
<i>Cucumis colocythis</i> L.		Cucurbitaceae		۳۵۶، ۲۳۷
<i>Cucumis flexuosus</i> L.		Cucurbitaceae	Snake melon	۲۳۳
<i>Cucumis melo</i> L.	*	Cucurbitaceae	Muskmelon	۳۳۲، ۱۹۰، ۸۱
<i>Cucumis pepo</i> Dum.		Cucurbitaceae	Pumpkin	۳۳۲
<i>Cucumis sativus</i> L.	*	Cucurbitaceae	Cucumber	۳۳۲، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۳، ۱۳۹
<i>Cucumis vulgaris</i>		Cucurbitaceae		۸۲، ۸۱
<i>Cucurbita citrullus</i> L.		Cucurbitaceae		۸۲
<i>Cucurbita lagenaria</i> L.		Cucurbitaceae		۳۳۲، ۲۳۷
<i>Cucurbita maxima</i> Duch.		Cucurbitaceae	Winter squash	۲۳۸
<i>Cucurbita pepo</i> L.	*	Cucurbitaceae		۲۳۷، ۱۴۲
<i>Cucurbita</i> sp.		Cucurbitaceae	Gourd ; squash	۲۳۷، ۱۴۲
<i>Cuminum cyminum</i> L.	*	Umbliferae	Cumin	۳۴۰، ۳۱۵، ۲۶۲
<i>Cupressus horizontalis</i> Mill.		Cupressaceae		۳۹
<i>Cupressus sempervirens</i> L.	**	Cupressaceae	Italian cypress	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۷۰، ۳۹
<i>Cupressus</i> sp.		Cupressaceae	Cypress	۱۷۰
<i>Curcuma aromatica</i> Salisb.		Zingiberaceae	Curcuma; Status(es) (compiled from	۲۵۶



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Curcuma caesia</i> Roxb.		Zingiberaceae		۲۵۵، ۱۰۲
<i>Curcuma domestica</i> Valet.		Zingiberaceae		۵۳
<i>Curcuma longa</i> Ra.	**	Zingiberaceae	Common turmeric	۲۷۶، ۲۵۵، ۲۱۰، ۵۳
<i>Curcuma</i> sp.		Zingiberaceae	Turmeric	۲۵۵
<i>Curcuma tinctoria</i> Gui.		Zingiberaceae		۲۷۶، ۵۳
<i>Curcuma zedoaria</i> Rosc.		Zingiberaceae		۲۵۵، ۱۶۱، ۱۰۲، ۵۳
<i>Cuscuta epithymum</i> Mur.		Cuscutaceae	Common dodder	۳۵۶، ۲۵۸، ۱۲۳، ۵۶، ۵۵
<i>Cuscuta europaea</i> L.	*	Cuscutaceae	Greater dodder	۳۳۲، ۲۵۸، ۵۵
<i>Cuscuta hyalina</i> Roth.		Cuscutaceae		۲۵۸
<i>Cuscuta monogyna</i> Vahl.	*	Cuscutaceae		۲۵۸
<i>Cuscuta planifolia</i> Ten.	*	Cuscutaceae		۲۵۸
<i>Cuscuta</i> sp.		Cuscutaceae		۲۶۰
<i>Cyclamen europaeum</i> L.		Primulaceae	European cyclamen	۳۳۳، ۳۱۲، ۱۸۶، ۷۵، ۲۳
<i>Cyclamen graecum</i> L.		Primulaceae		۳۳۳
<i>Cyclamen hederacifolium</i> Ait.		Primulaceae		۳۳۴، ۱۶۵
<i>Cyclamen</i> sp.		Primulaceae	Cyclamen	۲۰۸، ۱۳۰، ۷۵، ۳۵
<i>Cydonia indica</i> Spach	*	Rosaceae		۱۸۹
<i>Cydonia oblonga</i> Mill.	*	Rosaceae	Apple quince	۱۷۲
<i>Cydonia semina</i> = <i>Pyrus cydonia</i> L.		Rosaceae		۱۷۲
<i>Cydonia vulgaris</i> Delarbre = <i>Cydonia Oblonga</i>		Rosaceae	(Kwee)	۱۷۲
<i>Cydonia vulgaris</i> Pers.		Rosaceae	Common quince	۳۲۸، ۳۱۰
<i>Cymbopogon schoenanthus</i> Spreng.		Gramineae	Halfa bar	۳۲۴، ۴۴۳
<i>Cynanchum erectum</i> L.		Asclepiadaceae		۳۵۲، ۴۴۲
<i>Cynanchum nigrum</i> Pers.		Asclepiadaceae		۳۴۴
<i>Cynanchum pyrotechnicum</i> L.		Asclepiadaceae		۲۷۸
<i>Cynanchum vincetoxicum</i> Pers.		Asclepiadaceae	White swallowwort	۳۴۲
<i>Cynara cardunculus</i> L.		Compositae	Cardoon	۲۹۹، ۱۱۵، ۱۱۴
<i>Cynara scolymus</i> L.		Compositae	Artichoke ; Globe artichoke	۳۳۷، ۲۶۲، ۱۱۵، ۱۱۴
<i>Cynara</i> sp.		Compositae		۲۹۹، ۱۱۵
<i>Cynara syriacus</i> Gaer.		Compositae		۲۹۹، ۲۹۹
<i>Cynips gallaeturciae</i> Hart.		Cynipidae	Gall wasps	۲۱۲
<i>Cynodon dactylon</i> Pers.		Gramineae		۳۳۶، ۲۰۰، ۹۹
<i>Cynoglossum officinale</i> L.		Boraginaceae	Common hound's-tongue	۳۵۴، ۲۷۰
<i>Cynoglossum</i> sp.		Boraginaceae	Hound's-tongue	۲۷۰
<i>Cynomorium coccineum</i> L.		Cynomoriaceae		۲۰۱
<i>Cynosurus egyptiaca</i> L.		Gramineae	Hedgehog dog's-tall	۳۴۹
<i>Cyperus esculentus</i> L.		Cyperaceae	Chufa flat sedge ; chufa; Earth almond	۱۶۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۴۹
<i>Cyperus longus</i> L.	*	Cyperaceae	Galingale flat sedge ; Long cyperus	۱۷۲، ۳۲۴، ۳۰۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cyperus papyrus</i> L.		Cyperaceae	Payrus	۷۰
<i>Cyperus papyrus</i> Trin.		Cyperaceae		۳۲۲، ۳۰۹
<i>Cyperus rotundus</i> L.	*	Cyperaceae	Nut grass flat sedge	۱۷۲
<i>Cyperus</i> sp.		Cyperaceae	Flat sedge cypress grass	۱۷۲
<i>Cytisus hypocistis</i> L.		Papilionaceae		۲۹۹، ۲۶۷، ۲۶۰
<i>Cytisus lanigerus</i> DC.		Papilionaceae		۳۲۴
<i>Cytisus scoparius</i> Br.		Papilionaceae	Scotch cotton thistle	۱۰۴
<i>Cytisus spinosus</i> Lam.		Papilionaceae		۱۴۱
<i>Dactylis repens</i> L.		Gramineae		۳۴۹
<i>Dactylon officinale</i> Villars . = <i>Cynodon dactylon</i> (L.) Persoon		Gramineae	bermuda-grass	۹۹
<i>Daemia cordata</i> R.Br.		Asclepiadaceae		۲۲۱
<i>Daemonorops draco</i> Blume = <i>Calamus draco</i> Willd.		Arecaceae	dragon's blood	۱۴۷
<i>Dalbergia lanceolaria</i> L.		Papilionaceae		۷۴
<i>Dalbergia melanoxylon</i> G.D.R.		Papilionaceae	African blackwood	۳۳
<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.		Papilionaceae		۷۴، ۳۷
<i>Danthonia</i> sp.		Gramineae	Danthonia	۱۲۷
<i>Daphne angustifolium</i> C.Koch = <i>Daphne mucronata</i> Royle	*	Thymelaceae		۲۷۰
<i>Daphne gnidium</i> L.		Thymelaceae	Rose daphne	۳۰۷، ۲۷۷
<i>Daphne gnidium</i> L.		Thymelaceae		۲۷۷، ۳۰۰
<i>Daphne mezereum</i> L.	*	Thymelaceae	February daphne	۳۰۰، ۲۷۰، ۲۶۱
<i>Daphne oleoides</i> Schr.	*	Thymelaceae		۲۷۰، ۱۶۶
<i>Daphne tartoutraria</i> L.		Thymelaceae		۲۰۹
<i>Datura fastuosa</i> L.		Solanaceae		۸۸
<i>Datura metel</i> L. = <i>Datura innoxia</i> Miller	*	Solanaceae	Hindu datura	۲۸۰، ۱۰۹
<i>Datura stramonium</i> L.	*	Solanaceae	Jimso-weed datura	۳۰۲، ۱۰۹
<i>Daucus carota</i> L.	*	Umbeliferae	Wild carrot	۳۴۰، ۱۴۸، ۱۰۳، ۰۳
<i>Daucus gingidium</i> L.		Umbeliferae		۳۳۲، ۳۱۱، ۰۳
<i>Daucus guttatus</i> Sib. & Sm.		Umbeliferae		۳۴۰
<i>Delphinium consolida</i> L. = <i>Consolida regalis</i> S.F.Gray		Ranunculaceae	Branchin larkspur	۳۴۱
<i>Delphinium peregrinum</i> L.		Ranunculaceae		۳۴۱
<i>Delphinium semibarbatum</i> Bie.	*	Ranunculaceae		۱۶۲
<i>Delphinium zaili</i> Ait.		Ranunculaceae		۱۶۲
<i>Delphinium staphisagria</i> L.		Ranunculaceae		۳۰۰، ۲۸۹
<i>Dianthus caryophyllus</i> L.		Caryophyllaceae	Pink-carnation	۲۳۸
<i>Dianthus</i> sp.		Caryophyllaceae		۲۳۸
<i>Digitalis aegyptiaca</i>		Solanaceae		۳۴۹
<i>Digitaria stolonifera</i> Schrad.		Graminae		۹۹
<i>Diospyros ebenum</i> Kon.		Ebenaceae	Ebony persimmon	۳۳
<i>Diospyros melanoxylon</i> Roub.		Ebenaceae		۳۲۷
<i>Dipsacus fullonum</i> L.		Dipsacaceae	Wild teasel	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۰۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Dipsacus sylvestris</i> Mill. = <i>Dipsacus fullonum</i> ssp. <i>sylvestris</i>		Dipsacaceae	Teasel, Common or Wild	۳۳۶
<i>Docynia</i> sp.		Rosaceae		۱۸۹
<i>Dolichos biflorus</i> L.		Papilionaceae		۲۵۹, ۱۱۲
<i>Dolichos lablab</i> L.		Papilionaceae	Hyacinth dolchos	۲۶۷
<i>Dolichos lubia</i> Forsk		Papilionaceae		۳۳۳, ۳۱۲, ۲۷۱
<i>Dolichos</i> sp.		Papilionaceae	Dolichos	۱۱۱
<i>Dolichos uniflorus</i> L.		Papilionaceae		۱۱۲
<i>Dorema ammoniacum</i> Don.	*	Umbeliferae	Bombay sumbul	۳۴۲, ۳۱۵, ۲۹۵, ۵۲
<i>Dorema ammoniacum</i> Don.		Umbelliferae	Gummi-resina ammoniacum	۵۲
<i>Dorema</i> spp.		Umbeliferae	Sumbul	۵۲
<i>Doronicum cordatum</i> C.Koch = <i>Doronicum wulfenianum</i> <i>Poir.</i> = <i>Doronicum columnae</i> <i>Ten.</i>		Compositae		۱۲۹
<i>Doronicum hookeri</i> Hook.		Compositae		۱۴۵
<i>Doronicum pardalianches</i> L.		Compositae		۳۵۲, ۱۴۵, ۱۴۵, ۱۲۹
<i>Doronicum roylei</i> DC.		Compositae		۱۴۵
<i>Doronicum scorpioides</i> Lam. = <i>Doronicum viscosum</i> Nym. = <i>Doronicum grandiflorum</i> Lam.		Compositae		۱۴۵, ۱۴۵
<i>Dorycnium</i> L.		Papilionaceae		۱۴۴, ۳۵۲, ۳۱۹, ۶
<i>Dracaena cinnabari</i> Balf.		Agavaceae		۱۴۷, ۶۹
<i>Dracocephalum kotschyi</i> Boiss.	*	Labiatae		۸۴
<i>Dracocephalum moldavica</i> L.	*	Labiatae	Moldvian dragon head	۷۱
<i>Dracontium</i> sp.		Araceae		۱۸۶
<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot. = <i>Arum Dracunculus</i>		Araceae		۲۷۳, ۱۴۲
<i>Dryopteris aculeata</i> (L.) Kuntze		Aspidiaceae		۱۷۱
<i>Dryopteris filix max</i> L.	*	Aspidiaceae	Male fern	۳۵۷, ۱۶۹
<i>Dryopteris robertiana</i> (Hof.) C.Chr		Aspidiaceae		۱۶۹
<i>Ebenoxylon verum</i> Lour		Papilionaceae		۳۲۷
<i>Ebenus cretica</i> L.		Papilionaceae		۶۴
<i>Ebenus</i> L.		Papilionaceae		۳۲۷, ۳۱۰, ۳۳
Ebonytree (E) = <i>Dalbergia</i> sp.		Papilionaceae		۳۳
<i>Ecballium elaterium</i> Rich.		Cucurbitaceae	Squirting cucumber	۲۳۴, ۱۹۴
<i>Echinophora tenuifolia</i> L. = <i>Echinophora sibthorpiana</i> Guss.	*	Umbeliferae		۳۴۰, ۳۳۹, ۱۶۵, ۱۱۷
<i>Echinops sphaerocephalus</i>		Compositae	Common globe thistle	۳۴۱, ۳۳۶
<i>Echium amoenum</i> Fisch. & Mey.	*	Boraginaceae		۲۴۸
<i>Echium creticum</i> L.		Boraginaceae		۳۴۸
<i>Echium diffusum</i> L.		Boraginaceae		۳۸
<i>Echium italicum</i> L.	*	Boraginaceae		۳۴۹, ۳۸
<i>Echium rubrum</i> L.	*	Boraginaceae		۳۴۹, ۳۱۹, ۴۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Echium sericeum</i> Vahl.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Echium</i> sp.		Boraginaceae	Viper's bugloss	۴۲
<i>Echium vulgare</i> L.		Boraginaceae	Common viper's bugloss	۳۴۹
<i>Elaeagnus angustifolius</i> L.	*	Elaeagnaceae	Russian olive	۲۱۹، ۱۶۳
<i>Elaeagnus hortensis</i> Boiss.		Elaeagnaceae		۲۱۹
<i>Elaeagnus</i> sp.		Elaeagnaceae	Eleagnus	۱۶۳
<i>Elaterium agreste</i>		Cucurbitaceae		۲۳۴
<i>Elaterium officinale</i>		Cucurbitaceae		۲۳۴
<i>Elcaya jemenensis</i> Forsk.				۱۵۷، ۱۰۸
<i>Eletteria cardamomum</i> White & Maton	**	Zingiberaceae	Cardamon	۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
<i>Eletteria</i> sp.		Zingiberaceae		۳۰۹
<i>Eleusine coracana</i> Gaer.		Gramineae	Ragi millet ; raggee ; tocusso	۲۶۳
<i>Embelica officinalis</i> Ga.		Euphorbiaceae	Embelic myrobalan Indian gooseberry	۶۳
<i>Ephedra distachya</i> Bort.	*	Ephedraceae	Joint-fir ephedra ; sea grape	۳۵، ۳۲۹، ۲۰۱
<i>Ephedra vulgaris</i> Rich.		Ephedraceae		۲۹۹
<i>Epimedium alpinum</i> L.		Podophyllaceae	Alpine willoweed	۳۴۸، ۵۷
<i>Equisetum arvense</i> L.	*	Equisetaceae	Field horsetail	۳۵، ۲۶۲، ۲۱۱، ۱۵۱، ۵۰
<i>Equisetum fluviatile</i> L.		Equisetaceae		۳۵
<i>Equisetum hyemale</i> L.		Equisetaceae	Scouring rush	۲۶۲، ۱۵۱
<i>Equisetum limosum</i> L. = <i>Equisetum fluviatile</i> L.	*	Equisetaceae	Swamphorse tail	۳۵
<i>Equisetum pallidum</i> L.		Equisetaceae		۳۴۷، ۲۱۰
<i>Equisetum ramosissimum</i> Desf.	*	Equisetaceae		۲۴۶، ۵۰
<i>Equisetum sylvaticum</i> L.		Equisetaceae		۳۵
<i>Eramothecium ashybi</i> Filamentous (Fungi)			Routien	۲۴۰
<i>Erianthus ravennas</i> Beauv.		Gramineae	Sacchrum ravennae	۳۲۶
<i>Erica arborea</i> L.		Ericaceae		۳۲۶، ۳۰۹، ۱۳۷، ۴۶
<i>Erica cinerea</i> L.		Ericaceae	Twisted heath	۱۳۷
<i>Erica</i> sp.		Ericaceae	Heath	۱۳۷
<i>Erigeron</i> sp.		Compositae	Fleabane; Cutleaf Daisy	۱۹۳
<i>Erodium malachoides</i> Willd.		Geraniaceae		۳۴۴
<i>Eruca sativa</i> Lam.		Cruciferae	Rocket salad	۱۰۲
<i>Eruca sativa</i> Mill.		Cruciferae		۳۳۲
<i>Ervum ervillia</i> L.		Papilionaceae		۳۳، ۲۵۴، ۲۵۳
<i>Ervum lens</i> L. = <i>Lens culinaris</i> Medik. subsp. <i>Culinaris</i>		Papilionaceae	Lentil; Cultivated lentil	۳۳
<i>Eryngium campestre</i> L.		Umbeliferae	Snakeroot eryngo	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۹۲، ۸۴، ۵۰
<i>Eryngium coeruleum</i> ?		Umbeliferae		۲۱۰
<i>Eryngium creticum</i> L.		Umbeliferae		۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۲، ۸۴، ۵۰
<i>Eryngium maritimum</i> L.		Umbeliferae	Sea-holly eryngo	۲۶۴
<i>Eryngium planum</i> L.		Umbeliferae		۳۳۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Erysimum barbarea</i> L.		Cruciferae		۱۳۰
<i>Erysimum cheiranthoides</i> L.		Cruciferae	Treacle erysimum	۱۳۰
<i>Erysimum officinale</i> L. = <i>Sisymbrium officinale</i> (L.) Scop.	*	Cruciferae	Hedg mustard	۹۷
<i>Erysimum repandum</i> L.	*	Cruciferae	Spreading erysimum	۱۲۹
<i>Erythraea centaurium</i> Pers. = <i>Centaurium erythraea</i> = <i>Centaurium umbellatum</i>		Gentianaceae	Drug cenaurium	۲۳۷، ۲۴۶
<i>Eugenia aromatica</i> Baill.		Myrtaceae		۲۳۸
<i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb.	**	Myrtaceae	Clover tree	۲۳۸
<i>Eupatorium cannibinum</i> L.	*	Compositae	Hemp eupatorium	۲۴۹، ۲۳۸، ۹۴
<i>Euphorbia aculeata</i> Forsk.		Euphorbiaceae		۲۵۳
<i>Euphorbia aleppica</i> L.	*	Euphorbiaceae		۳۵۶
<i>Euphorbia apios</i> L.		Euphorbiaceae		۳۵۶، ۵۷
<i>Euphorbia chamaesyce</i> L.		Euphorbiaceae		۱۲۷
<i>Euphorbia characias</i> L.		Euphorbiaceae		۳۵۶
<i>Euphorbia curcas</i>		Euphorbiaceae		۱۰۸
<i>Euphorbia dendroides</i> L.		Euphorbiaceae		۳۵۶، ۱۲۱
<i>Euphorbia esula</i> L. = <i>Euphorbia boissieriana</i> (Woron.)prokh.	*	Euphorbiaceae	Leafy euphorbia	۲۶۵
<i>Euphorbia falcata</i> L.	*	Euphorbiaceae	Sickle-grass	۳۵۶
<i>Euphorbia helioscopia</i> L.	*	Euphorbiaceae	Sun euphorbia	۳۵۶، ۳۰۰، ۲۲۵
<i>Euphorbia lathyris</i> L.		Euphorbiaceae	Caper euphorbia	۳۵۶، ۲۷۷، ۲۲۴
<i>Euphorbia myrsinites</i>	*	Euphorbiaceae		۳۵۶، ۳۰۰
<i>Euphorbia officinarum</i> L.		Euphorbiaceae		۲۲۵
<i>Euphorbia paralias</i> L.		Euphorbiaceae	Sea staff-sea wand	۳۵۶، ۳۰۰
<i>Euphorbia pilosa</i> L.		Euphorbiaceae		۳۵۶
<i>Euphorbia pilulifera</i> L.		Euphorbiaceae		۶۵
<i>Euphorbia pithyusa</i> L.		Euphorbiaceae		۲۲۵، ۱۸۴
<i>Euphorbia pythuse</i> Friw.		Euphorbiaceae		۱۷۵
<i>Euphorbia resinifera</i> Berg.		Euphorbiaceae		۲۲۵
<i>Euphorbia sibthorpii</i> Boiss.		Euphorbiaceae		۳۰۰
<i>Euphorbia</i> sp.		Euphorbiaceae	Ebebright	۲۴۲، ۳۱۵، ۳۰۰، ۲۲۴، ۵۵
<i>Euphorbia spinosa</i> L.	*	Euphorbiaceae		۳۵۷، ۳۹
<i>Euphorbia triaculeata</i> For.		Euphorbiaceae		۲۶۵
<i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach. (Lichen)			Staghorn	۵۲
<i>Evonymus europeus</i> L.	**	Celasteraceae	Prickwood	۸۲
<i>Evonymus latifolia</i> L.	*	Celasteraceae	Broad-leowed evonymus	۸۲
<i>Evonymus velutina</i> L.	*	Celasteraceae	Prickwood	
<i>Evonymus verrucosa</i> L.	*	Celasteraceae	Warty-barked	۸۲
<i>Faba vulgaris</i> Monch.		Papilionaceae	Broad bean	۷۳
<i>Fagara</i> sp.		Rutaceae		۲۲۳
<i>Fagonia cretica</i> L.		Zygophyllaceae		۷۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Ferretia clypeata</i> R.Br.		Cruciferae		۲۰
<i>Feniculum</i> sp.		Umbeliferae	Fennel	۱۵۳
<i>Ferula assafoetida</i> L.		Umbelifetae	Asafetida giant fennel	۳۴۲، ۱۲۱، ۶۵، ۵۱
<i>Ferula communis</i> L.		Umbelifetae	Common giant fennel	۳۴۱، ۲۵۹، ۲۴۵، ۷۲
<i>Ferula ferulago</i> L.		Umbelifetae		۳۴۲، ۷۲
<i>Ferula galbaniflua</i> Boiss. & Bus. = <i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*	Umbelifetae		۳۴۲، ۲۴۶، ۱۰۱، ۷۲
<i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*	Umbelifetae	Galbanum plant	۲۴۶
<i>Ferula marmarica</i>		Umbelifetae		۵۲
<i>Ferula narthex</i> Boiss.		Umbelifetae		۶۵
<i>Ferula nodiflora</i> L.		Umbelifetae		۳۱۵
<i>Ferula nodosa</i> Benth & Hook.		Umbelifetae		۳۳۹
<i>Ferula opopanax</i> Spreng.		Umbelifetae		۳۳۹
<i>Ferula orientalis</i> L.	*	Umbelifetae		۳۴۲
<i>Ferula persica</i> Willd.	*	Umbelifetae	Persian asafetida	۳۴۲، ۱۷۳
<i>Ferula rubricaulis</i> Boiss.	*	Umbelifetae		۲۴۶، ۷۲
<i>Ferula saapenum</i> Polack		Umbelifetae		۱۷۳
<i>Ferula scordosma</i> Benth & Hook		Umbelifetae		۱۲۱
<i>Ferula scowitziana</i> D.C.		Umbelifetae		۳۴۲، ۱۷۳
<i>Ferula sumbul</i> Hook.		Umbelifetae		۲۵۴
<i>Ferula tingitana</i> L.		Umbelifetae		۳۴۲
<i>Festuca altissima</i> Boiss.	*	Gramineae		۲۱۲
<i>Festuca</i> sp.		Gramineae	Fescue	۲۱۲
<i>Ficus carica</i> L.	*	Moraceae	Common fig	۳۲۹، ۹۷، ۹۶
<i>Ficus laccifera</i> Roxb.	**	Moraceae		۲۷۱
<i>Ficus palmata</i> Forsk.	*	Moraceae		۹۶
<i>Ficus</i> sp.		Moraceae	Fig	۹۶
<i>Ficus sycomorus</i> L.		Moraceae	Sycomore	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۰۵، ۶۶
<i>Filipendula ulmaria</i> Maxim.		Rosaceae	European meadowsweet	۲۶۸
<i>Flacourita cataphracta</i> Willd.		Flacourtiaceae	Paniala; coffee plum; paniala; puneala; Chinese plum	۱۹۹، ۱۶۱
<i>Flemmiglia rhodocarpo</i> Bak.		Papilionaceae		۲۹۵
<i>Flores tussilaginis</i> = <i>Flores Farfarae</i> , <i>Flores Tussilaginis</i> , <i>Flos Farfarae</i> = <i>Farfarae flos</i>		Compositae		۷۳
<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.		Umbeliferae	Common fennel	۳۴۱، ۱۵۳، ۷۸
<i>Fragra avicennae</i> Lam.				۲۲۳
<i>Fraxinus excelsior</i> L.		Oleaceae	European ash	۳۲۶، ۲۷۸، ۲۶۹
<i>Fraxinus</i> sp.		Oleaceae	Ash	۲۷۸
<i>Fritillaria imperialis</i> L.		Liliaceae		۵۹
<i>Fucus</i> sp.		Fucacea	Rock weed-sea oak	۱۹۸

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Fumaria officinalis</i> L.		Fumariaceae		۱۸۳
<i>Fumaria parviflora</i> Lam.		Fumariaceae		۱۸۳
<i>Fumaria</i> sp.		Fumariaceae	Fumitory	۱۸۳
Fungi sp.				۳۵۲, ۲۲۶
<i>Galium aparin</i> L.	*	Rubiaceae	Catchweed; Catchweed bedstraw ;cleavers	۳۴۲, ۳۱۵, ۲۷, ۵۵
<i>Galium</i> sp.		Rubiaceae	Bedstraw	۲۱۹
<i>Galium verrucosum</i> Spr.		Rubiaceae		۳۴۲
<i>Galium verum</i> L.	*	Rubiaceae	Yellow bedstraw	۳۵۳, ۳۲, ۲۱۹
<i>Garicina mangostana</i> L.		Guttiferae	Mangosteen	۱۰۷
<i>Genista acathoclada</i> DC.		Papilionaceae		۳۲۴
<i>Gentiana lutea</i> L.		Gentianaceae		۳۳۵, ۳۱۳, ۱۰۶
<i>Geranium arabicum</i> Forsk.		Geraniaceae		۲۲۱
<i>Geranium columbinum</i> L.		Geraniaceae	Long-stalked geranium	۳۷
<i>Geranium rotundifolium</i> L.		Geraniaceae	Round-leaved fluellen; Cancerwort	۳۴۴, ۳۱۶
<i>Geranium</i> sp.		Geraniaceae	Geranium ; Crowfoot	۲۱۸, ۳۷
<i>Geranium tuberosum</i> L.	*	Geraniaceae	Tuberous-rooted crane's bill	۳۴۴
<i>Gladiolus communis</i> L.	**	Iridaceae	Common ginger	۳۴۸, ۲۵۵, ۱۸۱, ۱۴۶, ۴۵
<i>Gladiolus segetum</i> Ke.	*	Iridaceae	Corn flag gladiolus	۴۵
<i>Gladiolus</i> sp.		Iridaceae	Gladiolus ;Corn flag	۱۴۶
<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	*	Papaveraceae	Black-spot horn poppy;red celandine	۳۵۱, ۳۴۲, ۲۷۶, ۱۳۴
<i>Glaucium flavum</i> Crantz.	*	Papaveraceae	Yellow horn poppy ; sea celandine	۱۳۵
<i>Glaucium luteum</i> Scop.		Papaveraceae		۳۵۱
<i>Glaucium</i> sp.		Papaveraceae	Horn poppy	۲۷۶
<i>Globularia</i> sp.		Globulariaceae	Globe daisy	۲۱۸
<i>Glossostemon bruguieri</i> DC.		Papilionaceae	Sahlab	۲۸۳
<i>Glossostemon</i> sp.		Papilionaceae		۲۸۳
<i>Gloxinia</i> sp.		Gesneriaceae	Gloxinia	۲۲۱
<i>Glycyrrhiza glabra</i> L.	*	Papilionaceae	Japan clover common lespedeza	۳۳۶, ۳۱۳, ۱۸۰
<i>Gnaphalium dioicum</i> L.		Compositae		۲۲۶
<i>Gnaphalium leontopodium</i> L. = <i>Leontopodium alpinum</i> Cass.		Compositae	Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges	۳۵۳, ۲۰۰, ۱۴۷
<i>Gnaphalium sanguineum</i> Spr.		Compositae		۳۳۹, ۱۴۷
<i>Gnaphalum</i> L.		Compositae	Cudweed	۳۴۴, ۲۲۶, ۳۱۶, ۱
<i>Gossypium herbaceum</i> L.		Malvaceae	Levant cotton	۲۴۲
<i>Gossypium</i> sp.		Malvaceae	Cotton	۲۴۲
<i>Gratiola officinalis</i> L.		Scrophulariaceae	Drug hedge hyssop	۱۰۰
<i>Grewia bicolor</i> Just.		Tiliaceae	White Raisin	۲۹۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Grewia populifolia</i> L.		Tiliaceae		۲۸۹
<i>Guilandina bonaculla</i> Flem.		Papilionaceae		۱۵۵
<i>Gundelia tournefortii</i> L.	*	Compositae		۱۱۵
<i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre.		Polypodiaceae		۳۴۵
<i>Gypsophila</i> sp.		Caryophyllaceae	Gypsophila; chalk plant	۲۲۳
<i>Gypsophila struthium</i> L.		Caryophyllaceae		۲۲۳، ۱۷۱
<i>Hedera helix</i> L.	*	Araliaceae	English ivy	۳۳۵، ۲۶۷، ۲۴۵
<i>Hedera</i> sp.		Araliaceae	Ivy	۲۱۰، ۱۱۳
<i>Hedysarum</i> sp.		Papilionaceae	Sweet vetch-frenh honessuckle	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۰۷، ۲۶۶
<i>Helichrysum sanguineum</i> Cost.		Compositae		۱۴۷
<i>Helichrysum siculum</i> (Spr.) Boiss.		Compositae		۳۵۰
<i>Helichrysum</i> sp.		Compositae	Eveylasting	۳۵۰، ۳۱۹
<i>Helichrysum stoenchas</i> DC.		Compositae		۶۱
<i>Heliconia</i> sp.		Heliconiaceae	Heliopsis	۲۹۵
<i>Helicteris isora</i> L.	*	Sterculiaceae	Indian screw tree; Isora	۲۵۸
<i>Heliopsis haemorrhoidalis</i> Bouc.		Boraginaceae		۱۵۷
<i>Heliotropium europaeum</i> L.		Boraginaceae	Common helitrope	۳۵۷، ۳۲۱، ۱۹۴، ۱۵۱، ۳۵
<i>Heliotropium villosum</i> Pers.	**	Boraginaceae		۳۵۷
<i>Helleborus alba</i> L.		Ranunculaceae		۱۳۰
<i>Helleborus cyclophyllus</i> Boiss.		Ranunculaceae		۳۵۵
<i>Helleborus niger</i> L.		Ranunculaceae	Christmas rose	۱۳۰
<i>Helleborus officinalis</i> Salisb.		Ranunculaceae		۳۵۵
<i>Helleborus</i> sp.		Ranunculaceae	Hellebor	۱۳۰
<i>Helminthia echioides</i> Gaertn . = <i>Helminthocheea echioides</i> (L.) Wolud		Compositae	Bugloss	۳۳۱
<i>Helvella phalloides</i>		Helvellaceae		۲۲۱
<i>Hemerocallis flava</i> L.		Liliaceae	Lemon daylily	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۸۱، ۱۶۴
<i>Hemionitis</i> L.		Hemionitidaceae		۳۴۵، ۳۱۷
<i>Heracleum spondylium</i> L.		Umbeliferae	Hogweed cow parsnip	۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۹، ۱۷۲
<i>Hermodyctylus tuberosis</i> Salisb.		Iridaceae	Snake's-head iris	۲۷۰
<i>Herniaria tourneforti</i>		Caryophyllaceae		۶۳
<i>Heterocarpus santalinus</i> L.		Pandalidae		
<i>Hibiscus esculentus</i> L.	**	Malvaceae	Okra-gubo	۸۴، ۷۴
<i>Hibiscus mutabilis</i> L.	**	Malvaceae	Cotton-rose-changeable rose	۷۴
<i>Hibiscus rosa-sinensis</i> L.	**	Malvaceae	Chinese hibiscus	۱۰۱
<i>Hibiscus tortuosus</i> Roub.		Malvaceae		۷۴
<i>Hippomane manchinella</i> L.		Euphorbiaceae	manchineel	۱۹۴
<i>Hippomarathrum libanotis</i>		Umbeliferae		۳۴۱، ۳۱۵، ۱۵۳



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Koch.				
<i>Hippophae rhamnoides</i> L.	*	Elaeagnaceae	Common sea buckthorn	۳۵۶، ۳۹
<i>Hippuris vulgaris</i>	*	Hippuridaceae	Mare's-tail	۳۴۷
<i>Holcus dochna</i> Forscal		Gramineae		۱۴۳
<i>Holcus sorghum</i> L.		Gramineae	Sudan grass	۱۵۰، ۱۰۰
<i>Holosteum</i> sp.		Caryophyllaceae	Mouse-ear	۳۴۸
<i>Holosteum umbellatum</i> L.	*	Caryophyllaceae	Jagged chickweed	۳۴۸، ۳۱۸، ۱۰۱
<i>Hordeum morinum</i> L.	*	Gramineae	Mouse barley	۳۵۰
<i>Hordeum</i> sp.		Gramineae	Barley	۳۲۹، ۱۸۷
<i>Hordeum vulgare</i> L.		Gramineae	Berley	۱۸۸، ۱۸۷
<i>Horminum pyrenaicum</i> L.		Labiatae		۴۵
<i>Hyacinthus comosus</i>		Liliaceae		۳۳۴
<i>Hyacinthus orientalis</i>	**	Liliaceae	Common hyacinth	۳۵۱، ۳۱۹
<i>Hyoscyamus albus</i> L.		Solanaceae		۳۵۱، ۸۸
<i>Hyoscyamus aureus</i> L.		Solanaceae		۳۵۱
<i>Hyoscyamus niger</i> L.	*	Solanaceae	Black henbane sticking-roger	۳۵۱، ۱۹۱، ۸۸
<i>Hyoscyamus reticulatus</i> L.	*	Solanaceae		۸۸
<i>Hyoscyamus</i> Sp.		Solanaceae		۳۵۱، ۳۱۹
<i>Hypecoum procumbens</i> L.	**	Papaveraceae		۵۶
<i>Hypericum barbatum</i> L.		Hypericaceae		۳۴۷، ۳۱۸، ۲۹۸
<i>Hypericum ciliatum</i> L.		Hypericaceae		۳۴۷، ۲۹۸، ۶۸
<i>Hypericum coris</i> L.		Hypericaceae		۳۴۷، ۲۹۸
<i>Hypericum hircinum</i> L.	*	Hypericaceae		۳۵۰، ۲۸۲، ۲۰۱، ۱۸۶
<i>Hypericum perforatum</i> L.	*	Hypericaceae	John's wort	۳۴۷، ۳۰۱، ۱۴۱
<i>Hypericum procumbens</i> L.		Hypericaceae		۳۵۱
<i>Hypericum quadrangulum</i> L.		Hypericaceae	Square-stalked s.t-john's-wort.	۵۶
<i>Hypericum</i> sp.		Hypericaceae	St. -john's-wort	۳۰۱، ۱۴۱
<i>Hyphaene thebaica</i> (L.) Mart. = <i>Corypha thebaica</i> L. = <i>Hyphaene guineense</i>		Arecaceae	Egyptian doum palm	۳۲۵، ۲۸۴
<i>Hyssopus officinalis</i> L.	*	Labiatae	Hyssop	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۶۵
<i>Ilex aquifolium</i> L.	*	Aquifoliaceae	English holly	۶۲
<i>Illecebrum paronychia</i> L. = <i>Paronychia verticillata</i> Lam.		Illecebraceae	coral necklace	۳۵۰
<i>Illicium anisatum</i> L.		Illiciaceae	anise tree	۷۲
<i>Illicium verum</i> Hooker fil		Illiciaceae	star anise	۷۲
<i>Impatiens balsamina</i> L.	*	Balsaminaceae		۲۱۱
<i>Indigofera</i> sp.		Papilionaceae	Indigo	۲۹۲
<i>Indigofera tinctoria</i> L.	**	Papilionaceae	True lavender	۲۹۲، ۲۱۱
<i>Inula britannica</i> L.	*	Compositae	British inula	۳۴۴
<i>Inula candida</i> Cass.		Compositae		۳۵۴
<i>Inula conyzoides</i> DC.		Compositae	Cinnamonroot inula	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۰، ۷۷
<i>Inula conyzoides</i> L.		Compositae		۱۸۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Inula helenium</i> L.		Compositae	Elecampane inula	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۵۴، ۱۵۳
<i>Inula saxatilis</i> Lam.		Compositae		۳۴۴
<i>Inula viscosa</i> Ait.		Compositae		۳۰۱، ۲۰۰
<i>Ipomea hederacea</i> Jack.		Convolvulaceae		۲۹۲، ۱۱۳
<i>Ipomea turpethum</i> R.Br.		Convolvulaceae		۹۳
<i>Iris ensata</i> Thund.	**	Iridaceae		۷۰
<i>Iris florentina</i> L.		Iridaceae	Florentine iris	۳۲۴، ۳۰۹، ۱۸۱، ۷۰
<i>Iris foetidissima</i> L.	*	Iridaceae		۳۴۸
<i>Iris germanica</i> L.	*	Iridaceae	German iris	۱۶۴، ۷۰
<i>Iris nobilis</i> Pall.		Iridaceae		۷۹
<i>Iris pseudacorus</i> L.	*	Iridaceae	Yellow flag iris	۳۲۴، ۲۹۳
<i>Iris</i> sp.		Iridaceae	Iris	۱۸۱، ۶۷
<i>Isatis lusitanica</i> Brot.	*	Cruciferae		۳۳
<i>Isatis</i> sp.		Cruciferae	Woad	۲۱۱
<i>Isatis titictoria</i> L.	*	Cruciferae	Dyer's woad	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۹۲، ۲۵۱، ۲۱۱، ۱۱۳
<i>Jasminum gradiflorum</i> L.	**	Oleaceae	Catalonian jasmine- spanish jasmine	۲۹۹
<i>Jasminum officinale</i> L.	**	Oleaceae	Common jasmine	۲۹۹
<i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait.	**	Oleaceae	Arabian jasmine	۲۹۹، ۲۲۷
<i>Jasminum</i> sp.		Oleaceae	Jasmine	۲۹۹
<i>Jatropha curcas</i> L.		Euphorbiaceae	Barbados nut ; physic nut	۱۰۸
<i>Jatropha gossipifolia</i> L.		Euphorbiaceae		۲۲۷
<i>Juglans regia</i> L.	*	Juglandaceae	Persian walnut; Royal walant tree	۳۲۹، ۱۰۷
<i>Juncus acutus</i> L.	*	Juncaceae		۳۵۰، ۱۷۵، ۵۰
<i>Juncus arabicus</i> Post.		Juncaceae		۳۵۰، ۲۲۰، ۱۷۵، ۵۰
<i>Juncus maritimus</i> Lam.	*	Juncaceae	Sea rush	۱۷۵
<i>Juncus soinosus</i> For.		Juncaceae		۱۷۵
<i>Juncus</i> sp.		Juncaceae	Rush	۱۷۵، ۵۰
<i>Juniperus communis</i> L.	*	Cupressaceae	Common juniper	۳۲۵، ۲۰۸، ۳۹
<i>Juniperus oxycedrus</i> L.	*	Cupressaceae	Prickly juniper; Red berried juniper	۲۳۴، ۲۰۸
<i>Juniperus sabina</i> L.		Cupressaceae	Sarin juniper	۳۲۵، ۳۹
<i>Juniperus</i> sp.		Cupressaceae	Juniper	۲۰۸
<i>Juniperus vulgaris</i>		Cupressaceae		۲۰۸
<i>Kandelia rheedii</i> W. & A.		Rhizophoraceae	Mangrove	۱۷۳
<i>Laburnum vulgare</i> Bercht. & Prsl.		Papilionaceae		۳۵۴
<i>Lactuca sativa</i> L.	**	Compositae	Garden lettuce	۳۳۲، ۱۳۴، ۱۳۳
<i>Lactuca scariola</i> L. = <i>Lactuca serriola</i> L.	*	Compositae	Prickly lettuce	۳۳۲
<i>Lactuca</i> sp.		Compositae	Lettuce	۱۳۳
<i>Lagenaria vulgaris</i> Ser.	**	Cucurbitaceae	Calabash gourd; Bottle gourd	۱۴۲
<i>Lagoecia cuminoides</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۲۶۲
<i>Lallemantia iberica</i> F.&M..	*	Labiatae		۷۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Lallemantia royleana</i> Benth.	*	Labiatae		۷۳
<i>Lamium album</i> L.	*	Labiatae	White durra	۲۱۹، ۱۱۵
<i>Lamium maculatum</i> L.	*	Labiatae	Spotted dead nettle	۳۴۳، ۲۷۴، ۱۳۳
<i>Lamium purpureum</i> L.	*	Labiatae	Purple dead nettle	۳۵۳
<i>Lamium striatum</i> Sibth.	**	Labiatae		۳۴۳
<i>Lapathum aquaticum</i> Scop.		Polygonaceae		۱۲۳
<i>Lappa major</i> Gaertn. = <i>L. officinalis</i> All. = <i>Arctium lappa</i> L.		Compositae	Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵۰
<i>Laserpitium silver</i> L.		Umbelliferae		۱۶۵، ۱۱۷
<i>Lathyrus aphaca</i> Tourm. & L.	*	Papilionaceae	Yellow vethling; Tare	۳۳۳
<i>Lathyrus sativus</i> L.	*	Papilionaceae	Grass pea vin	۱۰۴، ۱۳۷
<i>Lathyrus</i> sp.		Papilionaceae	Pea vine	۱۳۷، ۱۰۴
<i>Laurus camphora</i> L.		Lauraceae		۲۴۸، ۱۱۰
<i>Laurus nobilis</i> L.	**	Lauraceae	Grecian laurel; True bay	۳۲۵، ۲۱۸، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸
<i>Lavandula dentata</i> L.		Labiatae	Fringed Lavender, French Lavender	۴۷
<i>Lavandula</i> sp.		Labiatae	Lavender	۱۳۳
<i>Lavandula spica</i> Cav.		Labiatae		۱۳۳
<i>Lavandula stoechas</i> L.	**	Labiatae	French Lavendar	۳۳۷، ۳۱۳، ۴۷
<i>Lavandula vera</i> DC.	*	Labiatae	True lavender	۱۳۳
<i>Lawsonia alba</i> Lam.		Lythraceae		۳۲۶، ۱۲۵
<i>Lawsonia inermis</i> L.	*	Lythraceae	Henna	۱۲۵
<i>Lawsonia</i> sp.		Lythraceae	Henna bush	۱۲۵
<i>Lecanora circummunita</i> Nyl.		Lecanoraceae	Lichen	۱۱۷
<i>Lecanora affini</i> Ev.		Lecanoraceae	Lichen	۱۰۷
<i>Lecanora esculenta</i> Ev.		Lecanoraceae	Lichen	۱۰۷
<i>Lemna minor</i> L.	*	Lemnaceae	Common duckweed	۳۵۳، ۲۰۱
<i>Lemna</i> sp.		Lemnaceae	Duckweed	۳۵۳، ۲۰۷
<i>Lens culinaris</i> Medic. = <i>Lens esculenta</i> Monch.	*	Papilionaceae	Common lentil	۲۰۷
<i>Lens esculenta</i> Monch.	*	Papilionaceae		۳۳۰، ۲۰۷
<i>Leontice chrysogonum</i> L.		Podophyllaceae		۳۴۲
<i>Leontice leontopetalum</i> L.	*	Podophyllaceae	Leon's leaf	۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۵، ۳۵۰
<i>Leontodon</i> sp.		Compositae	Hawkbit	۳۰۱
<i>Leontodon taraxacum</i> L.		Compositae		۲۰۰
<i>Leontopodium de Dioscoride</i>		Compositae		۳۵۷، ۶۷
<i>Lepidium campestre</i> L.	*	Cruciferae		۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۲
<i>Lepidium campestre</i> R.Br.		Cruciferae	Field pepper weed	۳۳۳، ۱۳۱
<i>Lepidium draba</i> L. = <i>Cardaria draba</i> (L.)Des.		Cruciferae	Pepper weed white top	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۵، ۱۱۶
<i>Lepidium iberis</i> L.		Cruciferae		۱۹۴
<i>Lepidium latifolium</i> L.	*	Cruciferae	Eropean papperwort	۳۳۴، ۱۹۴
<i>Lepidium sativum</i> L.	*	Cruciferae	Garden-cress; Peppergrass	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۹۴، ۱۱۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Lepidium sp.		Cruciferae	Pepperweed; Peppergrass	۲۸۱، ۱۹۳
Leptochloa bipinnata (L.) Hochst.		Gramineae		۱۲۲، ۱۲۲
Leucojum sp.	*	Amaryllidaceae	Snowflake	۲۰۶
Levisticum officinale Koch.	*	Umbelliferae	Garden lovage	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۵۴، ۲۴۸، ۱۱۷
Lichen				۵۲
<i>Ligusticum levisticum</i> L. = <b>Levisticum officinale</b>		Umbelliferae	Lovage	۲۴۸، ۶۵
Lilium candidum L.		Liliaceae	Madonna lily	۳۴۳، ۱۸۱
Lilium chalcidonicum L.		Liliaceae	Chalcedonian lily	۳۴۴
Lilium sp.		Liliaceae	Lily	۱۸۱، ۱۶۴
Linaria elatine Mill.		Scrophulariaceae	Sharp pointed fluellin	۳۴۹، ۳۱۹، ۲۶۷
Linaria spuria Mill.		Scrophulariaceae		۳۴۹
Linaria vulgaris Mill.	*	Scrophulariaceae	Butter and eggs	۲۷۷
Linum sp.		Linaceae	Flax	۲۵۱
Linum usitatissimum L.	*	Linaceae	Fiber flax ; Common flax	۳۲۹، ۲۵۱
Liquidambar orientalis L.	*	Hamameliaceae	Sweet gum	۲۸۹
Liquidambar orientalis Mill.		Hamameliaceae		۵۳
Liquidambar sp.		Hamameliaceae		۲۶۷
Liserpitium siler L.		Umbelliferae		۳۴۰
Lithospermum purpurea- coeruleum Defs. & DC.	*	Boraginaceae	Creeping gromwell	۳۳۵
Lithospermum fruticosum L.		Boraginaceae		۳۸
Lithospermum officinale L.		Boraginaceae	Common gromweel	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۶، ۲۵۹، ۲۴۳، ۴۸ ۳۴۸
Lithospermum tinctorium L.		Boraginaceae		۱۹۰
Lodoicea sechellarum Lab.		Arecaceae	Coco maledivicus ; Nux media	۲۸۷
Lolium perenne L.	*	Gramineae	Perennial rye grass	۹۱
Lolium sp.		Gramineae	Rye grass	۱۶۴
Lolium temulentum L.	*	Gramineae	Darnel rye grass	۳۲۹، ۱۹۴، ۱۶۴
Lonicera caprifolium L.	**	Caprifoliaceae	Sweet honeysuckle	۳۳۴، ۱۹۵، ۷۵
Lonicera periclymenon L.		Caprifoliaceae		۳۴۸، ۳۱۸، ۲۴۴، ۱۸۵
Lonicera sp.		Caprifoliaceae	Honeysucle	۱۹۵
Lophotenia aurea L.		Gramineae		۱۸۲
Loranthus curopaeus Jack.		Loranthaceae		۲۱۶
Loranthus europaues L.	*	Loranthaceae	Continental mistletoe	۱۶۷، ۱۴۳، ۸۸
Loranthus globiferus A.Rich.		Loranthaceae		۱۳۱
Loranthus sp.		Loranthaceae	Loranth	۲۱۶
Lotus ornithopodioides L.		Papilionaceae		۲۱۶
Lotus sp.		Papilionaceae	Deervetch; Bird's- foot trefoil	۳۵۴، ۳۲۰، ۲۷۲
Luffa aegyptiaca Mill.		Cucurbitaceae		۲۷۳
Luffa cylindrica M.Roe.	**	Cucurbitaceae	Suakwa-vegetable	۲۷۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			sponge	
Luffa sp.		Cucurbitaceae	Towel ground ; Dishcloth gourmd	۲۷۳
Lupinus albus L.		Papilionaceae	White lupine	۹۳
Lupinus angustifolius L..		Papilionaceae	Blue lupine	۳۳۰، ۹۳
Lupinus pilosus Murr.		Papilionaceae		۳۳۰
Lupinus sp.		Papilionaceae	Lupine	۹۳
Lupinus termis Forsk.		Papilionaceae		۳۳۰، ۳۱۱، ۹۳
Lychnis chalconica L.		Caryophyllaceae	Maltese cross campion	۲۶۸
Lychnis coronaria Desf.		Caryophyllaceae	Rose campion	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۶۸
Lychnis githago L.		Caryophyllaceae		۱۶۹
Lychnis sp.		Caryophyllaceae		۲۶۸
Lycium afrum L.		Solanaceae		۳۲۶، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
Lycium europaeum L. = Lycium edgeworthii Dun.		Solanaceae		۲۱۷
Lycium sp.		Solanaceae	Wolfberry; desert thorn	۲۱۷، ۱۲۰
Lycoperdon sp. (Fungi)			Puffbal	۲۲۷
Lysimachia vulgaris L.		Primulaceae	Golden loosestrife	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۷۲، ۱۷۱
Lythrum salicaria L.	*	Lythraceae	Purple lythrum	۳۴۷
Maerua crassifolia Forsk.		Capparidaceae	Sunduhi, Hasu (Ou)	۳۳
Majorana hortensis Moench.		Labiatae	Sweet marjoram	۲۷۸
Majorana sp.		Labiatae	Marjoram	۲۷۸
Malabaila pumila Rois.		Umbelliferae		۱۸۸
Malabaila secacul Russ.	*	Umbelliferae		۱۸۸
Mallotus philippinensis Mull.		Euphorbiaceae	Red kamala	۲۹۰، ۲۴۴
Mallotus sp.		Euphorbiaceae		۲۴۴
Malus orientalis Ugli.	*	Rosaceae		۹۴
Malva alcea L.		Malvaceae	Hollyhock mallow	۳۴۶
Malva parviflora L.	*	Malvaceae		۱۲۹
Malva rotundifolia Diss.	*	Malvaceae		۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹، ۱۸۰
Malva sp.		Malvaceae		۱۲۹
Malva sylvestris L.	*	Malvaceae	High mallow; Wild mallow	۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹
Mandragora officinarum L.		Solanaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۳۰۰، ۲۷۰، ۱۶۲
Mandragora sp.		Solanaceae	Mandrake	۲۷۰
Mandrgora offiicinarum L.	**	Solanaceae		۱۴۹
Mangifera indica L.	**	Anacardiaceae	Common marchantia	۲۱۴، ۲۳
Marrubium pseudodictamnus L.		Labiatae		۳۳۸
Marrubium sp.		Labiatae	Hoarhound	۲۳۰، ۲۲۴
Marrubium vulgare L.	*	Labiatae	Common horehound	۳۴۳، ۲۲۴
Marsdenia erecta L.	*	Asclepiadaceae	Marsdenia	۴۲
Matricaria aurea Sch.	*	Compositae		۵۸
Matricaria chamomilla L.		Compositae	German comomile	۲۳۰، ۱۸۷، ۵۸

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Matricaria parthenium</i> L.		Compositae	Feverfew	۵۸
<i>Matthiola incana</i> R.Br.		Cruciferae	Common stock	۳۴۵، ۱۶۹، ۷۹
<i>Matthiola livida</i> DC.		Cruciferae		۲۸۵، ۱۳۸
<i>Medicago arborea</i> Mill.		Papilionaceae	Tree medic; Tree alfalfa	۲۴۰
<i>Medicago ciliaris</i> Hook.	**	Papilionaceae		۲۹۱
<i>Medicago hispida</i> Gaertn.		Papilionaceae	California bur clover	۲۹۱
<i>Medicago intertexta</i> L.	*	Papilionaceae	Horns and hedgehog	۲۹۱
<i>Medicago littoralis</i> Rhod.		Papilionaceae		۲۹۱
<i>Medicago sativa</i> L.	*	Papilionaceae	Alfalfa	۳۳۲، ۳۱۲، ۲۹۱، ۱۵۶
<i>Medicago</i> sp.		Papilionaceae	Medic	۲۴۱
<i>Melastoma</i> sp.		Melastomaceae	Melastoma family	۱۶۷
<i>Melia azadarach</i> L.	*	Meliaceae	Margosa	۳۵
<i>Melilotus officinalis</i> Lam.	*	Papilionaceae	Yellow sweet clover	۳۳۹، ۳۱۴، ۵۹، ۳۹
<i>Melilotus parviflora</i>		Papilionaceae		۲۳۶
<i>Melilotus</i> sp.		Papilionaceae	Sweet clover melilot	۱۲۶
<i>Melissa calamintha</i> L. = <i>Calamintha officinalis</i> Moench		Labiatae	Calamint savory	۱۲۶
<i>Melissa clinopodium</i> Benth.		Labiatae		۳۴۲
<i>Melissa officinalis</i> L.	*	Labiatae	Common balm	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۵، ۷۱
<i>Memecylon edule</i> Rox.		Melastomataceae	Iron wood tree	۲۹۵
<i>Memecylon tinctoria</i> Wil.		Melastomataceae		۲۹۵
<i>Memecylon tinctorium</i> L.		Melastomataceae		۵۳
<i>Menispermum cocculus</i> L.		Menispermaceae		۲۷۷
<i>Mentha aquatica</i> L.	*	Labiatae	Water mint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۸۲، ۲۲۹، ۱۹۸
<i>Mentha arvensis</i> L.	*	Labiatae	Field mint	۳۴۲
<i>Mentha officinalis</i> Hull.		Labiatae		۲۲۹
<i>Mentha piperita</i> Smith.	* *	Labiatae	Peppermint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۲۹
<i>Mentha pulegium</i> L.	*	Labiatae	Pennyroyal	۳۳۸، ۲۲۹، ۲۲۱، ۱۹۶، ۱۰۵، ۸۳
<i>Mentha pulegium</i> var. <i>erecta</i>		Labiatae		۳۳۸
<i>Mentha sativa</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۲۹۱
<i>Mentha</i> sp.		Labiatae	Mint	۲۹۱
<i>Mentha sylvestris</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۲۲۹، ۲۰۵
<i>Mercurialis annua</i> L.	*	Euphorbiaceae	Herb mercury	۳۵۷، ۳۴۴، ۱۲۱
<i>Mercurialis</i> sp.		Euphorbiaceae		۱۲۱
<i>Merendera persica</i> Boiss. = <i>Colchicum robustum</i> (Bge) Stefan	*	Colchicaceae		۱۸۰
<i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch.		Rosaceae		۲۱۹
<i>Mesua ferrea</i> L.		Guttiferae	Iron wood	۲۸۸
<i>Meum athamanticum</i> Jack		Umbelliferae		۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۵،
<i>Mezereum officinal</i> C.A.Mey.		Thymelacaceae		۲۷۵
<i>Micromeria juliana</i> Benth.		Labiatae		۳۳۹
<i>Micropus erectus</i> L.		Compositae		۳۵۵
<i>Milium indicum</i>		Gramineae		۱۰۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Milium nigricans</i> Ruis.		Gramineae		۲۰۴
<i>Mimosa arabica</i> Lam.		Mimosaceae		۲۳۷
<i>Mimosa nilotica</i> L.		Mimosaceae		۲۳۷، ۲۳۷، ۱۹۱
<i>Mimosa oerfota</i> Fork.		Mimosaceae		۲۰۸
<i>Mimusops schimperi</i> Hochst. = <i>Mimusops laurifolia</i> (Forssk.) I.Friis		Sapotaceae		۳۲۹، ۲۶۶، ۷۶
<i>Mogorium sambac</i> Lam. = <i>Jasminum</i> L.		Oleacea		۲۲۷
<i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Ecballium elaterium</i> (L.) A. Reich		Cucurbitaceae	squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do Diabo, elaterio	۳۰۰، ۲۳۴
<i>Morchella esculenta</i> Pers. (Mushrooms)		Morchellaceae	Pancita, morilla, mazorquita, , elotito mazorca, elote, huccasy colmena.	۲۲۱
<i>Moringa aptera</i> Gaertn.		Moringaceae		۱۱۱
<i>Moringa arabica</i> Pers.		Moringaceae		۱۱۰
<i>Moringa pterygosperma</i> Gaertn.		Moringaceae		۱۱۱
<i>Morus acedosa</i> Cr.		Moraceae		۹۶
<i>Morus alba</i> L.	*	Moraceae	White mustard	۳۲۹، ۳۱۱، ۹۶، ۹۰
<i>Morus indica</i> L.		Moraceae		۹۶
<i>Morus nigra</i> L.	*	Moraceae	Black mixed	۳۲۹، ۹۶، ۹۰
<i>Morus</i> sp.		Moraceae	Mulberry	۹۰
<i>Moschosma</i> sp. (Moss)		Labiatae		۱۹۸ ۲۰۰
<i>Musa paradisiaca</i> L.	*	Musaceae		۲۸۰، ۲۰۳
<i>Musa sepientum</i> L.	*	Musaceae	Banana tree	۲۸۰، ۲۰۳
<i>Musa</i> sp.		Musaceae	Banana	۲۸۰
<i>Muscari comosum</i> Mill.	*	Liliaceae	Feathered grape hyacinth	۳۳۴، ۸۶
<i>Muscari</i> sp.		Liliaceae	Grape hyacinth	۸۶
<i>Muscus arboreus</i>		(Moss)		۵۲
<i>Muscus</i> sp. (Mushroom )		(Moss)		۵۲ ۲۲۶
<i>Myosotis alpestris</i> Schm.		Boraginaceae	Alpine forget-me- not	۳۴
<i>Myosotis arvensis</i> L.		Boraginaceae	Field forget-me-not	۳۴
<i>Myosotis palustris</i> Lam.	*	Boraginaceae	True forget-me-not	۳۳۰، ۳۱۳، ۲۱۸، ۳۴
<i>Myosotis</i> sp.		Boraginaceae	Forget-me-not	۳۴
<i>Myosotis stricta</i> Roem & Schut.	*	Boraginaceae		۳۴
<i>Myrica sapida</i> Wall . = <i>Myrica nagi</i> Thunb		Myricaceae	Box myrtle	۱۴۱
<i>Myriophyllum</i> sp.		Haloragaceae	Water milfoil parrot feather	۲۸۰
<i>Myriophyllum spicatum</i> L.	*	Haloragaceae	Spiked milfoil	۳۰۶، ۳۲۰، ۱۱۷
<i>Myristica aromatica</i> Lam.		Myristicaceae		۱۰۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Myristica fragrans</i> Houtt.		Myristaceae	Common nutmeg	۳۲۶، ۲۰۰، ۱۴۲، ۱۰۷، ۷۸
<i>Myrobalanus bellerica</i> Gaertn.		Combretaceae		۷۹
<i>Myrobalanus chebulae</i> Gaertn. = <i>Terminalia chebula</i>		Combretaceae		۷۹
<i>Myrobalanus citrinae</i> Gaertn.		Combretaceae		۷۹
<i>Myrobalanus nigrae</i>		Combretaceae		۷۹
<i>Myrrhis odorata</i> Scop. = <i>Scandix odorata</i>		Umbelliferae	Sweet cicely	۳۵۴، ۳۴۰، ۳۲۶
<i>Myrtus communis</i> L.	*	Myrtaceae	Turemyrtle	۳۲۸، ۳۶
<i>Myrtus</i> sp.		Myrtaceae	Mangel	۳۶
<i>Narcissus jonquilla</i> L.		Amarillidaceae	Jonquil	۲۹۰
<i>Narcissus poeticus</i> L.		Amarillidaceae		۳۵۶، ۲۹۰، ۲۰۶
<i>Narcissus</i> sp.		Amarillidaceae	Poet's narcissus	۲۹۰
<i>Narcissus tazetta</i> L.	*	Amarillidaceae		۲۹۰، ۲۰۶
<i>Nardostachys jatamansi</i> DC.	*	Valerianaceae		۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
<i>Nardostachys sampharitke</i> ?		Valerianaceae		۲۳۸
<i>Nardus indica</i> L.		Gramineae		۱۷۸
<i>Narthecium ossifragum</i> Huds.		Liliaceae		۲۵۵
<i>Narthecium</i> sp.		Liliaceae	Bog asphodel	۲۵۵
<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.		Cruiferae		۲۸۴، ۲۳۵، ۲۲۴، ۱۱۵
<i>Nasturtium officinalis</i> L.	*	Cruiferae	Water cress	۳۳۱، ۱۱۶
<i>Nauclea</i> sp.		Rubiaceae		۲۳۰
<i>Nelmbium nuciferum</i> Gaer.	*	Nymphaceae	Hindu lotus	۶۸
<i>Nelmbium speciosum</i> L. = <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaertn.	**	Nymphaceae	Chinese water lily	۶۸
<i>Nelumbium speciosum</i> Willd.		Nymphaceae		۳۳۰
<i>Nemastopora corylii</i> (Fungi)				۲۴۰
<i>Nepeta micrantha</i> Bu.		Labiatae		۱۶۵
<i>Nepeta mispahanica</i> Bo.		Labiatae		۱۶۵
<i>Nerium oleander</i> L.	*	Apocynaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۹۴، ۱۴۵
<i>Nerium</i> sp.		Apocynaceae	Common oleander	۱۴۵
<i>Neurada procumbens</i> L.	*	Rosaceae	Garden fennelflower; Black cumin	۱۷۲
<i>Nigella sativa</i> L.	*	Ranunculaceae	Nutmeg flower	۱۹۲، ۹۴، ۳۴
<i>Nigella</i> sp.		Ranunculaceae	Fennelflower	۱۹۲
<i>Nuphar alba</i> L.	*	Nymphaceae		۲۹۳
<i>Nuphar luteum</i> L.	*	Nymphaceae	European cow lily	۳۴۵، ۲۹۳
<i>Nymphaea alba</i> L.	*	Nymphaceae	White water lily	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۹۳، ۸۰
<i>Nymphaea coerulea</i> L.		Nymphaceae	Yellow mexican water lily	۲۹۳
<i>Nymphaea flava</i> Leitner		Nymphaceae		۲۹۳
<i>Nymphaea indica</i> ?		Nymphaceae		۲۹۳، ۶۸
<i>Nymphaea lotus</i> L.		Nymphaceae	White Egyptian lotus	۳۵۴، ۲۹۳، ۲۸۶، ۲۷۲، ۸۰
<i>Nymphaea lutea</i> L.	*	Nymphaceae		۲۹۳



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Nymphaea nelumbo</i> L.		Nymphaeaceae	European cow lily	۳۳۰، ۷۳
<i>Nymphaea</i> sp.		Nymphaeaceae	Water lily	۲۹۳
<i>Nymphaea stellata</i> Willd.		Nymphaeaceae		۳۵۴
<i>Ochna</i> sp.		Ochnaceae	Ochna	۱۱۷
<i>Ocimum album</i> L.		Labiatae		۷۱
<i>Ocimum basilicum</i> L.	*	Labiatae	Sweet basil; hoary basil	۳۱۱، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۲۲، ۷۱ ۳۳۲
<i>Ocimum filamentosum</i> Forsk.		Labiatae		۱۶۰، ۱۰۵
<i>Ocimum gratissimum</i> L.		Labiatae		۱۶۰، ۱۰۵
<i>Ocimum minimum</i> L.		Labiatae		۱۹۸، ۱۸۴
<i>Ocimum pilosum</i> Willd.		Labiatae		۳۳۹، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۲۲
<i>Oenothera biennis</i> L.		Onagraceae	evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose	۳۵۴
<i>Olea europaea</i> L.	*	Oleaceae	Common olive	۱۶۶
<i>Olea oleaster</i> L.		Oleaceae		۳۲۷، ۲۰۶، ۱۶۶
<i>Onobrychis viciaefolia</i> Scop. = <i>Onobrychis altissima</i> Grossh.		Papilionaceae	Common sainfoin	۳۳۴، ۳۱۸
<i>Ononis antiquorum</i> L. = <i>Ononis spinosa</i> subsp. <i>Antiquorum</i>		Papilionaceae	Balomaga	۳۳۷، ۳۱۳
<i>Ononis antiquorum</i> L.		Papilionaceae		۳۳۷، ۱۹۸، ۱۸۴
<i>Onopordon acanthium</i> L.	*	Compositae	Cotton thistle	۳۳۶، ۲۰۴، ۱۸۹، ۷۱، ۵۸
<i>Onopordon arabicum</i> L.		Compositae		۳۳۷، ۱۸۹
<i>Onopordon illiricum</i> L.		Compositae		۳۳۷
<i>Onosma echinoides</i> L.	**	Boraginaceae		۳۴۵، ۳۱۷، ۶۸، ۴۳
<i>Onosma</i> sp.		Boraginaceae	Old- field toadflax	۳۴۵، ۱۹۰، ۱۲۵، ۳۸
<i>Onosma tinctoria</i> Bieb.		Boraginaceae		۲۵۲
<i>Ophioxylon serpentium</i> L.		Orchidaceae		۲۱۶
<i>Ophrys apifera</i> Huds.	*	Orchidaceae	Bee orchid	۳۴۵
<i>Ophrys</i> sp.		Orchidaceae		۳۴۵
<i>Opopanax chironium</i> Koch.		Umbelliferae		۳۳۹، ۱۰۰
<i>Opopanax hispidus</i> Griseb.		Umbelliferae		۳۳۹
<i>Opuntia hircina</i> ?		Cactaceae		۹۰
<i>Opuntia</i> sp.		Cactaceae	Prickly pear	۱۹۵
<i>Orchis anthropophora</i> L.		Orchidaceae		۳۴۵، ۱۳۵
<i>Orchis hircina</i> Griseb.		Orchidaceae		۱۳۶، ۱۳۵، ۹۰
<i>Orchis morio</i> L.		Orchidaceae		۳۴۴، ۳۱۶، ۹۰، ۸۹
<i>Orchis rubra</i> Jacq.		Orchidaceae		۳۴۴
<i>Orchis</i> sp.		Orchidaceae	Orchid; Orchis	۱۳۵، ۹۰، ۸۹
<i>Orchis undulatifolia</i> L.		Orchidaceae		۳۴۵، ۳۱۶
<i>Origanum aegyptiacum</i> L.		Labiatae		۱۶۵
<i>Origanum amaracus</i> Gledi.		Labiatae		۲۷۹، ۲۷۸
<i>Origanum creticum</i> L.		Labiatae		۲۸۱
<i>Origanum dictamnus</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۳۱۴، ۲۸۱، ۲۳۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Origanum hirtum</i> L.		Labiatae		۲۸۱
<i>Origanum lirium</i>		Labiatae		۳۳۷
<i>Origanum majorana</i> L.		Labiatae	Sweet majoran	۳۳۹، ۲۷۸
<i>Origanum maru</i> L.		Labiatae		۲۷۹، ۲۲۱
<i>Origanum marum</i> L.		Labiatae		۳۳۹
<i>Origanum onitis</i> L.		Labiatae		۳۳۸
<i>Origanum sipyleum</i> L.		Labiatae		۳۳۷
<i>Origanum</i> sp.		Labiatae	Origanum	۳۳۸، ۳۱۳، ۱۹۶، ۱۹۵
<i>Origanum vulgare</i> L.	*	Labiatae	Common origanum; Wild marjoram	۳۳۸، ۲۳۰، ۱۹۶
<i>Origanum vulgare</i> var. <i>megastachyum</i>		Labiatae		۳۳۸
<i>Ornithogalum</i> sp.		Liliaceae	Star-of-bethlehem	۱۹۴، ۵۱
<i>Ornithogalum stachyoides</i> Host.		Liliaceae		۳۳۴، ۱۳۸
<i>Ornithogalum umbellatum</i> L.	*	Liliaceae	Common star-of- bethlehem	۳۳۲، ۵۱
<i>Orobanche aegyptiaca</i> Pers.	*	Orobanchaceae		۲۸
<i>Orobanche caryophyllacea</i> SM. = <i>Orobanch vulgaris</i> Poir.	*	Orobanchaceae	Clove-scented broomrape	۳۳۲، ۳۱۱، ۲۰۱
<i>Orobanche</i> sp.		Orobanchaceae	Broomrape	۲۸، ۴۷
<i>Orseille tinctoria</i> = <i>Roccella tinctoria</i> DC. (Lichen)			Dyer's Weed ; Orchella Weed ; Lichen <i>Roccella</i>	۱۶۸
<i>Oryza sativa</i> L.	*	Graminae	Rice	۳۲۹، ۳۱۱، ۴۴
<i>Osmunda cinnamomea</i> L.		Osmundaceae		۱۶۹
<i>Osmunda regalis</i> L.		Osmundaceae	Royal fern	۱۶۹
<i>Osyris alba</i> L.		Santalaceae		۳۵۵
<i>Oxalis acetosella</i> L.	*	Oxalidaceae	Wood-sorrel; oxalis	۸۳
<i>Oxalis corniculata</i> L.	*	Oxalidaceae	Creeping oxalis	۱۲۵
<i>Oxalis</i> sp.		Oxalidaceae	Oxalis ; Wood sorrel	۱۲۳
<i>Paeonia corallina</i> L.		Paeoniaceae	Coral peony	۳۴۶، ۲۲۳
<i>Paeonia corallina</i> Ret.		Paeoniaceae		۲۹۵
<i>Paeonia officinalis</i> L.		Paeoniaceae	Common peony	۲۹۵
<i>Paeonia officinalis</i> Retz.		Paeoniaceae		۳۴۶، ۲۲۳
<i>Paeonia wittmanniana</i> Hart.	*	Paeoniaceae		۲۹۵
<i>Paliurus aculeatus</i> Lam.		Rhamnaceae		۳۲۶، ۳۰۹، ۱۶۸
<i>Paliurus</i> sp.		Rhamnaceae	<i>Paliurus</i>	۱۸۵
<i>Pancratium maritimum</i> L.		Amaryllidaceae	sea daffodil	۲۴۳، ۲۲۶
<i>Pandanus</i> sp.		Pandanaceae	Screw pine pandnus	۲۴۸، ۴۵
<i>Panicum dactylon</i> L.		Geramineae		۹۹
<i>Panicum italicum</i> L.		Geramineae		۱۴۳
<i>Panicum milliaceum</i> L.	*	Geramineae	Proso-broomcorn; millet	۳۲۹، ۱۴۳، ۱۰۰
<i>Pannkratium maritimum</i> L.		Amaryllidaceae		۳۳۴، ۳۱۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Papaver argemone</i> L.	*	Papaveraceae	Fall daffodil	۴۴
<i>Papaver rhoeas</i> L.	*	Papaveraceae	Corn poppy ; Field poppy	۳۵۱، ۲۸۸، ۱۹۰، ۱۳۴
<i>Papaver somniferum</i> L.	*	Papaveraceae	Opium poppy	۳۵۱، ۱۵۸، ۱۳۵، ۱۳۴
<i>Papaver</i> sp.		Papaveraceae	Poppy	۱۳۴
<i>Papyrus antiquorum</i> Willd. = <b>Cyperus Papyrus</b>		Cyperaceae	Papyrus	۳۲۶، ۷۵
<i>Papyrus domesticus</i> Poir.		Cyperaceae		۷۶
<i>Parietaria cretica</i> L.		Urticaceae		۳۵۳، ۱۱۹، ۳۴
<i>Parietaria diffusa</i> L.		Urticaceae		۱۱۹
<i>Parietaria officinalis</i> L.		Urticaceae	Wall pellitory	۳۴
<i>Parietaria</i> sp.		Urticaceae	Pellitory	۳۵۳
<i>Paris incompleta</i> Bieb.		Trilliaceae	Jorusalem thorn; hore-bean	۲۱۵
<i>Parkinsonia aculeata</i> L.	*	Aesalpinaceae		۷۵
<i>Parkinsonia</i> sp.		Aesalpinaceae		۷۵
<i>Parnassia palustris</i> L.		Saxifragaceae	Wide-world parnassia	۳۴۹
<i>Paronichia</i> sp.		Caryophyllaceae	Nailwort; Whitwort	۱۱۸
<i>Paronychia serpyllifolia</i> DC.		Caryophyllaceae		۳۵۰، ۳۱۹، ۲۳۱
<i>Passeina hirsuta</i> L.		Umbelliferae		۳۴۷
<i>Pastinaca graeca</i> ?		Umbelliferae		۳۴۱
<i>Pastinaca sativa</i> L.		Umbelliferae	Garden parsnip	۳۳۰، ۱۸۱، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۰۳
<i>Pastinaca schekakul</i> Russ.		Umbelliferae		۱۸۸
<i>Pastinaca secacul</i> Russ. = <b>Malabaila secacul</b> (Miller)Boiss. <b>Susp. Secacul</b>		Umbelliferae		۱۰۳
<i>Pedicularis tuberosa</i> Vill.		Scrophulariaceae		۳۴۴
<i>Peganum harmala</i> L.	*	Zygophyllaceae	Harmel peganum African rue	۳۳۹، ۳۱۴، ۱۱۶
<i>Penaea mucronata</i> L.		Penaeaceae		۶۶
<i>Penaea</i> sp.		Penaeaceae		۳۴۲
<i>Pennisetum</i> sp.		Gramineae	Pennisetum	۹۷
<i>Peperomia</i> sp.		Piperaceae	Peperomia	۲۲۱
<i>Pergularia tomentosa</i> L.	*	Asclepiadaceae		۲۲۱
<i>Periploca</i> sp.		Periplocaceae	Silk vine	۸۶
<i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Rosaceae	Peach	۱۳۹
<i>Petroselinum oreoselinum</i> L. = <i>Peucedanum oreoslinum</i> (L.) Moe.		Umbelliferae		۲۵۴
<i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.	*	Umbelliferae	Common garden parsly	۲۵۴
<i>Peucedanum ammoniacum</i> ?		Umbelliferae		۳۰۰
<i>Peucedanum cervaria</i> L.		Umbelliferae	Much-good	۳۴۱
<i>Peucedanum officinale</i> L.	*	Umbelliferae	Common hog's- fenel	۳۴۱، ۳۱۵، ۷۴
<i>Peucedanum oreoselinum</i> Moench.		Umbelliferae	Mountain parsley	۳۱۵، ۳۶۳، ۳۴۱،

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Peucedanum sativum</i> Benth.		Umbelliferae		۱۸۱
<i>Phalangium ramosum</i> Lam.		Phalangida		۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۳
<i>Phalaris canariensis</i> Nutt.	**	Gramineae	Canary grass	۳۴۶
<i>Phalaris tuberosa</i> L.		Gramineae		۳۴۶، ۳۱۷، ۲۲۳
<i>Phaseolus communis</i> Paritz.		Papilionaceae		۲۷۱
<i>Phaseolus max</i> L.		Papilionaceae		۲۷۶
<i>Phaseolus mrabiatu</i> s L.		Papilionaceae		۲۷۶
<i>Phaseolus mungo</i> L.		Papilionaceae	Mungo bean; Black gram	۲۷۵
<i>Phaseolus radiatus</i> L.	**	Papilionaceae		۲۷۵
<i>Phaseolus vulgaris</i> L.	*	Papilionaceae	Kidney bean	۲۷۱
<i>Phelypaea coccinea</i> Poir. = <i>Anoplon coccineum</i> (M.B.) H.Riedl		Orobanchaceae		۲۷۱
<i>Phelypaea egyptiaca</i> Walp.		Orobanchaceae		۲۰۱
<i>Philadelphus</i> sp.		Saxifragaceae	Mock orange	۱۷۱
<i>Phillyrea latifolia</i> L.		Oleaceae	Tree phillyrea	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۰۶، ۱۶۶، ۱۱۲
<i>Phoenix dactylifera</i> L.	*	Palmaceae	Date; Plum persimmon	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۵
<i>Phragmites communis</i> Trin		Gramineae	Common reed	۳۲۶، ۲۴۰
<i>Phyllanthus emblica</i> L. = <i>Emblica officinalis</i>		Euphorbiaceae	Emblic leaf flower	۶۳
<i>Phyllitis scolopendrium</i> L.	*	Aspleniaceae	Hart's-tongue;	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۶۹
<i>Physalis alkekengi</i> L.	*	Solanaceae	Strawberry; Alkekengi	۳۵۲، ۲۴۹، ۲۱۵
<i>Physalis somnifera</i> L.		Solanaceae		۳۵۲
<i>Picea excelsa</i> Link.		Pinaceae	Norway spruce	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷، ۴۴
<i>Picnomon acarna</i> (L.) Cass.	*	Compositae	Yellow plume thiste	۷۲
<i>Picnomon acarna</i> Coss.		Compositae		۳۳۶، ۷۳
<i>Pimpinella anisum</i> L.		Umbelliferae	Anise	۳۴۰، ۳۱۴، ۹۴، ۶۷
<i>Pimpinella dioica</i> L.		Umbelliferae		۳۵۴
<i>Pimpinella dissecta</i> Polli. = <i>Pimpinella rhodantha</i> Boiss.	*	Umbelliferae		۳۵۴
<i>Pimpinella trgium</i> Vill.		Umbelliferae		۲۰۲
<i>Pinites stroboides</i> (Conw.) Sch.		Cecidomyiinae		۲۶۴
<i>Pinites succinifer</i> Goppert & Bernedt		Cecidomyiinae	Amber	۲۶۴
<i>Pinus cembra</i> L.		Pinaceae	Swiss stone pine	۱۹۷
<i>Pinus eldarica</i> Medew.		Pinaceae		۱۹۷
<i>Pinus halepensis</i> Mill.	*	Pinaceae	Aleppo pine	۳۵۲، ۱۹۷، ۴۴
<i>Pinus maritima</i> Lam.		Pinaceae		۱۹۷
<i>Pinus nigra</i> L.	**	Pinaceae	Austrian pine	۱۹۷
<i>Pinus orientalis</i> Link.		Pinaceae		۱۹۷
<i>Pinus pinea</i> L.	*	Pinaceae	Italian stone pine	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷
<i>Pinus</i> sp.		Pinaceae	Pine	۱۹۷
<i>Pinus sylvestris</i> L.		Pinaceae	Scotch pine	۱۹۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Piper aromaticum</i> Lam.		Piperaceae		۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۴۲، ۴۶
<i>Piper betle</i> L.		Piperaceae	Betel pepper	۲۳۰، ۱۸۴، ۹۳
<i>Piper cubeba</i> L.		Piperaceae		۲۴۹، ۵۶
<i>Piper longum</i> L.		Piperaceae		۲۲۸، ۱۴۲
<i>Piper nigrum</i> L.	**	Piperaceae	Black pepper	۳۳۳، ۲۲۹، ۱۴۲، ۴۶
<i>Piper</i> sp.		Piperaceae	Pepper	۲۲۸
<i>Pistacia chia</i> DC.		Anacardiaceae		۲۸۲
<i>Pistacia khinjuk</i> Stoc.	*	Anacardiaceae		۱۱۱، ۸۱
<i>Pistacia lentiscus</i> L.		Anacardiaceae	Lentisk pistache; Mastic tree	۳۲۹، ۳۲۵، ۲۸۲، ۱۹۸
<i>Pistacia terebinthus</i> L.		Anacardiaceae	Terebinth pistache	۳۲۵، ۱۹۸، ۱۱۱، ۸۱
<i>Pistacia vera</i> L.	*	Anacardiaceae	Common pistache	۳۲۹، ۳۱۱، ۲۲۵
<i>Pistia stratiotes</i> L.		Anacardiaceae		۳۵۳، ۳۲۰، ۱۷۱، ۳۸
<i>Pisum sativum</i> L.	*	Papilionaceae	Garden pea	۱۳۷، ۱۰۴، ۷۹
<i>Plantago coronopus</i> L.	*	Plantaginaceae	Crowfoot; Buckhorn plantain	۳۳۱، ۳۱۱
<i>Plantago major</i> L.	*	Plantaginaceae	Ripple-seed plantain-great plantain	۲۶۹
<i>Plantago psyllium</i> L.	*	Plantaginaceae	Flaxseed plantain; Psyllium seed	۳۵۱، ۳۱۹، ۷۸
<i>Platanus orientalis</i> L.	*	Platanaceae	Oriental plant tree	۳۲۶، ۳۰۹، ۱۴۶
<i>Platanus</i> sp.		Platanaceae	Plant tree sycamore	۲۱۷، ۱۴۶
<i>Plumbago europaea</i> L.		Plumbaginaceae		۲۴۵، ۲۰۳
<i>Plumbago rosea</i> L.		Plumbaginaceae		۱۹۴
<i>Plumbago zeylanica</i> L.		Plumbaginaceae		۱۹۳
<i>Poa cynosuroides</i> Retz.		Gramineae		۱۲۲
<i>Poa multiflora</i> Forsk.		Gramineae		۱۲۲
<i>Podospermum jacquinianum</i> Koch . = <i>Scorzonera cana</i> (C.A. Meyer) O. Hoffm		Compositae		۲۶۸
<i>Polemonium coeruleum</i> L.		Polemoniaceae	Greek-valerian polemonium	۳۴۸، ۳۱۸
<i>Polemonium</i> Sp.		Polemoniaceae	Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder	۹۰
<i>Polygonatum officinale</i> L.		Asparaginaceae	Drug solomon's- seal	۳۴۸، ۳۱۸، ۲۱۱
<i>Polygonum amphibium</i> L.	*	Polygonaceae		۲۲۰
<i>Polygonum aviculare</i> L.		Polygonaceae		۲۰۳، ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۱۱، ۲۲۰
<i>Polygonum bistorta</i> L.	*	Polygonaceae	European bistort	۶۴
<i>Polygonum equisetiforme</i> Sibth. = <i>Polygonum equisetiformis</i> Sibth.	*	Polygonaceae		۲۱۱
<i>Polygonum hydropiper</i> L.	*	Polygonaceae	Marsh-pepper smartweed	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۶۴
<i>Polygonum</i> sp.		Polygonaceae	Knotweed	۲۱۱
<i>Polygonum tinctorium</i> Hort.		Polygonaceae		۱۸۵
<i>Polygonum viviparum</i> L.		Polygonaceae	Viviparous bistort	۶۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Polypodium vulgare</i> L.	*	Polypodiaceae	Common polypody; Wall fern	۳۵۷، ۳۲۱، ۱۸۰
<i>Polyporus officinalis</i> Fr. (Fungi)			Purging agaric	۳۳۵، ۲۶۰، ۲۱۸
<i>Poppia fabiana</i> Koch. = <i>Luffa cylindrica</i> (L.) Roem.		Cucurbitaceae		۲۷۳
<i>Populus alba</i> L.	*	Salicaceae	White poplar	۳۲۲، ۱۲۷
<i>Populus euphratica</i> L.	*	Salicaceae	Willows	۲۲۰
<i>Populus nigra</i> L.	*	Salicaceae	Black poplar	۳۲۲، ۲۶۴، ۱۰۸
<i>Populus</i> sp.		Salicaceae	Poplar	۱۲۷
<i>Portulaca oleracea</i> L.	*	Portulacaceae	Common purslane	۳۳۱، ۸۳
<i>Portulaca sativa</i> Ha.		Portulacaceae		۸۳
<i>Potamogeton natans</i> L.		Potamogetonaceae		۳۵۳، ۳۲۰، ۹۹
<i>Potentilla reptans</i> L.	*	Rosaceae	Creeping cinquefoil	۳۴۹، ۸۹
<i>Poterium sanguisorba</i> L. = <i>Sanguisorba minor</i> Scop.	*	Rosaceae	Small bureat	۳۴۹، ۲۵۷، ۱۷۸
<i>Poterium</i> sp.		Rosaceae	Burnet	۳۴۱
<i>Poterium spinosum</i> L.		Rosaceae		۳۴۸
<i>Prangos ferulacea</i> L.	*	Umbelliferae		۳۴۱
<i>Prangos pabularia</i> L.	*	Umbelliferae	Hay plant	۲۵۴، ۷۲
<i>Premna latifolia</i> Roxb.		Verbenaceae		۷۳
<i>Prenanthes purpurea</i> L.		Compositae		۳۴۱
<i>Protea</i> sp.		Proteaceae	Purple rattlesnake root	۲۲۶
<i>Prunus amygdalus communis</i> L.		Rosaceae	Protea	۲۷۲
<i>Prunus amygdalus</i> Stokes. = <i>Amygdalus communis</i> L.	*	Rosaceae		۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Focke		Rosaceae		۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
<i>Prunus armeniaca</i> L.		Rosaceae	Common apricot	۳۲۸، ۳۱۰، ۲۸۲
<i>Prunus avium</i> L. = <i>Cerasus avium</i> (L.) Monch	*	Rosaceae	Mazzard cherry	۲۳۵
<i>Prunus cerasia</i> Br.		Rosaceae	Sour chery	۳۲۸، ۳۱۰
<i>Prunus cerasifera</i> Ehrh.		Rosaceae	Myrobalan plum	۲۳۵
<i>Prunus divaricata</i> Led.	*	Rosaceae	Wild myrobalan plum	۲۹۱، ۴۱
<i>Prunus domestica</i> L.	*	Rosaceae	Gardan plum	۳۲۸، ۲۶۱، ۲۱۷، ۱۴۰، ۷۶، ۴۲، ۴۱
<i>Prunus mahaleb</i> L. = <i>Cerasus mahaleb</i> (L.) Mill.	*	Rosaceae	Mahaleb cherry; St. lucy cherry	۱۱۲
<i>Prunus persica</i> Sieb. = <i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Rosaceae	Peach	۳۲۸، ۳۱۰
<i>Prunus spinosa</i> L.	*	Rosaceae	Sole-blackthorn	۴۱
<i>Psidium guajava</i> L.	**	Myrtaceae	Common guava	۶۲
<i>Psoralea bituminosa</i> L.		Papilionaceae		۳۴۳، ۲۰۳
<i>Psylla</i> sp.		Psyllidae	psylla	۱۲۴
<i>Pteris aquilina</i> L.		Pteridaceae	Western bracken	۳۵۷
<i>Pteris radiofa</i> Mett.		Pteridaceae		۲۸۶
<i>Pterocarpus santalinus</i> L.		Papilionaceae	Sandwood padauk; Lal - Chandan	۱۹۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Ptychotis verticellata</i> Duby		Umbelliferae		۳۶
<i>Pulicaria crispa</i> Cass . = <i>Francoeuria undulate</i> (L.)Loc.	*	Compositae		۱۰۲
<i>Pulicaria odora</i> Reichb.		Compositae		۱۸۳
<i>Pulmonaria officinalis</i> L.		Boraginaceae	Common lungwort	۲۶۸
<i>Punica granatum</i> L.		Punicaceae	Pomegranate	۳۲۸، ۳۸۹، ۳۸۳، ۱۰۴
<i>Pyrethrum parthenium</i> Sm . = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.)Sch.	*	Compositae	Feverfew; Feverfew chrysanthemum	۲۴۶، ۱۸۶
<i>Pyrus amygdaliformis</i> L.		Rosaceae	Almond pear	۳۲۸
<i>Pyrus communis</i> L.	*	Rosaceae	Common pear	۳۲۸، ۲۶۱، ۵۷، ۴۱
<i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i>		Rosaceae		۳۲۸، ۳۱۱
<i>Pyrus cydonia</i> L.		Rosaceae	<i>Cydonia oblonga</i>	۱۷۲
<i>Pyrus germanica</i> Hook.		Rosaceae		۱۶۲
<i>Pyrus germanica</i> L.		Rosaceae		۳۲۸، ۱۶۲
<i>Pyrus malus</i> L . = <i>Malus</i> <i>orientalis</i> Ugl.	*	Rosaceae	Appel	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۴
<i>Pyrus sorbus</i> Gaertn.		Rosaceae		۳۲۸، ۲۲۰، ۰
<i>Quercus aegilops</i> L.		Fagaceae	Valonia oak	۳۲۷
<i>Quercus aesculus</i> Boiss.	*	Fagaceae		۳۲۷
<i>Quercus coccifera</i> L.		Fagaceae	Kermes oak	۳۰، ۳۲۷، ۸۶
<i>Quercus ilex</i> L.		Fagaceae	Holly oak	۳۰۲، ۲۱۲، ۸۶
<i>Quercus infectipria</i> Olivier	*	Fagaceae	Aleppo oak	۲۱۲
<i>Quercus lusitanica</i> Lam.		Fagaceae		۳۲۷، ۲۱۲
<i>Quercus lustanica</i> var. <i>tauricola</i>		Fagaceae		۲۱۲
<i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp . = <i>Quercus brantii</i> Lindl.	*	Fagaceae	Oak ; Manna tree	۸۶
<i>Quercus robur</i> L.	*	Fagaceae		۸۶
<i>Quercus</i> sp.		Fagaceae	Oak	۲۱۲، ۱۷۹
<i>Randia dumetorum</i> L.		Rubiaceae	Malabar randia	۱۰۹
<i>Randia</i> sp.		Rubiaceae		۱۰۴
<i>Ranunculus acris</i> L.		Ranunculaceae	Tall buttercup	۳۳۴
<i>Ranunculus aquatilis</i> L.		Ranunculaceae	Water crowfoot	۳۳۰، ۲۰۰
<i>Ranunculus arvensis</i> L.		Ranunculaceae	Corn buttercup	۲۵۹
<i>Ranunculus asiaticus</i> L.		Ranunculaceae	Persian buttercup	۳۳۴، ۲۹۴، ۲۶۶، ۲۰۰، ۱۸۹
<i>Ranunculus ficaria</i> L.		Ranunculaceae	Figroot buttercup	۳۳۰
<i>Ranunculus lanuginosus</i> L.		Ranunculaceae	Buttercup <i>ficaria</i>	۳۳۰، ۲۰۰
<i>Ranunculus muricatus</i> L.	*	Ranunculaceae		۳۳۰
<i>Ranunculus muricolus</i> L.		Ranunculaceae		۲۰۰
<i>Ranunculus repens</i> L.		Ranunculaceae		۳۴۱
<i>Ranunculus</i> sp.		Ranunculaceae	Buttercup; Crowfoot	۱۲۷
<i>Raphanus niger</i> Mill.		Cruciferae		۲۲۴
<i>Raphanus raphanistrum</i> L.	*	Cruciferae	Wild radish	۳۳۰، ۲۲۴
<i>Raphanus sativus</i> L.	**	Cruciferae	Garden radish	۳۳۰، ۳۱۱، ۲۲۴
<i>Raphanus</i> sp.		Cruciferae	Radish	۲۲۴
<i>Reseda alba</i> L.	*	Resedaceae	White mignonette	۱۰۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Reseda canescens</i> L.		Resedaceae		۳۵۵
<i>Reseda luteola</i> L.	*	Resedaceae	Weld mignonette	۲۹۵
Resin				۱۵۲
<i>Retama</i> sp.		Papilionaceae	Retama	۱۵۵
<i>Rhamnus alaternus</i> L.	**	Rhamnaceae	Common alaternus	۳۷
<i>Rhamnus cathartica</i>	*	Rhamnaceae	Common buckthorn	۲۱۷
<i>Rhamnus infectoria</i> L.		Rhamnaceae	Persian berry buckthorn	۳۲۷، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
<i>Rhamnus tinctoria</i> Waldst.		Rhamnaceae		۱۹۶
<i>Rhamnus zizyphus</i> L.		Rhamnaceae		۲۱۴
<i>Rheum officinale</i> Baill.		Polygonaceae	Medicinal rhubarb	۱۵۴
<i>Rheum palmatum</i> L.		Polygonaceae	Sorrel rhubarb	۱۵۴
<i>Rheum rhaponticum</i> L. (Rhubarbes)		Polygonaceae	Garden rhubarb	۱۵۴
<i>Rheum ribes</i> L.	*	Polygonaceae	Cuvrant-fruited ; Rhubarb	۱۵۹
<i>Rheum</i> sp.		Polygonaceae	Rhubarb	۱۵۹
<i>Rhubarbes officinale</i> Baillon.		Polygonaceae		۱۵۴
<i>Rhubarbes ribes</i> ?		Polygonaceae		۱۵۴
<i>Rhus coriaria</i> L.	*	Anacardiaceae	Sicilian sumac	۳۲۷، ۳۱۰، ۱۷۵
<i>Rhus cotinus</i> L.	*	Anacardiaceae	Common smok tree; Aaron's	۱۷۵
<i>Rhus glabra</i> L.		Anacardiaceae	Smooth sumac	۱۷۵
<i>Rhus</i> sp.		Anacardiaceae	Sumac	۱۷۵
<i>Rhus vernicifera</i> DC.		Anacardiaceae	Japanese lacquer tree	۱۷۸
<i>Ricinus communis</i> L.	*	Euphorbiaceae	Castor bean	۳۵۶، ۲۰۳، ۱۳۳
<i>Roccella tinctoria</i> DC. (Lichen)		Roccellaceae	Litmus roccella	۱۱۷
<i>Romeria dodecandra</i> Stapf. = <i>Romeria hybrida</i> (L.) DC.	*	Papaveraceae	Violt horned poppy	۱۶۱
<i>Rosa alba</i> L.		Rosaceae	Cottage rose	۲۹۴
<i>Rosa anserinaefolia</i> Boiss. = <i>Rosa beggeriana</i> Schrnk	*	Rosaceae	Begger rose	۱۴۶
<i>Rosa canina</i> L.	*	Rosaceae	Dog-rose	۳۲۶، ۲۹۴، ۲۹۰
<i>Rosa centifolia</i> L.	**	Rosaceae	Cabbage rose	۲۹۴، ۱۴۶
<i>Rosa cinensis</i> Jac.		Rosaceae		۲۹۴
<i>Rosa damascena</i> Mill.	*	Rosaceae	Domask rose	۲۹۴، ۱۴۶
<i>Rosa gallica</i> L.	**	Rosaceae	French rose	۲۹۴، ۱۴۶
<i>Rosa indica</i> L.		Rosaceae	Chines rose	۲۹۴
<i>Rosa lutea</i> Bort. = <i>Rosa foetida</i> Herrm	*	Rosaceae	Austrian briar rose	۳۲۷
<i>Rosa maialis</i> Desf.		Rosaceae		۲۸۹
<i>Rosa moschata</i> Herrm.	*	Rosaceae	Musk rose	۲۹۰
<i>Rosa sempervirens</i> L.		Rosaceae	Evergreen rose	۳۲۶
<i>Rosa</i> sp.		Rosaceae	Rose	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۹۴
<i>Rosmarinus officinalis</i> L.	**	Labiatae	Rosemary	۶۰
<i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. =		Euphorbiaceae	Common madder;	۲۹۵، ۲۴۴



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Croton philippensis</i> Lam. <i>Mallotus reticulatus</i> Dunn = <i>Mallotus philippensis</i> (Lam.) Muell. Arg.			kemala tree	
<i>Rubia cordiifolia</i> L.		Rubiaceae		۲۳۰
<i>Rubia tinctorium</i> L.	*	Rubiaceae		۳۴۶، ۲۳۰
<i>Rubus fruticosus</i> L.		Rosaceae	European blackberry	۲۷۹، ۲۱۳
<i>Rubus idaeus</i> L.		Rosaceae	Red raspberry	۳۴۹، ۲۱۳
<i>Rubus sanctus</i> Schreb.		Rosaceae	European raspberry	۲۱۳
<i>Rubus</i> sp.		Rosaceae	Raspberry blackberry	۲۱۷، ۲۱۳
<i>Rubus ulmifolius</i> Schott. = <i>Rubus anatolicus</i> (Focke) Fock & Wauss.	*	Rosaceae	Elm-leaved blackberry	۳۴۹
<i>Rumex acutus</i> L.		Polygonaceae		۳۳۰، ۲۷۰، ۱۲۲
<i>Rumex aquaticus</i> L.		Polygonaceae		۳۳۰
<i>Rumex brettanica</i> L.		Polygonaceae		۳۴۷، ۳۱۸، ۷۶
<i>Rumex conglomeratus</i> L.	*	Polygonaceae	Clustered	۱۲۳
<i>Rumex elbursensis</i> Boiss.	*	Polygonaceae		۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۳
<i>Rumex hydrolapathum</i> L.		Polygonaceae	Water dock	۳۳۰، ۱۷۴، ۱۲۲
<i>Rumex lacerus</i> Balb.		Polygonaceae		۱۲۴
<i>Rumex obtusifolius</i> L.	*	Polygonaceae	Bitter dock	۱۲۴، ۱۲۳
<i>Rumex patientia</i> L.	*	Polygonaceae	Potenc dock	۳۳۰، ۱۲۳، ۱۲۲
<i>Rumex scutatus</i> L.	*	Polygonaceae	French sorrel	۱۲۲
<i>Rumex vesicarius</i> L.	*	Polygonaceae	Bladder dock; Bladder sorrel	۱۲۴
<i>Ruscus aculeatus</i> L.		Liliaceae	Butcher's-broom	۳۵۰، ۳۶
<i>Ruscus hypoglossum</i>		Liliaceae		۳۵۰
<i>Ruscus hypophyllum</i>		Liliaceae		۳۵۷، ۳۵۰
<i>Ruscus racemosus</i> L.		Liliaceae		۳۵۷
<i>Ruta graveolens</i> L.		Rutaceae	Common rue-herb of grace	۳۳۹، ۱۶۸
<i>Ruta hortensis</i> Mill.		Rutaceae		۱۶۸
<i>Ruta montana</i> L.		Rutaceae		۳۳۹، ۳۱۴، ۱۶۸، ۱۵۰
<i>Ruta</i> sp.		Rutaceae	Rue	۱۶۸
<i>Ruta tuberculata</i> Fisch. = <i>Haplophyllum versicolor</i> Fisch & C.A. Mey.	*	Rutaceae		۱۶۸
<i>Saccharum officinarum</i> L.	**	Gramineae	Sugar cane	۲۴۱، ۱۷۳
<i>Saelanthus quadrangulum</i> Forsk.		Vitidaceae		۱۷۴
<i>Salicornia fruticosa</i> L.	*	Chenopodiaceae		۵۲
<i>Salicornia herbacea</i> L. = <i>Salicornia europaea</i> L.	*	Chenopodiaceae	Marsh samphire	۲۴۴، ۵۲
<i>Salicornia</i> sp.		Chenopodiaceae	Glasswort	۵۲
<i>Salix acmophylla</i> Boiss.		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix aegyptiaca</i> Forsk.	*	Salicaceae	Egyptian willow	۱۳۷، ۱۱۰
<i>Salix alba</i> L.	*	Salicaceae	White willow	۱۳۷
<i>Salix australior</i> Forbes = <i>Salix</i> <i>excelsa</i> S.G.G.M.	*	Salicaceae		۱۳۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Salix babylonica</i> L.	*	Salicaceae	Babylon weeping willow	۳۲۷، ۲۲۰، ۱۳۷
<i>Salix balchia</i>		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix caprea</i> L.		Salicaceae	Good willow	۱۳۷
<i>Salix fragilis</i> L.		Salicaceae	Brittle willow	۱۳۷
<i>Salix rosmarinifolia</i> L.		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix safsaf</i> Forsk		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix</i> sp.		Salicaceae	Willow-osier	۲۲۰، ۳۲۷
<i>Salsola kali</i> L.	*	Chenopodiaceae	Common russian thistle	۵۲
<i>Salsola soda</i> L.	*	Chenopodiaceae	Soda plant; bakilla-plant	۵۲
<i>Salsola tragus</i> L = <i>Salsola kali</i> Subsp. <i>Tragus</i>	*	Chenopodiaceae		۵۲
<i>Salvadora indica</i> Royle		Salvadoraceae	Niepa bark tree	۴۳
<i>Salvadora persica</i> Gaer.	*	Salvadoraceae	Kikuel oil plant; Mustard- seed	۲۵۰، ۴۳
<i>Salvia aethiopsis</i> L.		Labiatae	Ethiopian sage-woolly clay	۳۵۴
<i>Salvia cyanescens</i> Boiss.		Labiatae		۳۳۸
<i>Salvia horminum</i> L. = <i>Salvia viridis</i> L.	*	Labiatae		۳۴۵، ۳۱۷، ۴۵
<i>Salvia officinalis</i> L.	**	Labiatae	Garden sage	۳۳۸، ۲۶۸، ۱۵۶، ۶۰، ۴۸
<i>Sambucus ebulus</i>	*	Caprifoliaceae	Mediterranean herb elder; danwort	۳۵۶
<i>Sambucus nigra</i> L.	*	Caprifoliaceae	European elder	۳۵۷، ۱۳۸
<i>Sanguisorba officinalis</i>	*	Rosaceae	Garden carrot	۳۴۹
<i>Sanguisorba</i> sp.		Rosaceae	Bloodroot	۳۴۹
<i>Santalum album</i> L.		Santalaceae		۱۹۶
<i>Santalum</i> sp.		Santalaceae	Sandalwood	۱۹۶
<i>Santolina maritima</i> Smith.		Compositae		۳۴۴، ۲۲۶
<i>Saponaria officinalis</i> L.	*	Caryophyllaceae	Bouncing bet	۳۳۳، ۱۷۱
<i>Sarcostemma viminalis</i> R.Br. = <i>Euphorbia viminalis</i>		Asclepiadaceae	Rapunzel Plant, Somabutta	۱۱۷
<i>Satureia hortensis</i> L.		Labiatae	Summer savory	۳۳۹، ۱۹۵
<i>Satureia thymbra</i> L.		Labiatae		۱۹۵
<i>Saussurea lappa</i> Clarke		Compositae	Saussura	۲۳۹
<i>Scandix pecten veneris</i> L.	*	Umbelliferae	Shepherd's-needle-lady's-comb; Venus's-comb	۳۳۲، ۳۱۱
<i>Schaenus</i> sp.		Cyperaceae	Bog rush	۲۱۷
<i>Schoenocaulon officinale</i> A.Gray = <i>Veratrum officinale</i> Schl. & Cham = <i>Veratrum sabadilla</i> Retz		Liliaceae	Drug sabadilla ; sabadilla	۲۶۱
<i>Scilla bifolia</i> L. = <i>Scilla autumnalis</i> L.	*	Liliaceae	Twin-leaved squill	۳۵۱
<i>Scilla maritima</i> L.		Liliaceae		۳۳۴، ۳۱۲، ۴۹
<i>Scilla pancratiuon</i> Nym.		Liliaceae		
<i>Scilla</i> sp.		Liliaceae	Squill	۲۱۵
<i>Scolopendrium hemionitis</i> L.		Polypodiaceae		۳۴۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw . = <i>Scolopendrium officinale</i> Swartz = <i>Phyllitis scolopendrium</i> (L.) Newman		Polypodiaceae	Hart's-tongue	۳۴۵، ۴۸
<i>Scolymus hispanicus</i> L . = <i>Scolymus grandiflorus</i> auct.	*	Compositae	Spanis; golden thistle	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۱۴
<i>Scorpiurus</i> sp.		Papilionaceae	Scorpoïn's-tail; Caterpillar plant	۱۵۱
<i>Scorzonera elongata</i> L.		Compositae		۳۴۰
<i>Scrophularia aquatica</i> L. = <i>Scrophularia umbebrosa</i> Dumort.	*	Scrophulariaceae	Water-betony	۱۲۷
<i>Scrophularia chrysanthemifolia</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۹، ۱۷۸
<i>Scrophularia lucida</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۹
<i>Scrophularia peregrina</i> L.		Scrophulariaceae		۳۵۳
<i>Secale cereale</i> L.	*	Gramineae	Rye; Rie	۱۹۴
<i>Secale corutom</i>		Gramineae		۱۴۷
<i>Securigera coronilla</i> DC . = <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*	Papilionaceae	Hatchet vetch	۳۴۵، ۷۰
<i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*	Papilionaceae		۳۴۵، ۷۰
<i>Sedom anopetalum</i> DC.		Crassulaceae	Goldmoss; stonecrop goldmoss	۳۵۶
<i>Sedum acre</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳، ۳۸
<i>Sedum cepaea</i> L.		Crassulaceae		۳۴۶، ۳۱۸، ۱۰۸
<i>Sedum ochroleucum</i> Vill.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Sedum roseum</i> Scop.		Crassulaceae	Rose-root stonecrop	۳۵۰
<i>Sedum</i> sp.		Crassulaceae	Stonecrop	۳۸
<i>Sedum stellatum</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Sedum telephium</i> L.		Crassulaceae	Live-forever	۲۲۳، ۳۸
<i>Sedum telephullon</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Selinum galbanum</i>		Umbelliferae		۳۴۲
<i>Selinum officinal</i>		Umbelliferae		۷۴
<i>Semecarpus anacardium</i> L.		Anacardiaceae	Marking Nut	۱۶، ۸۵
<i>Sempervivum arboreum</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳، ۳۴، ۳۸
<i>Sempervivum</i> sp.		Crassulaceae	Houseleek	۳۸
<i>Sempervivum tectorum</i> L.		Crassulaceae	Hen-and-chickens; Roof houseleek	۳۸
<i>Senebiera coronopus</i> (L.) Poir. = <i>Coronopus squamatus</i> (Forssk.) Ascherson		Cruciferae	Coronopus; Greater swinecress	۱۱۶
<i>Senecio coronopifolius</i> Defs . = <i>Senecio glaucus</i> L.	*	Compositae		۱۰۲
<i>Senecio vulgaris</i> L. = Common groundesel	*	Compositae		۳۵۳
<i>Serapias lingua</i> L.		Orchidaceae		۳۴۶، ۲۷۱
<i>Serratula chamepeuce</i> L.		Compositae		۲۱۸
<i>Sesamum indicum</i> L.	*	Pedaliaceae	Oriental sesme	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۷۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Sesamum oleiferum</i> Moench		Pedaliaceae		۱۷۶
<i>Sesamum orientale</i> L. = <i>Sesamum indicum</i> L.	*	Pedaliaceae		۱۷۶
<i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir.		Papilionaceae	Peabush	۱۸۲
<i>Sesbania</i> sp.		Papilionaceae	<i>Sesbania</i>	۱۸۲
<i>Seseli ammoides</i> L.		Umbelliferae	<i>Seseli</i> ; Meadow	۳۴۱
<i>Seseli tortuosum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۳۱۴، ۲۴۸، ۱۸۲، ۱۶۷
<i>Setaria italicum</i> Beauv.	*	Gramineae	Foxtail barley; Squirrel; Tail grass	۳۲۹
<i>Sideritis remota</i> Urv.		Labiatae	Ironwort	۳۴۹
<i>Silene cucubalus</i> Will.		Caryophyllaceae	Bladder silene	۱۰۰
<i>Silene gallica</i> L.		Caryophyllaceae	French silene	۳۴۹
<i>Silene infelata</i> Sm.		Caryophyllaceae		۳۵۱، ۱۳۶، ۱۰۰
<i>Silene</i> sp.		Caryophyllaceae	Catchfly; Campion	۳۵۰
<i>Silybum marianum</i> Gaer.	*	Compositae	Blessed milk Thistle; St.mary thistle	۳۵۰، ۲۱۳، ۱۱۵، ۷۱
<i>Silybum syriacum</i>		Compositae		۳۳۷
<i>Sinapis alba</i> L.	*	Cruciferae	White mustard	۱۳۱، ۱۱۵
<i>Sinapis arvensis</i> L.	*	Cruciferae	Charlock	۳۳۰، ۱۳۱
<i>Sinapis nigra</i> L.		Cruciferae		۱۳۱
<i>Sinapis</i> sp.		Cruciferae	Mustard	۱۳۱
<i>Sison ammi</i> Jac. = <i>Trachyspermum copticum</i> (L.)Lin.	*	Umbelliferae		۲۸۹
<i>Sison amomum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۰
<i>Sisymbrium alliaria</i> Scop.		Cruciferae		۹۹
<i>Sisymbrium irio</i> L.	*	Cruciferae	London pride	۱۲۹
<i>Sisymbrium nasturtium</i> Muhl.		Cruciferae		۳۳۱
<i>Sisymbrium officinale</i> L.	*	Cruciferae	Hedg mustard	۹۶
<i>Sisymbrium officinale</i> Scop.		Cruciferae		۳۳۳، ۱۲۹
<i>Sisymbrium polyceratium</i>		Cruciferae		۳۳۳، ۱۲۹
<i>Sisymbrium sophia</i> L. = <i>Descurainia sophia</i> (L.)Sct.	*	Cruciferae		۱۳۰
<i>Sisymbrium</i> sp.		Cruciferae	<i>Sisymbrium</i>	۹۶
<i>Sium latifolium</i> L.		Umbelliferae		۳۳۱، ۳۱۱، ۲۵۴، ۲۳۵، ۱۸۲، ۱۰۲
<i>Sium nodiflorum</i> L.		Umbelliferae		۳۳۱
<i>Sium sisarum</i> L.	*	Umbelliferae	Skirret water parsnip	۳۳۰، ۳۱۱، ۱۸۱
<i>Smilax aspera</i> L.	*	Asparaginaceae	Rough bindweed	۳۵۰، ۳۳۳، ۲۸۹، ۲۲۶
<i>Smilax glabra</i> Roxb.		Asparaginaceae		۱۰۶
<i>Smilax</i> L.		Asparaginaceae	Greenbrier	۲۲۶، ۱۰۶
<i>Smilax sarsaparilla</i> L.		Asparaginaceae		۲۰۹
<i>Smyrniolum dioscoridis</i> Spreng.		Umbelliferae		۳۴۱
<i>Smyrniolum olusatrum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۴
<i>Smyrniolum perfoliatum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۱، ۲۵۴
<i>Smyrniolum</i> sp.		Umbelliferae	Alexanders	۱۷۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Solanum indicum</i> L. = <i>Solanum indicum</i> L.	*	Solanaceae		۷۸
<i>Solanum melongena</i> L.	*	Solanaceae	Garden egg plant	۲۸۳، ۷۲
<i>Solanum nigrum</i> L.	*	Solanaceae	Black nightshade	۳۵۲، ۲۱۵، ۱۵۴
<i>Solanum sodomum</i> L.		Solanaceae		۷۰
<i>Solanum tuberosum</i> L.	*	Solanaceae	Potato	۳۵۲
<i>Sonchus arvensis</i> L.		Compositae	Field sow thistle	۳۳۱
<i>Sonchus ciliatus</i> L.		Compositae		۸۴، ۵۰
<i>Sonchus oleraceus</i> L.	*	Compositae	Common sow thistle	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۶، ۸۴، ۵۰
<i>Sophora mollis</i> Gr.	*	Papilionaceae	Himalayan laburnum	۴۴
<i>Sophora</i> sp.		Papilionaceae	Pagoda tree	۱۹۶
<i>Sorbus aucuparia</i> L. = <i>Sorbus boissieri</i> Sch.	*	Rosaceae		۲۲۰
<i>Sorbus boissieri</i> Schn.	*	Rosaceae		۲۲۰
<i>Sorbus domestica</i> L.		Rosaceae	Serviceberry; Juneberry	۳۲۸، ۲۲۰
<i>Sorbus Pyrus</i> Crantz		Rosaceae		۲۲۰
<i>Sorbus</i> sp.		Rosaceae	Mounthain ash	۲۲۰
<i>Sorbus torminalis</i> (L.) Crantz	*	Rosaceae	Checker-tree mountain ash	۲۸۶
<i>Sorghum vulgare</i> L.	**	Gramineae	Sorghum; Broom corn	۱۵۰، ۱۴۳
<i>Sparganium ramosum</i> Huds.		Sparganiaceae		۳۴۸، ۳۱۹، ۱۸۱
<i>Spartium junceum</i> L.		Papilionaceae	Weaver's-broom; Spanish broom	۳۵۰، ۷۵
<i>Spartium spinosum</i> L.		Papilionaceae		۱۴۱
<i>Spermophthora gossypii</i> (Fungi)		Metschnikowiaceae		۲۴۰
<i>Spinacia oleracea</i> L.	**	Chenopodiaceae	Spinach; Prickly-seeded spinach	۴۸
<i>Spiraea filipendula</i> L.		Rosaceae		۳۴۴
<i>Sqtaria italica</i> Beauv		Graminae	Millet, foxtail; Italian millet	۱۴۳
<i>Stachys betonica</i> Benth.		Labiatae		۳۴۷، ۲۳۹
<i>Stachys germanica</i> L.		Labiatae	Mouse-earbetony	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۹۵، ۱۷۱
<i>Stachys hirta</i> L.		Labiatae		۱۷۱
<i>Stachys lavandulaefolia</i> Vahl.		Labiatae		۲۷۸
<i>Stachys palaestina</i> L.		Labiatae		۳۴۳
<i>Stachys recta</i> L.		Labiatae		۳۴۹، ۱۸۰
<i>Stachys</i> sp.		Labiatae	Betony-woundwort	۲۹۵، ۱۷۱
<i>Statice limonium</i> L. = <i>Limonium vulgare</i> Miller		Plumboginaceae		۳۴۸، ۳۱۹، ۹۱
<i>Sterculia acuminata</i> Beauv.		Sterculiaceae		۱۰۸
<i>Stipa</i> sp.		Gramineae	Needlegrass; Feather grass	۱۲۲
<i>Stratiotes aloides</i> L.		Hydrocharitaceae	Water-soldier	۳۵۳، ۱۷۱
<i>Streptosolen</i> sp.		Solanaceae		۲۰۷
<i>Strychnos nux-vomica</i> L.		Loganiaceae	Poison Nut; Semen	۱۲۸، ۱۰۸، ۴۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			strychnos	
<i>Styrax officinale</i> L.		Styracaceae	Drug snowbell	۳۲۵، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۵۳
<i>Swertia chirata</i> Ham.		Gentianaceae		۲۴۱
<i>Symphytum bulbosum</i> Schimp.		Boraginaceae		۳۴۸، ۱۷۶
<i>Symphytum officinale</i> L.		Boraginaceae	Common comfrey; Woundwort	۱۷۶، ۴۳
<i>Symphytum petraeum</i> ?		Boraginaceae		۳۴۸، ۳۱۸، ۱۷۶
<i>Symphytum</i> sp.		Boraginaceae	Comfrey	۳۴۸، ۱۷۶
<i>Syringa</i> sp.		Oleaceae	Lilac	۲۹۲
<i>Syzygium aromaticus</i> (L.) Merr. = <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb = <i>E. aromatica</i> Kuntze. = <i>Caryophyllus aromaticus</i> Linn.		Myrtaceae	Clove tree	۲۳۸
<i>Tagetes erecta</i> L. = <i>Tagetes mayor</i>		Compositae	Aztec marigold	۲۴۳، ۲۰۱
<i>Tamarindus indica</i> L.		Caesalpiniaceae	Tamarind	۱۲۴، ۹۵
<i>Tamarix articulata</i> Vahl. = <i>Tamarix aphylla</i> (L.) Kay.	**	Tamaricaceae		، ۳۲۶، ۲۰۲، ۵۷، ۴۰
<i>Tamarix gallica</i> L.	*	Tamaricaceae	French tamarisk	۳۲۶، ۲۰۲، ۴۰
<i>Tamarix gallica</i> L. var. mann?		Tamaricaceae		۴۰
<i>Tamarix nilotica</i> Ehr & Bung.		Tamaricaceae		۴۰
<i>Tamarix orientalis</i> Forsk.		Tamaricaceae		۴۰
<i>Tamarix pentandra</i> Pall. = <i>Tamarix ramosissima</i> Led.	*	Tamaricaceae	Five-stamen tamarisk	۲۰۲
<i>Tamarix</i> sp.		Tamaricaceae	Tamarisk	۲۰۲، ۴۰
<i>Tamarix tetrandra</i> Guebh.	*	Tamaricaceae	Four stamen tamarisk	۲۰۲
<i>Tamus communis</i> L.		Dioscoraceae		۳۵۷، ۳۵۶، ۲۲۲
<i>Tamus dioica</i>	*	Dioscoraceae	Adder's meat	۲۲۲
<i>Tamus</i> sp.		Dioscoraceae	Black bryony	۲۹۷، ۲۲۲
<i>Tanacetum annuum</i> L.		Compositae		۶۱
<i>Tanacetum umbeliferum</i> Boiss.		Compositae		۸۹
<i>Tanacetum vulgare</i> L.		Compositae	Common tansy	۱۱۹
<i>Taraxacum dens-leonis</i> DC.		Compositae		۲۰۰
<i>Taraxacum officinale</i> Will.		Compositae	Common dandelion	۲۹۸، ۲۹۶، ۲۰۰، ۱۳۴
<i>Taraxacum vulgare</i> Shramk = <i>Taraxacum vagum</i> V.S.	*	Compositae		۲۰۰
<i>Taxus baccata</i> L.	*	Taxaceae	English yew	۳۵۲، ۱۹۹، ۱۹۰، ۱۶۱، ۱۵۵
<i>Tectonia grandis</i> L.		Verbenaceae	Teca	۱۶۶
<i>Tectonia</i> sp.		Verbenaceae	Teak	۱۶۶
<i>Telekia speciosissima</i> DC. = <i>Buphthalmum speciosissimum</i> L.		Compositae		۲۹۵
<i>Telephium imperati</i> L.	*	Caryophyllaceae	Tree orpine	۱۷۰، ۷۵
<i>Terfezia claveriji</i> (Fungi)				۲۶۰
<i>Terminalia bellerica</i> Roxb.	*	Combretaceae	Myrobalan tree	۸۷، ۶۹
<i>Terminalia chebula</i> Ret.		Combretaceae	Hebula terminalia	۶۹، ۶۸
<i>Terminalia citrina</i> Roxb.		Combretaceae		۶۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Terminalia horrida</i> Stend.		Combretaceae		۹۹
<i>Teucrium chamaedrys</i> L.		Labiatae	Chamaedoreas germander	۳۴۳، ۳۱۵، ۲۶، ۱۸۷
<i>Teucrium flavum</i> L.		Labiatae	Cat thyme	۳۴۲، ۳۱۵
<i>Teucrium marum</i> L.		Labiatae		۲۸، ۲۷۵
<i>Teucrium polium</i> L.		Labiatae		۳۴۳، ۳۱۶، ۱۰۴
<i>Teucrium sapinum</i> L.		Labiatae		۲۶۱
<i>Teucrium scordium</i> L.		Labiatae	Water germander	۳۴۳، ۳۱۶، ۹۸، ۴۹
<i>Teucrium</i> sp.		Labiatae	Germander	۲۰۴
<i>Thalictrum aquilegifolium</i> L.		Ranunculaceae	Columbne meadow rue	۹۷
<i>Thalictrum flavum</i> L.		Ranunculaceae	Yellow meadow rue	۳۵۳، ۳۲۰
<i>Thalictrum minus</i> L.		Ranunculaceae		۳۵۳
<i>Thapsia garganica</i> L.		Umbelliferae		۳۵۵، ۱۶۸، ۱۴۵، ۹۷
<i>Thea sinensis</i> L.		Theaceae	Common tea; chinese tea	۹۹
<i>Thelygonum cynocrambe</i> L.		Thelygonaceae		۳۵۷
<i>Thlaspi bursa-pastoris</i> L.		Cruciferae		۳۳۳
<i>Thlaspi campestre</i> L.		Cruciferae		۱۳۱، ۱۰۲
<i>Thrinicia tuberosa</i> DC.		Compositae		۳۳۲
<i>Thus oxycantha</i> = <i>Crataegus laevigata</i> (Poiret) De Candolle = <i>Crataegus oxycantha</i> L.		Rosaceae	Hawthorn, English hawthorn, haw, May flower, whitethorn, quickthorn	۲۷۱
<i>Thuja articulata</i> Vahl.		Cupressaceae	Oriental arborvitae; Chinese arborvitae	۱۷۹
<i>Thuja orientalis</i> L.		Cupressaceae		۲۱۲
<i>Thymbra spicata</i> Stric. & Hort.	*	Labiatae	Spiked thymbra	۳۳۷
<i>Thymelaea hirsuta</i> Endl.		Thymeliaceae		۲۷۷
<i>Thymelaea mezereum</i> Scop.		Thymeliaceae		۲۷۵
<i>Thymelaea tartonraira</i> Endl.		Thymeliaceae		۲۰۹
<i>Thymus barrelieri</i> Spreng.		Labiatae		۳۱۴، ۲۲۹
<i>Thymus calamintha</i> Scop.		Labiatae		۳۳۸، ۳۱۴، ۲۲۹
<i>Thymus capitatus</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۳۱۴
<i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm.		Labiatae		۹۹، ۱۱۰
<i>Thymus glaber</i> Mill.		Labiatae		۳۳۹، ۲۹۱، ۱۸۲
<i>Thymus graveolens</i> Bieb.		Labiatae		۳۳۸
<i>Thymus kotchyanus</i> Boiss.		Labiatae		۱۹۶
<i>Thymus nepeta</i> Sm.		Labiatae		۳۱۴، ۲۲۹
<i>Thymus nummularius</i> Benth.		Labiatae		۱۸۲
<i>Thymus serpyllum</i> Fric.		Labiatae	Mother-of- thyme	۱۸۲
<i>Thymus serpyllum</i> L.		Labiatae	Serpolet; Wild Thyme	۲۹۱، ۱۹۵
<i>Thymus sibthorpii</i> Benth.		Labiatae		۳۳۹
<i>Thymus vulgaris</i> L.		Labiatae	Common thyme	۳۳۹، ۱۹۶، ۱۱۰
<i>Tilia rubra</i> De. & T.		Tiliaceae		۱۶۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Tilia silvestris</i> Desf.	*	Tiliaceae	Little-leaf-linden	۱۶۶
<i>Tilia</i> sp.		Tiliaceae	Lindelofia	۱۶۶
<i>Tithymalus cotinifolius</i> Haw . = <i>Euphorbia cotinifolia</i> L.		Euphorbiaceae	Red spurge	۱۸۴
<i>Tordilium officinale</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۲
<i>Torilis leptophylla</i> Reichb.		Umbelliferae		۸۹
<i>Trachyspermum copticum</i> Link. = <i>Trachyspermum ammi</i> (L.) Sprague		Umbelliferae		۲۸۹
<i>Tragium columnae</i> Spreng.		Umbelliferae		۳۵۰، ۳۱۹، ۲۰۱
<i>Tragopogon orientalis</i> L.		Compositae		۳۳۲، ۳۱۲
<i>Tragopogon pratensis</i> L.		Compositae	Meadow salsify	۲۶۸، ۱۵۱
<i>Tragopogon</i> sp.		Compositae	Salsify ; Goatsbeard	۲۶۸
<i>Tragopogon villosum</i> L.		Compositae		۳۳۲
<i>Trapa natans</i> L.		Trapaceae	Water chestnut	۱۱۸
<i>Tribulus terrestris</i> L.		Zygophyllaceae	Puncture rine	۳۴۸، ۳۱۹، ۱۱۸
<i>Trichera arvensis</i> Schrad. = <i>Knautia arvensis</i> (L.) Coulter = <i>Scabiosa arvensis</i> L.		Dipsacaceae	Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed	۱۷۱
<i>Trichodesma indicum</i> DC.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Trichodesma molle</i> DC.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Trichodesma zeylanicum</i> R.Br.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Trichilia emetica</i> Wahl.		Meliaceae		۱۵۷، ۱۱۰، ۱۰۸
<i>Trifolium alexandrinum</i> L.		Papilionaceae		۲۳۶، ۱۵۶
<i>Trifolium arvense</i> L.		Papilionaceae	Rabbit-foot clover; Hare's-foot	۳۴۸، ۲۶۵
<i>Trifolium fragiferum</i> L.		Papilionaceae	Strawberry clover	۳۹
<i>Trifolium italicum</i> Boiss.		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trifolium mellilotus-indica</i> L.		Papilionaceae		۲۹۱
<i>Trifolium officinalis</i> Willd.		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trifolium pratense</i> L.		Papilionaceae	Red clover	۱۵۶
<i>Trifolium sipyleum</i>		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trifolium</i> sp.		Papilionaceae	Clover	۲۹۱، ۲۰۳
<i>Trigonella coerulea</i> Ser.		Papilionaceae	Blue-white trigonella	۲۸۶، ۱۲۶
<i>Trigonella corniculata</i> L.		Papilionaceae		۱۵۰
<i>Trigonella elatior</i> Sybth.		Papilionaceae		۲۸۶
<i>Trigonella foenum-graecum</i> L.		Papilionaceae	Fenugreek trigonella; Fenugreek	۳۲۹، ۱۲۱
<i>Trigonella graeca</i> Boiss.		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trigonella grandiflora</i> Bunge.		Papilionaceae		۱۲۱، ۵۹
<i>Trigonella hamosa</i> L.		Papilionaceae		۱۲۷، ۱۲۶، ۳۹
<i>Trigonella laciniata</i> L.		Papilionaceae		۱۵۰
<i>Trigonella</i> sp.		Papilionaceae	Trigonella	۱۲۱



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Tripteris vaillantii</i> L.		Papilionaceae		۲۷۸
<i>Triticum dicoccum</i> Schr.		Graminae	Emmer; Dinkel wheat	۲۶۳، ۲۶۳
<i>Triticum monococcum</i> L.		Graminae	Einkorn; One-grained wheat	۳۲۹، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۳
<i>Triticum ovatum</i> L.		Graminae		۱۴۷
<i>Triticum repens</i> L.		Graminae		۹۹
<i>Triticum romanum</i> L.		Graminae		۳۲۹، ۱۳۹
<i>Triticum spelta</i> L.		Graminae	Splet	۲۶۴، ۱۷۴، ۱۳۹،
<i>Triticum vulgare</i> Vill.		Graminae	Wheat	۱۲۶
<i>Triticum zea</i> Host.		Graminae		۲۶۴
<i>Trodylium ackakul</i>		Umbelliferae		۱۸۸
<i>Tropaeolum majus</i> L.		Tropaeolaceae	Tropae	۲۶۵
<i>Tuber album</i> Sow .(Fungi)				۲۶۰، ۲۲۶
<i>Tuber brumale</i> Vittad. (Fungi)				۲۲۶
<i>Tuber cibarium</i> (Fungi)				۳۳۲، ۲۵۸
<i>Tuber magnatum</i> (Fungi)				۲۶۰
<i>Tuber melanosporum</i> Vitt. (Fungi)			Perigord truffle	۲۶۰، ۲۵۸
<i>Tuber michell</i> (Fungi)				۳۳۲، ۲۶۰
<i>Tulipa gesneriana</i> L.		Liliaceae		۱۳۵
<i>Tussilago farfara</i> L.	*	Compositae	Horse-hoof; Common colt's foot	۳۳۴، ۱۷۲، ۱۱۹، ۷۳
<i>Tussilago vulgaris</i> L.		Compositae		۳۴۴
<i>Typha angustata</i> L. = <i>Typha australis</i> Sch.&Th.	*	Typhaceae	Narrow-leaved cattail	۳۴۴
<i>Typha latifolia</i> L.	*	Typhaceae	Common cattail	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۴
<i>Ulmus campestris</i> L.	*	Ulmaceae	English elm	۳۲۶، ۱۸۶، ۱۴۴
<i>Ulmus effusa</i> Sibth.		Ulmaceae	Spreading	۱۸۵، ۱۴۴
<i>Ulmus glabra</i> L.	*	Ulmaceae	Scoth elm; wych elm	۱۸۶
<i>Ulmus minor</i> Mill.	*	Ulmaceae		۲۹۳
<i>Ulmus montana</i> With.		Ulmaceae	Scoth elm; wych elm	۱۸۵، ۱۴۴
<i>Ulmus</i> sp.		Ulmaceae		۱۸۵، ۱۴۴
<i>Ulva lactuca</i> (Green algae)			Common sea lettuce; green laver	۳۵۳
<i>Uncaria gambier</i>		Rubiaceae	Bengal gambir plant	۲۳۰
<i>Ungula caballina</i>		Compositae		۷۳
<i>Urginea maritima</i> Bak.	*	Liliaceae	Shore sea onion	۴۹
<i>Urtica dioica</i> L.		Urticaceae	Big-sting nettle; Sting nettle	۶۵
<i>Urtica pilulifera</i> L.	*	Urticaceae	Roman nettle	۳۵۳، ۲۱۲، ۶۵
<i>Urtica</i> sp.		Urticaceae	Nettle family	۲۳۴، ۶۵
<i>Urtica urens</i> L.	*	Urticaceae	Dog nettle	۳۵۳، ۲۵۵، ۶۵
<i>Usenea articulata</i> (L.) Hoffm. (Lichen)				۵۳
<i>Usenea barbata</i> Ach .(Lichen)			Bearded bell flower	۳۲۴، ۱۹۲، ۱۱۷، ۵۲
<i>Usenea barbata</i> var. <i>florida</i> (Lichen)				۳۵۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Usenea</i> sp. (Lichen)			Usenea	۳۲۴، ۵۲
<i>Uvularia amplexifolia</i> L.		Uvulariaceae		۳۵۰، ۳۴
<i>Valeriana celtica</i> L.		Valerianaceae		۳۲۴، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
<i>Valeriana dioscorides</i> Sibth.		Valerianaceae		۳۲۴، ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸
<i>Valeriana hardwickii</i> Wal.		Valerianaceae		۴۶
<i>Valeriana jatamansi</i> DC.		Valerianaceae		۲۸۸
<i>Valeriana jatamansi</i> Jone.		Valerianaceae	Nard	۱۷۷
<i>Valeriana montana</i> L.		Valerianaceae	Mountain valerian	۲۸۸
<i>Valeriana officinalis</i> L.		Valerianaceae	Common valerian	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸، ۱۷۷
<i>Valeriana phu</i> L.		Valerianaceae		۲۸۸، ۲۲۹
<i>Valeriana</i> sp.		Valerianaceae	Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۷
<i>Valeriana spica</i> Vahl.		Valerianaceae		۲۸۸
<i>Valeriana tubereuse</i> Sprun.		Valerianaceae		۳۲۴، ۱۷۷
<i>Valeriana wallichii</i> DC.		Valerianaceae	Indian Valerian	۲۸۸
<i>Veratrum album</i> L.		Liliaceae	White Hellebore	۳۵۰، ۲۶۳، ۱۳۰
<i>Veratrum nigrum</i> L.		Liliaceae	Black false hellebore	۱۳۰
<i>Verbascum nigrum</i> L.		Scrophulariaceae	Black mullein	۹۰، ۳۵۴
<i>Verbascum plicatum</i> Sibth.		Scrophulariaceae		۳۵۴
<i>Verbascum sinuatum</i> Desc.	*	Scrophulariaceae	Mediterranean hrb elder; Danewort	۳۵۴
<i>Verbascum</i> sp.		Scrophulariaceae	Mullein	۳۵۴، ۹۰
<i>Verbascum thapsus</i> L.	*	Scrophulariaceae	Flannet mullein; Great mullein	۳۵۴، ۲۷۵، ۹۰، ۷۷
<i>Verbena officinalis</i> L.		Verbenaceae	European verbena	۳۵۱، ۱۵۶، ۷۳
<i>Verbena sapina</i> L.		Verbenaceae		۳۵۱، ۶۹
<i>Verbena</i> sp.		Verbenaceae	Vervain	۳۵۱، ۱۵۶
<i>Veronica officinalis</i> L.	*	Scrophulariaceae	Drug speedwell	۲۶۷
<i>Veronica teucrium</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۲
<i>Vesicaria gnaphaloides</i> Boiss. = <i>Veronica viscose</i> Boiss.	*	Scrophulariaceae		۱۴۰
<i>Vicia cracca</i> L.	*	Papilionaceae	Brid vetch; Cow vetch	۳۳۳، ۹۲
<i>Vicia ervillia</i> Willd.	*	Papilionaceae	Bitter vetch	۳۳۰، ۲۷۶، ۳۵۴، ۲۵۳
<i>Vicia faba</i> L.	*	Papilionaceae	Broad bean	۳۳۰، ۷۳
<i>Vicia onobrachoides</i> L.		Papilionaceae		۳۴۷
<i>Vicia sativa</i> L.	*	Papilionaceae	Common vetch	۲۷۶، ۹۷، ۹۲
<i>Vigna catjang</i> Walp		Papilionaceae	Catjang cowpea	۲۷۱
<i>Vigna sinensis</i> Endl.		Papilionaceae	Common cowpea	۲۷۶
<i>Vinca minor</i> L.	**	Apocynaceae	Periwinkle	۳۴۸، ۲۴۱
<i>Vincetoxicum officinale</i> Monch.		Asclepiadaceae	White swallowwort	۲۲۱
<i>Viola cinerea</i> Boiss = <i>Viola behboudiana</i> Rech.F.&Esf.	*	Violaceae		۸۹
<i>Viola odorata</i> L.	*	Violaceae	Violet ; sweet	۳۵۴، ۸۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			Violet	
<i>Viola serpens</i> Wa.		Violaceae		۱۹
<i>Viola</i> sp.		Violaceae	Violet	۱۹
<i>Viola tricolor</i> L.	*	Violaceae	Wild pansy	۱۹
<i>Virgilia</i> sp.		Papilionaceae	Ax plant	۱۳۶
<i>Viscum album</i> L.	*	Loranthaceae	European mistletoe	۳۴۲، ۲۱۶، ۱۴۳
<i>Vitex agnus-castus</i> L. = <i>Vitex Pseudo-negundo</i> (Haus.)Hand-Mzt.	*	Verbenaceae	Lilac chaste; Agnus castus	۲۹۷، ۲۵۹، ۱۸۵، ۱۷۰، ۱۵۳، ۴۱ ۳۲۷، ۳۱۰
<i>Vitis repanda</i> Wight		Vitaceae		۱۲۴
<i>Vitis vinifera</i> L.	*	Vitaceae	Eropean grape; Vine grape	۲۵۵، ۲۱۴
<i>Withania coagulans</i> Dunal	*	Solanaceae	Cheese-maker; Puneer cardaoms	۲۴۹
<i>Withania somnifera</i> Dunal.	*	Solanaceae	Clustered winter cherry	۱۹
<i>Xanthium strumarium</i> L.	*	Compositae	Lesser burdock	۳۵۵
<i>Xanthoxylon avicenne</i> DC. = <i>Zanthoxylum piperitum</i> DC.		Rutaceae	Aniseeed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise	۲۲۳
<i>Zea mays</i> L.	*	Gramineae	Maize; Indian corn	۱۵۰، ۱۰۰
<i>Zelkova crenata</i> Spac. = <i>Zelkova carpinifolia</i>	*	Ulmaceae	Zelkova elm of Siberia	۳۵
<i>Zingiber officinale</i> Rosc.		Zingiberaceae	Common ginger	۳۳۳، ۱۶۴
<i>Zingiber</i> sp.		Zingiberaceae	Ginger	۱۶۴
<i>Zingiber zerumbet</i> Rosc.		Zingiberaceae		۱۶۱
<i>Zizyphora capitata</i> L.	**	Labiatae		۳۴۲
<i>Zizyphus jujuba</i> Lam.		Rhamnaceae		۲۱۴
<i>Zizyphus lotus</i> Lam.	*	Rhamnaceae	African lotus	۱۶۸
<i>Zizyphus sativa</i> G.		Rhamnaceae		۲۱۴
<i>Zizyphus spina-christi</i> Willd	*	Rhamnaceae	Christ's thorn ; Nubk tree	۱۶۸
<i>Zizyphus vulgaris</i> L.		Rhamnaceae		۳۲۶، ۲۱۴

## ۲ - جدول نام های علمی گیاهان داروئی به ترتیب خانواده

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Ulva lactuca</i> (Green algae)		Common sea lettuce; green laver	۳۵۳
	<i>Corallium rubraum</i> L. (Red Coral)		Potato bean	۷۹
Lycoperdaceae	<i>Bovista plumbea</i> Pers. = <i>Lycoperdon plumbeum</i> (Macrofungi)		Lead-grey Bovist.	۲۲۶
	<i>Ashbia gossypii</i> = <i>Eremothecium gossypii</i> (Fungi)		Strain Number	۲۴۰
	<i>Eremothecium ashybi</i> (Fungi)		Routien	۲۴۰
	Fungi sp.			۳۵۲، ۲۲۶
	<i>Lycoperdon</i> sp. (Fungi)		Puffbal	۲۲۷
Morchellaceae	<i>Morchella esculenta</i> Pers. (Mushrooms)		Pancita, morilla, mazorquita, elotito, mazorca, elote, huecasy colmena.	۲۲۱
	(Mushroom )			۲۲۶
	<i>Nemastopora corylii</i> (Fungi)			۲۴۰
	<i>Polyporus officinalis</i> Fr. (Fungi)		Purging agaric	۳۳۵، ۲۶۰، ۲۱۸
Metschnikowiaceae	<i>Spermophthora gossypii</i> (Fungi)			۲۴۰
	<i>Terfezia claveriji</i> (Fungi)			۲۶۰
	<i>Tuber album</i> Sow. (Fungi)			۲۶۰، ۲۲۶
	<i>Tuber brumale</i> Vittad. (Fungi)			۲۲۶
	<i>Tuber cibarium</i> (Fungi)			۳۳۲، ۲۵۸
	<i>Tuber magnatum</i> (Fungi)			۲۶۰
	<i>Tuber melanosporum</i> Vitt. (Fungi)		Perigord truffle	۲۶۰، ۲۵۸
	<i>Tuber michell</i> (Fungi)			۳۳۲، ۲۶۰
	<i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach. (Lichen)		Staghorn	۵۲
Lecanoraceae	<i>Lecanora circummunita</i> Nyl. (Lichen)			۱۱۷
Lecanoraceae	<i>Lecanora affini</i> Ev. (Lichen)			۱۰۷
Lecanoraceae	<i>Lecanora esculenta</i> Ev. (Lichen)			۱۰۷
Roccellaceae	<i>Roccella tinctoria</i> DC. (Lichen)		Litmus roccella	۱۱۷
	<i>Usenea articulata</i> (L.) Hoffm. (Lichen)			۵۳
	<i>Usenea barbata</i> Ach. (Lichen)		Bearded bell flower	۳۲۴، ۱۹۲، ۱۱۷، ۵۲
	<i>Usenea barbata</i> var. <i>florida</i> (Lichen)			۳۵۰
	<i>Usenea</i> sp. (Lichen)		Usenea	۳۲۴، ۵۲
Agaricaceae	<i>Agaricus</i> sp. (Mushroom)		Fool's-parsley agric	۲۱۹
	(Moss)			۲۰۰
Aspleniaceae	<i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss)			۱۱۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Muscus arboreus</i> (Moss)			۵۲
	<i>Muscus sp.</i> (Moss)			۵۲
Acanthaceae	<i>Blepharis persica</i>	*		۷۵
Acanthaceae	<i>Acanthus mollis</i> L.	**	Bear's breach soft acanthus	۳۳۷
Acoraceae	<i>Acorus calamus</i> L.	*	Drug sweet flag; Calamus	۳۰۹، ۲۹۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۱۷۵، ۱۵۰، ۳۲۴
Adiantaceae	<i>Acrostichum dichototum</i> Forsk.		Maidenhair fern	۲۸۷
Adiantaceae	<i>Adiantum capillus-veneris</i> L.	*	South maidenhair; Venus's-hair	۳۵۵، ۱۸۷، ۷۷
Aesalpinaceae	<i>Parkinsonia aculeata</i> L.	*		۷۵
Aesalpinaceae	<i>Parkinsonia sp.</i>			۷۵
Agavaceae	<i>Dracaena cinnabari</i> Balf.			۱۴۷، ۶۹
Alangiaceae	<i>Alangium lamrckii</i> Th.		Ankola (Sanskrit)	۶۷
Alangiaceae	<i>Alangium salviifolium</i> (L.F.) Wan.		Sage Leaves	۶۷
Alismataceae	<i>Alisma plantaga</i> L.		American water plantain	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۸۱
Alismataceae	<i>Alisma sp.</i>		Water plantain	۲۸۱
Amarantaceae	<i>Celosia argentea</i> L.	**	Feather cockscomb	۷۹
Amarantaceae	<i>Crinum sp.</i>		Crinum	۱۴۳
Amaranthaceae	<i>Albersia blitum</i> Kunth . = <i>Amaranthus blitum</i> subsp. <i>Blitum</i>			۸۴
Amaranthaceae	<i>Amaranthus blitum</i> L. = <i>Amaranthus graecizans</i> L. Var. <i>sylvestris</i> (Vil.)Asch.		Prostrate amaranth	۳۳۰، ۳۱۱، ۸۴
Amaranthaceae	<i>Amaranthus cruentus</i> L.	*	Grain Amaranth	۷۹
Amaranthaceae	<i>Amaranthus gangeticus</i> L.		Tumbelweed amaranth	۱۴۳
Amaranthaceae	<i>Amaranthus graecizas</i> L. var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch.	*		۸۴
Amaranthaceae	<i>Amaranthus paniculatus</i> L.		Scarlet amaranth	۱۴۳
Amaranthaceae	<i>Amaranthus tricolor</i> L.		Love-lies-bleeding	۱۴۳، ۷۹، ۷۷
Amarillidaceae	<i>Narcissus jonquilla</i> L.		Jonquil	۲۹۰
Amarillidaceae	<i>Narcissus poeticus</i> L.			۳۵۶، ۲۹۰، ۲۰۶
Amarillidaceae	<i>Narcissus sp.</i>		Poet's narcissus	۲۹۰
Amarillidaceae	<i>Narcissus tazetta</i> L.	*		۲۹۰، ۲۰۶
Amarylidaceae	<i>Leucojum sp.</i>	*	Snowflake	۲۰۶
Amarylidaceae	<i>Pancratium maritimum</i> L.		sea daffodil	۲۴۳، ۲۲۶
Amarylidaceae	<i>Pannkratium maritimum</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲
Anacardiaceae	<i>Mangifera indica</i> L.	**	Common marchantia	۲۱۴، ۶۳
Anacardiaceae	<i>Pistacia chia</i> DC.			۲۸۲
Anacardiaceae	<i>Pistacia khinjuk</i> Stoc.	*		۱۱۱، ۸۱
Anacardiaceae	<i>Pistacia lentiscus</i> L.		Lentisk pistache; Mastic tree	۳۲۹، ۳۲۵، ۲۸۲، ۱۹۸
Anacardiaceae	<i>Pistacia terebinthus</i> L.		Terebinth pistache	۳۲۵، ۱۹۸، ۱۱۱، ۸۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Anacardiaceae	<i>Pistacia vera</i> L.	*	Common pistache	۳۲۹، ۳۱۱، ۲۲۵
Anacardiaceae	<i>Pistia stratiotes</i> L.			۳۵۳، ۳۲۰، ۱۷۱، ۳۸
Anacardiaceae	<i>Rhus coriaria</i> L.	*	Sicilian sumac	۳۲۷، ۳۱۰، ۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus cotinus</i> L.	*	Common smok tree; Aaron's	۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus glabra</i> L.		Smooth sumac	۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus</i> sp.		Sumae	۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus vernicifera</i> DC.		Japanese lacquer tree	۱۷۸
Anacardiaceae	<i>Semecarpus anacardium</i> L.		Marking Nut	۱۶، ۱۸۵
Apocynaceae	<i>Apocynum erectum</i> Vell.			۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲، ۴۳
Apocynaceae	<i>Apocynum</i> sp.		Dogbane	۱۲۸
Apocynaceae	<i>Nerium oleander</i> L.	*		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۹۴، ۱۴۵
Apocynaceae	<i>Nerium</i> sp.		Common oleander	۱۴۵
Apocynaceae	<i>Vinca minor</i> L.	**	Periwinkle	۳۴۸، ۲۴۱
Aquifoliaceae	<i>Ilex aquifolium</i> L.	*	English holly	۶۲
Araceae	<i>Acorus aromaticus</i> Gilib.			۲۹۳، ۲۴۱
Araceae	<i>Areca catechu</i> L.		Betel-nut palm ; betel palm	۲۳، ۵۴
Araceae	<i>Areca catechu</i> Willd.		Areca Nut	۱۲۰
Araceae	<i>Areca faufel</i> Gaertn.			۲۳۰
Araceae	<i>Arum arisarum</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
Araceae	<i>Arum colocasias</i> L.			۲۴۴، ۲۳۱، ۱۲۵
Araceae	<i>Arum dioscoridis</i> L.			۳۳۴
Araceae	<i>Arum dracunculus</i> L.		Common stink dragon	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۳۱
Araceae	<i>Arum esculenta</i> L.			۲۴۴
Araceae	<i>Arum italicum</i> L.		Italian arum	۲۷۳، ۱۵۰، ۱۴۲
Araceae	<i>Arum maculatum</i>		Lords-and-lodies ; Cuckoopint	۳۳۴، ۲۷۳
Araceae	<i>Arum</i> sp.		Arum	۲۳۱
Araceae	<i>Arum vulgare</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
Araceae	<i>Calamus aromaticus</i> = <i>Acorus aromaticus</i> Lam.		Sweet flag	۲۹۳، ۲۴۰
Araceae	<i>Calamus asiaticus</i>			۲۹۳
Araceae	<i>Calamus draco</i> Willd . = <i>Daemonoropos draco</i> BLUME			۱۴۷
Araceae	<i>Colocasia antiquorum</i> Sch.			۲۴۴
Araceae	<i>Colocasia esculenta</i> L . = <i>Colocasia antiquorum</i> var <i>esculenta</i>		papa china, taro, bore, ocumo, quiquisque	۲۴۴
Araceae	<i>Colocasia antiquorum</i> Shott . = <i>Arum esculentum</i> L., <i>Caladium</i> <i>esculentum</i> (L.) Vent.,		taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears	۲۳۱
Araceae	<i>Dracontium</i> sp.			۱۸۶
Araceae	<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot . = <i>Arum Dracunculus</i>			۲۷۳، ۱۴۲
Araliaceae	<i>Hedera helix</i> L.	*	English ivy	۳۳۵، ۲۱۷، ۲۴۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Araliaceae	Hedera sp.		Ivy	۲۱۰، ۱۱۳
Arecaceae	<i>Daemonorops draco</i> Blume = <i>Calamus draco</i> Willd.		dragon's blood	۱۴۷
Arecaceae	<i>Hyphaene thebaica</i> (L.) Mart. = <i>Corypha thebaica</i> L. = <i>Hyphaene guineense</i>		Egyptian doum palm	۳۲۵، ۲۸۴
Arecaceae	<i>Lodoicea sechellarum</i> Lab.		Coco maledivicus ; Nux media	۲۸۷
Aristolochiaceae	<i>Asarum europaeum</i> L.		European wild ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۹۰، ۴۶
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia boetica</i>			۳۳۶
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia longa</i> L.		Long-rooted Birthwort	۱۶۱
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia pallids</i> Round = <i>Aristolochia pallida</i> Willd.		Wild Ginger	۳۳۵
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia rotunda</i> L.		Snakeroot	۱۶۱
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia sempervirens</i> L.		Birthwort	۳۳۶
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia</i> sp.		Dutchman's-pipe- birthwort	۳۳۵، ۳۱۳، ۱۶۱
Asclepiadaceae	<i>Pergularia tomentosa</i> L.	*		۲۲۱
Asclepiadaceae	<i>Barjonia racemosa</i> Decne.			۴۲
Asclepiadaceae	<i>Calotropis procera</i> R.B.	*	French cotton	۲۰۹
Asclepiadaceae	<i>Calotropis</i> sp.		Calotrope	۲۰۹
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum erectum</i> L.			۳۵۲، ۴۲
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum nigrum</i> Pers.			۳۴۴
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum pyrotechnicum</i> L.			۲۷۸
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum vincetoxicum</i> Pers.		White swallowwort	۳۴۲
Asclepiadaceae	<i>Daemia cordata</i> R.Br.			۲۲۱
Asclepiadaceae	<i>Marsdenia erecta</i> L.	*	Marsdenia	۴۲
Asclepiadaceae	<i>Sarcostemma viminale</i> R.Br. = <i>Euphorbia viminale</i>		Rapunzel Plant, Somabutta	۱۱۷
Asclepiadaceae	<i>Vincetoxicum officinale</i> Monch.		White swallowwort	۲۲۱
Aslepiadiaceae	<i>Asclepias cynanchoides</i> Humb.			۲۰۹
Aslepiadiaceae	<i>Asclepias gigantea</i> R.Br.			۲۰۹
Aslepiadiaceae	<i>Asclepias vincetoxicum</i> L.			۳۴۲، ۳۱۵، ۲۴۵
Asparaginaceae	<i>Asparagus acutifolius</i> L.		Sharp-leaved asparagus	۳۳۱، ۲۸۹
Asparaginaceae	<i>Asparagus adscendens</i> Roub.			۲۹۷
Asparaginaceae	<i>Asparagus officinalis</i> L.		Common asparagus	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۷، ۲۸۹، ۱۹۸
Asparaginaceae	<i>Asparagus</i> sp.		Asparagus	۲۹۷
Asparaginaceae	<i>Polygonatum officinale</i> L.		Drug solomon's- seal	۳۴۸، ۳۱۸، ۲۱۱
Asparaginaceae	<i>Smilax aspera</i> L.	*	Rough bindweed	۳۵۵، ۳۳۳، ۲۸۹، ۲۲۶
Asparaginaceae	<i>Smilax glabra</i> Roxb.			۱۰۶
Asparaginaceae	<i>Smilax</i> L.		Greenbrier	۲۲۶، ۱۰۶
Asparaginaceae	<i>Smilax sarsaparilla</i> L.			۲۰۹
Aspidiaceae	<i>Dryopteris aculeata</i> (L.) Kuntze			۱۷۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Aspidiaceae	<i>Dryopteris filix max</i> L.	*	Male fern	۳۵۷، ۱۶۹
Aspidiaceae	<i>Dryopteris robertiana</i> (Hof.) C. Chr			۱۶۹
Aspleniaceae	<i>Asplenium adianthum-nigrum</i> L.		Black spleenwort	، ۱۶۹، ۴۴ ۳۵۷
Aspleniaceae	<i>Asplenium ruta muraria</i> L.		Wall rue	۱۷۱
Aspleniaceae	<i>Asplenium trichomanes</i> L.		Maidenhair spleenwort	۳۵۵، ۱۸۷، ۱۶۹
Aspleniaceae	<i>Phyllitis scolopendrium</i> L.	*	Hart's-tongue;	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۶۹
Avicenniaceae	<i>Avicennia officinalis</i> L.	*		۲۳۸
Balanitaceae	<i>Balanites aegyptiaca</i> L.		Higleeg	۱۶۳
Balsaminaceae	<i>Balsamina hortensis</i> L.			۲۱۱
Balsaminaceae	<i>Impatiens balsamina</i> L.	*		۲۱۱
Berberidaceae	<i>Berberis asiatica</i> Roxb.	*	Asiatic barberry	۶۱
Berberidaceae	<i>Berberis lycium</i> Roy.	**		۱۲۰
Berberidaceae	<i>Berberis vulgaris</i> L.	*	European barberry	۶۱
Bombacaceae	<i>Adonsonia</i> sp.			۱۲۵
Boraginaceae	<i>Achium diffusum</i> L.			۳۴۸
Boraginaceae	<i>Alkanna orientalis</i> (L.)Boiss.	*	Yellow bugloss	۲۶۳
Boraginaceae	<i>Alkanna</i> sp.		Alkanet	۱۳۴
Boraginaceae	<i>Alkanna tinctoria</i> Tausch.	*	Dyer's alkanet	۳۴۸، ۳۹، ۳۸
Boraginaceae	<i>Anchusa hybrida</i> Ten.		Carly bugloss	۲۶۸
Boraginaceae	<i>Anchusa italica</i> Retz.		Italian bugloss	۲۶۸، ۲۶۸
Boraginaceae	<i>Anchusa officinalis</i> L.		Common buckwheat	۲۶۸
Boraginaceae	<i>Anchusa paniculata</i> Ait.			۳۵۴
Boraginaceae	<i>Anchusa tinctoria</i> L.			۱۲۴، ۳۹
Boraginaceae	<i>Andropogon jawarancusa</i> Jo.			۴۳
Boraginaceae	<i>Asperugo procumbens</i> L.	*	Grman madwort ; madwort	۷۱، ۳۴
Boraginaceae	<i>Borago officinalis</i> L.	**	Common borrago	۲۶۸
Boraginaceae	<i>Caccinia glauca</i> Savi . = <i>Cacalia macranthera</i> Var. <i>crassifolia</i> (Vent.)Brand	*		۲۶۸
Boraginaceae	<i>Cerinthe minor</i> L.		Lesser honeywort	۳۳۵
Boraginaceae	<i>Ceterach officinarum</i> L.		Miltwaste	۱۱۹، ۴۹
Boraginaceae	<i>Ceterach</i> sp.			۳۵۷
Boraginaceae	<i>Cordia myxa</i> L.	*		۱۶۷، ۱۴۳
Boraginaceae	<i>Cordia sebestena</i> L.			۱۶۷
Boraginaceae	<i>Cynoglossum officinale</i> L.		Common hound's-tongue	۳۵۴، ۲۷۰
Boraginaceae	<i>Cynoglossum</i> sp.		Hound's-tongue	۲۷۰
Boraginaceae	<i>Echium amoenum</i> Fisch.& Mey.	*		۲۶۸
Boraginaceae	<i>Echium creticum</i> L.			۳۴۸
Boraginaceae	<i>Echium diffusum</i> L.			۳۸
Boraginaceae	<i>Echium italicum</i> L.	*		۳۴۹، ۳۸



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Boraginaceae	Echium rubrum L.	*		۳۴۹، ۳۱۹، ۴۲
Boraginaceae	Echium sericeum Vahl.			۲۶۸
Boraginaceae	Echium sp.		Viper's bugloss	۴۲
Boraginaceae	Echium vulgare L.		Common viper's bugloss	۳۴۹
Boraginaceae	Heliothrips haemorrhoidalis Bouc.			۱۵۷
Boraginaceae	Heliotropium europaeum L.		Common helitrope	۳۵۷، ۳۲۱، ۱۹۴، ۱۵۱، ۳۵
Boraginaceae	Heliotropium villosum Pers.	**		۳۵۷
Boraginaceae	Lithospermum purpurea-coeruleum Defs. & DC.	*	Creeping gromwell	۳۳۵
Boraginaceae	Lithospermum fruticosum L.			۳۸
Boraginaceae	Lithospermum officinale L.		Common gromweel	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۶، ۲۵۹، ۲۴۳، ۴۸، ۳۴۸
Boraginaceae	Lithospermum tinctorium L.			۱۹۰
Boraginaceae	Myosotis alpestris Schm.		Alpine forget-me-not	۳۴
Boraginaceae	Myosotis arvensis L.		Field forget-me-not	۳۴
Boraginaceae	Myosotis palustris Lam.	*	True forget-me-not	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۱۸، ۳۴
Boraginaceae	Myosotis sp.		Forget-me-not	۳۴
Boraginaceae	Myosotis stricta Roem & Schut.	*		۳۴
Boraginaceae	Onosma echinoides L.	**		۳۴۵، ۳۱۷، ۲۸، ۴۳
Boraginaceae	Onosma sp.		Old- field toadflax	۳۴۵، ۱۹۰، ۱۲۵، ۳۸
Boraginaceae	Onosma tinctoria Bieb.			۲۵۲
Boraginaceae	Pulmonaria officinalis L.		Common lungwort	۲۶۸
Boraginaceae	Symphytum bulbosum Schimp.			۳۴۸، ۱۷۶
Boraginaceae	Symphytum officinale L.		Common comfrey; Woundwort	۱۷۶، ۴۳
Boraginaceae	Symphytum petraeum?			۳۴۸، ۳۱۸، ۱۷۶
Boraginaceae	Symphytum sp.		Comfrey	۳۴۸، ۱۷۶
Boraginaceae	Trichhodesma indicum DC.			۲۶۸
Boraginaceae	Trichhodesma molle DC.			۲۶۸
Boraginaceae	Trichhodesma zeylanicum R.Br.			۲۶۸
Burseraceae	Baswellia Roxb.			۳۲۵، ۲۷۴
Burseraceae	Bdellium Engl.		aromatic gum resin obtained from trees of the genus Commiphora	۲۸۴
Burseraceae	Bdellium indicum			۲۸۴
Burseraceae	Boswellia carterii Bird		Bible frankincense	۲۶۳، ۳۲۵،
Burseraceae	Boswellia serrata Roxb.		Indian frankincense; Salai tree	۲۶۳
Burseraceae	Boswellia sp.		Frankincense ; Incense tree	۲۶۱
Burseraceae	Commiphora abyssinica Engl.		Abyssinian myrrh tree	۲۷۸
Burseraceae	Commiphora africanum Engl.			۲۸۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Burseraceae	<i>Commiphora kataf</i> Engl.			۲۴۲
Burseraceae	<i>Commiphora mukul</i> Engl. = <i>Balsamodendrum mukul</i> Hook.			۳۲۵، ۲۸۴
Burseraceae	<i>Commiphora mulomol</i> Engel.			۲۸۴
Burseraceae	<i>Commiphora myrrha</i> Engl.		Common myrrh tree	۳۲۵، ۲۸۹، ۲۷۸
Burseraceae	<i>Commiphora opobalsamum</i> Engl.		Mecca myrrh tree	۸۶
Burseraceae	<i>Balsamodendron africanum</i> Ar.		African Bdellium	۲۸۴
Burseraceae	<i>Balsamodendron</i> DC.			۸۶
Burseraceae	<i>Balsamodendron kataf</i> = <i>Commiphora kataf</i>			۲۴۲
Burseraceae	<i>Balsamodendron mukul</i> Hook.		Bdellium Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree	۲۸۴، ۲۶۴
Burseraceae	<i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.		Gum myrrh tree	۲۷۸، ۸۶
Buxaceae	<i>Buxus dioica</i> For.			۲۵۱
Buxaceae	<i>Buxus sempervirens</i> L.		Common box	۲۰۷، ۸۲
Cactaceae	<i>Opuntia hircina</i> ?			۹۰
Cactaceae	<i>Opuntia</i> sp.		Prickly pear	۱۹۵
Caesalpinaceae	<i>Caesalpinia bonducella</i> Fl. = <i>Caesalpinia bonduc</i> Roxb.	*	Nicker-nut caesalpina	۱۵۵، ۸۸، ۵۴
Caesalpinaceae	<i>Caesalpinia echinata</i> L.		Prickly brazilwood	۲۱۵
Caesalpinaceae	<i>Caesalpinia sappan</i> L.		Sappan caesalpinia	۸۵
Caesalpinaceae	<i>Caesalpinia</i> sp.		Brasiletto	۲۱۵
Caesalpinaceae	<i>Cassia absus</i> L.			۹۴
Caesalpinaceae	<i>Cassia acutifolia</i> Deli.		Alexandria senna	۱۷۷
Caesalpinaceae	<i>Cassia angustifolia</i> Vahl.		Congo senna	۱۷۷
Caesalpinaceae	<i>Cassia fistula</i> L.		Golden-shower senna ; purging cassia	۱۴۰
Caesalpinaceae	<i>Cassia lanceolata</i> Forsk.			۱۷۷
Caesalpinaceae	<i>Cassia obovata</i> Coll.			۲۱۰
Caesalpinaceae	<i>Cassia sophera</i> L.			۲۱۰
Caesalpinaceae	<i>Cassia tora</i> L.			۲۴۴، ۲۱۰، ۱۵۸
Caesalpinaceae	<i>Ceratonia siliqua</i> L.	*	Carob	۳۲۸، ۳۰۱، ۱۳۲
Caesalpinaceae	<i>Cercis siliquastrum</i> L.	*	Judas tree	۱۴۱، ۴۴
Caesalpinaceae	<i>Cercis</i> sp.	*	Cercis ; Redbud	۴۴
Caesalpinaceae	<i>Tamarindus indica</i> L.		Tamarind	۱۲۴، ۹۵
Campanulaceae	<i>Campanula lacinata</i> L.			۳۴۸
Campanulaceae	<i>Campanula ramosissima</i> Sibth.			۴۲
Cannabaceae	<i>Cannabis indica</i> L.			۱۱۲
Cannabaceae	<i>Cannabis sativa</i> L.		Hemp	۲۴۶، ۲۴۵، ۱۱۲، ۹۵
Cannabaceae	<i>Cannabis sativa</i> L. var. <i>indica</i>			۲۴۶، ۳۱۷، ۱۱۲
Cannabaceae	<i>Cannabis sylvestris</i>			۲۴۵
Cannaceae	<i>Canna</i> sp.		Canna	۲۴۵
Capparidaceae	<i>Cadaba farinosa</i> Forsk.			۱۶۹، ۳۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Capparidaceae	Cadaba sp.			۱۶۹
Capparidaceae	Capparis sp.		Caper-caperbush	۲۰۰
Capparidaceae	Capparis spinosa L.	*	Common capers	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۰۰
Capparidaceae	Maerua crassifolia Forsk.		Sunduhi, Hasu (Ou)	۳۳
Caprifoliaceae	Lonicera caprifolium L.	**	Sweet honeysuckle	۳۳۴، ۱۹۰، ۷۰
Caprifoliaceae	Lonicera periclymenon L.			۳۴۸، ۳۱۸، ۲۴۴، ۱۸۰
Caprifoliaceae	Lonicera sp.		Honeysucle	۱۹۰
Caprifoliaceae	Sambucus ebulus	*	Mediterranean herb elder; danwort	۳۰۶
Caprifoliaceae	Sambucus nigra L.	*	European elder	۳۰۷، ۱۳۸
Caryophyllaceae	Gypsophila sp.		Gypsophila; chalk plant	۲۶۳
Caryophyllaceae	Gypsophila struthium L.			۲۶۳، ۱۷۱
Caryophyllaceae	Holosteum sp.		Mouse-ear	۳۴۸
Caryophyllaceae	Holosteum umbellatum L.	*	Jagged chickweed	۳۴۸، ۳۱۸، ۱۰۱
Caryophyllaceae	Agrostemma githago L.		Common corn cockle	۳۴۳، ۲۶۸، ۱۹۲، ۱۶۹، ۲۷
Caryophyllaceae	Agrostemma sp.		corn cockle	۱۶۸، ۱۳۲
Caryophyllaceae	<i>Cerastium aquaticum</i> L. = <i>Myosoton aquaticum</i> (L.) Monch.	*		۳۴۹
Caryophyllaceae	Dianthus caryophyllus L.		Pink-carnation	۲۳۸
Caryophyllaceae	Dianthus sp.			۲۳۸
Caryophyllaceae	Paronichia sp.		Nailwort; Whitwort	۱۱۸
Caryophyllaceae	Paronychia serpyllifolia DC.			۳۰۰، ۳۱۹، ۲۳۱
Caryophyllaceae	Saponaria officinalis L.	*	Bouncing bet	۳۳۳، ۱۷۱
Caryophyllaceae	Silene cucubalus Will.		Bladder silene	۱۰۰
Caryophyllaceae	Silene gallica L.		French silene	۳۴۹
Caryophyllaceae	Silene infelata Sm.			۳۰۱، ۱۳۶، ۱۰۰
Caryophyllaceae	Silene sp.		Catchfly; Campion	۳۰۰
Caryophyllaceae	Telephium imperati L.	*	Tree orpine	۱۷۰، ۷۰
Caryophyllaceae	Caryophyllus aromaticus L.			۲۳۸
Caryophyllaceae	Herniaria tourneforti			۶۳
Caryophyllaceae	Lychnis chalcidonica L.		Maltese cross campion	۲۶۸
Caryophyllaceae	Lychnis coronaria Desf.		Rose campion	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۶۸
Caryophyllaceae	Lychnis githago L.			۱۶۹
Caryophyllaceae	Lychnis sp.			۲۶۸
Cecidomyiinae	Pinites stroboides (Conw.) Sch.			۲۶۴
Cecidomyiinae	Pinites succinifer Goppert & Bernedt		Amber	۲۶۴
Celasteraceae	Evonymus europaeus L.	**	Prickwood	۸۲
Celasteraceae	Evonymus latifolia L.	*	Broad-leaved evonymus	۸۲
Celasteraceae	Evonymus velutina L.	*	Prickwood	
Celasteraceae	Evonymus verrucosa L.	*	Warty-barked	۸۲
Chamaeleonidac	<i>Chamaeleo vulgaris</i> = <i>Chamaeleo chamaeleon</i> (Parasite)		Common or European or Mediterranean	۴۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			Chameleon	
Chenopodiaceae	<i>Atriplex halimus</i> L.	**	Shrubby arach	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۸۴، ۲۴۲
Chenopodiaceae	<i>Atriplex hastata</i> L.	*	Halberd-leaved Arrach	۲۴۲
Chenopodiaceae	<i>Atriplex hortensis</i> L.	*	Garden orach	۳۴۲، ۳۳۱، ۲۴۱، ۱۷۱، ۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Atriplex rosea</i> L.		Tumbling orach	۳۳۱، ۲۴۲، ۱۷۰، ۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Atriplex</i> sp.			۲۴۱، ۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Beta vulgaris</i> L.	*	Common beet	۳۳۱، ۱۹۷، ۱۹۲، ۱۷۴
Chenopodiaceae	<i>Blitum virgatum</i> L. = <i>Chenopodium foliosum</i> (Moench) Asch.		Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed	۸۴
Chenopodiaceae	<i>Camphorosma glabrum</i> L.			۲۴۹
Chenopodiaceae	<i>Camphorosma</i> sp.	*	Camphorfume	۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	*	Wormseed goose ; Wormseed tea ; Mexican tea	۱۹۰، ۷۷
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium botrys</i> L.	*	Jerusalem-oak goosefoot ; Jerusalem oak	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۹۰، ۷۷
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium capitatum</i> L.		Blire goosefoot ; Straw berry blite	۸۳
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium murale</i> L.	*	Nettle-leaf goosefoot	۱۵۹
Chenopodiaceae	<i>Salicornia fruticosa</i> L.	*		۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salicornia herbacea</i> L. = <i>Salicornia europaea</i> L.	*	Marsh samphire	۲۴۴، ۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salicornia</i> sp.		Glasswort	۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salsola kali</i> L.	*	Common russian thistle	۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salsola soda</i> L.	*	Soda plant; bakilla- plant	۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salsola tragus</i> L. = <i>Salsola kali</i> Subsp. <i>Tragus</i>	*		۵۲
Chenopodiaceae	<i>Spinacia oleracea</i> L.	**	Spinach; Prickly- seeded spinach	۴۸
Cholchicaceae	<i>Colchicum autumnale</i> L.			۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲
Cholchicaceae	<i>Colchicum autumnale</i> L.		Common autumn crocus ; Meadow saffron	۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum montanum</i> L. = <i>Colchicum szovitsii</i> Fisch & C.A. Mey.	*		۲۱۲
Cholchicaceae	<i>Colchicum parnassicum</i> Sart.			۳۵۳
Cholchicaceae	<i>Colchicum persicum</i> Bak.			۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum</i> sp.		Autumn crocus	۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum speciosum</i> Ste.			۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum variegatum</i> L.			۱۸۰
Cistaceae	<i>Cistus creticus</i> L.		Wrinkle leaf rockrose	۳۲۷، ۲۶۵
Cistaceae	<i>Cistus hypocistis</i> L.			۳۲۷، ۳۱۰
Cistaceae	<i>Cistus ladanifolius</i> L.		Gum rockrose	۳۲۷، ۲۶۵، ۲۳۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cistaceae	<i>Cistus salviaefolius</i> Boiss.			۳۲۷
Cistaceae	<i>Cistus</i> sp.		Rockrose	۲۶۵
Cistaceae	<i>Cistus villosus</i> L.	**	Rock rose	۳۲۷, ۲۶۵
Colchicaceae	<i>Merendera persica</i> Boiss. = <i>Colchicum robustum</i> (Bge) Stefan	*		۱۸۰
Combretaceae	<i>Myrobalanus bellerica</i> Gaertn.			۶۹
Combretaceae	<i>Myrobalanus chebulae</i> Gaertn. = <i>Terminalia chebula</i>			۶۹
Combretaceae	<i>Myrobalanus citrinae</i> Gaertn.			۶۹
Combretaceae	<i>Myrobalanus nigrae</i>			۶۹
Combretaceae	<i>Terminalia bellerica</i> Roxb.	*	Myrobalan tree	۸۷, ۶۹
Combretaceae	<i>Terminalia chebula</i> Ret.		Hebula terminalia	۶۹, ۶۸
Combretaceae	<i>Terminalia citrina</i> Roxb.			۶۹
Combretaceae	<i>Terminalia horride</i> Stend.			۶۹
Compositae	<i>Achillea ageratum</i> L.			۳۵۰, ۵۵
Compositae	<i>Achillea fragrantissima</i> Sch.			۲۴۷, ۳۳۷
Compositae	<i>Achillea millefolium</i> L.	*	Common yarrow	۳۵۶, ۱۸۱, ۱۷۱, ۱۵۱
Compositae	<i>Achillea ptarmica</i> L.		Sneezewort	۳۳۳, ۳۱۲, ۲۱۶
Compositae	<i>Achillea pubescens</i> L.			۷۷
Compositae	<i>Achillea</i> sp.			۳۴۹
Compositae	<i>Achillea tomentosa</i> L.			۳۴۹, ۳۱۹, ۲۵۷, ۲۲۰, ۱۷۸, ۱۴۶
Compositae	<i>Achillea viscosa</i> Lam.			۳۵۰
Compositae	<i>Ambrosia maritima</i> L.			۳۴۴, ۳۱۶, ۷۷, ۶۱
Compositae	<i>Anacyclus pyrethrum</i> DC.			۳۴۱, ۳۱۵, ۲۵۵, ۲۰۶
Compositae	<i>Anacyclus radiatus</i> L.			۹۱
Compositae	<i>Anacyclus valentine</i>			۹۱
Compositae	<i>Antennaria</i> sp.		dillweed, dillseed, dill	۲۰۵
Compositae	<i>Anthemis arvensis</i> L.		Field camomile	۳۴۶, ۲۹۵, ۲۱۷, ۹۱, ۵۸
Compositae	<i>Anthemis chia</i> L.			۳۴۵
Compositae	<i>Anthemis nobilis</i> L.		Roman chamomile ; English camomile	۳۴۵, ۳۱۷, ۲۳۵, ۷۰, ۶۴, ۵۸
Compositae	<i>Anthemis pyrethrum</i> L.			۲۱۶, ۲۰۶
Compositae	<i>Anthemis rosea</i> Sibth.			۳۴۶
Compositae	<i>Anthemis</i> sp.		Comomile	۵۸
Compositae	<i>Anthemis tinctoria</i> L.		Golden Marguerite	۳۴۶, ۹۱, ۵۸
Compositae	<i>Anthemis valentina</i> L.			۳۴۶
Compositae	<i>Apargia</i> sp. = <i>Leontodon</i> sp.			۳۳۲
Compositae	<i>Arctium bardana</i> Willd.			۴۵
Compositae	<i>Arctium lappa</i> L.	*	Great burdock	۳۵۴, ۳۲۰, ۴۵
Compositae	<i>Arctium tomentosum</i> Shkuhr.		Cotton burdock	۳۵۴, ۳۲۰, ۴۵
Compositae	<i>Arnopogon picroides</i> Willd. = <i>Tragopogon capensis</i> Jacq. = <i>Tragopogon picroides</i> L. = <i>Urospermum capense</i> (Jacq.) Spreng. = <i>Urospermum</i> <i>picroides</i>		prickly goldenfleece, urospermum	۳۴۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	<i>Artemisia abrotanum</i> L.		Old-man wormwood ; Southern wood	۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
Compositae	<i>Artemisia absinthium</i> L.	*	Common worm ; Absinthium	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۳۰، ۵۶
Compositae	<i>Artemisia arborescens</i> L.		Sagewort worm wood ; Field wormwood	۳۴۴، ۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia campestris</i> L.		Tarragon	۳۴۴
Compositae	<i>Artemisia dracunculus</i> L.	*	Maritime wormwood	۲۰۲
Compositae	<i>Artemisia judaica</i> L.		Wormwood	۲۰۶، ۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia maritima</i> L.		Sea Wormwood	۳۳۷، ۱۹۳، ۷۷، ۵۶
Compositae	<i>Artemisia palmate</i> Lam.			۳۳۷
Compositae	<i>Artemisia pontica</i> L.		Roman wormwood	۳۳۷، ۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia santonica</i> Lam.	*		۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia siversiana</i> Ehrh. & Willd.			۵۶
Compositae	<i>Artemisia</i> sp.		Wormwood ; Sagebrush	۱۹۳، ۷۷
Compositae	<i>Artemisia vulgaris</i> L.	*	Douglas Mugwort	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
Compositae	<i>Aster alpinus</i> L.	*	Alpine aster	۱۳۲
Compositae	<i>Aster amellus</i> L.		Italian aster	۳۵۴، ۵۴، ۴۸
Compositae	<i>Aster atticus</i> Pall.			۵۴، ۴۸، ۴۷
Compositae	<i>Aster tripolium</i> L.	*	Tripoli aster ; Sea aster	۲۰۳، ۹۳، ۴۸
Compositae	<i>Astrattikos tripolium</i> L. = <i>Aster tripolium</i> L. ssp. <i>tripolium</i>			۳۵۷
Compositae	<i>Atractylis gummifera</i> L.Q.			۳۳۶، ۹۷، ۵۱
Compositae	<i>Aucklandia costus</i> Fal. = <i>Aucklandia lappa</i> (Decne.) = <i>Saussurea costus</i> (Falc.) = <i>Saussurea lappa</i> (Decne.)			۲۳۹
Compositae	<i>Baccharis</i> sp.		Baccharis	۳۳۹، ۳۱۴
Compositae	<i>Cacalia</i> sp.			۲۳۳، ۲۳۲
Compositae	<i>Cacalia verbascifolia</i> Sib.			۲۳۲
Compositae	<i>Calendula arvensis</i> L.		Pot marigold	۳۵
Compositae	<i>Calendula officinalis</i> L.	*		۳۵۷، ۳۵
Compositae	<i>Cardopatum corymbosum</i> pers.			۳۳۶، ۵۱، ۴۷
Compositae	<i>Carduus benedictus</i> Auct.			۷۱
Compositae	<i>Carduus pycnocephalus</i> L.	*		۳۳۶
Compositae	<i>Carthamus lanatus</i> L.	*	Woolly safflower	۳۴۲، ۲۳۷، ۲۱۰، ۴۲
Compositae	<i>Carthamus</i> sp.		Safflower ; False saffron	۲۳۸
Compositae	<i>Carthamus tinctorius</i> L.	*	Safflower	۲۳۶، ۲۱۰، ۴۲
Compositae	<i>Centaurea aegpitiaca</i> Del.			۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea alexandrina</i> D.			۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea behen</i> L.	*	White behen	۹۱
Compositae	<i>Centaurea benedicta</i> L.			۱۱۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	<i>Centaurea calcitrapa</i> L.		Star thistle	۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea centaurium</i> L.			۳۳۶، ۳۱۳، ۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea cyanus</i> L.	*	Corn flower ; Bachlor's button ; Bluebottle	۲۴۶، ۱۰۸
Compositae	<i>Centaurea minus</i> Moen.			۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea officinale</i>			۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea pallescens</i> Del.			۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea</i> sp.			۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea stellata</i>			۲۷۸
Compositae	<i>Chamaepeuce diacantha</i> DC.			۱۲۸
Compositae	<i>Chondrilla juncea</i> L.		Rush skeleton weed ; Gun succory	۳۲۲، ۳۱۱، ۳۰۱، ۲۹۸، ۱۳۹
Compositae	<i>Chondrilla ramosissima</i> Sibth.			
Compositae	<i>Chondrilla</i> sp.		Sierra juniper	۱۳۹
Compositae	<i>Chrysanthemum coronarium</i> L.		Crowndaisy ; Crown-daisy chrysanthemum	۳۰، ۹۱
Compositae	<i>Chrysanthemum parthenium</i> <i>Pers. = Tanacetum parthenium</i> (L.) Shuitz-Bip.	*	Feverfew ; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۳۱۷، ۱۸۸، ۵۸
Compositae	<i>Chrysanthemum segetum</i> L.		Corn chrysanthemum ; Corn marigold	۹۱
Compositae	<i>Chrysocoma linosyris</i> L.			۳۰
Compositae	<i>Chrysocoma</i> sp.			۳۰، ۳۱۹، ۱۵۱،
Compositae	<i>Cichorium endivia</i> L.	**		۳۳۲، ۲۹۸
Compositae	<i>Cichorium intybus</i> L.	*	Common chicory	۲۹۸، ۲۹۸
Compositae	<i>Cincus acarna</i> = <i>Picnomon</i> <i>acarna</i> (L.) Cass.			۵۸
Compositae	<i>Cincus</i> sp.			۳۵۷
Compositae	<i>Cirsium diacantha</i> DC.			۱۲۸
Compositae	<i>Cirsium rhozocephalum</i> C.A.Mey.	*		۱۵۱
Compositae	<i>Cirsium stellatum</i> L.			۳۵۷، ۳۹
Compositae	<i>Cirsium tenuiflorum</i> Boiss.			۳۵۴
Compositae	<i>Cirsium tuberosum</i> All.			۳۳۷
Compositae	<i>Cnicus acarna</i> L.			۳۳۶، ۷۱
Compositae	<i>Cnicus tuberosus</i> L.			۳۳۷
Compositae	<i>Conyza candida</i> L.			۳۵۴
Compositae	<i>Conyza squarrosa</i> L.			۳۳۹
Compositae	<i>Cynara cardunculus</i> L.		Cardoon	۲۹۹، ۱۱۵، ۱۱۴
Compositae	<i>Cynara scolymus</i> L.		Artichoke ; Globe artichoke	۳۳۷، ۲۶۲، ۱۱۵، ۱۱۴
Compositae	<i>Cynara</i> sp.			۲۹۹، ۱۱۵
Compositae	<i>Cynara syriacus</i> Gaer.			۲۹۹، ۲۹۹
Compositae	<i>Doronicum cordatum</i> C.Koch = <i>Doronicum wulfenianum</i> <i>Poir. = Doronicum columnae</i>			۱۲۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Ten.			
Compositae	<i>Doronicum hookeri</i> Hook.			١٤٥
Compositae	<i>Doronicum pardalianches</i> L.			٣٥٢، ١٤٥، ١٤٥، ١٢٩
Compositae	<i>Doronicum roylei</i> DC.			١٤٥
Compositae	<i>Doronicum scorpioides</i> Lam. = <i>Doronicum viscosum</i> Nym. = <i>Doronicum grandiflorum</i> Lam.			١٤٥، ١٤٥
Compositae	<i>Echinops sphaerocephalus</i>		Common globe thistle	٣٤١، ٣٣٦
Compositae	<i>Erigeron</i> sp.		Fleabane; Cutleaf Daisy	١٩٣
Compositae	<i>Eupatorium cannabinum</i> L.	*	Hemp eupatorium	٣٤٩، ٢٣٨، ٩٤
Compositae	<i>Flores tussilaginis</i> = <i>Flores Farfarae</i> , <i>Flores Tussilaginis</i> , <i>Flos Farfarae</i> = <i>Farfarae flos</i>			٧٣
Compositae	<i>Gnaphalium dioicum</i> L.			٢٢٦
Compositae	<i>Gnaphalium leontopodium</i> L. = <i>Leontopodium alpinum</i> Cass.		Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges	٣٥٣، ٢٠٠، ١٤٧
Compositae	<i>Gnaphalium sanguineum</i> Spr.			٣٣٩، ١٤٧
Compositae	<i>Gnaphalum</i> L.		Cudweed	٣٤٤، ٢٢٦، ٣١٦،
Compositae	<i>Gundelia tournefortii</i> L.	*		١١٥
Compositae	<i>Helichrysum sanguineum</i> Cost.			١٤٧
Compositae	<i>Helichrysum siculum</i> (Spr.) Boiss.			٣٥٠
Compositae	<i>Helichrysum</i> sp.		Eveylasting	٣٥٠، ٣١٩
Compositae	<i>Helichrysum stoenchas</i> DC.			٦١
Compositae	<i>Helminthia echiodes</i> Gaertn. = <i>Helminthochecea echioides</i> (L.) Wolud		Bugloss	٣٣١
Compositae	<i>Inula britannica</i> L.	*	British inula	٣٤٤
Compositae	<i>Inula candida</i> Cass.			٣٥٤
Compositae	<i>Inula conyzoides</i> DC.		Cinnamonroot inula	٣٤٤، ٣١٦، ٢٠٠، ٧٧
Compositae	<i>Inula conyzoides</i> L.			١٨٣
Compositae	<i>Inula helenium</i> L.		Elecampane inula	٣٢٥، ٣٠٩، ١٥٤، ١٥٣
Compositae	<i>Inula saxatilis</i> Lam.			٣٤٤
Compositae	<i>Inula viscosa</i> Ait.			٣٠١، ٢٠٠
Compositae	<i>Lactuca sativa</i> L.	**	Garden lettuce	٣٣٢، ١٣٤، ١٣٣
Compositae	<i>Lactuca scariola</i> L. = <i>Lactuca serriola</i> L.	*	Prickly lettuce	٣٣٢
Compositae	<i>Lactuca</i> sp.		Lettuce	١٣٣
Compositae	<i>Lappa major</i> Gaertn. = L. <i>officinalis</i> All. = <i>Arctium lappa</i> L.		Great burdock	٣٥٤، ٣٢٠، ٤٥٠
Compositae	<i>Leontodon</i> sp.		Hawkbit	٣٠١
Compositae	<i>Leontodon taraxacum</i> L.			٢٠٠
Compositae	<i>Leontopodium de Dioscoride</i>			٣٥٧، ٦٧
Compositae	<i>Matricaria aurea</i> Sch.	*		٥٨



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	<i>Matricaria chamomilla</i> L.		German comomile	۲۳۵، ۱۸۷، ۵۸
Compositae	<i>Matricaria parthenium</i> L.		Feverfew	۵۸
Compositae	<i>Micropus erectus</i> L.			۳۵۵
Compositae	<i>Onopordon acanthium</i> L.	*	Cotton thistle	۳۳۶، ۲۰۴، ۱۸۹، ۷۱، ۵۸
Compositae	<i>Onopordon arabicum</i> L.			۳۳۷، ۱۸۹
Compositae	<i>Onopordon illiricum</i> L.			۳۳۷
Compositae	<i>Picnomon acarna</i> (L.) Cass.	*	Yellow plume thiste	۷۲
Compositae	<i>Picnomon acarna</i> Coss.			۳۳۶، ۷۳
Compositae	<i>Podospermum jacquinianum</i> Koch . = <i>Scorzonera cana</i> (C.A. Meyer) O. Hoffm			۲۲۸
Compositae	<i>Prenanthes purpurea</i> L.			۳۴۱
Compositae	<i>Pulicaria crispa</i> Cass . = <i>Francoeuria undulate</i> (L.) Loc.	*		۱۰۲
Compositae	<i>Pulicaria odora</i> Reichb.			۱۸۳
Compositae	<i>Pyrethrum parthenium</i> Sm . = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Sch.	*	Feverfew; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۱۸۶
Compositae	<i>Santolina maritima</i> Smith.			۳۴۴، ۲۲۶
Compositae	<i>Saussurea lappa</i> Clarke		Saussura	۲۳۹
Compositae	<i>Scolymus hispanicus</i> L . = <i>Scolymus grandiflorus</i> auct.	*	Spanis; golden thistle	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۱۴
Compositae	<i>Scorzonera elongata</i> L.			۳۴۰
Compositae	<i>Senecio coronopifolius</i> Defs . = <i>Senecio glaucus</i> L.	*		۱۰۲
Compositae	<i>Senecio vulgaris</i> L. = Common groundesel	*		۳۵۳
Compositae	<i>Serratula chamepeuce</i> L.			۲۱۸
Compositae	<i>Silybum marianum</i> Gaer.	*	Blessed milk Thistle; St.mary thistle	۳۵۵، ۲۱۳، ۱۱۵، ۷۱
Compositae	<i>Silybum syriacum</i>			۳۳۷
Compositae	<i>Sonchus arvensis</i> L.		Field sow thistle	۳۳۱
Compositae	<i>Sonchus ciliatus</i> L.			۸۴، ۵۰
Compositae	<i>Sonchus oleraceus</i> L.	*	Common sow thistle	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۶، ۸۴، ۵۰
Compositae	<i>Tagetes erecta</i> L . = <i>Tagetes</i> <i>mayor</i>		Aztec marigold	۲۴۳، ۲۰۱
Compositae	<i>Tanacetum annum</i> L.			۶۱
Compositae	<i>Tanacetum umbeliferum</i> Boiss.			۸۹
Compositae	<i>Tanacetum vulgare</i> L.		Common tansy	۱۱۹
Compositae	<i>Taraxacum dens-leonis</i> DC.			۲۰۰
Compositae	<i>Taraxacum officinale</i> Will.		Common dandelion	۲۹۸، ۲۹۶، ۲۰۰، ۱۳۴
Compositae	<i>Taraxacum vulgare</i> Shrank = <i>Taraxacum vagum</i> V.S.	*		۲۰۰
Compositae	<i>Telekia speciosissima</i> DC . = <i>Bupthalmum speciosissimum</i> L.			۲۹۵
Compositae	<i>Thrinicia tuberosa</i> DC.			۳۳۲
Compositae	<i>Tragopogon orientalis</i> L.			۳۳۲، ۳۱۲
Compositae	<i>Tragopogon pratensis</i> L.		Meadow salsify	۲۲۸، ۱۵۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	Tragopogon sp.		Salsify ; Goatsbeard	۲۶۸
Compositae	Tragopogon villosus L.			۳۲۲
Compositae	Tussilago farfara L.	*	Horse-hoof; Common colt's foot	۳۳۴، ۱۷۲، ۱۱۹، ۷۳
Compositae	Tussilago vulgaris L.			۳۴۴
Compositae	Ungula caballina			۷۳
Compositae	Xanthium strumarium L.	*	Lesser burdock	۳۵۰
Convolvulaceae	Convolvulus arvensis L.	*	European glovybind	۳۴۸، ۲۶۷
Convolvulaceae	Convolvulus farinosus L.			۳۵۶
Convolvulaceae	Convolvulus hystirix Vahl.			۱۹۸
Convolvulaceae	Convolvulus scammonia L.		Scammony glorybind	۳۵۶، ۱۷۳
Convolvulaceae	Convolvulus sepium L.		Heath rush	۲۸۹
Convolvulaceae	Convolvulus sepium L.		Glorybind	۳۵۰، ۳۴۸
Convolvulaceae	Convolvulus sp.			۲۶۷
Convolvulaceae	Convolvulus syriacus			۱۷۳
Convolvulaceae	Convolvulus turpethum L.			۹۴
Convolvulaceae	Cressa cretica L.			۳۴۰، ۱۶۰، ۶۴
Convolvulaceae	Ipomea hederacea Jack.			۲۹۲، ۱۱۳
Convolvulaceae	Ipomea turpethum R.Br.			۹۳
Corallinaceae	Corallina officinalis L.			۳۵۳، ۲۰۱
Cornaceae	Cornus mas L.	*	Cornelian cherry ; Cornelian cherry	۳۲۸، ۲۳۰، ۱۶۳
Cornaceae	Cornus mascula L.			۳۲۸، ۲۷۸
Cornaceae	Cornus sanguinea L.	*	Red dog wood	۲۳۰
Cornaceae	Cornus sp.		Campion	۲۳۰
Corylaceae	Corylus avellana L.	*		۳۲۹، ۱۰۰، ۸۸
Crassulaceae	Cotyledon lusitanicus Lam.			۳۵۲، ۳۲۰، ۲۴۷
Crassulaceae	Cotyledon serrata L.			۳۵۳
Crassulaceae	Cotyledon umbilicus L.			۳۵۳، ۱۷۰، ۳۴
Crassulaceae	Sedum anopetalum DC.		Goldmoss; stonecrop goldmoss	۳۵۶
Crassulaceae	Sedum acre L.			۳۵۳، ۲۸
Crassulaceae	Sedum cepaea L.			۳۴۶، ۳۱۸، ۱۰۸
Crassulaceae	Sedum ochroleucum Vill.			۳۵۳
Crassulaceae	Sedum roseum Scop.		Rose-root stonecrop	۳۰۰
Crassulaceae	Sedum sp.		Stonecrop	۳۸
Crassulaceae	Sedum stellatum L.			۳۵۳
Crassulaceae	Sedum telephium L.		Live-forever	۲۲۳، ۲۸
Crassulaceae	Sedum telephullon L.			۳۵۳
Crassulaceae	Sempervivum arboreum L.			۳۵۳، ۶۴، ۳۸
Crassulaceae	Sempervivum sp.		Houseleek	۳۸
Crassulaceae	Sempervivum tectorum L.		Hen-and-chickens; Roof houseleek	۳۸
Cruciferae	<i>Alliaria officinalis</i> L. = <i>Alliaria petiolata</i> (M.B.) Cav.&Grand.	*	Garicmustard ; Hedge ; Garrlic	۹۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cruciferae	<i>Alyssum campestre</i> L. = <i>Ayssum minus</i> (L.) Rothu.	*		۹۶
Cruciferae	<i>Alyssum clypeatum</i> L.			۳۴۲
Cruciferae	<i>Alyssum saxatile</i> L.	*	Golden tuft ; Golden-tuft alyssum	۳۴۲، ۳۱۰، ۶۰
Cruciferae	<i>Alyssum</i> sp.		Alyssum	۶۰
Cruciferae	<i>Anastatica hierochuntica</i> L.	*	Jericho resurrection mustard	۱۹۸، ۱۸۶
Cruciferae	<i>Barbarea vulgaris</i> R.Br.		Bitter winter cress	۱۰۲
Cruciferae	<i>Brassica alba</i> L.		White mustard	۳۳۳، ۱۱۰
Cruciferae	<i>Brassica bunias</i> DC.			۳۳۰
Cruciferae	<i>Brassica campestris</i> L.	*	Bird rape	۱۹۰
Cruciferae	<i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal.			۱۹۰
Cruciferae	<i>Brassica capitata</i> Hort.			۲۰۶
Cruciferae	<i>Brassica caulorapa</i> Pasq.			۲۰۶
Cruciferae	<i>Brassica cretica</i> L.			۳۳۱
Cruciferae	<i>Brassica erucastrum</i> L.			۱۰۲
Cruciferae	<i>Brassica incana</i> L.			۳۳۱، ۲۰۶
Cruciferae	<i>Brassica napus</i> L.		Winter rape	۳۳۰، ۱۹۰
Cruciferae	<i>Brassica nigra</i> Koch.		Black mustard	۱۳۱
Cruciferae	<i>Brassica oleracea</i> L.	*	Wild cabbage	۳۳۱، ۲۰۶
Cruciferae	<i>Brassica oleracea</i> var. <i>botrytis</i>	*	Cauliflower	۲۴۰
Cruciferae	<i>Brassica rapa</i> L.		Turnip	۳۳۰
Cruciferae	<i>Brassica sinapistrum</i> Boiss.			۱۳۱
Cruciferae	<i>Bunias erucago</i> L.			۳۳۰
Cruciferae	<i>Cakile maritima</i> Sco.		GULF SEAROCKET	۲۴۳، ۲۳۲
Cruciferae	<i>Camelina sativa</i> Crant.		Big-seeded false flax	۳۰۴
Cruciferae	<i>Cardamine amara</i> L.			۲۳۶
Cruciferae	<i>Cochlearia armoracia</i> L.			۲۲۴
Cruciferae	<i>Cochlearia coronopus</i> L.			۱۱۶، ۳۶
Cruciferae	<i>Crambe maritima</i> L.		Common colewort	۲۰۶
Cruciferae	<i>Eruca sativa</i> Lam.		Rocket salad	۱۰۲
Cruciferae	<i>Eruca sativa</i> Mill.			۳۳۲
Cruciferae	<i>Erysimum barbarea</i> L.			۱۳۰
Cruciferae	<i>Erysimum cheiranthoides</i> L.		Treacle erysimum	۱۳۰
Cruciferae	<i>Erysimum officinale</i> L. = <i>Sisymbrium officinale</i> (L.) Scop.	*	Hedg mustard	۹۶
Cruciferae	<i>Erysimum repandum</i> L.	*	Spreading erysimum	۱۲۹
Cruciferae	<i>Farsetia clypeata</i> R.Br.			۶۰
Cruciferae	<i>Isatis lusitanica</i> Brot.	*		۳۳
Cruciferae	<i>Isatis</i> sp.		Woad	۲۱۱
Cruciferae	<i>Isatis titictoria</i> L.	*	Dyer's woad	۳۳۰، ۳۱۳، ۲۹۲، ۲۰۱، ۲۱۱، ۱۱۳
Cruciferae	<i>Lepidium campestre</i> L.	*		۱۱۶، ۱۱۰، ۱۰۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cruciferae	<i>Lepidium campestris</i> R.Br.		Field pepper weed	۳۳۳، ۱۳۱
Cruciferae	<i>Lepidium draba</i> L. = <i>Cardaria draba</i> (L.)Des.		Pepper weed white top	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۴۵، ۱۱۶
Cruciferae	<i>Lepidium iberis</i> L.			۱۹۴
Cruciferae	<i>Lepidium latifolium</i> L.	*	Eropean papperwort	۳۳۴، ۱۹۴
Cruciferae	<i>Lepidium sativum</i> L.	*	Garden-cress; Peppergrass	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۹۴، ۱۱۵
Cruciferae	<i>Lepidium</i> sp.		Pepperweed; Peppergrass	۲۸۱، ۱۹۳
Cruciferae	<i>Matthiola incana</i> R.Br.		Common stock	۳۴۵، ۱۶۹، ۷۹
Cruciferae	<i>Matthiola livida</i> DC.			۲۸۵، ۱۳۸
Cruciferae	<i>Raphanus niger</i> Mill.			۲۲۴
Cruciferae	<i>Raphanus raphanistrum</i> L.	*	Wild radish	۳۳۰، ۲۲۴
Cruciferae	<i>Raphanus sativus</i> L.	**	Garden radish	۳۳۰، ۳۱۱، ۲۲۴
Cruciferae	<i>Raphanus</i> sp.		Radish	۲۲۴
Cruciferae	<i>Senebiera coronopus</i> (L.) Poir. = <i>Coronopus squamatus</i> (Forssk.) Ascherson		coronopus; Greater swinecress	۱۱۶
Cruciferae	<i>Sinapis alba</i> L.	*	White mustard	۱۳۱، ۱۱۵
Cruciferae	<i>Sinapis arvensis</i> L.	*	Charlock	۳۳۰، ۱۳۱
Cruciferae	<i>Sinapis nigra</i> L.			۱۳۱
Cruciferae	<i>Sinapis</i> sp.		Mustard	۱۳۱
Cruciferae	<i>Sisymbrium alliaria</i> Scop.			۹۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium irio</i> L.	*	London pride	۱۲۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium nasturtium</i> Muhl.			۳۳۱
Cruciferae	<i>Sisymbrium officinale</i> L.	*	Hedg mustard	۹۶
Cruciferae	<i>Sisymbrium officinale</i> Scop.			۳۳۳، ۱۲۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium polyceratium</i>			۳۳۳، ۱۲۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium sophia</i> L. = <i>Descurainia sophia</i> (L.)Sct.	*		۱۳۰
Cruciferae	<i>Sisymbrium</i> sp.		Sisymbrium	۹۶
Cruciferae	<i>Thlaspi bursa-pastoris</i> L.			۳۳۳
Cruciferae	<i>Thlaspi campestre</i> L.			۱۳۱، ۱۰۲
Cruciferae	<i>Cheiranthus cheiri</i> L.	**	Common wallflower	۲۸۵، ۱۷۰، ۱۴۰
Cruciferae	<i>Cheiranthus flava</i> L.			۳۴۴
Cruciferae	<i>Cheiranthus incanus</i> L.			۱۶۹
Cruciferae	<i>Cheiranthus</i> sp.		Wallflower	۲۸۵، ۱۴۰
Cruciferae	<i>Cheiranthus tricuspidatus</i> L.			۳۴۴
Cruciferae	<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.			۲۸۴، ۲۳۵، ۲۲۴، ۱۱۵
Cruciferae	<i>Nasturtium officinalis</i> L.	*	Water cress	۳۳۱، ۱۱۶
Cucurbitaceae	<i>Bryonia alba</i> L.		White bryony	۲۹۷، ۲۲۲
Cucurbitaceae	<i>Bryonia dioica</i> Jacq.	*	Red-berry bryony	۲۹۷، ۲۲۲
Cucurbitaceae	<i>Bryonia</i> sp.		Bryony	۲۲۲
Cucurbitaceae	<i>Citrullus colocynthis</i> Schrad	*		۲۳۷، ۱۲۷
Cucurbitaceae	<i>Cucumis asininus</i> Willd.			۲۳۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cucurbitaceae	<i>Cucumis colocynthis</i> L.			۳۵۶، ۲۳۷
Cucurbitaceae	<i>Cucumis flexuosus</i> L.		Snake melon	۲۳۳
Cucurbitaceae	<i>Cucumis melo</i> L.	*	Muskmelon	۳۳۲، ۱۹۰، ۱۸۱
Cucurbitaceae	<i>Cucumis pepo</i> Dum.		Pumpkin	۳۳۲
Cucurbitaceae	<i>Cucumis sativus</i> L.	*	Cucumber	۳۳۲، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۳، ۱۳۹
Cucurbitaceae	<i>Cucumis vulgaris</i>			۱۲، ۱۸۱
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita citrullus</i> L.			۱۲
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita lagenaria</i> L.			۳۳۲، ۲۳۷
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita maxima</i> Duch.		Winter squash	۲۳۸
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita pepo</i> L.	*		۲۳۷، ۱۴۲
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita</i> sp.		Gourd ; squash	۲۳۷، ۱۴۲
Cucurbitaceae	<i>Ecballium elaterium</i> Rich.		Squirting cucumber	۲۳۴، ۱۹۴
Cucurbitaceae	<i>Elaterium agreste</i>			۲۳۴
Cucurbitaceae	<i>Elaterium officinale</i>			۲۳۴
Cucurbitaceae	<i>Lagenaria vulgaris</i> Ser.	**	Calabash gourd; Bottle gourd	۱۴۲
Cucurbitaceae	<i>Luffa aegyptiaca</i> Mill.			۲۷۳
Cucurbitaceae	<i>Luffa cylindrica</i> M.Roe.	**	Suakwa-vegetable sponge	۲۷۳
Cucurbitaceae	<i>Luffa</i> sp.		Towel ground ; Dishcloth gourd	۲۷۳
Cucurbitaceae	<i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Ecballium elaterium</i> (L.) A. Reich		squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do Diabo, elaterio	۳۵۵، ۲۳۴
Cucurbitaceae	<i>Poppia fabiana</i> Koch . = <i>Luffa</i> <i>cylindrica</i> (L.) Roem.			۲۷۳
Cupressaceae	<i>Callitris quadrivalvis</i> Vent.		Arar tree	۱۷۸
Cupressaceae	<i>Callitris</i> sp.		Cypress pine	۱۷۸
Cupressaceae	<i>Chamaecyparis</i> sp.		False cypress	۱۸۷
Cupressaceae	<i>Cupressus horizontalis</i> Mill.			۳۹
Cupressaceae	<i>Cupressus sempervirens</i> L.	**	Italian cypress	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۷۰، ۳۹
Cupressaceae	<i>Cupressus</i> sp.		Cypress	۱۷۰
Cupressaceae	<i>Juniperus communis</i> L.	*	Common juniper	۳۲۵، ۲۰۸، ۳۹
Cupressaceae	<i>Juniperus oxycedrus</i> L.	*	Prickly juniper; Red berried juniper	۲۳۴، ۲۰۸
Cupressaceae	<i>Juniperus sabina</i> L.		Sarin juniper	۳۲۵، ۳۹
Cupressaceae	<i>Juniperus</i> sp.		Juniper	۲۰۸
Cupressaceae	<i>Juniperus vulgaris</i>			۲۰۸
Cupressaceae	<i>Thuja articulata</i> Vahl.		Oriental arborvitae; Chinese arborvitae	۱۷۹
Cupressaceae	<i>Thuja orientalis</i> L.			۲۱۲
Cuscutaceae	<i>Cuscuta epithimum</i> Mur.		Common dodder	۳۵۶، ۲۵۸، ۱۲۳، ۵۶، ۵۵
Cuscutaceae	<i>Cuscuta europaea</i> L.	*	Greater dodder	۳۳۲، ۲۵۸، ۵۵
Cuscutaceae	<i>Cuscuta hyalina</i> Roth.			۲۵۸
Cuscutaceae	<i>Cuscuta monogyna</i> Vahl.	*		۲۵۸
Cuscutaceae	<i>Cuscuta planifolia</i> Ten.	*		۲۵۸
Cuscutaceae	<i>Cuscuta</i> sp.			۲۲۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cynipidae	<i>Cynips gallaeturciae</i> Hart.		Gall wasps	۲۱۲
Cynomoriaceae	<i>Cynomorium coccineum</i> L.			۲۰۱
Cyperaceae	<i>Cyperus esculentus</i> L.		Chufa flat sedge ; chufa ; Earth almond	۱۶۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۴۹
Cyperaceae	<i>Cyperus longus</i> L.	*	Galingale flat sedge ; Long cyperus	، ۱۷۲ ۳۲۴، ۳۰۹
Cyperaceae	<i>Cyperus papyrus</i> L.		Payrus	۷۵
Cyperaceae	<i>Cyperus papyrus</i> Trin.			۳۲۲، ۳۰۹
Cyperaceae	<i>Cyperus rotundus</i> L.	*	Nut grass flat sedge	۱۷۲
Cyperaceae	<i>Cyperus</i> sp.		Flat sedge cypress grass	۱۷۲
Cyperaceae	<i>Papyrus antiquorum</i> Willd .= <i>Cyperus Papyrus</i>		Papyrus	۳۲۲، ۷۵
Cyperaceae	<i>Papyrus domesticus</i> Poir.			۷۶
Cyperaceae	<i>Schaenus</i> sp.		Bog rush	۲۱۷
Dioscoraceae	<i>Tamus communis</i> L.			۳۵۷، ۳۵۶، ۲۲۲
Dioscoraceae	<i>Tamus dioica</i>	*	Adder's meat	۲۲۲
Dioscoraceae	<i>Tamus</i> sp.		Black bryony	۲۹۷، ۲۲۲
Dipsacaceae	<i>Dipsacus fullonum</i> L.		Wild teasel	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۵۰
Dipsacaceae	<i>Dipsacus sylvestris</i> Mill .= <i>Dipsacus fullonum</i> ssp. <i>sylvestris</i>		Teasel, Common or Wild	۳۳۶
Dipsacaceae	<i>Trichera arvensis</i> Schrad. = <i>Knautia arvensis</i> (L.) Coulter = <i>Scabiosa arvensis</i> L.		Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed	۱۷۱
Dipsacaceae	<i>Cephalaria pilosa</i> Schr .= <i>Dipsacus pilosus</i> L.	*		۲۱۰
Dryopteridaceae	<i>Athyrium filix-mas</i> L.			۱۷۱
Ebenaceae	<i>Diospyros ebenum</i> Kon.		Ebony persimmon	۳۳
Ebenaceae	<i>Diospyros melanoxylon</i> Roub.			۳۲۷
Elaeagnaceae	<i>Elaeagnus angustifolius</i> L.	*	Russian olive	۲۱۹، ۱۶۳
Elaeagnaceae	<i>Elaeagnus hortensis</i> Boiss.			۲۱۹
Elaeagnaceae	<i>Elaeagnus</i> sp.		Eleagnus	۱۶۳
Elaeagnaceae	<i>Hippophae rhamnoides</i> L.	*	Common sea buckthorn	۳۵۶، ۳۹
Ephedraceae	<i>Ephedra distachya</i> Bort.	*	Joint-fir ephedra ; sea grape	۳۵۰، ۳۲۹، ۲۰۱
Ephedraceae	<i>Ephedra vulgaris</i> Rich.			۲۹۹
Equisetaceae	<i>Equisetum arvense</i> L.	*	Field horsetail	۳۵۰، ۲۶۲، ۲۱۱، ۱۵۱، ۵۰
Equisetaceae	<i>Equisetum fluviatile</i> L.			۳۵۰
Equisetaceae	<i>Equisetum hyemale</i> L.		Scouring rush	۲۶۲، ۱۵۱
Equisetaceae	<i>Equisetum limosum</i> L .= <i>Equisetum fluatile</i> L.	*	Swamphorse tail	۳۵۰
Equisetaceae	<i>Equisetum pallidum</i> L.			۳۴۷، ۲۱۰
Equisetaceae	<i>Equisetum ramosissimum</i> Desf.	*		۲۴۶، ۵۰
Equisetaceae	<i>Equisetum sylvaticum</i> L.			۳۵۰
Ericaceae	<i>Erica arborea</i> L.			۳۲۶، ۳۰۹، ۱۳۷، ۴۶
Ericaceae	<i>Erica cinerea</i> L.		Twisted heath	۱۳۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Ericaceae	Erica sp.		Heath	۱۳۷
Ericaceae	Arbutus andrachne			۳۲۸
Ericaceae	Arbutus sp.			۲۴۲, ۲۳۱
Ericaceae	Arbutus unedo L.	*	Strawberry saxifrage ; Aron's-beard	۳۲۸, ۲۴۲, ۲۳۱, ۲۱۱, ۱۰۶
Ericaceae	Arctostaphylos uva-ursi Spreng.		Bearberry	۲۱۰
Euphorbiaceae	Croton tiglium L.		Purging coroton	۲۷۷, ۱۴۷, ۱۱۳
Euphorbiaceae	Croton tinctorium L.			۹۰
Euphorbiaceae	<i>Croton tinctorium L.</i> = <i>Chrozophora tinctoria (L.) A. Juss.</i>		Croton; Maurelle(F)	۳۰۷
Euphorbiaceae	Embelica officinalis Ga.		Embelic myrobalan Indian gooseberry	۶۳
Euphorbiaceae	Euphorbia aculeata Forsk.			۲۰۳
Euphorbiaceae	Euphorbia aleppica L.	*		۳۰۶
Euphorbiaceae	Euphorbia apios L.			۳۰۶, ۰۷
Euphorbiaceae	Euphorbia chamaesyce L.			۱۲۷
Euphorbiaceae	Euphorbia characias L.			۳۰۶
Euphorbiaceae	Euphorbia curcas			۱۰۸
Euphorbiaceae	Euphorbia dendroides L.			۳۰۶, ۱۲۱
Euphorbiaceae	<i>Euphorbia esula L.</i> = <i>Euphorbia boissieriana (Woron.)prokh.</i>	*	Leafy euphorbia	۲۶۰
Euphorbiaceae	Euphorbia falcata L.	*	Sickle-grass	۳۰۶
Euphorbiaceae	Euphorbia helioscopia L.	*	Sun euphorbia	۳۰۶, ۳۰۰, ۲۲۰
Euphorbiaceae	Euphorbia lathyris L.		Caper euphorbia	۳۰۶, ۲۷۷, ۲۲۴
Euphorbiaceae	Euphorbia myrsinites	*		۳۰۶, ۳۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia officinarum L.			۲۲۰
Euphorbiaceae	Euphorbia paralias L.		Sea staff-sea wand	۳۰۶, ۳۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia pilosa L.			۳۰۶
Euphorbiaceae	Euphorbia pilulifera L.			۶۰
Euphorbiaceae	Euphorbia pithyusa L.			۲۲۰, ۱۸۴
Euphorbiaceae	Euphorbia pythuse Friw.			۱۷۰
Euphorbiaceae	Euphorbia resinifera Berg.			۲۲۰
Euphorbiaceae	Euphorbia sibthorpii Boiss.			۳۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia sp.		Ebebright	۲۴۲, ۳۱۰, ۳۰۰, ۲۲۴, ۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia spinosa L.	*		۳۰۷, ۳۹
Euphorbiaceae	Euphorbia triaculeata For.			۲۶۰
Euphorbiaceae	Hippomane manchinella L.		manchineel	۱۹۴
Euphorbiaceae	Jatropha curcas L.		Barbados nut ; physic nut	۱۰۸
Euphorbiaceae	Jatropha gossipifolia L.			۲۲۷
Euphorbiaceae	Mallotus philippinensis Mull.		Red kamala	۲۹۰, ۲۴۴
Euphorbiaceae	Mallotus sp.			۲۴۴
Euphorbiaceae	Mercurialis annua L.	*	Herb mercury	۳۰۷, ۲۴۴, ۱۲۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Euphorbiaceae	<i>Mercurialis</i> sp.			۱۲۱
Euphorbiaceae	<i>Phyllanthus emblica</i> L. = <i>Embllica officinalis</i>		Emblic leaf flower	۶۳
Euphorbiaceae	<i>Ricinus communis</i> L.	*	Castor bean	۳۵۶، ۲۰۳، ۱۳۳
Euphorbiaceae	<i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. = <i>Croton philippensis</i> Lam. <i>Mallotus reticulatus</i> Dunn = <i>Mallotus philippensis</i> (Lam.) Muell. Arg.		Common madder; kemala tree	۲۹۵، ۲۴۴
Euphorbiaceae	<i>Tithymalus cotinifolius</i> Haw. = <i>Euphorbia cotinifolia</i> L.		Red spurge	۱۸۴
Fagaceae	<i>Castanea sativa</i> Mill.		European chestnut ; Spanish chestnut	۸۷
Fagaceae	<i>Castanea vesca</i> Gaertn.			۸۷
Fagaceae	<i>Castanea vulgaris</i> Lam.			۸۷
Fagaceae	<i>Quercus aegilops</i> L.		Valonia oak	۳۲۷
Fagaceae	<i>Quercus aesculus</i> Boiss.	*		۳۲۷
Fagaceae	<i>Quercus coccifera</i> L.		Kermes oak	۳۵۰، ۳۲۷، ۸۶
Fagaceae	<i>Quercus ilex</i> L.		Holly oak	۳۵۲، ۲۱۲، ۸۶
Fagaceae	<i>Quercus infectipria</i> Olivier	*	Aleppo oak	۲۱۲
Fagaceae	<i>Quercus lusitanica</i> Lam.			۳۲۷، ۲۱۲
Fagaceae	<i>Quercus lustanica</i> var. <i>tauricola</i>			۲۱۲
Fagaceae	<i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp. = <i>Quercus brantii</i> Lindl.	*	Oak ; Manna tree	۸۶
Fagaceae	<i>Quercus robur</i> L.	*		۸۶
Fagaceae	<i>Quercus</i> sp.		Oak	۲۱۲، ۱۷۹
Flacourtiaceae	<i>Flacourita cataphracta</i> Willd.		Paniala; coffee plum; paniala; puneala; Chinese plum	۱۹۹، ۱۶۱
Fucacea	<i>Fucus</i> sp.		Rock weed-sea oak	۱۹۸
Fumariaceae	<i>Corydalis claviculata</i> (L.) DC.			۳۵۷
Fumariaceae	<i>Fumaria officinalis</i> L.			۱۸۳
Fumariaceae	<i>Fumaria parviflora</i> Lam.			۱۸۳
Fumariaceae	<i>Fumaria</i> sp.		Fumitory	۱۸۳
Gentianaceae	<i>Erythraea centaurium</i> Pers. = <i>Centaurium erythraea</i> = <i>Centaurium umbellatum</i>		Drug cenaurium	۳۳۶، ۲۴۶
Gentianaceae	<i>Gentiana lutea</i> L.			۳۳۵، ۳۱۳، ۱۰۶
Gentianaceae	<i>Swertia chirata</i> Ham.			۲۴۱
Gramineae	<i>Panicum dactylon</i> L.			۹۹
Gramineae	<i>Panicum italicum</i> L.			۱۴۳
Gramineae	<i>Panicum milliaceum</i> L.	*	Proso-broomcorn; millet	۳۲۹، ۱۴۳، ۱۰۰
Geraniaceae	<i>Erodium malachoides</i> Willd.			۳۴۴
Geraniaceae	<i>Geranium arabicum</i> Forsk.			۲۲۱
Geraniaceae	<i>Geranium columbinum</i> L.		Long-stalked geranium	۳۷
Geraniaceae	<i>Geranium rotundifolium</i> L.		Round-leaved	۳۴۴، ۳۱۶



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			fluellen; Cancerwort	
Geraniaceae	Geranium sp.		Geranium ; Crowfoot	۲۱۸، ۲۷
Geraniaceae	Geranium tuberosum L.	*	Tuberous-rooted crane's bill	۲۴۴
Gesneriaceae	Conandron sp.		Iwa-tabako	۲۴۳
Gesneriaceae	Gloxinia sp.		Gloxinia	۲۲۱
Globulariaceae	Globularia sp.		Globe daisy	۲۱۸
Graminae	Digitaria stolonifera Schrad.			۹۹
Graminae	Oryza sativa L.	*	Rice	۳۲۹، ۳۱۱، ۴۴
Graminae	Sqtaria italica Beauv		millet, foxtail; Italian millet	۱۴۳
Graminae	Triticum dicoccum Schr.		Emmer; Dinkel wheat	۲۲۳، ۲۱۳
Graminae	Triticum monococcum L.		Einkorn; One- grained wheat	۳۲۹، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۱۳
Graminae	Triticum ovatum L.			۱۴۷
Graminae	Triticum repens L.			۹۹
Graminae	Triticum spelta L.		Splet	۲۲۴، ۱۷۴، ۱۳۹،
Graminae	Triticum vulgare Vill.		Wheat	۱۲۶
Graminae	Triticum zea Host.			۲۲۴
Gramineae	Aegilops ovata L.	*		۳۰۰، ۱۴۷
Gramineae	Aeluropus littoralis Ga.	*		۲۱۲
Gramineae	Agropyrum repens Beauv.	*	Couch-grass ;Quakgrass	۳۴۹، ۲۱۲، ۹۹
Gramineae	Andropogon lanigera Desf.			۴۳
Gramineae	Andropogon nardus L.			۱۱۷
Gramineae	Andropogon schoenanthus L.			۳۲۴، ۳۰۹، ۴۳
Gramineae	<i>Andropogon sorghum</i> Brot. = <i>Sorghum vulgare</i> Pers.	*	Sorghum	۳۲۹، ۱۰۰، ۱۴۳
Gramineae	Andropogona martini Roxb.			۲۴۱
Gramineae	Apera spica-venti L.		Wind bent grass ; Wind grass ; Corn grass	۲۹۶
Gramineae	Arundinaria sp.	*		۲۱۳
Gramineae	Arundo bambos L.			۱۹۹
Gramineae	Arundo donax L.	*	Giant reed	۳۲۶، ۲۴۰
Gramineae	Arundo phragmites L.			۲۴۰
Gramineae	Avena elatior L.			۱۴۷
Gramineae	Avena fatua L.	*	Wild oat	۳۰۰، ۲۳۷، ۹۱
Gramineae	Avena sativa L.	*	Common oat	۳۰۰، ۲۹۶، ۲۳۷، ۱۷۴
Gramineae	Avena sp.		Oat	۱۳۱
Gramineae	<i>Bambusa arundinacea</i> Willd. = <i>Arundo bambos</i> L. = <i>Bambusa bambos</i> (L.) Voss		Reed bamboo, Spiny bamboo , Thorny bamboo, Indian bamboo.	۲۰۰، ۱۴۰
Gramineae	Bambusa sp.		Bamboo	۱۴۰
Gramineae	Cenchrus frutescens Sieber			۳۲۶
Gramineae	Cymbopogon schoenanthus		Halfa bar	۳۲۴، ۴۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Spreng.			
Gramineae	<i>Cynodon dactylon</i> Pers.			۳۳۶، ۲۰۰، ۹۹
Gramineae	<i>Cynosurus egyptiaca</i> L.		Hedgehog dog's-tail	۳۴۹
Gramineae	<i>Dactylis repens</i> L.			۳۴۹
Gramineae	<i>Dactylon officinale</i> Villars . = <i>Cynodon dactylon</i> (L.) Persoon		bermuda-grass	۹۹
Gramineae	<i>Danthonia</i> sp.		Danthonia	۱۲۷
Gramineae	<i>Eleusine coracana</i> Gaer.		Ragi millet ; raggee ; tocusso	۲۲۳
Gramineae	<i>Erianthus ravennas</i> Beauv.		<i>Sacchrum ravennae</i>	۳۲۶
Gramineae	<i>Festuca altissima</i> Boiss.	*		۲۱۲
Gramineae	<i>Festuca</i> sp.		Fescue	۲۱۲
Gramineae	<i>Holcus dochna</i> Forscal			۱۴۳
Gramineae	<i>Holcus sorghum</i> L.		Sudan grass	۱۰۰، ۱۰۰
Gramineae	<i>Hordeum morinum</i> L.	*	Mouse barley	۳۰
Gramineae	<i>Hordeum</i> sp.		Barley	۳۲۹، ۱۸۷
Gramineae	<i>Hordeum vulgare</i> L.		Berley	۱۸۸، ۱۸۷
Gramineae	<i>Leptochloa bipinnata</i> (L.) Hochst.			۱۲۲، ۱۲۲
Gramineae	<i>Lolium perenne</i> L.	*	Perennial rye grass	۹۱
Gramineae	<i>Lolium</i> sp.		Rye grass	۱۶۴
Gramineae	<i>Lolium temulentum</i> L.	*	Darnel rye grass	۳۲۹، ۱۹۴، ۱۶۴
Gramineae	<i>Lophotenia aurea</i> L.			۱۸۲
Gramineae	<i>Milium indicum</i>			۱۰۰
Gramineae	<i>Milium nigricans</i> Ruis.			۲۰۴
Gramineae	<i>Nardus indica</i> L.			۱۷۸
Gramineae	<i>Pennisetum</i> sp.		Pennisetum	۹۷
Gramineae	<i>Phalaris canariensis</i> Nutt.	**	Canary grass	۳۴۶
Gramineae	<i>Phalaris tuberosa</i> L.			۳۴۶، ۳۱۷، ۲۲۳
Gramineae	<i>Phragmites communis</i> Trin		Common reed	۳۲۶، ۲۴۰
Gramineae	<i>Poa cynosuroides</i> Retz.			۱۲۲
Gramineae	<i>Poa multiflora</i> Forsk.			۱۲۲
Gramineae	<i>Saccharum officinarum</i> L.	**	Sugar cane	۲۴۱، ۱۷۳
Gramineae	<i>Secale cereale</i> L.	*	Rye; Rie	۱۹۴
Gramineae	<i>Secale corutum</i>			۱۴۷
Gramineae	<i>Setaria italicum</i> Beauv.	*	Foxtail barley; Squirrel; Tail grass	۳۲۹
Gramineae	<i>Sorghum vulgare</i> L.	**	Sorghum; Broom corn	۱۰۰، ۱۴۳
Gramineae	<i>Stipa</i> sp.		Needlegrass; Feather grass	۱۲۲
Gramineae	<i>Triticum romanum</i> L.			۳۲۹، ۱۳۹
Gramineae	<i>Zea mays</i> L.	*	Maize; Indian corn	۱۰۰، ۱۰۰
Guttiferae	<i>Garicina mangostana</i> L.		Mangosteen	۱۰۷
Guttiferae	<i>Mesua ferrea</i> L.		Iron wood	۲۸۸
Haloragaceae	<i>Myriophyllum</i> sp.		Water milfoil parrot feather	۲۸۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Haloragaceae	<i>Myriophyllum spicatum</i> L.	*	Spiked milfoil	۳۵۶، ۳۲۰، ۱۱۷
Hamameliaceae	<i>Liquidambar orientalis</i> L.	*	Sweet gum	۲۸۹
Hamameliaceae	<i>Liquidambar orientalis</i> Mill.			۵۳
Hamameliaceae	<i>Liquidambar</i> sp.			۲۶۷
Heliconiaceae	<i>Heliconia</i> sp.		Heliopsis	۲۹۵
Helvellaceae	<i>Helvella phalloides</i>			۲۲۱
Hemionitidaceae	<i>Hemionitis</i> L.			۳۴۵، ۳۱۷
Hippocastanaceae	<i>Aesculus hippocastanum</i> L.		Common horse chestnut	۸۷
Hippuridaceae	<i>Hippuris vulgaris</i>	*	Mare's-tail	۳۴۷
Hydrocharitaceae	<i>Stratiotes aloides</i> L.		Water-soldier	۳۵۳، ۱۷۱
Hypericaceae	<i>Hypericum barbatum</i> L.			۳۴۷، ۳۱۸، ۲۹۸
Hypericaceae	<i>Hypericum ciliatum</i> L.			۳۴۷، ۲۹۸، ۶۸
Hypericaceae	<i>Hypericum coris</i> L.			۳۴۷، ۲۹۸
Hypericaceae	<i>Hypericum hircinum</i> L.	*		۳۵۰، ۲۸۲، ۲۰۱، ۱۸۶
Hypericaceae	<i>Hypericum perforatum</i> L.	*	John's wort	۳۴۷، ۳۰۱، ۱۴۱
Hypericaceae	<i>Hypericum procumbens</i> L.			۳۵۱
Hypericaceae	<i>Hypericum quadrangulum</i> L.		Square-stalked s.t-john's-wort.	۵۶
Hypericaceae	<i>Hypericum</i> sp.		St. -john's-wort	۳۰۱، ۱۴۱
Illecebraceae	<i>Illecebrum paronychia</i> L. = <i>Paronychia verticillata</i> Lam.		coral necklace	۳۵۰
Illiciaceae	<i>Illicium anisatum</i> L.		anise tree	۷۲
Illiciaceae	<i>Illicium verum</i> Hooker fil		star anise	۷۲
Iridaceae	<i>Crocus sativus</i> L.	*	Saffron crocus	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۶۳
Iridaceae	<i>Crocus</i> sp.		Crocus	۱۶۳
Iridaceae	<i>Gladiolus communis</i> L.	**	Common ginger	۳۴۸، ۳۵۵، ۱۸۱، ۱۴۶، ۴۵
Iridaceae	<i>Gladiolus segetum</i> Ke.	*	Corn flag gladiolus	۴۵
Iridaceae	<i>Gladiolus</i> sp.		Gladiolus ,Corn flag	۱۴۶
Iridaceae	<i>Hermodactylus tuberosis</i> Salisb.		Snake's-head iris	۲۷۰
Iridaceae	<i>Iris ensata</i> Thund.	**		۷۰
Iridaceae	<i>Iris florentina</i> L.		Florentine iris	۳۲۴، ۳۰۹، ۱۸۱، ۷۰
Iridaceae	<i>Iris foeditissima</i> L.	*		۳۴۸
Iridaceae	<i>Iris germanica</i> L.	*	German iris	۱۶۴، ۷۰
Iridaceae	<i>Iris nobilis</i> Pall.			۷۹
Iridaceae	<i>Iris pseudacorus</i> L.	*	Yellow flag iris	۳۲۴، ۲۹۳
Iridaceae	<i>Iris</i> sp.		Iris	۱۸۱، ۶۷
Juglandaceae	<i>Carya</i> sp.		Hickory	۲۳۲
Juglandaceae	<i>Juglans regia</i> L.	*	Persian walnut; Royal walant tree	۳۲۹، ۱۰۷
Juncaceae	<i>Juncus acutus</i> L.	*		۳۵۰، ۱۷۵، ۵۰
Juncaceae	<i>Juncus arabicus</i> Post.			۳۵۰، ۲۲۰، ۱۷۵، ۵۰
Juncaceae	<i>Juncus maritimus</i> Lam.	*	Sea rush	۱۷۵
Juncaceae	<i>Juncus soinosus</i> For.			۱۷۵
Juncaceae	<i>Juncus</i> sp.		Rush	۱۷۵، ۵۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	<i>Ajuga chamaepitys</i> L.		Ground pine	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۶۱، ۲۰۷
Labiatae	<i>Ajuga chamaepitys</i> Sch.			۲۶۱
Labiatae	<i>Ajuga iva</i> L.			۲۶۱، ۱۰۴
Labiatae	<i>Ajuga</i> sp.		Bugle	۲۰۷
Labiatae	<i>Amaracus dictamnus</i> Ben . = <i>Origanum dictamnus</i> L.		Cretan Dittany	۲۸۱
Labiatae	<i>Calamintha acinos</i> Man.		Spring savory	۲۲۵
Labiatae	<i>Calamintha graveolens</i> Benh.			۲۲۵
Labiatae	<i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held.			۱۵۳
Labiatae	<i>Clinopodium montanum</i> (L.) Kuntz.			۲۳۸
Labiatae	<i>Clinopodium vulgare</i> L.	*	Wild basil savory	۳۴۲، ۳۱۵
Labiatae	<i>Collinsonia canadensis</i> L.		Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm	۸۲
Labiatae	<i>Dracocephalum kotschy</i> Boiss.	*		۸۴
Labiatae	<i>Dracocephalum moldavica</i> L.	*	Moldvian dragon head	۷۱
Labiatae	<i>Horminum pyrenaicum</i> L.			۴۵
Labiatae	<i>Lallemantia iberica</i> F.&M.	*		۷۳
Labiatae	<i>Lallemantia royleana</i> Benth.	*		۷۳
Labiatae	<i>Lamium album</i> L.	*	White durra	۲۱۹، ۱۱۵
Labiatae	<i>Lamium maculatum</i> L.	*	Spotted dead nettle	۳۴۳، ۲۷۴، ۱۳۳
Labiatae	<i>Lamium purpureum</i> L.	*	Purple dead nettle	۳۵۳
Labiatae	<i>Lamium striatum</i> Sibth.	**		۳۴۳
Labiatae	<i>Lavandula dentata</i> L.		Fringed Lavender, French Lavender	۴۷
Labiatae	<i>Lavandula</i> sp.		Lavender	۱۳۳
Labiatae	<i>Lavandula spica</i> Cav.			۱۳۳
Labiatae	<i>Lavandula stoechas</i> L.	**	French Lavendar	۳۳۷، ۳۱۳، ۴۷
Labiatae	<i>Lavandula vera</i> DC.	*	True lavender	۱۳۳
Labiatae	<i>Majorana hortensis</i> Moench.		Sweet marjoram	۲۷۸
Labiatae	<i>Majorana</i> sp.		Marjoram	۲۷۸
Labiatae	<i>Marrubium pseudodictamnus</i> L.			۳۳۸
Labiatae	<i>Marrubium</i> sp.		Hoarhound	۲۳۰، ۲۲۴
Labiatae	<i>Marrubium vulgare</i> L.	*	Common horehound	۳۴۳، ۲۲۴
Labiatae	<i>Melissa calamintha</i> L. = <i>Calamintha officinalis</i> Moench		Calamint savory	۱۲۶
Labiatae	<i>Melissa clinopodium</i> Benth.			۳۴۲
Labiatae	<i>Melissa officinalis</i> L.	*	Common balm	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۵، ۷۱
Labiatae	<i>Mentha aquatica</i> L.	*	Water mint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۸۲، ۲۲۹، ۱۹۸
Labiatae	<i>Mentha arvensis</i> L.	*	Field mint	۳۴۲
Labiatae	<i>Mentha officinalis</i> Hull.			۲۲۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	<i>Mentha piperita</i> Smith.	*	Peppermint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۲۹
Labiatae	<i>Mentha pulegium</i> L.	*	Pennyroyal	۳۳۸، ۲۲۹، ۲۲۱، ۱۹۶، ۱۰۰، ۸۳
Labiatae	<i>Mentha pulegium</i> var. <i>erecta</i>			۳۳۸
Labiatae	<i>Mentha sativa</i> L.			۳۳۸، ۲۹۱
Labiatae	<i>Mentha</i> sp.		Mint	۲۹۱
Labiatae	<i>Mentha sylvestris</i> L.			۳۳۸، ۲۲۹، ۲۰۰
Labiatae	<i>Micromeria juliana</i> Benth.			۳۳۹
Labiatae	<i>Moschosma</i> sp.			۱۹۸
Labiatae	<i>Nepeta micrantha</i> Bu.			۱۶۰
Labiatae	<i>Nepeta mispahanica</i> Bo.			۱۶۰
Labiatae	<i>Ocimum album</i> L.			۷۱
Labiatae	<i>Ocimum basilicum</i> L.	*	Sweet basil; hoary basil	۳۱۱، ۲۲۰، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۲۲، ۷۱ ۳۳۲
Labiatae	<i>Ocimum filamentosum</i> Forsk.			۱۶۰، ۱۰۰
Labiatae	<i>Ocimum gratissimum</i> L.			۱۶۰، ۱۰۰
Labiatae	<i>Ocimum minimum</i> L.			۱۹۸، ۱۸۴
Labiatae	<i>Ocimum pilosum</i> Willd.			۳۳۹، ۲۲۰، ۱۸۴، ۱۲۲
Labiatae	<i>Origanum aegyptiacum</i> L.			۱۶۰
Labiatae	<i>Origanum amaracus</i> Gledi.			۲۷۹، ۲۷۸
Labiatae	<i>Origanum creticum</i> L.			۲۸۱
Labiatae	<i>Origanum dictamnus</i> L.			۳۳۸، ۳۱۴، ۲۸۱، ۲۳۰
Labiatae	<i>Origanum hirtum</i> L.			۲۸۱
Labiatae	<i>Origanum lirium</i>			۳۳۷
Labiatae	<i>Origanum majorana</i> L.		Sweet majoran	۳۳۹، ۲۷۸
Labiatae	<i>Origanum maru</i> L.			۲۷۹، ۲۲۱
Labiatae	<i>Origanum marum</i> L.			۳۳۹
Labiatae	<i>Origanum onitis</i> L.			۳۳۸
Labiatae	<i>Origanum sipyleum</i> L.			۳۳۷
Labiatae	<i>Origanum</i> sp.		Origanum	۳۳۸، ۳۱۳، ۱۹۶، ۱۹۰
Labiatae	<i>Origanum vulgare</i> L.	*	Common origanum; Wild marjoram	۳۳۸، ۲۳۰، ۱۹۶
Labiatae	<i>Origanum vulgare</i> var. <i>megastachyum</i>			۳۳۸
Labiatae	<i>Rosmarinus officinalis</i> L.	**	Rosemary	۶۰
Labiatae	<i>Salvia aethiopsis</i> L.		Ethiopian sage-woolly clay	۳۰۴
Labiatae	<i>Salvia cyanescens</i> Boiss.			۳۳۸
Labiatae	<i>Salvia horminum</i> L. = <i>Salvia viridis</i> L.	*		۳۴۰، ۳۱۷، ۴۰
Labiatae	<i>Salvia officinalis</i> L.	**	Garden sage	۳۳۸، ۲۶۸، ۱۰۶، ۶۰، ۴۸
Labiatae	<i>Satureia hortensis</i> L.		Summer savory	۳۳۹، ۱۹۰
Labiatae	<i>Satureia thymbra</i> L.			۱۹۰
Labiatae	<i>Sideritis remota</i> Urv.		Ironwort	۳۴۹
Labiatae	<i>Stachys betonica</i> Benth.			۳۴۷، ۲۳۹
Labiatae	<i>Stachys germanica</i> L.		Mouse-earbetony	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۹۰، ۱۷۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	<i>Stachys hirta</i> L.			۱۷۱
Labiatae	<i>Stachys lavandulaefolia</i> Vahl.			۲۷۸
Labiatae	<i>Stachys palaestina</i> L.			۳۴۳
Labiatae	<i>Stachys recta</i> L.			۳۴۹، ۱۸۰
Labiatae	<i>Stachys</i> sp.		Betony-woundwort	۲۹۵، ۱۷۱
Labiatae	<i>Teucrium chamaedrys</i> L.		Chamaedoreas germander	۳۴۳، ۳۱۵، ۲۶۰، ۱۸۷
Labiatae	<i>Teucrium flavum</i> L.		Cat thyme	۳۴۲، ۳۱۵
Labiatae	<i>Teucrium marum</i> L.			۲۸۰، ۲۷۵
Labiatae	<i>Teucrium polium</i> L.			۳۴۳، ۳۱۶، ۱۰۴
Labiatae	<i>Teucrium sapinum</i> L.			۲۶۱
Labiatae	<i>Teucrium scordium</i> L.		Water germander	۳۴۳، ۳۱۶، ۹۸، ۴۹
Labiatae	<i>Teucrium</i> sp.		Germander	۲۰۴
Labiatae	<i>Thymbra spicata</i> Stric. & Hort.	*	spiked thymbra	۳۳۷
Labiatae	<i>Thymus barrelieri</i> Spreng.			۳۱۴، ۲۲۹
Labiatae	<i>Thymus calamintha</i> Scop.			۳۳۸، ۳۱۴، ۲۲۹
Labiatae	<i>Thymus capitatus</i> L.			۳۳۸، ۳۱۴
Labiatae	<i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm.			۹۹، ۱۱۰
Labiatae	<i>Thymus glaber</i> Mill.			۳۳۹، ۲۹۱، ۱۸۲
Labiatae	<i>Thymus graveolens</i> Bieb.			۳۳۸
Labiatae	<i>Thymus kotchyanus</i> Boiss.			۱۹۶
Labiatae	<i>Thymus nepeta</i> Sm.			۳۱۴، ۲۲۹
Labiatae	<i>Thymus nummularius</i> Benth.			۱۸۲
Labiatae	<i>Thymus serpyllum</i> Frie.		Mother-of- thyme	۱۸۲
Labiatae	<i>Thymus serpyllum</i> L.		Serpolet; Wild Thyme	۲۹۱، ۱۹۵
Labiatae	<i>Thymus sibthorpii</i> Benth.			۳۳۹
Labiatae	<i>Thymus vulgaris</i> L.		Common thyme	۳۳۹، ۱۹۶، ۱۱۰
Labiatae	<i>Zizyphora capitata</i> L.	**		۳۴۲
Labiatae	<i>Ballota nigra</i> L.	*	Black ballota ; Blak horehound	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۷۹، ۱۸۷، ۲۲۴
Labiatae	<i>Ballota pseudodictamnus</i> Benth.		Ballota	۳۳۸
Labiatae	<i>Betonica alopecuroides</i> L.			۳۴۷
Labiatae	<i>Betonica officinalis</i> L.		Common betony	۲۳۹
Labiatae	<i>Hyssopus officinalis</i> L.	*	Hyssop	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۶۵
Lauraceae	<i>Cinnamomum camphora</i> Nees.		Camphor tree	۲۴۸
Lauraceae	<i>Cinnamomum cassia</i> Boiss.		Cassia bark tree ; Chinese cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۳۹، ۱۷۵، ۱۴۱
Lauraceae	<i>Cinnamomum citriadorum</i> Th.			۳۲۴، ۱۶۷
Lauraceae	<i>Cinnamomum iners</i> Reinw.			۳۲۴، ۱۷۵
Lauraceae	<i>Cinnamomum malabathrum</i> Burm.			۱۶۷
Lauraceae	<i>Cinnamomum obtusifolium</i> Nees.			۱۷۵
Lauraceae	<i>Cinnamomum tamala</i> Nees.			۱۶۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Lauraceae	<i>Cinnamomum zeilanicum</i> Nees.	**	Ceylon cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹، ۲۳۸، ۱۴۱
Lauraceae	<i>Cinnamomum</i> sp.		Cinnamon	۱۴۱
Lauraceae	<i>Laurus camphora</i> L.			۲۴۸، ۱۱۰
Lauraceae	<i>Laurus nobilis</i> L.	**	Grecian laurel; True bay	۳۲۵، ۲۱۸، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸
Lemnaceae	<i>Lemna minor</i> L.	*	Common duckweed	۳۵۳، ۲۰۱
Lemnaceae	<i>Lemna</i> sp.		Duckweed	۳۵۳، ۲۰۷
Lichen	Lichen			۵۲
Lichen	<i>Orseille tinctoria</i> = <i>Roccella tinctoria</i> DC.		Dyer's Weed ; Orchella Weed ; Lichen Roccella	۱۳۸
Liliaceae	<i>Allium ampeloprasum</i> L.	*	Great round ; Headed garlic	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۳، ۲۵۲
Liliaceae	<i>Allium ascalonicum</i> L.	*	Shallot	۳۳۳، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۴۳
Liliaceae	<i>Allium carinatum</i> L.		Keeled onion	۹۸
Liliaceae	<i>Allium cepa</i> L.	*	Garden onion	۳۳۳، ۲۵۳، ۸۱
Liliaceae	<i>Allium descendens</i> L.			۳۳۳
Liliaceae	<i>Allium dioscoridis</i> Sibth.			۳۳۹
Liliaceae	<i>Allium magicium</i> L.			۸۶
Liliaceae	<i>Allium moly</i> L.	**	Lily leek	۳۳۹، ۳۱۴، ۸۶
Liliaceae	<i>Allium porrum</i> L.		Leek	۳۳۳، ۲۵۲
Liliaceae	<i>Allium roseum</i> L.			۲۵۳
Liliaceae	<i>Allium sativum</i> L.	*	Garlic	۳۳۳، ۹۸
Liliaceae	<i>Allium scorodoprasum</i> L.			۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۲، ۹۹، ۹۸
Liliaceae	<i>Allium silvestrum</i>			۱۸۹، ۹۹، ۹۸
Liliaceae	<i>Allium subhirsutum</i> L.			۳۳۳
Liliaceae	<i>Allium ursinum</i> L.		Ramsons ; Bear's-garlic	۲۵۲
Liliaceae	<i>Allium vineale</i> L.		Field garlic	۲۵۲
Liliaceae	<i>Allium xiphopetalum</i> Ait.	*		۱۸۹، ۹۹، ۹۸
Liliaceae	<i>Aloe aloexylon</i>			۶۱
Liliaceae	<i>Aloe scotrina</i>		Socotrine aloe	۶۱
Liliaceae	<i>Aloe vera</i> L.	*	True aloe	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۵، ۶۱
Liliaceae	<i>Aloe vulgaris</i> Lam.		Mediterranean aloe	۳۳۷
Liliaceae	<i>Asphodelus damascenus</i> Boiss.			۵۱
Liliaceae	<i>Asphodelus microcarpus</i> (L.) Swartz			۱۳۸
Liliaceae	<i>Asphodelus ramosus</i> L.			۳۳۴، ۱۳۸
Liliaceae	<i>Asphodelus</i> sp.			۱۳۸
Liliaceae	<i>Bulbocodium vernum</i> L.		Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron	۱۶۲
Liliaceae	<i>Convallaria polygonatum</i> L.			۲۴۸
Liliaceae	<i>Convallaria rusticellata</i> L.			۳۵۳
Liliaceae	<i>Corchorus olerius</i> L.	*		۲۸۴
Liliaceae	<i>Fritillaria imperialis</i> L.			۵۹
Liliaceae	<i>Hemerocallis flava</i> L.		Lemon daylily	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۸۱، ۱۶۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Liliaceae	Hyacinthus comosus			۳۳۴
Liliaceae	Hyacinthus orientalis	**	Common hyacinth	۳۵۱، ۳۱۹
Liliaceae	Lilium candidum L.		Madonna lily	۳۴۳، ۱۸۱
Liliaceae	Lilium chalcedonicum L.		Chalcedonian lily	۳۴۴
Liliaceae	Lilium sp.		Lily	۱۸۱، ۱۶۴
Liliaceae	Muscari comosum Mill.	*	Feathered grape hyacinth	۳۳۴، ۸۶
Liliaceae	Muscari sp.		Grape hyacinth	۸۶
Liliaceae	Narthecium ossifragum Huds.			۲۵۵
Liliaceae	Narthecium sp.		Bog asphodel	۲۵۵
Liliaceae	Ornithogalum sp.		Star-of-bethlehem	۱۹۴، ۵۱
Liliaceae	Ornithogalum stachyoides Host.			۳۳۴، ۱۳۸
Liliaceae	Ornithogalum umbellatum L.	*	Common star-of-bethlehem	۳۳۲، ۵۱
Liliaceae	Ruscus aculeatus L.		Butcher's-broom	۳۵۵، ۳۶
Liliaceae	Ruscus hypoglossum			۳۵۵
Liliaceae	Ruscus hypophyllum			۳۵۷، ۳۵۵
Liliaceae	Ruscus racemosus L.			۳۵۷
Liliaceae	<i>Schoenocaulon officinale</i> <i>A.Gray = Veratrum officinale</i> <i>Schl. &amp; Cham = Veratrum sabadilla Retz</i>		Drug sabadilla ; sabadilla	۲۶۱
Liliaceae	<i>Scilla bifolia L. = Scilla autumnalis L.</i>	*	Twin-leaved squill	۳۵۱
Liliaceae	Scilla maritima L.			۳۳۴، ۳۱۲، ۴۹
Liliaceae	Scilla pancratiuon Nym.			
Liliaceae	Scilla sp.		Squill	۲۱۵
Liliaceae	Tulipa gesneriana L.			۱۳۵
Liliaceae	Urginea maritima Bak.	*	Shore sea onion	۴۹
Liliaceae	Veratrum album L.		White Hellebore	۳۵۵، ۲۶۳، ۱۳۰
Liliaceae	Veratrum nigrum L.		Black false hellebore	۱۳۰
Linaceae	Linum sp.		Flax	۲۵۱
Linaceae	Linum usitatissimum L.	*	Fiber flax ; Common flax	۳۲۹، ۲۵۱
Loganiaceae	Strychnos nux-vomica L.		Poison Nut; Semen strychnos	۱۲۸، ۱۰۸، ۴۲
Loranthaceae	Loranthus curopeus Jack.			۲۱۶
Loranthaceae	Loranthus europaeus L.	*	Continental mistletoe	۱۶۷، ۱۴۳، ۸۸
Loranthaceae	Loranthus globiferus A.Rich.			۱۳۱
Loranthaceae	Loranthus sp.		Loranth	۲۱۶
Loranthaceae	Viscum album L.	*	European mistletoe	۳۴۲، ۲۱۶، ۱۴۳
Lythraceae	Lawsonia alba Lam.			۳۲۶، ۱۲۵
Lythraceae	Lawsonia inermis L.	*	Henna	۱۲۵
Lythraceae	Lawsonia sp.		Henna bush	۱۲۵
Lythraceae	Lythrum salicaria L.	*	Purple lythrum	۳۴۷
Malvaceae	<i>Abelmoschus esculentus (L.)</i>	**	Akar; Gumbo	۷۴



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Moench = Hibiscus esculentus L.</i>			
Malvaceae	<i>Alcea rosea L.</i>	**		۳۳۱
Malvaceae	<i>Althaea cannabina L.</i>	*		۳۴۶، ۳۱۸، ۱۱۲
Malvaceae	<i>Althaea ficifolia R.Br.</i>			۱۳۶
Malvaceae	<i>Althaea officinalis L.</i>	*	Hollyhock	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۷، ۱۳۶
Malvaceae	<i>Althaea rosea Cavan.</i>			۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۰، ۱۳۶
Malvaceae	<i>Althaea sp.</i>		Althaea	۱۲۹
Malvaceae	<i>Gossypium herbaceum L.</i>		Levant cotton	۲۴۲
Malvaceae	<i>Gossypium sp.</i>		Cotton	۲۴۲
Malvaceae	<i>Hibiscus esculentus L.</i>	**	Okra-gubo	۸۴، ۷۴
Malvaceae	<i>Hibiscus mutabilis L.</i>	**	Cotton-rose- changeable rose	۷۴
Malvaceae	<i>Hibiscus rosa-sinensis L.</i>	**	Chinese hibiscus	۱۰۱
Malvaceae	<i>Hibiscus tortuosus Roub.</i>			۷۴
Malvaceae	<i>Malva alcea L.</i>		Hollyhock mallow	۳۴۶
Malvaceae	<i>Malva parviflora L.</i>	*		۱۲۹
Malvaceae	<i>Malva rotundifolia Diss.</i>	*		۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹، ۸۰
Malvaceae	<i>Malva sp.</i>			۱۲۹
Malvaceae	<i>Malva sylvestris L.</i>	*	High mallow; Wild mallow	۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹
Melastomaceae	<i>Melastoma sp.</i>		Melastoma family	۱۶۷
Melastomataceae	<i>Memecylon edule Rox.</i>		Iron wood tree	۲۹۰
Melastomataceae	<i>Memecylon tinctoria Wil.</i>			۲۹۰
Melastomataceae	<i>Memecylon tinctorium L.</i>			۵۳
Meliaceae	<i>Azadirachta indica Juss . = Melia Azadirachta L.</i>	**	Margosa; Neem	۳۰
Meliaceae	<i>Melia azadarach L.</i>	*	Margosa	۳۰
Meliaceae	<i>Trichilia emetica Wahl.</i>			۱۵۷، ۱۱۰، ۱۰۸
Menispermaceae	<i>Anamirta paniculata Colebr . = Cocculus indicus Royle</i>		Indicus Cocculus	۲۷۷
Menispermaceae	<i>Menispermum cocculus L.</i>			۲۷۷
Mimosaceae	<i>Albizzia lebbek Bth.</i>	*	Lebbek tree ; Siris tree	۲۶۶، ۷۶
Mimosaceae	<i>Acacia arabica Willd . = Acacia nilotica Del.</i>	*	Babulacacia	۱۹۱، ۱۷۴، ۱۳۲، ۸۲، ۶۲، ۵۲ ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۳۹
Mimosaceae	<i>Acacia ehrenbergiana Hayne.</i>	*		۱۷۴
Mimosaceae	<i>Acacia flava Forsk.</i>			۱۷۴
Mimosaceae	<i>Acacia mellifera Boiss.</i>			۱۷۶
Mimosaceae	<i>Acacia nilotica Del.</i>		Gum arabic tree	۱۹۱
Mimosaceae	<i>Acacia oerfota (Forsk.) Sch.</i>	*		۲۸۳، ۲۰۸
Mimosaceae	<i>Acacia senegal Willd.</i>			۲۳۳
Mimosaceae	<i>Acacia senegalensis</i>			۲۳۳
Mimosaceae	<i>Acacia spirocarpa Hook.</i>			۱۷۶
Mimosaceae	<i>Acacia vera Willd.</i>			۳۲۷، ۱۹۱
Mimosaceae	<i>Mimosa arabica Lam.</i>			۲۳۷
Mimosaceae	<i>Mimosa nilotica L.</i>			۲۳۷، ۲۳۷، ۱۹۱
Mimosaceae	<i>Mimosa oerfota Fork.</i>			۲۰۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Moraceae	<i>Ficus carica</i> L.	*	Common fig	۳۲۹، ۹۷، ۹۶
Moraceae	<i>Ficus laccifera</i> Roxb.	**		۲۷۱
Moraceae	<i>Ficus palmata</i> Forsk.	*		۹۶
Moraceae	<i>Ficus</i> sp.		Fig	۹۶
Moraceae	<i>Ficus sycomorus</i> L.		Sycomore	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۰۵، ۶۶
Moraceae	<i>Morus acedosa</i> Cr.			۹۶
Moraceae	<i>Morus alba</i> L.	*	White mustard	۳۲۹، ۳۱۱، ۹۶، ۹۵
Moraceae	<i>Morus indica</i> L.			۹۶
Moraceae	<i>Morus nigra</i> L.	*	Black mixed	۳۲۹، ۹۶، ۹۵
Moraceae	<i>Morus</i> sp.		Mulberry	۹۵
Moringaceae	<i>Moringa aptera</i> Gaertn.			۱۱۱
Moringaceae	<i>Moringa arabica</i> Pers.			۱۱۵
Moringaceae	<i>Moringa pterygosperma</i> Gaertn.			۱۱۱
Musaceae	<i>Musa paradisiaca</i> L.	*		۲۸۵، ۲۰۳
Musaceae	<i>Musa sepientum</i> L.	*	Banana tree	۲۸۵، ۲۰۳
Musaceae	<i>Musa</i> sp.		Banana	۲۸۵
Myricaceae	<i>Myrica sapida</i> Wall. = <i>Myrica nagi</i> Thunb		Box myrtle	۱۴۱
Myristaceae	<i>Myristica aromatica</i> Lam.			۱۰۷
Myristaceae	<i>Myristica fragrans</i> Houtt.		Common nutmeg	۳۲۶، ۲۰۰، ۱۴۲، ۱۰۷، ۷۸
Myrsinaceae	<i>Aegiceras</i> sp.			۳۳
Myrtaceae	<i>Balaustion</i> sp.			۱۵۸
Myrtaceae	<i>Eugenia aromatica</i> Baill.			۲۳۸
Myrtaceae	<i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb.	**	Clover tree	۲۳۸
Myrtaceae	<i>Myrtus communis</i> L.	*	Turemyrtle	۳۲۸، ۳۶
Myrtaceae	<i>Myrtus</i> sp.	.	Mangel	۳۶
Myrtaceae	<i>Psidium guajava</i> L.	**	Common guava	۶۲
Myrtaceae	<i>Syzygium aromaticus</i> (L.) Merr. = <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb = <i>E. aromatica</i> Kuntze. = <i>Caryophyllus aromaticus</i> Linn.		Clove tree	۲۳۸
Nymphaeaceae	<i>Nelmbium nuciferum</i> Gaer.	*	Hindu lotus	۶۸
Nymphaeaceae	<i>Nelmbium speciosum</i> L. = <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaertn.	**	Chinese water lily	۶۸
Nymphaeaceae	<i>Nelumbium speciosum</i> Willd.			۳۳۰
Nymphaeaceae	<i>Nuphar alba</i> L.	*		۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nuphar luteum</i> L.	*	European cow lily	۳۵۰، ۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea alba</i> L.	*	White water lily	۳۵۰، ۳۱۷، ۲۹۳، ۸۰
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea coerulea</i> L.		Yellow mexican water lily	۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea flava</i> Leitner			۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea indica</i> ?			۲۹۳، ۶۸
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea lotus</i> L.		White Egyptian lotus	۳۵۴، ۲۹۳، ۲۸۶، ۲۷۲، ۸۰
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea lutea</i> L.	*		۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea nelumbo</i> L.		European cow lily	۳۳۰، ۷۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Nymphaeaceae	Nymphaea sp.		Water lily	۲۹۳
Nymphaeaceae	Nymphaea stellata Willd.			۳۰۴
Ochnaceae	Ochna sp.		Ochna	۱۱۷
Oleaceae	<i>Mogorium sambac</i> Lam. = <i>Jasminum</i> L.			۲۲۷
Oleaceae	Fraxinus excelsior L.		European ash	۳۲۶، ۲۷۸، ۲۶۹
Oleaceae	Fraxinus sp.		Ash	۲۷۸
Oleaceae	Jasminum gradiflorum L.	**	Catalonian jasmine- spanish jasmine	۲۹۹
Oleaceae	Jasminum officinale L.	**	Common jasmine	۲۹۹
Oleaceae	Jasminum sambac (L.) Ait.	**	Arabian jasmine	۲۹۹، ۲۲۷
Oleaceae	Jasminum sp.		Jasmine	۲۹۹
Oleaceae	Olea europaea L.	*	Common olive	۱۶۶
Oleaceae	Olea oleaster L.			۳۲۷، ۲۰۶، ۱۶۶
Oleaceae	Phillyrea latifolia L.		Tree phillyrea	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۰۶، ۱۶۶، ۱۱۲
Oleaceae	Syringa sp.		Lilac	۲۹۲
Onagraceae	Circaea lutetiana L.	*	Paris circaea	۲۱۰
Onagraceae	Circaea sp.		Enchanter's nightshade	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۱۰
Onagraceae	Oenothera biennis L.		evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose	۳۰۴
Orchidaceae	<i>Aceras anthropophora</i> Steud. = <i>Orchis anthropophora</i> (L.) Allioni		Man Orchid	۱۳۰
Orchidaceae	Ophioxylon serpentium L.			۲۱۶
Orchidaceae	Ophrys apifera Huds.	*	Bee orchid	۳۴۰
Orchidaceae	Ophrys sp.			۳۴۰
Orchidaceae	Orchis anthropophora L.			۳۴۰، ۱۳۰
Orchidaceae	Orchis hircina Griseb.			۱۳۶، ۱۳۰، ۹۰
Orchidaceae	Orchis morio L.			۳۴۴، ۳۱۶، ۹۰، ۸۹
Orchidaceae	Orchis rubra Jacq.			۳۴۴
Orchidaceae	Orchis sp.		Orchid; Orchis	۱۳۰، ۹۰، ۸۹
Orchidaceae	Orchis undulatifolia L.			۳۴۰، ۳۱۶
Orchidaceae	Serapias lingua L.			۳۴۶، ۲۷۱
Orobanchaceae	Orobanche aegyptiaca Pers.	*		۶۸
Orobanchaceae	<i>Orobanche caryophyllacea</i> SM. = <i>Orobanch vulgaris</i> Poir.	*	Clove-scented broomrape	۳۲۲، ۳۱۱، ۲۰۱
Orobanchaceae	Orobanche sp.		Broomrape	۶۸، ۴۷
Orobanchaceae	<i>Phelypaea coccinea</i> Poir. = <i>Anoplion coccineum</i> (M.B.) H.Riedl			۲۷۱
Orobanchaceae	Phelypaea egyptiaca Walp.			۲۰۱
Osmundaceae	Osmunda cinnamomea L.			۱۶۹
Osmundaceae	Osmunda regalis L.		Royal fern	۱۶۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Oxalidaceae	<i>Oxalis acetosella</i> L.	*	Wood-sorrel; oxalis	۱۳
Oxalidaceae	<i>Oxalis corniculata</i> L.	*	Creeping oxalis	۱۲۵
Oxalidaceae	<i>Oxalis</i> sp.		Oxalis ; Wood sorrel	۱۲۳
Paeoniaceae	<i>Paeonia corallina</i> L.		Coral peony	۳۴۶، ۲۲۳
Paeoniaceae	<i>Paeonia corallina</i> Ret.			۲۹۵
Paeoniaceae	<i>Paeonia officinalis</i> L.		Common peony	۲۹۵
Paeoniaceae	<i>Paeonia officinalis</i> Retz.			۳۴۶، ۲۲۳
Paeoniaceae	<i>Paeonia wittmanniana</i> Hart.	*		۲۹۵
Palmaceae	<i>Phoenix dactylifera</i> L.	*	Date; Plum persimmon	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۵
Palmaeae	<i>Cocos nucifera</i> L.	**	Coconut palm	۲۸۷، ۲۸۹
Pandalidae	<i>Hetrocarpus santalinus</i> L.			
Pandanaceae	<i>Pandanus</i> sp.		Screw pine pandnus	۲۴۸، ۴۵
Paolionaceae	<i>Psoralea bituminosa</i> L.			۳۴۳، ۲۰۳
Papaveraceae	<i>Argemone</i> sp.		Prickly poppy	۴۴
Papaveraceae	<i>Chelidonium carniculatum</i> L.			۲۷۶
Papaveraceae	<i>Chelidonium dodecandrum</i> Forsk.			۱۶۱
Papaveraceae	<i>Chelidonium majus</i> L.	*	Greater celandine	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۷۶، ۲۰۹، ۱۲۷
Papaveraceae	<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	*	Black-spot horn poppy; red celandine	۳۵۱، ۳۴۲، ۲۷۶، ۱۳۴
Papaveraceae	<i>Glaucium flavum</i> Crantz.	*	Yellow horn poppy ; sea celandine	۱۳۵
Papaveraceae	<i>Glaucium luteum</i> Scop.			۳۵۱
Papaveraceae	<i>Glaucium</i> sp.		Horn poppy	۲۷۶
Papaveraceae	<i>Hypocoum procumbens</i> L.	**		۵۶
Papaveraceae	<i>Papaver argemone</i> L.	*	Fall daffodil	۴۴
Papaveraceae	<i>Papaver rhoeas</i> L.	*	Corn poppy ; Field poppy	۳۵۱، ۲۸۸، ۱۹۰، ۱۳۴
Papaveraceae	<i>Papaver somniferum</i> L.	*	Opium poppy	۳۵۱، ۱۵۸، ۱۳۵، ۱۳۴
Papaveraceae	<i>Papaver</i> sp.		Poppy	۱۳۴
Papaveraceae	<i>Romeria dodecandra</i> Stapf . = <i>Romeria hybrida</i> (L.) DC.	*	Violt horned poppy	۱۶۱
Papilionaceae	<i>Alhagi camelorum</i> Fisch.		Camel's-thorn	۳۳۱
Papilionaceae	<i>Alhagi mannifera</i> Desv.			۲۰۶، ۱۱۰
Papilionaceae	<i>Alhagi maurorum</i> Tourn. = <i>Alhagi pseudalhagi</i> (M.B.) Desf.			۲۰۶، ۱۱۰
Papilionaceae	<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.		Aloe Wood	۲۱۶
Papilionaceae	<i>Aloexylon agallochum</i> Lou.		Aloe Wood	۳۲۵
Papilionaceae	<i>Anagyris foetida</i> L.	*	Mediterranean stinkbush	۳۴۶، ۳۱۸، ۳۰۱، ۲۳، ۲۲
Papilionaceae	<i>Anagyris</i> sp.			۳۰۱
Papilionaceae	<i>Astragalus annularis</i> FORSSK.	*		۱۱۴
Papilionaceae	<i>Astragalus aristatus</i> L.			۳۳۷
Papilionaceae	<i>Astragalus arnacantha</i> M.			۲۹۲، ۲۳۳
Papilionaceae	<i>Astragalus boeticus</i> L.	*	Swedish coffe	۳۵۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Astragalus creticus</i> Lam.			۳۳۶
Papilionaceae	<i>Astragalus fasciculaeifolius</i> Boiss.	*		۶۶
Papilionaceae	<i>Astragalus glaux</i> L.		Tragacanth milk vetch	۳۰۰
Papilionaceae	<i>Astragalus gummifera</i> Lab.			۲۰۱، ۲۳۳، ۱۰
Papilionaceae	<i>Astragalus hamosus</i> L.	*		۰۹
Papilionaceae	<i>Astragalus poterium</i> L.			۳۳۶، ۳۱۳، ۲۳۳
Papilionaceae	<i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.			۶۶
Papilionaceae	<i>Astragalus sarcocolla</i> L.			۳۴۲، ۳۱۰
Papilionaceae	<i>Astragalus sesameus</i> L.	*		۴۸۳، ۴۷
Papilionaceae	<i>Astragalus</i> sp.			۳۰۰، ۳۰۱، ۳۱۹
Papilionaceae	<i>Astragalus tragacantha</i> L.			۳۳۷، ۳۱۳، ۲۰۱، ۲۳۳
Papilionaceae	<i>Bonaveria securidaca</i> Desv. = <i>Coronilla securidaca</i> L. = <i>Securigera coronilla</i> DC. = <i>Securigera securidaca</i> (L.) Degen & Doerfler			۶۹
Papilionaceae	<i>Calycotom spinosa</i> Lk. = <i>Calycotome spinosa</i> (L.) Link.		ginestra spinosa	۳۲۴، ۱۴۱
Papilionaceae	<i>Cicer arietinum</i> L.	*	Chick-pea ; Gram chick-pea	۳۳۰، ۱۲۴
Papilionaceae	<i>Cladrastis</i> sp. = <i>Cladrastis lutea</i> = <i>Cladrastis kentukea</i>		Yellowwood	۱۳۶
Papilionaceae	<i>Clitoria ternatea</i> L.		Butterfly Pea	۲۷۰
Papilionaceae	<i>Crotalaria juncea</i> L. Q		Sunn crotalaria; Sunn hemp	۱۷۷
Papilionaceae	<i>Crotalaria retusa</i> L.	**		۲۴۴، ۱۰۸
Papilionaceae	<i>Cytisus hypocistis</i> L.			۲۹۹، ۲۶۷، ۲۶۰
Papilionaceae	<i>Cytisus lanigerus</i> DC.			۳۲۴
Papilionaceae	<i>Cytisus scoparius</i> Br.		Scotch cotton thistle	۱۰۴
Papilionaceae	<i>Cytisus spinosus</i> Lam.			۱۴۱
Papilionaceae	<i>Dalbergia lanceolaria</i> L.			۷۴
Papilionaceae	<i>Dalbergia melanoxylon</i> G.D.R.		African blackwood	۳۳
Papilionaceae	<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.			۷۴، ۳۷
Papilionaceae	<i>Dolichos biflorus</i> L.			۲۰۹، ۱۱۲
Papilionaceae	<i>Dolichos lablab</i> L.		Hyacinth dolchos	۲۶۷
Papilionaceae	<i>Dolichos lubia</i> Forsk			۳۳۳، ۳۱۲، ۲۷۱
Papilionaceae	<i>Dolichos</i> sp.		Dolichos	۱۱۱
Papilionaceae	<i>Dolichos uniflorus</i> L.			۱۱۲
Papilionaceae	<i>Dorycnium</i> L.			۱۴۴، ۳۰۲، ۳۱۹،
Papilionaceae	<i>Ebenoxylon verum</i> Lour			۳۲۷
Papilionaceae	<i>Ebenus cretica</i> L.			۶۴
Papilionaceae	<i>Ebenus</i> L.			۳۲۷، ۳۱۰، ۳۳
Papilionaceae	Ebonytree (E) = <i>Dalbergia</i> sp.			۳۳
Papilionaceae	<i>Ervum ervillia</i> L.			۳۳۰، ۲۰۴، ۲۰۳
Papilionaceae	<i>Ervum lens</i> L. = <i>Lens culinaris</i> Medik. subsp. <i>Culinaris</i>		Lentil; Cultivated lentil	۳۳۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Faba vulgaris</i> Monch.		Broad bean	۷۳
Papilionaceae	<i>Flemmigia rhodocarpo</i> Bak.			۲۹۵
Papilionaceae	<i>Genista acathoclada</i> DC.			۳۲۴
Papilionaceae	<i>Glossostemon bruguieri</i> DC.		Sahlab	۲۸۳
Papilionaceae	<i>Glossostemon</i> sp.			۲۸۳
Papilionaceae	<i>Glycyrrhiza glabra</i> L.	*	Japan clover common lespedeza	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۸۰
Papilionaceae	<i>Guilandina boneculia</i> Flem.			۱۵۵
Papilionaceae	<i>Hedysarum</i> sp.		Sweet vetch-frenh honesuckle	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۰۷، ۶۶
Papilionaceae	<i>Indigofera</i> sp.		Indigo	۲۹۲
Papilionaceae	<i>Indigofera tinctoria</i> L.	**	True lavender	۲۹۲، ۲۱۱
Papilionaceae	<i>Laburnum vulgare</i> Bercht. & Prsl.			۳۵۴
Papilionaceae	<i>Lathyrus aphaca</i> Tourn. & L.	*	Yellow vethling; Tare	۳۳۳
Papilionaceae	<i>Lathyrus sativus</i> L.	*	Grass pea vin	۱۰۴، ۱۳۷
Papilionaceae	<i>Lathyrus</i> sp.		Pea vine	۱۳۷، ۱۰۴
Papilionaceae	<i>Lens culinaris Medic</i> . = <i>Lens esculenta</i> Monch.	*	Common lentil	۲۰۷
Papilionaceae	<i>Lens esculenta</i> Monch.	*		۳۳۰، ۲۰۷
Papilionaceae	<i>Lotus ornithopodioides</i> L.			۲۱۶
Papilionaceae	<i>Lotus</i> sp.		Deervetch; Bird's-foot trefoil	۳۵۴، ۳۲۰، ۲۷۲
Papilionaceae	<i>Lupinus albus</i> L.		White lupine	۹۳
Papilionaceae	<i>Lupinus angustifolius</i> L..		Blue lupine	۳۳۰، ۹۳
Papilionaceae	<i>Lupinus pilosus</i> Murr.			۳۳۰
Papilionaceae	<i>Lupinus</i> sp.		Lupine	۹۳
Papilionaceae	<i>Lupinus termis</i> Forsk.			۳۳۰، ۳۱۱، ۹۳
Papilionaceae	<i>Medicago arborea</i> Mill.		Tree medic; Tree alfalfa	۲۴۰
Papilionaceae	<i>Medicago ciliaris</i> Hook.	**		۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago hispida</i> Gaertn.		Califonia bur clover	۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago intertexta</i> L.	*	Horns and hedgehog	۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago littoralis</i> Rhod.			۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago sativa</i> L.	*	Alfalfa	۳۳۲، ۳۱۲، ۲۹۱، ۱۵۶
Papilionaceae	<i>Medicago</i> sp.		Medic	۲۴۱
Papilionaceae	<i>Melilotus officinalis</i> Lam.	*	Yellow sweet clover	۳۳۹، ۳۱۴، ۵۹، ۳۹
Papilionaceae	<i>Melilotus parviflora</i>			۲۳۶
Papilionaceae	<i>Melilotus</i> sp.		Sweet clover melilot	۱۲۶
Papilionaceae	<i>Onobrychis viciaefolia Scop</i> . = <i>Onobrychis altissima</i> Grossh.		Common sainfoin	۳۳۴، ۳۱۸
Papilionaceae	<i>Ononis antiquorum</i> L.			۳۳۷، ۱۹۸، ۱۸۴
Papilionaceae	<i>Ononis antiquorum</i> L. = <i>Ononis spinosa</i> subsp. <i>Antiquorum</i>		Balomaga	۳۳۷، ۳۱۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Phaseolus communis</i> Paritz.			۲۷۱
Papilionaceae	<i>Phaseolus max</i> L.			۲۷۶
Papilionaceae	<i>Phaseolus mrabaiatus</i> L.			۲۷۶
Papilionaceae	<i>Phaseolus mungo</i> L.		Mungo bean; Black gram	۲۷۵
Papilionaceae	<i>Phaseolus radiatus</i> L.	**		۲۷۵
Papilionaceae	<i>Phaseolus vulgaris</i> L.	*	Kidney bean	۲۷۱
Papilionaceae	<i>Pisum sativum</i> L.	*	Garden pea	۱۳۷، ۱۰۴، ۷۹
Papilionaceae	<i>Pterocarpus santalinus</i> L.		Sandlwood padauk; Lal - Chandan	۱۹۶
Papilionaceae	<i>Retama</i> sp.		Retama	۱۵۵
Papilionaceae	<i>Scorpiurus</i> sp.		Scorpoins-tail; Caterpillar plant	۱۵۱
Papilionaceae	<i>Securigera coronilla</i> DC . = <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*	Hatchet vetch	۳۴۵، ۷۰
Papilionaceae	<i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*		۳۴۵، ۷۰
Papilionaceae	<i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir.		Peabush	۱۸۲
Papilionaceae	<i>Sesbania</i> sp.		Sesbania	۱۸۲
Papilionaceae	<i>Sophora mollis</i> Gr.	*	Himalayan laburnum	۴۴
Papilionaceae	<i>Sophora</i> sp.		Pagoda tree	۱۹۶
Papilionaceae	<i>Spartium junceum</i> L.		Weaver's-broom; Spanish broom	۳۵۵، ۷۵
Papilionaceae	<i>Spartium spinosum</i> L.			۱۴۱
Papilionaceae	<i>Trifolium alexandrinum</i> L.			۲۳۶، ۱۵۶
Papilionaceae	<i>Trifolium arvense</i> L.		Rabbit-foot clover; Hare's-foot	۳۴۸، ۲۶۵
Papilionaceae	<i>Trifolium fragiferum</i> L.		Strawberry clover	۳۹
Papilionaceae	<i>Trifolium italicum</i> Boiss.			۳۳۹
Papilionaceae	<i>Trifolium melilotus-indica</i> L.			۲۹۱
Papilionaceae	<i>Trifolium officinalis</i> Willd.			۳۳۹
Papilionaceae	<i>Trifolium pratense</i> L.		Red clover	۱۵۶
Papilionaceae	<i>Trifolium sipyleum</i>			۳۳۹
Papilionaceae	<i>Trifolium</i> sp.		Clover	۲۹۱، ۲۰۳
Papilionaceae	<i>Trigonella coerulea</i> Ser.		Blue-white trigonella	۲۸۶، ۱۲۶
Papilionaceae	<i>Trigonella corniculata</i> L.			۱۵۰
Papilionaceae	<i>Trigonella elatior</i> Sybth.			۲۸۶
Papilionaceae	<i>Trigonella foenum-graecum</i> L.		Fenugreek trigonella; Fenugreek	۳۲۹، ۱۲۱
Papilionaceae	<i>Trigonella graeca</i> Boiss.			۳۳۹
Papilionaceae	<i>Trigonella grandiflora</i> Bunge.			۱۲۱، ۵۹
Papilionaceae	<i>Trigonella hamosa</i> L.			۱۲۷، ۱۲۶، ۳۹
Papilionaceae	<i>Trigonella laciniata</i> L.			۱۵۰
Papilionaceae	<i>Trigonella</i> sp.		Trigonella	۱۲۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Tripteris vaillantii</i> L.			۲۷۸
Papilionaceae	<i>Vicia cracca</i> L.	*	Brid vetch; Cow vetch	۳۳۳، ۹۲
Papilionaceae	<i>Vicia ervillia</i> Willd.	*	Bitter vetch	۳۳۰، ۲۷۶، ۲۵۵، ۲۵۳
Papilionaceae	<i>Vicia faba</i> L.	*	Broad bean	۳۳۰، ۷۳
Papilionaceae	<i>Vicia onobrachoides</i> L.			۳۴۷
Papilionaceae	<i>Vicia sativa</i> L.	*	Common vetch	۲۷۶، ۹۷، ۹۲
Papilionaceae	<i>Vigna catjang</i> Walp		Catjang cowpea	۲۷۱
Papilionaceae	<i>Vigna sinensis</i> Endl.		Common cowpea	۲۷۶
Papilionaceae	<i>Virgilia</i> sp.		Ax plant	۱۳۶
Pedaliaceae	<i>Sesamum indicum</i> L.	*	Oriental sesame	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۷۶
Pedaliaceae	<i>Sesamum oleiferum</i> Moench			۱۷۶
Pedaliaceae	<i>Sesamum orientale</i> L. = <i>Sesamum indicum</i> L.	*		۱۷۶
Penaceae	<i>Penaea mucronata</i> L.			۶۶
Penaceae	<i>Penaea</i> sp.			۳۴۲
Periplocaceae	<i>Periploca</i> sp.		Silk vine	۸۶
Phalangida	<i>Phalangium ramosum</i> Lam.			۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۳
Pinaceae	<i>Cedrus deodara</i> Loud.	**	Deodar cedar	۱۴۹
Pinaceae	<i>Cedrus libani</i> Barrel.	**	Cedar Lebanon	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۳۴، ۴۴
Pinaceae	<i>Cedrus libani</i> Loud.	**		۱۴۹
Pinaceae	<i>Picea excelsa</i> Link.		Norway spruce	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷، ۴۴
Pinaceae	<i>Pinus cembra</i> L.		Swiss stone pine	۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus eldarica</i> Medew.			۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus halepensis</i> Mill.	*	Aleppo pine	۳۵۶، ۱۹۷، ۴۴
Pinaceae	<i>Pinus maritima</i> Lam.			۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus nigra</i> L.	**	Austrian pine	۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus orientalis</i> Link.			۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus pinea</i> L.	*	Italian stone pine	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus</i> sp.		Pine	۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus sylvestris</i> L.		Scotch pine	۱۹۷
Piperaceae	<i>Peperomia</i> sp.		Peperomia	۲۲۱
Piperaceae	<i>Piper aromaticum</i> Lam.			۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۴۲، ۴۶
Piperaceae	<i>Piper betle</i> L.		Betel pepper	۲۳۰، ۱۸۴، ۹۳
Piperaceae	<i>Piper cubeba</i> L.			۲۴۹، ۵۶
Piperaceae	<i>Piper longum</i> L.			۲۲۸، ۱۴۲
Piperaceae	<i>Piper nigrum</i> L.	**	Black pepper	۳۳۳، ۲۲۹، ۱۴۲، ۴۶
Piperaceae	<i>Piper</i> sp.		Pepper	۲۲۸
Plantaginaceae	<i>Plantago coronopus</i> L.	*	Crowfoot; Buckhorn plantain	۳۳۱، ۳۱۱
Plantaginaceae	<i>Plantago major</i> L.	*	Ripple-seed plantain-great plantain	۲۶۹
Plantaginaceae	<i>Plantago psyllium</i> L.	*	Flaxseed plantain; Psyllium seed	۳۵۱، ۳۱۹، ۷۸
Platanaceae	<i>Platanus orientalis</i> L.	*	Oriental plant tree	۳۲۶، ۳۰۹، ۱۴۶



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Platanaceae	Platanus sp.		Plant tree sycamore	۲۱۷، ۱۶۶
Plumbaginaceae	Plumbago europaea L.			۲۵۰، ۲۰۳
Plumbaginaceae	Plumbago rosea L.			۱۹۴
Plumbaginaceae	Plumbago zeylanica L.			۱۹۳
Plumbaginaceae	<i>Statice limonium</i> L. = <i>Limonium vulgare</i> Miller			۳۴۸، ۳۱۹، ۹۱
Podophyllaceae	Epimedium alpinum L.		Alpine willoweed	۳۴۸، ۵۷
Podophyllaceae	Leontice chrysogonum L.			۳۴۲
Podophyllaceae	Leontice leontopetalum L.	*	Leon's leaf	۳۰، ۳۴۲، ۳۱۰، ۳۰
Polemoniaceae	Polemonium coeruleum L.		Greek-valerian polemonium	۳۴۸، ۳۱۸
Polemoniaceae	Polemonium Sp.		Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder	۹۰
Polygonaceae	<i>Bistorta officinalis</i> Rafin. = <i>Polygonum bistorta</i> L.		Common betony	۶۴
Polygonaceae	Calligonum comosum L.	*		۴۴
Polygonaceae	Calligonum sp.		Calligonum	۴۴
Polygonaceae	Lapathum aquaticum Scop.			۱۲۳
Polygonaceae	Polygonum amphibium L.	*		۲۲۰
Polygonaceae	Polygonum aviculare L.			۲۰۳، ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۱۱، ۲۲۰
Polygonaceae	Polygonum bistorta L.	*	European bistort	۶۴
Polygonaceae	<i>Polygonum equisetiforme</i> Sibth. = <i>Polygonum equisetiformis</i> Sibth.	*		۲۱۱
Polygonaceae	Polygonum hydropiper L.	*	Marsh-pepper smartweed	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۶۴
Polygonaceae	Polygonum sp.		Knotweed	۲۱۱
Polygonaceae	Polygonum tinctorium Hort.			۱۸۰
Polygonaceae	Polygonum viviparum L.		Viviparous bistort	۶۰
Polygonaceae	Rheum officinale Baill.		Medicinal rhubarb	۱۰۴
Polygonaceae	Rheum palmatum L.		Sorrel rhubarb	۱۰۴
Polygonaceae	Rheum rhaponticum L. (Rhubarbes)		Garden rhubarb	۱۰۴
Polygonaceae	Rheum ribes L.	*	Cuvrant-fruited ; Rhubarb	۱۰۹
Polygonaceae	Rheum sp.		Rhubarb	۱۰۹
Polygonaceae	Rhubarbes officinale Baillon.			۱۰۴
Polygonaceae	Rhubarbes ribes?			۱۰۴
Polygonaceae	Rumex acutus L.			۳۳۰، ۲۷۰، ۱۲۲
Polygonaceae	Rumex aquaticus L.			۳۳۰
Polygonaceae	Rumex brettanica L.			۳۴۷، ۳۱۸، ۵۷
Polygonaceae	Rumex conglomeratus L.	*	Clustered	۱۲۳
Polygonaceae	Rumex elbursensis Boiss.	*		۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۳
Polygonaceae	Rumex hydrolapathum L.		Water dock	۳۳۰، ۱۷۴، ۱۲۲
Polygonaceae	Rumex lacerus Balb.			۱۲۴
Polygonaceae	Rumex obtusifolius L.	*	Bitter dock	۱۲۴، ۱۲۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Polygonaceae	<i>Rumex patientia</i> L.	*	Potenc dock	۳۳۰، ۱۲۳، ۱۲۲
Polygonaceae	<i>Rumex scutatus</i> L.	*	French sorrel	۱۲۲
Polygonaceae	<i>Rumex vesicarius</i> L.	*	Bladder dock; Bladder sorrel	۱۲۴
Polypodiaceae	<i>Aspidium aculeatum</i> Smit . = <i>Polystichum aculeatum</i>		Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern	۳۵۷
Polypodiaceae	<i>Aspidium lonchitis</i> L.			۳۴۶، ۳۱۷، ۲۷۱، ۱۵۷، ۱۱۴، ۱۱۳
Polypodiaceae	<i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre.			۳۴۰
Polypodiaceae	<i>Polypodium vulgare</i> L.	*	Common polypody; Wall fern	۳۵۷، ۳۲۱، ۸۰
Polypodiaceae	<i>Scolopendrium hemionitis</i> L.			۳۴۰
Polypodiaceae	<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw . = <i>Scolopendrium officinale</i> Swartz = <i>Phyllitis scolopendrium</i> (L.) Newman		Hart's-tongue	۳۴۰، ۴۸
Portulacaceae	<i>Portulaca oleracea</i> L.	*	Common purslane	۳۳۱، ۸۳
Portulacaceae	<i>Portulaca sativa</i> Ha.			۸۳
Potamogetonaceae	<i>Potamogeton natans</i> L.			۳۵۳، ۳۲۰، ۹۹
Primulaceae	<i>Anagallis arvensis</i> L.	*	Scarlet runner bean	۳۳۵، ۶۳، ۳۴
Primulaceae	<i>Anagallis coerulea</i> Schreb.		Blue pimpernel	۳۳۵، ۶۳
Primulaceae	<i>Androsace lactea</i> L.			۳۴۵، ۳۱۷، ۲۴۳
Primulaceae	<i>Androsace</i> sp.	*		۲۴۳، ۱۰۴
Primulaceae	<i>Cyclamen europaeum</i> L.		European cyclamen	۳۳۳، ۳۱۲، ۱۸۶، ۷۵، ۲۳
Primulaceae	<i>Cyclamen graecum</i> L.			۳۳۳
Primulaceae	<i>Cyclamen hederifolium</i> Ait.			۳۳۴، ۱۶۵
Primulaceae	<i>Cyclamen</i> sp.		Cyclamen	۲۰۸، ۱۳۰، ۷۵، ۳۵
Primulaceae	<i>Lysimachia vulgaris</i> L.		Golden loosestrife	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۷۲، ۱۷۱
Proteaceae	<i>Protea</i> sp.		Purple rattlesnake root	۲۲۶
Psyllidae	<i>Psylla</i> sp.		psylla	۱۲۴
Pteridaceae	<i>Pteris aquilina</i> L.		Western bracken	۳۵۷
Pteridaceae	<i>Pteris radiofa</i> Mett.			۲۸۶
Punicaceae	<i>Punica granatum</i> L.		Pomegranate	۳۲۸، ۲۸۹، ۲۸۳، ۱۰۴
Ranunculaceae	<i>Anemone coronaria</i> L.		Poppy anemone	۳۳۵، ۳۱۲، ۱۸۸
Ranunculaceae	<i>Anemone hortensis</i> L.			۳۳۵، ۱۸۸
Ranunculaceae	<i>Anemone pulsatilla</i> L.		Yellow Anemone	۱۸۸
Ranunculaceae	<i>Anemone</i> sp.	*	Anemone	۱۸۸، ۱۳۴
Ranunculaceae	<i>Clematis cirrhosa</i> L.		Vernal clematis	۳۵۶
Ranunculaceae	<i>Clematis ochroleuca</i> Poir.			۲۰۵
Ranunculaceae	<i>Coptis tecta</i> Wall.			۲۷۶
Ranunculaceae	<i>Delphinium consolida</i> L . = <i>Consolida regalis</i> S.F.Gray		Branchin larkspur	۳۴۱
Ranunculaceae	<i>Delphinium peregrinum</i> L.			۳۴۱
Ranunculaceae	<i>Delphinium semibarbatum</i> Bie.	*		۱۶۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Ranunculaceae	<i>Delphinium zalil</i> Ait.			۱۶۲
Ranunculaceae	<i>Delphinium staphisagria</i> L.			۳۰۰، ۲۸۹
Ranunculaceae	<i>Helleborus alba</i> L.			۱۳۰
Ranunculaceae	<i>Helleborus cyclophyllus</i> Boiss.			۳۰۰
Ranunculaceae	<i>Helleborus niger</i> L.		Christmas rose	۱۳۰
Ranunculaceae	<i>Helleborus officinalis</i> Salisb.			۳۰۰
Ranunculaceae	<i>Helleborus</i> sp.		Hellebor	۱۳۰
Ranunculaceae	<i>Nigella sativa</i> L.	*	Nutmeg flower	۱۹۲، ۹۴، ۳۴
Ranunculaceae	<i>Nigella</i> sp.		Fennelflower	۱۹۲
Ranunculaceae	<i>Ranunculus acris</i> L.		Tall buttercup	۳۳۴
Ranunculaceae	<i>Ranunculus aquatilis</i> L.		Water crowfoot	۳۳۰، ۲۰۰
Ranunculaceae	<i>Ranunculus arvensis</i> L.		Corn buttercup	۲۰۹
Ranunculaceae	<i>Ranunculus asiaticus</i> L.		Persian buttercup	۳۳۴، ۲۹۴، ۲۶۶، ۲۰۰، ۱۸۹
Ranunculaceae	<i>Ranunculus ficaria</i> L.		Figroot buttercup	۳۳۰
Ranunculaceae	<i>Ranunculus lanuginosus</i> L.		Buttercup ficaria	۳۳۰، ۲۰۰
Ranunculaceae	<i>Ranunculus muricatus</i> L.	*		۳۳۰
Ranunculaceae	<i>Ranunculus muricolus</i> L.			۲۰۰
Ranunculaceae	<i>Ranunculus repens</i> L.			۳۴۱
Ranunculaceae	<i>Ranunculus</i> sp.		Buttercup; Crowfoot	۱۲۷
Ranunculaceae	<i>Thalictrum aquilegifolium</i> L.		Columbne meadow rue	۹۷
Ranunculaceae	<i>Thalictrum flavum</i> L.		Yellow meadow rue	۳۰۳، ۳۲۰
Ranunculaceae	<i>Thalictrum minus</i> L.			۳۰۳
Ranunculaceae	<i>Aconitum anthora</i> L.		Pyrenees monkshood	۲۰۴، ۶۴
Ranunculaceae	<i>Aconitum erectum</i> L.			۱۲۸، ۴۲
Ranunculaceae	<i>Aconitum ferox</i> Wall.			۹۲
Ranunculaceae	<i>Aconitum luridum</i> Hook.			۹۲
Ranunculaceae	<i>Aconitum lycoctonum</i> L.		Wolfsbane monkshood	۳۰۲، ۱۲۹
Ranunculaceae	<i>Aconitum napellus</i> L.	**	Aconite monkshood	۳۰۲، ۳۲۰، ۱۲۹
Ranunculaceae	<i>Aconitum</i> sp.		Monkshood	۹۲، ۶۴
Ranunculaceae	<i>Actaea</i> sp.	*	Baneberry	۱۳۸
Resedaceae	<i>Reseda alba</i> L.	*	White mignonette	۱۰۱
Resedaceae	<i>Reseda canescens</i> L.			۳۰۰
Resedaceae	<i>Reseda luteola</i> L.	*	Weld mignonette	۲۹۰
Rhamnaceae	<i>Paliurus aculeatus</i> Lam.			۳۲۶، ۳۰۹، ۱۶۸
Rhamnaceae	<i>Paliurus</i> sp.		Paliurus	۱۸۰
Rhamnaceae	<i>Rhamnus alaternus</i> L.	**	Common alaternus	۳۷
Rhamnaceae	<i>Rhamnus cathartica</i>	*	Common buckthorn	۲۱۷
Rhamnaceae	<i>Rhamnus infectoria</i> L.		Persian berry buckthorn	۳۲۷، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
Rhamnaceae	<i>Rhamnus tinctoria</i> Waldst.			۱۹۶
Rhamnaceae	<i>Rhamnus zizyphus</i> L.			۲۱۴
Rhamnaceae	<i>Zizyphus jujuba</i> Lam.			۲۱۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rhamnaceae	<i>Zizyphus lotus</i> Lam.	*	African lotus	۱۶۸
Rhamnaceae	<i>Zizyphus sativa</i> G.			۲۱۴
Rhamnaceae	<i>Zizyphus spina-christi</i> Willd	*	Christ's thorn ; Nubk tree	۱۶۸
Rhamnaceae	<i>Zizyphus vulgaris</i> L.			۳۲۶، ۲۱۴
Rhizophoraceae	<i>Kandelia rheedii</i> W. & A.		Mangrove	۱۷۳
Rosaceae	<i>Agrimonia eupatoria</i> L.	*	Agrimony	۳۴۹، ۳۳۵، ۳۱۹، ۲۱۹، ۹۴، ۵۴
Rosaceae	<i>Agrimonia</i> sp.			۲۱۹
Rosaceae	<i>Amygdalus amara</i> Hayne			۲۷۲
Rosaceae	<i>Amygdalus communis</i> L.	*	Almond	۳۲۹، ۲۷۲
Rosaceae	<i>Amygdalus dulcis</i> Mill.			۲۷۲
Rosaceae	<i>Amygdalus persica</i> L.		Peach tree	۱۳۹
Rosaceae	<i>Armeniaca vulgaris</i> Lam . = <i>Prunus armeniaca</i> L.		Common apricot ; Apricot	۲۸۲
Rosaceae	<i>Cerasus avium</i> L.	*	Mazzard cherry ; Gean ; Sweet cherry	۲۳۴
Rosaceae	<i>Cerasus mahaleb</i> Mill.	*	Mahhlab	۱۱۳
Rosaceae	<i>Cotoneaster nigra</i> Wahl.			۱۹۳
Rosaceae	<i>Cotoneaster nummularia</i> Fich & Mey.			۱۹۳
Rosaceae	<i>Cotoneaster</i> spp.		Cotoneaster	۸۵
Rosaceae	<i>Cotoneaster vulgaris</i> L . = <i>Cotoneaster integerrima</i> Medicus	*		۱۹۳
Rosaceae	<i>Crataegus azarolus</i> L.	*	Azarole hawthorn	۳۲۸، ۲۹۱، ۱۶۲، ۹۴
Rosaceae	<i>Crataegus lagenaria</i> Fisch.			۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus melanocarpa</i> Bory & Chu.	*		۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus monogyna</i> Jacq . = <i>Crataegus microphylla</i> C.koch.	*	Single-seed hawthorn	۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus orientalis</i> Bieb.	*	Silver hawthorn	۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus oxyacantha</i> L.	*	English hawthorn ; European hawthorn	۳۲۶، ۳۱۰، ۱۶۲، ۵۹
Rosaceae	<i>Crataegus pentagyna</i> (St.- Hil.) Eng . = <i>Crataegus</i> <i>melanocarpa</i> M.B.	*		۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus pyracantha</i> Medic.			۳۲۶
Rosaceae	<i>Crataegus sinaica</i> Boiss.			۹۴
Rosaceae	<i>Crataegus</i> sp.		Hawthorn	۱۶۲
Rosaceae	<i>Cydonia indica</i> Spach	*		۱۸۹
Rosaceae	<i>Cydonia oblonga</i> Mill.	*	Apple quince	۱۷۲
Rosaceae	<i>Cydonia semina</i> = <i>Pyrus</i> <i>cydonia</i> L.			۱۷۲
Rosaceae	<i>Cydonia vulgaris</i> Delarbre = <i>Cydonia Oblonga</i>		(Kwee)	۱۷۲
Rosaceae	<i>Cydonia vulgaris</i> Pers.		Common quince	۳۲۸، ۳۱۰
Rosaceae	<i>Docynia</i> sp.			۱۸۹
Rosaceae	<i>Filipendula ulmaria</i> Maxim.		European meadowsweet	۲۶۸
Rosaceae	<i>Malus orientalis</i> Ugli.	*		۹۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rosaceae	<i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch.			۲۱۹
Rosaceae	<i>Neurada procumbens</i> L.	*	Garden fennelflower; Black cumin	۱۷۲
Rosaceae	<i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Peach	۱۳۹
Rosaceae	<i>Potentilla reptans</i> L.	*	Creeping cinquefoil	۳۴۹، ۱۸۹
Rosaceae	<i>Poterium sanguisorba</i> L. = <i>Sanguisorba minor</i> Scop.	*	Small bureat	، ۳۴۹، ۲۵۷، ۱۷۸
Rosaceae	<i>Poterium</i> sp.		Burnet	۳۴۱
Rosaceae	<i>Poterium spinosum</i> L.			۳۴۸
Rosaceae	<i>Prunus amygdalus communis</i> L.		Protea	۲۷۲
Rosaceae	<i>Prunus amygdalus</i> Stokes. = <i>Amygdalus communis</i> L.	*		۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
Rosaceae	<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Focke			۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
Rosaceae	<i>Prunus armeniaca</i> L.		Common apricot	۳۲۸، ۳۱۰، ۲۸۲
Rosaceae	<i>Prunus avium</i> L. = <i>Cerasus avium</i> (L.) Monch	*	Mazzard cherry	۲۳۵
Rosaceae	<i>Prunus cerasia</i> Br.		Sour chery	۳۲۸، ۳۱۰
Rosaceae	<i>Prunus cerasifera</i> Ehrh.		Myrobalan plum	۲۳۵
Rosaceae	<i>Prunus divaricata</i> Led.	*	Wild myrobalan plum	۲۹۱، ۴۱
Rosaceae	<i>Prunus domestica</i> L.	*	Gardan plum	۳۲۸، ۲۶۱، ۲۱۷، ۱۴۰، ۷۶، ۴۲، ۴۱
Rosaceae	<i>Prunus mahaleb</i> L. = <i>Cerasus mahaleb</i> (L.) Mill.	*	Mahaleb cherry; St. lucy cherry	۱۱۲
Rosaceae	<i>Prunus persica</i> Sieb. = <i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Peach	۳۲۸، ۳۱۰
Rosaceae	<i>Prunus spinosa</i> L.	*	Sole-blackthorn	۴۱
Rosaceae	<i>Pyrus amygdaliformis</i> L.		Almond pear	۳۲۸
Rosaceae	<i>Pyrus communis</i> L.	*	Common pear	۳۲۸، ۲۶۱، ۵۷، ۴۱
Rosaceae	<i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i>			۳۲۸، ۳۱۱
Rosaceae	<i>Pyrus cydonia</i> L.		Cydonia oblonga	۱۷۲
Rosaceae	<i>Pyrus germanica</i> Hook.			۱۶۲
Rosaceae	<i>Pyrus germanica</i> L.			۳۲۸، ۱۶۲
Rosaceae	<i>Pyrus malus</i> L. = <i>Malus orientalis</i> Ugl.	*	Appel	۳۲۸، ۳۱۰، ۴۹۴
Rosaceae	<i>Pyrus sorbus</i> Gaertn.			۳۲۸، ۲۲۰، ۴
Rosaceae	<i>Rosa alba</i> L.		Cottage rose	۲۹۴
Rosaceae	<i>Rosa anserinaefolia</i> Boiss. = <i>Rosa beggeriana</i> Schrnk	*	Begger rose	۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa canina</i> L.	*	Dog-rose	۳۲۶، ۲۹۴، ۲۹۰
Rosaceae	<i>Rosa centifolia</i> L.	**	Cabbage rose	۲۹۴، ۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa cinensis</i> Jac.			۲۹۴
Rosaceae	<i>Rosa damascena</i> Mill.	*	Domask rose	۲۹۴، ۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa gallica</i> L.	**	French rose	۲۹۴، ۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa indica</i> L.		Chines rose	۲۹۴
Rosaceae	<i>Rosa lutea</i> Bort. = <i>Rosa foetida</i> Herrm	*	Austrian briar rose	۳۲۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rosaceae	<i>Rosa maiialis</i> Desf.			۲۸۹
Rosaceae	<i>Rosa moschata</i> Herrm.	*	Musk rose	۲۹۰
Rosaceae	<i>Rosa sempervirens</i> L.		Evergreen rose	۳۲۶
Rosaceae	<i>Rosa</i> sp.		Rose	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۹۴
Rosaceae	<i>Rubus fruticosus</i> L.		European blackberry	۲۷۹، ۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus idaeus</i> L.		Red raspberry	۳۴۹، ۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus sanctus</i> Schreb.		European raspberry	۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus</i> sp.		Raspberry blackberry	۲۱۷، ۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus ulmifolius</i> Schott . = <i>Rubus anatolicus</i> (Focke) Fock & Wauss.	*	Elm-leaved blackberry	۳۴۹
Rosaceae	<i>Sanguisorba officinalis</i>	*	Garden carrot	۳۴۹
Rosaceae	<i>Sanguisorba</i> sp.		Bloodroot	۳۴۹
Rosaceae	<i>Sorbus aucuparia</i> L. = <i>Sorbus</i> <i>boissieri</i> Sch.	*		۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus boissieri</i> Schn.	*		۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus domestica</i> L.		Serviceberry; Juneberry	۳۲۸، ۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus Pyrus</i> Crantz			۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus</i> sp.		Mounthain ash	۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus torminalis</i> (L.) Crantz	*	Checker-tree mountain ash	۲۸۶
Rosaceae	<i>Spiraea filipendula</i> L.			۳۴۴
Rosaceae	<i>Thus oxycantha</i> = <i>Crataegus</i> <i>laevigata</i> (Poirot) De Candolle = <i>Crataegus oxycantha</i> L.		Hawthorn; English hawthorn; May flower; whitethorn; haw; quickthorn	۲۷۱
Rubiaceae	<i>Galium aparin</i> L.	*	Catchweed; Catchweed bedstraw ; cleavers	۳۴۲، ۳۱۰، ۲۷۰، ۱۰۰
Rubiaceae	<i>Galium</i> sp.		Bedstraw	۲۱۹
Rubiaceae	<i>Galium verrucosum</i> Spr.			۳۴۲
Rubiaceae	<i>Galium verum</i> L.	*	Yellow bedstraw	۳۰۳، ۳۲۰، ۲۱۹
Rubiaceae	<i>Nauclea</i> sp.			۲۳۰
Rubiaceae	<i>Randia dumetorum</i> L.		Malabar randia	۱۰۹
Rubiaceae	<i>Randia</i> sp.			۱۰۴
Rubiaceae	<i>Rubia cordiifolia</i> L.			۲۳۰
Rubiaceae	<i>Rubia tinctorium</i> L.	*		۳۴۶، ۲۳۰
Rubiaceae	<i>Uncaria gambier</i>		Bengal gambir plant	۲۳۰
Rutaceae	<i>Aegle marmelo</i> Cor.	*	Bael fruit ; Bel golden apple Bengal	۱۶۶، ۸۹، ۸۰
Rutaceae	<i>Amyris elemifera</i> L.		Galangal ; Java galangal ; Galingale	۲۶۶
Rutaceae	<i>Amyris gileadensis</i> L.			۸۶
Rutaceae	<i>Amyris kataf</i> Forsk.			۳۲۰، ۱۷۸
Rutaceae	<i>Amyris myrrh</i> Hafal.			۳۲۰
Rutaceae	<i>Amyris opobalsamum</i>			۲۸۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rutaceae	Amyris sp.		Torchwood ; Balsam shrub	۳۲۰
Rutaceae	Citrus amara Link.		Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
Rutaceae	<i>Citrus aurantifolia Sw . = Citrus aurantium L.</i>	*		۲۷۴ ، ۴۰
Rutaceae	Citrus aurantium Lou.& Auc.	*	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
Rutaceae	<i>Citrus bigaradia Lois . = Citrus aurantium L.</i>	*		۲۸۹
Rutaceae	Citrus limonum Risso		Lemon	۲۷۴ ، ۴۰
Rutaceae	Citrus medica L.	*	Cloza	۲۷۴ ، ۴۰
Rutaceae	Citrus medica Risso	*		۲۷۴
Rutaceae	Citrus medica Risso var. cerata			۳۲۸ ، ۳۱۰ ، ۴۰
Rutaceae	Citrus sp.		Citrus	۲۷۴
Rutaceae	Citrus vulgaris Riss.		Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
Rutaceae	Fagara sp.			۲۲۳
Rutaceae	Ruta graveolens L.		Common rue-herb of grace	۳۳۹ ، ۱۶۸
Rutaceae	Ruta hortensis Mill.			۱۶۸
Rutaceae	Ruta montana L.			۳۳۹ ، ۳۱۴ ، ۱۶۸ ، ۱۰۰
Rutaceae	Ruta sp.		Rue	۱۶۸
Rutaceae	<i>Ruta tuberculata Fisch . = Haplophyllum versicolor Fisch&amp;C.A..Mey.</i>	*		۱۶۸
Rutaceae	<i>Xanthoxylon avicenne DC. = Zanthoxylum piperitum DC.</i>		Aniseseed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise	۲۲۳
Salicaceae	Populus alba L.	*	White poplar	۳۲۶ ، ۱۲۷
Salicaceae	Populus euphratica L.	*	Willows	۲۲۰
Salicaceae	Populus nigra L.	*	Black poplar	۳۲۶ ، ۲۶۴ ، ۱۰۸
Salicaceae	Populus sp.		Poplar	۱۲۷
Salicaceae	Salix acmophylla Boiss.			۱۳۷
Salicaceae	Salix aegyptiaca Forsk.	*	Egyptian willow	۱۳۷ ، ۱۱۰
Salicaceae	Salix alba L.	*	White willow	۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix australior Forbes = Salix excelsa S.G.G.M.</i>	*		۱۳۷
Salicaceae	Salix babylonica L.	*	Babylon weping willow	۳۲۷ ، ۲۲۰ ، ۱۳۷
Salicaceae	Salix balchia			۱۳۷
Salicaceae	Salix caprea L.		Good willow	۱۳۷
Salicaceae	Salix fragilis L.		Brittle willow	۱۳۷
Salicaceae	Salix rosmarinifolia L.			۱۳۷
Salicaceae	Salix safsaf Forsk			۱۳۷
Salicaceae	Salix sp.		Willow-osier	۲۲۰ ، ۳۲۷
Salvadoraceae	Salvadora indica Royle		Niepa bark tree	۴۳
Salvadoraceae	Salvadora persica Gaer.	*	Kikuel oil plant; Mustard- seed	۲۰ ، ۴۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Santalaceae	<i>Osyris alba</i> L.			۳۰۰
Santalaceae	<i>Santalum album</i> L.			۱۹۶
Santalaceae	<i>Santalum</i> sp.		Sandalwood	۱۹۶
Sapotaceae	<i>Mimusops schimperi</i> Hochst. = <i>Mimusops laurifolia</i> (Forssk.) I.Fris			۳۲۹، ۲۶۶، ۷۶
Saxifragaceae	<i>Parnassia palustris</i> L.		Wide-world parnassia	۳۴۹
Saxifragaceae	<i>Philadelphus</i> sp.		Mock orange	۱۷۱
Scrophulariaceae	<i>Anthericum graecum</i> L.			۳۴۳
Scrophulariaceae	<i>Anthericum ramosum</i> L.			۲۲۳
Scrophulariaceae	<i>Antirrhinum asarina</i> L.			۱۲۸
Scrophulariaceae	<i>Antirrhinum majus</i> L.	*	Common snapdragon	۳۰۷، ۳۲۰، ۶۷
Scrophulariaceae	<i>Gratiola officinalis</i> L.		Drug hedge hyssop	۱۰۰
Scrophulariaceae	<i>Linaria elatine</i> Mill.		Sharp pointed fluellin	۳۴۹، ۳۱۹، ۲۶۷
Scrophulariaceae	<i>Linaria spuria</i> Mill.			۳۴۹
Scrophulariaceae	<i>Linaria vulgaris</i> Mill.	*	Butter and eggs	۲۷۷
Scrophulariaceae	<i>Pedicularis tuberosa</i> Vill.			۳۴۴
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia aquatica</i> L. = <i>Scrophularia umbrosa</i> Dumort.	*	Water-betony	۱۲۷
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia chrysanthemifolia</i> L.			۳۴۹، ۱۷۸
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia lucida</i> L.			۳۴۹
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia peregrina</i> L.			۳۰۳
Scrophulariaceae	<i>Verbascum nigrum</i> L.		Black mullein	۹۰، ۳۰۴
Scrophulariaceae	<i>Verbascum plicatum</i> Sibth.			۳۰۴
Scrophulariaceae	<i>Verbascum sinuatum</i> Desc.	*	Mediterranean hrb elder; Danewort	۳۰۴
Scrophulariaceae	<i>Verbascum</i> sp.		Mullein	۳۰۴، ۹۰
Scrophulariaceae	<i>Verbascum thapsus</i> L.	*	Flannet mullen; Great mullein	۳۰۴، ۲۷۰، ۹۰، ۱۷۷
Scrophulariaceae	<i>Veronica officinalis</i> L.	*	Drug speedwell	۲۶۷
Scrophulariaceae	<i>Veronica teucrium</i> L.			۳۴۲
Scrophulariaceae	<i>Vesicaria gnaphaloides</i> Boiss. = <i>Veronica viscosa</i> Boiss.	*		۱۴۰
Solanaceae	<i>Atropa mandragora</i> L.			۳۰۲، ۳۰۰
Solanaceae	<i>Capsicum frutescens</i> L.		Spanish pepper ; Bush red pepper	۲۲۸، ۱۴۲
Solanaceae	<i>Capsicum minimum</i> Rox.			۲۹۷
Solanaceae	<i>Capsicum</i> sp.		Red pepper	۲۲۸
Solanaceae	<i>Datura fastuosa</i> L.			۸۸
Solanaceae	<i>Datura metel</i> L. = <i>Datura</i> <i>innoxia</i> Miller	*	Hindu datura	۲۸۰، ۱۰۹
Solanaceae	<i>Datura stramonium</i> L.	*	Jimso-weed datura	۳۰۲، ۱۰۹
Solanaceae	<i>Digitalis aegyptiaca</i>			۳۴۹
Solanaceae	<i>Hyoscyamus albus</i> L.			۳۰۱، ۸۸



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Solanaceae	<i>Hyoscyamus aureus</i> L.			۳۰۱
Solanaceae	<i>Hyoscyamus niger</i> L.	*	Black henbane sticking-roger	۳۰۱، ۱۹۱، ۸۸
Solanaceae	<i>Hyoscyamus reticulatus</i> L.	*		۸۸
Solanaceae	<i>Hyoscyamus</i> Sp.			۳۰۱، ۳۱۹
Solanaceae	<i>Lycium afrum</i> L.			۳۲۶، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
Solanaceae	<i>Lycium europaeum</i> L. = <i>Lycium edgeworthii</i> Dun.			۲۱۷
Solanaceae	<i>Lycium</i> sp.		Wolfberry; desert thorn	۲۱۷، ۱۲۰
Solanaceae	<i>Mandragora officinarum</i> L.			۳۰۲، ۳۲۰، ۳۰۰، ۲۷۰، ۱۲۲
Solanaceae	<i>Mandragora</i> sp.		Mandrake	۲۷۰
Solanaceae	<i>Mandrgora offiicinarum</i> L.	**		۱۴۹
Solanaceae	<i>Physalis alkekengi</i> L.	*	Strawberry; Alkekengi	۳۰۲، ۲۴۹، ۲۱۰
Solanaceae	<i>Physalis somnifera</i> L.			۳۰۲
Solanaceae	<i>Solanum indicum</i> L. = <i>Solanum indicum</i> L.	*		۷۸
Solanaceae	<i>Solanum melongena</i> L.	*	Garden agg plant	۲۸۳، ۷۲
Solanaceae	<i>Solanum nigrum</i> L.	*	Black nightshade	۳۰۲، ۲۱۰، ۱۰۴
Solanaceae	<i>Solanum sodomum</i> L.			۷۰
Solanaceae	<i>Solanum tuberosum</i> L.	*	Potato	۳۰۲
Solanaceae	<i>Streptosolen</i> sp.			۲۰۷
Solanaceae	<i>Withania coagulans</i> Dunal	*	Cheese-maker; Puneer cardaoms	۲۴۹
Solanaceae	<i>Withania somnifera</i> Dunal.	*	Clustered winter cherry	۸۹
Sparganiaceae	<i>Sparganium ramosum</i> Huds.			۳۴۸، ۳۱۹، ۱۸۱
Sterculiaceae	<i>Cola acuminata</i> Sch. = <i>Sterculia acuminata</i>		Sudan colanut	۱۳۲
Sterculiaceae	<i>Helicteris isora</i> L.	*	Indian screw tree; Isora	۲۰۸
Sterculiaceae	<i>Sterculia acuminata</i> Beauv.			۱۰۸
Styracaceae	<i>Styrax officinale</i> L.		Drug snowbell	۳۲۰، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۰۳
Tamaricaceae	<i>Tamarix articulata</i> Vahl. = <i>Tamarix aphylla</i> (L.)Kay.	**		، ۳۲۶، ۲۰۲، ۰۵۷، ۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix gallica</i> L.	*	French tamarsk	۳۲۶، ۲۰۲، ۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix gallica</i> L. var. mann?			۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix nilotica</i> Ehr & Bung.			۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix orientalis</i> Forsk.			۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix pentandra</i> Pall. = <i>Tamarix ramosissima</i> Led.	*	Five-stamen tamarisk	۲۰۲
Tamaricaceae	<i>Tamarix</i> sp.		Tamarisk	۲۰۲، ۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix tetrandra</i> Guebh.	*	Four stamen tamarisk	۲۰۲
Taxaceae	<i>Taxus baccata</i> L.	*	English yew	۳۰۲، ۱۹۹، ۱۹۰، ۱۶۱، ۱۰۰
Theaceae	<i>Thea sinensis</i> L.		Common tea; chinese tea	۹۹
Thelygonaceae	<i>Thelygonum cynocrambe</i> L.			۳۰۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Thymelaceae	<i>Daphne angustifolium</i> C.Koch = <i>Daphne mucronata</i> Royle	*		۲۷۵
Thymelaceae	<i>Daphne cnidium</i> L.		Rose daphne	۳۵۷, ۲۷۷
Thymelaceae	<i>Daphne gnidium</i> L.			۲۷۷, ۲۵۵
Thymelaceae	<i>Daphne mezereum</i> L.	*	February daphne	۳۵۵, ۲۷۵, ۲۶۱
Thymelaceae	<i>Daphne oleoides</i> Schr.	*		۲۷۵, ۱۶۶
Thymelaceae	<i>Daphne tartonrarira</i> L.			۲۰۹
Thymelaeaceae	<i>Agallochum</i> sp. = <i>Aquilaria</i> <i>agalicha</i>		Aloes wood, Eagle	۵۴
Thymelaeaceae	<i>Aquilaria malacensis</i> Lam.		Agarwood	۲۱۶
Thymelaeaceae	<i>Mezereum officinal</i> C.A.Mey.			۲۷۵
Thymeliaceae	<i>Thymelaea hirsuta</i> Endl.			۲۷۷
Thymeliaceae	<i>Thymelaea mezereum</i> Scop.			۲۷۵
Thymeliaceae	<i>Thymelaea tartonraira</i> Endl.			۲۰۹
Tiliaceae	<i>Grewia bicolor</i> Just.		White Raisin	۲۹۰
Tiliaceae	<i>Grewia populifolia</i> L.			۲۸۹
Tiliaceae	<i>Tilia rubra</i> De. & T.			۱۶۶
Tiliaceae	<i>Tilia silvestris</i> Desf.	*	Little-leaf-linden	۱۶۶
Tiliaceae	<i>Tilia</i> sp.		Lindelofia	۱۶۶
Trapaceae	<i>Trapa natans</i> L.		Water chestnut	۱۱۸
Trilliaceae	<i>Paris incompleta</i> Bieb.		Jorusalem thorn; hore-bean	۲۱۵
Tropaeolaceae	<i>Tropaelum majus</i> L.		Tropae	۲۶۵
Typhaceae	<i>Typha angustata</i> L. = <i>Typha</i> <i>australis</i> Sch.&Th.	*	Narrow-leaved cattail	۳۴۴
Typhaceae	<i>Typha latifolia</i> L.	*	Common cattail	۳۴۴, ۳۱۶, ۲۰۴
Ulmaceae	<i>Celtis australis</i> L.	*	European hackberry	۳۲۸, ۲۷۲
Ulmaceae	<i>Celtis</i> sp.		Haircap moss	۲۸۶
Ulmaceae	<i>Ulmus campestris</i> L.	*	English elm	۳۲۶, ۱۸۶, ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Ulmus effusa</i> Sibth.		Spreading	۱۸۵, ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Ulmus glabra</i> L.	*	Scotch elm; wych elm	۱۸۶
Ulmaceae	<i>Ulmus minor</i> Mill.	*		۲۹۳
Ulmaceae	<i>Ulmus montana</i> With.		Scotch elm; wych elm	۱۸۵, ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Ulmus</i> sp.			۱۸۵, ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Zelkova crenata</i> Spac. = <i>Zelkova carpinifolia</i>	*	Zelkova elm of Siberia	۳۵
Umbeliferae	<i>Athamanta cretensis</i> L.			۱۴۸, ۱۱۸, ۱۰۳
Umbeliferae	<i>Athamanta macedonica</i> L.			۲۶۱
Umbeliferae	<i>Athamanta oreoselinum</i> L.			۲۵۴
Umbeliferae	<i>Athamanta</i> sp.			۳۴۱
Umbeliferae	<i>Bunium bulbocastanum</i> L.			۱۰۸
Umbeliferae	<i>Bupthalmum speciosissimum</i> Ard.			۲۹۵
Umbeliferae	<i>Bupleurum fruticosum</i> L.		Shrub thoroughwax	۳۴۰, ۱۸۲, ۱۲۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbeliferae	<i>Bupleurum rotundifolium</i> Scho.	*	Round-leaved th Round-leave hare's- ear; thoroughwax	۱۲۱
Umbeliferae	<i>Bupleurum</i> sp.		Oxyeye	۱۲۱
Umbeliferae	<i>Cachrys libnotis</i> L.			۳۴۱، ۳۱۰
Umbeliferae	<i>Carum ammioides</i> Benth.			۱۰۰
Umbeliferae	<i>Carum ammioides</i> Benth.			۳۶
Umbeliferae	<i>Carum bulbocastanum</i> Koch.			۲۶۲
Umbeliferae	<i>Carum carvi</i> L.		Caraway	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۶۲، ۲۰۶
Umbeliferae	<i>Carum copticum</i> Ben .= <i>Trachypernum copticum</i> (L.)Link		Ajowan caraway	۳۴۰، ۲۸۹، ۲۶۲
Umbeliferae	<i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook.			۳۴۱، ۳۱۰، ۲۲۷، ۲۰۴
Umbeliferae	<i>Caucalis maritima</i> L.			۳۳۲، ۳۱۱
Umbeliferae	<i>Caucalis orientalis</i> (L.) RE .= <i>Astrodaucus orientalis</i> (L.)Drude			۸۹
Umbeliferae	<i>Chaerophyllum</i> sp.		Chervill	۲۳۲
Umbeliferae	<i>Conium maculatum</i> L.	*	Poison hemlock	۳۰۲، ۳۲۰، ۲۰۱، ۱۹۱
Umbeliferae	<i>Coriandrum sativum</i> L.	*	Coriader	۳۴۰، ۲۰۷
Umbeliferae	<i>Coriandrum</i> sp.		Coriader	۲۰۷
Umbeliferae	<i>Daucus carota</i> L.	*	Wild carrot	۳۴۰، ۱۴۸، ۱۰۳، ۰۳
Umbeliferae	<i>Daucus gingidium</i> L.			۳۳۲، ۳۱۱، ۱۰۳
Umbeliferae	<i>Daucus guttatus</i> Sib. & Sm.			۳۴۰
Umbeliferae	<i>Dorema ammoniacum</i> Don.	*	Bombay sumbul	۳۴۲، ۳۱۰، ۲۹۰، ۰۲
Umbeliferae	<i>Dorema</i> spp.		Sumbul	۰۲
Umbeliferae	<i>Echinophora tenuifolia</i> L .= <i>Echinophora sibthorpiana</i> Guss.	*		۳۴۰، ۳۳۹، ۱۶۰، ۱۱۷
Umbeliferae	<i>Eryngium campestre</i> L.		Snakeroot eryngo	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۹۲، ۸۴، ۰۰
Umbeliferae	<i>Eryngium coeruleum</i> ?			۲۱۰
Umbeliferae	<i>Eryngium creticum</i> L.			۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۲، ۸۴، ۰۰
Umbeliferae	<i>Eryngium maritimum</i> L.		Sea-holly eryngo	۲۶۴
Umbeliferae	<i>Eryngium planum</i> L.			۳۳۷
Umbeliferae	<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.		Common fennel	۳۴۱، ۱۰۳، ۷۸
Umbeliferae	<i>Heracleum spondylium</i> L.		Hogweed cow parsnip	۳۴۱، ۳۱۰، ۲۰۹، ۱۷۲
Umbeliferae	<i>Hippomarathrum libanotis</i> Koch.			۳۴۱، ۳۱۰، ۱۰۳
Umbeliferae	<i>Seseli ammoides</i> L.		Seseli; Meadow	۳۴۱
Umbeliferae	<i>Seseli tortuosum</i> L.			۳۴۰، ۳۱۴، ۲۴۸، ۱۸۲، ۱۶۷
Umbelifetae	<i>Ferula assafoetida</i> L.		Asafetida giant fennel	۳۴۲، ۱۲۱، ۶۰، ۰۱
Umbelifetae	<i>Ferula communis</i> L.		Common giant fennel	۳۴۱، ۲۰۹، ۲۴۰، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula ferulago</i> L.			۳۴۲، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula galbaniflua</i> Boiss. & <i>Bus</i> . = <i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*		۳۴۲، ۲۴۶، ۱۰۱، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*	Galbanum plant	۲۴۶

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbelifetae	<i>Ferula marmarica</i>			۵۲
Umbelifetae	<i>Ferula narthex</i> Boiss.			۶۵
Umbelifetae	<i>Ferula nodiflora</i> L.			۳۱۵
Umbelifetae	<i>Ferula nodosa</i> Benth & Hook.			۳۳۹
Umbelifetae	<i>Ferula opopanax</i> Spreng.			۳۳۹
Umbelifetae	<i>Ferula orientalis</i> L.	*		۳۴۲
Umbelifetae	<i>Ferula persica</i> Willd.	*	Persian asafetida	۳۴۲، ۱۷۳
Umbelifetae	<i>Ferula rubricaulis</i> Boiss.	*		۲۴۶، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula saapenum</i> Polack			۱۷۳
Umbelifetae	<i>Ferula scordosma</i> Benth & Hook			۱۲۱
Umbelifetae	<i>Ferula scowitziana</i> D.C.			۳۴۲، ۱۷۳
Umbelifetae	<i>Ferula sumbul</i> Hook.			۲۵۴
Umbelifetae	<i>Ferula tingitana</i> L.			۳۴۲
Umbelliferae	<i>Aethusa cynapium</i> L.		Fool's-parsley aethusa	۱۹۱
Umbelliferae	<i>Ammi copticum</i> Boiss.			۲۸۹
Umbelliferae	<i>Ammi visnaga</i> (L.) Lam.	*	Bishop's Flower; Visnaga	۳۴۰، ۲۸۹
Umbelliferae	<i>Anethum graveolens</i> L.	*	Dill	۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۴، ۱۱۷، ۹۷
Umbelliferae	<i>Angelica sylvestris</i> L.		Angelika, Echte Brustwurz	۳۴۰
Umbelliferae	<i>Anisum stellatum</i> L.			۷۲
Umbelliferae	<i>Anisum vulgare</i> Gaertn.			۶۷
Umbelliferae	<i>Apium</i> Gr.		Celery	۲۵۴
Umbelliferae	<i>Apium graveolens</i> L.	*	Wihd celery	۳۴۱، ۲۵۴
Umbelliferae	<i>Apium petroselinum</i> L. = <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.		Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc Parsley	۲۵۴
Umbelliferae	<i>Apium vulgare</i> L.			۲۵۴
Umbelliferae	<i>Cicuta virosa</i> L. = <i>Selinum virosom</i> (L.) E.H.L. Krause		European water hemlock ; Wasserschierling, Borstenkraut	۱۹۱
Umbelliferae	<i>Crithmum maritimum</i> L.		Samphire	۳۳۱، ۳۱۱، ۱۵۵
Umbelliferae	<i>Dorema ammoniacum</i> Don.		Gummi-resina ammoniacum	۵۲
Umbelliferae	<i>Feniculum</i> sp.		Fennel	۱۵۳
Umbelliferae	<i>Lagoecia cuminoides</i> L.			۳۴۰، ۲۶۲
Umbelliferae	<i>Laserpitium siler</i> L.			۱۶۵، ۱۱۷
Umbelliferae	<i>Levisticum officinale</i> Koch.	*	Garden lovage	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۵۴، ۲۴۸، ۱۱۷
Umbelliferae	<i>Ligusticum levisticum</i> L. = <i>Levisticum officinale</i>		Lovage	۲۴۸، ۶۵
Umbelliferae	<i>Liserpitium siler</i> L.			۳۴۰
Umbelliferae	<i>Malabaila pumila</i> Rois.			۱۸۸
Umbelliferae	<i>Malabaila secacul</i> Russ.	*		۱۸۸
Umbelliferae	<i>Meum athamanticum</i> Jack			۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۵،
Umbelliferae	<i>Myrrhis odorata</i> Scop. =		Sweet cicely	۳۵۴، ۳۴۰، ۳۲۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Scandix odorata</i>			
Umbelliferae	<i>Opopanax chironium</i> Koch.			۳۳۹، ۱۰۰
Umbelliferae	<i>Opopanax hispidus</i> Griseb.			۳۳۹
Umbelliferae	<i>Passeina hirsuta</i> L.			۳۴۷
Umbelliferae	<i>Pastinaca graeca</i> ?			۳۴۱
Umbelliferae	<i>Pastinaca sativa</i> L.		Garden parsnip	۳۳۰، ۱۸۱، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۰۳
Umbelliferae	<i>Pastinaca schekakul</i> Russ.			۱۸۸
Umbelliferae	<i>Pastinaca secacul</i> Russ. = <i>Malabaila secacul</i> (Miller) Boiss. Susp. <i>Secacul</i>			۱۰۳
Umbelliferae	<i>Petroselinum oreoselinum</i> L. = <i>Peucedanum oreoselinum</i> (L.) Moe.			۲۵۴
Umbelliferae	<i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.	*	Common garden parsly	۲۵۴
Umbelliferae	<i>Peucedanum ammoniacum</i> ?			۳۰۰
Umbelliferae	<i>Peucedanum cervaria</i> L.		Much-good	۳۴۱
Umbelliferae	<i>Peucedanum officinale</i> L.	*	Common hog's- fenel	۳۴۱، ۳۱۵، ۷۴
Umbelliferae	<i>Peucedanum oreoselinum</i> Moench.		Mountain parsley	۳۱۵، ۳۶، ۳۴۱، ۰
Umbelliferae	<i>Peucedanum sativum</i> Benth.			۱۸۱
Umbelliferae	<i>Pimpinella anisum</i> L.		Anise	۳۴۰، ۳۱۴، ۹۴، ۶۷
Umbelliferae	<i>Pimpinella dioica</i> L.			۳۵۴
Umbelliferae	<i>Pimpinella dissecta</i> Polli. = <i>Pimpinella rhodantha</i> Boiss.	*		۳۵۴
Umbelliferae	<i>Pimpinella trgium</i> Vill.			۲۰۲
Umbelliferae	<i>Prangos ferulacea</i> L.	*		۳۴۱
Umbelliferae	<i>Prangos pabularia</i> L.	*	Hay plant	۲۵۴، ۷۲
Umbelliferae	<i>Ptychotis verticellata</i> Duby			۳۶
Umbelliferae	<i>Scandix pecten veneris</i> L.	*	Shepherd's-needle- lady's-comb; Venus's-comb	۳۳۲، ۳۱۱
Umbelliferae	<i>Selinum galbanum</i>			۳۴۲
Umbelliferae	<i>Selinum officinal</i>			۷۴
Umbelliferae	<i>Sison ammi</i> Jac. = <i>Trachyspermum copticum</i> (L.) Lin.	*		۲۸۹
Umbelliferae	<i>Sison amomum</i> L.			۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۰
Umbelliferae	<i>Sium latifolium</i> L.			۳۳۱، ۳۱۱، ۲۵۴، ۲۳۵، ۱۸۲، ۱۰۲
Umbelliferae	<i>Sium nodiflorum</i> L.			۳۳۱
Umbelliferae	<i>Sium sisarum</i> L.	*	Skirret water parsnip	۳۳۰، ۳۱۱، ۱۸۱
Umbelliferae	<i>Smyrniium dioscoridis</i> Spreng.			۳۴۱
Umbelliferae	<i>Smyrniium olusatrum</i> L.			۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۴
Umbelliferae	<i>Smyrniium perfoliatum</i> L.			۳۴۱، ۲۵۴
Umbelliferae	<i>Smyrniium</i> sp.		Alexanders	۱۷۶
Umbelliferae	<i>Thapsia garganica</i> L.			۳۵۰، ۱۶۸، ۱۴۵، ۹۷
Umbelliferae	<i>Tordilium officinale</i> L.			۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbelliferae	<i>Torilis leptophylla</i> Reichb.			۱۹
Umbelliferae	<i>Trachyspermum copticum</i> Link. = <i>Trachyspermum ammi</i> (L.) Sprague			۲۸۹
Umbelliferae	<i>Tragium columnae</i> Spreng.			۳۰، ۳۱۹، ۲۰۱
Umbelliferae	<i>Trodylium ackakul</i>			۱۸۸
Umbelliferae	<i>Cuminum cyminum</i> L.	*	Cumin	۳۴، ۳۱۰، ۲۶۲
Urticaceae	<i>Parietaria cretica</i> L.			۳۰۳، ۱۱۹، ۳۴
Urticaceae	<i>Parietaria diffusa</i> L.			۱۱۹
Urticaceae	<i>Parietaria officinalis</i> L.		Wall pellitory	۳۴
Urticaceae	<i>Parietaria</i> sp.		Pellitory	۳۰۳
Urticaceae	<i>Urtica dioica</i> L.		Big-sting nettle; Sting nettle	۶۰
Urticaceae	<i>Urtica pilulifera</i> L.	*	Roman nettle	۳۰۳، ۲۱۲، ۶۰
Urticaceae	<i>Urtica</i> sp.		Nettle family	۲۳۴، ۶۰
Urticaceae	<i>Urtica urens</i> L.	*	Dog nettle	۳۰۳، ۲۰۰، ۶۰
Uvulariaceae	<i>Uvularia amplexifolia</i> L.			۳۰، ۴۴
Valerianaceae	<i>Nardostachys jatamansi</i> DC.	*		۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Nardostachys sampharitke?</i>			۲۳۸
Valerianaceae	<i>Valeriana celtica</i> L.			۳۲۴، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana dioscorides</i> Sibth.			۳۲۴، ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸
Valerianaceae	<i>Valeriana hardwickii</i> Wal.			۴۶
Valerianaceae	<i>Valeriana jatamansi</i> DC.			۲۸۸
Valerianaceae	<i>Valeriana jatamansi</i> Jone.		Nard	۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana montana</i> L.		Mountain valerian	۲۸۸
Valerianaceae	<i>Valeriana officinalis</i> L.		Common valerian	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana phu</i> L.			۲۸۸، ۲۲۹
Valerianaceae	<i>Valeriana</i> sp.		Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana spica</i> Vahl.			۲۸۸
Valerianaceae	<i>Valeriana tubereuse</i> Sprun.			۳۲۴، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana wallichii</i> DC.		Indian Valerian	۲۸۸
Verbenaceae	<i>Premna latifolia</i> Roxb.			۷۳
Verbenaceae	<i>Tectonia grandis</i> L.		Teca	۱۶۶
Verbenaceae	<i>Tectonia</i> sp.		Teak	۱۶۶
Verbenaceae	<i>Verbena officinalis</i> L.		European verbena	۳۰۱، ۱۰۶، ۷۳
Verbenaceae	<i>Verbena sapina</i> L.			۳۰۱، ۶۹
Verbenaceae	<i>Verbena</i> sp.		Vervain	۳۰۱، ۱۰۶
Verbenaceae	<i>Vitex agnus-castus</i> L. = <i>Vitex Pseudo-negundo</i> (Haus.) Hand-Mzt.	*	Lilac chaste; Agnus castus	۲۹۷، ۲۰۹، ۱۸۰، ۱۷۰، ۱۰۳، ۴۱، ۳۲۷، ۳۱۰
Violaceae	<i>Viola cinerea</i> Boiss = <i>Viola behboudiana</i> Rech.F.&Esf.	*		۱۹
Violaceae	<i>Viola odorata</i> L.	*	Violet ; sweet Violet	۳۰۴، ۱۸۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Violaceae	<i>Viola serpens</i> Wa.			۱۹
Violaceae	<i>Viola</i> sp.		Violet	۱۹
Violaceae	<i>Viola tricolor</i> L.	*	Wild pansy	۱۹
Vitaceae	<i>Cissus</i> sp.		Treebine	۱۷۴
Vitaceae	<i>Cissus vitiginea</i> L.			۳۲۴، ۱۲۴
Vitaceae	<i>Vitis repanda</i> Wight			۱۲۴
Vitaceae	<i>Vitis vinifera</i> L.	*	Eropean grape; Vine grape	۲۰۰، ۲۱۴
Vitidaceae	<i>Saelanthus quadragonum</i> Forsk.			۱۷۴
Zingiberaceae	<i>Alpinia galanga</i> (L.) Will.		Great	۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Alpinia khulanjan</i> (L.) Will.			۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Alpinia officinarum</i> Hance	**	Galangal	۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Alpinia</i> sp.			۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Amomum cardamomum</i> L = <i>Amomum compactum</i> Sol. ex Maton = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton		Tooth pick ammi ; Bishop's-weed	۱۲۴
Zingiberaceae	<i>Amomum granum-paradisi</i> L. = <i>Aframomum granum-paradisi</i> K. Schum			۲۹۶، ۲۳۲، ۱۰۸
Zingiberaceae	<i>Amomum racemosum</i> L.			۱۲۴
Zingiberaceae	<i>Amomum racemosum</i> Lam.			۳۲۴، ۳۰۹
Zingiberaceae	<i>Amomum repens</i> Son.			۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Amomum</i> sp.			۲۹۶، ۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Amomum zerumbet</i> L. = <i>Zingiber zerumbet</i> (L.) Smith = <i>Zingiber officinale</i> Roscoe			۱۶۱
Zingiberaceae	<i>Amomun melegueta</i> Ros = <i>Aframomum melegueta</i> K. Schum.			۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Cardamomum</i> sp. = <i>Elettaria</i> <i>cardamomum</i> (L.) Maton = <b>Amomum cardamomum</b> L.		cardamom	۳۰۹، ۲۳۶
Zingiberaceae	<i>Costus albus</i> A.Chev			۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Costus amarus</i> Rad.			۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Costus arabicus</i> L.			۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Costus speciosus</i> Sm.		Crape Ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Curcuma aromatica</i> Salisb.		Curcuma; Status(es) (compiled from below	۲۰۶
Zingiberaceae	<i>Curcuma caesia</i> Roxb.			۲۰۰، ۱۰۲
Zingiberaceae	<i>Curcuma domestica</i> Valet.			۰۳
Zingiberaceae	<i>Curcuma longa</i> Ra.	**	Common turmeric	۲۷۶، ۲۰۰، ۲۱۰، ۰۵۳
Zingiberaceae	<i>Curcuma</i> sp.		Turmeric	۲۰۰
Zingiberaceae	<i>Curcuma tinctoria</i> Gui.			۲۷۶، ۰۵۳
Zingiberaceae	<i>Curcuma zedoaria</i> Rosc.			۲۰۰، ۱۶۱، ۱۰۲، ۰۵۳
Zingiberaceae	<i>Elettaria cardamomum</i> White & Maton	**	Cardamon	۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Elettaria</i> sp.			۳۰۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Zingiberaceae	Zingiber officinale Rosc.		Common ginger	۳۳۳، ۱۶۴
Zingiberaceae	Zingiber sp.		Ginger	۱۶۴
Zingiberaceae	Zingiber zerumbet Rosc.			۱۶۱
Zygophyllaceae	Fagonia cretica L.			۷۱
Zygophyllaceae	Peganum harmala L.	*	Harmel peganum African rue	۳۳۹، ۳۱۴، ۱۱۶
Zygophyllaceae	Tribulus terrestris L.		Puncture rine	۳۴۸، ۳۱۹، ۱۱۸



## کتابنامه:

### فارسی:

- ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی. قانون در طب، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، چاپ چهارم، انتشارات سروش ۱۳۶۸ هـ - ش).
- ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی. طبیعت، نشر دانش.
- اژدری، اسماعیل. مجموعه طب سنتی، (۱۳۷۰ هـ - ش)، انتشارات باربد مشهد.
- افشار، ایرج. پزشکی سنتی مردم ایران، (۱۳۷۰ هـ - ش).
- امیری، منوچهر. فرهنگ داروها و واژه های دشوار تحقیق در باره کتاب الابنیه عن حقایق الادویه، (۱۳۵۳ هـ - ش)، انتشارات بنیاد فرهنگ.
- امین، غلامرضا. گیاهان داروئی سنتی ایران، (۱۳۷۰ هـ - ش)، موسسه پژوهشهای گیاهان داروئی ایران دانشکده داروسازی دانشگاه تهران.
- انصاری، علی بن حسین معروف به حاج زین الدین عطار. اختیارات بدیعی، (۱۰۲۳ هـ - ق)، آستان قدس رضوی شماره ۱۳۱۰۵.
- بهرامی، حسینعلی. فرهنگ گیاهی، (۱۳۲۹ هـ - ش).
- پارسا، احمد. دارونامه، از نشریات موزه علوم طبیعی، چاپخانه دانش.
- تاج بخش، حسن. تاریخ دامپزشکی ایران، (۱۳۷۵ هـ - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- جرجانی، اسماعیل. خفی علائی، (۵۰۴ هـ - ق)، به کوشش علی اکبر ولایتی، محمود نجم آبتدی انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹ هـ - ش.
- جرجانی، اسماعیل. ذخیره خوارزمشاهی، (۵۰۴ هـ - ق)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- حویزی، عبداللطیف. بیماری ها و درمان گیاهی، (۱۳۷۰ هـ - ش)، انتشارات کتاب آفرین.
- خسروی، سید مهدی. گیاهان داروئی و نحوه کاربرد آن برای بیماری های مختلف در طب سنتی، (۱۳۷۴ هـ - ش)، نشر محمد.

- خلخالی، کاظم. ترجمه طب الرضا علیه السلام و طب الصادق علیه السلام، علامه عسکری، انتشارات رثوف.
- دهخدا، علی اکبر. فرهنگ دهخدا، (۱۲۵۸ هـ - ش)، موسسه لغت نامه دهخدا.
- رجب نیا، مسعود. (ترجمه کتاب) تاریخ طب اسلامی، ادوارد بروان (۱۳۷۱ هـ - ش)، انتشارات علمی فرهنگی.
- رنگچی، غلامحسین. گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی، (۱۳۷۳ هـ - ش)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زاهدی، اسماعیل. واژه نامه گیاهی، (۱۳۳۷ هـ - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- زرگری، علی. گیاهان دارویی، جلد ۱ تا ۵، (۱۳۶۶ هـ - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- زمانی، ساعد. ترجمه گیاهان دارویی، ژان ولاگ، (۱۳۷۶ هـ - ش)، انتشارات ققنوس.
- سزگین، فواد. تاریخ نگارش های عربی، جلد ۳ و ۴، (۱۳۸۰ هـ - ش)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- شمالی، مهرداد. واژه نامه گیاهی، (۱۳۶۹ هـ - ش)، انتشارات عمید.
- صفی پور، عبدالرحمن بن عبدالکریم. منتهی الارب، (۱۳۷۷ هـ - ق)، تهران.
- عطار یزدی، میر حسین. نسخه حکیم طب قدیم، (۱۳۶۹ هـ - ش)، انتشارات جاوید.
- عقیلی علوی، محمد حسین. قرابادین کبیر، (۱۱۸۹ هـ - ش)، انتشارات کتابفروشی محمودی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- کریمی، هادی. اسامی گیاهان ایران، (۱۳۷۴ هـ - ش)، مرکز نشر دانشگاهی.
- مصطفوی، حسن. مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین، انتشارات دانشگاه تهران.
- مظفریان، ولی الله. فرهنگ نام های گیاهان ایران، (۱۳۷۵ هـ - ش)، انتشارات فرهنگ معاصر.
- معین، محمد. برهان قاطع، (۱۳۶۲ هـ - ش)، انتشارات امیر کبیر.
- مومن دیلمی تنکابنی، محمد. تحفه، با مقدمه محمود نجم آبادی، (۱۳۳۰ هـ - ش)، کتابخانه مصطفوی.
- میر حیدر، حسین. گنجینه اسرار گیاهی، جلد ۱ تا ۳، (۱۳۶۳ هـ - ش)، انتشارات وحید.
- میر حیدر، حسین. معارف گیاهی، جلد ۱ تا ۸، (۱۳۷۳ هـ - ش)، نشر فرهنگ اسلامی.
- نجم آبادی، محمود. تاریخ طب در ایران، ج ۱ و ۲، (۱۳۷۵ هـ - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطبا). پزشکی نامه، (۱۳۱۷ هـ - ق)، خط عبد الله قزوینی، تهران.
- هروی، قاسم بن یوسف ابو نصر. ارشاد الزراعه، به اهتمام محمد مشیری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳۷۱ هـ - ش.

هروی، موفق الدین علی . الابنیه عن حقایق الادویه، (۳۵۰ هـ - ق) به تصحیح احمد بهمینار ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۱ .  
 یوسفی، غلامحسین . ترجمه تقویم الصحه ابن بطلان بغدادی، (اوایل قرن ششم) ، انتشارات علمی و فرهنگی.

## منابع غیر فارسی :

### ۱- عربی:

- ابن مراد ، ابراهیم.. المصطلح الاعجمی، ج ۱ و ۲ ، (۱۹۸۵ م)، دار الغرب الاسلامی.  
 اخوینی البخاری، ابو بکر ربیع بن احمد . هدایه المتعلمین، به اهتمام جلال متینی، انتشارات دانشگاه فردوسی ۱۳۷۱ هـ - ش.  
 ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد . الجامع، (۶۴۶ هـ - ق).  
 ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد. تنقیح الجامع ، (۶۴۶ هـ - ق)، دارا لغرب الاسلامی.  
 ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد .تفسیر کتاب دیاسکوریدوس ، (۶۴۶ هـ - ق)، تحقیق ابراهیم بن مراد، دار الغرب الاسلامی ، ۱۹۸۹ م.  
 ابن جزله بغدادی، یحیی بن عیسی . منهاج البیان فی مستعملات انسان ، (۱۱۰۹ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۳۹۹۰.  
 ابن جوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی. الطب النبوی صلوات الله علیه و اله، (۷۵۱ هـ - ق)، دار الفکر.  
 ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی . قانون فی الطب، جلد ۱ الی الرابع، (۴۲۸ هـ - ق) ، موسسه عز الدین ۱۴۱۳ هجری.  
 ابن قریب الاصمعی، ابو سعید عبد الملک . النبات ، (۱۲۸ هـ - ق) ، با تحقیق عبدالله یوسف الغتیم، مکتبه المبتنی شارع الجمهوریه القاهره - ۱۹۷۲ م.  
 ابن مراد، ابراهیم . بحوث فی تاریخ الطب و الصيدله عند العرب ، (۱۹۹۱ م)، دار الغرب الاسلامی.  
 ابن منظور، الافریقی . لسان العرب، (۷۱۱ هـ - ق)، اعداد و تصنیف یوسف الحیاط، بیروت.  
 الاشبیلی، ابی الخیر . عمدہ الطیب فی معرفه النبات ، (قرن ششم هجری)، دار الغرب الاسلامی.  
 ابن محمود، احمد.. مجموعه، (۱۲۷۴ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۶۸۴.

ابن سلیمان، اسحاق . الاغذیه و الادویه، (٣٢٠ هـ - ق)، موسسه عز الدین تحقیق دکتور محمد الصباح.

اسرائیلی قرطبی، ابو عمران موسی بن عبید الله . شرح اسماء العقار، باهتمام ماکی میرهوف، قاهره ١٩٤٠ م .

انطاکی، شیخ داوود . تذکره، (٩٥٠ هـ - ق)، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ١٠٧١٠.

انیس، ابراهیم . المعجم الوسيط، (١٩٧٢ م)، مجمع اللغة العربیه بالقاهره.

بیرونی، ابو ریحان . صیدنه، (٤٤٠ هـ - ق)، با تصحیح عباس زریاب ١٣٧٠.

جزایری، عبدالرزاق محمد بن حمدوش. کشف الرموز فی شرح العقاقیر و الاعشاب، (١١٦٣ هـ - ق) ، دار الکتب العلمیه بیروت.

حایک، میساک. موسوعه النبات الطیبه المعجم ، الاول الی الرابع، (١٩٩٢ م)، مکتبه اللبنا .

خراسانی، سید حسن . طب الامام الرضا علیه السلام، (١٣٨٥ هـ - ق)، منشورات کلیه الحیدریه و مطبعه النجف.

خلیلی، محمد. طب الامام الصادق علیه السلام، (١٣٨٩ هـ - ق)، منشورات کلیه الحیدریه و مطبعه النجف.

خوئی، شافعی یوسف بن اسماعیل . ما لایسع الطیب جهله ، (١٠٦٧ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس، شماره ٥٢١٦.

دینه وری، ابو حنیفه احمد داود بن وند . النبات، (٢٨٢ هـ - ق)، المعهد العلمی الفرنسی لاثار الشرقیه بالقاهره.

رازی، محمد بن زکریا. اسرار و سر الاسرار با تجارب شهریاری، (٢٥١ هـ - ق) ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه ١٣٤٣ هـ - ش.

رازی، محمد بن زکریا. الحاوی، ج ١ و ٢٢ ، (٢٥١ هـ - ق) ، باهتمام شرکت داروسازی الحاوی ١٣٧٢ هـ - ش.

رازی، محمد بن زکریا. خواص الخاص، نسخه خطی آستان قدس، شماره ١٠٣.

رفعت، محمد. الموسوعه الصحیه العلاج بلاعشاب، (١٩٩٥ م)، موسسه عزالدین.

رواجبه، عایده احمد. اسرار الطب العربی و الحدیث، (١٤١٦ هـ - ق)، دار ابن زیدون.

سنکری، محمد نذیر. ابحات المؤتمر السنوی الاولی لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٧٧ م) ، معهد التراث العربی جامعه حلب.

سنکری، محمد نذیر. ابحات المؤتمر السنوی الثالث لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٨٠ م) ، معهد التراث العربی جامعه حلب.

سنکری، محمد نذیر. ابحات المؤتمر السنوی الثانی لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٧٩ م) ، معهد التراث العربی جامعه حلب.

- شبر، عبدالله . طب الاثمه ، (١١٨٨ هـ - ق) ، الارشاد لطباعه و النشر بیروت - لندن .
- شیرازی، قطب الدین . قوانین الطب، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥١٣١ .
- عبد الرحیم، محمد . الاعشاب و النباتات الطیبه و الاغذیه فی تفسیر الاحلام، دارالفکر بیروت ، (١٤١٧ هـ - ق) .
- غالب، ادوار . الموسوعه فی علوم الطیبه، ج ١ تا ٣ ، (١٩٦٥ میلادی)، مطبعه الکاتولیکیه بیروت .
- غسانی، ابوالقاسم بن محمد بن ابراهیم معروف به وزیر . حدیقه الازهار ماهیه العشب و اللعقار ، (٨٩٨ هـ - ق) تحقیق محمد العربی الخطابی ، دار الغرب الاسلامی .
- قیبسی، احسان . الطب العربی المعروف تذکره السویدی ، شرح و تعلیق محسن عقیل ، دار المجتبی بیروت، ١٩٩٥ م .
- کرمانی، حاج محمد کریم . حقایق الطب، (١٢٦٤ هـ - ق)، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ٥١٧٣ .
- مرعشلی، ندیم و مرعشلی، اسامه . الصحاح فی اللغة و العلوم، ج ١ و ٢ ، (١٩٧٤ م) ، دار الحضاره العربیه - بیروت .
- ابن منصور، مهران . الحشایش ، (شرح کتاب دیسقوریدوس) ، (قرن ششم هجری) ، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی .
- میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد . السامی فی الاسامی ، (٦٠١ هـ - ق) ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ١٣٤٥ هـ - ش .
- هروی، محمد بن یوسف . بحرالاجواهر، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥٠٥٠ .
- هروی، محمد بن یوسف . جواهر اللغة (١٢٤٥ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥١٧١ .
- هروی، محمد بن یوسف و ابن علینقی، شریف محمد جامع الفوائد ، فوائد الاخبار، زاد المسافرین (١٢٥٨ هـ - ق) ، نسخ خطی آستان قدس رضوی، شماره ١٠٣١١ .
- یاقوت حموی، شهاب الدین . معجم البلدان، مصر، ١٣٣٤ هـ - ق .

## ٢ - لاتینی :

- CHENALLIER A. 1996. ENCYCLOPEDIA OF MEDICINAL PLANT ,DORLING KINDERSEY.
- CHIEJ ROBERTO. 1982. LES PLANTES MEDICINALES ,GIUSEPPE MAZZA.
- FORSKAL PETRUS. 1775. FLORA EGYPTIACO - ARABICA, HAUNIE.
- GHAREMAN A. 1999. BIODIVERSTYS OF PLANT SPECIES IN IRAN , TEHRAN UNIVERSITY PUBLICATION.
- GHOPRA R.N.& NAYAR S.L.& CHOPRA I.C. 1956. GLOSSARY OF INDIAN MEDICINALPLANTS , COUNCIL OF SCIENTIFIC.

- GUEST E. 1966. **FLORA OF IRAQ**, PUBLISHED BY THE MINISTRY OF AGRICULTURE OF THE REPUBLIC OF IRAQ.
- HASAN KAMAL. 1975. **ENCYCLOPAEDIA OF ISLAMIC MEDICINAL**, GENERAL EGYPTIAN BOOK ORGANIZATION.
- HOOKE & JAKSON. 1895. **INDEX KEWENSIS VOLUM 1 & 2**, OXFORD.
- LAUFER BERTNOLD. 1873. **SINO-IRANICA**, FIELD MUSEUM OF NATURAL HISTORY.
- MACURA P. 1979. **ELSIER'S DICTIONARY OF BOTANY I PLANT NAMES**, ELSIER SCIENTIFIC PUBLISHING COMPANY, AMSTERDAM-OXFORD-NEW YORK.
- MAHDIHASSAN S. 1984. **BAZAR DRUGS AND FOLK MEDICINE IN PAKISTAN**, HAMDARD FOUNDATION PRESS.
- MIKI, HOND, USMNGHANL. 1986. **HERB DRUGS AND HERBALIST**, INSTITUTE FOR THE STUDY OF LANGUAGES AND CULTURES OF ASIA AND AFRICA.
- PANGLOX D. 1987. **MEDICINAL PLANT BANGKOK & THAILAND**, EXHIBITION COMMITTEE.
- PARSA A. 1960. **FLORA DE L' IRANS**, TEHRAN UNIVERSITY PUBLICATION.
- RECHINGER K. 1976. **FLORA OF IRAN**.
- ROBERT T. 1934. **THE GREEK HERBAL OF DIOSCORIDES**, OXFORD.
- TAHMIJAH H. 1983. **WILD PLANTS OF QATAR**, ARAB ORGANIZATION FOR AGRICULTURAL DEVELOPMENT.

# **Matching The Old Medicinal Plant Names With Scientific Terminology**

**Vol 1**

- A History of Medicinal Plants
- The Methodology For Using Ancient Medicinal Plant Texts And Sources
- The Old Medicinal Plant Names
- The Terminology And Old Names in The Identification of Scientific Names For Plants

**by**

**Ahmad Ghahreman**

Professor of Botany Faculty of Science Tehran University

**&**

**Ahmad Reza Okhovvat**

Academic Member of Biology Group Faculty of Science Tehran University